

تذکره نویسی فارسی

در هند و پاکستان

سنت و آداب

متضمن

شرح تذکره‌های شعرائی که در هند و پاکستان بتألیف درآمده است و نام
تذکره‌های فارسی که در خارج از هند و پاکستان تألیف شده و تذکره‌های صوفیه
و علماء و امراء و غیره و کتب تاریخ که در آنها ذکر شعرا رفته است

بمبارش

دکتر سید علیرضا نقوی

۱۳۴۷ هجری شمسی

۱۹۶۸ میلادی



چاپ علی اکبر علمی
تهران

برچیده از کتابخانه دیجیتال هندوستان

<http://dli.iiit.ac.in/>

اهداء

بمات شريف و نجيب و مهمان نواز ايران

سپاسگزاری

نگارنده از الطاف و عنایات آیه مهر و محبت و نمونه کامل اخلاق ستوده ایرانی، آقای دکتر حسین گوپیلی، سرپرست دانشجویان خارجی و مدیر کل نازرسی دانشگاه تهران صمیمانه تشکر مینماید که در طی اقامت اینجانب در ایران از هیچ نوع کمک و مساعدت و راهنمایی دریغ نهرمودید الحق و خود شریف ایشان برای دلگرمی و تشویق دانشجویان خارجی دانشگاه تهران بسیار معتمد است.

فهرست مندرجات

صفحه	سال تأليف	موضوع
يك هفده		تقریظ ار استادوالا مقام آقای دكتر پرویز حابلی پیشگفتار
۲		مقدمه
		فصل اول قبل از تیموریان هند (از ابتدای سلطنت مسلمانها در هند تا تأسیس حکومت تیموریان هند در ۹۳۲هـ)
۵۱		ملاحظات عمومی بر فصل اول
۵۹	۵۶۱۸	۱- لباب الالباب سدیدالدین محمد عومی تقریباً ۵۶۱۸
		فصل دوم تیموریان هند (۹۳۲-۹۳۷هـ)
	(۹۳۲-۱۰۶۸هـ)	قسمت اول - ارمان ناصر شاهجهان
۸۵		ملاحظات عمومی بر فصل دوم قسمت اول.
		۲- روضة السلاطین - مولانا سلطان محمد وحرى
۹۱	۹۳۵-۹۶۱هـ	هروى ۳- حواصیر العجائب مولانا سلطان محمد وحرى
۹۶	۹۶۳هـ	هروى
۱۰۰	۹۷۳-۹۷۹هـ	۴- نهائیس المآثر - میر علاءالدوله کامی قرویسی

صفحہ	سال تالیف	موضوع
۱۰۹	۹۹۶-۱۰۰۰ھ	۵۔ مجمع المفضلا۔ محمد عارف نقائی
۱۱۴	۱۰۰۰ھ	۶۔ مرم آرای سیدعلی بن محمود الحسینی
۱۱۶	۱۲۰۰۲ھ	۷۔ ہمت اقلیم۔ امین احمد داری
		۸۔ خلاصۃ الاشعار و ردۃ الافکار تقی الدین دگری
۱۲۴	۹۸۵-۱۰۱۶ھ	کاشی ۹۔ خلاصۃ الشعرا (منحانہ) مولانا محمد صوفی
۱۳۴	۱۰۱۰-۱۰۲۱ھ	مارند داری و عبداللطیف گجراتی
		۱۰۔ عرفات العاشقین تقی الدین محمد تقی
۱۵۱	۱۰۲۲-۱۰۲۴ھ	اوحدی
۱۶۳	۱۰۱۰-۱۰۲۵ھ	۱۱۔ تذکرہ حرانات؟
		۱۲۔ میخانہ (عشاق) عبدالسیحان و حرالرمای
۱۶۷	۱۰۲۸ھ	عرتی و سی فرویبی
۱۸۶	۱۰۳۴-۱۰۳۵ھ	۱۳۔ تاریخ حہانگیری۔ مطربی سمرقندی
۱۸۷	۱۰۱۴-۱۰۳۷ھ	۱۴۔ مجمع الشعرا ی حہانگیری۔ قاطمی
۱۸۹	۱۰۴۶ھ	۱۵۔ مجمع الشعرا ی حہانگیری۔ محمد صادق
		۱۶۔ حریدہ گنج الہی۔ میر عماد الدین محمود
۱۹۱	۱۰۴۲-۱۰۵۲ھ	الہی ہمدانی قسمت دوم از رمان اورنگزیب تا آغا سلطنت انگلستان در ہند (۱۱۱۹-۱۲۷۴ھ)
۱۹۷		ملاحظات عمومی بر قسمت دوم فصل دوم ۱۷۔ لطایف الحیال۔ شیخ معید محمد بن محمد
۲۰۲	۱۰۷۸ھ	عارف شیرازی نادرانی
۲۱۰	۱۰۹۳ھ	۱۸۔ کلمات الشعرا۔ میان محمد افضل سرحوق
۲۲۰	۱۱۰۲ھ	۱۹۔ مرآت الحیال۔ سیرحان لودی
۲۲۹	۱۱۳۶ھ	۲۰۔ ہمیشہ بہار۔ کشن چند احلام

صفحه	سال تالیف	موضوع
۲۳۱	۱۱۴۱ هـ	۲۱- سفینه بیحر- مبر عظمت اله بیحر
۲۳۶	۱۱۴۴ هـ	۲۲- مقالات الشعراء- قیام الدین حیرت
۲۳۸	۱۱۴۷-۱۱۳۷ هـ	۲۳- سفینه خوشگوی- بدراس داس خوشگو
۲۵۵	۱۱۴۸-۱۱۴۵ هـ	۲۴- یدبصا- میر علام علی آزاد نلگرامی
۲۷۳	۱۱۴۹ هـ	۲۵- تذکره بدرت- علی فطرت عطاء الله بدرت
۲۷۴	۱۱۵۵ هـ	۲۶- گلشنه عبدالوهاب عالمگیری
۲۷۵	۱۱۶۰ هـ	۲۷- بهارستان سخن- میر عبدالرزاق مصحح الدوله
۲۹۳	۱۱۶۱-۱۱۶۰ هـ	۲۸- ریاض الشعراء- علیقلی خان و آله داعستانی
		۲۹- منتخب الاشعار- میرزا کاظم ملقب به
۳۱۰	۱۱۶۱ هـ	مردا علی خان مثلاً
۳۱۵	۱۱۶۱ هـ	۳۰- منتخب حاکم- ملا عبدالحکیم حاکم لاهوری
۳۱۷	۱۱۶۳ هـ	۳۱- تذکره حسینی- مبر حسین دوست حسینی سنهلی
		۳۲- مجمع المعانی- شیخ سراج الدین علیخان
۳۲۲	۱۱۶۴-۱۱۶۳ هـ	آرزو
۳۴۱	۱۱۶۵ هـ	۳۳- تذکره المعاصرین- شیخ محمد علی حرین
۳۷۴	؟	۳۴- سفینه علی حرین- شیخ علی محمد علی حرین
		۳۵- تحفة الشعراء- میرزا افضل سک قاشال
۳۷۸	۱۱۶۵ هـ	اورمک آمادی
۳۸۳	۱۱۶۶ هـ	۳۶- سرو آزاد- میر علام علی آزاد نلگرامی
۳۹۰	۱۱۷۰ هـ	۳۷- سفینه الشعراء ؟
		۳۸- تذکره بیطیر- میر عبدالوهاب افتخار
۳۹۳	۱۱۷۲ هـ	دولت آمادی
۳۹۶	۱۱۷۴ هـ	۳۹- باغ معانی- نقش علی
۳۹۹	۱۱۷۴ هـ	۴۰- تذکره شاعرات- ؟
۴۰۱	۱۱۷۴-۱۱۶۹ هـ	۴۱- مقالات الشعراء- میر علام علی شیر قانع تنوی
۴۱۴	۱۱۷۵ هـ	۴۲- سفینه عشرت- درگاداس عشرت

صفحة	سال تالیف	موضوع
۴۱۵	۱۱۷۵ هـ	۴۳- مردم دیده - ملا صدرا الحکیم حاکم لاهوری
۴۲۵	۱۱۷۶ هـ	۴۴- حرانه عامره - میر غلام علی آزاد بلگرامی
۴۳۷	۱۱۷۰-۱۱۸۰ هـ	۴۵- تذکره الشعراء
۴۴۵	۱۱۸۲-۱۱۸۱ هـ	۴۶- گل رعنا - لچھمی بر این شعیق اورنگ آبادی
۴۴۵	۱۱۸۲ هـ	۴۷- شام عربیان - لچھمی بر این شعیق اورنگ آبادی
۴۴۶	۱۱۸۴ هـ	۴۸- تذکره یوسف علیجان - یوسف علیجان
۴۴۷	۱۱۸۷ هـ	۴۹- مجموعه عشق یا چہار چمن یا ماغ گلہای حسن - شیخ علام محی الدین منٹلا و عشق قریشی
۴۵۰	۱۱۹۴ هـ	۵۰- لب لباب - قمر الدین علی
۴۵۶	۱۱۹۷ هـ	۵۱- ایس الاحیاء مومن لعل ایس
۴۶۳	۱۱۹۸-۱۱۸۷ هـ	۵۲- خلاصۃ الکلام - علی ابراہیم خان حلیل
۴۶۸	۱۱۹۹ هـ	۵۳- عقد ثریا - شیخ علام علی ہمدانی مصحفی امر و ہوی
۴۷۱	۱۱۹۹ ہمدانی	۵۴- تکملة الشعراءى حام حمشيد مولوى محمد قدرت الله شوق
۴۷۷	۱۲۰۵ هـ	۵۵- صحف ابراہیم - علی ابراہیم خان حلیل
۴۸۹	۱۲۰۷ هـ	۵۶- خلاصۃ الافکار - ابوطالب خان اصمہانی
۴۹۴	۱۲۱۶ هـ	۵۷- تذکرہ بونہار - محمد رفیع الدین نقشبندی
۵۰۰	۱۲۱۸ هـ	۵۸- معجون العرايب - شیخ احمد علی ہاشمی سندیلوی
۵۱۱	۱۲۱۹ هـ	۵۹- سمیہ ہندی - بھگوان داس سمل و ہندی
۵۱۸	۱۲۲۲ هـ	۶۰- طبقات سخن - شیخ علام محی الدین قریشی
۵۱۴	۱۲۲۵ هـ	۶۱- تذکرہ کاتب - میرزا محمد علی کاتب صعوی
۵۱۵	۱۲۲۹ هـ	۶۲- ریاض الوفاق - ذوالفقار علی مست
		۶۳- بشر عشق - آقا حسینقلی خان عاشقی
	۱۲۲۴-۱۲۳۳ هـ	عظیم آبادی

صفحة	سأ' قالیف	موضوع
۵۲۱	۱۲۳۹ یا ۱۲۴۵ھ	۶۴- ایس العاشقین۔ کنوردت سگه رحمی
		۶۵- گلدسته کرنا تک۔ علام علی موسی
۵۲۷	۱۲۱۰-۱۲۴۴-۱۲۴۸ھ	رما راییق
۵۲۹	۱۲۵۲ھ	۶۶- محک شعرا۔ محمد صالح شاملوی حراسانی
۵۳۶	۱۲۵۷ھ	۶۷- معراج الحیال۔ وریر علی عبرتی عظیم آبادی
۵۴۵	۱۲۵۸-۱۲۵۶ھ	۶۷- صبح وطن۔ نواب محمد عوث حن اعظم
		۶۹- نتایج الافکار۔ محمد قدرت اله حان قدرت
۵۵۲	۱۲۵۶-۱۲۵۷ھ	گویاموی
۵۵۹	۱۲۶۱ھ	۷۰- سید عدلیب۔ محمد رضا رحم طباطبائی
۵۶۲	۱۲۶۲ تا ۱۲۱۹ھ	۷۱- حدایق الشعرا۔ میرزا امیر بیک امیر بنارس
		۷۲- حریة الشعرا۔ سید علی کبیر المدعو محمد
۵۶۳	۱۲۶۰-۱۲۶۵	میربحان اله آبادی
۵۶۵	۱۲۶۵ھ	۷۳- اشارات پیش۔ سید مرتضی پیش
۵۷۰	۱۲۶۹ھ	۷۴- گلزار اعظم۔ نواب محمد عوث حان اعظم
		فصل سوم از آغار سلطنت انگلستان در هند (۱۲۷۴ھ) تا ۱۳۴۹ھ
۵۷۹		ملاحظات عمومی در فصل سوم
۵۸۲	۱۲۷۴ھ	۷۵- ریاض الفردوس۔ مولوی محمد حسین حان
۵۸۴		۷۶- شمع محفل سخن۔ سید عبداللطیف الطایف حسینی
۵۸۵	۱۲۸۵ھ	۷۷- همت آسمان۔ آقا احمد علی احمد
۵۹۲	۱۲۹۲ھ	۷۸- شمع ایمن۔ نواب سید صدیق حسن حان نواب
		۷۹- نگارستان سخن۔ نواب سید نورالحسن حان
۶۰۲	۱۲۹۲-۳ھ	طیب و نور
۶۰۸	۱۲۹۴-۵ھ	۸۰- صبح گلشن۔ نواب سید محمد علی حسن حان سلیم
۶۱۲	۱۲۹۵-۶ھ	۸۱- روز روشن۔ محمد مظہر حسین صبا گویاموی
۶۱۷	۱۱۹۹ھ	۸۲- احتر تانان۔ ابوالقاسم محتشم
		۸۳- تذکرة الخواتین۔ میرزا محمد رفیع

یازده

صفحه	سال تألیف	موضوع
۶۶۲	۱۳۰۶ هـ	ملک الکتاب شیرازی
۶۶۳	۱۳۰۶ هـ	۸۴- تکمله مقالات الشفراء محمد انراهم مسکین و
۶۲۵	تقریباً ۱۳۰۹ هـ	خلیل
۶۴۰	۱۳۱۱ هـ	۸۵- حدیقه عشرت - کنورد درگا پرشاد مهر سندیلوی
۶۴۳	۱۳۲۸ هـ	۸۶- تذکره الشعراء - محمد عبدالعنی مفرح آبادی
۵۴۷	۱۳۳۲ هـ	۸۷- سخنوران چشم دیده - مولوی ترک علیشاه ترکی
۶۵۹	۴۷۵	قلندر بود محلی فصل چهارم ارسال ۱۳۴۹ هـ تا حال ملاحظات عمومی بر فصل چهارم
۶۲۲	۱۳۵۵-۱۳۵۱ هـ	۸۸- سخنوران ایران در عصر حاضر - الحاج دکتر محمد اسحق
۶۷۷	۱۳۵۲ هـ	۸۹- شعرای عصر پهلوی - دشاخی بهائی ایرانی
۶۷۸	۱۳۷۵ هـ	۹۰- ایران صغیر یا تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر - دکتر حواحد عبدالحمید عرفانی
۶۸۵	۱۳۷۷ هـ	۹۱- تذکره شعرای فارسی زبان پیشاور - دکتر ندیر حسین میرزا برلاس

ملحقات

۶۹۹ ۱۳۸۲ هـ ۹۲- تذکره شعرای یزد - اردشیر حاصع

ضمائم

ضمیمه اول - نام تذکره های فارسی که در هند و پاکستان تألیف شده است

۷۰۹ ولی شرح آن در این کتاب بیامده است

ضمیمه دوم - نام تذکره های فارسی که خارج از شبه قاره هند و پاکستان تألیف

۷۱۳ شده است

ضمیمه سوم - نام تذکره های شعرای فارسی و کتب دیگر که در ایران

۷۳۵ در شبه قاره هند و پاکستان تألیف شده است و احوال بعضی شعرای فارسی را نیز شاملست

دوازده

ضمائم

صفحه

- ضمیمه چهارم - نام تذکره‌های شعرای اردو که در هند و پاکستان برپای
فارسی تألیف شده است و اکثر این شعرا نفارسی هم شعر میسروده‌اند
۷۳۷
- ضمیمه پنجم - نام تذکره‌های اولیا و صوفیه که بسیاری از آنان شعر
می‌سروده‌اند.
۷۴۲
- ضمیمه ششم - نام تذکره‌های علما و فضلا و ملوک و حطاطان و غیره که گاهی
ذکر کسانی را که شعر می‌سرودند نیز شاملست
۷۶۴
- ضمیمه هفتم - نام کتب عمومی که ذکر شعرای فارسی را هم دارد
۷۷۳
- ضمیمه هشتم - نام کتب تاریخ که در آن صغناً ذکر بعضی شعرا هم آمده است
۷۷۷
- ضمیمه نهم - توصیح درباره کتابهایی که بعضی گاهی آرا اشتهاها حرو تذکره
شعرا حساب کرده‌اند
۷۸۴

اضافات

- برگرفته از پارسی سراپان کشمیر - دکتر گه - ل - تیکو پمال ۱۳۴۲ ق
۷۸۹

فهرست منابع

- الف - کتب فارسی
۷۹۹
- ب - کتب اردو
۸۱۱
- ج - کتب عربی
۸۱۳
- د - کتب ترکی
۸۱۳
- ه - کتب هندی
۸۱۳
- و - کتب انگلیسی و فرانسو و آلمانی و روسی و ترکی (بخط لاتین) و عبری
۸۱۴
- فهرست کتب و رجال و اماکن
۸۲۹

علامات اختصاری که در این کتاب بکار رفته است

حلد	ح
حاشیه	ح
رجوع کنید به	ر.ک.
صغر	ص
هجری شمسی - شماره	ش
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم	ص
علیه السلام	ع
-	ی
میلادی - متوفی (سال)	م
هجری قمری	ه
هجری قمری	ه - ق

چهارده

موسسه فرهنگی و ادبیاتی ایران - تهران

تقریظ

از

استاد و الامقام جناب آقای دکتر پرویز ناتل خانداری

وریر محترم سابق فرهنگ و استاد ارجمند دانشکده ادبیات تهران

ایران با سرزمین کهنی که سراسر آن تا حدودی پیش هندوستان خوانده
 میشد پیوندی کهن دارد این پیوند از روزگاری آغار میشود که افراد خانواده هند
 و ایرانی از هم جدا شدند و گروهی در حاک ایران و گروه دیگر در هندوستان
 جا گرفتند پس در دوران هخامنشیان قسمتی از شمال شرقی آرسرزمین به ساهمساهی
 ایران پیوست و در روزگار ساسانیان نیز همین پیوند دوام یافت اما در این زمان
 رابطه علمی و فرهنگی میان دو کشور استوارتر شد و برای آنکه در این باب سخن
 در آرسود همین قدر میگوئیم که داستان بر رویه طیب ورفس او به هندوستان در طلب
 کتاب بیدپای که همان کلیده ودمه معروف است در حکم مثالی است برای نشان
 دادن سوق و علاقه ای که ایرانیان به کتب داس هندی و افزودن آن به گنجینه
 فرهنگ ملی خود داشته اند

با این حال ناید گفت که رابطه فرهنگ ایران با هندوستان پس از اسلام بیس

پایرده

از پیش محکم شده است در این زمان بود که شریعت اسلامی از راه ایران و توسط ایرانیان در آن سرزمین انتشار یافت. بسیاری از سلسله‌های ایرانی، یا ایرانی‌شده، در ولایت‌های آن اقلیم فرمانروائی کردند

گروهی بيشمار از دانشمندان و سخنوران ایران در دربار آن پادشاهان پناه جستند زبان و ادبیات فارسی در آن سرزمین رواج و انتشار یافت تا آنجا که گاهی زبان ادبی و رسمی و درباری شمرده شد

صدها سخنور فارسی زبان دربار پادشاهان هند روی آوردند یا در آن دستگاه بر سرش یافتند که نام بعضی از بزرگترین گویندگان و نویسندگان ادبیات فارسی در میان ایشان دیده میشود از مسعود سعد سلمان و ابوالفرح رومی و سائى عزبوى و نصرالله بن عبدالحمید و امیر خسرو و حواجه حس و عرفى تاصائف و کلیم و طالب و بیدل این سلسله همواره پیوسته بوده است و در زمانهای اخیر برگامی از آن سرزمین بر حاسته‌اند که بر افتخارات ادبیات برمایه فارسی افزوده‌اند و از آن جمله تنها ذکر نام غالب دهلوی و اقبال لاهوری برای اثبات مسدعا کعبایت میکند

باین طریق تاریخ فرهنگ و زبان و ادبیات ایران و هندوستان با هم آمیخته است و این بیوبد معنوی هر گر گسستنی بیست البته ناگفته نباید گذاشت که مهمترین قسمت رابطه ایران همواره با مسلمانان هندوستان بوده است و پس از تقسیم آن سرزمین به دو کشور هند و پاکستان، کشور اخیر از این پیوند آشنائی دیرین سهمی بسیار بزرگتر یافته است

اما اگر ازشیوه خاص شعر فارسی که در آن دیار پرورش یافت بگذریم، نویسندگان فارسی زبان هند و پاکستان در دور مینه بر ادبیات ایران برتری یافته‌اند؛ یکی در امر تدوین و فرهنگنامه و لغت و قواعد زبان فارسی و دیگری در تست احوال و اخبار شاعران فارسی زبان ایرانیان خود باین دو امر توجه سایی نداشته و درباره آن کار چندانی نکرده‌اند و حتی میبوان گفت که تا این اواخر کوشش‌های

شانزده

برادران هندی و پاکستانی خود در این دو رشته آگاهی کافی نداشته‌اند
استقلال آن سرزمین و خصوصاً استحکام روابط مودت میان ایران و پاکستان،
گذشته از فواید مهم دیگر، این فایده عظیم را نیرداشته‌اس که پیوند فرهنگی دو
کشور محکم‌تر شده و با آمدن جوانان دانشمند و دانش‌پژوه پاکستانی به ایران،
ادیبان این کشور بیشتر توانسته‌اند از علائق دیرین فرهنگی که ما را به هم مربوط
می‌کند آگاه شوند.

نمونه و برهان صریح این معنی همین کتاب است که اکنون بدست خوانندگان
میرسد. مؤلف فاضل این کتاب آقای سیدعلی رضا نعوی که از چند سال پیش
در دانشکده ادبیات تهران لدت صحبت و آشنائی با ایشان را یافته‌ام تا این تسلیف
گراسپا تاب کرده‌اند که هر دو در میان برادران پاکستانی ما کسانی هستند که
میتوانند خدمت‌های شایسته‌ای بر بان و ادبیات فارسی انجام دهند

این کتاب جامع که ناشوق و کوشش فراوان تدوین شده و همه نکات دقیق
علمی در تدوین آن مراعات گردیده‌اس برای همه محققان و علاقه‌مندان به
تاریخ ادبیات فارسی سودمند و معتتم است و من خود از آن بهره‌فراوان برده‌ام و در این
مقدمه کوتاه اگر نکته‌ای ناید بیهرایم قدردانی ارهمم و دقت و فضل و احاطه مؤلف
داسمد بر موضوع کتاب است.

آرزو می‌کیم که این محقق دقیق و پرمایه توفیق نیابد که در آینده آثار
گراسپای دیگر نیز درباره زبان و ادبیات فارسی که میراث مشترک دو کشور ایران
و پاکستان است به پژوهندگان دانش و ادب عرصه دارد

دکتر پرویز نائل حائری

اساد دانشکده ادبیات تهران

۱۴/۱۲/۱۳۴۲

پیش‌گفتار

کتاب حاضر اصلاً رساله‌ای بود که نگارنده بعنوان پایان نامه دوره دکتری برای زبان و ادبیات دانشگاه تهران بر اهmannی استاد ارجمند جناب آقای دکتر بروین ناقل جانلری در سال ۴۱-۱۳۴۰ تألیف کرد

علاوه بر زبان فارسی که از اوآن کودکی در بهاد ایبحاب بودیعه بهاده تده بود، دائماً مراد آن میداست که در راه تحصیل این زبان توجه کافی و سعی وافیه میده ل دارم، اما معلی تامدتی نتواستم در این راه بوفیق حاصل نمایم در سال ۱۹۴۹ میلادی یك هیأت فرهنگیه از سوروی وارد باکستان سد و یکی از اعضای آن سام تور سو براده ساعر معروف آن کسور در چندین داستکده و مرکز فرهنگیه سحر ایبها ایراد و شعرهایی بر زبان شیرین فارسی انشاد کرد بحسب اتفاق ایبحاب بیر در بعضی از این جلسات شرکت داستم و با کمال حوشوقتی بی مردم که مطالب آن سحر ایبها را تمام و کمال درك میکنم همین احساس مراد بر آن داش که اطلاعات وسیعتری در این زبان کسب نمایم

در این سووی ودوق فراوان که برای کسب زبان فارسی داستم، نتواستم در مدت سسه کوناهی در امتحان « مشی فاصل » که مسلرم داشتن اطلاعات وسیعی در زبان و ادبیات فارسی است موفعیت شایان توحیهی بدست آورم همچین معلب دستگی فراوان

زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۹۵۵ میلادی در امتحان فوق لیسانس فارسی دانشگاه کراچی در میان کلیه دانشجویان فارسی باحرار مقام اول نائل گردیدم. موفقیت‌های متوالی در امتحانهای فارسی طبعاً موجب شد که عشق من نسبت باین زبان افزوده گردد و اندیشه‌ای را که از دوران کودکی برای مسافرت طالب علمی بایران، یعنی سرزمین فردوسی و سعدی و حافظ، در محیله خود میپروراندم، به مرحله حقیقت بردیشمارم. در همان اوان دانشگاه تهران به پیشنهاد آقای دکتر روستائیان و اسسه اسبق فرهنگ ایران در پاکستان موافقت خود را در مورد اعطای بورس تحصیلی باینجانب اعلام نمود و بدین ترتیب نگارنده فرصتی بدست آورد که آرزوهای خود را در مورد تحصیلات عالی در رشته زبان و ادبیات فارسی حاکم عمل پیوساند و پس از گذراندن امتحانات مربوط در صدد تهیه رساله دکترای فارسی دانشگاه ادیبان برآمد.

حوسبتخانه برادر گرامی، آقای دکتر شهریار بهوی، زوری ضمن صحبت فرمودند که مرحوم پروفیسور سیرانی دانشمند معروف پاکستان را عقیده بر این بود که خدمات دانشمندان هند و پاکستان در زمینه زبان و ادبیات فارسی مخصوصاً در قسمت تألیف فرهنگ و نگاره و تاریخ حاکم باید وسایند باین بیان شناسانده شده است. بنابراین افرادی که بایران اعزام میسوند موظفند که این وظیفه خطیر را تا حد امکان انجام دهند.

از آنجا که آقای دکتر شهریار نیز رساله دکترای خود را در باره « فرهنگ نویسی فارسی در هند و پاکستان » تهیه کرده بودند در انجام این سفارش و تحقیق آرزوی مرحوم پروفیسور سیرانی اینجانب نیز موضوع رساله دکترای خود را « نگاره نویسی فارسی در هند و پاکستان » انتخاب نموده برای تهیه مدارک و مواد آن در سال ۱۳۳۵ ش. پاکستان رفیم و باعدتی منابع و آحادی را که در کتابخانه‌های آن دیار موجود بود مطالعه نموده بایران بازگشتم.

این کتاب در سال ۱۳۴۱ ش از طرف وزارت فرهنگ ایران بچاپ رسیده است.

اتفاقاً در همان ایام، استاد دانشمند، جناب آقای دکتر محمد باقر، رئیس محترم
 فسمب فارسی دانشگاه پنجاب لاهور، که در هنگام مسافرت اینجانب پاکستان
 در راه تهیه مدارك برای این تألیف همه گونه مساعدت و رهنمائی فرموده بودند، نایران
 تشریف آوردند و نظریه مراتب کوشش اینجانب در تحقیق و تتبع که شخصاً
 در پاکستان شاهد آن بودند و همچنین اهمیت موضوع رساله فوق توصیه فرمودند که
 مانند آقای دکتر شهریار رساله خود را بحای دکترای دانشکده ادبیات برای
 دکترای زبان و ادبیات دانشگاه تهران تهیه کنم و بنا بر این پس از گذراندن امتحانات
 مربوط در راه تکمیل و تهیه مدارك رساله خود کوششهای پی گیر عمل آوردم و در مدت
 هفت سال دوبار پاکستان مسافرت کرده کلیه تدکیرهائی را که در کتابخانه‌های
 آن سامان موجود بود بمطالعه در آوردم همچنین از کتابخانه‌های ایران و هند
 اطلاعات مورد لزوم را بدست آورده رساله‌ای در موضوع فوق تنظیم نمودم که ایک
 با تعبیرات و اضافات لازم بعلاقمندان ادبیات فارسی تقدیم میگردد

در کتاب حاضر نگارنده حتی المقدور سعی کرده است که اطلاعات دست اول
 را از مآخذ و منابع موجود بدست آورد و در صورت عدم دسترسی این اقدام را بوسیله
 رفقا که در معاط خارج از ایران اقامت داشتند انجام دهد و در مواقعی که باطلاعات
 خارج از حد امکانات موجود بیار بود، این احتیاج را بوسیله فهرست کتابخانه‌ها و
 کتابهای دیگر بر طرف کرده است این کتاب به یک مقدمه و چهار فصل تقسیم
 شده است. چنانکه از شرح تدکیره‌های هر فصل بر میآید، فصول چهار گانه از لحاظ
 اهمیت و کیفیت مطالب تدکیره‌ها و انواع و سبک نگارش آن نایکدیگر متفاوت و
 مختلفند

در آغار هر فصل از وضع سیاسی و اجتماعی و ادبی آن دوره نا حمال سخن رفته
 و مختصراً سبک انشاء و آرزو و اهمیت آن دوره تشریح گردیده و سپس شرح تدکیره‌های
 هر دوره برداشته شده است

قبل از ورود بدربار احع بمطالب و محتویات تدکیره‌ها شرح حال و آثار

نویسندگان از کتب معتبر و غالباً معاصر آنان پرداخته شده و سعی گردیده است که این اطلاعات هرچه کاملتر و جامع‌تر گرد آوری شود و دیگر احتیاجی بر رجوع بکتب مختلف تذکره و تاریخ و غیره نباشد و با وجود آنکه شرح حال و آثار بعضی از این تذکره‌نویسان مانند آرزو و آراد و حرین و واله بدرار را کشیده است اما این مطلب ارزش آنرا داشته است که هرچه بیشتر و مفصل‌تر درباره آن بحث و گفتگو بشود تا اهمیت و مقام هر یک را در ادبیات فارسی حیا که ساینده و نایسته است نشان داده و حق مطلب را تا آنجائی که امکانات موجود اجازه میداد ادا شود

در موقع بحث درباره تذکره‌ها کوشش شده است که محویات هر تذکره با حصار بیان گردد و مخصوصاً اسامی کسانی که اشعار و شرح حال آنان در این تذکره‌ها مفصل آمده است ذکر شود و مقام و ارزش واقعی هر تذکره اشاره و با نظر بیطرفی درباره آن قضاوت شود

در پایان بحث هر تذکره سعی شده است که صورت اسامی کتابخانه‌هایی که حاوی نسخ خطی تذکره مر نور میباشند ذکر و در صورتی که آن تذکره چاپ شده باشد محل و سال چاپ آن مرقوم گردد همچنین منابع و مآخذ شرح حال هر نویسنده را در پایان هر مقال بیان داشته‌اند اگر اسامی شعرای آن تذکره در فهرست کتابخانه‌ای موجود بود بد کر نام آن فهرست اقدام شده است و در صورتی که اسامی شعرای تذکره مورد بحث در هیچ کتابی یا فهرستی نیامده باشد نگارنده شخصاً یا بوسیله دوستان ارجمند آبراهیه و در پایان بحث آن تذکره ضمیمه نموده ولی در صورتی که فهرست اسامی تذکره‌ای خیلی مفصل بوده ارد کر آن صرف نظر شده است همچنین در آخر کتاب به ضمیمه براردیل آمده است

ضمیمه اول نام تذکره‌های فارسی که در هندوپا کسان تألیف شده است ولی شرح آن در این کتاب نیامده است

ضمیمه دوم نام تذکره‌های شعرای فارسی که خارج از سه فاره هندوپا کسان

تألیف شده است

بیست و یک

ضمیمه سوم نام تذکره های شعرای فارسی و کتب دیگر که بر زبان اردو در شبه قاره هند و پاکستان تألیف شده است و احوال بعضی شعرای فارسی را شامل می‌راند
ضمیمه چهارم نام تذکره های شعرای اردو که در هند و پاکستان بزبان فارسی تألیف شده است و اکثر این شعرا معاصر فارسی هم شعر می‌سروده‌اند
ضمیمه پنجم نام تذکره های اولیاء و صوفیه که بسیاری از آنان شعر هم می‌سروده‌اند

ضمیمه ششم نام تذکره های علما و فضلا و ملوک و حطاطان و غیره که گاهی دگر کسایی را که شعر می‌سرورند نیز شاملست
ضمیمه هفتم نام کتب عمومی که دگر شعرای فارسی را هم دارد

ضمیمه هشتم نام کتب تاریخ که در آن صماً دگر شعرا هم آمده است
ضمیمه نهم توضیح درباره کتابهایی که بعضی گاهی آنرا اشتهاها جرو تذکره شعر احساب کرده‌اند

در حاتم نایسته میدانم که از استادان و سروران گرانقدی که مرا در این کار عظیم رهنمائی و یاری فرموده اند سپاسگزاری کنم
بحسب ارادت برر گوار جناب آقای دکتر پرویز سائل حابری که با راهنمائی بر ارج اینجانب را مشمول عنایات خود فرموده و با کمال گشاده روئی کتابخانه نفیس خود را در اختیار من قرار دادند

دوم از استاد گرامی جناب آقای دکتر دیبج‌الله صفار رئیس محترم دانشکده ادبیات که در همه کارها مرا یاری فرموده‌اند و دیگر از کلیه اولیاء امور دانشگاه تهران که موحناب اعطای بورس تحصیل و اقامت مرا در ایران فراهم آورده‌اند

سوم از استادان گرامی آقایان دکتر محمد باقر رئیس قسمت فارسی دانشگاه

بیسنودو

پنجاب لاهورود کتر علام سرور رئیس قسمت فارسی دانشگاه کراچی ودانشمندوالامقام
حاج آقاي پير حسام الدين راشدي که ار همه گونه راهنمائي لازم در مورد اين
کتاب دريغ فرموده اند

چهارم از استادان معظم حاج آقاي سعيد نيسي ود کتر محمد معين وآقاي
محنتي مينوي واديب محترم آقاي احمد گلچين معالي که به تنها در مواردومواقع
مختلف به اينجانب ارائه طريق فرمودند بلکه با کمال خوشروئي احاره دادند که
از کتابخانه هاي گرابهائيشان استفاده کنم

پنجم ارتمام استادان محترم دانشکده ادبيات که نگارنده ار محصر بر مر گنشان
کسب فيص نموده است

ششم ار برادران عزيز آقايان پروفيسور سيد حسن استاد اداره تحقيقات عربي
وفارسي پته هيد ود کتر صياء الدين ديساتي رئيس اداره باسانشاسي با گپور هند و
د کتر محمد مرسلين استاد دانشکده ادبيات دهلي که در تهيه اطلاعات مورد لروم
ونقل قسمتي ارتد کره ها ار کتابخانه هاي هند همکاري وهمگامي فرموده اند

هفتم ازدوستان داسمد آقايان د کتر حسن سادات باصري وعلیهلي محمودي
بختياری و حليل دوستخواه ومرتضي صرامي وحام مهوس سرخوش و حام مهين
حاحيا پور که در تکميل بعضي مطالب اين کتاب بدل لطف فرموده اند

هشتم اردانشمندان معظم آقايان محمدتقي داشريزوه وعلیهي منروي که
در موارد مختلف ايبحاميرا راهنمائي فرموده اند وهمچنين برؤسا وسایر کارمندان
کتابخانه هاي مجلس و ملی وملك و دانشکده ادبيات وحقوق و مرکري دانشگاه
تهران که دراستفاده ار کتابخانه هاي مر بور بايبحاب کمک فرموده اند

بهم ار آقاي علي اکبر علمي که وسایل حاج اين کتابرا فراهم نموده اند
همچنين ار کارمندان حاجانه علي اکبر علمي مخصوصاً ار آقاي هدايتي که
در چاپ اين کتاب بهايب محاهدت را عمل آورده اند

بیست و سه

در پایان از ایرد متعال مسألت دارم که در راه خدمت بیشتر بر بار و ادبیات فارسی و معرفی فرهنگ ایران مرا موفق گرداند و این سعادت روزی کناد که تاحد امکان بتوانم حق احسانات و عنایات مردم برر گوار ایران را ادا کنم و در تشبید روابط ناگسستی فرهنگی دو ملت بررگ و برادر پاکستان و ایران روز هر روز کوشاتر باشم

سیدعلیرضانقوی

مقدمه

معانی کلمه تذکره

الف- معانی کلمه تذکره در زبان عربی

کلمه تذکره در زبان عربی بمعنی «یاد کردن و یاد آوری و یاد کرد و یاد گار و گذرنامه»^۱ آمده است و هیخوف بمعنی کتابی در شرح حال و آثار رجال نکار برفته است حیثا که حاجی حلیه در کشف الطون جلد اول^۲ هفتاد و هفت کتاب عربی را که اسم آنها به کلمه تذکره شروع میشود ذکر نموده است اما هیچکدام را جمع به ترجمه احوال رجال نیست و همه حاوی معنی «یاد آوری و یاد گار» نکار برفته است باید توجه داشت که در زبان عربی برای کتبی که در ترجمه احوال باسدا اصطلاحات دلیل نکار می رود

۱) **طبقات** - اگر شرح حال رجال در کتابی از روی طبعه به طبعه و نسل به نسل و قریب به نسل باشد آنرا «طبقات» میگویند مادام که طبقات الادب تألیف کمال الدین ابی السراکات در ۱۰۰۰ «فرهنگ تاریخ فارسی» بحسن و بجا چاپ و رازت فرهاد در حاشیه در هکستان سال ۱۳۱۹ ق م با اهتمام استاد مدیح الرمان فروراهن

۲- در کشف الطون «طبع و کالت المعارف» ۱۳۶۰/۵۱/۱۹۴۱ تألیف مصطفی بن عبدالله التمهیر به حاجی حلیه و به کتاب حلیه جلد ۲ ص ۳۸۳-۳۹۳ حاجی حلیه در دلیل کلمه تذکره اسم به کتاب ترکی را هم ذکر کرده است که یکی از آنها تذکره الاولیاء تألیف حواحه پاشا (م ۸۹۱) و قیه هشت کتاب تذکره الشعر امی باشد البته در میان آنها هیچ کتابی با کلمه تذکره شروع نمیشود اما در هر حال معلوم میشود که در ترکی بر مثل فارسی کلمه تذکره بمعنی کتابی در ترجمه احوال نکار برفته است

عبدالرحمن متوفی ۵۷۷ هـ و طبقات الاولیاء تألیف سیح سراج الدین عمر متوفی ۵۸۰۳ هـ و طبقات الشعراء امی همان المصری و اسمعیل بن یحیی الیرینی و غیره^۱

(۳) اسباب - اگر کتابی شرح حال رجال را از روی سنتها و بلدان داشته باشد آن را اسباب میگویند مانند اسباب سمعانی^۲.

(۴) معجم - اگر در کتابی ترجمه احوال رجال از روی المصنف باشد آن را معجم میگویند مانند معجم الادباء تألیف یاقوت حمدوی در قرن هفتم و معجم المؤثرین تألیف شهر رضا کجالی^۳

معانی کلمه تدکره در زبان فارسی

کلمه تدکره در فرهنگهای فارسی معانی دلی آمده است یادداشت و یاد آوردن و یاد دادن (فرهنگ آندراج) کتاب تاریخ حالات و اسعار شعرا (فرهنگ نظام) یادگار و یادداشت و چک مسافر (گذرنامه) و کتابی که در آن احوال شعرا نوشته باشد (فرهنگ فارسی باطم الاطباء) در تمام کتاب ادبی فارسی (عیر ارتد کره دولتساده) و در زبان فارسی کلمه تدکره بمعنی یادگار و یادداشت و یادآوری بکار رفته است و بتدریج در زبان صفویه بمعنی کتابی در شرح حال و آثار شعرا پیدا کرده است.

اگر در باره تحول معنی این کلمه در زبان فارسی مختصراً بجهت سود اولین کتاب فارسی که اسم آن با کلمه «تدکره» شروع میشود «تدکره الاولیاء» تألیف شیخ اجل فریدالدین عطار در اوایل قرن هفتم هجری است که در مقدمه آن

۱- برای ۳۶ کتاب طبقات عربی رجوع کنید به کشف الظنون ج ۲ ص ۱۰۹۵-۱۱۰۸ و برای

۲۹ کتاب طبقات دیگر ر ک ایضاح المکتوب ج ۲ ص ۷۸-۸۰

۲- برای ۳۴ کتاب اسباب عربی رجوع کنید به کشف الظنون جلد ۱ صفحه ۱۷۸-۱۸۰ و

برای ۳ کتاب دیگر اسباب عربی ر ک ایضاح المکتوب ج ۱ ص ۱۳۲

۳- برای ۱۱ کتاب معجم عربی رجوع کنید به کشف الظنون جلد ۲ صفحه ۵۰۸-۵۰۹ و برای

۱۳ کتاب دیگر معجم عربی ر ک ایضاح المکتوب ج ۲ ص ۵۰۸-۵۰۹

دیگر باعث آن بود که چون دیدم که رور گاری پدید آمده است که الخیر شر و
 اشرار الناس احیاء الناس را فراموش کرده اند تذکرهٔ ساختمان اولیاء را این کتاب را
 تذکرهٔ الاولیاء نام نهادم تا اهل حسراں رور گار اهل دول را فراموش نکنند و گوته -
 نشینان و خلوت گرفتگان را طلب کنند و با ایشان رعیت نماید تا در سیم دولت ایشان به
 سعادت ارلی پیوسته گردند^۱

دومین کتاب فارسی که اسم آن با کلمهٔ تذکره شروع میشود رساله‌ای نام «تذکره»
 در آثار و احام تألیف شیخ نصیر الدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲هـ) است که مشتمل است بر بیست
 فصل^۲ از جمله کلمهٔ تذکره بمعنی یادآوری و یاد دادن بکار رفته است

سومین کتاب فارسی که اسم آن با کلمهٔ تذکره شروع میشود و در متن آن نیز
 کلمهٔ تذکره بکار رفته است کتاب تذکره السعرا تألیف امیر دولتشاه سمرقندی سال
 ۸۹۲هـ است که مؤلف در مقدمه کتاب مر نور می ویسد

«تلمه‌ای دین داد آنا و احبار داده اند و ابواب قصص انبیاء بر رخ حلق گساده اند
 سیح عطار که مرقد او اریحین ابوار معطر داد در تذکرهٔ الاولیاء بد بیضاء نموده و
 مورخان دانادر تواریخ و مقامات سلاطین توانا مجلدها برداخته اند و کتابها ساخته
 اند و همچنین در بلاد و مصلح عباد آنچه نایستی است وصال در آن کار چند نموده اند و
 یاد گاری گداخته اند بیب

آنچه مجهول مانده در عالم ذکر تاریخ و قصه سراسر است
 چه آنکه علماء با وجود کمال و فصل بدین افسانه‌چهر قلم زده کرده و
 سر هم می‌رو بیاورده اند و دیگران را اوقات مساعدت کرده و بلکه بصاعت آن دانسته اند
 القصه تاریخ و تذکره و حالات این طایفه را هیچ آفریده از فصلا صبط نموده اگر سطر

۱- رجوع کنید به تذکرهٔ الاولیاء، چاپ چاپخانهٔ مکرری تهران ۱۳۲۲ش یا هجتم محمد

قزوینی ص ۶۵

۲- این کتاب از طرف دانشگاه تهران سال ۱۳۳۵ چاپ شده است

بر وجه صواب درین ابواب نموده آید حتماً که بر وجه صلاح خواهد بود - این شکسته چون از حارون گنجینه معنی این رموز اصعب نمودم و دانستم که این صید از فید صیادان این صنعت حسته و این در روی ارباب طلب بسته است از آنچه سگسته بسته در مده؛ لعمریده و از آن حوشه که از خرمس کرام چیده بودم از تواریخ معسر و اردو او بن اسنادان ماصی و اشعار منقدمین و متاخرین و از رسایل مفرقه و کتب سیر و غیر ذلك تاریخ و مقامات و حالات سعراى برگ که در کرد او بن و اشعار ایسان در اقالیم مشهور و مدکور است جمع نمودم و از عهد اسلام الی یوم ما هذا به تصریح شمه‌ای از تواریخ سلاطین برگ که شعراى نامدار برور گزاران طایفه بوده اند در این تذکره بعلم آوردم و از منشئات اکابر و لطایف اعظم و تحقیق معرفت بلدان آنچه توانستم بصدرا الوسع و الامکان در این تذکره بیاوردن رسانیدم^۱

حسابکه از سطور فوق بر می آید و لسان کلمه تذکره را معنی یادگار و کتابی در شرح حال شعرا بکار برده است

در زمان صعوی و تیموریان هدیر کلمه تذکره بمعنی «یادگار بود کر» و کتابی در شرح حال و نمونه اشعار شعرا هر دو بکار رفته است - مثلاً در کتب زیر کلمه تذکره بمعنی یادگار آمده است

(۱) تذکره ساه طیمه اس صعوی که ساه طیمه اس صعوی (۹۳۰-۹۸۴هـ) در این کتاب شرح حال و بعضی و فایع برمان سلطنت خود را از ابتدای خلوس در روز دوس به ۱۹هـ رحب ۹۳۰هـ نارمان تألیف کتاب (۲) ذکر کرده است و در مقدمه کتاب می نویسد «بجاطر سگسته حظور کرد که از احوال و سرگذشت خود تذکره ای بعلم آورم که از ابتدای خلوس الی یوم ما هذا احوال و وجه دوع گذشته است نارمان در سبیل یادگار در روزگار نماید و دستوراً عمل اولاد ایجاد و احباب سود»^۲

تذکره اعداء اشراف سمرقندی چاپ کتابت فروشی نارانی تهران با اهتمام محمد

۲) تذکره همایون و اکبر که بایرید بیات نیرمایش اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) در ۹۹۹ هـ تألیف کرده و آن کتاب مشتمل است بر وقایعی از ۹۴۹ تا ۹۹۹ هـ از زمان همایون شاه (۹۳۶-۹۶۳ هـ) و اکبر شاه^۱

۳) تذکره الملوك تألیف در حدود سال ۱۱۳۸ هـ مشتمل است بر «دستور العمل هر يك» از باب مباحث در گاه معنی موافق از منہ سلاطین صفویه.

۴) تذکره آندرام محاص در تاریخ حنك بين محمد ساه بادشاه هند (۱۱۳۱-۱۱۶۱ هـ) و بادشاه افشار بادشاه ایران (۱۱۴۸-۱۱۶۰ هـ) میباشد «

۵) تذکره الملوك تألیف یحیی حان میر عسی فرح سیر بادشاه هند (۱۱۲۴-۱۱۳۱ هـ) که تاریخ عمومی هند از زمان فتح هند بدست مسلمانان تا ۱۱۴۹ هـ میباشد^۲

۶) تذکره الحواتین تألیف میر دوستی سال ۹۵۵ هـ که مشتمل است بر اشعار شعرا
۷) تذکره بصرت یا منتجب لطایف الحیال که میرزا محمد صالح حسینی در ۱۱۰۴ هـ تألیف کرده است و آن نیز مشتمل است بر اشعار شعرا .

در این قبیل کتب کلمه تذکره بمعنی یادگار و یادآوری نگارنده است
در تذکره «حجه سامی» تألیف سام میرزا صفوی در ۹۵۷ هـ نیز کلمه تذکره بمعنی
دگر و یادآوری آمده است همانکه مؤلف در مقدمه آن می نویسد

«محققان نماید که این نسخه هر جا که صاحبقران معصوم مذکور میگردند
مراد حضرت شاه ماضی است و هر کجا که صاحبقران مرفوم میسود غرض شاه عالم باد
گیتی ستان است که به معنای دگری السلطان ترل الامان «تذکره» ایشان
مستلزم آمال و اما نیست و سرمایه سعادت دو جهانی^۳

امادر «تذکره بصرت نادری» تألیف محمد ظاهر نصر آبادی در ۱۰۸۳ هـ کلمه
تذکره بمعنی کتابی در شرح حال و نمونه اسعار و سعرا نگارنده است و مؤلف در مقدمه

۱- این کتاب در هند از طرف رایل ایشیا تیک موسساتی آف سگال سال ۱۳۶۰/۱۹۴۱ م

چاپ شده است

۲- تذکره ۴۰۹

۳- تذکره حجه سامی چاپ مطبعه ارمغان تهران ۱۳۱۴ ش

آن کتاب صریحاً کلمه تدکره را حنّین نار به معنی مدکور نکار برده است چنانکه گوید:

«عرض ارتسوید این اوراق اینک سحن سحنان مثل محمد عوفی مؤلف جامع (حوامع) الحکایات به تسوید «تدکره» موسوم به لب الالباب (لباب الالباب) برداحه مشتمل بر اشعار سلاطین و شعرای متقدمین و مرحوم میرعلیشیر (نوائی) در محالس - الفایس و نواب ساهرادگی سام میرراد در تدکره سامی و دولتساز سمرقندی در تدکره الشعرا و ملا صوفی در تدکره موسوم به میحانه و سحانه آنچه سجیدگی و حموق بر گریدگی است در تحقیق حالات اهل نظم بظهور رسانیده اند و بعد از ایشان میرتعی کاشی به نگارش «تدکره» برداحته و الحق داد سعی داده که بر آن مریدی منصور

بعد از زمان صعوی در تمام تدکره هائی که در دوره «رنیدیه» و فاجار تا حال در ایران تألیف شده است کلمه تدکره به معنی تدکره السعرا یعنی کتابی که در آن ترجمه احوال و نحوه اشعار شعرا ناسد آمده است چنانکه در کتب دیل این کلمه صریحاً بهمین معنی نکار رفته است

(۱) آتسکده تألیف لطعلی بیک آدر بیگدلی در ۱۱۷۴ هـ - مؤلف در مقدمه

کتاب می نویسد

«دیوان هر یک از معدومین بدست آمد، نظر دهن ملاحظه و با عنیناد خود آنچه راجح یا فم نویسم و آنچه از کتب ایسان بعلت بصاریف زمان به تحلیل رفته بود در تدکره های مسهور و غیر مسهور شعر ایسان را دیده بار به سان بسبب تمجید و ست کردم این کتاب را تا سکنده موسوم ساحتهم و در فاتر ارباب «تدکره» سابق را در آتس رشک انداحم»^۲

(۲) مجمع الفصحا تألیف رضاقلی خان هدایت در ۱۲۸۴ هـ کلمه تدکره را

۱ - ر ک تدکره نصرآبادی چاپ ارمان تهران ۱۳۱۷ ش

۲ - ر ک آتسکده حساب تهران اردیبهست ۱۳۳۷ ش با هتمام آقای سید حمیر شهیدی

مکرر بمعنی تدکرة الشعرا یعنی کتابی که حاوی شرح حال و نمونه اشعار شعرا باشد آورده است مثلاً در مقدمه میگوید

«هنوز در عجم «تدکرة» جامع این اشعار (بیسب) و کس بر این همب نکرده»^۱

(۳) در ریاض العارفین بیرهدایب کلمه «تدکرة» را بمعنی یادگار و مجموعه احوال و اسعار شعراء هر دو نگار برده است چنان که در مقدمه کتاب مذکور می‌ویسد «بعضی از اصحاب و اعره احباب این فقیر ضعیف بی مقدار را ترعیب و تحریر ص فرمودند که چه باشد که «تدکرة» بجهت تنصیر اهل بصیرت مستمل بر ادواز و اسعار و سلسله طریقت و قایدان حقیقت این طبقه شریعه جمع نماید که طالبان و راغبان طریقه جمع طریقت را از حالات این قوم استحصار و اعتنای و آیندگان را تدکاری از خاکسار حاصل آید»^۲

(۴) همچنین در تدکرة رسجات تألیف سحاح اصمهبانی و تدکرة عبدالرزاق بیک دسلی و تدکرة درویش بوای کاشانی و تدکرة محمدشاهی بواب بهمیرا و تدکرة احمر و تدکرة دلگشا و تدکرة السلاطین و تدکرة صاحبهران یا بوستان خیال تألیف میرمحمد تقی حسین ۱۲۷۹ هـ و تدکرة طلعت تألیف اعتمادمقدم عماد چاپ تهران ۱۳۲۹ س و کتب دیگر تدکرة الشعرا کلمه «تدکرة» بمعنی تدکرة الشعرا نگار رفته است

خلاصه امروز کلمه تدکرة در ادبیات فارسی ایران بمعنی «کتابی محموی شرح حال و نمونه اشعار شعرا» نگار مرود

اما باید توجه داشت که کلمه تدکرة در سه فاره هندو باکستان در این دوره بمعنی کتابی در شرح حال رجال بیر نگار رفته است مانند تدکرة الامرا کیولرام و تدکرة علمای هند تألیف احمدعلی و تدکرة حوسویسان تألیف مولانا علام محمد

۱- ر ک مجمع الفصحا چاپ تهران

۲- ر ک ریاض العارفین چاپ تهران

همه قلمی دهلوی که به ترتیب در شرح حال امراء و علماء و حشوشنویسان میباشد ولی در این دوره در شبه قاره هند و ما کستان نیز تنها کلمه «تد کره» بمعنی تد کره الشعرا بکار رفته است و می رود

تعریف تد کره و منظور از کلمه تد کره در این کتاب

چنانکه در سطور فوق توضیح داده شد طبق اصطلاح ادبی که از زمان رندبه و قاجار علیه یافته است تد کره کتابیست که در آن شرح حال و آثار شاعری با عده ای از شعرا آمده باشد - در این کتاب تد کره نگار به تنها اسعار شعرا را نقل میکند بلکه شرح حال آنها را هم می نویسد و گاهی اسم آثار و تألیفات هر ساعر را در ذیل شرح حال وی ذکر نموده در باره آن محصراً بحث میکند و همچنین در موفع نقل اشعار شعرا گاهی در باره آن نظر خود و دیگران را در باره گوینده آن نیز ذکر میکند

اگر کتابی فاقد شرح حال شعرا باشد و تنها به نقل نمونه اسعار شعرا محدود باشد آن را طبق اصطلاح ادبی تد کره نمی گویند بلکه «بیاض» یا «حسنگ» یا «سینه» می گویند (رجوع شود به «بعضی اصطلاحات مربوط به تد کره» در سطور ذیل)
نظر به تعریف فوق در این رساله کلمه «تد کره» بمعنی تد کره الشعرا یعنی کتابی که حاوی شرح حال و نمونه اسعار شعرا باشد بکار رفته است

بعضی اصطلاحات مربوط به تد کره

در ادبیات فارسی بعضی اصطلاحات بکار رفته است که بطور مستقیم یا غیر مستقیم مربوط به تد کره میباشد و بنا بر این لازم میداند که در باره آن توضیح مختصری در اینجا داده شود

(۱) بیاض - فرهنگ نویسندگان فارسی این کلمه را بمعنی ذیل آورده اند
«از سواد به بیاض آورده و صاف کرده سده (فرهنگ آنندراج) نوشتن با خط واضح روی مسوده - کتاب مستطیلی که در آن ادعیه با اسعار و مطالب متصرفه نوشته شده است - کتابیست که گمانه های که جهت یاد داس در نقل

گداربد، (فرهنگ نعیمی) .

خلاصه بیاض دفتر چه سفیدی است که در آن نویسنده خاطرات خود و ادعیه واحادیث و مرانی و نوحه‌ها و ماده تاریخ‌ها و مطالب دیگر مذهبی و ادبی و غیر ادبی که برای وی حالت باشد می‌نویسد این کتاب را که از طول باز میشود معمولاً از کارهای کاعد درست کرده بصورت دفتر بغلی برای یادداشت مطالب مختلف نگار می‌برد گاهی در بیاض تنه‌ایک کتاب را نقل می‌کرده‌اند .

بیاض اصطلاحیست که نویسندگان ایران و فارسی نویسان کشورهای دیگر چه در قدیم و چه امروز معمول داشته‌اند . اسم بعضی از بیاض‌ها که مجموعه اشعار سعرا بوده حرو و مآحد تدکره های فارسی دکر شده است مانند بیاض صائب (که بعضی آنرا اسماهاً تدکره صائب نوشته‌اند و آن حرو و مآحد تدکره هائی مانند محرن العرایب بوده است) و بیاض میرمعرجان فطرت بنام گلشن فطرت^۱ و بیاض محمدعلی ماهر و بیاض محمددرمان راسخ (که هر سه کتاب اخیر الذکر از مآخذ کلمات السعرا سرخوس بوده‌اند) و بیاض داراشکوه (از مآخذ محرن العرایب) و بیاض میرآراد بلگرامی (از مآخذ نگارستان سخن) و امثال آن

(۲) جنگ - فرهنگ های فارسی معانی این کلمه را به قرار زیر ضبط

کرده‌اند

جنگ بضم اول تتری را گویند که همور آنرا به ریر نار کشیده باشند و بمعنی کشتی و چهار بررگ هم هسو یا این معنی ناحیم فارسی بیر آمده است و بیاض بزرگ راهم گفته‌اند - و نوعی از قمار بیر هست (برهان قاطع) کشتی بررگ و کلان و بیاض بررگ که اشعار گوناگون دارد - سینه بررگ و دیوان السعراء و تدکره آنان (آندراج) . کتاب یا دفتری که در آن مطالب مختلفه (به) خصوص اشعار از

۱ در محرن العرایب اسم این بیاض «گلزار فطرت» آمده است. رک مآخذ محرن -

العرایب در این کتاب

شعراى میکوید نوشته شده باشد در ترکی این لفظ بمعنی کشتی بررک و ریلو و چوپر ضخیم است (فرهنگ بطام) بیاض بررک که اشعار گوناگون و مسائل و حکایات مختلفه و پراکنده در آن نویسد (فرهنگ نفیسی)

در یادداشتهای قزوینی «در دلیل جنگ عبارت ریر آمده است .

« جنگ - بحر کات نامعلوم و شاید جنگ به هندی یا در اصطلاح هندوستانها به معنی سفینه بررک است «سفاین بررک که آرا جنگ گویند» (وصاف ۳۰۱ در مقام صحبت ارهند). پس احتمال قوی دارد که جنگ معروف (بر فرض مصوم بودن اول کلمه مذکور در وصف) بمعنی سفینه اشعار بر از همینجا یعنی در اصطلاح هند آمده باشد که در این صورت جنگ ناین معنی سفینه بعین همین معنی محاری خواهد بود در پشت این تا کرهم چیری ار این معولنه یاد داس کرده ام^۱

باید توجه داشت که کلمه جنگ بصورت « جنگ »^۲ در زبان چینی بمعنی کشتی بررک آمده است و جنگ و احنگ^۳ در زبانهای مالایائی و جاوایی (اندونزی) بمعنی کشتی یا کشتی بررک میباشد^۴.

ظاهراً این کلمه براه هند وارد زبان فارسی شده است و نه اصطلاح ایرانی. فارسی بمعنی کتاب اسب مثل بیاض که در آن مطالب مختلفی مخصوصاً ادبی و عادات آثار نظم و نثر ادبا یاد داشت میکنند . و این کتابها بعلب مستطیل بودن و دربر داشتن همه نوع مطالب مانند کسی که طویل و دربردارنده همه نوع کالا و مردم میباشد اصطلاحاً «جنگ» نامیده میشود

۱- ر.ک . یادداشتهای قزوینی چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۴ ش جلد ۲ ص ۱۷۹

۲- Junk (۳) Ajong , Jong

۳- ر.ک . کتاب هاسر حاسن چاپ لندن ۱۹۰۳

Hobson Jobson by Col . Henry Yule And
A .C Burnell - John Murray , Albemarle St .
London

این اصطلاح ظاهرأ نسبت به بیاض تازه تر است و بهمان معنی بیاض ~~بنا~~ باشد باین فرق که لارم نیست حنگ مانند بیاض ارطول باز شود

ناید ادعان کرد که این اصطلاح بمعنی مجموعه اشعار و آثار ادبا و غیره تنها در ایران معمول بوده و در شعبه قاره هند و پاکستان نه در قدیم هند و نه امروز هیچوقت معمول بوده است و بنا بر این در آن سرزمین مجموعه‌ای بنام « حنگ » ترتیب داده نشده است

حنگهای متعددی در کماجانه های ایران مانند کتابخانه های دانشکده ادبیات و مرگری و مدرسه سپهسالار و مجلس وجود دارد که غالباً مجموعه اشعار و احبار و احادیث و حکایات و غیره میباشد

(۳) سفینه - این کلمه را در فرهنگهای فارسی به معانی دیل نوشته اید « در عرف بیاض را گویند که قطع طولانی یافتند و اعتنا آن در جهت طول بود در حق طول و شبیه بوده کشتی ارعالم تسمیه الشیعی باسم مشه به (فرهنگ آندراج). دفترى که در آن منتحبات اشعار شعرای متعدد باشد که نامهای دیگرش حنگ و بیاض شعراست - دیوان شعرا را هم سفینه شعر گویند چنانچه حافظ گوید :

در این زمانه رفیعی که حالی از حلال است

صراحی می ناب و سفینه عرل است
وجه تسمیه کتاب شعر به سفینه شاید از این بوده که دفتر اشعار منتخب عموماً مستطیل بسوخته بشکل کشتی و ارطول نارمیشده چنانچه حنگ هم در ترکی بمعنی کشتی است و در معنی دفتر نظم و شعر مسح استعمال شده ممکنست وجه تسمیه این باشد که دفتر اشعار منتخب تشبیه به کشتی شده که در آن هر قسم مال التجاره هست (فرهنگ نظام)

در ادبیات قدیم فارسی کلمه سفینه بمعنی مجموعه اشعار و آثار ادبی در چندین کتاب آمده است . اولین کسانی که به ما رسیده و در آن کلمه سفینه بکار رفته دیوان

کمال الدین اسمعیل (متوفی ۶۳۵ هـ) است که شاعر در قطعه‌ای در وصف سفینه شعر، کلمه «سفینه» را در ابیات زیر بکار برده است:

در این سفینه بگه کن چشم معنی بین کی^۱ رشک لعنت مانی و صورت چینیست
سفینه چیست؟ غلط می‌کنم کی^۲ دریائوست
کی^۱ دست عقل را طراف آن گهر چینیست.

سفینها را در بحر دیده‌اند سی سفینه که درو بحرها بود ایست
همچنین در کتاب «المعجم فی معانی اشعار العجم» تألیف شمس قیس راری (میان سالهای ۶۲۳ و ۶۲۸ هـ) در عبارات زیر کلمه سفینه تکرار شده است

(۱) «بعضی اشعار خویش بر «سفینه» کی نجهت او کرده بود می‌نوش
روزی گفت حواحه امام حق نعمت تو شناخته بود و ترا ند بسیار گفته (اس) و
هجوها کرده بر «سفینه» من نوشته. گفتم «سفینه» بیار تا سگرم»^۳
(۲) «وفایده نصیحتی کی از روی سعب با او گفته‌ام این بود کی هجو (و
دشنام) من در عراق و حراسان (بر) گوشه «سفینه‌ها» مشب ما ندده اس»^۴

همچنین در بیت زیر حافظ که در سطور فوق در ردیف معنی کلمه «سفینه» از فرهنگ نظام نقل شده نیز این کلمه تکرار شده است.
در این زمانه رفیمی که حالی از حلال است صراحی می‌داز و سفینه غزل اس
ظاهراً بر عکس آنچه در فرهنگ نظام آمده اس اینجا کلمه سفینه به همان معنی «مجموعه اشعار» تکرار شده اس نه معنی دیوان اشعار

خلاصه سفینه که مانند حسگ معنی لغوی آن «کسمی» اس در ادبیات فارسی
۱- در بعضی کتب قدیم «که» صورت «کی» می‌نوشته‌اند مثلاً ر. ک. المعجم فی معانی اشعار
العجم چاپ دانشگاه تهران با اهتمام استاد مدرس رضوی ۱۳۳۵ ش
۲- ر. ک. مجموعه ده دیوان چستر بیٹی (Chester Beatty) چاپ دلیس
ایرلند با همکاری استاد محترم آقای محسنی میسوی
۳- ر. ک. المعجم چاپ دانشگاه ۱۳۳۵ ش، صفحه ۴۵۱

درست بمعنی «جنگ» نگارفته است

این اصطلاح در ایران و سه فاره هندوستان و کشورهای دیگر فارسی زبان بمعنی فوق نگار رفته است. سینه‌های متعددی در کتابخانه های ایران و پاکستان موجود است البته گاهی نویسنده آن يك دو جمله در معرفی گوینده اشعار برمیآورد مانند سفینه علی حرین (برای اطلاعات بیشتر درباره این کتاب رجوع شود به بحث مفصل آن در کتاب حاضر)

باید توجه داشت که در هندوپاکستان تذکره‌هایی بنام سفینه نوشته شده است که البته منظور نویسندگان آن اصطلاح مخصوص ادبی سفینه بوده بلکه تنها بمناسبت معنوی لغوی آن که کشتی باشد و دارای همه نوع اشیاء و مردم است بمعنی کتابی نگارفته که در آن ذکر اشعار و شرح حال شعرای مختلف میباشند مانند سفینه بیخبر و سفینه السعراء و سفینه حوسگوا

(۴) مرقع - در فرهنگ‌های فارسی معانی این کلمه را بدینترتیب ذکر کرده اند.

کتاب تصویر و حرفه دلق درویشان چه که این هر دو چیز رقع رقع و پاره پاره با هم جمع کرده شده باشد (فرهنگ آندراج) قطعه‌های تصویر که بشکل کتاب جمع کرده شده باشد محاراً قطعه‌های حرس نویسی که بشکل کتاب جمع شده باشد (فرهنگ نظام) ساخته شده آریاره پاره‌های به هم جمع کرده و حرفه و دلق درویشان و کتاب تصاویر و کتابی که از قطعه‌های خطوط مختلف ترتیب داده شده باشد (فرهنگ یسی)

خلاصه مرقع که اسیب الموم باشد که در آن اشعار و تصاویر شعرا و آیات قرآن و پاره‌های شر به خط خوب نوشته باشند گاهی مرقع را با اشعاری یا پاره‌ها بشرحط گویندگان و نویسندگان آن ترتیب داده عکس آن‌ها را نیز در آن میگذارند معمولاً مرقع مربوط به کارهای هنری مانند موه‌های خط خوشنویسان میباشد که آن را از

نظر شهرت حطاطان و بعضی آثار ادبی شعرا و نویسندگان بخط خوب تهیه کرده گاهی حروف و حاشیه آن را تذهیب و ترئین میکنند مانند مرقعی که رکن الدین طغرل بن ارسلان از اشعار شعرا بخط رین الدین و تصویر آنها به علم جمال نقاش اصفهانی در ۵۸۰ هـ ترتیب داده بود و راوندی در آن را در «راحة الصدوره» آورده است همچنین مرقعی که طغر حان ترتیبی متخلص به احسن در زمان نظامت کامل ترتیب داده بود و سر حوس آنرا اشتهاآتد کره نوشته است چنانکه مینویسد

«تد کره اشعار سجنوران که باوی خط آسائی داشته مثل صائب و کلیم و سلیم و قدسی و دانش و میرصدی و سالک یزدی و سالک فروزی و غیرهم که در آن زمان کوس سخنوری مینواختند اذتجان هر کدام بخط او بویسا دیده بر بسب ورق صورت آن معنی - اسخ نیر شب کرده بود يك ورق که بر او شبیه کلیم بود هم بر پیش عیان دیده و صورتش را زیارت کرده ام»^۲

همچنین رجوع کنبدنه مرقعی که حوسگو از شعرای مختلف ترتیب داده بود (رجوع شود به آثار حوشگو در دیل «سینه حوشگوی» در این کتاب)

بعضی اسامی دیگر از این نوع مجموعهها **کشکول** است مانند کشکول سرح بهائی که مجموعه ای از آثار در موضوعات ادبی و عرفانی و تاریخی میباشد و کشکول بهرامی که آثاری در موضوعات متنوع دارد اما جنبه مذهبی آن دستراست و **محالات** بمعنی توره مانند محالات شیخ بهائی و **گراسه** بمعنی مجموعه کوچک مانند **گراسه الهمی** و غیره برهسب که هر يك از آنها مجموعه آثار ادبی و عرفانی و تاریخی و مذهبی و مسائل دیگر میباشد و هیچ نوع تخصیصی از لحاظ موضوع در آنها رعایت نشده است

اهمیت ادبی بیاض و چنگ و سفینه و غیره

باید توجه داشت که بیاض و چنگ و سفینه و غیره بر مانند دیگره در رنده نگهداستن بسیاری از آثار نشر ادبا و اسعار و شعرای فارسی نفس بسیار مهمی را ناری

۱- ر ك . پایان بحث در باره اولین تذکره فارسی در همین مقدمه

۲- ر ك . کلمات الشعرا حباب لاهور ص ۵ و حباب مدراس صفحه ۲

کرده‌اند و میتوان گفت که اگر امروز بیاض و خنک و مجموعه‌های دیگر ادبی وجود
نداشت دبای ادب فارسی از خود بسیاری از آثار گراسهای ادبی فارسی محروم میشد
و همچنین اسم عده ای از نویسندگان و گویندگان آن نکلی در پرده حما
می‌ماند

اماتنها بعض نزرگ این قبیل مجموعه‌ها این است که گرد آورندگان در باره
رنگی نویسنده‌گان آن آثار هیچ نوع شرحی نداده‌اند و در نتیجه غیراراسم آنها اطلاع
دیگری ندست خواننده نمیرسد و البته خواننده‌ای که بمطاب حالت و مهمی در این
قبیل مجموعه‌ها پرمی‌خورد علاقه پیدامیکند که اطلاعات بیشتری در باره نویسنده یا
گوینده آن را ندست آورد و چه‌سا گرد آورنده چه بین مجموعه‌ها که با نویسندگان و
سعرائی که آثار آن در این مجموعه‌ها آمده‌است معاصر و هم‌زمان و حتی گاهی از
بردیك آشنا بوده و یا وسایل کافی دیگر برای شناساندن و معرفی آنها در اختیار داشته
است اما بعلت تساهل یا عدم توجه، این نکته مهم هیچ شرحی در باره این شعرا و نویسندگان
نداده‌است. البته در اکثر موارد این نقیصه نامر احعه نه‌تد کرده‌ها و تواریخ رفع می‌گردد
اما در مورد شعرا و نویسندگان که ذکر سار در هیچ تذکره و تاریخ دیامده خواننده
نکلی بی اطلاع می‌ماند

اولین تذکره فارسی

قدیم‌ترین کتابی در ترجمه احوال و نمونه اسعار شعرا که ما امروز در باره آن
اطلاع داریم لباب الالباب تألیف سدیدالدین محمد عوفی است و خود عوفی بر در پایان
فصل دوم مقدمه الکتاب ادعا کرده‌است که لباب الالباب اولین کتاب در طبقات شعرای
فارسی می‌باشد چنانکه می‌گوید .

«سك ريب كه در این سیوه در طبقات شعرای عرب چند تألیف ساخته‌اند .. و لکن
در طبقات شعرای عجم هیچ تألیف مشاهده دیده‌تاده و هیچ مجموعه در نظر نیامده‌است »
اما باید توجه داشت که دو کتاب دیگر سیه نه‌تد کرده قبل از لباب الالباب
عوفی تألیف شده‌است یکی مناقب السعراء تألیف ابی‌ظاهر الحاتونی که در اواخر

قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری میرسته است و دیگر چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی که در حدود ۵۰۵۰ تألیف شده است .

مرحوم پروفیسور پراون عقیده داشت که قبل از لباب الالباب چند تذکره دیگر نیز به فارسی نوشته شده و ایسکه «مناقب الشعراء» کتاب تذکره شعرا بوده است چنانکه در مقدمه مجلد دوم لباب الالباب (مقدمه مصحح) در ذیل بحث درباره این کتاب مینویسد «عزت این کتاب لباب الالباب در این است که در این فن تقریباً یادگار و وحید است اگر چه قبل از این چند تذکره های دیگر در احوال و مآثر شعرای فارس نوشته شده از قبیل مناقب الشعراء ابوظاهر حاتونی و غیره ولی اکثر آنها دستخوش حوادث و پایدالی مرور زمان گشته الا کتاب چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی که در اوایل قرن سادس نوشته شد و در ۱۳۰۵ در دارالخلافت طهران مطبوع گردید در آن کتاب هم اگر چه ضمناً از گروهی از مشاهیر شعرای متقدمین دگری رفته است ولی مقصود اصلی مؤلف غیر از آن بوده است بخلاف کتاب لباب الالباب که اصل مرام مؤلف همین بوده است که حتی المقدور از شعرای مشهور دگری و ارا فکران کار و منتخب اسعار ایسان بر سیل نموده یادگاری در صحایف کتاب بجا گذارده»^۱

اما نباید ادعا کرد که مناقب الشعراء تذکره الشعراء بوده است و تا آنجا که ما اطلاع داریم هیچ کتاب قبل از لباب الالباب در این موضوع یعنی شرح حال و نموده اشعار شعرا نوشته نشده است

دولتساز که لباب الالباب را ندیده بود و از وجود آن نیز اطلاعی نداشت (و در این هیچ سکی نیست چون اگر وی لباب الالباب را ندیده بود افلا میتوانست از مطالب آن اسفاده کند و تذکره او بر از اعلاط و استباهات مختلف که تذکره عوفی از آن نازک است نمیسد) در مقدمه تذکره خود ادعا میکند که تاریخ و تذکره و حالات شعرای فارسی را هیچ آفریده از فصلا صبط نموده است باید توجه داشت که خود دولتساز در دو مورد از «مناقب الشعراء» نقل کرده است - ما برای اگر مناقب الشعراء

۱- ر ک لباب الالباب چاپ لیدن ۱۹۰۳ میلادی مقدمه مصحح

تذکره شعرا بود دولتشاه این ساقص واصحرا بین قول و فعل خود مرتکب نمیند
 طاهراً مناهب الشعراء مجموعه حکایات ادبی راجع به محاصرات و مشاعرات شعرا و
 منتحیاتی از اسعار آنان بوده است

کتاب دیگر شبیه به تذکره یعنی چهارمقاله نظامی عروضی بیر کتاب تذکره
 بوده اسحناکه قول پر و سوز بر اذن در باره آن در سطور فوق نقل گردید
 اولاً معصود مؤلف بیان دستور العمل روتار چهار طایفه از خواص بادشاه یعنی طرز کار
 دیرو شاعر و محم و طبیب و جمع آوری حکایات حالی در باره دیران و شعرا و
 منجمان ز طیبان بوده بعد کراحوال زندگی شعرا و نقل منتحیات اشعار آنان که
 شرط اول تذکره الشعراء میباشد، باباً از جمله چهار مقاله کتاب مؤلف تنها یک
 مقاله (مقاله دوم) را برای ذکر «علم ماهیت شعر و صلاحیت شاعر» و حکایاتی راجع به
 بعضی شعرا مخصوص کرده است و این حکایات تنها به بعضی احوال زندگی شعرای
 مذکور اشاره میکند و شرح حال این شعرا را کاملاً بیان نمیکند چنانکه یکی از
 لوازم تذکره الشعراء میباشد .

در اینجا باید اضافه کرد که عوفی در پایان مقدمه باب دوازدهم (جلد دوم)
 اشاره کنایی کرده است که ممکن است برای خواننده موجب اشتباه گردد
 چنانکه مینویسد

«تمام این افاضل را احل محترم مجدالدوله والدین سید الافاضل والکتاب
 دام فضله در دیوان ذکر کرده است و اشعار ایشان تمام و کمال آورده».

اما این «دیوان» مجدالدوله بیرحتماً کتاب تذکره الشعراء بوده و محتملاً
 مستمل بر منتحیات اشعار شعرا بوده است چون اگر موضوع این کتاب ترحمنا احوال
 شعرا و نمونه اشعار آنان بوده عوفی در مقدمه کتاب خود (چنانکه در سطور فوق
 گذشت) ادعا نمیکرد که کتاب الاغانی در این موضوع بفارسی اولین کتاب است

همچنین محمد بن علی بن سلیمان راوندی در «تراجمه الصدور» در دلیل سبب تألیف

کتاب خرد می نویسد

«درشهر سنه تمایز و خمس مایه خداوند عالم رکن الدینا والدین طغرل بن ارسلان راهوای مجموعهئی بود ارشعار. حال دعا گوی رین الدین مینوش و حمال نقاش اصعبانی آنرا صورت میکرد. صورت هر شاعری میکردند و در عمش شعر میآوردند و مصاحکی چند میبوشتند و آن حکایت را صورت رقم میکردند و خداوند عالم مجلس بدان می آراست و بلفظ طبع مصاحکی چندها ساختی آنرا «غیبی» خوانندی و بعضی مسموعات را «حیسی»^۱

بعقیده بعضی کتاب مشارالیه قدیم ترین تدکره ای است که در آن زبان داریم اما چنانکه ارسطور فوق و اصح و لایح است کتاب مر نور ناصطلاح ادبی «مرفوع» بوده نه تدکره زیرا در آن کتاب تصویر چند شاعر را کشیده و در شب تصویر هر شاعر شعر و مصاحکی چند در آن شاعر نوشته اند

نظر بدلائل قوی باین نتیجه میرسیم که کتاب الالاب قدیم ترین تدکره فارسی است که امروز در آن سراغ داریم

اهمیت تدکره های فارسی

تدکره های فارسی از چندین نظر دارای اهمیت و ارزش میباشد که بعضی از آن در سطور زیر خلاصه میگردد.

۱- تدکره ها در رنده نگه داشتن اسم بسیاری از شعرا و اسعار آسان بخش مهمی را باری کرده است و اگر امروز کتب تدکره و خود بنام ما از عده کثیری از شعرائی که در کتب دیگر نیامده است بیخبر و آنا را با نام کلی محروم بودیم مثلاً اگر کتاب کتاب الالاب نبود ما از خود اکثر شعرای قدیم مخصوصاً از قرن سوم و چهارم بی اطلاع بودیم چون به تهادیوان و آثار مطوم بسیاری از آن امروز بخانمانده بلکه حتی اسم اکثرشان نیز در کتب و تاریخ و آثار شعرای متأخر ذکر

سند

۲ - در مورد شرح حال شعرا غالباً تنها مآخذ اطلاع مانند کربها میباشند چون اکثر مورخین در موقع شرح وقایع سیاسی زمان سلاطین و پادشاهان و کارهای نمایان که آنها انجام داده‌اند در کتاب تاریخ یا اصلاً ذکر کرده‌اند و شعرای معاصر سلاطین و پادشاهان مذکور یا آورده یا تنها به ذکر اسامی شعرا یا چند بیت یا قصیده‌ای که آنها در مدح سلاطین سروده و یا در مواقع مخصوص ساخته بودند اکتفا کرده‌اند و سبب شرحی درباره گوینده چنین اشعار در کتاب خود آورده‌اند. البته شاید فراموش کرد که بعضی از کتاب تاریخ در ضمن وقایع زمان سلاطین به تنها اشعار شعرای معاصر آنها نقل کرده بلکه حتی گاهی شرح حال عده‌ای از آنها را در فصل علیحده‌ای آورده‌اند مانند مآثر رحیمی و مستحب التواریخ و سیر المأخرین و غیره

۳ - بعضی تدکیره‌های عمومی اشعار شعرای منقذم و متأخر هر دور شاملسب و نامرا حعه به این تدکیره‌ها خواننده میتواند اطلاعات مفیدی در باره سیر و تحول شعر فارسی را از قدیم تا زمان تألیف کتاب دست آورد این قبیل تدکیره‌ها برای تدوین و ترتیب تاریخ شعر فارسی بسیار لازم میباشد مانند لب الالباب و عرفات العاشقین و خلاصه الاسعار و ریاض الشعراء و مخزن العرایس و العاشقین و گل رعنا و خلاصه الافکار و امثال آن

۴ - گاهی برخی از تدکیره نگاران در دلیل شرح حال شعرا در ضمن بیان وضع سیاسی دوره‌شان به بعضی وقایع مهم تاریخی بمراسره میکنند تا بشرح آن وقایع میپردازند که بعضی محققان از قلم مورخان افتاده یا در کتاب تاریخ باین شرح و بسط ذکر شده است و چون آن وقایع را تدکیره نگار چشم خود دیده و در تدکیره خود ثبت مینماید بنا بر این ارس و اعتبار آن بیانات فوق العاده زیاد میباشد. مثلاً اطلاعاتی که مسیر علام علی آراد در «حرا به عامره» در دلیل شرح حال بعضی از امرای معاصر آورده است یکی از مآخذ اصیل و فوق العاده مفید برای بی بردن به وضع تاریخی و سیاسی آن دوره میباشد و هم چنین حریر در «تدکیره الاحوال» و والده در «ریاض الشعراء» در ضمن شرح حال خود بعضی وقایع سیاسی زمان خود را بیان کرده‌اند که از حیث تاریخی از مآخذ اصیل و بسیار

مفید می‌باشد

۵) بعضی تدکرها در دلیل شرح حال شعر اساره بوضع اجتماعي رمان ایشان میکنند و همچنین بعضی از حکایات و لطایفی که در تدکرها آمده است گوشه‌ای از آداب و رسوم آن دوره را بیان میدارند و حتی بعضی نکات محمول و مهم اجتماعي آن عهد را روشن می‌سازند

۶) بعضی از تدکرها بدست ادبای نام‌آور و شعرای ماهر تالیف شده که در ضمن شرح حال یا نقل اشعار برخی از شعرا درباره مقام ادبی آنها یا اهمیت بعضی اشعارشان اظهار نظر میکنند و این قبیل عقاید و نظریات در تعیین پایه علمی و ادبی شعرای مدکور خیلی کمک و راهنمایی میکند مثلاً آرزو که یکی از بواع دوره آخر تیموریان هند بوده در تدکره «مجمع العایس» نظرهایی درباره شعرا یا اشعار آنان داده است که از لحاظ بعد ادبی خیلی مفید و ارزنده می‌باشد

۷) گاهی برخی از تدکرها نگاران در ضمن نقل اشعار ساعری بعضی از اشعار ساعری را شرح داده‌اند و نظر بر آنکه بعضی از این نویسندگان به تنها شعر میسروده بلکه در درک معانی و مطالب اشعار بپردازای استعداد کافی بوده‌اند این قبیل شرح اشعار بعضی نکات مهم را روس و اسکالات آنرا مرتفع می‌سازد (مثلاً رجوع شود به «حراب عامره»)

۸) بعضی تدکرها نگاران صاحب ذوق سر تا سر دیوان بعضی شعرا را با دقت مطالعه کرده و اشعار خوب آنها را انتخاب نموده و گاهی هر از آن بیت این شعرا را در تدکره خود بس کرده‌اند، در این کسایب که تنها اشعار خوب شعرا را می‌جوازند دیگر احتیاج به دیوان شعرا ندارند و تنها به مطالعه تدکره‌های هر بورا کتفا می‌نمایند ما بد خلاصه اشعار تمامی کاسی و خلاصه اشعار (= بیخانه تألیف محمد مصوفی مارندرابی)

۹) غالب تدکرها بوسه اشعار و شرح حال مفصل خود را در تدکره‌های خود آورده‌اند در صورتیکه شرح حال مفصل اکثرشان را نمیتوان از کس دیگری بدست آورد و همان خود بوده و سایرین اگر بدکره‌های آنها مرور

صاحبان داده بود ما به تنها از اشعار و شرح حال بسیاری از شعرائی که در این تذکره‌ها ذکر شده‌اند محروم می‌شدیم بلکه حتی نمی‌توانستیم شرح حال و نمونه آثار مفصل نویسندگان آنها را هم از حای دیگر بدست آوریم

(۱۰) بعضی از تذکره نگاران در موقع نقل اشعار و شرح حال شعرا از بعضی کتب تاریخ و تذکره و دیوان و غیره اسعاده کرده‌اند که امروزه این رفته است مانند تذکره حیات الشعراء متین کشمیری از مآخذ گل رعنا و حرا به عامره و نگارستان سخن و اختر تابان و تذکره منیر لاهوری از مآخذ صحبا پراهمیم و شام غریبان از مآخذ اختر تابان و نگارستان سخن و مسایح الافکار و آفتاب عالم‌تاب و حواهر رواهر و خربط حواهر و تذکره باع ارم و تذکره (حواهر) پی زری و نشر عم از مآخذ اختر تابان و امثال آن است. برای تذکره‌هایی که مطالبی از این کتابها نقل و اقتباس نموده‌اند برای خوانندگان امروز که بهیچوجه دسترسی به مآخذ از میان رفته آنها ندارند دارای اهمیت و ارزش فراوان می‌باشد

(۱۱) عده‌ای از تذکره نویسندگان بر بعضی اشعار شعرا ایراد گرفته یا آنها را اصلاح نموده‌اند. اگر این ایرادات صحیح و حالی از عرض و تعصب باشد در بعضی مقام ادبی سعراى هر نور اهدیت خاصی دارد (مثلاً رجوع شود به «مجمع النقایس» آرزو و «حرا به عامره» آراد و «معدن الحواهر» مولوی محمد مهدی و اصم و «گلزار اعظم» نواب اعظم)

(۱۲) برخی از تذکره نگاران اشعار شعرائی را با اشعار دیگران مقایسه نموده و همچنین در موقع نقل اشعارشان اشعار دیگری را که در همان معنی یا درینش و قافیه سروده‌اند نیز نقل کرده‌اند (مثلاً رجوع شود به حرا به عامره و سعیه خوشگویی و تکمله مقالات الشعراء و گلزار اعظم و غیره)

(۱۳) در بعضی تذکره‌ها نویسندگان آن حکایات حالی در باره شعرا و ملوک و امرا نقل کرده‌اند که غالباً در کتب تاریخ و غیره بیان شده است. این حکایات بعضی گونه‌های زندگی این شعرا و ملوک و امرا را روشن می‌سازد که در صورت نبودن این حکایات تاریخ و مفهوم می‌ماند (مثلاً رجوع شود به خلاصه الاسعار و تذکره حسینی و سعیه

حوشگویی و مجالس العشاق و غیره).

در اکثر موارد این حکایات از حای دیگر اقتباس شده است اما نویسندگان غالباً
 مآخذ اطلاعات خود را ذکر نموده اند. بنا بر این در مورد شعرای قدیم تر نمیتوان با قوال
 تذکره نگاران اطمینان کرد، مثلاً اکثر حکایات «حلاصة الاشعار» تفی کاسی (و مجالس -
 العشاق تألیف سلطان حسین بایقرا) در باره عشق و عاشقی شعرای نامعسر و طاهرا مجعول
 میباشد اما حکایاتی که آنها در باره معاصرین خود آورده اند اعسار نسبا بیشتری دارد و
 میتوان این بیانات و روایات را قبول کرد.

۱۴- چون بعضی مردم صاحب ذوق تنها با داشتن مجموعه ای از اشعار خوب شعرای نا
 شرح حال مختصر گویند گان آن علاقه مند میباشند و اکثرشان فرصت کافی برای مطالعه
 دیوان شعرای بدارند یا دیوان شعرادر دسترسشان نیست، بنا بر این غالب تذکره ها و سایل
 سرگرمی آنها را فراهم میآورد و احتیاج آنها را رفع میسازد.

شرایط تذکره نگاری

تذکره نگاری مستلزم شرایطی است که در ذیل خلاصه میشود.

۱- اولین شرط تذکره نگاری ذوق و استعداد علمی و ادبی نویسنده و علاقه او
 بسعراست، و ارزش و اهمیت و مرعوبیت هر تذکره منحصراً به ذوق ادبی و نایه علمی و وسعت
 مطالعه نویسنده آن میباشد.

۲- تذکره نگار باید فرصت کافی و وسایل لازم برای تألیف تذکره داشته باشد.

۱- یکی از مقاصد مهم تذکره ها تهیه اشعار منتخب خوب از شعرای نا شرح حال مختصرشان بوده
 است چنانکه آذر در تذکره آتشکده در مورد منظور خود از تألیف این تذکره میگوید:

(تا) هر وقت دل را شوق سبحان هر یک از متقدمین عالم گردد تماشاای این گلزار بیخار
 کرده از صفات ریاحین گفتار این مشام جان دار شك ساحت گلشن سار و هر گاه خاطر مصاحبت
 هر یک از معاصرین را طالب باشد ملاحظه این گنج پر بها نموده از لمعات حواهر کلام آن گوس دل
 را عبرت وادی ایمن سازد. دمی بایاری مشتاق المتی بی نفاق دارد و نسی نادوستی دمسار صحبتی
 بی اسار مجای آرد (رک آتشکده چاپ تهران ۱۳۳۷ ق. نا تمام سید جمهر شهیدی ص ۴)

چون در صورت نبودن فرصت و فعدان وسایل لازم نمیتواند از عهده این کار خطیر برآید.

۳- نویسنده باید در دلیل شرح حال هر شاعر اطلاعات زیر را بهم رساند

(۱) اسم و کنیه و تحلیص و القاب و سب شاعر (۲) سال و محل و تولد شاعر (۳) وضع اجتماعی و سیاسی زمان او (۴) دوره تحصیلات و شاگردی و اسم استادانی که شاعر شاگرد آنها بوده (۵) تاریخچه مشاعر شاعر (۶) آثار شاعر و بحث محصری درباره آن (۷) اسامی فرزندان و شاگردان او (۸) نظر نویسنده و دیگران درباره مقام و پایه ادبی شاعر و همچنین دلایل و مدارک در تأیید و اسات عقیده نویسنده

۴- نویسنده باید شرح حال سعرا را از مآخذ معتبر تهیه کند. بهترین و معتبرترین مأخذ برای این منظور خود صاحب ترجمه میباشد اگر نویسنده بحدود شاعر دسرس نداشته یا صاحب ترجمه قبلا فوت کرده باشد باید برای کسب اطلاعات لازم به کسان و بردیکان و دوستان صاحب ترجمه مراجعه کرد

در مورد شعرای گذشته شرح حالشان را باید از کتب تاریخ و تذکره معتبر اقتباس و نقل کرد و قبل از قبول هر مطلبی جهت تحقیق لازم بمآخذ معتبر رجوع کرد و در صورت اختلاف بیانات و روایات بین تذکره نویسان و مورخین باید اقوالشان را مورد تحریه و تحقیق قرار داده قول معاصرین و دوستان و بردیکان صاحب ترجمه را بر قول دیگران ترجیح داد

۵- تذکره نگار در موقع بغدادی باید انصاف و عدالت را از دست ندهد و از روی تعصب و گروه بندی به تعریف و تمجیح کسی پیسردارد و همیشه باید محاسن و اقع نگاری را در نظر داشته از مبالغه و دروغ بافی خودداری کند

۶- تذکره نگار باید از «اطناب ممل و ایچار محل» و عمارت آرائی بی حاصل پرهیزد و تنها مطالبی را در تذکره خود جا دهد که برای موضوع آن مفید و نااررس باشد

۷- نویسنده باید سعی کند که حتی المقدور اسعار هر ساعر را شخصاً انتخاب کند

و ارتد کره‌های دیگر نقل بکنند چون در صورت اخیر خواننده نمیتواند دوق و معیار صحیح خود تد کره نگار را درک کند

۸- نویسنده نباید اشعار هر شاعری را طوری انتخاب کند که مقام و پایه ادبی واقعی گوینده آن در نظر خواننده روشن و طاهر گردد و همچنین اشعار و آثار او را مورد نقد و سنجش قرار داده خوب و بد آن را بی کم و زیاد نشان ندهد

۹- تد کره نگار باید تنها اشخاصی را در تد کره خود ذکر کند که حقیقتاً شاعر بوده‌اند نه اینکه احوال و آثار هر کس و با کسی را که یک دو شعر سروده‌است در تد کره خود حاد دهد

معایب و محاسن تد کره‌های فارسی

نادر نظر داشتن شرایط تد کره نگاری که در سطور فوق ذکر شد میتوان گفت که هیچکدام ارتد کره نگاران فارسی در کتاب خود نتوانسته‌اند کلیه شرایط فوق را رعایت کنند. معایب و محاسن تد کره‌های فارسی (مخصوصاً از هندوستان) از روی شرایط سابق الد کریکایک در دیل خلاصه می‌گردد

۱- در میان تد کره نگاران فارسی (مخصوصاً از هندوستان) بسیاری از ایشان صاحب دوق شعر و اهل علم و ادب بوده و عالیشان شعر میسروده‌اند همچنین عده کثیری از آنان صاحب وصل و دانش بوده‌اند و بنا بر این از لحاظ دوق و استعداد علمی شایستگی ترتیب دادن تد کره را داشته‌اند، مانند عوفی و یحیی هروی و صوفی مارندرامی و عبدالسی و میر عماد الهی و سرخوش و آزاد بلگرامی و سراج الدین علیجان آرو و میر علی سیر قانع تنوی و ملی انراهم حان حلیل و مصحفی امروهوی و سواب صدیق حسود کر محمد اسحق و د کتر عرفانی

داید توجه داشت که، انتخاب اشعار اساساً منحصر به دوق تد کره نگار میباشد و واگر وی دارای ذوقی خوب باشد اشعار را که از ساعران انتخاب میکند طبعاً خوب بچراهند بود اما در عکس اگر تد کره نگار ذوق ادبی و استعداد سنجش شعر را داشته

ناسدا انتخاب او حالم حواهد بود

سیاری از تدکره نویسان فارسی سعی کرده اند تنها اشعاری را که دارای صنایع و بدایع و مضامین دقیق و معانی مشکل و افکار صعب الفهم باشد انتخاب کنند و کمتر به روانی و شیرینی و فصاحت و محاسن دیگر شعر توجه داشته اند، مثلاً عوفی که لباب الالباب، اولین تدکره فارسی، را تألیف نموده است بهمنی مرض مسکله پسندی و علاقه بفرآوانی صنایع و بدایع مبتلا بوده چنانکه در تدکره وی اکثر اشعار مستحب فاقد لطف و عذوبت اما پر از تراکیب غریب و تعجیب و اسعارات و تشبیهات بارد میباشد.^۱

از لحاظ حسن انتخاب اسعار «میحانه» عبدالنبی و «خلاصه الشعراء» (= «نخابه» تألیف محمد صوفی مازندرانی) و «سحنوران ایران در عصر حاضر» بهترین تدکره های فارسی میباشد

۲- برخی از آنها فرصت کافی و وسایل لازم برای تألیف تدکره نداشته اند چنانکه ابوطالب تریری مؤلف «خلاصه الافکار» در مقدمه کتاب خود از بداسن فرصت و وسایل کافی گد و سکوه کرده و اعتراف نموده است که اگر وی محال بیستری و کتب لازم را در اختیار داشت میتوانست تدکره ای به مراتب بهتر و جامع تر ترتیب دهد. همچنین و اله مؤلف «ریاض الشعراء» در کتاب خود درباره بداسن فرصت کافی و جمعیت حاضر ند کرده است و حریر مؤلف «تدکره المعاصرین» کتاب خود را از روی محفوظات حاضر خود بدون بداسن یادداشتها و کتب لازم در مدت نه روز تألیف نموده و حتی محال نکرده است که در این تدکره دوباره نظر کند چنانکه دیک بفرهام مختصر بنام وی را عیاً در تحت دو عنوان مکرر و دو شماره متوالی (۲۶ و ۱۵) ذکر نموده است

۳- غالب تدکره نویسان در تهیه شرح حال شعرا دقت و تلاش لازم را بعمل نیاورده و حتی در مورد معاصرین و دوستان خود و کسانی که شخصاً با آنها ملاقات کرده بودند اطلاعات کاملی در تدکره های خود نیاورده و بطاهرأ اکثر آنها بلروم این موضوع توجه نکرده و به اهمیت آری سرده اند چنانکه عوفی مؤلف «لباب الالباب»

۱- ر.ک بحث درباره «لباب الالباب» در این کتاب

با وجود اینکه بسیاری از صاحبان ترجمه را شخصاً ملاقات کرده بودم، معذرت در باره زندگی آنها اطلاعات لازم را بدست نداده‌ام (رجوع شود به بحث در باره «الباب الالباب» در این کتاب).

همچنین موهن لعل انیس مؤلف «انیس الاحیاء» که تذکره استاد خود و شاگردان او را ترتیب داده‌است، اصلاً به اهمیت ذکر احوال معصل صاحبان ترجمه توجه نکرده و حتی در شرح حال خود اطلاعات لازم در باره زندگی خود نیاورده و غالباً به شکسته نفسی بی‌خود و عبارت پردازی بیه‌معنی اکتفا کرده‌است.

اکثر تذکره نویسان غالباً اسم آثار شعرا را ذکر نکرده و ندرت در باره آنها بحث کرده‌اند. همچنین در بسیاری از تذکره‌های فارسی نویسندگان آن نظر خود و دیگران را در باره شعرا ذکر نکرده و غالباً به تعیین مقام و پایه ادبی علمی شعرا پرداخته‌اند مثلاً «الدوله قرینی مؤلف «نمائس المآثر» بر گفته‌های هیچکس ایراد نگرفته و همین امر موجب انتقاد علیه او از طرف نداوی مؤلف «مستحب التواریخ» شده‌است.

۴- برخی از تذکره نگاران سعی کرده‌اند شرح حال و اشعار شعرا را از خودسان یا اقوام و خویشاوندان آنها یا منابع معسر دیگر بدست آورند اما اکثر نویسندگان تذکره‌های فارسی ناین نکته مهم توجه نداشته‌اند. از این لحاظ بهترین تذکره‌های فارسی «میخانه» تألیف عبدالسی قرینی و «سخنوران ایران در عصر» حاصر تألیف کسر محمد اسحق میبانشد که نویسندگان آن در تهیه شرح حال شعرا تلاش لازم نموده و حدیث فراوان بخرچ داده و هر چه در کتاب خود در باره شعرا ذکر نموده‌اند بعد از تحقیق و تنقیح لازم نموده‌اند.

همچنین آراد بلگرامی مؤلف «دبیرا و سرو آراد و حرا» به عامره و خوشگو مؤلف «سینه خوشگوی (مخصوصاً دفتر سوم) شرح حال بعضی از شعرا را از خودشان گرفته و در مورد دیگران از منابع معتبر نقل و اقتباس نموده‌اند.

۵- همچنین کسانی که نظر خود را در باره شعرا داده‌اند کمتر از روی انصاف و

واقعی بوده است بعضی از آنها مانند تقی اوحدی در تعریف هر کس و نا کس راه مبالغه
پیموده و حتی شعرای بسیار ناچیز و نیمایه را هم بطور اعراق آمیزی ستوده اند.

عالم تد کره نویسان اردوستان خود خیلی تعریف کرده اند تا وجود اینکه گاهی
اکثر آنان مستحق آن بودند مثلاً رجوع شود به ایس الاحسا (و آتشکده آدر) و
تد کره المعاصرین حرین و سخنوران چشم دیده و گلزار اعظم و شمع اجمن تألیف نواب
صدیق و دو تد کره دیگر تألیف فریدان او

برخی از نویسندگان در موقع انتقاد بر شعرا گاهی از حدود عدالت تجاوز نموده
و مرتکب بی عدالتی و تعصب شده اند مثلاً رجوع شود به مجمع النقایس آرو (و آتشکده
آدر) و گلزار اعظم

نایداد عاں کرد که در چین مواقع اکثر ایرادات علیه شعرا راجع به استنباه
در استعمال بعضی اصطلاحات و غیره بوده است و همچنین در مواقع تعریف و تمجید از شعرا
یا تنقیح از ایسان عالماً بصحبت استعمال اصطلاحات و دقت مصامین و تارگی افکار و
بلند پروازی تحیل شاعر و احتساب ارتکراره ضامین دیگران و فراوانی صایع و بدایع و
نارگی ترا کیب بوده و کمتر کسی از نویسندگان تد کره های فارسی روانی و لطافت
ربان توجه داشته و از لحاظ عدوس و فصاحت و بلاغت اشعار شعرا را مورد سنجش قرار
داده است مثلاً رجوع شود به مجمع النقایس و حرانه عامره و گلزار اعظم

البته برعکس این تد کره نگاران بندرت بعضی تد کره نویسان جنبه فصاحت و
روانی ربان شاعر را هم در نظر داشته اند مانند آتشکده که مخصوصاً بر گویندگان
سک هندی سستی و تنیدی تاخته و بر اشعار آنان بعلب فقدان محاسن فوق شدیداً انتقاد
نموده است اما گاهی او بر اشعار سست و کم ارزش شعرا را انتحاب نموده و سعی کرده
است بایه و مهمام شعر آنان را در نظر خواننده کمتر از آنچه بوده حلوه دهد

۶- اکثر تد کره نویسان فارسی در موقع تعریف شعرا مخصوصاً از استادان و
مربیان خود راه اطناب و عبارت پردازی پیموده اند. مثلاً رجوع شود به ایس الاحسا همچنین
گاهی مطالبی را در تد کره خود آورده اند که باصل موضوع کتاب مربوط نبوده است

مثلاً رجوع شود به مرآت الحیال شیرخان لودی (رجوع شود به بحث درباره این تذکره در این کتاب).

۷- غالب تذکره نویسان فارسی مخصوصاً متأخرین اشعار شعرای گذشته و حتی گاهی اشعار معاصران را ارتد کرده هائیکه قبل از آنها دیگران تألیف کرده اند اقتباس و نقل کرده و خودشان کمتر رحمت انتخاب اشعار را بخود داده اند بنابراین اشعار را که در تذکره خود اشعار را نقل کرده اند محدود است با انتخاب اشعار که در تذکره های سابق ضبط شده است مثلاً رجوع شود به برم آرای وهم اقلیم و سمینه خوشگوی (دفتر اول و دوم) و گلر عنایا و نسی العاتقی و بشر عشق و ریاض الشعرا و محرن العرایب و بهارستان سخن و گلدسته و تذکره کاتب و شمع انجم و صبح گلشن و زور و رومن.

اما بعضی ارتد کرده نگاران تعریفاً تمام اشعار شعرارا خودشان انتخاب کرده و در تذکره خود ضبط نموده اند مانند لسان الالباب و خلاصة الاسعار (مخصوصاً حاتمه) و خلاصة الشعرا (میخانه تألیف محمد صوفی مازندرانی) و میخانه و سرو آزاد و تذکره المعاصرین حرین و تکمله معالات الشعرا و تذکره بی نظیر و انیس الاحساء و محک شعرا و سخنوران چشم دیده و هم آسمان و گلدسته کرناک و اسارات پیش و صبح وطن و گلزار اعظم و سخنوران ایران در عصر حاضر و شعرای عصر بهلوی

۸- تذکره نویسان فارسی غالباً در موفع انتخاب اشعار شعراسعی کرده اند اشعار خوب آنها را انتخاب نموده و در تذکره های خود ثبت کنند و چون این تذکره ها فاقد اشعار کم ارزش این شعرها می باشد نمیتوان آنها بوسیله اشعار نقل شده عام واقعی این شعرارا تعیین نمود. برخی از آنها مانند آرد در تذکره خود اردوستان و آشنایان خود اشعار خوب را انتخاب کرده و از کسانی که درباره آنها نظر خوب نداشته اند تماماً اشعار بی مزه و بی ارزش را انتخاب کرده اند و بنابراین در حین موارد مهم واقعی ساعر را نمیتوان تنها از این تذکره ها درک کرد

۹- اکثر تذکره های دوره فارسی دارای یک بهص بررکدنگری هم می باشد که گاهی در کرم شعرای بیمایه و بی ارزش می بردارند که از روی انصاف و بعد واقعی

شعر نمیتوان آنها را حرو و شعرا حساب کرد و این امر را جامعیت کتاب دانسته اند. اکثر این شعرا چند شعر بیشتر سروده اند و آن هم از لحاظ سنجش شعر هیچ ارزش ندارد. مثلاً رجوع شود به کتاب لباب الالباب و حواهر العجایب و عرفات العاشقین و ریاض الشعرا و خلاصة الافکار و محرن العرایب و انیس العاشقین و گل رعنا و مقالات الشعراء قانع و مجمع النعایس و شمع النعمین و نگارستان سخن و صبح گلشن و روز روشن.

بعضی از این تذکره نگاران در شب اسامی و اشعار مرحی از شعرای بیمایه نظری داشته اند چون شعرای مر بور حر و دوستان و آشیایان و شاگردان آنها بوده و بدین وسیله خواسته اند حق دوستی و ساگردی و استادی را ادا کرده باشند مثلاً رجوع شود به انیس الاحد و سخنوران چشم دیده

اشکالات در راه تذکره نگاران قدیم

امروز باید فراموش کرد که اشکالاتی هم در راه تذکره نگاران قدیم وجود داشت و عمده اشکالات نبودن وسایل کافی رفو و آمد و مکاتبه و فقدان وسایل طبع و نشر کتاب و نداشتن کتابخانه های عمومی و قلت فرصت نگارگری نویسندگان در مساعل روزانه خود می باشد

در نتیجه اختراع وسایل جدید و سریع ماشینی امروز مسافرت از یک نقطه کشور بلکه از یک نقطه دنیا به نقطه دیگر با آسانی انجام میگردد و وسایل مسافرت و تماس با مردم و مراجعه به کتابخانه ها که حر و لوازم کار تحقیق و تشع می باشد برای مردم امروزه جهان (سرط تحمل محارح مر بوطه) کاملاً میسر است

اما در قدیم مسافرت از یک نقطه به نقطه دیگر کشوری هفته ها و گاهی ماهها طول میکشید و به تنها وسایل دید و مظهر رفو و آمد در آن ایام وجود نداشت بلکه چنین مسافرتها خطر حافی هم در برداشت و چه بسا مسافران و قافله هائی که در راه دست راهر بان افتاده اسیر یا کشته شدند و هیچوقت نتوانستند بمصد خود برسد.

برعکس امروز در قدیم کتابخانه های مظهر و مرتب عمومی وجود نداشت و معمولاً کتابخانه ها در ملکیت یک نفر امیر یا پادشاه بود و بنا بر این استفاده از آن کتابخانه ها

غالباً برای سایرین مقنن نبود. اکثر این کتابخانه‌ها اصلاً فهرست مرتبی نداشتند و اگر احیاناً فهرستی هم داشت مثل امر وز چندین نسخه تهیه و در اختیار علاقمندان قرار می‌گرفت. بنا بر این دیگران معمولاً در خایر آن بی‌اطلاع بودند و اگر اتفاقاً کسی بوسیله شخصی در باره وجود نسخه‌ای از کتاب در یکی از این کتابخانه‌ها اطلاع پیدا می‌کرد رسیدن او بدان کتابخانه و مراجعه به نسخه مطلوب کتاب مستلزم تحمل چندین نوع اشکالات و سختی‌ها بود.

همچنین علت نبودن وسایل خوب و مرتب مکاتبه و ارتباط، قبل از احراز وسایل جدیدها نند پس و تلگراف و تلن، اگر کسی کتابی یا توضیح مطلبی را از دیگری می‌خواست تنها راه مراجعه شخصی یا فرستادن کسی بر آن دیگری بود چنانکه در سطور فوق گذشت یکی از اشکالات مهم دیگر در قدیم فقدان وسایل چاپ کتاب بود و نسخه برداری کتاب تنها با دست صورت می‌گرفت و به همین علت نسخه‌های هر کتاب از معدود چند تجاوز نمی‌کرد و بنا بر این تهیه نسخه‌ای از کتابی برای مردم عادی کار بسیار مشکلی بود.

همچنین گرفتاری و مشغولیت مردم در کارهای روزانه آنها کمتر مجال میداد که سالهائی از عمر خود را صرف تألیف و تصنیف کتاب نمایند. نظر باشکالات سابق‌الدک و نامساعد بودن اوضاع عمومی نویسندگان در قدیم اگر کسی در تألیف و ترتیب کتابی مانند کرده توفیق پیدا می‌کرد این امر خود سانه عشق و علاقه فراوان وی به آن موضوع بوده و باید از طرف مردم امروری مورد تحسین و آفرین واقع شود.

انگیزه های تدکیره نگاری

انگیزه‌هاییکه معمولاً موجب بوجود آمدن تدکیره‌های فارسی بوده است در سطور ذیل بطور خلاصه بیان می‌گردد.

(۱) آرزوی کسب شهرت جاوید - اولین انگیزه ای در هر کار تحلیقی معمولاً

سهرن شخصی میباشد هر کس میخواهد در دنیا مشهور و معروف گردد

و اینکه در آینده بر اسم او را به یکوئی سر بند این آرزوی حاویدماندن در نهاد آدم سرشته شده است و همین اصل در مورد تذکره نگاری هم صدق میکند .

(۲) **دوق ادبی** - انگیزه مهم دیگر که موجب بوجود آمدن کلیه آثار ادبی میباشد دوق ادبی مؤلف است. اکثر تذکره نگاران اشعاری را که از خواندن لذت میبرده اند جمع آوری نموده و سپس شرح حال گویندگان آن اشعار را تهیه نموده بصورت تذکره در آورده اند .

(۳) **رقابت و جوابگوئی** - بعضی تذکره هادر نتیجه رقابت بوجود آمده است و در جواب تذکره های دیگر تألیف شده است مانند «مردم دیده» که حاکم در جواب مجمع - التقایس آرزو ترتیب داد و صبح «وطن که» نواب اعظم در جواب گلدسته کر باتک و «گلزار اعظم» که نواب مرزور در جواب معدن الخواهر تألیف مولوی محمد و اصف ترتیب داده است

(۴) **گروه بندی** - بعضی تذکره نگاران تذکره هائی در د کردستان و آشنایان و شاگردان و اسنادان خود تهیه نموده و طی آن صاحبان ترجمه را بطور اغراق آمیزی تعریف کرده اند مانند «انیس الاحباب» که در رد کر قاهر مکیس (استاد مؤلف) و استاد و شاگردان او میباشد و «گلدسته کر باتک» در رد کر شعرای مدارس که اکثرشان بامؤلف دوست و آشنا بودند میباشد و مؤلف بعضی از شعرای مدارس را که در باره آنها نظر خوبی نداشت یا آنها حرو و دوستان وی بودند در کتاب خود ذکر نکرده است

«اشارات بی ش» که در رد کر شعرای کر باتک است و اکثرشان در انجمن ادبی بنام محفل متاعره اعظم که نواب اعظم تأسیس نموده بود و مؤلف هم حرو اعضای آن بود شرکت استند و «صبح وطن» که در جواب گلدسته کر باتک است در رد کر شعرائی است که با نواب اعظم مؤلف این تذکره آشنا بودند و اکثرشان در گلدسته کر باتک ذکر شده بودند و «گلزار اعظم» تذکره شعرائیست که اکثرشان عضو انجمن مرزور نام «محفل مشاعر اعظم» بودند و «مردم دیده» که در جواب مجمع التقایس آرزو تألیف شده است در رد کر شعرائیست که مؤلف با آنها دوست بوده و بعضی از آنها را آرزو در تذکره خود ذکر نکرده

بود و «تذکرة المعاصرین» حرین تذکره رفعا و آشایان مؤلف است که همه آنها سیهه بودند و مؤلف با آنها ملاقات کرده بود.

۵) تشویق پادشاهان و اهل راه - گاهی نویسندگان در نتیجه تشویق پادشاهی یا امیری به تألیف کتاب پرداخته اند و یا نامید بدست آوردن انعام و اکرام از پادشاهی یا امیری دست باین کار میرده اند. بسیاری ارتد کرده‌ها بنام سلاطین و امراء تألیف شده است اما در باره اینکه آیا نویسندگان به وسیله عنوان کتاب بنام سلاطین و امراء از آنها انعام و اکرام گرفته‌اند یا نه هیچ اطلاعی در دست نیست البته بعید نیست عنوان کتاب بنام پادشاهی یا امیری موجب تشویق و تمجید بیشتر و در حق نویسنده از طرف کسی که تذکره بنام او تألیف شده، گردیده باشد.

کتاب تاریخ و تذکره ارقصه‌های انعام و اکرام پادشاهان و امراء ایران و شبه قاره هند و پاکستان که آنها در حق طایفه سعرا و ادنا معمول داشته مسخوس است. همس تشویق و قدردانی سلاطین و امراء موجب بوجود آمدن بسیاری از آثار فارسی از جمله تذکره و تاریخ می‌باشد شعر او ادبای فارسی به تمپادز مدح پادشاهان و امراء در بار آنها شعر میسروده بلکه در باره کارهای نمایان آنها و احوال و اسلافشان کتاب تاریخ تألیف و برای دگر سعرا در باره وقصه‌های فیض و خود سلاطین بررک و امراء معتدرا تذکره هائی تر بیب می‌دهد. مثلا «ما بر رحیمی» به تنها تاریخ و قایع سیاسی زمان تیموریان هند را صط کرده بلکه دگر سعرا ئیکه از حوان انعام و اکرام عبدالرحیم خان حابان سید سالار معروف ادب پرور را کرساه مستفیص میگردیده اند بطور مفصل آورده است و «تاریخ جهانگیری» دگر سعرا ای زمان کسرو جهانگیری و «مجمع السعرا ای جهانگیری» دگر سعرا ئیکه در مدح جهانگیری شعر سروده اند و «طبقات ساه جهانگیری» دگر سعرا ای زمان تیموریان و پادشاهان تیموری با عهد ساه جهان و «اسرار بیس» و «گلدسه کر ناک» و «صح وطن» از گلدسار اعظم» دگر بسیاری از سعرا ئیکه از حوان انعام و اکرام و بدر او بهره ور می‌شده اند آورده است و غالب تذکره هائی که در بهو نال تألیف شده است مانند «مجمع انحصار» از «نگارستان سخن» زعیر دگر سعرا و ادبائی را بر ساه است که از طرف بوابان

بهوپال مورد لطف و تشویق واقع شده اند .

همچنین بسیاری از نویسندگان بامید تشویق و تقدیر از رحمت خود و برای جلب توجه بیشتر پادشاهان و امرا آثار خود را حمله کتب تذکره را بنام آنها آراسته اند چنانکه «لباب الالباب» عوفی بنام عین الملك فخرالدین وزیر ناصرالدین قباچه و «حواهر العجایب» را فخری بنام ماهم دایه اکبر شاه و «برم آرای» را سید علی حسینی بنام مرئی خود بنام عبدالرحیم خانحان و «حلاصة الأشعار» را تقی کاشی اول بنام شاه طهماسب صفوی اول و سپس بنام شاه عماس بررگ صفوی و در آخر بنام ابراهیم عادل شاه سلطان بیجاپور عنوان کرده و «حلاصة الشعراء» را عبداللطیف گجراتی بنام خواجه ابوالحسن مشهدی ملقب به لشکر خان و «مجمع الشعراء» را فخرالدین «عرفات العاسقین» را تقی کاشی بنام جهانگیر شاه و «حلاصة الافکار» را ابوطالب اصعبانی بنام مرئی خود آصف الدوله نواب وزیر اوردو و «نيس العاشقین» را رتن سگه رخمی بنام بهیرالدین حیدر پادشاه اوردو و «نتایح الافکار» را قدرت بنام نواب اعظم و «احر تابدان» را ابوالقاسم محنتم و «تذكرة الحواتین» را ملک الکتاب شیرازی بنام شاه جهان بیگم و الیه بهوپال آراسته است *

مختصری درباره تربیت شعرا و ادبای فارسی از طرف پادشاهان و

امرای هند

پادشاهان قدیم سه قاره هند مخصوصاً سلطان غوری و خلجی و تیموری و امرای دربارشان در ترویج و اشاعه زبان و ادبیات فارسی در آن سرزمین خدمات بسیار گرانبهایی را انجام داده اند و چون در سطور فوق صحبت از تشویق و تقدیر پادشاهان و امرای هندوستان نمیان آمده است لازم می داند مختصری درباره این موضوع اینجا توضیح داده شود

الف . از ابتدای سلطنت غریزان تا زمان تیموریان

زبان فارسی در زمان سکتکین و محمود غزنوی وارد هند شد اما تا بهادر آحر زمان غریزان چون لاهور مرکز سلطنت آنهاست نادشاهان این سلسله به سرپرستی شعرای

هندی الاصل مانند ابوالعرج رونی و مسعود سعد سلمان لاهوری همت گماشتند بعد از
 غر نویان سلاطین غوری و امرای آنها (که علام سلاطین مر بور بودند) مانند ناصر الدین
 قباچه و شمس الدین ایلتمش همواره در تربیت و درورش ادبامیکوشیدند و آنها را تحت
 سایه عطوفت خود می گرفتند در زمانیکه معولان بر ایران حمله کرده بسیاری از شهرها
 و بلاد آباد این مملکت را آتش زده و بجاک یکسان کردند هر اران نهر ارا اهالی این
 سرزمین به هندوستان مهاجرت کرده و در آن کشور اردسب معولان و وحشی پناه بردند. در
 میان این مهاجرین بعضی اهل علم و ادب هم وجود داشتند مانند عوفی مؤلف کتاب الالاب
 و مهاج سراح مؤلف طغفات ناصری و از طرف پادشاهان و امرا و وررای هند مورد حمایت
 و تربیت واقع شده بمنصب و مراتب عالی رسیدند غالب این ادباء کتاب های خود را به
 نام پادشاهان و امرای مر بور آراسته اند چنانکه عوفی تذکره خود را بنام عن الملك -
 فخر الدین حسینی و وزیر ناصر الدین قباچه و ترجمه فارسی الفرح بعد السدة را بنام ناصر
 الدین قباچه و حوامع الحکایات را بنام ناصر الدین قباچه شروع و سپس بنام
 نظام الملك قوام الدین حسینی وزیر التمش تمام و بنام او عنوان کرده است

همچنین پادشاهان دهلی و امرای دربار آنان عده کثیری از اهل ادب و هنر را
 تربیت نمیکرده اند چنانکه در بار امیر حجو و ساهراده محمد قان و سلطان علا الدین
 خلجی مر کراهل فصل و هر وارباب شعرو ادب بوده و شعرائی مانند امر حسرو و خواجه
 حس دهلوی حر و بندهای خاص آنان بودند.

ب . تیموریان هند

در باره تشویق و تربیت اهل علم و ادب از طرف شاهان تیموری هند و امرای آنها
 تاریخ نویسان و تذکره نگاران فارسی مفصل سخن گفته اند. در میان پادشاهان تیموری
 اسم اکبر و حمید و ساه چپان و در میان امرای ایشان اسم میرم خان و فرزند ادب پرور
 او عبدالرحیم خان بجانان و ساهراده داراسکوه و برهان الملك سعادت خان بيشابوری
 قابل ذکرند و دربار آنها مر و مجمع شعرا و ادبا و اهل هنر بوده چنانکه کتب تاریخ
 و تذکره و آثار شعرا از داستانهای انعام و اکرام آنها مسجوسه مثلاً صاحب «میخانه»

(در صفحه ۲۵) مینویسد:

«این مثل میان عالمیان اشتهار سرشاری دارد که هر کس يك نوبت گشت هند نمود و بهره از این ملك فیاض برداشت و قسی که به ایران رفت اگر در راه این سرزمین و این بلاد بمیرد الله در آرزوی این حاکم مراد میمیرد»

همین علت بود که شعر او دانشمندان ایرانی در زمان تیموریان هند گروه گروه به هندوستان مهاجرت کرده و از حوای نعمت آن بهامست عشیض میشده اند.

غلامعلی آزاد بلگرامی راجع به پرورش و تربیت اهل علم و فضل در دربار تیموریان هند در «خرانه عامره» در ذیل آرزو (ص ۱۱۶-۱۱۷) چنین مینویسد

«در عهد ایتنان هیچ خاندان عمده در ایران و توران نماند که در هندوستان نیامده و دولتی و جمعیتی برسد چون اینها مر کرد و لندرا دائره وار احاطه کردند و در حدب مردم ولایت (ایران) حکم مقنطیس بهم رساندند هر عامی و سوقی به توقع منصب همت هراری حاد هند دوید تا به بحاوار باب کمال چه رسد آرا بجمله فرقه شعرا مثل غرالی مشهدی و عرفی سراری و تنائی مشهدی و بطیری بیضاپوری و نوعی خبوشانی و مشفق بحاری و حکیم رکناکاتی و طالب آملی و ابوطالب کلیم همدانی و قدسی مشهدی و میرزا عنایت اصفهانی و دیگر جماعت لاتعد و لاتحصی که تاریخ نامها معصل تصریح میکند از هندوستان رایسان (یعنی هندوستان نژادان) در عهد اکبری شیخ فیضی لوای شاعری بر افراحت و بختان ملك السعرائی سرمایه افتخار اندوخت و معاصرین شیخ فیضی ملاشیری کو کووایی و شاه کالیوی و صمیری بلگرامی و در عصر حبا نگیری و شام حبابی سید او منیر که هر کدام صاحب لکه بیب (صدراعزیت) اسوسیح محمد محسن مانی کشمیری و محمد ظاهر عنی کشمیری و اقران ایما بر مسحن چیدند و غاره تاره بر روی این شاه در عا مالیدند و در عهد حلدنمکان با وصف عدم توحه پادشاه شعر علو کردند و ار هر گوشه سعری بر حاست و هم در این عهد ناصر علی و میرزا بیدل طسرح سحن به ائین تاره انداختند».

ج . از زمان تسلط انگلیسها تا حال

باید توجه داشت که قبل از تسلط انگلیسها بر شبه قاره هند و پاکستان زبان فارسی زبان درباری و رسمی و ادبی آن کشور بود و حتی تا مدتی بعد از تسلط انگلیسها با وجود کوشش و جدیب آنها برای برکندن ریشه فارسی از آن سرزمین هنوز فارسی زبان ادبی هندوستان بوده و شعرائی مانند آرزو و غالب غیر از اردو بر زبان فارسی هم شعر میسرودند و حتی دیوانهایی بر زبان فارسی ترتیب داده و با شعر فارسی خود او متحار میکرده اند چنانکه غالب دهلوی میگوید .

فارسی بین تا سینی نقش های رنگ رنگ

بگذر از مجموعه اردو که برنگ من است

بعد از تسلط انگلیسها در ۱۸۵۷ میلادی مطابق ۱۲۷۴ هجری بتدریج زبانهای انگلیسی وارد و هندیهای فارسی را گرفتند اما تا مدتی هنوز در بعضی نواحی نیم مستقل شمع شعر و ادب فارسی روشن بوده است . مراکز مهم ادب فارسی در این دوره اود و مدراس و حیدرآباد دکن و بهوبال بود که در این تسویق حکام این نواحی نویسندگان فارسی کسی به فارسی تألیف میکرده و شعرا بر مثنوی آراسته گاهی ترتیب دیوانهای فارسی می برداخته اند

پادشاهان اود که اصلاً ایرانی بودند اهل علم و ادب را تشویق میکرده اند و حتی در این زمان نیز بعضی ایرانیها از ایران مهاجرت کرده در لکنهو توطر میجسند . از جمله کتب فارسی که در این زمان تألیف شده است «نیس الاحصاء» تألیف موهن لعل نیس و «حلاصه الافکار» تألیف ابوطالب اصغری است که اول الذکر بها شعرای معاصر لکنهو و نواحی آنرا ذکر می نماید و اخیر الذکر نام آصف الدوله پادشاه اود میباشد و ضمناً شعرای معاصر لکنهو و مصافات آنرا ذکر میکند از این دو تذکره می توان پی برد که هنوز در لکنهو و نواحی دیگر هندوستان کسانی بودند که به فارسی شعر میسروده و باین زبان کتابهایی تألیف میکرده اند

کن و مدراس هم در این دوره از مراکز مهم ادب فارسی

ایرانی فارسی که بعضی از آنها اصلاً ایرانی بودند در این

نواحی در سایه تربیت حکام بسر برده و برخی بهارسی کتابهایی تألیف مینموده‌اند و عده‌ای باین زبان شعر میسروده‌اند حکام دکن مانند نظام دکن ادبیا و فصلائی را تربیت کرده‌اند که بعضی از آنها کتاب‌های مهمی بر زبان فارسی تألیف نموده‌اند مانند داعی‌الاسلام که در حیدرآباد دکن «فرهنگ نظام» را بهارسی تهیه کرده است در این ایام نیز عده‌ای از خاندان‌های ایرانی از ایران مخصوصاً از خراسان به حیدرآباد رفته و آنجا سکونت گزیده‌اند

در مدراس حکام کرناٹک مخصوصاً نواب اعظم بترتیب ادبها هم گماشته و در راه احیای ادب فارسی کوشش و حدیث مینموده‌اند چنانکه نواب اعظم انجمن ادبی سام مجمل مشاعره اعظم را تأسیس نموده و بسیاری از شعرای مدراس و نواحی آنرا در این انجمن جمع کرده و مشاعره‌ها و مذاخه‌های ادبی ترتیب میداده است. تذکره‌های اسرار تینس و گلدسته کرناٹک و نتایج الافکار از تألیفات همین شعرا میباشد و صح و وطن و گلزار اعظم که ذکر شعرای مدراس را شاملست پیرسان میدهد که استان مدراس و حکام و نویسندگان آن ناحیه حقدر سهم بررگی در احیای زبان و ادب فارسی در سه قاره هند داشته‌اند عده‌ای از این شعرا دیوان فارسی داشته و دیگران کتی در موضوعات مختلفی بر زبان فارسی ترتیب داده‌اند مثلاً آنها تذکره گلزار اعظم اسم ۲۲ نفر را ذکر نموده‌اس که بر زبان فارسی دیوان داشته و همچنین تقریباً بیست نفر دیگر را نیز ذکر کرده است که آثار دیگر بر زبان فارسی تألیف نموده‌اند.

همچنین حکام بهوپال در زمان تسلط انگلیس‌ها خدمات ارزنده و برجسته‌ای به ادبیات فارسی انجام داده‌اند مخصوصاً در زمان حکومت نواب شاه جهان بیگم و بیاب نواب صدیق حسن خان بعضی کتاب‌های گرا بهائی بر زبان فارسی تألیف شده است از جمله تذکره‌های سمع انجمن و نگارستان سخن و صح گلش را خود نواب صدیق و دو فرزند او تذکره روزروس را محمد مظفر حسین صا گونا موی که ظاهراً حرو کارندان ریاست بهوپال بود ترتیب داده و احقر تا بان را آقای ابوالقاسم محتشم و

تذکرة الحواتين راملك الكتاب شیرازی بنام نواب شاه جهان بیگم والیه بهوپال عنوان کرده اند. همچنین کتاب های دیگر بر پان فارسی در بهوسال در موضوعات مختلف تألیف شده که اکثر آنرا خود نواب صدیق حسن تألیف نموده یا دیگران به فرمایش و کمک نواب مرهوروشاه جهان بیگم تألیف نهوده اند.

در پایان باید تذکر داد که هنور در هند و پاکستان ذوق ادبی فارسی بکلی از بین نرفته است و مخصوصاً در میان مسلمانهای هندوپاکستان کسانی وجود دارند که بادیات فارسی علاقه دارند و گاهی بفارسی شعر هم میسازند و بعضی کتاب هائی را به فارسی تألیف و منتشر میکنند اما امروز دیگر کسی از حکام و امراء آنها را مورد تسویق و تقدیر قرار نمیدهد بلکه این کار را منحصر آنعلت علاقه شخصی که نسبت بادیات فارسی دارند انجام میدهند.

اجرای ترکیبی تذکره های فارسی

اکثر تذکره ها مشتمل بر اجرای دیل میباشد

۱. مقدمه - معمولاً مشتمل بر حمد و نعت و منسبت صحابه و ائمه و مدح پادشاه وقت و امیر و مربی مؤلف و سب و سال تألیف و گاهی قطعه تاریخ تألیف کتاب می باشد (مثلاً رحوع شود به عرفات العاشقین و سرو آزاد) گاهی در مقدمه قطعه تاریخ تألیف کتاب از دیگران میآورد (مثلاً رحوع شود به تحفة الشعراء) حال این است که حتی در تذکره هائی که نویسنده آن هندو بوده حمد و نعت آمده است مانند گل رعبا و ابیس العاصمیر و سعینه هندی اما در تذکره هائی که بعد از سال ۱۹۳۰ میلادی مطابق ۱۳۴۹ هـ تألیف شده است حمد و نعت و منسبت و مدح پادشاهی یا امیری بیآمده و تنها سب و سال تألیف ذکر شده است.

همچنین بسیاری از تذکره نگاران در مقدمه صماً بخشی در باره ابتدای شعر و آغاز شعر فارسی و تحول آن و سند شعر گوئی از قرآن و احادیث و همچنین اقسام نظم و نثر بحث کرده اند. مثلاً رحوع شود به لباب الالباب و حرا به عامر و سرو آزاد و بهارستان سخن و خلاصه الافکار و گاهی در باره عروض و قوافی و صنایع و بدایع حروف و عبره سخن

میکنند. مثلاً رجوع شود به بهارستان سخن

۴ - اصل تذکره - این قسمت اصل تذکره میباشد و طی آن مؤلف شرح حال و نمونه اشعار شعرا را میآورد

۳ - خاتمه - در این قسمت نویسنده گاهی ذکر بعضی شعرا مخصوصاً از معاصرین خود را که در کرشان در اصل تذکره نیآورده باشد میآورد مثلاً رجوع شود به بهارستان سخن و خلاصه افکار و گاهی شرح حال و نمونه اشعار خود ذکر بعضی از اهل خاندان خود را میآورد مثلاً رجوع شود به مردم دیده گاهی سال اتمام کتاب را در خاتمه ذکر نموده قطعه ای یا قطعاتی را در تاریخ اتمام آن از خود میآورد. مثلاً رجوع شود به میحانه و مرآت الحیال و ریاض الشعر او منتخب الأشعار و تذکره حسینی همچنین برخی از نویسندگان قطعه تاریخ تألیف کتاب را در دیگران ببرد خاتمه نقل میکنند مثلاً رجوع شود به شمع اجمن و صبح گلشن و نگارستان سخن و رور روشن

تقسیم بندی فصول و ترتیب اسامی شعرا در

تذکره های فارسی

(الف) - تقسیم بندی فصول

بعضی تذکره نگاران فارسی در موقع تقسیم بندی فصول در اسم گذاری عنوان این فصول دست ناستکاری رده اند عنوان های حالی که تذکره نگاران هندو یا کستان در تذکره ها برای فصول کتاب خود آورده اند در ذیل بیان میگردد .

نهایس المآثر مشتملست بر «مطلع» در حمد و نعت و سب تألیف و غیره و شرح حال و اشعار شعرا در ۲۸ «بیت» (هر بیت مخصوص برای یک حرف) و سپس یک «قطعه» راجع به تاریخ گجرات و «مقطع» در تاریخ نامرو همایون و اکبر شاه در سه مطلب

عرفات العاشقین ذکر شعرا را در ۲۸ «عرصه» آورده و هر عرصه مشتمل است بر سه «عرفه» به ترتیب در ذکر شعرای متقدم و متوسط و متأخر

تذکره قدرت مشتمل است بر دو «چمن» برای شعرای قرن ۲ و ۴ و هفت

«گلشن» برای شعرای قرن ۱۱ تا ۱۱۵ هـ و يك «حدیقه» در دگر شعرای معاصر از قرن ۱۲ هـ

شاملست ۲۸ «حرف» و هر حرف به سه رکن «حبابی» و «مبابی» و «ریایی» بترتیب در دگر شعرای متقدم و متوسط و متأخر.

ریاض الشعرا دگر شعرا را بترتیب العبادر ۲۸ «روصه» (هر روصه برای يك حرف) آورده است

تذکره الشعرا (تألیف ۱۱۷۰-۱۱۸۰ هـ) مشتملست بر ۳ «گلشن» برای شعرای متقدم و متوسط و متأخر و گلشن سوم دو «چمن» دارد در دگر شعرای ۱ (ایران و توران و ۲) هندوستان

انیس الاحبا دگر شعرای معاصر را در دیل «افتتاح» و «فتح الپاب» و «فصل» و «فاصله» و «احتتام» و «حسن حاتمه» آورده است

خلاصه الافکار مشتملست بر ۲۸ «حدیقه» (هر حدیقه برای يك حرف) و يك «دیل» و يك حاتمه

معراج الحیال دگر شعرا را در ۲۸ «انحص» (هر انحص برای يك حرف) آورده است

نغمه عندا لیب مشتملست بر دو «روصه» و روصه اول مشتملست بر ۵ «بهار» - بهار پنجم در دگر شعرا و روصه دوم مشتمل بر دو «حدیقه» در موسیقی یونانی و هندی است

حدایق الشعرا مشتملست بر ۳۰ «شجره» در العاب ملوک و شعرا و ۳۰ «دوحه» در آسامی و تاریخ ملوک و هفت «بحله» در دگر هفت زبان محلی ایران و ۳۰ «شیخه» در اشعار شعرا بترتیب ردیی

هفت آسمان اصلاً مشتملست بر ۷ «آسمان» (هر آسمان برای يك بحر از ۲ بحر مثنوی فارسی) اما طاهر اؤلف ته بابك «آسمان» را که در دگر مثنویهای بحر سریع است

ب - ترتیب اسامی شعرا

تذکره های فارسی ترتیب اسامی شعرا بچندین طریق آورده اند . در تذکره های هندو و پاکستان ترتیب اسامی شعرا با نواع دویل آمده است

(۱) الفبائی - اکثر تذکره نویسندگان اسامی شعرا را بترتیب الفبائی از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر آورده اند در تذکره های دویل اسامی شعرا بترتیب الفبائی آمده است . نعایس المآثر و تذکره حرانات و عرفات العاشقین^۱ و خزینه گنج الهی و کلمات السعرا و همیشه بهار و سفینه بیختر و معالات الشعراء حیرت و یدبیا و گلدهسته^۲ و ریاض الشعرا و منتخب الاشعار و تذکره حسینی و مجمع النعایس و سفینه علی حرین و سفینه السعرا و تذکره بیسطیر و باغ معانی و تذکره شاعرات و معالات الشعراء قابع و سفینه عشرت و مردم دیده^۳ و منتخب حاکم و خرابه عامره و تذکره الشعرا (تألیف ۱۱۷۰-۱۱۸۰ هـ) و گلرغان^۴ و لب لباب و خلاصه الکلام و عقد بریا و صحف ابراهیم و خلاصه الافکار و تذکره نوبهار و محرن العرایب و سفینه هندی و تذکره کاتب و ریاض الوفاق و شتر عشق و ابیس العاشقین و اشارات پیش و گلدهسته کرنا تک و معراج الحیال و صبح و طر و نتایج الافکار و عمه عبدلیس و حدایق الشعرا و گلزار اعظم و شمع احمن و نگارستان سخن و صبح گلشن و روز روشن و اختر تابان و تذکره الخواتین و تکمله مقالات السعرا و حدیقه عشرت و تذکره الشعرا یعنی و سحنوران چشم دیده و سحنوران ایران در عصر حاضر .

(۲) تاریخی - در تذکره های دویل اسامی شعرا بترتیب تاریخی یعنی از روی سال وفات و زمانها آمده است

خلاصه الاشعار (غیر ارخامه) و خلاصه الشعرا و میحابه و تاریخ جهاگیری

۱ - در دویل هر حرف ترتیب تاریخی مراعات شده است

۳ - در هر باب اسامی شعرا بترتیب الفبائی آمده است

وطبقات شاهجهانی و مرآت الحیال و سفینه خوشگوی و تذکره ندرت و بهارستان سخن و سرو آرز و هفت آسمان .

(۳) جغرافیائی - عده‌ای از تذکره نگاران شعرارا مطابق استان و شهری که وطن آنها بوده طبقه‌بندی نموده و احوال و آثار شاعران در دیل وطن او ذکر کرده‌اند. در تذکره‌های ذیل ترتیب جغرافیائی مراعات گردیده‌است .

لباب الالباب و درم آرای و هفت اقلیم و خلاصة الأشعار (خانمه) و لطایف الحیال (۴) مدهمی - در میان تذکره‌های فارسی تنها در دو تذکره طبقه‌بندی شعرا از روی مذهب آمده است و آن گل رعنا و ایس الاحسا است که در اولی در باب اول کتاب شعرای مسلمان و در باب دوم شعرای هندو ذکر شده است البته در هر باب اسامی شعرا بترتیب المصائی آمده‌است در دومی (ایس الاحسا) مؤلف آن در دیل عنوان افتتاح و فتح الباب و فصل و احتتام ذکر شعرای مسلمان و در دیل عنوان خاتمه و حسن خاتمه شعرای هندو را ذکر نموده‌است

(۵) بعضی تذکره نگاران بندرت در ترتیب اسامی شعرا اصل «شرف المکان بالمکین» را مراعات نموده و اسامی شعرا را مطابق آن اصل آورده‌اند در تذکره‌های مجمع الشعرای جهانگیری و ایس الاحسا اسامی شعرا بهمین ترتیب آمده است .

(۶) بعضی تذکره نگاران تمسیم بندی فصول یا ابواب فرعی را از نظر شغل شعرا و فصلا بعمل آورده و در هر یک از این طایفه را در فصل جداگانه‌ای آورده‌اند مثلاً رجوع سود به لباب الالباب و محك شعرا که احیرالد ذکر اول ذکر پادشاه و سپس ذکر شاهزادگان و بعد از آن ذکر امرای دربار و در آخر ذکر شعرا را آورده است .

(۷) در تذکره‌های دیل نویسندگان آن هیچ نوع قاعده‌ای را در ترتیب اسامی در نظر نگرفته‌اند تذکره المعاصرین حریرین و تحفه الشعرا و حرینه الشعرا و ریاض - المرادوس و تذکره شعرای کشمیر

تقسیم بندی تذکرة های هند و پاکستان

تذکرة های هند و پاکستان را میتوان بطریق ذیل طبقه بندی کرد .
 اولاً - از لحاظ عمومی و خصوصی بودن تذکرة ها .
 ثانیاً - از لحاظ اصالب مطالب تذکرة ها .

تقسیم بندی از لحاظ عمومی و خصوصی بودن تذکرة ها

بعضی تذکرة های هند و پاکستان مخصوص برمانی یا کشوری یا ناحیه ای یا گروهی یا نوعی از شعر بوده است و برعکس تذکرة های دیگر مخصوص بزمانی یا کشوری یا ناحیه ای یا گروهی یا نوعی از شعر بوده و در شعرای متقدم و متأخر را شاملست و حتی بعضی شعرای کم مایه و غیر معروف را هم دربر گرفته است .
 اینک تذکرة های هند و پاکستان از لحاظ تقسیمات فوق ، یعنی عمومی و خصوصی ، طبقه بندی میگردد

۱- عمومی - در میان تذکرة های هند و پاکستان تذکرة های ذیل مخصوص برمانی یا کشوری یا گروهی یا نوعی از شعر بوده است . لب الالباب و برم آرای و هفت اقلیم و خلاصة الاشعار و عرفات العاشقین و حرینه گنج الهی و لطایف الخیال و مرآت الخیال و سعینه خوشگوی وید بیضا و تذکرة ندرت و گلنسته و بهارستان سخن و ریاض الشعرا و منتخب الاشعار و تذکرة حسینی و مجمع النقائق و سعینه الشعرا و سعینه عشرت و حرايه عامره و تذکرة الشعرا (تألیف ۱۱۷۰ - ۱۱۸۰ هـ) و تذکرة یوسف علیحان و لبالباب و تذکرة الشعراى حام جمشید و صحف ابراهیم و خلاصة الافکار و تذکرة نوبهار و محرن العرایب و تذکرة کاتب و شتر عشق و ابیس العاشقین و معراج الخیال و نتایج الافکار و نعمة عبدلیب و حدایق الشعرا و ریاض الفردوس و شمع محفل سخن و شمع انجمن و صبح گلشن و روز روشن و تذکرة الشعراى عبی .

(۲) خصوصی - در میان تذکرة های هند و پاکستان تذکرة های ذیل مخصوص

برمانی یا کشوری یا ناحیه ای یا گروهی یا نوعی از اشعار بوده است . اسامی این تذکرة از لحاظ همین تقسیمات در ذیل ذکر میگردد .

الف - تذکرة‌های مخصوص برمانی که آن هم مشتملست بر طبقات دیل .
 ۱- معاصرین مؤلف - بفایس المآثر و سخنوران چشم دیده و سفینه هندی و طبقات سخن و محاک شعر او سخنوران ایران در عصر حاضر و شعرای عصر پهلوی .
 ۲- متأخرین - تذکرة خرابات و مقالات الشعراء و سفینه علی خریں و ریاض -
 الوفاق و بگارستان سخن

۳- شعرائی که در زمان پادشاهان مخصوص میریسته اند - «تاریخ حجابگیری» درد کر شعرای زمان اکبر و حجابگیری «و طبقات شاهجهانی» درد کر شعرای زمان تیمور با شاهجهان و «کلمات الشعراء» در د کر شعرای زمان حجابگیری و شاهجهان و اورنگریب و «همیشه بهار» درد کر شعرای زمان حجابگیری تا حلوس محمد شاه و «سفینه بیخبر» درد کر شعرای زمان حجابگیری تا تألیف کتاب (۱۱۴۱ هـ) و «سرو آزاد» در د کر شعرای ار ۱۰۰۰ هـ تا ۱۱۶۶ هـ و «تذکرة بینظیر» درد کر شعرای ار ۱۱۰۰ هـ با ۱۱۷۲ هـ و «نایع معانی» (سجده ناسکی پور) درد کر شعرای از قرن ۹ تا ۱۱۷۴ هـ و «عمد نریا» در د کر شعرای ار زمان محمدشاه تا شاه عالم .

ب - تذکرة‌های مخصوص به کشوری یا ناحیه‌ای و آن مشتمل است بر طبقات زیر .

۱- تذکرة‌های مخصوص به کشوری «سرو آزاد» در د کر شعرائی که ارسنه ۱۰۰۰ هـ تا ۱۱۶۶ هـ در هید متولد شدند یا بهند آمدند و «گل رعای» درد کر شعرای هندوستان و «سخنوران ایران در عصر حاضر» و «شعراى عصر پهلوی» هر دو درد کر شعرای معاصر ایران

۲- تذکرة‌های مخصوص بناحیه‌ای «تحفة الشعراء» درد کر شعرای معاصر د کر و «معالات الشعراء» تألیف قابع درد کر شعرای سند و «ریاض الوفاق» درد کر شعرای معاصر کلکنه و بنارس و «اسارات پینس» و «گلدسته کر ناتک» در د کر شعرای متاخر کر ناتک و «صبح وطن» درد کر شعرای مدراس و «گلزار اعظم» درد کر شعرای متاخر کر ناتک و «مکمله معالات الشعراء» درد کر شعرای متأخر سند و شعرای ناری ریاس کسندر درد کر شعرای کسمیر

تقسیم بندی از لحاظ اصالت مطالب

الف- تذکره های اصیل- تذکره نگاران کتب دیل، تقریباً تمام مطالب خود را از خود نوشته و ارتد کره های دیگر نقل و اقتباس نکرده اند
 لباب الالباب و حواهر العجایب و نعايس المآثر و میخانه و کلمات الشعرا و خلاصه الاشعار (خاتمه) و تذکره حرانات و تاریخ جهانگیری و مجمع الشعرا ی جهانگیری و تذکره المعاصرین حرین و سینه علی حزین و تحفة الشعرا و منتخب کام و ایس- الاحبا و سینه هندی و ریاض الوفاق و اشارات بینس و گلنسته کر باتک و محک شعرا و صبح وطن و نگارستان سخن و سخنوران چشم دیده و شعرا ی عصر پهلوی و سخنوران ایران در عصر حاضر

ب- تذکره های غیر اصیل- تذکره هائیکه نویسندگان آن مطالب خود را از جای دیگر نقل کرده اند و آن مستملست بر طبعات زیر .
 ۱- تذکره هائی که نویسندگان آن تقریباً تمام مطالب را از تذکره های دیگر نقل کرده اند بر م آرای و خلاصه الاشعار (غیر از خاتمه و انتخاب اشعار) و خلاصه الشعرا (غیر از اشعار که مؤلف بتحانه محمد صوفی مازندرانى انتخاب کرده است) و گلنسته و مجموعه عشق و لب لباب (خلاصه ریاض الشعرا) و حدیقه عشرت و تذکره الشعرا ی غمی و تذکره شعرا ی کشمیر .

۲- تذکره هائی که نویسندگان آن اکثر مطالب را از خود نوشته و بعضی مطالب را از تذکره های دیگر نقل کرده اند سینه بیحیر و تذکره بینظیر و گلزار اعظم .
 ۳- تذکره هائیکه در آن اکثر مطالب از تذکره های دیگر نقل شده و بعضی مطالب را نویسنده خود اضافه کرده است روضة السلاطین و همت اقلیم و ریه گنج الهی و لطایف الحیال و همیسه بهار و مقالات الشعرا ی حیرت و سینه خوشگوی و ید بیضا و تذکره بدرت و بهارستان سخن و ریاض الشعرا و منتخب الاشعار و تذکره حسینی و مجمع النعائس و سینه الشعرا و باغ معانی و تذکره شاعران و مقالات الشعرا و سینه عشرت و مردم دیده و تذکره الاشعار (۱۱۷۰-۱۱۸۰ هـ) و گل رعنا و شام عربیان و تذکره یوسف علیخان و خلاصه الکلام و هفت آسمان

۴- تذکروهائی که نویسندگان آن بعضی مطالب را ارجحاً دیگر نقل کرده و بعضی دیگر را از خود آورده اند: عرفات العاشقین و طهقات شاهجهانی و مرآت الخیال و سرو آزاد و جزانه عامره

سبک انشای تذکروهای فارسی در شبه قاره هند و پاکستان

از لحاظ سبک انشاء تذکروهای فارسی را که در شبه قاره هند و پاکستان تألیف شده است میتوان به پنج قسمت دلیل تقسیم نمود

۱- تذکروهائی که بسبک مصنوع تألیف شده است - در این تذکروهامعمولاً سجع و حناس و استعاره و تشبیه و مراعات النظیر و بعضی صنایع و بدایع دیگر بکار رفته است. اولین تذکره که باین سبک نوشته شده اسباب الالاب عوفی^۱ است که اتفاقاً اولین تذکره فارسی هم میباشد و بعد از آن تذکره برم آرای^۱ است که مؤلف آن اکثر مطالب را عیناً از لباب الالاب نقل کرده است و بنا بر این کاملاً تصحیح نفوذ سبک انشای عوفی در لباب الالاب قرار گرفته و کتاب خود را بسبک انشای همان کتاب عوفی تألیف نموده است. همچنین شمع احسن و نگارستان سحر و صبح گلشن و زور روشن و احتر تانان و تذکرة الحواتین و حدیقه عشرت^۱ بهمن سبک مصنوع تألیف شده است.

۲- تذکروهائی که غالباً بسبک و اسبای مصنوع تألیف شده است - اولین تذکره ای که باین سبک نوشته شده حواهر العجایب فخری هر وی است^۱ سپس انیس الاحبا و محک شعرا و معراج الخیال^۱ نیز بهمن سبک تألیف شده است

۳- تذکروهائی که منظم شکل تألیف شده است و در آن کلمات عربی بجا و ابی بکار رفته است مانند مجمع النفایس و معاللات الشعراء قابع و عهدتیریا^۱

۴- تذکروهائی که غالباً بسبک انشای ساده نوشته شده است اما در مقدمه و حاتم و در موقع تعریف شعرا و در بعضی موارد دیگر نویسندگان آن بسبک مصنوع پرداخته اند مانند خلاصة الأشعار و عرفات العاشقین و لطایف الخیال و مرآت -

۱- رجوع شود به بحث درباره این تذکرها در این کتاب

الخیال و تذکرة المعاصرين و سرو آراد و خرا به عامره و بشر عشق و صبح وطن و گلزار اعظم و غیره^۱

در بعضی از این تذکرها برای عبارت «فوت شده» و «ایک اشعار او» جمله هائی مصنوع آمده است مثلاً رجوع شود به سرو آراد و تذکره بینظیر و خرا به عامره و صبح وطن و گلزار اعظم^۱

همچنین نویسندگان این تذکرها گاهی القاب توصیفی شعرا را بشر مسجع آورده و گاهی بمناسبت اسم و تحلیص احساس بکار برده اند مثلاً رجوع شود به عرفات العاشقین و ایس الاحبا و گلزار اعظم^۱

۵- تذکرهاى كه سبك اى سادى تالیف شده و هیچ نوع صنعت لفظی و معنوی در آنها بکار برفته است مانند هفت آسمان و تذکرة الشعراى غمی و سخنوران ایران در عصر حاضر و شعراى عصر پهلوی و تذکره شعراى پارسی زبان کشمیر و تذکره شعراى فارسی زبان پیشاور^۱

ورود کلمات اردو و هندی به نثر فارسی

در تذکرهاى فارسی هندوستان اردو و اوربگریب به عدد کلمات اردو و هندی بحشم میخورد و علت اساسی آن تالیف این تذکرها بدست کسانی است که اصلاً هندی بودند و زبان مادری آنان عالماً اردو یا هندی بوده و بنا بر این در موقع نوشتن فارسی گاهی کلمات زبان خود را طی آثارشان بکار میبرده اند

باید توجه داشت که از ابتدای دوره اسلام تا زمان شاهجهان (یعنی از زمان محمود عربوی تا ۱۰۶۸ هـ) در میان با نرده تذکره فارسی که در شه قاره هندوستان تالیف شده است تنها دو تذکره را نویسندگان هندی الاصل نوشته و بقیه تمام تذکرها را نویسندگان ایرانی که به ندمها حرت کرده تالیف نموده اند. همچنین نویسندگان هندی الاصل در دوره مذکور در زبان فارسی تسلط کامل داشتند و بنا بر این در موقع نوشتن آن زبان هیچوقت احتیاج با استعمال واژه های زبان خود نداشته اند.

۱- رجوع شود به بحث درباره این تذکرها در این کتاب

اما از زمان اورنگریب سعد زبان اردو و هندی در نقاط مختلف هند بیشتر رواج پیدا کرده و بتدریج رواج زبان فارسی کمتر میشده است. همچنین تسلطی که نویسندگان هندی الاصل فارسی در اول بر فارسی داشته در این دوره نداشته اند و بنابراین گاهی اصطراراً کلمات زبانهای اردو و هندی را در تألیفات فارسی خود بکار میبرده اند مثلاً جاگیر و چبوتره (رجوع شود بحث درباره سینه خوشگوی و سروآراد و خرابه عامره و مردم دیده و گلرء اوسینه هندی در این کتاب)

گاهی کلمات اردو و هندی و اسامی شهرهای هند را با املاهای اردو آورده اند (رجوع شود به خرابه عامره و سینه خوشگوی و سینه هندی).

همچنین برخی از نویسندگان این دوره گاهی بعلت عدم تسلط بر زبان فارسی بعضی اصطلاحات را خودشان وضع میکرده اند مانند هندوستان را بمعنی هندوستان راده و غیره (رجوع شود به بحث درباره سینه خوشگوی و سینه هندی در این کتاب) و حتی گاهی در املاهای بعضی کلمات استباه میکرده اند (مخصوصاً رجوع شود به بحث درباره سینه هندی در این کتاب)

رواج سبک انشای ساده در شبه قاره هند و پاکستان

باید ادعان کرد که سبک ساده نویسی حدید که در ایران از اواسط دوره قاجار معمول شده است در شبه قاره هند و پاکستان تا اواخر زمان انگلیسها معمول شده بود و علت آن، عدم تماس و ارتباط بین اهالی هند و ایران تا اواخر دوره سلطت انگلیسها میباشد. تا آخره خون ارواح در زمره نور و آمدن این دو کشور در دوره شروع شد مردم هندوستان با تحول زبان فارسی که در ایران رخ داده بود قوف پیدا کردند و بتدریج سبک خود را مطابق سبک حدید فارسی تعبیر داده کتابهایی پائین سبک تألیف نمودند، چنانکه کلیه تدکرمهائی که در این دوره (۱۳۴۹ هـ تا حال) به فارسی تألیف شده است سبک فارسی حدید میباشد. تمام این تدکرمهها دشر ساده نوشته شده و هیچ نوع تصنع در آن بکار برفته است.

فصل اول

قبل از تیموریان هندی

از ابتدای سلطت مسلمانها در هند تا تاسیس
حکومت نابریان در ۵۹۳۲

ملاحظات عمومی بر فصل اول

اوضاع سیاسی و اجتماعی ارتسخیر هندوستان بدست مسلمانها تا ۹۳۲ھ

بعد ارتسخیر ایران در زمان خلیفه دوم عربها تا سرحد هندوستان رسیده بودند اما در زمان حلما هیچوقت از طرف مسلمانها اقدام جدی برای فتح هندوستان بعمل نیامد و تنها يك دفعه نامر حضرت عثمان خلیفه سوم (۲۳-۳۵ھ) سرداری بسوی بھار سرحدی هندوستان اعزام شد اما بظن پگرا رس عجبی^۱ که وی در باره این سرزمین

۱- در فتوح البلدان (فتوح السند) تألیف ابوالحسن بلاذری آمده است که چون عثمان بن عفان خلیفه شد و عبدالله بن عامر بن کریر را والی عراق کرد بوی نوشت که کسی را به سرحد هندوستان بفرستد تا اطلاعات لازم در باره این سرزمین بدست آورد عبدالله حکیم بن حمله العدنی را اعزام کرد و چون وی از آنجا برگشت او را پیش خلیفه فرستاد حکیم پیش خلیفه گفت من آن سرزمین را خوب مشاهده و در باره آن تحقیقات لازم بعمل آورده ام خلیفه گفت که تعریف کن و حکیم چنین پاسخ داد ماها وشل وثمرها دقل ولصها بطلان قلا الحیش فیها صاعوا وان کتروا حاعوا (آب آن سرزمین کم و میوه بد و در دانه قوی اند اگر تعداد لشکر در آنجا کم باشد آنها تلف میشوند و اگر زیاد باشد اگر سگی میمیرد) خلیفه چون این گزارش را شنید گفت آیا تو حاضر میدهی یا عبادت پردازی میکنی. حکیم پاسخ داد که البته حرم میدهم (ر. ک. فتوح البلدان چاپ مصر ۱۳۵۰ هـ / ۱۹۳۲ م باهتمام رسول محمد رسولان ص ۴۲۰-۴۲۱)

پحلیفه مر نور داد دیگر تا مدتی عربها با این سرزمین توجه نکردند^۱

سپس بعد از تسخیر هرات در زمان معاویه مسلمانها به فرمانداری مهلب بن ابي صهره در سال ۴۴ هـ بطرف کابل بیسراوند و دوار سرزمین هندشده تا شهر ملتان رسیدند اما این حمله بر هندوستان صورت تصرف دائمی پیدا نکرد. بعد از آن بزرگواران مکرر به سرحدات حمله کردند اما حرد در بعضی نقاط مرزی نتوانستند کار خود را پیش ببرند تا اینکه در زمان ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ هـ) در سال ۹۲ هـ محمد بن قاسم نواده حجاج بن یوسف حاکم عراق با یارانش ای بجا که سند حاصل نمود آنها را شکست داده ولایت سند را از سواحل آن تا حوالی ملتان تسخیر نمود و با وجود اینکه عربها تا قریب دو قرن برای ایل سند حکومت کردند اما هیچوقت در سند بیسرف و توسعه حدود مستعمرات خود در هند بر نیامدند و حتی تسخیر بقیه نقاط هندوستان توسط مسلمانها از راه سند صورت نگرفت بلکه از طریق افغانستان انجام پذیرفت

بعد از حمله محمد بن قاسم امیر سکتکس (۳۶۶ - ۳۸۷ هـ) اولین سردار مسلمان بود که سرزمین هند حمله کرد و بعضی قبایل را حیوت را معلوب ساخته و شهر و نواحی بیساور را تحت تسلط خویش در آورد. بعد از وی سران سلطان محمود غزنوی (۳۸۸ - ۴۲۱ هـ) در میان سالهای ۳۹۲ هـ و ۴۱۵ هـ دوازه بار هندوستان حمله کرد و بتدریج قسمت شمال غربی آن کشور را تا لاهور تصرف خود در آورد و حاکمی از طرف خود در لاهور مقرر کرد. سپس چون بهرامشاه بن مسعود غزنوی

۱- در آخر سال ۳۸ هـ و اوایل سال ۳۹ هـ در زمان خلافت علی بن ابیطالب حارث بن مره العبدی با حاره حضرت علی سرحد هند اعزام شد و در جنگی که کرد پیروز شد و مال عبیت و اسیران زیاد بدست آورد و تنها در بکرور هر از رأس اسب بین سرانان قسمت کرد سپس در ۴۲ هـ وی و همراها اس در سرزمین قیقان که در بلاد سند در نزدیکی حراسان واقعست کشته شدند و تنها عده کمی از آنها توانستند جان سلامت ببرند (ر . ک . فتوح - البلدان چاپ مصر ص ۴۲۱)

(۵۱۱ - ۵۴۸ هـ) اردشیر سیف‌الدین غوری شکست خورد و منبرم گشت مدتی به هندوستان پناهنده شد و بعد از آن دوباره چون اردشیر علاء‌الدین غوری شکست خورد پند گریخت. اما دوباره به غریب مراجعت کرد. طولی نکشید که ترکان غر در ۵۵۵ هـ عربی را از خسرو شاه بن بهرام شاه عربی (۵۴۸ - ۵۵۵ هـ) گرفتند و خسرو شاه پند گریخت از آن باریج بعد سلاطین غریبی که خسرو ملک بن خسرو شاه (۵۵۵ - ۵۸۲ هـ) آخرین پادشاه آن سلسله بود محضراً بر (قسمت شمال غربی) هندوستان سلطنت کردند و عربی و قسمت‌های دیگر سلطنت خود را برای همیشه از دست دادند.

سلطنت عربی‌ان لاهور راه برای معرالدین (سپاه‌الدین) محمد بن سام غوری (۵۶۹ - ۶۰۲ هـ) و حاشینان وی که تمام سلاطین دهلی معروفند برای تصرف تمام شمال هند و انتشار اسلام در آن نواحی بار نمود. در ۵۸۲ هـ سلسله عربی‌ان از هندوستان بربندست معرالدین محمد غوری بر چیده سد و سراسر هند شمالی تحت تسلط غوریان درآمد. بعد از فوت معرالدین علام‌وی قطب‌الدین ایبک از طرف سلطان عیاش‌الدین محمود غوری (۶۰۲ - ۶۰۷ هـ) بحکومت هندوستان منصوب شد و تا سال ۶۰۷ هـ بحکومت کرد و بعد از وی علام‌اوس سلطان سمس‌الدین التتمش (۶۰۷ - ۶۲۳ هـ) بر هندوستان بحکومت کرد. وی رقیب خود ناصرالدین قباچه حاکم سند را در ۶۲۵ هـ شکست داد و قباچه خود را در رود سند ابداحب و حان داد و در نتیجه تمام مال و مملکت او بتصرف التتمش درآمد.

بالاخره حلال‌الدین فیروز خلجی، آخرین پادشاه سه ساله حاندان علامان یا تمسیه زاد در ۶۸۹ هـ ارتحب معرول کرده خود را سلطان هند (۶۸۹ - ۶۹۶ هـ) اعلام کرد و بدین ترتیب میان سلطنت حاندان خلجی را در هند نهاد.

در میان حاندان‌بائی که بعد از خلجیان (۶۸۹ - ۷۲۰ هـ) بر هندوستان بحکومت کردند تعلیمیه (۷۲۰ - ۸۱۷ هـ) و سادات حصر حان و بهارک شاه و غیره (۸۱۷ - ۸۵۵ هـ) ولودیان (۸۵۵ - ۹۳۰ هـ) بر قسمت اعظم هندوستان فرمانروائی کرده‌اند همچنین در همین ایام بعضی سلسله‌های مستقل دیگر مانند سلاطین سگال و شرقی حویپور و

مالوه و گجرات و کشمیر و خاندیش و بهمینی بیر بر نواحی مختلف هندوستان حکومت داشتند که بعداً در زمان نابریان اربین رفتند

طهیرالدین یاسر در ۹۳۲ هـ بر هندوستان حمله کرد و ابراهیم لودی، آخرین پادشاه سلسله لودی را شکست داد و بدین ترتیب سلطنت لودیان را بر انداخته بنیان سلطنت نابریان را در هند نهاد (که ذکر زمان آنها در فصل دوم این کتاب میآید).

وضع زبان و ادب فارسی در این دوره

ظاهر آن زمان فارسی از زمان سکتکین در پیشاور و نواحی آن و در زمان سلطان محمود غزنوی در قسمت شمال غربی هندوستان وارد هند شده و برای اولین دفعه زبان رسمی و ادبی این نواحی شده است. بعضی اهل فصل و ادب فارسی در همین زمان از این سرزمین تر جاسته اند که در میان آنها ابوالفرح بن مسعود رونی (متوفی بین سالهای ۴۹۲ - ۵۰۸ هـ) و مسعود بن سعد بن سلمان لاهوری (متوفی ۵۱۵ هـ) ار همه معروفتر بوده و هر دو معاصر ابراهیم بن مسعود غزنوی و مسعود بن ابراهیم غزنوی بوده اند و اولی در مدح آنها قصیده ها ساخته و دومی نامر آنها مدح همجده سال صعودت بدان کشیده و در ناسرده سال آخر عمر کتاب دار سلاطین غزنوی بوده است.

در زمان سلاطین دهلی، ناصرالدین قباچه حاکم سندار مر میان معروف اهل علم و فصل بوده و در باروی مجمع و مر کر اهل ادب و هنر بوده و فصلائی مانند محمد عوفی مؤلف لباب الالباب و منهاج سراج مؤلف طبقات ناصری حر و درباریان وی بودند. ناید توجه داشت که عوفی الفرح بعدالسنده را سام ناصرالدین قباچه نمارسی ترجمه کرد و بر مایش وی تالیف حوامع الحکایات را شروع کرد و لباب الالباب را سام وریر او عین الملک فخرالدین الحسن الاسعری تالیف نمود

بعد از مرگ قباچه فضلاء و علمای دربار وی مانند عوفی و منهاج سراج و عین الملک اسعری و برادرش بهاء الملک حسن بخدمت سمس الدین التتمش بیوستند و التتمش و

امرای او آهار اسرپرستی کردند چنانکه عوفی جوامع الحکایات خود را (که فرمایش قباچه شروع کرده بود) نامر نظام الملائک قوام الدین محمد حمیدی وریر التتمش پایان رساید و نام وی عنوان کرد

در میان خلجیان معروف ترین پادشاه ادب و ورسلطان علاء الدین خلجی (۶۹۶- ۷۶۵ هـ) بود که تمام مصاحبین وی اهل فصل و هنر و ادب بودند^۱ و شعرائی مانند امیر خسرو و حسو دهلوی از شعرای دربار او بودند .

از زمان سلسله تعلق بعد بعلت هرح و مرح سیاسی و جنگ های داخلی کمتر کسی به شعر و ادب توجه نهوده است و بهمین علت ما از وجود کسی از نویسندگان یا ساعران معروف سراع نداریم که در این عهد ریسته باشد و تنها امیر خسرو در اوایل حکومت تعلق دربار آنها مربوط بود

نقش صوفیه در تبلیغ اسلام و ترویج فارسی در هند

نایدادغان کرد که صوفیه در تبلیغ اسلام و ترویج و اشاعه فارسی در سرزمین هندوستان سهم بسیار بزرگ دارند چون آنها از بزرگ نامردم آن کشور تماس داشته و به تبلیغ دین می پرداختند بیروان آنها به نقاط مختلف هندوستان مسافرت کرده و پیغام اسلام را مردم میرساندند و گاهی غیر از تعزیر بتألیف کتاب هائی فارسی نیز می پرداخته اند صوفیان معروف که در این دوره در هندوستان می ریسته اند عبارت از ریر می باشند ابوالحسن علی بن عثمان حالابی هجویری غریبی مؤلف « کسب المحبوب » متوفی بعد از ۴۲۵ هـ و خواجه معین الدین چشتی متوفی ۶۳۳ هـ و سیح بهاء الدین دگریای ملتانی متوفی ۶۶۷ هـ و سیح فرید الدین گنج شکر متوفی ۶۶۴ هـ و قاصی حمید الدین ناگوری متوفی ۶۹۵ هـ و شیخ ابوعلی قلندر (سیح شرف الدین بابی یتی) متوفی ۷۲۵ هـ و سیح نظام الدین اولیاء دهلوی متوفی ۷۲۵ هـ و سیح نصر الدین حراغ دهلوی متوفی ۷۵۷ هـ

۱- برای اسامی فضلا و هرمندان که به دربار علاء الدین مربوط بودند رجوع شود به

تاریخ فرشته ص ۹۰ و شعرالبحر جلد دوم در دیل امیر خسرو دهلوی

و شیخ جلال محدود جهان گشمتوفی ۵۷۹۰ هـ و شیخ نور قطب عالم متوفی ۵۸۰۸ هـ و محدود شاه بهی متوفی ۵۸۲۴ هـ و شیخ محمد گیسو درار متوفی ۵۸۲۵ هـ
اکثر صوفیان مذکور اصلا هندی بودند ولی زبان مادری آنها فارسی بوده و بنا بر این کتاب هائی که می نوشته یا شعر هائی که می سروده اند به فارسی بوده
اس

اهمیت این دوره از لحاظ تدکیره نویسی فارسی

در تاریخ تدکیره نویسی فارسی این دوره دارای اهمیت فوق العاده ای می باشد ،
حون تدکیره نویسی در زبان فارسی از همین دوره شروع می شود از حیث تعداد تدکیره ها
این دوره نمی تواند با ادوار دیگر تدکیره نویسی فارسی رقابت کند چون تنها دو
تدکیره سعرا با سال ۹۳۲ هـ بنام لیل الالباب و تدکیره الشعرا دولت شاه سمرقندی بر زبان
فارسی در هندوستان و ایران تألیف شده است اما از لحاظ این که همگی تدکیره ها
در آینده برای تدکیره نگاران بعدی راهنما را ناری کرده و نخستین نمونه ها برای
نویسندگان آینده بوده و همچنین از نظر این که تنها محدوداً در مورد شعرای قرن
سوم تا هفتم همین دو تدکیره بوده و تدکیره نویسان بعدی تمام اطلاعات خود را راجع به
شعرای هرون فوق از همین دو تدکیره اقتباس نموده اند می توان با اهمیت این دوره
پی برد

لماب الالباب و تدکیره دولت شاه

ایضا باید تدکرداد که لماب الالباب به تنها اولین تدکیره فارسی است و برینا
سه قرن قبل از تدکیره سعرا دولت شاه سمرقندی تألیف شده بلکه از لحاظ صاحب مطالب
کتاب و صداقت بیانات مؤلف برتر تدکیره سعرا رحمان و برتری دارد چنان که اکثر
اطلاعاتی که دولت شاه مخصوصاً در باره سعرا می تقدم آورده معقول و بی اساس و برخلاف
حمایق تاریخی بوده و در مقابل آن کلیه مندرجات و حکایات لماب الالباب قابل اطمینان
و معتبر بوده است

همچنین باید توجه داشت که لب‌الالباب تنها مآخذ معتبر برای آیندگان در مورد شعرای رمان صفاری و سامانی و عربی بوده و شرح حال و حکایاتی که راجع به این شعرا در تذکره دولت‌شاه ذکر شده پر از اغلاط تاریخی و مطالب بی‌اساس می‌باشد.

نواقص عمده لب‌الالباب

لب‌الالباب تنها تذکره‌ایست که در این دوره در سبب‌قاره هند و پاکستان تألیف شده است. با وجود همه مزایایی که این کتاب دارد (و در باره آن در ردیل این کتاب تسبیح مفصل بحث شده) این تذکره دارای بعضی نقائص اساسی و مهمی هم می‌باشد که دیلاً ذکر می‌گردد.

اولاً عوفی مؤلف لب‌الالباب توجهی با اهمیت سرچ‌حال شعرا نداشته و با وجود اینکه امروزه کلیه مآخذ او اطلاع‌بخشند اما می‌توان گفت که بسیاری از کتبی که در تألیف این کتاب از آنها استفاده نموده است امروزه از میان رفته است. اگر عوفی به اهمیت سرچ‌حال و آثار شعرا کاملاً بی‌توجه بود حدود اطلاعات و ذخایر معلومات ما در باره شعرای متعدد بمراتب بیشتر از آنچه که امروزه هست می‌بوده، اما حیف که وی به این نکته مهم توجه نکرده و در ردیل ذکر اکثر شعرا و فضلا به عنایت پردازی و تعریف بی‌هوده پرداخته است و حتی در ردیل شعرائی که معاصر وی بودند و یا او شخصاً با آنها ملاقات کرده و مدتی با آنها مربوط و محشور بوده راجع برندگان آنها هم اطلاعات کافی بهم برسانیده است.

ثانیاً اشعاری که عوفی از شعرا انتخاب و در تذکره خود صفت نموده است غالباً طبق ذوق او پر از صنایع و بدایع و ترکیب‌های عریب و عجیب می‌باشد و ظاهراً همان ذوق شعرای رمان او بوده است. چنانکه اشعاری که وی از شعرای بعد از رمان سلجوقیان آورده

استار صنایع و بدایع مختلفه مشحون و از قوافی و ردایب مشکل و تراکیب غریب
مملو است

سبک انشای تذکره نگاران این دوره

سبک انشاء عوفی مؤلف لسان الالباب (که تنها تذکره ایست که در این دوره
در شبه قاره هندوپاکستان تألیف شده است) در این تذکره بسیار مصنوع اسس و غالباً در
آوردن صنایع و بدایع بسیار سعی و حدیث نموده و بر عکس حوامع الحکایات (اردیگر
خود) این تذکره را با اصطلاح بشر فنی نوشته است عوفی در اکثر موارد در این کتاب
بجای آوردن مطالب و اطلاعات مفید راجع به رنگ گانی شعرا توجه بخصوص با شرایط
در استعمال کلمات و تراکیب مشکل عربی و صایع و بدایع لفظی و معنوی مخصوصاً استعارات
و تشبیهات و تسبیحات و تحنیسات و غیره داشته و حتی الممدور سعی نموده هر چه بیستر
صنایع را در شرح خود بکار برد و یکی از علل مهم فقدان اطلاعات مفصل و مفیدی درباره
رنگ گانی شعرا در لسان الالباب همین سبک عوفی است و این سبک به تنها توجه وی را
به سوی عبارت پردازی و صعب گری معطوف کرده بلکه از آوردن شرح حال مفصل این
شعرا باز داشته است



اکنون درباره لسان الالباب که تنها تذکره ایست که در این دوره در شبه قاره
هندوپاکستان تألیف شده است، تفصیل بحث می کنیم

لباب الالباب^۱

انتقاد در توحید که صدی معرفتش جوهریان فصاحت بصاعت و حاصل اعتراف
بلعاً آن بوده که قوله تعالی لا علم لنا الا ما علمتنا انک اب العلیم الحکیم^۲.

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب محمد و اسم پدرش نیز محمد است چنانکه خودش در مقدمه
لباب الالباب حلد اول (ص ۱) اسم خود را چنین نوشته است «محمد (بن) محمد عوفی»
همچنین در حوامع الحکایات که تألیف دیگر مؤلف است بر اسم خود را محمد ذکر کرده
است^۳

۱ - ظاهراً این تذکره نامدتی در هند و ایران شهرت پیدا کرده است چنانکه تقریباً
سه قرن بعد از تألیف این کتاب موقعی که دولت‌شاه سمرقندی تذکره خود را تألیف می‌کند وی
طبق اعتراف خودش هیچ اطلاعی از وجود لباب الالباب ندارد و همچنین تقریباً چهار قرن بعد از
تألیف لباب الالباب در ۱۰۰۰ هـ علی بن محمود الحمینی تذکره‌ای به نام برم‌آزای تألیف کرده و
اکثر مطالب لباب الالباب را عیناً در آن کتاب بدون ذکر اسم مأخذ نقل و آن را به نام سپه سالار
معروف ادب پرور اکبر شاه عبدالرحیم صاحبان عنوان می‌کند اگر لباب الالباب در آن ایام
معروف بود مؤلف برم‌آزای حرأت نمی‌کرد مطالب آن کتاب را بدون ذکر اسم آن نقل کند
اما حال این است که دو سال بعد از تألیف برم‌آزای در ۱۰۰۲ هـ مؤلف همت اقلیم برای اولین
دفعه اسم لباب الالباب را در کتاب خود ذکر کرده و بعضی مطالب را از آن نقل
کرده است

۲ - ر ک لباب الالباب حلد اول انتدای حلد دوم لباب الالباب بدین
قرار است .

۳ شکر و سپاس و حمد بقیاس مرقاد و حاکم و صانع قدیم را که لباس هستی در بر موجودات
بلندی و پستی افکند و عقل فیما را در بر قریشی شاه روح گردا بید .

۳ - ر ک نسخه موره بریتانیا ش ۳۹۲ ص ۸۷ الف چنانکه علامه قزوینی در مقدمه
لباب الالباب چاپ لیدن (ج ۱ ص ۱۰۵) متذکر شده است

مؤلف ار اولاد عبدالرحمن بن عوف از مشاهیر صحابه رسول است و بهمین جهت شهرت وی عوفی بوده است. خدمت مؤلف قاصی امام سرف الدین سید المحدثین ابو طاهر یحیی بن طاهر بن عثمان العوفی از مشاهیر علمای ماوراء النهر و «در علم حدیث و معرفت اسباب عرب و اسامی رجال و حرح و تعدیل مشارالیه بالناس» بوده است.

در مورد لقب عوفی در میان نویسندگان اختلاف رأی بوده است و بعضی از آنها لقب او را «سید الدین»^۱ و بعضی دیگر «نور الدین»^۲ و سدرت «جمال الدین»^۳ نوشته اند اما نظر بد لایلی که آقای دکتر نظام الدین در مقدمه حوامع الحکایات^۴ و حنا که آقای دکتر معین در مقدمه «حوامع الحکایات» (بخش اول)^۵ ذکر نموده اند این امر

۱- ر. ک. مقدمه حوامع الحکایات تألیف سید الدین محمد العوفی از محمد نظام الدین چاپ لندن ۱۹۲۹ میلادی ص ۴۳ و مقدمه حوامع الحکایات (بخش اول) چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۵ ش تصحیح و اهتمام آقای دکتر محمد معین ص ۲-۵.

۲- ر. ک. مقدمه منتخب حوامع الحکایات «چاپ فرهنگ ۱۳۲۴ ش صفحه ب و مقدمه لباب حلد اول چاپ لیدن با اهتمام و تصحیح محمد قزوینی ح ۱ ص ۱۱۱-۱۱۰ علامه محمد قزوینی در حاشیه مقدمه کتاب مذکور بسواں مآخذ نکتدیل استناد کرده است تاریخ گزیده تألیف سال ۷۳۰ هـ و تاریخ نگارستان تألیف سال ۹۵۷ هـ و تاریخ جهان آرا تألیف سال ۹۷۲ هـ (که هر دو از مؤلفات قاصی احمد عمارت است) و حیب السیر تألیف سال ۹۳۰ هـ و چهارم ح ۲ و تاریخ ورشته تألیف سال ۱۰۱۵ هـ.

۳- ر. ک. تاریخ مرآة الادوار تألیف مصلح الدین محمد اللاری سال ۹۷۴ هـ و (کشف الطون) حاجی حلیه ح ۲ ص ۵۱۰ و مقدمه لباب الالباب چاپ لیدن با اهتمام محمد قزوینی ح ۲ (ص ۲۰).

۴- ر. ک. حاشیه ۱ فوق

تقریباً نامبسنده است که لقب عوفی «سدیدالدین» بوده و لا غیر^۱

حال عوفی سیدالحکماء ملک الاطباء شرف الرمان مجدالدین محمد ضیاء
الدین عدنان سرخکتی^۲ در سلك خدمت سلطان قلیچ طمعاح خان ابراهیم بن حسین
ماقل آحرین ملوک حایبه ما وراء النهر^۳ منحصرط و اطباء خاص او بوده است .

۱- عوفی در باب یازدهم لئاب ح ۲ در ذیل سعدالدین مسعود دولتیار مینویسد
«وقتی بردیک این داعی قطعه فرستاد

قطعه

بصاعی که تصاویر کائنات حدود	رکک صنع بیک قطره آب میندد
چوبعل مه را در آتش شفق انداخت	سپهر را بحط حکم حواب میندد
کمال عرت او از حلال استنبا	کسوف وحشت بر آفتاب میندد
که دست دولت رای جمال دولت و دین	مرا مهر مژهای در باب میندد .

مرحوم علامه قزوینی در مقدمه لئاب الالئاب جلد ۲ ص ۲۰ مینویسد « در این قطعه
که شاعری معاصر عوفی درباره او گفته است لقب او را جمال الدین (جمال دولت و دین) آورده
است پس لقب او حتماً «جمال الدین» بوده است نه «نورالدین» یا «سدیدالدین» .

اما اولاً معلوم نیست که قطعه فوق را شاعر مدکور درباره عوفی گفته باشد و ثانیاً اگر این
قطعه درباره عوفی باشد و بنا بر این مسلم شود که لقب وی «جمال الدین» بوده احتمال دیگر
این است که وی دولت داشته است و جمال الدین و «سدیدالدین» چون در اینکه لقب او سدید
الدین بوده هیچ شك و تردیدی نیست چنانکه در خودرمان او در چهار مورد لقب او سدیدالدین
آمده است (ر . ك . مقدمه حوامع الحکایات - بخش اول - باهتمام آقای دکتر معین و مقدمه
حوامع الحکایات چاپ لندن باهتمام محمد نظام الدین) و اگر با مسلم شود که وی لقب
جمال الدین هم داشته است لاجرم باین نتیجه میرسیم که او این هر دو لقب را داشته است

۲- برای ترجمه حال او ر . ك . لئاب چاپ لندن ح ۱ ص ۴۲ و ۳۰۰-۳۰۱ .

۳- برای ترجمه حال او ر . ك . لئاب الالئاب چاپ لندن ح ۱ ص ۴۲ و ۳۰۰-۳۰۱ .

تاریخ ملوک ترکستان (حایه) ^۱ نام قلع طغساح خان مذکور و کتابی در خواص اشیاء که قطعه‌ای از هر کدام را عوفی در حوامع الحکایات نقل کرده است از تألیفات اوست

عوفی در بحار المتولد گشته چنانکه در حوامع الحکایات ^۲ خود را محمد بن محمد عوفی بخاری می‌خواند اما سال تولد وی معلوم نیست ^۳ دوره اول تحصیلات خود را در وطن خود با تمام رسا بید و سپس در طلب علم و ملاقات مشایخ از آنجا سفر کرد و غالب بلاد ماوراءالنهر و خراسان و بعضی از بلاد هندوستان را از قبیل سمرقند و آموی و خوارزم و مرو و بیشانور و هرات و اسفرا و اسفرا این و سهرنو و سجستان و فره و عربین و لاهور و کنبایت و پیر و اله و بهکرو و دهلی بعد از سیاحت پیموده و بعد از خدمت فصلای هر سرزمین رسیده و از بسیاری از اربابان احاره روایات حدیث حاصل نموده است و در ضمن همواره شغل دگر و وعظ قیام نموده است و بدین وسیله خدمت ملوک و امرای وقت تعرب حسته و از فواید دنیاوی شان محظوظ و بر خود دار میگردیده است

علماء و مسایحی که عوفی خدمتشان رسیده و اقتباس فواید از ایشان نهوده جمعی

۱- صاحب فهرست کتابخانه لیدن ج ۳ ص ۹ خطای نامه تألیف سید علی اکبر ملقب به خطائی را که وی بنام سلطان سلیم خان (۹۱۸-۹۲۶) تألیف کرده است تاریخ ملوک ترکستان اشتباه کرده است و آن سهو واضح است

۲- ر. ک. صفحه ۴۳۹۲ ص ۸۷

۳- در این خصوص می‌توان برای داخلی و خارجی حدود تقریبی را تثبیت نمود در سال ۵۹۷ هـ موقعی که عوفی از وطن خود بخارا به سمرقند می‌رود ما او را مردی پیر و مند و فاضلی کامل می‌یابیم و طبیعی است که پس از تحصیلات طولانی خود در بخارا می‌بایست سن ۲۵-۳۰ سالگی رسیده باشد و بنا بر این می‌توان تولد وی را بین سال‌های ۵۶۷ و ۵۷۲ هـ دانست (ر. ک. مقدمه حوامع الحکایات چاپ دانشگاه تهران مصحح آقای دکتر معین ص ۸-۹)

کثیرند از مشاهیر آنها امام پرهان الاسلام تاج الدین عمر بن مسعود بن احمد^۱ از معاریف آل پرهان است^۲ که عوفی بعضی تحصیلات ابتدائی خود را نزد وی در بخارا نموده است و دیگر امام رکن الدوله مسعود بن محمد امامزاده از کبار علمای ماوراءالنهر است که عوفی در بخارا در خدمت او تلمذ نموده و وی در ۶۱۷ هـ در وقت فتح بخارا بدست معول گشته شد و همچنین شیخ محمدالدین شرف بن المویذ البغدادی عارف مشهور و از کبار تلامذه شیخ نجم الدین کسری که بین ۶۰۶ و ۶۱۶ هـ شهید شد و عوفی در خوارزم بدست سوی رسیده و بعضی از اشعار وی را بلاواسطه از او شنیده است و مولانا قطب الدین سرخکنی که عوفی نزد او تحصیل کرده است^۳.

طاهر أبعاد تحصیلات در بخارا اولین سفری که عوفی بسال ۵۹۷ هـ بخارج نموده در طلب روزی و معاش به سمرقند بوده و طاهرأ با کمائی و توصیه حال خود محمدالدین

۱ - ر ك كتاب الالاب چاپ لیدن ح ۱ ص ۲۱۱ .

۲ - برای شرح حال او ر ك كتاب الالاب چاپ لیدن ح ۱ ص ۱۷۴ - ۱۶۹ و

۳۳۵ و ۳۲۶

۳ - آل پرهان که ایشان را بی ماره پیر گویند از حائوآده های حایل الشان و شریف بوده اند و در بخارا ریاست شعبه حنفیه که مدتی عامه ماوراءالنهر بوده پشت در پشت بعهده ایشان بوده است و در او احر دولت قراحتائیان در ماوراءالنهر ایشان از جمله ملوک بخارا محسوب می شدند و قراحتاناح می گذاردند این خاندان تا زمان سلطنت اولجایتو (۷۰۳-۷۱۶ هـ) برحای و به ریاست حنفیه باقی بوده است و بعد از آن از حال آنها اطلاعی در دست نیست (ر . ك كتاب الالاب مصحح استاد سعید نفیسی ص ۵۹۵ که آنجا ایشان این عبادت را از تعلیقات علامه قزوینی نقل کرده اند)

محمد بن عدنان که از خواص ملارمان پادشاه قلح طمعاح خان ابراهیم^۱ بوده به خدمت پسر آن پادشاه قلح ارسلان خاقان نصره الدین عثمان بن ابراهیم مشهور به سلطان السلاطین^۲ که در آتوق و لیعهد بوده تفریح حسته متصدی دیوان ایشای این شاهزاده شده و گاهی ناوی محاصراتی بیرداشته است^۳

مدت اقامت عوفی در دربار سلطان نصره الدین عثمان چندان طولی بکشید و وی برودی در حدود ۶۰۰ هـ از ماوراءالنهر به بلاد حراسان هجرت نمود چنانکه در ۶۰۰ هجری وی در ساوند و سپس چندین سال در بلاد مختلف حراسان و سیستان و خوارم سفر کرده و از فواید ادبی و مادی علمای آن بلاد بهره مند گردیده است در ۶۰۳ هـ

۱ - خلال الدین قلح طمعاح خان ابراهیم بن حسین ماقبل آخرین ملوک حایه ماوراءالنهر است ایشان را حایه و ایلیک حایه و آل افراسیاب یرمی گویند و مدت سلطنت ایشان در ماوراءالنهر بعد از سامانیه و قبل از معول قریب دو بیست و سی سال است از حدود ۳۸۰ هـ تا ۶۰۹ هـ که بدست سلطان علاء الدین محمد حواری مشاء منقرض شد و اکنون هیچ تاریخ مستقلی درباره این سلسله موجود نیست و در هیچ تاریخی دگری از این قلح طمعاح خان ابراهیم بیامده است و فاتی وی در حدود ۶۰۰ هجری بوده است «سندنامه» تألیف محمد بن علی الطهیری السمرقندی (که نسخه ای از آن در موزه بریتانیا موجود است و ۷۴۸ ریوس ویر باه تمام و تصحیح آقای احمد آتش در استانبول در چاپخانه وزارت فرهنگ ترکیه در ۱۹۴۸ م به طبع رسیده است) و همچنین تاریخ ملوک حایه تألیف محمد الدین محمد بن عدنان سرحکنی حال عوفی که قطعه ای از آن را عوفی در حوامع الحکایات نقل کرده است و طاهر آرمیان رفته به نام این پادشاه است (رک لناب الالباب مصحح استاد سعید نفیسی ص ۵۷۱ و ۵۷۲-۵۷۳ و مقدمه آن کتاب صفحه بیست و یک و بیست و دو)

۲ - آخرین ملوک حایه ماوراءالنهر است و حلوس وی در حدود سال ۶۰۰ هجری بوده و در ۶۰۹ هـ سلطان محمد حواری مشاء او را با ردیکاش کشت و حایه را در ماوراءالنهر منقرض نمود. (رک لناب مصحح استاد نفیسی حایه صفحه بیست و سه)

۳ - متلار رک لناب الالباب چاپ لندن ص ۴۴-۴۵ و حوامع الحکایات نسخه موره بریتانیا ص Add 16862 صفحه 378 و مقدمه حوامع الحکایات مصحح دکتر معین ص ۱۷-۱۸ که آنجا بعضی از محاصرات عوفی با این شاهزاده ذکر شده است.

در بیشاپور بوعظ و تذکیر مشغول شد و در ۶۰۷ هـ در اسمرار بود.

عوفی در لباب الالنباء در دیل ترجمه حال علاء الملک صیاء الدین ابوبکر احمد الحامعی میگوید «در آن وقت که ولف این مجموعه در اسمرار بخدمت او رسید داعی را کمال تربیت او پایمردی کرد تا در خدمت او بماند. وقتی در خلوت میفرمود که مرا بیوسته آرزو آن بود که ائمه ما و راء السهر و حراسان را بیسم و مجلس و عظ ایشانرا استماع کنم تا اتفاق سفر خطا افتاد و در بلاد ساغون رفتم. ...»

مقصود حامجی اینحا سفری است که در کاب سلطان محمد خوارزمشاه به باخطا کرد و ما بین خوارزمشاه و تاینگو سردار قرآخطا در طرار جنگی عظیم واقع شد و تاینگو شکست خورده اسیر گردید^۱ و چون این جنگ سال ۶۰۷ هـ اتفاق افتاد پس واضحست که اقامت عوفی در اسمرار در خدمت صیاء الدین ابوبکر حامجی ناگزیر بعد ارسال مدکور بوده است^۲

در اثناء مسافرت اسمرار راهر نان «اساب و امتعه» عوفی را بعاتت بردند و وی پیاده و بی برگ ماند. روایت عوفی چون وی بنهر بو که ما بین استرآباد و خوارزم بود رسید و حواس بخدمت نصره الدین کرد و جامه^۳ رسد ممکن شد چو شب و

۱- ر. ک. و تعلیقات لباب الالنباء چاپ لیدن ح ۱ ص ۳۲۱-۳۲۲

۲- ر. ک. مقدمه لباب چاپ لیدن ح ۱ ص ۵۱۲ الی «دیج»

۳- کنود حامه نام حشمی است که در میان استرآباد و خوارزم می نشسته اند و شهری داشته اند موسوم به شهر بو نصره الدین پادشاه آن طایفه بود که مدست سلطان علاء الدین محمد خوارزمشاه (در حدود ۶۰۰ هـ) کشته شد و لهدا برادر راده وی رکن الدین کنود حامه در وقت حرح معول مکین عم خویش بدیشان پیوست و وقتیکه علاء الدین محمد خوارزمشاه ارمقال لشکر معول فرار کرد و بالاحرحه در قریه ای در کنار بحر حرر پناه حسته بود رکن الدین مدکور با حماغتی ارمعول ناگهان بر سر او تاختند اما سلطان فوراً در کشتی نشسته فرار نمود و ایشان کشتی او را تیر ماران نمودند ولی بخود او رسیدند (رجوع شود به سیرت حلال الدین منکرمی تألیف سوی ص ۴۶) نصره الدین شمر هم می گفته است (رک لباب چاپ لیدن ح ۱ ص ۲-۵۱)

در باره حامدان کنود حامه نیز رجوع شود به «تاریخ کنود حامگان» نوشته طاهری شهاب در سالنامه کشور ایران سال دهم ۱۳۳۵ ق

رور نصره‌الدین مر نور « بمغارله ملاح و معاقره اقداح راح » می‌گذشت عوفی این رباعی را بخدمت وی فرستاد

ای شاه سدل بحر و کانی دگری^۱ در قالب مالک و عدل حانی دگری

ران روی کبود جامه می‌جوواندست کر رفعت و قدر آسمانی دگری

چون نصرالدین این رباعی را خواند بسیار تحسین نمود و بی‌عام فرستاد که فرصت

استماع و عطف و تدکیر ندارم ملتمس چیسب عوفی در جواب این پیرا فرستاد

هر چند که بر بساط شطرنج هنر امروز سهم، پیاده می‌داید رفعت

نصره‌الدین اسبی با سار و یراقی بر دعوفی فرستاد و «ی از آنجا سوار شده پی کار

خود رفت»^۲

عوفی تا بعد از ۶۰۷ هـ در بلاد حراسان بوده و بعد از آن طاهر آ در اوایل انتشار

خروج معول قبل از ۶۱۷ هـ خود را به بلاد سدانداخند و بخدمت ناصرالدین قاجار^۳

۱- آقای دکتر معین در مقدمه حوامع الحکایات چاپ دانشگاه تهران مصراع اول این

رباعی را در ص ۱۹ همین شکل و سپس در ص ۳۳ «دین شکل آورده اند» «ای شاه لطف ز دل کان

دگری» و در مصراع دوم و چهارم بجای «حان دگری» و «آسمانی دگری» «حان دگری و آسمان

دگری نوشته اند

۲- در کتاب الالباب چاپ لیدن ج ۱ ص ۵۱

۳- ناصرالدین قاجار (متوفی ۶۲۵ هـ) از مالیک سلطان سهاب‌الدین عوری پادشاه دهلی

بود و قاجار مد کورارسال ۶۰۲ هـ در بلاد سند و عمان به اطاعت کرد و وی یکی از «احواد واحاد»

عالم بوده است و در فتنه معول بسیاری از اکابر و اشراف حراسان و عور و عرب به جدت او

پیوستند و او از همه ایشان بگه‌داری کرد و در حق همگان ایام و اکرام و افرور نمود (در ک طبقات

ناصری ص ۱۴۳)

در سال ۶۲۵ هـ سلطان نعم‌الدین التمش (۶۰۷-۶۳۳ هـ) که مانع قاجار از اعلامان

عوریه بود و در سال ۶۰۷ هـ، «ای سلطنت خاندان اعلامان بهاد» (که آمر احاندان شمسیه پیر گویند

و آنها تا ۶۸۹ هـ در هند حکومت کرده اند) بقصد محاربه با قاجار به سند لشکر کشید و سرانجام در

۱۹ جمادی الثانی ۶۲۵ هـ ناصرالدین قاجار خود را از قلمه بهکر در رودخانه ابداحت و مرد

پیوست که از مه‌الیک سلطان شهاب‌الدین عوری سلطان دهلی (۵۹۹-۶۰۲ هـ) بوده است. خون عوفی سال ۶۱۷ هـ در ملاربست او بوده. امام‌علوم بیست چاه موقع بدان در گاه متصل نردید

عوفی در هند نیز بتدکیر و وعظ مشغول بود چنانکه در لباب^۱ در ذکر بهاء‌الدین جامعی می‌گوید: «وداعی دولت در حطبه روز عید در شهر سنه سبع عشره و ستمایه این معانی را در ح کرد و فصلی در معنی قهر حصان و صبط و لایس و موآتات اقبال و دولت و ممایلت ملوک اطراف ببندگی حضرت ناصری تصمیم کرد.»

طبق یادداشتی از کاتب ترجمه فارسی «المرح بعد السدة» که عوفی نام قباچه کرده

بود و اصل عبارت آن در ردیل بحث در باره لقب عوفی در مقدمه «حوامع الحکایات» (بخش اول)^۲ آمده است کاتب هر نور که از معاصرین عوفی بوده حر و القاب عوفی «قاسمی» و «واعظ الملوک و السلاطین» نوشته و متد کرده که عوفی را در کمایب ملاقات کرده است و می‌گوید که عوفی روزی حید آنجا اقامت ساخته بود بعید نیست در آن وقت عوفی قاضی آن شهر باشد چون کمایب حر و مملکت ناصرالدین قباچه بوده است

وی تا سال ۶۲۵ هـ در «اچه»^۳ مقر ناصرالدین قباچه سر میبرد و در این مدت

«لباب الالباب» تد کرده مورد بحث را با نام وزیر او عین‌الملک فخرالدین الحسین اشعری^۴ تألیف

۱- ركب لباب چاپ لیدن ح ۱ ص ۱۱۵

۲- ركب «حوامع الحکایات» بخش اول چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۵ ق م با اهتمام آقای

دکتر معین ص ۲ تا ۵

۳- «اچه» شهر است بمسافت هفتاد میل در جنوب غربی ملتان در پاکستان عربی فعلی

۴- عین‌الملک فخرالدین الحسین من شرف‌الملک رضی‌الدین ابی بکر الاسعری از اولاد

ابرموسی اشعری یکی از حکامین معروف صوبین است در ابتدای ویران ناصرالدین قباچه بود و بعد از مرگ قباچه چون حر این و نقایای حشم از که از حمله آنها عین‌الملک و در ادرش بهاء‌الملک

حسن و عوفی و منبهاح سراج صاحب طبقات ناصری، و در خدمت التتمش پیوسته، التتمش

عین‌الملک را وزیر پسر خود در کن‌الدین ویر و در شاه (۶۳۳-۶۳۴ هـ) مقرر نمود و بعد از آن تاریخ

(۶۲۵ هـ) جبری از احوال او معلوم نیست - (رک طبقات ناصری چاپ کلکتہ ۱۸۶۴ م، ص ۱۴۴

و ۱۷۲-۱۷۴)

نمود و کتاب «الفرح بعد الشدة» را بنام ناصرالدین قباچه بخاری ترجمه کرد. عوفی در ۶۲۵ هـ در بهکر^۱ بود هنگامیکه سلطان التتمش در سند حمله کرد و لشکرش بهکر را رام محاصره نمود و ناصرالدین قباچه از وی شکست خورده خود را برودسند انداخت و بدین ترتیب بر بدگی خود حاتم‌داد در نتیجه بعد از مرگ قباچه تمام بلاد سند و ملتان تحت تصرف التتمش درآمد و عوفی نیز با وزیر قباچه *عین‌الملک اشعری* که در کوش در سطور فوق گذشت بخندمب التتمش پیوست

بعد از سال ۶۲۵ هـ عوفی در دهلی اقامت داشت در ملازمب التتمش و بطام الملك قوام‌الدین حنیف‌پوری سر میبرد آخرین واقعه‌ای که در حوامع الحکایان بدان اشاره میکند حکایت خروج و کشته شدن ملک اختیارالدین دولت‌شاه بلکا حلجی والی لکهنوتی است که در سال ۶۲۸ هـ اتفاق افتاد همچنین يك سبب بر معنی بیاد حلماي عباسی که در حوامع آمده است مؤید آنست که عوفی تا حدود ۶۴۰ هـ زندگی کرده است وی سرگذشت‌های ۳۶ حلیفه عباسی را نوشته و با ریح‌آنان را آثارمان *حلاوب المستنصر* (۶۲۳-۶۴۰ هـ) آورده است شمس‌الدین التتمش با رسام محدود عوفی در ۶۲۶ هـ از حلیفه مرزور برای استقرار روابط دوستانه بین بغداد و دهلی عهد و لوا گرفت^۲ آن سبب براریر است

مستنصر هم (حون) گذشت مستعصم آمد بجای

عمر درارش دهاد حالق عرش مکین

نظر نایکه سیرده بسخه این سبب را است کرده اند ممکنست تصور کرد که عوفی

تا حلوس آخرین حلیفه عباسی ریسته و این سبب را در حدود ۶۴۰ هـ افروده است

طبق حدس آقای دکتر معین دوره زندگی عوفی بین ۵۶۷ و ۶۴۰ هـ یا ۵۷۲ و ۶۳۵ هـ

۱- بهکر قلعه‌ایست حصین بر روی تخته سنگی در وسط رود سند (که عوفی از آن سحر پنج

آب تعبیر میکند) مابین سهرسکهر و رومری در استان سابق سند و در پاکستان عربی فعلی

۲- ر ك حوامع مصحح دکتر بطام‌الدین ص ۱۱۱

وعمروی اندکی کمتر از ۶۰ سال قمری میباشد^۱ اما ممکنست عوفی بین ۵۷۲ و ۵۶۴ هجری گذشته باشد و در آن صورت سن وی درموقع وفات ۶۸ سال بوده است.

آثار مؤلف: - آثار مؤلف بدین قرار است.

۱- لبان الالباب - تذکره مورد بحث

۲- حوامع الحکایات و لوامع الووایات - در چهار جلد و هر جلدی بیست و پنج باب دارد و هر جلدی نایب داره یک جلد لبان الالباب یا اندکی کوچکتر است این کتاب مستمل است برمتجاوز اردوهرار حکایات عوفی تألیف این کتاب را بر مایش ناصرالدین قباچه شروع کرد اما تا مرگ او در ۱۲۲۵ هجری و این کتاب را ناتمام برسانیده بود و سپس ناصر نظام الملک قوام الدین محمد بن امی سعید حمیدی این کتاب را پایان رسانید و بعد از ۱۲۲۸ هجری آن را تمام وی عنوان کرد این کتاب با مقدمه سیار مفیدی با اهتمام دکتر نظام الدین سال ۱۹۲۹ م «مطابق ۱۳۴۸ هجری» در لندن تطبع رسیده است هم چنین استخانی از آن با اهتمام ملک الشعراء بهار از طرف وزارت فرهنگ ایران سال ۱۳۲۴ ش و بحث اول آن تصحیح و اهتمام و مقدمه آقای دکتر محمد معین از طرف دانشگاه تهران سال ۱۳۳۵ ش چاپ شده است

۳- ترجمه فارسی کتاب «المرح بعد السدة» تألیف قاصی ابی الحسن بن علی-

التوحی متوفی ۳۸۴ هجری - اغلب حکایات آن در حوامع الحکایات مندرج است نصف آخر این کتاب در کتابخانه اندیا آفس موجود است (رک ۷۳۷ و ۷۳۸) این کتاب را عوفی در ۶۲۰ هجری ناصرالدین قباچه ترجمه کرده است

۴- مدایح السلطان - اسم این کتاب را عوفی در باب دوازدهم از قسم اول حوامع

الحکایات حر و مؤلفات خود آورده است که برورن و روس حدیقه حکیم سائی بوده ولی اکنون هیچ نسخه ای از این کتاب در دست نیست و تنها چهار بیت از آن در مورد فوق در باب

۸ نقل گشته است

۱- رک مقدمه حوامع مصحح دکتر معین ص ۹

عوفی شاعر هم بوده است چنانچه بعضی اشعار خود را در تألیفات خود ما بعد لباب الالباب و حوامع الحکایات نقل کرده است^۱ اما معلوم نیست که این اشعار را بصورت کتابی یا دیوانی ترتیب داده است یا خیر .



تبصره بر این کتاب

عوفی «لباب الالباب» را در حدود سال ۶۱۸ هـ تألیف نموده است و دلائل آن به فرار ریز است.

در ردیل بهاء الدوله والذین علی بن احمد حامحی دو بار سنه ۶۱۷ هـ را ذکر میکند (رک لباب ح ۲ باب ۶ ص ۱۴) از این مستفاد می شود عوفی این کتاب را بعد از سنه ۶۱۷ هـ تألیف نموده است

همچنین در ردیل «الامیر ناصر الدین عثمان بن حرب السحری» می نویسد: و در آن وقت که مؤلف این ترتیب سجستان بود امیر ناصر الدین بن حمد ایردی پیوسته و ولیعهد ملک عن الدین بهرام شاه بود که این ساعت ممالک سجستان در صیقل است و چون مدتی حکمرانی ملک عن الدین بهرام شاه مرسور از سنه ۶۱۲ تا ۶۱۸ هـ بوده است لذا معلوم می شود که تألیف این کتاب موخرتر از سنه ۶۱۸ هـ بوده است

بیر در ردیل سلطان علاء الدین و الدین محمد (بن) السلطان تکس حواری شاه را این طور دعوا میکند «اعلی الهسانه» و وفات محمد حواری شاه در سنه ۶۱۸ هـ اتفاق افتاد اما در آن ایام بسبب هرج و مرج و فتنه و فساد بدست مغول تا مدت مدیدی بعد از فوت سلطان محمد حواری شاه حال او با اغلب مردم مشتبه بود و کسی نمی دانست وی کجا است و رنده یا مرده ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می گوید که تا هفت سال بعد از مرگ

۱ - برای نمونه اشعار عوفی رک لباب چاپ لیدن ح ۱ ص ۴-۵ و ۵-۶ - ۱۵۹۶

و ۱۶-۱۷ - ۶۲۹ - ۶۳ و ۶۳ - ۱۶۳ - ۱۶۴ و جلد ۲ ص ۴۲۸-۴۳۱ و حوامع ص ۵۵ صحیح دکترا

معین ص ۱۲۸ .

محمد حواری زمشاه غالب مردم یقین داشتند که وی زنده است و متواری است. بنا بر این معلوم می شود که عوفی نیز بهمین اعتقاد بوده و دعای مروری دلیل تاریخی بر زنده بودن محمد حواری زمشاه نیست .

راجع بسبب تألیف عوفی در مقدمه چنین توضیح داده است :

«چون خادم دعا و ناشرنا محمد عوفی روی ار همه جهان گردانیده و بهمه جهان آورده است یعنی حضرت رفیع و در گاه فلک ناه . خواست که حضرت عالییه را هم از سیوه صاعه و سر مایه بصاعه خود خدمتی کند و تحفه ای آرد که تا پیام دست بلا به دامن آن برسد در طبعات شعرا و عجم این مجموعه پرداخت . و این مجموعه را لب الالباب نام نهاد »

در باره مآخذ کتاب مؤلف در دریاچه هیچ توضیحی نداده ولی در متن کتاب اسم کتاب های زیر را آورده است و از آنها در تألیف این تذکره استفاده نموده

۱ - یتیمه الدهر تألیف مستوفی (ر ك میمندی)

۲ - تاریخ ناصری (ر ك طاهری جعابی)

۳ - حماسة الطرفاء تألیف ابو محمد عبدالکافی رورسی (ر ك شهید

بلخی)

۴ - عرب نامه تألیف ابوالقاسم باحرری

۵ - دیوان اشعار عربی موسوم به الاحسن فی شعر علی بن حسن تألیف

ابوالقاسم باحرزی

۶ - رقیة العلم (ر ك اتامک حوینی)

همچنین بعضی روایات را از اشخاص زیر شنیده و نقل کرده است

رکی الدین لوهوری (ر ك ملکشاہ) و عماد الدین دیر (ر ك آتس) و شهاب

الدین مسعود (ر ك تکش) و امام ادیر سید الدین (ر ك امیر ناصر الدین عثمان

سجری) و امام همام عالم الدین کرمانی (ر.ک. امیر و حرالدین مسعود کرمانی) و قاضی شرف الدین محمد کرکویی (ر.ک. نظام الملک نصیرالدین محمود) و سعدالدین ابن مسعود (ر.ک. اتانک جوینی) و شیخ الاسلام زکی الدین (ر.ک. شهاب الدین محمد) و منتخب الدین (ر.ک. مؤید الدین ابوبکر ترمذی) و حمید قهندری (ر.ک. بهاء الدین حامحی) و سر عماد الدین کاتب (ر.ک. عماد الدین کاتب) و و حرالدین مستعد (ر.ک. و حرالدین عریز فرید) و امام شرف الدین عسری (ر.ک. شهاب الدین محمد بن همام) و کمال مصری سمرقندی و حمید الدین سجری (ر.ک. بهاء الدین اوسی) و سر امام مجد الدین نسوی (ر.ک. امام محمد الدین) و شیخ رکی (ر.ک. فرید الدین محمود هروی)

اما گاهی اسم را وی بیاورده و تنها اینطور نوشته است

«اربررگی شنیدم» (ر.ک. نظام الملک نصیرالدین محمود و غیره)

«شنیدم ار نه ای» (ر.ک. احتیارالدین رورنه و غیره)

این تذکره شامل تشرح حال و آثار سیصد ساعر می باشد در ابواب کتاب عالماً طبقه بندی از روی استان و شهرهای شعر است و بیرتعمدیم و تأخیرشان از روی زمان مرعی داشته است یعنی شعرای متقدم را قبل از شعرای متأخر ذکر نموده است حساباً که در سطور فوقی گذشت عوفی این کتاب را بنام عن الملک و حرالدین الحسن اسعری نوشته است (ر.ک. دیباچه جلد دوم) و الفاب بوصیفی وی را در مقدمه کتاب مفصلاً (در هشت سطر) آورده است

این کتاب مستملست بر دو جلد بهر از زیر

جلد اول - در تذکره ملوک و وزراء و فضلاء و علمائی است که گاهی شعر هم

می سروده اند این جلد با «امیر مستصر بن یوحنا منصور سامانی شروع شده تا «سمس» -

۱ - در جلد دوم این کتاب بعد از حاقانی اشعار محیرالدین (بیلقانی) آمده است

ولی اسمش ظاهراً از دست ساح افتاده است بدین جهت عده کل شعرای این کتاب سیصد وعده

شعرای جلد دوم همسانه میباشد

الدین حاجی السنی» تمام می شود و مشتمل بر دگر صدوسی نفر و حاوی ابواب و فصول زیر می باشد

- باب اول - در فصیح شعر و شاعری.
- باب دوم - در معنی شعر از نظر لغت.
- باب سوم - در معنی اول کسبیکه شعر گمت.
- باب چهارم - در معنی اول کسبیکه شعر یارسی گمت.
- باب پنجم - در لطایف اشعار ملوک کمار و سلاطین نامدار (کل ۲۷ تن).
- باب ششم - « « و برای عالی رتبه و صدور سامی منزلت (کل

(۳۲ نفر)

باب هفتم در دگر صد و دو و علماء و فضلاء است در چهار فصل بدین ترتیب:

فصل اول - در دگر ائمه و علمای ماوراءالنهر و استادان صنعت (۱۳ تن) .

فصل دوم - در دگر علماء خراسان بدین قرار

الف - در دگر فصلائی بلخ و مضافات آن (۷ نفر)

ب - « « علمای حضرت مرو « (۵ نفر)

ج - « « بیسانور « (۱۲ نفر)

د - « « ائمه و علمای هرات و مضافات قراوه و سیستان (۷ نفر)

فصل سوم - در دگر صد و دو و افاضل عراق (۹ نفر).

فصل چهارم در لطایف اشعار علمای بلاد حمال و حضرت عربین و لوهوز و توابع آن

(۷ نفر)

چند دویم - در دگر سه سرائی است که کارشان شاعری بوده است (عبارت فصل

چهارم از باب یازدهم و باب دوازدهم که در دگر فصلائی عربین و لوهوز می باشد) و مشتمل

است بر ابواب و فصول زیر

باب هشتم در دگر لطایف اشعار سرائی است که در عهد آل لیث و آل طاهر و آل

سامان بوده اند .

در دیل این باب اول مؤلف حنطله بادعیسی و فیروز مشرقی و ابوسلیک گریگانی را که شعرای عهد آل لیث و آل طاهر بودند آورده است و سپس یک فصل در ذکر شعرای آل سامان آورده است (کل ۲۸ شاعر)

باب نهم در ذکر شعرای آل ناصر (۲۰ شاعر)

سپس مؤلف «در ذکر شعرای آن طبقه که نام و نسب ایشان معلوم نیست» (کل ۹ شاعر) آورده است.

باب دهم در ذکر لطایف شعرای آل سلجوقی^۱ (کل ۲۲ شاعر)

فصل دوم - در ذکر شعرای ماوراءالنهر (۷ شاعر)

فصل سوم - «عراق و وواحی آن» (۱۰ شاعر).

فصل چهارم - «فصلای عربین و لوهور» (۹ شعر)

باب یازدهم در ذکر لطایف شعرائی است که در این قرن بوده اند بعد از عهد معری و سنجری^۲ (کل ۲۳ شاعر)

فصل دوم - در ذکر شعرای ماوراءالنهر (۱۵ شاعر)

فصل سوم - در ذکر «عراق و مضافات آن» (۶ شاعر)

فصل چهارم - «عربین و لوهور» (۹ شاعر).

باب دوازدهم در ذکر لطایف اشعار صدور و افاضل که ندین حضرت مخصوصند و برین دولت موسوم (۴ شعر)

تنها شرح حال افراد زیر را مفصل نقل کرده است

(الف) ملوک محمود بن سکتکین و اتسر

(ب) وزراء - اتابک خوری و صیاء الدین و بهاء الدین علی حامحی

۱ - طاهرأ این قسمت فصل اول را باب دهم است

۲ - طاهرأ این قسمت فصل اول را باب یازدهم است

ج - **علما و فضلا** - قطب الدین سرحکتی و محمود بن احمد بيشاپوری.

شرح حال بهاء الدین علی حامحی را مفصل تر از همه (در ۳ صفحه) آورده

اسب

تنها اشعار افراد ریر را مفصل آورده اسب ولی شرح حالشان را مختصر نقل کرده

اسب

(الف) **بلوگ** - ابوالمظفر طاهر حعابی و طعاسنه و بیعوملک و اختیار الدین

رور به سیبانی در این قسمت اشعار بیعوملک را مفصل تر از همه (در چهار صفحه)

آورده اسب

(ب) **وزرا** - اشعار چهارده نفر را نسبتاً مفصل تر آورده اسب مخصوصاً اشعار

سنا کونک و کمال الدین بخاری و محمد بن مؤید بغدادی (هر یک در سه صفحه) و فخر

الدین مبارکشاه (در ۱/۳ صفحه) و و طواط (در چهار صفحه).

در این قسمت اشعار و طواط را مفصل تر از همه (در چهار صفحه) آورده است.

(خ) **علما و فضلا** - اشعار بیست و سه نفر را نسبتاً مفصل و مخصوصاً اشعار رضی-

الدین بيشاپوری و سمس الدین رایبی (هر کدام در سه صفحه) و زرین الدینی سحری (در

چهار صفحه) و سرف الدین شعروه (۱/۴ صفحه) را مفصل تر از دیگران آورده است

در این قسمت اشعار سرف الدین شعروه را از همه مفصل تر آورده است.

(د) **شعرا** - اشعار هفتاد و یک شاعر را سبباً مفصل و مخصوصاً اشعار محمد بن

ناصر علوی و ابوبکر روحایی و محمد یهیمی کاتب و شهاب الدین سمرقندی (هر کدام

در سه صفحه) و جوهری هروی و خالد مکی طولانی و سورنی و قطران تریزی و عبدالرافع

هروی و ابوعلی مروزی و رکی مراغه‌ای (هر کدام در ۱/۳ صفحه) و کسائی مروزی

و ابوالمعالی رازی و ابوالفرح رومی و مسعود سعد سلمان و شهاب الدین ابی جعفر نوی

(هر کدام ۱/۵ صفحه) و عمیق بخارائی (در ۶ صفحه) و ابوری و روحی و لوالجی (هر

کدام در ۷ صفحه) و معری بيشاپوری (در ۶ صفحه) و ادرقی هروی (در ۱/۹ صفحه) را

حیلی مفصل آورده اسب

در این قسمت اشعار معری و اردزقی هر وی را مفصل تر از دیگران آورده است.
 رویهم رفته در این تذکره اشعار اردزقی هر وی را مفصل تر از همه (در پ/ ۹۱ صفحه)
 نقل کرده است.

اشعار و شرح حال هر دورا در ذیل افراد زیر سته^۱ مفصل نقل کرده است.
 (ب) ورا - نظام الملك ابو علی الحسن و ابوالقاسم علی ناجرری و شرف الدین
 فرید کافی و مجدالدین عریری
 (ح) علما - تاج الدین عمر و نظام الدین محمد الدین سر حکتی و بهاء الدین اوسی
 و حمید الدین عمر بلخی و دقایقی مروزی

(د) شعرا - رودکی سمرقندی و معری نیشابوری و اردزقی هر وی
 گاهی در ذیل بعضی شعرا شرح حالشان را خیلی مختصر (در دو سه سطر) آورده
 ولی اشعارشان را مفصل نقل کرده است مانند ریختی علوی و لیبی ادیبی و مسرور طالقانی
 و منشوری سمرقندی.

عجب ایست که اشعار و شرح حال شعرای معروفی مانند فردوسی و نظامی
 گنجه‌ای را خیلی مختصر آورده است ولی شرح حال بعضی شعرای سسه^۲ عمر معروف
 مانند محمود ابن احمد نیشابوری و اشعار شعرائی مانند محمد ابن عمر فرقدی و دهقان
 شطرنجی و روحی و ابوالحی را سسه^۳ خیلی مفصل آورده است.

گاهی در ذیل بعضی شعرا اشعار عربی را نیز از ایشان نقل کرده است مانند ابو محمد
 بن یمن الدوله و ابوالقاسم میمنندی و نظام الدین محمد و شهید بلخی و غیره
 در ذیل نام شعرای ریر اسم تألیفاتشان را سته^۴ مفصل نقل کرده است و بحر الدین
 محمد نیشابوری و مجدالدین احمد سخاوندی
 تنها تاریخ وفات افراد ریر را ذکر نموده است.

(ب) ورا - ابوالقاسم علی ناجرری (مقتول در ۸۴۴ هـ) و ابوالعلاء معروف
 ساکوک (متوفی ۸۹۱ هـ) و سبأ الدین محمد بن رسید رئیس (متوفی ۸۹۸ هـ).
 در رسمتهای ملوک و علما و شعرا تاریخ وفات هیچکدام از آنها را ضبط

نکرده‌است

در دلیل تراجم افراد زیر مؤلف تصریح نموده‌است که با ایشان ملاقات کرده‌است و بدینجهت مطالبی که درباره آنها در این کتاب آورده‌است بیشتر مورد اعتماد و اعتبار می‌باشد

ضیاءالدین حامحی و بهاءالدین حامحی و صدرالدین نیشابوری و مهذب‌الدین اسراری و محمدالدین شرف‌الکتاب و شرف‌الدین سعی و قاسم‌الدین عمرو و نظام‌الدین عمرو و شمس‌الدین داعی سعی و صدرالدین حرما بادی و محمدابن مؤید بعدادی و فریدالدین حاکرمی و محمدبن بدیع سوی و فخرالدین خطاط‌هروی و بدرالدین هروی و سرف‌الدین راهی و ابوعلی مروزی و منجم‌سحری و مزارکشاه سجزی و قوامی خوافی و سعدالدین مسعود دولتیار و شرفی سمرقندی و شهابی عراقی خجندی .

مؤلف گاهی در این کتاب حکایات متدل نقل کرده‌است چنانکه در دلیل حکیم ازرقی هروی و روحی و لوالحی آورده‌است
همچنین از بعضی شعرا طبق ذوق آن دوره اشعار خیلی متدل آورده‌است مثلاً
رحوع تنود به تسمی بحاری

لناب‌الناب در احوال شعرا اغلب معلومات را بهم نمی‌رساند و مخصوصاً سال ولادت و وفات افراد مدکور را که خیلی مهم‌است غالباً از روی چهل یا غفلت ذکر کرده‌است. همچنین از اکثر شعرا اشعار خوب انتخاب نموده‌است بلکه اغلب اشعار سست را آنها نقل کرده‌است و بنابراین از روی این منتحیات نمیتوان سسک و اسلوب و پایه اکثر شعرا بی‌برد

اکثر اشعاریکه مؤلف از شعرا انتخاب نموده‌است غیر جالب و قانداره‌ای نامطموع‌است و در انتخاب اشعار مؤلف تنها باین امر توجه داشته‌است که اشعار منحصداً برای ترکیبات و قوافی و ردایب مشکلو غیر معروف باشند و بس، چنانکه مثالهای زیر به تموت میرساند .

قصیده و طواط ناردیف آتش و قافیه‌های جهان و جان و غیره

قصیده کمال بخاری باردیف بادو حاک و قافیه‌های سرو حبر و غیره

» شرف‌الدین سمنی باردیف بسکند و قافیه‌های هم‌حار و رار و غیره

قطعه بهاء‌الدین اوشی باردیف بشکند و قافیه‌های حری و حوار و گهر بار و غیره

قصیده اره‌ری مروری باردیف چشم و قافیه‌های چشم سار و حمار و غیره

» » » دل » هرار و بی‌مرار و غیره

قصیده محمد بن بدیع بسوی با قافیه‌های بسج و سج و سج و سج و فرسخ

و ناچرخ و اصلخ و مسلخ و آدخ و زخ و مزج و غیره

قصیده‌های رین‌الدین سحری باردیف چشم و قافیه‌های هرار و اسوار و غیره

وردیف آراسته و قافیه‌های آفتاب و نعب و غیره و وردیف شکسته و قافیه‌های آفتاب و

صواب و غیره.

قصیده شرف‌الدین فراهی باردیف و قافیه‌های حمال و شمال و منال و حال و

گوشمال و رال و غیره

قصیده سوری با قافیه‌های بطک و کلک و ححک و عدک و غیره

ترکیب بند قطران تریبری با قافیه‌های گوهر بار بار و تار و تار و رنگ و رنگ و رنگ

رنگ و روی روی و حوی حوی و کشمیر میر و تاحیر حیر و دور دور و سور سور و بهرام رام و

با کام کام و افعال نال و آمال مال و آباداد و آراداد

قصیده محمد بن عمر فرقدی باردیف تیغ و قلم و قافیه‌های یادگار و

شهریار و غیره

قصیده محمد بن علی سراحی باردیف سو و قافیه‌های نعب و حجاب و غیره

» عصی حندی » بسکند » خوار و یار و غیره

» حستی بیا » گوهر » حوار و حروار و غیره.

» » » لعل » رمان و اسحوان و غیره

» » » رهمرد » حار و لالا و غیره

» » » پیاله » سکر و بر و غیره

قصیده حتی بیا باردین بحدید و قافیه استخوان و دهان و غیره
 « » « » نوشته « لالهزار و بهار »
 « شیخ احمد بن محمد المیم با قافیه‌های مفرقی و مروقی و مطرقی و
 مستفی و غیره

ارانتخاب اشعار فوق که در لسان‌الالان آمده است معلوم می‌شود که بعضی شعرا
 مخصوصاً بعد از عهد سلجوقی خیلی سعی می‌کرده‌اند در اشعار خود صنایع و بدایع
 به فراوانی بکار برند و قوافی و ردایم مشکلی را برای طبع آزمائی انتخاب می‌کرده‌اند ولی
 این قبیل اشعار حر علامت فصل فروشی آنها چیر دیگر سود . الحق شعر گفتن در آن سبک
 بسیار مشکل و بر رحمت وار کنند کوه و آوردن حوی شیر کمتر سود ولی این اشعار که
 مملو از صنایع و بدایع لفظی و معنوی بوده دارای همه چیز بود حر روح شعر و ردایم یابد
 و قوافی بی مزه آنها از لطف و تازگی شعر میکا سته است

عجب تر اینست که عوفی از چنین اشعار بطور اغراق آمیزی تعریف و تمجید کرده
 است و عقیده وی بعضی از گویدگان این قبیل اشعار بهتر از رودکی و عنصری بوده‌اند،
 چنانکه در دیار رفیع الدین مرزبان فارسی می‌نویسد «ولطایف سخن او ساطع نظم عنصری
 و رودکی در نوشته» حنین عقاید، خود آینه ذوق مؤلف و از جمله علل کم بودن
 اشعار لطیف و شیرین در لسان‌الالان میباشد

سبک مؤلف بسیار مصنوع است و غالباً تکرار استعارات سمع و تشبیهات بیارد و
 تسخیمات متکلف و ثقیل و احساسات مصنوعی و غیر مطبوع و افراط در استعمال کلمات و
 تراکیب مشکل عربی و هم و درک مطالب برای خواننده خیلی دشوار و سرر حمت شده
 است و گاهی شروی بندری مصنوع است که بعضی عبارات بصورت چپستان در آمده و
 فهمیدن آن مصداق «کوه کنند و گاه بر آوردن» میباشد

باوصف ایرادات فوق این کتاب از حیث تاریخی و ادبی دارای اهمیت بسیار است

چنانکه میرغلامعلی آراد بگلگرا می‌درمقدمه «حرانه عامره» می‌نویسد: «جمیع تد نویسان متأخر در تحریر احوال شعرای اقدم القدماء عیال اوینده^۱ و در حقیقت اگر لباب الالباب بدست ما برسیده بود اکثر شعرای متقدم در پرده حفا می‌رفتند در تد کوه دولت‌شاه که بگمان مؤلف آن اولین تد کوه ایست که بفارسی نوشته شده از اغلب شعرای متقدم مخصوصاً معاصرین صفاریه و سامانیه و غیره بویه که در لباب الالباب از آنان یاد شده دگری برفته است و حتی دولت‌شاه اسم آن بهار اهرم شنیده بود و شرح احوال شعرای متقدمی که در تد کوه خود آورده است اکثر مشون به حکایات بی‌مأخذ و افسانه‌ها و اکادیب و مجعولات است.

اهمیت اصلی این کتاب در آنست که این قدیم‌ترین کتابیست منحصراً در ترجمه احوال شعرای فارسی که بدست ما رسیده است و برای آیندگان تنها مأخذ مهم و دمثابه شمع راه بوده است^۲

برای شرح حال عوفی رجوع شود به مقدمه حوامع الحکایات چاپ لندن ۱۹۲۹ م باهتمام دکتر نظام‌الدین و مقدمه حوامع الحکایات (بحس اول) چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۵ س باهتمام و تصحیح آقای دکتر محمد معین و مقدمه منتخب حوامع الحکایات چاپ وزارت فرهنگ ایران ۱۳۲۴ س باهتمام ملک الشعراء بهار و مقدمه لباب الالباب چاپ لندن ۱۹۰۳ و ۱۹۰۶ م باهتمام دکتر براون و مرحوم علامه محمد فروزی و مقدمه لباب الالباب چاپ تهران ۱۳۳۵ س با تصحیح و تعلیقات استاد سعید نفیسی

نسخ خطی

۱- اشپرنگر س ۱

۲- برلین س ۶۳۷ (ناقص- قرن ۱۵ م)

۳- لندریانا ص ۱۲۴ س ۳۰۸ (قرن ۱۶ یا ۱۷ م)

۱- ر ك حرانه عامره صفحه ۶

۲- برای بحث مفصل درباره این موضوع رجوع شود به مقدمه کتاب حاضر در دیل عنوان

«اولین تد کوه فارسی»

چاپ

جلد اول - مرتبه د کتر پراون لندن ولیدن ۱۹۰۳ م

جلد دوم - مرتبه د کتر پراون ومیرزا محمد قرویبی - لندن ولیدن ۱۹۰۶ م

جلد اول و دوم - ما تصحیح و تعلیقات از استاد سعید نفیسی - تهران

اسفند ۱۳۳۵ ش

تصحیح لباب الالباب

ارمرحوم وحید دستگردی - رجوع شود به مجله ارمعان ح ۱۱ ص ۳۳۵ و ۴ -

۶۵۲ و ۷۴۷-۵۲ و جلد ۲۲ ص ۴-۷۴۳

فهرست اسامی شعرا رجوع شود به اشپرسنگر ش ۱ (اما آن فهرست کامل

بیست)

تذکره هیچکدام ارسنخ سابق الذکر کامل بیست و در بعضی موارد افتاد گیها

هم دارد بی محل بخواهد بود اگر شمه ای در باره این افتادگی ها توضیح
داده شود

در دیل معری عربی در قطعه آخر چهار بیت ناقص آمده است و بقول استاد سعید

نفیسی «در جاهای دیگر که این قطعه را آورده اند تنها نسخ بینی که تمام است نقل کرده اند

و پیدا است که سحهای که مؤلفین سلف از لباب الالباب در دست داشته اند همین افتاد گیها

را داشته است»^۱

در دیل شعرای زیر اشعارشان در نسخ کتاب ناقص آمده است

معری (چهار بیت در قطعه آخر چنان که در سطور فوق ذکر شد) و حسروی (سه

بیت) و حمیدالدین مسعود (یک بیت آخر) و شهاب الدین محمود بن علی صابع (۲ بیت) و

حبیب الدین ترمذی حطاط (۳ رباعی) و صیاء الدین کابلی (یک رباعی) و محمد کاتب

بلخی (۶ بیت) و شاعر شماره ۱۶۸ ح ۲ (۴ بیت) و صیاء الدین سحری (سه بیت) هم چنین

۱ - ر ك حاشیه ص ۵۴۰ ح ۲ لباب الالباب مصحح استاد سعید نفیسی

در قصیده مؤلف که در پایان کتاب صط شده ده بیت شعر باقص آمده است
 شرح حال شعرای دیل در شرح لباب الالباب باقص آمده است
 شیخ احمد بن محمد المیم و کمال الدین افتخار حاجب و صیاء الدین محمود
 کابلی و شعرای ش ۲۶۶ و ۲۶۸ (جلد ۲) و صیاء الدین سحری
 در جلد ۱ باب ۶ در ردیف ش ۴۲ و ۴۳ اسم افراد مذکور در کتاب پیامده است
 اولش دیوان سلطان خسرو ساه و دومین وزیر بهرام شاه بوده است در این مورد به علامه
 قزوینی و نه استاد سعید نفیسی در تعلیقات خود هیچ توضیحی نداده اند
 اسم و تحلیص شعرای ش ۱۶۶ و ۱۶۸ در جلد ۲ کتاب ذکر شده و بر شرح حالسان
 (چنان که در سطور فوق گذشت) باقص آمده است. این مطالب طاهرراً در هیچ نسخه
 لباب الالباب امروز پیدا نیست. استاد سعید نفیسی در این مورد توضیحات بیسری در
 تعلیقات لباب الالباب داده اند^۱

۱. در ک. تعلیقات استاد سعید نفیسی بر مجلد دوم لباب الالباب ص ۷۶۰-۷۶۵

فصل دوم

تیموریان هند یا بابریان (۹۳۲-۱۴۷۴ هـ)

قسمت اول

از آغاز سلطت بابریان (۹۳۲ هـ) تا پایان سلطت شاه جهان (۱۰۶۸ هـ)

ملاحظات عمومی بر فصل دوم (قسمت اول) (۹۳۲-۶۸۰-۱۰هـ)

اوضاع سیاسی و اجتماعی و ادبی این دوره

ظہیر الدین بابر در ۹۳۲ھ ابراہیم لودی، آخرین پادشاہ سلسلہ لودیان ہند، را در جنگ پانی پت شکست داد و سلطنت حاندان لودی را در ہندوستان بر انداخت و سلطنت باریان یا تیموریان ہند را در ہند تاسیس کرد

نسب ناپرساہ (۹۳۲-۹۳۷ھ) از طرف پدر بہ امیر تیمور و از طرف مادر بہ چنگیز خان میر سندو بہ این وی اصلاً ترک بوده بہ معول اما بعضی تاریخ نویسان او را استباہاً مغول نوشتہ اند. بعد از شکست دادن ابراہیم لودی بابر بر تمام شمال ہند آمد تا سواحل بنگال دسب یافت و وجود اینکہ زبان مادری بابر ترکی بود اما وی «فارسی ہم شعر میسرود چنانکہ اشعاری از وی در تذکرہ های فارسی ضبط شدہ است

بعد از بابر شاہ پسر وی ناصر الدین ہمایون (۹۳۷-۹۶۲ھ) حاکمیت پدر شد اما قبل از اینکہ بعشہ تسخیر بقیہ نواحی شمال ہند مانند گجرات و مالوہ را عملی سازد در ۹۳۶ھ بدست شیر شاہ سوری سردار افغانہ بنگال شکست خورد و مجبور شد از دہلی فرار کردہ ابتدا مدتی در سندو بعد بایران ناہندہ شود بعد از بابر در ۱۰ سال بعمر تسخیر ممالک اردسب رفتہ خود بہدمرا جمع کرد و بالاخرہ در ۹۶۱ھ سلطنت دہلی را مجدداً بدسب آورد و سال بعد فوت کرد

باید توجه داشت که با پروهمایون بعثت جنگ و جدالی که در تمام عمر مشغول آن بودند نتوانستند پتریب و تشویق شعرا و ادبا پردازند و تنها از خود یک شاعر معروف سراج داریم بنام شیخ حمالی (متوفی ۹۴۲ هـ) مؤلف سیر العارفين که در زمان آنها در هندوستان میریسته است. ناگفته نماند که همایون شاه بزم مانند مدرش بهارسی سمرمی سروده و اشعار وی در تذکره های فارسی تست شده است.

بعد از همایون پسر وی حلال الدین محمد اکبر شاه (۹۶۲ - ۱۰۱۴ هـ) درس چهارده سالگی حاشین مدرشد و بزم خان خانان سردار با تدبیر همایون تا ۹۶۸ هـ و طایف خود را بعنوان اتالیق (سرپرست) و نایب السلطنه با کمال خوبی انجام داد و بالاخره بامر اکبر شاه که در ۹۶۸ هـ تمام کلیه امور سلطنت را بعبت خود گرفت عازم حج شد اما در راه بدست یکی از افعان ها کشته شد بعد از بزم خان پسر وی عبدالرحیم خان خانان بجای پدر سپهسالار اکبر ساه شد و تا آخر عمر همین سمت را در دست داشت باید تذکر داد زبان و ادبیات فارسی از زمان اکبر ساه در سراسر سده قاره هندوستان رونق گرفت و بعثت تشویق پادشاه و امرای وی مانند عبدالرحیم خان خانان شعر و ادب فارسی در آن سرزمین پهناور فوق العاده ترقی و سیوع پیدا کرد و میسوان گفت در زمان هیچیک از پادشاهان هندو ایران عدده شعرا و نویسندگان فارسی با اندازه زمان اکبر ساه بوده

بزم خان و عبدالرحیم خان خانان هر دو ساعر و ادب پرور بودند چنانکه اسعار هر دو آنها در کتب بدکره و تاریخ بدکره شده است عبدالباقی بها و ندی مؤلف مآثر رحیمی در حاتم کتاب خود کرسعرائی را آورده است که بدربار عبدالرحیم خان خانان مر بوط بودند. هم چنین کتب تاریخ مانند اکبر نامه و دربار اکبری و منتخب النواریح و بدکره هائی مانند معایس المآثر و بزم آرای و خلاصه الاسعار و غیره کرسعرای زمان اکبر ساه را بتفصیل آورده اند

بعد از اکبر پسر وی نورالدین محمد حبا نگیر (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ هـ) دومین پادشاه سلسله بزمیان بود که در زمان وی شعرو ادب فارسی خیلی رونق داشت و شرح مفصل

شعراى رمان وى در هفت اقليم و عرفات العاشقين و ميخانه و تاريخ جهانگيري و وجه جمع -
الشعراى جهانگيري آمده است

بايد توجه داشت كه اكثر شعراى رمان اكرو جهانگير اصلا ايرانى بودند و
حتى عزالى مشهدى اولين ملك الشعراى دربار اكرو و طالب آملى ملك الشعراى دربار
جهانگيري هر دو ايرانى بودند كه از ايران بهند مهاجرت كرده بودند و تنها شاعر
بررگى همدى الاصل اين دوره فيصلى اكرو آبادى دومين ملك الشعراى دربار اكرو
بوده است

بعد از جهانگير شاه در رمان پسر وى شهاب الدين محمد شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۹ هـ)
بيران ادبيات فارسى درس را سر همد و سنان رواج داشت چنان كه طبقات شاه جهانى و
شاه جهان نامه و حريمه گنج الهى و لطايف الخيال و كلمات الشعراء و مرآت الخيال
اسامى اكثر شعراى رمان شاه جهان را تفصيل آورده اند اكثر شعراى رمان شاه جهان
بىرماند عهدا اكرو جهانگير اصلا ايرانى بودند و حتى ابوطالب كلیم همدانى ملك -
الشعراى دربار وى بىر ايرانى بود كه بهند مهاجرت كرده بود اما بايد باين نکته توجه
داشت كه عده شعراى فارسى همدى الاصل مانند سيدا و مير لاهورى و غنى كشميرى در
اين عهد بسبب سابق مراتب بيسر شده است و اكثر اين شعراى همدى الاصل بيز نظر به
مهارت و تسلطى كه بر زبان فارسى داشته اند از هر لحاظ مانند شاعران وادبان ايرانى
الاصل بوده اند

سلاطين دكن اين دوره و ادبيات فارسى

دكن كه مدت ها مر كز بررگى و فرهنگ ايرانى بوده است براى اولين دفعه قسمتى
از آن ولايت در رمان علاء الدين خلجى (۶۹۵-۷۱۵ هـ) بصرف مسلمانان درآمد و سپس
محمد بن تعلق (۷۲۵-۷۹۰ هـ) حدود عمالكت اسلامى را توسعه داد و قسمت اعظم دكن را
تحت تسلط خود در آورد اما در هنگامى كه شورش هاى داخلى در رمان وى درس را سر همد
رحداد دكن اولين ايالتى بود كه بهر ماندارى علاء الدين حسن گنگو بهمى (ملقب
به طغر خان) استقلال يافت و سلاطين بهمى از ۷۴۸ هـ تا ۹۳۳ هـ در دكن سلطنت كردند

توسعه ممالک بهمینی مستلزم تقسیم آنها بولایاتی شد و همین تقسیم راه برای تحریر سلطنت دکن پار کرد چنانکه یوسف عادلشاه در ۸۹۵ هـ در بیجاپور و احمد بن نظامشاه در ۸۹۶ هـ در احمد نگر و عماد الملک فتح الله در ۸۹۰ هـ در برار و قاسم در ۸۹۷ هـ در پیدرو سلطان قلی قطشاه در ۹۱۸ هـ ولایات خود را مستقل اعلام کردند.

سلاطین بهمینی که با ادب و هنر علاقه فراوانی داشتند درد کُن بنیان فرهنگ ایران را نهادند و در میان آنها بعضی سلاطین بفارسی شعر میسرودید مانند سلطان محمد شاه دوم بهمینی (۷۸۰-۷۹۹ هـ) و سلطان فیروز شاه بهمینی (۸۰۰-۸۲۵ هـ) و سلطان سکندر بهمینی (طاهر آ سلطان محمود شاه بهمینی ۸۸۲-۹۲۴ هـ)

بعد از سلاطین بهمینی در زمان عادلشاهیان (۸۴۱-۱۰۹۵ هـ) و قطشاهیان (۹۲۴-۱۰۹۸ هـ) پیشرفت فرهنگ و ادبیات فارسی درد کُن بکمال رسید. اکثر سلاطین این دو سلسله بفارسی شعر میسرودیدند و دربارشان هرگز و مجمع فضلا و ادبای ایرانی بوده است.

در میان عادلشاهیان اسامی و اشعار یوسف عادلشاه (۸۹۵-۹۱۶ هـ) و اسمعیل عادلشاه (۹۱۶-۹۴۱ هـ) و ابراهیم عادلشاه بانی (۹۸۸-۱۰۳۸ هـ) و در میان قطشاهیان اسامی و آثار یار قلی حمشید قطشاه (۹۵۰-۹۵۷ هـ) و سلطان محمد قلی قطشاه (۹۸۸-۱۰۲۰ هـ) و سلطان محمد قطشاه (۱۰۲۰-۱۰۳۵ هـ) در کتب تذکره و تاریخ درج گردیده است.

باید توجه داشت که سلاطین عادلشاهی و قطشاهی اصلاً ایرانی و مذهباً سیه بودند و غالب آنها بجای پادشاهان تیموری هند ساهان ایران را بعنوان پادشاه خود میساختند و همین موضوع یکی از علل اساسی برچیده شدن آنها بدست تیموریان هند بوده است.

۱- برای شرح حال و آثار سلاطین بهمینی و عادلشاهی و قطشاهی رجوع شود به مرهاثی مؤثر تألیف علی بن عربی بالله طباطبائی سال ۱۰۰۰ هـ و تاریخ ورشته تألیف ۱۰۱۵ هـ و تذکره الملوك تألیف میردوبع الدین ابراهیم شیرازی سال ۱۰۱۲ هـ و تاریخ سلطان محمد قطشاه سال ۱۰۲۶ هـ

تذکره نگاری در این دوره

این دوره در تاریخ تذکره نویسی دارای اهمیت فراوانی میباشد چون در تذکره های این دوره به تنهادر تمام شعرای زمان تیموریان هند آمده است بلکه بعضی تذکره هاشعراى متقدمرا هم شاملست (رجوع شود به برم آرای وهفت اقلیم و خلاصة الشعراء و عرفات العاشقین وخرینه گنج الهی) وینا بر این تذکره های این دوره به تنهادر تدوین شعر فارسی در زمان تیموریان هند مأخذومضغ بسیار مفیدی است بلکه تا حدی آینه تطور و تحول شعر فارسی از زمان قدیم تا زمان تیموریان بزرگ هند میباشد .

در این دوره دو تذکره بسیار مهم از لحاظ انتخاب اشعار شعرا تألیف شده است بنام بتخانه (خلاصة الشعرا) و خلاصة الاشعار که نویسندگان آن دیوان شعرای بررگ متقدم فارسی را در تذکره های خود خلاصه نموده و اکثر اشعار خوب آنرا در تذکره های خود آورده اند و بنا بر این کسیکه با اشعار خوب شعرای متقدم علاقمند است دیگر احتیاج بداشتن دیوان آنها ندارد .

همچنین در این دوره بعضی تذکره ها از لحاظ شرایط و لوازم تذکره نگاری بسیار مهم بوده است از جمله میخانه عبدالنسی و خلاصة الاشعار از حیث شرح حال و انتخاب اشعار و بتخانه (خلاصة الشعراء) ملاصوفی مازندرانی را از حیث حسن انتخاب اشعار شعرا میتوان جزو بهترین تذکره های فارسی حساب کرد.

اکثر تذکره های این دوره را یکی از سلاطین هندیا امراء و حکام یا منسوبین آنها

بقیه در صفحه قبل

(مؤلف؟) و حدیقه السلاطین تألیف میرزا نظام الدین احمد شیرازی سال ۱۰۴۵ هـ و حدایق السلاطین تألیف علی بن طیفور سظامی سال ۱۰۹۲ هـ و تاریخ قطب شاهی تألیف قادر خان منشی بیدری سال ۱۲۴۵ هـ و سلاطین السلاطین تألیف میرزا ابراهیم ربیری (سال؟) و محبوب الرحمن (اردو) تألیف مولوی عبدالحصار خان ملکا پوری چاپ حیدرآباد سال ۱۳۲۰ هـ و کلام الملوك (اردو) تألیف میر سعادت علی رضوی سال ۱۳۵۲ هـ.

تألیف شده است چنانکه روضه السلاطین بنام ابوالفتح شاه حسن ارغون حاکم سندوتته و
خواهر العجائب بنام ماهم وایه اکر شاه و برم آرای بنام عبدالرحیم خانان و خلاصه
الاشعار (اول بنام شاه طهماسب صفوی و سپس بنام شاه عباس بررک صفوی و در آخر) بنام ابراهیم
عادلشاه سلطان بیخا پور و مجمع الشعرای حبا نگیری بنام حبا نگیر ساه عنوان شده است
تقریباً تمام تذکره های این دوره را کسانی که بهند مهاجرت کرده یعنی از ایران و
افغانستان و ترکستان روسی فعلی بهندوستان رفتند و آنجا سکونت داشته بودند تألیف
نموده اند چنانکه قبضی هروی مؤلف روضه السلاطین و خواهر العجائب و علاء الدوله
هروی مؤلف نفایس المآثر و سیدعلی بن محمدود الحسینی مؤلف برم آرای و امین احمد
رادی مؤلف هفت اقلیم و بنی کاسی مؤلف خلاصه الاشعار و ملا محمد صوفی مارندرابی
مؤلف پتخانه (قسمت اشعار خلاصه الشعراء) و مؤلف تذکره حرانات (که ظاهر آراهل
هرات بوده است) و تقی اوحدی مؤلف عرفات العاشقین و عبدالنسی مؤلف میخانه و مطربی
سمرقندی مؤلف تاریخ حبا نگیری و قاطعی مؤلف مجمع الشعرای حبا نگیری و مرعماد
حسینی مؤلف حرینه گنج الهی از سرزمین ایران و افغانستان و ترکستان روسی فعلی
بهند مهاجرت کرده بودند

در میان تذکره نویسان فارسی این دوره تنها دو نفر ساه عبداللطیف گجراتی
مؤلف خلاصه الشعراء و محمد صادق مؤلف طبقات ساه حبابی اراهللی هند بوده اند
تذکره های دیل تقریباً تماماً درود کر شعرای دربار تیموریان هند میباشد بنام
المآثر و تاریخ حبا نگیری و مجمع الشعرای حبا نگیری و طبقات ساه حبابی
در میان تذکره های این دوره تنها یک تذکره بنام روضه السلاطین و عطد کر سلاطینی
را آورده است که سر میسروده اند و تذکره حرانات تنها تذکره شعرای معاصر مؤلف را
آورده است

از میان تذکره های این دوره تنها میخانه درباره شعرائیسب که «ساقی نامه»
سروده اند (الته در ذک فصل کتاب ذکر بعضی شعرائی را هم آورده است که ناموقع
تألیف میخانه ساقی نامه سروده بودند) و بقیه تذکره ها در موقع انتخاب اشعار هیچ نوع

تخصیص بیکدیگر از اصناف سخن قایل شده اند

سنگ این دوره

تقریباً تمام بد کرده‌های این دوره بر بان ساده بوده و تنها در مقدمه مخصوصاً در موقع حمد و نعت و منصف و مدح پادشاه و امیر یا ممدوحان دیگر مؤلف و هم‌چنین در موقع تعریف شعر بر بان مصروع پرداخته اند. تنها کتابی که در این دوره سنگ مصنوع بوسته شده است نرم آرای است که مؤلف آن تحت نفوذ سنگ عوفی قرار گرفته و کتاب خود را بهمان سنگ عوفی تألیف کرده است. باید توجه داشت که مؤلف نرم آرای اکثر مطالب را عیباً از لسان الالاب عوفی نقل کرده است.

اینک شرح تذکره هائیکه در شبه فاره هندو یا کستان در دوره اول تیموریان هند تألیف شده است میپردازیم.

روضه السلاطین

ابتدا

ای کوی تو روضه سلاطین جهان
وی سوی تو دلها همه پیدا و بهان
رو یافت بتو کسی که وارستار خود
یک لطف کن و مراد خود نار جهان
سپاس و ستایش بی قیاس پروردگاری را که روضه اقبال سلاطین عالم را بریا حین
عدل و احسان مرین و معطر گردانیده

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره مولانا سلطان محمد متخلص ببحری هروی ابن امیری است اما بعضی درد کر اسم او اشتباه کرده اند در سححه لطایف نامه^۱ متعلق به دوره بریتانیا (رجوع شود به ریوس ۳۶۵) نام مؤلف آن اسبیاها بحری بن سلطان محمد امیری ذکر شده ولی در سححه دیگر از همان کتاب که متعلق به کتابخانه سحسی حاجی محمد ببحوی است این عبارت آمده است که اسم صحیح مؤلف را نشان میدهد «تراب اقدام حراعه

نوشان جام الفجر فحری سلطان محمد بن امیری، که طاهرأ در این عبارت کلمه فحری سهواً یا عمداً برای احترام از تکرار حذف شده است^۱

الهی تحت نام فحری مینویسد «سلطان محمد امیری متخلص به فحری یکی از ارباب بود تا زمان طهماسب میریسب و مادح آن ملک بوده و محالس النعائیس میرعلی شیر از ترکی بفارسی ترجمه کرد بعضی تراجم شعرای دوره دوم اضافه کرد. کمان دیگری بنام «ستان خیال» نیز تألیف کرد که مطلع های عملها از شعرای مختلف رهاش دارد».

و حای دیگر در ردیل نام فحری میگوید: «فحری هروی رفیق میرعلی سر بود بعضی گویند که این فحری هماسب که دگرش گذش»
و بار در صفحه ۲۶۳ همان کتاب (تذکره الهی) عبارت زیر آمده است «فحری سلطان محمد پسر امیری بود محالس البعائیس را ترجمه کرده به لطایف نامه موسوم کرده»

مؤلف خلاصه الافکار اسم مترجم محالس النعائیس را مولانا سلطان محمد امیری آورده است و میگوید «منحمله آثار میرعلی سیر محالس النعائیس است که او در زبان ترکی نوشت مولانا محمد سلطان محمد امیری آن را بفارسی ترجمه کرد و در آخر يك مجلس اضافه نمود این کتاب شعراء و فضلا از زمان شاهرح بارمان ساه اسمعیل دارد»
شمس الدین سامی مؤلف قاموس الاعلام ترکی واهمه اشناه روی داده است و وی فحری را نامیری خلط کرده و تألیف لطایف نامه و بوستان خیال را بحای فحری به امیری نسبت داده است چنانکه میگوید

امری از شعرای ایران بوده و در زمان ساه طهماسب صعوی ریسته است منظومه سام بوستان خیال و چند مثنوی و اسعار دیگر دارد و هم چنین تذکره الشعراء میرعلی

۱- ر ك مقدمه مصحح محالس النعائیس (دو ترجمه آن از قرن دهم) باهتام استاد علی اصغر

شیر نوائی موسوم بمجالس النعائیس را از حجتائی بفارسی ترجمه کرده است.^۱
 در همان کتاب (قاموس الاعلام ترکی) در ذیل احوال مولانا فحری بن محمد
 امیری بیر شرح حال مختصری آمده است که بقرآذیر است.^۲
 «مولانا فحری بن محمد امیری) ارا هالی هرات بود بعد از ایفاء مراسم حج در زمان
 شاه طهماسب حسینی بصوب سغد عریض گرد و مورد الطایف حاکم آنجا عیسی تر کجان
 (ترخان) واقع گردید در او احر قرن دهم هجری بدرود درندگی گفت. تذکره الشعرائی
 بنام «حواهر العجائب» و دو اثر دیگر موسوم بتذکره النساء^۳ و تحفة الحیب از او بیادگار
 مانده است باشعار او دسترس پیدا نکردم».

در کتاب «لطایف نامه» که مستمل بر ترجمه فارسی مجالس النعائیس علی شیر نوائی
 میباشد فحری اشاراتی بکرده که در مورد احوال زندگی مؤلف مفید و قابل استفاده
 ناست تنها از خلال سطور این ترجمه (لطایف نامه) بر می آید که فحری بر دخواججه حیب الله
 ساوچی وزیر حراسان شان و مقامی داشته و آن ترجمه خود را بطراو میرساییده است و
 از او به «ولی الاعمی» تعبیر میکند و بعضی اشعار در آن کتاب بر حسب او امر او اضافه
 میکرده است.^۴

واله داغستانی در تذکره «ریاض الشعراء» مینویسد

«مولانا فحری در رهند و ورع یگانه زمان و در تصوف نادره دوران است. چند مثنوی

در سلك نظم کتیده و از معاصرین شاه طهماسب معفور ماضی بوده»

در «تاریخ معصومی» شرح بسیار مختصری از وی آمده است و مطالب مهمی در مورد

زندگانی او از آن کتاب بدست نمیباید. مؤلف تاریخ معصومی مینویسد.

۱- ر ك. قاموس الاعلام ج ۲ چاپ استامبول

۲- ایضاً ح ۵

۳- تذکره النساء تألیف فحری بن امیری همان حواهر العجائب است و لایعیر

۴- ر ك ترجمه مجالس النعائیس مصحح استاد علی اصغر حکمت چاپ تهران ۱۳۲۳ ص ۲۱.

«مولانا فخری هروی مردی خوش طبع و اکابر بوده و شعر نیز می‌گفته بعضی تصنیفات دارد در صنایع و بدایع و عروض و قوافی»^۱

مؤلف مدتی در دربار شاه حسن ارغون حاکم سندوتته (۹۳۰-۹۶۱ هـ) بوده و دو کتاب خود را بعنوان صنایع الحسن و روضه السلاطین را بنام وی تألیف کرده است. بقیه احوال زندگی مؤلف بدست نرسیده و معلوم نیست که وی کجا و در چه سالی فوت کرده است.

آثار مؤلف

کتاب مختلفی که در کبری از فخری هروی آورده اند اسم کتابهای زیر را از جمله آثار وی نوشته اند

۱- تحفة الحیب - اسم این کتاب را مؤلف در مقدمه حواهر العجایب آورده است (رجوع شود به سبب تألیف آن کتاب) این کتاب مجموعه غزلیات است که فخری از شعرای مختلف ترتیب داده و بنام حیب الله ساوخی و زیر مذهب ده آصف عنوان کرده است. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه بانک ملی نور موجود است (رجوع شود به فهرست کتاب خانه بانک ملی پور، تکمیل اول، ص ۲۳۳ تا ۲۳۴، ۱۹۹۳)

۲- لطایف نامه - ترجمه فارسی تذکره مجالس النعمایس علی شریوانی که اصلاً بر زبان ترکی است. مؤلف این ترجمه را بنام حبه الحیب بنام حیب الله ساوخی و زیر عنوان کرده است. این کتاب تا ترجمه دیگر فارسی به اهتمام اسد علی اصغر حکمت در تهران در ۱۳۲۳ ش چاپ شده است.

۳- صنایع الحسن - در صنایع و بدایع است که مؤلف بنام شاه حسن ارغون حاکم سندوتته تألیف کرده است. امروز نسخه‌ای از این کتاب موجود نیست.

۴- ستار حیات - این کتاب مجموعه ایست از مطلع غزل‌های شعرای مختلف معاصر مؤلف

۵- حواهر العجایب - تذکره دیگر مؤلف (رجوع شود به حواهر العجایب

در کتاب حاضر)

۶- روضة السلاطين - تذکره مورد بحث^۱.

تصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را نام ابوالفتح شاه حسن عاری ظاهراً شاه حسین ارغون حاکم سدوتته (۹۳۵-۹۶۱هـ) تألیف کرده است این کتاب مشتملست بر ذکر بعضی پادشاهانی که شعر سروده اند و حاوی هفت باب است بهر ارزیر

باب اول (ص ۴ب) - «در بیان وجه تسمیه شعر و احوال بهرام گور و ابتدای نظم فارسی و احوال سلطان سحر ماصی و طغرل بیك سلجوقی که گاهی بنظم الثقات میفرموده اند»
 باب دوم (ص ۹الف) - «در بیان احوال پادشاهان جغتائی اور بیک (اوز بك) و سلاطین ایران که اشعار خوب گفته اند و در میان مردم شهرت تام وارد نموده اند»
 باب سوم (ص ۱۱الف) - «در بیان احوال پادشاهان جغتائی ار اولاد امجاد امر تیمور صاحب قران که در سمرقند و حراسان بوده و ابیات و اشعار بیک فرموده اند و دیوان عربی ترتیب داده اند»

باب چهارم (ص ۲۱ب) - «در بیان احوال پادشاهان عراق و روم که نظم گفته اند»
 باب پنجم (ص ۲۶ب) - «در ذکر سلاطین و ملوک هندوستان که نظم میل کرده اند»
 باب ششم (ص ۲۸ب) - «در بیان احوال امرای عالیشان پادشاهان (که) سراطاعت

۱- مؤلف «تاریخ مصومی» کتابی مام روضة السلاطين ماسم یک نفر دیگر آورده است چنانکه

«شاه حسین تکردی [که در صمیمه تکردی تصحیح شده است] در سلك امرای میر پادشاه حسن انتظام داشت به حدت طبع و خودت دهن و مکارم اخلاق و محاسن آداب سرآمد فصلاهی زمان خود بوده او در فن شعر و تاریخ مهارت کامل داشت و روضة السلاطين از جمله مصنفات اوست (رک استوری ص ۲۹۶ ح ۱) روضة السلاطين مرثویا کتابی غیر از روضة السلاطين عربی است یا نه مصومی استثناء رح داده است»

بهر کس فرو بیاورده اند^۱ و ابیات خوب دارند.

باب هفتم - در ذکر جمال حضرت نواب و ختم کتاب.

در پایان کتاب قصیده‌ای در مدح شاه حسین مذکور آورده است که مطلعش بقرار

زیرا

دل‌سرمست جام عشق و عقل کل زبان‌دانش بگوید بشنود هر دو جرار تو حیدیر دانش

نسخ خطی

۱- برلین ش ۶۴۴

۲- بلوشه ح ۲ ش ۱۱۴۲ (قرن ۱۷م) و ش ۱۱۴۲ (اواخر قرن ۱۷م)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به تذکره الهی و خلاصه الافکار و اشپرنگر (ح ۱ ش ۵) و تاریخ معصومی و ریاض الشعراء و قاموس الاعلام ترکی تألیف شمس الدین سامی ج ۲ و ۵ چاپ استامبول و ریو و استوری ح ۱ ص ۷۹۶ و ترجمه مجالس النقایس (لطایف نامه فحری) با اهتمام استاد علی اصغر حکمت چاپ تهران ۱۳۲۳ ش، مقدمه مصحح فهرست اسامی شعرا - در هیچ کتاب یا فهرس کتب فارسی کتابخانه هاد کر

شده است

جواهر العجایب

ابتدا

فارغ ر همه عم و مصایب دیدم

خودراز خودی بهر تو غایب دیدم

چون عرش جواهر عجایب دیدم

کردم نظرو فرش حریم حرمت

جواهر عجایبی که ریور گوش پرده شینان سراوقات سلطان عقل و هوش تواند

بود حمد و ثنای قادر است که دست معمار قدرتش قبه لاخوردی فلک دوار را بدرهای شاهوار

ابحتم ثواب و سیار مرین و محلی گردا بیده^۲

۱ ظاهراً بیاورده اند.

۲ اشپرنگر ابتدای این کتاب را بدین قرار آورده است

سحن حاست و دیگر گمتگو جانان رمن شنو اگر هر لحظه جان تاره میجواهی سحن دشو

اما این محققاً اشتباه است چون بیت فوق در ابتدای «کلمات الشعراء» آمده است به

«جواهر العجایب».

اسم مؤلف این تذکره مولانا سلطان محمد منحلص به فحری هروی است
(برای شرح حال او رجوع شود به بحث در باره روضه السلاطین در صفحات قبل).

تصویر بر کتاب

مؤلف در مقدمه مختصر این کتاب در مورد سب تألیف چنین توضیح داده است
که وی در زمان شاه ظهیرالدین محمد اول صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴ هـ) برای زیارت «حرمین
شریفین» رفت (در ایام حاکم دویب از آن پادشاه مدح گفته است) گذرش بملک هند
افتاد و آنجا چندی اقامت کرد تا آنکه شاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴ هـ) قدم بر سریر همایون
نهاد (ایضا مؤلف قصیده‌ای در مدح آن شاه آورده است) بحاطر مؤلف رسید که
باید هدیه‌ای لایق مجلس آن پادشاه تهیه کند مدتی در این اندیشه بود. آخر شبی
مجموعه «تجعة الحیب»^۱ را مطالعه میکرد و «بر اشعار دلپذیر محادیم» می‌گشت.
ناگاه بطرف برعربی از مسماة مهتری افتاد که مطلعش بدین قرار است

حل هر بکنه که بر بیز خرد منسکل بود آرمودیم بیک حرعه می حاصل بود

«آخر بعد از مشاهده بسیار بدلم چنان تاه و بر حاطرم قرار یافت که جهت
انساط حاطر آن بلعیس نشان (یعنی ماهم دایه اکر شاه) آنچه از طایفه انانث در لباس
بیکو'ناس نظم ظاهر شده جمع سازم که بعایت غریب است پس ترتیب این مختصر
کوسیده فراهم آوردم چون حین حواهر لطیف از معادن طبع ایشان محل تعجب بود
این سحر را سارا تمام «حواهر العجایب» نام کردم.»

مؤلف این کتاب را بنام ماهم دایه اکر شاه که اشاره با اسم او در سطور فوق گذشت
تألیف نموده است و در پایان کتاب (ص ۲۲) قصیده‌ای در مدح «ماهم» به مطلع زیر آورده

ای شکوه معجرت تاحسرا بر افتخار گشتن از رای تو حسر حسروان روزگار

و در بیت زیر اسم ماهم را ذکر کرده است

کامگار بحب و دولت ماهم بلعیس قدر آنکه شد بر ورده اورا در شاهی بر کنار

تعمیده اشپرنگر فحری این کتاب را در دربار محمد عیسی خان ترخان (هنوفی) -
 ۹۷۴ هـ) که آتوق خان کم‌سند بود نوشته است.
 این تذکره زبان شاعر است و مسمول است بر نمونه اشعار و شرح حال بسیار
 مختصر بیست و سه ساعره که مؤلف در در کراسامی آن هیچ فاشده مخصوصاً مراعات
 کرده

بروایت اشپرنگر مؤلف این کتاب را سال ۹۴۷ هـ تألیف کرده است و بیست و یک
 در اثبات عمیده خود آورده است که بقول او سال تألیف کتاب را می‌رساند
 خود را حور خود بهر تو عایسیدم تاریخ رهمه عم و مصایسیدم
 پس اشپرنگر مصرع دوم بیست و فوق را بد صورت تغییر داده است «تاریخ همه
 عم ر مصایسیدم» و گفته که چون اراعداد همه عم (۱۰۹۰) اعداد مصاسرا (۱۴۳)
 هـ ما کیم عدد ۹۴۷ بدست می‌آید که سال تألیف این کتاب را می‌رساند
 اما باید توجه داشت که بیست و فوق در ابتدای نسخه‌های این کتاب (حناکه
 در سطور فوق گذشت) بدین فرار آمده است
 خود را از خودی بهر تو عایسیدم فارع رهمه عم ر مصایسیدم
 و چنانکه معلوم است بیست و فوق بیست و اول رباعی است که این کتاب با آن شروع
 می‌شود و بنا بر این با احتمال قوی اشپرنگر استناداً کلمه «فارع» را «تاریخ» خوانده
 است

در هر حال سال تألیف این کتاب درست معلوم نیست اما چنانکه مؤلف در دلیل
 مقدمه کتاب توضیح داده است وی این کتاب را بعد از حلوس اکبر ساه (۹۶۳ هـ)
 تألیف نموده است و ظاهر آنست که مدت زیادی بعد از حلوس اکبر ساه نگذشته بود که فحری دست
 بزند و این کتاب را بنویسد

این کتاب با «مستی» شروع شده با «ساده سائی» ختم می‌شود و تذکره بسیار
 مختصری است و مسمول بر بیست و سه صفحه است که طی آن مؤلف بیست و سه ساعره را

دگر نموده است از این جمله ذوساعره بنام مسماة معول حاتم و مسماة تردی ترک
ربان هستند که مؤلف از آنان شعراترکی نقل کرده است

در آغاز کتاب مؤلف حکایات بهرام گور و محبوبه وی «دل آرام» و ابتدای «چهار-
گانه» را آورده است سپس بعنوان سند شعر گوئی حکایات حضرت رسول و حضرت
عایشه را نقل میکند و در ردیل آن بیتی عربی از حضرت عایشه نقل کرده است که وی
در حضور حضرت رسول خوانده و حضرت آن را اصلاح نموده بود سپس یکی
از بیاتی که حضرت فاطمه در موقع وفات رسول اسناد کرده بود آورده است بعد از آن
بیتی عربی از ردیحا نقل کرده است که وی برای حضرت یوسف ساخته بود
سپس مؤلف شرح احوال و نمونه اشعار شعرا که اصل موضوع کتاب است

مؤلف در این کتاب عالماً اطلاعات مهمی راجع برندگان گامی شاعرانها بیاورده و
حتی سائل و دلالت وفاتشان را نیز دگر نکرده است تنها از حکایاتی که در ردیل بعضی
شاعرانها نقل کرده و طی آن نام امرای زمان آنان و عبره اشاره نموده است میتوان
برمان آنها بی ردد و الاحتی تعیین عهد اکثر آنان هم از این تذکره متدور و ممکن
دیسد

در انتخاب اشعار نیز مؤلف در ذوق خوب دسان نداده است و طبع ذوق آن وقت
از بعضی شاعرانها اسعاری متدلل نقل کرده است مثلاً رجوع سوره مسماة مہری و مسماة
دخه و مسماة صعیمی در این تذکره

با وجود اینکه اسعاری که مؤلف از شاعرانها آورده است اکثر فاقد عدویب و
لطف میاسد معدلك گاهی در تعریف آنها راه اعراق بیموده و آنرا «بی نظیر» و غیره
بوسته است مثلاً

ز ردیل نام خاں براده میبویسد «در حوس طمی نظیر نداست»

مسماة بیخه مجده میبویسد «طریقه و عارفه و نازده ایام بود خصوصاً در علوم

بحوم که مثل او نبود»

سبک انشای مؤلف عالماً مصوع و پرتکلف اسب و مؤلف گاهی نش مسجع هم

بوسته اسب

رویهمرفته «جواهر العجایب» تذکره‌ای باچیز و کم ارزشی اسب چه از حیث
انتخاب اشعار شاعره‌ها و چه از حیث شرح حالشان چندان اهمیت ندارد اما ناوصف
این ایرادات حوں این کتاب اسم و اشعار بعضی ساعره‌ها را شامل اسب که در کتب
سابق ذکر نشده اسب نمیتوان بکلی مکرر اهمیت آن سد در هر حال این حصیص
عیر قابل تردید است که مؤلف در تألیف آن کتاب بحودر یاد رحمت داده و حتی شرح
حال بعضی ساعره‌ها را که طاهرأ معاصر او بودند بیر بطور مفصل و معیندی بیاورده-

اسب

نسخ خطی

۱ - نادلین نش ۳۶۲ - طاهرأ خلاصه این تذکره است در سه صفحه

مورخ ۱۱۸۵ هـ

۲- نابکی نورج ۹ نش ۱۰۹۸ » در ۴ صفحه مورخ فرس ۱۸ م

۳- بوهارس ۴۸۲ (۱) » » » » ۱۶ » » ۱۹ م

۴- اشپرنگر ح ۱ س ۵

چاپ

این تذکره سال ۱۸۷۳ م (= ۱۲۹۰ هـ) در مطبع بولکشور لکهنوهند بطبع

رسیده اسب

برای فهرست اسامی رجوع سوده اشپرنگر ح ۱ ص ۱۱ (فهرست اسامی ۲۳ ساعره)



نفایس المآثر

آفتاد

مطلع انوار کلام قدیم

«سماله الرحمن الرحیم

رسیده نامه فصل الخطاب

زیب دیباجه ام الکتاب

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب میرعلاءالدوله متخلص به کامی است که از خانواده معروف علمی و ادبی قزوین بوده و صیبه شهرت این خانواده از ایران تا هندوستان رسیده بود اسم پدرش میریحیی بن عبداللطیف السیفی الحسنی^۱ قزوینی (متوفی ۹۶۲ هـ) است که از مورخین بزرگ آن عهد بود و حافظه او اینقدر قوی بود که اکثر وقایع مهم تاریخی از زمان رسول تارمان معاصر خود حفظش بود هنگامیکه همایون شاه (۹۳۶-۹۶۳ هـ) در ۹۵۵ هـ از هندوستان فرار کرده به روین ساهنده سدا ریحیی بعضی سؤالات تاریخی پرسید و از پاسخ گوئی وی که ارتحالاً و بداهة داده حنان خوشحال شد که گف یکی از فواید مسافرت من عراق (عجم) ملاقات با یحیی میباشد^۲

یحیی از حیث مورخ خیلی شهرت و معروفیت داشت حیرتی از شعرای معاصر وی در این باره میگوید

قصه تاریخ از او باید شنید

کس در این تاریخ مثل او ندید

عبارت رسایل مختلف یحیی تاریخی امام «لب المواریح»^۳ نوشته است این کتاب را وی بهرامیس ابولفتح بهرام میرزا (متوفی ۹۵۶ هـ) تألیف نمود تاریخ مدکور حاوی وقایعی از زمان قدیم تا سال ۹۴۸ هـ میباشد (که ظاهراً سال تألیف این کتاب است)

یحیی شاعر هم بود و علاءالدوله بینی چند در نفایس المآثر اروی نقل کرده

در اوایل یحیی مورد احترام ساه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ هـ) بوده و ساه مر بو.

۱- استوری در جلد ۱ ص ۸۰۰ حسینی نوشته است

۲- ر ك نفایس المآثر بسجحه علیگره برگه ۳۲۵ الف -

۳- برای سح خطی این کتاب ر ك استوری ح ۱ ص ۱۱۱

وی را (یحیی معصوم) میگفت ولی بعداً در آخر عمر ستاره یحیی بر گیسب وی را نامر
شاه طهماسب دستگیر کرده ناصه‌بان بردند و وی در آنجا در زندان سال ۹۶۲ هـ
در ...

استوری مینویسد^۱ که موقعیکه شاه طهماسب حکم دستگیری میریحیی و
حایواده‌اش را سال ۹۶۰ هـ بعلم‌سی بودن آنها با دریا یحیی فرستاد علاءالدوله که
بروایت بدو بی^۲ در آن وقت در آذربایجان بود پذیرش حر کرد ولی ندرتوانست
فرار کند و دستگیر شده در زندان خان سپرد امامیر عبداللطیف برادر علاءالدوله موفق
شد به کوهپای گیلان فرار کند همایون پادشاه هندوستان او را به هندوستان دعوت
کرد و وی عازم هندوستان شد ولی بعد از فوت همایون در سال اول سلطنت اکبر شاه
(۹۶۳ هـ)^۳ به‌د رسید بروایت ندو بی عبداللطیف از ایران فرار کرده در دربار
همایون شاه ماه حسب و همایون او را اتالیق (استاد و سربرس) و تبعه خود اکر
منصوب کرد بی سال ۹۸۱ هـ در هندوستان فوت کرد^۴

میریحیی ندره مؤلف طاهر آسه سرداشت نام میر عبداللطیف و قاصی صهی الدین عیسی
و میر علاءالدوله از این جمله کر عبداللطیف^۵ در سطور فوق گذشت قاصی صهی الدین
عیسی برادر دوم علاءالدوله که درس از وی بزرگتر بود مانند ندر خود عالم و ساعر
بود در سال ۹۷۶ هـ وارد هندوستان گسبه و در حایواده ساهی سمب مسی گری زادش و

۱- ر ك نفیس المآثر بسجده علیگره رك ۲۱۱ ب - درسجده رامپور سال وفات وی
۹۷۲ هـ ذکر شده است

۲- ما حد استوری برای این روایت (چنانکه خودش ذکر کرده است) اکبرنامه
ج ۲ ص ۳۵ و ندو بی ج ۱ ص ۳۰ می‌باشد

۳- ر ك ندو بی ج ۳ ص ۹۸

۴- ر ك ندو بی ج ۳ ص ۹۸ ندو بی ایچا مینویسد «پادشاه پیش ایشان صیقی چند
اردیوان حواحه و غیر آن حواده اند» بیدر مآثر الامرا ج ۳ ص ۸۱۴ عبارت بر در این باره
آمده است در سال دوم به معنی عرش آسانی افتخار اندوخته

۵- ر ك نفیس المآثر رك ۲۲۲ الف

۶- برای عبداللطیف ر ك ندو بی ج ۳ ص ۸ - ۹۷ و آئین اکبری و ترك حها نگیری
و مآثر الامرا ج ۳ ص ۵ - ۸۱۳ و رحمن علی ص ۱۳۲ و غیره

در ۱۲ ربیع اول ۹۸۰ هـ در شهر آگره فوت کرد علاءالدین بیٹی جمدار وی در
نمایش المآثر عمل کرده است

میر عبداللطیف سری داشت بنام عیاش الدین علی احمد که بعین خان لقب داشت
و داماد میر محمود محوی بود وی بیرماند پندر در تاریخ و سیر بی همنا بود و وی همراه
پندر خود به آمد^۱ اکبر ساه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) اورا چنان عزیز داشت که هیچوقت
نمیگذاشت از نظروں دور شود^۲

میر سکر الله شگری (متولد سال ۹۴۲ هـ) برادرزاده دیگر علاءالدوله بود
وی تارمان تألیف نفاث المآثر در قید حیات بود و از علم و فضل حادان خود بهره
سزائی برده بود علاءالدوله بعضی اشعار وی را در تذکره خود نقل کرده

شرح حال معصل علاءالدوله در هیچ کتابی پیدا نیست و حتی ملا عبدالقادر
نداوی مؤلف مستحب التواریخ که از علاءالدوله کسب فیض نموده بود راجع به وقایع
مهم زندگی وی هیچ اشاره ای نموده است و تنها مآخذی برای شرح زندگی علاءالدوله
تذکره «نفاث المآثر» تألیف خود است

از این تذکره معلوم میشود که علاءالدوله از کوچکی ذوق و سوق ریاضی شعر
و علاقه مهر طی یعنی حلاطی داشت و این فن را از امیر کلاک یاد گرفته و رساله ای هم
در این فن تألیف نموده بود^۳ چنانکه گنبد هنگامیکه علاءالدوله از پهلوی و نصیب
شاه طهماسب صفوی نسبت پذیرس ناخرسد وی در آذربایجان بود وی برای حفظ جان
خود ترک وطن گمنه بهندوسان هجرت نمود ولی معلوم نیست در کدام سال وی وارد
هند گنبد نداوی در باره وی می نویسند «هم برادر خود عبداللطیف و هم بر بیب کرده
او بود و او را حضرت آقا میگفت»^۴

۱- ر ك نداوی ح ۳ ص ۳۲۱ ۲- ر ك استوری ح ۱ ص ۸۰۰-۸۰۱

۳- ر ك نفاث المآثر ر ك ۹۵ الف ۴- ایضاً ر ك ۱۹ الف

۵- ر ك نداوی ح ۳ ص ۹۷

علاءالدوله نامدهب اسلام علاقه زیادی داشت و در بند کمره خود در مواردی بسیار اشاراتی بآیات قرآن و احادیث رسول آورده است همچنین دوق عرفان و بصوف هم داشت و همیشه در تذکره خود اسم صوفیه را با احترام میآورد

علاءالدوله شعر هم میسروده است ولی چنانکه در اشعارش که در این تذکره آورده است پیدا است در این فن چندان مهارت و معروفیت نداشته است معذک قطعهای تاریخ که وی سروده است از حیث تاریخ حالی از ارزش و اهمیت نیست چون اعلا این قطعها در تاریخ تولد یا وفات بعضی از معاصرین وی یا بعضی وقایع مهم زمان وی بوده است

سال وفات مؤلف معلوم نیست ولی در موقع تألیف منتخب الواریح (۱۰۰۴ هـ)

هنوز در قید حیات بود

آثار مؤلف

علاءالدوله از آثار خود اسم کتابهای زیر را در نقایس المآثر آورده است

۱- صحیفه الارقام - رساله‌ای در فن خطاطی

۲- رساله‌ای در صنایع شعر

۳- بعضی رسایلی که مؤلف در ردیل نام صوفی کسمیری بآن اشاره نموده است ولی

شرح آن معلوم نیست و فهرست یا نسخ این رسایل در هیچ کتابخانه موجود نیست

۴- نقایس المآثر - تذکره مورد بحث

نصرت در کتاب

برای بی بردن بارش این تذکره باید به نکات زیر توجه داشت

۱- علاءالدوله برادر عبداللطیف فریبی استاد آکبر شاه بود و بنا بر این طاهرأ

در دربار شاهلی حیللی نبود و با اکثر شعرای دربار سخصاً آشنائی داشت لذا اطلاعاتی

که وی راجع شعرای معاصر خود در این تذکره آورده است حیللی مهم و با ارزش و مورد

اعتماد و اعتبار است

۲- قسمت آخر این تذکره مشتملست بر وقایع تاریخی عهد ناصر و همایون و

۱- کسر ناساهاں تیموری هند در این قسمت و فایعی که مربوط به عهد اکبر شاه است
حیثی اهمیت و ارزش دارد چون اکثر این وقایع را مؤلف با چشم خود دیده یا از مستقیمین
معتبر و موثق آن عهد تسبیده بود

۳- هیچ کتاب دیگر با اندازه بنام المآثر شرح حال شعرای زمان اکبر شاه را
نیاورده است ملا عبدالقادر دناوی قسمت شعرای عهد اکبری را در جلد سوم «منتخب
التواریخ» از همین تذکره نقل کرده است^۱ و معینده مستشرقین تاریخ مر نور معدن
اطلاعاتی است درباره شعرا و مساهر عهد اکبری

۴- مؤلف در این کتاب اشعار و شرح حال اکثر اشخاص را از طبقات مختلف مردم
از قبیل سلاطین و امرا و فضلا و شعرا که در عهد ناپرساه تا عهد اکبر شاه فارسی شعر
میسرودند در این کتاب نقل کرده است

۵- صماً این کتاب شرح حال و آثار بعضی شعرای عهد محمد نادر سعید و سعد سلمان
و خسرو و ظهیر فاریابی و حامی و غیره را بردارد. بعضی از آنها را میماند در این تذکره
ذکر نموده است ولی در مورد بعضی دیگر نتایج تحقیق خود را در این کتاب شرح داده
است

۶- برای ادراک دوی ادبی و علمی خاندان تیموری هند و امرای دربار آنها
از زمان ناصر تا زمان اکبر هیچ مأخذی بهتر و مفصل تر از این کتاب وجود ندارد

۷- در مورد شعرای متقدم غیر از تذکره های دولتماهی و علی سیروائی و غیره
از کتب تاریخ و جغرافیای بی استفاده نموده است و در ذیل شرح حال شعرا گاهی اطلاعات
معینده جغرافیائی نیز بهم رسانیده است

۱- دناوی در ح ۳ «منتخب التواریخ» در قسمت شرا عنوان زیر را آورده است: «ذکر
شعرای عصر اکبر شاهی در بنام المآثر مذکور اند که مأخذ این بحاله است و مشهوره تذکره
میر علاء الدوله است» ولی بسیاری از این شعرا را اشپرنگر در فهرست اسامی این تذکره
در ذیل بنام المآثر ذکر نکرده است و از این معلوم میشود که نسخه دناوی موحترتر یا مفصل تر
از نسخه اشپرنگر بوده است

این تذکره مشتمل است بر شرح حال و آثار سیصد و پنجاه شاعر بترتیب الفبائی از روی حرف اول اسم یا تحلیص آنها اکثر این شعرا در زمان اکبرساز در هندوستان میریسته اند.

چنانکه مؤلف دیباچه در این کتاب توضیح داده است اسم آن «نهایس المآثر» سال تألیف آن (۹۸۳ هـ) را میسراند ولی از قطعه‌ای که در آخر کتاب آورده است معلوم میشود که سال ۹۷۳ هـ سال آغار تألیف این تذکره و سال ۹۷۹ هـ که آن قطعه منضم آن تاریخ میباشد سال اتمام این کتاب است او مر عمارت «تحت علی بدیه» = ۹۷۹ بطور تاریخ اتمام این کتاب ذکر نموده است

علاوه بر این مؤلف در همین کتاب بعضی مطالب را آورده است که سال‌های ۹۷۹ هـ تعلق دارد همچنین قسمت تاریخی این کتاب در سال ۹۸۲ تمام می‌شود و در گردآورنده فهرست‌موره برینا بیا عمیده دارد هم‌سال اتمام این تذکره است اما در متن این کتاب بعضی شواهدی وجود دارد که از آن میتوان استنتاج نمود که باوجود اینکه تألیف اصل این کتاب سال ۹۸۲ هـ تمام شده بود ولی مؤلف تا سال ۹۹۸ هـ در این کتاب اضافه نموده است چنانکه از وقایع زیر که در این کتاب ذکر شده است معلوم و ظاهر میگردد

(۱) در سنه ۹۹۸ هـ عتایی در قلعه گوالیار زندانی شد

(۲) در محرم ۹۹۸ هـ سید علی عسکری یکی از حواریان در ناساعی فوت کرد

سجده حضی این تذکره که در علی‌گروه موجود است مشتمل بر قسمت‌های زیر میباشد

(۱) مطلع که حاوی مطالب زیر است

الف - حمد و تعریف

ب - تحت مفصل در باره فدایت شعرو فصیلت آن به‌شرف

ج - سب تألیف کتاب

د - تعریف اکبرساز

۱- ر ك اومر من ۳ ق ۳

۲- ر ك ريو ح ۲ ص ۱۰۲۲ ب

۵- بحب در باره اصناف سخن

(۲) احوال شعرا- در این قسمت شرح حال و آثار شعرای معاصر و قریب العهد

و بعضی بعید العهد را آورده است و در ردیل اکثر شعرا در ضمن شرح حالشان اشاره با آثار و اسعار و اطلاعات جغرافی و تاریخی در مورد وطن و زمان نشان کرده است.

(۳) مضامین- این قسمت مشتمل بر وقایع تاریخی است به ترتیب زیر

الف- شرح حال ناصر شاه (۱۲۹۹-۱۲۹۷ هـ) و اسعار مستحب وی و وقایع تاریخی عهد او

ب- « مایون سام (۱۲۶۶-۱۲۶۳ هـ) « « « «

ج- « اکبر شاه (۱۲۶۳-۱۲۶۰ هـ) « « « «

مؤلف در قسمت آخر این کتابد کبری از حواصد گان معروف در باره نیر آورده است

اما نسخه مویح (۱) شامل قسمت های زیر میباشد

۱- مطلع- مشتمل بر دو مصرع بدین ترتیب

مصرع اول «در کیفیات صدور شعر»

مصرع دوم «در تعریف و تقسیم شعر»

۲- شرح حال و اشعار نیریاً ۳۵۰ شاعر مخصوصاً از قرن دهم هجری به ترتیب الفبا

در بیست و هشت «نیت» (هر دینی مخصوص برای يك حرف العاثنی)

۳- يك قطعه راجع بتاریخ گجرات از ۹۸۰ تا ۹۸۵ هـ

۴- مقطع که مشتمل است بر تاریخ عهد نادر و همایون و اکبر در سه «مطلب»^۲

این تذکره (قسمت شعرا) با «آسوب نظری» شروع شده با «یوسفی در سادادی

(نصر آبادی) تمام میشود

تلا، الدوله طبعاً آدم سحت گیری نوره است و در این کتاب سعی نموده است

در گندهای هیچکس ایرادی نگردد و بر روس هیچکس اتقادی نکند و بهمین علت

۱- رك فهرست کتابخانه مویح ص ۳ ش ۳

۲- باید ادعان کرد که «مطلع و مصرع و بیت و قطعه و مقطع و مطالب» هر يك در این

تذکره بمعنی قسمت و باب است به معنی اصطلاحی آن و اسم گذاری ادواب کتاب بدین طریق

و طرز متکرانه و شاعرانه، بمطورتسهل در تعریق ادواب و تقسیم کتاب بوده است

نداوینی بر طرز روش وی انتقاد کرده است^۱

سجح خطی

- ۱- کتابخانه دانشگاه علیگره (دخیره سبحان الله) - نسخه کاملی است مورخ ۱۰ ربيع الاول سنه ۱۰۸۵ هـ. بعضی اوراق آن کرم خورده و آب رسیده است
- ۲- کتابخانه رامپور - نسخه ناقص الاخر اسولی قسمت تاریخی آن کامل است و مانند نسخه موره بریتانیا است
- ۳- موره بریتانیا - این نسخه که مورخ فریب ۱۸۶۰ م است تنها ۹۵ برگ این کتاب دارد که مشتمل بر مقدمه و فهرست مصامین و حاتمیه و قسمت تاریخی تا حمادی - الثاني ۹۸۶ هـ از عهد اکبر شاه و شرح حال نامربوط و بریشان بعضی شعر است (رجوع شود به ریوح ص ۳ ص ۱۰۲۲ الف)
- ۴- فهرست سجح خطی از پاکستان سرقی - نسخه ای ناقص دارد که ظاهر آدر سنه نورد هم استنساخ شده است
- ۵- او مر فهرست کتابخانه موبیح ۳۳۵ برگ و صفحه ای ۱۷ سطر دارد مورخ ۹۸۹ هـ (رجوع شود به او مر فهرست موبیح ص ۳ س ۳)
- ۶- کتابخانه دانشگاه لاهور - دخیره مرحوم پروفیسور سراج الدین آدر - بعضی اقتباسات از این نسخه پروفیسور محمد سعید در اورینتل کالج مگرین لاهور چاپ کرده است
- ۷- کتابخانه موتی محل لکھنو - نسخه ای از این کتاب در کتابخانه شاهی اود بود و اشیرنگر شرح آرا در فهرست خود آورده است (رجوع شود به اشیرنگر ص ۱۰)

۸- راس - تراوس ص ۲۴۷ (۲) مورخ فریب ۱۸۶۲ م

۹- رها تسک ص ۱۶۹ ش ۱۴۷



مجمع الفضلا

انتدا

« سپاس بی‌عیب و ستایش بی‌بهایت آفریدگاری را حل حلاله و عم‌بواله که از کمالات موجودات در دریای وجود شخصی انسانی سفینه‌پرده‌یسه پرداخته »

شرح حال مؤلف *

مؤلف این‌تذکره محمد عارف بقائمی^۱ است. وی بهول خودش در بحارا ندیا آمد و ارشاگردان ملامشقی بحارائی^۲ بود ومدتی در ماوراءالنهر در ملارمت سلاطین از نکیه سر برد^۳ وی سال ۵۹۷۹ هـ وارد هندوستان گردید و چندی در ولایت اوریسه و بنگاله گذرانید پس مدار الحلافه آگره رفته آنجا تذکره خود بنام « عارف الاثار » را تألیف کرد و بعد از آن بدکن روی آورد و آنجا در خدمت عبدالرحیم حاجانان سر برد ومدتی باملك قمی بود. وی ما « انشاء و شعر و حطه » آشنائی داشت و در رمان اقامت خود در دکن مشوی « گلشن اشعار » را نورن شاهنامه در مدح عبدالرحیم حاجانان سرورده است^۴

سپس بقائمی بگجرات رفت و آنجا بامیرزا نظام‌الدین احمد^۵ (مؤلف طمقات اکبری) سر برد وی در اول مشعولی تحصیل می‌کرد ولی به پیشنهاد میررای مر نور تحصیل بقائمی را اختیار کرد

- ۱- مؤلف مآثر رحیمی « حواحه عارف بقائمی » نوشته است رجوع شود به مآثر رحیمی جلد سوم حاتمیه - قسم دوم در احوال شعرا ش ۹۵.
- ۲- برای شرح حال مشقی بحاری رجوع شود به « مجمع الفضلاء » شاعر اول در فرقه سوم
- ۳- بقائمی این اطلاعات راجع بریدگانی خود را بروایت مؤلف مآثر رحیمی در تذکره « عارف الاثار » ذکر نموده است.

۴- ر ك مآثر رحیمی ج ۳ قسم دوم ش ۹۵

۵- برای شرح حال نظام‌الدین احمد ر ك به مآثر الامراء جلد ۱ صفحه ۶۶۰-۶۶۴

نقائی در زمان تألیف منتخب التواریخ دداوینی ملازم حاجان را ترک گفته به آگره رفت^۱ این واقعه ظاهراً قبل از تألیف «مجمع العیال» صورت گرفته است خون از قرائن معلوم میسود که وی در موقع تألیف این کتاب به خدمت حاجان مربوط بوده است^۲

بعینه احوال زندگی نقائی بدست بیامد و معلوم نیست که وی در چه سالی فوت کرده است^۳ اما وی تا تألیف مآثر رحیمی (۱۰۲۵هـ) در فید حیات بوده بنابراین ذکر او در آن تاریخ در حلد سوم حایمه آمده است

تصره بر این کتاب

مؤلف چنانکه خودس در مقدمه توضیح داده است تألیف این کتاب را در ۹۹۶هـ در اندگان (اندجان) آغاز و در سه ۱۰۰۰هـ در وصیه ورسر نور^۴ پایان رسانیده است

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه میبوسد «در رمایکه (مؤلف) به شمع

۱- ر ك منتخب التواریخ دداوینی ح ۳ ص ۱۹۶

۲- دداوینی در منتخب التواریخ ح ۳ ص ۱۹۶ در پایان شرح حال نقائی اضافه میکند «و اکنون از ملازم حاجان جدا شده میگردند که در آگره آمد و قصه لاهور دارد» منتخب التواریخ در سال ۱۰۰۴هـ بیابان رسیده است اما ظاهراً دداوینی این قسمت شرح حال نقائی را قبل از سال ۱۰۰۰هـ نوشته است چنانکه بسیاری از قسمت های دیگر آن کتاب را نیز قبل از ۱۰۰۰هـ نوشته است

۳- ریدر در حلد ۳ ص ۸۶-۱۰۱ میبوسد که نقائی در زمان حیاتش فوت کرده است

۴- در هندوستان در آن زمان دو محل بنام ورپرپور وجود داشت یکی در سرکار باریک آباد در صوبه (استان) بگانه و دیگری در سرکار آگره و صوبه آگره بوده است بر حوض بود در آثار اکبری ح ۲ چاپ بولکشور لکنهؤ ص ۵۹ ستون ۲ و ص ۸۶ ستون ۲) اما با احتمال نوی منثور محل اخیر الذکر است چون مولف در موقع تألیف این کتاب در آگره بود

اسعار بعضی از فصلا و شعرا توحه میسود ادبای متر که ایشانرا مع احوالات و کیفیات در فلم آورده اسامی آنها که در میان مردم مشهور و در کتب تواریخ مسطور بود اختیار میسود که حمله فاصل روزگار بودند و هر يك در برد خواقین معظم و سلاطین مکرم و امرای عالی هم بر دیک و محترم بودند و بعضی که احوال ایشان ظاهر و عوینا بود از دیده و شنیده مرقوم فی کتب و بعد از جمع کردن آن بحاضر این ضمیر حمیر حان رسید که علی الترتیب به بیاض برده و در تحریر آورد و احوال و کیفیات و لطایف ایشان را گاهی تفصیلاً و گاهی اجمالاً بیان گرداند بنا بر این حرأت نموده بسدی از مسودات بیحاصل و نظری از مرقومات باطل که املائی آن اتمام افتاده بود در تحریر آورد.

مولف این کتاب را نام نوان ابوالفتح سلطان اسعدیاری بن سلطان حسرو بن سلطان یار محمد بن سلطان حانی بیگ^۱ عنوان کرده است^۲

(۱) شرح حال ابوالفتح سلطان اسعدیاری ارضیج مأحدی دست بیامد در شجره نامه امرای سبایی که در «طبقات سلاطین اسلام» تألیف استاملی لیب پول و ترجمه مرحوم عباس اقبال در صفحه ۲۴۴ به نام «حانی بیگ» بر میخوریم اما چنانکه از آن شجره نامه پیدا است وی «سلطان» بوده و پدر او لاد او کسی بنام «یار محمد» بوده است همچنین در دلیل اسامی «شعبه امرای بحارا» در همان کتاب در صفحه ۲۴۳ اسم یار محمد که در ۹۵۷ هـ حلوس کرد و در دلیل اسامی «شعبه امرای سمرقند» اسم حسرو سلطان که در ۹۶۸ هـ حلوس کرد چشم میخورد اما معلوم نیست که اینها با هم چه نسبتی داشته اند در هر حال اسم ابوالفتح سلطان اسعدیاری به در شجره نامه ما و به در فهرست امرای ماوراءالنهر ذکر شده است و تنها اسم يك نمر اسعدیاری که در ۱۰۳۲ هـ حلوس کرده است در فهرست اسامی حانان حیوه سابق الذکر در صفحه ۲۵۰ ذکر شده است که معلی چند نمیتواند از اولاد امرای بحارا و سمرقند باشد از جمله اینکه حانان حیوه عالماً با امرای بحارا در جنگ بودند (رجوع شود به طبقات سلاطین اسلام ص ۲۴۹) در هر حال هویت کامل ابوالفتح اسعدیاری مر نور معلوم نشد اما با احتمال قوی وی از امرای اولاد امرای بحارا و نواحی دیگر ماوراءالنهر بوده است چون خود عاری بقائی اصلاً اهل آن نواحی بوده و این تذکره را در ۹۹۶ هـ در داند حان شروع کرده است

۲- مؤلف مآثر رحیمی میویسد «و تصیف دیگر که مجمع الفصلا نام کرده و آن بر منی مر مدح این نامدار است» اما مولف در مقدمه کتاب آنرا صریحاً بنام «سلطان ابوالفتح اسعدیاری» عنوان کرده است

این کتاب مستملست بر مقدمه و سه «فرقه» و خاتمه حاوی ذکر^۱ شاعر
میباشد که ذکر این شعرا در هر فرقه ترتیب زمان آمده است مؤلف در مقدمه بعد از
حمد و نعت و مدح صحابه و حضرت امام حسین مختصراً ذکر فصیحی عرب را آورده
است سپس در سه «فرقه» و خاتمه مطالب زیر را ذکر نموده است

فرقه اول - «در احوال و کیفیات فصلا و شعرا که از ابتدای ظهور استاد رودکی
تا زمان ظهور حامی کوس شاعری رده اند» می‌باشد و بنا «ادوالحسن رودکی» شروع شده
بنا «مولانا محمدودیرسد» تمام می‌شود و مستملست بر ذکر ۱۳۰ شاعر

فرقه دوم - در ذکر احوال شعرای زمان مولانا حامی و فصلا آن روز
گار تا زمان مولانا مشععی و بنا «مولانا نورالدین حامی» شروع شده بنا «مولانا سعدی» تمام
می‌شود و مستملست بر ذکر احوال ۱۲۰ شاعر

فرقه سوم - در ذکر و اوصاف مولوی مشععی و احوال و مقامات اکابر که الیوم
نویسان حرد بریور فصل و بلاغ ایشان آراسته است می‌باشد و بنا «مولانا مشععی»
شروع شده بنا «^۲ تمام می‌شود و مستملست بر ذکر^۳ شاعر

خاتمه - «در ذکر و بیان محابین و دیوانگان جنون آئین و هوال و مسخره‌ها
و اهل حنط و طلبه که سب علیه حماقت و قصور فطرت از فواید علمی بی بهره
مانده اند و مباحثات ایتان و مسعرات نامورون و متظمان ارورن برون و لطایف کور
و کران و دلیاب سیرین و اعلاط عام و امثال آنها»

شرح حال و نمونه اشعار شماری زیر را معصل آورده است **فرقه اول** فردوسی
طوسی و حواجه ابوالعلا گجوی و سعدی سیراری و ساه قاسم ابوار **فرقه دوم** مولانا
حامی (در ۹ ص) و ظهیرالدین محمد ناسر و ناصرالدین محمد هما یون و ساه بیگ جان

۱- نسخه دانشگاه لاهور که مورد استعاده نگارنده این کتاب قرار گرفته است ناقص-

الآخر می‌باشد و یاد ذکر «یحایی» در فرقه سوم تمام می‌شود و ذکر تنها ۱۰ شاعر را دارد

۲- در ك حاشیه افوق

۳- فرقه سوم در نسخه دانشگاه لاهور ذکر ۱۴۰ شاعر را دارد .

وعلیشیر (نوائی) وخواجه آصفحاهی آصفی و دیوانه حسامی و نابافغانی و مولاناهاشمی و فخرالدین علی و نوائی و رضائی و مولانا حیدر و اهلی شیرازی و میر مسیاه (۹) و خواجه ابوالر که و امیددی تهرانی و هلالی استرآبادی و خواجه ایوب و خواجه هاشمی و مولانا کوکبی و خواجه حسن شاه شاعر و عرالی مشهدی و واصفی و ریر کی و رحیمی و آگهی و شهودی و واصلی **فرقه سوم مشفق** و میرزا قاسم (در ۷ صفحه) و قدسی و نویدی و درویش بهرام و میرزا ابراهیم و اشتر لب و محمد شریف و عالم کابلی و حافظ سلطان علی (در صفحه ۵) و خواجه حسن و دیوانه محنتی و بیرام خان و مولانا رعدی و ملک قمی و سعید حواری و میرزا قاسم و حافظ ابراهیم و محمد رحیم (عبدالرحیم) خان جانان و فیضی و جعفر آصفحان و شکیمی و یوعی و عرفی و نوائی .

شرح حال فصلا و شعرای زیر را مفصل ولی نمونه اشعارشان را مختصر آورده

اسب .

فرقه دوم سلطان حسین بهادر و شاهزاده ندیع الرمان و فریدون حسین میرزا
و محمد مؤمن میرزا و شاه اسمعیل و خواجه عبداللهم و ارید و امیر حسین و عماد فصل اله
فرقه سوم مطهر سلطان و میر ندیع و میرزا قاسم ترخان

سك انشای مؤلف ساده است اما در مقدمه و در موقع تعریف شعرا گاهی بشر
مصنوع پرداخته است و قبل از اسم بعضی شعرا القاب توصیفی آورده است که گاهی
با اسم یا تحلیص شاعر حساس دارد مانند **فصح العصحا امیر معری و مقبول الملوك نظامی**
عروخی (عروسی) سمرقندی و فصیح البیان فصیح حرحانی و کبر دو فنون مولانا
حبونی و طوطی گلستان شیرین معالی مولانا هلالی

سالها را با لفاظ عربی آورده و گاهی بعضی عبارات عربی را بکار برده است مانند

«وکان ذلك فی سہورسہ دمان و تسعین و تسعمایہ» (عرفی)

نسخه خطی این تذکره

نسخه منحصر بقرد این تذکره در دانشگاه لاهور موجود است . این نسخه

باقص الآحراست و باد کریمایی در فرقه سوم تمام میشود^۱

نرای شرح حال مؤلف رجوع شود نه آتر رحیمی ج ۳ خاتمه قسم دوم
در احوال شعرا ش ۷۵ و منتخب التواریخ نداوی ج ۳ ص ۱۷۶ و شمع انجمن ص ۸۱ (که
تمام مطالب را از منتخب التواریخ نداوی اقتباس کرده است) و طبقات شاهجهانی و
بلاند ص ۱۶۶ و ریوح ص ۳ ص ۱۰۸۶ ب

فهرست اسامی شعرا - در هیچ کتاب ذکر نشده است .

تذکر - اسم این تذکره در فهرست استوری ذکر شده و ویار و خود این کتاب

اطلاع نداشته است

بزم آرای

ابتدا - «شکر و سپاس و ستایش بیعیاس و حد و بیحد و بنای بیعد مرقد و حکیم و

صانع قدیم را که لباس هستی در سر موحدوات بالاو پستی افکنده» .

مؤلف - اسم مؤلف سیدعلی بن محمود الحسینی است .

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را سال یکپهار (۱۰۰۰ هـ) بنام مرئی خود عبدالرحیم خان بن

یرم خان تألیف نموده است در خاتمه این کتاب عبارت زیر آمده است

«اتمام و احتتام این مجموعه که مسمی بتذکره الشعراست وقتی اتفاق افتاد که

تاریخ هجری بهرار رسیده بود»

اکثر مطالب این تذکره از لباب الالهاب عوفی عیناً نقل شده است اما چون بعضی

مطالب را مؤلف بدان اضافه نموده است بنا بر این میتوان این را تذکره مستقلی

فلمداد کرد

الته این تذکره غالباً فاقد اهمیت تاریخی است چون در اکثر موارد در ذیل

شرح حال شعرا که غالباً مختصر است سالها را ذکر کرده است و اکثر مطالب را به شرح

مصوع نوشته است

این کتاب مستمل است بر مقدمه و هفت فصل و خاتمه (اما نسخه ریو مقدمه ندارد) .

۱- آقای عبدالجی حبیبی دانشمند فاضل معاصر افغانی نسخه ای از روی این نسخه برای

کتابخانه شخصی خود استنساخ و از روی آن نسخه در جهت دیگر برای استاد سعید نفیسی تهیه کرده اند

در مقدمه مؤلف تنبها تذکره دولت‌شاه و سام میرزا را رد کرده و کرده است و با کمال بی‌انصافی و بی‌شرمی اسم لباب‌الالباب را که اکثر مطالب این کتاب را از آن نقل نموده است اصلاً برده است. وی تعریف جلال‌الدین اکر شده (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) را بعنوان پادشاه صریحاً آورده و این کتاب را نام عبدالرحیم حاجان مر نور عنوان کرده است.

هفت فصل کتاب بدینقرار است

فصل اول - در حسن شعر

فصل دوم - در معنی شعر

فصل سوم - در آغاز شعر .

فصل چهارم - در اول کتبیکه شعر فارسی گفت

فصل پنجم - درد کرملوک و سلاطین که شعر سروده اند از ساسانیان شروع شده

ناملك اختيار الدين شيباني معاصر سلطان سحر تمام میشود

فصل ششم - درد کر و ررا و صدور و اعظم دیگر که شعر میسروده اند

با ابوالقاسم احمد بن الحسن میمندی شروع شده با شیخ ابوسعید ابوالخیر تمام میشود .

فصل هفتم - درد کر شعرا از زمان سامانیان تا زمان سلطان محمود . این

قسمت آخر که قسمت اعظم کتاب را تشکیل میدهد تا اندازه‌ای بترتیب تاریخی است

و با ابوالحسن شهید بلخی و ابوعبدالله بن محمد زودکی و کسائی مروزی و عصری و

فرحی و عسجدی و اطهری و ابوالفتح سنی و اسدی طوسی و فردوسی و غیره شروع شده

باقاسم حجاباری معاصر ساه طهماسب تمام میشود

حاتمه کتاب درد کر سلاطین و امرا و فضلا و شعرائی که در زمان اکر میریسته اند

و بعضی از آنها نامؤلف آشنا بودند می باشد در اوایل این قسمت در عبدالرحیم حاجان و

سلطان ابراهیم بن بهرام صفوی و حان احمد (حاکم) گیلان و در آخر آن در کرمری

اصهبائی ردوائی سپرواری و روئی ساوخی آمده است .

در اول این کتاب فهرست اسامی شعرا (در هشت صفحه) آمده است .

سبک اشاء مؤلف مانند سبک عوفی در لباب الالباب مصنوع است چون سیدعلی مؤلف برم آرای اکثر مطالب را از لباب الالباب عوفی عیناً نقل کرده است و بنا بر این تحت بعود سبک عوفی در کتاب مر بور قرار گرفته است .

سخنه خطی

رجوع شود به ریو دیل ش ۱۰۶ ص ۷۳ الف

فهرست اسامی شعرا

در هیچ فهرست یا کتاب دیگر نیامده است .

هفت اقلیم

ابتدا

حرد هر کجا گنجی آرد پدید

بنام خدا سارد آرا کلید

حمد مر حدایرا حل حلاله که عند لیسربان در قفس دهان بد کر اور طب اللسان

است و طوطی بیان در شکرستان شکر او سیرین زمان

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف امین بن احمد رازی است . وی در شهر ری متولد شد^۱ پدرش

حواجه میرزا احمد که از بدمای شاه طهماسب بود مدتی کلانتر شهر ری بوده و حواجه

محمدشیرازی (موفی ۹۸۴ هـ) وزیر که (سرتیب) حاکم حراسان ویرد و اصفهان

بوده عموی امین بود و اعتمادالدوله عیاش بیگ بن محمد شریف پدر نور جهان بیگم که

در زمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) بر مرآت عالی فائز و وزیر جهانگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۱۴ هـ)

(۱۰۳۷ هـ) بود عموراده او بود . امین احمد رازی در موقع تألیف « هفت اقلیم »

(۱) - مؤلف میگوید « شهر ری که مولد و منشای این فقیر است ، ر ک . هفت اقلیم

در هندوستان سکوت داشت^۱

بقیه شرح حال مؤلف بدست برسد .

تصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۰۰۲ هـ تألیف نموده است چنانکه قطعه زیر که در دیباچه کتاب آورده است میرساند :

این سسخه که هست همچو فردوس نگو

تا مو بشوی در او نه شکمی مو

گر ار تو سوال تاریخ کند

تصنیف امیر احمد رازی گو

اما چنانکه اته در فهرست ابدا یا آفس تذکر داده است مولف در فهرست اسامی سلاطین عثمانی اسم محمد ثالث را بیرون کرده است که شان میدهد که قسمتی از این کتاب بعد از سال ۱۰۰۲ هـ تألیف شده است ولی در هر حال بیان پروفیسور (براون) منی بر اینکه سال تألیف این کتاب ۱۰۲۸ هـ است^۲ صحیح نیست

مؤلف در دیباچه کتاب در مورد سبب تألیف کتاب چنین توضیح داده است :

«مؤلف همیشه اوقات خود را در تحقیق احوال ارباب و اخبار اخیار مصر و میبیداشت و اشعه ابوار عواید ایشان (را) اعتراف و اقتباس می نمود تا آخر بنا بر وفور خواهش خود و اشاره بعضی دوستان خاطر بدان قرار گرفت که تذکره (ای) جمع سازد از نظم و نثر تا زمان حال . و بعد از شش سال که لیل و بهار بدان مواطنت نموده شد کتابی بحصول پیوست مملو از اشعار و حکایات و آثاره .

مؤلف اسم مأخذ را در دیباچه یا حاتمه کتاب نیاورده است اما در ردیل شرح حال

۱ - در همت اقلیم بعضی بیانات و اشاراتی ماکر شاه و شعرای دربار او آمده است

که حاکی از این است که مولف در موقع تألیف این کتاب در هندوستان اقامت داشته است مثلاً در ردیل نام طارق ساوحی میبوسد که او در حدود پانزده سال در ملایم این درگاه بوده است

(مرای طارق ساوحی ر . ک. بنداوی ح ۳ ص ۲۳۳)

۲ - ر . ک. تاریخ ادبیات براون ح ۴ ص ۴۴۸

کتابهای زیر را آورده است که در تألیف این کتاب از آنها استفاده کرده

- مجمع الاساب (رجوع شود به دیباچه).
- درهت القلوب (رجوع شود به ابرقوه و کرمان و غیره).
- عجایب البلدان (رجوع شود به بغداد و لاهور و غیره).
- لب التواریخ (رجوع شود به بغداد).
- تذکره الاولیا (ای عطار) (رجوع شود به معروف کرخی و حنید و غیره).
- تاریخ اعصم کوفی (رجوع شود به کوفه).
- معجم الاس (رجوع شود به سیح ابوبکر کنایی و غیره).
- طبقات محمودشاهی (رجوع شود به ابویوسف بن ابراهیم و غیره).
- مناظره الاسان (رجوع شود به ابویوسف یعقوب بن ابراهیم و غیره).
- تاریخ بنا کتی (رجوع شود به دارا بجرد).
- تاریخ العی (رجوع شود به مصر و غیره).
- عجایب مخلوقات (رجوع شود به پابل و لاهور و غیره).
- تاریخ جهان آرا (رجوع شود به لار).
- غرایب الاسرار (رجوع شود به مصر).
- جامع التواریخ (رجوع شود به ترکمکیان تصد بلخ).
- تاریخ گریده (رجوع شود به کرمان و قزوین و غیره).
- چهار معاله (رجوع شود به عنطری و فردوسی و غیره).
- طهر نامه تألیف شریف الدین علی پردی (رجوع شود به کشمیر و غیره).
- تاریخ میرزا حیدر (رجوع شود به کشمیر).
- حسیب السیر (رجوع شود به عماد فیه و مصر و بلخ و غیره).
- حواهر الاسرار تألیف سیخ آدری (رجوع شود به فلکنی و عماد فیه و غیره).
- تاریخ مبارکشاهی (رجوع شود به قندهار و قزوین و غیره).
- تذکره عوفی (رجوع شود به عثمان بن محمد محبازی و تاج الکتاب

و غیره) .

- ۲۴ - طبقات اکبری (رجوع شونده آنگره)
- ۲۵ - رساله در عجایب و غرایب هند تألیف میر محمد یوسف (رجوع شونده کالیپی)
- ۲۶ - اسباب العجایب (رجوع شود به مصر)
- ۲۷ - بهارستان (حامی) (رجوع شونده عبدالواضع حبلی)
- ۲۸ - آثار البلاد (رجوع شونده مصروقم و همدان)
- ۲۹ - تاریخ قدیم هرات (رجوع شود به هرات)
- ۳۰ - تاریخ هرات (رجوع شود به خواج)
- ۳۱ - بهایت الادراک (رجوع شونده قسطنطنیه)
- ۳۲ - تاریخ رشیدی (رجوع شود به حتر)
- ۳۳ - طبقات فقها (رجوع شود به محمد بن علی بن اسمعیل القفال)
- ۳۴ - تاریخ یافعی (رجوع شود به ابن المصمغ)
- ۳۵ - تذکره دولت شاه (رجوع شود به شیخ آدری)
- ۳۶ - جامع رشیدی (رجوع شود به حواحه نصیر الدین طوسی) .
- ۳۷ - مجالس العائس (رجوع شود به درویش دهکی)
- ۳۸ - نظام التواریخ (رجوع شود به خاقانی)
- ۳۹ - روضة الصفا (رجوع شود به بیلمان و سمرقند) .

این کتاب مشتمل است بر مطالب جغرافی و تازیجی و در ردیل بلاد مختلف مؤلف
دکتر هرارویان صدو شصت تن^۱ از سغرا و عرفا و فضلا و امر او ملوکی را که شعر سروده اند
آوردند

طبق عقیده قدیم مؤلف هم «ربع مسکونی» را در همت اقلیم قسمت کرده و
اطلاعات فوق را تحت همت اقلیم آورده است بدین قرار
اقلیم اول - شامل دکریم و بلاد الریح و یوبیه و چین

۱ - رک فهرست اندیا آفس ح ۱ تن ۷۲۴ که آنجا فهرست اسامی این ۱۵۲ تن ذکر

اقلیم دوم - درد کرمکه و مدینه و یمامه و هر مرو دکن (اینجام مؤلف تاریخ سلاطین دکن را از قدیم تا سال ۹۹۹ هـ آورده است) و احمدنگرو دولت آباد و گولکنده و احمدآباد و سورت و سنگال و اریسه و کوچ

اقلیم سوم - درد کر عراق و بعداد و کوفه و نجف و غیره و بصره و یردو فارس و سیستان و قندرها و غریب و لاهور و دهلی (اینجا مؤلف تاریخ هندوستان از قدیم تا زمان اکرود کر فصلائی دهلی را آورده است) و سوریه و مصر

اقلیم چهارم - حراسان و بلخ و هرات و حام و مشهد و پیشانور و سروار و اسفرا این و غیره و اصفهان و کاشان و قم و ساوه و همدان و ری و تهران و دماوند و آسترآناد و طبرسان و مازندران و گیلان و قزوین و آذربایجان و تبریز و اردبیل و مراغه .

اقلیم پنجم - شروان و گنجه و حواریم و ماوراءالنهر و سمرقند و بخارا و فرعه .

اقلیم ششم - ترکستان و فاراب و یارکند و غیره و روسیه و قسطنطنیه و روم .

اقلیم هفتم - بلخ و سغلاب و یاخوج و ماخوج .

گاهی راجع به بلاد و کشورهای مختلف بعضی اطلاعات حالت و معینی را آورده است مثلاً در ردیل کالی « انواع میوه های هندوستان و بعضی عجایب آنجا » را مخصوصاً درباره حوگیان (درویشان هندو) شرح داده است

گاهی در ردیل نام بعضی شعرا و فضلائم و نمونه هائی شریک از آنها نقل کرده است مثلاً رجوع شود به عیندراکابی

مؤلف اکثر سعی کرده است شریک مصوع بنویسد چه در مقدمه کتاب و چه در ردیل شرح حال شعرا و حتی گاهی شوشن شریک جمع میر پرداخته است

گاهی بعضی کلمات توصیفی را هم فایده با اسم یا تحلیص شاعر آورده است

مانند

« سید و الفقار شاعر یا کیره روزگار بیکو گفمار بود » .

همچنین در بعضی القاب و کلمات توصیفی بر عایب اسم یا تحلیص شاعر حناس آورده

اسم مثلاً

فصولی «در فصل و دانش بر بسیاری از همگان فایق بوده و در فهم و در کار اقران سابق»

مولانا شرف‌الدین علی . «در عصر خود اشرف و ضلای ایران و الطف علمای دوران بوده»

اصحح‌الدین فلکی «فلک‌جهان بلاغت و قمر آسمان فصاحت بوده» .
در ذیل نام بعضی شعرا جمله‌ای مصوع در معنی «فوت شد» آورده است
مثلاً .

در ذیل مولانا احمد مینویسد «تا معمار قصا ابواب رید گایش را (به) بلاد
احل بر آورد»

سالهارا همه جا با الفاظ عربی آورده‌اسد .

روی هم رفته این کتاب به تنها در حیث جغرافی و تاریخ بلکه در حیث تدکیر شعرا
و فضلا دارای اهمیت و ارزش زیاد می‌باشد و مخصوصاً برای شعرای زمان کسر شاه این
کتاب حر و منافع اصیل می‌باشد . .

نسخ خطی

۱ - قاهره ۵۰۹ - کتابخانه حدیویه مصر ص ۱۰-۵۰۹ دارای ۳۱۸ برگ
صفحه‌ای ۲۳ سطر مورخ دو الحجه ۱۰۵۲ هـ
۲ - ادبیات تهران ش ۴ - (از آغار تا اقلیم ششم) و ش ۵۲ - ب (مورخ ۵ صفر
۱۲۵۱ هـ) و ش ۱/۳ - ح (مورخ ۲۲ دی ۱۳۱۹ ش/ ۱۵ دو القعد ۱۳۵۹ - جلد اول از آغار تا سید
محمد دارای ۵۹۵ ص) و ش ۲/۳ - ح (همان نسخه - جلد دوم تا پایان کتاب ارض ۵۹۶ تا
ص ۱۱۲۸)

۳ - مرگری تهران - ش ۲۷۵۶ مورخ ۱۱۳۹ هـ

۴ - ملک تهران - ش ۴۳۱۳ مورخ ۱۰۳۰ هـ

۵ - H.Kh. (ح-ح) ح ۶ ص ۵۰۱ ش ۱۴۴۱۱

۶ - سپه سالار ح ۲ ص ۴۸۵ ش ۱۱۲۳ مورخ ۱۰۲۵ و ش ۱۱۲۴ مورخ ۱۰۲۱ هـ و

۱۱۲۵ (اوایل قرن ۱۱ هـ - چند برگه از آن افتاده است) .

۷- بادلین ۴۱۶ (مورخ ۱۰۳۹ هـ) ش ۴۱۷ (مورخ ۱۰۷۵ هـ) و ش ۴۱۸ (مورخ ۱۱۹۹ هـ)

و ۴۱۹ (تنها اقلیم ۳ و ۵ بدون تاریخ) ۴۲۰ (تنها اقلیم ۴ بدون تاریخ) سح فارسی - ۲۴ (C)
(مورخ ۱۰۵۲ هـ)

۸- ا کسورد ۲۰ (ناقص - بدون تاریخ) -

۹- لنینگراد ۱۱۳۴ (مورخ ۱۰۶۶ هـ) و ۱۱۵۴ هـ .

۱۰- بلوشه ۶۴۲ مورخ ۱۰۶۸ هـ و ۶۴۳ مورخ ۱۰۹۴ هـ

۱۱- بانکی پورج ۷ ش ۶۳۶ (قرن ۱۷ م)

۱۲- ریوح ۱ ص ۳۲۵ ب (قرن ۱۷ م) ص ۳۳۶ ب (۱۵۰۹ هـ) ص ۳۳۷ الف (قرن ۱۷ م)

۳۳۷ ب (دوسوم اول کتاب - قرن ۱۷ م) ح ۳ ص ۹۷۰ الف (۱۲۶۱ هـ) دیل ش ۱۳۸
(قرن ۱۷ م)

۱۳- آصفیه ح ۳ ص ۱۶۲ س ۱۹۰ (قرن ۱۷ م) ح ۱ ص ۲۳۲ ش ۴۶۵

۱۴- لندزیانا ص ۱۱۳ ش ۷۱۲ (اوراق مریشان - در حدود ۱۷۵۰ م)

۱۵- ایوانو ۲۸۲ (۱۱۶۶ هـ) ۲۸۳ (۱۸۷۱ م) ایوانو - کرر ۸۰۶ (قرن ۱۹ م)

۱۶- مجلس ۴۵۶ (۱۲۷۳ هـ) ۱۷ بوهار ۱۰۰ (قرن ۱۷ م) .

۱۸- داسگاه نمشی ۳۶ (قسمی از کتاب شامل شعرای ش ۹۸۵-۱۵۵۸) رجوع

شود به اته) .

۱۹- براون سح فارسی ۱۱۰ .

۲۰- براون دحیره (K) ش ۵ (۱۳) (= هوتم شنیدلر ش ۳۹)

K س ۴ (= اندیا آفس ش ۴۵۴۱ - رجوع شود به ۲۱ زیر) .

۲۱- اندیا آفس ۴۵۴۱ (۱۰۰۶ یا ۱۱۰۷ هـ)

۲۲- آتن ۵۶ (باتمام)

۱- این سحه در بهرستانه ذکر شده است و ك استوری ح ۱ ص ۱۷۱ در دیل

۲۳- کیپورتیلا ش ۴۹ (رجوع شود به OCM ج ۳ ش ۴ اوت ۱۹۲۷ م)

۲۴- دانشگاه لاهور- دو صفحه (رجوع شود به OCM ج ۳ ش ۱ نوامبر ۱۹۲۶ م

ص ۶۸)

۲۵- اته ش ۷۲۴ و ۸۳۵ (۱۰۸۹ م) و ش ۷۲۶ (باقص الاول- از اقلیم سوم تا آخر

۱۰۹۳ م)

چاپ

۱- جلد اول کلکته ۱۹۱۸۱ م و جلد دوم ۱۹۲۷۲ م و جلد سوم ۱۹۳۹۳ م

(تا پرتوی شیرازی ش ۲۶۰ رجوع شود به فهرست اسامی اته)

۲- تهران کتاب روشی ادبیه ناصر خسرو - ۱۳۴۰ ش (چاپ پر از اغلاطی

۳- کلکته- باهتمام کتر اسحق در ۵۰۰ صفحه در دست چاپست .

انتخاب

انتخاب هفت اقلیم - فیض الله همت انصاری جو پوری بنام وحیده الدین علی خان

مبادر (رجوع شود به اته ش ۷۲۷)

همچنین بعضی ها اقتباسات و ترجمه آن را در اوقات مختلف در اروپا و غیره

در مابهای فرانسه و آلمانی و انگلیسی چاپ کرده اند - (رجوع شود به استوری ح ۱

ص ۷۱-۱۱۷۰)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به هفت اقلیم و استوری ح ۱ ص ۱۱۷۰-

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به فهرست اندیا آفس ح ۱ ش ۷۲۴ ص ۴۹۹-۳۸۱ (کل ۱۵۶۰ شعر

شاعر و غیره)

خلاصه الاشعار وز بده الافكار

ابتداء

« حواهر حمد و ثنای که مفرح قلوب اصحاب دین و معتاح صدور ارباب عشق متین تواند بود سراوار جمیلیست که تحلیات صفات خود را در آینه اسبابی بحکم اناله خلق الانسان علی صورته طاهر گردا بید» .

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب تقی الدین محمد و تحلیص اود کری اسبوا و معروف به تقی کاشی بوده. اسم پدرش شرف الدین علی الحسینی^۱ الکاشانی است مؤلف در کاشان در ۹۵۶ هـ بدینا آمد وی از شاگردان محبوب محتشم کاشی بوده چنانکه در زمان بیماری خود در ۹۹۶ هـ که مضر مرگ محتشم شد وی را این شاگرد حواش کرد که دیوان اشعار او را جمع و تدوین کند و کری چنین کرد و مقدمه‌های بر آن دیوان افزود^۲ مؤلف اکثر اوقات زندگی خود را در ایران در کاشان بسر برده اما در آخر عمر به ندرفته در سال ۱۰۱۶ هـ تدره خود را با ام ابراهیم عادلشاه ثانی سلطان بیجاپور (۹۸۸-۱۰۳۷ هـ)^۳ عنوان و تعهدیم نمود . مؤلف صحف ابراهیم « در دلیل نام تقی الدین محمد کاشانی دگری تحلیص» مینویسد «اگرچه برخی اشعار خودش را بر در آخرتد کرده اصمام نمود اما در نظر دریافت قدر نظم را ندارد و هر چند تعیش نگار رف تدره نویسان که مؤخر ارمان او بوده اند نام و اشعار او را در مجموعه‌های خود دگر نکرده اند».

تصره کتاب

مؤلف این کتاب را اول در چهار جلد در سه ۹۸۵ هـ تألیف کرد سپس در ۹۹۳ هـ جلد پنجم با آن اضافه نمود چنانکه قطعه زیر میرساند .

۱- از روی نسخه برلین و الحسینی، (ر.ک برلین تن ۶۴۷ ص ۶۱۰)

۲- نسخه‌ای از این دیوان با مقدمه دگری در موره بریتانیا موجود است (ر.ک ریو ح ۲ ص

(۶۵۵)

۳- در فهرست برلین ۹۵۷-۱۳۶ هـ و در استوری ۹۸۷-۱۰۳۵ هـ دگر شده است اما در کلام الملوك، تدره سلاطین دگر چاپ هند ۱۳۵۷ هـ باهتام میرسمادت علی رسوی سال جلوس ابراهیم عادلشاه ثانی ۹۸۸ هـ و تاریخ وفات وی محرم ۱۰۳۷ هـ دگر شده است و همین صحیح است.

چون پنج کتاب تقی تدکره سنح در مخزن جلدحا گرفتند چو گنج
 تاهریک را درست باشد تاریخ بر پنج کتاب تقی افرودم پنج
 (= ۹۹۳هـ)

سپس مؤلف باوقات مختلفی ناین کتاب مطالسی را اضافه مینمود تا اینکه در ۱۰۱۶هـ
 از تألیف آن بکلی فراعت حاصل نمود و بعد از آن طاهرأ هیچوقت ناین کتاب اضافه ای
 نکرد بیترتیب تاریخ اتمام جلد آخر این کتاب را میرساند
 تاریخ نگار آن سب گفت شدست مجلدات لارم = (۱۰۱۶هـ)

در مورد سب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد که وی بعد از
 مدتی مدید خلاصه ای از اشعار اکثر شعرای متقدم و متأخر را ترتیب نموده و اردیوان
 آنها انتخاب رد و شرح عشق آنها را بیان کرده و اوراق این مجموعه را باغر احادیث و
 روایات بیاراست بالآخره در اوایل سه ۹۹۶هـ این سبچه صورت اتمام پذیرف و مؤلف
 آنرا بام پادشاه وقت شاه عباس نررگی صفوی الحسیبی (۹۹۷ - ۳۸هـ) امرین
 ساخت

این تدکره بسیار مفصل است و ارحیث حجم کتاب میتوان آنرا مفصل تر
 از سایر تدکره ها گفت این تدکره مشتملس بر مقدمه و چهار فصل و چهارر کن و دو
 حاتم و یک اصل دیگر و دیل .

در ابتدای مقدمه مدح شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴هـ) را (در ۳ص) و
 در بعضی نسخ (رجوع شود به برلن و نالاند) مدح ابراهیم عادلشاه سلطان بیجاپور (۹۸۸-
 ۱۰۳۷هـ) را آورده است مقدمه کتاب مشتملس بر سب جمع اشعار و موجب انتخاب
 دو اویس سعراى آفاق و التماس عدم اعتراض اربینندگان این اوراق و بیان عشق و محبت
 و شرایط آن در چهار فصل و احتیارات (متحانات) اشعار حضرت علی با ترجمه بشعر و
 شرح آن بفارسی از خود مؤلف (در ۱۶ص) و سپس مؤلف سند شعر گوئی از آیات قرآن
 و احادیث رسول و ابتدای شعر و مختصری در باره تاریخ شعر فارسی را (در ۲ص) آورده

چهار فصل فوق‌الذکر در بیان عشق و محبت بقرار دیل است

فصل اول - در بیان ایجاد عشق و معرفت آنکه عشق از لیب و اس محبت

از حجاب الهی است بحکم مطوق آیه یحبهم و یحبونه

فصل دوم - در تعریف و فضیلت عشق و مدمت کسایکه مذاق را عشق نام

بپاده اند

فصل سوم - در تقسیم عشق بمحار و حقیقت و شرایط محبت^۱ از حجاب محسو

نصیحت جماعتی که منکرند مودت را

فصل چهارم - در شرایط محبت^۲ از طرف محسوس محار و مدمت جماعتی که

معشوق را نداسته اند

پس تحت یك «لاحقه» بحثی در باره نظم و شرط و اقسام نظم آورده‌اسم

رکن اول - «و آن مرتسب بر بد کرده سعراى متقدمین از زمان آل سکنکین

از قصیده گویان و بیان حالات عشق ایسان با اسحان دو اوین هر یك در ضمن آن در این

رکن پنجاه فاصل به سده بترتیب تاریخ فوت فاول نم الاول و این دو مجلد است - مجلد

اول با «ملك الشعراء» استاد عصری «شروع سده» با «سلطان الشعراء» امیر افضل الدین حاقانی «

تمام میشود و مشتملسب بر دکر ۲۲ شاعر و مجلد دوم با «رنده الشعر ا طهیر الدین

فاریابی» شروع سده با «حواحه» افضل الدین کاشانی «تمام میشود و مشتملسب بر دکر ۲۸

شاعر

رکن دوم (= مجلد سوم) - «و آن مشتملسب بر دکر عرل سرایان متقدمین و بعضی

۱- ایضا مولف همت سر طرا بیان کرده است

۲- ایضا مولف چهار سر طرا آورده است

۳- ر.ک. نسخه مجلس ش ۱۹۳۵ از کتب اهدائی شاهراده مجید فیروز در نسخه نلابد

اسم شاعر آخر مجلد اول «قوامی گنجوی» است

ارقصیده گویان که با ایشان معاصر بوده‌اند و درین رکن زیاده از چهل^۱ کامل مذکور شده بترتیب مذکور» (یعنی بترتیب تاریخ فوتشان) و این رکن با «شیخ مصلح الدین سعدی» شروع شده با «شاه شجاع کرمانی» تمام میشود.

مؤلف این رکن را بنام شاه عباس بررگ صوفی (۹۹۶-۱۰۳۸ هـ) عنوان کرده و ما سدرکن اول اینحا بیرار او مدح و ثنا گفته‌است^۲

رکن سوم (= مجلد چهارم) - «آن بیر مشتملت بر دگر عرل گویان و بعضی ارقصیده گویان متأخرین و درین رکن زیاده از چهل^۳ کس نام برده شد». این رکن با «حواجه شمس الدین محمد حافظ» شروع شده با «مولانا فائی» تمام میشود در آثار این رکن مؤلف در باره سه طبقه صوفی «واصلان و سالکان و مقیمان» بحث کرده است^۴

رکن چهارم (= مجلد پنجم) - «و آن مشتملت بر حالات شعرای زمان سلطان حسین میررالی زمان هدا التالیف و درین رکن زیاده از^۵ صاحب دیوان مسطور گشته» این رکن با «مولانا عبدالرحمن جامی» شروع شده با «مولانا عرالی مشهدی» تمام میشود

حاجتمه (اول) - «و آن مشتملت بر دگر بسیاری از شعرای عصر و زمان تألیف این نسخه حیرمآل و بترتیب آن بر دو آورده شهر^۶ داده شده» در نسخه بلائید در قسمت «حاجتمه»

۱- اما در متن نسخه مجلس سن ۱۹۳۵ از کتب اهدائی شاهراده فیروز و اشیر مگر ۲ و

در نسخه بلائید ۴ شاعر ذکر شده‌اند

۲- ر ک نسخه بلائید

۳- اما در متن نسخه مجلس فوق ۵ و در نسخه بلائید ۹ شاعر آمده‌اند

۴- ر ک نسخه بلائید.

۵- در متن نسخه مجلس سن ۱۹۳۵ مذکور ۱۰۲ شاعر ذکر شده‌اند نسخه بلائید در کس

چهارم ندارد اما در اول آن عدد ۱۰۱ شاعر ذکر شده‌است

۶- نسخه اشیر مگر سیرده اصل دارد و آنجا اصل سیردهم در ذکر شعرای حراسان

میباشد

چهار صدویارده شاعر ذکر شده اند.

در نسخه ش ۳۳۴ - مجلس (مورخ ۲۳ رحب ه) مؤلف توضیح داده است که خاتمه کتاب خلاصه الاشعار را بعد از روح آسمان بر دوازده اصل قسمت نموده و بارها اصلی را بدو فصل تقسیم کردند بدین ترتیب
فصل اول درد کرسخ و رانی که الیوم بار از فصاحت بدرر العاط ایشان آراسته است
و دکان بلاغ بحر معانی ایشان پیراسته»

فصل دوم در ایراد اشعار سحرورانی که بعضی از آن قیلاند که بنده بیمه دار بخدمت ایشان در صعر سن رسیده و فیص می نهایت از نظر کیمیا انرا یسان یافته و الحال در عرصه فنا سا کسد و جمعی دیگر از ایشان را ندیده و بملازمت بر سیده»
دوازده «اصل» این تذکره بهر از زیر است^۱

اصل اول - درد کرسخ و رانی کاشان	اصل دوم - درد کرسخ و رانی اصفهان
اصل سوم - « « قم و بواحی آن	اصل چهارم - « « ساوه و بواحی آن
اصل پنجم - « « قرون	اصل ششم - « « گیلان
اصل هفتم - « « سریر و آذربایجان	اصل هشتم - « « یرد و کرمان
اصل نهم - « « شیراز	اصل دهم - « « همدان و بواحی آن

در اینجا در ردیف سد «لاحقه» شعرای زیر آورده است

لاحقه اول - شعرای بغداد لاحقه دوم - شعرای حران دقان لاحقه سوم - شعرای

حوا سار

اصل یازدهم - درد کرسخ و رانی و استر آباد اصل دوازدهم - درد کرسخ و رانی

حراسان

خاتمه دوم^۲ که در نسخه ثانی این تذکره آمده است آنها اصحاب اسعار شصت

۱ - رک اته نسخه ش ۶۶۷ و برلن ش ۶۴۷ الف - در نسخه اشپرنگر شعرای اصفهان

بخت دو اصل (دوم و سوم) و شعرای ری و استر آباد و مصافات آن، تحت اصل دوازدهم و شعرای حراسان تحت اصل سیزدهم آمده است

۲ - رک نسخه نلاند و اشپرنگر

شاعر معاصر را (بدون شرح حال آنها) دارد که قبلاً از نظر مؤلف افتاده بود و وی از دیوان ایشان اطلاع نداشت. مؤلف علت افروندن این حاتمه دوم را حسین توصیح داده است که بعد از تکمیل تدکیره بعضی شعرای مؤلف احاره دادند که وی دیوانشان را مطالعه کند مخصوصاً شعرایی که در همان اوان شعر گوئی را آغاز کرده بودند. چون تعداد زیادی از نسخه‌ها از روی این تدکیره در عراق و حراسان استساخ شده بود و دیگر ممکن بود که این اسعار و مطالب را آنجا اضافه نماید. برای این مؤلف محبور شد (در این نسخه ثانی) يك حاتمه دیگر را با فراید اسامی شعر را را ترتیب الفبائی از روی حرف اول تحلیص یا اسم آنها آورده است.

اصل در نسخه برلن (س ۶۴۸ الف) بعد از «حاتمه» (اول) اصل دو آزد هم «در دکر شعرای حراسان» يك «اصل» دیگر آمده است که مشتملست بر شرح حال و نمونه اسعار ۱۶۲ شاعر ترتیب الفباء از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر و «مولانا ابوالحسن ابیوردی» شروع شده با «میرساحمیر متحلص به یمین» تمام میشود و در این قسمت مؤلف شرح حال خود را بر دزدیل «تقی الدین محمد الحسیبی به دگری» در ردیف «د» آورده است.

دلیل^۱ در نسخه بلاند در پایان «حاتمه دوم» مؤلف يك «دیل» را اضافه کرده است. در این قسمت عقیده خود را درباره این کتاب اظهار نموده و مناسب اتمام این کتاب از خودش حیلی تعریف و تمجید نموده است. در آخر مؤلف میگوید که چون در اثر اضافه کردن دکر عده زیادی از شعرا این تدکیره حیلی صحیم گردیده و سیصد و پنجاه هزار بیت شد لذا وی محبور شد يك مجلد دیگر بر پیچ مجلد سابق اضافه کند و بالآخره این کتاب را در ۱۰۱۶ هـ م تمام رسانیده از کار تدکیره نگاری دست کشید و از آن بعد دکر و اشعار هیچ شاعری را باین تدکیره بیافزود.

۱- در يك نسخه از بلاند ویرایشگر میگوید که يك دلیل مختصری شامل شرح حال شعرا و بدون اشعارشان در نسخه کتابخانه موقتی مجلد لکهنه (هند) موجود بود و يك اشپزنگرش ۹۰۸

در همین قسمت مؤلف تذکره داده است که تالیف این کتاب نه سی سال

طول کشید

در نسخ رنو دیل ش ۱۰۵ و برلن س ۶۴۷ و آته س ۶۶۷ و لندریا س ۳۱۲ (سخه بلاند) در ابتدا مدح شاه طهماسب صوفی آمده است مؤلف این نسخه‌ها را محمداً قلی ار ۹۸۴ هـ نوشته است در نسخه ریوش ۱۰۵ مؤلف بعداً این تذکره را نام شاه عباس عنوان کرده و در پایان این نسخه میگوید که این تذکره را در اوایل ۹۹۶ هـ با تمام رسانیده است. اما در نسخه بلاند رکن دوم نام شاه عباس صوفی شروع میشود ولی در ابتدای این نسخه اسمی از شاه طهماسب یا شاه عباس صوفی نبرده نشده بلکه بجای آن مؤلف این تذکره را در ۱۰۱۶ هـ نام ابراهیم عادل شاه نامی سلطان بیجار پور (۹۸۸-۱۰۳۷ هـ) عنوان کرده است

شرح حال و نمونه اسعار اکثر شعرا در این تذکره خیلی مفصل آمده است و حتی در مورد بسیاری از شعرا مؤلف از آنها بیش از یک هزار شعر نقل کرده است مانند عصری (۲۰۰۰) انیرالدین احسیکی (۲۳۰۰) رکن الدین هروی (۱۱۰۰) و حامی (۳۳۰۰) و حواحه فضل الله فارسی (۱۳۰۰) و بهاء الدین برندق (۳۰۰۰) و عصمت بخاری (۱۵۰۰) و اسرفی سمرقندی (۲۰۰۰) و صیاء الدین حمدی (۱۳۰۰) و کاتبی بینا نوری (۲۷۰۰) و مولانا لطف الله سیرازی (۱۱۰۰) و مولانا حیرت بی (۲۳۰۰) و رستم سظامی (۱۳۰۰) و غزالی مشهدی (۲۰۰۰) و میرحاج اسی (۱۳۰۰) و بابا فغانی (۱۶۰۰) و مولانا سائی (۱۷۰۰) و امیر خسرو (۲۳۰۰) و سعدالدین هروی (۱۲۰۰) و حکیم براری قهستانی (۳۵۰۰) و ابوالفرح رونی (۱۵۰۰) و عبیدراکاسی (۱۲۰۰)^۱

از حیث عده اسعار منتخب هیچ تذکره دیگری غیر از «تجانبه» (رجوع شود به

خلاصه الشعرا) اسعار شعرا را نداشته این تذکره مفصل بیاورده است

اما برعکس اسباب اسعار شرح حال اکثر شعرا را سه مختصر آورده است و غالباً در دیل شرح حال شعرا بحث‌ها و حکایات مفصل درباره عشق آنها و دیگران آورده

است مثلاً در ردیل معری شرح ردگی وی را در نیم صفحه اما بعد در ناره عشق محمود و ایاز
و غیره را در ۳ صفحه آورده است یا در ردیل انیرالدین احسیکتی شرح حال او را
در نیم صفحه اما بحث عشق را با نقل اشعار دیگران در ۳ صفحه آورده است^۱

در ردیل شرح حال شعر الشعاری اردیگران گاهی مفصل نقل کرده است مثلاً در ردیل
عصری اشعار شیخ تهاب الدین سهروردی و عمر العصاه همدانی و شیخ محمد انیری بغدادی
و شیخ زور بهان نقل کرده یا در ردیل نام انیرالدین احسیکتی اشعار نجم الدین کسری و شاه
صبی و حبیب الله شریعی و مولانا ازرقی و شیخ ابوسعید بر عس و مولوی را آورده است
در ردیل نام شعرای بررگه و معروف اشعاری از قصاید و غزلیات و قطعات آنان تحت
عنوانهای جدا انتخاب نموده است

گاهی اشعار شعر از شرح داده است، چنانکه در ردیل انیرالدین احسیکتی فصیده ای
را از ابن درر توحید حداد شرح داده است

در ردیل نام بعضی شعرای معروفه از آثارشان نیز نقل کرده است چنانکه در ردیل عبید
را کاتبی در پایان اشعار او کتاب او نام «احلاق الاشراف» را نقل کرده است
دیوان عبده ریادی از شعرار امثال بحشم خود دیده و اشعار آنان را از آنجا انتخاب
کرده است.

در مورد شعرای معاصر اطلاعاتی که مؤلف در ناره شعر ارسا پنده است خیلی مهم
و نا ارزش می باشد مخصوصاً بعلت اینکه مؤلف نا اکثر آنان شخصاً ملاقات کرده و بنا بسیاری
از آنان روابط نزدیک و دوستانه ای داشته است چنانکه از شرح حال آنان پیدا است و تعداد
زیادی از این شعرادر هیچ تذکره دیگری نکرده است.

مؤلف کوز کوزانه را ما حد خود نقل کرده است که در موقع نقل و اقتباس مطالب
دقت لازم را بعمل آورده است و حتی گاهی بر بعضی کسب دیگر اقتضاد کرده است - مثلاً
کن چهارم در ردیل نام مدرسائی قروی می نویسد «ما امیردو نلساه در کتاب سپویه که
سه سه مسرت تذکره اشعار آورده که «.....» و سپه سه سه نلساه صاحب تذکره

همانا اصلی ندارد، چنانکه در سطور فوق گذشت مؤلف در دیباچه (در ۳۳ صفحه) در باره عشق بحث نموده است و سپس در ردیل بسیاری از شعرا بحث های مفصل در باره عشق و محبت و اشعار شعرای دیگر را آورده است که غالباً بعلمت نامربوط و خارج از موضوع بودن این بحث ها را لطف مطالب می‌کاهد

سبک اشای مؤلف غالباً ساده است و گاهی مؤلف شش مصوع و حتی شش مسجع را بکار برده است اما شرا و در هیچ حادرحین موارد بی‌مره و حالی از لطف نیست و ناو خود این تصع شش او غالباً شیرین و روان میباشند. مؤلف در مقدمه کتاب و در موقع تعریف شعرا شش مصنوع نوشته است

در ردیل بعضی شعر اچند لقب تعریفی قبل و بعد از اسم و تحلیص آن آورده است مانند «ملك الامر والسعرا ابو القاسم حسن حکیم عصری مقدم سخن سرایان گلستان فصاحت و مکر مصیر فیان حواهر بلاغت و براعت» یا «عمدة السعرا مولانا سائی فدوه فصلا و مهندسان زمان و مرجع شعرا و معماران دوران بوده» یا «استاد الشعرا ابو لمرح رومی معتدای صنایع شعرای جهان و پیدوای اکابر و افاضل جهان بوده»

سالها را بریان عربی ذکر نموده است

گاهی احادیث رسول و آیات قرآن و صرف المثلها و اقوال بزرگان را عربی آورده است مثلاً (در مقدمه) (ان اله خلق الانسان علی صورته - کتب کرام مجتبیا فاحسب ان اعرف و حلهم الخلق لا اعرف - لی مع الله و قبل لا یسعی فیهم ملک معرب و لانی مرسل - انامدینه العلم و علی بابها - (فصل اول) من عرف نفسه عرف ربه - لا تنظر الی من قال و انظر الی ما قال - المحار و فطره الخویفة و عبره

همچنین در موقع تعریف از ممدوح خود بعضی جمله ها را عربی نوشته است مانند

الذی نصبر اذق الامن و الامان ... (رخوع سودنه مقدمه در ردیل تعریف شاه ظهاس صغوی)

مؤلف «صحف ابراهیم» در ردیل نبی محمد کاسا بی ذکر «میلویس»

«مؤلف تذکره موسوم بختلاصه الاسعار و ربدده الافکار است و آن کتابست در کمال

صحاح که از روی تحمیل يك لك و پنجاه هزار (یکصد و پنجاه هزار) بیت نظم و نثر آ
 خواهد بود در ضمن تعیین احوال شعرا سر رشته سخن را در آن کشید تا امر اذفات و احادیث
 و احوال مسایح صوفیه اقسام موعظه و نصایح برداخته و مذکور احوال کسانی که از عشق
 ورزان و شیفته جمال جوان بوده اند الترام لازم گرفته در شیوه استحباب ساطب را
 از حد برده چنانکه قصاید اکثر مورخان را با وصف سبک که به بودن اشعار آن از آغاز
 تا بحکم سبک تحریر کشید ۲۰۰۰

نسخ خطی

- ۱- اتپرنگر ش ۸ و ۹ (که خلاصه نسخه اصل است با فهرست اسامی شعرا) و س ۳۲۲ (= بران س ۱۶۴۷ الف) ۲- بلوشه ح ۳ ش ۱۲۴۲ (مشمول برد کر عمیق و سوری و زید و طواط و فلکی و عمادی از کس اول (مورخ او احر قرن ۱۶ م) ۳- ناسکی نورح ۸ ص ۶۸۴ (تبا محلد ۴ - رکن سوم بعد از تحدید نظر مؤلف، مورخ قرن ۱۶ تا اوایل قرن ۱۷ م) ۴- اته س ۶۶۷ (خلاصه نسخه اصلی بدون اشعار و رکن چهارم) و ۶۶ (تبا خاتمه با اسعار، مورخ ۹۹۳ هـ)
- ۵- دارن (Dorn) س ۳۲۱ (تنهار کن سوم، مورخ ۹۳۳ هـ با فهرست ۴۰ شاعر) ۷- ریو دیل س ۱۰۵ (ماقص الاحر- تبا قسمب ائتدائی و محلد يك دارد با فهرست ۲۲ شاعر، مورخ قرن ۱۶ م) ۷- مجلس ش ۱۹۳۵^۱ از کتب اهدائی شاهراده مجید فیروز (تار کن چهارم در ۴۹۱ برگ، مورخ رحب ۱۰۰۷ هـ) - س ۳۳۴ - ب (مشمول برد کر ۲۱۰ شاعر در هفت اصل «خاتمه» مورخ ۲۳ رحب ۱۰۱۳ هـ) و س ۹۸۲ از کتب اهدائی سید محمد صادق طباطبائی (بخط مؤلف در ۵۱۷ ص کوحک - مشتمل بر خلاصه د کرو نمونه اسعار بعضی شعرا از اصل اول و دوم و سوم و پنجم و لاجمه مورخ ۱۴ حمادی الاحری

۱- از یادداستی که در این نسخه بعد از فهرست تذکره آمده است معلوم میشود که این نسخه با چهار محلد دیگر این تذکره در ۲۲ ربیع الثانی سنه ۱۲۶۱ هـ داخل کتابخانه فرهاد میرزا شده است اما حیف که آن چهار محلد دیگر امروز از بین رفته و از وجود آنها در هیچ جای ایران اطلاعی نداریم

۱۱۱۱ هـ) ۸ - لندریانا ص ۲۲۳ س ۳۱۲ (نسخه خلاصه نشده بدون رکن چهارم مورخ ۹- ۱۰۳۸ هـ - نسخه بلاند) ۹ - برلن ش ۶۴۷ (نسخه خلاصه شده مورخ قرن ۱۹ م) و ۶۴۷ الف (تسپا حاتمه و حاتمه دوم و دیل مورخ قرن ۱۹ تا فهرست ۱۶۲ شاعر در «اصل» بعد از حاتمه اول) ۱۰ - ایوانو - دیل نابی - ش ۹۳۲ (فسمی از مجلد چهارم - رکن سوم مشتمل بر دگر شعرائی که در اشپیر بگردیدیل شماره های ۱۶ - ۱۰۹ آمده اند، مورخ حدود ۱۸۷۲ م = ۱۲۹۰ هـ)

۱۱ - دانشکده ادبیات تهران - س ۱۰۴ - ب (نسخه اصل مؤلف است که قسمی از آن بحظ مؤلف است مشتمل بر دگر ۴۷ شاعر و نمونه اشعارشان نسخه ناتمامی است مورخ قرن ۱۰ هـ و ش ۵۹^۱) (نسخه ۱ ناقص است از حاتمه و مشتمل بر دگر احوال و نمونه اشعار ۲۱۲ شاعر از اصل اول و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم - این نسخه از مقدمه ناقص الاول و اشعار فصدده محسب کاسی شروع میشود مورخ قرن ۱۱ هـ) (۱۲) کتابخانه ملی تهران (سیار ناقص و ناتمام)

برای شرح حال، مؤلف رجوع سوده به «اصل» بعد از حاتمه (اول) در نسخه برلن ش ۶۴۷ الف در دیل «دگری» و ریوح ۲ ص ۶۶۵ و صحف ابراهیم در دیل نابی الدین محمد کاسابی دگری تحلیص و بلاند J. H. A. S. ح ۹ (۱۸۴۸ م) ص ۲-۱۳۱ فهرست اسامی شعرا - رجوع سوده به اشپیر بگرس ۹ (نسخه نابی) و اته ش ۶۶۲ (نقیه اسامی شعرا که از فهرست اشپیر بگرس افتاده است)

خلاصه الشعرا (وبتخانه)

ابتدا - الله سبحانه تعالی و تعذس و عنده معاتبع (العیب لایعلمها الا هو
عالیه)^۲

۱ - این نسخه در پاریس در دست مرحوم عباس اقبال بوده و علامه قزوینی نیز آن را دیده و یادداشت‌هایی بحظ خود بر آن نوشته است برای فهرست اسامی شعرا این نسخه در محله دانشکده ادبیات تهران سال ۸ ش ۱ مورخ مهر ماه ۱۳۳۹ ص ۲۱۹ - ۲۲۳
۲ - عبارت در قوسین در نسخه مجلس بیاعده و نیز بعد از این عبارت در آن نسخه بجای «خرانه» «کلمه» «حر این» آمده است

حرا به دانش نقضه قدرت کامله و سرپنجه تقدیر شامله اوست و در این بی منهای سخن و دیعه درح حیا اسان به حص حکمت نالقه و عین رحم و اسعه او» .
 این کتاب اصلاً تألیف دو نفر است اول مولانا محمد ماریندرای^۱ عبداللطیف در ۱۰۱۰ هـ مجموعه‌ای بنام «متحانه» ترتیب داد مستمل بر چهل و پنج هزار بیت و سپس عباسی گجراتی در ۱۰۲۱ هـ شرح حال شعرا را بنام اصافه نموده آنرا بصورت تذکره‌ای در آورد

با بر این شرح حال هر دو مؤلف اینجا مسطور می‌گردد
شرح حال مولانا صوفی

مولانا محمد صوفی^۲ ماریندرای متخلص صوفی (و محمد^۳) و معروف به ملا صوفی در آمل متولد شد در ایام جوانی سوق سیاحت در دلش افتاد چون عراق (عجم) رفت آنجا با اصحاب تصوف آمیزش و احتیلاط پیدا کرد و بی سالک وادی عرفان و تصوف گسب و بریاض و تهذیب نفس برداشت و هم‌حس شعر گوئی را آغاز نمود و بعلت ذوق عرفان شعر عارفانه و صوفیانه میسرود . بهر شهری که میرفت عده‌ای صوفی مذهب و قلندر مشرب رور او جمع می‌شدند و از صحبت وی کسب فیض مینمودند اما چون خیلی آرزویش بود عده‌ای بر حالش سوس گمراستند و بنا بر این بعد از سیاحت

۱- عقیده آتمیر را حسن بیگ خاکی بر در ترتیب «متحانه» با ملا صوفی ماریندرای همکاری داشته است (رک نادلین ص ۳۶۶) اما این صحیح نیست چون در مقدمه «خلاصه الشعراء» بصراحت آمده است که ملا صوفی ماریندرای «متحانه» را «بحس خواهش و توحه قدر دان اهل معنی» میرزا حسن بیگ خاکی، ترتیب داده است

۲- به عقیده اشپرنگر و عبدالمقتدر گرد آورنده فهرست نامکی پور تحلیص ملا صوفی «محمد» بوده چنانکه آنها در دیوان وی دیده‌اند اما تذکره بوسان وی را در ردیم «ص» در ذیل تحلیص «صوفی» آورده‌اند بلاشبکه روایت مولف «محمد ابراهیم» می‌بوسد که ملا صوفی «محمد و صوفی» هر دو تحلیص داشته است

۳- عبدالمقتدر میگوید که تذکره بوسان چندین شاعر را با تحلیص «صوفی» و سنیهای مختلف مانند ماریندرای و شیرازی و کرمانی و اردستانی و همدانی و آملی و اصعبانی و کاشغری ذکر نموده‌اند اما بعضی از آنها همان محمد صوفی ماریندرای را مکرر با سنیهای مختلفی آورده‌اند چون اشعاری که در ذیل این شعر نقل کرده اند اشعار است که در دیوان ملا صوفی ماریندرای (نسخه کتابخانه نامکی پور) موجود است

بلاد آذربایجان و عراق (عجم) ملا بفارس رفت و مدتی مدید در سیراز اقامت نمود .
عالم مردم آنجا اصحاب سیر و سلوک بودند و لذا اروی پذیرائی گرمی بعمل آوردند و
ملا اکثر اوقات خود را در مدارس آنجا بین مریدان و معنفدان خود سر میبرد

آب و هوای سرزمین فارس در تربیت دوق و شعر در او کمک سرائی نمود اما
دیری پبائید که او را «طرفه حالی دسداد» که در میان علما و فضلا سوءاعتقاد و رندفه
و روش الحاد متهم گشت و سایر این محصور شد تا دیگران طاهرأ ترك تعلق و محالط
نماید چون هر کس که با وی رفت و آمد داشت با وجود اختلاف عقیده نکفر و رندفه
متهم میگشت و اغلب اس بدنامی و خوف محاربات از طرف پادشاه ملانمتوانست بیشتر
در شیراز بماند و آنجا را ترك گفته سیاحت بلاد دیگر برداشت

مؤلف بد کوه «لطایف الحیال» میگوید که ملا صوفی مدتی در کاروان اقامت
داشت و بصحبت شیخ المحققین ابوالقاسم مسرف شده و در مدح وی قصیده ای بر دیف
«سحن» سرود و سیح مر نور در جواب آن قصیده ای در مدح ملا سرود

بالاخره در اوایل سلطنت شاه عباس بزرگ صفوی (۹۹۶ - ۱۰۳۸ هـ) و در زمان
اکبر شاه (۹۶۲ - ۱۰۱۴ هـ) ملا متوجه هندوستان شد و مدتی در احمدآباد گجرات
سکونت داشت

تقی اوحدی مؤلف «عرفات» میگوید که ملا «همیشه اوقات خود را با انتخاب شعرو
فرائد و سیر و نبرد و کمانداری و کتاب میگذراند و اینکه وی مکرر بخدمت ملادر
گجرات میرسید ملا بلناس فر و روش اهل سلوک بوده و هیچ سایه عرور و بحوت
نداشت

مؤلف «مآثر الامراء» در دیل میر سید حلال صدر منحلص برصائی بحازی که از
اعظم آن عهد و ساکن احمدآباد بوده و در زمان شاه جهان پادشاه هند منصب سپهرازی و
در ۱۰۵۲ هـ صدر دهللی یافته (صوفی ۱۰۵۷ هـ) مینوسد که ملا محمد صوفی مار بدرانی

در جوانی از ایران آمده اکثر ممالک هندوستان را بخدمت سیر و سیاحت پیموده در احمد آباد رنگ سکو سر ریخت (اقامت گرید) و میر (سید حلال صدر) تعلق خاطر بهم رسانیده تعلیم او می نمود. سیف حان صوبه دار (استاندار) گجرات اعتقادی با ملاملا داشت^۱ در زمان اقامت ملام صوفی در گجرات میر را عاری تر حان^۲ متخلص به وقاری (متوفی ۱۰۲۱ هـ) که از طرف حاکم بنگیر شاه حاکم تته و قندهار بود ملارار گجرات بقندهار دعوت کرد و وی بعد کرس و دوری راه از قبول دعوت حان ادب پرور سر بار زد و

حوا

ان عریزاً ز روزگار سارگار استماع احلاق و اطوار و اوصاع ایستان
تحم محبت در دل محمد (ملا محمد صوفی) کشته بود و رسیدن نامه گرامی چون آفتاب
دخمل و باران بمحل آنرا بکمال رسانید که و ن سوق دیدار عالیستوار بیکر مسافت بعد
از رسیدن نامه با توامی فرو گرفته .

ملا صوفی (در حدود ۱۰۲۲ هـ) با حمیر زلف و مؤلف «میخانه» او را آنجا ملاقات کرده و صحبت تأییر علم و احلاق وی قرار گرفت چنانکه در تذکره خود از علم و احلاق وی بسیار تعریف نموده است مؤلف «میخانه» میگوید که میر صوفی بزی گفت که او بزرده سائل در مکه معظمه توطن نموده و در آن ایام هر سال یکبار در زیارت مدینه میرف و بعد از زیارت رسول بدمکه معاودت می کرد و اینکه کمتر حائثی در دنیا مانده کدهوی آنجا را ندیده باشد وی گجرات را وطن خود قرار داده و گاهی بقصد گردش و سیاحت با طرف او کساف آن شهرستان میرفت و بقول خودس با حمیر مخصوصاً برای زیارت قطب المحققین خواجه معین الدین چشتی مسافرت کرد

۱- در ك ماثر الامرا ح ۳ ص ۴۴۷-۴۵۱

۲- برای شرح حال او رجوع شود به تورك جهانگیری ص ۱۱۰ و میخانه ص ۴-۲۹۰

۳- در ك بیاض شماره ۲۳۷ مجلس شورای ملی تهران ص ۲۰۳ مورخ ۱۰۵۹ هـ بحضرت محمد

صالح برادرزاده اسکندر بیک مشی مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی که در «میخانه» که با اعتماد آقای گلچین معانی چاپ شده است (در حاشیه ص ۴۷۸) نیز ذکر شده است

در همان اثناء جهانگیر شاه بالشرک خود با حمیر آمد و برای مدت دست کم سه سال
 ۵ شوال ۱۰۲۲ تا اول ذوالحجّه ۱۰۲۵ (۱۶۰۲) در آن شهر اقامت نمود ملاهی حکدام اراعیان
 شاه را مطابق ذوق خود دید ولی در نتیجه اصرار و اشتیاق بر درگی اهلی برای مدتی
 زلوی رفت اما آنجا کمر شکست و نارمیسد و کمتر نگفت و سید میپرداحب و
 خره بکلبه در ویسی خود بر گسب و چون در آن شهر عده مریدان و طالبان وی بسیار
 با ما مقتضای طبیعت خلوت پسند خود تصمیم گرفت آن شهر را ترک گفته بگجرات
 و دت نماید

در موقع تألیف عرفات دو سال بود که او حدی از خدمت ملاصوفی جدا شده بود.
 در عرفات مینویسد که در اول سن صوفی و نظیری دوسی بر دیگی و خود داسب و
 می آنها بمطوره و مباحثه میپرداختند اما در آخر ملاصوفی از نظیری رحیده شد.
 ظاهر آن علم بر جش ملا این بیت کما سب آمیر نظیر یسب که صمن عربی در ناره
 گفته است^۱.

یش برون چه کنی پسم گوسمد گرگی که در دروسب ترا گوسمد کن
 بنا بر این موقعیکه نظیری برای آخرین بار مر یسب ملاصوفی برای عیادت
 رفت اما چون نظیری فوت کرد بر خار ه وی حاضر شد

تقی او حدی ملاصوفی را در ناره در ۱۰۲۵ هـ در گجرات ملاقات کرد
 روایت مؤلف «مآثر الامراء» جهانگیر ملا را بس خود احصار نمود و سیف جان
 مدار گجرات که با ملا علاقه و ارادت فراوانی داشت با چار ملا را بخدمت بادشاه فرستاد
 ملاصوفی در راه (در سر هند) فوت کرد^۲ و در آن حال این رباعی سرود

۱ - این بیت در میخانه ص ۷۹۷ و کلیات نظیری مطبوعه لکهنو ۱۸۷۴ م، ص ۲۴۹ آمده است

۲ - در تذکره الشرایعی (ص ۱۲۲) آمده است که ملا محمد صوفی مارید را بی (مترقی
 ۱۰ هـ) با او حیان و ملا حسن پردی بهند آمد و در کشمیر توطن گردید و بخواهش جهانگیر
 ملی رفت و در سر هند فوت کرد صاحب تذکره آتشکنده نقش را تحلیص داشته او را
 هابی خوانده ادا توطن ملا در کشمیر و رفتن وی بدلی بخواهش جهانگیر
 ق و مسلم نیست

ای شاه سه تحت و نه گن میماند از بهر تو يك دو گر رمین میماند
صدوق حدود و کابه درویشان را حالی کن و پر کن که همین میماند
چون بادشاه سید سیارمتأبر و ملول گشت

هؤلف « صحف ابراهیم » سال فوت ملاصوفی را ۱۰۳۲ هـ و خوشگوش ۱۰۳۵ هـ
نوشته است و روایت احیرالد کراصح است چنانکه این مصرع ماده تاریخ فوت ملا را
میرساند

مجردانه یکی شد بحق محمد صوفی (= ۱۰۳۵ هـ)

آثار ملاصوفی

آثار ملاصوفی بدین فرار است

- ۱ - بحانه - مجموعه اشعار مسحت از قدما بقول عبداللطیف گجراتی چهل و
سیح هزار بیت و روایت مؤلف میخانه (ص ۴۷۸) نصاب هزار بیت دارد - برای نسخه رجوع
سود به نادرین ص ۳۶۶
- ۲ - دیوان اشعار - بقول مؤلف میخانه (ص ۴۷۹) « هزار بیت و کسری
دارد » برای نسخ خطی آن رجوع سود به نامکی پور ح ۲ ص ۳۰۱ و هامبورگ ح ۴ ش ۱۹۱ و
موبیج ص ۱۸ (۶) و اسپرنگر ص ۳۸۲
- ۳ - ساقی نامه - برای نسخ آن رجوع شود به نامکی پور ح ۳ ص ۶۲ و ح ۹ ص ۱۳۹ و
برلن ش ۱۸ ح ۲ و ۱۰ الف و هامبورگ ش ۱۹۱ (۴) و موبیج ۱۸ (۳) و اسپرنگر ۱۸۲ - این
ساقی نامه در میخانه ص ۴۷۹-۴۹۱ و ابیس العشاق شیخ احمد سندیلوی و سنیبه ای خطی
متعلق با آقای فرح حراسانی (که آقای گلچین در تصحیح و تکمیل ساقی نامه ملاصوفی
در میخانه از آن استفاده نموده است) آمده است
- ۴ - اشعار متفرقه - که در دیوان وی نیست - سه هزار بیت - (رجوع شود
به میخانه ص ۴۷۹)

شرح حال عبداللطیف

ما حدی که در دست داریم اطلاعات زیادی درباره وقایع زندگی عبداللطیف

جراتی نمیرساند و حتی اطلاعاتی در باره سال تولد و آموزش و تعلیم و اوصاف دیگر اوایل زندگی او در دست نیست

عبداللطیف عباسی گجراتی در گجرات متولد شد محمد صالح کسوه مؤلف «عمل صالح» و اهل گجرات نوشته و عبدالحمید لاهوری مؤلف «پادشاه نامه» نیز قول او را تأیید نموده است عبداللطیف در مقدمه خلاصه الشعرا وطن خود را احمدآباد نوشته است و اینکه در ۱۰۱۰ هـ و قتی که مولانا محمد صوفی مارندری بر تیب «بتحانه» را با تمام رسانید وی در احمدآباد بود

عبداللطیف مدتی در خدمت لشکر حاکم مسپدی بوده است و این کتاب را بر نام عنوان کرده است

لشکر خان در رهان جهانگیر ساه دیوان کابل و در رهان شاه جهان ساه صوبه دار (اسا بازار) کابل بود

عبداللطیف وقایع نگار لشکر خان بود و حدیث نامه نام خاندها و آصفهان و مهاجرت و دیگران از طرف لشکر خان بوسه است^۱ طبق توضیحی که عبداللطیف در مقدمه خلاصه الشعرا داده است لشکر خان او را «حقیقت‌عصی» محاسبات دیوانی کل صوبه (استان) ننگال و اودیسه تنها گذاشته خود در بار جهانگیر ساه سندوسپس بعد از مدتی عبداللطیف بر رهسپار دارالخلافت آگره شده و در راه فرصتی بدست آورده در کتاب تدوین این کتاب توفیق حاصل نمود

مؤلف «پادشاه نامه» می‌نویسد که عبداللطیف در ۸ جمادی الاول ۱۰۴۲ هـ وارد خدمت شاه‌سی در سال پنجم جلوس ساه جهان (= ۱۰۴۲ هـ) مسمد دیوانی بن (وزارت مواج) بجای رامی داس منصوب گشت و در ۱۰ شعبان ۱۰۴۵ هـ ساه جهان او را بر دحا کم گولکنده اعزام نمود باید توجه داشت که سلاطین گولکنده همیشه با ساه جهان مساسات خوبی داشتند و مخصوصاً در نامی که وی علیه بدر خود دست‌نطعیان زده بود بوی کمک کردند و موقعی که ساه جهان برای فروش حار، جهان لودی

۱ - مجموعه‌ای با در این نامه‌ها در انجمن آسیائی ننگال دحیره کردن (ش ۳۶۴) موجود است و مجموعه دیگر از این نامه‌ها در کتابخانه شرقی تیبو سلطان میسور هم موجود بود (رک ش ۱۴ فهرست کتابخانه تیبو سلطان)

به دکن زوب عبداللہ قطب الملک معروف به قطب شاہ (۱۰۳۵-۱۰۸۳ھ) حاکم گولکنده
برای شاه جهان هدایائی فرستاد و همچنین وقتی مها سحان (فرمانده لشکر شاه جهان
بر سلطان بیجاپور حمله کرد سلطان گولکنده از کمک و پشتیبانی سلطان بیجاپور خود-
داری نمود

معدنک دو اشکال مهم در راه دوستی بین شاه جهان و سلطان گولکنده وجود داشت
یکی آنکه ساه جهان سی متعصبی بود در صورتیکه سلطان گولکنده مذهب شیعی داشت
و با بیا آنکه قطب شاه سلطان گولکنده بجای پادشاه هندوستان پادشاه ایران را شاه خود
میشناخت

بنابر اذات فوقی شاه جهان عبداللطیف را با فرمان خود حبس ابطال و لغو رسوم
شیعی در گولکنده تا آن سهر اعرام بود و ببرد این فرمان تا کید نمود که اسم ساه ایران
را از خطبه جمع حراج کند^۱ موقعیکه عبداللطیف بگولکنده رسید قطب شا سحاصاً
برای اسمسال اوسح کوس^۲ بیرون شهر رفت و او را با احترام تمام سهر همراه خود
بر دو طبق فرمان پادشاه حکم صادر نمود که خطبه جمع را بجای شاه ایران نام شاه جهان
پادشاه هند خوانند و همچنین سکه ها نام ساه جهان رده و نمونه های آن را بپیر

قطب شاه به تمها اسامی حلقای از بعد اسامی خطبه کرد بلکه بمر موعقت نمود که
سالیانه مبلغ هنگفتی بعنوان حراج ساهن ساه دهلی بپردازد ساهاً پادشاه دهلی، الا طین
گولکنده را محور قبول چنین شرایط سختی نکرده بود اما چون قطب شاه آدم مطمع
و ضعیف البسی بود بنا بر این او را ازار قبول چنین مقیدات نمودند^۳

بنابر اتمام ما موریت فوق عبداللطیف در اول صفر ۱۰۲۶ھ به دار السلطنت آگره

۱- رک امپراطوری مغول (انگلیسی) تالیف سر ریواستوا ص ۱۲۹

۲- کوس (KOS) مقدار مسامت است و بمعنی گروه که نلت فر سح است (آسدر اراج)

۳- رک پادشاه نامه ح ۱ فصل ۲ ص ۱۴۵ و مستحب اللباب ح ۱ ص ۵۲۳

۴- رک تاریخ شاه جهان دهلی (انگلیسی) تالیف پ- پ- سکسینا

مراجعه نمود و چهل لك^۱ بعدو مقدار زیادی از تحایف قیمی همراه خود آورد^۲ و در ارای این موقعیت شاهجهان عبداللطیف رالف عسیدت خان اعطا نمود^۳ و بمنصب یکپرار پیاده و چهارصد سوار منصوب کرد^۴ اما بعدت بیماری عبداللطیف قادر باحرای و طایف خود سود و پنا برای این در ۵ دوالعد ۱۰۴۷ هـ او را ارسمدیواسی تن معرول نموده این سمت را بحای او بدویات رای محول کردند^۵

متأسفانه تاریخ دقیق وفات عبداللطیف معلوم نیست اما این قدر حتمی است که وی در سال ۱۲ سلطت شاهجهان (یعنی ۴۹-۱۰۴۸ هـ) فوت کرده است^۶

آثار عبداللطیف

عبداللطیف آثار بسیاری داشته است اما منها بعضی از آنها از دستخوس حوادث

رورگار بجا مانده است

مؤلف «عمل صالح» میویسد که عبداللطیف برای تألیف تاریخ سلطت شاهجهان

مورگشت اما در نتیجه حسادت رفا از آن مأموریت در کنار سد

بعضی از آثار عبداللطیف بهر ار در است

(۱) خلاصه السعرا (بد کرده مورد بحث)

(۲) رقعات یا اساء عبداللطیف

(۳) شرح مشوی مولا نارومی (سروع در سال ۱۰۲۴ هـ و اتمام در ۱۰۳۸ هـ)

(۴) نسخه ناسخه مشویات سعیمه شامل شرح وصمایم مشوی مولا نارومی و شرح

۱ - یعنی چهار میلیون (يك لك = صد هزار)

۲ - ر.ك منتحب اللباب ح ۱ ص ۳

۳ - ر.ك پادشاه نامه ح ۳ ص ۱۲

۴ - عمل صالح ح ۱ ص ۴۳۸

۵ - پادشاه نامه ح ۲ ص ۹۲

۶ - حقیقت الحقیقت - مرتبه ح - استفس (ر.ك . فهرست مورده در پنا پنا

اسعار مشکله مشنوی (آغار در ۱۰۳۶ هـ) سرح این کتاب در کتابخانه های اندیا آفس و دانشگاه کیریچ و بادلین و موره بریتانیا و ایستیا تک سوسائتی سگال (دخیره کرن) موجود است

(۵) لذایب اللغات یا فرهنگ لغات مشنوی رومی (تألیف بین ۱۰۳۲ و ۱۰۳۸ هـ) سرح این کتاب در کتابخانه های ایستیا تک سوسائتی سگال و موره بریتانیا و اندیا آفس و دانسکده اتی Fion و گلاسگو و باکی پور موجود است و در ۱۸۸۷ م در لکهنو (بولکنور) و در ۱۹۰۵ در کاپور بطبع رسیده است

(۶) لطایب المعنوی من حقایق المشنوی در سرح مشنوی مولانا رومی که عبداللطیف در حدود ۱۰۳۷ هـ تألیف نموده است سرح خطی این کتاب در کتابخانه های ایستیا تک سوسائتی سگال و موره بریتانیا و دانشگاه بمبئی و بادلین موجود است و در کتابخانه شه وادیر موجود بود (رحوع سوید اشپرنگر) در ۱۸۶۶ م در لکهنو و در ۱۸۷۶ م در کاپور (هند) بطبع رسیده است

(۷) مرآت المشنوی - سرح دیگر بر مشنوی مولانا رومی - برای سرح رحوع شود به اتمه س ۱۱۰۲

(۸) لطایف الحقایق من بغایس الدقایق - عبداللطیف تألیف این کتاب را در ۱۰۴۰ هـ آغاز و در ۱۰۴۱ هـ با همکاری مرعمادالدین محمودالی با تمام رسانید. این کتاب در شرح حال حدیقه سائی است و سائل سرح و متن مشنوی حدیقه می باشد سرح این کتاب در کتابخانه های اندیا آفس و دانشگاه ادسرگ و دانشگاه سحاب لاهور و دانشگاه علیگر و پوهار و باکی پور موجود است و بولکنور لکهنو آن را در ۱۸۸۶ م سحاب رسانیده است.

(۹) سرح حدیقه - این کتاب سرح حدیقه سائی است اما متن مشنوی را ندارد عبداللطیف آن را در ۱۰۴۴ هـ تألیف نموده است سرح آن در کتابخانه های اندیا آفس و احمس آسیائی سگال (دخیره کرن) موجود است

تبصره بر کتاب

عبدالمطیف این کتاب (خلاصه الشعرا) را در ۱۰۲۱ هـ تألیف نموده است چنانکه مصرع فرد «فهرست لطیف من عجیب است» که در مقدمه آمده است میرساند در مورد سب تألیف کتاب عبدالمطیف در مقدمه خلاصه الشعرا چنین توضیح میدهد که مولانا محمد صوفی بحواش میرزا حسن بیگک حاکمی وزیر مجموعه ای نام «بتخانه» ترتیب داد مشتمل بر چهل و پنج هزار بیت ارسوزش دیوان در سب و بود شاعر دیگر که صاحب دیوانند ولی دیوانسان بنظر او بر سیده و اشعارسان در مجموعه های دیگر سب شده بود و همجنس اشعار. برای دیگر که «صاحب دیوان نیستند و اشعار متفرقه شان در میا سب تیمنا ارجهار لک (یعنی چهار صد هزار) بیت برگزیده و در سه عشر و الف (۱۰۱۰ هـ) موافق سبع و اربع (۷۹) جلوس اگری حبا بیان را از جمع نمودن دواوین و سحر شعری بی بیار گردانید

ولی در آتوب التعماتی باس نمود که عنوان کتاب را بدساحه شری دلپذیر مرین دارد. و اسامی شعرا این کتاب را هم حواء موافق تمذیم و تأخیر زمان و حواء مطابق رتبه و حال سخن ایشان تربیتی دهد و سبک فهرست آنها را بطمی بحسد که فی العور طالبان علم (و) سخن بروهی بی سحر و مستحب هر کس درند

(در هر حال سده) عبدالمطیف ابن عبدالله العنسی که از بار یافتگان کسار ساط آن عارف یقینی بود و خود را از زمره زیره حیان حوا آن نعمت بیدریع میسورد و در استکتاب و معانیله آن کتاب مستطاب بقدری (دحلی داس و در اصل تربیت این سحره در بلده طیبه احمد آباد گجرات که وطن محاری این اقل العباد صورت انعام بدیر فیه بر دمه حق گدازی و سپاس داری لازم است حد کلمه بر سیل یادگار نگاشته فلم سکسته زوم گرداند . . . تاهر کس بمطالعه این کتاب فایز گردد بداند که جامع این سحره کیست و در چه وقت و زمان ترتیب یافته و هر شاعری کی بوده و اسم

او کهجا نوشته شده و عمد و وحش که بوده است و تطویل این بررگان نام گمنام این
کمترین نیز . . . مد کورالسبه و افواه ارباب فضل و کمال گردد . . .

«سپس خاطر من رسید که احوال شعرائی که اسعارشان در این کتاب منسج شده
بر سیل احوال نوشته شود تا خوانندگان آن از رجوع سد کرمهای سعرا نیز مستغنی
گردند و سایر این محمل احوال شعرا حاوی اطلاعاتی راجع بر زمان وفات آنها و عهد
سالطن که آنها در آن عصر زندگی میکردند و بعضی مطالب لازم دیگر دایحار و اختصار
نویسد گرچه علت و سبب تألیف این امر همین دینا حدتجانه بود ولی در ضمن نتع
احوال سعرا جمعی دیگر از کابر گذرا حل نتجانه بیستند هم دطر آمد که تراک آنها
مناسبت نداسته همه را محملاً «مواقف طبعات سعد فلکی» (یعنی در همس طبعه) نوشت و
آن را موسوم بدخلصة السعرا صاحب و آنچه بدنه نتجانه سبب داس بر فوق این
سجد نوشت»

در مورد ترتیب اسامی سعرا عبداللطیف در دیده حه حسین توصیح میدهد «اسامی
سعرا ی این سجد را آنچه تاریخ و فاسان مسحص بظر در آمد موافق نتدیم و تأحیر
زمان ایسان و آنچه تاریخ فوت آنها مسحص بیاف بتیاس تاریخ فوت معد و ح و معاصران
آنها نوشت»

عبداللطیف در مقدمه کتاب اسامی کتابهای زیر را آورده است که در آن
بر تألیف این تد کرمه استعاده کرده است

- ۱ - تد کرمه دولسناه سمرقندی
- ۲ - نهیس المآ برعلاء الدوله قروینی
- ۳ - تد کرمه عوفی
- ۴ - منتجب التواریخ - میرزا حسن بیگک حاکی
- ۵ - روضه النعمه
- ۶ - حیات السیر
- ۷ - محمل خصیحی

۸ - تاریخ ابن حنکلی

۹ - تاریخ حهاگتشی عظاملك حوینی

۱۰ - تاریخ رشیدی - مرزا حیدر کنه میری گورکان

۱۱ - اکبرنامه ابوالفضل

۱۲ - تاریخ نظام الدین احمد بحتی (طبقات اکبری)

۱۳ - تاریخ فیروزشاهی (صیاء الدین برنی)

۱۴ - طبقات ناصری

۱۵ - تاریخ ساکنی

۱۶ - صفحات الاس

۱۷ - تاریخ حهاں آرا احمد عفری

۱۸ - تاریخ بیہمی

مؤلف میوید کہ غیر از کتب فوقوی از «حندین تد کره و تاریخ معسر»

دیگر بیر استغاده نموده اس

حهاں کہ عبداللطیف در مقدمه کتبان توصیح داده اس این کتبان را نام حواحه

ابوالحسن مسهدی المحاطب (ملف) به اسکر حهاں عنوان کرده اس

این تد کره مشمل اس بر دو حلد حلد اول آن با «ابوالفرح روی» شروع

سده با «بحیب حر نادقابی» تمام میسود و حلد دوم با «انتحاب دیوان عصری» شروع

سده با «رکی مراعه ای (نافص الاحر)» تمام میسود و مشمل اس بر مقدمه و شرح حال

شعرا و فهرست اسامی شعرا و اشعار مشحبت از دیوان ۳۶ شاعر ریر

۲ - حکیم اررفی

۱ - ابوالفرح روی

۴ - حهاں الدین عبدالرراوی

۳ - محیر الدین بیلعابی

- ۵ - کمال الدین اسمعیل
 ۶ - رشید وطواط
 ۷ - حسن اشرفی سمرقندی
 ۸ - ابوالمجد محدود سائی عربوی
 ۹ - حسن عربوی
 ۱۰ - مسعود معدن سلمان
 ۱۱ - اوحد الدیر انوری
 ۱۲ - ناصر حسرو اصفهانی
 ۱۳ - افضل الدین حاقانی
 ۱۴ - ادیب صابر
 ۱۵ - رعی الدین بینانوری
 ۱۶ - نجیب الدین حرنادفی
 ۱۷ - حکیم عصری
 ۱۸ - انیر اومانی
 ۱۹ - امیر احسیکتی
 ۲۰ - اوحدی مراعاتی اصفهانی
 ۲۱ - امیر معری هروی
 ۲۲ - سعدی سیرازی
 ۲۳ - فجر الدین عراقی
 ۲۴ - عمر حیات
 ۲۵ - مجدالدین همگر سیرازی
 ۲۶ - حلال عصد یردی
 ۲۷ - عبدالواسع حلی
 ۲۸ - عمادی سپریاری عربوی
 ۲۹ - عثمان مختاری عربوی
 ۳۰ - مطهر
 ۳۱ - قاسم انوار
 ۳۲ - مولانای روم بلخی
 ۳۳ - فرید الدین عطار
 ۳۴ - شیخ معربی تریری
 ۳۵ - طبر فاریابی
 ۳۶ - امیر حسرو دهلوی

سپس اشعاری از ۹۰ شاعر را تحت عنوان (غریب لری) آورده است که اول آنها

«بهاء الدین بغدادی» و آخرشان سیح ورمیان» می‌باشد در بارهٔ آنها مؤلف حسب

توصیح میدهد که اگر چه بعضی از این اکابر صاحب

دیوانشان نظر عارف الهی مولانا محمد (صوفی) بر سیده و اشعاری که در

تصنیف خود انتخاب کند اما از این شعرا اسعار مستحب از دیوان «عمادالدین شهریار»

رامؤلف به نام « عمادی شهرباری عربوی » در قسمت اول درذیل شماره ۲۸ آورده

سپس اشعار مته ق ارقریب ۶۲ شاعر آورده است که اولسان رود کی و آحرشان
رکی مراعه ای^۱ است .

اسم بعضی از این شعرا را مکرر آورده است چنانکه اشعار حواجه نصرالدین
طوسی را اول درذیل شماره ۴۴ آورده است و سپس دوباره اشعار دیگر درذیل شماره ۵۹
بعل کرده است همچنین اشعار عین العضاة را درذیل شماره های ۲۰ و ۶۲ بعل کرده

روپم گرفته این اندک که مشتمل است بر شرح حال ۶۷ شاعر و اشعار منتخب از
فریب دصد و هستاذ و هذب (۱۸۸) شاعر^۲ .

مؤلف در ضمن شرح حال شعرا تاریخ وفات سلاطین و بعضی اولیاء و اکابر که
اسمشان آنجا ذکر شده بپرفید کرده است تا علاوه بر احوال شعرا تاریخ سلاطین و
مسایح و ائمه زمان این شعرا نیز آشکار گردد .

شرح حال شعرا را مفضل آورده است

کمال الدین اسمعیل و رسید و طواط و سنائی و حسن عربوی و مسعود سعد بن
سلمان و احد الدین ابوری و ناصر حسرو و حاقانی و ادیب صابر و اوحدی مراعه ای و
معری هروی و سعدی شیرازی و فخرالدین عراقی و فاسم ابواز و مطهر (از مداحان
سلطان فیروز ساه ۷۵۲ - ۷۹۰ هـ) و مولانا رومی بلخی و امیر حسرو دهلوی و روپم مرغه
شرح حال سنائی (در ۱۶ ص) و ناصر حسرو و امیر حسرو (هر کدام در ۲۶ ص) را
مفضل در ادسایرس آورده است .

۱ - نسخه مجلس ناقص الاحراست و آنجا اسم شاعر آخر رکی مراعه ای آمده است

۲ - در فهرست مادلین ش ۳۶۶ اسامی ۱۲۰ شاعر آمده است (ص ۱۹۷ اله تا ۲۰۳ ب)
که اول آنها ابوالصحر رومی و آحرشان شیخ مهستی است اما چون اسم بصیر طوسی در ذیل
شماره های ۹۲ و ۱۰۷ و اسم مسعود بن سعد درذیل شماره های ۴ و ۱۱۱ مکرر آمده است
بنابراین عده کل شعرا از روی نسخه پادلیس ۱۱۸ میباشد .

همچنین اشعار منتخب اردیوان ۳۶ شاعر را که اسامی آنها در سطور فوق گذشت
بیر حیلی معصل آورده است. اما در قسمت آخر کتاب اشعار شعرا را غالباً محضراً
کرده است.

مؤلف در دلیل نام ابوالفرح روی اصل ویرا از سیستان و مداح بوعلی سیمجور
نوشته و میگوید که وی در زمان ابراهیم بن مسعود بن محمود در رحب ۴۹۲ هـ در گذشته
است و از این جهت معلوم می‌سود که وی ابوالفرح روی را با ابوالفرح سیستانی^۱
استهوا کرده است، در روایت تفسیری کتابی ابوالفرح روی در ۴۸۹ هـ و در روایت تاریخ
نادر الرمائی (ص ۲۶۵ ش ۱۶۸) در ۴۸۲ هـ یک سال بعد از فوت ابراهیم بن مسعود بن
محمود در گذشته است. همچنین سال وفات رودکی را بجای « ۳۲۹ هـ » سال ۴۰۷ هـ
آورده است.

از جمله شعرای مد کور این تد که مؤلف نتوانده (ملا محمد صوفی) ادعا کرده
است که در مظهر که اشعار منتخب اردیوان او و شرح حال وی در این تد که بطور
معصل آمده است در هیچ تد که دیگری نیامده است.

دو مرتبه این تد که از حیث انتخاب اشعار دارای اهمیت بسیار می‌باشد مخصوصاً
حون ملا صوفی که این اشعار را انتخاب نموده است دارای ذوق عالی بوده و هر چه
انتخاب کرده است بهر لطیف و آینه قرین طریقی می‌باشد.

این تد که مشتمل است بر همه طبعه هر طبقه آن احوال و اشعار حدیثی شاعر
مشهور و اشعار منتخب و گاهی نادر آن را شامل است شرح حال شعرا اگر چه غالباً
حیلی محضراً است اما گاهی اطلاعات مفیدی را در آره بعضی از آنها می‌رساند که
در هیچ تد که دیگری یافت نمی‌سود مؤلف اکثر کتب حیلی معتبره و موثق را با حدود
فرار داده و بقول خود با حدیث تد که و تاریخ معسر تطبیق و تلمیح نموده و اختلاف
روایات و احوالی آنان را بی‌در این تد که قید کرده؛ سوهم محض می‌گوید « در آنچه

لارمه تفتیش و تحقیق است دقیقه فرو گذاشت بگشته اما گاهی مرتکب بعضی اسماهاست
بررگی شده است چنان که در مورد ابوالعرج روی و رودکی در سطور فوق

سنگ اسای مؤلف در مقدمه بسیار مصوع است اما شرح حال شعرارانه نشر ساده

نوشته است

شرح خطی خلاصه الشعرا

۱ - نادلین س ۳۶۶ (ناقص الاخر و بیر بعضی صفحات اردیوین مستحب از این

افزاده و هم محیی رباعیات عمر حیا و اسعار ادیب صابر را اصلاح ندارد)

۲ - مجلس س ۱۲۰ و ۱۳۲ از کتب اهدائی سید محمد صادق طباطبائی (در دو جلد

کد تمهیدز آخر آن جلد صفحه افاده است جلد اول آن مستمل بر ۷۱۵ ص صفحه ای

۲۱ سطر و جلد دوم مستمل بر ۶۱۷ ص و صفحه ای ۲۱ سطر میباشد)

برای شرح حال و آثار ملا صوفی **مادر بدرانی** رجوع شود به خلاصه -

الاشعار و میخانه (ص ۸۰ - ۴۷۶) و عرفات العاسق و لطائف الحیال و ما بر الاله راح ۳

ص ۴۴۴ - ۴۵۱ (در ردیل ترجمه میر سید حلال صدر) و بیاض شماره ۲۳۷ مجلس بهران

مورح ۱۰۵۹ هـ بحظ ه محمد صالح برادرزاده اسکندر بیگ ممسی مؤلف تاریخ عالم آرای

عباسی و خلاصه الشعرا (مقدمه) و صحف ابراهیم و حوسگو و اسپرنگر و فهرست نادکی -

پور ح ۳ ص ۶۱

برای شرح حال و آثار **عبداللطیف عباسی** رجوع سوده عمل صالح ح ۳

تألیف محمد صالح کسوده و پادساه نامه ح تألیف عبدالحمید لاهوری و خلاصه الشعرا

(مقدمه) و مستحب اللباب ح ۱ ص ۵۲۳ و حقیف الحقیف مرتبه ح استفس

برای فهرست **اساه شعرا** رجوع سوده به فهرست نادلین ص ۱۹۷ الفالی

ص ۲۰۳ ب^۱

۱ - در این فهرست تنها اسم ۱۲۰ (ملکد ۱۱۸) شاعر ذکر شده است اما در نسخه مجلس

در فهرست کتاب اسم ۱۲۶ شاعر و اشعار قریب ۶۲ شاعر دیگر آمده است

عرفات العاشقین

ابتدا

« بسم الله الرحمن الرحيم - ومن دخل كان آمناً رباعی
 ای آنکه ترا در حرم دل بار است گر با حجر الاسود عشقت کار است
 احرام طواف معرفت بسته در آی کایجا عرفات کعبه دیدار است
 تیمماً و ترکاً افتتاح کلام در این مقام نام احدیست قدیم صمدی واج
 التعظیم حل سائبه و عظم مکانه

شرح حال مولف

مؤلف این کتاب تقی الدین محمد الحسینی الاوحدی الدقاقی البلیانی ثم الصفاهازی متخلص به «تقی» است (چنانکه اشپرنگر و ایوانود کر کرده اند و در تذکره محرن العرایب و دیگر تذکره ها تعی او حدی ذکر شده و اکثر آنها ذکر او را تحت حرف «ت» آورده اند) اما عبدالمقتدر در فهرست نامکی بورتخلص ویرا «اوحدی» میویسد که محققاً اشتباه است اسم پدر مؤلف معین الدین محمد ابن سعد الدین محمد^۱ است و سبب بهمت واسطه شیخ المشایخ اوحد الدین عبدالله العارسی البلیانی^۲ میرسد و بچند واسطه به شیخ ابوعلی دقاق^۳ و از وی بچند واسطه نامام موسی کاظم میرسد

بلیان که وطن اجداد مؤلف قریباً است ارتوابع کارزون فارس روایست مؤلف اجداد وی اهل علم و فصل و صاحب «حرقه و سجاده بلکه هادی و مپدی زمان و دوران» خود بوده اند پدر مؤلف در زمانیکه اراضیهای فارس رفته بود هما بحافوت کرد و مؤلف اصلاً او را ندیده بود اما در «محرن العرایب» در ذیل شیخ معین الدین محمد اوحدی آمده است که او والد مولانا تعی الدین اوحدی صاحب تذکره عرفات است و در قزوین گاهی شاه

۱ - رك استوری ج ۱ ص ۸۰۸

۲ - برای شرح حال شیخ اوحد الدین رك صفحات الاس ص ۲۱۹ و سعیه الاولیا

ص ۱۸۰

۳ - برای شرح حال ابوعلی دقاق متوفی ۴۰۵ یا ۴۰۶ هـ رجوع شونده تذکره الاولیا ج ۱

ص ۱۸۷-۲۰۱ و صفحات الاس ص ۳۲۸-۳۳۱ و سعیه الاولیا ص ۱۵۹

طهماسب صفوی در مجلس وی حضور مییافت و سیح معین اندین از فروین شیرازوار آنجا به هندرف و درد کن در ۹۷۹ هـ فوت کرد و قول آحر صاحب «مخزن العرایب» ناگفته خود تهی او حدی مایب و اختلاص دارد چون وی میگوید که پدرش در فارس فوت کرده است

مؤلف در عصر چهارشنبه ۳ محرم ۹۷۳ هـ در اصفهان بدینا آمد و بیست ریز از قطعه ای که مؤلف در شرح حال خود آورده است سال تولد وی را میسر است
 در آنکه تاریخ سال مولودم طلب شاه نعمت اله است (= ۹۶۳ هـ)
 تهی او حدی هوزد و از ده ساله بود که مادرش هم بدور حیات گفتم و او را بندر و مادر هر دو محروم شد

مؤلف در کوچکی بعد از ختم قرآن فراگرفت صرف و نحو و منطق و ریاضی را شروع کرد و سپس تحصیل حکمت و اخلاق مسعود گسب اما به مقتضای سن کوچکی خود برودی از تحصیل حکمت و اخلاق دست کشید

وی از کوچکی مطالعه شعر میپرداخت و از سن ده سالگی شعر میسر و دولی چون مادرش او را از گفتن شعر منع میکرد وی در زمان حیات مادرش شعر گوئی منصرف شد چون سیزده ساله شد با در عرصه تصوف و عرفان نهاد و در گوشه عزلت نشست
 مؤلف با دوازده سالگی در اصفهان «سورنما» یافت و بعد از آن برای یکسال در پردرد حویس و بدان واقارب خود سر برده و سپس با اصفهان مراجعت نمود و با سیزده سالگی در آن شهر سکونت داشت

سپس به فارس رفت و آنجا با چهار سال «خدمت عرفا و طرفا و علما و شعرای محققین و مدققین» بوده و همانجا با دحضر مولانا مرفاری که بسر عموی پدر او بوده ازدواج کرد

در سن بیست سالگی از سیران عراق رفت و در ۹۹۵ هـ هنگامیکه در اصفهان مخرج و مخرج عظیمی روی داد وی در اردوی سلطان محمد خدا سده صفوی (۹۸۵-۹۹۶ هـ) بود بالآخره چون شاه عباس بزرگ صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ هـ) از حراسان فروین رفت تهی

اوحدی باعاق امرای دربار صفوی از اصفهان مسیر کاشان و قهرمیه و بالاخره وارد اردوی
سازمان صفوی شد و یکسال را آنجا سر برده از راه اصفهان بشیراز رفت و آنجا پنج سال
اقامت داشت.

در سن ۱۰۰۰ هـ موقعیکه عبدالله خان اورنگ در مشهد دست بقتل عام زد و ساه عباس
صفوی بطرف مشهد ستاف تقی اوحدی از فارس بعراق رفت و چون حریف فتح و مراجعت
نارسانه ایران بعراق رسید باصفهان برگشت و چون سبی در حسن فتح و نصرت ناساه
چراغان تردد مؤلف مناسب آن موقع رباعی سرود و پیش ساه گذرانید

سپس مؤلف با اردوی ساهی اصفهان بیرون رفت و آنجا تعداد زیادی شعر سرود
و ضاعراً بعداً به اصفهان مراجعت کرد و هنگامیکه در آن ساهی از اصفهان کوچ کرد
مؤلف بعلت بیماری و ضعف عظیم در «دولت ملاحب» استعفا کرده و یکسال در اصفهان
اقامت نمود و در موقعیکه آذربایجان در آن شهر پیدا شد و بیرون رفت و یکسال
آنجا توقف نمود و در آن وقت حویدا اصفهان برگشت و قاسم ۱۰۰۵ هـ در عراق عجم
سکونت داشت سپس بمشدرین رفت و مدت عایدی در آنجا اقامت کرد و آنجا چهار سال اقامت
داشت و در سن ۱۰۰۸ هـ از راه همدان راه گاه حویدا اصفهان مراجعت کرد و آنجا
تا آخر سال ۱۰۱۴ هـ سکونت داشت.

در اول رحب ۱۰۱۵ هـ مؤلف با تفریق جمعی از دوستان تارم همدوسان سدوار عراق
عجم بشیراز راه کرمان و قندهار و در آنجا به لاهور (لاهور) رفت در راه حبر
فوت اکبر شاه^۱ و جلوس جهانگیر شاه (۱۰۱۶ هـ) داشتید^۲ یکسال و نیم در لاهور
توقف نمود و سپس همراه اردوی جهانگیر سار تارم آگر آمد و بعد از یکسال و کسری

۱- مؤلف محرن العرایب در دیل اسم تقی اوحدی می نویسد
در عهد اکبر شاه و نورالدین جهانگیر به هندوستان حبت نشان آمده . که باقول
مؤلف اختلاف دارد

۲- مؤلف در دیل شرح حال حویدا شعریه و توصیف ریاضی از جهانگیر شاه بشر مضموع
پرداخته است

بگجرات رفت در سال ۱۰۲۰ هـ تصمیم گرفت بحجاز عریض نماید اما عملی نشد و بالآخره ناگروه مراجعت کرد در موقع تألیف کتاب عرفان یکسال و نیم بود که در آگره اقامت داشت و سن مؤلف در حدود چهل و نه سال بود

سپس مؤلف با حمد آباد گجرات رفت چون در سال ۱۰۳۶ هـ کتاب «کعبه عرفان» را در احمد آباد انتحاب و تریب داد چنانکه در نسخه کعبه عرفان متعلق بکتابخانه مابکی پور توضیح دین آمده است

«این نسخه که کعبه عرفان است از عروه در احمد آباد گجرات (در سنه) ۱۰۳۶ هـ منتحاب شد»

مؤلف تا سال ۱۰۳۹ هـ در هید حیات بود چنانکه در نسخه خطی ش ۲۳۳ فهرست ایوانو اشعاری مورخ ۱۰۳۸ و ۱۰۳۹ را از خود نقل کرده است

بعینه احوال مؤلف بدست بر سید و سال فون روی بر وایت بد کرده است شعراء ص ۱۰۵۰ است اما مأخذ اصلی این روایت معلوم نشد

آثار مؤلف

آثار مؤلف چنانکه خودش در عرفان و کعبه عرفان ذکر کرده به قرار زیر است

الف - شهر

- ۱- مشوی یعقوب ویوسف مشتمل بر ۲۲۲ بیت
 - ۲- ساقی نامه و سوم به شار و حمار^۲ - مشتمل بر سیصد بیت
 - ۳- کعبه دیدار - مشتمل بر سه هزار بیت
 - ۴- سفینه السعیه - مشتمل بر سه هزار بیت
 - ۵- کعبه الحرمین - مشتمل بر چهار هزار بیت
- ۱- تذکره الشعراء عنی جاپ استی تیوت پرس آنگر ص ۳۳
 - ۲- نسخه مابکی پور ش ۶۸۵ ح ۸ - بشاء بیحمار
 - ۳- ایضا بصرة الغارین

۶- لوح محفوظ

۷- قلم قدرت

۸- تصرة العارفين - ديوان قصاید و مدح و قدح

۹- تذكرة العاشقين - ديوان عرف مستمل بر نه هزار بيت - نسخة ناقصه از اين

ديوان در كلكته موجود است (رجوع شود به ايو ابو ش ۷۳۳). طاهر آين ديوان و كتاب

«ديوان عرفيات» كه در مدراس (ش ۷) موجود است يکيسب

۱۰- رباعيات اوصافيه و رباعيات اصنافيه كه بقول مؤلف «بروش نجوم اروى

فال گرفته ميسود»

۱- مثنوى شير گره (رجوع شود به رياض السعرا)

۱۲- ديوان معطعات و مطائبات و اعاجى و رباعيات اصنافيه و اوصافيه

۱۳- غيب الحيات «مسي بر آنچه در عهد گمبه شده»

۱۴- فردوس حيال اوحدى - اين كتاب را مؤلف در عرض شش سال در بين راه

بيرو گجر - ترتيب داده و آن مسلسل بود بر اسعار مستحب از شعراى مختلف كه

در ۱۰۲۰ هـ ناتمام رسيد اما بعد ايكى از امر اى در بازار حباب گيرساه در آگره وى را

وادار كر كه در اين كتاب تجديد نظر و زده و شرح حال شعرا را با اين كتاب اضافه نمايد

و موافق در نتيجه كتاب مستعلى ترتيب داد با نام تذكرة عرفات العاشقين (تذكرة مورد بحث).

۱۵- ديوان اميد آباد در جواب اشعار اميدى

۱۶- ديوان آدميت

۱۷- ديوان خواهر رواهر

۱۸- ديوان درر و غرر «كه قصايد محص اند»

۱۹- كعبه عرفان (رجوع شود به خلاصه تذكرة عرفات در نايان اين بحث)

۲۰- انتحاب كعبه عرفان (رجوع شود به خلاصه تذكرة عرفات در نايان اين

بحث)

۲۱- كلييات - طاهر آ مجموع مشويپهاى كوچك مؤلف بود كه نسخه اى از آنرا

اشپزنگر در فهرست خود (در ص ۵۷۶) ذکر کرده است.

ب - نشر (ونظم)

۱- سرمه سلیمانی- در لغات فارس است مؤلف برهان فاطع در موقع تألیف کتاب خود از این فرهنگ استفاده کرده است نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه لنین گرا موجود است (رجوع شود به فهرست رالمان زورن ص ۱۶ س ۱۷۴)

۲- رساله کافیة العافیة در علم فایه و روس سخن است که مؤلف در آن شصصد بیست و پنج اسطرلاب آورده است

۳- رساله معراج معانی و عیبه - در تصوف است که مؤلف طی آن سبهاراد بیست و پنج اسطرلاب آورده است و بقول مؤلف «عوب سه» (از بر رفته)

۴- تذکره عرفان العاشقی - تذکره مورخین که بقول مؤلف فریب بیجا باصص هزار بیست در آن جمع نموده است

۵- حفر اوحدی

علاوه بر کتب سابق الذکر مؤلف بکثرت دیوان شعر داشت که شامل فردوس و آورده هزار بیست بود و در فهرست گم شد

تصیر بر کتاب

نمی اوحدی تألیف عرفان رادر ۱۰۲۲ هـ در آگره شروع کرد و همانجا در ۱۰۲۴ هـ آنرا با تمام رسانید چنانکه در مقدمه کتاب می‌نویسد «و حال التحریر که ۱۰۲۳ است یکسال و نیم شد که در آگره واقع و در تمام این نسخه سر به سر حد و جهد آمده در سعی تابع همما امکان تمصیر نمی نمایم» و همچنین در مقدمه این کتاب قطعه‌ای آورده است که بیست و سه آن تاریخ امام این کتاب (۱۰۲۴ هـ) را بطریق معنی میرساند

هر که تاریخ جویدس گویم بدو سال این نوی تمام شده

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب حصر بوضیح میدهند که در زمانی که وی عازم هندوستان بود در اوایل آن مسافرت یکی از بازاران حبابی و دوسان حاودانی وی

نام حیدر لفسی همدانی از وی التماس نمود که بطور یادگار برای او مجموعه‌ای از اشعار متقدم و متأخر سارد و سایر حواصس آن دو سب مؤلف هر چه اسعاری از شعرای مختلف در عرض سس سال مسافرت ارسیر از بنا گجرات، هندوستان جمع آوری نموده بود بصورت مجموعه‌ای نام «فردوس حیال اوحدی» (کدتم نام کناسب و هم ماده تاریخ تألیف آن) برتیب داد. سس در سال ۱۰۲۶ هـ که در دارالسلطنت آگره اقامت داشت «یکی از احلد اعیان رمان که «صدق اصداقا احب احبا» دوسنی صمیمی قدیمی» مؤلف بود از وی فرمایش کرد که کتاب «فردوس حیال» نثری بی‌انصام نبوده آرا بصورت بد کرده‌ای در آورد و ما برای مؤلف شرح حال «اکابر و اصداغرا از اساطین سلاطین و وزرا و شعرا و عرف و فصلا و علماء و علماء و طرهای قدیم و جدید هر کس که شعر سروده بود اگر از اشعار وی یک بیت هم بدست آمد در این بد کرده آورده و اسم آرا «عرفان و عرفات» عین و وعرضت و عرضات عارفین» گذاشت.

مؤلف اسم «ماحد کتاب رادرمهد» یا حاتمه کتاب بناورده است اما در دلیل شرح حال شعرا اسم کتابهای در بر آرد کن کرده است که از آنها در تألیف این کتاب استفاده نموده است.

۱- لب الالباب (لباب الالباب) عوفی - در شرح حنا اکثر شعرا ای متقدم از این کتاب استفاده کرده است.

۲- مجالس المعانی - در شرح حال اکثر شعرا ای متوسط از این کتاب استفاده کرده است.

۳- تدکرة النساء (رجوع شود به نام دختر قاصی سمرقندی)

۴- چهارمقاله سهرقندی (رجوع شود به نام ابی رحاء العربی و غیره)

۵- صفحات الالباب (رجوع شود به نام ابویزد سسطمی و غیره)

۶- سیرازنامه (رجوع به نام سیح ابو عبد الله شیرازی)

۷- تاریخ صفویه (رجوع شود به نام شاه اسماعیل و غیره)

۸- حبیب السیر (رجوع شود به نام معنائی و خواند میر و غیره)

- ۹- طبقات ناصری منهاج سراح (رحوع شود نام امیر جاوش)
- ۱۰- تا، کرة العارفين (رحوع شود به نام مولا با حواحه حان حوافی و غیره)
- ۱۱- تاریخ همایونی (رحوع شود به نام سامان و غیره)
- ۱۲- تاریخ ساهر حی (رحوع شود به نام ملک سمن الدین و غیره)
- ۱۳- (برهب القلوب) حمداله مسوقی (رحوع شود به نام کمال الدین اصفهانی)
- ۱۴- تاریخ بیعی (رحوع شود به نام محمود عربوی)
- ۱۵- نظام التواریح (رحوع شود به نام ملک شاه و غیره)
- ۱۶- مقالة الابرار (رحوع شود به نام نجم الدین محمود)
- این تذکره مستملک برد کر ۳۱۹۵ ساعراً^۱ ترتیب الفبا^۲ از روی حرف اول اسم یا تحلیص ساعرونا «اسادا بوالحسن رود کی» شروع شده با «میرزا یوسف حان» نام میشود و حاوی دگر سغرای معدوم و متوسط و متأخر میباشد که دگر سار را در بیست و هفت «عرصه» آورده است و هر «عرصه» مخصوص است برای یک حرف. هر «عرصه» مشتمل بر سه «عرفه» ترتیب برای دگر سغرای معدوم و متوسط و متأخر مؤلف به قول خود پس حتی المعذور اسعار صوفیانه و عاشقانه را از دو اوین سغرا اسباب نموده و در این تذکره است کرده است
- وی در مقدمه کتاب ادعا نموده است که در مورد هیچکس بعصب و جانبداری نکرده است و این قول مؤلف می بر حقیقت میباشد چنانکه مؤلف در سراسر کتاب از هیچکس انتقادی نکرده و هیچکس را مورد تصحیح و تسبیح قرار نداده است و از این حیث این تذکره دارای بعضی بزرگی است چون فاقد نقد و نظر صحیح مؤلف درباره شعرای مدکور میباشد و عرارت تعرف و توصیف حتی از سغرای درجه سوم و چهارم چیری ندارد و بنا بر این تعریف مؤلف را نمیتوان اعتنای گذاشت

۱- استوری تقریباً سه هزار ساعر (رک استوری ح ۱ ص ۸۱۰)

۲- اما گاهی در ترتیب اسامی اشتباه کرده است چنانکه مولا را ردی کاسی را بجای

عرصه «رأ» در عرصه «نون» و اسمعیل بن روح را بجای عرصه «الف» در عرصه «میم» آورده است

اشعار و شرح حال اکثر شعرائی متقدم و متوسط را معصل آورده است اما در ردیل نام شعرائی متاخر شرح حالشان را دو سه جمله و از آن در دو سه بیت نقل کرده است. از جمله ۳۱۹۵ شاعر مؤلف در ردیل نام ۱۳۶ شاعر اشعارشان را معصل اما شرح حالشان را مختصر آورده است مانند ابوالفرح رومی و ابوسعید ابوالخیر و غیره. همچنین در ردیل نام ۶۸ شاعر شرح حال آنها را معصل اما مابقی اشعارشان را مختصر آورده است مانند سلطان محمد حلایر و شاه اسمعیل صفوی. تنها در ردیل نام ۴۱۶ شاعر اشعار و شرح حالشان را معصل آورده است مانند ابونکر اردیقی الهروی و سیح امین الدین بلخانی و غیره.

اشعار و شرح حال بقیه شعرا را مختصر آورده است.

در ردیل نام شعرائی ردیل اشعارشان را از سایرین معصل تر نقل کرده است محمود شستری و مسیح کاشانی (هر کدام در ۵ ص) و فرحی (در ۵ ص) و بطامی گنجوی (در ۶ ص) و نظیری (در ۷ ص) و مسعودی سعد سلمان در (۷ ص) و تمی اوحدی (در ۸ ص).

رو بهمرفته اشعار خود را در همه معصل تر آورده است.

همچنین رو بهمرفته شرح حال خود را نیز در همه معصل تر (اول در ۶ ص در

مقدمه و سپس در ۱ ص تحت «بفی اوحدی») آورده است.

گاهی در ردیل نام بعضی شعرا جمله‌ای برای معرفی آنها آورده است اما اشعار

آنها را معصل نقل کرده است مانند قاصی عثمان قاصی و غیره.

گاهی در مورد بعضی شعرا از آنها خیلی تعریف و توصیف نموده است اما

شرح حال آنها را در یک دو جمله آورده و از آنها یک دو بیت نقل کرده است مثلاً رجوع

شود به نام اجتری ترسیری و ملا احمری یزدی.

بعضی کلمات و اصطلاحات مسلکی را که در اشعار شعرا مکارر شده است در موقع

نقل آن اشعار شرح داده است مثلاً رجوع سوخته نام فخرالدین عساکر کساح

در ردیل شرح حال اسحاق مد کوره ردیل آنازان را سه معصل ذکر نموده است.

شیخ ابوعلی سینا و تقی اوحدی (مؤلف) و حامی

گاهی در ردیل شرح حال سعرا بعضی حکایات حالی را نقل کرده است مثلاً

رجوع سود به سمائی و فردوسی و لسانی

در ردیل نام رفیع الدین مرزبان العارسی شرح حال او را اصلاً نوسته و نم در شرح

مطرا او تعریف و تمجید بیخود کرده است که منظور از آن غیر از عبار برداری

خیر دیگر، نظر نمی آید چون بی آن شرح سطر هیچ اطلاعی در بار زندگی شاعر نداده

همچنین در ردیل نام سیح الاویا سیح مختار الدین صفی بن محمود شرح حال او را

اصلاً نوسته و تنها اشعار او را (در - مص) نقل کرده است

در ردیل شرح حال اکثر سعرا مؤلف بطور اعراف آمیزی از آنها بوی و توصیف

کرده است اما مقصود مؤلف از آن حرعبار آرائی خیر دیگر نبوده چون از این عبارات

طویل هیچ مطلبی بدست نخواهد بیامد (مثلاً رجوع سود به نام اهلی حرامانی و

اهلی سراری)

در ردیل شرح حال اکثر سعرا مؤلف سال ولادت و وفات و وقایع مهم دیگر

از زندگی آنها را نقل نکرده است

۵. حسین در دل نام بعضی از سعرا بوی و توصیف آنها را در حدیثی حملدمعاف

بطور اعراف آمیزی آورده اما با وجود آن هیچ اطلاعی در باره زندگی آنها در سراسر

شرح حال بهم نرسایده است (۲. الراجوع سود به نام ابوسعید صالح بن محمد الهروی و

ابوسعید سعادت بن سعید سلمان)

سک. مؤلف در این کتاب عالماً صنوع و بر تکلم است و حتی در نوشتن شرح صنوع

مؤلف سعی بلیغ نموده است و به خصوصاً در موقیع بوی و توصیف از سعرا عالماً نشر

جمع نگار کرده است

عالماً نقل از اسم و بخلص ساعر القاب توصیفی آورده است که آخر آن عالماً ناام

و بخلص ساعر هم فایده نییاست مانند

«استاد الشعرا امیر الملعا امیر العصحا عجوقة العصر حکیم المعروف المکوف ابو عبدالله الرودکی» یا «السید السند الفاضل الکامل مرشد الدهر معنی عمدة الرمان ربدة الدوران صورت مرایای حلی و حقی سمس الداعی السغی» یا «شاه سریر بی نیاری داعی کلمات حقیعی و محاری آفتاب عالم سرافرازی شاه داعی اله شیرازی»
گاهی این القاب توصیفی را حیلی معصل آورده اسب (مثلا رجوع شود ه نام شیخ ابوالحسن خرقانی و میرناقر داماد و فردوسی).

گاهی بمناسبت اسم یا تحلیص شاعر در موقع نقل القاب توصیفی حناس میاورد
مانند

«عواصم محیط احتصاص ابو محمد عواصم» یا «اشرف سرفای معانی گلبن گلستان سخندان حکیم اشرف گلستانی»

از لحاظ جامعیت و تفصیل مطالب تارمان تألیف عرفات هیچ تدکره ای نمیتواند با آن کتاب برابری کند و اگر اعراب آرائی بیمعی و تعریف و توصیف بی خود از شعرا صر فطر کنیم این تدکره تارمان خود جامع ترین و بهترین تدکره فارسی بوده و حتی میتوان آنرا حرو و بهترین تدکره های فارسی محسوب داشت
آزرو در «مجمع العایس» در ناره تدکره «عرفات العاشقین» میسوسد «کتابی ناین جامعیت دیده شده»

اما واله در «ریاض الشعرا» راجع به تقی اوحدی مؤلف عرفات حسین اظهار نظر کرده است .

«تدکره مسمی عرفات که مر حرفاب سیار در آن درج کرده تألیف نموده مستمل بر هشتاد هر اربیت و سار از آن تدکره دیگر انتخاب کرده است مسمی نکهبه عرفان که اگر بطر نکهته سحان دققدیاب برسد مایه مولف را از آن در مییابد» ولی حال این اسب که واله در تألیت ریاض الشعرا تدکره عرفات را اساس خود قرار داده و مطالب را از آن کتاب نقل کرده اسب اما اکثر سعی نموده اسب بر قول تعی اوحدی انتقاد

نماید و گاهی بی علت بروی تاخته است. حتی اسم عرفات را در مقدمه کتاب حر و ما آخذ خودد کر کرده است در صورتیکه در تألیف تذکره خود از هیچ کتاب دیگر باندازه تذکره عرفات استفاده نموده است و این امر شاهد تعصب و بی عدالتی و اله می باشد

نسخ خطی

ناگفته نماند که نسخ کامل این تذکره بسیار نادر بوده است. آزاد در «حرايه عامره» (ص ۷) مینویسد که وی نسخه ای از این کتاب دیده بود که تنها از حرف «ص» تا حرف «ی» داشته اما در موقع تألیف حرايه عامره هیچ نسخه ای از این کتاب در دست او نبود

آرزو هم همین گله داشت که نسخه با تمامی از این کتاب داشت و نسخه کتابخانه ایوان هند شرقی^۱ که بلائید در دست داشت نیز تا بهر ششم در حرف «ق» بود و بقیه کتاب از آن نسخه افاده بود

سخی که امروز در کتابخانه ها از این کتاب محفوظ است بقرار زیر است

۱ - کتابخانه ملك ش فیش ۵۳۲۴ مورخ قرن ۱۱ هـ

۲ - آصعیه ح ۳ ص ۱۶۴ ش ۲۰۹

۳ - اندیا آفس ش ۳۶۵۴^۲ (= لندزیا نا ص ۲۲۳ ش ۳۱۳ مورخ تقریباً

۱۷۶۰ م / ۱۱۷۴ هـ)

۴ - بانکى پور ح ۸ ش ۶ - ۶۸۵ (این نسخه ظاهرآ کاملست غیر از اینکه عرفه

دوم و سوم در عرصه «ح» مشتمل بر ۱۳۸ شاعر را ندارد) مورخ ۱۰۵۰ هـ

خلاصه عرفات

۱ - کعبه عرفانه مؤلف در ۱۰۳۶ هـ خلاصه ای از کتاب عرفات بنام «کعبه

East India House Library - ۱

۲ - این نسخه در فهرست آته ذکر شده است ر ك استوری ح ۱ ص xvi

عرفان» در احمد آباد گجرات ترتیب داد که هر حرف آن مشتملست بر سه قسمت بعنوان
حنایی و ممانی و دیانی بر ترتیب سراج به شعرای متقدم و متوسط و متاخر و مجموعاً قریب
به هشتاد هزار بیت دارد

۲ - انتخاب کعبه عرفان - خلاصه کعبه عرفانست که مؤلف بفرمایش حبانگیر
ساز در سه «رکن» مشتمل بر شعرای متقدم و متوسط و متاخر ترتیب داده است .

۳ - گلدسته - عبدالوهاب عالمگیر بن سید منصور خان در ۱۱۵۵ هـ تذکره‌ای
سام گلدسته ترتیب داد که اکثر اشعار را از انتخاب «کعبه عرفان» انتخاب و نقل کرده
است (رجوع شود به بحث درباره «گلدسته» در این کتاب)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به عرفات العاشقین^۱ و محرن العرایب و
فهرست نانکی پور و استوری ح ۱ ص ۸۱۱ و ریاض الشعرا و تذکره طاهر نصر آبادی و
مجمع البعایس و بلا بد در مجله انجمن همایونی آسیائی ح ۹ ص ۶-۱۳۴ و اشیر نگر ص ۹۵
و گلدسته

فهرست اسامی شعرا در هیچ کتاب یا فهرست کتابخانه نیامده است

تذکره خرابات

ابتدا : (سخه کتابخانه به ملک تهران که تنها نسخه این کتاب است با «تمه
غرلیات حامی» شروع میشود)

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف در این کتاب ذکر شده است و شرح حال خود را نیز در این کتاب
بیاورده است اما اطلاعات ریز درباره آن از محتویات کتاب بهم میرسد :

۱ - مؤلف با حان احمد میرزا حاکم گیلان فوق العاده از ادت داشته و شرح حال
اورا خیلی مفصل و دقیق نوشته است و طاهر اوی از حوان نعمت حان مرپور پر خوردار
زده است

۱ - شرح حال مؤلف در عرفات العاشقین مفصلتر از سایر کتب آمده

۲ - مؤلف در کودکی در هرات بوده و آنجا با خواجه حسین ثنائی ملاقات کرده است (رجوع شود به شرح حال خواجه حسین ثنائی)

۳ - مؤلف باشعرای ریر ملاقات کرده است :

(۱) خواجه حسین ثنائی چنانکه در ذیل نام او مینویسد :

« فقیر حقیر راقم این مجموعه موسوم به حرا بات در هرات در کودکی در خدمت ایشان مشرف شدم »

(۲) رضا کاشی چنانکه در ذیل نام مینویسد

« در ایام نواب مرحوم علیقلی خان شاملو ارکاشان بهرات آمد و بنده در آن ایام در خدمت او رسیدم و در تاریخ ۹۹۵ هـ در قتل عام هرات بدست عسا کر عبداللہ اربک شهید شد »

(۳) میررضای مشهدی چنانکه در ذیل شرح حال او مینویسد :

« در شهور سنه ۹۹۰ در دربار السلطنه در خدمت او رسیدم »

(۴) شاه روحی همدانی چنانکه در ذیل شرح حال او مینویسد :

« در خدمت او رسیدم فی شهور سنه ۹۹۶ هـ . »

۴ - چنانکه در ذیل نام رضا کاشی در سطور فوق گذشت مؤلف در ایام نواب

علیقلی خان شاملو در هرات بوده اما معلوم نیست در ۹۹۵ هـ در ایام قتل عام هرات هم در آنجا بوده است یا خیر ؟

۵ - در شرح حال مولانا تاجری و باقر حورده کاشی و میر تشیبی اصفهانی و

ایسی شاملو و میر ابوالقاسم معلوم میشود که از سال ۱۰۱۰ هـ تا ۱۰۲۵ هـ در هند بوده است .

۶ - در محرم ۱۰۱۹ هـ در رها پور هند بود (رجوع شود به شرح حال ایسی

شاملو) .

۷ - در ذیل نام میر ابوالقاسم « نواب حسین خان میرزا » را ولی نعمت خود نوشته

تبصره بر این کتاب

مؤلف تألیف این تذکره را در ۱۰۱۰ هـ شروع کرده و در ۱۰۲۵ هـ هنوز مشغول تألیف این تذکره بوده است چنانکه در ردیل نام مولانا تاجری میویسد «الحال که تاریخ ۱۰۱۰ هـ است در هند است». همچنین در ردیل نام باقر حردیه کاشی و تشبیبی اصفهانی و امیر المعالی کاشی و ابیسی شاملو و مولانا اصح کرمانی و میر ابوالنقای نقائی ترتیب سالهای ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵ و ۱۰۱۸ و ۱۰۱۹ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۵ هـ را سالهای جاری نوشته است.

مؤلف در مآخذ خود تنها اسم مجالس النقایس را ذکر کرده است (رجوع شود به نام درویش دهکی)

این کتاب که با تمام ما بده است با «حامی» (تمه غریبات) شروع شده با «مولانا ربانی» تمام میشود و مشتملست بر ذکر درویش و بودویک (۲۹۱) شاعر متأخر و ترتیب اسامی شعرا عالیاً الصائی است و مؤلف خواسته است این تذکره (با تمام) را ترتیب الصائی بویسد چنانکه بعد از اشعار حامی که در ابتدای کتاب آمده است غالباً ترتیب اسامی شعرا الصائی است

در ردیل ۱۲۹ شاعر تنها یک دو بیت از ایشان نقل کرده و در اکثر موارد تنها یک بیت از آنها اکتفا کرده و هیچ شرح حالی از آنها نیاورده است مثلاً (رجوع شود به زینتی حنابدی و زینتی مشهدی).

همچنین شرح حال اکثر شعرا را در نیم سطر یا یک سطر آورده است .
شرح حال شعرای زیر را مفصل تر از سایرین آورده است .

خواججه حسین ثنائی (در یک ص) نواب خان احمد میرزا (در ۲ ص) و جامی (در ۳ ص)
همچنین اشعار شعرای زیر را مفصل تر از همه آورده است نواب احمد خان میرزا
و مولانا حیرتی (هر کدام در ۲ ص) و میرزا جعفر خان مشهور به آصف خان و مولانا
هلالی (هر کدام در ۲ ص) و امیر المعالی و رامینی رازی (در ۳ ص) و جامی (۱۶ + ۵ ص)
حیدر تیلوه (۷ ص) و حضری خواساری (۱۶ ص) و ابیسی شاملو (۱۸ ص) و خواججه

حسین ثنائی (ص ۴۵).

مخصوصاً درذیل نام حواجه حسین ثنائی انتخاب مفصلی ارقصاید و عرفیات و مقطعات و رباعیات و مشوی و آورده است و رویهمرفته اشعار او را مفصل تر از سایرین نقل کرده است.

درذیل نام مولانا حامی و مولانا جلال الدین دوانی اسم آثارشان را مفصل نقل کرده است.

مؤلف میگوید که شعرای ریز در موقع تألیف این کتاب در قید حیات نبودند. نواب خان احمد میرزا (حاکم گیلان) و امیران و المعالی کاشی و میران و الحسن تفرشی مشهور به راهانی و ابونراب بیگ کاشی و مولانا امینی و مولانا پروی ساوچی و محمد حسین نغائی و میران و النعمای نغائی و تاجعی حواساری و داعی حراسانی و نواب رستم میرزا و رازی و رامینی

گاهی در ضمن شرح حال شعرا حکایات حالی را نقل کرده است (مثلاً رجوع شونده شرح حال امیر حاج انسی)

سک اشای مؤلف غالباً ساده است اما گاهی شرمصوع و وحی شرمسجع هم نوشته است. مخصوصاً درذیل شرح حال اهلی شیرازی و اهلی ترسیری بنشر مسجع پرداخته است.

گاهی جمله ای مصوع بمعنی «فوت کرد» آورده است چنانکه

درذیل نام اهلی حراسانی منویسد «آنجا رحب رند گانی بحانه حاودانی

کشید»

درذیل حواجه (میرزا) حلال اسیر میویسد «مستوفی قصا و اوراق حیات او را

باطل ساخت»

رویهمرفته این تذکره درباره شعرای معاصر مؤلف بعضی اطلاعات مفیدی را

بهم میرساند و حاوی ذکر بعضی شعرای اوایل قرن یازدهم میباشد که در تذکره های دیگر اصلاً کبری از آنها برفته است و چون مؤلف نا کثر آنان معاصر بوده و بنا بعضی

ارآنان ملاقات کرده است بنابراین بیان او درباره آنها قابل اعتبار و اعتماد میباشد.

نسخه خطی

نسخه منحصر بفرد این تذکره که قسمتی از آن حتماً بحضرت مؤلف است در کتابخانه ملک تهران موجود است و مؤلف هنوز آن را با تمام رسانده است و ظاهراً هیچوقت فرصت این کار را نداشته و این نسخه را همینطور با تمام گذاشته است در ردیل نام بعضی از شعرا حای حالی برای نوشتن اشعار گذاشته است (مثلاً رجوع شود به م اهلی شیرازی و شیخ بهاء الدین محمد) و همچنین حای حالی برای شرح حای شعرا گذاشته است (مثلاً رجوع کنید به نام اسیری ترتی و حیدر تیلوه). گاهی مطالب را اصلاح نموده و بعضی را باطل کرده است چنانکه در ردیل نام «بهاری قمی» اشعار او را خط کشیده و یاد در ردیل نام نواب رستم میرزا می نویسد. «چون آن حضرت فدوی تحلیص کرده اند اشعارشان در ردیف «فا» طرح باید کرد»

این نسخه بعضی اصفاهائی بحضرت دو نفر دیگر برسد که یکی از آنها «محمد طیب» است چنانکه وی گاهی باین اسم امضاء کرده است

تذکر

اسم این تذکره در هیچ کتاب دیگری نشده و حتی استوری هم از وجود آن بی خبر بوده است

میخانه (عشاق)

ابتدا

کسی کوشود مسب ارحام دوست ترا و در هر موی او نام دوست .
 اراو خوش در حرم میخانه ها و روشور در معر دیوانه ها
 ادای حمد از زبان دل مرستان شراب جام اری وود کر سائی از صمیم قلب شیر گیران
 باده وحدت لم یرلی سرا و ارمالک الملکی است که سرا برده عظمتش بر تر از ساحت
 موفور المساحه کون و مکاست»

شرح حال مؤلف

مؤلف این کتاب در پایان «مرتبہ دوم» میخانه احوال زندگی خود را به تفصیل بیان کرده است و همچنین در موارد دیگر نیز در این کتاب راجع به خودش اشاره‌هایی نموده است. با استفاده از اقوال مؤلف شرح حال او در بلا درج می‌گردد.

اسم و لقب مؤلف عبدالنسی خان فخرالرمانی و تحلیص وی عربتی و نسی است. اسم پدرش حلف پیگ است که هیچ‌وقت شعر نگفته و مردی درویش نهاد و صوفی مسرب بود و اوقات خود را در قزوین بجا می‌گذراند اما بعد از ادای حج چون بوطن مراجعت کرد دیگر تارک دنیا شده و درویشی اختیار کرد و بقیه عمر خود را در ویستی و خدا پرستی گذراند تا در اوایل سال ۱۰۰۱ هـ در قزوین طبق بیستگونی خودش بمرص طاعون در گذشت.

حد مؤلف فخرالرمانی نام داشت و بهمان نسبت مؤلف خود را فخرالرمانی می‌گوید. فخرالرمانی مرور در فصیلت و مورویب سرآمد و روزگار خود بود و به صب قسای قزوین را داشت. نسب وی بحواحه عبدالله انصاری (متوفی در هرات ۸۸۰ سن ۸۴ سالگی^۱) میرسد.

عبدالنسی سال ۹۹۸ هـ^۲ در قزوین حسم بحها گشود و همانجا سر رشد و تمیر رسید از اوایل عمر دوق و سوق شعر گوئی داشت و اکثر اوقات خود را در صحبت شعرا می‌گذراند و در آرمای عربی تحلیص می‌کرد. مانند شعروی بداستان سرائی هم علاقه فراوانی داشت و حافظه او بقدری قوی بود که قصه امیر حمزه را یک بار شنید و حفظ کرد و اگر در محلی کسی صدیبت پیش او می‌خواند قریب به هفتاد حمان حفظ او میشد که بخانه آمده همه را یاد داشت می‌کرد.

۱- ر ک مرادات هرات ص ۵۰

۲- چنانکه در سطور آینده می‌آید مؤلف در مورد سالگی بمشهور رفت و آنجا یکماه

توقف نموده و در ۱۰۱۷ هـ ارداه قندهار به لاهور رسید تا برای تسولد وی در ۹۹۸ هـ اتفاق

در نوبده سالگی عمر زیارت امام رضا (ع) بمشهد مقدس رهنه توقریب بیلماه
در آشهر اقامه داشت در زمان اقامت وی در مشهد بعضی از تجار و کسایکه به هندوستان
رفت و آمد داشتند پیش او چندان تعریف هندوستان کردند که اشتیاق فراوان برای
مسافرت بآن سرزمین در قلب او ایجاد گردید و تقریباً سه سال بعد از حلوس جهانگیر ساه
مؤلف در آخر سال ۱۰۱۸ هـ بیمار و برار از راه قندهار بپلاهور رسید^۱ و چهار ماه در آن
شهر توقف نمود تا حسنگی سفر کلکی رفع شد و سپس در سال ۱۰۱۸ هـ بدار الخلافه
آگره رسید^۲

چون ناگره رسید خود را بخدمت یکی از خویشاوندان خود میرزا نظامی
قروینی رسانید که در آن ایام بواقعه نویسی در گاه جهانگیری استعمال داشت^۳. میرزا
مزبور بشیدن فیه امیر حمزه خیلی علاقه داشت و بنا بر این مؤلف بسبب تمرین و
ممارست در اندک مدت در فن داستان سرائی کمال مهارت را بدست آورد. اما در این
ایام بعلت اسعال بقصه گوئی نتوانست بگفتن شعر پردازد

در سال ۱۰۲۲ هـ خون موک و لشکر جهانگیر شاه بحاکم حمیر حرکت کرد
مؤلف بیره همراه میرزا نظامی عازم آسپرت شد و آنجا اتفاقاً بیکى از هموطنان خود نام
مسیح بیگ بر خورد کرد وی در خدمت زمانه بیگ مهاجران بوده و میبایست خان
اورامدارالمهام پسر خود میرزا امان الله خان معرر کرده بود زوری مسیح بیگ عبدالسی
را بخدمت میرزا امان الله مر نور برد و چون حسب الامر وی عبدالسی فصلی از داستان
(امیر حمزه) بیان کرد میرزا چنان مشغول شد که نگذاشت وی بممرل بر گردد بلکه
بجمعی از عربان که معتمدان خاص او بودند اورا سپرد و تا پانزده روزوی در نظر آن

۱- ر.ک میخانه ص ۲۶۱ س ۱۱ - ۲- ایضا ص ۱۲

۳- او در موقع تألیف میخانه (۱۰۲۸ هـ) دیوان صوبه (استان) بهار بود باید توجه
داشت که او غیر از نظام الدین احمد مؤلف طبقات اکبری است اما حوض حال چند در تاریخ
محمد شاهی معروف به نادرالزمانی عبدالسی دارقربای این نظام الدین احیرالدکر نوشته
است که اشتباه است

ماند اما روز شانزدهم اتفاقاً خان مرپور با اتفاق دو نفر از

ومسیح بیک بتصریحی ذکر عبدالسی را بمیان آورد و خان مرپور مؤلف را خود خواند. اتفاقاً خان مرپور که پشعر علاقه فراوان داشت مصرع زیر گفت

نون چشمها نور نیست جایی بحصور
عبدالنبی بداهه مصرع دیگر آن گفت
وجش فوجیست گوئی ارغمره حور

چون این مصرع مورد پسند خان واقع شد با احاره اود و مصرع دیگر دیل را
بتهار آن رباعی ساخت:

گل خورشید جهان آرا شد هر خار که دست از لب چشمه نور

خان مرپور باشیدن این رباعی حنان خوشوقت شد که مصرعی ارامیر حسرو
ده پیشهاد کرد که مصاحبین غرلی بر آن مصرع سارند و حور مؤلف روز
غرلی راپیش خان حواد مورد تشویق و تقدیر خان واقع شد و دیگری
که خان مرپور عبدالسی را بکتابداری سرکار خود مقرر نمود.

آن به بعد مؤلف هم فرصت خوبی برای مطالعه کتب بدست آورد و ضمن مطالعه
حور از مصنفات و مؤلفات متعددین و مساحرین اعم از شرو و نظم انتخاب مینمود
ایام بخاطر او گذشت که دوسه تألیف به شرو و نظم ترتیب دهد تا در صفحه
ر او یادگار نماید و سایر این طرحی برای تألیف سه کتاب بنام دستور
نوادر الحکایات یا بحر النوادر و میخانه ریخت و بحسب تألیف میخانه
گردید.

نور تألیف این کتاب پایان برسیده بود که مؤلف « بیواسطه خط بهسانی و
ت مساس جسمانی » گرفتار مرض باد مغز^۲ شد و ارتقار رسوائی و بدنامی و

— برای شرح بیشتر این کتابها رجوع شونده آثار مؤلف در بطور آینه

— حوشی بعایت سوران و دردناک ورنك آن برردی مایل و صاحب این مرض بیشتر
احرارت و تب میباشد و علاج آنرا بچیرهای سرد میباشد کرد (فرهنگ آندراج)

قهر و عصبانیت حان بتوسط ارکان دولتش از وی احاره مراحت بولایت (ایران) گرفت و فوراً کتابهای ناتمام را همراه خود برداشته در لاس و قرا را حمیر بر آمدوار راه باربول روانه لاهور شد این واقعه در اواسط ۱۰۲۴ هـ اتفاق افتاد مؤلف در راه بایکی از رفقای خود (بنام محمود بیگ ترکمان) ^۱ برخورد و موصیبه وی لاس درویشی را در آورده با اتفاق او عازم شهر مدکور گردید

چون در سال ۱۰۲۵ هـ لاهور رسید و با در آن شهر شایع بود و لذا از ترس آن بلافاصله روانه کسمیر شد و قریب بدو سال در آن سرزمین در خدمت میرزا نظام الدین احمد (نظامی قروینی) که دیوان و نحتی آن ولایت بود بسر برد و کتاب «دستور الفصحاء» را آنجا با تمام رسانید

در اوایل سال ۱۰۲۶ هـ حسب الطلب در گاه پادشاهی میرزای مرپور «ماندو» رفت و مؤلف نیز همراه او رفت؛ قریب بیست ماه در آن شهر اقامت نمود و چون میرزا بدیوانی صوبه (استان) بهار منصوب شد عبدالسی نیز همراه او به بهار رفت و در سال ۱۰۲۷ هـ به سمرقند برگردان آن استان رسیده ^۲ ظاهراً چندی نزد میرزای مرپور اقامت داشت

در زمان اقامت در سمرقند در سال ۱۰۲۸ هـ نزد سردار حان حواجه یادگار ^۳ برادر عبدالله خان فیروز جنگ تقریباً یافت و حان موصوف به عبدالسی آنقدر احسان کرد که او میخانه را بام وی موشح ساخت و ساقی نامه خود را هم در پتبه بنام حان مرپور با تمام رسانید در این ساقی نامه وی بیی تحلیص کرده است

عبدالسی در ۱۰۲۹ هـ در پتبه بود که حابهوی آتش گرفت و معذاری مسودات او طعمه حریق شد ^۴. در همان سال وی با گروه هم رفت چنانکه از کتاب نوادر الحکایات

۱- برای ترجمه حال او رک میخانه مرتبه سوم ص ۶-۸۸۳

۲- رک میخانه ص ۹۱۸ ص ۴

۳- برای ذکر او رک تورکها نگیری ص ۱۱۷ ص ۵ و ص ۲۷۳ ص ۱۷

۴- رک میخانه ص ۴۳۰ ص ۲۰ و ص ۱۸۶ ص ۲

معلوم است . بعد از آن در حال وی اطلاعی از هیچ مأخذی در دست نیست بجز اینکه او در ۱۰۴۱ هـ هنوز زنده بود و در همان سال دیباچه نوادر الحکایات را نوشته است . مؤلف در ساقی نامه خود آرزوی بازگشت بایران را با جوش و خروش بیان کرده است اما معلوم نیست که این آرزوی او تحقق یافت یا خیر . تاریخ وفات مؤلف بجز از هیچ مأخذی بدست نیامد

مؤلف راجع به مذهب خویش بالصراحت کبری نکرده است اما با احتمال قوی وی مذهب شیعه امامیه داشت و رفتن بر یارت مشهد معتمد در عنوان شایع و جمع آوری اشعار ساقی نامه ها در مدح ساقی کوب حضرت علی و امام رضا علیهما السلام و بسیاری از قصص شعرا که از حضرت علی استمداد کرده بودند و در میخانه ذکر شده است این گمان بر تشیع او را تأیید میکند همچنین در ساقی نامه حضرت علی و امام رضا را بطریق شیعیان مدح نموده و از آنها استمداد کرده و اصلاً کبری و اسمی از حلفای ثلاثه را در سراسر کتاب نیاورده است اما وی بظاهر تعصب مذهبی نداشته

آثار مؤلف

مؤلف در دیل بر حمله حال خودس متذکر شده است که علاوه بر داستان سرائی از آثار دوق و شوق شعر داشت وی در «میخانه» ساقی نامه دو بیت شعری درج کرده و در همین کتاب بطور پراکنده بیست و یک بیت و پنج شعر از خود نقل کرده است و علاوه بر این او میگوید که تا سال ۱۰۲۸ هـ غیر از ساقی نامه هزار و سیصد بیت شعر ساخته است اما بحر اسعاری که در میخانه محفوظ مانده در جای دیگر شعری از او دیده نشده است.

من حیث المجموع وی ساعر معمولی و صافگوی است و اسم او و تألیفاتش عموماً در معرض حقا مانده و معلوم نیست که وی دیوانی هم ترتیب داده بود یا خیر قسمت مهم دوره تألیف عبدالسی از زمان کتابداری میرزا امان الله خان شروع

۱- رک فهرست ریوس ۱۰۰۴

۲- رک میخانه ص ۷۷۱ س ۱۰

میشود چون در آن ایام وی فرصت حویلی برای مطالعه کتب بدست آورده و این موقعیت حیلی استعاده کرده است. دیری نگذشت که وی باین بکته پی برد که تنها شعروسیله شهرت او نمیشود و فقط ممکنست «اخبار ارباب دولت» و «ادکار اصحاب طبیعت» و کلام آنها ذریعه شهرت او شود و بنا بر این دوق و شوق تألیف و تصنیف در وی ایجاد شد و چنانکه در سطور فوق گذشت در زمان کتابداری وی طرح تألیف سه کتاب بدیل را ریخته غیر از این سه کتاب اثر دیگری در دست نیست.

۱- **دستور الفصحا** - در فن داستان گوئی و مؤلف دستور العملی برای داستان خوانان درست کرده است. مؤلف تاریخ تمام این کتاب را «دستور با بحام رسیده» ذکر کرده است^۱ که از آن ۱۰۴۱ استخراج میشود اما از قرینه عبارت معلوم میشود که این کتاب در ۱۰۲۵ یا ۱۰۲۶ هـ پایان سیده اسوعی علاوه بر این در فاصله ۱۰۲۹ تا ۱۰۲۱ هـ هیچ واقعه‌ای در میخانه ذکر نشده و در نسخه که ما در امپور که در ۱۰۳۹ هـ استنساخ گردیده این عبارت همیطور درج است و سایر این نظائر این ماده تاریخ تمام کتاب درست نیست. نسخه‌ای از این کتاب امروز با ما مانده است.

۲- **نوادر الحکایات** یا **بحر النوادر**^۲ - در این کتاب مولف «حکایات شیرین و نقلهای رنگین» جمع کرده است و نظائر در ۱۰۴۱ هـ تکمیل رسیده است (چون مؤلف دیباچه این کتاب را سال ۱۰۴۱ هـ نوشته است).

۳- **ساقی نامه** - مؤلف این ساقی نامه را نام سردار خان که ذکرش در سطور فوق گذشت سروده است. قریب به دو بیست بیت از آن در میخانه آمده است و معلوم نیست که آن ساقی نامه اشعار بیشتری هم داشته یا خیر.

۴- **قصاید و غزلیات و اشعار متفرقه** - ظاهر آمواف هیچوقت بترتیب دیوان خود نپرداخته و چنانکه در سطور فوق مذکور شد غیر از بیست یا بیست و پنج بیت شعر

۱- ر ك میخانه ص ۷۷۰ ص ۱۱

۲- این کتاب اصلا در پنج جلد موده اما امروز تنها يك جلد از آن در موره مریتا یا

موجود است (ر ك دیو ص ۱۰۰۴ ب).

که در میخانه آمده است اشعار دیگر وی در هیچ کتاب دیگر نیامده است .

۵ - میخانه - تذکره مورد بحث .

تبصره بر کتاب

مؤلف در ناره سب تألیف کتاب در مقدمه چسب شرح میدهد «این ضعیف در دارالاماره هندوستان بحاطر رسانیدن که تألیفی چند از سخنان اکابر بر سیل یادگار ترتیب داده بر صفحه رورگار بگذارد اول زای بر آن قرار گرفت که سافی نامه های معدومین و متأخرین آنچه بدست آید تمام جمع کرده با احوال حیرمآل فائلاں آن اشعار بر بیاض برده نام آنرا «میخانه» قرار ده»

طبق توضیح مؤلف بحسین کاراو تألیف و تکمیل کتاب «میخانه» بوده است^۱ «چون طبع هنرمندان این جزو زمانه سافی نامه راغب بر دید»^۲ و نام این عالماً در ۱۰۲۱ یا ۱۰۲۴ در رمایکه وی در احمر معیم بود نتألیف این کتاب مرداحت^۳ در منبت بکماه او بر مرده سافی نامه با شرح حال گویندگان آنرا ترتیب داد در همین اثناء وی دچار بیماری خطرناکی شد و محو رسد بکسمیر برود و طاهرأ در کشمیر بر برای جمع آوری مواد لازم برای این کتاب دست و پامیگرد و چون در ۱۰۲۸ هـ به پتنه رفت ناموادی که در عرص پنج سال فراهم آورده بود کتابی ترتیب داد و در همان حال این کتابرا مکمل کرد چنانکه قطعه ای که در حاتم کتاب در تاریخ اتمام کتاب آورده است معلوم میشود بیب اول و آخر آن بهر اریز است

در جهان از جمع سافی نامه

عمل آورد اریب تاریخ آن

ساحم میخانه رندانه بی

باده در میخانه رندانه بی

۱۲ + ۱۰۱۶ (= ۱۰۲۸ هـ)

امادر ۱۰۲۹ هـ مؤلف دوساقتی نام دیگر از مرملکی و عفور (از احرا الذکر

۱- ر ك میخانه - مقدمه ص ۲۰

۲- ر ك میخانه شرح حال مؤلف ص ۲۶۹ ص ۱۰

۳- ایضاً ص ۱۲

ترجیع بندی) ^۱ اضافه کرد و بظاهر در مقامات دیگر نیز تبدیل و تعییری داده است. از ملاحظه نسخ خطی متعلق بکتابخانه آقای بیات و ملک تهران و مقابله آن بامیخانه چاپ لاهور معلوم میشود که مؤلف بعد از ۱۰۲۸ هـ که سال ختم کتاب است تجدید نظری در تألیف خود کرده و تعییراتی در آن داده است. در این تجدید نظر که تاریخ آن معلوم نیست مؤلف هیجده ترجمه دیگر بکتاب افزوده و بعضی از ساقی نامه‌ها را که در وهله اول بتخلیص و اختصار آورده بود بطور کامل ثبت کرده و همچنین بعضی از ساقی نامه‌ها را که بعلمت سوختن خانه وی در پشته از بین رفته بود بعداً بدست آورده و بالتمام درج کرده است.

مؤلف در میخانه بآحد خود حاجا اشاره کرده است اگر چه در همه جا در این مورد تصریح نشده است اما در اکثر موارد اسم مآحد و منابع خود را ذکر نموده است که قرار زیر میباشد

۱ - مخزن اخبار تألیف میر مختار ^۲

۲ - تذکره دولت‌شاه (رجوع شود به ترجمه نظامی ص ۱۴۴).

۳ - جواهر الاسرار آذری (رجوع شود به ترجمه حال خسرو دهلوی ص ۶۲)

۴ - بهارستان جامی (رجوع شود به ترجمه حال نظامی ص ۹۴ و خسرو ص ۶۹)

۵ - نفحات الانس جامی (رجوع شود به ترجمه حال نظامی ص ۱۴).

همچنین از توافق بعضی عبارات معلوم میشود که مؤلف میخانه از کتب دیل نیز استفاده کرده است

۶ - تحفه سامی تألیف مام میرزا

۷ - نفایس المآثر تألیف علاء الدوله قزوینی.

۸ - دیباچه دیوان عراقی (رجوع شود به ترجمه حال عراقی ص ۲۹ س ۹)

(۱) دیک میخانه ص ۶۸۷ س ۱۴.

(۲) در بیان حالات شراثیکه پیش از عهد اکبری بودند در نه مقام از این کتاب استفاده

کرده است مثلاً دیک نظامی ص ۱۲ و خسرو ص ۶۲ و ۶۳

۹- دیباچه‌عزّة الکمال (رجوع شود به ترجمه حال حسرو ص ۶۱ س ۱۰)
 ۱۰- دیباچه دیوان حسین ثنائی (رجوع شود به شرح حال ثنائی ص ۱۹۹ س ۲۰)
 ۱۱- دیباچه دیوان فیضی (رجوع شود به شرح حال فیضی ص ۲۴۷ س ۹)
 گاهی از کلام شعرا با حوال آبان و معاصرانشان پی برده‌اسم مثلاً رجوع سوده
 ترجمه حال اقدسی ص ۲۲۷ و میرزا عاری ص ۲۹۰ و صحیفه ص ۳۱۶ و غیره
 مؤلف بعضی حالات شعرای دیل را از خودشان تحقیق و در میخانه مندرج
 کرده‌اسم

۱- شکیبی (ص ۳۰۳ س ۳) ۲- مسمد صوفی (ص ۴۷۶ س ۱۷)

۳- شامور زاری (ص ۵۲۹ س ۱۲) ۴- عارف ایگی (ص ۶۲۹ س ۱۹)

۵- وصلی (۶۶۹ س ۴) ۶- کامل جهرمی (ص ۷۰۵ س ۳)

۷- عسکری کاشانی (ص ۷۲۰ س ۱۴)

محدین بظاهر حالان حکیم زکاو مرشد بر و جردی و طالب آملی و ملکی و
 فروبی زاوخی و احوال اکثر یا تمام شعرای مرتبه سوم را از خودشان گرفته‌اسم چون
 تقریباً ناهمه آبان ملاقات کرده‌اسم
 احوال شعرای دیل را از بردگان و دوستان و ساگردان و حادمان ایشان
 تحقیق کرده و نوشته‌اسم

۱- وحشی ۲- عرفی ۳- غیاثی ۴- سحر ۵- ملک قمی

۶- فرفتی ۷- معصوم ۸- صوفی ۹- قصیحی ۱۰- دوسنی سمرقندی

۱۱- عروزی

اس تدکره که مؤلف آنرا «حاصل عمر» خود میداد و میخواستند اس که
 مضموعه احبار و بیاض سخن « قرار دهد آنچه از حیث شرح حال و جنبه
 رحیب اشعار شعرا از بهرین تدکره های فارسی اس و مستمل اس بردگر ۹۰

(چه آبهائی که فوت کرده بودند و چه آبهائی که هنوز در قید حیات بودند) دیده بود و
 ما برای این میتوانست از دوا و این آنها اسعار بیشتری را احتساب نماید در هر حال
 معلوم نیست علت این اختصار و ایجاز عدم فرصت بیشتری بوده یا عدم توجه خود مؤلف
 باین موضوع

رویه مرفته اگر از بعضی اختصار فوق العاده صرف نظر کنیم از حیث اصالت مطالب
 این تذکره جزو بهترین تذکرها و دورانی اورنگریب عالمگیر شاه (۱۰۶۸-۱۱۱۹)
 میباشد

گاهی آثار مشهور شعرا را نیز بطور نمونه آورده است مثلاً رجوع شود به شرح
 حال شاه نعمت الله و شکر الله خان و میرزا خلیل حراسانی و ناصر علی و بیدل^۱
 مؤلف شرح حال شعرای زیر را نسبتاً مفصل آورده است

رودکی و امیر خسرو و حواجه حس و عبدالرحمن حامی و ظهوری و عرفی و صائب
 و طاهر کسمری و محسن فانی و شیخ عبدالعزیز نوسر فرار (هر کدام در یک صفحه) و
 عبیدراکابی و عیسی و قدسی و باطمهراتی و حنریهان و ملا فطرت و بیدل (هر کدام
 در ۱ صفحه) و فردوسی و شیدا و شاه نعمت اله و محمد علی ماهر و نواب عاقل خان
 و شکر الله خان (هر کدام در ۲ صفحه) و محمد سعید قریسی (در ۳ صفحه) و ملا شاه (در ۳
 صفحه)

رویه مرفته شرح حال ملا ساه را از همه مفصل تر آورده است

هر کدام مؤلف نمونه اشعار شعرای زیر را نسبتاً مفصل آورده است کمال الدین
 اسمعیل قدسی و شیدا و ملا فطرت و محسن فانی (هر کدام در یک صفحه) و شاه نعمت اله
 و بیدل (هر کدام در ۱ ص) و محمد سعید قریسی (در ۲ صفحه) و شیخ عبدالعزیز نوسر -
 فرار (در ۳ ص) و رویه مرفته نمونه اشعار نوسر را از همه م

گاهی بعضی اصطلاحات و اشعار را شرح داده است (رجوع شود به

و حافظ)

۱ - در دیل نام آورقمه ای (نامه ای) را از خود هم نقل کرده است
 ۲ - در دیل نام او دو رقمه (نامه) را از ناصر علی نقل کرده است

در دیل نام فیض علی حلیم اسعار عربی را ہم از او نقل کرده است
سنگ اسای مؤلف غالباً سادہ و غیر مصوع است اما در موقع تعریف شعر بعضی
جملہ ہارا بہ نثر مصوع و گاہی نثر مسح آورده است

سج خطی

- ۱ - اشپرنگر ش ۱۴
- ۲ - نادلیں س ۳۸۴ (۱۱۳۳ھ) و س ۳۷۵ (۱۲۱۳ھ).
- ۳ - بلوسہ ح ۲ س ۱۱۵۲ (اوایل قرن ۱۸م) و س ۱۱۵۵ (اواسط قرن ۱۸م)
- ۴ - نانکی نور دیل ح ۱ س ۱۷۸۵ (مورح ۱۱۴۱ھ)
- ۵ - ایوانو س ۲۲۳ (مورح ۱۱۴۱ھ) و س ۲۲۴ (اواخر قرن ۱۸م)
- ۶ - اہ ش ۶۷۳ (۱۱۴۷ھ) و س ۶۷۴ (قسمت ساعرہ ہا ندارد و تاریخ ہم
ندارد)
- ۷ - ریو ح ۱ ص ۳۶۹ (قرن ۱۸م) و س ۳۷۱ الف (۱۱۸۳ھ) و ص ۳۷۱ الف
(ناقص الاخر - قرن ۱۸م)
- ۸ - آصفیہ ح ۱ ص ۳۲۴ س ۲۵ (۱۱۲۱ھ) س ۶۲ (تاریخ ندارد) ص ۱۷۰
س ۲۴۳
- ۹ - لندربانا ص ۲۲۲ س ۳۱۶ (در حدود ۱۸۰۰م)
- ۱۰ - اوامر س ۴ (۱۲۲۰ھ)
- ۱۱ - برلن س ۶۵۰ (۲) (بہریداً نیک چہارم اول کتاب — ۱۲۴۲ھ)
- ۱۲ - دانسگاہ لاهور (ناقص الاول و آخر - رجوع سودنہ اور دیل کالج مگرین
لاہور - ح ۸ س ۱ مورح نوامبر ۱۹۲۶ م ص ۷۴)
- ۱۳ - مؤسسہ روزن س ۳۲
- ۱۴ - بحارا فہرست سمو پوف س ۱۰۴
- ۱۵ - بیساور س ۱۴۷۱

چاپ کتاب

۱ - کلکته ۱۲۴۶ ه .

۲ - بریلی ۱۲۶۲ ه (رجوع شود به اشیر نگر س ۱۴)

۳ - بمبئی مطبع مطهری ۱۳۲۴ ه

فهرست اسامی شعرا : رجوع شود به دلائل ستونهای ۲۰۷ - ۲۱۱

برای شرح حال مؤلف : رجوع شود به مرآت الحیال و استوری ح ۱ ق ۲ ص ۸۲۴

تذکر

کتابی بهین نام (مرآت الحیال) از تألیفات تاسی رام بن دویی چند است که

داستان عشقی است به شر (برای نسخه آن رجوع شود به اندیا آفس ح ۲ ص ۳۰۶۹) .



همیشه بهر بار

ابتدا

« ای دگر تو گلبروس نازار سخن

رنگین و تو برگ برگ گلزار سخن

اوصاف تو دیباجه مجموعه حسن

توصیف تو مشاطه رخسار سخن »

سخن الله دهی رتبه سخن که اگر او را میوه بیش رس بوستان مظاهر تحلیات

گوناگون حواصم بحاسب و اگر باعث سووینمای اتحار ووصاف این و آفاقی موافق

امر کن گویم سرا»

شرح حال مؤلف

مؤلف این کتاب کسر چند متخلص به اخلاص است سمیع دره گل رعد» او را

حهان آبادی (دهلوی) میویسد اسم پدرش احل داس دهلوی است که مرث وی

مرکز فضلان بود و وی در شعر ساگرد میرزا عبدالعنی قبول کشمیری بود^۱ وی ارفوم
کپتری بود و پدرش مشرب درویشی داشت و غالباً در صحبتهای صاحب کمال
سر میبرد^۲

اخلاص در زمان حیات پدرش کاردهاری (که برسان اردو پیکیتی گویند)
یاد گرفت بعد از آن شعر گوئی متوجه و مایل شد وی در زمان احمدشاه (۱۱۶۰-
۱۱۶۷ هـ) فوت کرد^۳

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در ۱۱۳۶ هـ تألیف کرده است چنانکه به قول خودش عدد اسم
آن «همیشه بهار» (= ۵۶۸) دو برابر کرده سال تألیف کتاب را میرساند
این تذکره مشتمل است بر شرح حال و نمونه آثار سیصد و هفت شاعر^۴ بر ترتیب
الفبا از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر و با «امیر جان انجام» شروع شده با «احمد یار خان
یکتا» تمام میشود این تذکره در ناره شعرائی است که در زمان جهانگیرساز (۱۰۱۴-
۱۰۳۷ هـ) تاجلوس محمدساز (۱۱۳۱ هـ) می ریسند و همجنس بعضی شعرا که در زمان
اکبرساز (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) بودند بر در این تذکره مدکورند
مؤلف بر شرح حال «الاشیدار» (در سنن صفحه) و اشعار کلیم کاسانی را (در چهار صفحه)
مفصل تر از همه آورده است

سکنا سالی مؤلف در دیباجه مصبوع و گاهی مسجع است ولی شرح حال شعرا
را نسیه بر دان ساده تر نوشته است

۱ - ر ك گل رعنا در دلیل نام «اخلاص جهان آبادی» .

۲ - ر ك گل رعنا در دلیل نام «اچلداس»

۳ - ر ك دیوح ۴ ص ۱۰۸۶

۴ - استوری تقریباً دو بیست شاعر (ر ك استوری ج ۱ ص ۸۲۶)

۵ - سجه «حدانجش» (نامکی پوز) با «میرزا حلال اسپر» شروع میشود و «انجام»

آن شاعر هشتم است و در سجه اندیا آفس «امیر الهی» شاعر اول است و «انجام» آن شاعر دوم است
ولی در سجه اشیرنگر «انجام» شاعر اول است .

نسخ خطی

- ۱ - اشپرنگرش ۱۶
 - ۲ - اندیا آفس ش ۴۴۰۱ (مورح ۱۱۳۸ هـ)
 - ۳ - آتہ ش ۶۷۸ (مورح ۱۱۳۹ هـ)
 - ۴ - لندریانا ص ۱۵۶ س ۳۲۳ (قریب ۱۸۳۰ م)
 - ۵ - بانکویور ح ۸ ش ۶۸۹ (مورح قرن ۱۹ م)
 - ۶ - آصفیہ ح ۱ ص ۳۱۸ س ۱۳
- برای شرح حال مولف : رجوع شود به همیشه بہار و گل رعنا و صحف ابراہیم
و محرن العرایب ش ۲۶۰ و اشپرنگر ص ۱۱۷ و ریوح ص ۱۰۸۶ ب
فہرست اسامی شعرا
رجوع شود بہ اشپرنگر ص ۳۰-۱۱۷ و ریوح ص ۱۰۸۶ ب

سفینہ بدیخبر

افتدا «سررشتہ سخن بسخ آفرینی میرسد کہ در نظم کلاش ہیچ حای سخن
بیس حل شاہ و سلسلہ حدیث متہی نامی سب کہ در باب علمش مجال دم ردن بی
صل اللہ علیہ وآلہ وسلم»

شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب میر عظم اللہ متخلص بہ بیحرد معروف بہ «مہار صاحب»
و اسم پدرش (سید العارفین) میر سید لطف اللہ معروف بہ لدها متخلص بہ احمدی است
و وطن مؤلف بلگرام ار الکہ قنوج است و مولف رسادات حسینی واسطی است
حوشگو در سعید خود در ذیل احمدی میویسد کہ سید لطف اللہ متخلص بہ احمدی

۱ - حوشگو شاہ دلہا (شاہ دولہا)

در ۱۰۵۳ هـ دنیا آمد و بعد از عنوان سبب در خدمت اکثر علمای دین و اصحاب یهون
 رسیده و از صحبت آنها کسب فیض نموده چندی در سر کار حاجت خان سبب سپاهگیری
 گذرآید و از جمله چهل تن که بجزو حلاله و مردانگی اشتها داشتند بود پس
 بیست و دو سالگی اردبیل قطع بملق نموده و دستجوی حاجت خان بر آمد تا اینکه در بلده برها پور
 خدمت شاه برهان سغازی رسیده چندی در خانه وی مانده و از صحبت پر فیض وی استفاده
 کرد (بعد از مرگ شاه برهان) خدمت میر عبدالجلیل (بلگرامی) رسیده تسکین قلب
 رسانید پس در خدمت میر سید احمد کالپی رسیده و دست ارادت بدامن تر بیت وی زد
 (احمدی تجلص بمناسبت اسم همین پیراوست) بعد از مرگ سید احمد مر نوروی بلگرام
 وطن اصلی خود مراجعت نموده فسریت شصت سال در گوشه عربت بدوق و شوق
 گذرآید و سن بود سالگی سبب سه چهارم جمادی الاول سنه ۱۱۴۳ هـ داعی حق را
 لیک گفت

بیختر آدم خوش دوفی بود و در شعر «تلاسهای رنگین» داسودر بصوف ببردستگاهی
 بهم رسانیده و چند ساله در توحید و تصوف تألیف نمود شعرویی جنبه موحدا به و صوفیانه
 داسه و وی چند مثنوی ببرد در همین موضوع (تصوف و عرفان) سروده بود وی بسیار خوش
 صحبت و حدی و معشوق مردم بود و نا که مال ادب و حسن خلق با مردم رفتار میکرد
 بیختر خط سگسته خوب میبوس و شعر هم خوب میگفت و ناسعرا ای معروف زمان
 خود صحبتها داسه مخصوصاً میر را بدل از صحبت وی بسیار محظوظ میشد مؤلف
 در سفینه خود مجلس خود را نامیر را بدیل بیان کرده است
 مؤلف ناموسیعی و بیون دیگر بی آشنائی کامل داشت
 خوشگون بعل میکند که بیختر در دستجوی کار با گره رفته بود اباقا محمد
 عاشق هم در خدمت صوبه دار (سانداز) که لشکر بهار استخدا م می نمود حضور داس
 چون بی خبر دیر رسیده بود عاشق این مصرع ناصر علی را برای وی خواند
 « بیختر دیر رسیدی در منزل مستند »

آراد در «سرو آراد» میبویسد که در ۱۱۳۴ هـ بیختر و او را بلگرام تا ساهاجهان -

آناد (دهلی) همسر بودند

در آخر عمر بندهلی رفت آزاد در «مآثر الکریم» می‌نویسد که در وقت احتضار مردم از وی استعصار کردند که اگر حکم سود بعش را به بلاگرام نرسیم یا در این شهر (دهلی) حائلی را اسحاق بفرمائید تا مطابقت آن عمل کنیم وی فرمود که این مشت حاکم را هر حائلی که خواسته باشید بیاورید

همچنین در حسن احتضار شخصی که او را در مسأله وحدت و خود با بیحضر راه سخن بود پرسید حالا چه می‌فرمائید بیحضر جواب داد سخن مردان یکی است

وفات بیحضر در دوسه چهارم دوالمعدسه ۱۱۴۲ هـ یکسال قبل از فوت پدر در دهلی اتفاق افتاد و در همان شهر در حوال مرقد سلطان المسایخ بطام الدین اولیا مدرس شاهراه متعل بن دیوار شرقی باغ دریاخان لغای اعظم شاه بن سلطان اورنگزیب بحاک سپرده شد

آراد بلاگرامی قصیده‌ای (مرثیه‌ای) در وفات بیحضر اشاد کرد که هر مصرعش تاریخ فوت بیحضر را می‌رساند

مطلع و بیت بعد از آن اتفاقاً دو قافیتین شده است. این قصیده دو آهسته بیت دارد که بیت اول آن تکرار زیر است

می‌رید خوش تالطم نار عمان الم

۱۱۴۲

اشک می‌ریزد بر روی روح مرگان قلم

۱۱۴۲

آثار مؤلف

آثار مؤلف مدین قرار است

۱ - سفینه بیحضر - کتاب مورد بحث

۲ - حد رساله در توحید و تصوف

۳. کلیات که منضم است بر پایه هر اریب^۱ از قصیده و غزل و رباعی و مثنوی

تصیره در کتاب

مؤلف در مورد سب تألیف در مقدمه این کتاب چنین توضیح داده است که طلب سخن بر هر کس واجب است بنا بر این مؤلف حواست که بعضی اسعار را از شعرای متقدم و متأخر در سفینه خود یاد کر اسامی و موطن آنها نب نماید بعضی از دوستان وی باو گفتند که هر گاه که قید نام و نشان شعر در میان آمدن کتاب بصورت تدکره میشود ولذا بهتر است که این سجع بجای خود علیه خود باسد و مولف هم طبق توصیه آنها عمل کرد اما اشعار متقدمین را حسب بطویل سجع از این جا جدا کرده تا نا آن اشعار مجموعه جدا گانه ای در سب کمدو در این سفینه بنا اسعار شعرای متأخر از زمان حبا بگیر شاه و شاه عباس صفوی بعد از عرفی و ثنائی تارمان مؤلف که عصر محمد شاه و محمود شاه افغان بوده آورده است

این کتاب سال ۱۱۴۱ ه^۲ تألیف شد و شامل احوال و آثار مختصر (۹) شاعر متأخر

به ترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تحلیص آنها میباشد

این سفینه با احمدی (بدر مولف) شروع شده با احمد یارحان یکتا تمام میشود مؤلف خودش در مقدمه اعتراف کرده است که در این مجموعه بعضی شعرائی هستند که ارده بیست شعر بیشتر نگفته اند و حتی بعضی ها کسانی هم هستند که حر یک بیست دیگر نگفته اند ولی طمق این شعر

یک بیت دعوی مسلم بود اگر مصرعش مصرعی هم بود

اسم آنها را هم در این سفینه آورده است

این سفینه منضم است بر ۱۴۱ صفحه و شرح حال و اسعار اکثر شعرا بسیار مختصر

۱- رک سفینه خوشگو - ولی در «شتر عشق» هفت هزار بیت «در «سر و آداد» قریب

به هفت هزار بیت آمده است.

۲- رک مقدمه حرا به عامره که در آنجا آراد در سخن اسامی ما حد آن کتاب سال

تألیف سفینه بی حصر را ۱۱۴۱ ه^۲ ذکر کرده است

است و غالباً مؤلف حدکلمه برای معرفی اسم و تخلص ساعر و یک دو بیت از او بدل کرده است

شرح حال کلیه شعرا بسیار مختصر است (مثلاً رجوع شونده احمدی و ادهم و میرزا اسیر و دحیر (مؤلف) و غیره)

اسعار بعضی شعراء را مفصل ولی شرح حالشان را بسیار کوتاه آورده است بلکه غالباً در یک دو جمله و گاهی در حد کلمه آنها را معرفی کرده است مانند اوچی و الهی و ایچاد و شایور تهرانی و غیره

اسعار شعرای ریز را از دیگران مفصل تر آورده است - میرزا اسیر و بیختر (مؤلف) و ناصر علی سهرندی (سرهندی) و وحید قروینی

سکاسای مؤلف ساده و عاری از تصنع است و در سراسر کتاب مؤلف زبان ساده و آسانی بکار برده و از تکلف و عبارات برداری اجتناب ورزیده است

روی پیمرفته این کتاب از این حیث که مجموعه مختصری از اشعار شعرای آن دوره است دارای اهمیت و ارزش می باشد ولی چون فاقد اطلاعات مهم در باره زندگی گان شعراست نمیتوان آنرا جزو آد گره های خوب و سودمند حساب کرد

البته مؤلف در اسباب اسعار و خوبی زبان داده و در این مجموعه مختصر اسعار خوبی را برگزیده است

نسخ خطی

نسخه های از این کتاب در دانشگاه لاهور موجود است که ظاهراً تنها نسخه ایست از این کتاب که امروز در حاکمانده است

برای شرح حال مؤلف

رجوع سودده، سیمه بیختر و سروآراد ص ۳۱۵ و ۳۲۵ و مآثر اکرام ح اول ص ۱۱۵-۶ و حرازه عا. ر. و سعیه حوسگو و ند کره بیطیر و نشر عشق
قد کر

اسموری اسم این تذکره را در فهرست خود بیاورده است و از خود این سعیه اصلاً اطلاع نداشته است

مقالات الشعراء

ابتداءً «گلشن گلشن گلہای حمد و ثنا بیا رحبان عالی محید سخن آفرین»
اسم مؤلف این کتاب شیخ قیام الدین متخلص بہ حیرت و اسم مدرس شیخ امان اللہ
اکبر آبادی است

مؤلف در ورق ۲۸ (سجده متعلق بہ کتابہ رحابہ رامپور) می نویسد کہ وطن آبائی او
اکبر آباد (آگرہ) است و پدر وی نگارہای حروی مامور بود حیرت سی سال عمر خود را
در لہو و لعب تلف کرد و بالآخرہ چند ماہ پیش از تألیف این کتاب (در ۱۱۷۳ھ) ہمراہ
دیوان کشنچی بودہ و دیوان مر نور در خدمت بہا کر سور حمل معامطہ ساراد است

تصہرہ بر کتاب

حیرت این تذکرہ را سال ۱۱۷۳ھ تألیف کردہ است چنانکہ اسم این کتاب
«معالات الشعراء» از روی حرف واحد میرساند

مؤلف در مقدمہ کتاب اسم کسر پر را کہ در تألیف این تذکرہ مورد استفادہ
وی بودید ذکر کردہ است .

۱- تذکرہ والہ

۲- تذکرہ آرزو

۳- تذکرہ شوق (تذکرہ سعراى اردو)

این تذکرہ ہشتملسب برد کر صد و پنجاہ شاعر مباحر بہ بر سب العبا کہ از زمان
اورنگ زیب شاہ (۱۰۶۸-۱۱۱۹ھ) تا زمان عالمگیر ثانی (۱۱۶۸-۱۱۷۳ھ)
میرسنہ اند و با «آرزو» شروع شدہ با «محمد اشرف یکتا کسمیری» تمام میسود

سرح ابواب این تذکرہ از روی العبا ہر از بر است

برگ ۳ باب الف - از سراح الدین آرزو با میرزا ارجمند آراد (۱۴ ساعر)

برگ ۱۱ باب الباء از میرزا مہدی بیان با حواحدہ حسن الدین بیان (۸ ساعر)

- برگ ۱۵ باب التاء - از محمد تقی تعظیم تاسیدرضا تمکین (۳ شاعر)
- برگ ۱۶ باب التاء - از محمد افضل - اعدتاراجه حگل کثرت و تروت (۴ شاعر)
- برگ ۱۷ باب الحیم - از میر محمد جعفر قاملاطر علی حرآت (۳ شاعر)
- برگ ۱۹ باب الحاء - از حاجی محمد گیلانی قاهیان محمد حیات (۱۰ شاعر)
- برگ ۳۴ باب الحاء - از بدراس داس حوسگو تاحو شتر (۵ شاعر)
- برگ ۳۵ باب الدال - از میرزا هاشم دل تاحواحد میردرد (۴ شاعر)
- برگ ۳۸ باب الدال - عبدالله دره (۱ شاعر)
- برگ ۳۸ باب الراء - از میر محمد رضا با محمد رحیم حاس (۶ شاعر)
- برگ ۴۰ باب السس - از ساطع کشمیری تحدیجه سلطان بیگم (۶ شاعر)
- برگ ۴۲ باب السس - از میرزا کاظم شرر زای تنکرای شوق (۹ شاعر)
- برگ ۴۷ باب الصاد - از میرزا صمیر باخدایب علیحان صمیر (۲ شاعر)
- برگ ۴۸ باب الطاء - عبدالنافی طیب ایک شاعر)
- برگ ۴۸ - باب العس - از سید مرتضی علم تا سگم نعل عورت (۱۲ شاعر)
- برگ ۵۲ باب العین - عاقل و عیوب (۲ شاعر)
- برگ ۵۴ باب الغاء - از میرزا سید محمد فدائی تا غایر (۹ شاعر)
- برگ ۵۶ باب الغاف - از عبدالعسی فول تا مشتاق رای قدرت (۳ شاعر)
- برگ ۵۸ باب الکاف - از عصمت الله کامل تا میرزا گرامی (۴ شاعر)
- برگ ۵۹ باب اللام و لمیم - از لطیف علیحان تا میر تقی میر (۱۵ شاعر)
- برگ ۷۳ باب النون - از نور الله بیگم درعب تا بیار (۱۲ شاعر)
- برگ ۷۶ باب الواو - از میرزا امیرک الله واصح تا واله دانغستانی (۷ شاعر)
- برگ ۸۰ باب الیاء - از علی هاتب (یک شاعر)
- برگ ۸۰ باب الیاء - از احمد بارحان یکتا تا محمد اشرف یکتا (۴ شاعر)
- این تذکره مستعمل برد که سعرا ای متاخر میباشند و اکثر مطالب آن از تذکره های دیگر که اسم آنها در سطور فوق گذشت ما خود و معتمس سب و دنا بر این مبتوان

برای این تدکره اهمیت زیادی قائل شد

در هر حال بعضی مطالب راجع به شرح برخی شعرار امثال خودس هم اصافه کرده است و ما برای این میتوان بکلی ادرس آنرا انکار کرد

نسخ خطی

۱ - اسپرنگر ش ۳۱

۲ - رامپور - مورخ ۲۵ جمادی الاخری ۱۲۲۸ هـ (رجوع سودیه محله اورینتل

کالج لاهور ح ۶ س ۲ مورخ فوریه ۱۹۳۰ م ص ۱۱۶-۱۴)

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به اسپرنگر ص ۶۰-۱۵۳

برای شرح حال مولف :

رجوع شود به معاملات الشعراء خیرت و محله اورینتل کالج لاهور ح ۶ س ۲

مورخ فوریه ۱۹۳۰ م

سفینه خوشگو

ابتدا (دفتر اول) (۱)

دفتر دوم - « الحمد لله والست که توفیق (او) از سوید دفتر اول سفینه خوشگوی

فراع حاصل شد »

دفتر سوم - « احوال مشاخرین اردفتر نائب سفینه خوشگو مستمل برد کر

معاصرین است که با بعضی از آنها است هم عصری داسه »

(سحبه « آب آورد »)

« در این زمانه رفیقی که حالی از حلال است

صراحی می ناب و سفینه عرب است

کشتی حیات را ناخدا حمد خدائیست که بی یوغ اسان را از بحر عدم بکناره
و خود کنایده و سعینه بحات را معلم نعت حاتم الاسبائیست که کشتی شکستگی دریای
ضالان را ساحل رستگاری و هدایت رسانیده *

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب پدر این داس متخلص به خوشگو است وی در سعینه
خود هیچ حا شرح حال خود را نوشته و تنها در دلیل بعضی شعرا اشاره هسائی
بر میخوریم که بعضی وقایع زندگی وی. آروش میسار و برای شرح حال مفصل وی
ناچار باید بکتب دیگر مراجعه نمود خوشگودر سفینه خود در دلیل شیورام داس
متخلص به حیا میویسد که پدرش ناپدر شیورام در زمان عالمگیر در لشکر شاهی
خدمت داشت و عموی وی سداسد متخلص به تکلم در خدمت «حرم» اعظم شاه در سرکار
قدسیه جهان ریست نابوبیگم بود

شفیق مؤلف «گل رعنا» در فصل دوم آن کتاب در ناره اسم خوشگو چنین
توصیح داده است که سدر این اسم محلی است در متهر و داس در ربان هندی علام را
گویند یعنی علام سدر این ناله تسمیه مثل بحفلی چون بنتر این) متهر ا موطن کشن
(کرشن) است که ار رهرا ن قدیم مذهب هندو دوده است .

تتقیق میگوید که خوشگوار اهالی متهر^۱ و افرقه بیس^۲ سود اما مؤلف

۱- متهر شهر است در شمال هند در اتر پردیش امروز در ۳۰ میل طرف شمال عرب
شهر آگره خوشگو در دلیل شرح حال عموی خود سداسد بی تکلف وطن خود را
لکهنوتی (سهار پور) نوشته است و در این بعضی گمان میکند که خوشگوهم اصلاً اهل لکهنوتی
بوده و بعداً در متهر ا قوطن گزیده است. اما در همان کتاب در دلیل نام « بیکنس » خوشگو
میویسد «دوسه مرتبه در متهر ا که وطن فقیر است دیده شد» (رک دفتر سوم ص ۲۴۷) و بنا
بر این وطن خوشگو متهر ا بوده نه شهری دیگر

۲- در بین هندوها چهار منطقه یا فرقه بر رگه وجود دارد برهنس (اهل مذهب)
کهنتری (اهل جنگ و اسلحه) ویش یا بیس (باررگانان و کشاورزان و غیره - اهل حرفه) و سودر
(طبقه پائین - کشاورزان و سپوران و غیره) این چهار فرقه بر رگه ار زمان قدیم بعد از ورود آریائیها
در هند معمول بوده است

«رورروس» خوشگو را بنام «داس» دهلوی، نویسنده است که صرفاً اسما است. قیام‌الدین حریت در مطالب‌الذمراء می‌نویسد که خوشگو از قوم هندی‌تبار بود و اثر دیگر (ص ۱۵۵) می‌نویسد که حریت درباره خوشگو و سینه است که وی دیا بود از سارس و از شاگردان بیدل بود. باید توجه داشت که او بنام هر دو نام معنی است و سینه‌ایست از فرقه بیس اما آنکه خوشگو اهل سارس بود صحیح نیست همچنان مؤلف محرن‌العرایب «می‌نویسد که خوشگو از ایفه بیس را چپون برد به گوان داس هندی در «سینه‌هدی» بر این قول را تأیید کرده است و می‌گوید که خوشگو از طایفه بیس است که «فرقه ایسار قوم را چپون بیواره من مضافات اوده و سلسله است ایسان سال باهن که سناه مثل سهراجه نکرماند او که با حاکم تیر کرایه حاریست میرسد» اما طاهر آ را چپون از قوم کمتری بوده به بیس

سال تولد خوشگو معلوم نیست اما خوشگو در سینه خود که در بین سالهای ۱۳۳۷ و ۱۱۴۷ هـ تألیف شده است در ذیل شرح حال بیدل می‌نویسد: «میر در این مدت شهر که به جاه و شهرت مرحله طی کرده» اما بر این تولد خوشگو در بین سالهای ۱۰۲۸ - ۱۰۸۸ هـ اتفاق افتاده است

خوشگو در سینه خود درباره اسادان خود اشاره‌ای کرده است در ذیل نام حکم خدمت می‌نویسد: «و فعیر باهم ربط مه وی داسد و دایق خدمت مؤلوی محمدء بد اطلاق باصرتی می خواندیم و در حساب حضرت سر خوش می‌کنده سخن مینویسد که در اینده هم مسووم هم نخرح بودیم»

«محدثین در ذیل شرح حال میان صادق الف (ص ۲۹) می‌نویسد

«در عهد پادشاه سق (درس) از محرن اسرار در خدمتس خوانده و این قدر دنا گردی موسوم است» و در ذیل شرح حال بهود رای نعم بیراگی (ص ۱۰۱) می‌نویسد: «عمر چهارده سالگی از خدمت او استفاده معنوی می‌کرد (م)» و در ذیل ترجمه حال حاتم بیگ خانم (ص ۹۰) می‌نویسد: «فر خوشگو

بر تعلیم نوشته او مشق کرده»

خوشگو در شعر شاگرد محمد افضل سرخوش (متوفی ۱۱۲۶ هـ) بود چنانکه خوش در ردیل شرح حال سرخوش می‌نویسد که در چهارده سالگی اشعار خود را بطرف اصلاح وی می‌گنزابید و همچنین می‌گوید که سرخوش تحلیص وی را خوشگو گدانس: «همان روز از روی کمال تحلیص خوشگو عیاب فرمود و گفت لفظ خوش از تحلیص خود بر آورده بخشیده‌ام»

قیام‌الدین حیرت در «معالات السعرا» می‌نویسد که خوشگو در اول مشق سخن پیش مرزا بیدل و محمد افضل سرخوش و سعدالله گلشن نموده و جان آرزو می‌نویسد که خوشگو ارتقا گردان او بوده چنانکه در مجمع‌التفایس می‌گوید «حالاً در عظیم آباد و سارس می‌باشد و گاه گاهی خطوط (نامه‌ها) با اشعار خود پیش فقیر می‌فرستد» و جای دیگر می‌نویسد که خوشگو تا بیست و پنج سال مصاحب دائمی وی بوده است و قول آرزو می‌بر صحت می‌باشد چنانکه نه تنها آرزو شعر خوشگورا اصلاح می‌نمود بلکه حتی در سینه خوشگو هم چندین مرتبه نظر کرده و در چندین موارد عباراتی را بدست خود اضافه نموده است

برو فسور عطاء الرحمن (گرد آورنده سینه خوشگو چاپ پته) می‌نویسد که خوشگو شاگرد محمد افضل سرخوش و سراج‌الدین علیخان آرزو و لاله‌سک سراج‌سمت و بهر سراجی بی‌راگی بی‌عم و صاحب دائمی ساه سعدالله گلشن و مرزا عبدالقادر بیدل بود و روابط دوسانه با مرزا مطهر و آرزو و شعرای دیگر معاصر خود داشت

خوشگو در مساعده‌ها (مخالف ادبی) که در منزل مرزا بیدل و گلشن بر پا می‌شد حضور می‌یافت و این قبیل اجتماعات را در منزل خود هم تسکیل میداد و از شعرای معروف آنوقت دعوت نموده و از آنها پذیرائی گرمی بعمل می‌آورد

خوشگو از همه بیشتر با بیدل از ادب داشت چنانکه در ردیل شرح حال بیدل می‌نویسد که مؤلف هر روز بخدمت می‌رسید (ص ۱۰۹) و در عمر زیاد از هر از هر مرتبه بخدمتش مستمید شده باشم» (ص ۱۱۸).

بقول آرزو و شعیق خوشگو سفینه خود را با عمدة الملك امیرخان متخلص به اسحاق ناظم صوبه (استان) اله آباد عنوان کرده است و نواب مر نوروری دو روپه بر محصول (مالیات) تمام اله آباد برای او معرر نمود و این مستمری تا موقعیکه نواب عمدة الملك درود حیات بود بخوشگو میرسید

همچنین خوشگو در سلك ملارمین لاله کهرت حد دیوان هیس جنگ پیر منسلك بوده و لاله مر نور خوشگورا در زمان اقامت وی در تته و بنارس تریسو كَمَك می نمود و در مواقع دیگر بیار وی مواسط ویشیانی می کرد خوشگو در سفینه خود در دیل نام را حه رام تر این متخلص به مورون میویسد « واسطه ملارم نواب هیس جنگ شهید (۱۱) و تقرر وجه معاش ارسر کارایسان او بوده »

خوشگو مدت ده سال یعنی از ۱۱۳۷ هـ تا ۱۲۴۷ هـ در تألیف سفینه خود مشغول بود اما بعداً بعلت حمله نادر شاه (۱۱۵۱ هـ) نتوانست نسخه حر کنویس آن کتاب را پاکویسر کند چون در نتیجه این حمله محو شد بافاق اسکر شاهی به کوت کانگره برود^۱ و در پنجاب در حدود همت یا هسب سال اقامت داشت ولی در ۱۱۵۵ هـ بدلهلی مراجعت نمود^۲ و سفینه خود را با استاد خود سراح الدین علیخان آرزو داد تا در آن نظر کرده آنرا اصلاح نماید و آرزو شرح حال بعضی سعا^۳ و مقدمه را بر آن افزود^۴

در موقع تألیف «مجمع النعائس» (۱۱۶۱ هـ) خوشگو در عظیم آباد و بنارس زندگی میکرد^۵

۱ - رةك اشپرنگر ص ۱۳۰

۲ - اگر این روایت اشپرنگر صحیح باشد که خوشگو در ۱۱۵۵ هـ بدلهلی مراجعت نمود پس وی طاهراً در حدود چهار سال (۱۱۵۱ - ۵۵) در آنجا اقامت داشته است به همت پادشاهت سال یا اینکه وی قبل از حمله نادرشاه و بعد از تمام سفینه خود در ۱۱۴۷ هـ به پنجاب رفته است

۳ - رةك اشپرنگر ص ۱۳۰

۴ - آرزو در «مجمع النعائس» میویسد «حالا در عظیم آباد و بنارس میباشد» این عبارت قبلاً گذشت.

حوشگو اول خدمت میگردولی بالآخره ترك دنیا کرد بلباس فقراء در آمد
اول کسیکه صحبت وی حوشگورا نامذاق عرفان آشنا کرد سداسد بی تکلف عمومی
حوشگو بود^۱ و همان لذت بعداً اورا وادار کرد که از لذت دیدن دست کشیده در گوشه
ابروا مریاض بپردازد

حوشگو بعد از ترك دنیا اول در اله آباد و سارس و عظیم آباد بسر میبرد و ایام آخر
زندگانی را در اله آباد گذرانیده بالآخره در عظیم آباد (پتنه) در سال ۱۱۷۰ هـ از این
دارقانی بسوی ملك حاودانی شافت قدرت الله شوق در «تكملة الشعر» در باره
حوشگو میویسد «آخر در قصه بدر اس رفته فوت شده» اما شعیق در «گل رعنا»
میویسد «در عشره سابع بعد مایة والف (۱۱۷۰ هـ) در عظیم آباد پتنه بیکر عصری
وا گذاشت»

حوشگو در باره شاگردان خود در سینه اشاره ای نکرده و تنها در «سینه هندی»
اسم نور العین واقع بعنوان شاگرد حوشگو ذکر شده است چنانکه مؤلف «سینه هندی»
میویسد

«نور العین واقع در ابته دمشق سخن نزد وی (حوشگو) میگرد»

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱- سینه حوشگو - تذکره مورد بعد

۲- مرقع - حوشگو موقعی تربیت داده در آن اسعار و نمونه آثار شعری

معاصر را بخط خودشان جمع آوری نموده بود اما حیث که امروز اثری از آن
مرقع نمانده است

۳- مدهوطات بیدل - حوشگو در بیدل شرح بیدل میویسد که وی «ملعوطات

بیدل را تربیت داده بود چون هر اربابان در خدمت وی حضور داشته امامت سابعه امروز
از این کتاب هم هیچ نسخه ای باقی نمانده است

۳- ر ك. سینه حوشگو دفتر سوم ، شرح حال سداسد بی تکلف.

تبصره بر کتاب

چنانکه در سطور فوق گذشت مؤلف تألیف این کتاب را سال ۱۱۳۷ هـ آغاز نموده و بسال ۱۱۴۷ هـ با تمام رسا بندود رسال ۱۱۵۵ هـ حان آرزو به شرح حال بعضی شعرا و دیباچه‌ای به این کتاب اضافه کرد. بسریز آغاز و اتمام این کتاب را میرساند:

آغازش در سقییه خوشگویی بود اتمامش در سقییه خوشگویی است

۱۱۴۷

۱۱۳۷

ترتیب اسامی این تذکره در روی تاریخ بولد یا فون سعرا است

این کتاب مشتمل است بر سه دفتر اول شامل ذکر ۳۶۲ شاعر معتمد است و بنا «رودکی» شروع شده بنا «کافی» تمام میشود دفتر دوم مشتمل بر ذکر ۸۱۱ شاعر^۱ متوسط و متأخر و بنا «حامی» شروع شده بنا «سگونی» (متوفی در حدود ۱۰۶۰ هـ) تمام میشود دفتر سوم شامل ذکر ۲۴۵ شاعر معاصر مؤلف است و بنا «فطرت» شروع شده و بنا «مسی سربسکه جا کسر» تمام میشود^۲

برای شرح دفتر اول این کتاب رجوع شود به نسخه «یا آفسش» ۴۰۲۳

تبصره بر نسخه «آب آورد»

نسخه‌ای از «سقییه خوشگو» که در ی سوستری در ۱۲۴۱ هـ از روی نسخه‌ی «آب آورد» دوباره اسب ساج کرده و بعضی مطالب را بر آن افزود شامل بعضی قسمت‌های دفتر دوم و سوم می‌باشد و مشتمل است بر ذکر بریاً ۱۱۰۲ بن ساعر^۳ بترتیب الصا مؤلف در شرح حال سعرا اسم کتابهای برراد کر نموده است که از آن در تألیف

۱- نسخه نادلین شامل ذکر ۸۱۱ شاعر است اما نسخه اشپرنگر در کتابها ۵۴ شاعر داشت (رک اشپرنگر ص ۱۳۰)

۲- رک نسخه بانکی پور- این نسخه با عبارت ریر شروع میشود «تراحم بعضی مورویان فصل دوم تذکره سدران داس خوشگر تحاس» و از این عبارت معلوم میشود که این نسخه ناقص الاول است و فصل اول از آن افتاده است «چنین در این نسخه شرح حال شاعر اول «فطرت» اصلاً نیامده و مؤلف تنها اشعار او را نقل کرده است .

۳- رک نسخه مرگری تهران ش ۲۶۵۵

این کتاب استفاده نموده است

- ۱- کلمات الشعراى سرخوش^۱ - رجوع شود به نام محمد باقر هندی و غیره
- ۲- مجمع النقایس آرزو- رجوع به حلال اسیر و غیره.
- ۳- تذکره ملاطاهر نصرآبادی^۱ - رجوع شود به نصر همدانی و غیره
- ۴- سفیه صائب^۱ (یا انتخاب صائب) - رجوع شود به حلال اسیر و غیره
- ۵- بیاض آرزو- رجوع شود به نام میرزا رصی و غیره .
- ۶- کتاب دبستان - رجوع شود به نام حکیم سرمد
- ۷- مرآت العالم- رجوع شود به نام حسین آشوب
- ۸- مجمع الصایع تألیف محمد صالح رجوع شود به نام حسین آشوب.
- ۹- هفت اقلیم^۱ - رجوع شود به نام نور العین نوری و غیره.
- ۱۰- طبقات شاهچپائی - رجوع شود به نام حالتی و غیره
- ۱۱- طبقات اکبری تألیف میرزا نظام الدین بختی - رجوع شود به نام حالتی.
- ۱۲- مآثر رحیمی^۱ - رجوع شود به نام صرفی و نظیری و غیره
- ۱۳- عالم آرا- رجوع شود به مولانا هلاکی
- ۱۴- اقبالنامه چپانگیری تألیف معتمدخان بختی - رجوع شود به نام چپانگیر

و غیره

- ۱۵- چپانگیر نامه - رجوع شود به نام چپانگیر
- ۱۶- مشآت ملاطعراى مشهدی- رجوع شود به نام الهی همدانی
- ۱۷- ظفر نامه شاه عباس- رجوع شود به نام الهی قمی
- ۱۸- تاریخ عبدالقادر دواوی (منتخب التوراریح) - رجوع شود به نام ملا تیری
- ۱۹- مسودات محمدالدین قوسی - رجوع شود به نام درویش دهکی
- ۲۰- (اکبرنامه) تألیف سیح ابوالفصل- رجوع شود به نام عنانی

۱- مؤلف ار این کتابها در تألیف این کتاب خیلی استفاده کرده!

۲۹- منتحیات حضرت گلشن- رجسوع شود به نام میر الهی .

شرح حال شعرای زیر را سسه مفصل آورده است

اکبر پادشاه و جلال اسیر و ادهم تر کمان و ایسی کتا بدار و پیرم حان و حیا نگیر
پادشاه و میرزا جعفر آصفحانی و حمالی کسوه و رلالی حواساری و سرخوش و سقب
سکهر اچ و تشکیبی و نعمت حان عالی و شیخ عطار و عنی کشمیر و عی تفرشی و قادری
داراشکوه و مولانا مایلی و محمد ماهر و منیر لاهوری و نصیر همدانی (هر کدام در یک
صفحه) و حکیم همدانی و مولانا محتشم و معینی خوبنی و همایون پادشاه (هر کدام در
۱ ص) و سرمد و بطیری (هر کدام در ۲ ص) و صائب (در ۲ ص) و حاجانان
و ملاشیدا (هر کدام در ۳ ص) و بیدل (در ۹ ص) .

روی هم رفته شرح حال بیدل را مفصل تر از همه آورده است .

همچنین اشعار شعرای زیر را سسه مفصل آورده است .

میرزا جلال اسیر و میر سحر گاشی و تشکیبی و نعمت حان عالی و عی کشمیری
و عیائا حلوائی و قدسی و کلیم همدانی و مشرفی و میر لاهوری و نظام دس عیب و بطیری
و درویش واله (هر کدام در یک ص - تقریباً ۳۰ بیت) و حیرتی توبی و طرری و عرفی
و قوحی (هر کدام ۱ ص) و سالک یزدی و سالک قزوینی و سعائی و صائب و طعری
مشهدی (هر کدام در ۲ ص) و رصی داش (در ۲ ص) و دارا (در ۳ ص)

روی هم رفته اشعار دارا مفصل تر از همه آورده است

در دیل نام بعضی شعرا اشعاری را که مورد پسند حان آرزو بوده نقل کرده است
مثلا رجوع شود به آشا و استعنا و ایسی و الهی قمی و ابوتراب انجدانی و میر الهی
و محمد ناقر اشراق و امان الهامانی و ناقی بهاوندی و حربی و میرزا نظام دس عیب و
سالک قزوینی و سالک یزدی و محمد هاشم سحر و محمد قلی سلیم و هریدون شایق و شانی
تکلو و ملاشیدا و عرفی شیرازی و عیایاله سیرازی و رور بهان صبری و ظاهر و حید و
محمد ظاهر و ملا طعری و عیائای حلوائی و فصیحی هروی و میرزا رستم فدائی و هیصی
و نورالدین محمد قراری و قدسی و لسایی شیرازی و میرزا قلی میلی و میرزا املاک مشرفی

و نصیر همدانی و ملا نادم و امیر همایون و درویش و اله .

در ذیل شرح حال بعضی شعرا مخصوصاً اشتباهات تذکره صراحتی را بیان کرده است رجوع شود به طاهر و وحید و حکیم سعید و میر کفّری و علی داش حاوید و حسین آشوب و سید مرتضی رسی .

بعضی اقوال را از دیگران نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام ملاشیدا که در ذیل او قول شاه گلشن را نقل کرده و همه چنین در ذیل شرح حال ناحی و حسن بیگ گرامی و ملا فاضل قول آرزو را آورده است

تحلیص مر را حاجی را غرلی فکر کرده دگرش را در ردیف «ع» آورده است در حالیکه تحلیص وی «عرتی» بوده و این عرتی را کسی غیر از مر را حاجی قلمداد نموده وی را در ردیف «ع» با ملاما عرتی شیرازی آورده است (طاهر اُ این اشتباه بندری که سعینه حوتگورا دوباره ترتیب و مطبوع نموده رخ داده است)

در ذیل شرح حال حضرت میر شاه حکایتی راجع به شکستن ابریق و رباعی گفتن وی و روسیاه شدن و نار رباعی دیگر گفتن او و در نتیجه دوباره روسفید شدن وی که در اکثر تذکرها و کتب به حیا م ریشابوری مسوسست (والله اعلم بالصواب) مؤلف آبراهه میر شاه بسبب داده است

د کرد و بعرا نام «شاه مراد حواساری» آورده است که طاهر اُ هر دو یکی بوده و آبراهه مکرر آورده است هم چنین دگر صیاء کاشی را هم مکرر آورده است (ص ۲۲۹ و ۳۳۲)

در ذیل شرح حال ملا سابق میویسد «برادر ملا سعید اشرف که دگرش در دفتر چهارم خواهد آمد» که طاهر اُ اشتباه است چون این تذکره سه دفتر بیشتر ندارد «ری گرد آورنده این نسخه «آب آورده» بعضی قسمتها را در این تذکره اصافه نموده است مثلاً رجوع شود به قسمت آخر شرح حال ابوالقاسم و مدرسکی و میرزا اشراق و میرزا برقی و حمادی (در ذیل نام حمالی) و حسرو دهلوی و دارا قاجار .

هم چنین دگر لامع (میرزا نورای لامع) را در ذیل حرف «لا» بعد از حرف «ها»

آورده است اما حرف «لا» در هیچ تذکره دیگر دیده نشده است
در دیل نام شعرای زیر توصیح داده است که با آنها ملاقات کرده است، فیضان و
جودت.

این رباعی نانا طاهر را سام ملااحسی خودنمایی (نظ خواستاری)
نوشته است.

ندشت خاطر مخرعم بروید رخا کم حز کل ماتم بروید
بصحرای دل بی حاصل من گیاه ناامیدی هم بروید

در دیل شرح حال «بیختر» می نویسد «در تذکره غلام علی آراد مسطور است که
میرزا بیختر در کتاب «بیختر نامه» تذکره حقیقه مجلس خود را نامیرزا بیدل معصل
نوشته است اما در «سرو آراد» اسم این تذکره سفینه بیختر آمده است و نه «بیختر نامه»
(رجوع شود به سرو آراد ص ۳۱۵)

در دیل حسن بیگ اسم می نویسد «تذکره الشعرائی نوشته طاهر اتمام یافته
و سطر هم بیفتاده» اما اسم تذکره حسن بیگ اسمی در جای دیگر دیده نشده است
هم چنین در گرد آورنده نسخه «آب آورد» در دیل نام طرری می نویسد
«حصیر در تذکره ملا فرویدون همی» که تذکره فریدونی مسهور است احوال ملا
طرری را چنین دیدم «

سنگ اشای مولف

در نسخه آب آورد سنگ اشای مؤلف غالباً ساده است اما در موقع تعریف شعرا
شر مصوع پرداخته است

گاهی القاب توصیفی قبل یا بعد از اسمی شعرا آورده است مانند

«ابوالولای تاره گویان حضرت میرزا محمد علی صائب سریری استاد الاستاذ
رورگار و سرآمد معنی سدان نادره کار» یا «سر کرده شهرستان گف و شنید یواب
وحیدالرمایی میرزا طاهر وحید»

هم چنین گاهی جمله ای مصوع در معنی «قوت شد» آورده است مانند

میرزا تسکین بعهده عالم‌گیری از کشمکش روزگار تسکین یافت .

تصویر برداشته‌شده در دفتر سوم سینه خوشحوی

اکنون دفتر سوم این سینه (نسخه نابکی و چاپ پشته ۱۳۷۸ هـ / ۱۹۵۹ م) اینجا

مورد بررسی و بحث قرار می‌گیرد

مؤلف در دفتر سوم اسم کتابهای زیر را ذکر نموده است که از آنها در تألیف

این کتاب استفاده نموده است

۱ - کلمات الشعراء سرخوش - رجوع شود به شرح حال شاه ناصر علی و راسخ

و اشرف

۲ - حیاتنامه - رجوع شود به شرح حال اعظم .

۳ - تذکره ناصر آبادی - رجوع شود به نام ناصر علی و اشرف .

۴ - تذکره غلامعلی آزاد - رجوع شود به نام مشرب

۵ - ید بیضا - رجوع شود به شرح حال ثابت .

۶ - همیشه بهار - رجوع شود به شرح حال حجت .

۷ - تذکره علی قلیخان واله - رجوع شود به ایمن

شرح حال شعرای زیر را مفصل‌تر از دیگران آورده است : شاه ناصر علی و

مخلص (هر کدام در ۳ ص) و ساکر (در ۱/۳ ص) و گلشن (در ۴ ص) و سرخوش

(در ۵ ص) و بیدل (در ۲۱ ص) .

در ردیف نام مطهر (حاجت‌انان) و سراج الدین علیخان آرزو و شرح حالی که

خودشان برای خوشگو فرستاده اند نقل کرده است (رجوع شود به شرح حال مطهر

ص ۳۰۲ و آرزو ص ۳۲۳)

انتظار شعرای زیر را مفصل‌تر از سایرین آورده است شاه ناصر علی و اشرف و

محمد اعظم و نعمت خان عالی (هر کدام در ۳ ص) و مخلص و حصوری و حیا و آفرین

(هر کدام در ۴ ص) و مطهر و سرخوش (هر کدام در ۵ ص) و آرزو (در ۱۰ ص) و بیدل

(در ۲۳ ص) .

اشعار شعرای رپر اطبق پسند آرزو نقل کرده است شاه ناصر علی و غنیمت و وحشت و سالم و اتیار خان خالص و محمد امین مطلع و صداف .
هم چنین اشعار «بیرا گئی» را از روی پسند سرحوش نقل کرده است (رجوع شود به ص ۱۰۲) .

شعراى ديلى اشعارشان را بحط خود براى خوشگوا فرستاده اند و خوشگوا آنها را در اين سعيه شامل کرده است : رواج و اشتياق و احتر و بى ریا و رفعت و تمکين و قابل و محبت و حشمت و متين و محاص و سابق و بيکس و شورش و انای داس محاص
مؤلف اشعار بيدل را اربياضی که وی با مضای خودش بمؤلف داده بود انتخاب و نقل کرده است (رجوع شود به صفحه ۱۲۵)

مؤلف ديوان شعرای رپر را دیده و اشعارشان را از آنجا انتخاب نموده است ،
راسخ و مائل و اشرف و سيادت و مير بحايب و لامع و بيرنگ و عاشق و نعمت خان عالی و فيضان و وحدت و سرحوش و حنون و عالی و واضح و بى تکلف و تأثیر و حیا و رائج و ثامت و حسرت و حریس و الهت .

روپه مرفته شرح حال بيدل (در ۲۱ ص) و اشعار او را (در ۲۳ ص) از همه مفصل تر نقل کرده است و در دگر بيدل اکثر آراوى و وقایع مهم زندگی و سراپای او و روابطه او با امرا و ملوک معاصر و قوت وی و حکایات مختلف راجع با دواز مختلفه زندگی وی را بیان کرده و چون مؤلف اکثر در خدمت بيدل بوده مناسبات او در باره بيدل مورد اعتماد و موثق تر از دگره نویسان دیگر میباشد و میتواند گفت که در باره بيدل هیچ کتابی غیر از تألیفات خود بيدل معتبر تر از این کتاب وجود ندارد

در ديل شرح حال بعضى شعرا بر حى حکایات را بدون ذکر مأخذ نوشته است رجوع شود به شرح حال ملا ساطع (ص ۲۳۶) و غيره

در ديل شرح حال شعرای رپر تصريح نموده است که با آنها ملاقات کرده است میان شاه ناصر علی و حفط اله خان حنظلی و فيضان و حدود و سرحوش و تلاش و محمد علی مطلع و حاتم بيگ حاتم و دو القدر و تمکين و بيرا گئی و بيدل و قبول و

سپهت و گلاب رای محصل و شاه گلشن و عاقل و حیا و فایز و آبرو و شهرت و برهت و
 اشتیاق و پیام و قابل و سامان و تاب و تحرید و اختر و مرزا گرامی و زافع و شاعر و
 بیکی و تمنا و رفعت و تمکس و حواد و آگاه و شاه‌میم و عظیم و سامع و واقف و حشمت
 و متین و حرین و سر ، گوپال تمیر و محصل و حلب و ابنای داس محصل و نابوبال میکند
 و حصوری و حکم چند بدرت و راجه‌رام برای مورون و مشی سرب مکه‌جا کستر
 در ذیل نام تجرید، نامه‌ای که وی بآرزو فرستاده بود بطور نمود به نقل کرده
 است (ص ۸ - ۲۲۶)

اکثر حکایات را که در ضمن شرح حال شعرا بیان کرده است از منابع موثق
 و غالباً با ذکر اسم منابع خود نقل کرده است مثلاً

در ذیل شرح حال ناصر علی حکایاتی از شاه گلشن و بهگوت رای قلندر .

» اشرف حکایتی از کلمات الشعرا

» همت » میان علی عظیم پسر همت .

» نعمت خان عالی » میرزا بیدل

» میرزا داود مشهدی نقل قول از حرین

» رائج الهیار (از رفقای رائج)

در ذیل شرح حال بعضی شعرا بعضی بیانات تذکره نویسندگان دیگر را در سازه

آنها تکذیب نموده و حقیقت امر را چنانکه خودش تحقیق کرده است نوشته

رجوع شود به شرح حال ناصر علی و سرخوش و بیدل که آنجا قول طاهر نصرآبادی را
 تکذیب و اصلاح نموده است .

گاهی با عراضاتی که شعرای دیگر بر اشعار شعرای مدکور این سعیه

گرفته‌اند جواب داده و سداً بر اثر اشعار دیگران آورده است رجوع شود به نام

ناصر علی و اشرف

اما گاهی بر بعضی اشعار شعرا خودش ایراد گرفته است رجوع شود به نام

آراد (ص ۲۶۹) و واقف (ص ۲۸۷ و ۲۸۸) .

مؤلف ناماده تاریخ گوئی» هم علاقه داشو ماده تاریخ فوت شعرا که دیگران سروده اند در دیل شرح حال آنها آورده اسب : رجوع شود به شرح حال ناصر علی و سرخوش و بیدل و محمد اعظم و مررا حاتم بیگ و خودت و منعم و بیرنگ و میرالهب

سبک انشاء مؤلف در دفتر سوم

در دفتر سوم سینه خوشگو بیرسک اشای مؤلف اکثر ساده اسب اما در موقع تعریف ار شعرا مخصوصاً در دیل نام بیدل و آرزو شر مصنوع و گاهی شر مسح نکار برده اسب

گاهی بعضی اصطلاحات و عبارات عربی را نکار برده اسب مثلاً

در دیل ناصر علی مینویسد در شاعری «کوس انا و لاغیری» بواحه (ص ۳) .

«خودان» « دعوی «انا و لاغیری» نموده (ص ۲۸۰)

«سامی» «ومن ادعی فعلیه السد» (ص ۲۳۲)

«عبار» «وکان دالک فی شهر الاموماة و حمسین» (ص ۲۱۰)

همچین بعضی کلمات اردو (که بعضی از آنها اصلاً فارسی اسب) نکار برده اسب

قانو بمعنی قوت و طاقت (رجوع شود به شرح حال محمد رحمان راستخ ص ۸)

گولی بمعنی گلوله (رجوع شود به نام اعظم ص ۴۳) چند گهری بمعنی ساعت (سجا -

ص ۱۹۵) کچهری بمعنی دادگاه (ساز گلشن ص ۱۶۶ و منعم ص ۵۳) خطوط بمعنی

نامه ها (عاشق ص ۵۷) حظ بمعنی نامه (تحرید ص ۲۲۶) نوره بمعنی کامل و تمام

(مشراب ص ۸۲) چلم بمعنی سرقلیان گلی (بیدل ص ۱۱۲) بالکی بمعنی تحسروان

(بیدل ص ۱۱۲) چموتره بمعنی سکو (بیدل ص ۱۲۱) پله ترارو بمعنی کفه ترارو

(بیدل ص ۱۲۳) بالانافه بمعنی مرتب و بدون تعطیل (بیدل ص ۱۲۰)

املائی بعضی کلمات را طوری نوشته که یا اصلاً غلط اسب و یا امروز فرق کرده

اسب :

مسنوی بجای مثنوی (لامع ص ۵۴) بیسه بجای بسه بمعنی بوه و نواده

(عاشق ص ۵۷) بست بجای بیست (ریاض ص ۱۹۲)

بعضی اصطلاحات را خودش درست کرده و بکار برده است .

صائمانه = بطرر صائب (باحی ص ۷۱) طهور یانه = بطرر طهوری (سرخوش

ص ۷۷) هندوستان را بحای هندوستان راده (رسائی ص ۱۸۹ و تمنا ص ۲۴۹) نهایت نهایت

مخطوط گشت = بی نهایت مخطوط گشت (سخا ص ۱۹۵)

بعضی افعال را استعمال کرده که امروزه فرقی کرده است

بر گردید بمعنی برگشت (ناصر علی ص ۲) آرید بمعنی آورد (رجوع شود به حیا -

ص ۱۸۴) نویسانیده = معنی از نوشتن (میراگی ص ۱۰۳ و بیدل ص ۱۱۲ و ۱۲۳)

گاهی جمله‌ای مصوع در معنی «فوت شد» بکار برده است. مثلاً

در دیل سرح حال سالم میویسد از بار عصری سکنوش شد

در دیل شرح حال در سامیویسد بر عجوره شوهر کشد بی اطلاق گفت .

فیضان از این تنگای فانی نصای حاودانی آهنگ نمود

قبول دعوت حق را لیک احاب گفت

همچنین گاهی جمله‌ای مصوع در معنی «متولد شد» بکار برده است مثلاً

در دیل نام بیدل میویسد قدم ساز گاه شهود گذاشت

روی همرفته این تذکره از حیث جامعیت و تحقیق در باره بعضی مطالب راجع

برندگان شعرای حوسب مخصوصاً دفتر سوم این تذکره از حیث اصالت مطالب

سیار مهم است چون مؤلف با اکثر شعرای ملاقات نموده و اکثر اطلاعات را از روی علم

خود آورده است . مؤلف با بسیاری از شعرای معاصر خود از نزدیک آشنائی داشته و بنا

بر این بیانات وی در باره این شعرای مورد اطمینان و بنا بر دش میباشند . مؤلف سال وفات

یا «تاریخ» وفات شعرائی که قبل از تألیف این کتاب فوت کرده بودند آورده است که

بسیاری از آنها در کتب دیگر ذکر شده . همچنین اشعار

حجرت

خلاصه دفتر سوم این تذکره را میتوان جزو بهترین تذکره های فارسی شمرد.

نسخ خطی

الف - ۱ - اندیا آفس ۴۰۲۳ (دفتر اول) ۲ - اشبرنگر ۳۳۰ = برلن ۳-۶۵۲
(دفتر اول و دوم. ناقص)

۳ - مجلس ش ۳-۴ (دفتر دوم ۱۲۶۸ هـ) ۴ - نادلین ۳۷۶ (دفتر دوم)

۵ - دانشگاه لاهور (دفتر دوم - ناقص شامل ذکر ۷۷۵ شاعر ارحامی تا مراد اراری) =

بادلن ش ۷۷۹

۶ - بانکى نور ح ۸ ص ۸۳-۱۱۵^۲ دفتر سوم (طاهر آ ناقص - بخط آراد بنگرامی

مورح ۱۱۸۲ هـ) دیل ج ۱ ص ۱۷۸۶ (دفتر دوم ناقص - ارحامی تا سروری) = بادلین -
۶۳۶ (قرن ۱۹ م).

ب - نسخه «آب آورد» که «دری» در حدود ۱۲۴۳ هـ در شوشتر از روی اوراق

پراکنده و آب حورده دوباره ترتیب و استساح نموده است

۱ - سپه سالار ح ۲ ش ۴۹۰ و ۱۱۱۶ ۲ - ملک بهرا - ۴۳۰۵ (قرن ۱۳ هـ)

۳ - ریو دیل ش ۱۱۱ (۱۲۵۲ هـ) ۴ - مرگری بهرا ۲۶۵۵ (۱۲۴۷ هـ)

۱ - این نسخه در فهرست آته ذکر شده است در استوری ح ۱ ص ۱-۲ که آنجا

استوری علامت I O را شرح داده است

۲ - این نسخه دو قسمت دارد. قسمت اول در «تراجم بعضی مورودان از فصل دوم تذکره

سدراین دلس خوشگو متخلص «میباشد و مشتملست بر ذکر شعرای زیر ۱ - قطرب ۲ - حسینی

۳ - با نام محمد علی اسمعانی ۴ - شاه اسمعیل دیبجی ادیبج ۵ - قدیرا متخلص به عرفان ۶ -

مراد نظام الدین احمد ۷ - سراخا متخلص به نقاش اصهبان ۸ - میرزا محمد طاهر متخلص

به طاهر ۹ - مرزا بدیع الزمان متخلص به اقدس ۱۰ - حاجی عبدالواسع متخلص به اقدس

۱۱ - میر محمد هاشم متخلص به مصوی ۱۲ - محمد ابراهیم متخلص به اصاف ۱۳ - میر حمیل

متخلص به سوری ۱۴ - مرزا اسمعیل متخلص به حجاب ۱۵ - محمد اسحق متخلص به شوکت

بحارائی ۱۶ - محصل کاشی ۱۷ - شعیبا متخلص به اثر و قسمت دوم به وان «قسم سوم» مشتملست

بر شعرای معاصر که مؤلف با بعضی از آنان آشنا بود و در «میان راه» بصیر متخلص به علی، شروع

شده با «مثنوی سربسکه» متخلص به خاکستر، تمام میشود - در این نسخه «هرست اسامی شعرا

در چهار صفحه آمده است.

در این نسخه آقای حسینی باستانی راد
مالک ساق این سحه بعضی حواشی
اصافه کرده است .

چاپ کتاب

دفتر سوم پته ۱۳۷۷ هـ ۱۹۵۸ م باهتمام پرفسور سیدشاه عطاء الرحمن .
برای شرح حال مؤلف رجوع شود به سفینه خوشگو (که در دیل نام برخی شعرا
اشاره هائی کرده که بعضی وقایع زندگی او را روشن میسازد) و مقالات الشعراء حیرت
و گلرعا و مجمع العایس و مخزن العرایب ش ۷۳۶ و اشیر نگر ص ۱- ۱۳۰ و تکملة
الشعراى سوق و سفینه هندی ش ۹۷ و روز روشن ص ۲۰۶ و ادبیات فارسی مین هندوون
کا حصه (اردو) ارد کتر سید عداله ص ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و فهرست ناسکی پور و
و دیباجه انگلیسی و فارسی سفینه خوشگو چاپ پته ۱۵ از پروفسور عطاء الرحمن

فهرست اسامی شعرا

- ۱- دفتر اول- در هیچ کتاب نیامده است
- ۲- دفتر دوم- رجوع شود به نادین ستونهای ۲۱۲ - ۲۳۹
- ۳- دفتر سوم- رجوع شود به ناسکی پور ص ۱۶- ۱۱۵ .

ید بیضا^۱

ابتداء : - بحمد من نظم الاشياء و علم الاردم الاسماء

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف میرعلامعلی متخلص به آراداس و ی سناً حسینی^۲ و اصلاً واسطی

- ۱- در فهرست کتابخانه آصفیه ح ۳ ص ۱۶۲ ش ۱۸۶ اسم این تذکره سدیدقرار آمده
است تذکره ید بیضا موسوم به وصف حیدان
- ۲- آراداسناً اگر در یدیه نگوئیم صحیح تر خواهد بود چون وی از اولاد موتم الاشال
من ید شهید بوده چنانکه در شطور آینه میآید

ووطا بلگرامی دمهیا حبی و طریقه حشی است سمش به موتم الاسمال بن رید
شهید بن امام زین العابدین میرسد چنانکه خودش در باره آن گفته است

گرچه باشد موتم الاسمال عیسی خدمن عیسی جان بخش شیرانم نامداد نفس

آزاد میگوید که معنی «موتم الاسمال» یتیم کسند سیر یحیا است و چون وی
اکثر شکار میگردید در این باره لقب مملکت شده بود هم چنین دیگر حای آزاد نایب امر
که وی را ولادین شهید است اشاره کرده است چنانکه میگوید

مرا به تبعیستم کینب و گمبار سربار چراغ دوده رید شمد روس سد

آزاد روریکه ۳۵ ص ۱۱۱۶ ه قمری در محله میدا پوره در قصه بلگرام

ارتوایع صوبه (استان) اود متواد شد وی برد پیح اسناد تحصیل نمود، اولاً برد

میر طعیل احمد اترو لوی بلگرامی علوم درسی و ثانیاً برد میر عبدالخلیل حدماتری

خود لغت و حدیث و سیر سوی و فنون ادب و ثالثاً بیس میر سید محمد دانی خود

عروض و فوائی و بعضی از فنون ادب و رابعاً ترد شیخ محمد حیات سدهی در مدینه

صحیح بخاری و «صحای سته و سایر مفردات» و خامساً برد شیخ عبدالوهاب ططاوی

در مکه «بعضی فواید علم حدیث» را خواند آزاد در باره سالگی فارغ التحصیل شد

وی در سنه ۱۱۳۰ ه بدست فدوه العارفین میرسید لطباله بلگرامی که در کرس را

در مآثر الکراموسر و آزاد آورده است در طریقه چشمه بیعت کرده و بدان طریقه مسلک
و مر بوط سد

مؤلف بمول خود در تمام عمر سه بار^۴ اروپا به مسافرت خارج روف اول

۱- رک مسجوران ملند فکر (اردو) در دلیل نام آزاد

۲- آزاد و وولف مسجوران ملند فکر سه بار، نوشته بد ولی این در سنه بیست چون سعد

از حج آزاد به اورنگ آباد رفت و از آنجا چندین بار با اتفاق امراش مانند صاه الدوله در ای میر

و سیاحت دکن و شهرهای دیگر رفت اما، اگر گفته شود که روطن خود به مسافرت کرد در آن

صورت این قول صحیح خواهد بود چون ظاهراً آزاد بعد از مسافرت سوم هیچ وقت روطن خود

(بلگرام) مراجعت نکرد.

در ۱۱۳۴ هـ باتفاق میر عظیم‌الیه بیخبر بلگرامی برای دیدن جد مادری خود میر -
 عبدالخلیل شاه جهان آباد (دهلی) رفت و آنجا دو سال اقامت داشته و از صحت جد
 مادری خود استفاده نموده دوباره به بلگرام وطن خود برگشت

مسافرت دوم وی دردی الحجه ۱۱۴۲ هـ اتفاق افتاد موقعیکه وی از راه شام -
 جهان آباد و لاهور و ملتان به سیوستان یا سهوان از بلاد سند در خدمت خال (دائی) خود
 میر سید محمد بلگرامی رفت میر سید محمد مر نور از طرف پادشاه دهلی میر بخش و
 وقایع نگار آنجا بود آزاد روز دهم ربیع الاول ۱۱۴۳ سیوستان رسید. میر سید
 محمد آزاد را برای مدت چهار سال به بیات خود در هر دو خدمت مذکور مقرر کرده
 خودش به بلگرام رفت و بعد از چهار سال به سیوستان مراجعت نمود آزاد در ۱۱۴۷ هـ
 از همان راهی که به سیوستان رفته بود شاه جهان آباد رفت.

در این مسافرت آزاد با حرین در ۱۱۴۷ هـ در شهر بهکر ملاقات کرد و حرین
 برخی اراعات خود را بحظ خود بطور یادگار بوی داد و چون آزاد با عجله سوی
 دهلی میرفت وی حرین را در همان شهر گذاشته خود سوی مرل متصوفا راه افتاد
 هم چنین در حین مراجعت موقعیکه از راه لاهور ساه جهان آباد میرفت باواله
 در ۱۱۴۷ هـ در لاهور ملاقات کرد و هر دو شاه جهان آباد باهم مسافرت کردند بعد از
 ورود به دهلی آزاد در آسپر بکعتنه توفیق نموده سوی اله آباد رهسپار شد و واله
 در دهلی ماند و بعد از آنجا رحل اقامت افکند

چون سایر اعضای خانواده آزاد در آن زمان در شهر اند آباد اقامت داشتند وی
 نیز از دهلی خود راه اله آباد را سبید و در آن شهر سه سال اقامت کرد ولی در این مدت
 دوباره بوطن خود بلگرام رفته و هر بار به اله آباد بازگشت

مسافرت سوم آزاد در رجب ۱۱۵۰ هـ روی داد موقعیکه وی از بلگرام به حجاز
 قصد حج رفت این آخرین مسافرت آزاد بود چون دیگر وی هیچوقت بوطن

۱ - ر ك حراً به عامره ص ۱۹۴

۲ - ایضاً ص ۲۴۱

خود (بلغرام) برنگشت. آزاد وقتی که اراله آباد در سال ۱۱۵۰ هـ به بلغرام رفت شوق زیارت حرمین و اختیار تحرید (ابروا) که از مدتی در قلب وی موح میرد یکبارگی هجوم آورد و در نتیجه وی در سوم رجب ۱۱۵۰ هـ از بلغرام عازم حجاز شد. «سرخیر» سال تاریخ آن (۱۱۵۰ هـ) را می‌رساند.

حالیست که در باره عمر و مقصد خود به هیچکس اطلاع نداد و حتی خویشاوندان و نزدیکان وی بی‌سره‌رور بعد از رفتن وی از این موضوع با حیرت شدند و برادرش تاسه‌میرل عقبوی رفت ولی چون او را هیچ حایات با کام بوطن برگشت علت این بود که آزاد ارراه غیر معروفی رفته بود آزاد تا مالوه مردیک گجرات پیاده رفت. اتفاقاً در آن ایام لشکر نواب آصف‌جاه (۶۱ - ۱۱۱۳ هـ) در مالوه چادر رده بود. یکی از افراد لشکر نواب از آزاد پذیرائی گرمی بعمل آورد

در دوم شعبان (۱۱۵۰ هـ) آزاد در خدمت نواب مر نور حضور بهم رسانیده و رباعی زیر را پیش وی خواند و طی آن از نواب تقاضای کمک نمود

ای حامی دین محیط خود و احسان

حق داد ترا حطاب آصف شایان

او بخت بدرگاه سلیمان آورد

تو آل سی را بدر کعبه رسان

راجع باین رباعی که آزاد صریحاً جهت تملق آصف‌جاه و استمداد از وی سروده

بود در «خرابه عامره» (ص ۱۲۶) چنین توضیح داده است

«در حقیقت نظم این رباعی برای تحقیق مضمون آیه کریمه و علی‌الناس حج -

الیس من استطاع الیه سبیلاًه برای جلب حطام دیوی بوده»

در هر حال ما گفته‌اند که غیر از این رباعی آزاد در تمام عمر خود هیچوقت شعری

دیگر نمدح پادشاهی یا امیری نساخته است

خلاصه نواب مر نور حرج سفر را تا آزاد داد و وی از مالوه به بدر سورت رفت و

از آنجا روز ۲۴ ذوالعده (۱۱۵۰ هـ) سوار کشتی شده روز ۱۸ محرم ۱۱۵۱ هـ وارد بندر جده

تدو آنجا چهل روز توقف نمود و روز ۲۹ محرم وارد مکه شد. چون مکه رسید هجرت مدتی
زیادی بدو وقع حج مانده بود و بنا بر این سه روز در مکه اقامت داشته و بعد از طواف
بیت الله و زیارت عتبات عالیہ بمدینه رفت و عید فطر را آنجا گذراند و روز ۱۴ شوال دوباره
مکه مراجعت نمود و آنجا مناسک حج را آنجا آورد

«عمل اعظم» (= ۱۱۵۲ هـ) تاریخ آنجا آوردن حج را میرساند. چنانکه در سابق
گذشت در مدینه نزد شیخ محمد حیات سدهی صحیح بخاری خواند و سند بصیبه صحاح
سته را از وی گرفت و در مکه پیش شیخ عبدالوہاب طحاوی درس حدیث گرفت

در ربیع الاول ۱۱۵۲ به طایف رفت و بعد دوباره مکه برگشت و در عشره آخر
همان ماه عازم هندوستان شد و در ۳ جمادی الاول در حده سوار گشتی شده در هشت
روز به محال رسید و از آنجا فریارت علی بن عمر شادلی مشرف شد و چهار روز آنجا
توقف نموده روز بیست و نهم در سره سرورہ پیاده شد و روز ۲ جمادی الثانی وارد بصرہ شد
و (بنو اسوری) پنج ماه در بصرہ بود و روایت «سجنوران بلد فکر» روز ۲ جمادی
الثانی سورہ رسید و آنجا پنج ماه اقامت داشت (کذا ظاہر اصحیح بیست) و در ۱۱ ذوالقعدہ
از آنجا حرکت نموده روز ۲۷ آنجا باورنگ آمد و کن رسید «سفر بحیرہ» (= ۱۱۵۲ هـ)
تاریخ مراجعت وی به هندوستان و مهاجرت بدکن را میرساند
در اوزبک آمد از آراد در تکیہ ساه مسافر عجدوانی (متوفی ۱۱۲۶ هـ) رحل
اقامت او کند

در ۱۱۵۴ هـ برای سیاحت حیدرآباد و بیدرزرف و بعد از چند روز دوباره به تکیہ
مربور مراجعت نمود

مؤلف «سجنوران بلد فکر» می نویسد که چون در ۱۱۵۸ بواب نظام الدولہ ناصر-
حسک شہید حاکم حیدرآباد (۱۱۶۱-۱۱۶۴ هـ) از طرف پدر خود بواب آصف حاکم بصرہ
داری (استانداری) اوزبک آباد مأمور گشت وی آراد را در بار خود دعوت نمود و
از وی خیلی احترام و تحلیل نمود و چنان محدود احلاق آراد گشت که وی را مصاحب
و معرب خود مقرر کرده و تا زنده بود هیچوقت او را از چشم خود دور نمیکرد بواب

مربور در شعر از آزاد اصلاح می‌گرفت.

در همان سال (۱۱۵۸ هـ) نواب مربور برای سیاحت و گردش بکرناتک رهسور آزاد را هم همراه خود بر دو باتفاق وی آزاد در عرماه صفر ۱۱۶۱ هـ باورنگ آباد مراجعت کرد. آزاد در همان سال (۱۱۶۱ هـ) به اتفاق نواب به برها پور رفت و چند روز بعد دوباره باورنگ آباد برگشت روز ۱۴ سوال به همراهی نواب مربور بارکات رفت و یکسال و چند ماه در مسافرت بود در همین مسافرت در محرم سه ۱۱۶۴ هـ نواب ناصر خنگ کشته شد و بعد از کشته شدن نواب آزاد ۱۵ رحمادی الاول ۱۱۶۶ هـ باورنگ آباد مراجعت نمود. شمس‌الہ قادری مؤلف «قاموس العلوم» (اردو) مینویسد که آزاد از طرف نواب ناصر خنگ مستمری می‌گرفت اما هیچوقت معامی یا خدمتی را قبول نکرد

در ۹ ربیع ۱۱۷۴ هـ آزاد بدعوت صمصام الدوله شاهنوار خان وزیر اعظم به حیدر-آباد رفت و چند ماه بعد روز ۱۹ ذوالعده دوباره باورنگ آباد مراجعت نمود و چند روز در تکیه ساه مسافر سابق الد کر توقف نمود

در ۱۱۶۷ هـ نواب امیر الممالک صلاحیت خنگ حلف آصف‌جاه حاکم حیدرآباد (۷۵ - ۱۱۶۴) نواب صمصام الدوله را سمت و کاتب خود منصوب کرده و به حیدر-آباد دعوت نمود نواب صمصام الدوله با کمال استیاق آزاد را پیش خود دعوت نمود و چون آزاد به حیدرآباد رسید نواب نظام علیخان آصف‌جاه ثانی (۱۱۱۸ - ۱۲۷۵) بیرونی را مورد تعظیم و تحلیل قرارداد. در ۱۱۷۰ هـ صمصام الدوله معرول شد اما در نتیجه مساعی رفقای صمیمی خود مانند آزاد دوباره بمقام خود برگشت ولی در سال بعد (۱۱۷۱ هـ) ۳ رمضان در نتیجه توطئه‌ای صمصام الدوله کشته شد و سرل وی را بعبارت بردند در این دستور و عارتگری^۱ سحره نامام مآثر الامرات تألیف صمصام الدوله بیرگم شد. اما آزاد بعد از تلاش بسیار موفق شد اکثر اوراق پریشان آنرا پیدا کرده و «حظیه و تمهید» و شرح حال مؤلف و برخی دیگر را اضافه نموده بصورت یک کتاب

۱- برای شرح این واقعه در بهارستان سخن شرح حال مؤلف (صمصام الدوله)

در آورد^۱

سه سال بعد از فوت آصف‌جاه ثانی در ۱۱۷۸ هـ^۲ (۱۸۵۹) آراد ناورنگ آباد مراجعت
نموده در باره در تکیه شاه مسافر مدکور در گوشه عزلت و امر و اشست و بنیه رندگی
خود را هماجا بسر آورد

آراد در خرابه عامره تألیف ۱۱۷۷ هـ (ص ۱۲۵) می‌نویسد چند بار به تمامای اطراف
ملك دکن بر حاستم اکنون (در سست و سه سالگی) در دارالامن اورنگ آباد
گوشه گیرم

بقول مؤلف «سخنوران بلند و کر» آراد در سال ۱۱۹۵ هـ در «روصه»^۳ (خلد آباد)
در اطراف مرار شاه نرهاں الدین غریب قطعه‌ای زمین را خریداری نموده و اسم آنجا را
«عاقبت حانه» گذاشت و آنجا قبری برای خود درست کرد سپس ضیافت بر رگی
ترتیب داده بعضی از مشایخ و شعرا و امرا را دعوت نمود و بعد از صرف عدا بنهمه مهمانان
دستداد و گفت «این ضیافت تو دیعی بود هدا فراق بینی و بیگ»^۴ بعد از آن تا دم

۱- بسیاری از نسخ این کتاب که آراد ترتیب داده و دارای شرح حال ۲۶۰ تا ۲۹۰ نفر
میداشد در بعضی کتابخانه‌ها موجود است ما گفته‌ایم که چندی بعد در ۱۱۹۴ هـ مصمم الملك
میر عبدالحی فرزند مصمم الدوله این کتاب را دوباره ترتیب داده و عده امرای مدکور این کتاب
را تقریباً ۷۳۰ نفر رسانید این کتاب در کلکته در سال ۹۱ - ۱۸۸۲ م در سه جلد طبع
رسیده است

۲- در «محبوب الرحمن» (ازدو) سال ۱۱۶۸ هـ ذکر شده است

۳- روصه یا خلد آباد بمسافرت میل از دولت آماد واقعست برای شرح معصل
این گورستان بزرگ که قبر اورنگ زیب عالمگیر و اموال حسن قطب شاه و آصف‌جاه و بعضی
سلاطین احمد نگر و عده یادی از عرفای مبروف آنجا است رجوع شود بکتاب «آثار مهم
تاریخی دکن» (انگلیسی) - تألیف هیکه چاپ اله آباد ۱۹۰۷ م صفحات ۸-۵۶

(Historical Landmarks of the Deccan - T W Haig -
Allahabad, 1907)

۴- اصل عبارت در تذکره «سخنوران بلند و کر» در بیان اردو بدینقرار است به وداعی
ضیافت تهی - هدا فراق بینی و بیگ .

مرگ در گوشه عزلت نشست

پنج سال بعد از صیافت مر بور در سه ۱۲۰۰ هـ^۱ سن ۸۴ سالگی فوت کرد
شاعری تاریخ وفات وی را چنین گفته است «آه علام علی آراد»^۲ (= ۱۲۰۰ هـ)
وحیدالدین اشرف صدر «بحر دحار» مینویسد که آراد در ۲۱ ذوالقعدة سال ۱۲۰۰ هـ
فوت کرد و در «روضه» یا «حلد آباد» دفن شد^۳ و مؤلف «تایح الافکار» مینویسد
که وی در «روضه» پائین مراد حضرت حسن دهلوی مدفون شد
اینک عقاید و آرای تذکره نویسان و دیگران درباره اخلاق و پایه علمی آراد
بعل میشود

تقریباً همه تذکره نویسان معاصر آراد بعلم و فضل او اعتراف کرده اند آرزو
در «مجمع النعایس» تألیف (۱۱۶۳ هـ) مینویسد که آراد مردی عالم و فاضل است و صحیح
رفته و چند وقت است که در اورنگ آباد اقامت دارد و صوبه داران (اسانداران) دکن
در تعظیم و توقیر (احرام) وی میکوسند و خدمت او را برای خود سعادت محسوب
میدارند بامن اخلاص و آشنائی غائبانه دارد و بوسیله حواله سستی یکبار اشعار
و شرح حال من را خواسته و بار دیگر اشعار و شرح حال خود را فرستاد گویند
تذکره السعرائی^۴ نوشته و در این ایام در آن تحدید نظر مینماید

حاکم در «مردم دیده» (تألیف ۱۱۷۵ هـ) مینویسد که وی آراد را فریب ندهی سال

۱- شفیق در «چمستان شعراء» (اردو) مینویسد که آراد در ۱۱۵۲ هـ وارد اورنگ آباد شد
و هفت سال را در تکیه پادشاه مسافر سر برد و روی هم رفته چهل و هشت سال از عمر خود را
در دکن سر برد و هماغاه فوت کرده و در حلد آباد مدفون گشت (رک «چمستان شعراء» چاپ
انجمن ترقی اردو، ص ۴)

۲- رک «سجودان بلند فکر تحت نام آراد»

۳- رک «سجده بحر دحار» متعلق به دوره بریتانیا ص ۳۱۵ که در فهرست ریو ح ۳
ص ۹۷۶ ذکر شده و ریو درباره این مطلب در ح ۱ ص ۳۷۳ اشاره کرده است

۴- مراد «دید بیضا» تذکره مورد بحث است*

پیش^۱ در خدمت شاه آفرین لاهوری استاد خود در لاهور دیده بود و هنگامیکه بقصد زیارت حرمین در اواخر رحب (۱۱۷۵ هـ) به اورنگ آباد رسید چندین بار بخدمت آراد رسید اما چون (حاکم) عزم مسافرت بحجاز داشت بیش از سه چهار روز در اورنگ آباد توقف نمود و سپس چون در ۱۵ جمادی الاول بعد از حج باورنگ آباد مراجعت نمود مکرر بخدمت آراد میرسید^۲

سپس مینویسد که همه اعضای خانواده آراد اهل فضل و کمال بوده اند و آزاد دیوانی دارد عربی که من از فهم آن قاصرم عربیات فارسی وی خیلی شیرین است. تدکیره های یدبصار حرا به عامره^۳ بی تصع (است) و از بسیاری ارتدکیره های دیگر گوی سفت برده با این همه علم و فضل هیچ غرور و تکبر ندارد نامردم با کمال تواضع و گشاده پیشانی رفتار میکند و عرا و فقر را مرهون احسان خود میسازد چند نسخه ارتدکیره خود من و نورالعین واقع لطف کرده اس و از ما مرتب پذیرائی کرده و ما را ممنون و مرهون مروت و حسن اخلاق خود میگرداند تا سال تحریر (مردم دیده) که یکبار او و یکصد و هفتاد و پنج حجرست در همین شهر (اورنگ آباد) بحوبی و حوشی میگرداند و جمیع اکابر اعم از صونه دار (استادان) و مرتبه داران دیگر و عموم مردم همه معتقد کمال و اخلاق این عزیز برتر گنمیباشد^۴

هیگ در کتاب «آثار مهم تاریخی دکن» (انگلیسی) در صفحه ۵۸ در باره معروفیت آراد بعد از مرگ او چنین مینویسد «صیت و شهرت علم و فضل این شاعر (آراد) نااندره ایست که والدین بجهه های خود را بمر از وی میرسد تا آنها دانه ای

۱- حاکم آراد را در ۱۱۴۷ هـ موقعیکه او از سیستان بطرف دعلی میرمت و چندی در لاهور توقف نموده بود دیده است (ر. ک مسافرت دوم مؤلف در سطور قبل)

۲- ر ک «مردم دیده» ص ۳۴

۳- از این معلوم میشود که حاکم حرا به عامره تألیف ۱۱۷۶ هـ را قبل از اتمام آن

در ۱۱۷۵ هـ دیده بود

۴- ر ک «مردم دیده» ص ۳۴-۳۵

قدر اقبالهای خود از قبر بردارند و در نتیجه هم صاحب صدوق علم شوند و هم صاحب توفیق
و استعداد برای تحصیل آن^۱

همچنین ولیام چمبرز^۲ درباره «خرانه عامره» مقاله‌ای برپا انگلیسی در
«آسیاتیک میسلانی» نوشته است که ترجمه قسمتی از آن به قرار زیر است
«مؤلف (یعنی آزاد) . امروز در اورنگ آباد در قید حیات است و آنجا
بعد از چندین سال که در مشاغل ادبی و مسافرت‌های بی‌نهایت دور و دراز گذرانده با کمال
احترام و با اندازهای باشا و شکوه زندگی میکند و سن وی به شاد و بنح رسیده است
نظام جدید (حیدرآباد دکن) دو باره خصوصاً برای ملاقات وی بآن شهر آمده است
اینجا نام سبزه‌ای از نامهای دارم که عاری‌الدین معروف بنام وی (آزاد) سال
۱۷۷۵ هـ (= ۱۲۰۰ هـ) نوشته است و طی آن نامه عالی‌ترین مراتب احترام را
بآزاد تقدیم داشته است کتاب مورد بحث (خرانه عامره) را وی
در آنجا سن تسب و یک سالگی تألیف نموده است غیر از این کتاب، وی چندین
کتاب دیگر را به نثر و نظم نوشته است از جمله چنانکه خود در عاری‌الدین طی
حوال نامه فوق می‌نویسد عده اشعار عربی و فارسی به چهار هزار و سیصد و هشتاد
هزار و سیصد بالغ می‌شود و همچنین در آن نامه اعتراف می‌کند که وی به تعداد هر دو نوع شعر
(عربی و فارسی) دائماً می‌فراید در حالیکه سن وی در آنوقت از هفتاد سال تجاوز
کرده بود

۱- اصل عبارت انگلیسی به قرار زیر است

"The fame of the poet's learning is such that parents take their children to his shrine in order that they may by picking up with their lips a piece of sugar from the tomb obtain both a taste for knowledge and the ability to acquire it "

(Historical Landmarks of the Deccan - T W Haig - Allahabad, 1907).

William Chambers-۲

«امام مؤلفات تاریخی وی (مثلاً بیوگرافی‌های یوانان و امرا و غیره که در حرانه عامره آمده‌است) برای حواسدگان اروپائی حرو و نادرترین و نادرترین آثار وی می‌باشد و نیز دارای این مریب خاصی هستند که وی اکثر وقایعی را که بیان می‌کند بحسب خود دیده‌است و خودش بکسرر هائیکه صحبه این وقایع بوده مسافرت کرده‌است و در موقع مطالعه این اقتناسات که ناخجله و بدون تعمق گل چینی شده است^۱ - مراتب فوق را نباید مخصوصاً در نظر داشت چون این اقتناسات بعضی حریات را روشن می‌سازد که انگلیسها و فرانسویها در دو با آن مر بوط هستند و بیانات هر دو نشان راجع باین حریات در بعضی موارد بهم تفاوت داشته‌است»^۱

اما ابوطالب حان ترییری اصفهانی مؤلف «خلاصه الافکار» تپا تدره بویسی است که بر آراد تاخته و وی را ساد انتقاد کشیده‌است و حتی او را مورد تمسخر فرار داده‌است وی در تدره خود در دلیل نام حاقانی در فصل ودانش آراد مخصوصاً (در سایر فارسی دانان هندوینا کستان عموماً) انتقاد کرده است و در دلیل حکایتی^۲ به پیر حاقانی که بحاقان نوشته بود

پیر^۳ یا وساقی که در برش گیره

(وسق معنی برستین و وساق بضم اول علام آورد را گویند) و حاقان متعیر گشته که چرا هر دو را بحواستد و حاقانی مگس را مروه‌ال کندد برد حاقان فرستاد که گناه من بیست گناه ایست یعنی من «و وساقی» نوشته بوده اما مگس قضا تداخته «نا» را «یا» ساحت در اینجا مؤلف خلاصه الافکار می‌نویسد «عیر علامعلی آراد بلگرامی در این معام اظہر تعجب می‌کند که چرا حاقان از جهت علام مردم حواست بر سعید مؤلف گویند این سه سبب کم سعی از او صانع مرده ولایت (ایران) وی را رو داده چه در زمان قدیم کبیر و علام خود حرو خلعت و مرحمت دستور بوده والی الان هم اعمره تمام ولایتنا وسلاحین و امرای خود بش

۱- ر ك آسيا تيك مسلاى ح ۱- كلكنه ۱۷۸۵ م صفحات ۷-۴۹۶

۲- Asiatick Miscellany - vol 1 - Calcutta, 1785, pp 496 - 7

بی تکلفانه زندگی میکنند و از عاداتی که متأخرین تیموریه در هند رواج داده‌اند که سایر خلق سلوک عدیت، با اکابر نمایند رعایت دوراند و حق اینست که بسیار قبیح است که در مواضع خاص اکابر امتوسلان خویش ادب عامیانه توقع کنند» سپس ابوطالب مینویسد:

« و ایضاً (آراد) معاللات هر لیه را سگ پیدا شده و مضمون این بیت کلیم را میستاید:

گر هجو بیست در سخن من عصب مدار حیث آیدم که ره در آب بقا کم
غافل از اینکه هجو حربه و واسطه عرت شاعر است چنانکه آلت شمشیر باعث
هیبت سپاهی (سرباز) است و دلیل لطف و قوت طبع اوست^۱ - اعظم شعرای سلف عدم
آبرائاتفاق نقص میدادستند و متأخرین سبب عجز طبع عدری پیدا ساخته»
و سپس مینویسد

« و نیز عجیب تر از این هر دو اینکه از امثال این تشبیهات که در این اشعار واقع شده و در اوین استادان از آن پر است دقیق آن گاهی (هیچوقت) شنیده نشده بود چون این شعر و حید

شاعران جان از برای شعر فهمان میکنند دختر هر کس و حیه افتاد معت شوهر است
بریر بار تو سعدی جوهر نگل مانده است

و این مصرع عرفی: حون حیص دختر در حوش دار لپهای من

و این ابیات حکیم مسطور

چون هما اندک خور و کم سهوتم دانند و من

چون حروس دانه حین رأی شهوت پرورم

گر ر مردی دم ریم ای شیر مردان مشوید

زانکه چون حر گوش گاهی ماده و گاهی برم

۱- همچنین مؤلف و حلامه الافکار، درباره هرل در دیلم بوق الدین پردی مینویسد

هرل بهریکی از هون عشره شعر بلکه اصص طرق و محك امتحان قوت طبع شاعر است».

بیر خیرت میسر ما یدو تقبیح میکند و از این معنی بوضوح میپویند که آن اسفار و احتلاط با عرب و عجم دهقیت (دهقاییب) ایشان را یکباره رایل ساخته بود و السلام»

آثار مؤلف

سید شمس اله قادری آثار آراد را در «قاموس العلوم» (اردو) ح ۱ ستوهای ۵-۳۳ و سید و حاجت حسین در محله انجمن آسیائی نکال سال ۱۹۳۶ ص ۳۰-۱۲۳ (آثار اردو) و پرو کلمان در «دیل» ح ۲ ص ۶۰۰ (آثار عربی را) ذکر نموده اند

(الف) آثار فارسی مؤلف

۱- دیوان (رحوع شونده سححه المرجان) - برای نسخ دیوان رحوع شود به اسپرنگر ۱۴۶ و بانکی پور ح ۳ ش ۴۲۳ و آته ۱۷۲۲ و ایوانو - کردن ۶ - ۳۰۴ و مدراس ۷۵ (ح) (منتخب) و آصفیه ح ۳ ص ۲۸۸ ص ۸۳۰ (منتخب) چاپ حیدر آباد (بدون تاریخ) در دو جلد - ح اول ۶۰ صفحه و جلد دوم ۶۱ دارد - بیر رحوع شود کار اتای ص ۸۲

۲- مثنوی در حواص منوی میر عبدالخلیل نلگر امه - برای سحر رحوع شود ح ۳ ص ۶۳۲

۳- مثنوی سرای عشق - برای سححه سو رحوع دبه علیگر - دحا ص ۴۳ ص ۹۰

۴- سدة السعادات فی حسن حاتمة السادات (رحوع شونده سححة المرجان - ص ۱۲۳) برای نسخ رحوع شونده آصفیه ح ۲ ص ۱۳۴۶-۳۷۲ و ح ص ۶۶۲ ش ۱۰۱ و آته ۲۶۷۰ - نقول شمس اله قادری در مثنوی در ۱۲۸۲ هـ چاپ سد

۵- عر الان هند - (اسم تاریخی = ۱۱۷۸ هـ) ترسمه فصل ۳ و ۴ سححة المرجان بر مایش عبدالقادر مهربان 'ورنگ آادی و لجهمی بر این شقیق اورنگ آادی که اردفقای مؤلف بودند برای نسخ رحوع شونده آصفیه ح ۱ ص ۱۶۸ ص ۱۶۴ و برلر ۱۰۵۱ و آته ۲۱۳۵ و بد بر احمد ۱۳۱۰

۶- شجره طیبہ در شجرہ ہا و شرح رند گانی شیوخ بلگرام - برای نسخ رجوع
شود بہ آصفیہ ج ۱ ص ۳۲۲ ش ۳۵ و ح ۲ ص ۱۷۷۸ ش ۲۱۴ .

۷- روضۃ الاولیاء - تألیف ۱۱۶۱ھ مشتمل بر شرح حال دہ عارف صوفی است کہ
در جلد آبادیاری و صہ نزدیک دولت آباد دفن هستند با «العرب الہنسوی» شروع شدہ با «آراد»
(مؤلف) تمام میشود برای نسخ رجوع شود بہ آصفیہ ح ۱ ص ۳۲۰ و ح ۳ ص ۱۶۴ و اتہ
۶۵۵ چاپ اورنگ آباد ۱۳۱۰ھ

۸- مآثر الکرام (فی) تاریخ بلگرام - در ۱۱۶۶ھ تمام شد و شامل دو فصل
است. فصل اول شامل ذکر ہشت ہزار «فقرا» بلگرام و اطراف آن و فصل دوم شامل
ذکر ہفتاد ہزار «فصلای» بلگرام و اطراف آن است - برای نسخ رجوع شود بہ آصفیہ
ح ۱ ص ۳۴۸ ش ۱۰۵ و اتہ ۶۸۲ (کہ مؤلف ہر چہ چار د حاسن در ۱۷۸۵ م فرستادہ
بود) و ریورح ۳ ص ۹۷۱ الف و بانکی یورح ۸ ش ۷۲۳ و برلن ۶۰۳ (تنہا فصل دوم
دارد - فہرست اسامی این فصل در فہرست برلن آمدہ است، رجوع شود بہ ص ۸-۵۶۷).
چاپ حیدرآباد ۱۹۱۰ م با مقدمہ مولوی عبدالحق

۹- ید بیضا - تذکرہ مورد بحث

۱۰- سروآراد - تذکرہ دیگر مؤلف (۱۱۶۶ھ)

۱۱- حرانہ عامرہ - تذکرہ سوم شاعر (۱۱۷۶ھ)

انتقاد بر آثار فارسی آراد

۱- سرایف عثمائی تألیف غلامحسین صدیقی بلگرامی کہ مؤلف آن برای اصلاح
«اشتہات» مآثر الکرام و سروآراد نوشته است - برای نسخ رجوع شود بہ ایوانو
۲۷۷ و اندیا آفس ۳۹۱۳ و آصفیہ ح ۲ ص ۱۶۴

۲- تحقیق السداد فی مرلات الازاد تألیف محمد صدیق سحور عثمانی
بلگرامی کہ در ۱۱۶۷ھ تألیف شد و طی آن مؤلف ہر مآثر الکرام و سروآراد انتقاد
کردہ و بر سبک و سحرآراد را ساد انتقاد گرفتہ است - برای نسخہ آن رجوع شود
بہ ایوانو ۳۹۷ .

در حواص این کتاب عبدالقادر سمرقندی دهلوی کتابی نام «تأدیف الزندیق فی تکدیف الصدیق» نوشته است - برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو ۳۹۸.

(ب) آثار عربی مؤلف

- ۱ - ضوالدراری - تفسیر صحیح بحاری تا آخر کتاب الرکاة (رجوع شود به نسخة المرحان ص ۱۲۲) نسخه این کتاب امروز در هیچ کتابخانه پیدان نیست .
- ۲ - نسخة المرحان فی آثار هندوستان - در ۱۱۷۷ هـ تألیف کرد شامل چهار فصل . فصل اول^۱ در اشاراتی که در قرآن و حدیث رسول درباره هندوستان آمده است و فصل دوم^۲ فی تراجم العلما و غیره و فصل سوم فی محاسن الکلام و فصل چهارم فی بیان المعشوقات والعشاق در پنج مقاله - برای نسخ رجوع شود به ماچستر فهرست عربی ۳۹۲ و مدرسه کلکنه ص ۶۷ ش ۸۸ و ریو ح ۳ ص ۱۰۲۲ ب و ۱۰۵۵ ب (بعضی قسمتهای کتاب) - چاپ بمبئی ۱۳۰۳ هـ .
- ۳ - دیوان^۳ - در نسخة المرحان در ذیل آثار خود که در ص ۳-۱۲۲ آورده است آزاد دیوان عربی را که شامل سه هزار بیت بوده ذکر کرده است بقول شمس‌انہ قادری مؤلف قاموس العلوم (اردو) این دیوان متجاوز از سه هزار بیست و دو در ۱۳۰۰ هـ در حیدرآباد در چهار جلد چاپ شده است - در فهرست آصفیة و نسخة خطی و یک چاپی «سه نسخه» (ح ۹) ذکر شده اما سال، محل، چاپ ذکر نشده است
- ۴ - دیوانهای زیر آزاد را ذکر کرده است

۱- این کتاب سابقاً بطور مستقلی نام شاعة العسری الیهدی من سیدالشر تألیف شده

بود - برای نسخ رقم آصفیه ح ۳ ص ۲۵۸ ش ۸۵۳ و ۸۵۷ و ۸۵۹ -

۲- فصل اول و دوم این کتاب را سید شمس‌الدین بن شاه و اربت علی حسنی احسینی نقاشی

در سال ۱۲۸۶ هـ بمایش راجا سارس مهاراج ایساری (ایشوری) پرشاد در زمایکه مترجم در خدمت راجای مرینور بوده برمان فارسی ترجمه کرده است

۳- آزاد در حواص عامره (ص ۱۲۵) مینویسد که دیوان عربی وی سه هزار بیت دارد

و اینکه «دیوان فقیر (مؤلف) در حرمین شریمین و ملاذیم و مصر مشهور است»

۴ - د ک Dictionnaire encyclopedique de bibliographie

arabe - Sarkis

۱ - **الديوان الاول** که در ۱۱۸۷ هـ با تمام رسید و در کتب العلوم پرس حیدرآباد چاپ شد .

۲ - **الديوان الثاني** در لوح محفوظ پرس حیدرآباد دکن چاپ شد

۳ - **الديوان الثالث** در کتب العلوم پرس حیدرآباد دکن چاپ شد

همچنین دیوانی بنام «السبعة السیارة» را مؤلف در ۱۱۷۶ آغار و در ۱۱۹۴ هـ با تمام رسانیده است. نسخه آن بخط مؤلف در کتابخانه یوان نورالحسن لکهنو موجود است. نقول سیده منول احمد صمداسی مؤلف حیات حلیل (ح ۲ ص ۱۷۵) یادداشت (ش ۱۳۹) مستحبات این هفت دیوان بنام «مختار دیوان آزاد» در آسی پرس لکهنو د ۱۳۲۸ هـ چاپ شده است

دیوان ناسع و عاشر (نهم و دهم) آزاد در دحیره سخن اله در علیگره (ص ۱۲۶) موجود است

در فهرست علیگره (سخن انه ص ۱۲۶) و آصفیه ح ۱ ص ۶۹۶ و راه پور فهرست عربی ح ۱ ص ۵۸۶ تنها «دیوان آزاد» بلگرامی ذکر شده است

۴ - **مظہر المركبات** - مشوی در هفت دفتر - اول آن در ۱۱۹۴ هـ تمام شد و دوم و سوم و چهارم آن در ۱۱۹۵ هـ تمام شد و نقیه آن تاریخ ندارد - نسخه آن بخط مؤلف در آصفیه و خود اسب (رجوع سوده قاموس العلوم ستون ۳۶) ویر برای نسخ رجوع شوده ما بحسب فهرست عربی ۴۸۱ الف و در سس فهرست عربی (۱۹۰۸ م) ۵ - **شفاء العلیل فی اصلاح کلام ابی الطیب المتنبی** - نسخه آن در کتابخانه سید علی حسین بلگرامی در حیدرآباد دکن و خود اسب رجوع سوده بند بر احمد محله احمد آسیانی سال ۱۹۱۸ ص ۱۲۳ (CXXIII)

۶ - **شکول** - برای نسخ خطی رجوع سوده آصفیه ح ۳ ص ۶۴۲ س ۲۴۲ (اساساً بخط مؤلف) و ش ۲۶۱

۱ - نسخه ای چاپی آن در علیگره موجود است رک دحیره سخن اله کتب چاپی ص ۲۵ و آجاسال چاپ ۱۲۸۷ هـ ذکر شده است

تیسرہ بر کتاب

این تذکرہ مشتملست بر دگر پانصد و سی و دو^۱ شاعر متقدم و متأخر ترتیب
الفا از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر و با «افضل الدین محمد کاشانی»^۲ شروع
شده با «میر محمد یوسف بن میر محمد اسرف (بلگرامی)» تمام میشود
در مقدمه کتاب مؤلف غیر از حمد و نعت و سب کتاب بحث مختصری در باره
آغار شعر فارسی آورده است

در مورد سب تألیف کتاب در مقدمه همین توضیح میدهد راقم این کلمات گرامی
سید اعلام علی بن سید یوحا حسینی واسطی بلگرامی اکثر احوال در آئینه خیال منطبع
میشد که مجموعه آراستہ شود متضمن اخبار و اشعار شعراء و حال و قدماء صاحب قال تا
در سه تلث اربعین هجری عربیت سده از بلاد هند بدیارسند بمحروسه سیوستان صابہ الہ
عن طوارق الرمان اتعاق افتاد استقامت این مقام فی الحملہ فرصتی دست داد لا حرم
آن تمای حفته بیدار گردید. سامان تدوین از کتب و دواوین متقدمین
و متأخرین که در کتب خانه وطن بہمہ جہت ہمراہ بود از این راہ ساعد مقصود
بر طبق خواہش حلوہ نموی نمود اما بہر کیفیت عطلت وقت داعی شد کہ بقدر امکان
طرح ایکار ناید اداخت و مائده ما حصر مہیا ناید سا حبت۔ گر بسوی قلمی می تراش۔
پس در واسط سه خمس و اربعین و ہایة و المتعینا ہمب با فتم قریب یکسال کار کردہ و
ولمعه بوری ارتحلی گاہ سخن بدست آوردہ

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر نہ را را مختصر ا ماد کر شعرا ی معروف ما سدا نوری
و حاقانی و سائی عربوی و غیرہ را بسہ مفصل آورده است غالب شعرائی کہ دگر آنها

۱۔ از روی سحہ آقای محمد ابراہیم در گری یاسین پاکستان تعد! د شعرا ۱۳۳۹ (ہرار
و سیدوسی و سی و نہ) و سپس اسم بیست (۲۰) ہر شاعر کہ «تحلیصاں در کتاب تذکرہ الشعرا
بمعرض قلم بیامدہ» ذکر شدہ و سائر این عدہ تمام شعرا ی این تذکرہ بالغ بر ۱۳۵۹ میباشد۔

۲۔ در سحہ آقای محمد ابراہیم اسم شاعر اول این کتاب «ابوالحسن قنیداجی» ذکر

در این تذکره آمده است ارتعراي مسأخرين بودند و اکثرشان معروف نبودند
سكاشاي مؤلف عالماً ساده است اما گاهی کلمات عربی را سکار برده است

صح خطی

- ۱- اشپرنگر ش ۱۳ .
- ۲- بانکی نور ح ۸ ش ۱۲۶ (قسمتی بخط مؤلف)
- ۳- اندیا آفس ۳۹۶۶ (ب) (۱۱۸۷ هـ)
- ۴- آصیہ ح ۳ ص ۱۶۲ س ۱۸۶ و ش ۱۵۵ (تذکره «صح حدان» یعی «ید بیضا»)

۵- کتابخانه شخصی آقای محمد ابراهیم در گرهی یاسین (سند) با کسان عربی
برای شرح حال آزاد بلگرامی - رجوع سود به ید بیضا (۱۱۴۸ هـ) و روضة الاولیاء
(۱۱۶۱ هـ) و آثار الکرام (۱۱۶۶ هـ) و سرو آزاد (۱۱۶۶ هـ) و حرا به عامره (۱۱۷۶ هـ) و
سحة المر حان (۱۱۸۷ هـ) و جمع العباس آرو و مردم دیده حاکم لاهوری ص ۳۴-۳۵ و
ریاض السعرا و سفینه حوسکو و گل رعنا و چمنستان شعرا (اردو) و صحف ابراهیم ش ۱۹۹ و
حلیة الافکار ش ۴۱ و آرایس محفل و سایح الافکار و ولایت محباء ارحمن سلطبی
آسیائی سگال ح ۹ و روح ۱۸۵۸ ص ۳-۱۵۰ و گارس دتاسی ح ۱ ص ۲۵۹-۲۶۰
و آسیاتیک مسیازی (انگلیسی) ح ۱ ص ۸-۴۹۷ و آثار مهم تاریخی دکن (انگلیسی)
تألیف هیگک حاب اله آباد ص ۵۸ و حدایق الجمیة (اردو) تألیف مقبول احمد صدیقی
چاب اله آباد ۱۹۳۹ م ح ۲ ص ۷۷-۱۶۳ و قاموس العلوم (اردو) تألیف شمس اله
قادری و ص ۱ اول حاب حیدر آباد ۱۹۳۵ م ستونهای ۳۲-۳۵ و فهرست دانشگاه بمبئی
۲۰۰-۲۰۳ و آزاد بلگرامی (مقاله نا انگلیسی) ارسید و حاجت حسن (که در مجله اخبار
سلطبی آسیائی سگال سلسله سوم (مکتوبات) ح ۲ سال ۱۹۳۶ م ص ۳۰-۱۱۹
حاب سده است) و پرو کمان دبل - ح ۲ ص ۶۰۰-۶۶۱ و محبوب الرحمن تذکره سعراي
دکن (اردو) حصه (حرو) اول ص ۶۴-۴۵۴ تألیف مولوی ابوتراب محمد عبدالحار

(۳) این سح در فهرست اتذکر شده است ر ك استوری ح ۱ ق ۱ ص ۲۶۱

خان صوفی لکناپوری مراری حیدر آبادی حایب طمع رحمانی ۱۳۲۹ھ و سحروران
بلذکر (اردو) و استوری ج ۱ ص ۸۵۵-۸۶۶

فہرست اسامی شعرا

فہرست اسامی شعرا ایں کتاب در ہج فہرست کتابخانہ یا کتاب دیگری
نیامدہ است امدار ابتدای سجدہ حطی متعلق بکتابخانہ آقای محمد ابراہیم فہرست
اسامی شعرا ہم ذکر شدہ است

تذکرہ ذنوت

ادندا درای فصاحت پیرا صابعی را سراسر کہ دندان سین سخن

شرح حال و آثار مؤلف

اسم مؤلف در کتاب لمی فطرت طہاء اللہ متخاصر بدذرت دہ لکھنؤ داسور خان

است

آر مؤلف مذکور است

۱۔ آئین عطا - فرہنگی کہ ۱۷۹۰ء بعد از دہشت سال رحمت سال ۱۱۶۲ھ

نامام رہ بیدہ است - درای سجدہ رجوع مجدد ۱۰ دیا آفیس ۱۵۱۵س ۲۵۱۵

۲۔ کلیات ذنوت - درای سجدہ رجوع مجدد ۱۰ دیا آفیس ۱۵۱۵س ۱۶۹۵

تمصرہ بر کتاب

ہو اب ادب ذکر - سال ۱۲۵۹ھ (- ر ۱۰) سنطہ مجددہ (تألیف نمودہ

۱۔ این تذکرہ مسلسل در ذکر شعرا می باشد و صاحب آن در «مزدوہ حمن» مذکور

۱۔ حمن اول مستملست در ذکر شعرا می باشد و از رودکی تا عم رہ

۲۔ حمن دوم - مستملست در ذکر شعرا می باشد و از میر تقی میر تا

ادب و شوق سحری

و « هفت گلشن » مشتمل بر دگر شعرائی از قرن پنجم تا یازدهم
(هر گلشن برای یک قرن) و یک « حدیثه » یا حاتمیه در دگر شعرای معاصر از قرن دوازدهم

نسخه خطی - رجوع شود به اتش ۶۷۶ (ناقص الاحراست و تنها تا گلشن سوم

دارد - گلشن اول و دوم در این نسخه جدا شده و مشتمل است بر دگر شعرای قرن ۵ و ۶
از عصری تا جمال الدین عبدالرزاق و گلشن سوم مشتمل است بر شعرای قرن ۷ از کمال
الدین حلاق المعانی شروع شده و دفعه با جمال الدین تمام میشود - این نسخه تنها
بر گهای ۳۲ تا ۷۱ دارد صفحه ای ۱۷ سطر و ۴ سطر در حاشیه)

شرح حال مولف : در هیچ کتاب دیده نشده است

فهرست اسامی شعرا در هیچ کتاب ذکر نشده است .

گلدسته

ابتدا : بسم الله الرحمن الرحيم و نه ستعین من كعبه عرفان انتحاب عرفات
العارفين (العاشقين) تصنیف میر تقی الدین حسینی دفاقی بلیانی که به موجب حکم
پورالدین محمد جهانگیر پادشاه تذکره الشعرا بعلم آورده .

انتخاب کننده

اسم انتخاب کننده این کتاب عبدالوهاب عالمگیری است و اسم پدرش سید
مصور حان است عبدالوهاب نوه سید دلآورد حان و سیره عیاش الدین حان بن حمله الملك
اسلام حان مشرفی است

تصنیف بر کتاب

اوحدی بغداد تربیت تذکره عرفان العاشقین خلاصه ای از آن تذکره نام
« کعبه عرفان » صاحب و سپس به موجب امر جهانگیر شاه خلاصه کعبه عرفان را نام
« ادب کعبه عرفان » تربیت داد و آنرا سه رکن قسمت کرد جنبی و منافی و دیانی

که ترتیب شامل ذکر شعرای متقدم و متوسط و متأخر بود .

گلدسته مجموعه‌ایست منتخب از « انتخاب کعبه عرفان » که عبدالوهاب عالمگیری سال ۱۱۵۵ هـ ترتیب داده است و اسامی شعرا را به ترتیب العبا آورده است

ان کتاب با « شروع تنده نامیرا یوسف‌خان تمام میشود مؤلف در آخر کتاب شرح حال مختصری از خیام با مجموعه بعضی رباعیات او ترتیب العبا (غیر از رباعی اول) آورده است سپس مجموعه اشعاری تحت عنوان موضوع‌های مختلف آورده است. این عوامها نیز ترتیب العبا است

نسخه خطی : بانکي پور ح ۸ ش ۶۹۲ (قرن ۱۸ میلادی)

برای شرح حال عبدالوهاب عالمگیری رجوع شود به گلدسته و استوری

ح ۱ ص ۸۱

فهرست اسامی شعرا: در هیچ کتاب ذکر نشده است

بهارستان سخن

ابتدا

« طراوت بهارستان سخن تا بیاری ستایش حرف آفرینی است که عدلیب ناطقه زانه ترانه خوش بربائی سخن مترجم صاحب و نصارت سندان سرای کلام نه سالی فصیح بیابیب که گلدسته کلمات معجز سمب وی حدایق مسامع گوش مستعان هدایب توامان را شمراست سعادت انسان »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب میر عبدالرزاق ملک به صمصام الذوئه است اصلش از

خواجه نسب و حد بررگش میر کمال الدین در زمان آکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ)
بهند آمد و در سلطه ملایزمین وی مسلک شد

پسر میرک حسین در زمان جهانگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ هـ) در خدمت
در گاه سلطانی بود و سر میرک حسین نام میرک معین الدین ملقب به امامت، خان
در زمان شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ هـ) به منصب عالی مفتخر بود و در زمان اورنگ
زیب عالمگیر (۱۰۶۸-۱۱۱۹ هـ) دیوانی لاهور و ملتان و کابل و کشمیر سرافراری
داس و هنگامیکه ساهرا ده علم صوبه داری (اسما داری) ملتان منصوب شد
امامت آن علاوه بر منصب دیوانی بیاد صوبه داری را هم داس و در زمانی که
پادشاه در عهد بود صوبه داری کن به خان جهان کو کلتاس و دیوانی دکن و حشیگری
و وقایع نگاری به امامت خان مرحمت شد

از حمده سران امامت خان چهار نفر به مراتب عالی رسیدند

۱- سر عبدالعزیز داس خان و میرک حسین امامت خان و میر عبدالرحمن وزارت خان
مدحاص نگرامی و کاظم خان

وزارت خان گرامی سمب دیوانی دیوانی در اداس و سعیر هم میگفت و صاحب
یک دیوان اسعار بود و کاظم خان سمب دیوانی ملتان را داس

میر حسین علم در کالم خان که در صدر صمصام الدوله شاهنواز خان
بود وی در سن ۱۱۱۹ هـ در کالم خان در سن ۱۱۲۲ هـ صمصام الدوله
به میر حسین امامت خان قوی میر شد

میر عبدالرزاق نور ۲۹ رمضان ۱۱۱۹ هـ در لاهور متولد شد و چون اکثر
مردیکان وی در نورنگ آباد بودند وی در اوایل امام حیرانی داورنگ آباد متقل
شد و ایسیگاه نواب آصف چاه (۱۱۲۲-۱۱۶۱ هـ) به منصبی سرافراز شد و چندین بعد
دیوان پادشاهی صوبه (استان) برار مآورد و مدتی آن به سرانندست داشت
و هنگامی که در سال ۱۱۵۰ هـ محرم ماه ۱۰۱۳ هـ در ۱۱۳۱ هـ آصف چاه را
بخصوص خود طلب کرد نواب آصف چاه سر خود نواب نظام الدوله ناصر جنگ

(چه آبهائی که فوت کرده بودند و چه آبهائی که هنوز در قید حیات بودند) دیده بود و
 ما برای این میتوانست از دوا و این آنها اسعار بیشتری را احتساب نماید در هر حال
 معلوم نیست علت این اختصار و ایجاز عدم فرصت بیشتری بوده یا عدم توجه خود مؤلف
 باین موضوع

رویه مرفته اگر از بعضی اختصار فوق العاده صرف نظر کنیم از حیث اصالت مطالب
 این تذکره جزو بهترین تذکره های دوران اورنگریب عالمگیر شاه (۱۰۶۸-۱۱۱۹)
 میباشد

گاهی آثار مشهور شعرا را نیز بطور نمونه آورده است مثلاً رجوع شود به شرح
 حال شاه نعمت الله و شکر الله خان و میرزا خلیل حراسانی و ناصر علی و بیدل^۱
 مؤلف شرح حال شعرای زیر را نسبتاً مفصل آورده است

رودکی و امیر خسرو و حواجه حس و عبدالرحمن حامی و ظهوری و عرفی و صائب
 و طاهر کسمری و محسن فانی و شیخ عبدالعزیز نوسر فرار (هر کدام در یک صفحه) و
 عبیدراکابی و عیسی و قدسی و باطم هراتی و حنریهان و ملا فطرت و بیدل (هر کدام
 در ۱ صفحه) و فردوسی و شیدا و شاه نعمت اله و محمد علی ماهر و نواب عاقل خان
 و شکر الله خان (هر کدام در ۲ صفحه) و محمد سعید قریسی (در ۳ صفحه) و ملا شاه (در ۳
 صفحه)

رویه مرفته شرح حال ملا شاه را از همه مفصل تر آورده است

هر کدام مؤلف نمونه اشعار شعرای زیر را نسبتاً مفصل آورده است کمال الدین
 اسمعیل قدسی و شیدا و ملا فطرت و محسن فانی (هر کدام در یک صفحه) و شاه نعمت اله
 و بیدل (هر کدام در ۱ ص) و محمد سعید قریسی (در ۲ صفحه) و شیخ عبدالعزیز نوسر -
 فرار (در ۳ ص) و رویه مرفته نمونه اشعار نوسر را از همه م

گاهی بعضی اصطلاحات و اشعار را شرح داده است (رجوع شود به

و حافظ)

۱ - در دیل نام آورقمه ای (نامه ای) را از خود هم نقل کرده است
 ۲ - در دیل نام او دو رقیبه (نامه) را از ناصر علی نقل کرده است

در دیل نام فیض علی حلیم اسعار عربی را ہم از او نقل کرده است
 سنکاسای مؤلف غالباً سادہ و غیر مصوع است اما در موقع تعریف شعر بعضی
 حہلہارا بہ شعر مصوع و گاہی بشر مسح آورده است

سج خطی

- ۱ - اشپرنگر ش ۱۴
- ۲ - نادلیں س ۳۸۴ (۱۱۳۳ھ) و س ۳۷۵ (۱۲۱۳ھ).
- ۳ - بلوسہ ح ۲ س ۱۱۵۲ (اوایل قرن ۱۸م) و س ۱۱۵۵ (اواسط قرن ۱۸م)
- ۴ - بانکی نور دیل ح ۱ س ۱۷۸۵ (مورح ۱۱۴۱ھ)
- ۵ - ایوانو س ۲۲۳ (مورح ۱۱۴۱ھ) و س ۲۲۴ (اواخر قرن ۱۸م)
- ۶ - اہ ش ۶۷۳ (۱۱۴۷ھ) و س ۶۷۴ (قسمت ساعرہ ہا ندارد و تاریخ ہم
 ندارد)
- ۷ - ریو ح ۱ ص ۳۶۹ (قرن ۱۸م) و س ۳۷۱ الف (۱۱۸۳ھ) و ص ۳۷۱ الف
 (ناقص الاخر - قرن ۱۸م)
- ۸ - آصفیہ ح ۱ ص ۳۲۴ س ۲۵ (۱۱۲۱ھ) س ۶۲ (تاریخ ندارد) ص ۱۷۰
 س ۲۴۳
- ۹ - لندربانا ص ۲۲۲ س ۳۱۶ (در حدود ۱۸۰۰م)
- ۱۰ - اوامر س ۴ (۱۲۲۰ھ)
- ۱۱ - برلن س ۶۵۰ (۲) (بہریداً نیک چہارم اول کتاب — ۱۲۴۲ھ)
- ۱۲ - داسگاہ لاهور (ناقص الاول و آخر - رجوع سودنہ اور دیل کالج مگرین
 لاهور - ح ۸ س ۱ مورح نوامبر ۱۹۲۶ م ص ۷۴)
- ۱۳ - مؤسسہ روزن س ۳۲
- ۱۴ - بحارا فہرست سمو پوف س ۱۰۴
- ۱۵ - بیساور س ۱۴۷۱

چاپ کتاب

۱ - کلکته ۱۲۴۶ ه .

۲ - بریلی ۱۲۶۲ ه (رجوع شود به اشیر نگر س ۱۴)

۳ - بمبئی مطبع مطهری ۱۳۲۴ ه

فهرست اسامی شعرا : رجوع شود به دلائل ستونهای ۲۰۷ - ۲۱۱

برای شرح حال مؤلف : رجوع شود به مرآت الحیال و استوری ح ۱ ق ۲ ص ۸۲۴

تذکر

کتابی به همین نام (مرآت الحیال) از تألیفات تاسی رام بن دویی چند است که

داستان عشقی است به شر (برای نسخه آن رجوع شود به اندیا آفس ح ۲ ص ۳۰۶۹) .



همیشه بهر بار

ابتدا

« ای دگر تو گلبروس نازار سخن

رنگین و تو برگ برگ گلزار سخن

اوصاف تو دیباجه مجموعه حسن

توصیف تو مشاطه رخسار سخن »

سخن الله دهی رتبه سخن که اگر او را میوه بیش رس بوستان مظاهر تحلیات

گوناگون حواصم بحاسب و اگر باعث سووینمای اتحار ووصاف اینس و آفاقی موافق

امر کن گویم سرا»

شرح حال مؤلف

مؤلف این کتاب کسر چند متخلص به اخلاص است سمیق دره گل رعد» او را

حهان آبادی (دهلوی) میویسد اسم پدرش احل داس دهلوی است که مرث وی

مرکز فضلان بود و وی در شعر ساگرد میرزا عبدالعنی قبول کشمیری بود^۱ وی ارفوم
کپتری بود و پدرش مشرب درویشی داشت و غالباً در صحبتهای صاحب کمال
سر میبرد^۲

اخلاص در زمان حیات پدرش کاربرداری (که برسان اردو پیکیتی گویند)
یاد گرفت بعد از آن شعر گوئی متوجه و مایل شد وی در زمان احمدشاه (۱۱۶۰-
۱۱۶۷ هـ) فوت کرد^۳

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در ۱۱۳۶ هـ تألیف کرده است چنانکه به قول خودش عدد اسم
آن «همیشه بهار» (= ۵۶۸) دو برابر کرده سال تألیف کتاب را میرساند
این تذکره مشتمل است بر شرح حال و نمونه آثار سیصد و هفت شاعر^۴ بر ترتیب
الفبا از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر و با «امیر جان انجام» شروع شده با «احمد یار خان
یکتا» تمام میشود این تذکره در ناره شعرائی است که در زمان چهارنگر ساه (۱۰۱۴-
۱۰۳۷ هـ) تاجلوس محمد ساه (۱۱۳۱ هـ) می ریسند و همجنس بعضی شعرا که در زمان
اکر ساه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) بودند بر در این تذکره مد کورند
مؤلف بر شرح حال «الاشیدار» (در سنن صفحه) و اشعار کلیم کاسانی را (در چهار صفحه)
مفصل تر از همه آورده است

سکنا ساه مؤلف در دیباجه مصروع و گاهی مسجع است ولی شرح حال شعرا
را نسیه بر دان ساده تر نوشته است

۱ - ر ك گل رعنا در دلیل نام «اخلاص جهان آبادی» .

۲ - ر ك گل رعنا در دلیل نام «اچلداس»

۳ - ر ك دیوح ۴ ص ۱۰۸۶

۴ - استوری تقریباً دو بیست شاعر (ر ك استوری ج ۱ ص ۸۲۶)

۵ - سجه «حدانجش» (نامکی پوز) با «میرزا حلال اسپر» شروع میشود و «انجام»

آن شاعر هشتم است و در سجه اندیا آفس «امیر الهی» شاعر اول است و «انجام» آن شاعر دوم است
ولی در سجه اشیرنگر «انجام» شاعر اول است .

نسخ خطی

- ۱ - اشپرنگرش ۱۶
 - ۲ - اندیا آفس ش ۴۴۰۱ (مورح ۱۱۳۸ هـ)
 - ۳ - آتہ ش ۶۷۸ (مورح ۱۱۳۹ هـ)
 - ۴ - لندریانا ص ۱۵۶ س ۳۲۳ (قریب ۱۸۳۰ م)
 - ۵ - بانکویور ح ۸ ش ۶۸۹ (مورح قرن ۱۹ م)
 - ۶ - آصفیہ ح ۱ ص ۳۱۸ س ۱۳
- برای شرح حال مولف : رجوع شود به همیشه بہار و گل رعنا و صحف ابراہیم
و محرن العرایب ش ۲۶۰ و اشپرنگر ص ۱۱۷ و ریوح ص ۱۰۸۶ ب
فہرست اسامی شعرا
رجوع شود بہ اشپرنگر ص ۳۰-۱۱۷ و ریوح ص ۱۰۸۶ ب

سفینہ بدیخبر

افتدا «سررشتہ سخن بس سخن آفرینی میرسد کہ در نظم کلاش ہیچ حای سخن
بیس حل شاہ و سلسلہ حدیث متہی نامی سب کہ در باب علمش مجال دم ردن بی
صل اللہ علیہ وآلہ وسلم»

شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب میر عظم اللہ متخلص بہ بیحرد معروف بہ «مہار صاحب»
و اسم پدرش (سید العارفین) میر سید لطف اللہ معروف بہ لدها متخلص بہ احمدی است
و وطن مؤلف بلگرام ار الکہ قنوج است و مولف رسادات حسینی واسطی است
حوشگو در سعید خود در ذیل احمدی میویسد کہ سید لطف اللہ متخلص بہ احمدی

۱ - حوشگو شاہ دلہا (شاہ دولہا)

در ۱۰۵۳ هـ دنیا آمد و بعد از عنوان سبب در خدمت اکثر علمای دین و اصحاب یهون
 رسیده و از صحبت آنها کسب فیض نموده چندی در سر کار حاجت خان سبب سپاهگیری
 گذرآید و از جمله چهل تن که بجزو حلاله و مردانگی اشتها داشتند بود پس
 بیست و دو سالگی اردبیل قطع بملق نموده و دستجوی حاجت خان بر آمد تا اینکه در بلده برها پور
 خدمت شاه برهان سغازی رسیده چندی در خانه وی مانده و از صحبت پر فیض وی استفاده
 کرد (بعد از مرگ شاه برهان) خدمت میر عبدالجلیل (بلگرامی) رسیده تسکین قلب
 رسانید پس در خدمت میر سید احمد کالپی رسیده و دست ارادت بدامن تر بیت وی زد
 (احمدی تجلص بمناسبت اسم همین پیر اوست) بعد از مرگ سید احمد مر نوروی بلگرام
 وطن اصلی خود مراجعت نموده فسریت شصت سال در گوشه عربت بدوق و شوق
 گذرآید و سن بود سالگی سبب سبب چهارم جمادی الاول سنه ۱۱۴۳ هـ داعی حق را
 لیک گفت

بیختر آدم خوش دوفی بود و در شعر «تلاسهای رنگین» داسودر بصوف پیر دستگاهی
 بهم رسانیده و چند ساله در توحید و تصوف تألیف نمود شعرویی جنبه موحدا به و صوفیانه
 داسه و وی چند مثنوی پیر در همین موضوع (تصوف و عرفان) سروده بود وی بسیار خوش
 صحبت و حدی و معشوق مردم بود و با کمال ادب و حسن خلق با مردم رفتار میکرد
 بیختر خط سبب سبب خوب میبوس و شعر هم خوب میگفت و با شعرای معروف زمان
 خود صحبتها داسب مخصوصاً میر را بددل از صحبت وی بسیار محظوظ میشد مؤلف
 در سینه خود مجلس خود را نامیر را بددل بیان کرده است
 مؤلف با موسیقی و فنون دیگر پیر آشنائی کامل داشت
 خوشگوبعل میکند که بیختر در دستجوی کار با گره رفته بود اباقا محمد
 عاشق هم در خدمت صوبه دار (سانداز) که لشکر بهار استخدا م می نمود حضور داسب
 چون بی خبر رسیدند بود عاشق این مصرع ناصر علی را برای وی خواند
 « بیختر در رسیدی در منزل مستند »

آراد در «سرو آراد» میبویسد که در ۱۱۳۴ هـ بیختر و او را بلگرام تا ساهاجه بان

آناد (دهلی) همسر بودند

در آخر عمر بندهلی رفت آزاد در «مآثر الکرام» می‌نویسد که در وقت احتضار مردم از وی استعصار کردند که اگر حکم سود بعش را به بلاگرام نرسیم یا در این شهر (دهلی) حائلی را اسحاق بفرمائید تا مطابقت آن عمل کنیم وی فرمود که این مشت حاکم را هر حائلی که خواسته باشید بیاورد

همچنین در حسن احتضار شخصی که او را در مسأله وحدت و خود با بیحضر راه سخن بود پرسید حالا چه می‌فرمائید بیحضر جواب داد سخن مردان یکی است

وفات بیحضر در دوسه چهارم دوالمعدسه ۱۱۴۲ هـ یکسال قبل از فوت پدر در دهلی اتفاق افتاد و در همان شهر در حوال مرقد سلطان المسایخ بطام الدین اولیا مدرس شاهراه متعل بن دیوار شرقی باغ دریاخان لغای اعظم شاه بن سلطان اورنگزیب بحاک سپرده شد

آراد بلاگرامی قصیده‌ای (هریهای) مر وفات بیحضر اشاد کرد که هر مصرعش تاریخ فوت بیحضر را می‌رساند

مطلع و بیت بعد از آن اتفاقاً دو قافیتین شده است. این قصیده دو آرده بیت دارد که بیت اول آن تکرار زیر است

می‌رید خوش تالاطم نار عمان الم

۱۱۴۲

اشک می‌زیرد بر روی روح مرگان قلم

۱۱۴۲

آثار مؤلف

آثار مؤلف مدین قرار است

۱ - سفینه بیحضر - کتاب مورد بحث

۲ - حد رساله در توحید و تصوف

۳. کلیات که منضم است بر پایه هر اریب^۱ از قصیده و غزل و رباعی و مثنوی

تصیره در کتاب

مؤلف در مورد سبب تألیف در مقدمه این کتاب چنین توضیح داده است که طلب سخن بر هر کس واجب است بنا بر این مؤلف حواست که بعضی اسعار را از شعرای متقدم و متأخر در سفینه خود یاد کر اسامی و موطن آنها نس نماید بعضی از دوستان وی باو گفتند که هر گاه که قید نام و نشان سعار در میان آمد اس کتاب بصورت تد کره میشود ولذا بهتر است که که این سجه بحای خود علیه حده باسد و مولف هم طبق توصیه آنها عمل کرد اما اشعار متقدمین را حسب بطویل سجه از ایجا جدا کرده تا نا آن اشعار مجموعه جدا گانه ای در سب کمد و در اس سفینه سها اسعار سغرای متاخر از زمان حبا بگیر شاه و شاه عباس صفوی بعد از عرفی و ثنائی تارمان مؤلف که عصر محمد شاه و محمود شاه افغان بوده آورده است

این کتاب سال ۱۱۴۱ ه^۲ تألیف سد و شامل احوال و آثار مختصر (۴) شاعر متاخر

به ترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تحلیص آنها مییاسد

این سفینه با احمدی (بدر مولف) شروع شده با احمد یار حان یکتا تمام میشود مؤلف خودش در مقدمه اسراف کرده است که در این مجموعه بعضی شعرائی هستند که ارده بسب شعر بیشتر گفته اند و حتی بعضی ها کسانی هم هستند که حر یك بسب دیگر گفته اند ولی طمق این سغ

یک بیت دعوی مسلم بود اگر مصر عس مصر عی هم بود

اسم آنها را هم در این سفینه آورده است

این سفینه منضم است بر ۱۴۱ صفحه و شرح حال و اسعار اکثر سغرا بسیار مختصر

۱- ر ك سفینه خوشگو - ولی در «بشتر عشق» همت هر اریب «در «سر و آداد» قریب

به همت هر اریب آمده است.

۲- ر ك مقدمه حرا به عامره که در آنجا آراد در سن اسامی ما حد آن کتاب سال

تألیف سفینه بی حصر را ۱۱۴۱ ه^۲ ذکر کرده است

است و غالباً مؤلف حد کلمه برای معرفی اسم و تخلص ساعر و یک دو بیت از او بدل کرده است

شرح حال کلیه شعرا بسیار مختصر است (مثلاً رجوع شونده احمدی و ادهم و میرزا اسیر و دحیر (مؤلف) و غیره)

اسعار بعضی شعراء را مفصل ولی شرح حالشان را بسیار کوتاه آورده است بلکه غالباً در یک دو جمله و گاهی در حد کلمه آنها را معرفی کرده است مانند اوچی و الهی و ایچاد و شایور تهرانی و غیره

اسعار شعرای ریز را از دیگران مفصل تر آورده است. میرزا اسیر و بیختر (مؤلف) و ناصر علی سهرندی (سرهندی) و وحید قروینی

سکاسای مؤلف ساده و عاری از تصنع است و در سراسر کتاب مؤلف زبان ساده و آسانی بکار برده و از تکلف و عبارات برداری اجتناب ورزیده است

روی پیمرفته این کتاب از این حیث که مجموعه مختصری از اشعار شعرای آن دوره است دارای اهمیت و ارزش می باشد ولی چون فاقد اطلاعات مهم در باره زندگی شعراست نمیتوان آنرا جزو آد گره های خوب و سودمند حساب کرد

البته مؤلف در اسباب اسعار و خوبی بیان داده و در این مجموعه مختصر اسعار خوبی را برگزیده است

سخ عطفی

سخهای از این کتاب در دانشگاه لاهور موجود است که ظاهراً تنها نسخه ایست از این کتاب که امروز در حاکمانده است

برای شرح حال مؤلف

رجوع سودده، سیمه بیختر و سروآراد ص ۳۱۵ و ۳۲۵ و مآثر اکرام ح اول ص ۱۱۵-۶ و حرازه عا. ر. و سعیه حوسگو و بد کره بیطیر و نشتر عشق قد کر

اسموری اسم این تذکره را در فهرست خود بیاورده است و از خود این سعیه اصلاً اطلاع نداشته است

مقالات الشعراء

ابتداءً «گلشن گلشن گلہای حمد و ثنا بیا رحبان عالی محید سخن آفرین»
اسم مؤلف این کتاب شیخ قیام الدین متخلص بہ حیرت و اسم مدرس شیخ امان اللہ
اکبر آبادی است

مؤلف در ورق ۲۸ (سجده متعلق بہ کتابہ بجا بہ رامپور) می نویسد کہ وطن آبائی او
اکبر آباد (آگرہ) است و پدر وی نگارہای حروی مامور بود حیرت سی سال عمر خود را
در لہو و لعب تلف کرد و بالآخرہ چند ماہ پیش از تألیف این کتاب (در ۱۱۷۳ھ) ہمراہ
دیوان کشنچی بودہ و دیوان مر نور در خدمت بہا کر سور حمل معامطہ ساراد است

تصہرہ بر کتاب

حیرت این تذکرہ را سال ۱۱۷۳ھ تألیف کردہ است چنانکہ اسم این کتاب
«معالات الشعراء» از روی حرف واحد میرساند

مؤلف در مقدمہ کتاب اسم کسر پر را کہ در تألیف این تذکرہ مورد استفادہ
وی بودید ذکر کردہ است .

۱- تذکرہ والہ

۲- تذکرہ آرزو

۳- تذکرہ شوق (تذکرہ سعراى اردو)

این تذکرہ ہشتملسب برد کر صد و پنجاہ شاعر مباحر بہ بر سب العبا کہ از زمان
اورنگ زیب شاہ (۱۰۶۸-۱۱۱۹ھ) تا زمان عالمگیر ثانی (۱۱۶۸-۱۱۷۳ھ)
میریسندہ و با «آرزو» شروع شدہ با «محمد اشرف یکتا کسمیری» تمام میسود

سرح ابواب این تذکرہ از روی العبا ہر از بر است

برگ ۳ باب الف - از سراج الدین آرزو با میرزا ارجمند آراد (۱۴ ساعر)

برگ ۱۱ باب الباء از میرزا مہدی بیان با حواحہ حسن الدین بیان (۸ ساعر)

- برگ ۱۵ باب التاء - از محمد تقی تعظیم تاسیدرضا تمکین (۳ شاعر)
- برگ ۱۶ باب التاء - از محمد افضل - اعدتاراجه حگل کثرت و تروت (۴ شاعر)
- برگ ۱۷ باب الحیم - از میر محمد جعفر قاملاطر علی حرآت (۳ شاعر)
- برگ ۱۹ باب الحاء - از حاجی محمد گیلانی قاهیان محمد حیات (۱۰ شاعر)
- برگ ۳۴ باب الحاء - از بدراس داس حوسگو تاحو شتر (۵ شاعر)
- برگ ۳۵ باب الدال - از میرزا هاشم دل تاحواحد میردرد (۴ شاعر)
- برگ ۳۸ باب الدال - عبدالله دره (۱ شاعر)
- برگ ۳۸ باب الراء - از میر محمد رضا با محمد رحیم حاس (۶ شاعر)
- برگ ۴۰ باب السس - از ساطع کشمیری تحدیجه سلطان بیگم (۶ شاعر)
- برگ ۴۲ باب السس - از میرزا کاظم شرر زای تنکرای شوق (۹ شاعر)
- برگ ۴۷ باب الصاد - از میرزا صمیر ناخدایب علیحان صمیر (۲ شاعر)
- برگ ۴۸ باب الطاء - عبدالناهی طیب ایشااعر)
- برگ ۴۸ - باب العس - از سید مرتضی علم تا سگم نعل عورت (۱۲ شاعر)
- برگ ۵۲ باب العین - عاقل و عیوب (۲ شاعر)
- برگ ۵۴ باب الفاء - از میرزا سید محمد فدائی تا غایر (۹ شاعر)
- برگ ۵۶ باب الفاف - از عبدالعی قیول تا مشتاق رای قدرت (۳ شاعر)
- برگ ۵۸ باب الکاف - از عصمت الله کامل تا میرزا گرامی (۴ شاعر)
- برگ ۵۹ باب اللام و لمیم - از لطیف علیحان تا میر تقی میر (۱۵ شاعر)
- برگ ۷۳ باب النون - از نور الله بیگم درعب تا بیار (۱۲ شاعر)
- برگ ۷۶ باب الواو - از میرزا امیرک الله واصح تا واله دانغستانی (۷ شاعر)
- برگ ۸۰ باب الیاء - از علی هات (یک شاعر)
- برگ ۸۰ باب الیاء - از احمد نازحان یکتا تا محمد اشرف یکتا (۴ شاعر)
- این تذکره مستعمل برد که سعرا ای متاخر میباشند و اکثر مطالب آن از تذکره های دیگر که اسم آنها در سطور فوق گذشت ما خود و مقتبس است و ما بر این مبتوان

برای این تدکره اهمیت زیادی قائل شد

در هر حال بعضی مطالب راجع به شرح برخی شعرار امثال خودس هم اصافه کرده است و ما برای این میتوان بکلی ادرس آنرا انکار کرد

نسخ خطی

۱ - اسپرنگر ش ۳۱

۲ - رامپور - مورخ ۲۵ جمادی الاخری ۱۲۲۸ هـ (رجوع سودیه محله اورینتل

کالج لاهور ح ۶ س ۲ مورخ فوریه ۱۹۳۰ م ص ۱۱۶-۱۴)

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به اسپرنگر ص ۶۰-۱۵۳

برای شرح حال مولف :

رجوع شود به معاملات الشعراء خیرت و محله اورسل کالج لاهور ح ۶ س ۲

مورخ فوریه ۱۹۳۰ م

سفینه خوشگو

ابتدا (دفتر اول) (۱)

دفتر دوم - « الحمد لله والست که توفیق (او) ارسوید دفتر اول سفینه خوشگوی

فراع حاصل شد »

دفتر سوم - « احوال مشاخرین اردفتر نائب سفینه خوشگو مستمل برد کر

معاصرین است که با بعضی از آنها است هم عصری داسه »

(سحبه « آب آورد »)

« در این زمانه رفیقی که حالی از حلال است

صراحی می ناب و سفینه عرب است

کشتی حیات را ناخدا حمد خدائیست که بی یوغ اسان را از بحر عدم بکناره
و خود کنایده و سعینه بحات را معلم نعت حاتم الاسبائیست که کشتی شکستگی دریای
ضالان را ساحل رستگاری و هدایت رسانیده *

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب پدر این داس متخلص به خوشگو است وی در سعینه
خود هیچ حا شرح حال خود را نوشته و تنها در دلیل بعضی شعرا اشاره هسائی
بر میخوریم که بعضی وقایع زندگی وی. آروش میسار و برای شرح حال مفصل وی
ناچار باید بکتب دیگر مراجعه نمود خوشگودر سفینه خود در دلیل شیورام داس
متخلص به حیا میویسد که پدرش ناپدر شیورام در زمان عالمگیر در لشکر شاهی
خدمت داشت و عموی وی سداسد متخلص به تکلم در خدمت «حرم» اعظم شاه در سرکار
قدسیه جهان ریست نابوبیگم بود

شفیق مؤلف «گل رعنا» در فصل دوم آن کتاب در ناره اسم خوشگو چنین
توصیح داده است که سدر این اسم محلی است در متهر و داس در ربان هندی علام را
گویند یعنی علام سدر این ناله تسمیه مثل بحفلی چون بنتر این) متهر ا موطن کشن
(گرش) است که از رهرا ن قدیم مذهب هندو دوده است .

تتقیق میگوید که خوشگوار اهالی متهر^۱ و از فرقه بیس^۲ سود اما مؤلف

۱- متهر شهر است در شمال هند در اتر پردیش امروز در ۳۰ میل طرف شمال عرب
شهر آگره خوشگو در دلیل شرح حال عموی خود سداسد بی تکلف وطن خود را
لکھوتی (سهار پور) نوشته است و از این بعضی گمان میکند که خوشگوهم اصلاً اهل لکھوتی
بوده و بعداً در متهر ا قوطن گزیده است. اما در همان کتاب در دلیل نام « بیس » خوشگو
میویسد «دوسه مرتبه در متهر ا که وطن فقیر است دیده شد» (رک دفتر سوم ص ۲۴۷) و بنا
بر این وطن خوشگو متهر ا بوده نه شهری دیگر

۲- در بین هندوها چهار ضقه یا فرقه بر رگه وجود دارد برهن (اهل مذهب)
کھتری (اهل جنگ و اسلحه) ویش یا بیس (نارگانان و کشاورزان و غیره - اهل حرفه) و سودر
(ضقه پائین - کشاورزان و سپوران و غیره) این چهار فرقه بر رگه از زمان قدیم بعد از ورود آریائیها
در هند معمول بوده است

«رورروس» خوشگو را بنام «دهلوی» نوشته است که صرفاً اسما است
 قیام‌الدین حریت در مقالات النهر، می‌نویسد که خوشگو از قوم هندی بود و
 اشراف‌نگر (ص ۱۵۵) می‌نویسد که حریت درباره خوشگو نوشته است که وی دیا بود
 از سانس و ایشاگردان بدیل بود. باید توجه داشت که او بنام هر دو نام معنی است
 و سینه‌ایست از فرقه بیس اما آنکه خوشگو اهل سانس بود صحیح نیست همچنین
 مؤلف «مخبر العرایب» می‌نویسد که خوشگو از «ایفه بیس» را چپون برد به گوان
 داس هندی در «سینه هندی» بر این قول را تأیید کرده است و می‌گوید که خوشگو
 از طایفه بیس است که «فرقه ایسار قوم را چپون بیواره من مضافات اوده و سلسله
 اسات ایشان سال باهن که سنها مثل سهراجه نکرماند او که با حاکم تیر کرایه
 حاریست میرسد» اما ظاهراً را چپون از قوم کمتری بوده به بیس

سال تولد خوشگو معلوم نیست اما خوشگو در سینه خود که در بین سالهای
 ۱۳۳۷ و ۱۱۴۷ هـ تألیف شده است در ذیل شرح حال بدیل می‌نویسد: «میر در این مدت
 شهر که به جاه و شهرت مرحله طی کرده» اما بر این تولد خوشگو در بین سالهای
 ۱۰۲۸ - ۱۰۸۸ هـ اتفاق افتاده است

خوشگو در سینه خود درباره اسنادان خود اشاره‌ای کرده است در ذیل
 نام حکم خدمت می‌نویسد: «و فعیر باهم ربط مهوی دانسد و دانای خدمت
 مؤلولی محمداء بد احلاق باصرتی می خواندیم و در حساب حضرت سر خوش می‌کنده
 سخن مینویسد را دیده هم مسوی بهم نخرح بودیم»

«مخبرین در ذیل شرح حال میان صادق الف (ص ۲۹) می‌نویسد

«در عهد پادشاه سق (درس) از «مخبر اسرار در خدمتس خوانده و این
 قدر دنا گردی موسوم است» و در ذیل شرح حال «مخبر» رای «مخبر» را می‌گوید
 (ص ۱۰۱) می‌نویسد: «عمر چهارده سالگی از خدمت او باساده معنوی
 می‌کرد (م)» و در ذیل ترجمه حال حاتم بیگ خانم (ص ۹۰) می‌نویسد: «فر خوشگو

بر تعلیم نوشته او مشق کرده»

خوشگو در شعر شاگرد محمد افضل سرخوش (متوفی ۱۱۲۶ هـ) بود چنانکه خوش در دیل شرح حال سرخوش می‌ویسد که در چهارده سالگی اشعار خود را بطرف اصلاح وی می‌گذاشت و همچنین می‌گوید که سرخوش تحلیص وی را خوشگو گذاشت «همان روز از روی کمال تحلیص خوشگو عیاب فرمود و گفت لفظ خوش از تحلیص خود بر آورده بخشیده‌ام»

قیام‌الدین حیرت در «معالات السعرا» می‌ویسد که خوشگو در اول مشق سخن پیش مرزا بیدل و محمد افضل سرخوش و سعدالله گلشن نموده و جان آرزو می‌ویسد که خوشگو ارتقا گردان او بوده چنانکه در مجمع‌التعائیس می‌گوید «حالاً در عظیم آباد و سارس می‌باشد و گاه گاهی خطوط (نامه‌ها) با اشعار خود پیش فقیر می‌فرستد» و جای دیگر می‌ویسد که خوشگو تا بیست و پنج سال مصاحب دائمی وی بوده است و قول آرزو می‌برد صحت می‌باشد چنانکه نه تنها آرزو شعر خوشگورا اصلاح می‌مود بلکه حتی در سینه خوشگو هم چندین مرتبه نظر کرده و در چندین موارد عباراتی را بدست خود اضافه نموده است

برو فسور عطاء الرحمن (گرد آورنده سینه خوشگو چاپ پته) می‌ویسد که خوشگو شاگرد محمد افضل سرخوش و سراج‌الدین علیخان آرزو و لاله‌سک سراج‌سمت و بهر سراجی بی‌راگی بی‌عم و صاحب دائمی ساه سعدالله گلشن و مرزا عبدالقادر بیدل بود و روابط دوسانه با مرزا مطهر و آرزو و شعرای دیگر معاصر خود داشت

خوشگو در مساعده‌ها (مخالف ادبی) که در منزل مرزا بیدل و گلشن بر پا می‌شد حضور می‌یافت و این قبیل اجتماعات را در منزل خود هم تسکیل میداد و از شعرای معروف آنوقت دعوت نموده و از آنها پذیرائی گرمی بعمل می‌آورد

خوشگو از همه پیشتر بایده از ادب داشت چنانکه در دیل شرح حال بیدل می‌ویسد که مؤلف هر روز بخدمت می‌رسید (ص ۱۰۹) و در عمر زیاد از هر از هر مرتبه بخدمتش مستمید شده باشم» (ص ۱۱۸).

بقول آرزو و شعیق خوشگو سفینه خود را با عمدة الملك امیرخان متخلص به اسحاق ناظم صوبه (استان) اله آباد عنوان کرده است و نواب مرزوری دو روپه بر محصول (مالیات) تمام اله آباد برای او معرر نمود و این مستمری تا موقعیکه نواب عمدة الملك در بد حیات بود بخوشگو میرسید

همچنین خوشگو در سلك ملارمین لاله کهرت حد دیوان هیس جنگ پیر منسلك بوده و لاله مرزور خوشگورا در زمان اقامت وی در تته و بنارس تریسو كَمَك می نمود و در مواقع دیگر بیار وی مواسط ویشیانی میگرد خوشگو در سفینه خود در دیل نام را حه رام تر این متخلص به مورون میویسد « واسطه ملارم نواب هیس جنگ شهید (۱۱) و تقرر وجه معاش ارسر کارایسان او بوده »

خوشگو مدت ده سال یعنی از ۱۱۳۷ هـ تا ۱۲۴۷ هـ در تألیف سفینه خود مشغول بود اما بعداً بعلت حمله نادر ساه (۱۱۵۱ هـ) نتوانست نسخه حر کنویس آن کتاب را پاکویس کند چون در نتیجه این حمله محو شد بافاق اسکر شاهی به کوت کانگره برود^۱ و در پنجاد در حدود هفت یا هشت سال اقامت داشت ولی در ۱۱۵۵ هـ بدلهی مراجعت نمود^۲ و سفینه خود را با استاد خود سراح الدین علیخان آرزو داد تا در آن نظر کرده آنرا اصلاح نماید و آرزو شرح حال بعضی سها و مقدمه را بر آن افزود^۳ در موقع تألیف «مجمع النهایس» (۱۱۶۱ هـ) خوشگو در عظیم آباد و بنارس زندگی میکرد^۴

۱ - رةك اسپرنگر ص ۱۳۰

۲ - اگر این روایت اسپرنگر صحیح باشد که خوشگو در ۱۱۵۵ هـ بدلهی مراجعت نمود پس وی طاهراً در حدود چهار سال (۱۱۵۱ - ۵۵) در آنجا اقامت داشته است به همت پاهشت سال یا اینکه وی قبل از حمله نادر شاه و بعد از تمام سفینه خود در ۱۱۴۷ هـ به پنجاب رفته است

۳ - رةك اسپرنگر ص ۱۳۰

۴ - آرزو در «مجمع النهایس میویسد «حالا در عظیم آباد و بنارس میباشد» این عبارت قبلاً گذشت .

حوشگو اول خدمت میگردولی بالآخره ترك دنیا کرد بلباس فقراء در آمد
اول کسیکه صحبت وی حوشگورا نامذاق عرفان آشنا کرد سداسد بی تکلف عمومی
حوشگو بود^۱ و همان لذت بعداً اورا وادار کرد که از لذایذ دنیا دست کشیده در گوشه
ابروا مریاض بپردازد

حوشگو بعد از ترك دنیا اول در اله آباد و سارس و عظیم آباد بسر میبرد و ایام آخر
زندگانی را در اله آباد گذرانیده بالآخره در عظیم آباد (پتنه) در سال ۱۱۷۰ هـ از این
دارقانی بسوی ملك حاودانی شافت قدرت الله شوق در «تكملة الشعر» در باره
حوشگو میویسد «آخر در قصه بدر اس رفته فوت شده» اما شعیق در «گل رعنا»
میویسد «در عشره سابع بعد مایة والف (۱۱۷۰ هـ) در عظیم آباد پتنه بیکر عصری
وا گذاشت»

حوشگو در باره شاگردان خود در سینه اشاره ای نکرده و تنها در «سینه هندی»
اسم نور العین واقع بعنوان شاگرد حوشگو ذکر شده است چنانکه مؤلف «سینه هندی»
میویسد

«نور العین واقع در ابته دمشق سخن نزد وی (حوشگو) میگرد»

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱- سینه حوشگو - تذکره مورد بعد

۲- مرقع - حوشگو موقعی تربیت داده در آن اسعار و نمونه آثار شعری

معاصر را بخط خودشان جمع آوری نموده بود اما حیث که امروز اثری از آن
مرقع نمانده است

۳- مدهوطات بیدل - حوشگو در بیدل شرح بیدل میویسد که وی «ملعوطات

بیدل را تربیت داده بود چون هر اربابان در خدمت وی حضور داشته امامت سابعه امروز
از این کتاب هم هیچ نسخه ای باقی نمانده است

۳- ر ك. سینه حوشگو دفتر سوم ، شرح حال سداسد بی تکلف.

تبصره بر کتاب

چنانکه در سطور فوق گذشت مؤلف تألیف این کتاب را سال ۱۱۳۷ هـ آغاز نموده و بسال ۱۱۴۷ هـ با تمام رسا بندودرسال ۱۱۵۵ هـ حان آرزو به شرح حال بعضی شعرا و دیباچه‌ای به این کتاب اضافه کرد. بسریز آغاز و اتمام این کتاب را میرساند:

آغازش در سفینه خوشگویی بود اتمامش در سفینه خوشگویی است

۱۱۴۷

۱۱۳۷

ترتیب اسامی این تذکره در روی تاریخ بولد یا فون شعرا است

این کتاب مشتمل است بر سه دفتر اول شامل ذکر ۳۶۲ شاعر معتمد است و بنا «رودکی» شروع شده بنا «کافی» تمام میشود دفتر دوم مشتمل بر ذکر ۸۱۱ شاعر^۱ متوسط و متأخر و بنا «حامی» شروع شده بنا «سگونی» (متوفی در حدود ۱۰۶۰ هـ) تمام میشود دفتر سوم شامل ذکر ۲۴۵ شاعر معاصر مؤلف است و بنا «فطرت» شروع شده و بنا «مسی سربسکه جا کسر» تمام میشود^۲

برای شرح دفتر اول این کتاب رجوع شود به نسخه «یا آفسش» ۴۰۲۳

تبصره بر نسخه «آب آورد»

نسخه‌ای از «سفینه خوشگو» که در ی سوستری در ۱۲۴۱ هـ از روی نسخه‌ی «آب آورد» دوباره اسب ساج کرده و بعضی مطالب را بر آن افزود شامل بعضی قسمت‌های دفتر دوم و سوم می‌باشد و مشتمل است بر ذکر بریاً ۱۱۰۲ بن ساعر^۳ بر ترتیب الصا مؤلف در شرح حال شعرا اسم کتابهای برراد کر نموده است که از آن در تألیف

۱- نسخه نادلین شامل ذکر ۸۱۱ شاعر است اما نسخه اشپرنگر ذکر تنها ۵۴ شاعر داشت (رک اشپرنگر ص ۱۳۰)

۲- ر ک نسخه بانکی پور- این نسخه با عبارت ریر شروع میشود «تراحم بعضی مورویان فصل دوم تذکره سدران داس خوشگر تحاس» و از این عبارت معلوم میشود که این نسخه ناقص الاول است و فصل اول از آن افتاده است «چنین در این نسخه شرح حال شاعر اول «فطرت» اصلاً نیامده و مؤلف تنها اشعار او را نقل کرده است .

۳- ر ک نسخه مرگری تهران ش ۲۶۵۵

این کتاب استفاده نموده است

- ۱- کلمات الشعراى سرخوش^۱ - رجوع شود به نام محمد باقر هندی و غیره
- ۲- مجمع النقایس آرزو- رجوع به حلال اسیر و غیره.
- ۳- تذکره ملاطاهر نصرآبادی^۱ - رجوع شود به نصر همدانی و غیره
- ۴- سفیه صائب^۱ (یا انتخاب صائب) - رجوع شود به حلال اسیر و غیره
- ۵- بیاض آرزو- رجوع شود به نام میرزا رصی و غیره .
- ۶- کتاب دبستان - رجوع شود به نام حکیم سرمد
- ۷- مرآت العالم- رجوع شود به نام حسین آشوب
- ۸- مجمع الصایع تألیف محمد صالح رجوع شود به نام حسین آشوب.
- ۹- هفت اقلیم^۱ - رجوع شود به نام نور العین نوری و غیره.
- ۱۰- طبقات شاهجهانی - رجوع شود به نام حالتی و غیره
- ۱۱- طبقات اکبری تألیف میرزا نظام الدین بختی - رجوع شود به نام حالتی.
- ۱۲- مآثر رحیمی^۱ - رجوع شود به نام صرفی و نظیری و غیره
- ۱۳- عالم آرا- رجوع شود به مولانا هلاکی
- ۱۴- اقبالنامه جهاگیری تألیف معتمدخان بختی - رجوع شود به نام جهاگیر

و غیره

- ۱۵- جهاگیر نامه - رجوع شود به نام جهاگیر
- ۱۶- مشآت ملاطهرای مشهدی- رجوع شود به نام الیهی همدانی
- ۱۷- ظفر نامه شاه عباس- رجوع شود به نام الیهی قمی
- ۱۸- تاریخ عبدالقادر دواوی (منتخب التوراریح) - رجوع شود به نام ملا تیری
- ۱۹- مسودات محمدالدین قوسی - رجوع شود به نام درویش دهکی
- ۲۰- (اکبرنامه) تألیف سیح ابوالفصل- رجوع شود به نام عتایی

۱- مؤلف ار این کتابها در تألیف این کتاب خیلی استفاده کرده!

۲۹- منتحیات حضرت گلشن- رجسوع شود به نام میر الهی .

شرح حال شعرای زیر را سسه مفصل آورده است

اکبر پادشاه و جلال اسیر و ادهم تر کمان و ایسی کتا بدار و پیرم حان و حیا نگیر
پادشاه و میرزا جعفر آصفحانی و حمالی کسوه و رلالی حواساری و سرخوش و سقب
سکهر اچ و تشکیبی و نعمت حان عالی و شیخ عطار و عنی کشمیر و عینی تفرشی و قادری
داراشکوه و مولانا مایلی و محمد ماهر و منیر لاهوری و نصیر همدانی (هر کدام در یک
صفحه) و حکیم همدانی و مولانا محتشم و معینی خوبنی و همایون پادشاه (هر کدام در
۱ ص) و سرمد و بطیری (هر کدام در ۲ ص) و صائب (در ۲ ص) و حاجانان
و ملاشیدا (هر کدام در ۳ ص) و بیدل (در ۱ و ۹ ص) .

روی هم رفته شرح حال بیدل را مفصل تر از همه آورده است .

همچنین اشعار شعرای زیر را سسه مفصل آورده است .

میرزا جلال اسیر و میر سحر گاشی و تشکیبی و نعمت حان عالی و عینی کشمیری
و عیائنا حلوائی و قدسی و کلیم همدانی و مشرفی و میر لاهوری و نظام دس عیب و بطیری
و درویش واله (هر کدام در یک ص - تقریباً ۳۰ بیت) و حیرتی توبی و طرری و عرفی
و فوحی (هر کدام ۱ ص) و سالک یزدی و سالک قزوینی و سعائی و صائب و طعری
مشهدی (هر کدام در ۲ ص) و رصی داش (در ۲ ص) و دارا (در ۱ ص)

روی هم رفته اشعار دارا مفصل تر از همه آورده است

در دیل نام بعضی شعرا اشعاری را که مورد پسند حان آرزو بوده نقل کرده است
مثلا رجوع شود به آشا و استعنا و ایسی و الهی قمی و ابوتراب انجدانی و میر الهی
و محمد ناقر اشراق و امان الهامانی و ناقدی و حربی و میرزا نظام دس عیب و
سالک قزوینی و سالک یزدی و محمد هاشم سحر و محمد قلی سلیم و هریدون شایق و شانی
تکلو و ملاشیدا و عرفی شیرازی و عیایب اله سیرازی و رور بهان صبری و ظاهر و حید و
محمد ظاهر و ملا طعری و عیائنا حلوائی و فصیحی هروی و میرزا رستم فدائی و هیصی
و نورالدین محمد قراری و قدسی و لسایی شیرازی و میرزا قلی میلی و میرزا املاک مشرفی

و نصیر همدانی و ملا نادم و امیر همایون و درویش و اله .

در ذیل شرح حال بعضی شعرا مخصوصاً اشتباهات تذکره صراحتی را بیان کرده است رجوع شود به طاهر و وحید و حکیم سعید و میر کفّری و علی داش حاوید و حسین آشوب و سید مرتضی رسی .

بعضی اقوال را از دیگران نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام ملاحظه که در ذیل او قول شاه گلشن را نقل کرده و همه چنین در ذیل شرح حال ناحی و حسن بیک گرامی و ملا فاضل قول آرزو را آورده است

تحلیص مر را حاجی را غرلی فکر کرده دگرش را در ردیف «ع» آورده است در حالیکه تحلیص وی «عرتی» بوده و این عرتی را کسی غیر از مر را حاجی قلمداد نموده وی را در ردیف «ع» با ملاما عرتی شیرازی آورده است (طاهر اُ این اشتباه بندری که سعینه حوتگورا دوباره ترتیب و مطبوع نموده رخ داده است)

در ذیل شرح حال حضرت میر شاه حکایتی راجع به شکستن ابریق و رباعی گفتن وی و روسیاه شدن و نار رباعی دیگر گفتن او و در نتیجه دوباره روسفید شدن وی که در اکثر تذکرها و کتب به حیات ریشابوری مسوسست (والله اعلم بالصواب) مؤلف آبراهه میر شاه بسبب داده است

د کرد و بعرا نام «شاه مراد حواساری» آورده است که طاهر اُ هر دو یکی بوده و آبراهه مکرر آورده است هم چنین دگر صیاء کاشی را هم مکرر آورده است (ص ۲۲۹ و ۳۳۲)

در ذیل شرح حال ملا سابق میویسد «برادر ملا سعید اشرف که دگرش در دفتر چهارم خواهد آمد» که طاهر اُ اشتباه است چون این تذکره سه دفتر بیشتر ندارد «ری گرد آورنده این نسخه «آب آورده» بعضی قسمتها را در این تذکره اضافه نموده است مثلاً رجوع شود به قسمت آخر شرح حال ابوالقاسم و مدرسکی و میرزا اشراق و میرزا برقی و حمادی (در ذیل نام حمالی) و حسرو دهلوی و دارا قاجار .

هم چنین دگر لامع (میرزا نورای لامع) را در ذیل حرف «لا» بعد از حرف «ها»

آورده است اما حرف «لا» در هیچ تذکره دیگر دیده نشده است
در دیل نام شعرای زیر توصیح داده است که با آنها ملاقات کرده است، فیضان و
جودت.

این رباعی نانا طاهر را سام ملااحسی خودنمایی (نظ خواستاری)
نوشته است.

ندشت خاطر مخرعم بروید رخا کم حز کل ماتم بروید
بصحرای دل بی حاصل من گیاه ناامیدی هم بروید

در دیل شرح حال «بیختر» می نویسد «در تذکره غلام علی آراد مسطور است که
میرزا بیختر در کتاب «بیختر نامه» تذکره حقیقه مجلس خود را نامیرزا بیدل معصل
نوشته است اما در «سرو آراد» اسم این تذکره سفینه بیختر آمده است و نه «بیختر نامه»
(رجوع شود به سرو آراد ص ۳۱۵)

در دیل حسن بیگ اسم می نویسد «تذکره الشعرائی نوشته طاهر اتمام یافته
و سطر هم بیفتاده» اما اسم تذکره حسن بیگ اسمی در جای دیگر دیده نشده است
هم چنین در گرد آورنده نسخه «آب آورد» در دیل نام طرری می نویسد
«حصیر در تذکره ملا فرویدون همی» که تذکره فریدونی مسهور است احوال ملا
طرری را چنین دیدم «

سنگ اشای مولف

در نسخه آب آورد سنگ اشای مؤلف غالباً ساده است اما در موقع تعریف شعرا
شروع برداخته است

گاهی القاب توصیفی قبل یا بعد از اسمی شعرا آورده است مانند

«ابوالولای تاره گویان حضرت میرزا محمد علی صائب سریری استاد الاستاذ
رورگار و سرآمد معنی سدان نادره کار» یا «سر کرده شهرستان گف و شنید یواب
وحیدالرمایی میرزا طاهر وحید»

هم چنین گاهی جمله ای مصوع در معنی «قوت شد» آورده است مانند

میرزا تسکین بعهد عالم گیری از کشمکش روزگار تسکین یافت .

تصویر بردفترسوم سدیبه خوشحوی

اکنون دفترسوم این سدیبه (نسخه نابکی و چاپ پشته ۱۳۷۸ هـ / ۱۹۵۹ م) اینجا

مورد بررسی و بحث قرار میگیرد

مؤلف در دفترسوم اسم کتابهای زیر را ذکر نموده است که از آنها در تألیف

این کتاب اسعاده نموده است

۱ - کلمات الشعراء سرخوش - رجوع شود به شرح حال شاه ناصر علی و راسخ

و اشرف

۲ - حیاتنامه - رجوع شود به شرح حال اعظم .

۳ - تذکره ناصر آبادی - رجوع شود به نام ناصر علی و اشرف .

۴ - تذکره غلامعلی آزاد - رجوع شود به نام مشرب

۵ - ید بیضا - رجوع شود به شرح حال ثابت .

۶ - همیشه بهار - رجوع شود به شرح حال حجت .

۷ - تذکره علی قلیخان واله - رجوع شود به ایمن

شرح حال شعرای زیر را مفصلتر از دیگران آورده است : شاه ناصر علی و

محلص (هر کدام در ۳ص) و ساکر (در ۱/۳ص) و گلشن (در ۴ص) و سرخوش

(در ۵ص) و بیدل (در ۲۱ص) .

در ردیل نام مطهر (حاجتآنان) و سراج الدین علیخان آرزو و شرح حالی کسه

خودشان برای خوشگوفرستاده اند نقل کرده است (رجوع شود به شرح حال مطهر

ص ۳۰۲ و آرزو ص ۳۲۳)

انتظار شعرای زیر را مفصلتر از سایرین آورده است شاه ناصر علی و اشرف و

محمداعظم و نعمت جان عالی (هر کدام در ۳ص) و محلص و حصوری و حیا و آفرین

(هر کدام در ۴ص) و مطهر و سرخوش (هر کدام در ۵ص) و آرزو (در ۱۰ص) و بیدل

(در ۲۳ص) .

اشعار شعرای رپر اطبق پسند آرزو نقل کرده است شاه ناصر علی و غنیمت و وحشت و سالم و اتیار خان خالص و محمد امین مطلع و صداف .
هم چنین اشعار «بیرا گئی» را از روی پسند سر خوش نقل کرده است (رجوع شود به ص ۱۰۲) .

شعراى ديلى اشعارشان را بحط خود براى خوشگوا فرستاده اند و خوشگوا آنها را در اين سعيه شامل کرده است : رواج و اشتياق و احتر و بى ریا و رفعت و تمکين و قابل و محبت و حشمت و متين و محاص و سابق و بيکس و شورش و انای داس محاص
مؤلف اشعار بيدل را اربياضی که وی با مضای خودش بمؤلف داده بود انتخاب و نقل کرده است (رجوع شود به صفحه ۱۲۵)

مؤلف ديوان شعرای رپر را دیده و اشعارشان را از آنجا انتخاب نموده است ،
راسخ و مائل و اشرف و سيادت و مير بحايب و لامع و بيرنگ و عاشق و بعمب حان عالی و فيضان و وحدت و سر خوش و حنون و عالی و واضح و بى تکلف و تأثیر و حیا و رائج و ثامت و حسرت و حریس و الهت .

روپه مرفته شرح حال بيدل (در ۲۱ ص) و اشعار او را (در ۲۳ ص) از همه مفصل تر نقل کرده است و در دگر بيدل اکثر آراوى و وقایع مهم زندگی و سراپای او و روابطه او با امرا و ملوک معاصر و قوت وی و حکایات مختلف راجع با دواز مختلفه زندگی وی را بیان کرده و چون مؤلف اکثر در خدمت بيدل بوده مناسبات او در باره بيدل مورد اعتماد و موثق تر از دگر بویسان دیگر میباشد و میتواند گفت که در باره بيدل هیچ کتابی غیر از تألیفات خود بيدل معتبر تر از این کتاب وجود ندارد

در ديل شرح حال بعضى شعرا بر حى حکایات را بدون ذکر مأخذ نوشته است رجوع شود به شرح حال ملا ساطع (ص ۲۳۶) و غيره

در ديل شرح حال شعرای رپر تصريح نموده است که با آنها ملاقات کرده است میان شاه ناصر علی و حفط اله خان حنظلی و فيضان و حدود و سر خوش و تلاش و محمد علی مطلع و حاتم بيگ حاتم و دو القدر و تمکين و بيرا گئی و بيدل و قبول و

سپهت و گلاب رای محصل و شاه گلشن و عاقل و حیا و فایز و آبرو و شهرت و برهت و اشتیاق و پیام و قابل و سامان و تاب و تحرید و اختر و مرزا گرامی و زافع و شاعر و بیکی و تمنا و رفعت و تمکس و حواد و آگاه و شاه‌میم و عظیم و سامع و واقف و حشمت و متین و حرین و سر ، گوپال تمیر و محصل و حلب و ابنای داس محصل و نابوبال میکند و حصوری و حکم چند بدرت و راجه‌رام بر این مورون و مشی سرب مکه‌جا کستر در ذیل نام تجرید، نامه‌ای که وی با آرزو فرستاده بود بطور نمودینه نقل کرده است (ص ۸ - ۲۲۶)

اکثر حکایات را که در ضمن شرح حال شعرا بیان کرده است از منابع موثق و غالباً با ذکر اسم منابع خود نقل کرده است مثلاً

در ذیل شرح حال ناصر علی حکایاتی از شاه گلشن و بهگوت رای قلندر .

» اشرف حکایتی از کلمات الشعرا

» همت » میان علی عظیم پسر همت .

» نعمت خان عالی » میرزا بیدل

» میرزا داود مشهدی نقل قول از حرین

» رائج الهیار (از رفقای رائج)

در ذیل شرح حال بعضی شعرا بعضی بیانات تذکره نویسندگان دیگر را در سازه

آنها تکذیب نموده و حقیقت امر را چنانکه خودش تحقیق کرده است نوشته

رجوع شود به شرح حال ناصر علی و سرخوش و بیدل که آنجا قول طاهر نصرآبادی را تکذیب و اصلاح نموده است .

گاهی با عراضاتی که شعرای دیگر بر اشعار شعرای مدکور این سعیه

گرفته‌اند جواب داده و سداً بر اثر اشعار دیگران آورده است رجوع شود به نام

ناصر علی و اشرف

اما گاهی بر بعضی اشعار شعرا خودش ایراد گرفته است رجوع شود به نام

آراد (ص ۲۶۹) و واقف (ص ۲۸۷ و ۲۸۸) .

مؤلف ناماده تاریخ گوئی» هم علاقه داشو ماده تاریخ فوت شعرا که دیگران سروده اند در دیل شرح حال آنها آورده اسب : رجوع شود به شرح حال ناصرعلی و سرخوش و بیدل و محمد اعظم و مررا حاتم بیگ و خودت و منعم و بیرنگ و میرالهب

سبک انشاء مؤلف در دفتر سوم

در دفتر سوم سینه خوشگو بیرسک اشای مؤلف اکثر ساده اسب اما در موقع تعریف ار شعرا مخصوصاً در دیل نام بیدل و آرزو شر مصنوع و گاهی شر مسح نکار برده اسب

گاهی بعضی اصطلاحات و عبارات عربی را نکار برده اسب مثلاً

در دیل ناصرعلی مینویسد در شاعری «کوس انا و لاغیری» بواحه (ص ۳) .

«خودان» « دعوی «انا و لاغیری» نموده (ص ۲۸۰)

«سامی» «ومن ادعی فعلیه السد» (ص ۲۳۲)

«عبار» «وکان دالک فی شهر الاموماة و حمسین» (ص ۲۱۰)

همچین بعضی کلمات اردو (که بعضی از آنها اصلاً فارسی اسب) نکار برده اسب

قانو بمعنی قوت و طاقت (رجوع شود به شرح حال محمد رحمان راستخ ص ۸)

گولی بمعنی گلوله (رجوع شود به نام اعظم ص ۴۳) چند گهری بمعنی ساعت (سجا -

ص ۱۹۵) کچهری بمعنی دادگاه (ساز گلشن ص ۱۶۶ و منعم ص ۵۳) خطوط بمعنی

نامه ها (عاشق ص ۵۷) حظ بمعنی نامه (تحرید ص ۲۲۶) نوره بمعنی کامل و تمام

(مشراب ص ۸۲) چلم بمعنی سرقلیان گلی (بیدل ص ۱۱۲) بالکی بمعنی تحسروان

(بیدل ص ۱۱۲) چموتره بمعنی سکو (بیدل ص ۱۲۱) پله ترارو بمعنی کفه ترارو

(بیدل ص ۱۲۳) بالانافه بمعنی مرتب و بدون تعطیل (بیدل ص ۱۲۰)

املائی بعضی کلمات را طوری نوشته که یا اصلاً غلط اسب و یا امروز فرق کرده

است :

مسنوی بجای مثنوی (لامع ص ۵۴) بیسه بجای بسه بمعنی بوه و نواده

(عاشق ص ۵۷) بست بجای بیست (ریاض ص ۱۹۲)

بعضی اصطلاحات را خودش درست کرده و بکار برده است .

صائمانه = بطرر صائب (باحی ص ۷۱) طهور یانه = بطرر طهوری (سرخوش

ص ۷۷) هندوستان را بحای هندوستان راده (رسائی ص ۱۸۹ و تمنا ص ۲۴۹) نهایت نهایت

مخطوط گشت = بی نهایت مخطوط گشت (سخا ص ۱۹۵)

بعضی افعال را استعمال کرده که امروزه فرقی کرده است

بر گردید بمعنی برگشت (ناصر علی ص ۲) آرید بمعنی آورد (رجوع شود به حیا -

ص ۱۸۴) نویسانیده = معنی از نوشتن (میراگی ص ۱۰۳ و بیدل ص ۱۱۲ و ۱۲۳)

گاهی جمله‌ای مصوع در معنی «فوت شد» بکار برده است. مثلاً

در دیل سرح حال سالم میویسد از بار عصری سکنوش شد

در دیل شرح حال در سامیویسد بر عجوره شوهر کشد بی اطلاق گفت .

فیضان از این تنگای فانی نصای حاودانی آهنگ نمود

قبول دعوت حق را لیک احاب گفت

همچنین گاهی جمله‌ای مصوع در معنی «متولد شد» بکار برده است مثلاً

در دیل نام بیدل میویسد قدم ساز گاه شهود گذاشت

روی همرفته این تذکره از حیث جامعیت و تحقیق در باره بعضی مطالب راجع

برندگان شعرای حوسب مخصوصاً دفتر سوم این تذکره از حیث اصالت مطالب

سیار مهم است چون مؤلف با اکثر شعرای ملاقات نموده و اکثر اطلاعات را از روی علم

خود آورده است . مؤلف با بسیاری از شعرای معاصر خود از نزدیک آشنائی داشته و بنا

بر این بیانات وی در باره این شعرای مورد اطمینان و بنا بر دش میباشند . مؤلف سال وفات

یا «تاریخ» وفات شعرائی که قبل از تألیف این کتاب فوت کرده بودند آورده است که

بسیاری از آنها در کتب دیگر ذکر شده . همچنین اشعار

حجرت

خلاصه دفتر سوم این تذکره را میتوان جزو بهترین تذکره‌های فارسی شمرد.

نسخ خطی

الف - ۱- اندیا آفس ۴۰۲۳ (دفعه اول) ۲- اشبرنگر ۳۳۰ = برلن ۳-۶۵۲
(دفعه اول و دوم. ناقص)

۳- مجلس ش ۳-۴ (دفعه دوم ۱۲۶۸هـ) ۴- نادلیں ۳۷۶ (دفعه دوم)

۵- دانشگاه لاهور (دفعه دوم - ناقص شامل ذکر ۷۷۵ شاعر ارحامی تا مراداری) =

بادلن ش ۷۷۹

۶- نانکی نور ح ۸ ص ۸۳-۱۱۵^۲ دفتر سوم (طاهر آ ناقص - بخط آرادیلگرامی

مورح ۱۱۸۲هـ) دیل ج ۱ ص ۱۷۸۶ (دفعه دوم ناقص - ارحامی تا سروری) = بادلین -
۶۳۶ (قرن ۱۹م).

ب - نسخه «آب آورد» که «دری» در حدود ۱۲۴۳هـ در شوشتر از روی اوراق

پراکنده و آب حورده دوباره ترتیب و استساح نموده است

۱- سپه سالار ح ۲ ش ۴۹۰ و ۱۱۱۶ ۲- ملک بهرا - ۴۳۰۵ (قرن ۱۳هـ)

۳- ریو دیل ش ۱۱۱ (۱۲۵۲هـ) ۴- مرگری بهرا ۲۶۵۵ (۱۲۴۷هـ)

۱- این نسخه در فهرست آته ذکر شده است در استوری ح ۱ ص ۱-۲ که آنجا

استوری علامت I O را شرح داده است

۲- این نسخه دو قسمت دارد. قسمت اول در «تراجم بعضی مورودان از فصل دوم تذکره

سدراین دلس خوشگو متخلص «میباشد و مشتملست بر ذکر شعرای زیر ۱- قطرب ۲- حسینی

۳- با نام محمدعلی اسمعانی ۴- شاه اسمعیل دیبجی ادیبج ۵- قدیرا متخلص به عرفان ۶-

مراد نظام الدین احمد ۷- سراخا متخلص به نقاش اصهبان ۸- میرزا محمد طاهر متخلص

به طاهر ۹- مرزا بدیع الزمان متخلص به اقدس ۱۰- حاجی عبدالواسع متخلص به اقدس

۱۱- میر محمد هاشم متخلص به مصوی ۱۲- محمد ابراهیم متخلص به اصاف ۱۳- میر حمیل

متخلص به سوری ۱۴- مرزا اسمعیل متخلص به حجاب ۱۵- محمد اسحاق متخلص به شوکت

بحارائی ۱۶- محصل کاشی ۱۷- شعیبا متخلص به اثر و قسمت دوم به وان «قسم سوم» مشتملست

بر شعرای معاصر که مؤلف با بعضی از آنان آشنا بود و در «میان راه» بصیر متخلص به علی، شروع

شده با «مثنوی سربسکه» متخلص به خاکستر، تمام میشود - در این نسخه «هرست اسامی شعرا

در چهار صفحه آمده است.

در این نسخه آقای حسینعلی باستانی راد
مالک ساق این سحه بعضی حواشی
اصافه کرده است .

چاپ کتاب

دفتر سوم پته ۱۳۷۷ هـ ۱۹۵۸ م باهتمام پرفسور سیدشاه عطاء الرحمن .
برای شرح حال مؤلف رجوع شود به سینه خوشگو (که در دیل نام برخی شعرا
اشاره هائی کرده که بعضی وقایع زندگی او را روشن میسازد) و مقالات الشعراء حیرت
و گلرعا و مجمع العایس و مخزن العرایب ش ۷۳۶ و اشیرنگر ص ۱- ۱۳۰ و تکملة
الشعراى سوق و سینه هندی ش ۹۷ و روز روشن ص ۲۰۶ و ادبیات فارسی مین هندوون
کا حصه (اردو) ارد کتر سید عداله ص ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و فهرست ناسکی پور و
و دیباجه انگلیسی و فارسی سینه خوشگو چاپ پته ۱۵ از پروفسور عطاء الرحمن

فهرست اسامی شعرا

- ۱- دفتر اول- در هیچ کتاب نیامده است
- ۲- دفتر دوم- رجوع شود به نادین ستونهای ۲۱۲ - ۲۳۹
- ۳- دفتر سوم- رجوع شود به ناسکی پور ص ۱۶- ۱۱۵ .

ید بیضا^۱

ابتداء : - بحمد من نظم الاشياء و علم الاردم الاسماء

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف میرعلامعلی متخلص به آراداس و ی سناً حسینی^۲ و اصلاً واسطی

- ۱- در فهرست کتابها به آصفیه ح ۳ ص ۱۶۲ ش ۱۸۶ اسم این تذکره سدیدقرار آمده
است تذکره ید بیضا موسوم به وصیح-ندان
- ۲- آراداسناً اگر در یدیه نگوئیم صحیح تر خواهد بود چون وی از اولاد موتم الاشال
من ید شهید بوده چنانکه در شطور آینه میآید

ووطا بلگرامی دمهیا حبی و طریقه حشی است سمش به موتم الاسمال بن رید
شهید بن امام زین العابدین میرسد چنانکه خودش در باره آن گفته است

گرچه باشد موتم الاسمال عیسی خدمن عیسی جان بخش شیرانم نامداد نفس

آزاد میگوید که معنی «موتم الاسمال» یتیم کسده سیر یحیا است و چون وی
اکثر شکار میگردید در این باره لقب مملکت شده بود هم چنین دیگر حای آزاد نایب امر
که وی را ولادین شهید است اشاره کرده است چنانکه میگوید

مرا به تیغ ستم کینت و گمبار سربار چراغ دوده رید شمد روس سد

آزاد روریکه ۳۵ ص ۱۱۱۶ ه قمری در محله میدا پوره در قصه بلگرام

ارتوایع صوبه (استان) اود متواد شد وی برد پیح اسناد تحصیل نمود، اولاً برد

میر طعیل احمد اترو لوی بلگرامی علوم درسی و ثانیاً برد میر عبدالخلیل حدماتری

خود لغت و حدیث و سیر سوی و فنون ادب و ثالثاً پیس میر سید محمد دانی خود

عروض و فوائی و بعضی از فنون ادب و رابعاً ترد شیخ محمد حیات سدهی در مدینه

صحیح بخاری و «صحای سته و سایر مفردات» و خامساً برد شیخ عبدالوهاب ططاوی

در مکه «بعضی فواید علم حدیث» را خواند آزاد در باره سالگی فارغ التحصیل شد

وی در سنه ۱۱۳۰ ه بدست فدوه العارفین میرسید لطباله بلگرامی که در کرس را

در مآثر الکراموسر و آزاد آورده است در طریقه چشمه بیعت کرده و بدان طریقه مسلك
و مر بوط سد

مؤلف بعمل خود در تمام عمر سه بار^۴ اروپا به مسافرت خارج روف اول

۱- رک مسجوران ملند فکر (اردو) در دلیل نام آزاد

۲- آزاد و ولف مسجوران ملند فکر سه بار، نوشته بد ولی این در سنه نیست چون سعد

از حج آزاد به اورنگ آباد رفت و از آنجا چندین بار با اتفاق امراش مانند صه الالدوله در ای میر

و سیاحت دکن و شهرهای دیگر رفت اما، اگر گفته شود که روطن خود به مسافرت کرد در آن

صورت این قول صحیح خواهد بود چون طاهر آزاد بیهزار مسافرت بموم هیچ وقت روطن خود

(بلگرام) مراجعت نکرد.

در ۱۱۳۴ هـ باتفاق میر عظیم‌الیه بیخبر بلگرامی برای دیدن جد مادری خود میر -
عبدالخلیل شاه جهان آباد (دهلی) رفت و آنجا دو سال اقامت داشته و از صحت جد
مادری خود استفاده نموده دوباره به بلگرام وطن خود برگشت

مسافرت دوم وی در دی الحجه ۱۱۴۲ هـ اتفاق افتاد موقعیکه وی از راه شام -
جهان آباد و لاهور و ملتان به سیوستان یا سهوان از بلاد سند در خدمت خال (دائی) خود
میر سید محمد بلگرامی رفت میر سید محمد مر نور از طرف پادشاه دهلی میر بخش و
وقایع نگار آنجا بود آزاد روز دهم ربیع الاول ۱۱۴۳ سیوستان رسید. میر سید
محمد آزاد را برای مدت چهار سال به بیات خود در هر دو خدمت مذکور مقرر کرده
خودش به بلگرام رفت و بعد از چهار سال به سیوستان مراجعت نمود آزاد در ۱۱۴۷ هـ
از همان راهی که به سیوستان رفته بود شاه جهان آباد رفت.

در این مسافرت آزاد با حرین در ۱۱۴۷ هـ در شهر بهکر ملاقات کرد و حرین
برخی اراستار خود را بحظ خود بطور یادگار بوی داد و چون آزاد نا عجله سوی
دهلی میرفت وی حرین را در همان شهر گذاشته خود سوی مرل متصوفا راه افتاد
هم چنین در حین مراجعت موقعیکه از راه لاهور ساه جهان آباد میرفت ناواله
در ۱۱۴۷ هـ در لاهور ملاقات کرد و هر دو شاه جهان آباد نهم مسافرت کردند بعد از
ورود به دهلی آزاد در آسپر بک حفته توفیق نموده سوی اله آباد رهسپار شد و ناواله
در دهلی ماند و بعد از آنجا رحل اقامت افکند

چون سایر اعضای خانواده آزاد در آن زمان در شهر اند آباد اقامت داشتند وی
بیر از دهلی خود را به اله آباد رسانید و در آن شهر سه سال اقامت کرد ولی در این مدت
دوبار بوطن خود بلگرام رفته و هر بار به اله آباد برگشت

مسافرت سوم آزاد در رجب ۱۱۵۰ هـ روی داد موقعیکه وی از بلگرام به حجاز
تعمد حج رفت این آخرین مسافرت آزاد بود چون دیگر وی هیچوقت بوطن

۱ - ر ك حراً به عامره ص ۱۹۴

۲ - ایضاً ص ۲۴۱

خود (بلغرام) برنگشت. آزاد وقتی که اراله آباد در سال ۱۱۵۰ هـ به بلغرام رفت شوق زیارت حرمین و اختیار تحرید (ابروا) که از مدتی در قلب وی موح میرد یکبارگی هجوم آورد و در نتیجه وی در سوم رجب ۱۱۵۰ هـ از بلغرام عازم حجاز شد. «سرخیر» سال تاریخ آن (۱۱۵۰ هـ) را می‌رساند.

حالیست که در باره عمر و مقصد خود به هیچکس اطلاع نداد و حتی خویشاوندان و نزدیکان وی بی‌سرور بعد از رفتن وی از این موضوع با خبر شدند و برادرش تاسه مرل عقبوی رفت ولی چون او را هیچ حایات با کام بوطن برگشت علت این بود که آزاد ارراه غیر معروفی رفته بود آزاد تا مالوه مردیک گجرات پیاده رفت. اتفاقاً در آن ایام لشکر نواب آصف‌جاه (۶۱ - ۱۱۱۳ هـ) در مالوه چادر رده بود. یکی از افراد لشکر نواب از آزاد پذیرائی گرمی بعمل آورد

در دوم شعبان (۱۱۵۰ هـ) آزاد در خدمت نواب مر نور حضور بهم رسانیده و رباعی زیر را پیش وی خواند و طی آن از نواب تقاضای کمک نمود

ای حامی دین محیط خود و احسان

حق داد ترا حطاب آصف شایان

او بحد بندرگاه سلیمان آورد

تو آل سی را بدر کعبه رسان

راجع باین رباعی که آزاد صریحاً جهت تملق آصف‌جاه و استمداد از وی سروده

بود در «خرابه عامره» (ص ۱۲۶) چنین توضیح داده است

«در حقیقت نظم این رباعی برای تحقیق مضمون آیه کریمه و علی‌الناس حج -

الیس من استطاع الیه سبیلاًه برای جلب حطام دیوی بوده»

در هر حال ما گفته ماند که غیر از این رباعی آزاد در تمام عمر خود هیچوقت شعری

دیگر بمدح پادشاهی یا امیری نساخته است

خلاصه نواب مر نور حرج سفر را تا آزاد داد و وی از مالوه به بندر سورت رفت و

از آنجا روز ۲۴ ذوالعده (۱۱۵۰ هـ) سوار کشتی شده روز ۱۸ محرم ۱۱۵۱ هـ وارد بندر جده

تدو آنجا چهل روز توقف نمود و روز ۲۹ محرم وارد مکه شد. چون مکه رسید هجرت مدتی
زیادی بدو وقع حج مانده بود و بنا بر این سه روز در مکه اقامت داشته و بعد از طواف
بیت الله و زیارت عتبات عالیہ بمدینه رفت و عید فطر را آنجا گذراند و روز ۱۴ شوال دوباره
مکه مراجعت نمود و آنجا مناسک حج را انجام آورد

«عمل اعظم» (= ۱۱۵۲ هـ) تاریخ آنجا آوردن حج را میرساند. چنانکه در سابق
گذشت در مدینه نزد شیخ محمد حیات سدهی صحیح بخاری خواند و سند بصیبه صحاح
سته را از وی گرفت و در مکه پیش شیخ عبدالوهاب ططاوی درس حدیث گرفت

در ربیع الاول ۱۱۵۲ به طایف رفت و بعد دوباره مکه برگشت و در عشره آخر
همان ماه عازم هندوستان شد و در ۳ جمادی الاول در حده سوار گشتی شده در هشت
روز به محال رسید و از آنجا مریات علی بن عمر شادلی مشرف شد و چهار روز آنجا
توقف نموده روز بیست و نهم در سره سروره پیاده شد و روز ۲ جمادی الثانی وارد بصره شد
و (بنام اسوری) پنج ماه در بصره بود و روایت «سجنوران بلد فکر» روز ۲ جمادی
الثانی سورت رسید و آنجا پنج ماه اقامت داشت (که ظاهر آن صحیح نیست) و در ۱۱ ذوالقعد
از آنجا حرکت نموده روز ۲۷ آنجا باورنگ آمد که رسید «سفر بحیره» (= ۱۱۵۲ هـ)
تاریخ مراجعت وی به هندوستان و مهاجرت بدکن را میرساند
در اوزنگ آمد از آراد در تکیه ساه مسافر عجدوانی (متوفی ۱۱۲۶ هـ) رحل
اقامت افکند

در ۱۱۵۴ هـ برای سیاحت حیدرآباد و بیدرزفت و بعد از چند روز دوباره به تکیه
مربور مراجعت نمود

مؤلف «سجنوران بلد فکر» می نویسد که چون در ۱۱۵۸ بواب نظام الدوله ناصر-
حسنگ شهبید حاکم حیدرآباد (۱۱۶۱-۱۱۶۴ هـ) از طرف پدر خود بواب آصف حاکم بصره
داری (استانداری) اوزنگ آباد مأمور گشت و وی آراد را در بار خود دعوت نمود و
از وی خیلی احترام و تحلیل نمود و چنان محدود احلاق آراد گشت که وی را مصاحب
و معرب خود مقرر کرده و تا زنده بود هیچوقت او را از چشم خود دور نمیکرد بواب

مربور در شعر از آزاد اصلاح می‌گرفت.

در همان سال (۱۱۵۸ هـ) نواب مربور برای سیاحت و گردش بکرناتک رهسور آزاد را هم همراه خود بر دو باتفاق وی آزاد در عرماه صفر ۱۱۶۱ هـ باورنگ آباد مراجعت کرد. آزاد در همان سال (۱۱۶۱ هـ) به اتفاق نواب به برها پور رفت و چند روز بعد دوباره باورنگ آباد برگشت روز ۱۴ سوال به همراهی نواب مربور بارکات رفت و یکسال و چند ماه در مسافرت بود در همین مسافرت در محرم سه ۱۱۶۴ هـ نواب ناصر خنگ کشته شد و بعد از کشته شدن نواب آزاد ۱۵ رحمادی الاول ۱۱۶۶ هـ باورنگ آباد مراجعت نمود. شمس‌الہ قادری مؤلف «قاموس العلوم» (اردو) مینویسد که آزاد از طرف نواب ناصر خنگ مستمری می‌گرفت اما هیچوقت معامی یا خدمتی را قبول نکرد

در ۹ ربیع ۱۱۷۴ هـ آزاد بدعوت صمصام الدوله شاهنوار خان وزیر اعظم به حیدر-آباد رفت و چند ماه بعد روز ۱۹ ذوالعده دوباره باورنگ آباد مراجعت نمود و چند روز در تکیه‌ساز مسافر سابق الد کر توقف نمود

در ۱۱۶۷ هـ نواب امیر الممالک صلاحیت خنگ حلف آصف‌جاه حاکم حیدرآباد (۷۵ - ۱۱۶۴) نواب صمصام الدوله را سمت و کاتب خود منصوب کرده و به حیدر-آباد دعوت نمود نواب صمصام الدوله با کمال استیاق آزاد را پیش خود دعوت نمود و چون آزاد به حیدرآباد رسید نواب نظام علیخان آصف‌جاه ثانی (۱۱۱۸ - ۱۲۷۵) بیرونی را مورد تعظیم و تحلیل قرارداد. در ۱۱۷۰ هـ صمصام الدوله معرول شد اما در نتیجه مساعی رفقای صمیمی خود مانند آزاد دوباره بمقام خود برگشت ولی در سال بعد (۱۱۷۱ هـ) ۳ رمضان در نتیجه توطئه‌ای صمصام الدوله کشته شد و سرل وی را بعبارت بردند در این دستور و عارتگری^۱ سحره نامام مآثر الامرات تألیف صمصام الدوله بیرگم شد. اما آزاد بعد از تلاش بسیار موفق شد اکثر اوراق پریشان آنرا پیدا کرده و «حظیه و تمهید» و شرح حال مؤلف و برخی دیگر را اضافه نموده بصورت یک کتاب

۱- برای شرح این واقعه در بهارستان سخن شرح حال مؤلف (صمصام الدوله)

در آورد^۱

سه سال بعد از فوت آصف‌جاه ثانی در ۱۱۷۸ ه^ق (۱۷۹۵) آراد ناورنگ آباد مراجعت
نموده در باره در تکیه شاه مسافر مدکور در گوشه عزلت و امر و اشست و بنیه رندگی
خود را هماجا بسر آورد

آراد در خرابه عامره تألیف ۱۱۷۷ ه^ق (ص ۱۲۵) می‌نویسد چند بار به تمامای اطراف
ملك دکن بر حاشتم اکنون (در سست و سه سالگی) در دارالامن اورنگ آباد
گوشه گیرم

بقول مؤلف «سخنوران بلند و کر» آراد در سال ۱۱۹۵ ه^ق در «روصه»^۲ (خلد آباد)
در اطراف مرار شاه نرهاں الدین غریب قطعه‌ای زمین را خریداری نموده و اسم آنجا را
«عاقبت حانه» گذاشت و آنجا قبری برای خود درست کرد سپس ضیافت بر رگی
ترتیب داده بعضی از مشایخ و شعرا و امرا را دعوت نمود و بعد از صرف عدا بنهمه مهمانان
دستداد و گفت «این ضیافت تو دیعی بود هدا فراق بینی و بیگ»^۳ بعد از آن تا دم

۱- بسیاری از نسخ این کتاب که آراد ترتیب داده و دارای شرح حال ۲۶۰ تا ۲۹۰ نفر
میداشد در بعضی کتابخانه‌ها موجود است ما گفته‌ایم که چندی بعد در ۱۱۹۴ ه^ق مصمم الملك
میر عبدالحی فرزند مصمم الدوله این کتاب را دوباره ترتیب داده و عده امرای مدکور این کتاب
را تقریباً ۷۳ نفر رسانید این کتاب در کلکته در سال ۹۱ - ۱۸۸۲ م در سه جلد طبع
رسیده است

۲- در «محبوب الرحمن» (ازدو) سال ۱۱۶۸ ه^ق ذکر شده است

۳- روصه یا خلد آباد بمسافرت میل از دولت آماد واقعست برای شرح معصل
این گورستان بزرگ که قبر اورنگ زیب عالمگیر و اموال حسن قطب شاه و آصف‌جاه و بعضی
سلاطین احمد نگر و عده یادی از عرفای مبروف آنجا است رجوع شود بکتاب «آثار مهم
تاریخی دکن» (انگلیسی) - تألیف هیکه چاپ اله آباد ۱۹۰۷ م صفحات ۸-۵۶

(Historical Landmarks of the Deccan - T W Haig -
Allahabad, 1907)

۴- اصل عبارت در تذکره «سخنوران بلند و کر» در بیان آراد و بدینقرار است به وداعی
ضیافت تهی - هدا فراق بینی و بیگ .

مرگ در گوشه عزلت نشست

پنج سال بعد از صیافت مر بور در سه ۱۲۰۰ هـ^۱ سن ۸۴ سالگی فوت کرد
شاعری تاریخ وفات وی را چنین گفته است «آه علام علی آراد»^۲ (= ۱۲۰۰ هـ)
وحیدالدین اشرف صدر «بحر دحار» مینویسد که آراد در ۲۱ ذوالقعدة سال ۱۲۰۰ هـ
فوت کرد و در «روضه» یا «حلد آناد» دفن شد^۳ و مؤلف «تایح الافکار» مینویسد
که وی در «روضه» پائین مر از حضرت حسن دهلوی مدفون شد
اینک عقاید و آرای تذکره نویسان و دیگران درباره اخلاق و پایه علمی آراد
بعل میشود

تقریباً همه تذکره نویسان معاصر آراد بعلم و فضل او اعتراف کرده اند آرزو
در «مجمع النعایس» تألیف (۱۱۶۳ هـ) مینویسد که آراد مردی عالم و فاضل است و صحیح
رفته و چند وقت است که در اورنگ آباد اقامت دارد و صوبه داران (اسانداران) دکن
در تعظیم و توقیر (احرام) وی میکوسند و خدمت او را برای خود سعادت محسوب
میدارند بامن اخلاص و آشنائی غائبانه دارد و بوسیله حواله سستی یکبار اشعار
و شرح حال من را خواسته و بار دیگر اشعار و شرح حال خود را فرستاد گویند
تذکره السعرائی^۴ نوشته و در این ایام در آن تحدید نظر مینماید

حاکم در «مردم دیده» (تألیف ۱۱۷۵ هـ) مینویسد که وی آراد را فریب ندهی سال

۱- شفیق در «چمستان شعراء» (اردو) مینویسد که آراد در ۱۱۵۲ هـ وارد اورنگ آباد شد
و هفت سال را در تکیه پادشاه مسافر سر برد و روی هم رفته چهل و هشت سال از عمر خود را
در دکن سر برد و هماغاه فوت کرده و در حلد آناد مدفون گشت (رک «چمستان شعراء» چاپ
انجمن ترقی اردو، ص ۴)

۲- رک سجوران بلند فکر تحت نام آراد

۳- رک «سجده بحر دحار» متعلق به دوره بریتانیا ص ۳۱۵ که در فهرست ریو ح ۳
ص ۹۷۶ ذکر شده و ریو درباره این مطلب در ح ۱ ص ۳۷۳ اشاره کرده است

۴- مراد دید بیضا، تذکره مورد بحث است

پیش^۱ در خدمت شاه آفرین لاهوری استاد خود در لاهور دیده بود و هنگامیکه بقصد زیارت حرمین در اواخر رحب (۱۱۷۵ هـ) به اورنگ آباد رسید چندین بار بخدمت آراد رسید اما چون (حاکم) عزم مسافرت بحجاز داشت بیش از سه چهار روز در اورنگ آباد توقف نمود و سپس چون در ۱۵ جمادی الاول بعد از حج باورنگ آباد مراجعت نمود مکرر بخدمت آراد میرسید^۲

سپس مینویسد که همه اعضای خانواده آراد اهل فضل و کمال بوده اند و آزاد دیوانی دارد عربی که من از فهم آن قاصر م عرلیات فارسی وی خیلی شیرین است . تدکیره های یدبصار حرا نه عامره^۳ بی تصع (است) و از بسیاری ارتدکیره های دیگر گوی سفت برده با این همه علم و فضل هیچ غرور و تکبر ندارد نامردم با کمال تواضع و گشاده پیشانی رفتار میکند و عرا و فقر ارا مرسوم احسان خود میسارد چند نسخه ارتدکیره خود من و نور العین واقع لطف کرده اس و ارا مارتب پذیرائی کرده و ما را ممنون و مرهون مروت و حسن اخلاق خود میگرداند تا سال تحریر (مردم دیده) که یکبار او و یکصد و هفتاد و پنج حجرست در همین شهر (اورنگ آباد) بحوی و حوشی میگرداند و جمیع اکابر اعم از صونه دار (استادان) و مرتبه داران دیگر و عموم مردم همه معتقد کمال و اخلاق این عزیز بررنگ میباشند^۴

هیگ در کتاب «آثار مهم تاریخی دکن» (انگلیسی) در صفحه ۵۸ در باره معروفیت آراد بعد از مرگ او چنین مینویسد «صیت و شهرت علم و فصل این شاعر (آراد) نا انداره ایست که والدین بجهه های خود را بمر ازوی میرسد تا آنها دانه ای

۱- حاکم آراد را در ۱۱۴۷ هـ موقعیکه او از سیستان بطرف دعلی میرت وچندی در لاهور توقف نموده بود دیده است (ر. ک مسافرت دوم مؤلف در سطور قبل)

۲- ر ک «مردم دیده» ص ۳۴

۳- از این معلوم میشود که حاکم حرا نه عامره تألیف ۱۱۷۶ هـ را قبل از اتمام آن

در ۱۱۷۵ هـ دیده بود

۴- ر ک «مردم دیده» ص ۳۴-۳۵

قدر اقبالهای خود از قبر بردارند و در نتیجه هم صاحب صدوی علم شوند و هم صاحب توفیق
و استعداد برای تحصیل آن^۱

همچنین ولیام چمبرز^۲ درباره «خرانه عامره» مقاله‌ای برپا انگلیسی در
«آسیاتیک میسلانی» نوشته است که ترجمه قسمتی از آن به قرار زیر است

«مؤلف (یعنی آزاد) . امروز در اورنگ آباد کردار قید حیات است و آنجا
بعد از چندین سال که در مشاغل ادبی و مسافرت‌های بی‌نهایت دور و دراز گذرانده با کمال
احترام و باندااره‌ای باشا و شکوه زندگی میکند و سن وی به شاد و بنج رسیده است
نظام جدید (حیدرآباد دکن) دو بار شخصاً برای ملاقات وی بآن شهر آمده است
اینهاست سببهای از نامهای دارم که عاری‌الدین معروف بنام وی (آزاد) سال
۱۷۷۵ هـ (= ۱۲۰۰ هـ) نوشته است و طی آن نامه عالی‌ترین مراتب احترام را
بآزاد تقدیم داشته است کتاب مورد بحث (خرانه عامره) را وی
در آنجا سن تصدیک سالگی تألیف نموده است غیر از این کتاب، وی چندین
کتاب دیگر را به نثر و نظم نوشته است از جمله چنانکه خود در عاری‌الدین طی
حواص نامه فوق می‌نویسد عده اشعار عربی‌دی به چهار هزار و بیست و هفتاد و سه
هزار و بیست و هفتاد و هفتاد و هفتاد و هفتاد و هفتاد و هفتاد و هفتاد و هفتاد
(عربی و فارسی) دائماً می‌فرایند در حالیکه سن وی در آنوقت از هفتاد سال تجاوز
کرده بود

۱- اصل عبارت انگلیسی به قرار زیر است

"The fame of the poet's learning is such that parents take their children to his shrine in order that they may by picking up with their lips a piece of sugar from the tomb obtain both a taste for knowledge and the ability to acquire it "

(Historical Landmarks of the Deccan - T W Haig - Allahabad, 1907).

William Chambers-۲

«امام مؤلفات تاریخی وی (مثلاً بیوگرافی‌های یوانان و امرا و غیره که در حرانه عامره آمده‌است) برای حواسدگان اروپائی حرو و نادرترین و نادرین آثار وی می‌باشد و نیز دارای این مریب خاصی هستند که وی اکثر وقایعی را که بیان می‌کند بحسب خود دیده‌است و خودش بکسرر هائیکه صحبه این وقایع بوده مسافرت کرده‌است و در موقع مطالعه این اقتناسات که ناخجله و بدون تعمق گل چینی شده^۱ - مراتب فوق را نباید مخصوصاً در نظر داشت چون این اقتناسات بعضی حریات را روشن می‌سازد که انگلیسها و فرانسویها در دو با آن مر بوط هستند و بیانات هر دو نشان راجع باین حریات در بعضی موازدا هم تفاوت داشته‌است»^۱

اما ابوطالب حان ترییری اصفهانی مؤلف «خلاصه الافکار» تپا تدره بویسی است که بر آراد تاخته و وی را ساد انتقاد کشیده‌است و حتی او را مورد تمسخر فرار داده‌است وی در تدره خود در دلیل نام حاقانی در فصل ودانش آراد مخصوصاً (در سایر فارسی دانان هندوینا کستان عموماً) انتقاد کرده است و در دلیل حکایتی به پیر حاقانی که بحاقان نوشته بود

پیر^۲ یا وساقی که در برش گیره

(وسق معنی برستین و وساق بضم اول علام آورد را گویند) و حاقان متعیر گشته که چرا هر دو را بحواستد و حاقانی مگس را مرومائل کندد برد حاقان فرستاد که گناه من بیست گناه ایست یعنی من «و وساقی» نوشته بوده اما مگس قضا تداخته «نا» را «یا» ساحت در اینجا مؤلف خلاصه الافکار می‌نویسد «عیر علامعلی آراد بلگرامی در این معام اظہر تعجب می‌کند که چرا حاقان از جهت علام مردم حواست بر سعید مؤلف گویند این سه سبب کم سعی از او صانع مرده ولایت (ایران) وی را رو داده چه در زمان قدیم کبیر و علام خود حرو خلعت و مرحمت دستور بوده والی الان هم اعمره تمام ولایتنا وسالطین و امرای خود بش

۱- ر ك آسيا تيك ميسلابى ح ۱- كلكنه ۱۷۸۵ م صفحات ۷-۴۹۶

۲- Asiatick Miscellany - vol 1 - Calcutta, 1785, pp 496 - 7

بی تکلفانه زندگی میکنند و از عاداتی که متأخرین تیموریه در هند رواج داده‌اند که سایر خلق سلوک عدیته، با اکابر نمایند یحایت دوراند و حق اینسب که بسیار قبیح است که در مواضع خاص اکابر امتوسلان خویش ادب عامیانه توقع کنند» سپس ابوطالب مینویسد:

« و ایضاً (آراد) معاللات هر لیه را سگ پیداشته و مضمون این بیت کلیم را میستاید :

گر هجو بیست در سخن من عصب مدار حیث آیدم که ره در آب بقا کم
غافل از اینکه هجو حربه و واسطه عرت شاعر است چنانکه آلت شمشیر باعث
هیبت سپاهی (سرباز) است و دلیل لطف و قوت طبع اوست^۱ - اعظم شعرای سلف عدم
آبرائاتفاق نقص میدادستند و متأخرین سب عجز طبع عدری پیدا ساخته»
و سپس مینویسد

« و نیز عجیب تر از این هر دو اینکه از امثال این تشبیهات که در این اشعار واقع شده و در اوین استادان از آن پر است دقیق آن گاهی (هیچوقت) شنیده نشده بود چون این شعر و حید

شاعران جان از برای شعر فهمان میکنند دختر هر کس و حیه افتاد معت شوهر است
بریر بار تو سعدی جوهر نگل مانده است

و این مصرع عرفی: حون حیص دختر رر حوشدار لپهای من
و این ابیات حکیم مسطور

چون هما اندک خور و کم سهوتم دانند و من

چون حروس دانه حین رأی شهوت پرورم

گر ر مردی دم ریم ای شیر مردان مشوید

زانکه چون حر گوش گاهی ماده و گاهی برم

۱- همچنین مؤلف و حلامه الافکار، درباره هرل در دیلم هوق الدین پردی مینویسد

هرل بهریکی از هون عشره شعر بلکه اصص طرق و محك امتحان قوت طبع شاعر است».

بیر خیرت میسر ما یدو تقبیح میکند و از این معنی بوضوح میپویند که آن اسفار و احتلاط با عرب و عجم دهقیت (دهقاییب) ایشان را یکباره رایل ساخته بود و السلام»

آثار مؤلف

سید شمس اله قادری آثار آراد را در «قاموس العلوم» (اردو) ح ۱ ستوهای ۵-۳۳ و سید و حاجت حسین در محله انجمن آسیائی نکال سال ۱۹۳۶ ص ۳۰-۱۲۳ (آثار اردو) و پرو کلمان در «دیل» ح ۲ ص ۶۰۰ (آثار عربی را) ذکر نموده اند

(الف) آثار فارسی مؤلف

۱- دیوان (رحوع شونده سححه المرجان) - برای نسخ دیوان رحوع شود به اسپرنگر ۱۴۶ و بانکی پور ح ۳ ش ۴۲۳ و آته ۱۷۲۲ و ایوانو - کردن ۶ - ۳۰۴ و مدراس ۷۵ (ح) (منتخب) و آصفیه ح ۳ ص ۲۸۸ ص ۸۳۰ (منتخب) چاپ حیدر آباد (بدون تاریخ) در دو جلد - ح اول ۶۰ صفحه و جلد دوم ۶۱ دارد - بیر رحوع شود کار اتای ص ۸۲

۲- مثنوی در حواص منوی میر عبدالخلیل ننگرامه - برای نسخه رحوع شود ح ۳ ص ۶۳۲

۳- مثنوی سرای عشق - برای نسخه سو رحوع دبه علیگر - دحا ص ۴۳ ص ۹۰

۴- سدة السعادات فی حسن حاتمة السادات (رحوع شونده سححة المرجان - ص ۱۲۳) برای نسخ رحوع شونده آصفیه ح ۲ ص ۱۳۴۶-۳۷۲ و ح ص ۶۶۲ ش ۱۰۱ و آته ۲۶۷۰ - نقول شمس اله قادری در مثنوی در ۱۲۸۲ هـ چاپ سد

۵- عر الان هند - (اسم تاریخی = ۱۱۷۸ هـ) ترسمه فصل ۳ و ۴ سححة المرجان بر مایش عبدالقادر مهربان 'ورنگ آادی و لجهمی بر این شقیق اورنگ آادی که اردفقای مؤلف بودند برای نسخ رحوع شونده آصفیه ح ۱ ص ۱۶۸ ص ۱۶۴ و برلر ۱۰۵۱ و آته ۲۱۳۵ و بد بر احمد ۱۳۱۰

۶- شجره طیبه در شجره ها و شرح رند گانی شیوخ بلگرام - برای نسخ رجوع شود به آصفیه ج ۱ ص ۳۲۲ ش ۳۵ و ح ۲ ص ۱۷۷۸ ش ۲۱۴.

۷- روضه الاولیاء تألیف ۱۱۶۱ هـ مشتمل بر شرح حال ده عارف صوفی است که در حلد آباد یار و صه نزدیک دولت آباد دفن هستند با «العرب الهنسوی» شروع شده با «آراد» (مؤلف) تمام میشود برای نسخ رجوع شود به آصفیه ح ۱ ص ۳۲۰ و ح ۳ ص ۱۶۴ و آته ۶۵۵ چاپ اورنگ آباد ۱۳۱۰ هـ

۸- مآثر الکرام (فی) تاریخ بلگرام - در ۱۱۶۶ هـ تمام شد و شامل دو فصل است. فصل اول شامل ذکر هشت نفر از «فقرای» بلگرام و اطراف آن و فصل دوم شامل ذکر هفتاد نفر از «فصلای» بلگرام و اطراف آن است - برای نسخ رجوع شود به آصفیه ح ۱ ص ۳۴۸ ش ۱۰۵ و آته ۶۸۲ (که مؤلف به ریچارد حاسن در ۱۷۸۵ م فرستاده بود) و ریور ح ۳ ص ۹۷۱ الف و بانکی یور ح ۸ ش ۷۲۳ و برلن ۶۰۳ (تنها فصل دوم دارد - فهرست اسامی این فصل در فهرست برلن آمده است، رجوع شود به ص ۸-۵۶۷).
چاپ حیدرآباد ۱۹۱۰ م با مقدمه مولوی عبدالحق

۹- ید بیضا - تذکره مورد بحث

۱۰- سروآراد - تذکره دیگر مؤلف (۱۱۶۶ هـ)

۱۱- حرابه عامره - تذکره سوم شاعر (۱۱۷۶ هـ)

انتقاد بر آثار فارسی آراد

۱- سرایف عثمائی تألیف غلامحسین صدیقی بلگرامی که مؤلف آن برای اصلاح «اشتهاات» مآثر الکرام و سروآراد نوشته است - برای نسخ رجوع شود به ایوانو ۲۷۷ و اندیا آفس ۳۹۱۳ و آصفیه ح ۲ ص ۱۶۴

۲- تحقیق السداد فی مرلات الازاد تألیف محمد صدیق سحور عثمانی بلگرامی که در ۱۱۶۷ هـ تألیف شد و طی آن مؤلف بر مآثر الکرام و سروآراد انتقاد کرده و بر سبک و سرآراد را ساد انتقاد گرفته است - برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو ۳۹۷ .

در حواص این کتاب عبدالقادر سمرقندی دهلوی کتابی نام «تأدیف الزندیق فی تکدیف الصدیق» نوشته است - برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو ۳۹۸.

(ب) آثار عربی مؤلف

- ۱ - ضوالدراری - تفسیر صحیح بحاری تا آخر کتاب الرکاة (رجوع شود به نسخة المرحان ص ۱۲۲) نسخه این کتاب امروز در هیچ کتابخانه پیدان نیست .
- ۲ - نسخة المرحان فی آثار هندوستان - در ۱۱۷۷ هـ تألیف کرد شامل چهار فصل . فصل اول^۱ در اشاراتی که در قرآن و حدیث رسول درباره هندوستان آمده است و فصل دوم^۲ فی تراجم العلما و غیره و فصل سوم^۳ فی محاسن الکلام و فصل چهارم^۴ فی بیان المعشوقات والعشاق در پنج مقاله - برای نسخ رجوع شود به ماچستر فهرست عربی ۳۹۲ و مدرسه کلکنه ص ۶۷ ش ۸۸ و ریو ح ۳ ص ۱۰۲۲ ب و ۱۰۵۵ ب (بعضی قسمتهای کتاب) - چاپ بمبئی ۱۳۰۳ هـ .
- ۳ - دیوان^۳ - در نسخة المرحان در ذیل آثار خود که در ص ۳-۱۲۲ آورده است آزاد دیوان عربی را که شامل سه هزار بیت بوده ذکر کرده است بقول شمس‌انہ قادری مؤلف قاموس العلوم (اردو) این دیوان متجاوز از سه هزار بیست و دو در ۱۳۰۰ هـ در حیدرآباد در چهار جلد چاپ شده است - در فهرست آصفیة و نسخة خطی و یک چاپی «سه نسخه» (ح ۹) ذکر شده اما سال، محل، چاپ ذکر شده است
- ۴ - دیوانهای زیر آزاد را ذکر کرده است

۱- این کتاب سابقاً بطور مستقلی نام شاعة العسری الیهدی من سیدالشر تألیف شده

بود - برای نسخ رقم آصفیه ح ۳ ص ۲۵۸ ش ۸۵۳ و ۸۵۷ و ۸۵۹ -

۲- فصل اول و دوم این کتاب را سید شمس‌الدین بن شاه و اربت علی حسنی احسینی نقاشی

در سال ۱۲۸۶ هـ بمایش راجا سارس مهاراج ایساری (ایشوری) پرشاد در زمایکه مترجم در خدمت راجای مرینور بوده برمان فارسی ترجمه کرده است

۳- آزاد در حواص عامره (ص ۱۲۵) مینویسد که دیوان عربی وی سه هزار بیت دارد

و اینکه «دیوان فقیر» (مؤلف) در حرمین شریمین و ملاذیم و مصر مشهور است

۴ - د ک Dictionnaire encyclopedique de bibliographie

arabe - Sarkis

۱ - **الديوان الاول** که در ۱۱۸۷ هـ با تمام رسید و در کتب العلوم پارس حیدرآباد چاپ شد .

۲ - **الديوان الثاني** در لوح محفوظ پارس حیدرآباد دکن چاپ شد

۳ - **الديوان الثالث** در کتب العلوم پارس حیدرآباد دکن چاپ شد

همچنین دیوانی بنام «السبعة السیارة» را مؤلف در ۱۱۷۶ آغار و در ۱۱۹۴ هـ با تمام رسانیده است. نسخه آن بخط مؤلف در کتابخانه یوان نورالحسن لکهنو موجود است. نقول سیده نفوس احمد صمداسی مؤلف حیات حلیل (ح ۲ ص ۱۷۵) یادداشت (ش ۱۳۹) مستحبات این هفت دیوان بنام «مختار دیوان آزاد» در آسی پارس لکهنو د ۱۳۲۸ هـ چاپ شده است

دیوان ناسع و عاشر (نهم و دهم) آزاد در دحیره سخن اله در علیگره (ص ۱۲۶) موجود است

در فهرست علیگره (سخن انه ص ۱۲۶) و آصفیه ح ۱ ص ۶۹۶ و راه پور فهرست عربی ح ۱ ص ۵۸۶ تنها «دیوان آزاد» بلگرامی ذکر شده است

۴ - **مظہر المركبات** - مشوی در هفت دفتر - اول آن در ۱۱۹۴ هـ تمام شد و دوم و سوم و چهارم آن در ۱۱۹۵ هـ تمام شد و نقیه آن تاریخ ندارد - نسخه آن بخط مؤلف در آصفیه و خود اسب (رجوع سود نه قاموس العلوم ستون ۳۶) و نیز برای نسخ رجوع شود به ما بحسب فهرست عربی (۱۹۰۸ م)

۵ - **شفاء العلیل فی اصلاح کلام ابی الطیب المتنبی** - نسخه آن در کتابخانه سید علی حسین بلگرامی در حیدرآباد دکن و خود اسب رجوع سود نه بد بر احمد محله احمد آسیانی سال ۱۹۱۸ ص ۱۲۳ (CXXIII)

۶ - **شکول** - برای نسخ خطی رجوع سود نه آصفیه ح ۳ ص ۶۴۲ س ۲۴۲ (اساساً بخط مؤلف) و ش ۲۶۱

۱ - نسخه ای چاپی آن در علیگره موجود است رک دحیره سخن اله کتب چاپی ص ۲۵ و آجاسال چاپ ۱۲۸۷ هـ ذکر شده است

تیسرہ بر کتاب

این تذکرہ مشتملست بر دگر پانصد و سی و دو^۱ شاعر متقدم و متأخر ترتیب
الفا از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر و با «افضل الدین محمد کاشانی»^۲ شروع
شده با «میر محمد یوسف بن میر محمد اسرف (بلگرامی)» تمام میشود
در مقدمه کتاب مؤلف غیر از حمد و نعت و سب کتاب بحث مختصری در باره
آغار شعر فارسی آورده است

در مورد سب تألیف کتاب در مقدمه همین توضیح میدهد راقم این کلمات گرامی
سید اعلام علی بن سید یوحا حسینی واسطی بلگرامی اکثر احوال در آئینه خیال منطبع
میشد که مجموعه آراستہ شود متضمن اخبار و اشعار شعراء و حال و قدماء صاحب قال تا
در سه تلث اربعین هجری عریمت سده از بلاد هند بدیارسند بمحروسه سیوستان صابہ الہ
عن طوارق الرمان اتعاق افتاد استقامت این مقام فی الحملہ فرصتی دست داد لا حرم
آن تمای حفته بیدار گردید. سامان تدوین از کتب و دواوین متقدمین
و متأخرین که در کتب خانه وطن بہمہ جہت ہمراہ بود از این راہ ساعد مقصود
بر طبق خواہش حلوہ نمی نمود اما بہر کیفیت عطلت وقت داعی شد کہ بقدر امکان
طرح ایکار ناید اداخت و مائده ما حصر مہیا ناید سا حبت۔ گر بسوی قلمی می تراش۔
پس در واسط سه خمس و اربعین و ہایة و المتعینا ہمب نافتم قریب یکسال کار کردہ و
ولمعه نوری ارتحلی گاہ سخن بدست آوردم»

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شہرا را مختصرا ماد کر شعرا ی معروف ما سدا نوری
و حاقانی و سائی عربوی و غیرہ را بسہ مفصل آورده است غالب شعرائی کہ دگر آنها

۱۔ از روی سحہ آقای محمد ابراہیم در گریہ یاسین پاکستان تعد! د شعرا ۱۳۳۹ (ہرار
وسیدوسی و سی و نہ) و سپس اسم بیست (۲۰) ہر شاعر کہ «تحلیصاں در کتاب تذکرہ الشعرا
بمعرض قلم بیامده» ذکر شدہ و سائر این عدہ تمام شعرا ی این تذکرہ بالغ بر ۱۳۵۹ میباشد۔

۲۔ در سحہ آقای محمد ابراہیم اسم شاعر اول این کتاب «ابوالحسن قنیداجی» ذکر

در این تذکره آمده است ارتعراي مسأخرين بودند و اکثرشان معروف نبودند
سكاشاي مؤلف عالماً ساده است اما گاهی کلمات عربی را سکار برده است

صح خطی

- ۱- اشپرنگر ش ۱۳ .
- ۲- بانکی نور ح ۸ ش ۱۲۶ (قسمتی بخط مؤلف)
- ۳- اندیا آفس ۳۹۶۶ (ب) (۱۱۸۷ هـ)
- ۴- آصیبه ح ۳ ص ۱۶۲ س ۱۸۶ و ش ۱۵۵ (تذکره «صح حدان» یعی «ید بیضا»)

۵- کتابخانه شخصی آقای محمد ابراهیم در گرهی یاسین (سند اباکسان عربی
برای شرح حال آزاد بلگرامی - رجوع سود به ید بیضا (۱۱۴۸ هـ) و روضة الاولیاء
(۱۱۶۱ هـ) و آثار الکرام (۱۱۶۶ هـ) و سرو آزاد (۱۱۶۶ هـ) و حرا به عامره (۱۱۷۶ هـ) و
سحة المر حان (۱۱۸۷ هـ) و جمع العباس آرو و مردم دیده حاکم لاهوری ص ۳۴-۳۵ و
ریاض السعرا و سفینه حوسکو و گل رعنا و چمنستان شعرا (اردو) و صحف ابراهیم ش ۱۹۹ و
حلیة الافکار ش ۴۱ و آرایس محفل و سایح الافکار و ولایت مجاهد احمد سلطی
آسیائی سگال ح ۹ و روح ۱۸۵۸ ص ۳-۱۵۰ و گارس دتاسی ح ۱ ص ۲۵۹-۲۶۰
و آسیاتیک مسیازی (انگلیسی) ح ۱ ص ۸-۴۹۷ و آثار مهم تاریخی دکن (انگلیسی)
تألیف هیگک حاب اله آباد ص ۵۸ و حدایق الجمیة (اردو) تألیف مقبول احمد صدایی
چاب اله آباد ۱۹۳۹ م ح ۲ ص ۷۷-۱۶۳ و قاموس العلوم (اردو) تألیف شمس اله
قادری و ص ۱ اول حاب حیدر آباد ۱۹۳۵ م ستونهای ۳۲-۳۵ و فهرست دانشگاه بمبئی
۲۰۰-۲۰۳ و آزاد بلگرامی (مقاله نا انگلیسی) ارسیدو حاجت حسن (که در مجله اخبار
سلطنتی آسیائی سگال سلسله سوم (مکتوبات) ح ۲ سال ۱۹۳۶ م ص ۳۰-۱۱۹
حاب سده است) و پرو کمان دبل - ح ۲ ص ۶۰۰-۶۶۱ و محبوب الرحمن تذکره سعراي
دکن (اردو) حصه (حرو) اول ص ۶۴-۴۵۴ تألیف مولوی ابوتراب محمد عبدالحبار

(۳) این نسخه در فهرست آندکر شده است رک استوری ح ۱ ق ۱ ص ۲۶۱

خان صوفی لکناپوری مراری حیدر آبادی حایب طمع رحمانی ۱۳۲۹ھ و سحروران
بلذکر (اردو) و استوری ج ۱ ص ۸۵۵-۸۶۶

فہرست اسامی شعرا

فہرست اسامی شعرا ایں کتاب در ہج فہرست کتابخانہ یا کتاب دیگری
نیامدہ است امدار ابتدای سجدہ خطی متعلق بکتابخانہ آقای محمد ابراہیم فہرست
اسامی شعرا ہم ذکر شدہ است

تذکرہ ذنوت

ادندا درای فصاحت پیرا صابعی را سراست کہ دندان سین سخن

شرح حال و آثار مؤلف

اسم مؤلف در کتاب لمی فطرت طاء اللہ متخاصر بدذرت دہ لکھ نہ داسور خان

است

آر مؤلف مذکور است

۱۔ آئین عطا - فرہنگی کہ ۱۷۹۰ بعد از دہ سال رحمت سال ۱۱۶۲ھ

نامام رہ بیدہ است - درای سجدہ رجوع مجدد ۱۰ دیا آفیس ۱۵۱۵س ۲۵۱۵

۲۔ کلیات ذنوت - درای سجدہ رجوع مجدد ۱۰ دیا آفیس ۱۵۱۵س ۱۶۹۵

تمصرہ بر کتاب

ہو اب ادب ذکر - سال ۱۲۵۹ھ (- ر ۱۰) سنطہ مجددہ (تألیف نمودہ

۱۔ این تذکرہ مسلسل در ذکر شعرا می باشد و صاحب در - ملذوہ حمن) دیا قرار

۱۔ حمن اول مستملست در ذکر شعرا ای عربی و از رود کی تہم رہ

۲۔ حمن دوم - مستملست در ذکر شعرا ای قرون چہارم از میر آقاجی

ادب و الفوج سحری

و « هفت گلشن » مشتمل بر دگر شعرائی از قرن پنجم تا یازدهم (هر گلشن برای یک قرن) و یک « حدیثه » یا حاتمیه در دگر شعرای معاصر از قرن دوازدهم

نسخه خطی - رجوع شود به آتش ۶۷۶ (ناقص الاحراست و تنها تا گلشن سوم

دارد - گلشن اول و دوم در این نسخه جدا شده و مشتمل است بر دگر شعرای قرن ۵ و ۶
از عصری تا جمال الدین عبدالرزاق و گلشن سوم مشتمل است بر شعرای قرن ۷ از کمال
الدین حلاق المعانی شروع شده و دفعه با جمال الدین تمام میشود - این نسخه تنها
بر گهای ۳۲ تا ۷۱ دارد صفحه ای ۱۷ سطر و ۴ سطر در حاشیه)

شرح حال مولف : در هیچ کتاب دیده نشده است

فهرست اسامی شعرا در هیچ کتاب ذکر نشده است .

گلدسته

ابتدا : بسم الله الرحمن الرحيم و نه ستعین من كعبه عرفان انتحاب عرفات
العارفين (العاشقين) تصنیف میر تقی الدین حسینی دفاقی بلیانی که به موجب حکم
پورالدین محمد جهانگیر پادشاه تذکره الشعرا بعلم آورده .

انتخاب کننده

اسم انتخاب کننده این کتاب عبدالوهاب عالمگیری است و اسم پدرش سید
مصور حان است عبدالوهاب نوه سید دلآورد حان و سیره عیاش الدین حان بن حمله الملك
اسلام حان مشرفی است

تصنیف بر کتاب

اوحدی بغداد تربیت تذکره عرفان العاشقین خلاصه ای از آن تذکره نام
« کعبه عرفان » صاحب و سپس به موجب امر جهانگیر شاه خلاصه کعبه عرفان را نام
« ادب کعبه عرفان » تربیت داد و آنرا سه رکن قسمت کرد جنبی و منافی و دیانی

که ترتیب شامل ذکر شعرای متقدم و متوسط و متأخر بود .

گلدسته مجموعه‌ایست منتخب از « انتخاب کعبه عرفان » که عبدالوهاب عالمگیری سال ۱۱۵۵ هـ ترتیب داده است و اسامی شعرا را به ترتیب العبا آورده است

ان کتاب با « شروع تنده نامیرا یوسف‌خان تمام میشود مؤلف در آخر کتاب شرح حال مختصری از خیام با مجموعه بعضی رباعیات او ترتیب العبا (غیر از رباعی اول) آورده است سپس مجموعه اشعاری تحت عنوان موضوع‌های مختلف آورده است. این عوامها نیز ترتیب العبا است

نسخه خطی : بانکي پور ح ۸ ش ۶۹۲ (قرن ۱۸ میلادی)

برای شرح حال عبدالوهاب عالمگیری رجوع شود به گلدسته و استوری

ح ۱ ص ۸۱

فهرست اسامی شعرا: در هیچ کتاب ذکر نشده است

بهارستان سخن

ابتدا

« طراوت بهارستان سخن تا بیاری ستایش حرف آفرینی است که عدلیب ناطقه زانه ترانه خوش بربائی سخن مترجم صاحب و نصارت سندان سرای کلام نه سالی فصیح بیابیب که گلدسته کلمات معجز سمب وی حدایق مسامع گوش مستعان هدایب توامان را شمراست سعادت انسان »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب میر عبدالرزاق ملک به صمصام الذوئه است اصلش از

خواجه نسب و حد بررگش میر کمال الدین در زمان آکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ)
بهند آمد و در سلک ملازمین وی مسلک شد

پسر میرک حسین در زمان جهانگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ هـ) در خدمت
درگاه سلطانی بود و سر میرک حسین نام میرک معین الدین ملقب به امامت خان
در زمان شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ هـ) به منصب عالی مفتخر بود و در زمان اورنگ
زیب عالمگیر (۱۰۶۸-۱۱۱۹ هـ) دیوانی لاهور و ملتان و کابل و کشمیر سرافراری
داس و هنگامیکه ساهراده عالم صوبه داری (اسما داری) ملتان منصوب شد
امامت آن علاوه بر منصب دیوانی بیاد صوبه داری را هم داس و در زمانی که
پادشاه در هند بود صوبه داری کن به خان جهان کو کلتاس و دیوانی دکن و حشیگری
و وقایع نگاری به امامت خان مرحمت شد

از حمده سران امامت خان چهار نفر به مراتب عالی رسیدند

۱- سر عبدالعزیز داس خان و میر حسن امامت خان و میر عبدالرحمن وزارت خان
مدحان نگرانی و کاظم خان

وزارت خان گرامی سمب دیوانی دیوانی در اداس و سعرا هم میگفت و صاحب
یک دیوان اسعار بود و کاظم خان سمب دیوانی ملتان را داس

میر حسن عالم کالم خان که در صمصام الدوله شاهنواز خان
بود وی پس از آنکه در کابل از لایب باار داس صمصام الدوله
به میر حسین امامت خان قوی میر شد

میر عبدالرزاق نور ۲۹ رمضان ۱۱۱۱ هـ در لاهور متولد شد و چون اکثر
مردیکان وی در نورنگ آباد بودند وی در اوایل امام حیرانی داورنگ آباد متقل
شد و ایسیگاه نواب آصف چاه (۱۱۲۲-۱۱۶۱ هـ) به منصبی سرافراز شد و چندین بعد
دیوان پادشاهی صوبه (استان) برار مآورد و مدتی آن به سرانندست داشت
و هنگامی که در سال ۱۱۵۰ هـ محرم ماه ۱۰ ماهه ۱۱۳۱-۱۱۶۱) آصف چاه را
بخصوص خود طلب کرد نواب آصف چاه سر خود نواب نظام الدوله ناصر جنگ

را بدنیاب حکومت دکن مأمور ساخت و خودش عارم دارالحفاظه دهلی شد
نظام الدوله از خدمات مصمص خلی راضی بود و دیری نگذشت که وی را ندیوان
سرکار خود و دیوانی پادشاهی برادر هر دو معتمد کرد

چون آصف‌جاه در ۱۱۶۱ هـ فوت کرد نواب نظام الدوله بر مسند ندر نشست و
نواب مصمص الدوله را از برادر ظلمیده مثل سابق ندیوانی سرکار خود مأمور ساخت
و چون نظام الدوله (۱۱۶۱ - ۱۱۶۴ هـ) را احمد شاه (۱۱۶۱ - ۱۱۶۷ هـ) شاه‌جهان -
آباد (دهلی) احصار نمود وی نواب مصمص الدوله را دکن گذاشت و در موقع
وداع انگشتری خود را باو داد

بعد از سپادت نظام الدوله در سه ۱۱۶۴ هـ مطهر جنگ حاسین وی شد ولی
او بیرون آمد از دوماه بزرگ شهر کریمه بقتل رسید و مسند ریاست نواب امیر الممالک
صلاح جنگ رسید که سر سوم نواب آصف‌جاه اول بود
لشکر وی از بواجی کریمه شهر کریمه رسید
نواب و مصمص الدوله با آن شهر به‌مراهی لشکر رفت و چون به کریمه رسید
از لشکر جدا شده باورنگ آباد رفت و حندی بجای خود بنشسته و در بهم رجب ۱۱۶۵ هـ
در حضور نواب امیر الممالک صلاح جنگ (۱۱۶۴ - ۱۱۷۵ هـ) در حیدرآباد رسید
بصوبه داری (استان‌داری) حیدرآباد منصوب شد اما حندی بعد از آن سمت معزول
شده باورنگ آباد مراجعت نمود و آنجا مشغول گشت

هنگامیکه در ۱۴ صفر ۱۱۶۷ هـ صلاح جنگ امیر الممالک باورنگ آباد
رفت وی مصمص الدوله را بحضور خود طلب کرده و او را حلق و کالت مطلق
و منصب هفت هزار و هفتاد و هفت مصمص الدوله عطا فرمود و مصمص الدوله مدت
چهار سال منصب و کالت مطلق مأمور بود و کارهای مربوطه را بمجوا حسن انجام
میداد

دیر نگذشت که مصمص الدوله لشکر نواب صلاح جنگ امیر الممالک را
برای تسخیر گوسمالی ز گجراتی بپسند حاکم برار برده و در گجرات بوزیر گوسمالی

امر مشکلی نبود ولی همین موضوع کوچک که صبصام الدوله بآن هیچ اعتنائی نمیکرد
برای وی خیلی گران تمام شد

در ۲۰ دوالقعه ۱۱۷۰ هـ لشکرها بواب امیر الامراء شجاع الملک پسر محمد
شریف خان سائب جنگ پسر نجم بوب آمدند حادرا از برلس بیرون آورده و وی
را پیش بواب امیر الممالک بردند و حلقه و کاتب مملوق برای شجاع الملک گرفته حکم
معرولی بواب صبصام الدوله را بپرازی گرفتند.

مردم در اثر حسم و غضب میخواستند بر مرل صبصام الدوله حمله کرده آنرا
بغارت برند و صبصام الدوله قبل از وقت از این خطر ناخبر شده در نصف شب ائانه لارم را
بر قیلها باز نموده و عارم قلعه رواب آباد گردید و در هفتم دوالقعه ۱۱۷۰ هـ آبخار سید
بعداد حرکت وی مردم به مرل او حمله کرده بقیه ائانه وی را بتاراج بردند و اکثر
اموال وی بدست دولت افتاد.

چندی بعد اسکری از طرف سرکار (دولت حیدرآباد) به قلعه رواب آباد اعزام شد و
قلعه مر بور را محاصره نموده با مردم آن جنگ کرد در آن ایام غلام علی آزاد مولف معروف
آزاد و «حرانه عامره» نیز حرو ملتزمین رواب بواب صبصام الدوله بود و جهت صلح
و آشتی بین صبصام الدوله و بواب شجاع الملک تلاش و کوشش بسیار می نمود و
در نتیجه مساعی آزاد و رفقای دیگر صبصام الدوله از محاصره قلعه دست کشیدند اما
هنوز سرایط مصالحت بین طرفین توافق کامل نوحود نیامده بود که بواب نظام
الدوله نابی سر سائب جنگ باطمینان به برار از بلچپور باورنگ آباد آمد و بواب امیر
الممالک وی را بدست و بعهده خود اسباب نموده و لقب نظام الملک آصفچاه (نابی)
بوی اعطا کرد

بواب آصفچاه نابی آزاد تلگرامی را بدخود طلب کرد و او را برای اسمالت
بواب صبصام الدوله بقلعه دولت آباد فرستاد و آزاد بالآخره موفق شد صبصام الدوله را
برای حضور در خدمت بواب آصفچاه نابی راضی کند و بواب مر بور بپرس سرداران عمده
خود را برای استعمال وی فرستاد صبصام الدوله در عره ربیع الاول ۱۱۷۱ هـ از قلعه

دولت آباد بیرون آمده و یاسر داران نواب ملاقات نمود و همان روز بد خدمت نواب آصفیه
حاه و نواب امیر الممالک سرفیاض

در همان ایام نالاحی او مرهته سر خود سواس زاؤرا نه وان «مقدمه الحیش»
فرستاده خودس بردیک اورنگ آباد بقصد حاربت نواب آصفیه رسید و لاسکر
مرهته هاراحه رام چندرا که بقصد سرفیاض بد خدمت نواب امیر الممالک ناورنگ آباد
آمده بود محاصره نمودند و نواب آصفیه ناورنگ آباد رفته و رام چندر مر نور را
از آن ورطه هلاک صحت داد و در راه حدین حانام مرهته ها حنگ کرد در همه این معرکه ها
صمصام الدوله خرو ملتزمین بر کان آصفیه بود

در همان اوان حدر رسید که عمده الملك موسی موسی و حیدر حنگ از کار
خاگیرها و رعایا یافته حواهان سرفیاض در حضور نواب امیر الممالک بودند و
برای این منظور حیدر آباد رسیده بودند

حیدر حنگ مکرر به نواب صمصام الدوله نامه ها می نوشت و طی آن مراتب
احلاص و صمیمیت خود را نسبت با و اظهار می نمود تا آنکه صمصام الدوله بزرگوار
خورد و برای وی در مورد صمیمیت حیدر حنگ مشکو تری دیدی باقی نماید

اسکر نواب ارسد کبیر در مصاف اورنگ آباد حركت نموده بردیک شاه گده
رسید و حیدر حنگ بحضور نواب سرفیاض تنو تمام لشکر اورنگ آباد رسیده و در حومه
سماالی تهر حادر زدند

نواب صمصام الدوله با کمال سادگی زمام احیاز خود را بدست حیدر حنگ
سپرد و حیدر حنگ تملق و خابلوسی وی معرل شد

هر چند رفقای صمصام الدوله که به حیل و فریب حیدر حنگ آشنا بودند او را
از این موضوع آگاه کردند و در این ناره نوی اخطار نمودند اما حرف آبا به گوش وی
هر و نوب و نواب هیچوقت آنرا ناور نکرد تا آنکه در ۲۶ رجب ۱۱۲۱ هـ نواب
امیر الممالک باتفاق نواب یمن الدوله برای گردش ساع بیگم پوره
واقع در اورنگ آباد رفت و حیدر حنگ موقع را عیمت شمرده هر دو آنهارا

دستگیر کرده در خیمه‌ای زندانی کرد. همچنین میر عبدالحی و میر عبدالسلام خان و میر عبدالنسی خان پسران صمصام الدوله را طلب کرده آنها را هم با پدرشان در یک خیمه توقیف نمود و در خیمه آنها پاسانهای نصاری فراسیس را مقرر نمود و دوباره مرل نواب صمصام الدوله را مورد تاخت و تار قرار داد و اقربا و خویشاوندان وی را که صاحب استطاعت بودند شکنجه داده از آنها ثروت هنگی بدست آورد.

چون نواب آصفجاه ثانی از این رفتار گستاخانه حیدر جنگ باحر شدوی خیلی عسانی شد و فکر از بین بردن وی افتاد حیدر جنگ از صمصام الدوله قصص عهد و بی وفائی کرده بود و با این اعتماد و اعتمار نواب آصفجاه را اردس داده بود. ولی قبل از اینکه نواب مر نور نقشه خود را عملی سازد حیدر جنگ لشکر را از نواب جدا کرده و وی را نکلی بی دست و پا کرد. قتل از این آصفجاه لشکر سگسی از برار همراه رکاب خود آورده و مهمات ملکی و مالی را در قبضه خود در آورده بود سپس حیدر جنگ تصمیم گرفت نواب آصفجاه را نوبه داری حیدر آباد فرستد و باین بهانه وی را در قلعه گولکنده بر داند اندارد اما «تدبیر کند ننده، تدبیر کند خنده».

در روز ۳ رمضان ۱۱۷۱ هـ حیدر جنگ بحیمه نواب آصفجاه رهسولی نواب مر نور قبلا با رفقای خود نقشه قتل وی را کشیده بود طبق آن نقشه حیدر - جنگ را بقتل رسانیدند و نواب آصفجاه براسی سوار شده تها در لشکر بیرون رفت چون عمده الملك موسی موسی و دیگر اعیان لشکر خیر قتل حیدر جنگ را شنیدند دست و پا بمردند. در همان گیر و دار بعضی ماحرا حویان نواب صمصام الدوله و میر عبدالعنی خان پسر اصغر نواب صمصام الدوله را کشتند ولی حال اینست که حیدر - جنگ که طرح قتل آنها را کشیده بود چهار ساعت قبل از آنها کشته شد چون حیدر جنگ قتل حیدر جنگ به صمصام الدوله رسید وی از زندگی خود و رفقایش بومید گشسو دیری نگذشت که لجهمان هندو از رفقای نصاری فراسیس بحیمه صمصام الدوله آمد

ووی را با همراهاش بقتل رسانید
 نواب صمصام الدوله و سر وی را در گورستان اجداد آنها بجاک سپردند و بمین الدوله
 را در گورستان آنائی وی دفن کردند
 میرعلام علی آراد لنگرامی تاریخ قتل هر سه سید سابق الذکر را در آیه فوجوه
 یومئذ مسعره» (= ۱۱۷۱ هـ) یاقوت و تاریخ شهادت نواب صمصام الدوله را در این قطعه
 نظم کرد

رهب صمصام الدوله از حیان سوم ماه شریف مضان
 سال این واقع آن سید خود گشت ما کشته عبدالرحمن (= ۱۱۷۱ هـ)

ویر این رباعی مستراد و تاریخ شهادت وی نظم کرد

صمصام الدوله آن امیر والا - داش آگاه

باحق شده کشته در کمین گاه دعا - و امطلوماه

آراد بعرص میرساند تاریخ - یاران شموید

گردند شهید با کسان سید را - باللله (= ۱۱۷۱ هـ)

محیی بنامد که مومر عبدالحی خان و میر عبدالسلام خان دو پسر دیگر صمصام.
 الدوله از مرگ حزنی نجات یافتند میر عبدالحی خان را يك روز قبل از پدر
 جدا کرده بود مومر عبدالسلام خان را بعلب بیماری از حیمه بخانه بردند چندی
 بعد لجه مان قاتل صمصام الدوله بپرقتل رسید و محمد حسین جماعه دار فرقه کاردیان که
 با جماعت خود بر نواب صمصام الدوله واقربای وی همعین بود و سب آنها مرتکب
 انواع بد رفتاری ها شده بود بپر با جماعت خود کشته شد و عمده الملک موسی بوسی

۱- ریومیگوید که فراسویها مسئول سقوط صمصام الدوله بودند چون وی مجاز

سرسخت آنها بود و در دوم رمضان ۱۱۷۱ هـ بدست بعضی از لشکریهای موسی یا بقول بعضی بدست

ژنرال (فراسوی) کشته شد (رک ریو ح ۱ صفحه ۲۴۰ ب)

۲- در مفتاح التواریخ بیل ص ۳۲۹ بحای و امطلوماه و این غم جانگناه آمده است

ولی در مقدمه مائرا همان عبارت فوق نقل شده است

که بطرف پهلوی رفتی رفته بود بدست انگلیسها شکست خورد و فرار کرد
 بعد از شهادت نواب صمصام الدوله چون لشکر حیدر آباد رفت میر عبدالحی
 خان را همراه خود بردند و در قلعه گولکنده توفیق نمودند و میر عبدالسلام خان
 را بعلب بیماری وی در اورنگ آباد گذاشته از آنجا به قلعه دولت آباد فرستادند نواب
 آصف جاه ثانی بعد از قتل حیدر خانک طرف نزار حرکت نمود و لشکر و سامان جنگ را
 فراهم آورده با جان و جانی پسر رگه و بهو سله جنگ کرده او را شکست داد و سپس روی
 حیدر آباد آورد نواب امیر الممالک که برای ان نظام ملکی به محبلی سدر رفته بود
 عازم حیدر آباد شد و هر دو برادر نزدیک حیدر آباد ملاقات کردند
 نواب آصف جاه ثانی مثل سابق بر مسند ولایت عهد نشست و زمان مهام ملکی و مالی را
 بدست خود گرفت سپس در ۱۵ ذوالحجده ۱۱۷۲ هـ میر عبدالحی خان را از قلعه
 گولکنده آزاد کرده وی را بخدمت سابق برگردانیدند و بجای لقب شمس الدوله دلاور
 جنگ که وی سابقا داشت به لقب پدر صمصام الدوله صمصام جنگ و منصب شهسوار
 و پنجه ساز سوار سرافراز نمودند همچنین میر عبدالسلام نیز از قلعه دولت آباد
 آزاد گشته بر د جانواده خود رفت

نواب صمصام الدوله جامع کمالات بود و با جمیع علوم آشنا در سرفهمی بد طولانی داشت
 و مصطلحات زبان فارسی را خوب میدانست و میگفت «من در دو چیز دعوی (ادعا)
 دارم یکی عدالت که بدقایق معاملات حساسه باد و امیر سم (رسیدگی میکنم) و حق را
 از ناظر خدا میسارم و دوم سرفهمی»

همچنین وی منشی عالی بود و اشای وی در نامه های فارسی طرز خاصی دارد
 ولی حیف که مشآت وی جمع شد و در تاریخ دانی بیر مهارت کلی داس و بهترین
 نمونه و دلیل آن کتاب «مائثر الامراء» اوست او کتابخانه بزرگی از کتب عربی و
 فارسی فراهم آورده و اکثر این کتابها را بدست خود معا بله و تصحیح نموده بود ولی
 متاسفانه در موقع تاراج منزل بدست لشکر یها کما بحانه وی هم ساراج رفت

آثار مولف

۱- بهارستان سخن - تذکره مورد بحث.

۲- متأثر الامراء - که در احوال امراء و سلاطین تیموری هند است و مصاصم الدوله آنرا بدقت جمع آوری نموده و از حیث تاریخ دارای اهمیت زیادی میباشد (این کتاب در سه مجلد از طرف انجمن آسیائی بنگال، دهامام مولوی عبدالرحیم در کلکته سال ۱۸۸۸ میلادی نطبع رسیده است)

۳- مجموعه رقعات - تمام مناسبات مصاصم الدوله جمع مقدمه است و اکثر آن اردسر درها به نکت شده و تنها چند درس در مولف افتاده بوده بطور نمونه در کتاب بهارستان سخن درج یافته است

۴- فواید الفواید - محبوی بر عتاید دینی و مسائل شرعی و آداب و اخلاق است که مولف اسم آنرا در مقدمه بهارستان سخن ذکر نموده است

تمصره بر کتاب

در مورد سبب تألیف این کتاب مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است که در هنگام جمع آوری کتابی به نام «فواید الفواید» در عتاید دینی و غیره (رجوع شود به آثار مؤلف در بطور فوق) مصاصم الدوله فصلی در حواصیر نوشت و از آنجا که «سخن از سخن می خیزد» در موضوع دو-س آن کتاب برخی مسلمات من سرمانند عروس و قانید و صنایع معرو و بعضی متهلمات آن از قبیل ابناء و اماز و غیره احوال و بعضی شعر امورد توجه و دقیق فرار گرفت چون این موضوع نامر و موضوع کتاب فوق مختلف بود و بعضی رفیعی مولف بی اصرار داشتند که کتابی علی حده در این موضوع برای استفاده دیگران بنویسد، بر این مولف تألیف این کتاب مندرک و دریند و قبل از تمام کتاب فوق این کتاب (بهارستان سخن) را تمام کرده آنرا در بهارستان سخن موسوم ساخت

از توضیحی که سر مؤلف میر عبداللحی حسینی در این کتاب داده است معلوم میشود که در حین تسوید «فواید الفواید» بواسطه مصاصم الدوله در سنه ۱۱۶۰ هـ بر حواصیر احوال چند نفر سخن سرایان را باین کتاب محکم سازد و بنا بر این اسامی آنرا

برپشت این کتب یادداشت نمود ولی بعلمت گرفتاری زیاد و فرصت نکرد این فکر را عملی سازد و بنا بر این میر عبدالحی اسر مؤلف در انشای تکمیل کتاب «مآثر الامراء» به اتمام این کتاب هم‌همت گماشت و شرح احوال اشخاص مد کور را از کتب معسره اقباس نموده بصورت این کتاب در آورد و با وجود اینکه جمع و ترتیب این کتاب تا ۱۲۶۰ هـ طول کشید ولی چون اتمام آن در ۱۱۹۲ هـ بوقوع پیوست تاریخ اتمام آنرا چنین

چون این گلستان گشت صورت بدیر

کرو و شگفت خاطر حرو و کل

عجب محفلی رنگ و رویق گرفت

قرآن یاف در وی بهم حام و میل

بحستم ر دل سال اتمام او

بگفتا بهار سخن کرد

(= ۱۱۹۲ هـ)

مؤلف اسم مآخذ را در مقدمه ذکر نکرده است ولی از محتویات کتاب معلوم میشود که وی از کتب زیر استفاده کرده است چنانکه اسامی آنرا در ذیل شرح حال تعرا آورده است

- ۱ - هفت افلیم (رجوع سوده ذکر فردوسی و بطواط و نظام استرآبادی)
- ۲ - صحاب الاس حامی (رجوع سوده بر حمله حال فردوسی و سائی و حاقانی و بطامی و اوحدی و کمال حندی و فاسم انوار)
- ۳ - تذکره دولت‌شاه (رجوع سوده شرح حال سائی و ابوری و کمال الدین اسمعیل و اوحدی اصفهانی و کاتمی و آذری اسفراینی)
- ۴ - تاریخ گرینده حمدالله مستوفی (رجوع سوده شرح حال حاقانی)
- ۵ - شرح دیوان مرتضوی از میر حسین میبندی (رجوع سوده شرح حال ابوری)

- ۶ - چهارمقاله (رجوع شونده دگر فردوسی و عمر حیام) .
 ۷ - رساله رباعیات حیام از احمد بن حسین رشیدی تهریزی (رجوع شده به دگر حیام)
 ۸ - حواهر الاسرار آدری (رجوع شونده دگر خاقانی و امیر خسرو)
 ۹ - حبیب السیر (رجوع شونده دگر خاقانی و قاسم انوار و میر شاهی سرواری)
 ۱۰ - محمل التواریخ (رجوع شونده دگر خاقانی)
 ۱۱ - صحیح صادق (رجوع شونده نظامی و سخای استرآبادی)
 ۱۲ - بهارستان حامی (رجوع شود به دگر کمالدین اصعانی و امیر شاهی سرواری)

- ۱۳ - احبار الاحبار عبدالحق دهلوی (رجوع شود به دگر امیر خسرو)
 ۱۴ - تذکره الاتقیاء (رجوع شود به دگر امیر خسرو)
 ۱۵ - حاشیه نجات محمد دغدار (رجوع شود به دگر حافظ)
 ۱۶ - تاریخ فرشته (رجوع شود به دگر آدری اسفراینی)
 ۱۷ - تحفه سامی (رجوع شود به دگر هاتمی)
 ۱۸ - عالم آرای عباسی (رجوع شونده دگر ملک قمی)
 ۱۹ - مرآت الحیال (رجوع شود به دگر سخای استر آبادی و قدسی و

چندربهان برهمس

۲۰ - اکبرنامه شیخ ابوالفضل (رجوع شود به دگر بطیری پیشابوزی)

۲۱ - کلمات الشعراء (رجوع شود به دگر چندربهان برهمس)

این کتاب مشتمل است بر مقدمه و دوازده فصل و حاتمہ شریبیر .

مقدمه در سبب تألیف کتاب

فصل اول - در بیان کلام مطبوع و اسناد شعر گوئی از آیات و احادیث در صورت

تاریخ ابتدای شعر گوئی عربی و فارسی (در ۱۸ صفحه) .

فصل دوم - در عروض (در ۱۷ صفحه)

فصل سوم در قوافی (در ۲۲ صفحه)

فصل چهارم در اقسام قوافی (در ۲۴ صفحه)

فصل پنجم در بلاغ و فصاحت و استحکام کلام (در ۴ صفحه)

فصل ششم در صنایع و بدایع شعر (در ۸ صفحه)

فصل هفتم در معما و لغز (در ۳۰ صفحه)

فصل هشتم در علم اسما و شرایط مشی و آداب کتابت (در ۷ صفحه)

فصل نهم در خط (در ۱۸ صفحه)

فصل دهم در بیان حروف و اعراب و العاط و تفسیر آن (در ۷ صفحه)

فصل یازدهم در قواعد لغت فارسی (در ۱۲ صفحه)

فصل دوازدهم در احوال و محول شعر است و سادگی احوال و احتجاج است.

اگر شعرای متقدم و متأخر که صاحب دیوانند و داستانی معروف در مستملک
بر سطح طبقه و یک جامعه برارند.

طبعه اول در ذکر هیجده تن از شعراست که از حلوان سلیمان محمودی

(۱۲۸۷ هـ) تا پایان سلطنت سلیمان اول (۱۷۳۶ هـ)

در ریستادند و تا فردوسی شروع شد و تا حواصوی گرهایی

تمام میسود

طبعه دوم در ذکر هیجده تن از شعراست که از « نزلت الشواعی و عرب » که

از ۱۲۴۴ هـ آغاز شد (تا پایان سلطنت حسن میرزا یاغرا) (۱۹۱۱ هـ)

در ریستادند و تا سلیمان اول شروع شد تا نظام استرآبادی تمام میسود

طبعه سوم در ذکر بیست و سه تن از شعراست که از حلوان اسمعیل صوفی

(۱۹۰۵ هـ) تا پایان سلطنت اکبر (۱۹۱۴ هـ) غیر بسته اند و

تا بهائی هراتی شروع شده تا نوعی حنویایی تمام میسود

۱- مؤلف در اینجا تصریح داده است که چون در این طبعه و طبقات آینده مشتمل

شعرا بشود ما یافگان همه ذکر شده اند بنا بر این این بعد ذکر آنها را طبق سالیهای
حلوان و فوت سلاطین تیموری هندوستان آورده است (رجوع کنید بهارستان سخن

ص ۱۲۸۳)

طبع چهارم دردگر بیست و چهار نفر شاعر است که از حلوس جهانگیر شاه
(۱۰۱۶ هـ) تا پایان سلطنت ساجده جهان (۱۰۶۷ هـ) می‌ریخته‌اند و

نام‌ها را جمعاً اصفهانی شروع شده ناسلم تبرائی تمام میشود

طبعه پنجم دردگر چهل تن شاعر است که از حلوس اورنگ‌ریز عالمگیر شاه
(۱۰۶۸ هـ) تا آخر سال دهم سلطنت محمد شاه عاری (۱۱۴۱ هـ)

و حکیم سرمد شروع شده و تا اول ویران ناصرت تمام میشود

حاشیه دردگر به نظر از معاصرین است که در درد کن بودند و حاوی کمالات
سوزی و معنوی « بودند و گاهی شعر هم میسر بودند و ناسلم عالمانه محسن

فردی رضائی شروع شده تا قاصی محمد اسماً تمام میشود

این ذکره مستملست دردگر صدوسی نفر که اکثرشان اصلاً شاعر بودند

و آنها را در ترتیب زیری از روی زمان سرا ذکر نموده است و ناسلم فردوسی «

شروع شده « ناصی محمد صالح » تمام میشود

هوا در این تذکره غیر از حاشیه آنها کنار معانی منتقد و متاخر را

دگر بهره است و اغلب آنرا در آغاز فصل در آورده (ص ۲۶۶) جنین توصیح

داده است

در هر عصری صاحبان تحقیق در ستیز و آوردن در حال گروه

(شعرا) و لاتکیده خیر فرموده اند از حصی اعداد جمیع افراد این عایت منتقد

نکه متعسر است از خون بقریب شعر فارسی و قواعد آن در بیان آمد بداء علیه

تحریر سدی از حالات کافر شعرائی متمسکین در رنگ حیال است خری که صاحب

دو آویز آمد در سدی افسار راستر یافتند و مسخسی از حالات از آن در مدح صفت

وینت حاشیه است افتاد

رویه حرفه محسوسیت این تذکره از حیث تارگی مقاصد جمیع اشعیت ندارد

خون غیر از حاشیه که مستمل است دردگر شعر معدومین که گاهی شعر گوئی

میرد داشته است تقریباً تمام معانی این کتاب را کتب دیگر شرح داده و در این غیر از

جنبه تحقیق که مولف در مورد احوال شعرا بعمل آورده است نمیتوان زیاد اهمیت برای این کتاب قایل شد.

شرح حال اکثر شعرا را مولف مختصر ولی جامع آورده است و در مورد اکثر شعرا سال ولادت و وفاتشان یا تنها سال وفات آنها را ذکر کرده است. تنها در مورد شعرای زیر شرح حالشان را نسبتاً مفصل آورده است:

سلمان ساوحی و امیرشاهی سرواری و هلالی استرآبادی و شاه طاهر دکنی و کلیم و صائب و ناصر علی (هر کدام در سه صفحه) و فردوسی و فیضی (هر کدام در چهار صفحه) و کمال الدین اصفهانی و مولانا رومی و شاه نعمت الهولی و شیخ آذری اسفراینی و خانخانیان (هر کدام در پنج صفحه) و حافظ (در شش صفحه) و آصفجاء نظام الملک (در ۸ صفحه - که بیشتر حاوی مطالب تاریخی است از دوره حکومت وی در دکن)

رویه مرفته شرح حال حافظ و آصفجاء نظام الملک را مفصل تر از همه آورده است

در ضمن احوال بعضی شعرا شرح حال دیگران را نقل کرده است مثلاً

در ذیل نام شاه نعمت الهولی شرح حال «اؤلاد و احفاد» او (ص ۳۵۵-۷)

» هلالی » شکیب خان (ص ۳۹۸-۴۰۰)

» قاسم خان حویسی » بدر نور جهان و اسلاف او و اخلاف وی (ص ۴۶۵-۴۷۲)

در ضمن احوال شعرا مؤلف روایات مختلف تذکره نویسان و مورخین را مورد بحث و تحقیق قرار داده و چنانکه عقیده وی اصح و معتبر بوده بیان کرده است (رجوع

شود به فردوسی ص ۲۵۳ و سنائی ص ۲۵۶ و حاقانی ص ۲۶۶ و نظامی ص ۲۸۱ و

کمال الدین اسمعیل ص ۲۸۸ و اوحدی اصفهانی ص ۳۰۹ و سلمان ساوحی ص ۳۳۲)

استعار بعضی از شعرای معروف را مختصر نقل کرده است و علت آنرا چنین

بیان کرده است که چون اشعار این شاعر «درالسه و افواه حاریس» بنا بر این نقل

حدیبی از وی اکتفا کرده است (رجوع شود به نام فردوسی ص ۲۵۳)

تنها اشعار شعرای زیر را سبّه مفصل آورده است.

عمر حیانم (در سه صفحه - بیست رباعی) و طاهر وحید (در ۳ صفحه) و حافظ
و کلیم و رفیع مشهدی (هر کدام در ۴ صفحه) و سعدی و عرفی (هر کدام در ۱-۴ صفحه)
و ناصر علی (در ۶ صفحه) و سوک بخاری (در ۸ صفحه) و عنی کشمیری (در ۱۰ صفحه)
و صائب و بیدل (هر کدام در ۱۸ صفحه)

رو به مرتبه اشعار صائب و بیدل را مفصل تر از همه آورده است.

تپه در دیل نام صائب در مورد کلیات وی (در یک صفحه) بحث کرده است و
و عقیده خود را در مورد مقام وی در شاعری طی آن اظهار نموده است
در دیل نام ملا شیدا هفت بیت محمد خان قدسی و اعتراضات ملا شیدا را نامجا کند
ملا میر لاهوری آورده است (ص ۴۷۸-۴۸۲)

در دیل نام یوان دلاور خان نامهای عربی از وی نام مولوی علی اصغر لکهنوی
نقل کرده است که نام موضوع تذکره هر بوط بیست (ص ۶۵۸-۶۶۰)
سبک مؤلف اکثر ساده است ولی در مقدمه و گاهی در موقع تعریف شعرا اثر
مصوغ بوسه است و کلمات عربی را فراوان نگار برده است گاهی بعضی اصطلاحات
عربی را استعمال کرده است

کمال یعنی (رجوع شونده نوری) النهاية هو الرجوع الى البداية (رجوع شود
به نام عراقی)

تا تلخیص و نسبت شعرای زیره الف و لام عربی را آورده است
ابوالمجد آدم السنائی العربی و مولانا جلال الدین محمد السلحی و السعدی
الشراری و فخر الدین ابراهیم المشهور بالعراقی و سید غلام حسین حسن القادری
الرصائی .

گاهی سألها را بر زبان عربی آورده است مانند

هو كان ذلك في سب وعشرين وست مائة (رجوع شود به کمال الدین اصفهانی)
فلما راسم شعراي زير لفظ توصيفي براي آنها آورده است.

سحان العجم (فردوسی) و استاد الحد کما (سنائی) و حجة الحق (عمر حیان) و
 حسان العجم (خاقانی) ملك الكتاب (وطواط)
 گاهی برای فوت شد حمله‌ای نثر مصنوع آورده است مانند
 ابو جراح شیرازی: در سنه هشتصد وهستاد وهمتار حوان الوان نعمت دیوی
 دسب کشیده میل نعیم احروی نمود.

نسخ خطی

- ۱- کتابخانه نسخ خطی دولت، مدراس ش ۵۲۸ (در ۳۵۲ ص و صفحهای ۱۷ سطر مورخ ۲۳ محرم سنه ۱۲۵۹ هـ)
- ۲- کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن ش ۱۲۱ (نخط پسر مؤلف در ۲۷۷ ص و صفحهای ۲۵ سطر مورخ ۱۱ ربیع الاول سنه ۱۱۹۴ هـ این نسخه تکلمه شعرا که میر عبدالحی خان اصفه کرده است و رقعات و عرایض مؤلف را ندارد)
- ۳- ایضا ش ۱۹۳ (در ۵۴۷ ص و صفحهای ۱۷ سطر شامل تکلمه شعرا و رقعات و خطوط و عرایض مورخ ۱۲۰۴ هـ)
- ۴- ایضا ش ۱۷ (در ۲۵۰ ص و صفحهای ۱۷ سطر مورخ ۱۲۰۴ هـ)

چاپ

از طرف دولت مدراس هندوستان با اهتمام چند رسکهمسارن رئیس کتابخانه دولتی نسخ خطی سرفی مدراس سال ۱۹۵۸ م^۱

۱- چاپ بسیار بسیار بد و پر از اعلاطی است و گاهی صورت بعضی کلمات موسیله مصحح (۱) و کاتب یا حروف چین چنان مسح شده است که پی بردن ناصل آنها بسیار مشکل و گاهی ناممکن است از نشان استنباط (۲) که مصحح (۱) بعد از بعضی کلمات آورده است معلوم میشود که وی آدم کم استعدادی بوده است و لیاقت تصحیح این کتاب بلکه این قبیل کتابها را نداشته است غیر از اعلاط مصحح و کاتب اعلاط چاپی پیر در این کتاب فراوان است ولی

برای شرح حال صمصام الدوله رجوع شود به مآثر الامرا چاپ اجمن
 آسیائی بنگال کلکته ج ۱ ترجمه صمصام الدوله از میر علامعلی آراد ص ۱۴-۴۱
 (که بهترین مأخذ برای شرح حال صمصام الدوله میباشد) و مقدمه «بهارستان سخن»
 ارسیده عبدالوهاب بخاری (که پر از اغلاط است) و سرو آراد و سوانح دکن برگ ۸۳
 و حدیقه الاقالیم ج ۲ ص ۱۵۴ و تاریخ الاغرور برگ ۷۸ و کاتالوگ مارلی ص ۱۰۱
 و تاریخ هند تألیف ایللیات ج ۸ ص ۱۸۷-۱۹۱ ریوح و ۱ ص ۳۴۰ ب)



ریاض الشعرا

(ابتدا)

«تذکره محفل خاطر قدس مآثر صاحبان آنگاه حمد با طقیست که نظم مجموعه
 ممکنات را تکلمه کن از قلم طراز صورت نگار بر لوح تکوین با حسن نظامی حلوه
 ظهور بحسبیده»

بقیه حاشیه از صفحه قبل

مصحح (۱) به رحمت عنطگیری را تقل فرموده و به حتی هیچ علت نامهای در اول یا آخر
 کتاب آورده است شاید مستفیده وی این کتاب هیچ عنطی ندارد

چاپ کتابها عجیب وضع بسیار تأسف آور است مخصوصاً امروز که وسایل چاپ بهتر و
 مترقی تر شده است و معلوم نیست چرا دولت مدراس این کار مهم را بدست چنین آدمهای
 بی سواد و بی استعداد سپرده که باعث تصبیح پول آن دولت هم شده است البته این امر که جدیداً
 دولت مد اس بچاپ نسخ فارسی و عربی همت گماشته است برای فارسی دانان و صاحب مسرت
 و خوشحالیست اما بهتر ایست که این کار بدست کسانی سپرده شود که لیاقت و استعداد عجیب
 کاری را داشته باشند و عده چنین اشخاص در هند و سندن هنوز کم شده است

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف بالقاب وی یواب خان رمان بهادر طبر حنک علی قلی خان متخلص بهواله شمحالی^۱ لرکی^۲ داغستانی است و از اولاد حضرت عم پیراسب^۳ در فتنه هلاکو و سقوط عباسیان جمعی از افراد خانواده اش متعرق سدید و گروهی نظری حجاز و حماعتی سوی هندوستان رفتند

احداده واله بحاب داغستان مهاجرت کردند و آنجا متوطن شدند مردم داغستان که از قبیله لرکی و تمام آنها شافعی بودند حدیثی و الهرا که بداعستان مهاجرت کرده بود شمحال (رئیس) خود انتخاب نمودند و تا تألیف «ریاض الشعرا» بهول واله بنی اعمام و اقوام وی در داغستان سکونت داشتند و شمحالی آن مملکت در دست آنها بوده است.

چون سلطنت ایران سلاطین صعویه رسید نظر باینکه داعسان سرحد ایران بود در میان پادشاهان ایران و داغستان همواره بر اع بوده و چون این ایالت در مرز ایران واقع شده حکام آنجا گاهی سلطان روم (ترکیه) و اکثر پادشاهان ایران هر کدام قوی تر بوده مسوب و مربوط میسند

داغستان چنان ملکی است که در زمان شاه عباس و شاه صفی سپاه آنها حدیثی مرتبه بآن سرحد رفت که آن ناحیه را تحت تسلط شاه ایران در آورید اما هر بار از آنها شکست خورده با کام و نامراد بر میگشتند و حتی نادر شاه که سلاطین هند و عثمانی را مکرر شکست داد با وجود حمله ای که سه سال طول کشید نتوانست به داغستان تسلط پیدا کند^۴.

۱- بقول آراد شمحال رئیس (قبیله) را گویند (ر.ک ح. ۱۰۰ ص ۴۴۶)

۲- ر.ک ح. ۱۰۰ ص ۴۴۶ - در آتشکده لکری آمده است ر.ک ش ۱۵

۳- خود واله میگوید

دارد ر.ک کسوت عباسیان پیر از دو دمان ما است روح دلستان ما

۴- ر.ک مجمع العائن آرو

بالاخره شاه عباس صفوی با این جماعت طرح دوستی ریخت و در زمان وی جد چهارم و اله، الدارحان پسر اصغر خود الحاص میرزا را بدرخواست شاه عباس بخدمت وی فرستاد. الدارحان در خدمت شاه عباس مراتب اقبال رسید و بلقب صنی قلی خان ملقب و به بیگلربیگی ایروان منصوب شد و بموجب فرمان شاهی ناسلطان بجات بیگم دختر قرا حسن خان استاجلو ازدواج کرد و ارتباط وی دو پسر داشت یکی فتح علیخان اعتمادالدوله که بوزارت سلطان حسین میرزا (۱۱۰۵-۱۱۳۵ هـ) سرافرار بود و دیگر مهر علیخان که چهار پسر داشت که ارهمه کوچکتر محمد علی خان پدرواله بود محمد علیخان^۱ در ۱۱۲۶ هـ به بیگلربیگی ایروان بعدا بسپه سالاری تضمیمه بیگلربیگی ایروان و کل آذربایجان منصوب شد و در ۱۱۲۸ هـ که آذربایران بقصد سرکوبی افاعه عارم و قندهار بود در بلنده صحواں نمرص استسقا در گذشت همچنین جمیع اولاد الخاص میرزا مراتب عالی سرافرار بودند و به بیگلربیگی در نواحی مختلف کسور منصوب بودند

واله در ماه صفر ۱۱۲۴ هـ در اصفهان متولد شد او را در هندوستان «چپنگا» (یعنی شش انگشتی) می‌گفتند چون طاهر آشش انگشت داشت چون در ۱۱۲۸ هـ پدرش در صحواں فوت کرد وی باصفهان رفت و در ۱۱۲۹ هـ سن پنج سالگی بمکتب (مدرسه مقدماتی) رفته بخواندن قرآن و کتب فارسی مشغول شد

در ۱۱۳۳ هـ فتحعلی خان اعتمادالدوله از وزارت شاه سلطان حسین معرول شد و در چشم او میل کشیدند و افراد دیگر این قوم نیز معتوب و معرول شدند سپس در سال ۱۱۳۴ هـ محمودخان افغان ارقندهار آمده اصفهان را محاصره کرد و در محرم ۱۱۳۵ هـ آن شهر را گرفت و اکثر محصوران طعمه چنگال غضب افغانها شدند و سلطان حسین میرزا کشته شد و افاعه تاهب سال و نیم حاکم عراق و فارس بودند

۱- برای شرح حال وی رک ریاض الشرا - خوشگو محمد علیخان را سپه سالار ایران و بواسه راده (یعنی نواده راده) شاه حسین صفوی می‌پسند ولی واله خودش درباره این نسبت پدر خود بشاه حسین صفوی اشاره‌ای نکرده است.

اما در ۱۱۴۲ هـ اصفهان و نواحی دیگر اقلیه در رفته و دوباره در تسلط و تصرف شاه ایران درآمد و شاه طهماسب دوم (۱۱۲۵-۱۱۴۵ هـ) پسر سلطان حسین میرزا که مدرس در موقع محاصره اصفهان برای آوردن سپاه حبه کمک لشکر شاهی بحاجت آذربایجان فرستاده بود در حین حیات پدر در قزوین بر تخت سلطنت نشست در این ایام واله در سلك ندمای خاص شاه طهماسب قرار گرفت ولی در ۱۱۴۴ هـ مادر شاه طهماسب را ارتح محروم و معرول کرده سلطنت را بدست خود گرفت و واله چندی در اصفهان مری ماند در همان اوان ساجدای برای واله پیش آمد که او را محبور کرد ترك وطن گفته به دوستان مهاجر کند

واله از کوچکی با حدیچه سلطان دحس حسن علیجان عموی خود همدرس بوده و در زمان همدرسی هر دو شان عاشق یکدیگر شده و بالاخره نامزد شدند ولی در ایامیکه اقلیه بر اصفهان مسلط شدند مادر حدیچه سلطان بمادر واله بیسپاد کرد که هر چه رود تر از دواج آن دو عاشق بدون سرریفات صورت نگردد اما مادر واله با کمال دل سردی دست زد سینه مادر حدیچه سلطان زد

در همان اوان شخصی ارمتوسلان ردك (محمود جان) افعان برای خواستگاری حدیچه سلطان آمد ولی چون از طرف سنگان حدیچه جواب رد رسید و از بیل بیدف مایوس گشت با کمک محمود جان افعان در وصول به مقصود موفق شد و برور حدیچه را نکاح خود در آورد دیری نگذشت که اصفهان دوباره بدست ایرانیها درآمد و افعانها از آنجا مهرم گسند بطرف فارس و کرمان فرار کردند و شخصی که با حدیچه ازدواج کرده بود هم از آنجمله بود

دوستان و خویشاوندان واله او را هدف تیر ملامت فرار داده سینه فگار

۱- میر سمن الدین قنبر دهلوی عباسی که از رفقای حمیمی واله بود در مثنوی واله

و سلطان شرح این داستان عشق را تفصیل نظم کرده است این مثنوی مرودی از طرف اداره تحقیقات عربی و فارسی پته بهار هند طبع میگردد.

اودا با بیش زبان مجروح میگردند و وائل هم از این سمات حیویشان بستوه آمد
 ارشاه صفوی احاره گرفت و ترك اصفهان گفته شهر شهر آواره و سرگردان میگشت
 تا اینکه سزاجل فارس رفته تصمیم گرفت بهدوستان مهاجرت کند

وائل اسم آنکس را که حدیجه را برور نکاح خود آورده بود ذکر نکرده
 است اما ظاهر این تشخیص و کرداد علام محمودخان افغان که با حدیجه نکاح کرده
 یکی است آخر مردم شاه ظهیراسب گرم داد را کسند سپس نادرشاه حدیجه سلطان
 رامی نکاح در تصرف خود داشت و حمدی بعد وی را ناردواج نجف قلی بیگ حاکم
 یزد سرعم حدیجه سلطان در آورد بعد از فوت نادرشاه مردم یزد نجف قلی را
 کتند

س از آن صالح خان قاتل ارشاه حدیجه سلطان بعد نکاح بست و لای
 حمدی بعد صالح خان از کریم خان رسد مثل سائید سپس میرزا احمد وزیر
 اصفهان حدیجه را در خانه نکاح خود در آورد در همان ایام وائل میرزا سزاج
 از هندوستان باریان فرستاد که حدیجه را ببرد اما چون میرزا سزاج باریان
 آمد از آن میرزا احمد مرور عب و معترض آمدن خود باریان را صلا بر زمین
 پیورد حمدی بعد میرزا احمد بر بندس گریه خان زد کتند

بعد رفتی میرزا احمد حدیجه سلطان بصد خود زود کردند کن از آنجا
 بصره رفته از راه دریا حیره رسید و بعد رسید و نی خان مملتش بداد و وی
 در راه گریه ساهاش فوت کرد و حسرتی را بگریه از سرده آنجا زین کردند

حارصه بعلب از دست رفتن حدیجه سلطان و اعتساف و با اهمیت کسور وائل
 حمیم گرفت بهد مهاجرت کند و بعد از فوت شاه خطه است در ۱۱۴۴ هـ قارم
 هندس استون آرد حیرین روانه زگریه کتند محاسن و عمده مددک در بندر عباس

۱- وائل در سرخ حال حیرد در ریخ سمن میگوید درخت زاده بود قهتر کتند
 حیرد را ضلمت آمد هندوستان که با سوز را حاس است در بنده و خدی دیگر میسوزند
 و لعل در حمت سیر و هشتت بر صدر حیر مجروح سبید بختم در سجد فوق ما هندوستان
 خالغ گردیده حیر سید هواد برایش نفس شایسته تمامه

شیخ حرین نزد میرزا اسمعیل زمین داودی حاکم بندرمدکور توقف کرد و خان
واله سوار کشتی شده به تته درسند رسید و حرین نیز بعد از ده روز به تته رسید.
واله ارتمه بخدا آباد و بهکرو ملتان و بالاحره به لاهور رفت. بقول حاکم چون
واله بلهور رسید شاه آفرین لاهوری در قید حیات بود. واله از وی استدعای ملاقات
کرد و شاه مرحوم اراو معدرت خواست و گفت که فقرا را با مردم چه کار. آخر
واله نامه معصلی نوشت و در ضمن، این بیت شاه آفرین را در آن نقل کرد:

پژمرده ایم بی تو بهر یاد ما برس از باغ مادر یغ مدار، ای بهار ما
چون شاه آفرین این نامه را خواند شخصا بخانه واله رفته و با وی چندین
ساعت صحبت کرد.

در ۱۱۴۷ هـ از لاهور به شاه جهان آباد (دهلی) رفت. آراد میگوید که هنگامی
که من ارسند به هندوستان (شمال هند) میرفتم در راه در شهر لاهور سال ۱۱۴۷ هـ
بامیرزا امام قلی برادر کوچک میرزا جعفر بهمراهی علیقی خان واله داغستانی
ملاقات کردم و تاتاه جهان آباد باهم مسافرت کردیم چون بشاه جهان آباد رسیدیم
بعد از یک هفته توقف در آن شهر من عازم اله آباد شدم و واله همانجا رحل اقامت
افکند^۱ واله میگوید که پادشاه دهلی و امرای آنجا از ورود او حسیافته او را
مورد تعقد و لطف قرار دادند و با وجود اینکه واله از رفتن بدربار شاهی خودداری
میکرد اما در نتیجه اصرار امرائی مانند برهان الملك سعادتخان بیسایوری ناظم
صوبه (استان) او در خدمت محمد شاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱ هـ) درآمد و بمنصب چهار
هراری (بیاده) و دو هزار سوار منصوب گشت و بوسه و خیمه مرصع و چند رنجیر

فیل و جاگیر^۱ و نقدی (پول نقد) و خدمت میرتورکی (دوم) یافت.^۲

پس و زله در زمان احمدشاه (۱۱۶۱-۱۱۶۷ هـ) منصب تسهیراری و لقب خان زمان بهادر ظفر حسنگ یافت و در ایام سلطنت عالمگیر ثانی (۱۱۶۲-۱۱۷۳ هـ) توسط و توصیه عماد الملک وزیر پسر امیرالامرا فیروز حسنگ پسر نواب آصفجاء حدیو دکن بمنصب هفت هزاری رسید. حاکم در «مردم دیده» (ص ۱۰۱) می‌نویسد که وی و اله را هنگامیکه صدر حسنگ نا احمد شا پسر محمدشاه قهر کرده با عماد الملک حسنگ میکرد توسط محمد یحیی خان منحلص به خرد نواب اعرار الدوله میر یحیی خان بهادر (حلف نواب دگر یا خان بهادر) که از مدتی در لباس درویشی در آمده بود ملاقات کرد. همچنین بعد از اینکه نواب صدر حسنگ با پادشاه دهلی آستی کرد و مصوبه خود (یعنی استان اود) مراجعت کرد در راه حاکم چندین بار با و اله ملاقات کرد و و اله اشعار خود را پیش حاکم می‌خواند و گاهی این مجلسهای شعر خوانی از اول عصر تا بعد از نصف شب طول میکشید.

حاکم در «مردم دیده» در ردیل نام آرزو (ص ۵۷) می‌نویسد که وی به همراهی نواب صدر حسنگ وزیر المماتک مصوبه (اسان) اود رفتند و بعد از فوت نواب صدر حسنگ همراهی سالار حسنگ برادر بجم الدوله ملکه پسر و اله نیز در آن ایام در خدمت شجاع الدوله بود و از این فرصت استفاده کرده هر سه شاعر (آرزو و و اله و حاکم) گاهی یکجا جمع میشدند و با هم صحبت‌هایی داشتند اما دیری نگذشت که و اله و حاکم به دهلی رفتند و خان آرزو در لکنه می‌ماند. در ریخ بین و اله و حاکم صمیمیه بیشتر پیدا شد و حتی بعد از فوت صدر حسنگ

۱- «جاگیر» املاکی یا تیول بوده که از طرف شاه یا دولت کسی اعطا میشد. این رسم

تا پایان حکومت انگلیسها باقی و معمول بود.

۲- ر.ک. ریاض الشعراء - حاتم - بیل در فرهنگ تراجم شرقی (انگلیسی) می‌نویسد

Oriental Biographical

که و اله منصب پنجه را از سرار داشت. ر.ک

Dictionary- Beale

صنگ والہ از طرف شجاع الدولہ حاکم را استخدام کرده همراه خود بدہلی برد و در حدود یکہزار روپیہ حقوق حاکم مقرر کرد قرار شد کہ بوسیله محمود کشمیری کہ از مقر بان والہ واردوستان حاکم بود پرداخت گردد اما حاکم این عطیہ را قبول نکرد و این خود موجب مریدصمیمیت و اخلاص بین آنها شد چون والہ بشاہ جہاں آباد رسید بعلت تندی مراجع کہ داشت کار وی درست نشد و بنا بر این قراردادی کہ بین حاکم و والہ بستہ شدہ بود ناجرا در بیامد بالاخرہ حاکم از طرف والہ مرخص شد و بلشکر شجاع الدولہ رسید بعد از چند ماہ حاکم حصر در گذشت والہ راشیدا

حاکم بروایت مولوی محمود در مردم دیدہ (ص ۱۰۲) میویسد کہ موقعیکہ والہ بر دیک ہمرگ و در حال «احتصار» (برع) بود ہوز بکسر شعر بود. ملا عبدالہ نامی کہ در آنوقت حضور اٹت بوالہ گفت کہ این چہ موقع شعر گفتن است کلمہ (لاالہ الاالہ محمد رسولالہ) بجا بید و ایمان تارہ کنید.

والہ در جواب این رباعی جوابد

گر جان روم رتن بخواہم مردن و رجاك شود بند بخواہم مردن
گوید علیقلی ہمرد این غلط است اوہام تو مرد من بخواہم مردن

گلشن خوبوری کہ والہ اورا استخدام کردہ بود و تا مرگ در خدمت والہ بود در مشنوی «صورت الحال» سال فوت والہ را ۱۱۶۹ھ آورده است و میگوید کہ مرگ والہ در دہلی اتفاق افتاد سن وی بروایس مولف «مردم دیدہ» (ص ۱۰۱) چہل و شش سال بود. آراد تیر در حرانہ عامرہ (ص ۴۴۹) سال وفات والہ را ۱۱۶۹ھ ذکر کردہ است

۱- ر ك مردم دیدہ ص ۵۷

۲- ر ك مسجہ دیوح ۲ ص ۷۱۵ ب- در آخر این مسجہ بخط سرگرد ولیام

پول این عبارت آمدہ است «علیقلی والہ در دہلی در سال ۱۱۶۹ھ بعد از بیماری شش رورہ در گذشت» (ترجمہ)

حاکم ماده تاریخ و اله را «پیوست بر حمتواله» (= ۱۱۷۰ هـ) گفته و آزاد آنرا
بصورت شعر در قطعه زیر آورده است

طهر جنگ امیر گهر سح معنی
طلب کرد دل سال تاریخ فوتش
بحکم قضا از جهان کرد رحلت
خرید گفت «پیوستواله بر حمت»
(= ۱۱۷۰ هـ)

ار فرزندان او تنها اسم يك دختر در كتب آمده است بقول بیل ، واله
دختری داشت نام گنابگم که زبان اردو شعر میسرود و در رود حوایی معروف
بود وی در عماد الملك غاری الدین خان سوم بود و در ۱۱۸۹ هـ فوت
کرد^۲

اکنون عقاید و آرای تذکره نگاران معاصر واله در باره اخلاق و پایه علمی
وی اینجا نقل میگرد

حوشگو میویسد که واله شاگرد شیخ علی حرین بود و بطرز وی شعر میسرود^۳
اما واله در ای مورد هیچ اشاره ای نکرده است

حاکم در مردم دیده (ص ۱۰۱) می نویسد که واله آدم حوش معائن و حوش پوش
و حوش صحبتی بود و غالباً معروف بود او سریع التحریر (تدوین) بود و در شعر
کسی را محفل نمیگذاشت و وجود اکثری از شعرای معاصر خود را همیشه ساخت.
اکثر بروش و طرز شعرای قدیم شعر میسرود و شعرویی بر دردد و لذت است.
آرزو در «مجمع النفایس» میویسد:

۱- ماده تاریخ فوت مذکور عدد ۱۱۷۰ میرساند که یکسال بیشتر از اصل سال وفات
واله است ابوطالب خان در خلاصه الافکار سال فوت واله را ۱۱۷۰ هـ ذکر کرده و در تذکره
عی ۱۱۷۷ هـ آمده است و هر دو اشتباه است

۲- رك بیل فرهنگ تراجم شرقی (انگلیسی) و اشپرنگر ص ۲۲۷ و گارسن
دنامی ح ۱ ص ۴۸۸ - ۴۹۰ .

۳- رك معینه حوشگو دفتر سوم ص ۲۹۶

هرچند از علوم ظاهر بهره‌ای ندارد اما از جهت صفای ذهن و تتبع کتب از اکثر مطالب آگاهی دارد و بیشتر مقدمات مستحصر اوست علی‌الخصوص تصوف که از برکات تصحیح و تمحص اولیا بتوحید حقیقی پی برده و عالم را حقیقت واحدشمرده و در مقدمه و صحابه «تلك امة قد حلت لها ما كست ولكم ما كستم ولا تسئلون عما كانوا يعملون» گویان دست از تعصب و تعنت شیعه‌وسنی برداشته و بر رگانه هر دو طریق را ببررگی و حونی یاد کرده و می‌کند و ارطعن و تشبیح که شیوه قشریان یهوده گواست هدام بر حذر میباشد شاهد احوال اوس این مغال او رباعی

دیدیم نراع سنی و شیعه لقب

کاموخته اند کیش جهل آرام و ان

هرخا که حریت کیش شیعه بود

هرخا که سگی است سنیش هست لقب

.... تمام دیوانش او وقایع عشق و اسرار عرفان مملو است . اکثر (در)

تبع بابا فغانی است بلکه اگر بیچشم دقت نظر کرده آید جاشی که در کلام اوست در شعر بابا بیست ریرا که ای همه مقدمات تصوف بابا را کم دست داده

آثار مولف

آثار مؤلف بدین قرار است

- ۱- دیوان که در ۱۱۵۷ هـ مآتمام رسید این دیوان و اله را که مشتمل است بر چهار هزار و سیصد و پنجاه و یک شعر است (برای مسح آن رجوع شود به نادلین ۱۱۸۲ و اته ۱۷۰۸ و اندیر دخیره بوس ۹ و آصفیه ۱ ض ۷۳۶ ش ۳۴۵)

۱- حاکم در مردم دیده (ص ۱۰۱) می‌نویسد قصائد مرا و دیوانی قریب همت هار بیت دارد .

۲- این همان شاعر است که داستان عشق و اله و سلطان را سروده است و ذکر آن در دیل سرح حال و اله در سطور فوق گذشت

- ۲- نجم‌الهدی^۱ - مثنوی مدهبی است که واه در ۱۱۴۹ هـ سروده است (برای نسخ آن رجوع شود به بانکی پور ذیل ح ۱ ش ۱۹۲۱ و ایوانو ۸۵۵).
- ۳- مثنوی مرراتامه - راجع به داستان عشق میرزا شیرافکن. (برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو ۸۵۶).
- ۴- ریاض الشعرا (تذکره مورد بحث).

تبصره در کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در ۱۱۶۰ هـ آغاز نموده و در سال ۱۱۶۱ هـ با تمام رسابنده است^۲ و در خاتمه مؤلف این رباعی آورده است که سال اتمام این کتاب را میرساند.

این تذکره چون طرب فرای دل شد

تاریخش را دل از حرد سائل شد

گفتار ریاض الشعرا رفت حیران

دروی چو بهار سرزده داخل شد

(ایضا چون از عدد ریاض الشعراء (= ۱۶۱۳) عدد حران (= ۶۵۸) را

مها کیم و از عدد بهار (= ۲۰۸) عدد هـ (= ۲) را منها کرده حاصل آنرا به حاصل

اول (۱۶۱۳ - ۶۵۸ = ۹۵۴) جمع کیم عدد ۱۱۶۱ بدست میآید که سال اتمام ریاض

الشعرا میباشد).

در مورد سب تألیف، مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است: « غرض

راقم در تسوید این اوراق ایست که بقدر مقدور اشعار بلند و افکار از حمد و فراهم

آید (و) اینکه جمعی کثیر از موروثان را ذکر نماید »

۱- این مثنوی را اشپزگر بواله بست داده است اما بعقیده عبدالقادر (فهرست

بانکی پور) این مثنوی را سید محمد موسوی متخلص به واه سروده است که در حران

متولد شد و بحیدرآباد مهاجرت کرد و از آنجا به ارکات رفت و همانجا در ۱۱۸۴ هـ

درگذشت (ربك. فهرست مدراس ش ۶۱ و گلزار اعظم ص ۸ - ۳۶۵ و گلدسته کرناٹك)

۲- قسمت بیشتر این تذکره در ۱۱۶۰ هـ نوشته شده و در ۱۱۶۱ هـ با تمام رسیده

است اما ایوانو عقیده دارد که قسمت آخر این کتاب در ۱۱۶۲ هـ تألیف شده است. □

مؤلف درباره مآخذ کتاب در مقدمه می‌نویسد که قریب به تمام دیوان شعر و تدکره متقدم و متأخر و چند جلد تاریخ و کتب دیگر مثل صفحات (الاس) و محالس (العشاق یا محالس النعائس؟) و غیره در نظر او بوده و اختلافاتی که در کتب مورخین نظر رسید حتی المقدور وی در تصحیح آنها کوشش نمود و کتب معتبره مثل صفحات (الاس) و غیره را معسر داشته خلاف آن کتب دیگر را اعتبار نداده اما جمعیت حناطر و فرصت کافی برای انجام کار تألیف این تدکره ندادند ولی عجب این است که ارتدکره عرفات تألیف تھی او حدی که اساس و مأخذ مهم این تدکره بوده است اینجا نام سرده است ولی در متن کتاب اکثر اسم تھی او حدی را ذکر نموده است و گاهی بر وی ابعاد شدید نموده است که در بعضی موارد درست است (مثلاً رجوع شود به نام فردوسی و مئی کلال).

همچنین اسم تدکره میرزا ظاهر صرآمادی را در دیل نام ملهمی تسیری و تاریخ چهارنگیری راز دیل نام مهاس جان ذکر نموده است که در تألیف این کتاب از آن استفاده کرده است

بعضی از محصبات این تدکره که مؤلف در حاتم کتاب ذکر کرده است بهر آرزوی است

۱- فنون شعر مثل فن عروض و واقیه و صایع و بدایع در صفحات این تدکره ذکر شده است که تدکره‌های دیگر از این نوع فواید عاری است

۲- اشعار خوب از دواوین فدما و متأخرین کمر فوسو و گداش سده ولی از بعضی (ماری) حکیم قآبی و ابوری و معری و شیخ سعدی و امیر خسرو دهلوی و مولوی حامی و میرزا صائب و چند کس دیگر که سب حوف تطویل در انتخاب اشعارشان مؤلف کمایسعی سعی نموده است

۳- در دلد کر شعرا محملی اروپایع سلاطین روزگارشان نوشته است

۴- در ضمن احوال بعضی شعرا درباره مدارح شعر و شاعری وی بحث کرده

ت و اگر گاهی بر اشعار بعضی اتعاد نموده است آن هم از تعصب و غرض است.

هم همچنین در ذیل بعضی شعرا آثار آنان را شرح داده و درباره بعضی بر آثارشان اظهار نظر کرده است (مثلاً رجوع شود به فخرالدین اسعد حر جانی و نظامی و غیره).

یکی از مرایای مهم این تذکره اینست که مؤلف در ذیل شرح حال خود وقایع تاریخی زمان خود از قبیل هجوم افغان و فتح اصفهان و غیره بدست آوردن و اخراج آنها بدست نادر و حلوس نادر و غیره را شرح داده است چون اکثر این وقایع چشم دیدن و اله نموده و وی از حرئیات آن اطلاع کاملی داشته تا بر این ارمأخذ اصیل تاریخ آن دوره میباشد اما در مورد ادعای دوم مؤلف باید تذکر داد که این منی بر صحت و حقیقت نیست و یکی از معایب بزرگ این تذکره انتخاب بسیار مختصر از شعرای متقدم است و معلوم نیست بچه علت مؤلف در این کار تساهل نموده است چون اگر خوف تطویل بود پس بهتر آن بود که ذکر شعرای کمالاً غیر معروف و بی ارزش را از این تذکره خارج نموده و بدک شعری بزرگ و اهم بیشتر توجه می نمود.

همچنین باید ادعای کرد که مؤلف به فقط اشعار شعرای معروف متقدم را خیلی مختصر آورده است بلکه شرح حال اکثر آنها را هم در دوسه سطر آورده است مثلاً رجوع شود به نام اثیرالدین احمیسکتی و اسدی طوسی و حاقانی و رودکی و سلمان ساوحی

از جمله نقایص این تذکره یکی اینست که مؤلف غالباً توجه خاصی بدک احوال مهم زندگی شعرا نداشته و حتی سال فوت بعضی اشخاص معروف را هم ذکر نموده است مانند اثیرالدین احمیسکتی و ادیب صابر و اسدی طوسی و اسوری و اوحدی کرمانی و اهلی سیرازی و داور و جهانگیر و حسن دهلوی و حاقانی و عمر حیان و رودکی و سلمان ساوحی و صائب و طهوزی و نعمت خان عالی و امیرعلیسیر

(نوائی و) فاتی و فرخی و سعری و منوچهری و نظامی گنجوی و غیره

این تذکره مشتمل است بر مقدمه و بیست و هشت «روضه» (یکترو صه برای يك حرف) و خاتمه و با «شیخ ابوالحسن حرقابی» شروع شده با «یحیی خان یکتا» تمام میشود و حاوی ذکر شعرای متقدم و متوسط و متأخر است بترتیب الصا ار روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر. عده شعرای این تذکره قریب به ده هزار و پانصد می‌رسد و بنا بر این مانند فرهنگ جامع اسامی شعرا است و همین امر یکی از علل خاص اختصار و ایجاز بیان و انتخاب اشعار شعرا در این تذکره میباشد.

در مقدمه توضیح داده است که مراد از پادشاه شهید اول سلطان حسین صفوی و از شهید ثانی شاه طهماسب و از قهرمان ایران نادر شاه و از پادشاه عالم پناه محمد شاه پادشاه هند بوده است.

همچنین تذکره داده است که در ترتیب اسامی شعرا که از روی الصا اسـ رمان را رعایت نموده و حتی مراتب فصل و حاه را نیز مرعی نداشته چون فرصت این کارها را ندانست

اما در ترتیب اسامی تقدیم و تأخیر شعرا رعایت تخلص نموده و اگر تخلص بود رعایت اسم و اگر آیه بود رعایت کتب و لقب کرده و اگر احیاً کسی بکنیت یا لقب مشهور بوده در مورد او همان را رعایت کرده است

در این کتاب مؤلف با انتخاب عزل و قصیده و قطعه و رباعی اکتفا نموده است و از مثنوی‌های بزرگ انتخابی نیاورده است و در این مورد چنین توضیح داده است که اگر شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی و سعه مولوی جامی و مثنوی مولوی و غیر ذلك انتخاب میکرد قریب بیست هزار شعر در این تذکره اضافه میشد و از فرط تطویل کسی را رغبت بخواندن و نوشتن آن نمی‌شد و اگر چند بیت از هر مثنوی به رعایت اختصار مینگاشت پسندیده (خواننده) را توهم این میرفت که شاید باعتقاد مؤلف اشعار بلند درین مثنوی همین معرر بوده

شرح حال شعرا را در يك دوسطر آورده است و حتی در دیل نام اکثر شعرای معروف هم شرح حالشان را مختصر آورده است باین قدر که چون بین مردم مشهور بوده «محتاج بتعریف و توصیف نیست» مثلاً رجوع شود به انوری و اوحدی کرمانی و حافظ و سنائی و سعادی و محتشم کاشی

شرح حال شعرا و افراد زیر را سته مفصل آورده است ادهم و ناسر شاه و جرات و حزین و محمد رحیم خان (خانان) و فردوسی و نایب قعابلی و مولانا رومی و مولوی معزالدین و میرزا محمد و بحم الدین کبری و نامی سعدلو (هر کدام در يك صفحه) و افضل یابی تپی و فتح علیخان (عموی مؤلف) (هر کدام در ۱/۳ ص) و ملا شاه بدخشانی و لطف علیخان (عموی مؤلف) و محمد علیخان (پنر مؤلف) و محمد علی خان نژاد (هر کدام در ۲ ص) و شاه طهماسب (در ۳ ص) و برهان الملک (در ۷ ص) - از همه مفصل تر (

همچنین در دیل نام تقریباً هشتاد شاعر اشعارشان را مفصل تر نقل کرده است مخصوصاً در دیل هم شعرای زیر اشعارشان را از سایرین مفصل تر آورده است سلیم قرانی (۱۱ ص) و کمال الدین اصغری (۱۲ ص) و طهوری (۱۳ ص) و حرین (۱۴ ص) و حافظ (۱۸ ص) و زواله (۲۴ + ۲ ص) و صائب (۳۲ ص) و امیر خسرو (۴۱ ص)

در دیل نام نعمت خان (عالی) رقعده‌ای (نامه‌ای) را و بشر و همچنین در دیل میر شمس الدین فقیر دهلوی رساله‌ای مسمی به «واقیه در علم عروض و قافیه» (قریب ۱۶ ص) و رساله دیگر مسمی بحلایة السدیع در صایع شعر (در ۱۲ ص) آورده است
اشاره ترکی امیر علی شیرزاد در روضة النون تحت «نوائی» و اشعار فارسی وی را در روضة النون در دیل نام «فانی» آورده است

در دیل شرح حال بسیاری از شعر اعقیده تقی کشی در «در باره آبهادگر کرده و در دیل عبدالعسی قریشی این عقیده حرین را از وی نقل کرده است» «شیخ علی حرین میفرمود که از معاصرین بسحر فہمی او کس ندیدم».

مؤلف اکثر شعرای معاصر هندی نژاد خود را در این تذکره ذکر نموده چون برای آنها زیاد اهمیت قایل بود مانند آرزو و آراد و غیره اما بسیاری از شعرائی که در این تذکره ذکر نموده است غیر معروف بودند و اشعارشان هم بی ارزش و بی مزه بوده و معلوم نیست مؤلف چرا این شعرای غیر معروف را که در باره آنها خودش هم هیچ اطلاعی نداشت و غیر از یک دوبیت از آنها نقل کرده است بر شعرای معروف معاصر خود ترجیح داده است^۱ یکی از علل بارز آن تعصب مؤلف است نسبت بشعرای هندی نژاد که سراسر این تذکره پر از آن می باشد. حتی در ذیل بعضی شعرای معروف که در هندوستان متولد شده اند مینویسد که آنها خارج از هندوستان متولد شدند و بهندوستان آمدند مثلاً خسرو (با وجود اینکه خسرو هندوستان را «مولد و منشای» خود میگوید).

در ذیل نام بعضی شعرا اشعارشان را با اشعار دیگران مقایسه نموده است مثلاً اشعار حرین را با اشعار صائب و اهلی و کلیم و راقم و وحید و اقدسی و غیره و اشعار حسن را با اشعار حمیدالدین و وحید ر کمره مقایسه نموده است.

در ذیل شرح حال بیدل (در نسخه ملك تهران ش ۴۳۰۱) مینویسد که بیدل بایران رفته و آنجا در اصفهان اشعاری بمدح پادشاه و قطعات تاریخ ناهائمی مانند چهل سون سروده است که حتماً در باره يك کسی غیر از بیدل عظیم آبادی است سبک اشای مؤلف غالباً ساده است اما در مقدمه و شرح حال خود و در بعضی موارد دیگر گاهی بنثر مصنوع پرداخته است

گاهی آیات و احادیث و ضرب المثل های عربی را مکارب کرده است مانند «کل اح یبارقه اخوة الا العرقدان» یا «ادامرو باللعو مروا کراما»

۱- اما در بین شعرای معاصر متولد در هند شرح حال و آثار شمس الدین فقیر و ارهمه مفصل تر آورده است چون وی دوست مؤلف بوده و در ترتیب دیوان مؤلف با کمک نموده و حتی داستان عشق و اله و حدیحه سلطان را نظم کرده بود

قبل و بعد از سامی بعضی شعرا القاب تعریفی آورده است که گاهی نثر مسجع است مانند «سلطان المشایخ ابوسعید ابوالخیر قدس سره قاید صراط المستقیم طریقت قافله سالار مراحل معرفت دلیل بوادی فاهادی وادی بقاست» . (همچنین رجوع شود به شرح حال شیخ ابوالحسن خرقانی و ابوعلی سینا و اسدی طوسی و اهلی شیرازی و بیدل و خسرو و عطار و غیره).

گاهی جمله‌ای مصنوعی «فوت شد» بکار برده است مانند :

شیخ احمد جامی در سنه ۵۲۶ جلعت فانی را بر آورده به تشریف باقی مشرف شد.

ابوسعید ابوالخیر در سه ۴۴۰ گوش هوش بندای یا ایتهالسنس المطمئنة ارجعی الی ربك راصیه مرصیه فادحلی فی عسادی و ادحلی جتی در حمت وصال آسوده گردیده

نسخ خطی

- ۱- اشپریگر ن ۱۸ ۲- برلن ۶۵۷ (خلاصه شامل شرح حال و یک بیت از هر شاعر محتملا از مولف) ۶۵۶ (۱۲۲۴ هـ) ۳- ایوانو ۲۳۰ (۱۱۷۱ هـ) و ایوانو- کردن ۵۷ (ناقص - مورخ ۱۷۹۴ م) ۴- لندریا ناص ۱۲۱ ش ۳۱۱ (در حدود ۱۷۷۰ م) و ش ۵۷ (۱۲۱۰ هـ) و ش ۵۸ (ناقص الاخر - جدید)
- ۵- بوهار ۹۲ (۱۱۹۱ هـ) ۶- ریو ح ۱ ص ۳۷۱ الف (۱۲۰۳ هـ) تکمله ۱۱۲ (۱۲۱۶ هـ) ۱۱۳ (تا حرف کاف - قرن ۱۹ م) ۷- آصفیه ح ۳ ص ۱۶۴ ش ۱۲۰ (۱۲۵۸ هـ) ۸- نانکی پور ح ۸ ش ۶۹۳ (قرن ۱۹ م) ۹- بادلین ۳۷۷ (بدون تاریخ) ۳۷۸ / (قسمتی از کتاب) ۱۰- اندیا آفس ۳۶۵۳ ۱۱- دانشگاه پنجان- دو نسخه (یکی ناقص الاخر و دیگری ناقص الاول و دو نسخه خلاصه ریاض الشعراء) ۱۲- ملک تهران ش ۴۳۰۱

۱- این نسخه در فهرست اته ذکر شده است. استوری ح ۱ ص ۳۶۱ در

خلاصه ریاض الشعرا

لب لباب - خلاصه ریاض الشعرا با بعضی اضافات که قمرالدین علی بن ثناء الله حسینی ناصری برای ریچارد حاسن ترتیب داده است (رجوع شود به) ته ۶۹۵ مورخ ۱۹۴۱ هـ) برای بحث مفصل تری درباره این تذکره رجوع شود به «لب لباب» در این کتاب .

برای شرح حال و اله رجوع شود به ریاض الشعرا و سفینه خوشگو چاپ پتنه ص ۲۹۶ و خرا به عامره صفحه ۶۴۶-۶۵۰ و منتخب الاشعار متلا ش ۷۲۵ و مثنوی «صورت حال» گلشن حو پیوری و مقالات الشعرا حیرت و آشکده ش ۸۴۱ و صحف ابراهیم و خلاصه الافکار ش ۳۰۱ و مجرن العرایب ش ۳۰۱۸ و ریاض العارفين ص ۴ - ۲۶۳ و مجمع الصحاح ۲ ص ۵۵۸ و شمع ابن حمن ص ۴۹۱ و تذکره عبدالعی و مردم دیده و مجمع النعایس آرزو و بیل « فرهنگ تراحم شرقی » (انگلیسی)

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به ایوادو - کرزن ص ۲۸-۶۳ (اسم ۲۵۹۴ شاعر)

منتخب الاشعار

ابتدا

«منتخب دیباچه حمدی که عندلیبان چمن خوشوائی به بهترین زمره نغمه سرا شود و دیباچه شکری که مرغان گلشن سیرین مقالی به بیکوترین نغمه مرمد - پیرا گردند»

شرح حال مولف

اسم مولف این کتاب میرزا کاظم^۱ ملقب به مردان علی خان و متخلص به متلا است و اسم پدرش میرزا محمد علی خان بن میر کرم علی خان^۲ مشہدی است خدمت مولف در زمان محمد معزالدین چہانداریشاہ (خلوس و فوت: ۱۱۲۴ھ) ہمراہ نواب برہان الملک سعادت خان بیشاپوری^۳ اراخراسان ہندوستان مہاجرت نمود و در زمان محمد فرخ سیرشاہ (۳۱-۱۱۲۴ھ) وارد سلك ملارمیں دربار شاہی گردید و نام خان مفتخر گشت و در زمان محمد شاہ (۶۱-۱۱۳۹ھ) در گذشت.

پسرش محمد علی خان پدر مولف ہم اول در خدمت برہان الملک مر نور بودہ و بعد از وفات وی در خدمت نواب ابوالمصور خان صدر حاکم وریر اود (۱۱۶۲-۱۱۶۸ھ) درآمد و سپس بتوحہ و توصیہ وی از طرف نواب مر نور بہ بیابت استان باری الہ آباد منصوب گشت وی در زمان نواب صفدر جنگ سید سالار (فرماندہ سپاہ) شد و «چند فتوح نمایان بدست او بطہور رسید».

بعد از وفات نواب مر نور میرزا محمد علی خان بہ بنگال رفت و آنجا در سلك ندمای نواب شجاع الملک جعفر علی خان و نواب عالیچاہ قاسم علی خان ناظم بنگال درآمد و در ۱۸ جمادی الاول ۱۱۷۶ھ فوت کردہ و در عظیم آباد (پتنہ) در درگاہ شاہ ارزان (متوفی ۱۰۲۸ھ) صاحب غرب مدفون گشت

مردا علی خان در سال ۱۱۴۴ھ^۴ در لکھنؤ متولد شد و فن شعر و علم صرف و

۱- فہرست نادلیں محمد علی خان بن محمد (کہ اسم پدر مولف است بہ اسم خود

مولف) .

۲- شایع الافکار میرزا محمد

۳- مقوف در ۱۱۵۱ھ - وی مؤسس سلطنت اود بود - برای شرح حال اود رجوع شود بہ جرانہ

عامرہ ص ۷۶-۷۴.

۴- ر.ک. - تذکرہ «رور روشن» - بنا بر این سن مولف بوقت تالیف این تذکرہ ۱۷

سال بود و این ظاہرا عجیب است چون باین سن کوچک چہطور مولف توانستہ است تذکرہ ای

باین خوبی و بشر قدری مصدوع ترتیب دہد

صحو و فعه و علوم متداوله دیگر را پیش مولوی وحیدالدین نظام آبادی حویپوری^۱ فرا گرفت و در شعر هم شاگرد او بود مشق خطاطی را نزد میرزا محمد حسین دهلوی میکرده است. با وجود اینکه فرصت «تحصیل کمالات» را نداشته معدلتک چون نمیخواست از کمالات بکلی بی بهره بماند بنابراین اکثر اوقات خود را در خدمت فضلاء و ارباب کمال بسر میبرد و گاهی بنوشتن و مشق خطوط میپرداخت و بعضی خطاطین معروف مانند میر عماد حسینی تقلید میکرد و خط نسخ و نستعلیق را خوب مینوشت. گاهی دیوان شعرای بزرگ متقدم و متاخر را مطالعه میکرد و همچنین اکثر اوقات خود را در صحبت شعرای معروف معاصر خود مانند عبدالرضامتین و میر شرف الدین و واقعوی و میرزا اسمعیل ایما و میرزا ابوعلی هاتف میگذراند و در اثر صحبت آنان گاهی خودش نیز شعر میسرود.

بعول مولف «نتایح الافکار» مثلاً از طرف نواب صفدر حنگ نالقب مردان

علی حان مفتخر گردید

مؤلف «برم سخن» مینویسد که مثلاً در عاری پور توطن داشت و اصلاً اهل بنارس

و معاصر سودا دهلوی بود و بران اردو و فارسی دیوان و تدکره داشته است^۲ اما اسم تدکره اردو حرو و تألیفات او در کتب دیگر ذکر شده است

مثلاً در آخر عمر از لکهنوبه عظیم آباد (یتنه) روت جنابکه در موقع تألیف

تدکره «گل رعنا» وی در عظیم آباد سر میبرد و ابیاتی چند بخط حویش برای شعیق مولف آن کتاب فرستاده و ترح حال وی را یکی از آشنایان وی بنام میر غلام حیدر پسر مولوی میر محمد یوسف بلگرامی برای شعیق نوشته بود^۳.

۱- نسخه این تدکره که در دانشگاه لاهور موجود است برمایش همین مولانا

وحیدالدین استنساخ شده است. (ر.ک. سح تدکره «منتخب الاشعار» در سطور آینده.)

۲- ر.ک. تدکره برم سخن ص ۱۰۲

۳- ر.ک. گل رعنا مثلاً

بقول مولف «روز روشن» متلاً در اواخر ۱۲۱۲ هـ در عظیم آباد فوت شد
و بروایت مولف «نتایج الافکار» در «اواخر مائة ثانی عشر» فوت کرد.

آثار مولف

- ۱- منتخب الأشعار - تذکره مورد بحث
- ۲- تذکره اردو^۲
- ۳- دیوان فارسی که بقول مولف روز روشن چهار هزار بیت دارد. ولی شفیق
بعداد اشعار دیوان متلاً را در «گل رعنا» دوهزار نوشته است.
- ۴- دیوان اردو

تمصره بر کتاب

مولف این کتاب را در سال ۱۱۶۱ هـ تألیف نموده است چنانکه بیت زیر
از قطعه‌ایکه در حاتمه این تذکره آورده است میرساند.
مکن هرره گردی که من فکر کردم
پی سال تساریخ «بطم معانی»
(= ۱۱۶۱ هـ)

باید ادعان کرد که مولف «نتایج الافکار» و «گل رعنا» اسم این تذکره را
«بطم معانی» نوشته‌اند که اشتباه است چون مولف خودش در دبل سبب تألیف
درست‌وردیل اسم آن «منتخب الأشعار» ذکر نموده است و بمؤلفین «نتایج الافکار» و
«گل رعنا» این اشتباه از همبر بیافوق رح
د مورد سبب تألیف مورد در دیباچه چین توضیح داده است که در ایام عنقوان
شاب وی مطالعه دو آویسن شعرا خیلی علاقه داشت و بعضی از اشعار را بسیار
می‌پسندید و آنها را در پاره‌های کاغذ یادداشت می‌کرد و برودی از این صفحات مقدار
زیادی جمع‌آوری نموده بصورت کتابی در آورد و بر صفحه‌رور گاربه یار گزار گذاشت.

۱- ر. ک. تذکره «روز روشن» متلاً

۲- ر. ک. برم سخن ص ۱۰۲

و این تذکره را «منتخب الاشعار» نام گذاشت.

این تذکره مشتمل است بر احوال و اشعار منتخب از ۷۱۱ شاعر متقدم و متأخر
تازمان مؤلف. چنانکه عده شعرا که در فهرست اسامی در اول این کتاب آمده است
بدین ترتیب میباشد

الف = ۷۸ ب = ۳۲ ت = ۱۲ ث = ۳ ح = ۳۰ ح = ۳۰ خ = ۲۴

د = ۱۱ د = ۴ ر = ۲۴ ز = ۱۱ س = ۴۴ ش = ۳۲ ص = ۲۴

ض = ۵ ط = ۲۶ ظ = ۴ ع = ۴۲ غ = ۱۵ ف = ۴۴ ق = ۲۳ ک = ۲۲

ل = ۶ م = ۸۵ ن = ۴۱ و = ۲۲ ه = ۱۴ ی = ۱۳ (کل = ۷۱۱)

مؤلف ذکر این شعرا را به ترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر
آورده است

این تذکره نا «مولانا اهلی شیرازی» شروع شده با «یکتا (تارا چند)» تمام
میشود

مؤلف شرح حال غالب شعرا را خیلی مختصر آورده است و اکثر آنها را
در يك یاد و جمله معرفی نموده و سپس اشعار منتخب را از آنان نقل کرده است
اما اشعار شعرا را غالباً معصلاً آورده مخصوصاً در ردیف نام شعرای زیر

اهلی شیرازی و اهلی حراسانی و ابوسعید ابوالخیر و عبدالرحمن جامی و
امیر خسرو دهلوی و سحابی استرآبادی و سلیم تهرانی و امیرهمایون

گاهی در ردیف نام بعضی شعرا تنها يك بیت از آن نقل کرده است (رجوع شود

به ذکر اسخ و سید رضا و رفیع قزوینی و ساقی و سام میرزا و صالح تریری و یمنی
ویکتا، تارا چند)

در ردیف شرح حال شعرا غالباً اطلاعات مهمی درباره زندگی شان را فراهم
نیاورده و حتی سال وفاتشان را هم ذکر نکرده است

انتخاب اشعار در این تذکره غالباً خوب است و معلوم میشود که مؤلف دارای

ذوق خوبی بوده است

سک انشای مولف گاهی ساده و گاهی مصنوع است

رویه مرفته ارحیت تاریکی مطالب این تذکره زیاد مهم نیست ولی از روی

حسن انتخاب اشعار میتوان آنرا جزو تذکره های خوب حساب کرد

سج خطی

۱- دانشگاه لاهور دحیره پروفیسور شروانی مورخ سلح محرم سنه ۱۱۶۶ هـ

که بعزمایش مولانا وحیہ الدین استساخ شده است.

۲- نادلیر ش ۳۷۹

۳- رامپور- فہرست ندیر احمد ش ۹۴ (مورخ ۱۱۶۶ هـ)

فہرست اسامی شعرا- رجوع سود بہ نادلیر ستوپہای ۲۳۹-۲۵۵

برای شرح حال مولف- رجوع سود بہ مسحب الأشعار و روروش و برم-

سحس (اردو) و تریح الافکار و گل رعنا ص ۲۹-۱۰۲۲ و سجہ خطی کتابچہ ارحم

ترقی اردو کراچی

منتخب حاکم

ابتداء: (مدست برسید)

مولف

اسم مولف این کتاب ملا عبدالحکیم متخلص بہ حاکم لاهوری است (برای

شرح حال او رجوع شود بہ «مردم دیدہ» در این کتاب)

تبصره بر کتاب

حاکم این تذکره (ظاهرأنا تمام) را در سال ۱۱۶۱ هـ ترتیب داده است چنانکه اسم این کتاب: (منتخب حاکم) (= ۱۱۶۱ هـ) میرساند .
این کتاب مختصر است درد کراحوال و نمونه اشعار آفرین و آزاد و امیدوارو
که همه آنها ارمعاصرین حاکم بودند یا «تکلمه» ای مشتمل بر دگر میرعبدالحمی
و شیخ نورمحمد .

ریومبگوید که حاکم این تذکره را از «مجمع العنایس» آرزو نقل کرده
و بعضی شعرا را بر آن افروده است اگر این قول صحیح باشد حاکم نسخه
«مجمع العنایس» را قبل از اتمام آن در ۱۱۶۴ هـ دیده و از آن استفاده
کرده است .

ظاهرأ قبل از اینکه حاکم ترتیب تذکره معصل تری پردازد این تذکره
مختصری را ترتیب داده است چنانکه بعداً در سال ۱۱۷۵ هـ تذکره معصل تری بنام
«مردم دیده» تهیه نموده است . باید ادعان کرد که چهارشاعر اول این تذکره
همان هستند که در «مردم دیده» بیرمذ کورید اما معلوم نیست چرا حاکم دگر
میرعبدالحمی و شیخ نورمحمد را در «مردم دیده» نیاورده است

نسخ خطی

۱- دهاتسک ص ۱۳۳ ش ۲۱ مورخ ۱۱۷۵ هـ قسمتی از این نسخه بحط

مؤلف

۲- ریوج ۳ ص ۱۰۳۷ الف (که قسمتی از این کتاب میباشد و مشتملست

بریک ورق ارسحه ای از کتابخانه میرالملک)

تذکره حسینی

ابتدا

« ستایش بی حد و نیایش بی عدم بدعی را سزد که افراد ایجا در ایه اییات مستخه اشخاص و انبیاء علیهم الصلوٰة والسلام حسن انتظام بحشید و مجمع اشعار هدایت و ارشاد بنوات مقدمه ائمه الهدی علیهم التحیه و الثنا پیرایه اختتام پوشانیده^۱»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره میرحسین دوست و تحلص وی حسینی است و اسم پدرش مولوی سید ابوطالب است و اصل وی از سنهیل ضلع مرادآباد (هندوستان) است . چنانکه خودش توضیح داده است وی بسن نوره سالگی در حستجوی یاک استاد بررگه از سنهیل به دهلی رفت و آنجا شیخ فضل الهرا استاد بررگه یافت . وی در دهلی قسمت بیشتر عمر خود را در صحبت شعرا و در حستجوی هنر گذرانید و تدریح در شعر مهارتی پیدا کرد

در ۱۱۷۳ هـ دهلی را ترک گفته به بریلی رفت و آنجا کتابی در دستور زبان فارسی نوشت و در ۱۷۸۹ م تیمور نامه هاتمی را بشر در آورد . بعد از آن درباره احوال وی خبری نداریم

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

- ۱ - تذکره حسینی ... کتاب مورد بحث
- ۲ - تشریح نادر - کتابیست در دستور زبان فارسی (برای مسح آن رجوع شود به فهرست کلکته ص ۱۰۴ و رامپور - ندیر احمد ش ۳۰۲)
- ۳ - تیمور نامه هاتمی که آنرا بشر در آورده است .

۱ - نسخه پاکلی پور عبارت زیر آغار میشود :

«حمد بقیاس و سپاس محمدت اساس حباب صافی را سراست» . . .

تبصره بر کتاب

این کتاب را مولف بسال ۱۱۶۳ هـ تألیف کرده است چنانکه پیر بر در قطعه ای که در پایان کتاب آمده است میرساند .

این نسخه چویافت زیب اتمام تاریخ شدش و حجه انعام

(= ۱۱۶۳)

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه کتاب چنین توضیح میدهد :

«امام بعد خاکراه بی و علی مؤلف این اوراق میرحسین دوست سنهلی

چون در نوزده سالگی در سبیل تحصیل علم بدر الحلافت برهت نهاد شاهجهان آباد وارد گشت و عمری در اکتساب علوم ادبیه بگذرانید و بمیص مجالس فصیح شیرین کلام و شعرای بلاغ انتظام در فن شعر مهارتی بهم رسانید یاران جانی و دوستان روحانی باعث شدند بر جمع اشعار و کهن بنا بر آن تذکره الاحباب انگشت قبول بر چشم گذاشت و مجموعی (مجموعه‌ای) مختصر از احوال (و) اشعار اولیاء باصفا و وملوک و فصلا و شعرا به تخصیص لطایفی که میان یکدیگر گداشته اند پرداخته آمد مسمی به تذکره حسینی»

مؤلف اسم مأخذ و منابع خود را که در تألیف این کتاب مورد استعاده قرار گرفته است به درد مباحثه و نه در ردیل شرح حال شعرادر هیچ کجا نیاورده است و حتی حکایه و لطایف را در ردیل شعرا ندور د کر ما حد آن نقل کرده است .

این کتاب را مولف باسم شاه شرف الدین محمود عنوان کرده است (رجوع شود به نسخه خطی دانشگاه لاهور)

این کتاب مشتمل است بر دگر چهارصد و چهل و پنج شاعر منقذ و متأخر بر تیب المعنا از روی حرف اول اسم یا تخلص آنها و (تیمنا باسم حضرت امیر المومنین

علی علیه السلام واصلان) یا شیخ ابوالحسن حرقانی شروع شده و بایوستی خراسانی تمام میشود. در آغاز مولف مناقب و حکایاتی در توصیف و فضایل حضرت علی^۱ نقل کرده است و بیشتر باعی و چند بیت از دیوان او آورده است.

این تذکره مشتمل است بر احوال و اشعار شعرا و همچنین اولیا و ملوک و ارمقدهمین و متاخرین که شعر هم میسروده اند.

در ردیل نام اکثر شعرا شرح حالشان را خیلی مختصر آورده است و مولف نخواست است شرح حال معصل یا جامعی از شعرا را در این تذکره بیاورد چنانکه در ردیل نام بعضی شعرا و عرفای معروف مانند خاقانی و ابوری و بایرید سظامی بر شرح حالشان را مختصر آورده است و هر چه نوشته است اکثر اطلاعات در مورد رقایع مهم رندگانی آنها مانند سال ولادت و وفات و غیره را بهم نمیرساند و حتی در ردیل شعرای معاصر خود مانند آرزو و غیره نیز چنین اطلاعات را ذکر نکرده است و همچنین شرح حال خود را نیز بیاورده است.

مولف تنها در ردیل شرح حال ۵۱ تن از شعرا و عرفا سال وفاتشان را ذکر

نموده است

۱ - مولف خودش ارسادات حسینی موده و با حضرت علی علاقه و ارادت زیادی داشته است و مناقب تنها حضرت علی را در این کتاب آورده است ولی خودش ظاهر آسبی بوده چنانکه از قطعه زیر که در دنیا چه آورده است پنداست

صاحب صدق و عفا حاضر رسول اطهر

اولین حضرت مونس بود باز عمر

سومی حضرت عثمان حیا را محزون

چهارمی حیدر کرار کرامت مطهر

این قطعه در نسخه چاپی بیست و نهمی در نسخه خطی دانشگاه لاهور موجود است.

گاهی جمله‌ای برای معرفی شاعر و يك دوبیت یا رباعی از وی نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام مائلی و مجنون و محلمن کاشی و معصم حکاک و غیره
 از جمله چهارصد و چهل و پنج شاعر تنها در ردیل نام شعرا و عراقی ریز اشعار و شرح حالشان را سه معصل آورده است

شیخ ابوالحسن خرقابی و ابوسعید ابوالخیر و احمدحام و ابواسمعیل شیخ و شیخ جلال‌الدین آدری و نایرید سظامی و بیدل و مولانا روحی و حامی و حسن دهلوی و حافظ شیرازی و خسرو دهلوی و طواط و جمال‌الدین سلیمان و میرزا شرف جهان قرینی و عراقی و شیخ فریدالدین گنج شکر و قطب‌الدین محمد بخته ارکاک و قاسم انوار و شیخ عبدالقادر حیلانی و حواجه معین‌الدین چشتی و نظام‌الدین اولیاء و نجم‌الدین کبری و نظام‌الدین گنجوی

اما در ردیل شرح حال شعرای فوق نیز غالب اطلاعات مهم در باره زندگی آنها را بهم نرسانیده است.

مواف در ردیل شرح حال بسیاری از شعرا و عرفا لطایف و حکایات جالبی نقل کرده است و از کثرت این حکایات معلوم می‌شود که (چنانکه خود او نیز در دیباچه توضیح داده است) یکی از مقاصد و هدفهای وی در تالیف این کتاب جمع‌آوری چنین حکایات بوده است.

در ردیل نام اشخاص زیر چندین حکایت در باره آنها نقل کرده است

شیخ ابوالحسن خرقابی و ابوسعید ابوالخیر و آصفی شیرازی و انوری و میرزا ابراهیم ادهم و نایرید سظامی و حامی و سعدی شیرازی و عرت‌هراتی و شیخ فریدالدین گنج شکر و حواجه کرک اندال و شیخ عبدالقادر حیلانی و نظام‌الدین اولیاء و نجم‌الدین کبری

مخصوصاً در ردیل نام شیخ نایرید سظامی حکایاتی در باره او آمده معصل‌تر (در هشت صفحه) نقل کرده است

در ردیل نام شیخ ابوسعید ابوالخیر سه و سه رباعی از او آورده است و تاثیر خواندن

آنرا جهت بیل بمقاصد گونا گونی نیز شرح داده است. همچنین یازده رباعی دیگر از وی نقل کرده است که ظاهراً چنین تاثیری را ندارد.

در دیل نام هیچ شاعر بر اشعار وی انتقاد نموده و برعکس غالباً از اکثر آنها بتعریف و توصیف اکتفا نموده است

گاهی اشعار بعضی شعرا را با اشعار دیگران مقایسه نموده است چنانکه در دیل نام حرین بعضی اشعار وی را با اشعار مسرور و جامی و صوفی یا در دیل نام تنیداً بعضی اشعار او را با اشعار قدسی مقایسه نموده است

سبک انشای مولف

سبک انشای مولف غالباً ساده است ولی در موارد تعریف و توصیف شعر اینتر مصوع و گاهی نثر مسجع پرداخته است

در دیل اکثر شعرا و عرهای معروف يك لقب توصیفی قبل از اسم آنها آورده است که در اکثر موارد با اسم یا تحلیص آنها هم قافیه است مانند.

« مرجع مقربان رحمانی شیخ ابوالحسن حرقانی » یا « قدوة الاولیاء عظام شیخ احمد حام » یا « رنده اولیای حلیل شیخ ابواسمعیل » یا « آفتاب مشرق سخنوری حکیم اوحدالدین ابوری » یا « دریاچه سخندان میر ابوالحسن فراغانی »

نسخ خطی

- ۱- اشپرنگر س ۲۰
- ۲- ریوح ۱ ص ۳۷۲ الف (قرن ۱۸م) و ص ۳۷۲ ب (قرن ۱۸م)
- ۳- نانگی یورح ۸ ش ۶۹۴ (قرن ۱۹م)
- ۴- نرلس س ۶۵۴ (تأخرف سین)
- ۵- مزارستانگه لاهور (ناقص - رجوع شود به اورینتل کالج مگرین ص ۳ ش ۱ مورخ نوامبر ۱۹۲۶ ص ۷۵)

چاپ کتاب

این تذکره در لکهنو در ۱۸۷۵ میلادی مطابق ربیع الثانی ۱۲۹۲ هـ بطبع رسیده است.

خلاصه تذکره حسینی

- ۱- اندیا آفس ش ۳۸۴۷^۱ (مورخ ۱۱۸۷ هـ)
- ۲- ایوانو-تکمله ثانی- ش ۹۳۳ - این نسخه که بعنوان «انتخاب بعضی از لطایف و اشعار تذکره میرحسین دوست» میباشد مقدمه و خاتمه ندارد و با شیخ ابوالحسین فرقانی شروع شده بایکنا تمام میشود و مشتمل است بر ۱۱۸ صفحه و مورخ ۱۱ جمادی الاول ۱۲۵۰ هـ است .
- برای شرح حال مؤلف رجوع شود به تذکره حسینی و استوری ج ۱ ق ۱ ص ۸۳۲.
- فهرست اسامی شعرا - در هیچ کتاب ذکر شده است.

مجمع النفایس

ابتدا

محمد صابعی که زبان قلم و قلم زبان را به تحریر و تفسیر کلمات فصحا بمقتضای السنة الحق اقلام الحق موفق گرداید و مروای آن تحب العرش الله کنزاً معاتیه السنة الشعر ابید قدرت کامل خویش بیروی روان بحشید»

۱- این نسخه در فهرست آمده ذکر شده است. دهك. استوری ج ۱ ق ۱ ص ۱۷۱ در ردیل

شرح حال مولف

مولف این تذکره شیخ سراج الدین علی خان متخلص به آرزو و ملقب به استعدادخان است و اسم پدرش شیخ حسام الدین است که در سلك منصبداران عالمگیر شاه (۱۰۶۸-۱۱۱۹هـ) بود و باوجود اینکه مرد نظامی بود معذالك گاهی بشعر گوئی میپرداخت و گاه حسامی و گاهی حسام تخلص میکرد و در سال ۱۱۱۵هـ فوت کرد.

نسب آرزو از طرف پدر به شیخ کمال الدین همشیره زاده شیخ نصر الدین محمود المشنهر (معروف) به چراغ دهلی (متوفی ۷۵۷هـ) و از طرف مادر به شیخ حمید الدین عرف (معروف به) محمد غوث گوالیاری (متوفی ۹۷۰هـ) مولف الحواهر الخمسه که مزارش در گوالیا راست میرسد و نسب شیخ محمد غوث بچند واسطه به شیخ فرید الدین عطار می پیوندد.

قیام الدین حیرت در تذکره «مقالات الشعراء» میویسد که آرزو در سال ۱۰۹۹هـ در گوالیار بدیا آمد و سپس به دهلی رفت

مولف «صحف ابراهیم» نیز میویسد که او در گوالیار متولد شد اما آزاد در این یازده هیچ حادثه کرده است و ریو و عبدالقندر (گرد آورنده فهرست بانکی پور) میگویند که آرزو در اکبر آباد (آگره) متولد شد همچنین خوشگو که ارشاد گردان ارشد آرزو بوده در سفینه خود مسقط الراس (محل تولد) آرزو را اکبر آباد نوشته است و همین اصح است

اشپرنگر میگوید که آرزو در ۱۱۰۱هـ در آگره یا گوالیار متولد شد و در آگره بزرگ شد. آزاد نیز در خراجه عامر سال تولد آرزو را ۱۱۰۱هـ ذکر نموده است اما خوشگو در سفینه خود سال تولد آرزو را ۱۰۹۹هـ نوشته و عبارت «برل عیب» را نقل کرده است که پدر آرزو در تاریخ تولد وی گفته است.

اما باید ادعان کرد که آزاد و خوشگو هر دو شرح حال آرزو را از خودش گرفته اند اما چون خوشگو به آرزو نزدیکتر بود و «ماده تاریخ تولد» آرزو را هم نقل

کرده است بنا بر این قول وی در این باب اصح است

بقول مؤلف، وی از بدو شعور تاسن چهارده سالگی بتحصیل علوم مشعول بود
و غیر از کتاب گلستان و بوستان و پندنامه شیخ سعدی و نام حق (و آن هم در پنج شش
سالگی) دیگر کتب فارسی نخواند و تا چهارده سالگی مکسب علوم عربیه اشتغال داشت.
هوقعی که پدرش از لشکر عالمگیر شاه بگوالیار رفت در هنگام شب صدیادوست
بیت از شعرای متاخر بآرزویاد داده بود و همان سرمایه شاعری آرزو بود.

پس چهارده سالگی در وی ذوق شعر ایجاد شد و در سرزمین شورا بگزین
متبرای وی بشعر گوئی آغاز نمود.

چون چندی بعد دوباره به گوالیار مراجعت کرد آنجا دوسه ماه در خدمت
میر عبدالصمد متخلص به سخن که سمت مشرفی حریه آنجا را داشت اشعار
خود را بطر اصلاح وی میگرداند ولی دیری نگذشت که میر مزبور از گوالیار
به اکبر آباد رفت و آرزو مدتی با بی کسی و تنهایی دمساز بود. اتفاقاً چندی بعد
صحبت میر غلامعلی متخلص به احسن بوی دس داد و در خدمت او مکسب فن شعر
پرد

در این مدت برد وی درس هم میخواند و دوغزل خود را از نظر اصلاح وی
گذراند و سپس تا مدتی بعزت گرفتاریهای گوناگون نتوانست بشاعری توجه
کند.

پس آرزو برای مدتی باتفاق عالمگیر شاه بدکن رفت و بنمسا در لشکر
شاهی بود و بعد از اینکه عالمگیر شاه فوت کرد و شاهزاده محمد اعظم بجای پدر
بر تخت سلطنت حلوس کرد آرزو باتفاق ساهراده مزبور از دکن مراجعت نمود
و در گوالیار وطن احداث مادری خود رسید و بخواهش والده خود چندی در آن شهر
اقامت نمود

پس از گوالیار با کبر آباد (آگره) رفت و مدت پنج سال نزد مولانا شیخ
عمادالدین معروف به درویش محمد کتب متداوله را خواند و در ضمن بشعر گوئی هم

هم‌پرداخت . در این ایام صحبت اکثر شعرای معروف آن وقت مانند شاه گلشن و میرزا حاتم بیگ حاتم و میان عظمت‌اله کامل و محمد مقیم آراد و میان علی عظیم خلف‌اله دق میان ناصر علی علی سره‌دی و غیره باو دست داد.

چندی بعد آرزو و خواهرش و والده بگوالیار رهسومدتی در آن شهر اقامت برداشت تا آن که دوباره جنگ داخلی بین شاهرادگان شروع شد و بالاخره محمدعظیم‌الشان پسر دوم و محمدرفیع‌الشان پسر سوم و جهان‌شاه پسر چهارم عالم گیر شاه کشته شدند و معرالدین جهاندار شاه پسر ارشد پادشاه فاتح شد و پیر تحت سلطنت نشست. بعد از جلوس جهاندار شاه (۱۱۲۶هـ) آرزو با کبر آباد رفت.

دیری نگذشت که بین جهاندار شاه و فرح سیر پسر دوم محمد عظیم‌الشان جنگی در گرفت و جهاندار شاه طرف دهلی گریخت و محمد فرخ سیر عارم‌دار الحلاوه دهلی شد و چون آنجا رسید عموی خود را با انتقام قتل پدر کشت و چندی بعد به اش و کامرانی و سجا و ررافشانی، گذرآید.

در ارایل سلطنت محمد فرح سیر شاه (۱۱۲۴-۱۱۳۱هـ) سبب مأموریت بخدمتی به شاه جهان آباد (دهلی) رفت و از آنجا بخدمت مهمی بگوالیار رفت و شش سال در آنجا براحات بسر برد.

در این ایام کمتر شاعری می‌پرداخت . در زمان تسلط سادات باره خدمت مذکور تعبیر پیدا کرد و آرزو باز روی شاهی رسید که در آن وقت مشغول رفع شورش بیکوسیر بود و دوباره از آنجا بخدمت سوانح‌نگاری گوالیار مأمور شد و در حدود ده ماه در آن شهر بسر برد در همان اوان ستاره اقبال سادات باره روبه تزلزل آورد و آرزو بپیر از خدمت مرزور معزول شده و چندی بیکار ماند

بعد از جلوس رفیع‌الدوله (۱۱۳۱هـ) آرزو دوباره عارم اکبر آباد شد و بعد از فتح قلعه اکبر آباد بتوجه نواب میرزاخان در اطراف گوالیار بخدمتی مأمور گشت و در حدود یکسال آنجا بسر برد

چون بعد از شکست عبداله‌خان محمدنقاه (در ۱۱۳۱هـ) فاتحانه وارد دهلی شد

و بر تحت سلطنت نشست آرزو در سال ۱۱۳۲ هـ بدھلی رفت و همانجا سکونت گزید و از آن بعد بیشتر وقت خود را در تألیف و تصنیف میگذراند. (در موقع تألیف مجمع التقایس (۱۱۶۳ هـ) سی و سه سال بود که در دھلی بسر میبرد)

چون آرزو به دھلی رسید زوری برای ملاقات محمد افصل سرخوش رفت این موقعی بود که سرخوش بصارت چشم را اردست داده بود آرزو بهر مایشوی غزلی خواند و سرخوش بسیار محظوظ شد و بسرو پیشانی آرزو بوسه داد و گفت

مدتیست در این شهریم این قسم صاحب طبعی (را) از نو آمدگان شهر ندیدیم و پیش محمد حسین خان حاجی از آرزو خیلی تعریف کرد و گفت: «تمام عمر این قسم جوان بلند تلاشی (را) ندیده‌ام»^۱

در دھلی آرزو بدوستی صمیمانه آندرام مخلص^۲ (متوفی ۱۱۶۴ هـ) مفتخر شد و مخلص بتربیت و سرپرستی آرزو کوشید و بنا بر توصیه وی آرزو از طرف دربار لقب استعداد خان و منصب هفتصدی «حاکمگیری» در وطن خود یافت^۳ همچنین مؤتمن الدوله اسحاق خان اسحاق شوشتری^۴ خان سامان محمد شاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱ هـ) با آرزو کمک شایانی میکرد و بقول آرزو او پیست و چند سال در خدمت اسحاق خان بود و بعد از وفات وی در ۱۱۵۲ هـ پسر ارشد وی میرزا محمد ملقب به اسحاق خان نجم الدوله^۵ با آرزو ماهی صد و پنجاه^۶ روپیه مستمری میداد و غیر از این کمکهای دیگر

۱- ر. ک. سعید خوشگو

۲- برای شرح حال مخلص ر. ک. حرا به عامره ص ۴۲۵

۳- خوشگو مینویسد که «حاکمگیری» مر بوز بعارت عنیم دکن وقت ر. ک. سعید خوشگو

۴- برای شرح حال اسحاق خان شوشتری ر. ک. مآثر الامراء ج ۳ ص ۲۷۴-۵

۵- برای شرح حال نجم الدوله ر. ک. مآثر الامراء ج ۳ ص ۶-۷۷۵ و حرا به عامره

ص ۱۲۲

۶- مؤلف «شمع احسن» مینویسد اسحاق خان و پسرش هر دو ماهی صد و پنجاه روپیه

هم میکرد.

در ۲۶ شوال ۱۱۶۳ هـ نجم الدوله در جنگی بین افغانه و صدر جنگ در بین پتیالی و سهاور در میدان جنگ کشته شد آرزو در مجمع التقایس در ذیل شرح حال خود مینویسد: «اکنون سیزده سال است که اکثر اوقات (را) صرف خدمت و صحبت نواب نجم الدوله که ستاره عمر دولتش براوح اقبال روز افرون وافق ازدیاد پیوسته لامع و روشن باد مینماید»^۱.

حاکم در «مردم دیده» مینویسد که بعد از مراجعت نادرشاه از دهلی وی اتفاقاً بدلهلی رفت و اول دفعه با آرزو در آنجا ملاقات کرد و نامه‌ای که شاه آفرین لاهوری بنام آرزو داده بود بوی رسانید و آرزو از حاکم پذیرائی گرمی بعمل آورد و بعد از آن هر موقع حاکم از لاهور بدلهلی میرفت با آرزو ملاقات میکرد و هر دو باهم رفت و آمد داشتند.

در آن ایام آرزو مشغول نوشتن دیوانی در جواب دیوان سعانی بود حاکم هم گاهی بتقلید وی شعر میسرود و پیش آرزو میخواند و آرزو خیلی خوشحال می‌شد.

روزی حاکم دیوان خود را بر آرزو برده آرزوی خواهش کرد بتعمق در آن نگاه کرده در مورد حسن و قبح اشعارش اظهار نظر کند. آرزو اول از قبول آن امتناع می‌ورزید اما در نتیجه اصرار حاکم قبول کرد و بعد از دو ماه دیوان را بوی برگرداند و در هر موردی که ایراد داشت در دیوان یادداشت نمود ولی اکثر این ایرادات آرزو مورد پسند و موافقت حاکم قرار نگرفت و وی عقیده داشت که تنها در بعضی موارد ایرادات آرزو وارد بود.^۲

آزاد در «خرابه عامره» در ذیل نام حاکم لاهوری مینویسد که چون وارسته

۱- از این عبارت معلوم میشود که آرزو این قسمت از شرح حال خود را قتل از فوت

نجم الدوله (۱۱۶۳ هـ) نوشته است

۲- ر.ک. مردم دیده ص ۷ - ۳۵۶

سیالکوٹی اعتراضات و ایرادات خان آرزو را دیدند در جواب آن رساله‌ای نام «خواب شافی» نوشت اما عجب اینست که ناو خود این مناقشه صمیمیتی که بین آرزو و خاکم وجود داشت بجای خود ماند و هیچ تعبیری نکرد و خان آرزو در مجمع النعائیس خاکم را خوبیی یاد کرد و خاکم خان آرزو را حتی موقعیکه او از عالم رفته و احتمال رود نایستی و ریا در بین نبود بحیر یاد میکرد و در «مردم دیده» از وی بسیار تعریف کرده است. چنین حسن معامله و مجاملت در بین شعرابندرت اتعاق میافتد آزاد عقیده دارد که وارسته سیالکوٹی در رساله «خواب شافی» تنها در بعضی موارد تو استهاسب ایرادات آرزو و خوب جواب دهد اما در بعضی موارد در این منظور موفق نشده اسب و حتی اعتراف کرده است که ایرادات آرزو در چنین موارد درسب و صحیح بوده است

آزاد خودش به بعضی ایرادات آرزو و بر اشعار خاکم که بعقیده موی درسب بوده در «جزانہ عامرہ» جواب داده است^۱.

خلاصه بعد از فوت نواب نجم الدوله برادر کوچکنوی نواب رشید خان سالار جنگ روابط صمیمانه و قدیم خانواده خود را با آرزو ادامه داد و چون صدر جنگ ناظم صوبه (استان) اود واله آباد در روز ۷ ذوالحجه ۱۱۶۷ ه قوت کرد و سالار جنگ در اواخر محرم ۱۱۶۸ ه برد شجاع الدوله به اود رفت آرزو را هم همراه خود برد در این ایام میر محمد دیوسف بلگرامی حاله داده میر اعلام علی آزاد آرزو را هم در اود ملاقات کرد وی قبلا نیز اورا در هلی دوبار دیده بود وی طی نامه‌ای با آزاد نوشت که آرزو در آنوقت دیوانی در بحور قصار نظم میکرد و تار دیو سدا ل رسائیده بود

بزودی بین آرزو و سالار جنگ قرار شد که آرزو بقیه عمر خود را در احودها که وطن اصلی حدش شیخ کمال الدین بوده بگذراند.

خاکم در «مردم دیده» مینویسد که وی بهمراهی نواب صدر جنگ و ریر الممالک بصوبه (استان) اود رفت و بعد از فوت نواب صدر جنگ (در ۱۷ ذوالحجه

۱۱۶۷هـ) خان آرزو نیز بهمراهی سالار جنگ بلکنو^۱ رسید. نواب واه (مولف ریاض الشعرا) بیردر آن ایام در خدمت نواب شجاع الدوله حلف صفدر جنگ بود و آنجا گاهی صحبت هائی بین هر سه نفر (آرزو و حاکم و واه) صورت می گرفت ولی چندی بعد حاکم و واه بدھلی رفتند ولی خان آرزو در لکنو ماند.^۲

دیری نگذشت که سالار جنگ خان آرزو را به نواب شجاع الدوله معرفی کرد و نواب مزبور ماهی سه صد روپیه مستمری برای آرزو معرر کرد اما هنوز چند ماه پیش نگذشته بود که خان آرزو بمرصی شدید و خطرناک مبتلا شد و چون دانست که مرگ وی نزدیک است وصیت کرد که بعد از مرگ حسد او را بدھلی برده آنجا دفن کند. بالاخره در ۲۳ ربیع الثانی ۱۱۶۹هـ (مطابق ۲۶ ژانویه ۱۷۵۶م) پس از هفتاد سالگی در لکنو فوت کرد.

آزاد در «سرو آزاد» مینویسد که آرزو در حمادی الاخری سنه ۱۱۶۹هـ در بلده لکنو فوت کرد و در همان شهر مدفون گردید اما در حرانه عامره مینویسد که اول حسد وی را در لکنو و امانت گذاشتند و چندی بعد بقیه حسد وی را بدھلی برده آنجا دفن کردند و قول آخروی اصح است
شعیق در «جمستان شعرا» قطعه تاریخ فوت آرزو را که آزاد گفته است و در «سرو آزاد» آمده است نقل کرده که یقرا زیر است.

سراج الدین علی خان نادر عصر	رمرگ او سخن را آبرو رفت
اگر جوید کسی سال وفاتش	بگو، آن جان معنی آرزو رفت

(= ۱۱۶۹هـ)

۱- ناگفته ماند که در آن ایام لکنو مرکز شعر و ادب فارسی بوده و بعزت تربیت و سرپرستی علم و ادب از طرف نوایان اود اکثر اهل علم و فضل از تمام گوشه و کنار هندوستان سوی لکنو روی آورده در این شهر جمع شده بودند.

۲- ر. ک. مردم دیده من ۷- ۵۶.

آزاد در خراشه عامره «قطعه زیر را آورده است که وی در تاریخ فوت آرزو

خان والاخان سراج الدین علی
 زدرقم آزاد سال رحلتش
 شمع رویق پخش برم گفتگو
 رحمت کامل بروح آرزو
 (= ۱۱۶۹ هـ)

دکتر منوهر سہامی انور مینویسد که بعد از مرگ آرزو طبق وصیت وی حسد او را بدہلی برده در منزل شخصی وی^۱ دروکیل پورہ واقع در دارالسلطنت دہلی در نزدیکی رودخانہ جمنہ بخاک سپردند^۲

خان آرزو یکی از نوابی است کہ ارسرزمین شہ قارہ ہند و پاکستان برخاستہ اندوی نہ تنہا شاعری ماهر و ادیبی لیب بود. بلکہ در فن تاریخ نویسی و زبان شناسی و فن شعروفرہنگ نویسی و نقادب و شرح شعر ہم «اقتدار و دستگاہ» کامل داشت و در بین دانشمندان آن دورہ هیچکس مثل او جامع حمیع فنون و علوم سوده است. وی با چندین زبان آشنائی کامل داشت و اول کسی بود کہ بوسیله آشنائی خود با زبان سانسکریت توانست تشابہ و تجاسس بین زبانہای سانسکریت و فارسی را درک و احساس کردہ و نزدیکی این دوزبان را آشکار کند^۳.

با وجود این علم و فضل آرزو هیچوقت غرور و تکبر را بخود راہ نمیداد و ہمواره عقاید و آرای نقادان و ایراد گیران را با کمال حوسردی مورد تحقیق و تدقیق قرار

۱ - حوشگوراجع باین منزل در سہینہ خود مینویسد «لا حرم بگوشہ و توشہ در ساخته

مکانی (منزلی) بیرون وکیل پورہ در دارالخلافت مرتب فرمودہ متصل رای حصدتہ رای آسند رام منخلص ... اقامت دارند و صحبت میان ایرہردو بررگہ بسیار گرم است»

۲ - ر.ک. مقالہ بسوان «خان آرزو و آثار وی» از دکتر منوہر سہامی انور رئیس

قسمت فارسی و عربی وارد و در دانشگاہ پنجاب دانشکدہ کامپ دہلی کہ در محلہ ہندو ایران (اندو ایرا بیکا) ج ۱۳ ش ۴ مورخ دسامبر ۱۹۶۰ م با فلیسی چاپ شدہ است.

۳ - ر.ک. سراج اللغات.

داده ایرادات صحیح را با کمال شهامت قبول میکرد و تا آخر عمر حاضر بود خود را اصلاح نموده و معایب و نقایص خود را رفع سازد و حتی بسن پنجاه و چهار سالگی هم در فن شعر بر خود اعتماد کامل نداشت چنانکه اعتراف میکند :

و خدا آگاه و انصاف گواه است که فقیر آرزو از عمر (سن) چهارده سالگی مشق شعر میکنم و تا امروز که پنجاه و چهارم مرحله از عمر طی شده بر خود اعتماد ندارم . . . هر چند مسودات نظم و نثر و کتب و شرح و فرهنگ و غیره قریب صد هزار بیت مکتوبی شده باشد^۱ .

اما ناید ادعان کرد که بعضی از شاگردان آرزو مانند مختار و خوشگو و مظهر و واقف مدتی قبل از مرگ استاد خود دیوانهای خود را ترتیب داده بودند و همچنین بعضی شاگردان وی مانند آبرو و مصموم و یکرنگ و میر سودا و درد و غیره که از شاگردان و تربیت یافتگان خوشگو و مظهر بودند از جمله شعرای معروف ریخته (اردو) بوده اند . با وجود اینکه بسیاری از شعرای معروف اردو شاگرد آرزو بودند معینا خودش سدرت ناردو شعر میسرود .

در آن عصر هیچکس در سراسر هند و پاکستان نمیتوانست در علم و فضل حریف آرزو شود و بازرترین ثروت این امر عقیده تذکره نویسان معاصر است که در مورد مقام علمی آرزو اظهار کرده اند^۲ . مخصوصاً قاسم چاندپوری در «مخزن نکات» مینویسد در حال حاضر ممکن نیست تصور کرد که شاعری بر رگنر و فاضلتر از آرزو وجود دارد . همچنین مولف «مجموعه نغمه» مینویسد :

«اگرچه زبان دایان ایران از مرحد بنفس الامرار او حسابی نمیگیرند (یعنی برند) اما حق آنست که وجود چنین کس در خاک هندوستان حکما کسیر اعظم (را) دارد» و سپس میگوید همچنانکه علمای اهل حق را اعیال ابوحنیفه کوفی میگویند

۱ - ر.ک. سینه خوشگو چاپ پته .

۲ - ر.ک. تذکره ریخته گویا گردیری و مخزن نکات قاسم چاندپوری و تذکره

حسینی و سرو آزاد و مجموعه نغمه .

«اگر شعرای هندی زبان داعیان خان آرو گویند می‌سزد»^۱

بعقیده بلوخممان در میان شارحانی که از سرزمین هندوستان برخاسته‌اند آرزو بهتر از همه آنهاست، شرح وی بر اسکندرنامه نظامی و قصاید خاقانی و عرفی و همچنین شرح گلستان وی بنام «خیابان» بسیار ارزش دارد. بلوخممان عمیده دارد که بهتر بود اگر برهان قاطع را بدون انتقادات آرو و جاب نمی‌کردند و همچنین وی تو سیه می‌کند که «تنبیه العاقلین» آرو را حتماً باید مطالعه کرد چون این برای گردآورندگان فرهنگ و نویسندگان دستور بسیار سودمند است جهت اینکه در این کتاب بعضی اشاراتی بسبک و اصطلاحات فارسی آمده است.^۲

آثار مؤلف

سن خان آرو هنوز از چهل و هشت سال تجاوز نکرده بود که کتب زیر را تألیف نمود.

۱ - سراج‌اللمعه (یالعات) در ۱۱۴۷ هـ تمام شد. فرهنگ کلمات غیر عربی است که شعرای متقدم فارسی بکار برده‌اند. قریب به چهل هزار بیت با استشهاد آورده است و در بعضی موارد بر برهان قاطع و فرهنگ رشیدی استناد کرده است گاهی تشابه و تجانس بین سانسکریت و فارسی را نشان داده‌است. تیک‌چند مؤلف «بهار عجم» که از شاگردان آرزو بوده این فرهنگ را در فرهنگ خود شامل کرده‌است برای نسخ رجوع شود به اته ۲۵۱۳ و لیندزیانا ص ۲۱۶ ش ۲۶۶ و ایوانو ۱۴۳۴.

۲ - چراغ هدایب - دفتر دوم سراج‌اللمعه - فرهنگ فارسی است مشتمل بر کلماتی که شعرای متأخر (بعد از جامی) بکار برده‌اند و در فرهنگ‌های قدیم مانند فرهنگ جهانگیری و مجمع الفرس سروری و برهان قاطع نیامده است در این

۱ - ر.ك. مجموعه بر چاپ لاهور ح ۱ ص ۲۴.

۲ - ر.ك. بلوخممان «فرهنگ نویسی فارسی» (انگلیسی)

فرهنگ مولف قریب به پنج هزار بیت را با استشهاد آورده است. برای
 نسخ آن رجوع شود به ریو ح ۲ ص ۵۰۱ و ح ۳ ص ۹۹۲ الف و ۱۰۷۰ الف و
 ایوانو ۷-۱۴۳۶ و ایوانو- کرزن ۵۲۶ و بانکی پور ج ۹ ش ۹-۸۰۷ و برلن ۱۲۰ (۱) و
 مراون ذیل ۲۸۵ و اته ۲۵۱۴ و دانشگاه لاهور (دو نسخه) چاپ در حاشیه غیث اللغات
 غیث الدین محمد رامپوری و در کلکته سال ۱۸۶۸ و ۱۸۷۰ و ۱۸۷۴ و ۱۸۷۸ و
 ۱۸۹۰/۷-۱۳۰۷ هـ و لکنو ۱۲۹۶ هـ و بمبئی ۱۸۸۰

۳- کلیات اشعار غزل و قصیده و غیره (نظم و شعر) مشتمل بر قریب به سی
 هزار بیت.

۴- دیوانی در جواب دیوان اطهر شیرازی که در هندوستان خیلی معروف بود
 در این دیوان آرزو غزل بغزل بدیوان اطهر جواب نوشته است (نیز رجوع شود به ش ۲۸ و ۲۹
 آثار مولف).

۵- مثنوی سوزوسار (یا شور عشق) در جواب محمود و ایاز ملازلالی.

۶- خیابان در شرح گلستان سعدی که در او ان کودکی نوشته بود. در این کتاب
 آرزو کلمات و اصطلاحات مشکل گلستان را شرح داده است و در ضمن بر بعضی شروح قدیم
 مانند شرح میر نوراله احراری و ملا سعد و غیره مقصلاً انتقاد کرده است و قریب به
 هزار بیت با استشهاد آورده است. برای نسخ آن رجوع شود به اشپرنگرش ۴۸۱ و بادلین
 ۷۲۵ و برلن ۴۹ (۲) چاپ در کاپو. هندوستان سال ۱۲۹۳ هـ.

۷- شکوفه زار - در شرح قسمت اول اسکندرنامه - در این کتاب ضمناً
 بر شروح قدیم انتقاد کرده است.

در این کتاب قریب به شش هزار بیت با استشهاد آورده است. برای نسخ آن رجوع
 شود به اشپرنگرش ۴۲۶ و ریو ذیل ۲۳۲ و اندیا آفس دی-پی ۱۲۴۲ الف و دانشگاه
 لاهور و کتابخانه علیگره ص ۴۹ و آصعیه ج ۲ ص ۱۴۸۲ و برلن ۷۳۶ - چاپ در حاشیه
 اسکندرنامه در بمبئی سال ۱۲۷۷ هـ.

۸- شرح قصاید عرفی - شامل قریب به چهار هزار بیت در ضمن جواب اعتراضات

منیر لاهوری را هم داده است . برای تسخ آن رجوع شود به اندیا آفس دی-پی ۱۲۸۶
الف و ب و ج .

۹- سراج منیر - در جواب رساله منیر بنام «کارنامه» در اعتراضات بر چهار
شاعر : عرفی و طالب و رلالی و ظهوری شامل دوهزار بیت .

۱۰- عطیه کبری در بیان (سبک) فارسی که بقول مولف در موضوع خود اولین
کتابی است که قریب به یک هزار و پانصد بیت بطور استشهاد آورده است. برای تسخ آن
رجوع شود به ایوانو ۳۹۴ و ایوانو - کرزن ۱۷۷ و ایوانو تکمله ثانی ۹۶۹
(۴) و بانکی پور ج ۹ ش ۸۵۴ (۲) و مدراس ۴۸۳ - چاپ - کلکته ۱۸۳۲ م (که با موهبت
عظمی در یکجا چاپ شده است) و کانپور سال ۱۸۹۷ م

۱۱- موهبت عظمی- در ف معانی و بیان فارسی که بقول مولف مانند عطیه-
کبری در این موضوع اولین کتاب است که قریب دوهزار بیت با استشهاد دارد برای
تسخ آن رجوع شود به مانکی پور ح ۹ ش ۸۹۴ الف و ایوانو تکمله ثانی ۹۶۹ (۵)
و ۹۷۰- چاپ کلکته ۱۸۳۲ م (که با عطیه کبری در یکجا چاپ شده است)

۱۲- سراج و هاج - شرح و محاکمه شعرا که بر بیب حواحه حافظ شیرازی
نموده (و در حل آن بیب مباحثه نموده اند)

۱۳- آداب عشق - در تحقیق آداب عشق

۱۴- معیار الافکار - در قواعد صرف و نحو فارسی

۱۵- جوش و حرش - در حواب سوز و گداز نوعی حبوشانی

۱۶- مهر و ماه - مثنوی در بحر غیر متعارف. برای تسخ آن رجوع شود به

لیندریانا ص ۲۱۶ ش ۶۲۰ و دانشگاه لاهور.

۱۷- مثنوی نورن حدیقه سائی که تا تألیف سمیه خوشگو تا تمام بود.^۱

۱۸- عالم آس ساقی نامه در حواب ساقی نامه ظهوری.

۱- در ک سمیه خوشگو چاپ پنه در ذیل شرح حال آدرو

- ۱۹- پیام شوق - در جواب مراسلات و مکاتیب اعزا (خویشاوندان) -
- ۲۰- گلزار خیال - در تعریف بهار و جشن هولی (هندوها).
- ۲۱- آبروی سخن - در وصف حوض و فواره و تالک.
- ۲۲- شرح مختصر المعانی.
- ۲۳- عبرت قسانه در جواب «قضا و قدر» ملاقلی سلیم که ناتمام ماند.
- در بین سالهای ۱۷۳۴ م و ۱۷۵۳ م مطابق ۱۱۴۷ تا ۱۱۶۷ هـ آرزو کتب زیر را تألیف نمود -
- ۲۴- تسیه الغافلین - آرزو اردیوان شیخ علی حزین پانصد بیت نا مربوط و محل ایراد در آورد^۱ و در این رساله قریب به هزار بیت بطور استشهاد آورده است. برای نسخ آن رجوع شود به اندیا آفس دی پی ۴۲۳ (ج) و دانشگاه لاهور.
- ۲۵- احقاق الحق - کتاب دیگر در انتقاد بر اشعار حزین^۲.
- ۲۶- تصحیح غرایب اللغات عبدالواسع هاسوی که فرهنگ کلمات اردو است با مترادف آن بفارسی و عربی و ترکی. برای نسخ آن رجوع شود به ریو ح ۲ ص ۱۰۳۰ الف و نانکی پور ج ۹ ش ۸۳۸ و ایوانو تکمله ثانی ۹۶۹ (۷) و علیگره ص ۵۶ ش ۲۱ و ۱۶ و دانشگاه لاهور (دو نسخه)
- ۲۷- داد سخن - شرح قصیده «محا کمه» منیر که بر اعتراضات شیدا بر قصیده
- ۱- مولوی امام بخش صہائی کتابی در همین موضوع بنام «قول فیمل» نوشت که در کاتبور سال ۱۸۶۲ م بچاپ رسیده است و در حلد ۳ کلیات صہائی شامل است (ر.ک. کلیات صہائی چاپ کاتبور ۱۷۷۸ م ولکھنو ۱۸۸۰ م) همچنین بقول بلو حمان محسن علی مراد زاده آرزو نیز کتابی در همین موضوع نوشت و تیک چند و میر را قلیل و وارسته از حزین دفاع کردند.
- ۲- سجہای از این کتاب موجود نیست اما صہائی کتابی بنام «اعلائی حق» در همین موضوع نوشته بود که در کلیات وی موجود است (ر.ک. کلیات صہائی چاپ کاتبور ۱۸۷۸ م ولکھنو ۱۸۸۰ م)

قدسی سروده بود شامل سه هزار بیت. برای نسخ آن رجوع شود به ایوانو ۳۹۳ و دانشگاه لاهور.

۲۸ و ۲۹- دیوان در جواب دیوان سلیم و دیوان دیگر در جواب دیوان فعانی در تذکره خود میسویسد که دیوان خود را در جواب سلیم و اطهر و فعانی نوشته و اول این اشعار جدا بود اما بعداً این را شامل يك دیوان بررگی کرده است برای نسخ آن رجوع شود به ایوانو- کررن ۲۹۵ و ۲۹۶ و نانکی پور ح ۳ ش ۳۹۹

۳۰- مجمع التقایس- تذکره مورد بحث

۳۱- منبر- در علم اصول لغت و دستور فارسی نظر «مطهر» امام جلال الدین سیوطی- چون این کتاب مستلزم اطلاعات وسیعی درباره زبان و ادبیات فارسی و لغات سنسکریت بود بنا بر این هیچکس در آن ایام در سراسر هندوستان بهر ار آرو وجود نداشت که بتواند بتألیف این کتاب مهارت نماید برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو- کررن ۵۵۰.

۳۲- شرح گلگشتی میربحات

در مدت اقامت در احوادیه آرو کتب ریر را تألیف نموده است

۳۳- دیوان بررک شامل غزل و قصاید و رباعیات و غیره برای نسخه آن رجوع شود به ش ۲۸ و ۲۹ فوق

۳۴- زایدالعواید- فرهنگ مصادر غیر معروف فارسی بامشقات غیر معروف آن- این کتاب ناتمام ماند برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو تکلمه ثانی ۹۶۹ (۱۱)

۳۵- دیوان در جواب دیوان کمال حجدی - (ناتمام ماند)

۱- دکتر مسوهر سهای در محله هند و ایران ح ۱۳ ش ۴ مورخ دسامبر ۱۹۶۰ م
اشتهاً «زوائدالعواید» نوشته است بظاهر این کتاب مربوط به «زوائدالعواید» عبدالواسع هانسوی است که در همین موضوع است و نسخه‌ای از این کتاب در دانشگاه لاهور موجود است
رجوع شود به اورینتل کالج مگربین ح ۸ ش ۲ مورخ فوریه ۱۹۳۲ م ص ۷۳.

غیر از کتب فوق خان آرزو کتاب زیر را نیز تألیف کرده است ۹
 ۳۶ - نوادر الالفاظ - در بیان لغات هندی که فارسی و عربی آن در هند
 غیر معروف بود مشاغل قریب به پنج هزار بیت که بطور استشهاد آورده است .
 تذکر - برای بقیه آثار آرزو رجوع شود به فهرست اشپرنگر و مانکی پور .

تبصره بر کتاب

مؤلف طاهر آ تألیف این تذکره را بسال ۱۱۶۳ هـ^۱ (قبل از فوت بحم الدوله) شروع
 کرده است و بقول اشپرنگر در ۱۱۶۴ هـ با تمام رسانیده است - آراد پیر در حرافه عامره
 (ص ۱۱۷) سال تألیف این تذکره را ۱۱۶۴ هـ ذکر نموده است .

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباجة کتاب چنین توضیح میدهد که او شوق
 فراوان بخواندن اشعار فارسی داشت و مدتی دواوین و تذکره ها و سفاین و غیره کتب
 بزرگان (را) مطالعه مینمود اما چون این اشعار را فراموش میکرد یکی از رفقای
 او سعینه صحیمی آورد که هر چه اشعار اساتید را آرزو انتخاب نماید در آن سعینه هم
 ثبت کند. بالاخره آرزو اشعار منتخب از صد دیوان شعرای متوسط و متأخر را در آن سعینه
 جمع نمود . بعداً بحاطر مؤلف رسید که پاره‌ای از احوال آن شعرا را بیرون بویسد و
 بنادر این ارتد کره‌های مختلف آنرا جمع نموده بصورت تذکره‌ای در آورد .

بقول اشپرنگر عده شعرای این تذکره ۱۴۱۹ و بقول عبدالمقتدر (فهرست
 مانکی پور) ۱۷۳۵ میباشد که آنها را ترتیب العنا از روی حرف اول اسم یا تحلیص آنان
 ذکر نموده است .

مؤلف در دیباجة اسم تذکره‌های زیر را ذکر نموده است که از آن در تألیف این
 این کتاب استعاده است .

۱ - تذکره (عرفات) تقی اوحدی .

۲ - تذکره نصر آبادی

۱ - در دیل نام - حتمت میبویسد در همین سال که سنه ۱۱۶۳ هجری است .

۳ - کلمات الشعرا .

۴ - تحفه سامی .

از جمله ماخذ فوق مؤلف، مخصوصاً ارتد کرده عرفات حیلی استفاده کرده است و اکثر مطالب را از آن تد کرده اقتباس و نقل کرده اما گاهی بر بعضی اقوال وی انتقاد نموده است .

همچنین در بعضی موارد اقوال تد کرده نگاران دیگر را نوشته و آنچه را خودش تصحیح نموده است بتر نوشته است . گاهی تنها معنی اقوال تد کرده نگاران اکتفا نموده است

این تد کرده با «ابویرید بسطامی» شروع شده با «محمد اشرف یکتا کشمیری» تمام میشود و شامل ذکر شعرای متقدم و متوسط و متأخر میباشد - در این تد کرده مؤلف قریب به چهل هزار بیت از شعرای متقدم و متأخر جمع نموده است .

شرح احوال اکثر شعرا را حیلی مختصراً اما اشعار شعرا را معمولاً مفصل آورده است در ردیل نام قریب صد و پنجاه شاعر شرح حال آنان را نسبتاً مفصل آورده است و اطلاعات لازم درباره زندگی آنها را نیز فراهم آورده است مانند آرزو و بیدل و حامی و تقی اوحیدی و غیره

اما در ردیل قریب صد شاعر با وجود اینکه شرح حال آنها را مفصل آورده است اما اطلاعات مهمی درباره زندگی آنها را بهم برسانیده است مانند اهلی حراسانی و اهلی شیرازی و ابیسی و ادهم و احسن و آشنا و حلال اسیر و غیره

در موقع نوشتن شرح حال شعرا سعی نموده است شرح حال آنان را مفصل یا حتی جامعاً کثیر اطلاعات مهمی درباره زندگی آنان باشد ، اما درباره مقام و پایه شعر آنان غالباً اظهار نظر کرده است و از این حیث هیچ تد کرده ای نمیتواند حریف مجمع النعائیس باشد .

اکثر این عقاید حالی از اعراض شخصی است و مؤلف بیدلیل از کسی انتقاد نموده است .

در ذیل نام قریب چهار صد شاعر اشعار آنان را معصل آورده است و مخصوصاً اشعار منتخب از خود را معصل ترا همه (در ۱۷ صفحه و بقول خودش ششصد و هشتاد و پنج بیت و چند رباعی) آورده است و بعد از اشعار خویش اشعار بیدل عظیم آبادی را از سایرین معصل تر نقل کرده است .

در ذیل اشعار بعضی شعرا از خودش هم اشعاری نقل کرده است و گاهی اشعار خود را در ذیل گفتار دیگران حیلی معصل آورده است .

گاهی بعضی اشعار شعرا را اصلاح نموده است و آنچه نظر او صایب و بهتر بوده نوشته است مثلاً رجوع شود به اثر شیرازی

سبك اشای مؤلف عالماً غیر مصوعی است اما کلمات عربی را بهر اوایی بکار برده است که گاهی بعضی عبارات را صورت عربی و عجیب در آورده است اما عالماً از نوشتن عبارات مصوعی و پرتکلمی احتراز ورزیده است

روی هم رفته از حیث نقد ادبی این تذکره بهترین تذکره های فارسی است اما قسمت شرح حال شعرا زیاد مفید و با ارزش نیست

مؤلف در شعر دوق خوبی داشته و بنا بر این انتخاب اشعار شعرا بر معمولاً خوب است. در موفع انتخاب اشعار بر عکس اکثر تذکره نگاران هندو یا کستان سعی نکرده است اشعاری که مخصوصاً دارای صنایع لفظی و معنوی باشد انتخاب نماید بلکه اشعار روان و مطبوع را انتخاب نموده است .

در مورد این تذکره آزاد در «حرائر عامره» چنین اظهار نظر میکند،
 « (آرزو) در جمع اشعار آبدار و انتخاب دو اوین اهتمام عظیمی نگار برده. حقا که فتاوی اشعار متاخرین است هر چند متوجه تحریر احوال شعرا و ضبط تاریخ ولادت و وفات و سنوات وقایع و ذکر شعرا بر تیس زمان نیست و ظاهر است فرق در میانس (جنگ) و تذکره همین باشد که میانس تنها اشعار شاعر دارد و تذکره احوال و اشعار هر دو دارد لیکن خود در دیباچه و حاتم کتاب عدرا این معنی بر میگذارد و معهدا در ضمن

عبارات صاف (و) بی تکلف لطایف و تعبیرات تازه با برحی فواید مندرج ساختند از این سبب کتاب او را کیفیتاً خاصی مهم رسیده «

سخ خطی

- ۱ - اته ۶۸۰ (ح ۲) کتاب است با ضیاء الدین فارسی شروع شده با حرف «یا» تمام میشود و مورخ ۱۱۶۶ هـ است که از نسخه مولف استنساخ شده است
- ۲ - اندیا آفس دی پی ۷۳۹ (ناقص^۲)
- ۳ - نانکی پور ح ۸ ش ۶-۶۹۵ مورخ ۱۱۷۹ هـ .
- ۴ - بادلیں ۳۸۰ (تاریخ ندارد)
- ۵ - ایوانو ۲۳۱ (تھا حرف الف تاحیم دارد - مورخ قرن ۱۹م)
- ۶ - دانشگاه لاهور دو نسخه (یکی نسخه های غلط دارد و دیگری ناقص الاول و آخر است و با آرزو ناقص الاول شروع شده با قاصی سلام اله ناقص الاخر تمام میشود) .

خلاصه مجمع النقایس

- ۱ - منتخب مجمع النقایس - برای نسخ خطی آن رجوع شود به اته ۶۸۱ مورخ ۱۲۴۳ هـ مطابق ۴۲ سال اکبر شاه ثانی (۱۲۲۱-۱۲۵۳ هـ) (تمام شعرای مجمع النقایس دارد اما شرح حال شعرا خیلی مختصر است یا اصلاً نیست) و اندیا آفس ۴۰۱^۲
- ۲ - جامع العواید - این کتاب را کهرک پت برای کایست در ۱۱۹۵ یا ۱۱۹۶ هجری با انتخاباتی از تراجم شعرا بد کرده آرزو و نقد و نظر بر اشعار شعرا ترتیب داده است برای نسخه خطی آن رجوع شود به اندیا آفس ش ۴۰۸ مورخ ۱۱۹۶ هـ^۲
- برای شرح حال خان آرزو رجوع شود به مجمع النقایس و اشپرنگر ص ۱۳۲-۳ و مقالات الشعرا ی حیرت و صحف ابراهیم ش ۳۹۳ و سرو آراد و خزانة عاقره ص ۱۱۶-۱۲۱ و ریاض الشعرا و مردم دیده و سعیه خوشگو و چمنستان شعرا ی شفیق و

۲ - این نسخه در فهرست اته ذکر شده است . که استوری ح ۱ ص ۱۷۱ در دیل

و منتخب الاشعار مبتلا ش ۸۴ و دیوان منتخب سراج (اشپر نگر ص ۱۵۰) و ذکر میر
 ص ۶۳-۴ و خلاصه الکلام ش ۸ و خلاصه الافکار ش ۴۰ و مخزن العرایب ش ۲۲۹ و
 مجموعه بحر ج ۱ ص ۶-۲۴ ربلو حمان «فرهنگ نویسی فارسی» (انگلیسی) (محلہ
 انجمن آسیائی بنگال ش ۳۷ قسمت ۱ مورخ ۱۸۶۸ ص ۱۸-۲۵ و ۷۰-۷۱) و گلرسن
 دتاسی ج ۱ ص ۱-۲۲ و بیل «فرهنگ تراجم شرقی» (انگلیسی) در دین نام سراج الدین علی
 خان و آب حیات آزاد (اردو) ص ۵-۱۲۳ و ریوح ص ۲-۱-۵۰ و رحمن علی ص ۷۱ و
 بانکی پور ج ۳ ص ۸-۲۱۲ و ح ۸ ص ۱۱۲ و تاریخ ادبیات اردو تألیف رام بابو سکسینه
 (انگلیسی) ص ۸-۴۷ و قاموس العالم تألیف شمس اله قادری (اردو) حصه اول - چاپ
 حیدرآباد دکن ۱۹۳۵ م ستون ۲۶-۲۹ و مقاله دکتر مسوهر سہای انور بسوان «حان
 آرزو و آثار او» (بانگلیسی) (رجوع سود بہ محلہ ہند و ایران ج ۱۳ ش ۴ مورخ
 دسامبر ۱۹۶۰ م)

فہرست اسامی شعرا - رجوع شود بہ مجمع العنایس

تذکرۃ المعاصرین

ابتدا

«تعالیٰ الہ حمد بیچونی کہ اوراق پریشان مجموعہ کون و مکان را
 درشتہ ایجاد شیرارہ بستہ و از ترکیب طلعت و نور عدم و ظہور صفحہ سادہ امکان را
 بچندین نقش و نگار عرب آراستہ»

شرح حال مولف

اسم مؤلف این تذکرہ با القابش شیخ جمال الدین ابوالمعالی محمد علی و
 متخلص بہ حرین است یکی از اجداد وی شیخ شہاب الدین علی بلدہ آستارا را کہ

موطن او بوده ترك گفته بدار السلطت لاهیجان موطن اجداد حزین گردید از آن جمله شیخ علی بن عطاءاله ارمعاریف علمای رمان خود بود و بگفتن شعر هم رغبتی داشت و وحدت تحلیض میکرد. خان احمد خان پادشاه گیلان نظر با استعداد و فضل وی در تعظیم و تکریم وی مانده مینمود و در مسایل علمی از وی استفاده میکرد. شیخ علی در دارالسلطنت بصحبت شیخ حلیل بهاءالدین محمد عاملی رسید و هر دو با هم موافقت و محبت تمام داشتند.

نسب حزین از پانزده واسطه به شیخ زاهد گیلانی^۱ میرسد که پیرو مرشد شیخ صفی الدین اردبیلی سرسلسله سلاطین صفوی بود.

پدر حزین ابی طالب زاهدی لاهیجی حیلانی است که سن پست سالگی از لاهیجان باصفهان رفت و آنجا به تحصیل علوم پرداخت و سپس هم آنجا منزلی خرید و توطن گردید و در سال ۱۱۲۷ هـ بس شصت و نه سالگی در آن شهر در گذشت. حزین پسر ارشد ابی طالب بود. یکی از برادران او در کودکی و دو برادر دیگر در عنوان شای فوت کردند.

حزین در روز دوشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۱۰۳ هـ در اصفهان متولد شد و بس چهار سالگی شروع تحصیل کرد و در عرض دو سال سواد خواندن و نوشتن را کسب کرد و بیرونی ذوق و شوق فراوانی برای تحصیل علوم در وی ایجاد گردید و وی بسیاری از کتب نظم و نثر فارسی را مطالعه کرده بخواندن رسایل صرف و نحو و فقه و منطق هم گماشت و چون ذوق شعر داشت و از خواندن آن بسیار لذت میبرد خود او نیز بگفتن شعر پرداخت ولی تا مدتی شعر خود را از نظر و علم دیگران پنهان داشت و چون استاد وی از این موضوع باخبر شد وی را از سرودن شعر منع کرد و پندش هم بسختی در این امر تأکید نمود ولی حزین با وجود این همه تهدیدات و سختی ها از گفتن شعر دست نکشید و هر موقعیکه شعری

۱ - اسم شیخ زاهد گیلانی در صفحات الامس در دیل ترجمه امیر قاسم تبریزی

بخطرش وارد میشد آبرای یادداشت میکرد اما از دیگران پنهان میداشت.
 در سن هشت سالگی بامر پدر خود مشغول یاد گرفتن تجوید و قرائت قرآن
 شد و دو سال در این فن مشغول بود و در این مدت چند ساله در فن تجوید مطالعه
 کرد. سپس پدرش شخصاً بتدریس وی پرداخت و حرین شرح جامی بر کافیه و شرح
 نظام بر شافیه و تهذیب و شرح ایساغوجی و شرح شمسیه و شرح مطالع در منطق
 و چند کتاب دیگر در فقه و حدیث و اصول نزد پدر خود خواند. همچنین باه
 پدر در حدود سه سال در خدمت شیخ حلیل اله طالقانی تحصیل کرد اتفاقاً شیخ
 مریور حرین را از گفتن شعر منع و زجر نمیکرد و حتی گاهی شعرهای تازه
 وی گوش میداد و بقول حرین وی این تحلیص را بنا توصیه و پیشنهاد وی اختیار
 نمود بعد از فوت شیخ مریور حرین نزد شیخ بهاء الدین گیلانی تحصیل میکرد.
 حرین ده ساله بود^۱ که پدرش بقصد ملاقات و زیارت برادر و اقارب خود
 نالاهیجان رفت و حرین را همراه خود برد. حرین قریب یکسال در لاهیجان توقف
 نمود و رساله خلاصه الحساب را در خدمت عموی خود شیخ ابراهیم راهدی حیلانی
 (متوفی در ۱۱۱۹ هـ) خواند

بعد از یکسال ناصعبان مراجعت نمود و در صحبت بعضی علمای این شهر
 کسب فیض کرد و مخصوصاً علم هیأت و تفسیر و منطق و طب و هندسه را در این مدت
 در خدمت فضایی اصعبان فرا گرفت.

روزی در مجلسی پدر حرین اروی خواست که غزلی بر بیب ریر محشم کاشی
 بسازد و بخواند

ای قامت بلند قدان در کند تو رعنائی آفریده قد بلند تو

حرین غزلی ارتحالاً ساخت و در آن مجلس خواند. حصار مجلس این
 غزل را بسیار پسندیدند و از همان وقت پدر حرین نیز باو احساره گفتن

شعر را داد^۱.

در همان اوان روزی حزین سوار اسب شده در صحرا مشغول اسب دوانی بود. ناگهان از اسب بر زمین افتاد و استخوان دست راست وی شکست و قا مدت يك سال خوب نشد اما در آن روزها هم حزین ارکار نوشتن و خواندن غافل نشد و قلم را بندسب چپ گرفته مینوشت از جمله اشعاری که در آن ایام سروده بود ساقی - نامه ایست در قریب یکپاره بیت.

حزین در اصفهان با بعضی اکابر علماء و فضلاء آن شهر صحبت و آشنائی داشت از جمله مولانا محمد باقر مجلسی^۲ و میرزا علاء الدین محمد معروف به گلستانه و شیخ جعفر قاصی و مسیح الزمان آخوند مسیحائی کاشاتی و مولانا حاجی ابوترابی و میرزا باقر قاصی و مولانا شمس الدین محمد از علمای معروف زمان خود بودند

۱ - مؤلف و محزون العرابی، مینویسد که روزی دو سه نفر از فضلاء مهمان پدر شیخ حزین بودند و پدرش گفتند که این پسر شما حدا فضلش زیاد کناد معروف جهان حواعد بود عجب طبیعت و ذهن رسا دارد مخصوصا در علم شعر از استماع این حرفها حزین که از پدر خود محفیانه شعر میسرود پیش پدر خیلی بحالت رده شد. در این اثنا کوششهای گذشته میان آمد و بوقت بنقل مولانا محترم کاشی رسید همه حضار بمدح و ثنای اولب گشادید و بیان این مطلع در میان آمد.

ای گردن بلند قدان در کمند تو رعنائی آفریده قد بلند تو

مولانا حس که از فضلاء زمان بود در آن مجلس تشریف داشت شیخ گفت مطلعی در جواب آن مطلع مسارد شیخ بلا تأمل این مطلع نگفت و بخواند

سید از حرم کشد حم جعد بلند تو فریاد از تطاول مشکین کمند تو

مولانای مذکور بر حاست موصی بر پیشانی حزین داد و فضلاء دیگر که در آنجا بودند بپس نه شیخ تحسین و آفرین گفتند

۲ - حزین میگوید که وی سه چهار بار در خدمت ملا باقر مجلسی رسید و هنوز هفت هشت ساله بود که ملای مر بود فوت کرد

بعد از مدتی در حزین ذوق و شوقی سرای استطلاع حقایق ادیان و ملل مختلف ایجاد شد و در نتیجه وی با علمای بصری و کشیش آنها بنام خلیفه^۱ آوانوس^۲ احتلاط و نزدیکی بهم رساید و نیز بطور مخفی بیک نفر کلیمی بنام شعیب ملاقات کرده و نزد او کتب مسیحی و ترجمه تورات را خواند^۳ همچنین بتحقیق اختلافات فرق مختلف اسلام پرداخت و کتب هر فرقه را «منصفانه و مشتاقانه» مطالعه کرد و بامردمی که با مذهب خود علاقه و رابطه خاصی داشتند صحبت میکرد. در ضمن کتب متداوله را تدریس میکرد و بر بعضی کتب حواشی و تعلیقات مینوشت و همچنین رسایل جداگانه‌ای در موضوعات مختلف نوشته و غالباً از نظر فضایی آن فنون گذرانیده اطمینان خاطر حاصل مینمود

در همان ایام تا مدت دو ماه متلاً به عارضه مفاصل شد و در آنوقت چون فرصت داشت اکثر اوقات خود را بگفتن شعر میگذراند. سپس کلیه اشعار را که تا آنوقت سروده بود از قصاید و مثنوی و غزلیات و رباعی جمع آوری نموده اولین دیوان خود را ترتیب داد که تقریباً هفت هشت هزار بیت داشت^۴.

چندی بعد به شیراز رفت و از صحبت علمای آن شهر اکتساب معرفت نمود و طبیعیات شفا و الهیات و شرح اشارات و حدیث و معارف و کتاب تلویحات شیخ اشراق و بدی از قانون و کتب دیگر را مطالعه کرد و در ضمن کتب متداوله را تدریس مینمود.

۱- کشیش ترسایان و ارمی‌ها را در آنوقت «خلیفه» میگفته‌اند - ر.ک. حاجی بابا

تألیف موریر و «فطری برمدگی و آداب ایران» تألیف حاتم شیل چاپ لندن ۱۸۵۶ م:

« Glimpses of Life & Manners in Iran » -

by Lady Sheil

۲- بقول ریو این کشیش رومن کاتولیک و شاید اصلاً فرانسوی بود.

۳- ر.ک. استوری ج ۱ ق ۲ ص ۸۴۱

۴- اما چنانکه شرح آن بعداً می‌آید این دیوان حزین تلف شد.

آزاد در خزانه عامره مینویسد: «(حرین) شاگرد محمد مسیح فسائی و او شاگرد آقای حسین حوائساری است و در شیراز از او منطق و هیأت و حساب و طبیعیات و الهیات کسب نمود و روحی احادیث و کتاب حکمة العین با حواشی از ملا محمد شیرازی بسند رسانید^۱ حرین از شیراز به بیضا رفت و آنجا بایک نفر دانشمند مجوس برخورد کرد و از وی اطلاعاتی درباره مذهب مجوسی کسب نمود و رساله «تحقیق غنا» و «رساله منطق» را در آنجا تألیف کرد. دوباره بشیراز برگشت و از آنجا به اردکان فارس رفته از صحبت علمائی آن شهر استفاده نمود و در همان شهر تألیف مجموعه‌ای را بنام «مدة العمر» مشتمل بر نقایس نوادر شروع کرد و تا سال ۱۱۳۵ هـ بقریب هفت هزار بیت رسانید (ولی در همان سال در اصفهان سانحه‌ای روی داد که در نتیجه آن کتابخانه حرین بغارت رفت).

از شیراز به فسا و از آنجا به کاررون رفت و از صحبت علمای آنجا کسب فیض کرد. سپس به شولستان و چهرم و داراب رفت و در خدمت علمای آنجا قیص علم اندوخت. در داراب رساله «لوامع مشرقه» در تحقیق واحد و وحدت و چند رساله دیگر در غوامص مسایل الهیه نوشت. از آنجا به لار و بندرعباس^۲ رفت.

اتفاقاً در آن ایام چند کشتی از بندرعباس به مکه میرفت و حرین هم فرصت را غنیمت شمرده عازم مکه شد اما کشتی وی گرفتار باران و طوفان شدیدی شد و بالاخره چندروز بعد بسواحل عمان رسید و آنجا راهبان دریائی اموال مسافران کشتی را بغارت بردند و حرین با زحمت بسیار خود را بمقسط رساند و یکماه آنجا توقف نمود و بالاخره از مسافرت مکه منصرف شده و عازم جریره حرین شد و یک ماه بعد از آنجا به بندر معموره گنگ و از آنجا سیر مناطق سردسیر فارس رفت و در عرض این مدت ارا کثر بواحو فارس دیدن کرد. خلاصه بشیراز رفت و از آنجا

۲- بندرعباس اه در

۱- ر.ک. حرانه عامره ص ۱۹۳

به راه‌پیرد باصفهان مراجعت کرد. در راه در شهر یرد با بعضی علمای آنجا ملاقات و صحبت کرد

بعد از مراجعت باصفهان برد مولانا صادق اردستانی^۲ کتبی چند در حکمت نظری و علمی خواند و در همان ایام رسایل زیر را تألیف نمود:

رساله توفیق در توافق حکمت و شرکت و رساله توجیه کلام قدمای حکمای میجوس در مبداء عالم و حواشی بر شرح حکمت اشراق و در رایح الجنان و رساله ابطال تناسخ و شرح رساله کلمة التصوف شیخ اشراق و حاشیه بر الهیات شفا و فراید العواید و حاشیه بشرح هیاکل النور و رساله در مدارح حروف و مبرسانه .

همچنین در همان ایام اشعار خود را جمع آوری نموده دیوان دوم خود را ترتیب داد که تقریباً ده هزار بیت بود. مشوی تذکرة العاشقین را نیز در همان اوان در اصفهان شروع کرد این مشوی متضمن حکایتی است منقول از اصمعی و یک هزار بیت دارد. در سال ۱۱۲۷ هـ پدرش فوت کرد و دو سال بعد در ۱۱۲۹ هـ مادرش نیز در گذشت.

سپس مؤلف شیراز رفت و چندی در آن شهر اقامت نمود و هم‌اچا دیوان سوم خود را ترتیب داد که شامل سه چهار هزار بیت بود. از شیراز دوباره باصفهان برگشت. در اوایل ۱۱۳۴ هـ محمود خان افغان بر ایران حمله کرد و در این حمله از حمله شهرها اصفهان را بی‌رعارت کرد. حرین دوهرا را مجلد کتاب را متفرق ساخت و بقیه در آن حمله بگارت رفت در همان ایام دو برادر حزین و جده مادری وی در گذشتند و خودش نیز تا مدتی مریض بود

در غره محرم ۱۱۳۵ هـ حرین تغییر لباس کرده از اصفهان خارج شد و بزحمت تمام خود را بخوانسار رسانید و از آنجا به خرم آباد رفته دو سال در آن شهر اقامت داشت و در این مدت با علمای آنجا آشنائی بهم رسانید. در همان اوان « رومی‌ها » (یعنی ترکها) بشهر همدان وارد و آنرا محاصره کردند و آنجا را مورد تاخت و تار

۲- حرین در « تذکرة المعاصرين » از این استاد خود خیلی تعریف کرده است.

قراردادند. حزین برای نجات دادن آشنایان خود ندان شهر رفت و از آنجا به نهاوند و ولایت بختیاری رفت. آنجا تصمیم گرفت که برای همیشه بعراق عرب رفته آنجا توطن نماید. با همین قصد بخرم آباد مراجعت نموده عارم شوشتر و خوزستان شد و در راه در شهر شوشتر با علمای آن شهر نزدیکی و آشنائی بهم رسانید. از آنجا به بصره رفت. اتفاقاً يك كشتی از بصره عارم یمن بود، بنا بر این بقصد یمن رفت اما آنجا مریض شد تا اینکه موقع حج گذشت و دوباره از حج محروم ماند.

از یمن به بصره مراجعت نمود و از آنجا از راه شوشتر بخرم آباد رفت اما در آن شهر مریض شد و در همان اوان رومی‌ها (ترکها) بر آن شهر حمله کردند و حزین با لشکر آنها بگرمانشاهان رفت و مدتی در آنجا بسربرد و رساله «مفرح القلوب» در محریبات و فواید طیبیه و رساله تحریر نفس را در آنجا تألیف نمود. از آنجا بقصد تویسرکان و محال دامن کوه الوند رفت و از آنجا به بغداد و کربلا و نجف رفت و بالاخره در نجف رحل اقامت افکند و در حدود سه سال در آن شهر اقامت داشت در این مدت يك نسخه مصحح (قرآن) را بخط خود نوشته در روضه حضرت علی گذاشت و با علمای آن شهر صحبت هائی داشت.

از نجف بقصد مشهد از راه بغداد و کردستان و آذربایجان به مارندران رفت و چون شاه طهماسب صفوی^۱ (۴۴ - ۱۱۳۵ هـ) مشهد را فتح کرد حزین از راه استرآباد به مشهد رفت و در آن شهر قسمت بیشتر کتاب کشفیه خود را با چند رساله دیگر تألیف نمود و گاهی با «اعیان و مستعدان» آنجا صحبت هائی داشت. همایجا اشعار خود را جمع آوری نموده دیوان چهارم خود را ترتیب داد و مثنوی «خرابات» بطرز و روش

۱ - حزین چندین بار با شاه طهماسب بملاقات کرد. بقول حزین شاه طهماسب در مشهد

برای دیدن وی آمد و در سنه ۱۱۴۱ هـ هنگامیکه لشکر شاهی بر اشراف افغان حمله کرد شاه طهماسب از حزین دعوت کرد که با اتفاق وی برود و همچنین در موقعی دیگر حزین شاه مرور بصیحت هائی کرد و او را طرقي برای تحفظ و بقای سلطنت خانواده او تلقین کرد (درنگ تاریخ احوال حزین)

بوستان سعدی که یکپار و دوپست بیت دارد همانجا شروع کرد ولی این مثنوی در آن شهر با تمام نرسید .

در سال ۱۱۴۲ هـ موقعی که ظهاسب میرزا یا شاه ظهاسب دوم صفوی برای امتیصال اشرف خان افغان متوجه اصفهان شد خزین نیز بدعوت وی همراه او رفت ولی در سبر و اربه تب دچار گردید و بنا بر این بهسازی مازندران رفته برای دو ماه آنجا بستری شد اما در آن حال هم بعضی شاگردان را درس میداد . ارساری برآه تهران و اصفهان و شیراز و لاربه بندر عباس رسید و در ۱۱۴۳ هـ آهنگ سفر حجاز کرد از بندر عباس به بندر صورت (۱) ^۱ و از آنجا به مکه رفت و بعد از فراغت از حج « سب امارتی که در رویا روی داد » رساله امامت را تألیف نمود و سپس در ۱۱۴۵ هـ به حریره بحرین و از آنجا به بندر عباس مراجعت نمود .

از بندر عباس به لار رفت ولی بنا بعللی دوباره به بندر عباس برگشت و تصمیم گرفت ایران را ترک گفته به نجف برود . اما چون در آن ایام « خان معظم » بغداد را محصور داشت با « جماعت ولدیسیه » (ولندیزی) بسواحل عمان رفته و مسقط رسید ولی از آنجا بعلت ناآسارگاری طبع دوباره به بندر عباس مراجعت نمود و از آنجا بکرمان رفت .

چون لشکر قزلباش ^۲ شکست خورد و « خان معظم » از بغداد مراجعت کرد حرین دوباره بعم بصره و نجف به بندر عباس رفت . ولی در این اثنا راه بغداد دوباره بسته شد و برای ناچار در اول رمضان ۱۱۴۶ هـ حرین با کشتی عازم سند (هندوستان)

علت این تصمیم ناگهانی حرین را برای مسافرت به هند و « ریاض الشعراء »

۲ - معلم نیست که حرین برای رفتن به حجاز چرا اول به بندر صورت (هند) رفت طاهراً « بندر صورت » غلط چاپی است .

۱ - قزلباش اشاره به « نادر شاه » است چنانکه حرین در موارد متعددی در « تاریخ احوال » برای نادر شاه همین کلمه را بکار برده است .

در دین شرح حال حرمین چنین توضیح داده است

شیخ حزمین یک دوماه نزد اهل لار بود که میرزا باقر کلاتر هجوم کرد . وقت طلوع صبح پنجاه ولی محمدخان شاملو متخلص به سرور که در آنوقت از جانب قهرمان ایران^۲ حاکم لار بود ریخته جان مشارالیه را بقتل رسانید و آنجا نزد شیخ رفته عمل شنیع خود را اظهار و اعتراف نمود و لوای مخصوص و مخالفان مادر - شاه را افراس . محمدخان بلوچ که با چند هزار نفر از طرف مادر شاه برای محاصره حرم فرستاده شده بود (چون حاجی عنی بیگ حاکم آنجا یاغی شده بود) باستماع این خبر متوجه لار گردید . حرمین و کلاتر مزبور و مردم شهر در حراست شهر پافشاری نمودند ولی بالاخره بصف شب از یک طرف شهر برآمده متعرق گشتند و در نتیجه بعضی از آنها دستگیر و گروهی طعمه شمشیر شده و برخی جان سلامت بردند

با براین حرمین متهم قتل ولی محمدخان و تولید این فتنه شد . حرمین بهر ار زحمت خود را بساحل عمان رسانید ولی از فرط مشقت تاب نیاورده بار به سادر فارسی مراجعت نمود و آنجا نکرمان آمده عازم اردبیل شد . کلاتر کرمان از ورود حرمین ناخوش شده سعایت شخصی از مالارمان ولی محمدخان که در آن شهر بود بمحمد تقی خان مشهدی رضوی بیگلربیگی آنجا حصر رسانید و هر دو در صدد «اید او اهاست» حرمین برآمدند .

اتفاقاً در همان ایام واله بعلت فوت موسم سرد دریا نتوانست به هندوستان عزیمت نماید و بنا براین بکرمان رفته در انتظار موسم مناسبی برای رفتن به هندوستان بود . بیگلربیگی هر روز از آشنایان نزدیک واله بود و لذا واله کلاتر و بیگلربیگی هر دو را از آسیب رساندن و ادیب کردن شیخ منع کرده و سیح را با اتفاق خود به بندر عباس برد . میرزا اسمعیل زمین دآوری که حاکم بندر عباس بود از هر دو آنها پذیرائی گرمی بعمل آورد و شیخ نزد او ماند و واله عازم هندوستان گردید اما بعد از آن

۲ - از قهرمان ایران مراد «مادر شاه» است چنانکه واله مکرر در تذکره «ریاض الشعراء»

او را باین لقب یاد کرده است .

روز شیخ حرین بیر بعلت تعذر از توقف در بندر عباس مجبور شد به هندوستان عریمت نماید .

حرین غره شوال به تنه رسید و از آنجا با کشتی به خدا آباد رفت و مدت هفت ماه بعلت بیماری در آن شهر توطن نمود . از آنجا به بهکر کنار آب سدر رسید و آنجا قریب به یکماه توقف نمود و از بیک قریه ای که نزدیک حصار ملتان بوده رفت و دو سال در آنجا اقامت داشت و همانجا رساله « که المرام » در پیمان قضا و قدر و خلق اعمال و چند رساله دیگر را تألیف نمود . از ملتان به لاهور و از آنجا بدلهلی رفت و یکسال در آن شهر اقامت داشت و سپس بمرم برگشتن بایران بلاهور رفت ولی آنجا خیر رسیدن لشکر « قریاس » قندهار رسید^۲ و محاصره آن شهر خیلی طول کشید . هور سادر شاه در کابل بود که حرین از لاهور بسوی سلطان پور حرکت کرد و از آنجا بسره هندرف و چون نادر شاه پراه کر نال غارم دهنی شد^۳ حرین نیز بدلهلی

۱ - آزاد و رحمانه عامره (ص ۱۹۴) مینویسد « اتفاقاً در آن ایام که در حدود سنه ۱۱۴۷ هـ) بود فقیر از سیستان محمل سرحاب هند برستم و در بنده بهکر فرودگاه شیخ و فقیر بر نزدیک واقع و با هم صحبتها دست داد و حروی اشعار ضبط خود بر سین یادگار تسلیم من نمود . فقیر بر جناح استعمال راه پیش گرفتم و شیخ بتای قطع مسافرت کرده بر سر ملتان و لاهور عبور نموده بمیرل مقصود یعنی دارالاولافه شاهجهان آباد پایر شد . »

توضیح - باید اذعان کرد که در آن ایام قسمت شمالی هندوستان را هند یا هندوستان و قسمت جنوبی هند را دکن و قسمت شرقی را بنکال میگویند

۲ - نادر شاه قبل از نوروز ۱۱۴۹ هـ قندهار رسید و این شهر روز ۲ ذوالقعدة ۱۱۵۰ هـ دست وی افتاد

۳ - نادر شاه در ۱۵ ذوالقعدة ۱۱۵۱ هـ در حنك کر نال لشکر دشمن را شکست داد و

در ۹ ذوالحجه ۱۱۵۱ هـ وارد دهلی و ۷ صفر ۱۱۵۲ هـ آن شهر را ترک گفت .

رفت و تا مراجعت نادرشاه اردهلی در آن شهر خود را پنهانی نگه داشت^۱

بعد از مراجعت نادرشاه (۲ صفر ۱۱۵۲ هـ) حرین دوباره بلاهور رفت ولی ذکر یاخان حاکم آنجا دشمن او شده بود و او را آسیبی رساند که اتفاقاً حسنعلی خان کاشی که از جانب محمدشاه «برسبیل سفارت» پیش نادرشاه رفته بود بلاهور برگشت^۲ و بنا بر توصیه والیه از آنجا شیخ حرین را همراه خود بعافیت به دهلی رسانید^۳.

چون حرین دهلی رسید محمدشاه بنا بر توصیه و پیشنهاد عمدة الملک امیرخان متخلص به انجام حرین سیور علی عطا کرد^۴ مؤلف «محرر العرایسه» مینویسد «امیرخان انجام حاگیر مبلغ چهل هزار روپیه در نزدیکی اکبر آباد (آگره) مرایش گرفت از مردم ثقه شنیدم که پادشاه مر بور مبلغ پنج لک روپیه بمعرفت (بتوسط) نواب مر بور بشیخ عطا فرموده».

علامه حسین خان مؤلف «سیر المتأخرین» مینویسد: «محمدشاه بواسطت عمدة الملک

۱ - آزاد در حراته عامره (ص ۱۹۴) مینویسد که در مدتی که نادرشاه در دهلی بود حرین در حایه والیه پنهان بود و والیه در ریاض الشعراء در این باره مینویسد. «شیخ لاند دهلی تشریف آورد. در کلبه ایس ذره ناچیر مبروی و محفی ماند تا کوکب اقبال شاهی ارشاهجهان آباد مراجعت بایران نمود»

۲ - والیه در این باره در ریاض الشعراء چنین مینویسد «منار جهتی که شرح آن طولی دارد ذکر یاخان بهادر دلیر حاکم که سویدار (استاندار) آنجا (لاهور) بود حواست به حضرت شیخ آسیبی برساند اتفاقاً در آنوقت احوی ملکای حسنعلی خان کاشی از جانب پادشاه عالم پناه بسفارت بخدمت قهرمان رفته مراجعت نموده بلاهور رسیده بود راقم حروف (والیه) بخان معرالیه هشتم شیخ را با اتفاق خود شاهجهان آباد سالماً و غانماً رسانید و تا حال تحریر (۱۱۶۳ هـ) در شاه جهان آباد تشریف دارد»

۳ - ر.ک. حراته عامره ص ۱۹۴

۴ - ر.ک. حراته عامره ۱۹۴

و دیگر مقربان دولت خواه مکرم پیغام دانه مسألت نمود که (حزین) منعهد امضای امور وزارت گشته رونق افرای سلطنت اوشود اما چون سرفرو و آوردن بدنیا سنگ و عار آن بقاوه اختیار بود راضی نشد^۱.

اکنون وضع مالی حرین مستحکم گشت ولی بعلت هجو و نکوهش سرزمین هند بضی امرا و حواسب دهلی بمخالفت او برخاستند. آزاد در «خزانه عامره» باین موضوع چنین اشاره میکند

«قضارا شیخ اهل هند را هجو کرد از آن جمله است این بیت -

نسئاس سیرتی است تمسای مردمی از دیولاخ هد که اسان نداشته است»^۲

همچنین در کتاب «تاریخ احوال» که حرین در ۱۱۵۴ هـ در دهلی تألیف

کرد درباره خود خواهی و خود غرضی مردم هند میگوید

«رسوخ این شیوه از تأثیرات آب و هوای هند است چه ظاهر است که خلق

این دیار با کسی بی غرض آشنا نیستند و از باستان نامه ها هویدا است که قبل از اسلام

فیررایان و فرماندهان این دیار را همین طبیعت بوده است».

در کتاب فوق حرین در چندین مورد از اهالی هند نکوهش و بد گوئی

کرده است و همین هجو و بد گوئیها بود که بعضی شعرا و ادبای هند را بمخالفت

حزین برانگیخت و بعضی از آنها مجالس سرسخت وی شدند و حتی علیقلی خان

واله که اصلا ایرانی بود و تعصب ملی در او بانداره ای بود که اکثر شعرای

فارسی معاصر هندی الاصل را بحساب نمیاورد و خود دوست صمیمی حرین بود

براین عمل قبیح حرین وی را مورد سرزنش و انتقاد قرار داده و در «ریاض الشعراء»

در این باره چنین می نویسد :

«پادشاه و امرا و سایر باس کمال محبت و مراعات نسبت نوی (بحرین)

مرعی دارند از آنجا که هروت حلی و انصاف ذاتی حضرت شیخ است عموم اهل

۱ - سیر المتأخرین چاپ کا پور ۱۸۶۶ م ج ۲ ص ۶۱۵

۲ - ر ک خزانه عامره ص ۱۹۴

این دیار را از پادشاه و امرا و غیره هجوهای رکیک که لایق شأن سیح بوده نمود و هر چند او را از این ادای رشت منع کردم فایده ننخسید و تا حال در کار است. لایق پاس نمک پادشاه و حق صحبت امرا و آشنایان بیگناه گریبان گیر شده ترک آشنائی و ملاقات آن برر گوار نموده این دیده را نادیده انگاشتم. آفرین بر خلق کریم و کرم عمیم این بررگان که با کمال قدرت در صدد انتقام بر پیامده بیشتر از پیشتر در رعایت احوالش خود را معاف نمیدارند و این معنی زیاد موجب حجلب عقلای ایران که در این دیار سلای غرمت گرفتار اند میشود

هر که پاکج میگذارد ما دل خود میخوریم

شیشه ناموس عالم در نعل داریم ما
 «القصه (خلاصه) بعضی از عبوران این مملکت کمر انتقام بسته تیغ هجا
 روی کشیده در نظر آریاب خرد حمیهش نمودند. از حمله سراح الدین علیحان
 آرزو که از شعرای این شهر است و در فصیل و سخنوری گوی از میدان همگان
 میرناید بسیار اشعار علط از دیوان سیح بر آورده رساله مسمی به «تنبیه العاقلین»

۱- آرزو در مقدمه این رساله که واله بیر در ریاض الشعراء آنرا نقل کرده است
 در مورد سب تألیف آن چنین توضیح داده است

«بسم الله الرحمن الرحيم بعد حمد کلام آفرین کلیم و قابل فوق کل دی علم علیم حل
 شاه و اعظم درهانه و صلوة بر افصح الصحاح که فاتحه کتاب حلقه و حاتم رساله نبوت است
 علمه بر آله من التحیات اتمها عرض میشود که در این ایام مطالبه دیوان بلاغت تبیان حناب
 و بعضی مآب شعرای روح نکته پردازی و بیر فلک سخن ساری بقیه السلف و حجة الحلف نتیجه
 متقدمین و حاتم متاخرین شیخ محمد علی متخلص بحرین که تحمینا ارمندت ده سال سب
 هنگامه ایران وارد هندوستان حست شان که داخلش من دحله کان آما گویا سب گردیده
 و از طعنه شاعریش گوش اکثر و اصاعر پر گشته اتفاق افتاد و استفاده تمام دست بهم داد
 ولیکن در بعضی اشعار که سب قصور دهن معانی آن بر سیده و فایر بمقاصد آن نگردیده
 بقیه حاشیه در صفحه بعد

نوشته و ابیات هد کور را يك يك ذکر کرده و تعریضات نمود چنانچه قدری از آن رساله در اینجا ذکر کرده شود تا از باب فکرت بدکا عبرت از آن گیرند... همچنین حرین میرمحمد افضل ثابت و غیره را هجو کرد و در جواب آن پسر محمد افضل بنام میرمحمد عظیم ثبات پانصد بیت اردیوان شیخ در آورده شیخ را بسرقت آن از شعرای دیگر متهم کرد و ملا ساطع و غیره در جواب هجو مردم کشمیر حرین را هجو کردند.

اما تعداد هوا خواهان حرین در هند کم نبود چنانکه بعضی از آنها مانند تیک چند و مرزا قتیل و سیالکوٹی مل و ارسته و آزاد و غیره هم بدفاع وی برخاستند و حتی بعضی رساله هائی در جواب اعتراضات آرزو و معترضین دیگر نوشتند و طی آن از حرین دفاع نمودند. ولی محالین حرین در دارالسلطنت دهلی بافنداره‌ای ریاد و قوی و با نفوذ بودند که حتی خاطر عمده الملک امیرخان متخلص به انجام را بر که از مریدان بزرگی حرین بود از طرف حرین مکدر کردند. خلاصه چون حرین محیط دهلی را سارگاز و موافق خود ندید مجبور شد دهلی را ترک

بقیه حاشیه از صفحه قبل

تردد هائی روداد ناچار در تحریر بروی قلم مقشوق رقم خود کشاید و بیز پاره‌ای از مصدعی را که از ماسائی هم خویش ماسا همیده گاهی مانند ک تیسیر و تبدیل گردانیده و گاهی خود گفته و رسانیده پس این را از عالم خطای مرزگان گرفت که در واقعی خطای مرزگیت تصور ساید فرمود بلکه برای غلط خود که دستمایه اهل هند است مستندی پیدا نمود. امیدوار است که اگر بطر شریف او در آید از حلاله دلد بر آید.

همچنین مولوی امام بخش صهنائی کتابهای وقول هیمل، و داعلای حقی، و محسن علی مراد در آید و کتابی در انتقاد اشعار حرین تألیف نموده اند (ر ک . حاشیه او ۲ ص ۳۳۵ در دیل آثار آرزو در این کتاب)

۱- ر ک حراته عامره ص ۶-۱۹۵ که آنجا آراد به بعضی اعتراضات آرزو جواب

داده است.

به آگره رود و از آن شهر به بنارس مهاجرت کند و هم‌آجا برای همیشه متوطن شد. با وجود اینکه حزین در بنارس (که بررگترین مرکز مذهبی هندوان بود) با کمال راحت و احترام زندگی میکرد و ارادتمندان وی همیشه برای عرض ارادت بخدمت وی رفت و آمد داشتند ولی با این وصف او هیچوقت با زندگی خود در هندوستان حرسند و راضی نبود و چندین بار سعی کرد به ایران برگردد اما در این منظور موفق نشد چنانکه مؤلف سیرالمناجرین در این باره مینویسد:

«چند بار آن عالی‌مقدار تا عظیم آباد (بند) رسیده عارم بدر رفتن از خاک سیاه^۱ هند بود (ولی) تقدیر مساعدت ننمود»^۲

در باره زندگی وی در بنارس حسین دوست در «تذکره حسینی» مینویسد:

«ارمال هندوستان چسری می‌گرفت تا آنکه عمدة الملك امیرحان انجام ازاله آباد آمده اعتقاد بهم رسانید سند جدیدك دام بطریق مند حرج درس کرده آورد التماس قبول نمود از آنجا که تحقیق ربط شده بود (یعنی با هم علاقه صمیمی پیدا کرده بودند) رد آن نبرمود و نواب مسارالیه آن سند را شخصی تعویض کرده که حالات حاصلات (یعنی در آمد محصولات) آرا فصل به فصل عاید سرکار شیخ نماید»

همچنین حاکم در «مردم‌دیده» مینویسد. بالفعل در بنارس فروکش دارد (یعنی اقامت دارد) در بنارس فقیری (زندگی خود را) امیرانه میگذراند»

در بنارس چندین دفعه در ۱۱۷۷ هـ شاه عالم پادشاه هند (۱۱۷۳ - ۱۲۲۲ هـ) و سجاج الدوله وزیر اود و میر قاسم باطم سگال برای دیدن حزین آمدند و ظاهراً نظر بشهرت وی در تعوی و تعدد و کشف و کرامات و عصمت که خودشان در خدمت

۱ - رک. سفینه خوشگو حزین ۲ - عجیب است که حتی بعضی اهالی هند

هم اینقدر پست و بی‌حمیت بودند که به تقلید بعضی ایرانیهای معروف حاک هند را «سیاه» می‌گفتند

۳ - رک سیرالمناجرین ج ۲ ص ۶۱۵

شیخ داشتند در مسایل کشور باوی مشورت میکردند چنانکه حرین با آنها توصیه کرد که با انگلیسها جنگ نکنند^۱

در آخر زندگی حرین تصمیم گرفت بقیه عمر خود را در بنارس سر آورد و حتی مقبره‌ای در آن شهر برای خود بنا کرد و چون در روردهم (یا پانزدهم یا سیزدهم یا هیجدهم) جمادی الاول ۱۱۸۰ هـ چشم از این جهان تربست در همان مقبره مدفون گشت. آراد تاریخ فوت حرین را در جزایه عامره (ص ۲۰۰) شب یازدهم جمادی الاول ۱۱۸۰ هـ ذکر نموده و قطعه زیر را که خودش در تاریخ فوت حرین گفته است آورده است.

علامه عصر و شاعری خوب افسوس که از میانه برخاست

تاریخ وفات او نوشته ام ارفوت حرین حرین دل‌هاست

مقبره حرین در شهر بنارس در محله‌ای که نام فاطمان معروف است همور

پایر حاست و روی قروی این عارت ببط خود او کنده شده است :

زبان‌دان محبت بوده‌ام دیگر نمیدانم

همین دانم که گوش از دوست پیغامی شنید اینجا

حرین از پای ره پیمان بسی سرگشتگی دیدم

سر شوریده مر بالین آسایش رسید اینجا

حرین شیعه اتنی‌عشری و دارای مقام ارشاد بود و دیوان وی پر از تواهد

تشیع‌وی میباشد.

اکنون عقاید و آرای بعضی تذکره نگاران معاصر در باره حرین اینجا

نقل میگردد.

باید توجه داشت که در هندوستان بعد از اینکه حرین هجو کشور هند و

۱ - سیر المتحرین ج ۲ ص ۷۴۶

۲ - ر.ک. استوری ج ۱ ق ۲ ص ۸۴۱. همچنین در ترجمه العالم تالیف عبداللطیف موسوی

(قرن ۱۳ هـ) و در مرآت الاحوال « سال فوت حرین ۱۱۸۱ هـ ثبت شده است.

اهالی آنجا را مرتکب شد دو گروه افراطی وجود داشت اول از موافقان حزین و دوم از مخالفان وی اما در بین این دو گروه يك گروه سومى هم بود که با هیچکدام از این دو گروه افراطی تعلق نداشت. حالاً عقاید هر يك از این سه گروه اینجا نقل میشود.

سراج الدین علی حاکم آرزو که از مخالفان سرسخت حزین بود در «مجمع التعمیر» درباره حزین مینویسد. « مدت مدید گذشته که (شیخ حزین) از تسلط نادر شاه بر قلمرو ایران و نارسائی روزگار و مزاج خودش وارد هندوستان هند نشان گشته و در هنگامیکه نادر شاه بر شاهجهان آباد (دهلی) مسلط شده بود و شهر مذکور بتصرف قشون او درآمده بود در گوشه‌ای خریده بود بعد از رفتن افواج شاهى بار طاهر شد چون کسی چنانکه قدر او بود در آنوقت شجاعت و بارکى مزاحش که از کمربان باح میخواست باسختی ایام صاحب معرم ولایت (ایران) عازم لاهور گردید و بیشتر نتوانست رفت. از بس که طبع ناساز دارد وطن و غربت بر (برای) او یکسانست .

«عجب آنکه شیخ مذکور رساله‌ای مشتمل بر حسب و سب و سیر و سفر خود بوسه دعوی‌های بلند در آن نموده که صاحب داعیه از آن معلوم میشود گویا علت غائی نوشتن رساله مذمت هند و اهل هند است .. (با وجود اینکه) در هندوستان بهشت نشان هیچکس او را بالای چشم ابرو اسب نگفته است در حق این ملک و اهالی آن گفته آنچه گفته

«دیوان مذکور (چهارم) مکرر مطالعه درآمده تا آن درجه که مضمون و متنی (جماعت) بصیریان اوست بیست اکثر تربیت طلبان و کاسه لیسان اعتقاد پیش از پیش در خدمت عریضه دارد میگوید که شیخ مذکور فاضل است و صاحب تصانیف لیکن هیچ تصنیفی از علم حکمت و کلام بطریقی آمده بعد از (مطالعه احوال مصنفات معلوم خواهد شد آری شعر که میگوید»

عبدالحکیم حاکم که نه هیچکدام از این دو گروه افراطیون تعلق نداشت در «مردم دیده» درباره حزین مینویسد « در سارس دو مرتبه بصحبت شیخ محمد

علی حرین سلمه اله تعالی رسیدم بسیار بخلق برخورد. از حالات و کمالات چه نویسم که در هندوستان و ایران اشتهار تام دارد در این عصر همچو اوی بیست... آری، خان آرزو در «تنبیه العاقلین» بر اشعارش ایراد گرفت اکثر آن از ستم طریقی است مگر در بعضی مواضع گرفت (یعنی ایراد) نداشت.

میر حسین دوست که بهمین گروه پیطرف تعلق داشت در «تذکره حسینی» می نویسد: الحال در بنارس سکونت دارد و در فن شعر او را ید بیضاست بطور (یعنی به سبک) قدیم و جدید و در حسن محاورت^۱ بی نظیر است. خط نلث و نسخ و رقاع و شکسته در نهایت حودت مینویسد و رند و پارید درست میداند و از عریب علوم بهره مند است. چون شیخ در جنب (یعنی در مقابل) شعر خود شاعران هند را واقعی نهاده از این معنی عداوت بهم رسید و در پی آهو گیریها (یعنی عیب جوئیها) کمر بستند چنانکه سراج الدین علیخان سلمه اله اردیوان (حرین) چهارصد بیت معشوش و اکثر بی ربط ترکیب و سیاری خلاف محاوره متقدمین و متاخرین بر آورده خطبه و خاتمه نگاشته سجع ساخته تنبیه العاقلین نام نهاده این چند بیت از آنست. .. قطع نظر (صرف نظر) از ایضا انصاف آنکه شیخ رمانه با کمال تقدس و صفا و ورع و همت و سجا اسب و در شعر ثانی میرزا صائبا هیچ یکی از شعرای حال پهلوی به او نمی تواند زد (یعنی نمی تواند حریف او شود) و عالمی داشته (حالی داشته) که وی را (ار) اختلاط حوش نمی آمد فقیر (مؤلف) یک دیوانش که تصیف هندوستانست قریب بس (بیست) هزار بیت سیر کرده انتحاب برداشته از جمله چند بیت هر قوم میشود»

آقای رموند^۲ مترجم سیر المتاخرین که در سال های ۱۷۶۴ و ۱۷۶۵ میلادی (مطابق ۱۱۷۶ و ۱۱۷۹ هـ) با حرین ملاقات کرده بود می نویسد که بعقیده وی حرین «صاحب قلم و دانش» بود

۱- ط . محاورت

۲- Mr. Raymond

اکنون عقاید دوستان و ارادتمندان حزین در مورد فضل و کمال وی مرقوم می‌گردد.

واله که اردوستان صمیمی حزین بود در پایان شرح حال وی در ریاض الشعراء مینویسد «خلاصه باوجود این حال (یعنی ایرادات آرزو و غیره) بیان واقع آنست که شیخ در این حرورمان سرآمد سحروران عالم است چنانکه این ابیات که از متحصات افکار اوست اتناست این مدعا مینماید».

غلامحسین خان مؤلف «سیرالمتأخرین» که از عقیدتمندان حزین بود و در اواخر عمر با حزین خیلی فریاد شده و مکرر برای دیدن وی به نارس رفته بود در باره فضل و تسحر علی حزین مینویسد: «مخفی نماند که فقیر (مؤلف) و کسانی که بهمه و حوه بهتر از حقیر بوده اند اعتراف دارند که در این حرور زمان چون او کسی دیده نشده بلکه مترددین عرب و عجم بی‌صاحمیت آن حساب در جمیع علوم ظاهر و باطن احدی را در اطراف او کف عالم نشان ندیده آیتی بود از آیات الهی»^۲

خوشگو که از شاگردان حان آرزو بود اما علاقه و ارادت مفروطی در خدمت شیخ حزین داشته در باره حزین در سینه خود مینویسد «چند سال است که مدار الخلاقه شاه جهان آباد زیت افروز است و عالمی از برکات خدمتش بهره‌اندوز بسیار صوفی مراجع و قمر پیشه است از علوم ظاهر و باطن نصیبه وافیه یافته و سبب اسلاف اشراف زنده داشته بمقدمین مثل سعدی و حواجه سیراز و پیاره (ای) معانی (علاقه) دارد و دیگر تاره گویان مثل صائب و سلیم و کلیم را خود نمیکند (یعنی اهمیت نمیدهند) و چون مصارفش عمده است (یعنی حرجش زیاد است) (و) از هیچکس چیزی قبول نمینماید از این جهت مردم از گمان غالب آنست که حضرت شیخ دست غیب دارد واله اعلم

«بحقیقت الحال امروز اهل ایران حساب او را بمرشدی میپرستند (به) خصوص

۱- یعنی کسانی که عرب و عجم رفت و آمد داشتند.

۲- سیرالمتأخرین ج ۲ ص ۶۱۵

نواب صاحب عمدة الملک امیر خان بهادر مرحوم اعتقاد بلیغ باوی داشته. در این که حضرت ایشان بعد از سیر اعظیم آباد معاودت کرده و به سارس تشریف آوردند بسبب کسل مزاج چندی درین جا توقف فرمودند چند شعر بخدمت ایشان فرستاده استندهای ملازمت نمود بخود طلب فرمودند چون سعادت حضور رسید فرشته (ای) دید با آب و گل رحمت سرشته...

احمد علی سندیلوی مؤلف «محرر العرایب» در تذکره خود در ذیل نام حزین می نویسد: «شیخ الاحل الاعظم و حر العرب و العجم المدعو العلی المتخلص به حرین رحمة الله علیه... وی آراینده چهره بلاعت و پیراینده سرو بوستان بر احوست اوراق رفعت کلاموی پر تراز طاق سپهر و خاطر روشن او مصقله آئینه مهر است چنین شاعر صاحب استعداد و صاحب مایه بعد از مولانا حامی بعرسه سخنوری نیامده اگر کسی درین معنی انکار نماید معتزم شود حر فضولو خود پسندی نخواهد بود. اکثر عریران که در ولایت ایران بهد آمده اند میگویند که اشعار شیخ در ولایت پسند نمیکند جای تعجب است تا وجود عدوت و سلاست که در کلام اوست پسند نکردن چه حجب دارد چون شاعر صاحب کمال و سیار دان مانند او دیگری در آن زمان بوده که شهره آفاق باشد.»

پس می نویسد: «حضرت شیخ سبب ترفع و علو شان با کثر مردم بی اعتنائی میکرد قعی نمی نهاد از این سبب گرمی بازارش سرد گشته گرد (باره) بعضی اعروه و... و با ملایم دروا کثر راهجو کرد این مردم... در پی انتقام شدند... و مردم کشمیر را بیره جوهای کیک کرده این قوم هم بشیخ در افتادند و ملاطع و غیره را بر آن داشتند که حاشیخ بگویند ایها هم رنخی زده بریش خود خندیدید چرا که (زیرا که) در حنب کلام شیخ کلام اینها معلوم. پس گویا هجو خود کردند. در سارس رحل اقامت انداخت اهل سارس چهار فرقه هندو و چه مسلمان خاکپایش را بجای سرمه چشم میکشیدند و از دور و نزدیک جهت زیارت شیخ میرفتند و بیان

مباهات میگردند که من شرف صحبت شیخ را دریافته‌ام فی الواقع جای مباحث است چرا که همین بزرگانند که قابل‌الریاره هستند و حضرت شیخ اکثر بزرگان را دریافته و از نغایس قدسیه آنها فایده و میمنت حاصل نموده بود تا حین رحلت اوقات شریف(را) بملاف و سخاوت بسر برده. در باب اخراخس (مخارج او) که بهزاران روپیهمیکشید مردم انواع قسم حرفها میردند چیریکه او را عقل ناور و قبول نماید استماع نیفتاده و حضرت شیخ جامع انواع طرز سخن است.»

خلاصه مردم عامی هندوستان و حتی اکثر حواص آن کشور عقیده داشتند که شیخ حرین صاحب کشف و کرامات بوده چنانکه در «آرایش محفل» (تألیف ۱۲۱۹-۲۰ هـ) آمده است که از طرف خدا بر حرین الهام میشده و وی معجزه میکرد و بر آفتاب هم تسلط و قدرتی داشته است

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است .

(الف) - نظم

چهار دیوان شعر - حرس در «تاریخ احوال» ذکر این دیوانها را در صفحات ۶۴ و ۹۷ و ۱۰۱ و ۱۶۳ آورده است (رجوع شود شرح حال حرین) اما هیچ نسخه‌ای از سه دیوان اول حرین امروز وجود ندارد و تنها بعضی نسخ دیوان چهارم وی مورخ ۱۱۵۵ هـ که در آن مؤلف تذکر داده است که قبل از آن سه دیوان ترتیب داده و این که آن دیوان چهارم را در هندوستان ترتیب داده است امروز جا مانده است نسخه‌ای از این دیوان در موزه بریتانیا موجود است (رجوع شود به ریو ح ۲ ص ۷۱۵ الف) همچنین در خاتمه دیوان که در آخر تذکره المعاصرین صمیمه شده است مؤلف تذکر داده است وی در ۱۱۵۵ هـ چهارمین دیوان خود را ترتیب داده است

دیوان چهارم حرین شامل قصاید و غزلیات و متمرقات عزلیات و رباعیات و قطعات قسمت‌هایی که از مثنوی‌های وی نام «چمن و انجمن» و «خرانات» و «مطمح الابطار»

(فاتحه آن) و تذکرة العاشقین» (تبا فاتحه و حائمه آن) میباشد. کلیات حزین که در کاپورولکه مچاپ شده است اساساً مشتمل است بر همین دیوان چهارم وی اما دو مة وی دیگر بنام «صغیر دل» مورخ ۱۱۷۳ هـ «فرهنگ نامه» هم دارد و همچنین مثنوی دیگر «ودیعة الدیعة» مورخ ۱۱۷۳ هـ که بن هفتاد سالگی بتقلید حدیقه سنائی سروده است در بعضی نسخ دیوان دیده شده است. نسخه ای از کلیات حزین در کتابخانه مجلس تهران^۱ (ش ۹۷۱ مورخ ۱۲۲۸ ق) موجود است. آجا بیر مؤلف سن خود راهفتاد سال و در ص ۱۴۵ عده اشعار خود را پچاهه رار بیت گفته است:

بعد پچاهه هرا ربیب گرین که در آمد بدختر تندوین

مدرجات کلیات حزین از روی نسخه مجلس تهران بقراردیر میباشد:

۱- قصاید مشتمل بر توحید و بعضی مدایح فریب به ۲۱۵۰ بیت

۲- مثنوی در وصف حضرت پیغمبر ص - ۵۶ بیت

۳- قطعات شامل مازده های تاریخ و مواعظ و مرثی و مکاتیب منظوم. قریب

۱۱۰۰ بیت

۴- صغیر دل- مثنوی نامقدمه مختصری شر در حدود ۶۷۰ بیت

۵- حدیقه تنائی در جواب حدیقه سنائی

۶- حرانات- مثنوی در ۴۷۰ بیت

۷- چمر و انجمن- مثنوی در ۳۰۰ بیت

۸- مطمح الأبطار در جواب محزون الاسرار نظامی- قریب به ۱۱۲ بیت

۹- فرهنگ نامه- مثنوی در ۳۵۰ بیت

۱- از مدرجات این کلیات معلوم می شود که حزین خواسته است که در برابر بیخ گنج

نظامی گنجشائی اشاء کند چنانکه در ص ۱۲۳ بیت ۹ (نسخه مجلس) می گوید

کنی تاره تا حمه گنجوی شرارت کهن یاد و دایت قوی

اما ظاهراً در این منظور توفیق نیافته است چون از گنجشای وی حر ایاتی چند امروز

۱۰- تذکرات (تذکرة) العاشقین - مشنوی بروزن لیلی و محزون که اشعار عربی نیز

دارد قریب به ۴۷۰ بیت

بعد از دیوان چهارم حرین هیچوقت بتدوین و ترتیب دیوان پنجم همت نگذاشت و بعداً هر چه گفته بدیوان چهارم خود اضافه و علاوه نموده است چنانکه نسخه‌ای از دیوان وی در موزه بریتانیا موجود است^۱ که نسبت به نسخ دیگر وی بعضی قصائد و غزلیات اضافی دارد که حرین حتماً در آخر عمر سروده است.

(ب) - نثر

کتبی نثر^۲ که نسخ آن امروزه موجود است^۳ بدینقرار است:

۱- رساله در حقیقت نفس و تجرد^۴ - برای نسخ آن رجوع شود به آیه ش ۱۹۰۳ و بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۱ و ایوانو - کرزن ش ۵۰۲ (۲) و ایوانو تکلمه دوم ش ۱۰۴۳ (۵)

۲- رساله فرس نامه - این رساله را در هندوستان بطور کتبی دیگر نوشته است که سابقاً در جوانی در اصفهان در همین موضوع تألیف نموده بود. برای نسخ رجوع شود به بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۲ و ۲۳۴ و لیندیریا ص ۱۵۲ و ریوح ج ۲ ص ۴۸۳

۳- اللمعه (من) مرآت الیه فی شرح شهیدالهدی تفسیر سوره ۳ آیه ۱۶ بران عربی که در اردبیل در ۱۱۳۹ هـ نوشت برای نسخ آن رجوع شود به آیه ش ۱۹۰۴ و ایوانو - کرزن ۲۵۲ (۴) و اندیا آفس نسخ عربی ج ۲ ش ۱۱۶۵ (۲)

۱- و.ک. ریوح ج ۲ ص ۲۱۷ الف

۲- فهرست آثار حرین در نجوم السما ص ۲۸۷-۲۹۳ نیز ذکر شده است اما آن فهرست

هم کامل نیست.

۳- حرین در «تاریخ احوال» اسم نیست رساله را آورده است که اکثر آن حواشی بر بعضی متون فارسی بوده اما امروزه غالب آن از بین رفته است.

۴- ظاهراً این رساله و رساله «تجرد نفس» که حرین در کرمانشاه تألیف نموده و در تاریخ احوال بدان اشاره نموده است یکی است

- ۴- شجرة الطور في شرح آيت النور - در تفسير سوره ۲۴ آیه ۲۵ بزبان عربی در مشهد در ۱۱۴۰ هـ نوشت. برای سح آن رجوع شود به آته ۱۹۰۴ و ایوانو - کرزن ۷۵۲ (۲) و اندیا آفس سنخ عربی ج ۲ ش ۱۱۶۵ (۱)
- ۵- رساله در تحقیق معاد روحانی - برای سنخ آن رجوع شود به بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۳ و ایوانو - کرزن ۷۵۲ (۱) و ایوانو تکلمه ثانی ۱۰۴۳ (۳)
- ۶- رساله در اوزان شرعی یا رساله در اوزان مثقال و درهم و دینار و غیره. برای سنخ آن رجوع شود به بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۲ و ریوج ۲ ص ۴۸۳ و ایوانو - کرزن ۵۰۲ (۷).
- ۷- رساله در مسئله حدوث و قدم - برای سنخ آن رجوع شود به بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۳ و ایوانو - کرزن ۵۰۲ (۳) و ایوانو دلیل ثانی ۱۰۴۳ (۴).
- ۸- حوای رقعات شیخ حسن مرحوم - برای سنخ آن رجوع شود به بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۳
- ۹- شرح قصیده لامیه شرح قصیده خود به منتقت امیرالمومنین - برای سح آن رجوع شود به بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۲ و ۲۳۵.
- ۱۰- رساله صیدیه یا رساله در خواص حیوان - برای سح آن رجوع شود به علیگره دحیره سحان الله ص ۸ و بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۲ و ریوج ۲ ص ۴۸۳.
- ۱۱- رساله در حمله های ایران بر هند - در ۱۱۷۰ هـ در حسین آباد با تمام رسید. برای سح آن رجوع شود به ریوج ح ۲ ص ۶۱۵.
- ۱۲- رساله دستور العقلا - در حکم عملی و غیره در ۱۱۵۳ هـ در دهلی نوشت. برای سح آن رجوع شود به اندیا آفس دی پی ۱۲۰۷ و ایوانو - کرزن ۵۰۲ (۱).
- ۱۳- مواعد لاسحار - در فقه شیعه برای سح آن رجوع شود به براون دلیل ش ۱۲۸۰
- ۱۴- مداکرات فی محاضرات - برای سنخ آن رجوع شود به آصیه ج ۱ ص ۱۷۰ تصحیح عنوان «بالاع»

۱۶- تاریخ احوال- در دهلی در ۱۱۴۴۵ هـ در دوشنبه نوشت برای مسخ آن

رجوع شود به

۱- اشیرنگرش ۲۲

۲- بانکی پور ج ۷ ص ۶۲۴ (۱۱۶۲ هـ) (۶۲۵) (۱۲۸۱ هـ)

۳- ایوانو ۲۲۵ (حدود ۱۱۸۰ هـ) و ۲۲۶ (قرن ۱۸ م) و ۲۲۷ (قرن ۱۹ م)

۴- ایوانو - کرزن ۵۵ (قرن ۱۸ م)

۵- لیتدریانا ص ۱۵۱ ش ۴۴۶ (حدود ۹۰۰-۱۷۸۰ م) ش ۴۴۷ (حدود ۱۸۰۰ م)

ش ۵۵۹ (۱۲۱۸ م)

۶- یادلین ۳۸۳ (۱۱۹۷ هـ)

۷- براون دیل ش ۳۰۰ (قبل از ۱۷۸۸ م)

۸- ریوج ص ۱۸۲۳ الف (اواخر قرن ۱۸ م) ح ۱ ص ۳۸۱ الف (۱۲۱۶ هـ) ح ۲

ص ۸۴۳ ب (۱۲۴۴ هـ)

۹- رهاٹسک ص ۲۱۸ ش ۱۱ (ط ۱۲۱۴ هـ)

۱۰- اندیا آفس دی پی ص ۶۷۴ الف (۱۲۲۳ هـ) ات ۶۷۷ (۱۲۲۷ هـ)

۱۱- اندیا آفس ۳۹۵۲ (۱۲۵۹ هـ) و ۳۹۶۷ (c)

۱۲- راس و براون ۲۴۰ (۲) (۱۲۸۰ هـ)

۱۳- ولر ۹۸۷ (۲)

این کتاب در لندن در ۱۸۳۱ م و در مارس در ۱۸۵۱ م و در لکھنو در ۱۲۹۳ هـ

(حرو کلیات حرین) و در کاپور در ۱۸۹۳ م (حرو کلیات حرین) و در دهلی در ۱۳۱۹ هـ

چاپ شده است. و ترجمه انگلیسی آن توسط سی بلهور^۲ در بمبئی در ۱۹۰۱ م

(تنها قسم دوم) و در ۱۹۱۰ م (در دو قسم) و با مقدمه و فهارس توسط سی ماستر^۳

در بمبئی در ۱۹۱۱ م چاپ شده است

۱۷- تذکرة المعاصرین - تذکره مورد بحث

۱- این سجع در فهرست اتمه ذکر شده است. يك استوری ح ۱ ص ۱۷۱ در دیل

عبارت . I. O

۲- The life of Sheikh Mohammad Ali Hazin by

F.C. Belfour

۳- M C Master

۱۸- سمینه علی حرین چاپ- حیدرآباد دکن ۱۳۶۸ هـ = ۱۹۳۰ میلادی

تذکر

براون در دلیل شرح حال حرین مینویسد که حرین کتابی نظیر کشکول بهائی بنام «مدة العمر» نوشته است بقول براون نسخه‌ای از آن در موزه لندن موجود است و ریو آنرا در ص ۴۸۳ معرفی نموده است اما ریو در ص ۴۸۳ دو کتاب بنام فرنامه رساله‌ای در اوران و غیره و رساله‌ای در خواص حیوان را ارتالیفات حرین ذکر و معرفی نموده است و بس

تبصره کتاب

مؤلف این کتاب را در اواخر سال ۱۱۶۵ هـ تألیف نموده است چنانکه در دیباچه کتاب توضیح میدهد: «مخفی نماید که تسوید این اوراق در اواخر سال هزارویکصد و شصت و پنج هجری در وقتی که بخت غنوده در شبستان هند تیره‌رور است اتفاق افتاده»

در باره سبب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح داده است: «راقم این مقال صف معال گریں محفل ارباب کمال محمدالمشتر بعلی الجلالی حرین است... یادآوری دوستان یکدل و حقیقت پژوهی کامل و بیاس بیک صحت یاران حلیل و اصدقای حلیل قدرشناسی هر و هر و صبیح و سبیل بر آن داشت که در این صفحات تذکر بعضی اربان معاصر و ابیات برخی اوصاحدلان صافی ضمیر که مکر قویم و طمع مستقیم مایل نظم لالی اشعار بوده و از این تراب ظهور جامی پیموده اند پردازد تا بادای حق و داد هم احیای نام و اسات کلام اندای مقام هر یک نموده باشد و هم بحلاوت این شکرستان کام تلخ را شیرین حشاند و در حرارت هرقه ایشان به سرانگشت حمله دل اندوده برل خویش حراسد و هم حاضران را و آیندگان را وسیله اس و اساطی باشد»

این کتاب مشتمل است بر ذکر یکصد تن از شعرا و علما و فضلا و بزرگان

اصهبان که با مؤلف هم‌عصر بودند و در اواخر عهد صفویه می‌زیسته‌اند و در این تذکره مؤلف هیچ ترتیب مخصوصی به العبائی و به تاریخی و به جغرافیائی مرعی نداشته‌است.

این کتاب شامل دو فرقه‌است به‌قرار زیر:

فرقه اولی در ذکر علمای معاصر که با شاد شعر زیبا بلیغ گشوده و توجه خاطر بآن مبذول فرموده‌اند « این قسمت با « صدرالدین سید علیحان بن سید نظام‌الدین احمد الحسینی » شروع شده با « صدرالدین الجیلانی » تمام می‌شود و شامل ذکر حال و اشعار بیست نفر می‌باشد

فرقه ثانی در ذکر شعرای معاصر است و با « میرزا طاهر » شروع شده با « میرزا محمد شیرازی » تمام می‌شود و شامل ذکر حال و اشعار هشتاد و شاعر می‌باشد

کلیه شعرا و فضائلی که در کتب در این کتاب آمده است شیعه اثناعشری بوده‌اند چنانکه مؤلف خودش در دیباچه در این باره توضیح داده است. « بطون این همایون دفتر با طهار شعرای ملت اتمی عشر اختصاص خواهد داشت » و تمام آنان معاصر مؤلف بودند و وی با اکثرشان ملاقات و صحبت داشته است چنانکه خودش در دیباچه می‌نویسد. « چون این را قلم‌آزم را حصول ملاقات و صحبت کثیری روی داده اگر بر سبیل بدوت درین محفل سامی و برم‌گرامی ذکر قلمی از عربان بران قلم آید که ادراک صحبت صورت بسته باشد حالی از اشعار و اسارت خواهد گذاشت »

در خاتمه دیوان که در آخر این کتاب صمیمه شده است^۱ مؤلف در سه صفحه به‌شتر بسیار مصوع و معرب‌ار شکسته حالی خود در هندوستان شکوه و بوجه کرده‌است و این نمودار وضع وی در هندوستان و عقیده و نظر او در باره آن کشور و اهالی آن می‌باشد

بعضی مرایای این تذکره بقرار زیر است

۱- این تذکره دارای فواید تاریخی و ادبی است و تا اندازه‌ای وضع اصطلاح ادبی و هنر سیاسی در اواخر دوره صفوی را روشن میسازد. اشعاری که در این تذکره انتخاب و ثبت شده است شاهدین حقیقت است که فن شعر و شاعری در آن دوره قوس برولی خود را تا حد انتدال پیموده بود چنانکه اکثر اشعاری که مؤلف اینجا نقل کرده است نمیتوان همسنگ و همپایه اشعار متقدمین و متوسطین باشد.

۲- جمعی از علما و فضلا و ادبا و معاصر مؤلف که در این کتاب از آنان یاد شده است زیاد معروف بوده و بنا بر این در جای دیگر شناخته نشده‌اند و از این حیث این تذکره تنها منبع و مأخذ اطلاعات درباره شرح رنگابی و مقام ادبی و علمی ایشان می‌باشد.

۳- بر عکس اغلب تذکره نویسان مؤلف سعی کرده است تا حد امکان تاریخ فوت شعرا و علما را ذکر نماید یا بطور دیگر عصر آنان را تعیین نماید این اهتمام و التمام مؤلف با وجود عدم وسایل بسیار قابل تعریف و تمجید است مخصوصاً در آن رمان « تیره روری » که تلخی آن از صفحات خاتمه این کتاب پیدا است.

۴- مؤلف با اکثر شعرا و علمای مذکور ملاقات و صحبت داشته است و بنا بر این بیانات وی درباره آنان بیشتر مورد اعتبار و اهمیت میباشد.

اما نقص و عیب بزرگی که این کتاب دارد اینست که مؤلف این کتاب را در مدت بسیار کم با نداشتن وسایل لازم برای این کار تألیف نموده است چنانکه خودش در پایان کتاب تصریح نموده است که آنرا در مدت نه روز تنها از محفوظات خاطر خویش استمداد نموده و ترتیب داده است. ظاهراً مؤلف مجال اصلاح و تجدید نظر در مسودات آنرا هم نداشته چنانکه یک نفر ناممختار به او بدی راعیناً در قصه و عنوان مکرر و در دو شماره متوالی (۷۵ و ۷۶) صط نموده است.

این نشانه پریشان خیالی و عدم جمعیت خاطر مؤلف میباشد و به اینکه از طرفی موجب تحسین و تعریف است اما از طرف دیگر باعث ایجاد شک و تردید در ذهن

خواننده نسبت به صحت و درستی بعضی بیانات مؤلف می‌باشد و فکرش را باین عقیده و حقیقت سوق می‌دهد که اکثر سال‌های مربوط به زندگانی شعرا و وقایعی که در اینجا ذکر شده است از روی حدس و تخمین بوده است و این حقیقت تا اندازه‌ای از اهمیت این تذکره می‌کاهد

مؤلف در ذیل شرح حال شعرای زیر تصریح نموده است که وی با آنها ملاقات کرده است .

در **فرقه اولی** تمام فضلا مدکور و در **فرقه ثانیه** میرزا طاهر و میرزا داود و میرزا محمد شفیع و میرزا محمد امین ارل و میرزا ابراهیم و میرزا اشرف .
همچنین در ذیل شرح حال شعرای زیر تصریح نموده است که ملاقات آنها بوی دست نداده است

ملا سعید اشرف و میرزا مهدی عالی مشهدی و تعظیم ماریداری و میرزا محمود شیرانی

بنا بر این در ذیل تمام بقیه شعرا در این مورد هیچ نوع تصریح ننموده که با آنها ملاقات کرده یا خیر

تنها در مورد شعرای زیر سال وفاتشان را ذکر نموده است .

شیخ ابراهیم ۱۱۱۹ هـ و میرزا هاشمی الهمدانی ۱۱۳۶ هـ و کمال الدین حسینی العسائی ۱۱۳۴ هـ و محمد علی الکاکی الشیرازی ۱۱۳۵ هـ و محمد هادی ۱۱۳۴ هـ و میرزا داود ۱۱۳۳ هـ و میرزا محمد شفیع ۱۱۲۹ هـ و میرزا محمد امین ازل ۱۱۳۵ هـ و میرزا اشرف ۱۱۳۳ هـ و میرزا غیاث الدین محمد ۱۱۳۴ هـ (یکسال بعد از اشرف) شوکت صحرائی ۱۱۰۷ هـ و ملا سعید اشرف ۱۱۱۶ هـ و لطف علی بیگ شامی ۱۱۲۰ هـ و میرزا سید رضا ۱۱۳۳ هـ و میرزا ابوطالب حیات ۱۱۳۵ هـ و میرزا هاشم ارتیمانی ۱۱۳۴ هـ و میرزا اسمعیل ایما و تعظیم ماریداری ۱۱۲۸ هـ و محمد علی بیگ دیبیم ۱۱۰۵ هـ .

در ذیل شرح حال شعرای زیر تنها سنشان در موقع وفات آورده است ولی سال

وفاتشان را ذکر ننموده است:

مسیح قریب ۹۰ سال (عشر تسعین) میرزا ظاهر . قریب به صد سال

میرزا باقر ۷۰ سال (عشر سبعین) ملا حاجی محمد گیلانی: هفتاد سال

محلصای کاشی ۹۰ سال بخشای کاشی. تقریباً ۷۰ سال (در عشر سبعین)

عرب یرو حردی «عمرش از هفتاد سال گذشته بود» ندیح اصفهانی: از هفتاد در گذشته

(یعنی تجاوز نموده) میر معصوم اصیل ۴۰ سال

در ذیل شرح حال شعرای ریز سال مقرون و تقریبی را آورده است یا

به واقعه تاریخی اشاره نموده است که از آن میتوان سال وفاتشان را معلوم کرد .

قهرمایی همدانی - «بیست سال شده باشد که بملك بقا پیوس»

عبدالمولی اصفهانی - «چند سال پیش از تحریر رحلتش مسموع شد»

واصل گیلانی - «پنجاه سال گذشته که در اصفهان برحمت حق متواصل

گشت»

آقارضا - «سی سال گذشته باشد که رحلت نمود»

اعلی اصفهانی - «هنگام استیلاي رومیه (بر) همدان آن نادره زمان در آن

شهر عزت شهادت فایر گردید»

شریف شیرازی اصفهانی - «قریب بیچهل سال گذشته که بعالم بقا ارتحال

نموده»

میرزا محمد شیرازی - «تحمیلاً سی سال گذشته که در مشهد رضویه علی مشرفها

التحیه سعادت رحلت نمود»

در «فرقه اولی» ابتعار و شرح حال فضلا را معمولاً هر کدام در بیم

صفحه نقل کرده است اما از فصلاي ریز اشعار و شرح حالتین را بسط مفصل تر نقل

کرده است

صدرالدین سید علیخان الحسینی و مسیح (الادام) و شاه محمد شیرازی و شیخ

ابراهیم و شیخ حللیل اله طالق بی و طهیر (الادام) و قوام الدین محمد یوسف الحسینی و

محمد مسیح کاشانی و کمال الدین حسینی الفسائی و محمد علی الکاکی شیرازی و میرزا هاشمی الهمدانی و میرزا باقر.

در ذیل نام صدرالدین سید علی خان الحسینی مزبور تنها اشعار عربی از او نقل کرده و در ذیل نام مسیح (الامام) علاوه بر اشعار فارسی اشعار عربی او را نیز آورده است

همچنین در «فرقه ثانیه» اشعار و شرح احوال اکثر شعرا را هر کدام در نیم صفحه نقل کرده است اما در ذیل نام شرای ریر اشعار و شرح حالشان را نسیه معصنتر آورده است:

میرزا طاهر و میرزا داود و میرزا محمد امین ازل و ملا حاجی محمد گیلانی و مرحوم میر بجات و شوکت بخارائی و ملا سعید اشرف و میرزا محسن تأثیر و شفیعی اثر شیرازی و محصلای کاشی و بخشای کاشی و لطف علی بیگ شامی و سید عبدالله حسینی و ملا محمد نصیر فایض ابهری اصفهانی و میرزا مهدی الهی تهریری و ملا علی اعلی اصفهانی.

اشعار علما و شرای ریر از همه معصنتر آورده است

در فرقه اولی اشعار مسیح (الامام) (در ۴ ص)

در فرقه ثانیه اشعار ملا حاجی محمد گیلانی (۲ ص) و ملا سعید اشرف و بخشای

کاشی (قریب ۱/۲ ص) و میر بجات و شفیعی اثر شیرازی و ملا نصیر فایض ابهری اصفهانی (هر کدام در ۳ ص) و میرزا طاهر (قریب ۱/۳ ص)

همچنین شرح حال علماء و شرای ریر مفصل تر از همه آورده است

در فرقه اولی مسیح (۱/۲ ص) و صدرالدین سید علی خان الحسینی

(۲ ص)

در فرقه ثانیه میرزا طاهر (۱/۲ ص) و شوکت بخارائی (۲ ص)

در ذیل نام میرزا فتح اله حورانی و سعید قصاب هیچ شعری از آنها نقل

نکرده است

در ذیل نام فضلالی زیر که هم‌شان در «فرقه اولی» آمدند اسامی آثارشان را نسیه مفصل ذکر نموده است :

صدرالدین سید علیخان الحسینی و مسیح و شیخ ابراهیم و قوام‌الدین محمد یوسف الحسینی و کمال‌الدین حسینی العسائی.

در ذیل شرح حال محمد مسیح کاشانی حکایت صحیحی را نقل کرده است که عقرب کاشان غریب‌را نمیگردا!

غالباً در تعریف علما و شعرا راه انحراف و مبالغه پیچیده است چنانکه در ذیل نام مسیح الانام مینویسد:

« علامه روزگار و نادره زمان بود. او در جمیع علوم سرآمد علمای اعلام و احقق ادکیای افاض عالی مقام بود»

گاهی بر اشعار بعضی شعرا ایراد گرفته و از آنها انتقاد نموده است چنانکه در ذیل مخلصای کاشی مینویسد: «طبعی سخن آشنا و میل معرط بشعراء داشت و اشعار خوب ندارد. سلیقه‌اش در شعر قصوری بود لیکن چون از سرمایه دانشوری عاریست و صنعت ابهام‌را بحد گرفته گاهی بلکه اکثر سخنش با وجود تناسب الفاظ سبک و جام میافتد و اگر او را تربیت افاض فیض گستر و ملوک داشور فرار سیدی و نص او را کیفیتی حاصل آمدی از ولسان و سایمان مصما ر سخن

در ذیل نام میرزا زاهد علی سخا مینویسد : « اگر چه در گویائی اقتداری نداشت لیکن ابیات خوب دارد و طبعش شگفته و خیالش را طراوتی است».

در ذیل نام نورمن دماوندی مینویسد . « شاعری مشهور و عمری بآن پیشه معرور و از اماتل خود کمی نداشت لیکن بلاغت و حالات سخن نصیبی است شگرف که هر کس را میسر نیاید و هر مرغکی بحیر صاحبید».

سبک انضای مؤلف

شر مؤلف غالباً آمیزش کلمات عربی بنراوانی دارد و به این حقیقت اشاره

می نماید که مؤلف بزبان عربی غیر تسلط و تبحر تمامی داشته و چون خودش آخوند و آخوند زاده بلکه از خانواده آخوندها تعلق داشت طبق رسم آن زمان درموقع تحریر کلمات عربی را زیاد بکار می برده است چون در آن زمان این شاه و علامت علم و فضل نویسنده محسوب میشده است (چنانکه حتی امروز هم بعضی همین عقیده دارند)

شرح حال صدرالدین سید علی خان الحسینی و مسیح (الانام) را نه زبان بسیار مصنوع و مشکلی نوشته است و کلمات مشکل عربی را فراوان بکار برده تا آنجا که ارجح اعتدال تحاور نموده است و این بهترین نمونه شرح «آخوندانه» آن عصر میباشد

گاهی سالها را بزبان عربی ذکر نموده است و همچنین قبل از اسم و تحلیص بعضی علما و شعرا القاب توصیفی برای آنان بزبان و ترکیب عربی آورده است مانند «السید الکبیر الفاضل التحریر صدرالدین سید علی خان الحسینی» و «المولی الاولی الاجل الاعظم الاکمل مسیح الانام اعلی اله مقامه» و «العاصم المحقق الحقانی الشیخ ابراهیم ابن عداله الراهدی الجیلانی»

غالباً حمله های دعائی را بزبان عربی آورده است و همه حا فراوان به کار برده است مانند اعلی اله مقامه و رحمة اله علیه و علیه الرحمه و المعصره و قدس اله روحه و طاب نراه و طاب مثواه و اللهم احشره مع الائمة الطاهرين و أسکبه اله فی خواره مع الصدیقین و اللهم احشره مع اولیاء الارار و الاطهار و تعمداله برحمته . .

همچنین گاهی بعضی جملات را بعربی نوشته است چنانکه در ذیل نام مسیح مینویسد

«وشرفه وفضله احل من ان یحکی و اتمر من ان یدکر»

گاهی در ابتدای شرح حال شعرا بعضی حمله ها را بشرح مسجع نوشته است چنانکه در ذیل نام مسیح مینویسد «اسم شریفش محمد مسیح بن اسمعیل فسائی است

که از کرام شیراز در نراحت و لطافت هوا ممتاز است»^۱.

و در ذیل نام « شیخ عبدالله راهدی حیلانی» می نویسد: «عم عالی مقدار این خاکسار است و مظهر شوارق انوار و مؤید بتائید کردگار و ار نوادر روزگار بود».

گاهی در معنی « قوت شد » جمله های مصنوع و پرتکلفی نگار برده است چنانکه در ذیل نام میر باقر مینویسد: « این جهان را بدوود نموده بحضایر قدس ارتحال فرمود».

در ذیل نام میرهادی مینویسد: «اراین دار بقرار بعالم انوار پیوست»

نسخ خطی

- ۱- اشپرنگر ۲۱
- ۲- ایوانو ۲۲۸ و ۲۲۹
- ۳- اته ۶۷۸ و ۶۷۹
- ۴- اندیا آفس دی - پی ۴۹۳ (p)^۲
- ۵- اندیا آفس ۵۸۶ الف^۲ و ۳۹۶۸ الف^۲
- ۶- علیگیره دحیره سبحن الله ص ۶۰ ش ۱۱
- ۷- برلن ۶۵۵
- ۸- بانکوی پور ج ۳ ص ۴۰۷ و ۴۰۸
- ۹- بانکوی پور تکمله ج ۲ ش ۲۳۵۰
- ۱۰- ریو ج ص ۸۷۳ و ۳۷۳ ب و ۸۴۳ ب

چاپ

- ۱- لکهنو ۱۲۹۳ هـ (حرو کلیات حرین)
- ۲- کاپور ۱۸۹۳ م (حرو کلیات حرین)

۱- ط . . . هائی است از کرام شیراز که در نراحت . . . الح
 ۲- این نسخه در فهرست اته ذکر نموده است رجوع شود به استودی ح اقا ش ۱۶۱

۳- اصفهان ۱۳۳۴ ش (چاپ دوم)

فهرست اسامی شعرا: رجوع شود به اشپرنگر ص ۱۳۵ - ۱۴۱ و بلاند
در مجله انجمن همایونی آسیائی^۱ ج ۹ ص ۹-۱۴۷.

برای شرح حال حزین رجوع شود به تذکرة المعاصرین و تاریخ احوال
و سفینه خوشگو دفتر ثالث و منتخب الاشعار مبتلا و ریاض الشعراء و اله و مجمع -
النهایس و حرانہ عامره ص ۱۹۳-۲۰۰ و تاریخ محمدی و آشکنده ش ۷۸۳ و
سیر المتأخرین چاپ لکهنو ۱۸۶۶ ج ۲ و خلاصه الکلام ش ۱۶ و عقد ثریا و خلاصه
الافکار ش ۶۸ و شرح حال حزین (نسخه اند یا آفس ش ۴۰۳۸ که اسم مؤلف ندارد)
و مخزن الغرایب ش ۶۵۲ و مرآت آفتاب نما و آرایش محفل و شتر عشق و ضمه
عندلیب و مجمع الفصحی ش ۹۴ (درسه سطر) و هفت آسمان ص ۲-۱۶۱ و شمع-
انجمن ص ۱۳۰ و نجوم السما ص ۲۸۳-۲۹۳ (که فهرست آثار حزین بقلم خودش دارد)
و تذکرة حسینی و مردم دیده و غیره

سفینه علی حزین

ابتدا «باسمه سبحانه - مولانا اهللی شیرازی ...»

مؤلف. اسم مؤلف این کتاب شیخ محمد علی حزین است (برای شرح حال
وی رجوع شود به تذکرة المعاصرین در این کتاب)

تبصره بر کتاب

سال تألیف این کتاب هیچ جا ذکر نشده است، این کتاب در ذکر ۱۰۷ شاعر

متاخر در صد و دو صفحه (از روی چاپ دکن ۱۳۴۸ هـ = ۱۹۳۰ م) به ترتیب القبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر می باشد. این معینه با «اهلی شیرازی» شروع شده با «کمال الدین ضمیری اصفهانی» تمام میشود.

حزین اکثر شعرا را در يك جمله معرفی نموده است و در ذیل نام شعرای زیر فقط چند بیت از آنها آورده اما شرح حال آنها را اصلاً ننوشته است:

اهلی شیرازی و آصفی و امیدی و ملاخراسانی و ابوالحسن فراهانی و حالتی و مولانا سپهری و میرزا اشرف جهان و تقی الدین اصفهانی و میرزا حسایی نظیری و میرحضوری قمی و میرحیدر معنائی و فوقی اردستانی.

تنها در ذیل نام شعرای زیر اشعار و شرح حال آنها هر دو را نسته معصل آورده است

ابوالفتح ابراهیم میرزا و سام میرزا و سالم (محمود بيك) و ملاحیرتی و درویش دهکی قزوینی و بانافغانی شیرازی و مولانا کمال الدین ضمیری اصفهانی.

اشعار و شرح حال بانا فغانی را معصل تراز همه آورده است. (اشعار در ۷ ص و شرح حال در ۲۱ ص)

این سفینه ذکر بعضی شعرا را دارد که در تذکره های دیگر نیامده و از این حیث دارای اهمیت و ارزش میباشد اما در ذیل نام اکثر شعرا تنها اسمشان را ذکر نموده و از آنان يك دو بیت نقل شده است و ظاهراً مؤلف درباره اکثرشان اطلاع بیشتری نداشته و از آنها اشعاری ششیده است و جایی ندیده است.

در ذیل نام بعضی شعرا بر اشعارشان انتقاد نموده و همچنین بر عکس در ذیل شرح حال بعضی شعرا ایراداتی را که دیگران بر اشعارشان گرفته اند از طرف خود جواب داده و از آنان دفاع نموده است مثلاً رجوع شود به نام کمال الدین اصفهانی

سال تولد و وفات هیچکس را ذکر نکرده است
رویه مرفته این کتاب مانند مجموعه اشعار است که مؤلف در آن درباره

زندگی و مقام بعضی از شعرا اشاره هائی نموده است .

سبک انشای مولف معمولاً ساده است

چاپ دارالطبع جامعه عثمانیه حیدرآباد دکن ۱۳۴۸ هـ ۱۹۳۰ م

فهرست اسامی شعرا - رجوع شود به خود کتاب چاپ حیدرآباد دکن

تذکر - استوری اسم این کتاب را ذکر نموده و از وجود آن اطلاعی

نداشته است .

تحفة الشعرا

ابتدا

ای ذکر تو گلروش بازار سخن رنگین رتوبرگی برگی گلزار سخن

اوصاف تو مجموعه دیباچه نطق توحید تو مشاطه رحسار سخن

ریبائی خامه سرومثال از حمد گلشن آرائیست که چمن پرداری صحیفه

گلستان رقم کشیده قلم بوبهار اوست و رنگین نامه گلشن مال از ثنای چمن

پیرائیست که گلشن طراری سخن بوستان بهر سینه رقم در کار وی،

مولف

اسم مولف میرزا افضل بیگ قاقشال اورنگ آبادی است (مولف شرح حال

خود را در تذکره بیاورده و از کتب دیگر هم بدست نیامد)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در سال ۱۱۶۵ هـ تالیف نموده است چنانکه قطعه زیر

میر غلام علی آزاد که در مقدمه این کتاب آمده است میرساند .

صاحبان معنی افضل بیگ خان (قاسمال) کرد تألیفی مرتب از بی ادب صاحب شعر
 کلک او بر لوح گیتی هست نقش تازه میشود تاریخ سالش تحفه «صاحب شعر»
 (= ۱۱۶۵ هـ)

همچنین تاریخ تألیف این کتاب را عارف الدین خان عاجزاز «تحفه اوج
 کلام شعرا» و میرزا علی بی ایچاد نیراروی تعمیه ارقطعه زیر یافته است :

مجلس آرای صقه شعرا	خان افضل بیاب معنی سح
از سخن های طرفه شعرا	کرد تألیف سحه رنگین
گفت ایچاد تحفه شعرا	سال تاریخ این رروی قبول

(اینجا چون عدد روی قبول را که حرف «ق» (= ۱۰۰) است با عدد «تحفه
 شعرا» = ۱۰۶۲ جمع کنیم عدد ۱۱۶۴ بدست میآید که يك عدد کمتر از سال
 تألیف کتاب (۱۱۶۵) میباشد

در مورد سب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین مینویسد که چون قبل از او
 دیگران تذکره هائی نوشته بودند ما برای او میخواست تذکره شعرای بزرگی
 که در آنها در تذکره های قدیم نکرات آمده است بنویسد بلکه «بحکم لکل
 حدید لده باشمال احوال آن گروه والاشکوه . . که در خدمت فیض و مسرت
 آنها ربط بدگی و اخلاص داشت . . به سزاتی که حالی از تکلف است پرداخته و به
 تحفه الشعرا موسوم ساخت» .

این تذکره مشتمل است بر ذکر شصت و دو (۶۲) شاعر معاصر که در زمان
 نظام الملك میریسته اند که دو نفر از آنها هندو هستند و با «سید غلام حسن قادری
 متخلص به سالك» شروع شده با «میرزاخان خانان مظهر جهان آبادی» تمام میشود و
 مؤلف در ذکر اسامی هیچ ترتیب خاصی را مراعات نکرده است .

در دلیل شرح حال آصفجاه و نظام الدوله وقایع تاریخی معاصر را مفصل آورده
 است و چون این وقایع در زمان مؤلف اتفاق افتاده و اکثر آن چشم دید اوست
 بنابراین از حیث تاریخ معاصر این مطالب دارای اهمیت فراوانی میباشد .

مؤلف شرح حال شعرا و اشخاص زیر را نسبة مفصل آورده است: سالک و عزت و عاشق و واصل (هر کدام در ۱ ص) و وحدت و عاجز (هر کدام در ۲ ص) و آزاد بلگرامی (در ۳ ص) و نظام الدوله ناصر (در ۲۶ ص) و آصفجاه (در ۴۳ ص) رویهمرفته شرح حال ناصر و آصفجاه را از سایرین مفصل تر آورده است. همچنین اشعار شعرای زیر را نسبة مفصل آورده است:

با باخان بخاری و نصرت و ثناء و رسا همدانی و تسلیم و عاقل (هر کدام در ۱ ص) و فخرالدین و میر عنایت اله و موزون و امید همدانی و صبا و امداد (هر کدام در ۲ ص) و فضلی و مخمور و والسه حیدرآبادی و عاصی (هر کدام در ۲ ص) و شاهسراج و شهید تهرانی و افتخار (هر کدام در ۴ ص) و ووقا (در ۳ ص) و آصفجاه (۱ ص) و وقار و واصل (هر کدام در ۵ ص) و ایجاد (در ۵ ص) و ناصر (در ۶ ص) و آواز بلگرامی و جرأت (هر کدام در ۷ ص) و عاخر (در ۷ ص) و مطهر (در ۹ ص).

رویهمرفته اشعار آزاد بلگرامی و جرأت و عاخر و مطهر را مفصل تر از دیگران آورده است.

در ذیل شرح حال شعرا غالباً سال هارا ذکر نکرده و همچنین اکثر مطالب مهمی را درباره زندگانی آنها مانند سال تولد و غیره را ذکر نکرده است و چون مؤلف با اکثر این شعرا معاصرو ظاهر آشنا بوده (چون اکثرشان دوخید آباد و نواحی آن زندگی میکردند) بنا بر این، علت این که چرا مؤلف در جمع آوری مطالب مهمی راجع بر زندگی شعرای مذکور سعی و کوشش نموده غیر از غفلت و تساهل و بیعت دیگر نمیتوان حمل کرد.

در ذیل نام آصفجاه غیر از اشعار او نامه ای از مزار زحان و نامه آصفجاه به محمد شاه و رقعهای (نامه ای) در طلب گهریال (ساعت بزرگ) فرنگی را نیز نقل کرده

در ذیل نام شعرای زیر نثر از اشعار فارسی اشعار اردو را هم نقل کرده

شاه فضل الله نقشبندی و سید عبدالولی و میر فخرالدین اورنگ آبادی و
 شهید تهرانی و میر عبدالحی خان اورنگ آبادی و عارف الدین عاجز و میر عبدالوهاب
 دولت آبادی و میرزا جانجانان مظہر.

فہرست خطی

۱۔ آصفیج ۱ ص ۳۱۶ ش ۱۰ (۱۱۸۵ھ و نیز رجوع شود بہ تذیر احمدش ۲۷)

ج ۳ ص ۱۶۲ ش ۱۲۲.

۲۔ مدراس ۴۳۹ (باقص الاخر).

۳۔ کتابخانہ شخصی کر بل (سرہنگ) رشید ناظم بیمارستان جناح (جناح ہسپتال)

کراچی (کہ مشتمل بر ۱۲۴ صفحہ کوچک است).

فہرست اسامی شعرا

چون فہرست اسامی در ہیچ کتب یا فہرست کتابخانہ ای ذکر نشدہ بنا بر این

اینجا نوشتہ میشود.

۱۔ سید غلام حسن قادر سالک ۲۔ میر غلام علی آزاد بلگرامی ۳۔ شاہ ہدایت اللہ

چار کاری و حدت ۴۔ شاہ فضل اللہ نقشبندی ۵۔ سید عبدالولی عزلت ۶۔ میر عبدالمنان عزلت

۷۔ میر فخرالدین اورنگ آبادی اصلا ترمذی ۸۔ شاہ سراج اورنگ آبادی ۹۔ مولوی

محمد باقر شہید تهرانی ۱۰۔ میر عنایت اللہ جیری ۱۱۔ آصف جاہ نظام الملک بہادر

فتح جنگ سپہ سالار ۱۲۔ نظام الدولہ میر احمد خان بہادر ناصر ۱۳۔ متوسل خان بہادر

قابل ۱۴۔ خواجہ بابا خان بخاری خواجگی ۱۵۔ خواجہ قلی خان بہادر قائم جنگ

مورون ۱۶۔ مرشد قلی خان بہادر رستم جنگ مخمور ۱۷۔ میرزا ہدایت اللہ ارادت خان

بہادر ۱۸۔ میر محمد نعیم دلاور خان نصرت سیالکوٹی ۱۹۔ میر محمد ہاشم جرأت

۲۰۔ قزلباش خان امید ہمدانی ۲۱۔ میر فقیر اللہ خان نشاء ۲۲۔ میر قاسم خان عاشق

۲۳۔ خواجہ ایوب محاطب (ملقب) بہ حمیل بیگ خان ۲۴۔ میر عبدالحی خان

- اورنگ آبادی وقار ۲۵ - عارف الدین خان میرزائی عاجر اورنگ آبادی ۲۶ -
 جان میرزا مخاطب (ملقب) بہ میرزا حان رسا حسینی ہمدانی ۲۷ - آقا امین ایلچپوری
 وقار ۲۸ - میرزا علی تقی ایچاد مخاطب (ملقب) بہ تقی علی حان ۲۹ - میرزا محمد تقی
 صبا مخاطب (ملقب) بہ علی بی حان ۳۰ - غلام ابراہیم خان ۳۱ - قاصی محمد حان آشنا
 ۳۲ - میر محمد رضی شوشتری ۳۳ - میر محمد والہ حیدر آبادی ۳۴ - میر عبد الوہاب
 افتخار دولت آبادی ۳۵ - میر سید احمد ہنرمختاب (ملقب) بہ فدوی احمد خان ۳۶ -
 میرزا ترک علی بیگ واصل اورنگ آبادی ۳۷ - شیخ نور محمد عاصی برہانپوری
 ۳۸ - شیخ محمد انور یکدل ۳۹ - شیخ غلام حسین عرف میاں حوین امداد برہانپوری
 ۴۰ - نصیر الدین خان داسا ۴۱ - نور الدین علی رنگین ۴۲ - شیخ احمد فدا
 اورنگ آبادی ۴۳ - نوارش حان راز ۴۴ - میر یوسف حان سمل ۴۵ - میر کامل
 کامل برہانپوری ۴۶ - محمد قلی تسلیم برہانپوری ۴۷ - محمد حامد مخاطب (ملقب)
 بہ حامد علی حان دولت آبادی ۴۸ - میر یحیی مخاطب (ملقب) بہ عاشق علی حان ایما
 ۴۹ - حواجہ کامگار حان عالی اورنگ آبادی ۵۰ - میر محمد علی افصح شاہان آبادی
 ۵۱ - آقا صابا معتمد ۵۲ - میر محمد علی ضیا ۵۳ - میرزا خلیل خلیل حیدر آبادی
 ۵۴ - مبارک یار خان مبارک ۵۵ - محمد عاقل حان عاقل مخاطب (ملقب) بدست محمد خان
 ۵۶ - امین الدین علی مخاطب (ملقب) بہ علی حان امین اورنگ آبادی ۵۷ - حافظ
 محمد فاضل گجراتی ۵۸ - شیخ محمد فاضل جوڑا سر ہندی ۵۹ - مہاسنگ عرف کیسامل
 حقیر ۶۰ - رای مدن سنگہ موزون ۶۱ - قاضی محمد صالح روشن ۶۲ - میرزا جان جانان
 مظہر شاہجہان آبادی

« سرو آزاد »

ابتدا

« سرمایه حمد نیاز مبدعی که ارواح معانی را با قوالب الفاظ آمیخت و سبعه معلته افلاک را اردر قدرت آویخت ».

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب میرغلامعلی متخلص به آزاد بلگرامی است (برای شرح حال مؤلف رجوع شود به بحث در باره «ید بیضا» در این کتاب).

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در ۱۱۶۶ هـ تألیف نموده است چنانکه قطعه زیر که در آخر دیباچه کتاب آورده است می‌رساند :

بر حصار ورق مالیده عازه

خوشا مشاطه کلک هنرمند

نشاند آزاد سرو سبز تازه

شنو از قمریان عیب تاریخ

(= ۱۱۶۶ هـ)

همچنین قطعه هائی در خاتمه فصل اول و حاتمه این کتاب (بعد از فصل ثانی) آورده است که بشر تیب «تحریر عالی کرد آزاد» و «حتم او احسن» سال تألیف این کتاب (۱۱۶۶ هـ) را می‌رساند.

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه کتاب چنین توضیح میدهد که وی در اول تذکره الشعرائی موسوم به «ید بیضا» تألیف کرده بود اما بعد از فراهم آوردن مواد بیشتری در قد که مر نور اصلاح کرد و هر دو نسخه آن بنام «ید بیضا» مشهور گشت. بعد از مدتی این نسخه ثانی «ید بیضا» هم از نظر پسند مؤلف افتاد و وی خواست که «دکتر صاحب کمالات بلگرامی» را بصورت علیحده ترتیب دهد. بعد از ترتیب این

کتاب آن را «مآثر الکرام» موسوم و در دو دفتر قسمت کرد و نام دفتر اول آنرا «مآثر الکرام فی تاریخ بلگرام» گذاشت که مشتملست بر دو فصل در ذکر عرفاء و فضلاء بلگرام و نام دفتر ثانی این کتاب را «سرو آزاد» گذاشت مؤلف اسامی مأخذ و منابع خود را در دیباچه یا حاتمه کتاب ذکر نکرده است اما در ذیل احوال شعرا اسم کتابهای زیر را آورده است که در تألیف این کتاب از آنها استفاده کرده است .

- ۱- صحیح صادق (رجوع شود به نام سجایی و فیصی و ملازمانی و شیدا)
- ۲- آئین اکبری ابوالفضل (رجوع شود بنام فیصی)
- ۳- اعلام الانعام سیخ محمد یحیی اله آبادی (رجوع شود بنام فیضی)
- ۴- تذکره ناطم تبریزی (رجوع شود به نام ملازمانی و ملک قمی)
- ۵- تاریخ عالم آرای عباسی (رجوع شود به نام ملک قمی)
- ۶- مکتوبات فیضی (رجوع شود بنام فیضی و ملک قمی)
- ۷- حوان خلیل ملاطهوری (رجوع شود به نام ملاطهوری)
- ۸- تذکره بصر آبادی (رجوع شود به نام رکی همدانی)
- ۹- تذکره عرفات تعی اوحدی (رجوع شود بنام وصیحی و مرشد یردجردی)
- ۱۰- تذکره میر تعی (رجوع شود به نام مرشد یردجردی)
- ۱۱- شاه جهان نامه شیخ عبدالحمید (رجوع شود به نام قدسی مشهدی و یحیی کاشی)
- ۱۲- مرآت الخیال (رجوع شود به نام قدسی مشهدی)
- ۱۳- شاه جهان نامه ملاعلاء الملک تونی (رجوع شود به نام قدسی مشهدی)
- ۱۴- عمل صالح (رجوع شود به نام قدسی مشهدی)
- ۱۵- کلمات الشعرا ی سرخوش (رجوع شود به نام صیدی تهرانی و ماهر اکبر آبادی)
- ۱۶- مطول ملافتارانی (رجوع شود بنام سلیم طرشتی)
- ۱۷- سلافة العصر سید علی معصوم مکی (رجوع شود بنام فرح شوشتری)

- ۱۸- منتخب التواریخ بدائونی (رجوع شود به نام شاهدی بلگرامی)
 ۱۹- مائثر میر علاء الدوله قرینی (رجوع شود به نام شاهدی بلگرامی)
 ۲۰- گلزار ابرار شیخ محمد مندوی (رجوع شود به نام نظیری)
 ۲۱-۲۲- کلیات نعمت خان عالی و کلیات شاپور.

۲۳ - ۳۸ - دواوین آفرین لاهوری و اسیر شہرستانی و اشرف واوحن
 نظری و راقم وزایر و شوکت بخاری و صیدی و طهر خان رطھوری و عالی و فیض و
 ماهر و نظیری و یوئی و واعظ قرینی.

سرو آزاد (دفتر ثانی از کتاب مائثر الکرام) مشتمل بر دو فصل است فصل اول
 در ذکر ۱۴۳ شاعر فارسی است ترتیب تاریخی (از روی سال وفات یا سن شاعر)
 که از آجمله سی (۳۰) شاعر اهل بلگرام هستند و صد و سیرده (۱۱۳) شاعر ارشہرهای
 دیگر که بجا رسنه بکھرار تارمان تألیف کتاب (۱۱۶۶ هـ) در ہندوستان متولد
 شدند یا بہ ہندوستان رفتند. فصل دوم سرو آزاد در ذکر ہشت شاعر زبان ہندی (اردو)
 است بنا بر این فصل دوم این کتاب از موضوع ما خارج است.

فصل اول این تذکرہ با سحابی استرانیادی شروع شدہ با (محزون بلگرامی
 تمام میشود.

مؤلف در دیباچہ بعد از حمد و نعت سبب تألیف قطعہ تاریخ ترتیب کتاب
 آورده است. سپس در بارہ آغاز شعر بحث کردہ و اقوال مختلف راجع با آغاز شعر فارسی
 نقل کردہ است

در دیل شرح حال شعرا مؤلف غالباً اطلاعات ریرا فراہم آورده است:

- ۱- اسم و القاب شاعر ۲- وقایع مهم زندگی او ۳- سن تولد و وفات شاعر
- ۴- آثار شاعر مخصوصاً آثار شعرا و ۵- شرح حال شاعر کہ در کتب تاریخ و تذکرہ
 دیگر آمدہ اسہ

گاهی مؤلف شرح حال شاعر را بقدری مفصل آورده است کہ تکامل
 فکری او بکلی روشن میگردد مثلاً رجوع شود بہ ترجمہ خان فیضی . همچنین

اکثر اشعارش را مفصل آورده است و بدین ترتیب می‌توان به پایه وارزش ادبی شاعر پی برد.

در پایان دیباچه «خرانه عامره» مؤلف راجع بیک التزامی که در انتخاب اشعار در این تذکره ملحوظ داشته است تذکر داده است: «درسرو آزاد از آغاز کتاب تا انجام (آن) التزام است که مطالع بر غیر مطالع مقدم باشد».

شرح حال شعرای زیر را در ضمن احوال دیگران نقل کرده‌ام:

۱- سید صدر جهان در دیل نام حادق گیلانی ص ۹۲

۲- شیخ غلام مصطفی انسان و شیخ حان محمد در دیل نام سلیم طرشتی

ص ۷۴

میرزا محمد دانا در دیل نام اشرف ص ۱۱۲ .

۴- حافظ محمد اسعد مکی در دیل نام آفتاب ص ۱۸۹

۵- حاجی افضل در دیل نام صمیری بلگرامی ص ۲۴۶

۶- میر معصوم و میر نظام الدین در دیل نام سید علی معصوم مدنی ص ۲۸۶ .

گاهی با وجود اینکه شرح حال شعرا را مختصر آورده است با این وصف وقایع مهم زندگی آنها و مختصات شعرشان را بیان کرده و «رنده» اشعار آنها را نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام گرامی و گلش ورائح سیال کوتی .

گاهی بیابان محتملی از تذکره هائی که در سال وفات (و غیره) شاعر اختلاف داشته نقل کرده است

شرح حال شعرای زیر را مختصر نقل کرده است اما سال وفاتشان را ذکر نموده است

رضی اصهبانی و رکی همدانی و نظام شیرازی و فتحی اردستانی و ادائی پردی

و منیر لاهوری و سالک پردی و اثر شیرازی و قبول کشمیری و گرامی کشمیری و گلش

دهلوی و رائح سیال کوتی

اما برعکس، اشعار و شرح حال شعرای زیر را معصل آورده است اما سال تولد و

وفاتشان را ذکر کرده است

فیضی اکبر آبادی و مشرقی مشهدی و شیدا و فرج شوشتری و واعظ قزوینی و
 صیدی تهراتی و فیاض و تجلی و اشرف و شوکت و وحید و آفرین لاهوری.
 تنها اشعار و شرح حال شعرای زیر را خیلی مختصر آورده است و حتی سال تولد
 یا وفاتشان را هم ذکر نکرده است.

شوقی (میر محمد حسین) و سعید ایردی و مادم لاهیجانی و سروری کابلی و مطیع
 تریزی و ناصح قریری و سالک قزوینی و راقم مشهدی و غمار و آگاه (سید علیرضا)
 و سخور و ثمین و وامق و محرون و بلگرامی.

شرح حال سید عبداللحان (ص ۱/۲) و امیرالامرا سید حسین علی خان
 (در ۱/۹ ص) و آصف آصفجاه (در ۹ ص) و آفتاب نظام الدوله (در ۱۲ ص) را خیلی
 مفصل آورده است اما هیچ شعری از آنها نیاورده و تنها اشعاری که دیگران در مدح
 آنها سروده اند نقل کرده است

همچنین در ذیل نام سید معصوم علی مدنی تنها شرح حال او را نقل کرده اما هیچ
 شعری را از او نیاورده است.

رویه مرفته شرح حال میر عبدالخلیل واسطی را مفصل تر از سایرین
 (در ۳۳ ص) آورده است و همچنین اشعار نیدل (۷۲ بیت و یک رباعی) و بیخبر بلگرامی
 (۱-۵ بیت و ده رباعی) و آراد یسعی مؤلف (۲۲۸ بیت) را از همه شعرا مفصل تر
 آورده

در میان رباعیات منتخب رباعیات سید غلام مصطفی از همه مفصلتر (۲۶ رباعی)
 آورده است چون بقول مؤلف شاعر مر بوردیوان رباعیات دارد
 در ذیل شرح حال شعرای زیر تذکر داده است که خودش با آنها ملاقات
 کرده است

آفرین لاهوری و اقدس شوشتری و متین صفاهاهی و عربلت و رسا
 و ایحاد و بیحر .

شرح حال مطهر حاجانان و احتجاز و آرزو از خود شنست و از این حیث

کاملاً معتبر است.

در ذیل شرح حال شعرای زیر بعضی وقایع مهمی که بعد از اتمام کتاب روی داده است (مانند قوت، شاعر) در پایان اشعار شاعران اضافه نموده است: میر معصوم و فقیر و آرزو و غریب.

در ذیل شرح حال شعرای زیر قطعه‌ای که مؤلف در وفاتشان گفته است نقل کرده است:

شهرت شیرازی و روحی سیرپوری و افضل‌ی و عشقی (سید برکت‌اله) وصیا
و میر طعیل بلگرامی و بی‌حجر بلگرامی و احمدی و سید عظیم‌الدین بلگرامی و محمد
بلگرامی و واحد بلگرامی.

در ذیل شرح حال مید عبدالله خان و امیر الامرا سید حسین علی حیان
و آصف حامو آفتاب نظام الدوله ناصر حسنگ و قایع تاریخی رمان ایشان را خیلی
مفصل آورده است که از حیث تاریخ معاصر دارای ارزش بسیاری است اما چون
اکثر این مطالب کلی تاریخ هر بوط است و هیچ‌کدام از این اشخاص شاعر نبوده‌اند
بنابراین از موضوع این کتاب که تذکره شعرا است خارج است

شرح حال شعرای زیر اگرچه مختصر است اما مؤلف اطلاعات مهم راجع
بر بدگانی آنان آورده است.

انیمی شاملو و رمایی یردی و شانی تکلو و فرقتی جوشقانی و فغفور محمد حسین
وقاسم حوینی و الهی و ادهم و ناظم هروی

اشعار شعرای زیر را با اشعار دیگران مقایسه نموده است:

اشعار سلیم‌طریقی را با اشعار ملا و ارسنه و صائب و غنی کشمیری و نوعی خبوشانی
و ملا مشرقی و واعظ و فطرت و اشعار وحید قرینی را با اشعار عمیق بخاری و شیخ سعیدی
و عرفی و ملک قمی و نعمت‌خان عالی

روی هم رفته از حیث جامعیت شرح حال و حسن انتخاب اشعار شعرا این تذکره
را میتوان در ردیف بهترین تذکره‌های فارسی قرار داد.

سبک انشای مؤلف غالباً مصنوع است و گاهی نثر مسجع را هم بکار برده است مخصوصاً در مدفع تعریف و توصیف شعرا نثر مسجع آورده است و حتی گاهی بعضی القاب توصیفی را نیز نثر مسجع آورده مانند.

فیضی : طوطی هند سخن گستری است و ملك الشعراى در باراكبرى

ایسی شاملو: نکه سنج یگانه است و امیس معانی پیگانه.

همچنین در ذیل نام شعرای دیل قبل از نقل اشعار شعرا جمله‌ای مصنوع در معنی

داینك اشعار او آورده است:

زمانی : غنچه تا علش باین رنگ می شگفت

شابی تکلو : چراغ فکرش چنین پرتو میدهد

رضی اصفهانی: نقش سخن باین آئین می بندد

بطیر : آهوان معانی را باین قسم شکار میکند

سروری کابلی : نهال فکرش باین رعنائی میباید

نادم لاهیجانی: ریحان کلامش در سرزمین ورق صبر میشود

فرح شوشتری . پریر اذان سخن را چنین تسخیر میکند

ناظم هروی : سنبل شعرش کاگل می افشاند

واعظ قزوینی : این چند غزال ار حن او بحر امش میآید

اقدس شوشتری . حریر کلك اقدس سامعه (را) می افرورد

همچنین در ذیل نام شعرای زیر جمله‌ای مصنوع بمعنی « فوت شد » بکار

برده است:

سجایی . فنای صورت را با فنای معنوی هم آغوش

ادهم : زندان هستی را بدرود نمود

طهرحان . محمل بصحراى فنا کشید

آشنا رحمت نه بها بنخاه عدم کشید

واضح . ودیعت حیات سپرد

یکتا : خلوت شین تراشد

ظاهر صغاهانی : مردسب قطاع الطریق رشته حیاتش اقطاع یافت

محمور : مسافت رندگانی (را) پایان رسانید

نسخ خطی

- ۱- اشپرنگر ش ۲۴ ۲- ندیر احمد ۸۴ (حکیم عبدالحمی لکهنو- بخط مؤلف)
- ۳- آصفیه ج ۱ ص ۳۲۰ ش ۱۶ (۱۱۹۴ هـ) ۴- ایوانو- تکمله اول ۷۴۵ (۱۲۲۳ هـ) ۵- ایوانو- کرزن ۵۸ (قرن ۱۹ م)
- ۶- لیندزیانا ص ۱۴۴ ش ۳۳۰ (g) (۱۲۳۷ هـ) ۷- اته ۶۸۳ (تاریخ ندارد) ۶۸۴ (فصل ۲ ندارد - ۱۲۶۵ هـ).
- ۸- بامکی پور ج ۸ ش ۶۹۷ (قرن ۱۹ م)
- ۹- دانشگاه بمبئی - ۱۲۲ (اورای پریشان شامل ذکر تمبا ۳۹ شاعر).

چاپ

- لاهور ۱۹۱۳ م (مطبع دحانی رفاه عام لاهور از طرف مولوی عبدالحق وابسته یکتا بحانه آصفیه حیدرآباد دکن)
- برای فہرست اسامی شعرا رجوع شود بہ ایوانو- کردن ص ۶۴ - ۶۶ (۱۳۲ شاعر فارسی - اما در ابتدای نسخه چاپی فہرست اسامی ۱۴۳ نفر شاعر فارسی آمده است)

سفینة الشعرا

ابتدا

«این تذکرہ سفینة الشعرا . مؤلف این نسخه طبع رسا و خاطر معانی پسند...»

مؤلف

اسم مؤلف این تذکره معلوم نیست^۱ اما او یکی از رفقای آندرام مخلص (متوفی در ۱۱۶۴ هـ) بوده است چنانکه مؤلف اسم او را در برگهای ۹۱ و ۱۲۳ و ۲۵۴ در نسخه ایوانو-کرزن ذکر نموده است همچنین در برگهای ۱ و ۲۳۲ و ۳۱۶ و ۳۲۸ همین نسخه بدون ذکر نسبت خود با آندرام مریور، بخودش هم اشاره میکند ولی در هیچ جا اسم خود را ذکر نکرده است. در برگ ۳۴۸ وی میگوید که در ۱۱۴۰ هـ سخی شاعر را در لاهور ملاقات کرده است.

تبصره بر کتاب

این تذکره بین سالهای ۱۱۵۱ و ۱۱۷۰ هـ تألیف شده است چون مؤلف در برگ ۲۱۹ سال ۱۱۵۱ هـ و در برگ ۶۱ سال ۱۱۵۲ هـ و در برگ ۲۹ سال ۱۱۶۰ هـ را ذکر نموده و همچنین در برگ ۲۶۴ سال ۱۱۷۰ هـ را سال جاری نوشته است.

بظاهر این کتاب با تمام مانده و مولف از ترتیب آن هیچوقت فراعته نیافته است. ذکر بعضی شعرا در دو یا سه جای مختلف تکرار شده و از این پیداست که مولف شرح حال این شعراء را از منابع و مآخذ مختلف نوشته است و تا پایان عمر فرصت تجدید نظر در این کتاب و تکمیل آن را ندست نیاورده است.

آقای ایوانو (گرد آورنده فهرست کتابخانه احمن آسیائی سگال) در فهرست ذخیره کرزن (ص ۲۳۲) چنین اظهار نظر میکند که در اول این تذکره حتماً از تذکره ریاض الشعراء^۲ و اله برر گتر و طاهر^۳ مشتمل بر قریب دو هزار شاعر بوده و نسخه موجود که مشتملست بر ۶۹۳ هزار شعرا تنها یک سوم اصل کتاب میباشد اما اگر سعینه الشعراء حاوی ذکر دو هزار شاعر بوده در آن صورت محققاً از تذکره و اله کوچکتر بوده است چون تذکره و اله مشتملست بر ۶۹۳ هزار شاعر و این شاعر

۱- اسم مؤلف این تذکره در سراسر نسخه موجود هیچ جا ذکر نشده است و همچنین اشارات گاهی در باره شرح حال و غیره مؤلف بیامده که در تعیین وی مردن به هویت مؤلف کمک و راهسائی نماید

ذکر شعرا در این کتاب بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر آمده است. اما همه جا این ترتیب کاملاً رعایت نشده است. بعضی قسمت‌های این تذکره نا تمام مانده و تنها در دیل حروف «الف ب ت ث ح ح د ر س ش ص ض ط ف ق» ذکر شعرا سببه کامل است اما بعضی قسمت‌های بردگی این تذکره یعنی قسمت «ع و م» از این نسخه تقریباً بکلی افتاده است و همچنین این نسخه قسمت عمده حروف «ذ ز» و تقریباً تمام حروف «ل ن و ه ی» را ندارد. ترتیب بر گها ببرد بشتیلاری از موارد مغشوش است.

ماخذ مهم مؤلف تذکره تقی اوحدی (عرفات العاشقین) تذکره نصرآبادی است که اسم آنها را مؤلف در اکثر موارد ذکر کرده است اما ظاهراً منابع وی در تألیف این کتاب غیر از این دو تذکره کتاب‌های دیگری هم بوده که اسم آنها در نسخه موجود نیامده است.

این نسخه با تمام تذکره شعرای متقدم و متأخر فارسی است که شرح حال مفید شعرای مذکور را دارد که مؤلف از منابع مختلف گرد آورده و در این تذکره جمع کرده است اما چنانکه مؤلف (در ص ۱ این نسخه) تذکره داده است مفصود اصلی وی از ترتیب این کتاب انتخاب و جمع آوری بهترین اشعار هر شاعر بوده و نه نوشتن شرح حال گویندگان آن اشعار.

مؤلف شرح حال شعرای متأخر را مخصوصاً آنهایی که در قرن دوازدهم هجری میزیسته اند خیلی مفصل آورده است اما در دیل نام شعرای متقدم شرح حالشان را سببه مختصر نقل کرده است.

همچنین اشعار شعرا ببرد این تذکره غالباً مفصل آمده است روی هم رفته این تذکره بسیار مفید و با ارزش است اما حیث که هیچ نسخه کاملی از آن امروز موجود نیست.

نسخه خطی

نسخه منحصر بفرد از این تذکره در کتابخانه ابن‌حمن آسیائی بنگال - ذحیره

کرزن موجود است (رحوع شود به ایوانو - کرزن ش ۳۲۶) - این نسخه خیلی ناقص است و بد ترتیب و تنظیم شده است. ترتیب برگها در بسیاری از موارد صحیح نیست در ابتدای آن چند ورق خراب شده و خوانده نمیشود در بعضی صفحاتها اسم شعرا ضبط شده اما جا برای این منظور خالی گذاشته شده است این نسخه ۵۰۲ صفحه و صفحه‌ای ۱۵ سطرود کر ۶۹۳ شاعر دارد و مورخ او احر قرن دوازدهم هجری است. بعضی تعصبات بیشتر درباره این نسخه در سطور فوق گذشت.

برای فهرست اسامی ۶۹۳ شاعر این نسخه رحوع شود به نسخه فهرست ایوانو - کرزن ش ۳۲۶ ص ۲۳۳-۲۴۰

تذکره بینظیر

ابتدا

«خان جهان حمد معروض بندرگاه صنعت طراری که پریزدان معانی را
در شیشه‌های الفاظ حا داد و لیلی و شان سخن را در سیاه خیمه‌های حروف بند قبا
بر گشاده»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره میر عبد الوهاب متخلص به افتخار است وی از خانواده سادات بخاری بوده و سلسله سسش به محدوم جهان بیان سید حلال الدین بخاری میرسد. حدش در زمان اورنگریب عالمگیر (۱۰۶۸-۱۱۱۹ هـ) با احمد نگر که دارالسطت نظامشاهیان (۱۰۰۶-۱۰۹۴ هـ) بوده مهاجرت کرد و افتخار در احمد نگر متولد شد و همانجا بزرگ شد سپس با دختر سید مرتضی خان بخاری حصار شهر سیاه قلعه دولت آباد، اردواح کرده و در شهر دولت آباد رحل اقامت افکند.

غیر از زبان فارسی وی عربی هم خوب بلد بود و در دستور و عروض این زبان تسلط و از فقه و علم الادویه بهره وافری داشت.

افتخار این فقاهت صمیمی آزاد بلگرافی بوده و آزاد او را در سال ۱۱۶۳ هـ بنواب نظام الدوله ناصر جنگم متوفی (در ۱۱۶۴ هـ) معرفی کرد و افتخار به خدمت نواب مربوط در آمد افضل بیک قاقشال در «تحفة الشعراء» مینویسد که افتخار در حال تنگدستی و فقر زندگی میکرد اما ممکنست این قول او برای زمانی که هنوز افتخار وارد خدمت نواب مزبور شده بود صادق باشد.

مولوی عبدالجبار صوفی ملکاپوری در «محبوب الزمن» (اردو-تألیف ۱۳۲۹ هـ) می نویسد که افتخار در سال ۱۱۸۲ هـ در خدمت نواب اشجع الدوله غیور حسنگ یکی از امرای دربار آصفحاه بود و بالاخره در سال ۱۱۹۰ هـ فوت کرد و در شهر دولت آباد جنب مقبره برهان الدین غریب مدفون شد.

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در سال ۱۱۷۲ هـ تألیف نموده است چنانکه اعداد اسم این کتاب «تذکره بینظیر» (= ۱۱۷۲ هـ) سال اتمام این کتاب (۱۱۷۲ هـ) را می رساند. مؤلف اسم منابع این کتاب را در مقدمه یا حاتمه بیاورده است اما در دلیل شرح حال شعرا اسم کتابهای زیر را ذکر نموده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است:

- ۱- اخبار الاخیار - رجوع شود به نام ایحاد.
- ۲- تادیب الزندیق^۱ تألیف میر عبدالقادر سمرقندی - رجوع شود به نام آزاد.

۳- تسلیة العواد فی قصاید آزاد (رجوع شود به نام آزاد)

۴- تذکرة الشعراء ای احلام (همیشه بهار) - رجوع شود به نام حنون

۱- ر.ک: آثار آزاد بلگرامی: (انتقاد بر مولمات فارسی آزاد (۲) در دلیل صحت در باره

بدیضا در این کتاب

ومیرزا ارجمند.

۵- تذکرة الشعراى حزين- رجوع شود به نام مير عبدالجليل

واسطى بلگرامى

۶- تذکرة الشعراى متين (حيات الشعراء)- رجوع شود به نام جنون ومتين .

۷- تذکرة الشعراى وارسته - رجوع شود به نام آزاد.

۸- تذکرة الشعراى آزاد (سرو آزاد ويد پيضا) - رجوع شود به نام

آزاد ومتين.

۹- جواب شافى- رجوع شود به نام آزاد

۱۰- فرهنگ رشيدى رجوع شود به نام آزاد .

۱۱- مآثر الامراء - رجوع شود به صياء ووقار.

۱۲- مآثر الكرام- رجوع شود به نام آزاد.

۱۳- مصطلحات الشعراى وارسته - رجوع شود به نام آزاد .

۱۴- نادرشاهنامه رجوع شود به نام عارف.

۱۵- ديوانهاى اثر و آزاد (عربى و فارسى) و آفرين و افصح و ايجاد و بينخير و

ثابت و حرأت و حرين و حالص و زاير و شهرت و عاقل و عالى و عرلت و متين و مخلص و

مشرق و مظهر و منصب و ميرزا و صحاح (كليات) و بويد.

۱۶- ساقى نامه دردمند

۱۷- مثنويهاى شهيد (شور خون و ناله عشق نواز وغيره)

۱۸- مثنويهاى يكتا (گلنسته حسن و جهان آشوب وغيره).

از جمله ماخذ فوق تذکرة الشعراى متين و وارسته (ش ۶ و ۷) امروز باقى نمانده

است و اين امر خود ارزش اين تذکرة را نالاميسرد.

اين تذکرة مشتمل است بر دگر صد و چهل و نه شاعر بترتيب النبا که ۱۱۰۰ هـ

تا ۱۱۷۲ هـ در ايران يا هندوستان ميریسته است و باه آزاد بلگرامى شروع شده

«میریوسف» تمام میشود .

در ذیل نام اکثر شعرا مؤلف شرح حال را مختصر آورده است. اما اکثر اطلاعات مهم راجع برندگان آنها را فراهم آورده است و سال اکثر وقایع مهم زندگی (ولادت یا وفات) را ثبت نموده است.

اشعار منتخب شعرا نیز غالباً مفصل و لطیف است و نمودار دوق عالی مؤلف است و این اشعار را مؤلف از دیوانهای اکثر شعرا خودش انتخاب و گل چین نموده است .

از حیث جامعیت شرح حال و حویبی انتخاب اشعار این تذکره را میتوان جزو بهترین تذکره های فارسی شمرد. البته این تذکره زیاد مفصل نیست اما هر چه است تغز و زبده است.

سبک اشای مؤلف غالباً ساده و عاری از تکلف و تصنع است .

چاپ

اله آباد سنیت هاوس ۱۹۴۰ میلادی

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به سروآراد و تذکره بینظیر چاپ اله آباد (مقدمه گرد آورنده) و محبوب الرمن (اردو) چاپ حیدرآباد دکن ص ۷ - ۲۰۶ و تحفة الشعرا تألیف افضل بیک قاقشال.

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به چاپ اله آباد ۱۹۴۰ میلادی.



باغ معانی

ابتدا

رب یسر . بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر
فاتحه و فتح کلام خدا . نام خدا آمده نام خدا

مپاس بیقیاس مهار آفرینی در سرد که عماد لفظه را بر شاخسار زبان جا (داد) ولجه و ستایش و نیایش بیقرینی را بجاست که طوطی مقال را در گل زمین طبع مورون نهاد.

مؤلف

اسم مؤلف نقش علی^۱ است (شرح حال وی اصلاً بدست نیامد).

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۱۷۴ هـ نوشته است چنانکه خود اسم این کتاب «باغ معانی» (= ۱۱۷۴) از روی حسروف ایجاد میرساند و همچنین در ذیل نام عطاء الله خان متخلص به اعلیٰ مینویسد در این اوقات که هرار و یکصد و هفتاد و چهار هجریست... اما از متن کتاب پیدا است که مؤلف بعداً در کتاب اضافه هائی نموده است چنانکه در ذیل نام سید نورالدین خان متخلص به الغنی سال ملاقات با او را ۱۱۹۰ هـ ذکر نموده است همچنین در ذیل نام آراد مینویسد که او مشغول تألیف سرو آراد (تألیف سال ۱۱۶۶ هـ) است و در حاشیه بجز خودش مینویسد که وی یک نسخه از حرا نه عامره (تألیف سال ۱۱۷۶ هـ) دریافت نموده و تذکره سوم که از تألیفاتش بنظر عاصی مؤلف رسیده نام خرینه (حزانه) عامره نهاده لیکن مختصر است و بطریق تاریخ حالات نواب نظام الملک و اولادش نوشته (است) .

سخنه کامل این کتاب امروز هیچ جای پیدا نیست . اشپر نگر مینویسد (ص ۱۵۲) که بعقیده او این تذکره مشتمل بر سه یا چهار مجلد با ورقهای بزرگ بوده که

۱- اشپر نگر در اسم مؤلف اشتباه کرده است و تألیف این کتاب را به علی امراهم خان

حلیلست داده است (ر ک اشپر نگر ص ۱۵۲) اما در نسخه کتابخانه بانکی پور در عبارت

دیر اسم مؤلف صریحاً ذکر شده است و اما بعد میگوید مؤلف این اوراق سک آستان نی و ولی

نقش علی عمی اله عه من حرایم الحمی والحلی که چون از آراستن پنج چمن تذکره باغ

معانی با یاری سحاب الطاف و سرچشمه اعصاب الهی شادابی خاطر حاصل شد حالیا منقاد عندلیب

کلکم بر شاخسار گلهای چمن ششم و هفتم و حاتم هرار است .

از آنها خود اشپرنگر تنها جلد دوم را دیده بود . همچنین سحه خطی که در بانکی پور موجود است جلد سوم این کتاب است و شامل دگر شعرای قرن مهم تارمان مؤلف است که اکثرشان یا بهندوستان رفته یا در آن سرزمین زندگی میکرده‌اند . ترتیب اسامی این تذکره الفبائی بوده است از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر . شرح حال اکثر شعرا را مختصر آورده است و انتخاب اشعارشان را نیز مختصر نقل کرده است

رویهمرفته شرح حال مولانا شیدای مشهدی را (در ۲۹ سطر) و اشعار باقر خرده کاشی را (در ۱۲ ص) مفصل تر آورده است
سبک اشای مؤلف غالباً ساده و غیر مصوع است

سخه خطی

- ۱ - اشپرنگر ص ۱۵۲ (چمن ۳ - شاهان چمن ۴ - ویراء و امراء چمن ۵ - ۳۲۲ شاعران ارمان هارون الرشید تا ۸۰۰ ه) .
- ۲ - بانکی پور ح ۸ ش ۶۹۸ (چمن ۶ و ۷) - شامل دگر شعرائی مخصوصاً ارهد یا متعلق بهند از قرن ۹ تارمان مؤلف ناقص ، تا « طرف » است ، و احتمالاً بخط مؤلف است (
- ۳ - ریوج ۳ ص ۱۰۲۲ ب (قسمتی از چمن ۴ و ۳ - مورح تقریباً ۱۸۵۰ میلادی است)

فهرست اسامی شعرا

فهرست اسامی شعرا این تذکره در هیچ کتاب نیامده

شرح حال مؤلف

در هیچ کتاب دیده شد .

« تذکره شاعرات »

ابتدا

اسم مؤلف این تذکره در نسخه موجود هیچجا ذکر نشده است .

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۱۷۴ هـ تألیف نموده است چنانکه در دیل نام حدیجه سلطان بیگم می‌ویسد «حدیجه بیگم تاحین تحریر این مطور که ۱۱۷۴ هـ است در اصفهان زنده است» .

مؤلف اسم کتابهای ریر را در شرح حال شاعرها ذکر کرده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرا گرفته است .

۱ - مرآت الحیال - رجوع شود به نام حجابی و حجابی استرآبادی و مهری
حلایر هروی و نور جهان بیگم و نهایی
۲ - ریاض الشعراء واله - رجوع شود به نام حجابی استرآبادی و کامله بیگم
و مهری حلایر هروی

۳ - مجالس النفایس - رجوع شود به نام مهری حلایر هروی

۴ - تذکره تقی اوحدی - رجوع شود به نام حمیله حاتم فصیح و بیخه نهایی

۵ - تاریخ و صاف - رجوع شود به نام بیخه مهستی

۶ - حبیب السیر - رجوع شود به نام بیخه مهستی

۷ - حواهر المعایب - رجوع شود به نام بیخه مهستی

در نسخه دانشگاه لاهور (که 'قص الاول است) تنها ۳۹ زن شاعر متقدم و متأخر ترتیب الفبائی ذکر شده است و با توسی اتون ، شروع شده با «عبدلی تمام میشود

مؤلف اشعارشاعره هارا عالماً مختصر آورده است و از تذکره های دیگر نقل کرده است .

همچنین شرح حال اکثر شاعره ها را مختصر و گاهی جامع نقل کرده است اما سعی کرده است که اطلاعات مهمی درباره زندگی آنان در این کتاب مجملاً ذکر نماید .

تنها در ذیل نام شاعره های زیر شرح حالشان را (مختصراً) جامع آورده است :

.. خدیجه سلطان بیگم و حمیله خانم فصیحه و ریس النساء بیگم و نور جهان بیگم
گاهی بعضی کلمات را شرح داده است مثلاً در ذیل نام بی بی مهربی کلمه
« کینه » را شرح داده است

همچنین اشعار بعضی شاعره هارا اصلاح نموده است مثلاً در ذیل شعر زیر
« نسائی » .

عاشقی با قامت ایرو کمندی کرده ام با همه بستی تمنای بلندی کرده ام^۱
مینویسد . « اگر بجای ایرو کمندی مشکین کمندی باشد خوش محاوره
است » .

در ذیل نام بعضی شاعره ها بر اقوال تذکره نگاران دیگر انتقاد کرده است
چنانکه در ذیل نام کامله بیگم بر قول خان واله که راجع بیک رباعی کامله بیگم
در تذکره خود نوشته است « این رباعی اغلب از سلیمه بیگم باشد چه در هندوستان
ربان فارسی را مردان آنجا خوب میدانند چه حای ربان و در آن زمان رواج
ربان فارسی در هند بوده » مؤلف می نویسد .

« محاوره فارسی در هندوستان از عهد قطب الدین ایبک و شمس الدین ایلتمش
(معمول شده) است که اکثر بلکه بسیاری از مردم حراسان و ماوراء النهر و بلخ
و طنجارستان (که) همراه ایشان بودند در اینجا سکونت ورزیدند ایشان بهمان زبان

۱ - در این نسخه در مصرع اول « کرده ام » و در مصرع دوم « کرده ایم » آمده است

وهم ریان هندمتکلم وهم در آن عهدشعراى بسیار بردست (قوى) اراهل هند بوده اند
و اربان بی بی فاطمه سام که ذکر ایشان گذشت در آن عهد بوده .

همچنین در دیل نام بی بی مهرى حلایر هروى راجع به بدیه گفتى رباعى
مهرى مر بورپیش شاد بیگم مولف مینویسد: «بردبنده صحیح نیست زیرا که معاصر
شاهرخ میرزا است مگر آنکه صحت با گوهرشار بیگم اتفاق افتاده باشد» .

همچنین راجع به غزلی که مطلع آنرا مولف ریاض الشعرا هم بنام مهرى
وهم بنام ماهی نوشته و امیرعلیسیر در مجالس النفاى دویست اول غزل را ثبت کرده
است مینویسد «مشهور چنانست که این بیت از مهریست که در حکیم بوده اما فقیراً
ز مردم نیک شنیدم که از مولانا سلیمان است...»

سك انشای مولف ساده است اما گاهی در موقع تعریف از بعضی شاعران ها
ببوشتن ثم مصوع پرداخته است مثلاً رجوع شود به نام فاطمه (صهاهاى)

نسخه خطی

تنها نسخه این بد کرده در دانشگاه لاهور است که با «توبى اتون» در حرف «تا»
شروع میشود و در قسمت آخر این نسخه بعد از «تد کره شاعران» مستزاد هائی
از عطار و مولاناى دوم و بیتی ارسینى و یاری و یلک تر کبب سد ارحاحى حان محمد قنمى
و در حاشیه از صفحه ۲۹ تا صفحه ۳۹ حرر و تعوید های مختلف آمده است

فهرست اسامى شعرا

در هیچ کتاب یا فهرستى نظر نرسید

مقالات الشعرا

ابتدا

بمحمد من حصص بالقوة النطقية الاسن وعلمه حمايق المعدي والبيد»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف میر غلامعلی شیر متخلص به قانع است و سلسله نیش به قاضی سید شکرالله میرسد که در زمان شاه بیگ ارغون (۹۲۷-۹۲۸ هـ) از شیراز مسد آمد.

قانع در سال ۱۱۴۰ هـ در شهر تته (سند) دنیا آمد و «حلق اسامین السلاله» ماده تاریخ ولادت اوست. وی در تته پیش علمای بزرگ آن شهر درس خواند. اسامی بعضی از استادان خود را در این کتاب (مقالات الشعرا) ذکر نموده است. ابتدای زمان تحصیل بشعر و شاعری علاقه داشت و بس دو اوزده سالگی (در سال ۱۱۵۲ هـ) بگفتن شعر آغاز کرد و دیوان اشعار خود را مشتمل بر هشت هزار بیت ترتیب داد اما بعداً سایر بعضی علل نامعلومی این دیوان را پذیرا انداخت سپس در حدود سال ۱۱۵۵ هـ صحبت میر حیدر الدین ابوتراب متخلص به کامل وی را دوباره بوجود و شور در آورد و در نتیجه قانع دوباره شعر گوئی پرداخت و در حلقه شاگردان میر کامل مرور در آمد.

احداث قانع همیشه در ادوار مختلف درسد بمراتب معرر و عالی فایز بودند و از طرف دولت‌های سده مستمری در ریاض می نمودند. در زمان میان غلام شاه کلهوهره والی سند (۱۱۷۰-۸۶ هـ) در سال ۱۱۷۵ هـ قانع بخدمت تاریخ نویسی خاندان دولتی منصوب گشت و بامر شاهی نوشتن دو کتاب را آغاز نمود یکی بشعر بسبک شاهنامه فردوسی و دیگری به شعر اما چندی بعد معلمی نامعلوم از تألیف این کتابها دست کشید و ظاهر آبعد از یکی دو سال ترک این خدمت گفته به تته وطن خود مراجعت نمود و در سال ۱۱۸۰ هـ در آن شهر بتألیف تحفة الکرام مشغول شد.

از شرح حالی که خودش نوشته است معلوم می شود که در تمام عمر غیر از سورت

- ۱- بعضی اسناد رسمی و فرامین شاهان سند که در کتابخانه شخصی داشمید معظم پیر حسام الدین گرد آورده و مصحح مقامات الشعرا موجود است روشن می سارد که دولت‌های سند در ادوار مختلف با احداث قانع و طیفه (مستمری) می دادند.

و کچھو احمد آباد و جو ناگرہ بھیج جای دیگر مسافرت نکرده و تمام اوقات درندگی خود را در شهر تته در کار تصنیف و تالیف گذرانیدمو از سن دوازده سالگی تا اوقات خود (۱۲۰۳ھ) همواره بدینکار مشغول بوده است.

قابع چنانکه از اشعارش معلوم میشود شیعه تهصیلی^۱ بود اما در طریقت بگروه نقشبندیہ منسلک بوده و اکثر اعضای خانواده وی نیز مانند او بهمین سلسله بیعت داشته اند

از آثار او پیدا است که وی آدم وسیع النظر و غیر متعصبی بود چنانکه می گوید.

چورا فاضی نکتم سرددل بیعص کسی رچار یارد رین دهر گرم محمل ماس

بود عجب بما بشدار صاف راضی گودل ر گرد سینه اصحاب شسته ایم

قابع به ماده (تاریخ گوئی) علاقه فراوانی داشت چنانکه در قطعه ای تاریخ فوت پدر خود عرت اله (متوفی در ۱۱۶۱ھ) چنین گفته است

خرد گمت تاریخ سال وفات که پیوست با رحمت ایردی

و همچنین ماده تاریخ فوت پدر را از سوره «المنافقون» چنین آورده است
لِللّٰهِ نَعْرَتٌ لِّرَّسُلٍ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ^۲

قابع تا آخر عمر در کار تصنیف و تالیف مشغول بوده و حتی یکسال قبل از وفات سه کتاب بنام «طومار سلاسل گزیده»، «شجره اطهر اهل بیت» و «سالکان طریقت» را در سال ۱۲۰۲ھ با تمام رسانید و با وجود پیری و بیماری گوناگون هیچوقت از کار علمی دست نکشید بالاخره در سال ۱۲۰۳ھ سن ۶۴ سالگی در تته چشم از جهان پرست و در کوهچه مکللی در قریستان خانواده خود مدفون گشت

۱- یعنی، او خود اینکه به حلقه ای ثلاثه احترام می گذاشت اما در بین چهار حلیه بصیلت

حسرت علی قابل بود

۲- ذرک آیه ۶ سوره المنافقون، «وللّٰهِ المرّة ولرّسول وللمؤمنین»

میر قانع سه‌پسر داشت بعد از او بعضی از اخلاف وی نیز مانند او به فارسی شعر میسروده‌اند.

آثار مولف

آثار قانع در تاریخ سیاسی و اجتماعی معاصر حاوی اطلاعات در قیمتی می‌باشد. عده آثار او بسیار بوده اما از دستخوش روزگار اکثر آن‌ها زین رفته‌است طبق اسامی که در مقالات الشعرا و فهرست کتابخانه تته و کتس دیگری گرد کرده عده مؤلفات وی به‌چهل و سه بالغ می‌شود بسیاری از کتابهای قانع تا تمام مانده و وی در تکمیل آن توفیق نیافته‌است در باره عده اشعار خود در «مقالات الشعرا» مینویسد که اگر آنها را جمع آوری مینمود بهی هرار بیت میرسید . «الی الحال ۱۱۷۴ هـ اگر بجمع شعر میرداخت تاسی هرار کما و بیش (کم و بیش) رسیده میبود اما اغلب طبع بدین نبوده اکثر مسودات بهر حال که مانده‌اند ما ندیدیم»^۱

آثار مؤلف بدین قرار است .

۱- دیوان علی شیر- در سال ۱۱۵۲ پسند و آورده سالگی گرد آورده بود اما بعداً آنرا بندریا انداخت .

۲- مثنوی تمه ارقنرت حق^۲ - در سال ۱۱۶۵ هـ تألیف نمود.

۳- مثنوی قضا و قدر- در ۱۱۶۲ هـ تألیف نمود و نسخه آن در اسحمن ادبی سند

موجود است

۴- نو آئین خیالات - در ۱۱۶۹ هـ نشر تألیف کرد

۵- مثنوی قصه کامروپ^۲ - در ۱۱۶۹ هـ سرود و حاوی سه هرار بیت بود

۶- دیوان قال غم^۲ - در ۱۱۷۱ هـ سرود و حاوی به هرار بیت بود^۱

۱- ر. ک مقالات الشعرا ص ۵۷۲

۲- از این کتابها نسخه‌ای نجا مانده اما اسامی و مشخصات و مقتضات آن

در مقالات الشعرا و بعضی کتب دیگر آمده است.

- ۷- ماقی نامه^۱ - در ۱۱۷۴ هـ سروده بوده .
- ۸- واقعات حضرت شاه^۱ - در سال ۱۱۷۴ هـ سرود و حاوی یک شهرار بیت بود
- ۹- مثنوی چهار مرله^۱ - در ۱۱۷۴ هـ سرود و حاوی یکم هزار بیت بود.
- ۱۰- تزویج نامه حسن و عشق^۱ - در ۱۱۷۴ هـ بشرت تألیف کرد.
- ۱۱- اشعار متفرقه در صایع و تاریخ^۱ - در ۱۱۷۴ هـ سرود و هزار بیت بود
- ۱۲- بوستان بهار معروف به مکلی نامه - در ۱۱۷۴ هـ تألیف کرد رساله کوچکی است منظم و نثر در باره مقابر قبرستان مکلی. نسخه خطی آن در انجمن ادبی سند و خود است و این رساله در مجله مهران شماره ۲ تا ۴ سال ۱۹۵۶ م با حواشی چاپ شده است.
- ۱۳- مقالات الشعرا - تذکره مورد بحث در سال ۱۱۷۴ تألیف کرد.
- ۱۴- تاریخ عباسیه - در سال ۱۱۷۵ هـ شعر آغاز کرد ولی ناتمام ماند.
- ۱۵- تاریخ عباسیه - در سال ۱۱۷۵ هـ شعر آغاز کرد ولی ناتمام ماند. کل بیست هزار بیت بود^۱
- ۱۶- تحفة الکرام - در سه جلد در ۱۱۸۱ هـ تألیف کرد. تاریخ عمومی است اما در باره اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی سند بحث کرده است
- ۱۷- مثنوی اعلان عم - در ۱۱۹۲ هـ سروده است و ۱۱۷۳۳ بیت دارد سخای بحظ مؤلف در مورد برتانیای موحور است.
- ۱۸- ربدة المناقب - در ۱۱۹۲ هـ سرود و حاوی ۱۲۰۰۰ بیت بوده (رخواه شود به فهرست کتابخانه تته).

۱ - از این کتابها سخای بنا نبوده اما اسامی و منتحات و مقتضات آن در مقالات الشعرا و بعضی کتب دیگر آمده است.

۲- جلد سوم این تاریخ که مشتمل بر احوال سیاسی و اجتماعی سند است در مطبعه باصری دهلی در سال ۱۳۰۵ هـ مطبع رسیده است و به رودی از طرف انجمن ادبی سند پیر منتشر می شود .

- ۱۹- مختارنامه- در ۱۱۹۴ هـ سرود و حاوی ۷۰۰۰ بیت است. نسخه‌ای از این کتاب در انجمن ادبی سند موجود است.
- ۲۹- نصاب‌البلغا. در ۱۱۹۷ هـ تألیف کرد که در فکر آلات و اقسام اشیاء و حیوانات مختلف و مصطلحات ادبی است نسخه‌ای بخط مؤلف در کتابخانه شخصی مولانا محمد ابراهیم گرهی یاسینی موجود است.
- ۱۲- مثنوی ختم السلوک- در ۱۱۹۹ هـ سروده است و نسخه‌ای از این کتاب بخط مؤلف در انجمن ادبی سند موجود است.
- ۲۲- طومار سلاسل گرینه- در ۱۳۰۲ هـ تألیف نموده و در ذکر سلسله‌های طریقت و مشاهیر صوفیه سند است. نسخه‌ای بخط مؤلف در انجمن ادبی سند موجود است.
- ۲۳- شجره اطرهاهل بیت^۱- در ۱۳۰۲ هـ تألیف نمود و در ذکر شجره نسبت سادات سند بود.
- ۲۴- معیار سالکان طریقت- در ۱۲۰۲ هـ تألیف نمود در ذکر یکپاره‌ها و معیار روحانی است و بحسب خطی آن درموره بریتانیا موجود است
- ۲۵- روضة‌الاسیا- (سال تألیف معلوم نیست؟) شعر بود و در فهرست کتابخانه تنه اسم آن ذکر شده است
- ۲۶- رینت‌الاخلاق- شعر بود مشتمل بر صایح و مواعظ
- ۲۷- غوثیه- شعر بود در سلوک و معرفت.
- ۲۸- مثنوی قصای نامم امروز ۲۶۳ بیت از آن مانده است
- ۲۹- میران‌الافکار- شعر بوده است
- ۳۰- تذهیب طباغ (۹)
- ۳۱- سرافرازنامه (۹)
- ۱- از این کتابها نسخه‌ای بجا مانده اما اسامی و مقتضات آن در مقالات الشعر و بعضی کتب دیگر آمده است.

۳۲- حدیقه غلبه مجموعه شعرای فارسی است. نسخه ناقص الاخر آن در انجمن ادبی سند موجود است.

۳۳- مثنوی کن جواهر (۴).

۳۴- میران فارسی (۴)

۳۵- رساله معنی مع شرح - نشر و شعر بوده

۳۶- لب تاریخ کلموره.

۳۷- بیاض محک الشعرا - جنگی است شامل اشعار گزیده فارسی. نسخه‌ای

از این بخط مؤلف در انجمن ادبی سند موجود است.

۳۸- دیوان اشعار^۱.

۳۹- قصاید و منقبت.

۴۰- انشای قانع - نسخه‌ای از آن در انجمن ادبی سند موجود است.

۴۱- مثنوی محبت نامه - ۱۵۹ بیت از آن در بیاض (حنگ) مکی نامه

موجود است

۴۲ - ۴۳ - (در فهرست میر مائل^۲ اسم این دو کتاب محو شده و

حواصده نمی‌شود).

تصویر برای این کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در ۱۱۶۹ هـ آغاز نمود و در ۱۱۷۴ هـ با تمام رساییده

است و اسم تذکره « مقالات الشعراء » از روی ابجد سال اتمام آنرا می‌رساند چنانکه

مؤلف در این باب در مقدمه توضیح داده‌است اما در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه

چین مینویسد: «روری در مجموعی اربابان . مضمون این معنی و حقیقت چنین بیان

۱- از این کتاب نسخه‌ای بحایمانده اما اسم و مقتضات آن در مقالات الشعراء و معنی کتب

دیگر آمده است .

۲- میرعلامعلی متخلص به مایل یکی از سه پسر قانع بود که بعد از پدر جانشین

وی شد (ر.ک. شرح حال میرمایل تنوی از پیرحسام‌الدین راشدی در محله مهران -

بهاره ۱۹۵۵م)

آمد که چون در هیچکدام تذکره صائبه رک صاحب کمالان خطه پاك سند بدیدن نمی آید اگر چنانچه عروس حالات سدی از ابارب سحن این سرزمین استعدادترین و شاهد مقالات برخی از اصحاب فن این حاك پاك قرین در پرند تألیف و حلیه تدوین حلوه افرای جمله گوش مستمعان ماهوش و ضیا پیرای خانه چشم مبصران خردنیوش گردد باری یاد گاری از این دیار بروی کار تواند ماند.

سپس مؤلف (نثر بسیار مصوع میویسد) که وی اکثر بهمین فکر مشغول بوده اما این کار حیلی مشکل نظر می آید چور در هیچ کتاب ذکر این شعرا بمقدار وافی و کافی نوده و در تواریخ و کتب دیگر بطور متفرق و پریشان یافت میشود. در هر حال مؤلف بسال هزار و صد و شصتونه در ضمن نظم «قصه کامروپ و کاملتا» تألیف این کتابرا آغاز نمود.

مؤلف اسم مآحد را در مقدمه یا خاتمه ذکر نکرده است اما در شرح حال شعرا اسم کتاب های ریرا آورده است که از آنها در تألیف این کتاب استفاده کرده است.

۱- کلمات الشعرا- سرخوش

۲- ید بیضا^۱ تألیف میر علام علی آراد

۳- منتحب التواریخ (رجوع شود به نام یا برو پیرم)

۴- تاریخ معصومی یا تاریخ سد میر معصوم نامی بهکری (رجوع شود به نام

هلال و غیره)

۵- اکبر نامه^۲

۶- واقعات تیموری یا تورك تیموری (رجوع شود به نام ناقی)

۱- مؤلف شرح حال اکثر شعرا را که ستند آمده اند از این تذکره اقتباس و نقل کرده است.

۲- از مطالبی که مؤلف در شرح حال نام آورده است معلوم میشود که بعضی مطالب را از این کتاب نقل کرده است.

۷- مجالس المومنین (رجوع شود به نام بیرم خان)

۸- قوانین انشا بالغ (رجوع شود به نام بالغ)

۹- تاریخ غیاث الدین هروی (رجوع شود به نام سپاهی)

۱۰- لطایف الطوائف - علی بن ملاحسین واعظ کاشفی (رجوع شود

به نام شهود)

۱۱- مجمع الصنایع - نظام الدین احمد

۱۲- تاریخ نظامی (رجوع شود به نام نظام الدین)

این تذکره مشتمل است بر ذکر هفتصد و نوزده شاعر در بیست و هشت باب
باین ترتیب که برای هر یک حرف یک نام مخصوص است و اسامی شعرارا بترتیب
الفا از روی حرف اول اسم یا تخلص آنها آورده است.

این تذکره با «ابراهیم، ملا اسراهم بندر لاهری» شروع شده با «یونس
میرمحمد یونس ارغون» تمام میشود در حاتمیه کتاب بعضی غزلهای شعرای معاصر
را آورده و گاهی اشعار خودش را هم نقل کرده است این غزلها قساقیه و ربه شبیه
بهم دارد.

گاهی بعضی حکایات مستدل در این تذکره نقل کرده است مثلا در ذیل
نام بالغ.

در ذیل نام بعضی شعرا بعضی اطلاعات حالی آورده است مثلا در ذیل نام باقر مینویسد:
«مان باقرحانی و کوره باقرحانی از محترعات اوست» اما قبل از قبول چنین
روایاتی لازمست تحقیق بیشتری در این زمینه بعمل آورده شود.

از جمله ۷۱۹ شاعر در ذیل نام ۴۳۷ شاعر مؤلف شرح حال آنها را در یک و دو
سطر و از هر کدام یک دو بیت نقل کرده است و حتی در ذیل بعضی از آنها بد کرام
و وطن شا عرو آورد در یک بیت از او بدون هیچ شرح حال اکتفا نموده است مانند
صاو روح الله و غیره

شرح حال شعرای دیردا معصل تر از دیگران آورده است : خانخانان

(۲ ص) و امین الدین خان و بابروجانی بیگ میرزا و امیرشاه قاسم (هر کدام در ۳ ص) و اعظم خان و سپاهی (هر کدام در ۵ ص) و قانع (مؤلف در ۶۸ ص). همچنین اشعار شعرای زیر را مفصل تر از سایرین آورده است: طالب (۲ ص) و خالص و کامل (هر کدام در ۳ ص) و شاعر (۱/۳ ص) و میرجانشاه (۵ ص) و مداح (۵/۱ ص) و آزاد و رجا (۷ ص) و محسن (تقریباً ۲۵ ص) و قانع (مؤلف ۶۸ ص) بدین ترتیب شرح حال و اشعار خودش را از همه مفصل تر (هر کدام در ۲۸ ص) آورده است .

در نوشتن شرح حال شعرا هیچگاه سعی نکرده است آنرا مفصل بنویسد و اطلاعات هر چه بیشتر را در بساره آنان بهم رساند و این تذکره غالباً فاقد اکثر اطلاعات مهم درباره شعرا میباشد و حتی شرح حال بعضی شعرا را که مؤلف باسانی میتواند از تذکره های دیگر مفصلاً نقل کند بمر مفصل نوشته است مانند آزاد و حزین و سرخوش و غیره و همچنین شرح حال شعرائی را که مؤلف با آنان از نزدیک آشنائی داشت بمر مفصل نوشته است

در ذیل نام شعرای زیر هیچ شعری از آنها نقل نکرده است و تنها شرح حال آنها را آورده است :

عبداللطیف (تبارك) و گل محمد و مشتاقی اما درباره این موضوع هیچ توضیحی هم نداده است. طاهر آ یا سهواً و غفلة نوشته است یا شعری از آنها در دست مؤلف نبوده است .

همچنین در ذیل نام « ابوبکر سوستانی » تنها نقل اشعارش اکتفا نموده و شرح حال وی را اصلاً نوشته است . در ذیل شرح حال خود مؤلف شرح حال مفصل از بعضی اسلاف خود نوشته است که اساساً شاعر نبوده اند .

مؤلف اشعار خود را در ذیل اشعار دیگران بمر نقل کرده است (رجوع شود به نام تسلیم و عاشق محمد کریم و عبدالله حاجی کر بلائی و حکیم غالب و محسن و نجم الدین) و مخصوصاً در ذیل نام عاشق چندین غزل کامل خود را در جواب بعضی

اشعاروی نقل کرده است .

همچنین در ذیل نام بعضی شعرا اشعار دیگران را که در معانی و معیوم تشابه داشته نقل کرده است مثلاً در ذیل نام عبدالله حاجی کربلائی اشعار ذلالتی را و در ذیل نام نجم الدین اشعار غلامعلی مداح را نقل کرده است .

مؤلف با « ماده تاریخ گوئی » علاقه فراوانی داشته است چنانکه در پایان اشعار خود هفت قطعه تاریخ که در آن ار آیات قرآنی و احادیث رسول اقتباس نموده است آورده است همچنین گاهی بعضی اشعار را از خود یا شعرای مرپور یا دیگران نقل کرده است که تاریخ بعضی وقایع زندگی آنها (مانند ولادت و وفات و غیره) را میسرساند مثلاً رجوع شود به آراد و اکروبا بر . همچنین در موقع انتخاب اشعار شعرای « ماده تاریخ گوئی » سعی کرده است که اشعار آنها که متضمن ماده تاریخ بعضی وقایعی میباشد نقل کند مثلاً رجوع شود به اشعار آزاد و عبدالجلیل ملگرامی . حتی در ذیل نام عبدالجلیل هیچ اشعاری غیر از اشعار « تاریخ » از وی نقل نکرده

در ذیل نام اشخاص زیر چندین « ماده تاریخ » نقل کرده است که خود آنها یا مؤلف یا دیگران سروده اند : امی و آهی و احمد عساری قروینی و اکبر و امین الدین خان حسینی و اعظم خان و الهام و ابوالاحمد خان و آزاد و ابراهیم و اعظم و بابرو بیرم خان و باقی و بالچندویی تکلف و تسلیم و جعفر و چتر بهوح و حس و حقیقت الله خان و خالص و ذهنی و رحا و سرافرا و سرخوش و سرشار و شاهجهان و شفیع و شوقی و شهرتی و سید صفائی و عبدالباسط و عبدالجلیل ملگرامی و عبدالقادر و سید عبداللطیف و غلام محمد پسر آخوند و فاضل خان و فایر و قاسم (سراج الدین) و قانع (مؤلف) و کامران و محسن و وقاری و همایون شاه

رو بهمرفته در ذیل اشعار خود اشعار « تاریخی » ار همه بیشتر نقل کرده است . در موقع انتخاب اشعار شعرا طبق ذوق « هندی » اکثر اشعاری را که دارای صنایع لفظی و معنوی بوده ترجیح داده و ذوق شعرویی را از جنس اشعار مشخص میتوان

در ك نمود مخصوصاً رجوع شود به صادق و نجم‌الدین -
 علاوه بر اشعار شعرا گاهی همونه هائی اثر آنها را نیز نقل کرده است مثلاً در ذیل
 نام اکرم رقصه ای (نامه ای) و ارقدوس دورقصه (دونامه) و از خود مؤلف ۲۸
 فقره (حمله) و يك رقصه (نامه) بهتر از کتاب خود بنام « آئین خیالات » که
 بقول خودش « به از نظم است » (یعنی بهتر از شعر است)

سبك انشای مؤلف

نثر مؤلف آمیزش عربی زیاد دارد و گاهی بعضی اصطلاحات و کلمات عربی
 را آورده است که بفارسی معمول نیست مانند کره ثانی بمعنی دفعه دوم (ص ۲۴۲)
 و غیره.

سألها را همه جا بر بان عربی آورده است و در اکثر موارد در نوشتن بعضی
 مطالب از آیات و احادیث استفاده کرده است مثلاً رجوع شود به شرح حال عبدالله (واعظ)
 و عبدالرسول - مخصوصاً در « ماده تاریخ گوئی » از آیات و احادیث زیاد استفاده
 نموده است مثلاً رجوع شود به نام عبدالرشید و میر عبداللطیف و عریضی و آخر
 اشعار مؤلف گاهی بعضی کلمات اردو یا سدهی یا کلماتی که اصلاً فارسی بوده
 اما در هند و پاکستان بمعانی مخصوصی در آمده است بکار برده است^۱ مانند :

« بفوجداری پر گنات معیش داشتہ » (رجوع شود به نام الله وردی بیگ
 ص ۷۰) « نواسه » بمعنی نواده (رجوع شود به نام تسلیم ص ۱۲۱) « در دیوانخانه
 ایشان نشستہ کچھری میگرد » (رجوع شود به نام ابراهیم ص ۶۸) « دو پاس »
 بمعنی طہر کہ بار دو دوپہر گویند (رجوع شود به نام رجا ص ۲۳۲) « سر شتہ دار
 دامہای جاگیر جاگیر داران » (رجوع شود به نام ابوالمعالی ص ۷۵) « خوشنویس
 و دستخط » (رجوع شود به نام اسدالله ص ۷۶) « دہر » بر بان سندی بمعنی « تشکر »
 گاهی بجای « فوت شد » بعضی کنایات مخصوص و جالبی آورده است مانند

۱ - اکثر نویسندگان متاخر هند و پاکستان در موقع نوشتن فارسی همین روش را

داشته اند مانند آراد و آردو حاکم و حوشگو و شعیق و غیره .

« رخت صفا بهالم بقا کشید » (رجوع شود به نام صفائی) « از صیبا ی کل من
 علیها فان نوش کرده سرمست وصل برهنگاه حقیقی شد » (رجوع به نام صیبا)
 « درمنا بریارت بیت آخر شتافت » (رجوع شود به نام کامران) « ساغر شرابا
 ظهورا نوش فرموده سرمست وحدتکنه باقی گردید » (رجوع شود به نام مشرب)
 و گاهی از تحلیص و اسم شاعر استفاده کرده بر عایت آن بعضی عبارات را آورده
 است مثلاً رجوع شود به جمالات وی که از شرح حال صفائی و صیبا و مشرب در سطور
 فوق نقل شده است.

نسخ خطی

- ۱ - کتابخانه شخصی پیرحسام الدین در کراچی
- ۲ - ریوح ۲ ص ۸۴۸ الف ۱ مورخ ۱۲۴۶ هـ
- ۳ - اندیا آفس ۴۴۹۷^۱ (۱۲۷۱ هـ)

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به « مقالات الشعراء » چاپ کراچی
 برای شرح حال مولف رجوع شود به مقدمه مقالات الشعراء چاپ کراچی
 چاپ

ارطغرل احمدی ادبی سد کراچی در سال ۱۹۵۴ م بنصحیح و تحشید آقای
 پیرحسام الدین راشدی بطرز بسیار مطبوع و بیسی چاپ شده است . در این کتاب
 مصحح و اصل آن مقدمه مفید و ارزنده ای را در باره مؤلف و آثار او نوشته است (رجوع
 شود به ص ۲۷) و ۳۲ عکس را از اشخاصیکه در کتاب در این کتاب آمده است
 (و مصحح آنرا بعد از حمد و ریاضی بدست آورده و بعضی از آنها را اول دفعه در این
 کتاب چاپ کرده است) نیز ضمیمه کرده است .

همچنین در حواشی کتاب در باره بعضی از ملوک و امرا و شعرا و شهرها و مقامات

۱ - این نسخه در فهرست آته ذکر شده است . استوری ح ۱۹۱ ص ۱۱۱

تاریخی و غیره شرح بسیار مفیدی را در کتب تاریخ و تذکره و غیره اضافه کرده است و این حواشی مفصل و بجای خودش باید «تکمله» ای بر این تذکره حساب کرد خلاصه زحمات منتصح فاضل آن و اولیای انجمن ادبی سندهی سراوارستایش و تمجید و تشویق فراوانی میباشند و این روش در تصحیح و چاپ کتب تذکره و تاریخ بوسیله سایرین باید «شمع راه» و مورد تقلید و تسع قرار گیرد

سعییه عشرت

ابتدا

«حمدناظمی را که رباعی عناصر را ترکیب بند ساخته و ثنای راقمی که بر لوح فلک از قلم اندام مسدس شش جهت نگاشته»

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب در گاداس است (شرح حال او در هیچ کتاب قاریح یا تذکره و غیره ذکر نشده است)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۱۷۵ هجری تألیف نموده است چنانکه اسم این کتاب «سعییه عشرت» از روی احمد میرساند
سخه ناقص الاخر این کتاب در نانکی پور (که تنها نسخه موجود است) مشتملست بر چهارصد و بیست و پنج شاعر بترتیب العنار روی حرف اول یا تحلیص شاعر و با «اسدی طوسی» شروع شده با «حاجی فریدون محلی» به سابق تمام میشود و حاوی ذکر شعرا و متقدم و متأخر میباشد.

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرا را مخصوصاً از معاصرین مفصل

رویه گرفته مؤلف شرح حال بیدل را (در سه صفحه) مفصل تر از همه آورده و اشعار سراج الدین علیخان متخلص به آرزو را (در ۳۲ صفحه) مفصل تر از سایرین نقل کرده است.

سك اتشای مؤلف در مقدمه کتاب مصنوع است و گاهی شمسج را نیز بکار برده است. اما شرح حال شعرا را بشتر ساده و غیر مصنوع نوشته است.

نسخه خطی

نسخه خطی منحصر بفرد این تذکره در بانک پیور موجود است (رجوع شود به بانک پیور ج ۲ ص ۶۹۹). این نسخه، قص الاخر است و تنها تا حروف فریدون متخلص به «سابق» میآید و مورخ قرن ۱۹ میلادی است.

«مروم دیده»

ابتدا

بعد (از) حمد کلیمی که سخن آفرین و حکیمی که احکم الحاکمین است و صلوات کریمی که رحمة للعالمین و شعیب المذسین است و اهل بیت طاهرین و اصحاب طیبین و تابعین رضی الله تعالی عنهم اجمعین.

شرح حال مؤلف

این کتاب را ملا عبدالحکیم لاهوری متخلص به حاکم تألیف کرده است، وی از طرف حده سید حسینی است چون حده وی از فرزندان قاصی یوسف بود که از سادات معتبره هرات و قاصی بلخ بود

اسم پدرش شادمان خان اوزبک است . از طرف پدر سبش به اوزبک اورغ دورمن میرسد که از نجبای قوم اوزبک بود پدر حاکم در عهد عالمگیر شاه (۱۰۶۹-۱۱۱۸هـ) از یلخ بدکن وارد شد و بقول حاکم به منصب «علی قدر حال خود» و بقول آرزو به منصب هفتصدی و پنجاه سوار سرافرار گردید بعد از مرگ پادشاه مرپور شادمان خان در مرادآباد سکونت گردید و حاکم در آنجا در سنه یکهزار و یکصد و بیست هجری (سنه ۱۱۲۰هـ) متولد شد و در سال اول جلوس محمد فرخ سیرشاه (۱۱۲۴هـ) پدر حاکم «سب کمال ارتباط و اخلاص» نواب دلیر جنگ همراوی بلاهور رفت و در آن شهر رحل اقامت افکند و در زمان فرخ سیر شاه (۱۱۲۴-۱۱۳۱هـ) به منصب سه هزاری و در عهد محمدشاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱هـ) به منصب پسخهراری و نوبت و علم و تقاره منتحر شد بالاخره در چهارم رمضان سنه ۱۱۳۵هـ مطابق سال پنجم جلوس محمدشاه در لاهور فوت کرد و شخصی «بحنت رفت» (= ۱۱۳۵) ماده تاریخ وفات شادمان حاکم گفت

در هنگام فوت پدر حاکم هنوز پانزده ساله بود وی به مطالعه کتب فارسی و اشعار اساتید قدیم بسیار علاقه داشت و گاه گاهی شعر هم میسرود تا آنکه بخدمت شاه آفرین لاهوری^۱ رسیده و در مره شاگردان او درآمد در باره آفرین لاهوری حاکم میگوید

حاکم نداشتم سروسامان فکر شعر از فیض آفرین بسحقن آشاختم
 قبل از حمله نادر شاه به هندوستان^۲ حاکم بنامت حاجی محمد شریف که از خلفای شیخ سعدی لاهوری بوده و بیك واسطه سب وی به سید آدم بنوی میرسید بیعت کرد و در سلسله قادریه مسلك گشت بعد از مراجعت نادر شاه (۲ صفر ۱۱۵۲هـ) بدلی رفت و آنجا با حواجه محمد صادق خان بهادر ملاقات کرد حواجه مرپور

۱- برای شرح حال او در حوض شوده مردم دیده و عبره

۲- نادر شاه در ۱۵ ذوالقعدة ۱۱۵۱هـ در حنك کرمان لشکر دشمن را شکست داد

و در نهم ذوالحجه ۱۱۵۱هـ وارد دهلی شد در ۷ صفر ۱۱۵۲هـ شهر را ترك گفت.

دیوان حاکم را بچط خود نوشت . بناچندی بعد این دو بان را دزدیدند. حاکم بعد از رفع احوال صدر جنگ وزیر و اعتمادالمک همراه وزیر مشارالیه از دهلی به صوبه (ستان) اود رفت و بعد از فوت وی بدلی مراجعت نمود. چندی بعد وارد لشکر شجاع الدوله شد ولی دیری نگذشت که ترك دنیا کرده در زمره فقرا درآمد

مؤلف در مقدمه «مردم دیده» توصیح میدهد که در نتیجه مطالعه مثنوی معنوی مستباده رومی شد و در قصه برای بریلی (در استان اترپردیش هندوستان امروزی) در غره حمادی الاخری سه ۱۱۷۱ هـ تغییر لباس داده لباس فقرا درآمد و از آنجا برای استطلاع «احوال متعلقان» عازم وطن خود لاهور شد و شش ماه در آن شهر توقف نموده سپس در شوق ادراک صحبت حضرت احوذ عبدالسلام بقشدی رو بخطه کشمیر آورد و مالاخره بعد از طی مازل در ملاقات او توفیق یافت. چندی بعد احوذ مر نور رحمت حق پیوست و بعد از فوت وی حاکم یکسال و نیم در آن «سرزمین بهشت آیین سر برد»

حاکم در کشمیر باغاری بیگ خان که «حشی اعتمادالدوله و رفیق معین السلاک» پسرا اعتمادالدوله بود ملاقات کرد و «مجنین ناامیر» محبت اله ملقب به عبدالملک خان برادر زاده میرمعتمت حسن سپید که «اتفاق غازی بیک خان» در کشمیر بوده از بردیک آسائی پیدا کرد اما از شعرای کشمیر هیچکس برای دیدن حاکم نیامد و حاکم تنها به سه چهار روز بزرگ گوشه بسین «سد عبدالرشید و احوذ عبدالوهاب و شاه صیاء اله و کاسوپر ملاقات کرد»

حاکم می گوید که در همین ایام «سی» در واقع حیری نمودند و از خود فرود آمدند. چون بیدار شد از کار شده و «او خود عدم وسائل تصمیم گرفت برای زیارت حرمین برود. در آن ایام بدون اجازه «مراجه سکه حیون» که صاحب تصویب آنجا بود عبور ممکن نبود و اما حاکم سه روز «عسری بیک خان»

بگرفتن جواز عبور موفق شد و به جمون^۱ رسید. خواجه هدایت‌اله گماشته راجا
ظالمه بتواضع بسیار از وی پذیرائی کرد.

حاکم در او اسطر بیع الثانی در شهر هو هشیار پور نزد «متعلقان» و خویشاوندان
جود رسید و بعلت هنگامه (شورش) سنکپان یکسال در آنجا توقف نمود و غالباً
در آن ایام بر لب قهر آب شهر با شاه عثمان خان خلیفه میر شاه علی مینشست و صحبت
می کرد. روزی ناهم نشسته بود که سید خواجه میر با وی برخورد حاکم
بنخواجه مرپور گفت که قصدریارت حرمین را دارد و خواجه میر از طرف خواجه
عداله خان بهادر وسایل بریدگی خانواده حاکم را فراهم نموده و در نتیجه حاکم
در ۱۴ ربیع الثانی (سده ۱۱۷۴ هـ) عارم مکه و مدینه شد

طی مشوی ای که در مقدمه «مردم دیده» آمده است حاکم این مسافرت خود
را شرح داده است از آن معلوم میشود که چون پسوی مکه و مدینه رهسپار شدند در ماه
صفر نورالعین واقف با او هم سفر شد و در راه دونفر دیگر بنام کریم‌اله (که او را
حاکم «پیر حقاوی و فاء» میگوید) و حسن با آنها همراه شدند در راه با استاد خود
مولوی عبدالرحمن ملاقات کرد و چون در ۲۹ رجب ۱۱۷۴ هـ به اورنگ آباد (دکن)
رسید مهمان شاه محمود شد و آنجا با آراد بلگامی ملاقات کرد و آراد مقدم آن‌ها
را گرامی داشت از اورنگ آباد به سورت رفت و آنجا مولوی حیر دین او
را در کستی بنام «سلیمان مکی» سوار کرد اما بعلت کسالت واقف نتوانست
با وی برود

حاکم بعد از دو ماه تسبیح جمع در آحرماه شوال در حدهار کستی پیاده شد و از آنجا
سوار شتر شده عارم مدینه شد و در راه مرار سپیدان بدر را زیارت کرد و بالآخره
مدینه رسید و آنجا مرار رسول و مسجد قدس را زیارت کرد و همچنین قبر حضرت
ابوبکر و مرار حضرت فاطمه و قبرهای دیگر حست بیع را زیارت کرد و بقول خودش
این سعادت در ماه ذوالقعدة نصیب وی شد پس متوجه حابه کعبه شد و چون

به مسجد آن رفت که چهل باب دارد او را اجازه دادند که به داخل مسجد برود چون بقول خودش او پول نداشت . سپس مؤلف سایر هنامک حج را انجام داده در ماه محرم عازم جده شد از آنجا در کشتی بنام «گنج آوری مکی» که متعلق بسید حواجه کوچک بود رهسپار هندوستان گشت و بالاخره در ماه صفر (۱۱۷۵هـ) سورت رسید.

حاکم در پایان مشوی مدکور قطعهای آورده است که بیت آخر آن بطریق معنی تاریخ این مسافرت (۱۱۷۵هـ) را میرساند :

دل شب بصد عجز و دست دعا	پی سال تاریخ بودم بفکر
قبول خدا می شود حج ما	که ناگاه شنیدم روی کرم

(= ۱۱۵۵هـ)

(چون عدد روی کرم که حرف کاف است (= ۲۰) را با عدد ۱۱۵۵ جمع کنیم ۱۱۷۵ برمیآید که سال این مسافرت است)

بروز ۱۵ جمادی الاول سنه ۱۱۷۵هـ حاکم ناتفاق واقع وارد اورنگ آباد دکن شد و آنجا در تکیه شاه محمود اقامت کرد.

در ایام اقامت اورنگ آباد در همان سال ۱۱۷۵هـ حاکم تذکره الشعرائی نوشت شامل ذکر شعرائی که آنها را دیده بود و اسم آن را «تحفة المحالین» نهاد اما بعداً سه بیسهاد و توصیه آزاد بلگرامی اسم آن را به «مردم دیده» تغییر داد

حاکم در ۱۸ شوال ۱۱۷۵هـ از اورنگ آباد به حیدرآباد دکن رفت و در ۱۹ صفر دوباره به اورنگ آباد برگشت و در دوم ربیع الثانی همان سال (۱۱۷۵هـ) حاکم و واقف هر دو از اورنگ آباد عزم شمال هندوستان شدید چون راه برهن بود و مالیه خطرناک بود راه نراز و چتر پور را اختیار کردند ولی با وجود این احتیاط در بین اورنگ آباد و بالابور قطاع الطريق آمده آنان را بردند اما حدودشان هیچ صدمه ای نرسید بالاخره بر حسب تمام بالابور

رسیدند و از آنجا بوسیله قاصدی حال خود را به آرزو بلگرامی نوشته و آرزو مقدار پول برای آنها فرستاد و آنها به سلامت به کولاپور رسیدند اما چون باز وسایل مسافرت را نداشتند دوباره بآرزو نوشتند و آرزو کمک خواستند و آرزو دوباره بآنها مقدار پول فرستاد و بالاخره حاکم و قدرت هر دو به سلامت به وطن رسیدند و در روز شوال حاکم به آرزو نوشت که وی حاکم پور و هوشیارپور در بواحی لاهور نزد اهل و عیال خود رسید و واقف بیر در همان ماه در وطن خود متاهل رسید.

روزی حاکم دیوان خود را برد سراج الدین علی خان آرزو برد تا به نظر تامل و مطالعه نموده از حسن و قبح کلام او را آنگاه سارد آرزو اول امتناع و ورزید اما در نتیجه اصرار حاکم بالاخره دیوانش را پیش خود نگهداشت و بعد از دو ماه حاکم برگرداند و هرچه ایراد داشت در حواشی دیوان یادداشت کرد اما حاکم با اکثر ایرادات آرزو موافقت ننمود. چون وارسته سیالکوٹی اعتراضات و ایرادات خان آرزو را دید در جواب آن رساله‌ای نام «جواب شافی» نوشت اما عجیب اینست که آرزو حاکم را در تذکره خود بخوبی یاد کرده است و حاکم حتی بعد از فوت آرزو از وی تعریف میکند و در «مردم دیده» حاکم درباره آرزو میگوید: «همه را با آرزو ربط احلاص ریاضه از حد بود روزی عرلی در تشع عرلش گفتیم که متطعس ایست»

گرچه از فیض خان آرزو گردنمک طرفه شوری این عرل حاکم بلاهور افکند
 آن مرحور این بیت بدیهه گفته و رساند

شعر آرزو را رفته‌ای گرتوبا ایهم پسندی حاکمی

در «خرابه عامره» (ص ۲۰۲) میگوید: «در این لفظ لطمی و انبامی

مجمع العفایس» (تألیف ۱۱۶۴ هـ) درباره حاکم می‌نویسد: «چند

سال پیش را این دیوان خود را که هر یک چهار هزار بیت است به نظر فقیر در آورده بسیار
 و به نظر گفته. حدیث مرثیه وارد شاه جهان آباد گشته و این مرثیه

بسیب ظلم صوبه دار (استاددار) پنجاب وضبط (توقیف) جا گیرهای (املاک) مردم در این جا رسیده میرملاقات باحقر مینماید .

آزاد در حرامه عامره (ص ۲۰۲) میگوید که وارسته در رساله شاهی در مورد بعضی اعتراضات خان آرزو توأمسته اسب حواب بدهد اما در بعضی موارد در ایس منظور موفق شده اسب و حتی معترف باشاه حاکم شده اسب

مؤلف تذکره «فشرع عشق» میگوید که حاکم در هنگام مراجعت کشمیر در شهر قندهار سنه ۱۱۷۸ هـ فوت و در همان جا دفن شد و بقول مؤلف «تایب الافکار» حاکم در ۱۱۸۲ هـ (اثنین و ثمانین و مایقوالف) فوت کرده است و مؤلف «بعمه عندلیب» میگوید که حاکم در کشمیر فوت کرده اسب. لچهمی بر این مؤلف «گل رعنا» مینویسد که برالعمین واقع لاهوری (متالوی) در اوایل محرم ۱۱۸۲ هـ امام آزاد بلگرامی نامه ای نوشته حاکم کی از این که حاکم و واقف در کشمیر در خدمت بواب سر بلند خان بهادر صوبه دار رفتند و در موقع مراجعت حاکم در شهر قندهار عارضه اسهال فوت کردند و همانجا دفن شد و این واقعه در ۱۱۷۸ هـ اتفاق افتاد.

اما استوری (ج ۱ ص ۸۲۹ - ۸۳۰) میگوید که حاکم تا موقع تألیف «عقد ثریا» (۱۱۹۹ هـ) در قید حیات بود

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در سال ۱۱۷۵ هـ در اورنگ آباد تألیف کرده اسب و در مقدمه کتاب دو قطعه از آراد نقل کرده اسب که طی آن آراد از حاکم تعریف و توصیف کرده اسب ایک دوم این قطعه که سال این کتاب راهم میرساند:

حاکم حظه معنی حاکم کرد بوتد کره ای را تصیف

سال تألیف نقل کرد آراد تاره تألیف همایون لطیف (= ۱۱۷۵ هـ)

۱ - نیر رک محسوب الرمن (اردو) ج ۱ ص ۳۷۳ که در آنجا روایت فوق نقل

۶. درباره سبب تألیف مؤلف در مقدمه این کتاب چنین توضیح میدهد که «از مدتی هر کوز خاطر داشم» که تذکره‌ای مشتمل بر احوال جمعی از شعرای ماضی و حال نویسد «چنانچه اشعار جماعت کثیر از سلف و حلقه تحمینا تا پناه هر از بیت (ار) سه هزار شاعر کسری کم و قریب دوصد (دویست) دیوان مطالعه نموده از هر یکی انتخاب زده موسوم به «انتخاب حا کم» ساخته میخواست ادهم قلم را در میدان گرایش حالات (احوال شعرا) حولان دهد» که ناگاه «عمان عریب از این وادی منعطف گردید و جادیه غیبی رهام اختیار (را) اردست برده بعالم فخر کشید ... در این ولایت که پانزدهم حمادی الاولی سنه ۱۱۷۵ ه... از سورت مبارک که به خجسته بنیاد (اورنگ آباد) وارد شد» و در تکیه شاه محمود اقامت گزید و از صحبت میر غلام علی آزاد متمتع شد تذکره الشعرائی مسمی به «مجمع النهایس» تألیف سراج الدین علی خان آرزو بنظر وی رسید و درباره فکر تألیف تذکره تازه گشت بالاحرّه تصمیم گرفت تذکره شعرائی بنویسد که خودش در خدمت آنها رسیده و شرح آنها را تذکره «مجمع النهایس» نقل نموده «هر جا که بیش و کم دیده شود» بقدر اطلاعات خود اضافه کند و همچنین اشامی شعرائی را که خان آرزو جهلا یا عمدا در تذکره خود بیاورده بپر علاوه کند و اسم این تذکره را بموجب فرمایش میر غلام علی آزاد «مردم دیده» گذاشت

این تذکره مشتمل است بر دگر شصت و یک ساعری که مؤلف بسا آنها قات کرده و شامل مقدمه و دو باب و حاتمه میباشد

باب اول در ذکر هیجده شاعر است بترتیب الفبا که از مجمع النهایس بهمان نام مؤلف نوشته شده است

باب دوم «در ترجمه عبرانی که داخل تذکره خان آرزو نیستند» و مشتمل است بر چهار و دو شاعر بترتیب الفبا و حاتمه «در شمه» (ار) احوال خود مؤلف و حالات بزرگان تنهیق او» در اول با «آخرین» شروع شده با «واقف» تمام شد و باب دوم با «اظهر» شروع شده با «بیم» تمام میشود

در باب اول در ذیل نام شائزده شاعر زیر علاوه بر شرح احوالی که آرزو نقل کرده است بعضی اطلاعات در شرح حالی آنها را از خود هم اضافه نموده است: آفرین و آراد و امید و آرزو و حرین و رایح و درد و عظیم و فقیر و متین و منصف و معجز و واله و وجدان و وفا و واقف .

همچنین اشعار آراد و آرزو و منصف و وجدان و واقف را خودش اشخاص نموده و در این تذکره نقل کرده است و اشعار واقف را از همه مفصل تر (در ۱۶ص) آورده است.

مؤلف در مقدمه این کتاب از آرزو گله کرده است که وی اسامی بعضی شعرا را در «مجمع التغایس» ذکر نکرده است و لذا خودش در باب دوم این تذکره آنها را آورده است اما از اشعار و شرح حالی که حاکم در این جا آورده است پیدا است که حق با آرزو بوده و اکثر این شعرا هیچ ارزش و اهمیت ندارند چنانکه از اکثر شعرا شرح حالشان را در یک دو سطر و از اشعارشان یک دو بیت نقل کرده است

در ذیل نام شهید (ملا باقر) تنها یک بیت از او نقل کرده و نوشته است: «دیوان ضحیمی دارد کرامت که انتحاب رنده» . از این معلوم میشود که مؤلف در انتحاب اشعار شعرا زیاد رحمت نکشیده است.

در ذیل نام فقیر میبوسد «معلوم شد که خان آرزو با اینهمه تعریف و توصیف فقیر که در تذکره نوشته کم نوشتن اشعار او چه معنی داشته باشد» اما خود حاکم هم هیچ شعری از او اضافه نموده و تنها در شرح حال وی بعضی مطالب را اضافه کرده است

در حاتم کتاب اسم هیجده بزرگ «از بزرگان صاحب حال» که بعد طاهر و باطن موصوف بودند و (مواهب) سعادت خدمت ایشان حاصل کرده بود ذکر نموده است و در چند سطر از آنان تعریف و توصیف کرده اما از ایشان هیچ شعری نقل نکرده است و معلوم نیست آنها شاعر هم بودند یا خیر. طاهر این قسمت

خارج از موضوع تذکره میباشد.

مؤلف گاهی بر اشعار شعرا انتقاد نموده است مثلاً رجوع نمود به امام فقیر، سبک انشای مؤلفا کثر ساده و غیر مصوع است اما بعضی جاها مخصوصاً در موقع تعریف و توصیف شعر، شعر مصنوع و گاهی شعر مسجع نگار برده است روی پورته این تذکره را میتوان «تکلمه مجمع العایس آرزو» نامید. اما غیر از پاورده شاعری که ذکرشان در بطور فوق گذشت مؤلف در انتخاب اشعار شعرا رحمت نکشیده و حتی در باب دوم این کتاب در دلیل شرح حال شعرائی که ذکرشان در مجمع العایس نیامده است اکثر اطلاعات لازم را از زنده گانی این شعرا نیاورده است.

نسخه خطی

کتابخانه مرحوم صدربار حاکم حیدر الرحمن خان شیردازی (عکسبائی که از این نسخه برداشته شده است در کتابخانه دانشگاه لاهور موجود است)

چاپ

از طرف آکادمی ادبی پنجابی لاهور سال ۱۳۳۹ ش باهمام دکتر سید عداله بطبع رسیده است این چاپ برار اعلاطیست بدون مقدمه مصحح در شرح حال مؤلف و اهمیت کتاب و غیره).

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به مردم دیده چاپ لاهور ۱۳۳۹ ش که در آغار آن فهرست اسامی

شعرا نیز ذکر شده است

برای شرح حال مؤلف

رجوع شود به مردم دیده و حرا به عامره و مجمع العایس و نغمه عدلیب و بشر عشق و محزن العرایس ۶۴۲ و معالات الشعرا ی حیرت و عقدر یا وسعینه و حوتگو و

سمینه هندی

شزانه عامره

۱۵۵۱

در سر کلام را حیغه حمد صائعی که اسباب را بگوهر گرانمایه ناطقه بواخت
و دهان او را بحواهر رواهر مملو ساخت

مؤلف

مؤلف این تذکره میر غلام علی متخلص به آراد بلگرامی است. (برای شرح حال
او رجوع شود بحث در باره «۱۰۰ بیضا» در این کتاب)

تذکره در کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۲۶ هـ در اورنگ آباد دکن تألیف کرده است
چنانکه در شرح حال خود مینویسد و اکنون در دارالامن اورنگ آباد گوشه گیرم:
در مقدمه کتب قطعه دلیل آورده است که سال تألیف کتاب (۱۱۷۶ هـ) را
می‌رساند

آزاد رقم نمود بو تذکره	در حیب ورق ریخت بقوسره
گجور خرد گوهر تاریخ فساد	حق داده عجب خزانه عامره
	(= ۱۱۷۶ هـ)

مؤلف در مورد سبب تألیف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد:

«عزیر القدر میر اولاد محمد که برادر داده فقیر است خواهش
نمود که تذکره تألیف کرده شود در ذکر سعرائی که جراح مدح ارباب کرم
افروخته اند. صلوات اردولت قدر دانی ممدوحان خود اندوخته چون خاطر مشارالیه

۱- اما مؤلف بعضی اذوقایی بعد از سال ۱۱۷۶ هـ را هم در این تذکره ذکر
نموده است چنانکه سال فوت در گاه قلی خان (متوفی در ۱۱۹۰ هـ) را هم صفت نموده است
(در کج حراته عامره ص ۲۲۴)

عزیز بود التماس او بحسن قبول رسید».

مؤلف فهرست مآخذ کتاب خود را در مقدمه بقرار زیر آورده است:

۱- لب الالباب (لب الالباب) محمد عوفی

۲- تذکره دولت‌شاه

۳- تذکره سامی سام میرزا صفوی

۴- خاتمه خلاصه الأشعار (میر تقی کاشی)

۵- تذکره میر تقی کاشی (خلاصه الأشعار)

۶- هفت اقلیم امین احمداری

۷- منتخب التواریخ دناوی

۸- مجمع الفضلاء بقائی

۹- تذکره میرزا طاهر نصر آبادی

۱۰- مرآت الخیال شیرخان

۱۱- کلمات الشعراء سرحوش

۱۲- همیشه بهار احلاص

۱۳- حیات الشعراء محمدعلینخان متین کشمیری

۱۴- سفینه بی خیر

۱۵- ید بیضا (تذکره دیگر آراد)

۱۶- ریاض الشعراء واله

۱۷- مجمع التقایس آرزو

۱۸- تذکره شیخ علی حرین

۱۹- سرو آراد (تذکره دیگر آراد)

۲۰- تذکره بی نظیر عبدالوهاب دولت آنادی

۲۱- مردم دیده حکیم (حاکم) لاهوری

همچنین در ذیل بحث و شرح اشعار شعرا از فرهنگ‌های زیر استفاده

کرده است.

۲۲- فرهنگ برهان قاطع

۲۳- قاموس عربی

۲۴ و ۲۵- منتخب اللغات و فرهنگ فارسی - عبدالرشید تنوی

(ص ۴۱۰ و ۴۲۴)

از جمله کتب فوق مؤلف از جمله بیشتر ا کتاب مجمع النعائیس آرزو استفاده

کرده است و حتی گاهی اشعار شعرا را از آن نقل کرده است. باید اذعان کرد که

از جمله کتب فوق تدکیره حیات الشعرا متین کشمیری امروز بجای نموده

است.

علاوه بر این مؤلف «ارسیاری اردو اوین شعرا و کتب فن تاریخ و غیر آن»

استفاده کرده است. همچنین مؤلف در مقدمه کتاب تذکره داده است که بعضی

مآخذ وید بیضا «مانند نعائیس المأثر و صوغ صادق و تدکیره باطم تبریزی

و تدکیره ملا قاطعی و غیره در این وقت (یعنی در موقع تألیف خراته عامره) حاضر

نیست لهذا در این کتاب برخی از مقدمات از ید بیضا گرفته شد در باره عرفات تقی

ابوحدی، مسد

«و فقیر عرفات (را) از حرف الصاد تا حرف الیاء (در) سابق دیده بودم

حالا حاضر به مت»

غیر از کتب فوق مؤلف اسامی کتابهای دیگر را در متن کتاب آورده است که

در تألیف این کتاب از آنها استفاده کرده است.

۲۶- چهارمقاله نظامی عروسی (رجوع شود به نام ابوسعید سلمان).

۲۷- حدایق السحر و طواط (رجوع شود به نام ابوسعید سلمان).

۲۸- تاریخ گریده حمداله مستوفی (رجوع شود به نام حسن غزنوی).

۲۹- احبار الاحیاء سیح محدث دهلوی (رجوع شود به نام شیخ حمالی

دهلوی)

- ۳۰- تفحات الاس حامی (رجوع شود به نام حافظ).
- ۳۱- تاریخ فرشته محمد قاسم فرشته (رجوع شود به نام حافظ).
- ۳۲- مرآت الصفا (رجوع شود به نام حافظ و بطیری).
- ۳۳- اعلام الانعام شیخ محمد یحیی اله آبادی (رجوع شود به نام حافظ).
- ۳۴- تاریخ مکه یا تاریخ قطبی قاصی قطب الدین حسنی (رجوع شود به نام حافظ).
- ۳۵- تقایس المآثر ثلاث الدوله درویدی (رجوع شود به نام حیرتی و غیره).
- ۳۶- تفسیر در مشور شیخ جلال الدین سیوطی (رجوع شود به نام حیدری تریزی).
- ۳۷- تاریخ طبری (رجوع شود به نام حیدری تریزی).
- ۳۸- بدرالحق امام عزالی (رجوع شود به نام حیدری تریزی).
- ۳۹- مآثر رحیمی نهاوندی (رجوع شود به نام حاجانان).
- ۴۰- تنبیه العاقلین آرو (رجوع شود به نام حرین).
- ۴۱- ابوالحنان رفیع واعظ قروینی (رجوع شود به نام حاکم لاهوری).
- ۴۲- حبیب السیر (رجوع شود به نام حاقانی).
- ۴۳- بهارستان حامی (رجوع شود به نام امیر حسرو).
- ۴۴- مشتآت حاجی عبدالعلی طالقانی (رجوع شود به نام دانش مشهدی).
- ۴۵- تذکره ملا قاطعی (رجوع شود به نام شهیدی).
- ۴۶- تاریخ صبح صادق (رجوع شود به نام طهیر فارابی).
- ۴۷- ثمرات القدس (رجوع شود به نام عبدالعادر بداونی).
- ۴۸- شاه جهان نامه عبدالحمید لاهوری (رجوع شود به نام قدسی).
- ۴۹- تاریخ عالم آرای عباسی (رجوع شود به نام ملک قمی).
- ۵۰- تفسیر قاصی بیضاوی (رجوع شود به نام حرین).
- ۵۱- صحاح جوهری ()

این تذکره مشتمل است بر ذکر صدوسی و پنج شاعر متقدم و متأخر بترتیب
الفبا از روی حرف اول اسمها تحلیص شاعریها و با فانوری حاوری شروع شده تا (میر)
یوسف بلگرامی، تمام میشود.

مؤلف در مورد انتخاب اشعار در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است که اشعاری
که در این تذکره آورده است از جای دیگر نقل نکرده و الا بقدر قلیل پناه
بر ضرورت، چون اشعار مطلوب از جای دیگر بدست نمی آمد و مؤلف فرصت
مقایله انتخاب خرید و کتب دیگر ندانست و این احتمال دارد گاهی
اشعاری را که در کتب دیگر انتخاب شده است در کتاب خود نیز آورده باشد.
همچنین درباره اینکه گاهی اشعار خوب در این تذکره پیدا نیست چنین توضیح
میدهد که اشعار خوب را قلم از وی کسی دیگر در تذکره خود انتخاب کرده یا
از نظر مؤلف افتاده یا دیوان شاعر بصورت تمام و کامل بدست مؤلف نرسیده است.
همچنین مؤلف توضیح میدهد که با وجود اینکه برخلاف سرو آزاد که مطالع
بر غیر مطالع مقدم دارد در این کتاب چنین التراسمراعات نموده است

اما در موقع انتخاب دیوان ترتیب ردیف را نگهداشته چنانکه اگر بیتی
مطلوب است رود پیدا شود

همچنین مقداری از اشعار عربی را از خود وارد کرده اند در این تذکره ثبت
نموده است و درباره اشعار عربی توضیح و شرح لازم داده است مثلاً رجوع شونده
نام عربی

گاهی اشعار فارسی بعضی شعرا را شرح داده است مثلاً در ردیف تام نعمت خان
عالی قطعی که وی در طوی (حسن) کامگار جان سروده است داده است که بیت آن

کدخدای سدا در دیگر جان عالی

دکمن عرب و تمکین و وقار و ریب و دین

در دلیل شرح حال بعضی شعرا چون بعضی وقایع مهم زندگی آنها بعد از

اتمام کتاب بمولف رسیده است این مطالب را در پایان شرح حال آنها اضافه کرده است مثلاً رجوع شود به ذکر شاعر (میرسید محمد بلگرامی).

مؤلف در ۸۱ صفحه این کتاب (ص ۳۵ تا ص ۱۱۶) بعضی وقایع تاریخی معاصر را به شرح حال نوابان و امرای آنوقت بیان کرده است. این قسمت کتاب از حیث تاریخ معاصر دارای اهمیت فراوانی میباشد چون اکثر وقایع مذکور چشم دید مؤلف بوده است و همچنین نوابان و امرای مرزور نیز معاصرویی بودند و آرا و شخصاً با اکثرشان ملاقات کرده است این قسمت مشتمل است بر در حال نواب آصفجه و امیرالامراء فیروز جنگ و عمادالملک نواب نظام الدوله ناصر جنگ و مظفر جنگ و امیرالملک و نواب آصفجه ثانی و نواب برهان لملک و وزیر الممالک صفدر جنگ و وزیر الممالک شجاع الدوله و سپس ذکر احمد شاه درانی و هفت حمله وی بر هندوستان و ذکر حاصلات (درآمد) ایران و در ضمن ذکر مرهته ها و بیان آنکه دولت آباد در چه وقت و بچه بچه بتصرف اسلامیان (مسلمانها) درآمده بود در دین آصفجه و نواب نظام الدوله بعضی اشعار که آنها سروده اند آورده است. همچنین ذکر اسحاق خان و اولادش را در دین نام آورده است.

در هر حال چون اکثر این مطالب (غیر از اشعار آصفجه و نظام الدوله) مربوط بموضوع تاریخ است سایر این خارج از موضوع تذکره میباشد بهتر بود اگر مؤلف آنرا بصورت رساله جداگانه ای می نوشت تا با مطالب این تذکره مخلوط و آمیخته نشود.

همچنین در دین نام ناقص ابهری واقعه محاصره اصفهان (۱۱۳۴ هـ) و وقایع دیگر زمان سلطان حسین و مادر شاه را نقل کرده است که البته از حیث تاریخ مهم است اما از موضوع این کتاب خارج است.

شرح حال شعرای ریر را از همه معصل تر نقل کرده است (در ۳ ص) و آرو (۳ ص) و مولانا قمرالدین (در ۴ صفحه) اشعار و شعرای ریر را از همه معصل تر نقل کرده است. بیخبر و رفیع و کاتبی

و کلیم (هر کدام در ۴ ص) و شاه آفرین (در ۱/۴ ص) و ابوسعید لاهوری (در ۵ ص) و
 وراقم مشهدی (در ۱/۵ ص) و آزاد (مؤلف اشعار فارسی در ۶ ص) و اشعار عربی (در ۱/۳ ص)
 و شیدا و میر عبدالجلیل (هر کدام در ۶ ص) و محمد علی ماهر (در ۸ ص) و بینک
 (در ۱۳ ص).

اشعار خود را که در قافیه یا ردیف یا معنی شبیه با اشعار شعرای دیگر
 بوده در ذیل اشعار شعرای زیر آورده است

بدر جاجرمی و حافظ و حریر (اشعار عربی) و شیدا و صایب و عرت
 همچنین اشعار شعرای زیر را در ذیل اشعار شعرای دیگر بمناسبت شباهت
 قافیه و ردیف یا معنی آورده است

۱- اشعار امیر خسرو و سعدی را در ذیل اشعار میرزا اشرف جهان.
 ۲ اشعار خواجوی کرمانی و حافظ و امیر خسرو و سلمان ساوجی را در ذیل
 اشعار بدر جاجرمی.

۳- مطلع و حشمت تپائیسری را در ذیل اشعار بیحمر.

۴- اشعار آرزو و خسرو و ومتسی را در ذیل اشعار خاقانی.

۵- اشعار عصمت بخاری و حسن زادر ذیل اشعار امیر خسرو.

۶- اشعار مهربان را در ذیل اشعار دکا.

۷- اشعار خاقانی و ابوری را در ذیل اشعار طهیر.

۸- بیتي! امیرشاهی سرواری را در ذیل اشعار سلمان ساوجی

۹- قطعه ظهوری را در ذیل اشعار شیدا

۱۰- اشعار ربیعی کاشی را در ذیل اشعار و اله دغستانی

۱۱- اشعار قیلاں یک و آرزو را در ذیل اشعار مولانا لطف اله شیرازی.

در ضمن نقل اشعار بعضی کلمات مشکل و پر را که در اشعارشان

سکارفته شرح داده

و ادهم (ابوری ص ۹) و نوا (ابوسعید سلمان ص ۱۴) و دسودس السرحان

وغزاله وبتیاره و سهر و فکر (ابوسعبد سلمان ص ۱۶ و ۱۸ و ۲۰) و قالین (شاه آفرین ص ۳۴)
 و شق و و شاق و قفس (خاقانی ص ۲۰۵ و ۲۰۷) و مصلح منحل و و سزل و طوطی و حلی (طهیر
 قاریایی ص ۳-۳۱۲) شرح قطعه‌ای از نعمت حن عالی و کلمات مشک آن (ص ۳۳۶-
 ۳۴۶) جوهر (عادل شاه جهان آمدی ص ۳۰۰) و بسمل و اردصیقل و ثمر و کساد و زکام
 و عذار و نوالهوس (هایلی تبریزی ص ۱۰-۷-۴).

همچنین بعضی کلمات مشکل را در دیل اسعار ساطی سمرقندی و بیدل
 و شیدا و نظامی شرح داده است و غالباً سد آنرا از ورهنگ ها و اسعار شعرای دیگر
 آورده است

اشعار خود را نیز در ۸ صفحه شرح داده است و سداستعمال بعضی اصطلاحات را
 از شعرای دیگر آورده است

مؤلف اگر چند ردیل نام خاقانی از آوردن اشعار «رکیک» و مسندل هجووی
 خودداری کرده است اما در دیل اسعار نعمت حان عالی قطعه‌ای در هجو بسیار مستدل را
 به تنها نقل کرده است بلکه در ۱۰ صفحه آنرا شرح هم داده است و در پایان «حمدار بد مستی پای
 ریش این جام» را نویسد استعمار و تونه رفیع ساخته است

در باره اشتباهات تذکره نویسان دیگر اشعار زیر - مرا را بجای گویدگان
 اصلی آنها نام دیگران سب داده اند تذکر داده و گوینده اصلی آنها ذکر
 نموده است

۱ - بیتی رزلالی که مؤلف «مع اقلیم» نام قطران نوشته است (ص ۲۴۸)
 ۲ - بیتی از محمد طاهر عی کشمیری که مؤلف «متحب التواریح» مشخص دیگر
 آورده است (ص ۲۴۸).

۳ - بیتی از غتیعه امیر خسرو که در محمود و ایار رلالی آمده است
 (ص ۲۴۸)

۴ - دو بیتی که آرزو در «مجمع العایس» بجای محمد قلبی سلیم تبریزی نام
 شیدا نوشته است (ص ۲۸۱).

۵ - بیتی از میرعبده‌اللهی که آرزو بنام طالب آملی و میرعبدالغنی هردو نوشته و
واله بنام غنی تفرشی نوشته‌اند (ص ۳۰۲)

۶ - رباعی از میرعبدالعسی که آرزو بنام زاهد علیخان سجا و میرعبدالغنی
تفرشی هردو نوشته و حرین و واله بنام غنی تفرشی نوشته‌اند (ص ۳۰۳).

۷ - رباعی از وجدان سرهندی که آرزو بنام میرزا مظهر صاحبان آورده و بقول
حاکم اصلاً از وجدان است (ص ۴۴۵)

مؤلف بنا بر ماده تاریخ گوئی، علاقه فراوان داشت و در ردیل نام شعرا و اشخاص زیر
ماده تاریخی را که خودش در وفات آنان سروده نقل کرده است. نواب آصفجاء و
نواب نظام الدوله و آرزو و بیدل و شاعر و صائب (خیلی مهصل) و ناصر علی و میرعبدالحمید
و متین اصهبانی و شاه محمود و معزالدین.

همچنین در ردیل شرح حال شعرا و اشخاص زیر ماده تاریخی که دیگران در وفات
آنان سروده‌اند نقل کرده است.

قطعه تاریخ فوت امیرالممالک از میراولاد محمد رکا و راهب ارمشقاق اصهبانی
و سلمان ساوجی از ناصر بن نور محمد و میر معصوم از محمد علی ماهر و شکیمی صباها
از میرالهی و شبلی تگلو از محمد علی ماهر

ماده تاریخ وفات ناصر علی و سرخوش و محمد عا کف و غزالی (مشهدی) از فیضی
و محمد زمان از ماهر و یوسف بلگرامی اردکان.

در ردیل نام شعرای دیر ایراداتی را که دیگران بر اسعدزسان گرفته‌اند جواب
داده است

۱ - اعتراض آرزو بر شعر حیرتی تویی

۲ - اعتراضات آرزو بر اشعار حرین و حاکم و سرخوش (و دوباره در ردیل

۳ - اعتراض کسی در بیتی از ناصر علی

۴ - تنصی در بیت عاقل

۵. اعتراض بر بیتی از میر محمد زمان (در ذیل وجدان سر هندی) .
 همچنین ایراداتی را که بعضی بر اشعار شعرای زیر داشته‌اند ذکر نموده‌است .
 جافظ (بر مدح الدنیا) و صائب (مکرر در ذیل نام عنصری) و عرفی و نعمت خان
 عالی و فردوسی .

در ضمن شرح حال شعرا یا نقل اشعارشان در باره موضوعات زیر بحث
 کرده‌است .

۱ - در ذیل نام ابوری در باره تشبیب و نسیب و حسن طلب و مطمح .
 ۲ - در ذیل نام حیدری سریری در باره مذمت هند از شعرای ایرانی و اینکه
 خود ایرانیها هم هندی‌الاصل هستند (چون حضرت آدم اول پسر زمین هند
 نازل شد) .

۳ - در ذیل نام ستابی تکلودر باره موضوع برر کشیدن شعراء (ص ۷۰-۲۶۹)

۴ - در ذیل نام صمیر تحقیقی در باره بحور عربی و فارسی (ص ۹-۲۹۸) .

۵ - در ذیل نام عرفی شیرازی در باره «های مختفی» (ص ۳۲۱) .

۶ - در ذیل نام علی سر هندی، در باره قاعده حمل در ماده تاریخ گوئی
 (ص ۳۳۰)

۷ - در ذیل نام نعمت خان عالی در باره بواقص شعری (ص ۳۳۸) .

۸ - در ذیل نام نظامی در باره نوعی از تشبیه که آنرا علمای بدیع هندی اینها
 الکار گویند (ص ۴۳۱)

سبک انشای مولف

سبک انشای مؤلف غالباً نیم مصوع و گاهی یکی مصوع است مخصوصاً در مقدمه
 و در موقع تعریف شعرا بشرم مسجع پرداخته‌است و گاهی بر عایت اسم یا تحلیص شاعر
 حساس آورده‌است مثلاً

در ذیل نام ابوری حاوری می‌ویسد « استاد من و یکی از رسل ثلاثه قلمرو

سبحان است

درذیل نام ابوسعیدسلیمان لاهوری مینویسد: « زمین سخن یوراثت عاقلش یمین اوست
 و قلمرو بیان از بیاض پندر وجد زیر مگین او » .

درذیل نام ادهم مینویسد: « زنجیر و خشیان خیال است و دام آهوان مقال » .

« ایجاد » « ایجاد شعر کار اوست و اختراع اشاء شعار او »

« خاقانی » « حسان العجم و افتخار اللوح و القلم است » .

« امیر حسرو دهلوی » حسرو قلمرو معانی است و صاحبقران سواد اعظم

سخندان بی » .

درذیل نام بعضی شعر ا جمله ای مصنوع در معنی « ایضا اشعار او » آورده است مثلا:

درذیل نام ازرقی مینویسد « برخی از کلام (اشعار) نیل ز حسار ورق نموده میشود » .

« بیخسر بلگرامی » او ساغر عرفان میگرداند » .

« حیاتی گیلانی » آنجیات از ظلمات دوات بیرون می آرد » .

« خواجو کرانی » او بخل سخن می بندد » .

همچنین گاهی جمله ای مصنوع در معنی « فوت کرد » بکار برده است مثلا :

درذیل نام بیخسر بلگرامی مینویسد « بسراستان قدس خرامید » .

« شکیمی تهریری » « سیر وادی خاموش پرداخت » .

« شاعر بلگرامی » « بخت الماوی خرامید » .

مؤلف کلمات عربی را در اوایی بکار برده است و در سراسر کتاب ترکیبات و

کلمات عربی را بکثرت در شرح خود آورده است و حتی سالها را در سراسر کتاب بالعاط

عربی نوشته است همچنین گاهی در شرح خود آیات قرآن و صرب المثلهای عربی را

بکار برده است مانند ان الحسبات ینهین السیئات (ص ۳) و آتیا فی الدنیا حسنة و انه

فی الاخرة لمن الصالحین (ص ۴) تعالی (الله) من ذلك علوا کبیرا (ص ۶) قل لو کان

البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی ولو حثثنا مثله مددا (ص ۶)

گاهی کلمات اردو را در شرح خود بکار برده است مانند حاکمیر بمعنی املاکی

که از طرف دولت یا پادشاه بکسی داده میشود است (آرزو بود در گناه قلی خان) و حجاز

بمعنی کشتی (حرین و حاکم) و غیره.

گاهی املاهای کلمات و اسامی اشخاص و شهرهای هندی را بحروف اردو

نوشته است رجوع شود به صفحات ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۳،

۶۷، ۱۱۰، ۱۱۹.

اما برعکس گاهی املاهای بعضی شهرها را بحروف فارسی نوشته ماندند (ص ۳۶ و ۱۹۴)

و گلکنده (ص ۳۵)

سخ خطی

۱- اشپرنگرش ۲۵ ۲- لیدزیا نا ص ۱۴۴ (ش ۳۱۹) (۱۱۶۷ هـ) ش ۹۲۵

(۱۱۹۶ هـ) ش ۳۲۰ (قسمتی از کتاب - تقریباً ۱۷۸۰ م)

۳- اته ۶۸۵ (۱۱۸۲ هـ - اردوی نسخه خود مؤلف استساخته شده است) ۶۸۶

(۱۱۹۳ هـ) ۶۸۷-۹۰ (هرچهار نسخه تاریخ ندارد) ۴۹۰ (تنها قسمت تاریخ)

۴- اندیا آفس دی پی ۶۴۴^۱

۵- اندیا آفس ۳۹۹۱^۱ (تنها شرح حال آصفجاء) ۴۰۷۸^۱.

۶- ریوح ص ۷۹۸ الف (تنها قسم اول تاد کر احمد شاه درانی - ۱۱۹۷ هـ)

۳۷۳ الف (قسمتی از کتاب با آراد تمام میشود - او احرقرن ۱۸ م) ص ۳۷۴ (قسمتی

از کتاب - از آصفجاء تا آراد اوایل قرن ۱۹ م) ص ۳۷۴ (قسمتی از کتاب - آصفجاء

ویسران وی و غیره - ۱۲۳۲ هـ)

۷- نادلین ۳۸۱ (۱۱۹۹ هـ)

۸- بلوئه ح ۲ ش ۱۱۵۷ (قرن ۱۸ م) ۱۱۵۸ (قسمتی از کتاب او آخر

قرن ۱۸ م)

۹- آصفیه ح ۱ ص ۳۱۸ س ۲۶ (۱۲۲۱ هـ)

۱۰- مانکی پور ح ۸ س ۷۰۰ (قرن ۹ م) ۶۵۸ (قسمتی از کتاب - آصفجاء

۱- این نسخه در فهرست اته ذکر شده است. ر. ک استوری ح ۱ ق ۱ ص ۳۶۱ در دیل

و غیره - ۱۲۰۳ (تکمیله ج ۴ ش ۱۷۸۸ (قرن ۲۱۹) .

۱۱- علیگره ذخیره سبحان اله ص ۶۰ ش ۲۰ (۱۲۶۶هـ) .

۱۲- ایوانو ۲۳۲ (قرن ۲۱۹) ذخیره کرزن ۵۹ (۱۲۸۲هـ) .

۱۳- براون - نسخ فارسی - ۱۱۵

۱۴- براون دحیره H۲۳ (۲) (شرح حال آصفجاه و غیره)

۱۵- انجمن همایونی آسیائی فهرست فارسی ش ۱۱۶ (نیر ش ۱۶۴ و ۱۶۵) .

چاپ

کانپور ۱۸۷۱م و ۱۹۰۰م منشی نولکشور لکهنو (سال ۹)

فهرست اسامی شعرا : رجوع شود به خزانة عامره چاپ لکهنو و کانپور -

تذكرة الشعرا

مؤلف

اسم مؤلف این تذکره معلوم نیست

مؤلف این کتاب را بین سالهای ۱۱۷۰ و ۱۱۸۰ هـ تألیف نموده است چون

در صفحه ۹۵ الف سحبه اته سال فوت سراح الدین آرزو را ۱۱۷۰ ذکر کرده

و سپس در ص ۶۶۳ الف درباره میرشمس الدین فقیر (متوفی در ۱۱۸۰ یا ۱۱۸۱هـ)

مینویسد که وی هنوز در قید حیات است

این تذکره مشتملست بر ۲۸ «حدیقه» هر حرف در یک حدیقه و هر حدیقه مشتملست

بر سه «گلشن» برای ذکر شعرای ۱ - منقدم ۲ - متوسط ۳ - متاخر و گلشن سوم

دو «چمن» دارد چمن اول درد کوشعرای ایران و توران و چمن دوم درد کوشعرای

هندوستان.

این کتاب با «شبه ابوالحسن حرقانی» شروع میشود و مشتملست بر ذکر

۲۲۰۰ شاعر ترتیب الفبا شرح حال شعرای متقدم مخصوصاً پیرازاغلاط است مثلاً
سال وفات شیخ ابوالحسن خرقانی را ۳۵۲۱ بحسب ۵۴۵۲ هـ سال وفات ناصر خسرو
را ۱۱۹۰ هـ ثبت کرده است.

اته گمان کرده است که این نسخه «تذکره بیظیر» است اما این محققاً درست
نیست (رجوع شود به بحث درباره «تذکره بیظیر» در این کتاب)

نسخه خطی

برای نسخه خطی منحصر بفرد این تذکره رجوع شود به اته ش ۶۹۲ (ظاهرأ
نسخه چرکنویس است و مقدمه و حاتمه و اسم مؤلف ندارد این نسخه دارای ۹۳۶
برگ و صفحه‌ای ۳ ستون و هرستون ۱۵ سطر دارد).

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به ص ۱-۱۷ نسخه اته ش ۶۹۲ فوق.

گل رعنا

ابتدا

یادرب مقبول سار اشای مرا درخوش سخنان بلند کن جای مرا
چون بوقلمون کمرنگ قایم دارد ایمن رحبران کن کلک رعنای مرا
برنظار گیان سخن و تماشائیان بیفشه داراین چمن محمی مناد که متمسک
عروه وثقای آرادى سده لچهمی براین متخلص به شفیق اورنگ آنازی که اررور
ازل داع غلامی حضرت آراد بلگرامی مدطله العالی برحیین است

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب لچهمی نراین ماتهرار قوم کهنتری کیپوروتخلص وی شفیق است. جدش بهوانی داس همراه اردوی عالمگیری (اورنگ زیب عالمگیر (۱۰۶۹-۱۱۱۸هـ) از لاهور وارد دکن شده و در شهر اورنگ آباد متوطن گشت و در سلك ملازمین غازی الدین خان منسلک شد. پسر متوسط وی منسارام پندر شفیق هنوز ده ساله بود که بهوانی داس فوت کرد. بعد از فوت بهوانی داس حسومت رای که هم قوم و هم جدی بود تربیت منسارام را بعهده گرفت. چون وی بزرگ شد نظر بلیاقت و استعداد خود در عهد نواب آصفجاه (۱۱۱۳-۱۱۶۱هـ) به پیشکاری صدارت شش صوبه (استان) دکن مامور گشت و تماموقع تألیف «گل رعنا» مدت چهل سال^۲ بود خدمت مزبور را بحوبی انجام میداد. سپس نواب صمصام الدوله (م ۱۱۷۱هـ) در ایام وکالت خود (۱۱۶۷-۱۱۷۰هـ) نظر با استعداد وی و در نتیجه توصیه میر غلام علی آزاد بلگرامی او را منصفی اعطا نمود و پیشکاری بحشی الممالک دکن را بحدومت سابق وی علاوه کرد. در سنه ۱۲۰۴هـ منسارام دیوان بود چون شفیق در «حقیقت‌های هندوستان» تألیف ۱۲۰۴هـ وی را دیوان مینویسد.

شفیق در دوم صفر ۱۱۵۸هـ در اورنگ آباد بدینا آمد و در سایه عطوفت میر غلام علی آزاد بلگرامی که او را «پیر» خود مینویسد تربیت یافت چون بزرگ شد در سلك ملازمین نواب نظام علیخان (۱۱۷۵-۱۲۱۸هـ) منسلک شد و ببرد خدمت نواب

۱- مؤلف «تأیید الافکار» دو ساله مینویسد اما شفیق در فصل دوم «گل رعنا» ده ساله نوشته است.

۲- منسارام در ابتدای کتاب «مآثر نظامی» مینویسد «منده عقیدت شناس منسارام آصفجاهی پسر بهوانی داس عاری الدین حانی صیره مالکش عابد حانی در حدود پنجاه سال درین سرکار دولت مدار زندگی را راحت بسر برده و خدمت صدارت کل را انجام داد» و مورد عاطفت و شفقت قرار گرفته‌ام» (ترجمه).

۳- ر ک گل رعنا و بهرست نانکی پور ح ۸ ص ۱۲۸

صمصام الدوله به منصبی و لقب «دولت چند» سرافراز گردید - وی در اول صاحب تخلص داشت ولی در سنه ۱۱۸۶ هـ. آراد بلگرامی وی را «شعیق» تخلص داد اما در ریخته (اردو) کما فی السابق «صاحب» تخلص داشت و همچنین در شعر فارسی نیز در بعضی محورها که شفیق آجا می گویند صاحب تخلص می آورد

مؤلف تذکره «سخنوران بلند فکر» (اردو) می نویسد که شعیق در تاریخ نویسی مهارتی تام داشت و مآثر آصفی و مآثر حیدری بر آثار اوس و اینکه شعیق در خدمت نواب عالیجاه فرزند نواب نظام علیخان آصفجاه تابی نظام دکن (۱۱۷۵-۱۲۱۸ هـ) ملازم بوده و دارای منصبی و لقب «دولتی چند» بوده و در سال ۱۲۰۱ هـ فوت کرد . اما این درس بیست چون شفیق تا سال ۱۲۱۴ هـ که سال تألیف «ساحط العایم» وی است در قید حیات بوده است. در روی جلد «گل رعنا» فصل دوم (چاپ حیدرآباد دکن عسارت زیر آمده است : «تألیف شفیق متوفی ۱۲۲۳ هـ» ولی مأخذ این اطلاع معلوم نیست .

مؤلف «نتایج الافکار» می نویسد که شعیق در اوایل مایه ثالث فوت کرد

آثار مؤلف

آثار شعیق بدین قرار است .

الف - تواریخ

۱- حقیقت های هندوستان (اسم تاریخی است و سال تألیف ۱۲۰۴ هـ را می رساند) مشتمل است بر چهار مقاله درباره فردهای دفتر قدیمه و شرح استانهای هندوستان و دکن و شرح مختصر سلاطین مسلمان هند از معالدین سام تا شاه عالم پادشاه هند این کتاب را مؤلف بهرمایش و بنام مربی خود کاپیتان ویلیام پاتریک^۱ ریویدت تألیف کرده است برای نسخ آن رجوع شود به ریو ح ۱ ص ۲۳۸ و ۲۳۸ الف و ح ۳ ص ۱۹۱۳ الف و ایوانوس ۱۷۹ و ساکی پور ح ۷ ص ۵۴۳ و آته ۴۲۶

۱ - Captain William Patrick

۲- **تسمیق شگرف** - (اسم تاریخی اسب و سال تألیف آن ۱۲۰۰ هـ رامیرساند) در تاریخ دکن است و شامل مطالب جغرافیائی و تاریخی و آمارهائی راجع باستانهای مختلف دکن و نیز شرح سلطنت بهمنیه و حال مختصر حکومتهایی که بعد از آن حاندان موجود آمدند مانند عادلشاهی و قطبشاهی و در آخر حال سلاطین تیموری هند تا سال ۱۲۰۰ هـ است. شمیق این کتاب را بنام مسر ریچارد حاسن^۱ ریریدنت حیدرآباد عنوان کرده است. برای نسخ آن رجوع شود به ریو ج ۲ ص ۸۵۹ ب و اتد ۴۴۷ و ۴۴۸.

۳- **مآثر آصفی** - تاریخ حاندان آصفجه نظام دکن از حواجه عابد (جد نظام الملك آصفجه اول) تا آصفجه سومی است و نیز شامل شرح شورشهای مرهته و حال امرا و راجاهای معاصر است. مؤلف آنرا ۱۲۰۸ هـ تألیف کرده است. برای نسخ آن رجوع شود به اتد ۴۶۸ و ایوانو ۱۹۶ و ریو ج ۳ ص ۱۰۳۹ الف.

۴- **مآثر حیدری** - (رجوع شود به محضوران بلند فکر - اردو)

۵- **نظام الغنایم** - اسم کتاب درجی اسب و سال تألیف آن ۱۲۲۴ هـ را میسراند این کتاب در تاریخ مرهتهها^۲ است. مؤلف بهرامیش سرجان ملکم^۲ آنرا تألیف کرده است که در آنوقت در حیدرآباد بود. برای نسخ آن رجوع شود به ریو ج ۱ ص ۲۲۸-۹ و آصفیه ج ۱ ص ۲۲۰؛ اتد ج ۲ ص ۳۰۱۸ و رها تاسک ص ۷۳.

۶- **حالات حیدرآباد**^۳ - تاریخ مختصر مساحد و قصور و باغات و غیره شهر حیدرآباد و نیز شامل شرح شهر بیدر و ورنگل است که مؤلف در ۱۲۱۴ هـ تألیف

۷- **خلاصه الهند**^۴ - برای نسخه آن رجوع شود به آصفیه

۲۳

۱- Mr Richard Johnson

۲- Sir John Malcolm

۳- ر. ک. مقدمه خمستان شعرا از مولانا عبدالحق ص ۸

۴- ر. ک. استوری ص ۸-۱۱، ۴۱۶ و ۴۱۷

بـ تذکره

۱- چمنستان شعراء: اسم کتاب تاریخی است و سال تألیف ۱۱۷۵ هـ را می‌رساند. این تذکره شعرای اردو است که مؤلف پسن ۱۸ سالگی بترتیب الفبائی بزبان فارسی نوشته است. در ۱۹۲۸ هـ در اورنگ آباد چاپ شده است.

۲- شام غریبان - تذکره شعرای فارسی ایرانی الاصل است که بعلمی وارد هندوستان شدند. نسخه‌ای از این کتاب امروز موجود نیست.

۳- گل رعنا - تذکره مورد بحث .

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۱۸۱ هـ آغاز کرده است چنانکه قطعه زیر می‌رساند:

از قوم مسلمین و فریق هندوست	تو ک قلم لالی بحر سخنوران
از باغ طبع سررده «رعنا غلی شکفت»	تاریخ این صحیفه رنگین سحر گهی
(= ۱۱۸۱ هـ)	

همچنین در پایان کتاب این قطعه را آورده است که سال اتمام کتاب ۱۱۸۲ هـ را می‌رساند:

بچه اسلوب تازه شد مرقوم	این کتاب مناقب شعرا
گفت تاریخ «نامه مختوم»	از پی ختم این صحیفه شفیق
(= ۱۱۸۲ هـ)	

مؤلف در پاره سب تألیف در دیباچه کتاب چنین توضیح داده است:

«الحال که شهر احدی و ثمانین و مایه و الی است بخاطر فاتر آورد که کتابی ترتیب باید داد مشتمل بر موروثی که مولد و مشای ایشان هندوستانست و عندلیبانی که گلزمین ایجاد ایشان این بوستان و آنرا بر دو فصل منقسم باید ساخت اول در سخن طرزان اسلامیان و دوم در نکته پردازان اصنامیان»

مؤلف اسم کتابهای زیر را در دیباچه کتاب آورده است که در تألیف این کتاب مورد استعاده وی قرار گرفته است .

۱- مرآت الخیال تألیف شیرخان لودی .

۲- کلمات الشعرا تألیف سرخوش دهلوی .

۳- همیشه بهار تألیف اخلاص دهلوی .

۴- حیات الشعرا تألیف محمدعلی خان کشمیری .

۵- ریاض الشعرا تألیف واله داعستانی .

۶- تذکره خوشگو (فصل ثالث)

۷- مجمع العایس تألیف سراج الدین آرو .

۱۰ و ۹- ید بیضا و سروآراد و حرانۀ عامره تألیف آزاد بلگرامی .

۱۱- تذکرۀ بی نظیر تألیف میر عبدالوهاب دولت آبادی

۱۲- مردم دیده تألیف عبدالحکیم حاکم لاهوری

این تذکره مشتمل است بر . . . (۹) شاعر فارسی هدا عم از اینکۀ احداث آنها از

ایران آمده مقیم هند شدند یا اصلاً اهل هندوستان بودند و مشتمل است بر دو فصل

فصل اول شامل ذکر شعرای مسلمان است که با «میر غلام علی آزاد» شروع شده یا

«میریوسف بلگرامی» تمام میشود و فصل دوم شامل ذکر شعرای هندو است و

با «چلدا س» شروع شده با «هنر (گیان رای)» تمام میشود .

شرح حال آزاد خیلی مفصل و تقریباً ارسایر شعرا معصّل تراست و همچنین

شرح حال اکبر تقریباً در ۴۸ ص آمده است که ارسایرین معصّل تراست .

اشعار و شرح حال عده زیادی از شعرا را معصّل آورده است و گاهی مختصر

ولی جامع و حاوی اطلاعات مفیدی میباشد

اشعار بعضی شعراء را با اشعار دیگران مقایسه نموده است مثلاً در ذیل نام

«وارسته سیال کوتی» اشعارش را با اشعار حاکم و حافظ مقایسه نموده است .

همچنین گاهی بعضی مطالب را شرح داده است مثلاً در دیل نام محمد افضل ثابت در قصیده‌ای که اصطلاحات طبی و تلمیحات تاریخی به فراوانی بکار رفته آنرا شرح داده است.

سبک انشای مؤلف اکثر ساده است اما گاهی مخصوصاً در مقدمه شعر مصنوع و حتی شعر مسجع بکار برده است

روپمرفته این تذکره دارای اهمیت و فواید زیادی است و محتویات آن مورد اعتبار و اعتماد است چون مؤلف در نوشتن آن خیلی دقت و توجه خاصی بخرج داده است مخصوصاً قسمت شعرای معاصرین مفصل‌تر و باارزش‌تر آورده است

سخن خطی

۱- بانکی پور ج ۱ ص ۷۰۱ (مورخ ۱۲۰۴ فصلی).

۲- اندیا آفس ۳-۳۶۹۲

۳- ریو ج ۳ ص ۹۷۷ ب (قسمتی از فصل اول - قرن ۱۸م)

۴- آصفیه ج ۳ ص ۱۶۲ ش ۱۸۳ (تأخرف و ف).

۵- هراتسک ص ۱۶۱ ش ۱۲۱ (کامل) و ش ۱۲۲ (ناقص - تأخرف و ف).

۶- کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی ش دفتر ۳۵/۳/۴

۷- دانشگاه پنجاب لاهور (حیلی کرم خورده است و اکثر عبارات از کرم -

خوردگی خوانده نمیشود).

چاپ

فصل دوم (مشمول بر ذکر شعرای هندو) انجمن ترقی اردو حیدرآباد دکن

فهرست اسامی شعرا

فصل اول رجوع شود به ریو ج ۳ ص ۹۷۷ . و فصل دوم رجوع شود به

۱- این نسخه در فهرست آته ذکر نشده است . و ك استوری ج ۱ ق ۱ ص xvi

در ذیل عبارت .I.O.

بانکی پور ج ۸ ص ۱۲۹-۱۳۴ .

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به «گلرغنا» و حقیقت های هندوستان و
تتایح الافکار و سخنوران بلنه فکر (اردو) و مقدمه چمنستان شعرا از مولوی عبدالحق
(اردو) و بانکی پور ج ۸ و استوری ص ۴۷۶-۸ .

شام غریبان

مؤلف :

این کتاب را شفیق مؤلف «گلرغنا» سال ۱۱۸۲ هـ تألیف نموده است.

بصره بر کتاب

این کتاب تذکره شعرای فارسی است که اصلاً ایرانی بودند اما بعضی وارد
هندوستان گشته اند. شرح حال شعرا مختصر ولی حال و معین است و انتخاب اشعار
بیر حوسب و گاهی مؤلف بعضی نکات را درباره برخی اشعار توضیح داده است.
سخنهای این کتاب امروز پیدا نیست . دیو در دیل «گلرغنا» درباره این
کتاب تذکر داده است (رجوع شود به دیو ج ۳ ص ۱۰۸۵ ب)

تذکره یوسف علیخان

مؤلف

اسم مؤلف یوسف علیخان و اسم پدرش غلام علی خان است.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در مرشدآباد بسال ۱۱۸۴ هـ با تمام رسائیده است. این تذکره تکمله کتاب «حدیقه الصفا» اثر دیگر مؤلف میباشد و مشتملست بر خاتمه ای که آنرا «تذکره یوسف علیخان» میگویند. این کتاب را مؤلف بعنوان تکمله «مجمع العایس» آرزو تألیف کرده است و در این تذکره شرح حال و نمونه اشعار مختصر تقریباً سیصد شاعر متقدم و متأخر و در ذیل تتمه ای شرح حال و نمونه اشعار بیست شاعر معاصر را که در تذکره سابق الذکر آرزو نیامشده آورده است و اهمیت این تذکره تنها در ذکر شعرای معاصر میباشد.

نسخ خطی

۱- اشپرنگر ۶۲

۲- نادلین ۱۱۸ (نسخه مؤلف)

۳- برلن ۶۶۱ (مورخ ۱۲۱۳ هـ)

۴- بانکوی پورج ۶ ص ۴۸۰ (تتمه دارد - قرن ۱۹ م)

۵- ایوانو ۴۵

برای فهرست اسامی ۲۰ شاعر که در «تتمه» آمده است رجوع شود

به اشپرنگر ص ۴-۱۹۳.

مجموعه عشق

یا «چهار چمن» یا «باغ گل‌های حسن»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب شیخ غلام محی‌الدین قریشی میرتنی است که اول مبتلا تخلص می‌کرد و بعد تخلص عشق را اختیار کرد. پدرش شیخ نعمت‌الله متخلص به «نعمی» بود و عشق بسن دوازده سالگی در تدوین دیوان قطور پدر خود کفایت کرد. عشق دوق شعر را از پدر بارت برده بود و خودش نیز دیوانی ترتیب داده که در آن دیوان مبتلا تخلص آورده است. عشق با وجودیکه اکثر اوقات خود را در تیراندازی صرف می‌کرد ولی هیچگاه در موقع بیکاری از مطالعه کتب مختلفه غافل نبوده. وقتی که شاه‌عالم (۱۱۷۳-۱۲۰۲ هـ) از بنه (ط اراله آباد) به دهلی رفت (در ۱۱۸۵ هـ) وی بایکی از درباریان پادشاه مرپور دوست شد که لقب وی نواب نجف‌خان و اسمش ابراهیم بیگ و تخلص وی عالم بود و به پیشنهاد نواب نجف‌خان مرپور عشق دیوانی دیگر ترتیب داد و در دیوان مرپور تخلص عشق را اختیار کرده است و همچنین عشق بهر مایش نواب خان مشوی فسون عشق را که داستان «شاهرخ و ماهرخ» را بیان میکند سرود

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

- ۱- مجموعه عشق - تدکرمه مورد نعت
- ۲- دو دیوان فارسی با تخلص مبتلا و عشق
- ۳- مشوی «فسون عشق» (در بیان داستان شاهرخ و ماهرخ).

۵- نسخه سراین حدت تاریخ گوئی

۶- بحارالتشريح- تأليف سال ۱۲۲۰ هـ

۷- عشیات العشق در باره تصوف تأليف ۱۲۲۰ هـ

۸- طبعات سخن- تذکره ديگر فارسی و اردو .

«مجموعه عشق» یا «چهارچمن» یا «باغ گلهاي حسن» تذکره فارسی است که ۱۲۸۰ صفحه دارد (رجوع شود به اشیرنگر). مؤلف این کتاب را سال ۱۱۸۲ هـ تأليف نموده است. چنانکه نام این کتاب «باغ گلهاي حسن» از روی احد میرساند

سخنه خطی

برای نسخه منحصر بفر داین تذکره رجوع شود به فهرست علیگره مسحن الله ص ۵۳ ش ۸ .

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به طبعات سخن تحت عشق و متلا و مجموعه نعرج ۱ ص ۴۰۱ و اشیرنگر ص ۱۸۷ و استوری ص ۴- ۸۸۳
فهرست اسامی شعرا در هیچ کتاب ذکر نشده است

لب لباب

ابتدا

حمدی مرادرو صمت ابتذاع سرای باز گاه کلیمی است که اندتد کره للمتعبر
کلام ..

مؤلف

اسم مؤلف قمرالدین علی بن ذوالله الحسینی الماصری است

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در ۱۲ ربیع ۱۱۹۴ هـ برای آقای رجارد حاسن^۱

ترتیب داده است.

این تذکره اصلاً خلاصه تذکره «ریاض الشعراء» است و تقریباً تمام شعرائی که در ریاض آمده است در این تذکره نیز ذکر شده است اما با این فرق که شرح حال شعراء و نمونه اشعارشان در تذکره «احیرسة» مختصر آمده است. باوجود اینکه این کتاب اساساً خلاصه «ریاض الشعراء» میباشد اما مؤلف آن بعضی مطالب حاشیه را در این کتاب افزوده است که در تذکره «ریاض الشعراء» نوده و در این حیث این کتاب دارای اهمیت و ارزش بیشتری از «خلاصه ریاض الشعراء» میباشد.

ذکر شعراء در این کتاب نیز مانند «ریاض الشعراء» ترتیب الفبا آمده است اما بر خلاف «ریاض الشعراء» که در «شیخ ابوالحسن حرقانی» شروع میشود این تذکره با ذکر «شیخ ابوسعید بن ابوالحیر» آغاز میگردد.

نسخه خطی

اته ش ۶۹۵ (مورخ ۱۱۹۴ هـ دارای ۲۳۶ برگ و صفحاتی ۱۵ سطر بخط

شکسته)

فهرست اسامی شعراء

در هیچ کتاب ذکر نشده است

انیس الاحبا

ابتدا

«ستایش بی حد و بیایش لاتعد سخن آفرینی را که بعمه کاف و بون چندین زمره گوناگون بر آورده و بمصداق کلمه فیکون هژده (هیجده) هزار عالم را ناطوار بوقلمون ظاهر کرده».

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره موهن لعل متخلص به انیس است . اسم پدرش رای تولارام است که قابونگوی پرگه گوپامو در سرکار حیر آباد بوده است . مؤلف هندوی کایسته بود . اسم جدانیش دیوان اودهیراج بود . انیس ارشاگردان میرزا محمد فاخر مکی بود و در موقع تألیف این تذکره بیش از پنجاه سال بود که در خدمت حویلی لکنومصاف صوبه نصر نگر اود خدمت میکرد

تصویر بر کتاب

مؤلف این تذکره را در ۱۱۹۷ هـ نوشته است . چنانکه قطعه زیر که در حاتم کتاب آورده است میرساند

این نسخه که رشک باغ بی سعی حلیم
سالش در چمن طراد داش حستم
چون صاحب انیس از گل شعر بمیس
فی المور بگفت این بود باغ انیس
(= ۱۱۹۷ هـ)

۱- مؤلف در این تذکره همین قدر شرح حال خودش را آورده است و سپس در چندین صفحه پشت سر هم عباراتی سنک مصوع آورده است که منی و مطهر شکسته منی مؤلف میباشد اما هیچ اطلاعی را درباره زندگی وی نمیبسازد و تکلی بیخود و بی فائده

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه چنین توضیح داده است .

«منحی نماید که ... تذکره بویس موهن لعل ایس . (از شاگردان)
میرزا محمد مکین . بعد (از) ترتیب دیوان خیال آن داشت که چندی از اشعار
تلامذہ آنحضرت بامجمل احوال هریکی جمع نموده رساله بوضع تذکره باید
نگاشت تا حاضران را تذکری و آیندگان را یادگاری باشد اما تا حال از بعضی
عوارض این خیال در دل آره بود و این گره از خاطر نمیگشود . در پیولا که ...
دیوان نواب سرافرار الدوله ناظم الملك میرزا حسن رضاخان بهادر طهر جنگ نایب
وریر الممالک سلیمان رحمان سپهسالار شجاع الملك یحیی خان آصف الدوله بهادر هزبر
جنگ وزیر هندوستان^۱ یعنی قطام بخش کاروبار ملکی و عالی مهارجه تکبیت (یا تکت)
رأی بهادر معطله عالی (بوسیله) .. رأی سیدداس (که از دوستان اوست) این
احقر الناس .. (را) طلب فرمود (ومصاحف خود گردانید) . . اتفاقاً تذکره شیخ
المتأخرین شیخ محمد علی حریر . را مطالعه نموده و خواستند تذکره ای بطرز
آن تألیف شود . ایجانف ترتیب تذکره مذکور (را) بهر حالی که بود قبول کردم
و بنوشتن آن همت گماشتم .. مر این مجموعه را متضمن بافتتاح و فتح الباب و احتتام
و حسن خاتمه و مشتمل بر یک فصل و عاصله ساختم»

این تذکره کوچکی است مشتمل بر ذکر پنجاه^۲ شاعر (در ۱۸۷ صفحه کوچک^۳)

بدون هیچ ترتیب مخصوصی . این تذکره در اصل مندرج در ...

میرزا فاخر مکین (استاد مؤلف) و شاگردان او اما تیمنا اشعار و شرح حال عظیمای

اکسیر اصهبانی را سردر ابتدای این تذکره آورده است چون استاد مدینه افا

مکین بوده است

سجده اشپریگر حاوی دودت بوده بدین قرار . باب اول شامل ذکر سی

وسه شاعر مسلمان که اولشان «میرزا عظیمای اکسیر اصهبانی»^۴ است

۱- آصف الدوله از ۱۱۸۹ تا ۱۲۱۲ هـ نواب وریر اود بود .

۲- از روی نسخه دیوبند ص ۳۷۷ الف ۹۱ شاعر .

نورعلی واصلی» است و باب دوم شامل ذکرشش شاعر هندو است که اولشان برای سروپ سنگه دیوانه و آخرشان «موهن لعل ابیس (مؤلف)» میباشد. علاوه بر این مؤلف در حاتمیه ذکر یازده شاعر را آورده است که آنها شاگردان مکین بودند و اولشان «محمد حسن» و آخرشان «دیپی پرشاد سایل» است^۱

ترتیب نسخه اشپرنگر با نسخ ناکی پور و مجلس فرق دارد و ترتیب نسخ اخیر الذکر بدین قرار است^۲

افتتاح درد کر حال و اشعار میرزا عظیمای اکسیر اصعبانی استاد میرزا فاحر مکین.

فتح الباب درد کر حال و اشعار میرزا فاحر مکین

فصل «در بیان احوال و افکار مستفیدان آنجناب که محلی به پیرایه اسلامند» و شامل ذکر سی و یک شاعر مسلمان از شاگردان مکین است که اولشان «شاه عالم پادشاه متخلص به آفتاب» و آخرشان «میر نورعلی متخلص به و صلی» است

فاصله «درد کر احوال و اشعار شاگردانی که از فرقه هندو زیت بخش کلامند» و شامل ذکر شش شاعر هندو از شاگردان فاحر مکین است که اولشان «رأی سرب سکه دیوانه» و آخرشان «موهن لعل متخلص به ابیس (مؤلف)» میباشد

احتتام «محتویست باحوال و افکار شاگردان مسلمین تلامذه آنجناب» و شامل ذکر بیست و شش مسلمان است که شاگردان فاحر مکین بوده اند و اول آنها «خواجه محمد حسن حسن» و آخر آنها «میرزا ابراهیم بیگ متخلص به دوست» میباشد

و در حسن حاتمیه «مدکور است احوال و اشعار تلامذه هندو شاگردان فیض-

۱- ر ک نسخه اشپرنگر تر ۳۳

۲- همچنین ر ک نسخه زیوج ص ۱ ص ۳۷۷ الف که در ۱۲۳۵ هـ قاتماً رسیده است و اضافه‌های زیادی دارد چنانکه در فصل پنجاه شاعر و در فاصله دوازده و در احتتام یازده و در حسن حاتمیه بیحده شاعر دارد و نسخه آن در ۱۲۳۷ هـ نوشته شده است

مآب» و مشتمل بر ذکرشش شاعر هندی است که شاگردش گردان فاخر مکن بود سدا
اول آنها «خوشحال چند عریان» و آخرشان «لاله داتارای متخلص به رفیق» است
مؤلف اشعار و شرح حال شعرائی را که در اول در زمره شاگردان مکن بودند اما
بعداً از گرفتن اصلاح از او دست کشیدند در این تذکره بیاورده است چنانکه خودش
در مقدمه کتاب باین موضوع اشاره میکند

«ذکر اشخاصی که دل صاف نداشتند و بعد از گرفتن اصلاح سخن خود را از این
دولت محروم گذاشتند پس خاطر بیعتار و قلم اصاف رقم آنها را در این صفحه (صحیفه)
حان داده»

مؤلف در این تذکره هیچ حاسی نکرده است اطلاعات مهمی را جمع بردگانی
شعر را که خود با آنان از نزدیک معاشر یا معاشر بوده بنویسد و حتی سال تولد
و وفات عظیمای اکسیر اصفهایی و سال ولادت فاحر مکن استاد خود را هم ذکر
نکرده است.

در سر تاسر کتاب تمبا در ذیل تمام شعرای زیر سالها را ست کرده است که
به بعضی وقایع زندگی آنان اشاره میکند

در ذیل نام «محبت» مینویسد «در سنه ۱۱۸۸ هـ ۰۰۰۵۱۱۸۸۸۱۸۸۸ بلکنور رسید».

« فایض » « در سنه ۱۱۹۰ هـ ۰۰۰۵۱۱۹۰۰ این رباعی را در مدح گفته»

« بیمزه » « در سنه ۱۱۸۰ هـ ۰۰۰۵۱۱۸۰۰۰ ترک تعلق (از دنیا) نمود»

همچنین در ذیل نام شعرای زیر اساره هائی به بعضی وقایع تاریخی موده است
که از آن میتوان سال تقریبی آن واقعه را دست آورد

در ذیل نام سکر مینویسد بعد (از) هنگامه احمد شاه بدالوردی . کنکنور رسید»

یم

حال میرزا محمد حرمی ز (در ۱۲۳۰ هـ) و میرزا محمد حرمی (کسر مقفی بی)

زا (در ۳-ص) از همه فصلت

همچنین اشعار منتخب خود را در ۱۳۳۰ هـ (میرزا محمد حرمی) ص ۱۳۱

از همه مفصل‌تر آورده است.

هم‌چنین اشعار شعرای ریر را تیر نسبتاً مفصل آورده است.

لطف‌علیخان باطوق (در ۴ ص) حسن‌علیخان دهبین و عنایت بیگ ساکن و پنجاب
رای والی (هر کدام در ۵ ص) و برهان‌علیخان رهبین (در ۶ ص) و محمدجعفرخان راضی
(در ۷ صفحه ۴)

مؤلف در مقدمه این کتاب دوا دعا کرده است اما هر دو را در تألیف این کتاب
رعایت نکرده^۱

۱- ادعای اول مؤلف راجع بسک خود است. مؤلف میگوید: «و دل از تکلفات
عبارت مشیانه و اشارات حریفانه و طریقه‌ها پر داختم (حالی کردم) که مراد ادای
مطلب است نه اظهار ادب و غیر ادب»

اما متأسفانه سک اشای مؤلف در این کتاب با ندادن‌ای پر تکلف و پر صبح
اسب که غالباً در ردیل شرح حال شعر اطناب بیخود و عبارت‌پردازی بی‌معنی جای مطالب
لازم را گرفته است و ناززترین دلیل آن شرح حال خود مؤلف است در ردیل نام ابیس که
بعثت همین عبارت‌پردازی و تصنع هیچ اطلاعی در باره سال ولادت و تحصیلات و خدمات
و غیره مؤلف را بهم نمیرساند

۲- ادعای دوم مؤلف راجع به عدم مبالغه و اغراق است چنانکه خودش میگوید:
«این هیچمدان که چنین شعل (را) پیش گرفته محض برای تد کار دوستانست و
سبک‌دوشی خود از حقوق ایشان احوال هر یک بی‌کم و کاست نگاشته و هر گز رعایت
طرف دوستی منظور نداشته و در این امر معاف و معذور است که تکلف و مبالغه از دیانت و
راستی دور است»

اما اکثر شعراء را که اشعار بسیاری از آنها بی‌اهمیت و ارزش میباشد بالقاب
پر تکلفی یاد کرده است مخصوصاً در ردیل نام میرزا عطیمای اکسیر اصفهانی و میرزا
محمد قاهر مکی در آوردن القاب و تعریف باین اندازه مبالغه ورزیده است که از آن
عبارات غیر ارتکف و تعریف بیخود و بی‌جهت مقصود و منظور دیگری پیدا نیست همچین

در تعریف شعرای دیگر نیز خیلی غلو کرده و اکثر تعریف آنها اغراق آمیز است. با اسم و تخلص هر شاعر بعضی القاب در تعریف وی بنثر مسجع آورده است همانند: «والا دوده ان شمع شستان فضل و کمال و گل سرسند دولت و اقبال کمال آئین محمد برهان علیخان درهن».

«بزرگی شعار عالی تبار صاحبزادی صائب محمد حمر حار راغب».
سکاشای مؤلف در دلیل نام اکثر شعرای پر تکلف و مصنوع است و مخصوصاً در موقع تعریف و توصیف اشعار تصع بیشتری بچشم میخورد. نثر مصنوع این تذکره آئینه دوق مشکل پسندی آن دور میباشد.

همچنین اشعار منتخب این تذکره نیز نمودار دوق آن زمان است و رویهم رفته

د

این تذکره کوچک مشتملست بر ذکر بعضی شعرائی که در تذکره های دیگر اسامی آنان یافت نمیشود. مؤلف احوال و نمونه آثار شاگردان استاد خود فاخر مکین و شاگرد شاگردان وی را در این تذکره جمع آوری نموده است و شعرای خوب را ازین آنان انتخاب نکرده و در نتیجه بعضی شعرای مستدی و قاره کار را نیز در این تذکره ذکر نموده است. هم چنین چون در ترتیب این تذکره نظر و منظوری داشته و آن جمع آوری اشعار استاد خود و شاگردان او بوده بنا بر این هیچ حاحر حویبی و تعریف اسم آنها را برده و هیچوقت بر اشعار آنان انتقاد نموده است.

سخ خطی

۱- اشرف نگر ش ۳۳

۲- ریوج ۱ ص ۳۷۶ الف (مورخ قرن ۱۸م - طاهر آبه خط مؤلف یا نا تجدید نظر مؤلف) ص ۳۷۷ الف (نا تجدید نظر و اضافه هائی - آغاز در ۹۰-۹۱ و اتمام در ۱۲۳۵هـ) نایبجاه ساعر در فصل ۱۲ در فاصله و ۱۱ در احتتم و ۱۸ در حسن حاتم -

مورخ ۱۲۳۷ هـ

۳- برلن

۴- بانکی پور ح ۸ ش ۷۰۳ (قرن ۱۹ م)

۵- مجلس تهران (= کتابخانه شخصی استاد سعید نفیسی در تهران).

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به ابوس الاحماء و تالیح الافکار (ماه بیچ جا

شرح حال معصل وی بیامده است)

فهرست اسامی

نسخه اول (مورخ ۱۱۹۷ هـ) رجوع شود به اشپرتگر ص ۳-۱۶۲.



حلاصة الكلام

ابتدا

« تعالی اله ماقاصر فهمان کوتاه بیان را چه یارا که زبان بجمدوثنای متکلم
بی زبان توایم گشود ودات بی نشان مدع کون و مکان را که بهم و ادراک و عارت
در بگنجد دانیم ستود»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تد کوه علی ابراهیم خان و تحلیص وی حلیل^۱ والقباب
او نواب امین الدوله عزیز الملک خان بهادر ناصر جنگ اسب و سلسله سبش
به دوارده واسطه به شیخ شمس الدین فریاد رس لودی میرسد که در زمان مخدوم اشرف
چپا سگیر کچه چپاوی وارد هندوستان گردیند در تصوف شاگرد و مرید مخدوم مر پور
بود شیخ فریاد رس در ۷۹۰ هجری فوت کرد و مرادش در ضلع (شهرستان) فیض آباد
در شمال غربی دریاچه ایتوه ریارت گاه خاص و عام اسب

۱- دکتر روردر حاشیه مقدمه دگلس هند، تحلیص علی ابراهیم خان حلیل را دعلی، نوشته

است که دوست بیست

یکی از اجناد خلیل بنام منجهوشید که نسبش در پشت پنجم به شیخ فریادرس میرسد موقعیکه از اود بجانب بهار میرفت بعضی از کهار وی را شهید کردند. خانم او بهول بی بی و دو پسر او بنام شیخ مصطفی و شیخ جنید به صوبه (استان) بهار رفته در قصبه شیخ پوره (یا شیخ پوره) در ضلع (شهرستان) مونگیر اقامت گریزند. بعد از وفات شیخ مصطفی اولاد او اخلاف وی در عظیم آباد (پتنه) متوطن گشتند و در محله های دونی گهات و غیره سکونت گزیدند شیخ محمد رضا پدر خلیل هم از اولاد شیخ مصطفی مزبور بود. خلیل در حدود ۱۱۴۸ هـ در عظیم آباد (پتنه) متولد شد قاضی عبدالودود در مقدمه دیوان رضا می نویسد «در مقدمه دیوان حوشش آمده است که خانواده مادری مصطف تد کره (گلزار ابراهیم) از عظیم آباد بود اما صحیح اینست که مولوی نصیر خد مادری علی ابراهیم خلیل اهل شیخ پوره بود و بعد از مراجعت از ایران در عظیم آباد رحل اقامت افکند. (رجوع شونده سیر المتأخرین چاپ نول کشور لکهنوس ۶۱۱).

اسم پدر خلیل خواجه عبدالحکیم بود خلیل هنوز هفت ساله بود که از سایه پدر محروم گشت و کار تعلیم و تربیت وی بعهده داود علی خان عرف زایر حسین خان دائی او محول شد و خلیل در اول کتسعر بی و فارسی را برد وی خواند. وی طبیعت شاعر بود و از کودکی مقبت و مرثیه های ائمه را میسرود. از این جا پیدا شد که وی مذهب شیعه داشت

در ۱۱۶۱ هـ (مطابق ۱۷۴۸ م) داود علی خان بقصد حج و زیارت عتبات عالیه عازم کلکته شد. چون آنجا رسید مدتی در شهر کلکته توقف نمود. آنجا نواب علی وردی خان مهاجر جنگ دوست قدیمی وی ناظم سنگاله و بهار واریسه^۲ بود. داود علی خان ابراهیم خان خلیل را که همراه خود بکلکته آورده بود به علی وردی خان مر نور سپرد و خلیل تحصیلات خود را در مرتد آباد بی پایان رسانید.

۱- شیخ پوره ضلع مونگیر ریک بهار میں اردو زبان و ادب کا ارتقا ۱۸۵۷ تک

زبان اردو کتر آختر اور پیوی چاپ پتنه ۱۹۵۷ م.

۲- اسم صوبه (استان) هندوستان

در ۱۱۳۴ هـ (مطابق ۱۷۶۱ م) موقعیکه انگلیسها میر جعفر را معرول کرده و میر قاسم را بر مسند نظامت (بنگال) نشاندهند میر قاسم مزبور خلیل را بعنوان مشیر خود انتخاب نمود و بداروغگی «داغ و صحیحه» مأمور کرد. دکتر اختر اورینوی^۱ مینویسد که خلیل وزیر نواب میر قاسم علی خان عالیجاه بوده و مدتی صوبه دار (استاندار) عظیم آباد (پتنه) و نایب ناظم آنجا بود. بعد از اینکه دوره «عالیجاه» سپری شد از نواب اود شجاع الدوله جدا شد و مرشد آباد رفت.

سپس تامدتی خلیل در گوشه عزلت و انزوا سر برد تا اینکه در ۱۱۷۷ هـ (مطابق ۱۷۶۳ م) بعد از فوت میر جعفر انگلیسها صبح الدوله را بر مسند نظامت (بنگال) نشاندهند و نواب مظفر جنگ محمد رضا خان بهادر را نایب مدارالمهام او مقرر کردند مظفر جنگ مزبور خلیل را برای نیابت خود و سمت امامت انتخاب نمود. اما چون در سه ۱۱۸۳ هـ (مطابق ۱۷۶۹ م) مبارک الدوله پسر پنجمین میر جعفر بر مسند نظامت حلوس کرد خلیل با او توافق نظر نداشت و بالاخره مجبور بایستعما شد.

در مدت ۱۱۸۳ تا ۱۱۹۴ هـ خلیل اوقات خود را بیشتر در مشاعل ادبی و کار تصنیف و تألیف صرف میکرد. در ۱۱۹۵ هـ (مطابق ۱۷۸۰ م) لرد وارن هیستنگر^۲ گورنر جنرال (فرمانروای کل) هندوستان که از رفقای خلیل بود او را همراه خود به لکنو برده به نواب آصف الدوله بهادر نواب وزیر او در (۱۱۸۹-۱۲۱۲ هـ) معرفی کرد و نواب او را خلعت فاخر عطا کرد. سپس در ۱۱۹۶ هـ شاه عالم (۱۱۷۳-۱۲۲۲ هـ) خلیل را لقب «امین الدوله عربی الملك نصیر جنگ» عطا کرد و وی را حاگیری میر بخشید

در ۱۲۰۶ هـ (مطابق ۱۷۹۱ م) خلیل از طرف کمپانی هند شرقی بتوصیه پیشهاد

۱- رک بهارمیں اردو زبان و ادب کا ارتقا ۱۸۵۷ تک» برهان اردو اردو دکتر اختر

اورینوی چاپ پتنه ۱۹۵۷ م)۰

۲- لرد وارن هستنگر (Lord Warren Hastings) ارسال ۱۱۸۶ تا ۱۲۰۰ هـ

از طرف کمپانی هند شرقی گورنر جنرال (فرمانروای کل) هندوستان بود.

لرد هیستنگر دادستان عالی ضلع بنارس مأمور و حقوق وی دو هزار روپیه ماهیانه
مقرر شد پس وی با حقوق پانصد روپیه ماهیانه نایب او انتخاب شد. در زمان فرمانروائی
کل لرد کارنوالس^۱ خلیل گورنر (استاندار) بنارس شد.

در مدتی که خلیل در بنارس مأموریت داشت وی همواره مشغول کار تصنیف و
تألیف بود چنانکه تذکره‌های خلاصه الکلام و صحف ابراهیم و گلزار خلیل را
در زمان اقامت در بنارس تألیف نمود.

خلیل در ۲۶ جمادی الاول ۱۲۰۸ هـ (مطابق اول دسامبر ۱۷۹۳ م) در بنارس
فوت کرد و پهلوی مرقد شیخ علی حرین در قطعه زمینی که خودش برای این منظور
خریداری کرده بود دفن شد. هسیو دتاسی سالوفات خلیل را ۱۷۹۳ یا ۱۷۹۴ مطابق
۱۲۰۸ هـ صط نموده است و حرأت مصرع زیر را در تاریخ فوت خلیل بزبان
اردو سروده است .

«لو آه متا مطلع دیوان عدالت» (یعنی: آه مطلع دیوان عدالت معجوشد).

آثار مؤلف

۱- صحف ابراهیم - تذکره دیگر شعری فارسی (رجوع شود به بحث درباره
صحف ابراهیم در این کتاب)

۲- خلاصه الکلام - تذکره مورد بحث.

۳- گلزار ابراهیم - تذکره قریب به سیصد تن از شعرای ریخته (اردو) که خلیل
در ۱۱۹۸ هـ با تمام رسانیده است برای سح آر رجوع شود به اشیر نگر ۴۵ و بادلین ۳۹۸
و ربو ح ۱ ص ۳۷۵ ب (قرن ۱۸ م) و ح ۳ ص ۱۰۶۹ الف (قرن ۱۹ م) و نانکی پور ح ۸
ص ۷۰۲ (۱۲۲۰ هـ) و ایوانو تکلمه اول ۷۶۸ (قرن ۱۹ م) و برای ترجمه آن که بهر مایش
گلکریست بعمل آمده است رجوع شود به براون دیل ش ۱۰۸۴ .

۴- دیوان اردو

۱- لرد کارنوالس (Lord Cornwallis) از سال ۱۷۰۰ تا ۲۰۸۱ هـ از طرف
کمیسیون هند شرقی گورنر حوال (فرمانروای کل) هندوستان بود .

۵ - وقایع جنگ مرهته - کتابیست در باره جنگ مرهته ها که در بین ۱۱۷۱ و ۱۱۹۱ هـ روی داد و خلیل این کتاب را در زمان لرد کارنوالس در ۱۲۰۱ هـ تالیف نموده است و سرگرد فلر آنرا از زبان انگلیسی ترجمه کرده است .

۶ - رساله ای راجع به شورش راجه چیت سنگه که حاکم بنارس بوده اما چون خلیل بقول خودش یکی از خیر خواهان کمپانی انگلیسی بود بنا بر این مطالب این کتاب را نمیتوان خالی از تعصب و عرض شمرد .

۷ - مکاتیب - مجموعه ای از نامه های خلیل در موزه بریتانیا موجود است که سنی وقایع سیاسی زمانه و لفظاً روشن میسازد .

تبصره بر کتاب

مؤلف تالیف این کتاب را در سال شانزدهم خلوس شاه عالم مطابق ۱۱۸۷ هـ آغاز و در سال بیست و هفتم خلوس شاه عالم مطابق ۱۹۸ هـ با تمام رسانیده است در تالیف این کتاب کتابهای دیل مورد استفاده مؤلف قرار گرفته است

۱ - تذکره دولتشاه

۲ - خلاصه الاشعار (و رده افکار)

۳ - مآثر رحیمی

۴ - تذکره طاهر مصر آبادی

۵ - عرفات العاشقین

۶ - تذکره باطم قمریزی

۷ - کلمات الشعرا

۸ - مجمع النعائیس

۹ - ریاض الشعرا

۱۰ - تذکره شیخ علی حرین

۱۱ - سرو آرد

۱۲ - صفحات الالاس حامی

۱۳ - نقایس المآثر

این تذکره مشتمل است بر دگر احوال و اشعار همتاد و هشت شاعر بترتیب العبا از روی حروف ایل اسم بریا تحلیص شاعر در دو جلد و جلد اول آن با «استاد الشعرا حکیم اسدی طوسی» شروع شده با «حمال الدین صمیری» تمام میشود و جلد دوم آن با «ملا طهرای مشهدی» شروع شده با «یحیی کاشی» تمام میشود و شامل دگر شعرائیست که

بقارسی مثنوی سروده اند و در این قسمت ممتاز و معروف بوده اند. مؤلف این کتاب شعر از آنها
از مثنوی نقل کرده است. (هر جلد این کتاب مشتملست تقریباً بر دو هزار و پنجاه صفحه).
در دیباچه کتاب مؤلف درباره تعریف شعر و علاقه خود بشعر گوئی و مطالعات
وی در این زمینه شرح مفصل آورده است و هم چنین فواید و محصلات تذکره خود را ذکر
نموده است

شرح حال اکثر شعرا را مختصر نقل کرده است که غالباً مشتمل است بر ده
دوازده سطر و در ذیل حریر و عطا شرح حال آنها را در دو صفحه و در ذیل نام مولانا رومی
شرح حال او را در ۲-۳ صفحه آورده است که مفصل تر از همه میباشد.
اشعار منتخب از شعرا غالباً مفصل نقل کرده است و رویهم رفته اشعار منتخب
از حامی را که بالغ بر شش هزار و چهل و هشت بیت میباشد (در صد و چهل و چهار صفحه)
مفصل تر از همه آورده است.

در ذیل شرح حال شعرا اکثر اطلاعات مهم راجع بر بدگامی آنها مانند سال
ولادت و وفات و غیره را بهم رسانیده و اسم آثار آنها را نیز غالباً مفصل ذکر کرده است
در این تذکره بعضی اشعار منتخب از شعرا صط شده است که کلی نادر یا کمیابست
مانند انتخاب از «داد المسافرین» و «ساقی نامه» از ابراهیم ادهم و «ساقی نامه» رضا و
بعضی اشعار منتخب از «معراج الحیال» تحلی «وطوطی نامه» حامد لاهوری و مثنوی پای
ناب و آشا و ابراهیم دهلوی و خالص و جواهری که در بی و دانی و «حدیث» و «شعر»
آرزو

در ذیل نام بعضی شعرا احتلاقی که در این اقوال تذکره در رس در رس امری
داشت نوشته و حمیت امر را آنچه که خود عقیده داشت بر ذکر نموده است
در ذیل نام شیخ کنالدین اوحدی مراغه ای سال وفات او را حدیث نگه داشته است و آرزو و
تقی حسینی دگری و حامی و واله و عارف الدوله فرویزی در تذکره های خود آورده اند
نقل کرده است و سپس عقیده خود را در مورد آن بر ذکر کرده است.

مکانهای مؤلف در دیباچه مصوع و تکلف آمیز است اما در شرح حال شعرا غالباً

ساده و غیر مصنوع است. البته گاهی در موقع تعریف و توصیف شعرا اثر مصنوع و حتی گاهی مسجع را بکار برده است مانند «ملاطعرای مشهدی». طغرای منشور سحنوری و سرلوح دیوان نکته پروری».

رو به مرفته این کتاب در موضوع خود خیلی مهم و با ارزش است. تنها تذکره‌های دیگر که درباره قسمی از اقسام مثنوی نوشته شده است یکی میخانه است که تنها درباره «ساقی نامه» می باشد و دیگر «هفت آسمان» که درباره مثنوی گویا است اما حیف که تنها یک «آسمان» آن که مشتمل بر ذکر تنها یک نوع از انواع مثنوی می باشد بطبع رسیده است و آسمانهای دیگر که مشتمل بر شش نوع دیگر مثنوی بوده ظاهراً تمام نشده و هیچ وقت چاپ شده است.

نسخ خطی

۱- بانک پورج ۸ ش ۵-۷۰۴ (این نسخه در دو جلد است. جلد اول آن ناقص الاخر است و یاد «اسدی» شروع شده با امیر خسرو و «تمام میشود ولی جلد دوم آن کامل است و یاد «ملاطعرای مشهدی» شروع شده با «میریحیی کاشی» تمام میشود و هم چنین جلد اول بعضی اشعار «شیرین خسرو» امیر خسرو و در شعرائی از حرف هداال قاصد را کسر دارد) و ش ۶-۷۰۶ (شرح حال شعراء را ندارد مورخ قرن ۱۹ میلادی).

۲- بادلین ۳۹۰ (مورخ ۱۲۴۶ هـ)

۳- لندریا نا ص ۱۷۷ ش ۲۱۸ (مورخ تقریباً ۱۲۷۹ م)

برای شرح حال مولف رجوع شود به تذکره گلشن همد (که در حاشیه مقدمه آن دکتر محی الدین روز شرح حال و آثار خلیل را بر زبان اردو نوشته است) و تاریخ شعرای بهار تالیف عمریرالدین بلخی و سیر المتأخرین چاپ بولکشور ص ۶۱۱ و «بهار میں اردو زبان و ادب کا ارتقا ۱۸۵۷ء تک» (تحويل و تکامل زبان و ادب اردو در بهار تا ۱۸۵۷ میلادی) نایدو تالیف کتر سید احمد احترا و رینوی رئیس قسمت اردو دانشگاه پته چاپ پته مارس ۱۹۵۷ میلادی ص ۶-۳۲۴ و مسیودتاسی.

تذکر

اکثر مطالب دراجع بشرح حال علی ابراهیم خان خلیل‌دا آقای پروفیسور سعید حسن استاد زبان فارسی در مؤسسه تحقیق فارسی و عربی بهار (پشه) هندوستان بعد از پریش و تفتیش و تحقیق از خواواده جلیل و رفقای بردیک خلیل و منابع معتبر دیگر بدعت آورده و با کمال لطف برای نگارنده این رساله ارسال فرموده و نگارنده از این زحمت و احسان و همکاری پروفیسور دانشمند بسیار ممنون است.

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به نادلین ش ۳۹۰ - ۲۹۵ و نهای ۲۹۵ - ۳۰۲ و نانکی پور ج ۸ ص ۱۳۸ - ۱۴۶ (غیر از حروف «د» «الی» «ص»)

عقد ثریا

ابتدا

اول که زبان سلسله جنبای کرد

از سلسله طرّفه سخن زایی کرد

بعد که حمد و حجو محمد عثمان

داده در بعد و مقصد جوانی کرد

طایر تیر پروهم و خیال انسان سست سبب راجه یازا که نوح هوای محمدتو
تسای ماری عراسمه نال پرواز تو اند گسودومرغ آسمان سیر اندیشه آدمی خاک کی ترا در
چه طاقت که بعوت تیر پری و بلند پروای ادراک خود را در همراشین عشقای معرف
تواند نمود

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره شیخ علامه همدانی متخلص به مصحفی است و اسم پدر

ولی مصدبن درویش محمد است. وطن آبائی او امروها^۱ (هندوستان) و مولدش هم امروهاست^۲. مولانا حسرت موهانی در تذکره خود ولادت مصحفی را در سال ۱۱۶۴ هـ نوشته است ولی مصحفی در «ریاض الفصحاء» (تذکره شعرای ارد) در ذیل شرح حال خود مینویسد که سر وی در آنوقت هشتادسال بود و تألیف تذکره مذکور را در سال ۱۲۲۹ هـ آغاز و در سال ۱۲۳۶ هـ تمام کرده است. یدیهجته سال ولادتش میان سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۵۶ هـ اتفاق افتاده است هم چنین چون مصحفی بر وایت شیفته در ۱۲۴ هـ در ۸۴ سالگی فوت کرده است بنا بر این سال تولد وی ۱۱۴۶ هـ میباشد.

تحصیلات مدماتی وی در امروها و تکمیل تحصیلات نظم و شربسن سی سالگی در دهلی صورت گرفت. در آخر عمر قرآن و تفسیر و ادبیات عربی را فرا گرفت و علم عروض و قافیه را از کلام و اشعار استادان سخن یاد گرفته

مصحفی در عنوان شبان (در حدود ۱۹۰۰ هـ) دهلی رفت و آموزش وی هماججا صورت گرفت. در دهلی در مجالس مشاعره^۳ شرکت میکرد و شعرای معروف آنوقت در منزل مصحفی بی جمع میشدند و وی در دهلی دو ارده سال بار دو شعر میسرود ولی قبل از این بیشتر مایل بشعر فارسی بود

چون اوضاع دهلی مشوش شد مصحفی بشهر تاندره رفت و از آنجا در حدود ۱۲۰۱ هـ به لکهنوم جرت نمود و در آن شهر در حدود سال ۱۲۰۷ هـ بوسیله میرانشا وارد دربار صاحب عالم شد که دربار وی در آن ایام مرکز شعر و سخن بود. بقول گارس دتاسی مری مصحفی شاهراده سلیمان شکوه پسر دوم شاه عالم بانی بوده است.

۱- در ۲۰ مایلی شمال شهر مراد آباد

۲- بقول گرهام بیلی وی اصلاً از امروها بود ولی در جوانی دهلی رفت و آنجا از وطن خود می گشت. بر وایت گارس دتاسی وی در لکهنوم متولد شد و بقول سکینه وی در اکبرپور متولد شد اما دو محل باین نام مشهور است یکی در دیک شهر فیص آباد و دیگر در دیک کاپور. بقول شیفته وی در دهلی متولد شد اما قول گرهام بیلی صحیح است و دیگران اشتباه کرده اند

۳- مشاعره مجلس ادبی را میگویند که در آن شعرا سر میخوانند و همور هم در هندوستان و پاکستان چنین مجالس ادبی معمول است.

تألف «تذکره گلشن هند» (اردو) می‌نویسد «فلاک» ۱۲۱۵ هـ است چهارده سال است که اوقات خود را در لکهنو بسر می‌برد، صیق معاش آنجا از مدتی مصیب اهل کمال است و همین طور حال این غریبم در هم بر هم است» (ترجمه از اردو). در تذکره «نتایج الافکار» سال فوت مصححی ۱۲۵۰ هـ ذکر شده است.
 شیفته در تذکره خود می‌نویسد که در سال ۱۲۴۰ هـ که مصححی فوت کرده و تذکره شیفته در سال ۱۲۵۰ هـ تألیف شده است و سایر این سال وفات مصححی ۱۲۴۰ هـ است. وفات وی سن ۸۴ سالگی در لکهنو اتفاق افتاد «در شمع انجمن» هم همین سال ذکر شده است.

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

- ۱- تذکره هندی گویان که سال ۱۲۰۹ هـ تألیف کرده است برای سراج آن رجوع شونده اشیر نگر سن ۴۷ = ایوانودیل اول ۲۶۹ (۱۲۱۹ هـ) و زیوج ح ۱ ص ۳۷۸ الف (او احر قرن ۱۸) و بانکی پور ح ۸ ش ۱۷۱۰ (۱۲۲۸ هـ) چاپ در اورنگ آباد از طرف انجمن ترقی اردو با اهتمام و تصحیح مولوی عبدالحق.
- ۲- ریاض العسحا - تألیف آن در ۱۲۲۱ هـ آغاز و در ۱۲۳۶ هـ تمام شد تذکره محقق ۳۰۵ شاعر اردو است چاپ در اورنگ آباد از طرف انجمن ترقی اردو (ش ۷۷)
- ۳- خلاصه العروس - رساله ایست در عروس
- ۴- مفید الشعرا - رساله ایست در اصطلاحات فارسی
- ۵- دودویان فارسی^۲ - یکی از آنها که در جواب نظیری بود تمام ما د
- ۶- سه یا بقول بعضی) حم دویان اردو

۱- تذکره گلشن هند چاپ علیگره ص ۲۲۷-۲۲۸

۲- بقول اشیر نگر چهار دیوان: از آن جمله یکی بحه حر کویس دیوان فارسی است که سبک شعر ناصر علی و یکی دیگر ضرر حلال امیر سروده است اما عبدالعقید در فهرست بانکی پور می‌گوید که مصححی تنها یک دیوان سبک حلال امیر و ناصر علی دارد

۷- شاهنامه - (با تمام ماند و تا شاه عالم سروده است).

۸- تذکره فارسی - در ۱۲۳۶ هـ تألیف کرد و مشتمل است بر ذکر شعرائی متأخر فارسی که تقریباً از همه آنها اشعار اردو انتخاب و نقل کرده است. برای نسخه آن رجوع شود به بانکی پورج ۸ ش ۷۱۱ (مورخ ۱۲۳۷ هـ).

۹- عقد ثریا - تذکره مورد بحث.

تبصره بر کتاب

این تذکره را مؤلف در سال ۱۱۸۹ هـ با تمام رسانیده است چنانکه در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد «در یک هزار و یکصد و نود و نه این تذکره... صورت اختتام پذیرفته»

همچنین در پایان کتاب قطعه‌ای آورده است که بیت زیر آن سال اتمام کتاب را می‌رساند

این روصه شد چو ساجده چون روصه بهشت

تساریح یافتم حامیه «زهی باغبان صفا»

(= ۱۱۹۹ هـ)

در مورد تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد که میرزا محمد حسن متخلص به قتل بیاضی داشت از نظم و نثر و احوال معاصرین و روزی آن بیاض را به مؤلف نشان داد و «فسون تألیف تذکره معاصرین» را بگوش وی دمید. مؤلف اشعار و شرح حال بعضی شعرا را از آن بیاض برداشته و احوال بعضی‌ها را بدست خود نوشته است

این تذکره مشتمل است بر صدوسی و هفت شاعر معاصر مؤلف ترتیب الفبا که از عهد محمدشاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱ هـ) تا زمان شاه عالم (۱۲۲۱-۱۲۳۷ هـ) میریسته‌اند

و با «اجبه» شروع شده با «یوسف» تمام میشود.

این تذکره بسیار مختصر است و در ذیل نام اکثر شعرا مؤلف تنها شرح حالشان را نقل کرد ولی هیچ شعری از آنان نیاورده است. اما از اجب و آصف و اکثر و امین و پیامی و پروانه و شاه پنجه و توفیق و ثابت و قاسم و محیط و الوهادی هر کدام یک بیت و از باسطی و هاتمی هر کدام یک مصرع و از آزاد و بیدار و شهاب دو بیت و از آگاه و فغان و مظهر سه بیت و از مجید یک رباعی و از واصل یک بیت و یک رباعی و از حاتم ۸ بیت نقل کرده است.

مؤلف حتی اشعاری از خود هم بعد از شرح حال خود نیاورده است اما در ذیل نام مظهر و حاتم قطعه‌های فوت را آورده که خودش سروده و به ترتیب مشتمل است بر ۱۰ و ۴ بیت.

همچنین در ذیل نام شرای زیر تنها در چند کلمه آنها را معرفی کرده اما هیچ شعری از آنها نیاورده است؛ ذهین و سوز و سرور و صوح و ضیاء و طیب و کاشف و مسرور نیازی و وفا.

در حاتم کتاب از مولوی صحرالدین و میر محمد حسین لندی از هر کدام یک بیت نقل کرده اما شرح حالشان را اصلاً نیاورده است. سنک انشای مؤلف در اکثر موارد غیر مصنوع است اما عالماً کلمات مشکل را بکار برده است.

رو به مرفته این تذکره جنگ ماسدی تقریباً بی ارزش و بی اهمیت است چون مؤلف به شرح حال شعرا را در این تذکره معصلاً آورده است و نه انتخاب ارا شعرا. آنها را معصلاً نقل کرده است و چنانکه خودش در ذیل سب تألیف اعتراف نموده است اکثر مطالب این تذکره را از بیاض قلیل برداشته اما خودش حتی در نوشتن شرح حال شعرائی که معاصروی بودند و بنا بر این وی طاهر آنا بسیاری از آن اش بوده هیچ رحمت نکشیده است. نظر ملاحظاتی فوق این کتاب را باید «سینه» بعد که آن هم با تمام مانده است چون گاهی مؤلف تنها بقل اشعار و گاهی بقل شرح حال

چند کلمه در معرفی شعرا اکتفا نموده است و شرح حال و اشعار هر دور را از اکثر شعرا
 بیاورده است. بد این میتوان باین نتیجه رسید که مؤلف فرصت «اتمام» آن نداشته

جای

این تذکره در حیدرآباد دکن در سال ۱۹۳۴ م از طرف انجمن ترقی اردو
 حیدرآباد دکن در جامع ترقی پوس دہلی بطبع رسیده است
 برای شرح حال مؤلف رجوع شود به تذکره عهد ثریا مقدمه ارمولوی
 عبدالحق و تذکره ہدی گویان مصحفی و تذکره (اردو) عشقی و مجموعه تقر
 ح ۲ ص ۱۸۸-۱۹۵ و گلشن بیحار شیفته و نتایج الافکار ص ۴۲۰ و اشپر بگر ص ۱۸۲-۳ و ۶۲۵
 و گارس دتاسی ح ۲ ص ۸-۲۸۳ (نام مصحفی) و آب حیات محمد حسین آزاد
 (اردو) و تاریخ ادبیات اردو سکسینا (بران ارگلیسی و ترجمه اردو) و دایرة المعارف
 اسلام (نام مصحفی) و ریو ح ۱ ص ۳۷۷ ب و نانکی پور ح ۸ ص ۵۰-۱۴۹ و دورہ ہنگ
 تراجم شرقی،^۱ (انگلیسی) بیل ص ۲۴۶ و تاریخ ادبیات اردو (نا انگلیسی) گراہام
 بیلی^۲ و استوری ح ۱ ص ۶-۸۷۵

فہرست اسامی شعرا - رجوع شونده جای حیدرآباد دکن ۱۹۳۴ م

تکملة الشعراء جام جمشید

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب مولوی محمد قدرت اللہ متخلص بہ شوق
 م و اسم پدرش قبول محمد است شرح احوال محترم خود و احداثش را

۱ - Oriental Biographical Dictionary - Beale

۲ - History of Urdu Literature - Grahame Bailey

در تاریخ جام جهان‌نما آورده است (رجوع شود به صفحه ۷۴۷ - نتمه کتاب). مؤلف در موضع موی تحصیل بهیری صلح بریلی بدنیآ آمد. در آن ایام موضع مد کورجرو ریاست رامپور بود و چون ریاست رامپور را او جدا شد و زیر اقتدار بریتانیا در آمد تمام قسمت مر بورا در دست رامپور جدا شد و از همان روز از رف و آمد مردم آن به رامپور کاسته شد.

شوق در تاریخ جام جهان‌نما میگوید که حد بررگ او باتفاق چند نفر و لشکر چند هزار سوار برای جنگ نارای پنهوا آمد و در نواحی سیت جنگ کرد و همسایگان چند نفر را همراهیان خود شهید شد پس سید حسین جنگ سوار بهند آمد و اولاد اجداد مؤلف بر باتفاق سید حسین مر بور بهند آمده و در سیت رحل اقامت افکندند. دیگر اجداد مؤلف در تواریخ هند مانند تاریخ مبارکشاهی و طلیقات اکبری آمده است و مؤلف خودش نیز شرح حال آنان در حاتم کتاب پرداخته است.

شوق تذکره الشعراء ریخته (اردو) بنام حقیقت الشعراء تیر ترتیب داده بود چنانکه در صفحه ۷۸ در دیل نام حافظ امیرالدین متخلص به امیر پداو بی میویسد
داین مؤلف رابطه برادرانه داشت ۰۰۰ گاهی شعر ریخته هم میگفت چنانچه در تذکره حقیقت الشعراء اشعار او اکثر نگاشته شده

آثار مؤلف

- ۱- تذکره حقیقت الشعراء در ذکر شعرای ریخته گویان (اردو)
- ۲- تاریخ جام جهان‌نما - در تاریخ سلاطین و اولیاء ایران و هندوستان است و مشتملست بر یک مقدمه و ۳۹ طبقه و یک حتمه - مؤلف این کتاب را در ۱۱۹۱ هـ آغاز نموده و در ۱۱۹۹ هـ با تمام رسانیده است نسخه آن در رامپور (در ۷۵۲ ص) موجود است رجوع شود به مجله اورینتل کالج لاهور مورخ نوامبر ۱۹۳۰ ص ۶۹ - ۷۴
- ۳- تکملة السعراى جام حمید - تذکره مورد بحث
- ۴- طمعت السعراى - تذکره دیگر مؤلف در بزه سعراى ریخته گویان (شعراى

اردو) برای نسخه آن رجوع شود به آصفیه ح ۱ ص ۳۲۲ ش ۴۰، چاپ - باهتتام محمد ابواللیث صدیقی بدایونی.

تبصره کتاب

مؤلف این کتاب را بعد از تألیف تاریخ جام جهان نما (اتمام ۱۱۹۹۰ هـ) ترتیب داده است. در مورد سبب تألیف در مقدمه چنین مینویسد که هنگامیکه از تألیف تاریخ جام جهان نما فارغ شد بعضی رفقای او فرمایش کردند که چون تاریخ مر یورتذکره شعرای فارسی ندارد بنا بر این مؤلف حالات شعرای فارسی را بعنوان تکمله آن کتاب بنویسد و بنا بر این مؤلف در امثال اردوستان خود این تذکره را ترتیب داده است. اما چون تهیه تذکره هائی که احوال شعرای متقدم و متاخر داشته باشند کار مشکلی بود بنا بر این احوال آنها را از تذکره های دیگر جمع نمود مؤلف در مقدمه کتاب اسم کتب زیر را ذکر نموده است که شرح حال شعرارا از آنها اقتباس و نقل کرده است .

۱- تذکره علیقلی خان شش انگشتی متخلص به واله ۲- تذکره سراج الدین علیخان ۳- تذکره سرخوش . ۴- تذکره غلامعلی آزاد . ۵- منتخب اللطایف رحیم علیخان (و غیره)

این تذکره مشتمل است بر دو مقاله بقرار زیر

مقاله اول - درد کمر شعرای عرب **مقاله دوم** درد کمر شعرای عجم .

مؤلف اشعار و شرح حال خود را در این کتاب بیاورده است اما هر گاه ملاقات با شاعری بوی دست داده بود درباره این موضوع در ردیل نام آن شاعر تذکر داده است مثلا رجوع شود به ذکر حافظ امیرالدین متخلص به امیر بدایونی (ص ۷۸) و شاه قدرت الله بلیع ساکن اولدهن صاحب هفت دیوان (ص ۱۱۴) و دوست علی پسر قاضی عبدالخالق متوطن در قصبه حلیر (ص ۲۲۹).

غالب مطالب این تذکره از کتب دیگر اقتباس و نقل شده است و بنا بر این از حیث اصالت این کتاب دارای اهمیت زیادی نمیباشد

نسخه خطی

نسخه منحصر بفرد این تذکره در راهپور (هندوستان) موجود است. این نسخه مورخ پنجشنبه غره شعبان ۱۲۱۸ هجری و مشتمل بر ۷۱۸ صفحه است و آنرا حافظ غلام محی الدین برای صاحبزاده، ظفر علیخان در مصطفی آباد (راهپور) استنساخ نموده است (رجوع شود به مجله اورینتال کالج ج ۷ ش ۱ مورخ نوامبر ۱۹۳۰ م ص ۶۸-۶۹ و نذیر احمد ۸۳)

صحف ابراهیم

ابتدا

صحف ابراهیم طبع سلیم تلفظ به حمد و ثنای حضرت پاریسمت عراسمه که معنی سرایان عیسی نفس را بمصداق ان الله حکما امسکها عن الایبا لیجریها علی لسان الشعرا قدرت معجز بیانی عطا فرموده و نکته سرایان دقیقه رس را مضمون الشعرا تلامیذ الرحمن دری از دارالعلم غیب بر روی استعداد گشوده.

مؤلف

اسم مؤلف این تذکره علی ابراهیم خان متخلص به حلیل است. (برای شرح حال وی رجوع شود به بحث درباره خلاصه الکلام در این کتاب).

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۰۵ هـ در بنارس سن شصت سالگی^۱ تألیف نموده

۱- چنانکه مؤلف در مقدمه مینویسد «تا هنگام تسطیر که سر عمر ما پیمان

ستین است»

است و در دیباچه کتاب قطعه آورده است که سال تألیف آنرا می‌رساند :

ز تائید نقاش هر زشت و زیبا شد این نقش بود مکتوبی یگانه

چو تاریخ اتمام حستم ز هاتف بگفتا مگو نفع بخش زمانه

(= ۱۲۰۵ هـ)

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح داده است :

«این احقر العباد . . پیوسته با همه فروبی مشغله اوقات فرصت را بمطالعه

تصانیف علماء و عقلا و دواوین شعر سر آورده مرور دهر و آنچه از کلام فصیحان

عصر و بلعای دهر بوده است بادقت و امتیاز بسلك انتخاب کشیده بود و حین عرض

سخن زیاده بر صد هزار بیت شمار آید . لاجرم جوهری اندیشه بنظاره دریا دریا

گوهر لعل آبدار و معدن معدن یا قوت معنی بگین صد آرزو (جمع آوری نموده)

و (خواست) که این حواهر گیسوان بها از تفرقه بجمعیت رسد و بسلك تألیف

کشیده شود . بسبب کثرت مشاغل و هجوم اسای نوع که برای حل و عقد اموروی

التفات با این حیر خواه حلالیق و بیک اندیش مخالف میگردند سالها گذشت که

سرانجام این امر عظیم و مقدمه حسیم میسر نگشت تا آنکه در عهد طل سبحانی زیب

اهرای اورك حرن باری ساه عالم پادشاه حلداله ملکه با بیاری توفیق خالق بیچون

و هوب سایم افضال فرما بروای کن فیکون این گلزن امید بسرزمین بلده بنارس

روی شگفتگی دیده

مؤلف در دیباچه کتاب در مورد مآخذ و منابع خود در تألیف این کتاب مورد

استفاده او قرار گرفته است چنین می‌نویسد : بهنگام تسوید این اوراق هفتاد و دو

جلد لازم مصعفات متقدمین و متوسطین و متأخرین که شمردن نام آنها بطول اسحامد

مبیا بود»

بعضی کتابهایی که اسم آنها را مؤلف در متن کتاب در ذیل شرح حال شعرا

استفاده مؤلف در تألیف این کتاب قرار گرفته بدین قرار است

- | | |
|------------------------|------------------------------|
| ۱- تفحات الانس | ۲- معجم البلدان |
| ۳- مجالس المؤمنین | ۴- مجالس العشاق |
| ۵- کتاب انسان سمعی | ۶- ریاض الشعرا |
| ۷- تذکره دولت‌شاه | ۸- منتخب التواریخ |
| ۹- هفت اقلیم | ۱۰- تذکره منیر لاهوری |
| ۱۱- تاریخ گریده | ۱۲- مرآت جهان نما |
| ۱۳- ربدة الافکار | ۱۴- خلاصة الاشارة |
| ۱۵- مجمع الفایس | ۱۶- (چهار مقاله) نظامی عروضی |
| ۱۷- مجمع الشعرا | ۱۸- خلاصه ریاض الشعرا |
| ۱۹- تذکره معاصرین حزین | ۲۰- کلمات الشعرا |
| ۲۱- عالم آرای عباسی | ۲۲- تذکره سامی |
| ۲۳- مآثر رحیمی | ۲۴- عرفات العاشقین |
| ۲۵- تذکره نصرآنادی | ۲۶- حواهر الاسرار شیخ آذری |

از جمله مآخذ فوق تذکره میر لاهوری امروز در هیچ کتابخانه‌ای پیدا

این تذکره مشتمل است بر ذکر سه هزار و بیست و هفتاد و هشت شاعر^۲ بر ترتیب الحاء از روی حروف اول اسم یا تحلیص شاعر و از حیث تعداد شاعران این در گترین تذکره فارسی است و شامل ذکر شعرا و عرفا و فضلا و سلاطین و وزرای

۱- این تذکره اصلا همان خلاصه الاشارة (ش ۱۴) است که اسم کامل آن خلاصه الاشارة و ربدة الافکار است . معلوم نیست مؤلف چرا یکجا اسم این تذکره را خلاصه الاشارة آورده آورده و جای دیگر ربدة الافکار نوشته است در صورتیکه اسم آن تذکره همه جا خلاصه الاشارة نوشته‌اند و هیچکس غیر از تحلیل آنرا بناء بر ربدة الافکار یاد نکرده است .

۲- ر ک نسخة برلین ش ۶۶۳ ص ۶۶۲

متقدم و متوسط و متأخر میباشد و با «شیخ ابویزید بسطامی» شروع شده یا «علائیگانه بلخی» تمام میشود.

در این تذکره طبق توضیح خود مؤلف «تخصیص قسمتی از اقسام نظم نیست و قصاید و غزل و قطعه و رباعی و ترجیع و ترکیب (بند) و مخمس و مسدس و معما همه مسطور است و بندوت و ضرورت ابیات مثنوی هم مذکور است».

مؤلف در مورد محل و سال تولد و وفات و مدفن و غیره شعرا از کتابهای مختلف تحقیق کرده و نتیجه تحقیق و تفحص خود را در این کتاب ذکر نموده است چنانکه خودش در مقدمه کتاب در این باره توضیح میدهد.

در تحقیق مولد و منشا و مدفن و زمان ظهور و سال ارتحال و نمایش رتبه کلام و اعلان قدر و منزلت هر کدام از طایفه فرجام مجوز و تقصیر و تساهل نگشته از کتب سیر و اخبار و تذکره‌های متداوله استنباط این مراتب نموده است و در مواقع اختلاف اقوال تدقیق و تنقیح در کار داشته قول معتبر را که خرد خرده شناس بصحبت و صواب آن طمانینت پذیرفت اختیار کرده.

همچنین مؤلف در ربابچه کتاب توضیح داده است برخلاف رسم تذکره نویسان معاصر بشرح معایب شعرا پرداخته و همچنین در ستایش آشنایان خود «ژاژخائی و هرزه درائی» نکرده و از افشای قبایح و دمایم کسانی که مرتکب ناپر هیر کاری بوده‌اند بفرح وای آیه کریمه «هذاتذکره للمتقین» اجتناب و انحصار اولی و انس دانسته و اگر گاهی اشاره‌ای باین معنی آمده بنا بر علتی بوده است. حتی در موقوف ذکر شعرای معاصر که جمعی از هندوستان و بعضی از بلاد دیگر بوده حائبداری و تعصب بورزیده

مؤلف انتخاب اشعار غزلیات را مقدم بر قصاید آورده و در موقوف نوشتن اشعار

- ۱- مؤلف تذکره‌ای دیگر دارد نام «حلاصة الکلام» که در آن تنها اشعار مثنوی را انتخاب نموده است (ر ک . بحث درباره «حلاصة الکلام» در این کتاب).

رعایت ترتیب ردیف احسن دانسته جمیع اصناف سخن را مردف نوشته و همچنین جمعی از شعرا را که در تخلص مشارکت یا در علم و لقب و کنیت مشابهت داشته‌اند پهلوئی هم آورده است تا اگر خواننده را ظن تکرار از شخص واحد روی دهد همان لحظه بتواند رفع آن ظن و اشتباه کند

گاهی مؤلف عقاید شعرا و تذکره نگاران را در باره مقام و مرتبه اشعار شعرا در ذیل شرح حال آنها آورده است مثلاً رجوع شود به شرح حال انوری.

در ذیل نام بعضی شعرا طبق رسم تذکره نگاران و مورخین قدیم بجای نوشتن اسم کتاب یا شخص تنها « گویند .. » نوشته مثلاً رجوع شود به شرح حال ارجاسپ امیدی رازی و قرلیاش خان امید.

در ذیل نام اکثر شعرا شرح حال و اشعار منتخب از آنها را مختصر آورده است. روی هم رفته شرح حال مولانا رومی (در سه صفحه) و اشعار عرفی (۹۹۴ بیت) را مفصل تر از سایرین آورده است

ارحیث اطلاعات تاریخی راجع به زندگی شعرا این کتاب دارای اهمیت و ارزش فراوانی میباشد چون در مورد اکثر شعرا مؤلف شرح حالشان را بعد از مقابله و تحقیق ارتد کرده‌ها و تواریخ مختلف نقل کرده است
سك اشای مؤلف در اکثر موارد ساده است اما در مقدمه کتاب بنثر مصنوع پرداخته است.

نسخ خطی

۱- برلین ش ۶۶۳^۱

۱- در نسخه برلین عبارت زیر خط اشپرنگر آمده است.

Biographies of 3263 Persian Poets
alphabetically arranged by Nawwab Ibrahim
Aly Khan, who compiled these notices from

بقیه حاشیه در صفحه بعد

۲- بانکی پور ج ۸ ص ۷۰۸ (این نسخه ناقص است و به میرزا فتح الله متخلص به حساب تمام میشود. در فهرست کتابخانه مرپور اسم شاعر آخر عرفی شیرازی آمده است اما در متن نسخه آن شاعر آخر میرزا فتح الله حساب است و عرفی قبل از او آمده است).

۳- کتابخانه شخصی یکی از رفقای پروفیسور سید حسن در پتینه‌ها

۴- کتاب عرفی اسدی میدان بهارستان تهران این نسخه ناقص الاحرام است مشتمل است بر دو جلد. جلد اول 'باده' شیخ ابویزید بسطامی، شروع شده با 'میر محمد هاشم متخلص به سنجر کاتبی' تمام میشود و جلد دوم 'باده' الماکشرف الدین ابن حسن، شروع شده با «(گنج) شکر کازرونی» تمام میشود. جلد اول در اکثر موارد درست است اما در جلد دوم قسمت آخر آن بریده و با کاعد مومی درست شده اما بعضی کلمات به علت بریدگی خوانده نمیشود. در این نسخه در بعضی جاها تنها اسم شعرا و اشعار نوشته و جای برای شرح حال خالی گذاشته شده است مثلاً رجوع شود به نام حکیم صدرالدین محمود الهی و میرعمادالدین الهی همدانی و امای همدانی دهلوی و غیره

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به فهرست برلین ص ۶۶۷-۶۶۸

نقیه حاشیه از صفحه قبل

72 works at Benaras in 1205 . This is one of the best Tazkiras extant and so rare that I never succeeded to obtain the sight of a copy of it in India - small folio . . . 692pp. written in clear Diwani. Sprenger

عکسی که در این نسخه در کتابخانه مرکزی تهران موجود است نشان میدهد که این نسخه تنها شرح حال شعرا را دارد و اشعار شعر در آن نسخه ذکر نشده است. در این نسخه مدارا و المای گنجوی ص ۷۴ شیخ آدری ش ۷۵ یکی از شعرای کتاب حساب شده اما این اشتباه است چون آنها مؤلف تنها قولی از شیخ آدری نقل کرده به خود شرح حال و نمونه اشعار آدری

خلاصه الافکار

ابتدا

لآی مشور سیاس و ستایش باستحقاقی شار دهن کبریای ناطمی تواند بود که
بمحص قدرت کامله گوهر بی مایه سخن و معانی (را) در عهد العاط و لسان اسای
کشید و حواهر مظلوم نیار و نیایش ار همه ایس آوقی تحفه در گام صامعی توانند
که بمجرد امر لطف شامله از راهوا دفاتر لاتعدولاتحصی (را) مرتب گردانید.

شرح حال مؤلف

مؤلف این کتاب ابو طالب خان تریری اصمهای است که بعضی ما سده مؤلف
«مفتاح التواریخ» اورالندی نوشته اند و اسم پدرش حاجی محمدخان و اصلوی از ترکان
آذربایجان است پدر مؤلف در عباس آباد اصمهان بدنیآ آمد و در عهد حوایی وارد
هندوستان گشته لازم ابوالمصور خان وزیر شد و ریاست و فرماندهی جمعی از لشکریان
گشت. بعد از تفریح محمدقلیخان به ریاست صوبه داری صوبه (استان) اور با مامت و
رفاقت وی معتمد گشت اما بعد از فوت محمدقلی خان مر نور خلی دلت گشته و ائانه
و احوال عزال حویرا در لشکر گاه بواب شجاع لدولد در لکهنو حد داشته با چند
بهر علام راه رگال در پیش گرفت و مدتی در آجا نا اعتبار و احترام گذرانید و بس
قریب شصت سالگی در شهر مرشد آباد فوت کرد قطعه ای که مؤلف در تاریخ وی
در این آمان آورده اس میرساند که بدین سه روز بعد از حج در سنه ۱۱۸۲ هجوت
کرده اس

حد مدبری مؤلف ابوالحسن بیگت پیر در اصمهان بدنی آمده و .

۱- بعد از مهاجرت مؤلف بلندن وارد و در این مدت با اسم وی اشاره کرده اس.

هندوستان شد و اینجا در سلطنت ملارمین برهان‌الملک در آمد و این خدمت را با کمال موفقیت انجام میداد اما پس از فوت برهان‌الملک ابوالحسن مزبور دیگر روی سپاهیگری و لشکر نیاورد.

ابوطالب‌خان در ۱۱۷۶ هـ در شهر لکنهو هندوستان بدنیاً آمد و بعد از مهاجرت پدرش نواب شجاع‌الدوله به ملت نظر لطفی که بر پدرش داشت بتربیت مؤلف پرداخت و کمات هزینه تحصیل برای وی تعیین نمود و هر موقعی بلکنهو میرفت از وی احوال‌پرسی میکرد و او را مورد تفقد قرار میداد. مؤلف چهار ساله بود که مادرش از نواب مزبور اجازه گرفته بمرشدآباد نرد شوهر خود رفت اما هنوز سن مؤلف از چهارده سالگی تجاوز نکرده بود که پدرش در ۱۱۸۲ هـ در گنیشودر نتیجه مرگ پدر وی کفیل مسئولیت‌های سنگین خانواده شد و شش سال دیگر در بنگال توقف نمود. وی از سن ۱۳ الی ۲۰ سالگی در دربار مظفر جنگ مرشدآباد زندگی میکرد.

در اوایل حلوس نواب آصف‌الدوله بهادر (۱۱۸۹ - ۱۲۱۲ هـ) والی اود در اواخر ۱۱۸۹ هـ مؤلف به لکنهو رفته دوباره وارد خدمت ملارمت نواب مزبور گشت و بنا بر پیشنهاد مختارالدوله (نایب آصف‌الدوله) که از قدیم با وی روابط دوستانه داشت بعضی محالات میان دو آب (کسگا و حمنا) و (فرماندهی) رساله‌ای از لشکر بمده وی قرار گرفت و سیدزین‌العابدین خان که باتفاق وی وارد صوبه (استان) اود شده بود بعنوان شریک و عمکار او اسباب و مأمور شد و موقعیکه سید مزبور علیه حیدر بیگ خان کابلی قیام کرد مؤلف را نیز تا آخر همراه خود داشت و این امر و بعضی سوء تفاهم دیگر موجب تعبیر نظر و عقیده نواب نسبت بوی شد و بعد از سقوط مختارالدوله در ۱۱۹۰ هـ یک‌بار دیگر نسبت بجای مؤلف مقرر شد و مؤلف بار ششست شد.

بعد از فوت سید سابق‌الدکر مؤلف بعنوان یکی از دسیاران سرهنگ‌هایی

که از طرف نواب وزیر اود با تنظیم محالات سرکار گور کپیور مأمور و درین مردم برای بدخوئی مشهور بود انتخاب شد اما اتفاقاً در میان مؤلف و سرهنگهائی موافقت تمام روی داد و مؤلف سه سال با وی همکاری داشت. دیری نگذشت که سرهنگ مزبور باز بازار و تعدی بمؤلف برآمد اما خوشبختانه آقای جاسن^۱ بهادر که از طرف شرکت هند شرقی (ایست اندیا کمپنی) بمعاونت پرداخت امور سرکار نواب وزیر اود مأمور بود مؤلف را تحت حمایت خود گرفته وی را از همکاری سرهنگ نجات داد و سپس مؤلف بهرمان آقای میدلتن^۲ شورش راجه بال بهدراسنگه را فرونشاند. بعد از آن سرهنگهائی و مؤلف باهم آشتی کردند. اما دیری نگذشت که سرکار سرهنگ مزبور دوباره بر رفتار معاندانه خود برگشت و به تآذی مؤلف پرداخت و حتی موجب قطع درآمد قلیلی که از سرکار وزیر عاید میشد گردید. دیگر طاقت صبر و تحمل مؤلف نطق شد چون از آن بیشتر نمیتوانست استقامت و پافشاری نماید و در اواسط ۱۲۰۲ هـ عازم شهر کلکته شد و بر خلاف خواسته سرهنگ مزبور آنجا مورد لطف و احترام عاملین شرکت هند شرقی واقع شد. اما هنوز قصیه وی حل و فصل نشده بود که «حیات آن محسن خلائق بسر رسید».

خلاصه بعلمت هر چه و مرح که از آغاز سن تمیز و شعور در اوصاع زنده گی مؤلف و خوددانش فرصت تحصیل علوم و فضایل نصیب وی نشد اما به مقتضای شوق فطری خود وی غالباً در صحبت افاصل بوده و از مطالعه کتب غافل بود

در کلکته مؤلف در خدمت عاملین شرکت هند شرقی در آمد و سببهای مختلف پهمیده داشت. در اول رمضان ۱۲۱۳ هـ مطابق ۱۷۹۹ میلادی^۳ مؤلف با تعاقب سروان

۱- Mr Johnson

۲- Mr. Middleton نماید. سیاس سلطنت انگلیس در سرکار اود (لکهور)

۳- در «مفتاح التواریخ» (ص ۳۷۴) بحای سنه هراوهشتمند و بدون اشتباهاً سنه

هراوهشتمند و بدون ذکر شده است

در اروپا پس از مسافرت اروپا رخت و د ۱۵ ربیع الاول ۱۲۱۸ هـ بعد از پنج سال اقامت در اروپا بهند مراجعت کرد و وارد کلکته شد. مؤلف شرح مفصل این مسافرت را در کتاب «مسیر طالی فی بلاد افرنجی» که در ۱۲۱۹ هـ با تمام رسید داده است. مؤلف در ۱۲۲۰ هـ در لکهنو پند رود حیات گف. بیل در «مقتب التواریخ» (ص ۲۷۴) دو قطعه تاریخ فوت ابوطالب خان را که وی به فرمایش میرزا یوسف باقر پسر ابوطالب گفته است نقل کرده است و یکی از آنها بقرار زیر است:

رحمت سحر چو ست ابوطالب از جهان هوش و حواس عالمیان از دماغ رفت
 هاتق ز غیب یادل افکار ناگهان از هر سال فوت دو صد بار آه گف
 (چون عدد «دل افکار» که «ك» است به عدد دو صد بار آه (= ۶ × ۲۰۰ = ۱۲۰۰) جمع کنیم عدد ۱۲۲۰ بدست میآید که سال وفات ابوطالب خان میباشد)

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدینقرار است

- ۱- دیوان فارسی - برای نسخه آن رجوع شود به یاد لین ۱۹۹۴
- ۲- اشعار میرزا ابوطالب که با ترجمه انگلیسی بوسیله سوتن^۲ در ۱۸۰۷ میلادی در لندن چاپ شده است.
- ۳- مشوی سرور افرا در تعریف لندن برای نسخه آن رجوع شود به فهرست ادسرسک ش ۳۲۵
- ۴- معراج التوحید - کتبیسب معرر جمع بعلک شمسی ناشرح آن بشر که مؤلف در ۱۲۱۹ هـ تألیف ویدام ابوالمفتح سلطان محمد سعوی عنوان کرده است برای نسخه آن رجوع شود به فهرست ادسرسک ش ۹۳
- ۵- معجزه در ۱۱ - علم احلاق (۲) - معنطرح - موسیقی (۳) - علم عروض و قافیه (۴) - فون حسه ض ۱۵۱ - لب لیر و جهان به این پنج رساله در آخر

۱- Captain Richardson

۲- G. Swinton

بعضی از نسخ تذکره خلاصه الافکار صمیمه شده است (مثلاً رجوع شود به نسخه ملک شتران) برای شرح رساله قلب السیر و حیان نامه رجوع شود به تاریخ هدایایات و دومین (انگلیسی) ج ۸ ص ۲۹۸-۳۰۰، این رساله را مؤلف بنام أصب الدوله نوشته است و آن مشتملست بر چهار باب در باره (۱) رسول (۲) حلما (۳) فلاسفه و اصحاب رسول و فضلاء و شعرا و غیره (۴) - خاندان ها که معاصر رسول بودند یا بعد از او (در بعضی نقاط دنیا) سلطنت میکرده اند برای مسح این رساله رجوع شود به اته ش ۶۴۶ برگ ۳۹۶-۴۷۳ (که در آخر خلاصه افکار صمیمه شده و این نسخه را سونتون استنساخ و خود مؤلف در ۱۸۰۴ م آنرا تصحیح نموده است) و ش ۶۹۷ برگ ۳۲۲-۳۹۰ (تاریخ ندارد) و بادلین ش ۳۹۱ (به خلاصه افکار صمیمه شده است مورخ ۱۲۱۰ هـ) و آصفیه ج ۳ ص ۹۸ ش ۱۳۱۲ (مورخ ۱۲۲۰ هـ) و ریو ج ۳ ص ۸۹۵ (تنها مقدمه و فصل ۸ از باب ۴ در باره هند دارد - مورخ ۱۸۵۰ م) ریو تکلمه ش ۱۱۶ (۲) (اوایل قرن ۱۹ میلادی) و ملک تهران (ش ۴۳۰۳) .

۶- مسیر طالمی و بلاد افراسی - کتابیست فارسی راجع شرح مسافرت مؤلف اروپا - برای مسح آن رجوع شود به ریو ج ۱ ص ۳۸۴ الف (مورخ ۱۲۲۱ هـ) و ۳۴۸ - تنها ج ۳ دارد - اوایل قرن ۱۹ م) بادلین ش ۱۸۰۵ (۱۲۲۲ هـ) بلو ش ۱ ش ۶۴۷ (۱۲۲۸ هـ) و علیگره دحیره سحر الله ص ۵۷ س ۱ و آصفیه ج ۲ ص ۸۳۶ س ۲۹ و بانکس پور ج ۷ ص ۶۲۷ و براون مسح فارسی ش ۱۱۶ (کمتر از نصف کتاب) و ادس برگ ش ۹۰ و اته ش ۲۷۲۷ و مدراس ش ۴۴۹ و رویال ایشیتک سوسایتی ص ۱۷۷ - چاپ کلکتا ۱۸۱۲ میلادی ترجمه نانگلیسی چاپ لندن ۱۸۱۰ م و باصفه ها ۱۸۱۴ م و ترجمه نفرانسه چاپ پاریس ۱۸۱۱ م و ۱۸۱۹ م و ترجمه آلمانی چاپ وین ۱۸۱۳ م و ترجمه ناردو بوسینه میرا ص محزون مراد آذدی چاپ مراد آرد (تبرق سمب اول) او خلاصه نانگلیسی چاپ کلکتا ۱۸۲۷ م و ۱۸۳۶ م .
این خلاصه را اصلاً داوید ماکفرلین David Macfarlane ترتیب داد - ابتدا .
برای نسخه آن رجوع شود به برلین ۲۵۸

۷- تفضیح الغافلین - تاریخ عصر آصف الدوله (۱۷۷۵-۱۷۹۲ م) فرمایش کاپیتان ریچاردسن در ۱۲۱۱ هـ تألیف کرد اما هیچ نسخه‌ای از آن امروز پیدا نیست. ترجمه انگلیسی آن در ۱۸۸۵ هـ در آله آباد چاپ شده است بعنوان زیر:

History of Asafud Daula being translation of "Tafzihul Ghafilin" compiled by Abu Talib and translated by W. Hoey - Allahabad, 1885 .

۸- خلاصه الافکار - تذکره مورد بحث.

عبارت تألیف کتب فوق مؤلف تصحیح و همکاری در انتشار کتبی مانند کلیات خواجه حافظ و شیخ سعدی و غیره نیرداشته است چنانکه در دلیل نام خواجه حافظ می‌ویسد مہتر جاسن در آغار ۱۲۰۲ هـ خواست که بعضی کتب مشهوره اسلامی که صحیف کاتبان و خطاطان در شرف تزیین است بطرز چاپ فرنگک انشاردهد و اهتمام این کار را به مؤلف محول کرد و مبلغی برای این کار مخصوص کرد مؤلف دیوان خواجه حافظ را ارده دوارده نسخه تصحیح نموده و بالآخره در ۱۲۰۶ هـ از انتشار آن فراغت حاصل نمود و از این دیوان قریب به ۱۲۰۰ جلد چاپ شد و قیمتش صد نسخه ار آن که با کاغذ و رنگی چاپ شده بود یک اشرفی یعنی سائزده روپیه و سصد دیگر که با کاغذ هندی چاپ شده بود قیمت آن هشتت روپیه بود و حروف آن بخط نستعلیق بود . (همچنین رجوع شود به خلاصه الافکار شرح حال سعدی)

تصوه در کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در سال ۱۲۰۶ هـ شروع و در ۱۲۰۷ هـ با تمام رسائیده اسب در دیباجه این کتاب معده قطعه آورد و است که آغار و اتمام تألیف این کتاب را

۱- بلا سال ۱۲۰۷ هـ مورد آغار تألیف و ۱۲۱۱ هـ با سال اتمام این کتاب ذکر کرده که
ست (ر ک ، بلا ص ۱۵۳-۱۵۸)

بینخارو گنج بی رنج است سال اتمام این خجسته نگار (= ۱۲۰۷ هـ)
 ورتو از مدآش بخواهی گو «جمع یکجا خلاصه الافکار» (= ۱۲۰۶ هـ)

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه چنین توضیح داده است که مؤلف در اوایل عمر تا موقع تألیف کتاب در ۱۲۰۶ هـ که چهل ساله بود بسیاری از کتابها را مطالعه کرده و چون بشعر خیلی علاقه داشت از مدتی تصمیم گرفته بود که تذکره‌ای از شعرای متقدم و متأخر تألیف کند که مورد پسند خاطر مردم باشد و با وجود مصر ۲۰ گرفتاری زیادی این فکر را از دست نداده و همواره مشغول جمع آوری مواد برای این کتاب بوده و از هر کتابی که مطالعه میکرد اشعاری انتخاب میکرد تا اینکه در ۱۲۰۴ هـ از لکنویه کلکتر رفت و آنجا نامیر محمد حسین که احیر از حیدرآباد کن با آنها رفته بود بر خورد کرد. در آن ایام مؤلف تذکره والده (ریاض الشعرا) را مطالعه میکرد میر محمد حسین مرور از وی خواهش کرد که تذکره والده را خلاصه کند و بنا بر فرمایش او مؤلف آنچه با مناسب بود از آن تذکره ساقط کرده و ریاضچه‌ای در ابتدا آورد که چند نفر از معاصرین را در حاتم آن افزود و بدین ترتیب سبب سابق خیلی خلاصه شده و کتابی جدید بنظر می‌آمد اما چنانکه مؤلف میخواست صورت بسبب بدین این و خیال کهن در زمین دل بیخ گرفته باعث بر تحریر این اوراق گشت. مؤلف از بیست و پنج سال مواد این کتاب را جمع آوری میسود و بس برای این دیری نگذشت که این کتاب با انجام رسید

مؤلف اسم منابع خود را هیچ حداد کرده است اما در متن کتاب معلوم میشود که وی از تذکره علیقلی خان و والده (ریاض الشعرا) و سرو آزاد و معانی الکرام و تذکره های مشهور دیگر استفاده کرده است و از تذکره ریاض الشعرا از همه بیشتر مطالب را نقل کرده است و آن کتاب را اساس تذکره خود قرار داده است.

این تذکره مشتمل است بر ذکر شعرای متقدم و متأخر و معاصر مؤلف به ترتیب الفبای رومی حرف اول اسم یا تخلص شعر و شامل مقدمه و بیست و هشت حدیقه (هر حدیقه برای یک حرف) و یک دلیل و حاتم که مجموع سی و یک حرف و بیست و هشت

حدیقه آن مشتمل است بر ذکر سیصد و نه شاعر و ذیل بر صد و پنجاه و نه شاعر و خاتمه بر
 دگر خود مؤلف و بیست و سه شاعر معاصر و بدین ترتیب تعداد کل شعرای مذکور
 این تذکره بالغ بر چهار صد و نود و دو (با ضمیمه ذکر خود مؤلف) میشود. قسمت بیست
 و هشت حدیقه با «ابوسعید ابوالخیر» شروع شده با «محمد یوسف خربادقانی»
 تمام میشود و ذیل با «ادهم کاشی» شروع شده با «یحیی» تمام میشود و خاتمه
 با «محمد حسین» شروع شده با «ابوطالب اصعہانی» (مؤلف) تمام میشود
 در مقدمه کتاب مؤلف بر اصل و ابتدای شعر و تطور کامل این هنر تاقیر و دوازدهم
 بحری بحث کرده و سپس اقسام شعر و شرایط تذکره نگار را آورده است.

ذیل کتاب مشتمل است بر دگر ۱۵۹ شاعر که احوال آنها در حین تحریر اوراق
 چنانچه باید بوضوح پیوست و دو اوین ایسان هم حاضر بود و بیشتری از ایشان صاحب
 دیوان نیستند لهذا فقط بدگر اسامی و تم قلیل اشعار ایشان از روی تذکره ها اکتفا
 کرده و خاتمه کتاب مشتمل است بر دگر بیست و سه شاعر معاصر مؤلف و ابوطالب خان
 (مؤلف)

مرا یا و مختصات این تذکره نقل از زیر است

۱- در این کتاب مؤلف از همه اقسام شعر و شرایط آن آورده است و در ذیل نام هر
 شاعر آورده است (تسا در صورتیکه مؤلف
 از او انتحاج شده آورده است) و سپس قصاید و غزلیات و قطعه و ترجیع العزل
 (ترجیع بند) و ترکیب بند و مربع و محسن و مسدس و غیره و سپس رباعیات
 و مشویات و بعد از این اشعار مصنوع و مرآتیه و هرل و محورا ترتیب العنا آورده است اما
 در ذیل نام بعضی شعرا انتحاج آنها را از یک دو نوع آورده است و هر گاه بعضی
 اقسام شعر قابل انتحاج نبود آنرا حذف نموده است.

۱- استوری ۱۶۰

۲- استوری در حدود ۴۶۴ و ۴۹۱

۲ - تعداد اشعار منتخب در این تذکره خیلی زیاد است و گاهی در ردیف نام بعضی شعرا بچهارصد حتی هفتصد بالغ میشود و نام این خواننده احتیاج به داشتن این کتب که از آن مؤلف انتخاب نموده است ندارد .

۳ - از تنوع و کثرت اشعار منتخب خواننده میتواند رتبه و پایه شاعر را درک نماید.

۴ - مؤلف در جمع آوری مطالب این تذکره خیلی رحمت کشیده و اطلاعات مهمی را جمع به زندگانی شعراء را از کتب تذکره و تاریخ بدست آورده و خلاصه آنرا در این کتاب درج نموده است .

۵ - مؤلف این کتاب را بعد از زحمت بیست و پنج ساله تألیف نموده و در طی این مدت همواره در محتویات آن مکرر تا ممل نظر کرده و همچنین انتخاب اقسام شعر و نظم آنرا چندین دفعه تغییر داده و بعضی قسمت های آنرا حذف یا اضافه نموده است

۶ - مؤلف اکثر اشعار را خودش اردیو ان شعرا انتخاب نموده است و حتی کتبی مانند شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی و سعه مولا باجایی و کلیات حاقانی و غیره را خودش چندین بار مطالعه نموده و اشعار بعد از آن انتخاب نموده است

۷ - در ابتدای کتاب فهرست بسیار مفصلی آورده است که در آن غیر از اسمای شعرا تعداد اقسام شعر و ابیات نظم را را بر دکر نموده است همچنین در هر حدیفه در ردیف اسم هر شاعر تعداد ابیات را با اقسام شعر دکر نموده است که در هیچ تذکره دیگری دیده نشده است از این فهرست ها معلوم میشود که عدد کل اشعار منتخب این تذکره متجاوز از بیست و پنج هزار و پانصد است میباشد

در ردیف نام شعرای زیر انتخابی از آثار مشهورشان را آورده است

۱ - رساله ای از تیسع حری در شرح بعضی ابیات حکیم خاقانی

۲ - انتخابی از گلستان سعدی

۳ - یک رقعہ از « منشآت » و یک (حرو) شر از « وقایع حیدرآباد نعمت

۴ - شافیه رقه از رقعات عالمگیری

۵ - رساله‌ای در صنایع شعر بنام خلاصه‌الدیع از میر شمس‌الدین فقیر دهلوی.

۶ - يك جزو نثر از منشآت تاریخ نادری میرزا مهدی خان کوکب .

۷ - يك (جرو) نثر از منشآت ابواب الحنان میرزا رفیع واعظ قزوینی .

۸ - پنج رساله از تألیفات خود بقرار زیر .

(۱) - رساله‌ای در علم اخلاق (در حدود ۳ صفحه) و

(۲) - رساله در مصطلحات موسیقی شامل ذکر بغیات قریش و هند (در ۳ صفحه).

(۳) - رساله در علم عروض و قافیه در دو باب (در ده صفحه)

(۴) - رساله مختصر در فنون خمسه طب در پنج جلد (در ۲۹ صفحه)

(۵) - لب‌السیرو و جهان‌نما (تألیف ۱۲۰۸ هـ) شامل ذکر بعضی وقایع مهم تاریخ

از قدیم تا زمان مؤلف باضمام تاریخ مختصر اروپا و ذکر «اسیاء و سلاطین و سایر

مشاهیر طوایف انام و احوال بلاد آغار بنای هر يك تا زمان تحریر». این رساله بسیار

مفید و جامع است و مؤلف مطالب آنرا از صد ها کتاب خلاصه و جمع آوری نموده

است و در تدوین این رساله خیلی رحمت کشیده است این رساله مشتمل است بر ۱۰۳

صفحه برگ .

در ذیل نام اورنگریب تنها ۱۶ رقه از او نقل کرده است و درباره اینکه چرا

وی شعر نگفت چنین می‌نویسد : «سبب تقوی و متانت مرا از مبادرت شعر حتی سماع

آنهم پرهیز میفرماید»

همچنین در ذیل نام میرزا مهدی کوکب میرتها انتخاب نثر از منشآت تاریخ

نادری او آورده است

شرح حال اکثر شعرا از ادريك دوسطر و حتی شرح حال بعضی شعراى معروف

مانند ابوالعرج رومی و ادیب‌صابر و ابوری و ائیرالدین احسیکتی و اوحدی مراغه‌ای

و اوحدی کرمانی و عنی کشمیری و مجیر بیلقانی و مویحهری و غیره را هم در دوسطر

غالبا صل و فوت و گاهی اسم آدرشان را ذکر نموده است . ولی

در خاتمه کتاب شرح حال اکثر شعراء را مفصل آورده است چون اکثرشان دوستان و آشنای مؤلف بودند .

رویهم رفته شرح حال اورنگریب عالمگیر (قریب به یک صفحه) و میرزا مهدی خان کوکب (در یک صفحه) ار همه مفصل تر آورده است .

انتخاب اشعار اکثر شعراء را مفصل آورده است مخصوصاً در دین نام شعرای ریز اشعارشان را ارسایرین مفصل تر آورده است

انوری : در حدود ۴۵۰ بیت حامی . هزار بیت خاقانی : ۷۵۰ بیت
حسرو : ۹۵۰ سعدی ۵۵۰ سلمان ساوخی : ۶۵۰
شفاغی : ۵۰۰ عرفی . ۴۵۰ فردوسی ۲۰۰
کمال الدین اسماعیل : ۷۵۰ مولانا رومی ۱۰۰۰ نظامی . ۵۰۰
وحشی یزدی ۳۵۰

مؤلف به «ماده تاریخ گوئی» خیلی علاقه داشته است چنانکه خودش در مقدمه هجده قطعه «در تاریخ» تألیف این کتاب آورده و همچنین ماده تاریخ فوت شعرای ریز را که دیگران گفته اند بر نقل کرده است . ماده تاریخ فوت بهاء الدین عاملی و نادل و نظیری .

در ذیل نام نعمت خان عالی لغات مشکل قطعه وی را که در هجو گفته شرح

در ذیل نام بیدل و حسرو نوشته است که آنها در خارج ار هند متولد شده و در هند «شوونما» یافتند که محققاً اشتباه است اما در ذیل نام مسعود سعد سلمان میبویسد :
«در مولداو اختلاف کرده اند اما آنچه متحقق رسیده (و) از کلامش بوضوح میبویسند (مولداو) لاهور است» و این قول مؤلف طبق مدارک تاریخی صحیح است

مؤلف در باره مردم هند عقیده خوبی نداشته و آنها را در ذیل نام آزاد بلگرامی «دهقان» نوشته است و بر بعضی اقوال آزاد بلگرامی انتقاد بسیار تند و تیزی کرده است (رجوع شود به پایان شرح جان آزاد در ذیل «ید بیضا» در این کتاب که آنجا اصل

عبارت از مؤلف نقل شده است .

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف ساده و غیر مصنوع است اما در مقدمه گاهی بشر مصنوع پرداخته است همچنین در ذیل نام بعضی شعر احواله‌ای مصنوع در معنی « فوت شد » آورده‌اند چنانکه در ذیل نام آرزو می‌نویسد : « در سنه ۱۰۶۹ رأیت عریضت بعالم آخرت بر افراخت »

در ذیل نام حساب می‌نویسد : « بالاخر باتش قهران قهرمان جهان آتش خرمن عمرش سوخته گشته بهمان دیگر خرامید ».

در ذیل نام بنای هروی می‌نویسند : « فی سه بهصد و دو سالی قصر حیاتش اهدام یافت »

گاهی کلمات اردو را نکار برده است مانند چایه (معنی چاپ) و چاپه خانه (معنی چاپخانه) و چاپه گران (چاپ کنندگان) (رجوع شود به ماحفظ و سعدی). رویهم رفته این کتاب از حیث جامعیت مطالب که مؤلف در عین اختصار و ایجاز از کتب معتبر دیگر جمع آوری نموده و همچنین اصالت و حویلی انتخاب اشعار که غالباً مؤلف خودش از دواوین شعر انتخاب نموده این تذکره را میتوان حرو بهترین تذکره‌های فارسی حساب کرد

نسخ خطی

۱- کتابخانه ملک تهران ش ۴۳۰۳ این نسخه مندرج و مرین مورخ ۲۵ رجب ۱۲۴۰ هـ بقلم میرزا محمد کاظم شیر به آقاسی نقاش است مشتمل بر ۳۸۲ برگ و ۲۵ سطر میباشد .

۲- دانشکده لاهور

۳ اشپرنگر ش ۳۴

۴- نادلین ۳۹۱ (۱۲۲۰ هـ)

۵- بانک پیورج ش ۷۱۲ (سه رساله در آخر کتاب ندارد مورخ قرن ۱۹ م)

۶- ریوح ۱ ص ۳۷۸ (حیاتی ناقص است مورخ اوایل قرن ۱۹م) ج ۳ ص ۱۰۰۳ (تمها اشعار دارد مورخ قریب به ۱۸۵۰ م).

۷- آتش ۶۹۶ (نقط سوتن که قبل از اعرام او بنند ابوطالب اورا در لندن فارسی تدریس میکرد . رجوع شونده آتستون ۸-۳۵۷. این نسخه را ابوطالب مؤلف در ۱۸۰۴م '۵۱۲۱۹ تصحیح کرده است) و ش ۶۹۷ (چهار رساله اول که در حاتمه کتاب آمده است ندارد).

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به مفتاح التواریخ ص ۵-۳۷۴ و تاریخ هند (انگلیسی) از ایلیات و دیوس جلد ۸ ص ۹-۲۹۸ و ریو ح ۱ ص ۳۷۸ و دایرة المعارف اسلام تحت نام ابوطالب خان و خلاصه الافکار (حاتمه) و استوری ص ۳-۱۴۴ و میشود: «تراجم حبابی» ح ۱ ص ۸۵-۷ و فهرست کتابخانه ادبیرگی ش ۹۰ .
فهرست اسامی شعرا رجوع شود به یاد لیل ستونهای ۳۰۲-۳۱۵ فهرست (۴۹۴ شاعر)

تذکر مدرسجه «سرور افرا» متعلق بکتابخانه ادبیرگی تمثال مؤلف هم آمده است که برای «مجله» (European Magazine) کشیده شده است.

تذکره نوین

ابتدا

«الحمد لله الذي علم الاسان ما لم يعلم وصل الله على خير خلقه محمد وآله

وصحبه وسلم»

Michaud: Biographie Universelle . Paris . 1843.

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب محمد رفیع الدین واسم پدرش محمد شمس الدین است. وی بسلسله قشبندیه قادر به مسلک بود و روز پنجشنبه بعد از نماز صبح نوزدهم جماد الثانی سنه یکهزار و یکصد و شصت و چهار (۱۱۶۴) هجری در قصه قندهار از توابع صوبه (استان) محمد آباد سرکار نادر^۱ متولد شد و چندی بعد از آنجا به حیدرآباد دکن هندوستان مهاجرت نمود و در آنجا بسال ۱۲۶۱ ه فوت کرد^۲.

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۲۶ ه تألیف نموده است و راجع به سبب تألیف در دیباچه چنین توضیح میدهد: «فقیر (مؤلف) ... پاس خاطر بعضی عزیزان مشتاق که خاطر ایشان عزیز بود تذکره در ذکر شعرائی که چاشنی عرفان بمذاق ایشان رسیده بطریق انتخاب مع تراجم آنها از ابتدای شعر که بیانش میآید تا لغایت تحریر این رساله که یک هزار و دو صد (دویست) و شانزده هجریست بقید قلم می آرد».

مؤلف اسم مأخذ و منابع کتاب را در دیباچه یا حاتمه کتاب بیاورده ولی در دلیل شرح حال شعرا اسم کتابهای ریز را ذکر کرده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است

- ۱- تاریخ فرشته - رجوع شود به نام حافظ
- ۲- حبیب السیر - رجوع شود به نام حافظ
- ۳- مرآة الصفا - حافظ و شوک
- ۴- ذخیرة الحواقین - رجوع شود به نام عرفی
- ۵- شاهجهان نامه ملا عبدالحمید لاهوری - رجوع شود به نام یحیی کاشی.
- ۶- نفحات الاس حامی - رجوع شود به نام حسن دهلوی.
- ۷- مجمع الفایس آرزو - رجوع شود به نام تراب و میر حیدر تهرانی
- ۸- تذکره دولتشاه - رجوع شود به نام بدر حاکرمی.

۱- مایه ادعان کرد که این نادر افغان غیر از شاه ابرایی است.

۲- ر.ک. استودی ح ۱ ص ۸۸۰

۹- ریاض الشعرای والحدیثی در جوع به شوکت بخاری .

۱۰- سعینه بی خبر - رجوع شود به نام علی سرهندی .

۱۱- مجمع العزلی ملائقی - رجوع شود به لالی استرآبادی .

۱۲- تذکره ناظم تبریزی رجوع شود به محتشم کاشی .

۱۳- تذکره حرین - شوکت بخاری .

مؤلف در دیباچه کتاب در باره اقسام شروطنم و ابتدای شعر فارسی و جواز شعر گوئی از قرآن و حدیث و اوزان شعر فارسی بحث کرده است

این تذکره مختصر است که شش سو یک شاعر متقدم و متأخر را بترتیب النبائی

از روی حرف اول اسم یا تحلیص آنها ذکر نموده است و بنا به شیخ ابوحدالدین کرمانی «

شروع شده با «یحیی کاشی» تمام میشود بقول مؤلف این شعرا کسانی هستند که «چاشنی

عرفان مذاق خان ایشان رسیده» اما جالب اینست که حاقانی و سعدی و فردوسی و

و نظامی گنجوی را از متقدمین در گروه این «عرفان» آورده است اما سائی و عطار و

رومی و حامی را ذکر نکرده است

دگر میرزوی رضوی را در ردیف «دال» بحای «را» و میر عبدالقادر مہمان را

در ردیف «دال» بحای «میم» آورده است و تحلیص بعضی از بحای عالی «علی»

نوشته است و تحلیص صائب و کلیم را اصلاً نوشته است

اشعار و شرح حال اکثر شعرا را مختصر آورده است و تنها اشعار و احوال شعرای

زیرا معصا آورده است

شیخ آدری و ادهم کاشی و آصف جاه و حافظ و حرین و حاکم و امیر حسرو و حسن

سحری و سیخ سعدی و شهیدی قمی و شوکت بخاری و صائب و عرفی و علی سرهندی

و علی (عالی) و فردوسی و سید فریدالدین و محتشم کاشی و لالی استرآبادی و یحیی کاشی .

زویهمرفته شرح حال شعرای زیر را معصلا ترا همه آورده است :

شیخ آدری و حافظ و سیخ سعدی (هر کدام در ۲ ص) و آصف جاه (در ۳ ص)

همچنین اشعار شعرای زیر را مفصل تر از سایرین آورده است.
حافظ وراثت و وحید (هر کدام در ۲ ص).

گاهی اقوال تذکره نویسان مختلف را در باره سال وفات شاعر آورده است
مثلاً رجوع شود بنام خاقانی و شوکت بخاری.
سنگ انشای مؤلف غالباً ساده و غیر مصنوعی است
روی هم رفته این تذکره از حیث اصالت مطالب اهمیت و ارزش زیادی ندارد اما
قسمت شعرای معاصر که مفصل تر است مفید و یا ارزشمند است.

نسخه منحصر بفرد این تذکره در دانشگاه لاهور موجود است. (این
نسخه بسیار کهنه و کرم خورده است و بعضی کلمات آن از بین رفته است و آنرا
نمیتوان خواند، ظاهراً این نسخه مؤلف است چون بعضی جاها اسامی شعرا را
اصلاح نموده و بعضی عبارات را خط کشیده است)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به تذکره نوبهار و استوری ح ۱ ق ۲

ص ۸۸۰

فهرست اسامی شعرا

بقرار زیر است:

۱- شیخ اوحدالدین گرمایی ۲- شیخ اوحدالدین اصفهانی

۳- ابوری ۴- ابوسعید بن سلمان لاهوری

۵- شیخ آدری ۶- ادبم کاشی

۷- الفتی یردی ۸- شاه آفرین لاهوری

۹- آصفجاء ۱۰- آرزو

۱۱- میر علامعلی آزاد ۱۲- بدرحارمی

۱۳- ساطی سمرقندی ۱۴- (درغله بحم ثانی و قتل عام در ۹۲۸

مقتول شد)

- ۱۵- بیدل
 ۱۶- بلیغ مولوی قدرت‌الله
 ۱۷- تراب میرزا ابوتراب ۱۸- ثبات محمدعظیم
 ۱۹- مولانا جمال‌الدین معاصر سلطان محمد بن تعلق‌شاه ۲۰- شیخ حمالی دهلوی
 ۲۱- حافظ شیرازی ۲۲- حرین
 ۲۳- حاکم ۲۴- حاقابی
 ۲۵- امیر خسرو ۲۶- حسن سنجری
 ۲۷- میررعی رسوی ۲۸- نواب درگاہ قلی‌خان
 ۲۹- ذکامیر اولاد ۳۰- میرعیدالقادری مہربان
 ۳۲- رفیع قرویسی ۳۲- راحت
 ۳۳- محمد رفیع‌الدین (مؤلف) ۳۴- شیخ سعدی
 ۳۵- شہیدی قمی ۳۶- سرف تیری
 ۳۷- شوکت بخاری ۳۸- شاعر بلگرامی
 ۳۹- صائب ۴۰- میرصیدی تہرانی
 ۴۱- نواب صمصام الملک ۴۲- طہوری
 ۴۳- عرفی شیرازی (۱۸۹۹ء) ۴۴- علی سرہندی
 ۴۵- علی (عالی) شیرازی ۴۶- عاقل شاہجہاں آبادی
 ۴۷- غیرت ۴۸- فردوسی
 ۴۹- قدسی مسہدی ۵۰- سید فریدالدین اوزنگ آبادی
 ۵۱- کاشی ۵۲- کلیم
 ۵۳- لسانی شیرازی ۵۴- محشم کاشی
 ۵۵- میرزا معزالدین ۵۶- سیح نظامی گنجوی

- ۵۹- واقف نالوی
- ۶۰- هلالی استرآبادی
- ۶۱- هلالی همدانی
- ۶۲- یحیی کاشی

مخزن الغرایب

ابتدا

«گوهر الفاظ و صاحب بیان و لامعانی بلاغت توأمان شایسته رشته حسد حداد و ندیس»
 که عروس ریای سخن مودون را بجمع حواهر نگار مضمون تازه دلغریب ریاب
 غرقه حسن و جمال میسارده.

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب شیخ احمد علی عاشمی سدیلوی است و اسم پدرش شیخ
 علام محمد بن مولوی محمد حاجی است مؤلف در حدود ۱۱۶۴ هـ در سدیله دنیا
 آمد (و سدیله شهر است در ۳۲ مایلی شمال غربی لکهنو) چون در مقدمه «مخزن
 الغرایب» (تألیف ۱۲۱۸ هـ) میویسد که وی این کتاب را پس پناه و چهار سالگی
 تألیف کرده است. بعلمت نامرگزار و مسوئش بودن وضع اقتصادی پدر مؤلف محصور
 شد از کودکی خانه پدر را ترک گفتند در تلاش معاش بعبس بیافتد و بالأحره نواب
 عرت الله میرزا حسن سرباز جنگ من میرزا محمد محسن برادر بزرگ نواب
 صدر جنگ (نواب وزیر اود مسوئش در ۱۱۶۷ هـ) مؤلف را به نواب ذوالفقار الدوله
 میرزا نجف خان بهادر عالی جنگ معرفی کرد و مؤلف بر اثر نفوذ نواب عرت الله

۱- ر ك ميل تحت نام «نصف جان»

مزبور وارد رساله^۱ (لشکر) شاه عالم (۱۱۷۳-۱۲۲۱ هـ) شد.
 بعد از مرگ نجف خان که در ۱۱۹۶ هـ در زمان قتل و غارت اهالی دهلی
 روی داد احمد علی از صحبت ایرانیهایی که از حراسان و عراق و فارس آمده بودند
 استفاده میکرد و همین صحبت فصلاهی ایران در وی علاقه بشعر فارسی ایجاد نمود و
 سپس مؤلف به جمع آوری اشعار فارسی پرداخت و بالاخره در نتیجه تشویق استاد
 وی میرزا محمد حسن قنیل احمد علی تصمیم گرفت تذکره ای بنام «مخزن العرایب»
 بنویسد بقیه شرح حال مؤلف بدست بیامد

تیسره میر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۱۸ هـ تألیف نموده است چنانکه قطعه زیر که
 در حاشیه کتب آورده است میرساند.

گردید مخزن العرایب موسوم

این تذکره از لطف قدیر قیوم

«ختم صحف» از هاتم غیبی معلوم

تاریخ تمامیش مرآشد در خواب

(= ۱۲۱۸ هـ)

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیساجه کتاب چنین توضیح داده است که وی
 ارس سیزده و چهارده سالگی تارمان تألیف کتاب که پنجاد و چهار سال از عمر وی گذشته
 بود عالماً اشعار غزل و اقسام دیگر شعر را خوانده و شب و روز مشغول مطالعه و آوین
 شعرا بود و چون در اول خوب فارسی بلد بود هر موقعیکه در دهلی میرفت با مردم
 حراسان و فارس تماس داشته از صحبت آنها استفاده می نمود تا بالاخره تا اندازه ای این
 زبان را یاد گرفتند و اکثر اشعار شعرای حراسان و عراق و فارس را که وی میشنید
 بر یازده های کاغذ جدا جدا می نوشت. سرانجام مؤلف میخواست از این اشعار جنگی
 ترتیب دهد اما استاد وی میرزا محمد حسن متخلص به قنیل او توصیه کرد که چون
 وی اشعاری از اقسام مختلف شعر جمع آوری نموده بنا بر این باید تذکره ای ترتیب
 الفبا بنویسد و خواننده شعر هر کدام شعر را بخواهد بتواند تا سانی آنرا در این

۱- در رساله از تقسیمات نظامی است مانند هنگ و گردان.

کتاب پیدا کند و بنا بر خواهش استاد خود مؤلف «این جواهر رو اهر» را ترتیب الفبا در رشته تجریر کشید.

مؤلف اسم کتابهای زیر را در مقدمه کتاب ذکر نموده است که بنا بر قول خود نوی اکثر اشعار این کتاب را از این مأخذ نقل کرده است همچنین در نقل شرح حال شعرا نیز از این کتابها استفاده کرده است.

۱- تذکره عوفی ۲- تذکره دولت‌شاه سمرقندی

۳- مجالس العشاق ۴- تذکره (مجالس العایس) امیر علیشیر

۵- تذکره (صحاح الانس) حامی ۶- تذکره میرزا محمد صائب

۷- تذکره سام میرزا ۸- تاریخ بدآونی

۹- طبقات اکبری ۱۰- مجمع العایس

۱۱- تاریخ فیروزشاهی ۱۲- تذکره تقی اوحدی (کعبه عرفان)

۱۳- تذکره نصرآزادی ۱۴- هفت اقلیم

۱۵- تذکره لذت النساء ۱۶- تذکره (مرآت الحیال) شیرخان لودی افعان

۱۷- ۱۹- بیاض های میرزا معر و طرقت و دارا شکوه و محمد اکبر بن

اوزنگریب

۲۰- تذکره المعاصریں حریریں

۲۱- تذکره عقیلی خان عیسی اوالد

۲۲- تذکره (مغایس المآثر) علاءالدوله

این کتاب مشتمل است بر ۳۱۴۸ شاعر متعدد و متأخر بشرتیب الفبا از

روی حرف اول اسم یا تحلیص آری و از حیث تعداد شعرا دومین جامع ترین تذکره

۱- تذکره ای مابین نام نداریم ظاهراً این اشتباه کائنست که بجای «تذکره النساء»

تذکره «لذت النساء» نوشته است

۲- ر ک اشپرنگر ح ۲ ش ۲ ص ۱۴۶ در دیل شماره ۱۳

فارسی است^۱. این کتاب با «ابوسعید ابوالخیر» شروع و با «یوسف بیگ بخارائی» تمام میشود. بقول اشپرنگر مؤلف این کتاب را بنام سعد جنگ (متوفی در ۱۱۶۷هـ) نوشته است^۲. اما این درست نیست چون سال تألیف این کتاب ۱۲۱۸هـ

مؤلف در این کتاب «اشعار عاشقانه و صاف و روان و قریب الهمم و سهل ممتنع» را انتخاب کرده است و در ردیف هر حرف اول شعرای متقدم را ذکر نموده و سپس متأخرین و معاصرین را آورده است.

مؤلف در دیباچه مینویسد که وی میخواست اشعار شعرای متقدم را در این کتاب نقل کند چون مردم زمان وی از شعر شعرای متقدم حوششان میآمد و بیهوشی بردن بمطالب و معانی آن خیلی مشکل بود اما در هر حال میخواست اصلاً از نقل این اشعار صرف نظر کند

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرا را خیلی مختصر آورده است و غالباً در دوسه جمله آنها را معرفی نموده و دوسه بیت را از آنها نقل کرده است
اشعار شعرای زیر را سقا معصل آورده است

ردل و حیا و رفیع مشهدی و سلیم تهرانی و سعید ملتانی و ملا شریف آملی و میرزا اشرف قرویمی و شیدا و ناصر علی سرهندی و قیاص لاهیجی و کمال محمدی و مولانا رومی و شیخ معری و ملث قمی و مقیمی بهارلو و نعمت اله ولی (هر کدام در ۲ ص) و سجاسی ستر آبادی و مشرب دهلوی و نظمی تهرانی و میرزا طاهر و حیدر و اعطی قروینی (هر کدام در ۲ ص) و انس یمین و میرزا رضی و طالب آملی و طهیر فاریابی و عطار و کاتبی بوشهری و مایل پردی (هر کدام در ۳ ص) و میرزا حلال اسیر و جمال الدین اصمهبانی و رهین و فقیر

۱- از روی فهرست در دلیل جامع ترین تذکره است اما جامع ترین تذکره فارسی «صحف ابراهیم» است که مشتمل است بر ذکر ۲۲۷۸ شاعر در ۸ صحف ابراهیم در این کتاب.

۲- ر.ک. اشپرنگر جلد اول.

دهلوی و مسیح کاشانی و نستی و هلالی (هر کدام در ۳ ص) و حاقانی و عثمانی و سعیدی
 تهرانی (هر کدام در ۴ ص) و اهلی شیرازی و سلمان ساوچی (هر کدام در ۴ ص) و فخر-
 الدین حر حابی و میر بجات اهر کدا در ۵ ص) و ابوری و کمال الدین اسماعیل و والد
 (هر کدام در ۵ ص) و نائی (در ۶ ص) و طه پوری و عرفی و کلیم و نوعی حوشانی (در ۷ ص)
 و امیر خسرو (در ۷ ص) و فیضی (در ۸ ص) و محتشم (در ۹ ص) و حریری و بنفائی
 (هر کدام در ۱۰ ص) و حامی در (۱۱ ص) و صائب و فغانی (هر کدام در ۱۲ ص) و سعیدی
 و بطیری (هر کدام در ۱۳ ص) و قتیل (در ۱۷ ص) و وحشی بافقی (در ۲۶ ص).

روپهم رفته اشعار و وحشی بافقی را از همه مفصل تر آورده است

گاهی در دیل نام بعضی شعرا بعضی مطالب و اسعار متکلی را شرح داده

است مثلاً رجوع شود به نام حاقانی

شرح حال شعرای زیر را از سایرین مفصل تر آورده است

ابراهیم ادهم و اسنا و سعیدی و سرخوس و سعید ملتانی و ملا شاه بند حسانی و عطار

و مطهر و ناصر خسرو و میر معصوم نامی و نواب عماد الملک (هر کدام در یک ص)

و یرم خان و امیر خسرو و سرمد و تیدا و احمد عرالی (هر کدام در ۱ ص) و میرزا

محمد امین خان و حیدم (هر کدام در ۲ ص) و نواب میرزا دین العابدین (در ۲ ص)

و حامی (در ۳ ص) و سید اشرف جهانگیر سمانی (در ۴ ص)

انگیز سمانی را از همه مفصل تر

آورده است

در دین نامه ملث قبی ناره ای ارزش آورد اشعاری در رجوع ملامتلی نقل کرده

است که بسیار مندل است و قسمت آخر آن بر اصابع لفظی میباشد

گاهی بر اشعار بعضی شعرا اصلاح نموده است مثلاً در دیل این بیت

شمس الدین فقیر دهلوی

روز بجانم غیر ددل آزادی کرا عمیم سر راه انتظار کند

میورسد بجای لفظ عمیم آنگاه لفظ بجه اسد ساید رسد باشد.

ردیل نام بعضی شعرا بطور اغراق آمیزی از آنها تعریف کرده است چنانکه در دیل نام شعائی اصهبانی میگوید: «اوهام فصلاً و خیال بلعاً از توصیف آن عاجز آید»

سبك انتهای مؤلف عالماً ساده و عاری از تکلم و تسمع است اما گاهی چند کلمه توصیفی قبل از اسم یا تحلیص شاعر آورده است مانند «مهر» «مهر» «مهر شریعت آفتاب عالمتاب حقیقت سلطان المسایح ابوسعید ابوالخیر» یا «زرة الاولیا موقدرة العرفا تلمس الانوار شیخ فریدالدین عطار» یا «صاحب صوت (و) معنی عین القضاة همدانی» غیره

سخن خطی

۱- اسپرنگر ۱۷ (کتابخانه ده قرچ بخش) ۲- ردیل ۳۹۵ (۱۳۲۲هـ)
۳- بانکی پو. ح ۸ ص ۴- ۷۱۳ (۱۳۲۴هـ) ۴- ریو تکلمد ۱۰۷ (صف اول کتاب قرن ۱۹ م)

۵- ریو ح ۳ ص ۱۰-۱۱ (سا ۳۲ ساعر دارد مورخ ۵۱-۱۸۵۰م)

۶- دانشگاه لاهور دحیره پروفیسور شرایبی

۷- اعظم گرده دارالصفیر (خروج سووده محله اه ریس کالج لاهور ح ۳ ص ۲

فوریه ۱۹۲۷ م ص ۳۶.

فهرست اسمی شعرا

رجوع سبده به نادلین ستودنای ۹۶ - ۳۱۷ و 'یونو - کریل - ۱۳۱۲

۱۳۶۲-

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به محرن العریب و استوری حیدر

سفینه‌هندی

ابتدا

«حمد و سپاس آفریدگاری را رواست که سخن سخنان اسرار قدرت عالم را
ارپرده غیب به‌شهرستان وجود حلوه گر ساخته و درود نامحدود مهر سپهر رسالت را
سزاست که انوار تحلیات حاودایی مجمع اسرار مشاهدات معانی گردانیده»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره به‌گوان داس^۱ است و او اول سمل تخلص می‌کرد
و بعد تخلص هندی^۲ را اختیار نمود وی پسردوم دلپت داس بن هر سس رای است که
از قوم کایسته (هندو) بود و وطن اصلی وی کالپی و مسکر وی سوندها بود موهن لعل ایس
در «ایس الاحنا» می‌نویسد که وطن اصلی به‌گوان داس مکده کالجر از مصافات صونه
(استان) مالوه است

-
- ۱- مصححی در تذکره «عقد ثریا» (سجده را مهور هند) ذکر می‌کند که «راحه به‌گوان داس»
آورده است که صونه دار (استاندار) کتھیر بوده با احتمال قوی منظور همین به‌گوان داس
هندی است که رای بود به راحه (رک صمیمه الف سعید هندی چاپ پته هند ص ۲۷۷)
 - ۲- در «ایس الاحنا» تخلص به‌گوان داس سمل ذکر شده و در فهرست نامکی پور نیز
«هندی» بعنوان تخلص به‌گوان داس بیامده است ولی چون مؤلف شرح حال خود را
در ردیف زها، آورده و بر آنجا تذکر داده است که وی در اول سمل تخلص داشت با احتمال قوی
هندی تخلص آجروی بوده است.

دلپت داس پدر مؤلف با پدر خود در زمان نظامت نواب برهان الملک^۱ بهادر متوفی در ۹ ذوالحجه ۱۱۵۱ هـ) بدعوت عم بررک خود بلاقی داس که در آنوقت بسمت مشرفی تصحیح (؟) شمالی سپاه مختار بود (ظاهرآ از سوندها) به لکنو رفت و پدر کریم دادخان رونق را که به مکتب داری نامور بود همراه خود برد و از زمان نواب (برهان الملک) تا اواخر زمان آصف الدوله بهادر (۱۱۸۹ - ۱۲۱۲ هـ) در سلک ملازمان عالی رتبه منسلک بود و برهان هندی (برج بهاشا) در حمد خدا اشعاری چند سروده بود.

بهگوان داس (چنانکه خودش در سفینه هندی مینویسد) در صیدپور از توابع سیک در سال ۱۱۶۴ هـ در منزل حد مادری خود لاله رام غلام قانون گوی آنجا بدینا آمد و صی جوان بخت «ماده تاریخ تولد وی میباشد. هنوز دو سال بیش نداشت که از آنجا وی را پیش پدر لکنو بردند چون بس تمیز رسید برد مولوی سید یوسف سهارپوری صری و نحو و کتب متداوله فارسی و رسائل علوم دیگر را خواند سپس با انتخاب دو اوین اساتید و مطالعه کتب تاریخ و تذکره توجه کرد و در همان اوان شاعری آغاز نمود

مؤلف اول سمل تحلیف داشت و چندی بعد هندی تحلیف اختیار کرد و در فن شعر شاگرد محمد فاحر مکین (متوفی در ۱۲۴۱ هـ) بود و در جوانی سمب میر بحر را داشت و تمام استان اله آباد از طرف نواب مختار الدوله بهادر شامل حوزه حکومت

۳- نواب برهان الملک سید سادات خان بیجاپوری که اسم وی محمد امین بود. برای شرح حال وی رجوع شود به سفینه هندی چاپ پته ص ۳۳-۳۶ وی موسس سلطنت اود بود. بعد از وی برادرزاده و دامادش سید رحمت صوبه دار اود شد حد بهگوان داس هر سیرای متصدی (مشرف سپاه) نواب برهان الملک بود (رک سفینه هندی چاپ پته در دبل نام برهان الملک ص ۲۶) برای شرح حال او نیز رجوع شود به حرانه هائمه ص ۲۴-۲۶

وی بود. سپس در خدمت نواب آصف الدوله بهادر بدیوانی میرزا راجه بدھی سنگه بهادر که صاحب فوت و خاکگیر و مالک خدمت سرکار حیر آباد و سیلک شده بود، در آمد و از حضور (وی) صاحب دستخط شد چنانچه پانصد سوار بدستخط (نامضای) وی استعدا شدند.

بعد از فوت راجه مرهور بهگوان داس مصاحب و ندیم پتر چند بهادر که «مالک سپاه و کار حاجات و خاسامانی» آصف الدوله بهادر بود، شد و چون راجه مرهور برفوت کرد وی مصاحب معتمد الدوله مشیر الملک مهاراج ادھراج مهاراجه تکیت رای در اندر بهادر صلاب جنگ (متوفی در ۱۲۱۵ هـ) نایب بدیوان و دیر المعالک نواب آصف الدوله بهادر مقرر شد. سپس رای حی سنگه رای وی را مورد لطف و عنایت قرار داده بقدر و مرتبه وی افزود. مؤلف این احوال را معصوم در قصیده «سب نامه» و تدکیر «حدیقه هندی» که امروزجا نمانده است) شرح داده است.

مؤلف باهن ماده تاریخ گوئی خیلی علاقه داشت و در ردیل نام بعضی شعرا ماده تاریخ هائی که گفته آورده است ممتاز و خویش شود به نام مکین و قطعه تاریخ نالیف این کتاب که در حاتم آورده است

بقید احوال زندگی بهگوان داس خدمت بیامد

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱- مشوی سلسله المحبت - بروزن سلسله الذهب مولانا حامی که یکپراز بیت دارد و متضمن احوال «حبیب گت» که معاری عطارد فلک گویند بروزن قران السعدین

۱- ابجا و میرزا، طاهرأ معنی شریف و ارمانو اعیان آمده است چنانکه موهی

لعل ایسر در ایس الاحنا در ماده بهگوان داس هندی در دیل شرح حال وی میویسد «میرزا وضع (و) پاکیر» گفتار آمد، در حال استعمال این کلمه با اسم یکسر عدد و حبیب نظر

میاید ۲- صاعرأ ادعیراج

خسرو دهلوی گفته است^۱.

۲ - مثنوی مظهر الانوار - بروزن محزون الاسرار نظامی

۳ - مثنوی بها گوت - مسمی به مهر ضیا - بروزن یوسف و رلیحای حامی

۴ - دو دیوان فارسی بنام «دیوان شوقیه» و «دیوان ذوقیه» شامل قصاید و غزل و

ترجیع بد و سایر اقسام شعر

۵ - تذکره «حدیقه هندی» - مشتمل بر احوال «شعرا ی ماضی و حال» که

در هندوستان تولد یا نشو و نما یافته اند را ابتدای ظهور اسلام تا سده یکم از دو بیست هجری

این کتاب هم تذکره و هم تاریخ است

۶ - رساله سوايح النبوة - متضمن احوال حضرت رسول و دو آورده امام بزمایش

سید حیرات علی

۷ - تذکره سفینه هندی - تذکره مورد بحث^۲

تصیره بر کتاب

مولف این کتاب را سال ۱۲۱۹ هـ تألیف کرده است چنانکه در مقدمه سده

۱۰۰۰ که در او دو صد و نوزده هجری مطابق سال چهل و هفتم

ماه عالم ثانی است، و در حاتم این قطعه آورده است که سال تألیف کتاب (۱۲۱۹ هـ)

امیر ساند

یازد برسد گپی زوالی

ادب باعجه زار - ۱ - ۱

سد باعجه بهار سالش

گلهای خرد درو شکفته

(= ۱۲۱۹ هـ)

اما بعداً بعضی مطالب را در این کتاب آورده است چنانکه در ذیل درم حسن

علیحان دهین^۳ می‌ویسد و بعداً (۱) تألیف این صحیفه بتاریخ شهر حمدی^۴ اول سده

۱ - راجع این الاحاد در ذیل نام بیگوان داس هندی

۲ - میرزا «سفینه هندی» نسخه‌ای از حیثی که از کتب فوق مرور می‌جایز شده است

پنجاه و دو بیت «جری و قات یافت» .

در باره سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است :

«اما بعد ناز پرورده بیازمندی بهگوان داس هندی به نگارش میآورد که سابق در سنه یک هزار و دو بیست (۱۲۰۰هـ) تذکره حدیقه هندی مشتمل بر حالات شعرای معاصرین و حال که در هند تولد یا نشوونما یافته اند به قید قلم شکسته رقم در آورده و بعضی علوم مفیده درو مندرج نموده. آن حدیقه ایست جانترا و آن تألیفی است دلگشا. حالا که یک هزار و دو صد و نوزده هجری (۱۲۱۹هـ) مطابق جلوس سال چهل و هفتم پادشاه بحر و بر شهنشاه گردون فر... شاه عالم ثانی... است احوال شعرای معاصرین را از آغاز جلوس فردوس آرامگاه (یعنی محمدشاه که در ۱۱۳۱هـ تحت سلطنت نشست) از صد تا یکجا کرده تألیفی دیگر ساختم»

مؤلف اسم کتابهای زیر را در ضمن شرح حال شعر آورده است و از آن معلوم میشود که وی در تألیف کتاب از این کتابها استفاده کرده است .

۱ - مجمع النقایس رجوع شود به نام آرزو و امانت و ثبات و کور بخش .

۲ - ریاض الشعرا - رجوع شود به نام باقر و ثبات و حشمت و راغب و سودا و

حدیقه سلطان و ظیب و واله و یکتا .

۳ - ید بیضا - رجوع شود به نام احمد یار جان یکتا

۴ - تذکره معاصرین حرین - رجوع شود به نام ملا فیاض

این تذکره مشتمل است بر ذکر سیصد و سی و پنج شاعر بترتیب العبائی از روی حرف اول اسم یا تحلیص آنان که از جلوس محمدشاه (۱۱۲۱هـ) تا ۱۲۱۹هـ (سال تألیف کتاب) در هندوستان میریسته اند این تذکره با «آفتاب (ابوالمظفر عالی گوهر)» شروع شده با «یکتا (محمد اشرف)» تمام

مؤلف در مقدمه این کتاب توضیح داده است که منظور وی از جناب ارشاد مآر

میرزا محمد فاخر مکی و از فردوس آرامگاه محمدشاه پادشاه هند است .

این تذکره مختصر است و مشتمل بر ۲۶۶ صفحه (از روی حای پتله) میباشد

و مؤلف غالباً شرح حال شعرا را مختصر (در نیم صفحه) آورده است و از هر کدام سه چهار بیت نقل کرده است.

تاریخ تولد و وفات شعرا را اصولاً کمتر ذکر نموده است و علت آن ظاهر آنست که بودن مؤلف با شعرا می باشد. شرح حال بعضی شعرا خیلی مختصر است و در مورد برخی دیگر مفصل است ولی این امر مبنی بر اهمیت مقام شاعر نبوده بلکه موجبات دیگری مانند آشنائی و مناسبات مؤلف با شاعر یا مقام و موقعیت و حسب و نسب وی بوده است مثلاً شرح حال آفتاب پسر عالمگیر ثانی را مفصل آورده است و لویانکه از وی تنها یک بیت نقل کرده است اما شرح حال میرزا ارجمند پسر میرزا عبدالغنی را در یک سطر آورده و از وی یک بیت نقل کرده است.

این تذکره تنها شامل حال شعرائی است که مؤلف با آنان آشنائی داشته و به همه گویندگان فارسی زبان آن زمان هندوستان و از این به اهمیت فارسی در دیار هندو شیوع آن در آن سرزمین بحویلی میتوان پی برد.

مکتبه مهم تاریخی که از این تذکره بدست می آید کثرت مهاجرت اهل ذوق و فن از ایران به هندوستان در این زمان است چنانکه می بینیم که اغلب این گویندگان در اواخر عهد صفوی و زمان نادر شاه از نقاط مختلف ایران به هندوستان مهاجرت کرده اند. اسامی بعضی شعرا که در این تذکره از آنان یاد شده و اصلاً از ایران بدیار هند فرسته بودند برآورد است.

۱ - قریبش خان امید که مولدش همدان بوده و در اصفهان نشو و نمایافت و در اوایل عهد بهادر شاه وارد هند گردید (ص ۶)

۲ - احمد علی خان ایمن که مولدش قم بوده و در زمان اورنگزیب وارد هند شد و در حنک نادر شاه در کرناال شهید شد (ص ۸).

۳ - میرزا محمد امین ازل در ایام محاصره اصفهان در ۱۱۳۳ هـ فوت کرد (ص ۹).

۴ - میرزا محمد سفیع سملارا کابری بلده بيشاپور است (ص ۲۳).

۵ - بدیع نضر آبادی (ظاهر نصر آبادی) در تاریخ یکی از عمارات شاه سلطان حسین (صفوی) قصیده زبانه از صدیبت نظم کرد . (ص ۲۴)

۶ - آقای صالح برهان مولدش هازندران است است و مدتی در هندوستان اقامت گرفته . (ص ۲۵) .

۷ - محمد باقر بیگ از میرزا زاده های ایراست بر فاقه نادر شاه در هندوستان رسید (ص ۲۶)

۸ - برهان الملک نینا پوری در عهد سلطنت نادر شاه از ولایت (ایران) بهمد آمد (ص ۳۶)

۹ - شیخ محمد علی حرین چون نادر شاه بر ایران تسلط یافت شیخ را آصحا دل برداشته بهمد متافت (ص ۵۱)

۱۰ - ذره پسر محمد باقر مجلسی هنگام محاصره از اصفهان بر آمده (ص ۸۹) . علاوه بر شعرائی که فارسی زبان و ایرانی الاصل بوده بسیاری از شعرای مدکور این تذکره هندی الاصل و جزو امراء و راجاهای هند بودند و تعداد آنان نیز در این تذکره کم نیست و از شعاری که مؤلف از آنان آورده است معلوم میشود که آنها نیز تسلط کامل بر زبان فارسی داشته اند و در ذوق و شوق شعر دست کمی از شعرای ایرانی الاصل نداشته اند .

اشعاری که مؤلف در این تذکره انتخاب نموده است بطور کلی بسنگ هندی است ولی در انتخاب این اشعار مؤلف ثابت کرده است که خودش نیز با ذوق و حال بوده است اکثر اشعار را مؤلف از غزلیات انتخاب نموده است و هر در یکی دو مورد به نقل انتخاب قصاید مبادرت نکرده است چنانکه در ذیل شرح حال خود قصایدی که در مدح سروده صط نموده است .

در بین شعرای مذکور یک معرزن شاعر بنام حدیجه سلطان بگم نت عم جان و اله (مؤلف تذکره ریاض الشعرا) یاد کرده است و اشعار وی را نیز نقل کرده است (ص ۱۱۱ این کتاب) .

این تذکره جلوی ذکر شعرای معاصر مؤلف میباشد و چون وی با کثر آنان آشنائی یادوستی داشته بنا بر این با اینکه شرح حال آنها را مختصر آورده است ولی هر چه نوشته است معتبر و قابل اعتماد میباشد

در ضمن شرح حال امرا و شاهزادگان و سلاطین معاصر گاهی مطالبی آورده است که از نظر تاریخ معاصر دارای اهمیت فراوانی میباشد مثلاً رجوع شوره به آفتاب و یواب برهان الملك و محمدشاه پادشاه و محمد برهان علی خان رهین . و چون مؤلف غالباً شاهد عینی این وقایع بوده است بیانات وی مورد اعتبار میباشد

گاهی در ضمن شرح حال برخی شعرا بعضی حکایات حالت در باره آنان نقل کرده است مثلاً رجوع شوره به نام اکسیر و منشی و احمد یار خان یکتا .

در ردیل شرح حال بعضی شعرا مؤلف تذکره کرده است که شرح حال مفصل آنان در تذکره دیگر خود نام «حدیقه هندی» آورده است (رجوع شود به نام آفتاب و نگین) اما متأسفانه امروز تذکره مرزبانها نامیده است .

تنها شرح حال شعرای ریز را مفصل آورده است :

آفتاب (یا صفحه) حریر (۱۷ص) و مکین (۱۷ص) و هندی (در دو صفحه)

فقط اشعار شعرای ریز را مفصل نقل کرده است :

حریر (۲ صفحه ۲۴ بیت) و قرین (۴ ص ۵۹ بیت) و مکین (۴ ص ۷۱ بیت)

و هندی (۱۶ ص ۱۱۲ بیت) .

مؤلف ناشیخ علی حریر فوق العاده ارادت داشت و در ردیل نام شعرای ریز عقیده و در باره آنان ذکر نموده است آرزو و ناسطی و میر عبدالعنی .

در ردیل شرح حال شعرای ریز توضیح داده است که با آنها ملاقات کرده است .
 شاه نصیح الفصح و ساه حمل و میر ساه و لاله بیحد ته ایس و رای ساه سگه
 بیدار و سیح بقا و میدی لعل بیما و حواحد ناسط و سلام اله تسلیم و علامه حسن و
 جعفر علی حسرت و محمد حسن حسرت و در این خوشگو و رای سرب سگه دیوانه و رای
 دیوانه دولت و محمد حجت خان زاهد و رای کپیچ بر این ریز میر عنایت بیگس کن

و محمد صدیق سخنور و رای بال گویند شاد و دینی پر شاد شاد و بلبل میکند شهرد و نظام الدین
سانع و محمد صکر عیاش و منشی بهکاری لعل عزیز و شیخ محمد عاشق و عشق و میر علام
حسین دهلوی و میر شمس الدین فقیر و کهن چند قریب و توان محمد خان محبت و ملهار
سنگه مکن و رای میکو لعل مستانه و میر محمد تقی میر و بهوری سنگه مشرب و محمد
واصل خان واصل و میر را ابوعلی هاتف .

در ذیل نام شعرای زیر « ماده تاریخ » فوت آنان را که دیگران سروده اند

آورده

آرزو . آرزو رفت از جهان افسوس انعام (عمدة الملک) : غم عمده

(= ۱۱۵۹)

انصاف : بردا مضجعه بیخبر : (یک بیت از قصیده آزاد در تاریخ فوتش)

درگاه قلی خان : خدایش بیامرزد ساکن . اهل دینی ساکن فردوس گشت

(ارمؤلف)

سالک : از جهان رفت ربه العقر حاجانان مظهر مظهر کل (از آزاد)

اطلاعات زیر در تذکرها های دیگر قیامده است

۱ - میر عظیم ثبات : در تالیف ریاض الشعرا باعلیقلی خان و اله تخلص معاون

مانده (ص ۴۵)

۲ - رای مکه رای شوق : در آن ایام (۱۱۷۰ هـ) تذکره مسمی به سفینه الشوق

تألیف می نمود (ص ۱۱۵) .

۳ - شیخ صیف (سیف) الدین محمد طبیعت : تذکره الاولیا و تذکره الشعرائی

نیر تألیف کرده (ص ۱۲۸) .

اما عجب آنست که مؤلف ارو خود تذکره «مردم دیده» حکیم حاکم لاهوری

اطلاع نداشت و در ذیل شرح حال حکیم اشاره ای باین تذکره ننموده و اروی مختصراً

در دوسطر یاد کرده و بیت نقل کرده است

سبک‌انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف غالباً ساده و روان است و بعضی اصطلاحات و اسمعارات و کنایات دور از ذهن که در بعضی آثار نویسندگان فارسی‌زبان هند نیز موجود است (مانند آزاد و خوشگو و غیره) در این تذکره نادیده او است. به بعضی نکات و محتصات سبک‌انشای مؤلف در اینجا مختصراً تذکره داده میشود.

۱- بعضی اصطلاحات و بدعت‌های لفظی دارد مانند منصب پنجه‌راری سرفراز کناید (بجای کرد) (ص ۹۳). هندوستان را بجای هندوستان زاده (رجوع شود به نام حلیر) و نبیسه بجای بسه (رجوع شود به نام عاصی) و میگویند (گویانندن = فعل متعدی از گفتن - رجوع شود به نام محمدشا).

۲- بعضی کلمات فارسی را بر روش عربی جمع بسته است مثلاً سامجات جمع نامه.

۳- گاهی بعضی کلمات اردو را تکرار کرده است سواج عمری بمعنی شرح حال (حن ن) نواسه بمعنی نسه حرد) و چوتره بمعنی مصطبه (حرین) و سیاهی به معنی سرباز (حشمت) و تعنات شد بمعنی منصوب شد (حیران) و هوروشی بمعنی ارشی (درد) صوبه بمعنی استان (زایروسخور و غیره) و پروانه بمعنی نامه بحوار (منخور) حایگیر بمعنی املاک (ساطع) و کملی بمعنی پتو (محمدشاه) و حکاء بمعنی ناحیه (مکین).

۴- املائی بعضی کلمات و اسامی هندی را بحط اردو آورده است. مثلاً رجوع شود به شرح حال دولت و راجه رام رائن و راجه سورا ئنج و روشن و سحور و سواد و قتل و مخمور و منت و مستانه و مانئل و تراد و ورسته.

۵- بجای عبارت «موت شد» حملات مصوع آورده است

امید در سه ۱۱۵۹ مرض سلته رحمت هستی بسوی عالم بقا کشید
سجده خار در همان سال (۱۱۵۲) رحمت حیات مستعار را از بر کشید

دهیر . نقد حیات (را) به قاصد ارواح سپرد .

فقیر . کشتی حیاتش عریق بحر رحمت شد .

۶- گاهی قبل یا بعد از اسامی بعضی شعرا القاب توصیفی به شرح مسجع آورده است .

خرین : فرما بروای اقلیم سحوری و کشور گشای مملکت یلاع گستری

مکین : مهر برج فضل و کمال و ماه سپهر عرو حلال

سخن مختلای

تھا پاک سجده از این کتاب در کتابخانه خدا بخش پته موجود است که بخط مکین لال است و در بهم حمادی الاخری سنه ۱۳۲۰ هـ (سال اتمام تألیف کتاب) بخط شکسته اینساج شده است (رجوع شود به فهرست بانکی سورح ۸ ص ۷۱۵)

چاپ

در پته هند به همتا و تصحیح سیدشاه محمد عطاء الرحمن عطا کوی استاد اداره تحقیقات عربی و فارسی پته بهار هندوستان سال ۱۳۷۷ ق = ۱۹۵۸ م طبع سگی رسیده و با وجود اینکه اعلاط چاپی و غیره در آن دیده است که غالب آن ظاهراً ملب کم سواد بودن نسخ سحده اصلی (مکین لال مد کوره فوق) اسامی رحمتی که مصحح آن در تهیه توصیحات سودمندی و فهرس اسامی و اماکن و کتب تدکر مقابل تقدیر و تمجید میاتند

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به سفسه هندی و ایس الاحنا و استوری

ح ۲ ص ۲ = ۸۸۲

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به تدکره « سعیه هندی » چاپ

پته هند

تدکره - تبصره بر این کتاب مقاله ای که در راهمندی زتان سال دوم

شماره پنجم از طرف انجمن کتاب تهران در باره سفینه هندی چاپ شده است بیرمود
استعاره نگارنده قرار گرفته است

طبقات سخن

مؤلف

اسم مؤلف شیخ علام محی الدین قریشی میرنهی است که اول مبتلا تخلص میگرد
و بعد عشق تخلص اختیار کرد (برای شرح حال و آثار او رجوع شود به بحث در باره
مجموعه عشق در این کتاب)

تصویر کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۲۲۲ هـ تألیف نموده است چنانکه اسم آن «طبقات
سخن» از روی انجمن میرساند

این تذکره از حیث اصالت مطالب خیلی مهم و نادر است و شرح حال
شعرا در این تذکره آمده است مؤلف خود من نوشته است و در حدی دیگر نقل
با اقتباس آمده است

۱- طبقه اول - مشتمل است بر ۹۶ شعر ریخته اردو

۲- طبقه دوم - مشتمل است بر تذکر شعری مع صرف فارسی

سخن خطی

۱- اشعار نگ - ۵۳

فهرست اسامی

برای فهرست اسامی شعرای طبقه اول رجوع شود به فهرست برلن

۶۷۵ - ۶۷۶

تذکره کاتب

ابتدا

شعله که نواله اخگر اورمین و آسمان را فرو گرفته منورسازد .

شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب میرزا محمدعلی کاتب صعوی است که در اول شاهزاده ابوالمنصور میرزا محمد سلیمان شکوه پسر شاه عالم (۱۱۷۳ - ۱۲۲۲ هـ) اورا برای استنساخ دواوین فارسی وارد و استخدام نمود و سپس وی مصاحب و کاتب سلطان ابوالفتح محمد صعوی متخلص به مطلقعی گردید سلطان ابوالفتح مرثور اسماً آخرین پادشاه صعوی بود که محمد خان وی را در ۱۲۰۰ هـ در تهران پادشاه اعلام کرد اما بعداً وی در ۱۲۰۵ هـ بسند فرار نمود و بالآخره در ۱۲۱۰ هـ در لکنو رحل اقامت افکند

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۱۵ هـ تألیف نمود چنانکه این قطعه که در پایان کتاب آورده میرساند

گردید بدهر نام کاتب موسوم
کم کن تو صد ارتذکره گردد مفہوم

شد تذکره از فضل قدیر قیوم
تاریخ تمامی گفتا هاتم

(چون از اعداد تذکره (= ۱۳۲۵) عدد ۱۰۰ منها کنیم ۱۲۲۵ باقی میماند
و همان سال تألیف این کتاب است).

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد که وی
در خدمت سلطان ابوالفتح محمد صفوی سمت میر منشی را داشت سلطان صفوی
وی را امر کرد که اشعاری را که در موقع مطالعه «مخزن العرایب» وی روی آنها نشان
گذاری کرده بود جمع کند و همچنین شرح حال شعرا را که سلطان در «تحفة
الشعراء»^۱ بیاورده نیز علیحده تهیه کند بنا بر این کاتب «تعمیلاً لحکم السلطان» این
تذکره را ترتیب داد و بمناسبت سمت خود اسم آنرا «تذکره کاتب» گذاشت.
شرح حال اکثر شعرا در این تذکره مختصر آمده است و تقریباً تمام آن
از «مخزن العرایب» نقل شده است. البته اشعاری که در این کتاب گردآوری شده
است نشانه دوق خوب گرد آورده میباشد

ترتیب اسامی شعرا از روی العبا است و شاعر اول در این تذکره سید شریف
جهاگیر سمنانی و شاعر آخر محمد اشرف یکناف است

روی هم رفته این کتاب زیاد اهمیت ندارد چون تقریباً تمام مطالب آن از محروم
العرایب و کتب دیگر نقل شده است و بنا بر این از حیث اصالت تقریباً هیچ

نسخه خطی نسخه منحصر بهرد آن در رامپور موجود است که تاریخ ندارد
و مشتملست بر ۲۹۰ صفحه (رجوع شود به مجله اورینتال کالج لاهور ج ۶ ش ۲ مورخ
فوریه ۱۹۳۰ میلادی ص ۱۰۸ - ۱۱۱ و ج ۱۸ ش ۱۳۲ ص ۱۱۲ و تدیر احمد

ش ۸۱)

۱ تحفة الشعراء چنانکه از سیاق عبارت پیداست تذکره‌ای بوده که سلطان محمد
صفوی آنرا ترتیب داده بود اما اسم این تذکره در هیچ جای دیگر ذکر شده و سجدای عم
از این کتاب امروز باقی نمانده است. تذکره‌ای به همین نام را میرزا افضل بیگ قاشقال آورده
آبادی در ۱۱۶۵ هـ تألیف نموده است (رجوع شود به بحث درباره «تحفة الشعراء»
در این کتاب)

ریاض الوفاق

ابتدا

«در شکرستان شکرشکمی شکر و سپاس با طق بطق ...»

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب ذوالفقار علی متخلص به مست است (شرح حال مؤلف بدست بیامد).

آثار دیگر مؤلف بدین قرار است:

- ۱- داستان حقوق در اخلاق
- ۲- انتخاب سجع طیبه ابواب حسان
- ۳- مجموعه غزلیات «ناغ و بهار» و «بیاض بو طرر»
- ۴- تحفة المستدی در فن اشاء
- ۵- نگارستان نظایر مجموعه اقتساماتی است که در اشاء آنرا میتوان

بکار برد

- ۶- رساله‌ای در ناره سبک شعرائی متقدم و معاصر با نمونه اشعار
- ۷- بهارستان صمایر - مجموعه اشعار مؤلف
- ۸- لطف سخن - در شرح اقسام سخن (شعر)
- ۹- بیرنگ طهور در بیان «دات» های مختلف در هند (یعنی طبقات مختلفی که در بین هندوها معمول بوده است)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را پسال ۱۲۴۹ هـ در بارس (هندوستان) تألیف کرده است

و اسم کتاب «ریاض الوفاق» (= ۱۲۲۹ هـ) از روی ابجد سال تألیف کتاب را
میرساند.

این کتاب مشتملست بر ذکر صد و چهل و دو شاعر متأخر از کلکته و بنارس
که فارسی شعر میسروده اند و با محمد اسلم بلگرامی شروع شده با یعقوب، خواجه
یعقوب علی، تمام میشود.

اکثر شعرائی که در این تذکره ذکر آنان آمده است معاصر مؤلف و برخی
از آنها از آشنایان او بوده اند و بنا بر این شرح حالی که مؤلف در این تذکره
از آنها آورده است قابل اطمینان و اعتماد میباشد. اکثر این شعرا بر مان اردو نیز
شعر میسروده اند

نسخ خطی

۱- اشپیرنگر ۳۶ = ۲- برلن ۶۶۵

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به اشپیرنگر ص ۱۶۵ - ۱۷۲

فشر عشق

انتدا

جمع محامد مر محمودی را که نسخه جامع موجود است در دتلم قدرت وعداد
ارادت بر صفحه تحریر فرمود و تمامی مدایح آن ممدوح را که کتب مسبودات را

ملكك جواهر ملك تكوين و سواد تقرير بر سفینه اختراع و پيام ابداع
تسطير نمود.^۹

شرح حال مؤلف

مؤلف این کتاب آقا حسین قلی خان متخلص به عاشق عظیم آبادی و کنیت
وی ابو محمد و اصلش از خراسان است. حدا و نواب عسکرخان است و حد بر رگ
او نواب عیسی خان از شهر جام در آغاز سلطنت احمد شاه (۱۱۶۱-۱۱۶۷ هـ) باتفاق
بعضی ارماتعلقین و وابستگان به در الخلاقه شاه جهان آباد (دهلی) رسیده و آنجا
سکونت گزید. اجداد او در ملارمت سلطان احمد شاه و عالمگیر ثانی در آمده
بلقب نواب و خان بهادر و مناصب عالی گاهی به بعضی کارحاجات حصولی و
برخی ماتظام محالات و چکله داری- رافرار شده و در مدت قلیل حشمت و اقدار
کثیر اندوخته به کام دل زندگانی مینمودند. بالاخره حد بر رگش در سال پنجم جلوس
احمد شاه مطابق سنه ۱۱۶۵ هـ فوت کرد.

جد مؤلف نواب عسکرخان تاعهد عالمگیر ثانی با عرت و احترام رسیدگی
میکرد. موقعیکه احمد شاه درانی به هندوستان حمله کرد و حرا به شاهی حالی شد بعضی
ار مصاحبین پادشاه باو پیشنهاد کردند که املاک عسکرخان را توقیف نماید و بنا بر
توصیه آنها و با امر پادشاه سی هزار اشرفی (سکه طلائی) و بیست و دولک (دویست
و بیست ملیون) روپیه (سکه نقره ای) نقد و دو عرانه ظروف طلا و آلات نقره و
اشیای دیگر را بحرا به شاهی بردید. در ۱۱۷۰ هـ موقعیکه احمد شاه درانی برای
دفعه پنجم حمله کرد بعضی از مردم لشکر عسکرخان زادر حال تلاوت قرآن بقتل
رساندند

جد مؤلف به سرداشت که آقا علی خان شاهجهان آبادی پدر مؤلف
ار همه کوچکتر بود و در وقت فوت پدر سی او دو سال بود چون نواب میرالدوله
که از حویشا و بدان بر دیک جد مؤلف بود بوزارت شاه عالم (۱۱۷۳-۱۲۲۲ هـ) رسید

و خیر فوی عسکر خان را شنید بازماندگان او را به‌اله آباد نزد خود خواند و آنها دو سال در آن شهر بودند. سپس منیر الدوله که در عظیم آباد املاک زیادی داشت بآنها منزلی داد و برای کفالت آنها مستمری مقرر نمود.

آقا علی خان پدر مؤلف بعد از رسیدن بس تمیر و اتمام تحصیلات کنشده شد و از سن بیست و نهمت و بیست و سه سالگی به‌دار فوت منیر الدوله نایب‌النواب محمد شجاع قلی خان با احترام تمام بخدمت نواب‌های دیگر بوده و بالآخره به عظیم آباد (پتنه) مراجعت کرد و چون وی به پناهنده برای فروش بعضی سواحل میرمت وی را آقای کنگم^۱ ضلعدار اتاوه نزد خود خواند و در ۱۲۱۶ هـ به تحصیلداری چند پرگنه مانند شکوه آباد و فیروز آباد مقرر نمود^۲ و بوقت تألیف دفتر عشق^۳ وی بر همان منصب مأمور بود. همچنین دو عم مؤلف بر مناصب عالی در خدمت بعضی نوابان بخدمت رسیدند

مؤلف در ۱۹۴۴ هـ در عظیم آباد بدینا آمد تا سن چهارده سالگی اکثر اوقات خود را در فرا گرفتن زبان فارسی و تاریخ و صرف و نحو سر نهاده و با اتفاق پدر بسیر و سیاحت نقاط مختلف کشور رفته و غالباً در صحبت شعرا بوده اما از تحصیل عربی بی بهره ماند

مؤلف در موقع تألیف این کتاب از مدت هفده سال در خدمت کمپانی هند شرقی بوده و آنوقت تحصیلداری سپری بود
مؤلف بفارسی شعر میسرود و عاشقی تحصیل میکرد. در این کتاب وی سی و چهار بیت فارسی از خود نقل کرده است

۱- Mr Cunningham

۲- ضلع و تحصیل از تقسیمات کشوری هند میباشد و هر ضلع (شهرستان) مشتمل بر چند تحصیل (بخش) بوده است و حاکم ضلع را ضلعدار یا کلکتر و حاکم تحصیل را تحصیلدار میگویند. بی پرگنه ناصطلاحی که در هند و پاکستان معمول بوده است حوره بر رگه مالیاتی میباشد حاکم آن را حاکم پرگنه میگویند.

مؤلف «کلش بیچاره» درباره عاشقی مینویسد که اکنون که سال ۱۲۵۲ هجری است در شهر لکنو اقامت دارد و چون عربی بلد نیست در تذکره خود خیلی اشتباه کرده است.
بقیه شرح حال مؤلف بدست نیامد.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این تذکره را در ۱۲۲۴ هجری آغاز کرد و در سیر دهم رجب روزه شبه ۱۲۳۳ هجری با تمام رسانید (و عبارت «نشر رکحان» = ۱۲۲۴ هجری) سال آغاز تألیف این کتاب را می‌رساند).

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح داده است که وی در شهرهای کلکته و اکبر آباد (اگره) و شاهجهان آباد (دهلی) سیاحت پرداخته و در ضمن سیاحت با مردم بلاد مختلف بر خورد کرده و با آنها صحبت داشته است. بالاخره در اثر صحبت آنها بگفتن شعر متوجه شد و در اثر همین علاقه شعر اشعار شعرا را جمع آوری نمود و بتدریج قریب دوهزار بیت جمع آوری کرد. در سال ۱۱۰۳ هجری مؤلف در جهانی کول^(۱) موقعیکه وی در حضور آقای ایلیات کلکتر اصرع علیگره در جستجوی کار بود اتفاقاً روری با میر محمد جعفر مسیح بریلوی تحصیلدار پرگنه اتروئی ارمصافات اصرع علیگره برخورد کرد. میرزا نور بمولف گفت که تذکره ریاض الشعراء در اختیار دارد و مؤلف آن تذکره را روری بعاریت گرفت و رو نوشتی از آن برداشت. بعد از مطالعه آن تذکره باین شیخه رسید که واله اشعاره رطب و یابس را جمع آوری نموده و اگر کسی اشعار عاشقانه بخواهد نمیتواند از مطالعه آن لذت ببرد.

بنابر این مؤلف تصمیم گرفت که تذکره ای بنویسد که محتوی اشعار عاشقانه باشد و برای بیل باین مقصود چندین کتاب تذکره و تاریخ و سقیه و دیوان را از دیگران بعاریت گرفته یا به بهای کثیر خریداری نمود همچنین بعضی از این کتاب

۱- یعنی صلح داریا حاکم صلح - صلح در هندو پاكستان تقریباً معنی شهرستان (رجوع شود به ح ۲ صفحه پیش)

را ارتقیه بلگرام و مرچ آباد و ضلع علیگره و وطن خود عظیم آباد و اکبر آباد و شاهجهان آباد و از دیگران خواسته و در عرض هشت سال اشعاری از رودکی تا شعرای معاصر را در این مجموعه جمع آوری کرد و بالاخره در ۱۲۲۴ هـ به تسوید این تذکره پرداخت و بعداً تا هشت سال اتمام این کار بتعویق افتاد تا اینکه در سال ۱۲۳۳ هـ آنرا با تمام رسانید.

مؤلف در دیباچه اسم کتابهای ریرا آورده است که از آنها در تألیف این کتاب استفاده کرده است:

- | | |
|----------------------------|---------------------------|
| ۱- تحفة السامی (تحفه سامی) | ۲- همیشه بهار |
| ۳- حیات الشعرا | ۴- مردم دیده |
| ۵- خلاصة الافکار | ۶- حرانه عامره |
| ۷- سرو آزاد | ۸- ید بیضا |
| ۹- گل رعنا | ۱۰- تذکره بی نظیر |
| ۱۱- ریاض الشعرا | ۱۲- تذکرة المعاصرين |
| ۱۳- مجمع التقایس | ۱۴- منتجب اللطایف |
| ۱۵- کلمات الشعرا | ۱۶- آت النخیال |
| ۱۷- خریطه حواهر | ۱۸- تاریخ صحیح |
| ۱۹- تاریخ فرشته | ۲۰- تاریخ عالم آرای عباسی |
| ۲۱- تاریخ مداوی | ۲۲- تاریخ اکبری |
| ۲۳- احصار الاحیاء | ۲۴- تاریخ جهانگیری |
| ۲۵- تاریخ شاهجهان نامه | ۲۶- تاریخ عالمگیری |
| ۲۷- تاریخ ندری | ۲۸- تاریخ مرآت آفتاب |
| ۲۹- سفینه الاولیا | ۳۰- چراغ هدایت |
| ۳۱- فرهنگ رشیدی | ۳۲- فرهنگ جهانگیری |

از جمله کتب فوق‌العاده حیات الشعراء نیز کتبی است و خریطه جواهر امروز
بنا نموده است.

این تذکره مشتمل است بر ذکر هر اربعصد و هشتاد شاعر متقدم و متوسط و
و متأخر ترتیب العبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «شیخ ابواسماعیل عبدالله
انصاری» شروع شده با «یوسف بلگرامی» تمام میشود.

این تذکره بسیار مفصل است و شرح حال و آثار شعرا و اشعار منتخب آنها در این
تذکره خیلی مفصل آمده است و تنها اشعار عشقی شعرا نقل و اکثر این اشعار از غزل و رباعی
انتخاب شده است.

مؤلف شرح حال اکثر شعرا را مفصل آورده است و مخصوصاً در ذیل نام شعرای
معاصر شرح حال آنها را خیلی مفصل آورده و همچنین اشعار شعرا را هم غالباً بتفصیل
نقل کرده است.

سبک انشای مؤلف غالباً مصنوع است و گاهی نثر مسجع را هم بکار برده است.
گاهی جمله ای مصنوع در معنی «فوت شد» آورده است و بعضی جاها بمناسبت
اسم یا تخلص شاعر حنا آورده است مثلاً در ذیل نام سمل مینویسد «بسمل تیغ
فنا گردید».

فهرست خطی

۱- اشپرنگر ۷۳۲

۲- بانکی پورج ۸ ص ۷۱۶-۷۱۷

۳- رامپور - رجوع شود به ندیر احمدش ۹۷ (۱۲۳۶هـ).

۴- دانشگاه پنجاب - دو نسخه یکی از این نسخه‌ها ناقص الاول و الاخر است از روی

فهرستی که در اول کتاب (ناقص الاول) آمده است تعداد کل شعرا ۱۴۸۰ ذکر شده و
اسامی شعرا هم بهم حورده و بعد از رضا قزوینی در حرف «ر» ذکر امیر خسرو آمده است
ولی شرح حال وی ناقص و ناتمام مانده است. این تذکره در یک جلد است و درینا چه هم

دارد و نسخه دیگر با شیخ عبدالله انصاری شروع شده با واقف بتالوی (تافس الاخر) تمام میشود و این نسخه متعلق بکتابخانه مولانا محمد حسین آزاد دهلوی نویسنده معروف اردو بوده و بعضی عبارات آن بخط آزاد است. اما سابق مؤلف را که اصلاً خیلی مصنوع بوده اینجلیکلی تغییر داده و اشعار شعرا را هم مختصر نقل کرده است.

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به شتر عشق تحت نام عاشقی و گلشن بینظرو گارسن دتاسی ج ۱ ص ۲۳۵ تحت نام عاشقی و نگارستان سخن ص ۵۹ و صبح گلشن ص ۲۷۱ و نیز سخن ص ۸۴ و استوری ج ۱ ص ۸۸۶

فهرست و نامی شعرا

در هیچ فهرست یا کتاب دیگر ذکر نشده است.

انیس العاشقین

ابتدا

«تذکره سعادت تمصره که عرت بحش فصیح بیان لودعی والمعنی تواند بود و حمد سخن آفرینی است که بآیه وافی الهدایه فاتو بصورت من مثله کج طبعان مدرسه صلاحت و گمراهی را با اعتراف : بناظلمنا انفسا فاعمر لنا دینونا انا کنا من الخاطئين بمقامات صدق و یقین رسانده است. ۴»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره کنوررتن سنگمتخلص به رخمی است که از طرف شاهان

۱- بود لودعی المعنی تبررای (عاب الهمبار)

اود بالقلب منشی الملوك فخر الدوله دیرالملک مهاراجه (رتن سنگه) بهادرهوشیار
 جنگ منتهی شد. وی سکینه کایسته بود و اصلش از بریلی بود. خانواده او از چندین
 پشت در خدمت شاهان اود بودند و حدش راجه بهگوان داس دیوان و اتالیق (استاد)
 وزیرالمالک نواب آصف الدوله بهادر (۱۶۸۹-۱۷۱۲هـ) والی اود بود و بعداً مدتی
 ناظم بریلی بود.

پندورخمی رأی بالکرام مخلص به صورتی نایب مهاراجه چهاوالال بوده در سرکار
 نواب آصف الدوله سمت میر آتش را داشت و تویحانه بالک گنج در لکنهو هنورهم بنام
 وی مشهور است. وی مدتی صاحب دیوان نواب آصف الدوله بود. بالاحر مدرغره شوال
 ۱۲۱۱هـ به عظیم آباد رفت و نواب مرپور که وی را حیلی دوست داشت «تاب حدائی
 بیاورده» روز ۲۸ ربیع الاول ۱۲۱۲هـ از این سرای فانی بعالم حاودایی شافت و بالکرام
 نیز خدمت شاهی را ترک گفته از دنیا ماهیپایی خسرو بی پروا شد و تامدتی در بلاد
 مختلفه آواره و سرگردان ماند. البته گاهی برای دیدن پسر خود رخمی میآمد و باز
 بعزت شوریدگی پسر گردانی میپرداخت تا بالاحره در ۱۲۶۰هـ از این سرگردانی
 راحت شده و سر بریر حاک کشیده بخواب اندی فرورفت.

رخمی در لکنهو در شب یکشنبه ۲۳ محرم سنه ۱۱۹۷هـ مطابق ۹ دسامبر ۱۷۸۲
 میلادی چشم بدیده گشود و در آغاز شب شوق اکتساب علوم بدلش افتاد. بنابراین
 بعضی زبانهای مشهور و متداول مانند فارسی و عربی و هندی و انگلیسی را بقدر
 ما یحتاج فرا گرفت و با علوم عقلیه و نقلیه در این زبانها آشنا شد.

مؤلف بسیر و سیاحت اکثر بلاد هندوستان پرداخته و نخستین مسافرت وی
 از لکنهو به بریلی وطن آتائی وی بود. سپس در ۱۲۱۸هـ به کلکنه رفت و آنجا چند

۱- هر چه ایستار هندوها که بعضی افراد آن از علما و فضلاء معروف عربی و فارسی بوده اند

و امروز هم پیش از سایر اقوام هندو به زبانهای عربی و فارسی دوق و علاقه دارند.

سال در خدمت ابست اندیا کمینی^۱ بود. بالاخره در ۱۲۳۰ هـ به لکنو مراجعت نموده در خدمت شام اورد درآمد.

- ۱. وی در زمان غازی الدین حیدر اولین پادشاه اود و پشروی نصیرالدین حیدر دومین پادشاه اود بلق و خدمت منشی الملوکی ملقب و ماهور شد و در زمان آن محمدعلی شاه سومین پادشاه اود بسمت دیوانی آن ریاست^۲ و به لقب چهارمها را حکمی منظر و بالاخره وزیر دارائی اود شد.

رحمی گاهگاهی بسیاحت نقاط مختلف هندوستان می پرداخت. در موقع تألیف این کتاب (۱۲۳۹ یا ۱۲۴۵ هـ) اکثر اوقات خود را در بریلی سپری میبرد و گاهی به لکنو میرفت.

دعایات . میرزا حسن (متخلص به) قتیل .. (فن) شعر گفتن را آموخت و بسک شعرای متقدم شعر میسرود و بفارسی دیوانی ترقی داده بود.

در سال ۱۲۶۳ هـ رحمی مسلمان شد و بعد از سه سال در ۱۲۶۷ هـ (۱۸۵۰-۱۸۵۱ م) فوت کرد. اشپزنگر نیر سال وفات وی را ۱۸۵۰ یا ۱۸۵۱ میلادی ثبت

۱ - شرکت هند شرقی که در سنه ۱۶۰۰ م بوجود آمد - در اول يك شرکت بازرگانی و تجاری پیش بود اما تدریجاً از اوضاع و حیم سیاسی هندوستان سوء استفاده کرده در امور سیاسی آن مملکت دخالت نمود و بالاخره در نتیجه دسایس و توطئه های متوالی در آن کشور تسلط پیدا کرده و مرسس و بیان گدار حکومت انگلیسی در هندوستان شد تا اینکه در ۱۸۵۷ م و کتوریه ملکه انگلستان رمام امور سلطنت هند را مستقیماً بدست خود گرفت و هندوستان را حرو مستعمرات انگلستان اعلام نمود و بدین ترتیب به حکومت کمپنی مریود در هندوستان حاتمه داد

۲ - ناحیه های بیم مستقل که حکام آنها را در شه قاره هندوستان نواب و راجه و مهاراجه میگویند مانند حیدر آباد دکن و کشمیر و غیره.

کرده است.^۱

بقول مؤلف «صح گلشن» زخمی با اکثر علوم عربی و فلسفی و ترکی و انگلیسی و سنسکریت آشنائی داشت. وی پسری داشت بنام کنور دولت سنگه شکری که در عنوان خوانی فوت کرد و بقول مؤلف «صح گلشن» در جمله فنون ار پسر خود میر قدمه را ترمیگذاشت»

آثار مؤلف

- ۱- جام گیتی نعا - برای نسخه رجوع شود به ریوس ۱۰۹۶
- ۲- سلطان التواریخ - تاریخ مفصل شاهان اوداست و شامل وقایع تاریخی تا مرگ محمد علی شاه پادشاه اود (۱۲۵۸ هـ) میباشد - مؤلف آنجا شرح حال خود و نسبت مفصل آورده است - برای نسخ رجوع شود به ریو ج ۳ ص ۹۶۲ (مورخ ۱۲۶۵ هـ) و اندیا آفس ۲۹۶۱ (مورخ ۱۸۷۸ م)
- ۳- دیوان فارسی - نسخه آن در دانشگاه لاهور در کلکسیون شیرانی موجود است.

۴- انیس العاشقین - تذکره مورد بحث

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را طاهر آ در ۱۲۴۵ هـ تألیف نموده است چنانکه در دیباچه نسخه خطی دانشگاه لاهور مینویسد که وی این کتاب را بسال یکهار و دو صد (دویست) و چهل و پنج ۱۲۴۵ هـ تألیف نموده است. اما در خاتمه جلد دوم ورتو گراف (عکسهای) نسخه کتابخانه لاله ماتا پرشاد عبارت زیر آمده است:

مت وهتم (بیست و هفتم) رمضان المبارک سه ۱۲۳۶ هجری مطابق بست و

- ۱- بقول دیو نسخه ای از سلطان التواریخ تألیف رتن سنگه زخمی درموره بریتانیا موجود است که مؤلف آنرا به سر اچام ایلیات در ۱۸۵۱ م تقدیم کرده است (ر.ک. ریو ج ۳ ص ۹۶۲). از این معلوم میشود که مؤلف این کتاب را چندین قبل از مرگ خود به سر ایلیات تقدیم کرده و در همان سال گذشته است.

هفتم مئی (مه) سنه ۱۸۲۴ عیسوی (میلادی) حسن تحریر چندین وقت ... کتبه
عبدالمنصب غلام حسین.

اکنون بی بردن باینکه کدامیک از عبارات فوق اشتباه است مشکلات چون
در عبارت اول سال بصورت المعظم میزدگر شده و در عبارت دوم سالهای هجری و میلادی
هر دو آمده است (و این سالها هم درست است).

راجع بسبب تألیف مؤلف در اینجا به کتاب چنین توضیح داده است :

« از عنوان شایع نظم اشعار مایل و صحبت شعرا را مایل بوده ام و هنگام فراغ
از کتب معقول و منقول بملاحظه دو اوین بلاغت تضمن قدما و متأخرین بر
می نمودم تا در سه ۱۲۴۵ یک هزار و دویست (دویست) و چهل و پنج هجری گنه
وارد دارالسنه لکنو بودم شعب بعضی اشعار عاشقانه شعرای بانام و نشانه (معروف)
را فراهم آورده باقلیلی از حالات هر یکی بنهایت ایضار بقلم سپردم و با انتخاب
عزل و رباعی اقتصار ورزیده از تحریر اشعار قصیده و مثنوی الا ضرورت
در گذشتم »

این تذکره مشتمل است بر ذکر حال و اشعار و منتخب از متجاور از دو هزار
شاعر متقدم و متأخر بترتیب العما از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و شامل
مقدمه در مدح نصیرالدین حیدر شاه اود (۵۳ هـ ۱۲۴۲ م) و سی و دو « حرف » اول اسم
که هر حرف آن مخصوص برای یکی از حروف العما است جلد اول این کتاب
و با آبرو « شروع شده با « ضیائی » تمام میشود و جلد دوم آن با « طاب حاجر »
شروع شده با « یوس ابری » تمام میشود »

مؤلف این کتاب را بنام نصیرالدین حیدر شاه اود عنوان کرده است

در دلیل اکثر شعرا و شرح حالشان در حیلی مختصر آورده است مانند آبرو

۱- صحه ای که در دانشگاه لاهور موجود است جلد اول این کتاب است.

۲- در دانشگاه لاهور عکسهایی از نسخه متعلق مکتبخانه لاله مانا پیر شاد موجودا

که مشتمل است بر جلد دوم این کتاب .

و آئون آثم کبر آبادی و غیره

در ذیل بعضی شرح حالشان را مختصر و لی جامع آورده است مانند آزاد بلگرامی
و آشنا و آمینو غیره . . .
در ذیل بعد کمی از شعرها شرح حالشان را مفصل آورده است مانند آرزو و ارقی
و انسی و غیره . . .

با وجود اینکه اشعار شعرا غالباً مختصر نقل کرده است اشعار خود را خیلی
مفصل (در هفتاد و سه صفحه) و مفصل تر از همه آورده است .
چنانکه خودش در مقدمه توضیح داده است اکثر اشعار منتخب از غزلیات و
رباعیات است و در این تذکره بهدرت اشعاری را از قصاید و مثنوی انتخاب نموده
است .

۴۴ - ۴۳ - نثر مؤلف در سراسر کتاب ساده و غیر مصنوع است و تنها در مقدمه یاد در موقع
تشریح و تمجید از شعرا نثر مصنوع خصوصاً نثر مسجع بکار برده است.
نسخ خطی

۱- دانشگاه لاهور (جلد اول کتابت استار «آبرو» تاصیائی)

۲- تذیر احمد ش ۷۳ (مورخ ۱۲۳۹ هـ - جلد دوم ابطال حاکرمی و شامل
۱۱۷۶ شاعر است - کتابخانه گوری پرشاد در لکهنو) طاهر آ این همان نسخه
است که عکسهای از آن در دانشگاه لاهور موجود است اما اسم صاحب این
کتابخانه «لاله ماتا پرشاد» ذکر شده است نه گوری پرشاد - البته نسخه این عکسها
بیرمورخ ۱۲۳۹ هـ میباشد

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به ایس العاشق و سلطان التواریخ و صح

گلشن ص ۱۹۴ و استوری ص ۸۹

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به خود نسخه های این کتاب.

گلدسته کرفاتک

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف غلامعلی موسی رضاعلم به حکیم باقر حسبر خان و متخلص به رایق است و اسم پدرش حکیم رکن الدین حسین خان نایبی است. رایق در ۱۱۸۰ هـ در محمد پور در ناحیه اراکات متولد شد اما مؤلف بتاییح الافکار مینویسد که وی در مدارس متولد شد و مدتی در قصه آورده گیر که اراکات مدارس است اقامت داشته و در آورده گیر نزد مولوی باقر علی آگاه تحصیل علم عربی و فارسی و بعد مایحتاج نمود و نزد کره «محبوب الرحمن» مولداو «اوگیر» ذکر شده آمد در «گلزار اعظم» مولداو «محمد پور» (رکات) آمده است. چون رایق رابطه عمیقی بدربار کرفاتک داشت و مؤلف «گلزار اعظم» حاکم آنجا بود بنابراین قول او بیشتر مورد اعتبار و اعتماد میباشد.

رایق در ۱۰۹۷ هـ در حنگ نواب حیدر علی خان حاکم میسور (متوفی در ۳۰ محرم ۱۰۹۷ هـ) به او دگیرفته و در خدمت سید عبدالقادر خان دگیردار آجا در آمد و سپس به مدارس رفت و آنجا در مولوی محمد باقر آگاه تحصیل علوم و فنون ریاضی و مهارتی در نظم و شریعی حاصل نمود و بهر شهرتی در فن ضعیف کرد.

نواب عمده الامرا به پدر حاکم کرفاتک او را بسبب موسی در محمد پور منصوب کرد و در رایق بموان معور نظام الدین احمد خان به در محمد پور رفت بعد از وفات نواب مرید رایق دو دوره به مدارس رفت و در ۱۲۱۶-۱۲۳۴ هـ در آمد و نواب مرید او را به حکیم باقر حسین نوب کرفاتک (۱۲۱۶-۱۲۳۴ هـ) در آمد و نواب مرید او را به حکیم باقر حسین اعطا نمود در روزهای آخر عمر خود به مریمه حسین و ندهی نواب اعظم حده دهد. چون مات نواب کرفاتک (۱۲۳۴-۱۲۴۱ هـ) پدر مؤلف گلزار اعظم در آمد و بطلب و توجه او بمیه زندگی خود را سعادت و احترام تمام گذراند.

در تذکره «محبوب الرحمن» سال وفات او ۱۲۴۷ هـ ضبط شده ولی «در گلزار اعظم» و «تایح الافکار» و «اشارات پیش» ۱۲۴۸ هـ آمده است. در تذکره «سخنوران بلندفکر» (اردو) قطعه تاریخ وفات رایق که سید ابوطیب خان والا گه به بدین قرار آمده است:

داروی اجل چو خورد رایق یا بدرقه گلاب ایمان
سالش ز سر بکا دلم گفت حقا که ز دهر رفت لقمان

بقول مؤلف «سخنوران بلندفکر» (اردو) اینجا از سر بکا تعبیه است یعنی باید عدد «ب» = ۲ را بعد مصرع دوم = ۱۲۵۱ اضافه کرد و بدین ترتیب سال وفات رایق (۱۲۵۳ هـ) برمیآید که با اصل سال وفات رایق که بقول مؤلف گلزار اعظم و غیره ۱۲۴۸ هـ است پنج سال فرق دارد. اما حقیقت اینست که بمؤلف سخنوران بلند فکر اشتباه دست داده و باید عدد ۲ را از ۱۲۵۱ منها کرد و در نتیجه ۱۲۴۹ بدست میآید که فقط یکسال از وفات رایق که بقول مؤلف گلزار اعظم و غیره ۱۲۴۸ هـ میاشد فرق دارد.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این تذکره را در ۱۲۱۰ هـ آغاز نموده چنانکه اسم تذکره اردوی ابجد میرساند و در بین ۱۲۴۴ و ۱۲۴۸ با تمام رسانیده است اما روایت صاحب گلزار اعظم سال اتمام این کتاب ۱۲۴۰ است چنانکه «گلدستہ ریای کر ناطک» میرساند این تذکره مشتمل است بر ذکر ۷۰ شاعر بترتیب الفبا اردوی حرف اول اسم یا تخلص شاعر که در کر ناطک در اوایل قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ م زندگی میکرده اند چون مؤلف با تمام این شعرآشامود و آنها هم شهری وی بودند بنا بر این اطلاعاتی که در این تذکره درباره این شعرابهم رسانیده است اعم از اینکه در دربار یا خارج اردو بار بودند در هر حال قابل اعتبار و اعتراف است

نسخ خطی

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به گلدسته کر ناطک و تایح الافکار ص ۱۸۹ و صبح و وطن ص ۸۱۸ و گلزار اعظم ص ۲۱۲ و اشارات پیشش ص ۴۹ و ۹۴-۹۵ و حدیقه المرام

(بربان عربی) تألیف مولوی محمد مهدی واصف مدراس چاپ مدراس ۱۲۸۹ هـ
 ص ۴-۲۳ و استوری ج ۱ ص ۸۹۰ و سخنوران بلند فکر (اردو) تألیف مولوی محمد منور
 گوهر چاپ دانشگاه مدراس هندوستان ۱۲۵۲ هـ
فهرست اسامی شعرا
 رجوع شود به ایوان تودیل اول ص ۸-۱۰ (اسم ۷۰ شاعر)

محدث شعرا

ابتدا

ای حمد تو آب و تان ابحار سخن وی دگر تو چشمه سارا نهار سخن
 از فیض تنای تو تمامی مه و سال آسیب خزان ندیده گلزار سخن
 بی بها حمدی که شمیمش دل‌های مرده را دردی دهد و جانها را شگری که نسیمش
 حسام‌های پزمرده را تا زگی بخشد حمد محمودیست جل جلاله و شکر مه
 عم نو ۴

مؤلف

اسم مؤلف محمد صالح شاملووی خراسانی است که از معاصرین فتحعلی شاه قاجار
 (۱۲۱۲-۱۲۶۰ هـ) بود (شرح حال مؤلف بدست بیامد)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب در سال ۱۲۵۲ هـ تألیف نموده است. (رجوع شود به مقدمه کتاب)
 در مورد سبب تألیف کتاب مؤلف در مقدمه چنین توضیح میدهد که از مدتی است
 بفرجه آوردی منتحیات اشعار شعرای معاصر بود اما بعزت گرفتاری بی‌گونه
 این فکر صورت عمل نمیگرفت تا اینکه در سال ۱۲۵۲ هـ در بلده حیدرآباد

از دوستان ...^۱

این کتاب مشتمل است بر دگر ۱۸۱ تن سخنگو بشمول فتحعلی شاه و شاهزادگان و امرای شعرای زمان وی و با «فتحعلی شاه قاجار» شروع شده با «میرزا وصال شیرازی» تمام می شود

مؤلف در ذیل شرح حال اکثر شعرا اطلاعات مهمی در گمانی آنها را مانند سال و محل ولادت و غیره را بیاورده است و اغلب عبارات آرائی پرداخته و او را اکثر شعرادر دوسه سطر یاد کرده و از آنها دوسه بیت را نقل کرده است.

عجیب اینست که اکثر شعرای این کتاب معاصر مؤلف و حتی از رفقا و آشنایان وی بوده اند اما مؤلف شرح حال اکثر شعرا را خیلی مختصر آورده و اکثر اطلاعات ضروری را در یاره رندگی آنها نداده است

اکثر شعرای این تذکره در تذکره های معاصر ایران ذکر شده اما ذکر بعضی از آنها مخصوصاً ذکر شعرای متأخر هندوستان در تذکره های دیگر ایران بیامده است اما بعضی از آنها در تذکره های هند ذکر شده اند. از جمله شعرای این تذکره شعرای ریر یا اصلا هندی بوده یا در موقع تألیف این تذکره در هند اقامت داشته اند.

چراغ علیخان آصف حاجی فطرت مار بندرانی و عماسقلی خان نصرت خان الشیر به دکنی و میر غنصر علیخان آراد کشمیری و میرزا نورالعین واقف هندی شاه جهان آبادی و برهان قلی خان لکناهوری (لکهنوی) و میر محمد حسین لکناهوری (لکهنوی) و میرزا محمد فاجر مکین بطری^۲ و میرزا علی نقی خان بی لاهوری.

در ذیل نام اشخاص ریر مؤلف شرح حال آنها را سببه مفصل آورده است. نشاط اصهبانی و طایر شیرازی و فاضل خان سوی همدانی (هر کدام در ۲ ص) و سمل شیرازی

۱- در نسخه کتاب بخا به علالت این عذرت با تمام مانده است.

۲- برای نورالعین واقف لک. در مردم دیده. ۳- برای میرزا محمد فاجر مکین و لک و ایبر، الاحساء.

(در ۲ ص) ونیری شیرازی (در ۳ ص) وفتحعلی شاه قاجار (در ۳ ص) وملك الشعراء
صبای کاشی (در ۴ ص - مفصل تر از سایرین) .

در ذیل نام شعرای زیر اشعارشان را سته منسل آورده است . میرزا صبوری کاشی
(۶۰ بیت) و ملك الشعراء صبای کاشی و حاوری تبریزی و حیران رشتی و خاور شیرازی
(از هر کدام ۷۰ بیت) و عندلیب کاشی و همای مروی (از هر کدام ۱۰۵ بیت) و شاط اصفهانی
(۱۱۰ بیت) و مجمر اردستانی (۱۴۵ بیت) و سمل شیرازی (۱۷۵ بیت) و وصال شیرازی
(۲۳۵ بیت) و شهاب ترشیری (۵۸۰ بیت) و ونیری شیرازی (۲۷۰۰ بیت) .

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف عالماً متنوع است و در بسیاری از موارد بشر مسجع بکار برده
است مخصوصاً قسمت اول را که مقدمه و ذکر پادشاه و شاهزادگان و امرار شامل است
مؤلف بشر بسیار مصروع بگذاشته است . در این قسمت مؤلف القاب توصیفی بهر اوانی بکار
برده است مخصوصاً در ذیل پادشاه و شاهزادگان این قبیل القاب را خیلی فراوان آورده
است . همچنین در ذیل بعضی شعرای مهم این دوره بقر القاب توصیفی آورده است مثلاً :
در ذیل نام ونیری شیرازی مینویسد «عندلیب گلستان بلاغت طوطی شکرستان
فصاحت» (در یک صفحه) . همچنین رجوع شونده «ملك الشعراء عندلیب کاشی و بی بی عفت
شیرازی و میرزا ساوی همدانی و سمل شیرازی و وصال شیرازی

نسخه خطی : نسخه محصر بهر داین تذکره در کتابخانه ملك تهران موجود
است (رجوع سوره ش ۴۰۹۶ کتبخانه ملك تهران) اما در این نسخه قسمت آخر دیناچه
کتاب تمام مانده است

تذکره - اسم این تذکره در هیچ فهرست که بحانه یا تذکره ذکر نشده است
و حی استوری هم از وجود این کتاب اطلاع نداشته است

فهرست اسامی شعرا - چون اسم این کتاب در هیچ فهرست

اسامی شعرا اینجا نقل میگردد .

ذکر پادشاه

- ۱- فتحعلیشاه قاجار
 ذکر شاهزادگان فتحعلی شاه
 ۲- نواب محمد علی میرزا
 ۳- شاهزاده حسین علی میرزا
 ۴- نواب محمدقلی میرزا حسروی
 ۵- نواب محمدتقی میرزا شوکت
 ۶- نواب علیشاه ظل السلطان
 ۷- شیخ علی میرزا شایور
 ۸- عبدالله میرزا
 ۹- نواب امام ویردی میرزا
 ۱۰- نواب محمود میرزا
 ۱۱- نواب محمد رضامیرزا افسر
 ۱۲- نواب حیدرقلی میرزا حاور
 ۱۳- نواب همایون میرزا حشمت
 ذکر امرای رمان فتحعلی شاه قاجار
 ۱۴- ابراهیم خان طغرل
 ۱۵- سلیمان خان عرت
 ۱۶- محمد قاسم خان شوکت
 ۱۷- الله یار خان
 ذکر شعرای رمان فتحعلی شاه

- ۱۸- نیری شیرازی
 ۱۹- میرزا رضی تبریزی
 ۲۰- میرزا سحاب اصفهانی
 ۲۱- میرزا صبوری کاشی
 ۲۲- ملک الشعرا صای کاشی
 ۲۳- میرزا معتون شیرازی
 ۲۴- مولانا نشاط اصفهانی
 ۲۵- حاوردی تبریزی
 ۲۶- حسین علی بیگ شرد اصفهانی
 ۲۷- سلیمان صیاحی کاشی
 ۲۸- میرزا مائل طهرانی
 ۲۹- میرزا سیدحسین محمداصفهانی
 ۳۰- میرزا صادق همای مروی
 ۳۱- میرزا داود بینوای مشهدی
 ۳۲- میرزا ابوالحسن شیدای پردی
 ۳۳- آقا محمد علی شیدای اصفهانی
 ۳۴- آقا محمد صغای اصفهانی
 ۳۵- میرزا سعیدفدای اردستانی
 ۳۶- منت علی بیگ بوای شیرازی
 ۳۷- میرزا محمدعلی وفای اصفهانی
 ۳۸- میرزا محمد حسین وفای فراهانی
 ۳۹- میرزا ابوالحسن یغمای جندقی

- ۴۰- میرزا عبدالله خان شهاب ترشیزی ۴۱- میرزا محمد تقی صاحب‌عازف ندرانی
 ۴۲- میرزا محمد رفیع خان طرب شیرازی ۴۳- ملک‌الشعرای محمد حسین خان عبداللیم کاشی
 ۴۴- میرزا عبدالعلی کوکب یردی ۴۵- آقا میرزا محمد صادق کوکب شیرازی
 ۴۶- میرزا مرتضی محبوب ترشیری ۴۷- میرزا حیدر علی محبوب شیرازی
 ۴۸- میرزا محمد قلی الفت کاشی ۴۹- محمود خان الفت شیرازی
 ۵۰- آقا میرزا محمد حسین عشرت شیرازی ۵۱- ملا محمد تقی حسرت همدانی
 ۵۲- میرزا علی خان بیگ حسرت اصفهانی ۵۳- ملا باقر صحبت لاری
 ۵۴- آقا محمد طلعت اصفهانی ۵۵- بی بی عمت شیرازی
 ۵۶- بی بی عشرت ۵۷- بی بی عشرت شیرازی
 ۵۸- محمد امین بیگ فطرت اصفهانی ۵۹- چراغ علیخان آصفهانی فطرت
 مارندرامی
 ۶۰- میرزا سید نعمت‌الله فکرت مارندرامی ۶۱- عباس قلی خان نصرت‌الشهبی بهرگنی
 ۶۲- میرزا سلطان بیگ نصرت گیلانی ۶۳- میرزا محمد حسین نصرت شیرازی
 ۶۴- میرزا رضا قلی بیگ هدایت دامغانی ۶۵- محمد حسن خان فروغ خان زند
 ملقب به خانلر خان
 ۶۶- میرزا عسقر علی خان آزاد کشمیری ۶۷- میرزا محمد خان امید اصفهانی
 ۶۸- میرزا ابوالحسن امید باوندی ۶۹- میرزا جواد اصفهانی
 ۷۰- حاجی عابد اصفهانی ۷۱- آقا محمد شیرازی
 ۷۲- میرزا احمد بیگ اخترگرخی ۷۳- میرزا علی اکبر اصفهانی
 ۷۴- ابراهیم خان انور شیرازی ۷۵- میرزا شیخ محمد علی بهادر
 دازا حسردی
 ۷۶- آقا حسین بیمار شیرازی ۷۷- محمود خان خاور آذربایجانی
 ۷۸- مولانا حاجی شیخ محمد ساغر حرزعی ۷۹- محمد سی خان سعید شیرازی
 ۸۰- حسین علی بیگ شرز اصفهانی ۸۱- میرزا علی تقی حیدر شیرازی

- ۸۲- میرزا احمد صبور کاشی
 ۸۴- آقا لطفی فکار شیرازی
 ۸۶- میرزا رضا منصور اصفهانی
 ۸۳- حسنعلی خان طایر شیرازی
 ۸۵- میرزا محمد حسین محمر اردستانی
 ۸۷- آقا میرزا محمد ابراهیم
 منظور شیرازی
 ۸۸- میرزا امانالله بیگ کاتب اصفهانی
 ۹۰- میرزا سیدعلی نیاز شیرازی
 ۹۲- میرزا یوسف انیس نهاوندی
 ۹۴- میرزا محمد مونس اصفهانی
 ۹۶- میرزا محمدعلی دانش اصفهانی
 ۹۸- علاءرویش قائمی
 ۱۰۰- آقا میرزا یانا عارض اصفهانی
 ۱۰۲- شیخ محمد قانع شیرازی
 ۱۰۴- میرزا ابوالحسن حریری حدیفی
 ۱۰۶- شیخ عابد عارف کازرونی
 ۱۰۸- میرزا انورالین واقف هندی
 شاه جهان آبادی
 ۱۱۰- آقا علی عسکر شایق اصفهانی
 ۱۱۲- میرزا صادق ناطق اصفهانی
 ۱۱۴- آقا محمد صالح واقف اصفهانی
 ۱۱۶- میرزا محمد امین خان بیدل پشایوری
 ۱۱۸- میرزا محمدعلی
 ۱۲۰- شیخ محمد رحیم
 ۱۲۲- میرزا ابوالقاسم اری
 ۱۲۴- میرزا هاشم حرم اصفهانی
 ۱۰۹- هادی بیگ شایق هندی
 ۱۱۱- میرزا مراد بیگ مشفق شیرازی
 ۱۱۳- میرزا محمدعلی واقف یردی
 ۱۱۵- میرزا محمد رحیم بیدل شیرازی
 ۱۱۷- آقا میرزا حابی سائل شیرازی
 ۱۱۹- آقا محمد قائل شیراز
 ۱۲۱- میرزا ابوالقاسم ادرنا یحابی
 ۱۲۳- میرزا یحیی علی حرم شیرازی
 ۱۲۵- حرم حراسانی

- ۱۲۶- میرزا علی قایم مقام فراهانی
 ۱۲۸- میرزا منعم شیرازی
 ۱۳۰- میرزا مرتضی بیگ پریشان
 ۱۳۲- ملاحسن نهاوندی
 ۱۳۴- میر محمد حسین هندی
 لکناهوری (لکهنوی)
 ۱۳۶- میرزا عبدالرسول حیران رشتی
 ۱۳۸- میرزا محمدعلی گلشن رنگه
 ۱۴۰- میرزا محمد حسین مخنون شیرازی
 ۱۴۲- میرزا رفیع مفتون قمی
 ۱۴۴- آقا چماقلوی مازندرانی
 ۱۴۶- میرزا کلب حسین بیگ
 آشفته ایروانی
 ۱۴۸- محمد مهدی خان شهنشاه مازندرانی
 ۱۵۰- میرزا احمد کشته نظری
 ۱۵۲- آقا میرزا محمد کاظم و اله اصمهبانی
 ۱۵۴- آقا میرزا رحمة علی تسلی شیرازی
 ۱۵۶- میرزا حسین حسینی یزدی
 ۱۵۸- آقا بزرگ میرزا دو قی شیرازی
 ۱۶۰- میرزا محمد علی زهیعی
 ۱۶۲- میرزا رضاقلی رفیعی مازندرانی
 ۱۶۴- آقا میرزا محمد صدیقی کوهساری
 ۱۶۶- میرزا صدر علی بیگ وردی
 رند شیرازی
- ۱۲۷- آقا میرزا حسن علی محروم شیرازی
 ۱۲۹- ملا محمد نادم شیرازی
 ۱۳۱- برهانقلیخان لکناهوری (لکهنوی)
 ۱۳۳- ملاحسین مازندرانی
 ۱۳۵- میرزا محمد علی حیران یزدی
 ۱۳۷- میرزا احمد روشن شیرازی
 ۱۳۹- میرزا محمد فاخر مکین نظری
 ۱۴۱- عبدالرراق بیگ مفتون تبریزی
 ۱۴۳- شیخ عبدالمعالم همایون اصمهبانی
 ۱۴۵- میرزا آقا علی اشرف آگ شیرازی
 ۱۴۷- میرزا عبدالعسی ذره تهرشی
 ۱۴۹- میرزا عبدالوهاب قطره اصمهبانی
 ۱۵۱- نصرالله خان قراگوزلو
 ۱۵۳- میرزا عبدالعاقی باقی اصمهبانی
 ۱۵۵- میرزا محمد حسین خانی شیرازی
 ۱۵۷- میرزا فضل الله حور شیرازی
 ۱۵۹- میرزا وصل خان راوی همدانی
 ۱۶۱- آقا میرزا محمد ابراهیم کاتبی
 ۱۶۳- میرزا صنی کاشانی
 ۱۶۵- میرزا محمد علی صدیقی یزدی
 ۱۶۷- میرزا محمد حسین عالی شیرازی

- ۱۶۸- آقاعلی شیرازی
 ۱۶۹- حاجی حسین حامی شیرازی
 ۱۷۰- آقامیرزا محمدحضر فدوی
 ۱۷۱- میرزا محمد فکاری اردکانی
 ۱۷۲- آقامیرزا عبدالرحیم قضائی یزدی
 ۱۷۳- مهدی بیگ تفتاقی آذربایجان
 ۱۷۴- میرزا محمد حسین یاری الشیر
 ۱۷۵- میرزا محمد باقر بیگ
 گرجی اصفهانی
 ۱۷۶- میرزا علینقی خان نقی لاهوری
 ۱۷۷- میرزا عباس نشاطی مازندرانی
 ۱۷۸- نورعلیشاه اصفهانی
 ۱۷۹- میرزا مهدی شیرازی
 ۱۸۰- حاجی علی کبیر بسمل شیرازی
 ۱۸۱- میرزا محمد شفیع وصال شیرازی

معراج الخیال

ابتدا

«عبرین رلف ز عا(ی) شاهد سخن را شاه ربی فرمودن بنام پاک بطق آموری
 میزبید تعالی تا به که طبع رنگین خیالان صائب افکار گل در گریبان اربهار مکرمتش
 و اندیشه نازک تلاشان عالی دستگاہ گهر بدامان اریسان مرحمتش»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب وزیر علی متخلص به عسرتی است وی در عظیم آباد پتنه
 متولد شد و شاگرد راجا پیاری لال الصی (متوفی ۱۲۵۴ هـ) بود و بعد از تمام تحصیلات
 در خدمت رئیس الامرا و روش الملک مبارک الدوله بواب محمد مهدی قلی خان بهادر
 شوکت جنگ در آمد و اقلیق محمد حسن خان بهادر قهور شوکت جنگ مرور
 هم بود. چون فخر الامرا مبارک الملک صیاء الدوله بواب سید محمد حسن خان بهادر

تهور جنگ که در کلکته بود به عظیم آباد رفت عبرتی بسمت منشی او منصوب شد و باتفاق او به بنارس هم رفت .

عبرتی بعد از تألیف «اعجاز المحبت» (۱۲۴۷هـ) بکلکته رفت و چند ماه در آنجا سیاحت و گردش پرداخت و سپس بدهاکا (در پاکستان شرقی امروز) نیز رفت .
عبرتی در تذکره خود شرح حال بعضی شعرا و امرای آن شهر را آورده است . در همان سال ۱۲۴۷ هـ دوباره به بنگال رفت اما قبل از ۱۲۵۰ هـ به عظیم آباد (پتنه) مراجعت نمود چنانکه در رقعهای (نامه‌ای) در مصاحح الاخلاق (تألیف ۱۲۵۰هـ) مینویسد: دهنگام - باز گشت از حهانگیر نگر (دهاکه) حال در گذشتن پدر پیر آن جوان سال (دا) شنیدم، همچنان رقعهای (نامه‌ای) که در «ریاض الافکار» عبرتی موجود است و نواب تهور جنگ (متوفی در ۱۲۵۰هـ) به مؤلف نوشته است چنان میرساند که مؤلف در آن وقت ترك ملازمت نواب کرده بود و نواب بر این واقعه اظهار تأسف می‌کند اما اجازه میدهد که عبرتی در وطن خود (عظیم آباد) زندگی کند .

عبرتی در عظیم آباد (پتنه) در خدمت راجا پهبوب سنگه در آمد و به معلمی مهیت سنگه پسر راجای مرور مأمور شد . راجا پهبوب سنگه شعر هم میسرود و ولا تخلص میکرد . قبل از ۱۲۶۶ هـ عبرتی بر نظارت مأمور بود اما در نتیجه خیانت رای شکر لعل (صدر اعظم پتنه) عبرتی محصور شد و بر اترك گوید چنانکه شرح آنرا در «جام جهان نما» تألیف ۱۲۶۶ هـ آورده است . عبرتی بعد از ترك خدمت فوق در خدمت نواب سید ولایت علیخان در آمد و در همان ایام «جام جهان نما» را تألیف کرد .

آخرین کتاب عبرتی «ریاض الافکار» است که وی بسال ۱۲۶۸ هـ تألیف نموده است بعد از آن تاریخ احوال وی بدست نرسید .

عبرتی شیعه اثنا عشری بود و بر دینهای فارسی و عربی تسلط کافی داشت و عالمی متوجه نه تنها شش بده و کما بگفت شعر میسرود .

آثار مولف

آثار فارسی عبرتی بقرار زیر است :

- ۱ - اعجاز المحبت - اولین تألیف عبرتی است که وی بسال ۱۲۶۷ هـ نوشته است . این کتاب در اصل خلاصه مثنوی «تلمن» فیضی است بشر فارسی . برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو - کرن ش ۲۵۹ .
- ۲ - مصباح الاخلاق - مجموع ۷۶ رقه (نامه) عبرتی است که وی بسال ۱۲۵۰ هـ ترقیب داده و بزبان بسیار مصنوع و معلق نوشته است برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو کرن ش ۵۰۷
- ۳ - معراج العشاق - مشتمل است بر داستان لیلی و مجنون که مؤلف مثنوی «لیلی و مجنون» هاتقی را بسال ۱۲۵۱ هـ بنشر در آورده است - برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو - کرن ش ۲۴۶ .
- ۴ - سراج المحبت - مشتملست بر داستان «هیرو رانجها» که مؤلف مثنوی «هیرو رانجها» تألیف میوقمر الدین را در ۱۲۵۴ هـ بصورت نشر در آورده است . برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو - کرن ش ۳۱۴ .
- ۵ - معراج الحیال - تذکره مورد بحث .
- ۶ - جام جهان نما - تاریخ هندوستان است از زمان ورود انگلیسها به هندوستان تا زمان تسلط آنها بر آن کشور . سححه ای از این کتاب در مدرسه سلیمانیه شهر پته موجود است .
- ۷ - ریاض الافکار - تذکره نثر نگاران است که بسیاری از آنها شاعر هم بودند مخصوصاً از قرن ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ میلادی و اکثرشان هندی الاصل بوده یا ایرانی الاصل که در هندوستان سکونت داشته اند . این تذکره در سال ۱۲۶۸ هـ با تمام رسید و مشتمل است بر ۲۸ «خیایان» (هر خیایان بر ای یک حرف) برای نسخ آن رجوع شود به بوهار ۹۳ (۱۲۸۲ هـ) و با سکی پوز ذیل ح ۱ ثر ۱۷۸۴ (مورح ۱۲۷۲ فصلی) که فهرست اسامی این تذکره هم در آنجا آمده است .

دکتر اختر اورینوی رئیس قسمت اردو دانشگاه پتنه در کتاب خود بزبان اردو «بهارمین اودوربان و ادب کار تقا ۱۸۵۷، تک» (تطور و تحول زبان و ادبیات اردو در بهار تا سال ۱۸۵۷ م) چاپ پتنه مارس ۱۹۵۷ میلادی در صفحات ۳۲۷ و ۳۲۸ اسم تذکره ای بنام «روز روشن» تألیف ۱۲۶۰ هـ از تالیفات وزیر علی عبرتی عظیم آبادی ذکر نموده است اما ظاهراً این همان «معراج الخیالی» عبرتی است که در کتر مزبور هم در ص ۳۴ اسم آن را آورده است. سپس در ص ۳۴۳ دکتر اورینوی تنها «تذکره عبرتی» نوشته است و معلوم نیست منظور او کدام تذکره عبرتی است

همچنین شاد عظیم آبادی در «حیات فریاد»^۱ مینویسد که عبرتی یوسفوز لیختا و اسکندر فامه را هم بنثر در آورده و «مکاتیب مهیت سنگه» شاگرد خود را نیز گرد آورده بود. اما نسخه ای از این کتابها در هیچ جا پیدا نیست.

تصوه در کتاب

مؤلف این کتاب در سال ۱۲۵۷ هـ تألیف کرده است چنانکه بیت آخر قطعه زیر که در محتامه کتاب آورده است میرساند:

چو فکر سال تریش نمودم چکیدار حمامم «نظم روانی»

(= ۱۲۶۷ هـ)

در باره سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب شرمصنوع نوشته است که وی چون بشعر حبلی علاقه داشت اکثر اوقات خود را بمطالعه دیوانهای اساتید سخن از هند و ایران میگذراند و از دیوانهای شعرا غزلی که مورد پسند خاطر مؤلف قرار میگرفت آنرا با شرح حال شاعران تذکره های مختلف یادداشت میکرد و چون مؤلف مناسب دید که آن مجموعه در لگشه تلب شود و بر این از روی آن یادداشتها این تذکره را

۱ - برای شرح حال فریاد ر تک معراج الحیار

۲ - اما بعضی مصائب را تا ۱۲۶۲ هـ بعداً اضافه کرده است چنانکه در دلیل فرقتی و

مولوی ابورعلی یاس سال فوت آنها (۱۲۶۲ هـ) را ذکر نموده است.

مؤلف در مقدمه اسم کتابهای زیر را آورده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است :

۱ - نثر عشق ۲ - سرو آزاد ۳ - ید بیضا ۴ - طبقات الشعرا
۵ - آتشکده آذر ۶ - ریاض الشعرا .

اماد در شرح حال شعرا اسم کتابهای زیر را نیز آورده است

- ۱ - مرآت الخبال (رجوع شود به فانی)
 - ۲ - تذکره صحایف شرایف - تألیف میر محمد عسکری (رجوع شود به رسا) .
 - ۳ - تذکره دولتشاه (رجوع شود به سلمان) ۴ - تاریخ فرشته (رجوع شود به صادق)
 - ۵ - تحفة السامی تألیف اسمعیل حسینی (رجوع شود به شرح حال مانی و مومن)
- این تذکره مشتملست بر ذکر دو بیست و پنج شاعر متقدم و متوسط و متأخر مخصوصاً از قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی بترتیب الفبا از روی حروف اول اسم یا تخلص شاعر و با «ابدال» شروع شده با «یوسف شاملو» تمام میشود. این کتاب مشتملست بر بیست و هشت انجمن و هر انجمن برای یک حرف مخصوص است بقرارد زیر :
- انجمن اول مشتمل بر افکار بیست و هفت تن^۱ از جادو و نفسان است که جان سخن پروانه شمع ایشان .
 - انجمن دوم مشتمل بر افکار سه تن^۲ از برجسته خیالان است که طبع درخشانشان غیرت عمان .
 - انجمن سوم مشتمل بر افکار چهار تن از بلاغت گستران یکه پیوید است که طبع مضمونشان معانی را حلی بند .

۱ - مؤلف در حاتم و دوسد (دو بیست) شیرین رقمها ، نوشته است بقول پروفیسور محفوظ الحق عده شعراى این کتاب دو بیست و سه (۲۰۳) است اماد در نسخه دانشگاه لاهور ذکر ۲۰۵ شاعر آمده است

۲ - در حدود کتاب ترتیب ذکر بیست و شش و یازده تن آمده است (رجوع شود به نسخه دانشگاه لاهور)

انجمن چهارم مشتمل بر افکار دوتن از معنی و مان کهنه خیال است که خواه
از گل‌دیری طبع‌شان نهال .

انجمن پنجم مشتمل بر افکار دوتن از معانی پرور است که تزهتشان فشریست
خون‌چکان .

انجمن ششم مشتمل بر افکار ده تن از صائب تلاش است که بنویت کلامشان
شیدن در آب درهان .

انجمن هفتم مشتمل بر افکار چهارتن از شیرین تلاش است که شور کلامشان بر زخم
حگر نمک پاشان .

انجمن هشتم مشتمل بر افکار دوتن از اعجاز دستگاههاست که طرز بیان‌شان بدل
سامعین الماس فشان .

انجمن نهم مشتمل بر افکار دوتن از عرش خیال جادو تلاش است که بر سگینی
کلامشان شیدن را صد گلستان بدامان .

انجمن دهم مشتمل بر افکار سه تن اردل کبا باست که حقیق خیال‌شان نشه بخش
دماغ معنی یا بان .

انجمن یازدهم مشتمل بر افکار دو تن از همه درد مو شکافانست که هر بیت
خیرشان هوش ربای سینه صاقان .

انجمن دوازدهم مشتمل بر افکار چهارتن از شیرین تلاش است که شور کلامشان
بر زخم حگر نمک پاشان

انجمن سیزدهم مشتمل بر افکار هفت تن از همه سوز عالی دستگاههاست که هر
مصرعه پیچیده‌شان مانا بر لب نگاهان .

انجمن چهاردهم مشتمل بر افکار هشت تن از سرایا اعجاز ادبند است که هر شعر
شور آموزشان برقی حرم شکیب را اکت پسندان

- انجمن پانزدهم مشتمل بر افکار يك تن از جادو نگار معنی پرستانست که بیت دیوانشان آئینه دار بهار صد گلستان
- انجمن شانزدهم مشتمل بر افکار سه تن از خونین رقمانست که ترتیب غزلشان وحشت افزا تر از چشم آهوان .
- انجمن هفدهم مشتمل بر افکار يك تن از اعاجاز بیانان معنی یا بست که جادو کاری طبعشان نسخه سامری را جواب .
- انجمن هیجدهم مشتمل بر افکار چهارده تن از معنی پژوهان سحر رقمانست که رنگ آمیزی طبعشان مرسله پیوند گلوی قلم .
- انجمن نوزدهم مشتمل بر افکار سه تن از رنگین سخنانست که رتبه خامه شان غیرت چشمه حیوان .
- انجمن بیستم مشتمل بر افکار میزده تن از قدسی خیالانست که طرز تحریرشان غم از دل زدای آشفته خیالار .
- انجمن بیست و یکم مشتمل بر افکار پنج تن از نثر افکارانست که خونین رقمی شان هم رنگ بهاران .
- « بیست و دوم » « پنج تن از بلاغت گسترانست که خوش طبعشان گهر دیر تر از عمان
- « بیست و سوم » « دو تن از سخن سرا یانست که صریر خامه شان سر مشق رنگین بویان .
- « بیست و چهارم » « هژده (هیجده) ^۱ تن از معنی پرورانست که هر شعرشان نمکپاش دل شوریده سران
- « بیست و پنجم » « چهارتن ^۲ از رنگین کلامانست که هر حرفشان شنیدن را گل مدامان .

۲۵۱- در خود کتاب ترتیب ذکر بیست و یک و شانزده تن آمده است (درجوع شود

به نسخه دانشگاه لاهور)

« بیست و هشتم » « شش تن^۱ از سخنوران است که جنس خامشان جان
معنی پروران.

« بیست و نهم » « سه تن از فصاحت آندیشاست که سلمای کلاهشان
هوشربای مهر کیشان.

« بیست و هشتم » « پنج تن از شعله پیااست که هر صفحه دیسوانشان
دیده فروزتر ادرج جانان .

مؤلف در این تذکره انتحاب اشعار شعرا را تنها از غزلیات آورده است
و در دیل نام هر شاعر یک غزل (غالباً) کامل نقل کرده است.

شرح حال شعرا غالباً جامع است و اکثر اطلاعات مهم راجع برندگان
شعرا را ذکر نموده است.

در مورد شعرای زیر مؤلف میگوید که آنها در زمان وی در قید حیات

بودند

اختر و سعمل (مولوی مهدی علی) او حسرت و حسرتی و ذبیح و شعا و ضمیر و عظیم و غالب
و فرقتی و فریاد و کو کسویکنا (میرزا نوروز علی خان) .

در دیل نام ۸۷ تن شاعر سال وفاتشان را ذکر نکرده است اما در دیل نام
بقیدشان (غیر از شعرائی که در زمان او در قید حیات بودند) سال وفاتشان را
ذکر نموده است.

مؤلف اکثر مطالب را از تذکره های دیگر نقل کرده است اما اگر قدری
بیشتر رحمت میکسید میتوانست شرح حال بقیه شعرا را نیز جامع تر بیاورد مخصوصاً
در مورد اسیر و اعظم و آفرین و بواب عاقل خان زاری و شاپور و شوکت و طغری
و عنیمت و غیره

دیوانهای اکثر شعرا را خودش مدّاعه کرده است و غزلی که حیلی مورد پسند

۱- در حود کتاب ذکر هشت تن آمده است : (رجوع شود به نسخه دانشگاه

او واقع شده از آنجا انتخاب نموده است چنانکه خودش در مقدمه در این زمینه توضیح داده است.

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف بسیار مصنوع است و در اکثر موارد نثر مسجع را بکار برده است گاهی در ذیل نام بعضی شعرا جمله‌ای مصنوع در معنی «قوت کرد» آورده است چنانکه در ذیل شرح حال شاه بخشش حسین فرقتی مینویسد . بقردوس برین شتافت .

در ذیل نام ظهوری مینویسد: ره خموش آباد عدم گرفت.

همچنین قبل از آوردن اشعار هر شاعر در جمله‌ای چند کلمه در توصیف و تعریف شاعر آورده است چنانکه :

در ذیل شرح حال فعانی مینویسد: از آن پخته گوی شیرین افکار است

« « فیضی « « از آن محو بدور گار است

« « قاسم « « از آن قدسی نژاد است

روی هم رفته این تذکره جزو تذکره های حالی است با وجود اینکه شرح

حال شعرا را مختصر (اما جامع) آورده است و از هر شاعر عربی نقل کرده است

یعنی در شرح حال و انتخاب اشعار هر دو باختصار و ایجاز توجه داشته است مخصوصاً

شرح حال شعرای معاصر که مؤلف با آنها آشنا بوده مهم تر و بارز تر است.

نسخ خطی

۱- ایوانو- کورن ش ۶۰ مورخ ۱۲۸۲ هـ

۲- دانشگاه لاهور که گاهی روی بعضی کلمات نقطه های اضافی و گاهی کم

دارد و ظاهراً این همروستی بوده است در خطاطی.

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به معراج الخیال و مقاله ای در باره عبرتی

از پروفیسور محمد محفوظ الحق در مجلہ ندیم (اردو) پتنہ (بہار نسر) مورخ جولائی و اگست
(ژوئیہ واوت) ۱۹۳۳ میلادی و استوری ج ۱ ص ۹۰۰.

برای فہرست اسامی تنها ۲۳ شاعر معاصر مؤلف رجوع شود بہ ایوانو۔ گوزن ص ۶۲

صبح وطن

ابتدا

« خدا در انتظار حمد ما بیست محمد چشم بر راه ثنا نیست
اما بعد غلام پر ارلوث محمد غوث کان الله له کہ عکس پذیر مجنجلیہ
تلامذہ رحمان کہ رفعتشان »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد غوث و القاب وی امیر الہند و الاجاہ عمدۃ الامرا مختار الملک
عظیم الدولہ خان بہادر شہادت جنگ و تخلص وی اعظم بودہ و وی پسر نواب امیر الہند
فخر الامرا مدار الملک روشن الدولہ محمد منصور خان بہادر بہادر جنگ سپہ سالار و
صوبہ دار (استاندار) ملک کر ناتک (۱۸۴۱-۱۸۶۴) بود نسش از حاکم پدر بہ سی و دو
واسطہ بحضرت عمر و از حاکم مادر بہ بیست و شش واسطہ با امام حسین میرسید مادرش
فرزند ضیاء الدولہ بہادر و بپیرہ نواب ضیاء الملک حیدر آباد دکن بود.

نواب اعظم ساعت ۱۰ روز چہار شہ ۲۹ ذوالحجہ ۱۲۳۹ ہ بدین آمد و ہجرت
پہرہ ۱۰ بیش نگذشتہ بود کہ از سایہ پدر محروم شد. روز دوم چہلم پدر بتاریخ
۲۵ اوت ۱۸۴۲ میلادی (مطابق ۱۷ رمضان ۱۲۵۸) بعنوان نواب صوبہ دار کر ناتک

۱۔ اشارت بیش من نواب اعظم بروقت فوت پدر دو سال نوشتہ است در کتاب اشارات

در قصه چپوئک بر مسند ریاست نشست و عمورش نواب عظیم‌جاه بهادر نایب‌مختار برای هفده سال بکار نیابت (نایب‌السلطنه) مأمور شد و کارهای مربوطه بر ریاست کرناتک را بجای نواب‌صغیر انجام میداد.

با گفته نماند که ریاست کرناتک از نواب‌الاجاه به‌خلف‌الرشید وی نواب عمده‌الامرا بهادر و از وی سرادرزاده وی نواب رحمت‌مآب عظیم‌الدوله بهادر (۱۲۱۶-۱۲۳۴) خلف‌الرشید نواب امیرالامرا رسید و از وی به رضوان‌مآب اعظم‌جاه محمدمنورخان بهادر (۱۲۳۴-۱۲۴۱ هـ) و از وی پسر وی نواب محمدغوث‌خان مؤلف صبح و طن رسید.

نواب اعظم در پنج سالگی بمکتب (دبستان) رفت و برد حافظ محمد مکی و حافظ عبدالوالی قرائت قرآن را تمام کرد و از محتصرات فارسی تا اخلاق حسنی پیش‌غلام محی‌الدین خوشنویس (سعدی) و انشای حلیقه و رلیخا و گلشن سعادت و رساله عبدالواسع هاسوی و سکندرنامه و اخلاق‌جلالی و دیوان غنی (کشه‌پیری) و دیوان ناصرعلی سرهندی و دیوان حلال اسیر را خواند و از مطولات و شر «سه‌شر» و «بنج‌رقعه» و «مینا پارار» ظهوری و رسایل طعرا می‌مشهدی و انشای پیدل و انشای نعمت‌خان عالی و سبعه سیاره و فن عروض و قافیه و در عربی فدایه صیائیه المشهور به شرح‌ملائی حامی برد مولوی جمال‌الدین احمد و در عقاید و فقه و حدیث «بقدر ما یحتاج» و دیوان نخستین عربی آزاد بلگرامی را برد مولوی ارتضی علی خان خواند و حظ عربی و فارسی را از مولوی مرپور و عنایت حسین خان خوشنویس یاد گرفت.

نواب در شعر شاگرد ابوعالم‌خان و الابودولی با ناصرعلی سرهندی از ادب و عقیدت خاصی داشت و بتقلید وی شعر میسرود و شعر او در می‌گفت و در عرض یکی دو ساعت عربی درست میکرد و شی قصیدهای مستمل در ۴۷ بیت در منقبت امام حسین سرود. در اندک مدت دیوانی بتقلید ناصرعلی سرهندی بجواب دیوان مطهر تر تیب‌داد نواب اعظم با ناصرعلی سرهندی حلی از ادب داشت چنانکه در تذکره «گلزار اعظم» با اعتراضات و ایراداتی که مولوی محمد مهدی و اصن در تذکره «معین الجواهر»

بر بعضی اشعار ناصر علی گرفته بود جواب داده است.

نواب اعظم در ۱۲۶۰ هـ انجمن ادبی بنام «مجتعل مشاعر اعظم» تشکیل داد و دو نفر را بعنوان داور مقرر نمود که یکی از آنها محمد قدرت اله گوپالوی مؤلف تذکره «تایخ الاکار» بود. وی در مکه چندین رباط بنا کرد و در مدراس کتابخانه عام اهل اسلام و مدرسه اعظم و لنگر خانه‌ای^۱ درست کرد. بعد از ولایت عمر بذل و خود و عطا و بخشش^۲ سن سی و دو سالگی^۳ روز ۲۴ محرم ۱۲۷۲ هـ (مطابق ۱۷ اکتبر ۱۸۵۵ م) از این دنیای فانی بسوی سرای جاودایی شافت و در مقبره جد خود نواب عظیم الدوله بهادر رحمت مآب نواب کرناٹک (۱۲۹۶-۳۴ هـ) واقع در محوطه مسجد و الاحامی ترملکپیری^۴ دفن شد «سرغیب» و «مظلوم» بمردم هر کدام سالوفات وی (۱۲۷۲) را امیر ساند^۵

استوری میویسد که نواب اعظم هیچوقت حاضر نبود با ازونائی هان معاشرت کند. در اول قدری انگلیسی یاد گرفته بود اما آنرا هم بعداً فراموش کرد وی زندگی خود را در عیش و عشرت میگذراند و همیشه احتیاج پول داشت که بدر باریدن خود عطا و بخشش کند.

بی محل نخواهد بود اگر اینجا شرح محصری در دوره انچه کردنت داده شود نواب اعظم اولاد برینه (سر) بدات و در زمان فرم بداری کل (گوز بر جسر لی) در دلیپوری (۱۲۶۵-۱۲۷۳ هـ) ضیق صلح شده و در ۱۸۰۹ م ولایتی (= ۱۲۱۶ هـ) قرار داده بود که ریاست کردنت شارتی شد و اینکه سر ایند و مقررات آن صلح نامه - رهان حدتین نواب عظیم الدوله در مراعاتت کردند و بی چون نواب اعظم

۱- ر ك محبوران سد فکر در دبل و قدرت ۲- مر کیری که تدا و پتر انرا میدهد

۳- بقول استوری پش عمر عیش و عشرت ۴- استوری حسن و پش سالگی

۵- استوری در شمال مسجد جامع ترپلی کب ۶- ر ك تذکره محبوران سد فکر

و ارثی از اولاد نرینه بجا نگذاشت بنابراین دولت انگلیس تصمیم گرفت بریاست^۱ کرناٹک خاتمه داده و برای نواب عظیم جاه بهادر عموی نواب اعظم و سایر اعضای خانواده نواب مستمری مقرر گردد. همچنین برای ملکه خیرالنسایبگم که نواب مرحوم در سال ۱۲۶۴ هـ با وی ازدواج کرده بود و برای اعظمالنسایبگم ملکه دوم نواب اعظم چهار هزار روپیه مستمری مقرر نمودند و برای سایر متعلقین و ملازمین نواب نیز حسب مدارج و مقام آنها حقوقی مقرر کردند.

برای پرداخت و واریز بدهکاریهای نواب اعظم اثاثیه وی را بدست یکتفر معتمد سپردند و املاک و منازل وی را حراج کردند و خود دولت بریتانیا آنرا به پنج لکه (پانصد هزار) روپیه خریداری نمود.

نواب عظیم جاه مزبور تقاضای نامه خود را متضمن ادعای او نسبت بریاست کرناٹک پیش ملکه و یکتوریا ملکه بریتانیا تقدیم نمود و مسترد اسن را برای احقاق حق خود در پالمان بریتانیا انگلستان اعزام نمود. در پالمان بریتانیا عده ای با نواب عظیم جاه موافق بودند و گروهی مخالف وی. بالاخره همان شد که شد و تصمیم قطعی گرفته شد که بریاست کرناٹک خاتمه دهد برای تسلی و اشک شوئی نواب عظیم جاه روز ۱۲ آوریل ۱۸۷۹ م (مطابق ۲۰ محرم ۱۲۸۸ هـ) کرد نیئر گورنر (استاندار) مدراس لقب پرس آف آرکات^۲ (شاهزاده آرکات) از طرف دولت انگلیس باو اعطا کرد و ماهیانه بیست و پنج هزار روپیه مستمری برای وی مقرر نمود و وی را امیر درجه یک در هند جنوبی شناختند همچنین دولت انگلیس بوی قول داد که مادامیکه دولت بریتانیا در هند بوده نصف مستمری ماهیانه وی یعنی دوازده هزار و پانصد روپیه به جانشینان و پسران و دختران وی داده خواهد

۱- برای توضیح کلمه «بریاست» رجوع شود به ج ۲ ص ۵۲۷ کتاب حاضر

۲- Prince of Arcot

آثار مولف

آثار مؤلف بدین قرار است :

- ۱- دیوان اعظم - برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو - ذیل اول ش ۸۶۴
- ۲ - بهارستان اعظم - طاهرآ مجموعه اشعار است . رجوع شود به آصفیه ج ۱ ص ۷۱۴

۳- صحح وطن - تذکره مورد بحث.

۴- گلزار اعظم- تذکره دیگر که اعظم در ۱۲۶۹ هـ تألیف نموده است.

امادرباره آثار نواب اعظم مولوی محمد مهدی و آصف در «حديقة المرام» (ص ۷) مینویسد که نواب عظیم اصلاً هیچ تألیفی از خود داشته است و اینکه راقم (مولوی محمد حسین قادری ملقب به افضل الشعرا) کتابی در علم عروض و تذکره شعرائی نوشته و آنرا بنام نواب مر نور نسبت داده است .

تبصره بر کتاب

مؤلف طاهرآ تألیف این کتاب را در ۱۲۵۶ هـ شروع کرده و در ۱۲۵۸ هـ به اتمام رسانیده است چنانکه در پایان کتاب هشت قطعه آورده که از آن جمله هفت قطعه سال تألیف کتاب را بدین قرار میسرساند

۱- يك قطعه سال ۱۲۵۶ ۲ پنج قطعه سال ۱۲۵۷ ۳

۱۲۵۸ میرساند. بقیه يك قطعه طاهرآ تاریخ تصحیحی را میسرساند

مورد سب تألیف مؤلف ورد

در این هنگام که تذکره گلشنه کرده تک زایق را در معن بطور ملاحظه کردم 'حوال بعضی سخن را چون گل که غذ می بویه فتم یعنی پس قومیت (تبعیت و ملیت) حلالی واقع نتحریر پرداخته و در حقی از رهگذر ارتدط بظمطراق قلمی ساخته اهدا حقیقت حال هر يك معنی طراز را با زرده عمل آدمی است که انتخ بقید قلم در آورد .

این تذکره مشتمل است بر ذکر نود و دو شاعر^۱ متأخر استان مدراس در جنوب هندوستان بتربیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «اعظم محمد غوث» (مؤلف) شروع شده با «یادمولوی خواجہ حمید الدین» تمام میشود.

تنها مأخذی که مؤلف اسم آن را در این کتاب در مقدمه آورده است تذکره گلدسته کرناٹک است اما این تذکره اصلاً تکلمه ایست برای گلدسته کرناٹک ر (چنانکه مؤلف در مقدمه توضیح داده است) برای رفع نقص آن کتاب نوشته شد

مؤلف در دیباچه کتاب توضیح داده است که شرح احوال هر شاعرا بیا زده غزل از دیوان او بدون انتخاب (یعنی کامل) آورده است اما هر گاه که دیوان کسی پیدا شد اشعار او را از تذکره گلدسته کرناٹک برداشته و در این کتاب نقل کرده است. همچنین اسامی بعضی شعرا که بعد از فوت رایق شروع بشعر گفتن نموده اند نیز ناچند غزل در این تذکره آورده است

مؤلف ادعا کرده است غزلهای شعرا را بصورت کامل آن نقل کرده «تاهویدا» گردد که سره چیست و ناسره کیست و در صورت انتخاب این معنی بظهور نمی پیوندد» اما در این کتاب -

در ذیل نام ۲۳ شاعر یارده غزل را از ایشان نقل کرده است

« ۱۴۴ « کمتر از یازده غزل را

« رایق دوازده غزل از وی نقل کرده است

» ۲۴ شاعر تنها یک یا دو بیت از آنها نقل کرده است .

« بتیید شعرا چند بیت از آنها نقل کرده است

شرح حال بعضی شعرا را از خودشان نقل کرده است مانند پیش و شاعر

و عاشق و در این بکلی مورد اضمین و اعتبار میباشد

از جمله بود و دو شاعر شرح حال ۲۱ شاعر را متصل آورده است مانند اعظم

و آگاه و انوار و شرح حال ۳۳ شاعر را مختصر ولی جامع آورده است مانند آنست
و امتیاز و از ۳۷ شاعر شرح حال آنها را خیلی مختصر آورده و اکثر اطلاعات مهم
زندگانی آنها را نیاورده است.

همچنین شرح حال آگاه را مفصل آورده است اما اکثر اطلاعات مهم
زندگانی وی را نقل نکرده است.

سبک اشای مؤلف در اکثر موارد ساده است اما در مقدمه و در موقع تعریف
و توصیف شعر مصنوع است و گاهی مؤلف نثر مسجع بکار برده است

گاهی جمله‌ای مصنوع در معنی « فوت شد » آورده است مانند :

در دیل نام آگاه می نویسد : گریبان مستعار هستی درید

در دیل نام انور می نویسد : جان را بجان آفرین سپرد

« تحمل » : رحمت از این چنین فانی مرست

« اقبال » : قنای هستی خود درید

همچنین برای « اینک اشعار او » جمله‌ای مصنوع آورده است چنانکه :

در دیل نام آگاه می نویسد : بحر مواج طبع و قارش چنان موج میند

« : انور می نویسد : نوای افکارش چنان دایر نائی میکند

« : جودت ایلوری : همین فکرش بدین گونه صید دایم مینماید

« : حاجی : حسی فکرش در عرفوت سخن بدین گونه

لیک گویا است.

چاپ

این تذکره در ۱۲۵۸ در مدرسه وضع رسید

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به گسترده که نام و صبح و خورشید گذر از

اعظم و سخنوران بلند فکر اردو و استوری

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به ایوانو ذیل اول ص ۸-۱۰ (پانضمام گلدسته کر ناطق).

نتایج الافکار

ابتدا

شادابی گلشن سخن با بیاری حمد بهاره پیرائی است که عندلیب قوت ناطقه را نعمه سنج خوش نوائی گردا بیده و نیایش عنوان صحیفه برقم ثنائی نظم آرائی است که عرایس معانی را بتحلیه جواهر زواهر العاط برمنصه آرایش شاییده»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد قدرت اله خان گوپا موی متخلص به قدرت است سسش به بیست و سه واسطه به قاسم بن محمد بن ابی بکر میرسد که از فقهای سبعمدیه بود و سلسله صوفیه نقشبندیه یا و متبیه میشود.

اسلاف مؤلف از عربستان به هندوستان آمده و در قنوج اقامت جستند و از آنجا یکی از اجداد مؤلف در اواخر سلطنت عوزیان (۵۷۱-۵۶۱۲) در گوپامن یا گوپاماوا که یکی از شهرهای دارالسلطنت لکهنو در نواحی استان اختر (اود) بود سکونت گزید و با شرفا و اعالی محترم آنها روابط و «هم سستی» پیدا کرد و «نظر بتقوی و صلاح و دیانت و امانت» او را سیابت صدارت (ریاست) بر گزیدند و ناین سمت مأمور و منصوب گردید

سپس حواجه بهول نواده حدقوق الذکر که بقول مؤلف «باوصاف حمیده و روش پسندیده مقبول دلها بود و با تمام شریعت و طریقت یکتا و ارحاب قطب العالم حصرت

۱- ۱۴ میل در شرق شهر اردوئی در اود سامقو استان اتر پردیش امروزه هندوستان.

شیخ سعدالدین خیر آبادی قدس سره خرّقه خلافت داشت به همین منوال امرار معاش می‌کرد بعد از وفات وی پسرش مولوی شاه عبدالرحیم که مؤلف «فتاویٰ مجمع المسائل» بوده جانشین پدر گردید و تا انقراض سلسله تیموری و عهد نواب شجاع الدوله (متوفی در ۱۱۸۹ هـ) اولاد و اعقابش یکی بعد از دیگری بهمان خدمت مأمور بودند اسم پدر مؤلف محمد کامل بود قدرت در سال ۱۱۹۹ هـ متولد شد و چون بسن تمپر رسید کتب درسی فارسی و عربی را پیش بعضی استادان مانند مولوی محمد مقیم و شیخ غلام حیلانی و شیخ بدر عالم خواند در فن شعر ارل شاگرد «خوشدل» بود و چندی بعد بدست سید شاه غلام بصیر الدین سعدی بیعت کرده و در سلسله قادریه در آمد. در اوایل سن بیست و نه سالگی در سال ۱۲۲۷ هـ جهت استعاده از صحت استادان خود خوشدل و خوشنود بمدراس مهاجرت کرد

مولوی محمد ارتضیٰ علیحان خوشنود، قدرت را پدر بار نواب اعظم جاهر ضوان مآب نواب کر ماتک (۱۲۳۴ - ۱۲۴۱ هـ) معرفی کرد و قدرت بدین ترتیب در مره بدمای نواب مزبور در آمد در سال ۱۳۳۹ هـ نواب مزبور قدرت را بتولیت مقبره نواب اعظم الدوله بهادر (۱۲۱۶ - ۱۲۳۴ هـ) پدر خود مأمور کرد و لقب «خان» بوی اعطا کرد نواب اعظم جاهر در سال ۱۲۴۱ هـ فوت کرد و سپس سراج الدوله محمد غوث خان بهادر جنگ رحمت مآب (۱۲۴۲ - ۱۲۷۲ هـ) جانشین نواب اعظم شد و پسر یاست کر ماتک مصوب گشت.

در سال ۱۲۶۰ هـ نواب محمد غوث خان اسحق بنام «مخفّل مشاعر اعظم» تأسیس نمود و دو نفر را بعنوان داور مقرر کرد که یکی از آن دو نفر قدرت بود. «قدرت راهدی بود شب زنده دار و عابدی بو. پر هیر کار» سال وفات او معلوم نیست اما وی تا موقع تألیف تذکره گلزار اعظم (۱۲۶۹ هـ) در قید حیات بود.

آثار مؤلف بدین قرار است

۱- دودیوان فارسی^۱ ۲- نتایج الافکار تذکره مورد بحث

۱- ره ک. استوری ح ا ق ا در دیل نام محمد قدرت الله گوپاموی

قبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۲۵۶ هـ آغاز کرده است چنانکه در مقدمه تذکر میدهد :

«لهدا درسنه ست و خمسين و ماتين و الف بتلخيص بعضی دواوین موجوده در افتاده: ۱۴۰۰ ما در روز ۲۱ شعبان ۱۲۵۸ هـ آنرا تمام کرده است چنانکه در این مورد در خاتمه کتاب توضیح داده است همچنین در پایان کتاب هشت قطعه آورده است که سال تمام این کتاب را میرساند. از جمله قطعه های فوق سه قطعه اول سال ۱۲۵۷ را میرساند ولی پنج قطعه آخر که قطعه مؤلف هم جزو آنست سال ۱۲۵۸ هـ را میرساند.

قطعه مؤلف بقرار زیر است

فکر سال نتایج الافکار
عقل چون حرف به ندید در آن
هر یکی کرد در معنی سفت
هدیه بارگاه اعظم گفت

از همین قطعه معلوم میشود که مؤلف این کتاب را بنام نواب اعظم (نواب محمد غوث خان) عنوان کرده است.

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح داده است :

«گاه گاه بخاطر خطور میگرد در بیاضی اشعار شعرای نامدار متقدمین و متأخرین و بعضی از معاصرین بگاشته آید در این ضمن رأی اکثری از اهل و احباب بر این قرار گرفت که چیزی (از) احوال هر یکی از آنها هم قل و دل بقید قلم در آید تا از بوتذ کره (ای) یادگار باشد...»

مؤلف اسم کتابهای زیر را در دیباچه کتاب آورده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است

- ۱- تذکره «آشکده عجم» تألیف آذرا صهبانی
- ۲- «ریاض الشعراء» تألیف واله داغستانی
- ۳- مجمع النعائیس تألیف خان آرزو اکبر آبادی

۴- بهارستان سخن تالیف عبدالرزاق

۵- مرآت الخیال تالیف شیرخان

۶- کلمات الشعر تالیف سرخوش

۷- سینه میر عظمت اله بیحر

۸ و ۹- سرو آزاد و خرابه عامره تالیف میر آزاد بلگرامی

۱۰ و ۱۱- گل رعنا و شام غریبان تالیف شفیق اورتگه آنادی

این کتاب نام‌العیر الهی اسدآادی (همدانی) شروع شده با «میر یوسف بلگرامی»

تمام میشود و شامل ذکر کل پانصد و بیست و نه (۵۲۹) شاعر متقدم و متأخر و معاصر
بترتیب الفبا از روی حروف اول تحلیص یا اسم شعر امیباشد. این کتاب مشتمل است
بر هشت صفحه^۱

در دیباچه مؤلف جواز و عدلک شعر گوئی را از احادیث و آیات قرآن آورده است

و همچنین درباره اول کسیکه به فارسی شعر گفته بحث کرده است و بعقیده وی

آنکس مہرام گور است و اول کسیکه در دوره اسلام به فارسی شعر گفت عباس مروی

(مروزی) که در سال ۱۰۳ هـ بمدح مامون خلیفه عباسی شعر سروده است

سپس مؤلف درباره تحول شعر فارسی بحث مختصری آورده و بعد از آن

راجع باقسام شعر بحث کرده است

تقدیم و تأخیر اسامی در ریر هر حرف بمراعات سالهای وفات شعرا آورده و قبل از ذکر

سال وفات هر شاعر در این زمینه ارتد کرده‌های مختلف تحقیقاتی بعمل آورده و در نتیجه آنرا

فوشته است همچنین اسامی اولیا و صوفیه را طبق احترام آنان مقدم و مؤخر آورده و اسامی

شاعر هارادر هر ردیف بتقلید «الرحال قوا مون علی النساء» بعد از اسامی شعرا آورده

است تنها اسم «میر الهی» را بعلت نسبت به «الله» قبل از اسامی صوفیه و عرفا آورده است.

مؤلف اکثر شعرای معروف هندی تراد را در این تذکره خاداده است اما بعضی

شعرای معروف ایرانی برادماند فرحی و مویچیری را ذکر نکرده است همچنین

شرح حال اکثر شعرای معروف را در چند سطر مختصر آورده ولی در شرح حال و تعریف شعرای معاصر که با مؤلف آشنا یا دوست بوده بمبالغه پرداخته و اشعارشان را نیز نسبتاً مفصل تر انتخاب و نقل کرده است .

اما اهمیت این تذکره از اینجاست که بسیاری از شعرای فارسی را ذکر نموده است که در تذکره های دیگر پیدا نیست و مخصوصاً ذکر شعرای معاصر مؤلف خیلی مفید و با ارزش است . همچنین شرح حال شعرای متقدم و متأخر را مؤلف مختصر ولی جامع آورده است و همه جا الترام نموده است که سالوفات آنها را مخصوصاً ذکر نماید .

اشعار شرح حال اکثر شعرا را مختصر آورده است و از بعضی شعر ادریک دو سطر یاد کرده و از آنها یک دو بیت نقل کرده است مانند انسی ایلی و اسیری شیرازی و حسن بیگ تکلو .

همچنین در ذیل نام شعرای زیر شرح حالشان را در یک دو سطر آورده است :

اویس و یلیل و توفیق و ذهنی و سالم و محتشم خان فدا و مجرم و مستعنی .

اشعار شعرای رپر را مفصل اما شرح حالشان را مختصر آورده است . اشرفی سمرقندی و اهلی خراسانی و آفرین لاهوری و بیش کشمیری و عبدالواسع حبلی و سیادت و صهاو صافی و غنیمت پنجابی (کنجاهی) و مفید بلخی .

همچنین شرح حال افراد رپر را مفصل اما اشعارشان را مختصر نقل کرده است :

ابوعلی سینا و آذری و احس و امیر خان و حیاتی کاشانی و زایر و ریب النسایبگم و یحیی منیری بهاری و شکیمی و قطب الدین بختیار و داراشکوه قادری و ملک قمی و معرالدین و بطامی و نعمت اله ولی و واحد .

شرح حال شعرای زیر را مفصل تر از سایرین آورده است . حلال الدین مولانای روم و خوشود و بهرام یژدو و رکناکانی و والهداغستانی (هر کدام در ۳ص) و ناصر علی سمرقندی (سمرقندی در ۳-۱ص) و قطب الدین بختیار و ناصر حننگ و حوشدل (هر کدام در ۴ص) و امیر خسرو (در ۱-۴ص) و داراشکوه (در ۱-۵ص) .

همچنین اشعار شعرای زیر را مفصل تر از دیگران نقل کرده است : امیر خسرو و راعب و عرفی (هر کدام در ۴ ص) و میر درد و ناصر علی سهرندی (سرهندی) و مظہر جانجاناتان و والا (هر کدام در ۱-۴ ص) و جامی و حافظ و حزین و شوکت بخاری (هر کدام در ۵ ص) و سرخوش (در ۶ ص) و شاپور تهرانی و صایب و قدرت (هر کدام در ۷ ص) و محتشم کاشی (در ۸ ص) و واقف (در ۹ ص) و خوشدل (در ۱۲ ص) .

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف غالباً مصنوع است و مؤلف در آوردن عبارات مصنوع و پر تکلف اکثر کمال سعی و کوشش بخرج داده است و حتی در این تلاش گاهی زبان بسیار پر تصنع و غریب را بکار برده است مثلاً در پایان کتاب این عبارت را آورده است : «بیمن افضال ایرد متعال پیکرتد کره او اخر سال گذشته کسوت مسوده پوشیده بود امروز که تاریخ بیست و یکم شعبان ۱۲۵۸ ثمان و خسمین و ماتین و الف است خلعت بیضه در بر کشیده و شب دیر قلم که در ساخت رقم گرم عنابی داشت بسر مشرل اختتام قیام ورزیده» .

سالها را در سراسر کتاب بر بان عربی آورده است .

قبل از اسم و تخلص شعرا یا چند لقب توصیفی آورده است که در اکثر موارد بنثر مسجع و گاهی بمناسبت تخلص یا اسم شاعر حناس دارد، مانند «عبدلیب گلستان آگاهی نخبه السادات میرالهی» یا «مقبول بار گاه سبحانی شیخ اوحد الدین کرمانی» یا «سرمسب جام وحدت و سرخوش باده محبت شیخ الاسلام ابوالنصر احمد جام»

همچنین برای «فوت شد» جمله‌ای مصنوع و گاهی به مناسبت تخلص شاعر حناس آورده است مانند . . . «از داراللال (به) برهنه کنده وصال فایر گردید» (شیخ ابوسعید ابوالخیر) «او احر . . . متلای پنجه اجل گردید» (متلاً) .

گاهی بعضی اصطلاحات آورده است که برای خواننده‌های ایرانی معنی آن روشن نیست مانند «ولایت» بمعنی ایران و افغانستان و «پستر» بمعنی سپس و «یکم سال» بمعنی یکسال و «بیم» همچنین در املائی بعضی کلمات بجای «و» حرف «ب»

آورده است چنانکه :

«نبه» بجای توه (رجوع شود به معرالدین موسوی) و «نبگان» بجای نوگان (رجوع شود به شوقی) هم چنین «قومشه» بجای «قمشه» (رجوع شود به شاه نظر) و «نمی بر- آمد بجای» بر نمی آمد نوشته است .
مؤلف در این تذکره گاهی کلمات زبان اردو و حتی انگلیسی را بکار برده است مانند :

«حهاز» به معنی کشتی (رجوع شود به معرالدین) و «طیار»^۱ به معنی آماده و حاضر (رجوع شود به عیث زرباف) «باورچینخانه» به معنی آشپزخانه (رجوع شود به عالی) «لکه» به معنی صدهزار (رجوع شود به ضمیری) «پلنگ» به معنی تخت خواب (رجوع شود به امیر خسرو) «گورنر جنرل» به معنی فرمانروای کل^۲ (انگلیسی، گورنر جنرل) .

نسخ خطی

۱ - اشیرنگر ش ۷۳۰ ۲ - ریوج ۳ ص ۱۰۲۴ الف (تنها شرح حال - مورخ قریب ۱۸۵۰ م) ۳ - اندیا آفس ۴۰۲۷^۳ (۱۸۹۵ م) .

چاپ

۱ - مدراس ۱۸۴۳ م ۲ - بمبئی ۱۳۳۶ ش یا هتمام اردشیر حاضع برای شرح حال مؤلف رجوع شود به نتایج الافکار (مقدمه و شرح حال «قدرت») گلدسته کرناٹک و صبح وطن ص ۱۴۸ - ۱۵۳ و گذرار اعظم ص ۲۸۸ - ۲۹۰ و واشارات بیش ش ۵۰ و حدیقه المرام محمد مهدی واصف مدراسی (بربان عربی) چاپ مدراس ۱۲۷۹ ص ۴۷ - ۴۸ و شمع اجمن ص ۳۹۲ و استوری ص ۹۰۰
فهرست اسامی شعرا - رجوع شود به نتایج الافکار چاپ بمبئی ۱۳۳۶ س .

۱ - برمان اردو «تیار» نادت» معنی آماده و حاضر است .

۲ - گورنر جنرل (انگلیسی) کسیکه اردمان تسلط انگلیسها تا قبل از جمهوری شدن

هندو پاکستان از طرف پادشاه انگلستان بر شته قاره هندوستان حکومت میکرد

۳ - این سجه در فهرست آمده ذکر شده است ر.ک. استوری ح ۱ ص ۱۷۱ در دیل I.O

نغمه عندلیب^۱

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب محمد رضا متخلص به نجم طباطبائی ملقب به نجم الدوله افتخار الملک حسام جنگ و اسم پدرش ابوالقاسم طباطبائی است . نجم در پتنه متولد شد و در ۱۲۲۷ هـ بعد از خدمت نه سال بعنوان فرماندار^۲ سریلی وی را پدھلی طلب کردند و آجا اورا جانشین پدر کرده القاب پدرش را باو دادند و او هشت سال نایب خاسامان خابواده شاهی و داروغه خرابه بود . وی بعد از هفت سال خدمت بعنوان دیوان راجه را گھوجی در ناگپور باز نشسته شد و بقیه عمر خود را در لکھنودر مشاغل ادبی گذراند .

بقیه احوال زندگی وی بدست برسید .

آثار مؤلف

آثار وی بدینتقرار است .

- ۱ - اخبارات ہند - در تاریخ عمومی ہندوستانس کہ مؤلف بطور جزو پنجم دایرة المعارف خود «بحر الذخار» بنام اچام ایلیات نوشته است برای نسخ رجوع شود بہ ریو ج ۳ ص ۹۱۴ ب (مورخ تقریباً ۱۸۴۸ م) و ص ۱۰۱۴ ب (جلد ۲. قسمتی از این کتاب سمورخ قریب بہ ۱۸۵۰ م) و ص ۱۰۱۸ ب (ح ۵ قسمتی از این کتاب سمورخ ۱۸۴۹ م) .
- ۲ - مفاتیح الریاست در تاریخ ہند است حاوی وقایعی از ۱۱۵۰ تا ۱۲۵۱ هـ

۱ - در سحہ ایلیات در سحہ اول صواں این کتاب «چهار باع» آمده است اما در متن کتاب هیچ جا «چهار باع» ذکر نشده است

۲ - Collector صلددار (فرماندار)

که جزو چهارم «بحر الذخاره» است. برای نسخ رجوع شود به ریو ج ۳ ص ۱۰۱۴ ب (قسمتی از کتاب مورخ قریب به ۱۸۵۰م) و ص ۱۰۱۸ ب (جلد ۶ از صفحه ۱۲۶ تا ۲۵۲ . قسمتی از کتاب مورخ ۱۸۴۹ م) و ۱۰۵۳ الف (اوراق مربوط به جلد ۴).

۳- نغمه عندلیب - تذکره مورد بحث - ج روی از کتاب «بحر الذخاره» است برای نسخ رجوع شود ریو به ج ۳ ص ۹۷۸ ب (مورخ ۱۸۵۰ م که مؤلف به اچ ام ایلیات تقدیم کرده است. رجوع شود به تاریخ ایلیات ج ۸ ص ۴۳۲) و ص ۱۰۱۴ ب (قسمتی از این کتاب) و ص ۱۰۱۸ ب (قسمتی از این کتاب).

۴- خورشید لامع یا منظر العالم - در جغرافی - ج روی از کتاب «بحر الذخاره» است ۵ - مجمع الملوك - تاریخ عمومی که جرو سوم «بحر الذخاره» است در حدود ۱۲۶۰ هـ تألیف آن شروع شد. برای نسخ رجوع شود به نذیر احمد ۷۰ (متعلق به کتابخانه محمد علی حسین حیدر آباد - بخط مؤلف) و ریو ج ۳ ص ۱۰۱۴ ب (قسمتی از کتاب مورخ ۱۸۵۰ م) و ص ۱۰۵۳ الف (قسمتی از کتاب) و نیز رجوع شود به ص ۱۰۴۸ الف

۶- ربهة العرایب - تاریخ عمومی در پنج جلد - آغاز در ۱۲۳۱ هـ و بقول ایلیات و دوسن در بین ۱۸۱۶ و ۱۸۳۰ م تألیف شد برای نسخ رجوع شود به اندیا آفس دی پی ۲۶۲ (بلگرام ۱۳۲۲ - جلد ۵ آن در ذکر فلاسفه و عرفا و شعرا و غیره است - بخط مؤلف) ریو ج ۳ ص ۱۰۴۲ ب (قسمتی از جلد ۵ مورخ قریب به ۱۸۵۰ م) و ص ۱۰۲۶ الف. (فقط مقدمه و فهرست دارد - مورخ قریب به ۱۸۵۰ م) و ص ۱۰۵۳ الف (قسمتی از ج ۴ راجع به تیموریان هند).

تبصره بر کتاب

«نغمه عندلیب» را مؤلف در ۱۲۶۱ هـ تألیف نموده است چنانکه اسم آن از روی ایجاد می‌سازد - تذکره کوچکی است در ۲۲۸ صفحه که مؤلف بنام واجد علی‌شاه پادشاه اود (۶۲۶۳-۱۲۷۲ هـ) نوشته است و مشتمل است بر دو روصه - روصه اول شامل پنج بهار است یقرا ز زیر

- ۱ - در دستور فارسی (ص ۷) .
- ۲ - در انواع شعر فارسی (ص ۱۱ الف) .
- ۳ - در صنایع شعری (ص ۱۳ الف) .
- ۴ - در قافیه و ردیف (ص ۱۵ الف)
- ۵ - شرح حال مختصر قریب به ۴۵۰ شاعر متقدم و متاخر آن بترتیب الفبا که اکثر آن مهم نیست (ص ۱۹ تا ۲۰۰ ب) اما شرح حال شعرای هندی نژاد و آن هم مخصوصاً از شعرای معاصر مؤلف تا اندازه‌ای مفید است . غالباً اشعار شعرا را نقل کرده است بدون شرح حال آنها اما قسمت شعرای هند مفصل تر است . شرح حال خود را با انتخاب اشعار خود تحت نام «نجم» در ص ۹-۱۸۴ آورده است و شرح حا نواده خود را تحت آغا (اقتدار الدوله سید محمدخان) در ص ۲۷-۳۰ آورده است
- روصه دوم شامل دو حدیقه است - حدیقه اول در موسیقی یونانی (ص ۲۰۱ الف) و حدیقه دوم در موسیقی هندی است (ص ۲۰۳ ب)
- روی هم رفته این تذکره زیاد اهمیت و ارزش ندارد و مؤلف توجه بخصوص در جمع آوری مطالب آن صرف نموده و تنها در کراسامی شعرا اکتفا نموده و دوسه بیت از آنان نقل کرده است و تنها در مورد شعرای هند که معاصر مؤلف بودند بعضی مطالب مفید و نا ارزش دارد .

نسخ خطی

- ۱ - ریو ج ۳ ص ۹۷۸ ب (مورخ تقریباً ۱۸۵۰ م که مؤلف به اچ ام ایللیات تقدیم کرده است . رجوع شود به تاریخ ایللیات ح ۸ ص ۴۳۲) ص ۱۰۱۴ ب (قسمتی از این تذکره) ص ۱۰۱۸ ب (قسمتی از این تذکره)
- برای شرح حال مؤلف رجوع شود به بعمه عبدلیب تحت نام نجم و معاتبیح - الریاست (مقدمه) و تاریخ هند تألیف ایللیات و دوسن ح ۸ ص ۲-۳ و ۴۳۶-۷ و ریو ح ۳ ص ۹۱۴
- فهرست اسامی شعرا - رجوع شود به نسخه ریو ج ۳ ص ۹۷۸ ب

حدايق الشعرا

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب میرزا امیر بیگ متخلص به امیر بنارسی است . وی از زمان سعادت علیخان (۱۲۱۲-۲۹ هـ) تا زمان محمد امجد علی شاه (۱۲۵۸-۶۳ هـ) در خدمت سلاطین اود بود

تیسره بر کتاب

مؤلف تالیف این کتاب را در ۱۲۱۱ هـ بفرمایش طبرالدوله فتح علیخان کپتان آغاز و در ۲ شعبان ۱۲۶۲ هـ تمام کرده است .

این تذکره مشتملست بر ذکر ۲۶۰۹ شاعر بترتیب العیا که اول آمان «آبرو» و آخر شان «محمد یوس جان ابهری» است . در این شعر از ۳۱ «حدیقه» (از صفحه ۸ تا صفحه ۱۶۶ ب) آورده است و هر حرف را تحت یک حدیقه نقل کرده است همچنین این تذکره مشتملست بر قسمتهای زیر

۱ - ۳۰ «شجره» در القاب صحیح ملوک و شعرا (ص ۱۶۶ الی ص ۱۸۳)

۲ - ۳۰ «دو حه» در اسامی رست جغرافی (ص ۱۸۳ الی ص ۲۱۳)

۳ - دو «ثمره» در اسامی و تواریخ خلوس و مدت سلطنت ملوک از دوره

قبل از اسلام در ایران و دیبای اسلام (ص ۲۱۳ الی ص ۲۲۹)

۴ - هفت «بخله» در ناره هفت زبان محلی ایران (هروی و سگری و غیره)

(ص ۲۲۹ الی ص ۲۳۰)

۵ - ۳۰ «نتیجه» که مجموعه اشعار شعرا بترتیب ردیف میباشد .

چنانکه از فهرست محتویات این کتاب معلوم میشود کتابی است بسیار مفید و

مطالعاتی که در آن جمع آوری شده بسیار با ارزش و سودمند میباشد

- نسخ خطی -

- ۱- ۲۰۲۱ ایوانو کرزن ۲-۷۰۲ - محتملاً خط مؤلف است -
 ۲ - بوهار فهرست نسخ عربی - ص ۵۲۹ - ۵۳۰ (تنها حدیقه‌ها و شجره هادازد) ،
 فهرست اسامی شعرا - در هیچ کتابدگاری نشده است

خزینة الشعرا

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف سیدعلی کبیر المدعو (یا عرف) محمد میر نجان اصلاً حمله‌ای است
 اسم پدرش سیدعلی حعفر حسین محمدی حنیدی حنفی نقشبندی است و اصل او
 از شهر آله آباد هند است

مؤلف در ۲۸ محرم ۱۲۱۲ هـ بدینا آمده و مادر و پدر وی از اولاد عارف و فاضل
 معروف بنام شاه خوب آله که اسم اصلی وی محمدیحیی است بودند . مؤلف چندین
 کتاب در فقه و غیره تألیف کرده و یک دیوان و چندین مثنوی نیز سروده است .
 همچنین کتاب « سرالشهادتین » تألیف عبدالعزیز دهلوی را در ۱۲۵۱ هـ
 در عاری پور از عربی به فارسی بنام (اطهار السعادة فی ترجمه اسرار الشهادة) ترجمه کرد
 که در ۱۲۵۳ هـ با متن عربی در کلکته طبع رسیده است .
 فهرست اسامی آثار دیگر مؤلف در « خزینة الشعرا » در ص ۱۸۵ و ۱۸۶ الف آمده است

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۲۶۰ هـ آغاز نموده است چنانکه خود اسم کتاب
 « خزینة الشعرا » می‌سازد و بسال ۱۲۶۵ هـ آنرا با تمام رسا بدچنانکه بقول خودش
 « واقعات المادرات » از روی احمد میرساند
 این تذکره مستملست برد که ۱۹۰ شاعر که اول آن ناصرعلی سرهندی (متوفی
 در ۱۱۰۸ هـ) است

تقریباً تمام شعرائی که ذکرشان در این کتاب آمده است اصلاً هندی هستند و اکثر آنان از شاگردان و دوسان و خویشاوندان شاه خوب الصاویقالذکر و معتمد افضل متخلص به محقراله آبادی عموی مؤلف میباشند .

نسخه خطی

اندیا افس ش ۳۸۹۹ (مورخ ۸ ۴۱۹) .

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به خزینه الشعر ص ۱۸۰-۱۹۶

فهرست اسامی

در هیچ کتاب ذکر نشده است .

اشارات بینش

ابتداء:

حمد بدیعی که زبان معنی پروران مصرعیت در صف ابداع مایه کلام او نای ناطمی که لب سخنندان بیتی است در ستایش نظم با عظام او منحصر بگفتن

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف سید مرتضی متخلص به بیش است و وطن قدیم آبای او مشهد معدس است و در سن چند واسطه حضرت امام حسین میرسد . جد بزرگ او ار مشهد هجرت نموده روی بدکن آورد و در شهر گلبرگه رحل اقامت افکند . یکی از اجداد

۱- این نسخه در فهرست اته ذکر شده است رجوع شود به استوری ج ۱ ق ۱ ص ۱۷۱

در دیل عبارت I O.

وی شاه ابراهیم مصطفوی^۱ حسینی که حال قدوة السالکین ربهة العارفین سید محمد گیسودراز است و از او اولادش شاه نوراله حسینی است در زمان حکومت نواب سعادتاله خان وارد ملک کرناٹک شده در دار النور محمدپور (ارکات) اقامت گریه و در جنگ با فرانسویها در شهر جیت پشته شهید شد

پس فرزند وی شاه نوراله ابراهیم حسینی کو جدمؤلف بود در عهد پندر اعظم رخت اقامت به چیناپتن کشید و بعرب واحترام تمام بسر میبرد^۲. پدر مؤلف میرصادق علی رضوی الحسینی مدرسی مختلص به صادق مخصوصاً در «ماده تاریخ گوئی» ید طولائی داشت و هنگامیکه نواب عارم ریارت عتبات شد او عبارت «یا علی موسی الرضا» (= ۱۲۳۸ هـ) که «ماده تاریخ» آن واقعه بود بر نقره پاره کنده و خدمت نواب تقدیم کرد. بالآخره میرصادق در ۱۲۵۳ هـ رحلت از این جهان برست.

برادر بزرگ مؤلف میر مهدی الحسینی متخلص به نائف (متولد در ۱۲۲۳ هـ) ارشعرای معروف مدراس بود و بر مثل پدر در «ماده تاریخ گوئی» مهارتی بسر داشت در بیشتر سال ۱۲۲۷ هـ در مدراس متولد شد و بهیض تربیت پندر خود در دوازده سالگی نوشتن و خواندن فارسی را یاد گرفته و پرودی بگفتن شعر پرداخت و چون سلیقه استعداد خاصه برای این فن داشت طبعاً در این میدان مهارت بسرایی بدست آورد.

مؤلف محبوب الرمن (اردو) در دیل نام پیش مینویسد. «پیش مرد علمای مدراس کتب درسی عربی و فارسی خواند و اول پیش پدر و برادر خود مشق سخن میکرد و بعد از آن ارمولوی واقف استفاده کرد. وی دکی الطبع و صحیح الفکر و خوش تقریر و در حال جوانی بی مثل و نظیر و در شعرو ساعری بی بدل و عدیل بود

۱- مسیح گلشن ص ۷۵ مصطفی و محبوب الرمن ص ۳۰۵. شاه ابراهیم مصطفی
 ۲- ایضاً. بقدر دایه های نواب امیر الهند والاحاء محمد علی خان بهادر مختص گشته
 مدراس را موطن و مسکن ساخت.

مدتی در حیدرآباد اقامت داشت سپس بندگان رفته عضو انجمن «مشاعر اعظم» شد و باشعراي معاصر خود مناظره و معارضه ميکرد سرانجام در ۱۲۶۵ هـ عازم مکه شد و بعد از تحمل شدايد بسيار در راه بالاخره باداي حح و زيارت موفق و مشرف شد و بعد از يكسال بوطن مألوف (مدراي) مراجعت نمود و بعد از مدتي اقامت داشت اما سال وفات وي در هينچ تذكره ذكر نشده است.

در «گلزار اعظم» آمده است كه بينش در سال ۱۲۶۵ هـ از نواب اعظم مرخصي براي سه سال گرفته بقصد زيارت عتبات عاليه عازم آن مواضع مقدسه شد. چون به بصره رسيد بعلت خرابي هوا اهل قافله بعارضه تسولرزه مبتلا شدند و انتظام قافله بگلي بهم خورد و در همان عالم هراساني بعضي بسوي بغداد شتافتند و برخي براه نجف اشرف افتادند بينش هم بمرص تسولرزه مبتلا شد اما ديري نگذشت كه او هم به نجف اشرف رسيد و يك هفته در آن سرر مير اقامت داشت و چون آنجا كسي را نديد كه از وي مواظبت و پرستاري كند به جاب كربلاي شتافت اما روريكه وارد بقعه مبار كه شد بقدر حان را نثار آن آستان غربت نشان نموده در صحن روضه مبار كه بياسود.

تبصره بر كتاب

مؤلف اين كتاب را سال ۱۲۶۵ هجري تاليف نموده است خود اسم اين كتاب «اشارات بينش» از وي احد تاريخ تمام آن (۱۲۶۵ هـ) را مي رساند. در مورد سبب تاليف اين كتاب مؤلف در ديماچه چنين توضيح داده است كه در سال ۱۲۶۲ هـ مجلس مشاعره برپااست حان بهادر را قم در دار الخلافه (مدارس) تشكيل شد و در آن مجلس «واقف» و «قدرت» حكيم مناظره انتخاب شدند رئيس اين كميته نواب اعظم حاه بود. مؤلف بطريق سياحت سري بحيدرآباد كشيد امير اعظم حاه او را در سلك

ملازمان خود قرارداد، روزی بحاضر مؤلف گذشت که شعرائیکه قبل از او بودند برای آنها تذکره‌های متعدد تألیف شده و در دست‌زمانه بطور یادگار است. اما تذکره شعرائی که در زمان نواب مزبور بوده‌اند هیچکس ننوشته و بنا بر این بحمع آوری تمام، غزلیات «مشاعره» و آثار سخنوران آن عصر از هر شهر و دیار پرداخت و بقدر استعداد خود آنها را انتخاب و ترتیب داد و احوال هر کدام از این شعرا را با بیجاژ و اختصار نگاشته این نسخه را به «اشارات پیش» که ماده تاریخ تمام آنسب موسوم نموده.

این تذکره مشتمل است بر مقدمه و شرح حال و آثار شعرا و خاتمه در مقدمه مؤلف درباره سبب تألیف کتاب توضیح داده و این کتاب را بنام نواب محمد غوث خان شہامت جنگ (۱۲۴۲-۱۲۷۲ هـ) حاکم کرمان عنوان کرده است. در خاتمه کتاب دو «قطعه تاریخ» خاتمه کتاب از مبارک‌اله خان رابع و فایزویک قطعه ارجان بهادر اقم و مسور جنگ نظیر و حشمت و ذهن و د کاو ثاقب و بدرت و وفا و امیر و اعلام دستگیر لایق (از هر کدام یک قطعه) نقل کرده است که هر قطعه آن سال تألیف این کتاب (۱۲۶۵ هـ) را میرساند.

این تذکره مشتمل است بر احوال و اشعار منتخب از هفتاد و هفت تن از شعرای کرمان است که معاصر مؤلف بودند و اکثرشان در «مجلس مشاعره» که نواب اعظم-جاه تأسیس نموده بود شرکت داشتند.

شرح حال اکثر شعرا را در نصف صفحه یا یک صفحه آورده است و اشعار آنان را در یک صفحه نقل کرده است اما در دلیل نام شعرای زیر شرح حال آنان را نسبتاً مفصل آورده است.

بصارت و ثاقب و صاحب و ذکاور اعم و صادق (هر کدام در دو صفحه) و قمر (در ۲ ص) و اعظم (۴ ص) و بینش (مؤلف در ۵ ص) و رویه‌رفته شرح حال خود را مفصل‌تر از همه آورده است.

همچنین اشعار شعرای زیررأسة مفصل نقل کرده است:

انوار و بیهوش و شایق و عشق و فایق و معاون و والو واقف و ولا (هر کدام در ۲ ص)
 و فاروق و قدرت و قهر و و اصف (هر کدام در ۲ ص) و راقم و رسا و فرصت (هر کدام
 در ۳ ص) و واعظ و رونق (هر کدام در ۳ ص) و ثاقب و رانغ و صاحب (هر کدام در ۵ ص)
 و بینش (مؤلف در ۲ ص) و ذکلو (در ۹ ص) و رویهم رفته اشعار خود در کارنامه مفصل تر
 آورده است

در ذیل نام شعرای زیر دوسه سطر در شرح حال آنان و سه چهار بیت از اشعارشان
 آورده است:

احقر و بینوا و جوهر و احمدی و بیخود و سعید و ضمیر و رفعت و ناظر و قدیر و قدرت
 و واجد و یگانه.

در ذیل اشعار شعرای زیر اشعاری که خود مؤلف در جواب آنها سروده است نیز
 آورده است:

سه بیت در ذیل اشعار بیهوش	دو بیت در ذیل اشعار ثاقب
یک « « « صاحب	یک « « « خوشنود
« « « دید	سه « « « راعی
دو « « « رایق	چهار « « « راقم
یک رباعی در ذیل شرح حال در این	یک بیت در ذیل اشعار صاحب
یک بیت در ذیل اشعار ضمیر	« « « « « علیم
دو « « « فاروق	سه « « « فایق
دو « « « قدرت	دو « « « مجرم
یک « « « معاون	سه « « « نامی

اشعار بعضی شعرای را با اشعار دیگران مقایسه نموده است چنانکه اشعار وصال را
 با اشعار حبیبانه دکاوش خود را با شعر کلیم همدانی
 مؤلف در فن «ماده تاریخ گوئی» مهارتی سرا داشت و «ماده تاریخ» فوت شعرای

ریرا که خودش گفته است در ذیل شرح حال آنها آورده است.
 «ماده تاریخ» فوت بصارت و ماده تاریخ فوت معشوقه راغب (که کلمه «راغب» سال
 فوت آنرا میرساند).

همچنین مؤلف ماده تاریخ تألیف رساله‌ای در علم عروض که محمدعزیرالدین
 متخلص بهرید تألیف نموده بود «مجمع العروض» (= ۱۲۶۰هـ) گفته و ماده تاریخ تدوین
 دیوان ریخته (اردو) محمد حبیب اله دکانی طی را «چشم‌پیش‌روشن» (= ۱۲۶۱هـ)

سبک مؤلف غالباً ساده و غیر مصنوع است غیر از دیباچه که آنجا گاهی بنوشتن بشر
 مصنوع پرداخته است

در ذیل نام بعضی شعرا القاب تعریفی آنان را بشر مسجع آورده است:

اعظم . امیر عالی تبار خدیو معدلت آثار ..

حسن عالم‌یگانه و فاضل فررانه

حوشنود حقایق آگاه معاون دستگاه .

راغب سلاله السادات الکرام خلاصه الامرای العظام ..

صاحب عالی مناصب و الامتاق

همچنین برای «فوت‌شده» جمله‌ای مصنوع آورده است مانند

میوش . (در ۱۲۶۰هـ) از تلاش معنی بیگانه بچستجوی بیگانه برحق شناخت.

نسخ

ایوانو کررنش ۶۱ (با اضافات و تعییرات محتمل اندست خود مؤلف)

چاپ

مدارس ۱۲۶۸هـ (در ۲۰۳ صفحه)

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به ایوانو کررنش ص ۶۸-۷۰ (اسم ۶۰ شاعر)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به اشارات پیش و صح وطن ص ۳۸-۴۲ و صح

گلشن ص ۷۵ و گلزار اعظم ص ۲۲-۱۱۹ و استوری ۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳

گلزار اعظم

ابتدا

ای حمد تو ورد دل و جان شام و پیگاه
 وی نام تو بر نوک زبان در همه گاه
 بی فضل تو سویت نتوان بردن راه
 لا حول و لا قوة الا بالله
 شگفتگی گلزار سخن به اهتراز نسیم حمد بهار آرائیست که چمنستان خیالات
 رنگین را به آبیاری مضمون دلنشین در خطه قلوب نخلیندان حدیفه نکته دانی سرسبز و
 شاداب گرداید و گلستان صنایع لطیمه و بوستان بدایع معنویه را پرنگ و بوی بلاغت
 و آب و تاب و صاحت در گلزمین افنده گلچینان گلشن دقیقه یابی کل گل شکفاید

مؤلف

اسم مؤلف نواب محمد عوض خان بهادر متخلص به اعظم اسب (برای شرح حال
 اور رجوع شود به «صبح و وطن» در این کتاب).

تصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۲۶۷ هـ آغاز و در ۱۲۶۹ هـ با تمام رسانیده است
 اسم این تذکره تاریخی است یعنی اردوی اجداد سال تألیف کتاب را میرساند. همچنین
 مؤلف در مقدمه کتاب قطعه دلی را آورده است که سال تألیف این کتاب (۱۲۶۹ هـ)
 را می رساند.

که افزاید از سیر آن عقل و هوش
 بدا کرد «گلزار اعظم» سرش
 (= ۱۲۶۹ هـ)

چوتیار شد گش بی حرا
 شدم در پی نام و تاریخ او

۱- مؤلف در مقدمه کتاب مینویسد در عرصه (مدت) دو سال شاهد مدعا را محله انصرام
 آراستم و چون سال اتمام کتاب ۱۲۶۹ است پس برای این مؤلف تألیف این کتاب را در ۱۲۶۷
 آغاز نموده است

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است که وی در ۱۲۵۷ هـ بتحریر تذکره شعرائی الکلی کرناٹک (یعنی تذکره «صبح و وطن») پرداخته و در آن غزلیات هنریک از آنها را بدون انتخاب یعنی کامل آورده بود^۱. سپس مؤلف خواست تذکره نثرهای بنویسد و طی آن انتخاب اراشعار شعرای و شرح جان آنها را با بیان سال و محل تولد و آثارشان و غیره بکمال دقت و تحقیق ترتیب دهد تا اینکه تذکره «مخمس الجواهر» تألیف و اصف بملاحظه رسید و بوضوح پیوست که مؤلف آن تذکره بر اشعار بعضی اسبابتی، سخن اعتراضات بیجا و بی محل آورده و بنا بر این در جواب آن تذکره مؤلف بترتیب این تذکره (گلزار اعظم) پرداخت.

مؤلف اسم ماخذ این کتاب را در مقدمه یا خاتمه کتاب ذکر نکرده است اما در ردیل شرح حال شعرا اسم کتابهای ردیل را آورده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است:

- ۱- کلمات الشعرا (رجوع شونده ترجمه حال اعظم).
- ۲- تذکره جان آرزو (رجوع شود بشرح حال اعظم).
- ۳- سرو آراد (رجوع شونده ترجمه حال اعظم).
- ۴- نتایج الافکار (رجوع شود بشرح حال حوشدل).
- ۵- مرآت الحیال (رجوع شونده شرح حال و اصف).
- ۶- گلدمته کرناٹک که گاهی تنها اسم آن را «گلدمته» نوشته است) رجوع شود به شرح حال محرت و عاصی).

۷- منتخب اللغات میر عبدالرشید تنوی (رجوع شونده در حالص).

این تذکره مشتمل است بر چهار صد و سی و سه (۴۳۳) شاعر کرناٹک بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «آگاه مولانا محمد یاقرب» شروع شده با «یادمولوی حواحه حمیدالدین» تمام میشود تقریباً تمام این شعرا معاصر بواب اعظم مؤلف بودند

شرح حال شعری زیر را مفصل آورده است: ابجدی و بهار توجهن و رایق و مختار
 سیف الملک و مجرم و معاون و نامی مولوی تراب علی و ناظر و وفا و واقف (هر کدام در
 ۱/۴ ص) و نورالدین انور و اکرم و بینش و ذوقی و رفیع و شایق و قریب و قدرت و معجز
 (هر کدام در ۲ ص) و خوشدل و راقم و مهربان (هر کدام در ۱/۴ ص) و خوشنود و محفوظ
 (هر کدام در ۳ ص) و مولانا محمد باقر آگاه نایبی و اعظم (مؤلف) و ماجد (هر کدام
 در ۴ ص) و والا (در ۵ ص) . رویهمرفته شرح حال و الا را از همه مفصل تر آورده است .

اشعار شعری زیر را مفصل آورده است: خاجی و دستگیر (هر کدام در ۱/۴ ص)
 و اکرم و بهجت و بلیغ و خوشنود و خالص و رایق و شایق و صاحب و فاروق و معجز و معاون
 و مخلص و نامی غلام الدین و واله سید محمد موسوی (هر کدام در ۲ ص) و ذوقی (در ۱/۴ ص)
 و ثاقب و راعی و قدرت (هر کدام در ۳ ص) و آگاه مولانا محمد باقر نایبی و انور و احسن
 و فایق و مهربان (هر کدام در ۱/۴ ص) و ماجد (در ۴ ص) و روتق و واقف (در ۱/۴ ص)
 و بیش و والا سید ابوسعید (هر کدام در ۵ ص) و راقم در ۱/۴ ص) و اعظم (مؤلف)
 (در ۱۲/۴ ص)

رویهمرفته مؤلف اشعار خودش را مفصل تر از سایرین آورده است .

اشعار خود را در ذیل اشعار شعری زیر نیز نقل کرده است: محمد باقر آگاه
 و خوشدل و راعی و فایق و قدرت و مهربان و ماجد و والا

در ذیل اشعار روتق اشعاری را از سید محمد خلوص و اعزالدین خان نامی و شایق
 علیخان شایق و همچنین دو رباعی را از حکیم عبدالناصر عشق در ذیل اشعار فاروق
 نقل کرده است

در ذیل شرح حال خود جواب اعتراضاتی را که واصف بر ۴۳ بیت ناصر علی
 در تذکره خود آورده بود (در ۲۶ ص) داده است و در دو صفحه از ناصر علی تعریف
 کرده است

در ذیل نام واحد اعتراضی را بر اشعار دیگران (در ۱/۴ ص) نقل کرده است
 همچنین در ذیل نام واصف اشتباهات تذکره مرآت الخیال را در دو صفحه

(ص ۴۰۱-۴۰۰) و اشتباهات و اصفرا که بقول مؤلف وی در تذکره «معدن الجواهر» مرتکب شده است در ۳ صفحه + ۱۶ صفحه (ص ۴۰۲-۴۰۱ و ص ۲۵-۴۰۹) و رساله مولانا آگار که مشتمل است بر جواب اعتراضی بر بیستی تحت عنوان «فایده» در پنج صفحه (ص ۹-۴۰۵) آورده است.

در ذیل اشعار شعرای زیر اعتراضات و اصف و شعرای دیگر را که آنها بر اشعار این شعرا وارد آورده اند ذکر نموده و غالباً خودش جواب آنها را یاد کرده است: مولانا محمد باقر آگاه (در ۴ ص) و پیش (در ۶ ص) و بهجت و بلخ و ثاقب (در ۷ ص) و خوشنود و خالص و شاعر (در ۴ ص) و فاروق و فرحت (در ۷ ص) و قدرت و قدیر و مخلص و والا و ولا و واقف و واصف^۱ (در ۴ ص)

در ذیل شرح حال شعرای ذیل اسم آثارشان را مفصل ذکر کرده است: ابجدی و خوشنود و واحد و واصف.

در ذیل نام راقم (ص ۲۲۳) تحت عنوان «فایده» شرحی در باره قافیه شایگان (ایطای حلی و خفی) آورده است.

در ذیل شرح حال ابجدی حکایات حالی در باره احنه نقل کرده است

مؤلف در ذیل اشعار شعرای زیر بر بعضی اشعارشان ایراد گرفته است. احسن و رایق و فرحت و معاون و واقف و واصف.

در این تذکره مؤلف غالباً اشعار را از غزلیات انتخاب کرده و گاهی غزلیات کامل را نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام اسد در این کتاب.

از مطالعات این تذکره چنان بر می آید که هنوز در بعضی نواحی هند فارسی خیلی رواج داشته و بسیاری از شاعران و ادیبان این قسمت هندوستان به فارسی شعر میسروده اند و کتابهایی مینوشته اند و حتی عده ای از آنها باین زبان دیوان شعر هم داشته اند چنانکه در «گلزار اعظم» آمده است که شعرای ذیل صاحب دیوان فارسی بودند

۱- استثنائاً اینها اعتراضات معترضین را با اعتراضات و اصف ذکر کرده است و در هیچ

مورد جواب این اعتراضات پرداخته است

مولوی محمد باقر آگاه و شیخ محمد امین امین و مولوی میرزا سعید خان ابجدی و نورالدین محمد خان انور و سید نظام الدین احقر و حافظ شاه انوار الحق انوار نقشبندی و غلام احمد احمدی و رضا حسین خان بهادر افسر و شاه محمد عزیز الدین قادری دیک و سید عبداللطیف ذوقی و سید احمد راغب و مولوی محمد حسین راقم قادری و سید محمد خان بهادر سخن اصفهانی و غلام محی الدین شایق و شمس الدوله غلام عبدالقادر خان شمس و میر علی مردان یکدل و مولوی شاه و حبه اله طالب و مولوی عبدالودود عاشق و قدرت اله خان قدرت و مولوی جاقظ شاه عبدالقادر مهربان و دوالمقار الدوله محمد علی حسین خان بهادر و سیف الملک محمد انور خان خان بهادر، محتار و غلام - محی الدین محر

همچنین بعضی از این شعرا تالیفات دیگر هم به عاریت داشته اند که برخی از آنها را بواب اعظم در تذکره «گلزار اعظم» ذکر نموده است مانند: بهجت و تما و مولوی محمد حسن و خوشنود و شاه محمد عزیز الدین دید قادری و ذوقی و راقم و شایان و شمس و شاعر و میر مرتضی منروی و مهربان و مولوی تراب علی یامی و باطر و والا و واصف .

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف غالباً ساده است اما گاهی سعی کرده است بشر مصنوعی بنویسد مخصوصاً در موقع تعریف شعرا بشر مصنوعی پرداخته است
در ذیل نام اکثر شعرا در موقع نقل اشعار آنان جمله ای مصنوعی به معنی «اینک اشعار او و غالباً بصابت تحلیص شاعر چنان آورده است مثلاً :
ابجدی - در داستان سخن ابجد مضامین بدین آئین تعلیم میکند
قاسمی احمد احمد قاضی فکروش در دار الاصفاف معنی پایی چنین داد
سخن سجی میدهد

۱- اینجا اعتراضات متعرضین را اعترافات واصف ذکر کرده است و در هیچ مورد جواب این اعتراضات پرداخته است

امداد : بطبع وقادش بدینگونه امداد سخن میکند .
 امتیاز : چهره شاهد کلامش بغاره رنگین مضامین بدین آئین حسن امتیاز دارد.
 حاجی : حاجی فکرش درجیل العرفات ونگین خیالی باین نازک ادائی لبیک
 همچنین دردیلم نام اکثر شعرا جمله ای مصنوع بمعنی « فوت کرد » آورده
 است مثلاً :

ابجدی : درسنه ۱۱۹۳ هـ ازاین دارفانی رخت هستی بر بست .
 انست - درسنه ۱۲۰۴ هـ رخت هستی ازاین جهان گذران بر بست و سه شهر
 خاموشان پیوست -

اطقیری : در ۱۲۳۴ هـ رخت ازایجهان فانی بر بست و بر چهار بالش ملک جوادانی
 مربع نشست

رویهمرفته این تذکره ازلحاظ اصالت مطلب و انتخاب اشعار خیلی مهم است
 مخصوصاً از نظر نقد شعر بعد از تذکره آرزو میتوان آنرا بهترین تذکره حساب کرد.
 نسخه خطی رجوع شود به آصعیه ح ۱ ص ۳۲۲ ش ۳۸ (مورخ ۱۳۰۲ هـ) .

چاپ - در مدراس مطبع سرکاری (دولتی) بسال ۱۲۷۲ هـ بطبع رسید .
 فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به چاپ مدراس ص ۷-۲ .

برای شرح حال مولف رجوع شود به بحث در باره «صح و وطن» در این کتاب.

فصل سوم

از آغاز سلطت انگلستان (۱۸۵۷م = ۱۲۷۴هـ) تا ۱۹۳۰ م مطابق ۱۳۴۹ هـ

ملاحظات عمومی

بر

فصل سوم

(۱۲۷۴ - ۱۳۴۹ هـ)

وضع سیاسی و اجتماعی این دوره

در این دوره انگلیسها در نتیجه دسایس و توطئه های دامنه داری که برای برانداختن سلطنت تیموری در هند چیده بودند بالاخره توانستند نقشه خود را عملی سازند و بعد از فروزشاندن شورش ۱۸۵۷ م / ۱۲۷۴ هـ در همان سال طبق اعلامیه صادره از طرف سلطنت انگلستان بحکومت کمپانی هند شرقی^۱ خاتمه داده شد و ملکه و کتوریای انگلستان « نا کمال لطف » سرزمین هندوستان را حرو مستعمرات خود قرار داده و نماینده خود را بعنوان حاکم اعلی^۲ و نایب السلطنه^۳ انگلستان برای شه قاره هندوستان فرستاد با گفته نماید که تا استقلال کامل^۴

۱ - در تاریخ هند این شورش را سام و عدر « (Mutiny) یاد میکنند این اولین کوششی بود از طرف اهالی هند برای بیرون کردن انگلیسها از آن کشور که متأسفانه نتیجه مثبتی نداشتید والا سو بوشت تاریخی آن سرزمین نکلی عوس میشود در تاریخ هند دوره ای بنام « دوره استعمار انگلستان » که تقریباً صد سال طول کشید دیده نمیشد

۲ - East India Company

۳ - Governor-General

۴ - Viceroy

۵ - پاکستان و هندوستان روز ۱۴ و ۱۵ اوت ۱۹۴۷ مستقل شدند اما هندوستان روز ۲۶ ژانویه ۱۹۵۰ م و پاکستان روز ۲۳ مارس ۱۹۵۶ م جمهوری شد اولین حاکم اعلی پاکستان مرحوم محمد علی جناح و اولین حاکم اعلی هند همان لرد مونت باتن (Lord Mountbatten) که قلمار استقلال و تقسیم شه قاره هند بعنوان حاکم اعلی از طرف دولت انگلستان بر هندوستان حکومت میکرد . از طرف رهبران سیاسی و ارباب حلو و عقد آن کشور بوداد انتخاب شد و تا روز جمهوری بعنوان حاکم اعلی بر هندوستان حکومت میکرد

هند و پاکستان انگلستان بوسیله همین حکام اعلی و نواب السلطنه بر هندوستان حکومت میکرده است

وضع زبان و ادب فارسی در این دوره

در این دوره انگلیسی بزودی جای فارسی را بعنوان زبان رسمی و اداری مملکت هند گرفت اما در اواخر سلطنت انگلستان در نتیجه اصرار اهالی هند در اکثر نقاط هندوستان استعمال زبانهای داخلی و محلی مانند اردو و هندی و بنگالی در بعضی ادارات محلی مانند دادگاهها محارقرار داده شد

در هر حال فارسی که قبل از سلطنت انگلیسها زبان رسمی و ادبی هندوستان بود جای خود را با انگلیسی و تا اندازه ای به بعضی زبانهای داخلی داد و حتی بتدریج در میدان ادبی بجز انگلیسی و اردو و هندی و بنگالی و بعضی زبانهای محلی دیگر جای فارسی را گرفتند

اما هنوز در این دوره محبوبیت شعر و ادب فارسی در هندوستان نکلی از میان نرفت و در بعضی نواحی بزم مستقل مانند حیدرآباد دکن و بهوپال بعزت تشویق حکام آنجا و همچنین در بعضی نقاط دیگر هند سبب ذوق ادبی مردم بفارسی شعر میسروده و گاهی نوشتن کتب فارسی میپرداخته اند

تذکره نویسی در این دوره

از میان سیزده تذکره فارسی که در این دوره در شبه قاره هندوستان تألیف شد تقریباً نصف آن یعنی شش تذکره در بهوپال ترتیب داده شد که از آن شش کتاب سه کتاب تذکره را نواب صدیق حسن خان نایب ریاست بهوپال و دوپسر او تهیه نمودند و همچنین دو کتاب دیگر بنام احترامانان و تذکره الحواتیر، بزم بنام نواب شاه جهان بیگم والیه بهوپال عنوان شده و یک تذکره دیگر را میرزا محمد امین علی و کارمندان ریاست بهوپال ترتیب داده است همچنین تعداد زیادی از کتب فارسی در موضوعات مختلف باهتمام و کوشش و تشویق حکام

ادب پرور حیدرآباد دکن و بهوپال مخصوصاً نواب شاهجهان بیگم و نواب صدیق حسن خان تألیف و منتشر شد .

از میان تمام تذکرة های فارسی این دوره تنها تذکرة الحواتین رایك نعر ایرانی نام میرزا محمدملك الكتات شیرازی نام نواب شاهجهان بیگم نوشته است و بقیه را نویسندگان هندوستان تألیف و تنظیم کرده اند

از تذکرة های این دوره ریاض الفردوس و شمع محفل سخن و شمع انجمن و صبح گلشن و روز روشن و تذکرة الشعراء عی تدکرة های عمومی هستند یعنی شامل شعرای متقدم و متأخر میباشد و نگارستان سخن تنها درباره شعرای متأخر و «هفت آسمان» درباره کسانی که مشوی (در بحر سریع) سروده اند و اخترتابان و تذکرة الحواتین ملك الكتات شیرازی و حدیقه عشرت تنها درباره زبان شاعر فارسی و تکمله مقالات الشعراء در دکن شعرای متأخر سد و سخنوران چشم دیده درباره شعرای معاصر مخصوصاً ارحیدرآباد دکن میباشد

سك تازه انشای تدکرة نگاران در این دوره

در میان تذکرة نگاران این دوره سك انشای نویسندگان شمع انجمن و نگارستان سخن و صبح گلشن و روز روشن و اخترتابان و تذکرة الحواتین و حدیقه عشرت مصوع بوده و مخصوصاً درسه کتاب اول در اکثر موارد شمر مسجع بکار رفته است اما در بقیه کتب سك نویسندگان آن ساده است و تنها در مقدمه و موقع تعریف شعر اصنعت بکار رفته است.

روی پهرفته غیرار مطالسی که در تذکرة های این دوره درباره شعرای متقدم از تذکرة های سابق نقل شد از رش مطالسی که در درباره شعرای متأخرین آمده است خیلی کم میباشد و اشعاریکه از شعرای معاصر این دوره در این تذکرة ها آمده است اکثر فاقد لطف و حدت فکر و تازگی مضامین میباشد و این حقیقت را میرساند که شعر فارسی در این دوره نه پست ترین نقطه انحطاط خود در شبه قاره هندوستان رسیده بود

در هر حال تذکرة های فارسی این دوره نشان میدهد که هنوز ذوق شعری و

ادبی فارسی در هندوستان بکلی از بین نرفته بود و عده ای از شعرا و نویسندگان آن کشور باین زبان شعر میسروده و کتبی تألیف میگردید .

تذکره های فارسی راجع به شعرای اردو

همچنین يك نکته قابل توجه دیگر اینست که در این دوره و در آخر دوره سابق بسیاری ارتد کره ها درباره شعرای اردو تیر بر بان فارسی تألیف شده است در این تذکره ها مانند تذکره هندی، مصحفی گاهی مؤلف آن در ضمن نقل اشعار اردو و بعضی اشعار فارسی شعرا را هم بطور نمونه آورده است اینک درباره تذکره های فارسی که در این دوره در شبه قاره هند و پاکستان تألیف شده است بحث میشود.

ریاض الفردوس

ابتدا

خاکی نژاد صعیف البیان گم کرده هوش و حرد اس بدیر محاسن
وحوش و انعام سنگ سی آدم محمد حسین (را) که سپیدار سیه (را) ممتاز بتواند کرد که جا
ره ره و کی مجال آن دارد که محممت حساب احدیت عرا سمه که وجود کونین ادبی
صفت ایحادیه اوست «

مؤلف

اسم مؤلف مولوی محمد حسین حاب و اسم پدرش علام قادر حان صاحب
شاهجهان پوری است (شرح حال مؤلف بدست بیامد)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را به سال ۱۳۷۶ هـ تألیف کرد.

این کتاب مشتمل است بر ذکر صنو پنجاه و شش شاعر بترتیب تاریخی کتاب «ریاض‌العردوس» مشتملست بر سه جلد اول شامل شعرای عربی جلد دوم شامل شعرای فارسی و جلد سوم شامل شعرای اردو میباشد.

جلد دوم یا مقاله ثابیه مشتملست بر دو باب **باب اول** در نظم (شعر) و **باب دوم** در نثر **باب اول** مشتملست بر پنج فصل بدین‌تقرار

فصل اول در حمد و نعت و منقبت

فصل دوم در واسوخت^۱ و محمسن

فصل سوم در عربیات و قطعات

فصل چهارم در صایع لفظی و معنوی و تاریخ وقایع حضرت رسول و خلفای راشدین و حضرت فاطمه و حسنین و دیگر بزرگان دین و اشعار مکتوبی که در مکاتبات بکار آید و اقسام نثر را آرایش دهد

۱- اصطلاح شعری است که بسیاری از شعرای فارسی زبان هند اعمادایرانی و هندی بکار برده‌اند اما در ایران هیچ‌وقت متداول بوده است واسوخت بمعنی واسوختن = سوختن و اعراض کردن و روگردانیدن و برار شدن از معشوق و مطلوب (فرهنگ نمایی) با اصطلاح شعرای ایران برادری و اعراض و روگردانی از معشوق (آسودراج) واسوختن = اعراض کردن و روگردانیدن از چیری و ترك عشق گفتن (بهار عجم) و روگردانی کردن از معشوق (آسودراج) در شبه قاره هند و پاکستان نوعی از شعر بوده که طی آن شاعر از معشوق گله و شکوه میکند و اظهار برادری از او نموده معشوق را مورد ملامت و توبیخ و سرزنش قرار میدهد و این شعر تقریباً اعلامیه ترك عشق عاشق با معشوق خود بوده است چنانکه «حواهر اللغات» (اردو) تألیف پاندیت راجنات راوی بهادر چاپ هند ۱۹۲۴ میلادی واسوختن را چنین معنی میکند «برار هوا - مه پھیر لیا یعنی برار شدن و روگردانی سپس می‌نویسد . «اسی لئی واسوخت اس کلام کو کھتی ہیں حسین معشوق کو حلی کھی ساتی ہیں» یعنی واسوخت شعریست که در آن معشوق را مورد ملامت و سرزنش قرار میدهد

فصل پنجم یعنی تذکره شعرا مشتملست بر دو قسمت بقرار زیر:

قسمت اول شامل ذکر صد و چهل شاعر متقدم و متأخر که با «ابوالحسن رودکی» شروع شده به «محمد یعقوب حلیم» تمام میشود قسمت دوم که مشتملست بر ذکر شاعرهای متقدم و متأخر و با «مسماة نوره‌ها» بیگم منتهی «شروع شده با» شریف بانو همدنی» تمام میشود.

این تذکره بسیار مختصر است و قسمت تذکره این کتاب مشتملست بر سی صفحه، در ذیل اکثر شعرا مؤلف آنها را در یک سطر معرفی کرده و يك یادوبیت را از آنان نقل کرده است

چاپ

مطبع منشی بولکشور سنه ۱۲۸۴ هـ

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به چاپ بولکشور ۱۲۸۴ هـ

شمع محفل سخن

اسم مؤلف سید عبداللطیف منخلص به الطاف حسینی است. مؤلف «اعتقادنامه» حامی را بشعر اردو ترجمه کرد و آن ترجمه در ۱۲۷۲ هـ نامتن فارسی در مدراس چاپ شده است.

این تذکره مشتملست بر ذکر شعرای ایرانی و هندوستانی

نسخه خطی: رجوع شود به مدراس ش ۱۲۷۹

هفت آسمان

ابتدا

«الحمد لله رب العالمين والصلوة على رسول محمد الامين و على آله واصحابه

اجمعين»

شرح حال مولف

مولف آقا احمد علی متخلص به احمد است و اسم پدرش شجاعت علی است و خانواده وی همراه نادرشاه بهندوستان رفت احمد علی برور ۱۰ شوال ۱۲۵۵ هـ در دهلی متولد شد

اسم تاریخی او «مظهر علی» است که سال ولادت او را میسراند. از اوایل عمر صحت اطلاعات وسیعی که در زمینه ادبیات فارسی داشت در هندوستان خیلی معروفیت پیدا کرد و در سال ۱۸۶۲ م در کلکته مدرسه احمدیه را تأسیس نمود و تا آخر عمر ریاست آن مدرسه را بعهده داشت

در سال ۱۸۶۴ م بتوصیه پروفیسور کوول احمد علی سمت معلمی فارسی در مدرسه دولتی کلکته انتخاب شد و در سال دیگری مؤید برهان را منتشر کرد این کتاب تصره باقدانه است بر کتاب برهان قاطع وطی این کتاب احمد علی در مقابل انتقاد شدیدی که غالب دهلوی شاعر معروف برای فرهنگ در کتاب خود قاطع برهان نموده بود از مؤلف این فرهنگ دفاع کرده است.

پس چون غالب دهلوی کتابی در جواب این رساله نوشت احمد علی رساله دیگری با نام «شمسیر تیزتر» را انتشار داد

۱- استوری دهاکه نکال شرقی

۱- Professor Cowell

یزدو کتاب احمدعلی در زمینه فرهنگ نویسی دارای اهمیت فراوانی میباشد. در ۱۸۶۶ هـ کتابی بنام « رساله ترانه » درباره رباعی فارسی تألیف نمود و بلوخرمان برای اینکه حق شاگردی وی را ادا کرده باشد این کتاب را بطبع رسانید. همچنین احمد علی چند کتاب دیگر نیز تألیف کرد و بعضی کتب قدیم را با تصحیح و حواشی خود به چاپ رسانید.

« هفت آسمان » تذکره مورد بحث آخرین اثر احمدعلی است اما بعلمت مرگ ناگهانی مؤلف تنها آسمان اول (از جمله هفت آسمان) چاپ شد و شش آسمان دیگر این کتاب بعد از مرگ او چاپ نشد

احمدعلی بروز ۶ ربیع الثانی ۱۲۹۰ هـ (مطابق ژوئن ۱۸۷۳ م) بعارضه تب چشم ارحمان برست.

آثار مؤلف

۱- مؤید برهان - در دفاع از برهان قاطع در مقابل اعتراضات غالب دهلوی - این کتاب در سال ۱۸۶۵ در ۲۷۵ صفحه در مطهر العجایب پرس کلکته بطبع رسید.

۲- شمشیر تیزتر - در جواب رساله « شمشیر تیز » تألیف غالب که وی در جواب « مؤید برهان » نوشته بود این رساله در ۱۰۶ صفحه در ۱۸۶۸ میلادی در کلکته چاپ شد.

۳- رساله ترانه - درباره رباعی فارسی که اچ - بلوخرمان در ۱۸۶۲ در کلکته چاپ کرد.

۴- رساله اشتقاق - دستور مقدماتی فارسی

همچنین احمدعلی در تصحیح و چاپ در قسمت اول اکر نامه و اقبالنامه جهانگیری و مآثر عالمگیری و منتخب التواریخ و سکندرنامه و ویس و رامین که از طرف انجمن کتاب هند یا انجمن آسیائین بنگال منتشر شده بود همکاری داشت

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در ۱۲۸۵ هـ مطابق ۱۸۶۹ میلادی تألیف نموده است و در باره سبب تألیف در مقدمه چنین توضیح داده است

« اما بعد فقیر کثیر التقصیر احمد و امین‌نماید که پیشتر از این اهالی کمیته ایشیا تک سوسیته کلکته نصف اول از جلد دوم سکندرنامه که در این دیار بحری اشتهار دارد بتصحیح جناب دکتر اشپرنگر صاحب و آغا محمد شستری بطبع آوردند و این روزها که سه یکپاره و هشتصد و شصت و نه عیسوی (میلادی) و سه یکپاره و دو صد و هشتاد و پنج هجری می‌باشد ارباب کمیته مزبور نصف اخیر آن (را) بتصحیح فقیر طبع کردند سپس خواستند که ترجمه مصنف آن شیخ بزرگوار نظامی گنجوی علیه الرحمه بسازند از بیان مثنوی .. مرقوم و مطبوع شود با این از تذکره . آنچه تعلق بدین دانش استنطاق و التقاط نمود و درین اوراق بتحقیقی که میسر شد ثبت کردم و چون مرد محققان سخن اوران مثنوی هفت می‌باشد و این رساله بالاصاله در بیان آنست این را «هفت آسمان» نام کردم و (دریک) اوج و هفت آسمان و (یک) افق مرتب

مؤلف در مقدمه نوشته است که غیر از کتب عروس و قوافی و رسایل قواعد و صایع و بدایع و حر آن از کتابهای زیر در تألیف این کتاب استفاده کرده است

- ۱- معجانات الاسب حامی
- ۲- بهارستان حامی
- ۳- تذکرة الشعراءى دولت‌شاه سمرقندی
- ۴- هفت اقلیم محمد امین رازی
- ۵- مرآت الحیال شیرخان لودی
- ۶- مرآت العالم بختاورخان عالمگیری
- ۷- تذکره میرزا طاهر نصر آبادی اصفهانی

۱- بعضی مقامات مؤلف کمیته احسن آسیاء

۸- ریاض الشعراءى خان وائله داغستاني

۹- آتشکده آذر اصفهانی

۱۰- کلمات الشعراءى سرخوش

۱۱- خراشه عامره آزاد بلگرام

اما از متن کتاب معلوم ميشود که مؤلف از کتابهای زیر در تأليف آن

استفاده کرده است :

۱۲- رساله قافیه مولانا قاسم کاهى (رجوع شود به عنوان تحقيق مثنوى و

تعريف آن ص ۳)

۱۳- بدايع الافكار ملاحسين واعظ کاشمى (ايضا)

۱۴ تا ۱۸- مجمع الصنایع وهب قلم و دريای لطافت و مخزن العوايد و

کشاى الاصلاحات (ايضا)

۱۹- انوار سهيلي ملاحسين واعظ کاشمى (رجوع شود به عنوان مثنوى گوئى)

۲۰- شرح الشعراء (رجوع شود به رود کى و تحفة الاحرار جامى)

۲۱- سلم السهوات قاسم ايرانى (ايضا)

۲۲- کشف الظنون (رجوع شود به بحرى گر گابى)

۲۳- حدايق البلاغت شمس الدين فقير (رجوع شود به نظامى)

۲۴- مفتاح التواريخ (رجوع شود به دقيقى بحارى)

۲۵- تذکره تقى کاشى (رجوع شود به نظامى گجوى)

۲۶- فهرست اشپرنگر (ايضا)

۲۷- شرفنامه (ايضا)

۲۸- صولت فاروقى آشوب تورامى (ايضا)

۲۹- رساله عبدالواسع هاسوى (ايضا)

۳۰- نقايس المآثر (رجوع شود به قران السعدين خسرو)

۳۱- منتخب التواريخ نداوى (رجوع شود به مثنوى قاسم کاهى)

۳۲- آئین اکبری شیخ ابوالفضل (رجوع شود: به معرفی شیرازی)

۳۳- بوادر المصادر (رجوع شود به خفاف و ابوشعیب)

۳۴- لارس گرت میرت (رجوع شود به مثنوی در دوداغ مرزاغالدی دهلوی)

این کتاب قرار بود يك «اوج (مقدمه)» و هفت آسمان در مثنویهایی که در هفت بحر مثنوی سروده شده است و يك «افق» (خاتمه) داشته باشد ولی هنوز جريك «اوج» و يك «آسمان» که آسمان اول نام دارد بچاپ نرسیده بود که مؤلف آن ناگهان بدرود حیات گفت و شش آسمان و يك «افق» این کتاب دیگر چاپ نشد. مقدمه این کتاب که «اوج» نام دارد مشتمل است بر تحقیق مثنوی و تعریف آن و طرح مثنوی گوئی و شرح حال شعرای قدیم و بدیل که مثنوی گفته اند:

- | | |
|-------------------------|----------------------|
| ۱- رود کی | ۲- ابوشکور بلخی |
| ۳- دقیقی بخاری | ۴- ملک الشعرای عنصری |
| ۵- اسدی طوسی | ۶- فردوسی طوسی |
| ۷- ناصر خسرو | ۸- اسعد گرگانی |
| ۹- قطران الاحلی | ۱۰- مسعود سعد سلمان |
| ۱۱- سنائی غزنوی | ۱۱- عمیق بخارائی |
| ۱۳- نظامی عروضی سمرقندی | ۱۴- فصیحی جرجانی |
| ۱۵- نظامی گنجوی | |

«آسمان اول» این کتاب مشتمل است بر شرح ۷۸ مثنوی زیر در «بحر سریع»:

- | | |
|------------------------------|---------------------------------|
| ۱- محرن الاسرار نظامی | ۲- مطلع الانوار امیر خسرو دهلوی |
| ۳- قران السعیدین خسرو دهلوی | ۴- مثنوی حلال قراغانی |
| ۵- روضة الانوار خواجو کرمانی | ۶- موسی الارار عماد فقیه |
| ۷- گلشن ابرار محمد کاتبی | اقی نامه |
| ۹- تحفة الاحرار حامی | ۱۰- مثنوی کعبه حامی |

۱- Lawrence Gazette Meerut

- ۱۱- مثنوی آصفی هروی
 ۱۲- منظر الانصار قاضی سنجابی
 ۱۳- فتوح الحرمین محی لاری
 ۱۴- مظهر آثار امیر هاشمی کرمانی
 ۱۵- گوهر شهوار عبیدی جنابیدی
 ۱۶- مشهد انوار غزالی مشهدی
 ۱۷- مرآت الصفات غزالی مشهدی
 ۱۸- نقش بدیع غزالی مشهدی
 ۱۹- قدرت آثار غزالی مشهدی
 ۲۰- منظور انظار رهائی هروی
 ۲۱- دو مثنوی نویدی شیرازی
 ۲۲- مشاهد داعی شیرازی
 ۲۳- مثنوی قاسم کاهی
 ۲۴- مهر وفای سالم محمد بیگ
 ۲۵- مظهر الاسرار حکیم ابوالفتح دوانی
 ۲۶- جلد برین مولانا وحشی کرمانی
 ۲۷- مجمع الایکار عرفی شیرازی
 ۲۸- زبدة الافکار بیکی اصعبانی
 ۲۹- مرکر ادوار شیخ فیض فیاض
 ۳۰- مثنوی زاهد
 ۳۱- مثنوی میر معصوم
 ۳۲- مثنوی مولانا علی احمد نشانی
 ۳۳- تحفه میموبه محمد حسن دهلوی
 ۳۴- مثنوی شانی تکلو
 ۳۵- منبع الانهار ملک قمی
 ۳۶- دیده بیدار حکیم شعائی
 ۳۷- ریدة الأشعار قاسمی گابادی
 ۳۸- دولت بیدار ملاشیدا
 ۳۹- مثنوی شیخ بهاء الدین عاملی بهائی
 ۴۰- گلوسور رلالی حواساری
 ۴۱- مثنوی قاسمی مشهدی
 ۴۲- مثنوی باقر کاشی خرد
 ۴۳- مثنوی حکیم حادق گیلانی
 ۴۴- مثنوی سلیم محمد قلی
 ۴۵- مثنوی الهی سعد آبادی
 ۴۶- بارو بیاز حاتمی گیلانی
 ۴۷- مثنوی غافل محمد تقی
 ۴۸- مثنوی ابراهیم ادهم صفوی
 ۴۹- مثنوی مولانا عیاض سرواری
 ۵۰- مثنوی فدائی محمد بیگ
 ۵۱- مثنوی صفا محمد باقر نایینی
 ۵۲- مظهر الانوار هاشمی بحاری
 ۵۳- مثنوی ملا صبحی بیر بیگ
 ۵۴- مثنوی ملا محمد شریف
 ۵۵- مثنوی فایر میرزا علاء الدین محمد
 ۵۶- مثنوی طاهر وحید
 ۵۷- مثنوی درویش حسین واله هروی
 ۵۸- مثنوی والبی قمی
 ۵۹- مثنوی

- ۶۰- مثنوی سنجر کاشی میر محمد هاشم ۶۱- مثنوی میرزا فصیحی هروی
- ۶۲- مطلع الانوار میر باقر داماد ۶۳- مثنوی میرزا جلال اسیر شهرستانی
اشراق اصفهانی
- ۶۴- مثنوی میر یحیی کاشی ۶۵- مثنوی اشرف مازندرانی
- ۶۶- مثنوی حقایق ۶۷- مثنوی ابوشعیب
- ۶۸- مثنوی صادق تهرشی ۶۹- مثنوی لایق میر محمد مراد
- ۷۰- مطلع الانظار شیخ محمد علی ۷۱- مثنوی حکیم میرزا حبیب اله شیرازی
حرین اصفهانی متخلص به قافی
- ۷۲- مثنوی دردوداع اسداله خان غالب ۷۳- مثنوی رنگبوی غالب دهلوی
- ۷۴- مثنوی یک ورقه غالب دهلوی ۷۵- مثنوی دیگر یک ورقه غالب
- ۷۶- مثنوی تاج سخن مولوی محمد عبدالرؤف وحید
- ۷۷- مثنوی مشرق الانوار مولوی عبدالرحیم گور کپوری متخلص به تمنا و
معروف به دهری
- ۷۸- مثنوی چاره بیمار انوالعاصم عبدالحلیم متخلص به عاصم
در آخر کتاب ذکر چند «بسم الله گویان» را آورده است
- مؤلف در ردیل بحث در باره هر مثنوی اول شرح حال مختصری از گوینده
آن آورده است و سپس بحث مختصری در باره هر مثنوی آورده و بعضی اشعار آن را
نقل کرده است .
- گاهی تنها یک سطر در شرح حال شاعر و یک بیت بطور شاهد و نمونه
مثنوی وی نقل کرده است مثلاً رجوع شود به مثنوی حقایق (ص ۱۵۹)
- در موقع بحث در باره موضوعی عقاید تذکره نویسندگان و شعر او نویسندگان مختلف
را در باره آن موضوع آورده است و هر موقعیکه با آنها توافق نظر نداشته است عقیده خود را
هم ذکر نموده
- روپمرفته این تذکره معیبدی است و اگر شش آسمان دیگر هم با تمام و چا

میرسید این تذکره در موضوع مثنوی کتاب کاملی میشد چون تا بحال تنها دو کتاب در این موضوع تألیف شده است یکی میحانه عبدالنسی قزوینی است که در باره ساقی نامه‌ها است و دیگر خلاصه الکلام میرزا ابراهیم خان حلیل که در باره مثنوی گویان است ولی هر دو کتاب کلیه گویندگان انواع مثنوی را ذکر نموده است و بنا بر این «هفت آسمان» اگر با تمام میرسید در این موضوع بهترین و جامع‌ترین کتاب بود.

سک انشای مؤلف ساده و خالی ارتصنع است

برای شرح حال مولف رجوع شود به شرح حال احمدعلی که اچ - بلوخرمان در مقدمه کتاب در «هفت آسمان» بر زبان انگلیسی آورده است و میر رجوع شود به استوری.

چاپ

تذکره «هفت آسمان» در کلکته بسال ۱۸۷۳ م (= ۱۲۹۰ هـ) از طرف انجمن آسیائی بنگال با اهتمام و مقدمه اچ - بلوخرمان چاپ شده است.

شمع انجمن

ابتدا

«ز لاف حمد و نعت اولی است بر خاک ادب خفن

سجودی می‌توان کردن درودی میتوان گفت

بر خوش دماغان نشه سخن صورت این معنی حلوه گراست که در برم کائنات دوق

که رتبه ثبات دارد حر چاشمی مائده سخن بیست و بر بهار آرایان گلش معنی را را این

سخن شکفته که در گلزار روزگار گلی که همیشه بهار بود غیر از حسن روز افروز

ف مستحسنه به

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف نواب سید صدیق حسن خان و تخلص او نواب و کنیت وی ابوالطیب است، وی پسر اصغر سید اولاد حسناً حسینی بخاری قزوچی فاضل معروف است که از شاگردان عبدالعزیز دهلوی و مرید سید احمد بریلوی بود و در «جهاد» سید احمد مر نور شرکنداشت نواب صدیق روز یکشنبه ۱۹ جمادی الاول ۱۲۴۸ هـ در محله شیخ پوره در شهر قنوج (بریلی) میان دو آب گنگا و حمنا بدنیآ آمد مادرش نجیب النساء اراهایی بریلی بود. سب نواب صدیق به سید حلال الدین بخاری «مخدوم حبابیان جهان گشت» (متوفی ۷۸۵ هـ) میرسد و او با امام رین العابدین بن امام حسین منتهی میشود و بنابراین اقوام او به سادات حسینی بخاری شهرت داشته اند. جد سید حلال الدین مر بور سید حلال گل سرخ در ۶۵۳ هـ از بحارا نهد آمد. نواب صدیق مذهب سنی و پیرو طریقه نقشبندی بود اما بدست کسی بیعت نکرده بود

نواب صدیق علوم متداوله را در دهلوی و شهرهای دیگر برد چندتن از اساتید معروف عصر خود تحصیل نمود و برد معنی محمد صدر الدین خان بهادر صدر الصدور متخلص به آررده دهلوی منطق و حکم و فقه و علم و ادب را فرا گرفته از وی سند اجاره فتوی گرفت و علوم شرعی و دینی ارقبیل تفسیر و حدیث و فقه سنت و اسماء رحال و احکام را بر دقاصی حسین بن محسن انصاری قاصی حدیده تحصیل نموده از وی اجازه فتوی گرفت سپس سند دواوین اسلام ارقبیل معاحم و مسابین و صحاح و جوامع و امثال آن را از مولانا شیخ محمد یعقوب دهلوی مهاجر منیم مکه برادر مولوی محمد اسحاق دهلوی کسب نموده و همچنین از شیخ مولوی عبدالحق بن فضل الله ساکن قصبه بیوتی برسد اجاره بدست آورد سپس بقیه عمر را در مطالعه «اسفار و صحف کثیر» از هر موضوع گذرانید و مخصوصاً کتب اهل حدیث وی را تحت تأثیر خود قرار داده و در نتیجه وی در مره «اهل حدیث» درآمد اما حرکت و سب از کسی دیگر پیروی

۱- ر ك اتحاف السلا. اسب پدرش در جمع اجمع «حسن» و در تذکره علمای هند تالیف علی (ص ۲۴) «سید آل حسن» ذکر شده است

و تقلید نمی کرد.

نواب در تمام عمر پنج بار مسافرت کرد.

در مسافرت اول وی در طلب علم بدیلهای و شهرهای دیگر رفت.

در مسافرت دوم وی در طلب معاش و روزی به بهوپال و تونک رفت. در تونک در نتیجه اصرار وزیر الدوله حاکم آنجا قریب بهشت ماه توقف نمود و سپس دوباره به بهوپال برگشت و آنجا نادحتر محمد جمال الدین خان صاحب بهادر مدارالمهام و نایب ریاست بهوپال ازدواج کرد و در ۱۲۷۵ هـ در همان شهر رحل اقامت افکند و ثمره این ازدواج یک دختر و دو پسر بود. در زمان اقامت در بهوپال گاهی تنها و گاهی باتفاق نواب سکندر بیگم و الیه بهوپال برای بازدید از شهرهای دیگر میرفت و دوباره به بهوپال برمی گشت. در زمان سکندر بیگم (متوفی ۱۲۸۵ هـ) وی در اداره اشاکار می کرد و بعداً متصدی اداره تألیف تاریخ بهوپال شد.

مسافرت سوم نواب صدیق در ۱۲۸۵ هـ صورت گرفت موقعی که وی برای حج و زیارت عتبات عالیة بحجاز رفت و وی یک هفته در حواریمر از رسول توقف نموده به مکه برگشت و سپس راه حدید (راه آهن) به بهوپال مراجعت نمود و طی این مسافرت کتب بسیار از علوم قرآن و حدیث مطالعه کرد و از بعضی کتب مسجده برداری و بعضی دیگر را خریداری نموده به بهوپال آورد و به کتابخانه شخصی خود اضافه نمود. بعد از مراجعت به بهوپال مدتی اهتمام (و انتظام امور) و مدارس ریاست مزبور را بعهده داشت در زمان شاهجهان بیگم و الیه بهوپال (که بعد از فوت سکندر بیگم در ۱۲۸۵ در امام امور را بدست گرفت) نواب صدیق اول رئیس فرهنگ و سپس میرمشی یا امیرالاشاهد و از طرف بیگم العالی میردبیر و حاکم نوبی اعطاسد در ۱۲۸۸ هـ (بعد از فوت زن اول) نواب با بیگم ازدواج کرد آیه «واحرى تحونها» بتعمیه یک عدد تاریخ این ازدواج را میرساند در نتیجه این ازدواج اقطاع هفتاد و پنج هزار روپیه سالیانه

۱- ریاست مخصوصاً در زمان انگلیسها مایاتی میگفتند که استقلال داخلی داشته است اما در سیاست خارجی یا سیاست انگلیسها بود

از مجال تریلی که واسته ریاست بهوپال بوده نواب صدیق پرداخت می‌شد و او بسمت وزیر دوم بیگم بالقب معتمد المہام منصوب شد. در سال دیگر بیگم این اداره را منحل کرد و نواب صدیق را لقب نواب والاحاء و امیر الممالک عطا کرد. همچنین نواب نشان مجیدی درجه ثابیه را از طرف سلطان عبدالحمید عثمانی ببرد یافت نمود.

مسافرت چهارم نواب در سال ۱۲۸۹ھ صورت گرفت چون او باتفاق نواب شاهجهان بیگم به بمبئی رفت و آنجا لرد نارت بروک^۲ گورنر جنرل و وایسرای هندوستان^۳ از طرف ملکه و کتوریه نواب شاهجهان بیگم را مدال بیتی درجه یک با خلعت مساحت انگلستان و علم عالی در چشم و لقب گرانند کماندر استار آف انڈیا^۴ ناسند لقب موشح با مضای ملکه و وزیر اعظم انگلستان و لشر رئیس دلاور اعظم طبقه اعلای ستاره هند اعطا کرد در این مسافرت نواب صدیق در شهرهای دیگر مانند گجرات و سورت و احمد آباد و بیدر بئر سیاح کرد.

مسافرت پنجم نواب صدیق در سال ۱۲۹۱ھ صورت گرفت موقعی که وی باتفاق شاهجهان بیگم به کلکتہ رفت و این مسافرت مدت دو ماه و چهار روز طول کشید. در این مسافرت نواب صدیق نامیر تراب علیخان سر سالار جنگ بہادر وزیر ریاست حیدرآباد رکن و نواب امیر علیخان بہادر وزیر السلطان و چند تن دیگر از معارف و واعظم کشور ملاقات کرد و همچنین ماگورنر جنرل و پیرس آف ویلر شاہراہ آمدہ انگلستان مکرر ملاقات کرد و ارناہا و باعہا و حیاناہا و نہرہای معروف آن ناحیہ دیدن کرد، صما در راہ نواب صدیق یک ہفتہ در بنارس والہ آباد و کانپور توقف نمود و بعد از بازدید از اہالی و باعہای آنجا بہ بہوپال مراجعت کرد و برای بقیہ عمر ہماہما

۲- Lord Northbrooke فرمانروای کل هندوستان (۱۸۷۲-۱۸۷۶م مطابق

۱۲۸۹-۱۲۹۳ھ حری)

۳- گورنر جنرل بمبئی فرمانروای کل کسی بود کہ از طرف پادشاہ یا ملکہ انگلستان بر

هندوستان حکومت میکرد و او را وایسرای (نایب السلطنہ) ہم میگفتند

۴- Grand Commander Star of India

اقامت داشت .

بتدریج نواب صدیق اکثر اختیارات حکومت را بدست خود در آورد تا اینکه در سال ۱۸۸۵م = ۱۳۰۳ هـ حکومت هند (انگلیسی) وی را از آن مقام معزول نمود و از کلیه القابش محروم کرد.

در مطبوعات آن وقت از جمله علل معزولی وی جزو تعدی و سوء اداره و بد نظامی دگر شده اسباب برای مخالفت و انتقاد از رفتار وی علل دیگر هم وجود داشت ما بند عقیده «وهابیت» نواب و عدم وفاداری وی بحکومت انگلیسی هند باید اذعان کرد که نواب از اهل حدیث بود (که اشتباهاً آنها را «وهابی» می گویند) اهل حدیث مسئله تعلیم را قبول ندارند و در مسایل دینی خیلی تعصب و حرج می دهند

و ان دایک در کتاب خود نواب صدیق را سادات نقاد گرفته است اما ایرادات و اعتراضات وی می بر صحت و حقیقت نیست .

نواب صدیق در شب پنجشنبه ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۰۷ هـ در بهوپال فوت کرد و همانجا دفن شد

آثار مؤلف

آثار نواب صدیق بر زبان عربی و فارسی وارد و بسیار است و در «مآثر صدیقی» مشتمل بر شرح حال و آثار نواب صدیق تألیف نواب سید علی حسن خان سرارشد او در قسمت ۴ صمیمه فهرست ۲۲۲ کتاب (۷۴ عربی و ۴۵ فارسی و ۱۰۳ پارسی) آمده است اما از آن جمله ۲۵ کتاب هنوز بطبع نرسیده و بقیه در هند و مصر و ترکیه چاپ

۱- Bibliography Ed-Van Dyke

- ۲- سلطان جهان بیگم تاریخ فوت نواب صدیق را ۲ ج (= ۲۲ جلد) نوشته است که اشتباه است چون وی در ۲۰ فوریه ۱۸۹۰م (= ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۰۷ هـ) فوت کرده است. در تذکره علمای هند تألیف رحمن علی شب پنجشنبه جمادی الثانی ۱۳۰۷ هـ آمده است و طاهرا آغا تاریخ ۲۹ از قلم افشاده است

آنار مهم نواب صدیق بقرار زیر است

۱- تفسیر فتح اله ان فی مقاصد القرآن در چهار مجلد که نواب صدیق در مدت هشت سال بدون کمک و دستیاری دیگری تألیف کرد

۲- اکسیر فی اصول التفسیر- اسم این کتاب تاریخی است و سال تألیف کتاب (۱۲۸۹ هـ) را میرساند اما در مقدمه این کتاب ۱۲۹۰ هـ بطور سال جاری ذکر شده است اساس این کتاب بر «کشف الظنون» حاحی خلیفه و فور الکبیر ولی الله دهلوی است و مؤلف حواسته است این کتاب مقدمه ای بر تفسیر عربی سابق الذکری باشد چاپ در کابور در ۹۱-۱۲۹۰ هـ.

۳- مسک الحتام فی شرح بلوغ المرام - در دو جلد - در مدت شش ماه تألیف کرد.

۴- افادت الشیوخ بمقدار الناسخ و المنسوخ - در ۱۲۸۶ هـ تألیف کرد . چاپ در کابور در ۹-۱۲۸۸ هـ در لاهور در ۱۹۰۰ م (۱۳۱۸ هـ)
۵- شمع احسن - تذکره مورد بحث

تصیره بر کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۲۹۲ هـ تألیف نموده است در پایان کتاب قطعه ای از سوهن لال مشی آمده است که بستریر آن سال تألیف این کتاب را میرساند.

چه خوش گفته است سوهن لال تاریخ که «شمع احسن شمع دل افروز»
(= ۱۲۹۲ هـ)

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه این کتاب چنین توضیح داده است «درین بردیکی که طبع اندوه آرمیده و خاطر دزد گریده نظر بر تدکرمهای شعرای فارس داشت و مگنگش بهار سحبهای موزون خاطر ان می برد احب حواستم که از این ستان سراهای فرح افرا عهد را گلدسته چند بر چند بر حیم تا اگر صاحبی دیگر راهم گذر اوقات بر سر این حدیقه رعنا و روضه عناقند و رهایی خاطر افسرده را بسیر جوان سررنگه این گلزمین بشگند نین رهگذر بر اوزاق دو اوین شعر چند نقطه

انتخاب ردم و رخسار شاهنمجن را بحال و خط اصلاح آراستم».

مؤلف اسم مأخذ کتاب را در مقدمه یا خاتمه نیاورده است اما در دلیل شرح حال شعر اسم کتابهای زیر را آورده است که از آن در تألیف این کتاب استفاده کرده است

- ۱- یدیضا (رجوع شود به نام عرفی) ۲- نتایج الافکار (رجوع شود به نام قدرت)
 - ۳- ریاض الشعر (رجوع شود به نام عرفی) ۴- مجمع العایس (رجوع شود به نام عرفی)
 - ۵- خزانه عامره (رجوع شود به نام متین) ۶- ثمرات القدس (رجوع شود به نام عبدس-
- القادر نداونی)

- ۷- منتحب التواریح (رجوع شود به نام فیص) ۸- تذکره حسینی (رجوع شود به نام حریر)
 - ۹- نغمات الانس (رجوع شود به نام قاسم انوار) ۱۰- شاهجهان نامر حوع شود به نام قدسی)
 - ۱۱- مرآت الحیال (رجوع شود به نام قدسی) ۱۲- تذکره آدر (رجوع شود به نام آذر)
- اما باید توجه داشت که شرح حال و آثار شعرای معاصر را مؤلف از خود شعرا گرفته است و در این حیث این کتاب دارای اهمیت بسیار میباشد

این تذکره مشتمل بر ۹۷،۱ شاعر متقدم و متأخر و معاصر مؤلف بترتیب العبا از روی حرف اول تحلیص یا اسم شاعر و بنا «ابوری» شروع شده با «یوسف (مولوی ابوالحامد محمدیوسف علی)» تمام میشود مقدمه کتاب که مشتملست بر بیست صفحه غالباً حاوی مطالب غیر ضروری و عبارات آرائی است که اگر این مطالب را از کتاب حذف میکردند هیچ صدمه‌ای بخود کتاب نمیرسید. در این مقدمه مؤلف از این اثر و دیگران نقل کرده است که اول کسیکه شعر قاری سرود حضرت آدم بود (۱) و در باره این موضوع مؤلف عقاید دیگران را ایراد کتابهای مختلف نقل کرده است همچنین در باره اول کسیکه بر زبان فارسی شعر سرود و هم چنین در باره بعضی موضوعهای دیگر بحث کرده است

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرا را حلی محصر آورده است تنها در دلیل نام قریب به دویست شاعر اشعار و شرح حال آنها را مفصل نقل کرده است مانند ابوری و آذری و آصف و امید و اقدس و غیره

در ذیل نام شعرای دیر تنها اشعارشان را سببه معصل آورده است: اهلی شیرازی، اشرف، آفرین لاهوری، ایحاده، افتخار، احمدخان، اعجاز، افضل کاشانی، انشا، بساطی، ترکمان، حسامی، حزنی، حالتی، حقیری، دوالمقار، رفعت، شوقی، سریف، شاپور تهرانی، عمر حیام، عرت، عرشی، عزیز، فوحی، فطرت، قیاض، قادر، قاسم دیوانه، کشفی، ماهر، میلی، مطهرخان، مشرقی، مومن استرآبادی، مومن دهلوی، ناصر (نواب ناصر جنگ)، نصرت سیالکوٹی، وحشی دولت آبادی، ولی دشت بیاضی، واعظ قروینی، حیدر قروینی، وحید، هلاکی، همایون پادشاه و یمینی.

رویه مرفته اشعار حافظ (در ۴ ص) و آزاد بلگرامی (در ۱۴ ص) و ناطق (در ۵ ص) و غالب دهلوی رادر (۸ ص) معصل تر از سایرین آورده است همچنین شرح حال خود رادر (۶ ص) معصل تر از سایرین نوشته است

در ذیل نام واله مؤلف بر موضوع «عشق» بحث مسوطی آورده است و نسخه هائی برای معالجه و همچنین تعریف آن از «صحاح» و ماهیت و چگونگی و معالجه آن را از شیخ الرئیس و ابواسحق ابراهیم بن تمیم قیروانی آورده و همچنین اشعاری از شعرای عربی و بحث عشق از گلستان سعدی باب پنجم و غیره رادر باره موضوع عشق نقل کرده است که تمام این مطالب خارج از موضوع کتاب است و هیچ اطلاعی راجع بر بدگامی واله صاحب ترجمه ندست نمیدهد

مؤلف در این کتاب شرح حال و آثار بعضی شعرای معاصر را آورده است که قبل از او در هیچ کتاب نیامده و چون این اشعار و شرح حال شعرا را وی از خودشان گرفته است بنا بر این قابل اعتبار و اعتماد میباشد و همین این حقیقت را میرساند که هنوز در شبه قاره هند و پاکستان تعداد زیادی از شعرا وجود داشتند که بغرض شعر میسروده اند و اسامی و آثار مختصر آنان در این تذکره ضبط شده است اما بحای جمع آوری اشعار و شرح حال شعرای متقدم که مؤلف بعضی از آنان را در این کتاب آورده است بهتر بود اگر اشعار و شرح حال شعرای معاصر معصل تر میآورد چون در آن صورت اهمیت

این کتاب از حیث اصالت مطالب بیشتر می‌شود

همچنین این تذکره این حقیقت را روشن می‌سازد که هوردرشه قاره هندوستان امرای و نوایابی بودند که نه تنها ادب و شعرای فارسی را تشویق می‌کردند بلکه خودشان هم بفارسی شعر می‌سرودند و بدین زبان کتابهایی می‌نوشتند و بدین ترتیب خدمات گرانبهایی بر زبان و ادبیات فارسی انجام داده شمع این زبان را در آن سرزمین فروزان نگهداشتند.

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف غالباً مصنوع است و در موارد بسیار شرمسحیح بکار برده است. در ابتدای شرح حال بعضی شعرها چند لقب توصیفی را بشرمسحیح آورده است
مثلاً

در ردیف نام «ظہیر فاریابی» می‌نویسد «سلسله فصحای متقدمین و نقاود سحر آفرین است»

در ردیف نام «طعری مشهدی» می‌نویسد «طعری منشور استعداد است و فروع پیشانی قابلیت حداد» گاهی برای «قوت شد» جمله‌ای مصنوع آورده است مثلاً
در ردیف نام بی‌حرف و فقیر می‌نویسد «سراسرستان قدس حرامید».

همچنین گاهی برای «ایک اسعار او» جمله‌ای مصنوع آورده است مثلاً

در ردیف نام «بی‌حرف بلگرامی» می‌نویسد «سافر عرفان چنین می‌گرداند»

« قدرت » « نقش سخن بر صفحه فکر چنین میکشد »

سالها را غالباً بالعاط عربی آورده است. همچنین کلمات عربی را به فارسی بکار

برده است و حتی گاهی در این منظور تعدد و اصرار ورزیده است

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به آثار مؤلف ماسد اتحاف السلا

ص ۲۶۳-۷ و اکسیر ص ۱۱۴ و ترجمان و هایت (اردو) و تاح الاقبال و تذکره شمع انجم

و غیره و صبح گلشن و روز روشن و نگارستان سخن و تذکره علمای هدایت‌آلیف رحمن علی

ص ۹۴ و پرو کلمان ح ۲ ص ۵۰۳ و شرح زندگی من (An Account of My Life)

از سلطان جهان بیگم (انگلیسی) چاپ لندن ۱۹۱۲ م ص ۵-۴۳، و ماثر صدیقی شرح
 حال نواب صدیق حسن (بربان اردو) از علی حسن خان چاپ لکهنو ۱۹۲۴ م و
 دایرة المعارف اسلامی ، چاپ لندن ۱۹۳۴ م ج ۴ ص ۴۰۳ الف تحت صدیق حسن
 حان و وان دایک. (Bibliography Ed . Van Dyke) و رور نامه های پاییز
 (Pioneer) لکهنو مورخ ۲۹ ر ۱۸۸۰ م ص ۱ ب و ۲۵ ر ۲۰۱۸۹ م ص ۱ ب و
 ۲۶ ر ۲۰۱۸۹ م ص ۶ ب و دیلی تلگراف (Daily Telegraph) پونا مورخ
 ۲۹ ر ۱۰ ۱۸۸۵ م ص ۳ الف و اندین مرر (Indian Mirror) مورخ ۱۱ ر ۱۸۸۵ م
 ص ۲ ه و تائم آف اندیا (Times of India) هفتگی مورخ ۱۱ ر ۱۸۸۵ م ص ۱ ج
 و ۱۲ ب و ۱۸ ح بعنوان « اوصاع در بهوپال » (Affairs in Bhopal) « دفاع از
 نواب همسر » (A Defence of the Nawwab Consort) (.....) که
 اول بصورت رساله ای از طرف « اشاعت السنه » رور نامه اهل حدیث لاهور چاپ
 شده بود و بعداً ادو کیت آف اندیا (Advocate of India) در ۱۸۸۹ م بصورت
 صمیمه ای چاپ کرد همچنین رجوع شود به رور نامه پونا آبدور (Poona Observer)
 مورخ ۲۲ ر ۱۸۹۰ م ص ۲ ز و تائم (Times) مورخ ۳ ر ۱۸۹۰ م ص ۷ و استوری
 ص ۲۷ و ۹۱۳

چاپ در مطبع شاهجهانی بهوپال بسال ۱۲۹۳ ه چاپ شد

فهرست اسامی شعرا : رجوع شود به فهرست اسامی که در آغاز این کتاب

چاپ بهوپال آمده است

نگارستان سخن

ابتداء

بسمه مصحف ایمان و فائحه قرآن ایقان حمد متکلمیست که گوهر غلطان سخن را بحکمت ناپعه خود برشته نظم دلاویر کشیده و احجار العاطم منثور را در میران کده طابع شعرا سحرانگیر لیت شمع بحشیده»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف - سید نورالحسن خان و القاب و کنیت وی و اب رصی الدوله نظام الملک سید ابوالخیر است که اول طیب تحصیل داشت و بعد تحصیل نور را اختیار نمود . او پسر ارشد نواب صدیق حسن خان از بطن زن اول نواب مر نور است که دختر کمال الدین خان دهلوی بحسب وریر بهویال بود وی روز چهارشنبه ۲۱ رحب ۱۲۷۸ هـ بدتیا آمد و اسم تاریخی او «نظیر حسن» است که از روی احمد سال تولد وی رامیر ساند . وی از طرف یندر سید حسینی و از طرف مادر شیخ صدیقی بوده . سن پنج سالگی بخواندن قرآن و کتب متداوله فارسی پرداخت در اول کتب علوم متداوله مانند صرف و نحو شافیه و کافیه را برد مفتی ریاست بهویال مولوی محمد ایوب و محنصرات منطق قال اقول و ایساعوحی را برد مولوی ابورعلی صدر (رئیس) مدارس سلیمانیه بهویال و صعری و کبری و شرح تهذیب و شرح جامی را پیش مولوی الهی بحش فیض آنادی استاد مدرسه سلیمانیه بهویال مؤلف رحمه شاهجهانی خواند .

در موقع تألیف «نگارستان سخن» مشغول خواندن دواوین و قرآن و کتب سنت از قبیل جلالین و مشکوٰۃ و سن ترمذی و مختصر معانی و غیره برد مولوی محمد بشیر سهوانی مدرس استان خاص حضرت شاهجهانی و مولوی محمد بشیر الدین قنوحی قاصی بهویال بوده در دو القعه ۱۲۹۳ هـ باتفاق پدر و نامادری خود نواب

شاهجهان بیگم والیه (حاکم) بهوپال در دربار ملکه و کتوریه بدلهلی رفت.
وی بغارسی وارد و هر دو شعر میسرود در فارسی طیب و نور و در اردو کلیم تخلص
داشت

مؤلف در بین سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ هـ فوت کرده است چون در فهرست آصفیه
ج ۱ چاپ ۱۳۳۲ هـ وی بطور «زنده» یاد شده اما در آثار صدیقی ح ۲ ص ۴۹ چاپ ۱۳۴۲ هـ
کلمه «مرحوم» با اسم وی اضافه شده است.

آثار مؤلف^۱

- ۱- نگارستان سخن تذکره مورد بحث .
- ۲- طور کلیم - تذکره شعرای ریخته (اردو) بریان فارسی تألیف ۱۲۹۵ هـ در
جواب «گلشن بینخار» شیفته دهلوی
- ۳- شرح نامتن بر مرقعات مولوی فضل امام حیرآبادی
- ۴- عرف الجادی من هدی الهادی چاپ بهوپال ۱۲۹۶ هـ بهارسی در فقه
حسبی است .
- ۵- النهج المقبول من شرایع الرسول - در فقه حسبی بهارسی است - چاپ
۱۲۹۶ م .

تبصره بر کتاب .

مؤلف این کتاب را سال ۱۲۹۲ هـ = ۱۸۷۵ میلادی تألیف کرده است در آخر
کتاب چند قطعه آورده است که بعضی از آنها سال تألیف و بعضی دیگر سال طبع کتاب را
میرساند از آن جمله ۵ قطعه سال تألیف کتاب را میرساند. اینها یکی از آنها
حال و قال سجنوران جهان نظرار لطیف شد .
گفت بورالجس چه خوش تاریخ ناع دلجس معنی زید (= ۱۲۹۲ هـ).

۱- برای آثار عربی مؤلف رجوع شود به استوری ح ۱ ص ۹۱۳-۹۱۴

همچنین قطعه‌ای سال تألیف را بسنه میلادی (۱۸۷۵ م) و دو قطعه سال طبع کتاب را بسنه هجری (۱۲۹۳ ه) و قطعه‌ای دیگر بسنه میلادی (۱۸۷۶ م) میرساند در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه و خاتمه کتاب چنین توضیح داده است که جمعی از شعرای معاصر از دها که و سنگاله و غیره نتایج افکار خود را از بلاد دوردست برای « تذکره شمع احسن » تألیف نواب صدیق حسن خان (پدر مؤلف) که در ۱۲۹۳ ه طبع رسیده فرستاده بودند اما بنا بر مسافرت دهلی بماسب دربار ملکه و کتوریه فرصت چاپ آن در تذکره مر بور دست نداد و ما برای مؤلف شرح حال و اشعار شعرای مر بور را در تذکره خود ضمیمه کرده و عده دیگر از متاخرین را هم در آن اضافه نموده و بصورت تذکره جداگانه‌ای ترتیب داد.

نظر بتوضیح فوق این تذکره را میتوان « تکلمه صح گلشن » حساب کرد. مؤلف اسم کتابهای زیر را در خاتمه کتاب آورده است که در تألیف این تذکره مورد استفاده وی قرار گرفته است .

- | | |
|-------------------------------------|--------------------------------|
| ۱ - لب اللباب (لباب الالباب) عوفی | ۲ - تذکره سامی |
| ۳ - تذکره دولت‌شاه | ۴ - خلاصه الأشعار - نعی کاشی |
| ۵ - همت اقلم | ۶ - خاتمه منتخب التواریخ |
| ۷ - مجمع الفصلا - ملا بقائی | ۸ - تذکره نصر آبادی |
| ۹ - مرآت الحیال | ۱۰ - کلمات الشعرا |
| ۱۱ - همیشه بهار | ۱۲ - حیات الشعرا - متین کشمیری |
| ۱۳ - سقیه بی حیر | ۱۴ - ریاض الشعرا |
| ۱۵ - مجمع العایس | ۱۶ - تذکره حرین |
| ۱۷ - تذکره بینظیر | ۱۸ - مردم دیده |
| ۱۹ - ید بیضا | ۲۰ - سرو آزاد |
| ۲۱ - خراته عامره | ۲۲ - نتائج الافکار گویا موی |
| ۲۳ - شتر عم | ۲۴ - نعایس المآثر |

- ۲۵ - صحیح صادق
 ۲۶ - تذکرہ ناظم تبریزی
 ۲۷ - بہارستان عبدالرزاق
 ۲۸ - گل رعنا
 ۲۹ - شام عربیان شعیق اورنگ آبادی
 ۳۰ - قند پارسی
 ۳۱ - گلستان مسرت
 ۳۲ - بیاض دستخط (حنگی نامضای) خاص
 میرآراد بلگرامی .

این تذکرہ مشتمل بر ۶۵۱ شاعر متأخر و معاصر مؤلف بترتیب الفبا از روی حرو و اول اسم یا تحلیص شاعر اما ذکر بعضی از متقدمین مانند ابوعلی سینا را ہم شاملست۔ این تذکرہ با «آراد حہانگیر نگری» شروع شدہ با «یوسف لکھوی مولوی محمد یوسف علی» تمام میشود

حالیست کہ از متقدمین ذکر کسا بیکہ بشعر معروف بودند مانند سعدی و حافظ و غیرہ را بیاوردہ و بعضی مانند ابوعلی سینا را کہ بشعر معروف نبودند ذکر کردہ است۔ در آخر کتاب تحت عنوان «ذیل حاتمہ نگارستان سخن» بعضی اشعاریکہ در آن بعلت «اشترک العاط و مصامین و اتحاد مبانی و معانی» توارد واقع شدہ آورده و پس تحت چہارده «فایده» بعضی کلمات را کہ در بعضی اشعار آمدہ است شرح دادہ است۔

این تذکرہ مختصریست مشتمل بر ۲۱۱ صفحہ و در ذیل اکثر شعرا فقط جملہ ای برای معرفی آنها و دوسہ بیت از اشعارشان را آورده است
 اشعار و شرح حال شعرائی زیر را سہ معصل آورده است آزاد حہانگیر نگری
 واسیر لکھوی و اسرف و امداد و امیر و توفیق و رافت و رویت و رمہری و سید گوالیاری
 و ساحمہاں بیگم و طغر متخلص بہ اورنگ و عیدی و عدزی و علام مصطفی و فصیح و
 فوروقا آبی و میر شکوہ آبادی و بشائی و نواب (حامد علیحان و الی ریاس رامپور)
 و نواب (صدیق حس خان) و نور (مؤلف) و بیاری و یردانی و یوسفی و یوسف (مولوی
 محمد یوسف علی)

اشعار شعرائی زیر را معصل اما شرح حالشان را مختصر آورده است .

ابوسعید ابوالخیر وملا باقر وثاقب (مهاراجه گوپال سنگه) وسلطان ومحمود
مهری (سیدعلی) ونویدی.

همچنین دردیلم نام خاور ومرتضی شرح حالشان را مفصل اما ار خاورسه بیت
واز میر مرتضی تنها يك بیت آورده است .

رویه مرفته اشعارمولوی محمد یوسف (در ۶¼) ومهری سیدعلی (در ۶ص)
را مفصل تر ادرسایرین آورده است بعضی قطعه های تهنیت وغیره وقصیده هاوخاتمه
الطبع بنظم وشروتاریخ طبع کتاب ارشعرا ومشیان دربار بهوپال در آخر کتاب ضمیمه
ده که قسمت قابل ملاحظه این کتاب (۲۶ص) را تشکیل میدهد

سنگ اشای مؤلف عالماً مصوع است وزی در سیاری ارموارد شرمسحع بکار

برده است

تذکر

این کتاب حتماً تألیف سیدنور الحسن حان بیست چون در موقع تألیف این
کتاب سن وی هنوز از چهارده پانزده سال تجاوز نکرده بود و اصلاً نمیتوان باور کرد
که يك پسر چهارده پانزده ساله ای بتواند کتابی مانند نگارستان سخن را با این شرمصنوع
وفعی بویسد و حتماً يك کسی ازملازمان دربار یواب صدیق حسن خان پدر مؤلف این
کتاب را تألیف نموده و بنام این «یواب راده» سست داده است (بیر رجوع شود به پایان
محدث در باره «صبح گلشن» درسطور دیلم)

چاپ

بهوپال مطبع شاهجهانی / ۱۲۹۳ / ۱۸۷۶ م

برای شرح حار مؤلف رجوع شود به نگارستان سخن و صبح گلشن واستوری

ح ۱ ص ۱۴-۹۱۳

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به چاپ بهوپال ۱۲۹۳ هـ

صبح گلشن

ابتدا

شمشیر ربان جوهر بیان می نماید و بشرق قلم رنگ معنی میگشاید .

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف سید محمد علی حس حان و القاب و کنیت وی نواب صفی الدوله حسام الملک سید ابوالنصر و تحلیص وی سلیم اسب وی پسر کوچک نواب سید صدیق حسن خان اربطن در اول او دختر محمد جمال الدین خان دهلوی بحسب توری پر بهوپال بوده و در چهارشنبه ۴ ربیع الاخر ۱۲۸۳ هـ بدینا آمد و بسن پنج سالگی بمکتب (دستان) رفت و در دو سال قرائت قرآن را تمام کرده و سپس بقرا گرفتن زبان فارسی مشغول گشت و کتب متداوله صرف و نحو و غیره را پیش مولوی محمد حسن بلگرامی خواند و هنوز دوازده سال بیش نبود که این تذکره را تألیف نمود .
وی مدتی رئیس افتخاری اداره فرهنگ بهوپال بود .

آثار مؤلف

- ۱- صبح گلشن - تذکره مورد بحث
- ۲- السان المرصوص من بیان ایحار الفقه المنصوص - در فقه حنفی بقارسی . چاپ ۱۲۹۹ هـ (رجوع شود به آصغیه ح ۳ ص ۴۴۴)
- ۳- حرم گل - دیوان فارسی .
- ۴- نامهدل - دیوان اردو .

۵- مآثر صدیقی - شرح حال مفصل نواب صدیق حسن خان اردو - چاپ
لکهنو ۱۳۴۲ هـ .

۶- برم سخن - تذکره شعرای اردو - چاپ ۱۲۹۷ هـ (شرح حال شعرا ابرمان
فارسی نوشته است)

۷- موارد المصادر - بهرمایش شاهجهان بیگم بعد از فوت نواب صدیق حسن
تألیف گردید .

همچنین آمار ریادی برهان اردو دارد ماسد فطرت الاسلام و سیره الاسلام
و انتظام حابه دری و غیره که فهرست آن بر صفحه آخر مآثر صدیقی درگرفته است .

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در عره دو القعه ۱۲۹۴ آغار و در آحر ماه جمادی -
الاول ۱۲۹۵ هـ با تمام رسائیده است در پایان کتاب «قطعه تاریخ» دلیل از مولوی محمد
یوسف علی آمده است که سال آغار تألیف این را میرساند

از دکاء علی حسن دم رد	صبح گلشن بگلشن عالم
سال تویر مطلع این صبح	«دلرور سحروران» گفتم
	(= ۱۲۹۴ هـ)

همچنین در پایان کتاب چند «قطعه تاریخ» دیگر از شعرای مختلف آمده است
که سال پایان تألیف این را میرساند از آن جمله قطعه زیر از سرفراز علی وصعی
الدآنادی است

چون رکلك امیر ابن امیر	یافت این تذکره حدیدار قام
گفت تاریخ وصعی خوشفکر	« یادگار سحروران انام »
	(= ۱۲۹۵ هـ)

مؤلف در مقدمه این کتاب شتر سیار مصنوع و مشیانه سب تألیف را چنین
توصیح داده است که چون پدرش صدیق حسن خان تذکره ای نام شمع احسن تألیف

کرد بقیه شعرائی که ذکرشان در آن تذکره نبود «بحوش آمدند و حسرت فروشان درخروش» تا اینکه برادر بزرگ مؤلف و پسر ارشد نواب صدیق حسن خان تکلمه‌ای بنام «نگارستان سخن» نوشت و بعضی شعرا را که اسامی آنها در شمع انجمن افتاده بود ضمیمه کرد اما هنوز عده زیادی از شعرا که در هر دو تذکره فوق یاد نشده بودند میخواستند تذکره دیگر ترتیب داده شود تا از آنها هم در آن تذکره یاد شود. بالاخره مؤلف بترتیب این تذکره کمر همت بست و شرح حال شعرا و اشعارشان را وارد این تذکره کرد اما در این تذکره بعضی شعرائی که در شمع انجمن و نگارستان سخن مذکورند نیز تکرار شده و علت آن را مؤلف در دیباچه چنین توضیح داده است که این تکرار برای ایست که آنها را مؤلف «حوش آوازتر» یافته است.

مؤلف در دیباچه کتاب اسم تذکره‌های زیر را آورده است که از آنها در تألیف این کتاب استفاده کرده است

۱- آفتاب عالمتاب

۲- شتر عشق حسین علیحان عاشقی عظیم آبادی

اما در این کتاب بسیاری از مطالب را ارتد کرده‌های زیر نقل کرده است.

۱- شمع انجمن - نواب صدیق حسن خان (پدر مؤلف)

۲- نگارستان سخن (سید نورالحسن خان) (برادر مؤلف).

اصلاً این کتاب تکلمه شمع انجمن و نگارستان سخن میباشد.

در این کتاب فهرست اسامی شعرا هیچ‌جا نیامده است اما عده شعرای مذکور

بقرار زیر است :

الف = ۱۶۰ ب = ۷۹ پ = ۵ ت = ۵۱ ث = ۹ ح = ۳۵ ح = ۶۹ ح = ۴۹

د = ۱۸ د = ۵ ر = ۶۱ ر = ۱۸ س = ۷۷ ش = ۴۸ ص = ۵۲ ص = ۹ ط = ۱۷ ط = ۶

ع = ۱۱۷ ع = ۱۵ ف = ۶۴ ق = ۳۲ ک = ۲۲ ل = ۳۳ م = ۴۶۰ ن = ۲۱۲ و = ۹۷

ه = ۴۱ ی = ۳۹ کل = ۲۰۲۴ تن شاعر

این تذکره مشتملست بر ۲۰۲۴ تن شاعر بترتیب الفبا از روی

حرف اول تخلص یا اسم شاعر از شعرای متقدم و متوسط و متأخر که اکثرشان شعرای متأخر میباشند

این تذکره یاد آثار مشهور بملا آثار شروع شده با «یوسف - مولوی محمد یوسف علی گوپاموی» تمام میشود

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرارا حیلی مختصر آورده است و اکثر شعرا را در دوسه جمله معرفی و از آنها دوسه بیت یا یک رباعی نقل کرده است .

شرح حال شعرای زیر را مفصل آورده است : احسن مولوی محمد احسن و رفعت محمد عباس و شهیر حافظ محمد جان و کلیم نور الحسن خان و نوش مشی کنج منوهر لال (هر کدام در یکص) و حسرتی نواب محمد مصطفی خان و سلیم علی حسن خان (مؤلف) و مسیح رکن الدین کاشی و یوسف مولوی محمد یوسف (هر کدام در ۱/۴ ص) و شاعر جهان بیگم و ممتاز الدوله سید عبدالحی خان (هر کدام در ۲ص) و نواب صدیق حسن خان (در ۴ص)

زویهمرفته شرح حال نواب صدیق حسن خان را از سایرین مفصل تر آورده است .
بدارالقرار شتاف

همچنین اشعار شعرای زیر را مفصل آورده است برق (در ۲ ص) و قصاب و سعید (۲/۴ ص) و نواب صدیق حسن خان (در ۳ص) و منیر محمد صیبا (در ۴ص) و نوش مشی کنج منوهر لال (در ۴ص) و شهیر حافظ خان محمد خان (در ۷ص) و حسرتی (در ۱۰ ص) زویهمرفته اشعار حسرتی را از همه مفصل تر آورده است

در ردیل نام نواب صدیق حسن خان پنج بیت رباعی عربی آورده است
در ردیل نام فارغ فداعلی نمونه نثر اورا هم آورده است

سنگ انشای مؤلف بسیار مصوع است و غالب مطالب را شرمسح آورده است
سائهارا بالعاط عربی ذکر کرده است

عالمی حمله ای مصوع در معنی «فوت شده» آورده است چنانکه .

در ردیل نام اصف میویسد در سه خمسه و تسعین و مایه و الف این خاکدان

را گذاشت

در ذیل نام وحشت مینویسد: در سنه بضع و اربعین و مایة و الف از این وحشتکده
بمدار القرار شتافت.

روی هم رفته این تذکره ارحیتا یک ذکر بسیاری از شعرای معاصر را که در کر شان
در تذکره های دیگر قیامده شاملست دارای اهمیت میباشد اما چون مؤلف اکثر
مطالب را بشر مسجع آورده است بنا بر این در ذیل اکثر شعر اشرح حالشان را مفصل
نیآورده چون نوشتن آن زحمتی در برداشت و تنها شرح حال نواب صدیق و شاه جهان
بیگم و نور الحسن کلیم و مولوی محمد یوسف که ترتیب پدر و نامادری و برادر و استاد
مؤلف بوده و همچنین شرح حال چند نفر دیگر که از آشنایان نزدیک مؤلف بودند
مفصل آورده است چون رحمت نوشتن شرح مصوع بلکه مسجع در مورد این اشخاص
میارزید.

تذکر

اما در مورد اینکه «صح گلشن» از تألیفات سید محمد حسن خان نیسب
تردید و شکی وجود ندارد چون نمیتوان باور کرد که یک پسر ۱۲ ساله از عهده
تألیف این تذکره باین نثر مشیانه و مصوع بر آید زیرا که نوشتن چنین نثر
مصوع که غالباً مسجع است کار «بچگانه» نیست. بنا بر این میتوان گفت که طبق
رسم امراء و شاهان یک کسی دیگر از ملایمان در ناربواب صدیق حسن خان این
کتاب را تألیف و برای خوشبودی و تملق از نواب مرهور و خانواده او این تذکره
را بنام این نواب داده است

اما در باره مؤلف اصلی این کتاب میتوان گفت که با احتمال قوی مؤلف آن
همان مولوی سید محمد یوسف علی گوپاموی «کار بردار آستانه علیه ولیعهد ریاست
بپوپال» بوده که مؤلف راجع ناورد مقدمه مینویسد

«چون هنوز مرا از عمر گرامی مرحله دوازدهم فرا پس است نه دستی
به تیمار دیگران دارم و نه فکر چاره خویش خضر این وادی و ساقی این ددی مولوی
محمد یوسف علی صاحب را ارحا بر انگیزتم و بدستبازی (و) امداد حساب
موصوف (مرهور) رنگ تالیس و تحقیق ریختم تذکره های جدید که در مولوی

صاحب بودید دری از تحقیق حال گشودند و طریقه انتخاب نمودند (نشان دادید)». همچنین در پایان شرح حال مولوی محمدیوسف مزبور عبارت زیر آمده است: «هر چند ترجمه و کلام (شرح حال و اشعار) آن والا مقام در شمع انجمن و نگارستان سخن گذشت لکن از آنکه (ار آنجا که) در تهذیب و اصلاح این کتاب یار و یاور نامه نگار (مؤلف) است (ذکر) اشعار و (شرح) حال و مقالش مانند حدت واجب گشت»

چاپ

بهوپال مطبع شاهجهانی ۱۲۹۵ هـ .

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به نگارستان سخن و صحیح گلشن و

استوری ص ۹۱۵ .

فهرست اسامی شعرا

در هیچ کتاب ذکر شده و حتی در چاپ بهوسال هم در آغاز یا پایان کتاب

نامده است

روز روشن

ابتدا

حمد خداوند سرایم بحسب تا شود این نامه بنامش درست

نگارش نقش دلغدای نگارستان سخن نگار محمد نقش نگار نگارنگ بدیعه

بر صفحه ایحاد و تکوین نوشته قلم قدرت اوس و تماثل و اشاه گوناگون مخترعه

در کارستان تشبیه و تلویین سرشته دست صنعت او

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد مظفر حسین گوپاموی متخلص به صبا است وی در ۴ شعبان ۱۲۲۹ هـ در لکهنو متولد شده و سپس به بهوپال رفت و این کتاب را پس از ۱۷ سالگی نوشت (بقیه شرح حال او بدست نیامد).

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را سال ۱۲۹۵ هـ (پس از ۱۷ سالگی) آغاز و در ۱۲۹۶ هـ با تمام رسانیده است.

در دیباچه قطعه زیر آورده است که سال آغاز تألیف این کتاب را می‌رساند:

آغاز نمود حامه من شرح آثار نکته سنجان
ماه شعبان و سال مضمهر دلکش اسماء بکنه سنجان

= ۱۲۹۵ هـ (۹)

همچنین در خاتمه قطعه زیر آورده است که سال اتمام تألیف این کتاب را می‌رساند.

چو گردید فارغ ربان قلم ر افسانه دوستان سخن
رتاریخ ابهامش اردل صفا شیدم «ببین دوستان سخن»

= ۱۲۹۶ هـ

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح میدهد که وی «شمع احمن» و «بگارستان سخن» و «صح گلشن» را دیده و در خاطرش گذشت که شرح حال سحوران دیگر از متقدمین و متأخرین که در آن سه کتاب نام و نشان روشن نگشته در تذکره‌ها گمانه‌ای نویسنده استعاره و شرح بعضی شعرای معاصر را که «استدغای اندراج» کرده‌اند ببردان اضافه نماید

مؤلف در دیباچه اسم کتابهای زیر را ذکر نموده است که از آن در تألیف این کتاب استفاده نموده است

۱- شمع انجمن

۲- نگارستان سخن

۳- صبح گلشن

۴- آفتاب‌المتان^۲

مؤلف در شرح حال شعرا اسم کتابهای زیر را نیز آورده است که از آنها در تألیف

این کتاب استفاده کرده است.

۵- شتر عشق

۶- ید بیضا

این کتاب مشتملست بر ذکر ۲۴۱۰^۳ شاعر متقدم و متأخر بترتیب الفبا از روی

حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با « آبی ترشیری » شروع شده با « یوس میریونس ابهری » تمام میشود .

این کتاب فهرست اسامی شعرا را ندارد اما در آخر کتاب فهرستی از ابواب

کتاب آمده است که در آن تعداد شعرائیکه تحت هر باب ذکر شده مذکور است

اشعار و شرح حال اکثر شعرا را حیلی مختصر آورده است و در اکثر موارد معرفی

شاعر را در یک جمله کرده و از او یک دوبیت آورده است.

اما در ذیل ۲۵۰ شاعر اشعار و شرح حال آنها را سببه معصل آورده است مانند

ابوسعید ابو الخیر و اختر و ارشد و غیره .

در ذیل ۵۰ شاعر شرح حالشان اگر چه مختصر است اما مؤلف اکثر اطلاعات مهم

را - ح پرندگانیشان را بهم رسانیده است مانند احیا و اجمل شاه و غیره .

۱- هر گاه مؤلف شرح حال شاعری را از یکی یا بیشتر ارسه کتاب فوق نقل کرده روی اسم

یا تخلص آن شاعر نشان مخصوص «شرو و ص» بترتیب برای شمع انجمن و نگارستان سخن

و صبح گلشن گذاشته است

۲- مؤلف در دیباچه اضافه نموده است که در تألیف کتاب خود اداین کتاب مخصوصا

حیلی استفاده کرده است .

۳- تعداد شعرای مذکور در این تذکره ۲۴۱۱ می باشد اما چون ذکر یک شاعر (امیر

نظام الدین استرآبادی) مکرر آمده است بنابراین تعداد شعرا ۲۴۱۰ می باشد. ۲۴۱۱ چنانکه

خود مؤلف در آخر کتاب تحت عنوان «توضیح» راجع باین موضوع اشاره کرده است .

در ذیل ۵۰ شاعر شرح حالشان اگرچه مفصل است اما مؤلف اکثر اطلاعات مهم راجع به زندگی‌شان را بهم نرسانیده است مانند آزاد گوپاموی و غیره.

در ذیل ۳۰ شاعر شرح حالشان اگرچه مفصل است اما مؤلف اشعارشان را خیلی مختصر آورده است مانند ابراهیم ادهم و امیر و غیره.
در ذیل ۸۰ شاعر اشعارشان را نسبتاً مفصل آورده است مانند ارشدی و افضل و اوحدی کرمانی و غیره.

مؤلف گاهی بر بعضی اقوال و روایات منابع خود ایراد گرفته و نتیجه تحقیق خود را در باره آن موضوع نوشته است مثلاً در ذیل «موجد بدایوسی» مینویسد: «آفتاب‌عالم‌تاب و صبح گلشن آرا بلگرامی و مجهول‌الاسم و النسب نگاشته ولی نامش و هاب‌الدین ابن ملاقط‌الدین بدایونی است»

همچنین در ذیل نام «وحشی حوشعانی» مینویسد «در شمع‌انحمن و بعضی تذکره‌ها او را کاشی نگذاشته اند اما آنکه (در) خدمت ملا محتشبه کاشی تلمذ داشت».

یا در ذیل نام سید محمدهادی مینویسد: «در شمع‌انحمن آورده که از شعرای کاشاست و در آفتاب‌عالم‌تاب و صبح گلشن او را یزدجردی نگاشته (اند) اصل این است که ولادتش در یرد حرد و شوو نمای او در کاشان بوده»

اما در هیچ مورد ما حد اطلاعات خود را که از آن در باره موضوعات فوق تحقیق نموده است ذکر نکرده و ما بر این نمیتوان بر قول مؤلف اعتماد کرد و بدون شک تردید آرا قبول کرد

در آخر این کتاب طبق رسم شمع‌انحمن و نگارستان سخن و صبح گلشن بعضی قطعاتی که سال تألیف و طبع کتاب را میرساند و تقریباً از شعرای ادبای بهرنال صمیمه شده است

بر خلاف ادعای مؤلف مسی برسالت و بی تکلفی عدرات، سکا اندی او عالمی مصنوع است و گاهی نثر مسجع عم نوشته است و مخصوصاً در شرح حال خود تحت نام «صا» که در اصل آورده است نثر او بقدری مصنوع و پر تکلف و پر از حشو و زواید

است که مطالب آنرا میتوان در دو جمله بیان کرد و منظور مؤلف در نوشتن این عبارات مصنوع غیر از فضل فروشی چیز دیگر نبوده است
همچنین شرح حال شاعر اول «آبی ترشیزی» را کاملاً بشرح مسجع نوشته است.

اما رویهم رفته ادعای مؤلف مبنی بر «بسطی کافی غیر ممل و اطنابی وافی یا محل» در اکثر موارد صحیح است زیرا که برخلاف رسم سه کتاب سابق الذکر (شمع انجمن و نگارستان سخن و صبح گلشن) مؤلف شرح حال اکثر شعرا را مختصر اما جامع و بدون اطناب غیر ضروری آورده است.
این کتاب هم مانند سه کتاب همانند خود مخصوصاً در مورد معاصرین دارای اهمیت و ارزش میباشد.

چاپ

بهوپال مطبع شاهپحایی ۱۲۹۷ هـ

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به رور روشن (که مؤلف تحت نام «صبا» شرح حال بسیار مختصر بشرح بسیار مصنوع آورده است)

فهرست اسامی شعرا

در هیچ کتاب ذکر نشده حتی در چاپ بهوپال هم در آغاز یا پایان کتاب نیامده است

اختر تابان

ابتدا

«سحنی که آس و تابش روکش لعل بدحشان و یاقوت درحشان باشد ستایش
داور یکتا هستورهستی نما و کلامیکه بهتر و خوشتر از گوهر شاهوار و زمرد آبدار
بود نعت خاتم المرسلین است که مدام بر روان پاکش سلام و درود خداست»

شرح حال مؤلف

مؤلف ابوالقاسم محتشم است. وی در سوم ماه محرم ۱۲۷۶ هـ در بهوپال بدیا
آمد - نسبش به جابر بن عبدالله انصاری میرسد و اجداد وی که «صاحب السیف و
القلم» بودند از مدینه منوره به بغداد مهاجرت کرده چندین قرن در آنجا سکونت
داشتند و سپس به همدان رفته و در آنجا «بعت و حشمت» بر میگردند یکی از اجداد
مؤلف در زمان نواب آصف الدوله (۱۱۸۹-۱۲۱۲ هـ) به هندوستان آمده به لکنورفت
و آنجا سکونت گزید و بخدمت نواب مرپور در آمد سپس به رستان رفته و دختر
سید حیدر بغدادی را «در حواله نکاح کشید» پس وی مولانا احمد دیمینی شروانی
(متوفی ۱۲۵۶ هـ در بلده پونا) که تألیفات بسیار دارد بهندرفت و در خدمت انگلیسها
و غاری الدین حیدر پادشاه اود بعت و احترام زیدگی کرد حلف الرشیدی مولانا
عباس شروانی متخلص به رفعت که صاحب تألیفات بسیار بوده پدر مؤلف بود و
در خدمت و الیه بهوپال و در مجلس نواب امیر الممالک بود
(بقیه احوال زیدگی مؤلف بدست بیامد)

تصرفه بر کتاب

مؤلف این کتاب را در سال ۱۲۹۸ هـ تألیف نموده است حاکم در حاتم

مینویسد:

«تاریخ سوم شعبان سنه ۱۲۶۸ هـ برابرش روز ۱ تیرماه ۱۲۸۸ و صلی^۲ مطابق یکم جولائی (اول ژوئیه) سه ۱۸۸۱ (میلادی) ارتالیف فراغ حاصل گردید مؤلف در مقدمه کتاب بشر مصنوع راجع به نادر و کمیاب بودن سخن شاعرها شکوه کرده و میگوید: «زن بخلاف مرد در صد هزار یکی سخنندان میباشد و آن هم بسبب پرده نشینی (حجاب) در زاویه گمنامی (میباشند)». پردرداری زنان در زمره اهل ایمان حائلی رسید که لقب ربان هستورات گردید. پس چنانکه آنها مدت‌العمر در تنق نشستند و در پرده (حجاب) پیوند زمین گشتند همچنان اکثر کلام ایشان نیردر پرده عدم بهان وار حوادث زمان رایگان شد. در شمع انجمن و نگارستان سخن و صبح گلشن و روز روشن که حاوی ذکر خیر پنج شش هزار شاعر نامدار اندواین اسفار اربعه از (چهل کتاب که اسم آنها را مؤلف ایضا نوشته است) و دیگر چند کتاب. که تفصیل اسمای آن بسیار است و تراجم اکثر سخن سنجان معاصر آرایش و پیرایش یافته‌اند چون تفحص بکار رفت صرف نام و

۱- درش نام روزی چندم از هر ماه شمس ایرانیان قدیم بوده که ایشان ایام هفته نداشتند و هر روز را به اسمی میخواندند. فردوسی: چو حور سپهر آورد در روزش تور از ندگی باد پندرام و حوش ایضا عنصری در آمد در آن حال چون بهشت بر وزش از ماه اردیبهشت (فرهنگ نظام) (تذکره: در بیت فوق فردوسی در فرهنگ نظام بحای «هور» «حور» آمده است که محققا اشتباه است و ظاهرا اشتباه کتاب است چون خود مؤلف فرهنگ نظام این کلمه را در حرفیها آورده است و آنجا مسمی آن آفتاب نوشته و بعنوان سند بیت دلیل از فردوسی نقل کرده است:

از ویست شادی و رویت روز خداوند کیوان و ماهید و هور

۲- فصلی نوعی از تقویمها گنبد که در هندوستان معمول بوده است

نشان قریب چهل شاعره زن و شرح حال آنها نهایت مختصر بملاحظه در آمد
بحدی که از کلام بعضی صرف (تنها) يك بيت بنظر گذشت و همان يك شعر (بيت)
در چند تذکره یافته شد .

مولانا فخری هروی که . حواهر العجايب تذکره شاعرات پارسی زبان نوشته
بهرار تلاش ست وسه (بیست و سه) شاعر (ه) یاقمه و جناب والدماحدم . مولانا محمد
عاس رفعت رام ظلله که صدها کتاب کمیاب (را) مطالعه فرموده اند .. بتلاش بسیار
بقدر هشت ورق برخی از کلام و تراجم قریب پنجاه زن (را) جمع کرده اند .
هیچمدان (مؤلف) .. مدتی بگرد آوردن این حواهر رواهر کمر همت بسته ... حال
وقال هشتاد و دوزن فراچنگ (بدست) آورده است ۴

مؤلف این کتاب را با ترغیب برادر خود ابوالحسن و بعزمایش نواب شاهجهان
بیگم والیه بهوپال تألیف نموده است
مؤلف در مقدمه کتاب های زیر را حرومنابع خود در تألیف این کتاب
آورده است .

- ۱- شمع احمن ۲- نگارستان ۳- صح گلشن
- ۴- رور روشن ۵- سرو آزاد ۶- خزانه عامره
- ۷- ید بیضا ۸- آفتاب عالمناب ۹- شتر عشق
- ۱۰- آتک شده آذر ۱۱- تذکره شیخ علی حرین
- ۱۲- تذکره حسینی ۱۳- تذکره (حوهر) پی زری
- ۱۴- لب لباب (لباب الالباب) عوفی ۱۵- تذکره سامی
- ۱۶- خلاصه الأشعار (تقی کاشی) ۱۷- همت اقلیم
- ۱۸- منتخب التواریخ ۱۹- مجمع العصالی بمائی
- ۲۰- تذکره میرزا ظاهر (نصر آبادی) ۱۲- مرآت الحیار
- ۲۲- همیشه بهار ۲۳- حیات التعمیرای متین
- ۲۴- سینه بیخبر ۲۵- زریض الشعر

- ۲۶- کلمات الشعرا ۲۷- مجمع التقایس
 ۲۸- تذکره تقی اوحدی (عرفات) ۲۹- تذکره بینظر
 ۳۰- نتایج الافکار (قدرت) ۳۱- تذکره ناظم (تبریزی)
 ۳۲- تذکره ملا قاطعی ۳۳- گل رعنا
 ۳۴- شام غریبان ۳۵- جواهر زواهر
 ۳۶- قند پارسی سماخ ۳۷- گلستان مسرت
 ۳۸- مشترغم ۳۹- نقایس المآثر
 ۴۰- تذکره باغ ارم ۴۱- خریطه جواهر
 ۴۲- گلزار ابرار ۴۳- جواهر العجایب

همچنین در خاتمه کتاب شرح حال را به بلخیه و مستوره کرد ستانیه را مؤلف (بقول خودش) از تذکره مجمع الفصحای میرزا رضاقلی هدایت (چاپ تهران) نقل کرده است.

از جمله کتب فوق تذکره های (جوهر) پی روی و حیات الشعرای متین و جواهر زواهر و باغ ارم امروز پیدا نیست و از این حیث ارزش این کتاب امروز بیشتر میشود.

مؤلف از چهار کتاب اول سابق الذکر خیلی استفاده کرده و همچنین خریطه جواهر و گلزار ابرار جزو مأخذ مخصوص این چهار کتاب میباشد. مؤلف از جواهر العجایب هم خیلی استفاده کرده و بسیاری از مطالب را از این کتاب نقل کرده است. این تذکره مشتمل است بر ذکر هشتاد و چهار^۱ تن از زبان شاعر بترتیب الفبازروی حرف اول اسم یا تخلص آنها و یا آرزوی سمر قندی، شروع شده با

۱- مؤلف اول ذکر هشتاد و دو تن را آورده است و سپس در خاتمه ذکر دو تن از زبان شاعر (را به بلخیه و مستوره کرد ستانیه) را اضافه نموده است. استوری عده آنها را تنها هشتاد و دو نوشته است (ر.ک. استوری ج ۱ ص ۹۱۶)

«یاسمن بو» تمام میشود اما در خاتمه ذکر رابعه بلخیه و مستوره کرد ستانیه را نیز اضافه کرده است

مؤلف در جمع آوری شرح حال و آثار زبان شاعر خیلی کوشش و تلاش کرده است و میتوان گفت که در میان تذکره‌هایی که تا آنوقت درباره زنان شاعر نوشته شده بود این تذکره جامع‌تر از سایر تذکره‌ها است.

در ذیل نام اکثر شاعره‌ها مؤلف اشعار و شرح حال آنها را که از تذکره‌های مختلف پیدا کرده است یکجا جمع نموده و از این حیث سعی وی قابل تحسین و آفرین است. اما گاهی مؤلف شرح حال بعضی از شاعره‌ها را ظاهراً تماماً مفصل بیاورده است مانند نورجهان بیگم که شرح حال آنها در کتب تاریخ مفصل آمده است و مؤلف میتواند شرح حال آنها را مفصل‌تر بنویسد اما وی در این قسمت سهل‌انگاری نموده است.

سک انشای مؤلف در اکثر موارد ساده است اما گاهی مخصوصاً در موقع تعریف و توصیف شاعره‌ها نثر مصنوع و گاهی نثر مسجع بکار برده است مانند:

«بلبعه شیرازی - خوش فکر بود (و) سخن موزون می‌فرمود» یا «حجایی
جر باد قانیه - شعر بآب و تال میگفت تو گوئی گهر می‌سفت»
سالها را بزبان عربی آورده است

چاپ

مطبع شاهجهانی دارالاقبال بلده بهوپال ۱۲۹۹ هـ
برای شرح حال مؤلف رجوع شود به اختر تا بان چاپ بهوپال .

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به اختر تا بان چاپ بهوپال.

تذکرۃ الخواتین

ابتدا

«خامه صنع که اوراق جهان آراید خلدرا سیر بحیرات حسان آراید
زهی نگارنده قادر و پیرارزنده قاهر که در چشمه امهات صورت نبات را جمال
معنی داد و بسیاری از ربّات حجال را و در یعه کامل از معرفت و کمال نهاد».

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف میرزا محمد بن محمد رفیع ملقب بملک الکتاب شیرازی است وی
در ۱۲۶۹ هـ در شیراز متولد شد در ۱۲۸۵ هـ در بمبئی سکونت گزید و آنجا شعل انتشار
و فروش کتاب را شروع کرد و در این کار بسیار پیشرفت و معروفیت حاصل نمود
در ۱۳۰۰ هـ وی را دولت ایران لقب ملک الکتاب اعطا کرد و در ۱۳۱۷ هـ دولت هند تیر
لقب «خان صاحب» باو داد از جمله کتبی که وی در بمبئی چاپ کرد تذکره دولت شاه
است که وی در ۱۸۸۷ میلادی منتشر کرد

(بقیه احوال وی بدست برسد)

آثار مؤلف بدین قرار است:

۱- ریت الزمان یا تاح التواریخ و سلاله السیر که در ۱۳۱۰ هـ (در بمبئی)
چاپ شد.

۲- اکسیر التواریخ و سیر الائمة - ترجمه و خلاصه نقارسی از کتاب عربی کشف
الحجّه فی معرفة الائمة تألیف بهاء الدین علی الازلی معروف به ابن الفجر (متوفی
در ۶۹۲ هـ) چاپ بمبئی ۱۳۰۸ هـ.

۳- تاریخ انگلستان یا جهان آرا - تاریخ مختصر انگلستان با خلاصه تاریخ اروپا
است که مؤلف با استفاده از آثار جون اتن اسکات (Jonathan Scott) و غیره تألیف

نموده است چاپ بمبئی ۱۳۰۶ هـ .

- ۴- تاریخ قدیم یونان و تاریخ حکمای فلاسفه یونان - مؤلف این کتاب را با استعاده
 از آثار انگلیسی که در این موضوع نوشته شده تألیف نموده است . چاپ بمبئی ۱۳۰۶ هـ .
 ۵- مرآت الزمان - تاریخ مختصر چین و جاپان (ژاپن) در ۱۱۱ صفحه .
 چاپ بمبئی ۱۸۹۳ میلادی .

۶- الف بهار در حکایات و غیره چاپ بمبئی ۱۳۱۳ هـ .

۷- آیات الولایه . دفاع از حق علی و ائمه بخلافت . چاپ بمبئی ۱۸۹۸ م

۸- مفتاح الرق . درباره روابط کارمند و کارفرما . چاپ بمبئی ۱۳۱۵ هـ .

۹- کشف الصناعات یا منتعجات محمدی در بیان صنایع مختلف . ۱۳۱۱ هـ

۱۰- تحفة الخواتین . در بهداشت زنان . چاپ بمبئی ۱۳۲۵ هـ .

۱۱- تذکرة الخواتین - تذکره مورد بحث

تبصره بر تذکره

مؤلف این تذکره را در ربیع الاول ۱۳۰۶ هـ در بهوپال نام نواب شاهجهان

بیگم والیه بهوپال تألیف نموده است

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد :

« باید غافل نبود که در این جهان زنان بوده اند که در زیر مقنعه کله داریها

نموده اند در فهم حقایق احتمادی کرده در حل غوامض تحقیقی انبیا آورده لشکر

شکسته اند کشور گرفته اند صد کار کرده اند صد راه رفته اند و ارباب سیراز آنها

بدرستی دگری نکرده اند مصمم شدم که در حالات نساء مشهور استقصا کنم و باستمداد

رحال اهل حق طرحی برای بنابریم از حسن اتعاق : کتاب « مشاهیر النساء »

از مؤلفات ادیب اریه محمد ذهنی آفندی « بدست آمد . ترجمه آنرا اساس قرار داده

معلومات خود را با بعضی تصرفات که بظن فاقد درست میآمد بدان افزودم و بنگارش

احوال حیرات حسان ابتدا نمودم » .

مؤلف از منابع خود تنها اسم کتاب « مشاهیر النساء » تألیف محمد ذهنی آفندی «

ذکر نموده است اما باید اذعان کرد که مؤلف کتاب « خیرات حسان » تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه (صنیع الدوله) چاپ تهران را با حذف نام مؤلف و تفسیر نام کتاب تألیف آنرا بخود نسبت داده است همچنین معلوم نیست چرا اسم « اختر تانان » را که هفت سال پیش در همان شهر (بهوپال) که مؤلف بتألیف این کتاب پرداخته است چاپ شده بود ذکر نکرده و جالب اینجاست که « اختر تانان » هشتاد و چهار شاعر را ذکر نمود اما این کتاب که هفت سال بعد از آن نوشته شده است تنها پنجاه و دو شاعر را ذکر نموده است.

این کتاب مشتملست بر ذکر « مشاهیر نسوان عالم از عرب و روم و هند و عجم از صدر اسلام تا سال تألیف کتاب » و « اوصاف حمیده و صفات پسندیده آنها » و اشعاری که عربی و فارسی و ترکی گفته اند و حکایات و عجائبی که از آنها روایت شده است مؤلف این کتاب را با ذکر حضرت آمنه و بست و هب و والده حضرت رسول آغاز کرده و سپس ذکر پنجاه و دو شاعر را بترتیب الفبا آورده است که اول آنها « آغا کوچک » و آخرشان « یاسمن بو » است

در ذیل « اعلیٰ حضرت (علیاحضرت) و کتوریه پادشاه (۱۱) (ملکه) انگلستان و امپراطور هندوستان » که در هشت صفحه این کتاب آمده است مؤلف اطلاعات مفصلی راجع بر بدگانی ملکه و کتوریا و وقایع مهم تاریخی عهد او تا سال تألیف کتاب ذکر نموده است از محتویات کتاب معلوم میشود که مؤلف شیعه متعصبی بوده چنانکه در ذیل نام حضرت حمصه اسم خلفای ثلاثه و حضرت حمصه را با احترام ذکر نکرده (رجوع شود به ص ۹۰) و همچنین در ذیل نام حضرت صفیه اسم حضرت عایشه و زینب بنت حجهش و حمصه و حویریه را با احترام بیاورده (رجوع شود به ص ۹ - ۱۴۸) اما اسم حضرت علی و اهل بیت و ائمه را با احترام ذکر کرده است

مؤلف سال وفات و وقایع مهم دیگر مربوط بر بدگانی خواتین را غالباً ذکر نموده مخصوصاً در ذیل نام خواتین عرب و خواتین از خانواده حضرت علی غالباً سال و وقایع مهم را ثبت نموده است .

در ذیل نام بعضی شاعره‌ها اشعار مستذلی هم‌ار آن‌ها نقل کرده استمثلاً رجوع شود به نام‌زین‌النسا بیگم و تونی.

سبک اشای مؤلف‌غالباً قدیمی و غیر ساده است و گاهی بعضی عبارات را بیشتر حیلی مصنوع و پرتکلف آورده استمثلاً رجوع شود به جهان‌خانم مادر ناصرالدین شاه و نواب‌شاه جهان بیگم.

چاپ

بهوپال ۱۳۰۶ هـ

برای شرح حال و آثار مؤلف رجوع شود به استوری ح‌ص ۲۱۰ و ۴۲۹

و ۴۳۰ و ۴۹۲ و ۹۱۶

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به چاپ بهوپال ۱۳۰۶ هـ

تکمله مقالات الشعرا

ابتدا

«به مدح هر که برداری بود حمد خدا ای دل

که وصف صنع ناشد صانع او را نای دل»

ستایش و بیایش مر قادری را که شه فرد حورشید و دو مصرع مهر و ماه و مثلث

هوالید نلائه و رباعی عناصر اربعه و محسن حصه متحیره و مسدس جهات سته و مسبع

سع سیاره و مثنوی هشت بهس مورون فرموده سلیقه متبیت اوست و نظم پروین و شر

بنات النعش و قصیده کپکشان و قطعات معجب و ترکیب بند منطقه البروج و مطلع شرق^۱
و مقطع غرب^۲ زاد طبع اوست .

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد ابراهیم متخلص به مسکین و خلیل و اسم پدرش مخدوم
عبدالکریم متخلص بکریم (متوفی در ۱۷ صفر ۱۲۷۲ هـ). مولدومسکر مؤلف تته (سند)
ا ت . وی اصلاهراتی و نسبا صدیقی و طریقه نقشنای و منہا حنفی بود . وی بسب
مفصل خود را در دلیل شرح حال خود در این تذکره نوشته است .

خلیل در ماه جمادی الاولی ۱۲۴۳ هـ متولید شد و این بیت اوسال ولادت او را میرساید
سال میلاد منیفش سرالهام گفت دل (۴) «گوهر درح شرف علم لدن»

(= ۱۲۴۳ هـ)

خلیل چهل سال بعد از وفات میرعلی شیر قانع (متوفی در ۱۲۰۳) مؤلف مقالات
الشعرا (تالیف ۱۱۷۴ هـ) متولید شد . این همان سالست که پرورنده و مری برر گاداد
فارسی و شاعر این زبان میر کریم علی حان که سومین نمراد سلسله حکام تالپورسند بود
سال آخر زندگی خود رسیده بود و دوازده ماه بعد در جمادی الثانی سنه ۱۲۴۴ هـ
چشم از جهان بر بست و بعد از وی برادرش میر مرادعلیحان متخلص به علی آخرین
فرمانروای این سلسله که مانند برادر خود شاعر فارسی گوی و ادب پرور بود بر مسند
سلطنت نشست ولی شش سال بعد در ۱۲۴۹ هـ (= ۱۸۳۲ م) از این جهان رخت بردست .
این زمانی بود که انگلیسها بوسیله دسایس و توطئه چینی هاسعی می کردند که
سند را تحت تسلط خود در آورند . بالاخره در زمان حکومت سلسله دوم حاندان
تالپور انگلیسها تمام قراردادهای خود را که با حکام سابق سند بسته بودند برپا گذاشته
و با کمک و همکاری میرعلی مراد حان تالپور والی حیرپور (سند) نقشه توسعه طلبی به خود را

۱- از روی نسخه چاپی «مشرق»
۲- از روی نسخه چاپی «مغرب»

جامه عمل پوشاندند و بر ناحیه سینه تسلط پیدا کرده قسمت خیرپور را به میر مرادعلیخان مرپور بعنوان پاداش و جایزه برای همکاری با انگلیسها واگذار کرده بقیه ناحیه را به سلطنت خود منضم ساختند.^۱ در فوریه ۱۸۴۳ م (۱۲۵۹ هـ) انگلیسها کلیه اعضای خانواده تالپور را که احکام سد بودند غیرار میر مرادعلیخان مرپور دستگیر کرده عنوان زندانیان سلطنتی به بمبئی فرستادند^۲ و بدین ترتیب دوره آزادی و استقلال سند سپری گشت

سقوط خاندان تالپور در سند برای زبان فارسی بمثابه پیام مرگ در این ناحیه بود چون انگلیسها انگلیسی را بجای فارسی زبان رسمی اعلام کرده و بساط شعر و ادب فارسی را بکلی برچیدند و باهالی سندها مانند سایر نواحی هندوستان خاطر نشان ساختند که یاد گرفتن انگلیسی متضمن فواید کثیر میباشد در حالیکه برعکس آن یاد گرفتن ارسى برای آنها هیچ سودی در بر ندارد چنانکه بیت زیر زبان سندهی فکر آن دوره در این مورد میرساند .

فارسی پرهسین تیل و کتین انگریزی پرهیس گهوری چرهیس

(یعنی اگر فارسی بخوانید نعت میروشید و اگر انگلیسی بخوانید براس
عزت سوار میشوید)^۳ .

موقی که سندهست انگلیسها افتاد خلیل هوزهمده ساله بیش سوده و بنا بر این اگر وی هده سال بعد بدیا آمده بود هیچوقت نتحصیل فارسی و عربی توفیق نمییافت چون بعد از انگلیسها دیگر احتیاج به فرا گرفتن این زبانها نبود و لذا شاید هیچوقت بتالیف این تذکره طور تکلمه مقالات الشعراى مادت نمیرزید

در محیطی که خلیل چشم بدیا گشوده و پرورش یافته و کسانیکه وی با آنها

۱- ر.ك. تاریخ سده ارحداخان چاپ سدهی ادبی پورد کراچی ۱۳۲۸ هـ = ۱۹۵۹

میلادی (ص ۱۵۹)

۱- ر.ك. «تاریخ سده» - مقدمه گرد آورنده (انگلیسی)

۲- ر.ك. تکلمه - مقدمه گرد آورنده

صحبت داشته و از فیوض معنوی آنها کسب فیض نموده تمام آنها اهل علم و صاحبان سیر و سلوک بودند . در شهر تته آنوقت چهار خاندان وجود داشتند که مرجع اهل علم و در عرفان و ابقان معروف بودند .

اولا خانواده محدوم، ابوالقاسم نورالحق نقشبندی که نویسنده این خاندان نقشبندی درسد رواج و شیوع پیدا کرد .
ثانیاً خاندان محدوم علامه محمد هاشم تنوی که اعضای آن به تنها سرچشمه رند و هدایت محسوب میشدند بلکه منبع پررگ علوم معقول و منقول هم بودند
ثالثاً خانواده میراحسن اله و میرنظر علی که مسع تصوف و طریقت بود .
رابعاً خاندان خود حلیل که اعضای آن مورد احترام خاصی در سراسر سند بودند.
هر چهار خاندان مر بور نام خاندان قندهار که مورث اعلائی آن شاه صفی اله نام داشت ارادت داشتند .

خلیل در چنین محیط عرفانی تربیت شد و بنا بر این چون بررگشده دوق عرفان را نارت برده و صوفی صافی و پیر طریقت بار آمد . وی هشت ساله بود که از قرائت قرآن فارغ شد و سپس بخواندن فارسی پرداخت و حظاطی هم یاد گرفت
علم صرف را پیش پدر خود یاد گرفت و مجموعه صرف و نحو کافیه و کنز - الدقایق فقه و هلم حرا تا توصیح در علم فقه و قسمتی از مطول معانی را خواند
همچنین چند ورق را از « سلم » در علم منطق خواند اما چون « حوایبهای پریشان » دید آنرا کنار گذاشت . در علم ریاضی شرح چعبی و در علم حدیث بعضی قسمتهای مشکوة و حضرت سنن ابی داود « ارباب اسم الله تا تا . تمت » و در علم تفسیر قسمتی از حالین و مدارك شریف خواند و در علم فقه تا هدایت و در مختار خواند اما بشاگردان خود تدریس کرد همچنین در اصول حدیث نیز نسخه صغیره خواند و در علم مناظره چند درس از « رشیدی » شنید

خلیل هنور « خردصال » بود که سوشتن شعر پرداخت چنانکه در ذیل نام عباس علی تنوی متخلص به علی میویسد .

« فقیر را در خرد سالی یک بار ملاقات او حاصل شد درین وقت فقیر که جمع زبانی و ژولیده بیانی آغازیده بود »^۱.

این دوق گفتن شعر و نوشتن نثر فارسی در خلیل اثر تأثیر « مخلصی » ایجاد شد اما اسم آن « مخلص » خلیل ذکر نکرده است و تنها همین قدر میگوید که بعد از تأثیر محبت مخلصی طبعم نثر و نظم فارسی مایل شد^۲.

خلیل غیر از پدر خود تنها اسم یکسر را حرو و اساتید خود ذکر نموده است چنانکه در دیل مولوی آل احمد پهلوازی مینویسد « کاتب الحروف را در سخنوری از ایشان بسیار هوای حاصل شده »^۳ اما طاهرا وی اساتید دیگر هم داشته که اسم آنها را در این تذکره نیاورده است.

باید ادعا کرد که با وجود اینکه در زمان خلیل آفتاب زبان و ادب فارسی درستند و بر وال بود و شعرائی مانند میر علی شیر قانع دیگر رخت از جهان بر بسته بودند اما هنوز قریحه و دوق شعر فارسی در بعضی خانواده ها باقی مانده و بر آسمان شعر فارسی بعضی ستاره های روشن میدرخشیدند هر چهار خاندان عرفان و طریقت تته که ذکرشان در سطور فوق گذشت با زبان ادبیات فارسی علاقه داشتند و در خاندان خود خلیل از چندین پشت شعرای صاحب دل و نادوقی بوجود آمده بود و حتی پدر او محمود عبدالکریم متخلص به کریم و برادر وی محمود فیضی احمد متخلص به فیض و غیره به فارسی شرمیسروند همچنین در خانواده میر قانع پسر او میر مایل که در ۱۲۵۱ هـ فوت شد شاعر بود و میر صابر پسر میر مایل که معاصر خلیل بود نیز به فارسی شعر میسرود.

در زمان خلیل هنوز بهترین وسیله برای بیان مطالب صوفی و عرفان شعر فارسی بود و بنا بر این عده شعرای فارسی گو (چنانکه بعضی از آنها در تذکره تکمله مقالات الشعرا - کر شده اند) کم نبوده و این عده شعران نیز شعر و ادب فارسی را گرم

۱ - رک تکمله ص ۶ - ۴۰۵

۲ - یسا ص ۲۱۲

۳ - ایضا ص ۹

نگه میداشتند. همچنین هنوز از خاندان حکمرانان سابق سند برخی از رجال شاعر در این عصر وجود داشتند که بعضی از آنها در حال تبعید دراز وطن در گذشتند اما چند نفر از آنها بعد از پایان مدت تبعید دوباره بوطن خود برگشتند و تا مدتی شمع شعر و ادب فارسی را نیمه فروزان نگهداشتند مانند جعفری و میر و حسین و حسن و مومن و مهر مور و حیدری و سانگی و غیره که اسامی آنها در تواریخ معاصر آمده است. با وجود اینکه از وجود این امر دیگر فواید مالی مقصود و منظور نبود اما وجود آنها برای رندگی شعر و ادب فارسی در سند معتم بود.

علاوه بر این يك عامل مؤثر دیگر در این زمان انتشار حریده ای نام «مهرح-القلوب» از کراچی بوسیله یکمتر فارسی زبان و شاعر بادوقی بود که در هر شماره نمونه های کلام شعرای فارسی گوی سند و نواحی آن را چاپ میکرد و گاهی مسابقه های شعر را ترتیب میداد و اشعاری را چاپ میکرد و شعرای دیگر از آن استقبال میکردند.

خلیل در اول «بیاض» کوچکی درست کرده بود که يك طرف آن اشعار خود را (از غزلیات) و طرف دیگر آن شعر خود را از مکاتیب که به «مخلصان» مینوشت نقل میکرد و لوله مناسبه این بیاض گم شد و سپس بیاض دیگر مثل سابق درست کرد و برای ترتیب دیوان خود بهاد. خلیل آنوقت مسکین تحلیلص میکرد. بعد از تکمیل «دیوان مسکین» مکاتیب خود را جمع آوری کرده اسم آن را «کشکول مسکین» بهاد.

چندی بعد در نتیجه توصیه های بعضی رفقای خود مانند میان محمد راهد شاکرانی بمناسبت اسم خود که ابراهیم بود «خلیل» تخلص اختیار نمود و بعد از مدتی «دیوان خلیل» را هم با تمام رسایید و همچنین مکتوبات خود را که تا آنوقت نوشته بود جمع آوری نموده اسم آنرا «مایده خلیل» نهاد. شعرا و عالماً حسه عرفان و تصوف دارد.

گاهی بر بان سندهی هم شعر میسرود و آنجا «اداسی» تخلص میکرد که

بزبان سندهی بمعنی قسمی از فقرا یا آرزومند است. همچنین بزبان هندی (اردو) هم شعر میگفت و آنجا هم مانند فارسی «مسکین» تخلص داشت. خلیل بقول خودش در اول زبان هندی (اردو) بلد نبود اما در اثر صحبت سید غلام محمد متخلص به گدا و مطالعه دیوان ناسخ و آباد و آتش آن زبان رایاد گرفت و چند غزل در آن زبان سروده است.

در تکمله خلیل در ردیل تخلص «خلیل» (در ردیف «خ») انتخاب اشعار خود را در دیوان خلیل آورده است و سپس در ردیل تخلص «مسکین» (در ردیف «میم») سه غزل را از دیوان مسکین هم نقل کرده است.

مؤلف به ماده تاریخ گوئی هم علاقه داشت و در ردیل بعضی شعر ا قطعه های تاریخ که خودش گفته بود نقل کرده است

در سال ۱۳۱۳ هـ سن هفتاد سالگی بفکر افتاد که در آن سال میمیرد و بدین مناسبت قطعه زیر متضمن تاریخ وفات خود سرود که در «دیوان خلیل» درج است.

چو کرد نقل ازین دار پر ملال خلیل	خرد بماند سن انتقال و جویان
سروش گفت کوشش که خیر روی حساب	«خلیل را بحثان برد لطف آیرد» حوان

= ۱۳۱۳ هـ

سپس در حدود سال ۱۳۱۶ هـ موقعی که بسن هفتاد و سه سال رسیده بود دوباره همان فکر در خاطر خلیل حطور کرد و بنا بر این دو باره قطعه زیر را بدان مناسبت سرود که در «دیوان خلیل» آمده است.

اراین جهان چو بر فتم که رفتن است ضرور	هزار شکر که فضل خدا مرا حوید
روانه گشتم و گفتم من ارسر الهام	رود خلیل بیاران وداع میگوید

(= ۱۳۱۶ هـ)

چند قطعه تاریخ دیگر هم در «دیوان خلیل» بهمین مناسبت آمده است که سال ۱۳۱۶ هـ را بعنوان سال فوتوی میرساند و بیست و نهمین سال میلادی (۱۸۵۶) را میرساند که

در هماججا ثبت گردیده است :

سالوداع خود چو پرسیدم از سرش بی بحثو کدیگمت بگو «خیر خاتمه»
(= ۱۸۵۶ م)

اما در سال ۱۳۱۶ هـ مطابق ۱۸۵۶ م نیز از دست اجل امان یافت ولی در سال
آیندمدر ۱۳۱۷ هـ بسن هفتاد و چهار سالگی این سرای فانی را بدرود گفت^۱. بعضی
شعراى سندتاریخ فوت او را شعر سروده اند اما اکثر آنها بدست نرسیده. خوشحخانه
چند قطعه تاریخ فوت خلیل که دوست وی مولانا عبدالکریم کراچوی متخلص
به درس سروده و در دیوانش چاپ شده در دست ماست^۲ و این دو بیت اردو قطعه او اینجا
مقل میگردد

فلک سال وصالش گفت ای درس بگو «ستان حنت کرد مرل» (= ۱۳۱۷ هـ)
پی سال تاریخ یادرس گفت فلک «کاملی نقشید سخن» (= ۱۳۱۷ هـ)

قبر خلیل در گورستان مخدوم ابوالقاسم نقشیدی ریر تل مر کزی جانب
مغرب امروزهم موجود است و در پهلوی اود حشرش مدفونست قبر او خام است و هیچ
کتیبه ندارد. اما خلیل اشعاری را برای سنگ مزار خود سروده بود و در دیوانش
باین عبارت ثبت گردیده است

«نقش قبر خلیل فقیرا گر این فرد شود بهتر

زنده میرد عاقبت ای رایر فرخ شعار تکیه نتوان کرد هر گبر حیات مستعار»
همچنین در دیوان خلیل يك عمل دیگر بعنوان ریر آمده است
« بر لوح قبر فقیر چه ریا رید »^۳

۱ - روز وفات و فوات خلیل معلوم نیست اما باید بعد از ۲۰ ربيع الثانی (۱۳۱۷ هـ)
باشد چون در آن روز خواهر وی فوت کرده و او بدان مناسبت تاریخ وفات او را سروده
است (ر.ک تکمله چاپ کراچی ص ۳۲)

۲ - ر.ک تکمله چاپ کراچی ص ۲۵۰-۲۵۲

۳ - ایضا ص ۲ - ۲۵۲

از نسب نامه خلیل که در پایان مقدمه تکمله چاپ کراچی دانشمند معظم آقای پیر حسام الدین ضمیمه کرده اند معلوم میشود که خلیل بعد از محمد حسن فرزندی بنام حبیب داشت که در ۲۳ صفر ۱۲۶۹ هـ متولد شد و در ۱۳۰۱ هـ در عین شب درگذشت. مؤلف تاریخ مرگهوی را که دیگران سروده بودند و چهارده مسجع وی (که سال ۱۳۰۶ همیرساند) و یک محمس و یک مشوی و چند رباعی که خودش سروده بود در ذیل «حبیب» در این کتاب آورده است^۱. همچنین خلیل دخترانی نیز داشته که در زمان حیات او فوت کردند یکی از دختران وی که بقول بعضی بعد از مرگ وی فوت کرده بود پهلوی او دفن شده است بعد از این دختر کسی از خاندان خلیل رنده نماند (همچنین بعد از مدتی کسی از سه خاندان دیگر نیز که در شان در سطور فوق گذشت باقی نماند)^۲.

چنانکه از مطالعه این تذکره بر می آید خلیل باشعرای معاصر خود روابط دوستانه و بر دیکری داشته است و چون وی بیک خاندان خلیل القدر تعلق داشت معاصرینش وی را بنظر احترام مینگریسته اند همچنین بسیاری از شعرای معاصر که برخی در این تذکره ذکر شده اند در شعرها گرد خلیل بودند مثلاً رجوع شود به طالب و عزیز و علی و غنی و فقیر و زاهد و جمعری و غیره

از جمله شعرای متقدم در زمان خلیل در سند حواحه حافظ حیلی محبوبیت داشت و شعرای سند گاهی غزلیاتی تقلیدی میسرودند چنانکه در خود دیوان خلیل بچندین غزل بر میخوریم که وی بطرز و روش حافظ سروده است

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱ - بیاض که شامل اشعار و مکاتیب او ایل زدگی خلیل بوده و بعداً معتود شد

۱۱ - تکمله تن ۱۶ ص ۱۲۷ - ۱۵۲

۲ - تکمله چاپ کراچی مقدمه گرد آورده ۳۲ برای د

خاندانها رجوع شود به پایان مقدمه تکمله بعد از ص ۳۶ .

۲ - دیوان مسکین، دیوان اول فارسی

۳ - دیوان خلیل . دیوان دوم فارسی

۴ - کشکول مسکین. مجموعه مکاتیب که با « دیوان مسکین » در یک مجلد

آمده است.

۵ - مائده خلیل . مجموعه دیگر از مکاتیبی که با «دیوان خلیل » در یک

مجلد آمده است

۶ - تحفة الصغیر رساله ای در شرح حال جد مؤلف محنوم غلام حیدر.

تبصره بر کتاب

مؤلف سال تألیف کتاب را در مقدمه یا حاتمه نیاورده است اما در ذیل آصف

اصهبانی میگوید که در سال است تحمیساً سنه ۱۳۰۴ هـ که به کراچی آمده بود» همچنین

در ذیل شرح حال پسروی حبیب که در ۱۳۰۶ هـ فوت کرد هنورتارگی آن رحم پیداست.

بدین جهت میتوان گفت که مؤلف این تذکره را در حدود سال ۱۳۰۶ هـ تألیف نموده است

در مورد سب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد «ارذیر .

آرزو بود که تکمله مقالات الشعرا که ارتضایف . میرعلی سیر قانع میباشد تصنیف

کند و بعینه طرزو راه آن یگانه رود یعنی اهل مسد و هراهل ولایت (ایران) که

ازسند در گذر درج نماید. از باعث علایق و عوایق ارقوت بععل نمی آمد تا اینکه درین

وقت قدری فرصت دستداد عمارت تکمله را بنا نهاد» .

مؤلف در خاتمه کتاب اسم کتابهای ریر را ذکر نموده است که در تألیف آن از

آنها استفاده نموده است

۱- کلمات الشعرا ی سرخوش ۲- یدبصای میرعلام علی آراد

۳- مقالات الشعرا ی میر قانع

این تذکره با « احمد مولوی احمد هندوستانی پهلوانی » شروع شده

با « یوسف حکاک سیستانی » تمام میشود و شامل ذکر هشتاد و دو تن^۱ شاعر است که اهل سد بودند یا از آنجا گذشته‌اند. این کتاب اصلاً تکمله ایست بر تذکره مقالات الشعرا تألیف میر علی شیر قانع (تألیف ۱۱۷۲ هـ). مؤلف در مقدمه این کتاب بعد از حمد و نعت و سبب تألیف کتاب شواهدی برای اثبات شاعری از آیات قرآن و احادیث رسول و اقوال و حکایات مختلف آورده است.

در حاتم این کتاب بعضی اشعار متفرق از شعرای مختلف از مقالات الشعرا و کلمات الشعرا ویدیها و غیره نقل کرده است و بدین ترتیب مجلس ادبی ساخته است که طی آن اشعاری چند در یک موضوع که شعرای مختلف سروده‌اند نقل کرده است (ص ۶۵۸-۶۷۳) و سپس در پایان دعائی بر بیان عربی آورده است (ص ۴-۶۷۳).

از مطالعه این تذکره باین حقیقت پی میبریم که تا زمان قانع (مؤلف مقالات الشعرا) چنانکه از تذکره وی پیداست شعرای ایرانی در سده نمود داشته‌اند اما در زمان خلیل بجای شعرای ایرانی شعر اوادنای افغانی در این ناحیه رفت و آمده داشته و موجب تشویق شعرای فارسی و شیوع ذوق و شعروادب فارسی در سده شده‌اند. این امر دو علت داشت اولاً حامدان محدودیان قندهار و کابل در سده مریدان کثیر داشتند و بنا بر این رفت و آمد بین سد و افغانستان در این عصر زیاد صورت می‌گرفت و ثانیاً بعلت جنگهای داخلی و نفوذ انگلیسها در افغانستان تعداد زیادی از حامدانهای معروف و افراد حامدیه‌های شاهی بسنده با حارت نموده در آن زمان در آن ناحیه سکونت گزیده بودند و اکثر آنها اهل ذوق و دانش بودند و روابط نزدیک آنها با اهالی این سرزمین باعث تشویق و ترغیب مردم آن شعروادب فارسی شده است.

خلیل خودش هم با حمیدین بهر افغانی آشائی و روابط دوستانه داشت و به بعضی از آنها مکاتبه می‌نمود مثلاً هنگامی که سردار غلام محمد خان طرزی بکراچی آمد خلیل با وی آشنا شد و بعداً هر دو با هم مکاتبه داشتند و سردار هر روز به رند حه

۱- این عده دوازده نفر دیگر را که مؤلف در دلیل بعضی شعرا شرح احوالشان را آورده

ست شامل بیست و یک نفر است که آنها شاعر بوده‌اند.

سردار محمود خان طرزی را برای ملاقات با حلیل به تته فرستاد و خلیل چندین غزل بطرز غزلیات وی سروده است^۱.

نکته دیگر که از مطالعه این تذکره بدان پی میبریم این امر است که تا زمان مؤلف این تذکره هور در اکثر شهرها و قصبات سند دوق شعر و شاعری باقی مانده و مخصوصاً در شهر تته و حیدرآباد و هالامتیاری و بهکرو و شکارپور و سیستان و کراچی شعرائی وجود داشتند که به فارسی شعر میسرودند چنانکه حلیل اسامی بسیاری از معاصرین خود را در این تذکره ذکر نموده است که در این شهرها و قصبات تعلق داشتند از جمله امام بخش فدوی و علی اصغر علی و بنده علی گرجی و محمد قاسم هالائی و موتیل شاه کمرتنوی و ۷۴ محمد گدا و مخلص علی مخلص و احمد علی و غیره.

چون مؤلف نام اکثر شعرا و اشخاصی که ذکر آنها را در این تذکره آورده است ملاقات کرده یا از بردیک یا آنها آشنائی داشت و اکثر آنان از معاصرین و رفقایش بودند بنابراین شرح حال و آثاری که در این کتاب آورده است مورد اعتبار و اعتماد میباشد.

اما در ذیل نام اکثر شعرا شرح حال آنها را خیلی محصور آورده و حتی اکثر اطلاعات مهم راجع برندگان آنها را بهم نرسانیده با وجود اینکه چون از بردیک یا آنها آشنا بود موقعیت و فرصت خوبی برای این کار داشت اما ظاهراً سعی نکرده است اطلاعات کافی و وافی را در باره شرح زندگانی شعرا بهم رساند.

در هر حال شرح حال شعرا و اشخاص زیر را مفصل تر از دیگران آورده است
مخدوم هاشم (در ۳ص) و باقی و عبدالکریم بن علام حیدر و میان عبداللطیف و میان گل محمد (هر کدام در ۴ص) و مخدوم عبدالکریم و ابوالقاسم نقشبندی (هر کدام در ۸ص) و میر سید نظر علی (در ۶+۶ص)

همچنین در ذیل نام اکثر شعرا از ایشان فقط يك دو بیت نقل کرده است اما

در ذیل شعرای زیر اشعار آنها را ارسایرین مفصل تر آورده است: صفی و گدا (هر کدام در ۳۱ ص) و حایان و شریف و مایل (هر کدام در ۴ ص) و قاضی غلام علی جعفری و عظیم (هر کدام در ۱۴ ص) و خلیل (در ۱۹ ص تحت نام خلیل و ۱ ص تحت نام مسکین) و رویه مرفته انتخاب اشعار خود را از همه بیشتر (قریب دو سست بیت) نقل کرده است.

شرح حال افراد در بر این مفصل آورده است اما چون اینها شاعر بودند از موضوع این کتاب خارج است

۱-۴- مخدوم عبداللطیف و ابراهیم و عبداللطیف ثانی و عبدالله در ذیل

نام «امید»

۵-۹- محمد زمان و محمد عبدالکریم و غلام حیدر و ابوالقاسم و میر سید نظر علی

در ذیل نام «خلیل»

۱۰-۱۲- میان عبداللطیف و محمد زمان و گل محمد در ذیل «روشن»

(میان ضیاء الدین)

در ذیل شرح حال «حبیب» پسر حوا نمرگ خود مؤلف شرح وفات وی را خیلی مفصل آورده است و قطعه های تاریخ قوت و محسن و مثنوی ها و رباعیات و فردیات که در ماتم پسرش سروده مفصلاً نقل کرده است و همچنین قطعه های تاریخ و فاتی را که دیگران بر مرگ وی سروده بودند بر اینجا نقل کرده است.

در ذیل نام شعرای زیر اشعاری از خود که در جواب آنها سروده است نقل کرده است مولوی آل احمد و آصف اصفهانی و باقی و ثاقب و جعفری و حیدر و حسن و زین العابدین و سعید و ستریم و طرری و عظیم و علی (میرزا ننده علی) و عباس و علی (میر سید عباس بخاری) و گدا و مایل و محمد عالم و ولی.

همچنین در ذیل نام حبیب و عریب بعضی اشعار را از خود نقل کرده است.

در ذیل نام بعضی شعرای اعراب آبهارا بر نقل کرده است رجوع شود به نام مولوی

آل احمد احمد (ص ۱۰ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۵) - همچنین در حاتم و بیت پر بان اردو از خود نقل کرده است.

مؤلف بماده تاریخ گوئی علاقه فراوانی داشته است چنانکه در دیل شعرای زیر تاریخ و فوات آنرا که خودش گفته بود آورده است باقی و حبیب (تاریخ فوت و مسجع هردو) و میر سید عبدالکریم بن غلام حیدر همچنین ماده تاریخ های فوت که دیگران سروده اند نیز نقل کرده است رجوع شود به نام ثانی و حبیب و عبدالکریم بن غلام حیدر و شریف و عظیم

گاهی در ضمن شرح حال شعرا بعضی حکایات حالت نقل کرده است رجوع شود به نام مولوی آل احمد احمد و محمدمحمدوم هاشم و محمدمحمدوم عبداللطیف و محمدمحمدوم محمد ابراهیم و محمدمحمدوم عبداللطیف ثانی و محمدمحمدوم محمد درمان و محمدمحمدوم عبدالکریم و محمدمحمدوم ابوالقاسم نقشبندی و میر سید نظر علی و عبدالکریم بن غلام حیدر و میان عبداللطیف بن میان ابراهیم و میان گل محمد

سك انشای مؤلف اکثر ساده و غیر مصنوع است اما گاهی مؤلف مخصوصاً در موقع تعریف و توصیف شعرا بشر مصنوع پرداخته است همچنین گاهی قبل از اسامی اشخاص و شعرا چند لقب توصیفی آورده است و گاهی این القاب را خیلی مفصل به است مثلاً رجوع شود به نام ولی و یوسف

نسخ خطی

۱ - دانشگاه لاهور (بحظ مؤلف است چون بعضی عبارات خط رده یا اصلاح شده است و گاهی برای نوشتن احوال و اشعار شعرا حا حالی گذاشته است اما بعداً بوی فرصت دست نداده که این قسمت را تمام کند همچنین با وجود اینکه مؤلف غالباً ترتیب اسامی را از روی الفبا آورده است گاهی بعضی اسامی را خلاف این اصل ترتیب نوشته است).

۲ - نسخه دیگر که در سحبه فوق استنساخ شده است در کتابخانه شخصی آقای

پیر حسام‌الدین در کراچی پاکستان موجود است.

چاپ

سندھی ادبی بورڈ کراچی ۱۹۵۷ م بتصحیح وحواشی وتعلیقات از فاضل
 ارجمند آقای حسام‌الدین راشدی (ازروی نسخه خطی فوق)^۱
 برای شرح حال مؤلف رجوع شود به تکمله مقالات الشعراء ومقدمه بر آن
 کتاب چاپ کراچی از فاضل گرامی آقای پیر حسام‌الدین راشدی.
 فهرست اسامی شعراء: رجوع شود به تکمله مقالات الشعراء چاپ کراچی.

۱- این چاپ بسیار خوب است و گرد آورنده آن دانشمند حلیل القدر آقای پیر حسام‌الدین
 که از هسلای فارسی شبه قاره پاکستان وهند میباشد در ترتیب وتصحیح این تذکره بسیار زحمت
 کشیده ومقدمه ای در شرح حال و آثار مولف (۲۱-۳۶) وحواشی وتعلیقات بسیار مفصل وسودمند
 (۶۷۷-۸۲۷) یا حسام فہارس مصادر (مناہج) واسامی رجال واماکر وکتب (۸۲۹-۹۰۱)
 وقلط نامہ مفصل (۱) (ص ۹۰۲-۹۱۲) وپیچ بسبب نامہ بسیار مفید وچندین عکس از شعراء والواح
 قبور ومرارات ومقارن ومونہای خط شعراء وغیرہ بمن کتاب اسافہ کرده است کہ برای خوانندہ
 آن بسیار سودمند ومفید است در این چاپ حواشی وتعلیقات کہ گرد آورندہ فاضل مرپور
 بمن کتاب علاوه کرده است خیلی پرمایہ ونا ارزش ومطالب آن خیلی بیشتر از متن خود
 تذکرہ است. بدین ترتیب میتوان آن را تکملہ تکملہ مقالات الشعراء نامید ماسی گرد آورندہ
 در تهیه این مطالب ورحماتی کہ در این زمینه متحمل شدہ است سر اور بسیار تحسین وآفرین است
 و برای گرد آورندگان کتب تذکرہ وتاریخ عثمانیہ شعراء و بہترین نمونہ ومثال است
 اشارہ این کتاب از حمله خدمات مهمی است کہ احسن ادبی سند (سندھی ادبی بورڈ) کراچی
 ندیای ادب فارسی انجام دادہ است کہ مجال شرح ووصف آن اینجا بہت .

حدیقه عشرت

ابتدا

ای شاهد زیبای سخن جلوه گری کن

از سوخی خود کلک مرا بال (و) پری کن

چهره آرائی مشاطه قلم به ثنای حسن دلبریس شاهدیست که شبستان جهان را
از شمع جمال مامر، یان و شعاع حسن حورشیندرخان منور ساخت و چمن پیرائی باغبان
حامه به بوستان حمه دلربائیسب که ریاض جهان را از چهره زیبای گلرخان و بهال
قامت دلربای سرو قدان بر آراسته

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف کسور در گاپرشاد متخلص به مهر سندیلوی است. اسم پدرش
را حاد هنیپت رای است. مؤلف در ۱۸۴۶ میلادی (مطابق ۱۲۶۳ هـ) بدیبا آمد و در ۱۸۵۷ م
(مطابق ۱۲۸۴ هـ) بعنوان «رئیس» حاشین پدر خود شد و در ۱۸۸۴ م (مطابق ۱۳۰۲ هـ)
قاصی اعرازی سندیله منصوب شد آثار مؤلف بدین قرار است.

۱- حدیقه عشرت تذکره مورد بحث

۲- گلستان هند در تاریخ هند است مشتمل بر چهار دفتر بدین قرار

(۱) راجاهای هند (قبل از اسلام).

(۲) دوره اسلام

(۳) دوره انگلیسها تا ۱۸۸۷ م (مطابق ۱۳۰۵ هـ)

(۴) ذکر مؤلف و احوال وی

این کتاب را مؤلف ششماه بعد از تشکیل دربار «حوبلی» در هردوئی

تألیف کرد

چاپ لکهنو ۱۸۸۹ م و سندیله ۱۸۹۷ م

۳- بوستان اودم- در تاریخ اود است مشتمل بر شش دفتر بدین ترتیب:

(۱) شاهن هندو

(۲) وزرای شاهان دهلی

(۳) شاهان اود

(۴) دوره «غدر» (شورش هند)

(۵) دگر احداد مؤلف

(۶) دگر سندیله و معاریف آن

چاپ لکهنو ۱۸۹۲ میلادی

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در ۱۸۹۳ میلادی مطابق ۱۳۱۱ هـ تألیف نموده است

مؤلف است تألیف این تذکره را در دنیا چه کتاب بشر بسیار مصنوع حسین توصیح

میدهد که وی از مدتی اشعار منقدمین و متأخرین را مطالعه میکرد و در ضمن مطالعه

بچند بیت از شاعره‌ها بر خورد و ناآخیره تصمیم گرفت که تذکره مختصری زاجع

بر دن شاعر ترتیب دهد

این تذکره مشتمل است بر دگر از ساعر از منقدمین و متأخرین ترتیب

۱- سجع چاپی که بدست نگارنده رسیده حینلی - قصه است و مخصوصا صحاح آخر

را ندارد و همچنین شرح حال دو شاعره معاصرینانی بر آن ندهد است این سجع مشتمل است

بر دگر ۹ شاعره

العِبَائِي ار روى حرف اول اسم يا تخلص شاعره و با آقائى (هراتى) شروع شده با^۲
تمام ميشود

مؤلف در ديماحه ميبويسد: كنانى ار مجموعه كلام (اشعار) نسوان بنظر
نگذشت و بياصى از خلاصه مذاق اين سحر كاران فروع افرای چشم جهان بينم نگذشت»
اما اين قول مؤلف منى بر صحت بيست ريرا كه مؤلف تذكرة ديگر از شاعره هارا به نام
«احترتابان» كه ابوالقاسم محتشم بسال ۱۲۹۰ م تأليف كرده^۳ ديده است چنانكه
اسم آنرا در رديل «حسينا» آورده است اما از محتويات كتاب پيداسى كسه مؤلف
چنانكه بايدوشايد از آن كتاب استفاده نكرده اس

مؤلف در مقدمه كتاب ميبويسد كه اول كسيكه ارطايفه نسوان شعر گفت دلارام
دلرماى بهرام گور بوده اس

در رديل اكثر شاعره ها مؤلف شرح حالشان را حيلى مختصر و از آنها دوسه بيت
بغل كرده است

و ارعده كمى از شاعره ها اشعار و شرح حالشان را سه سه مفصل آورده است مانند
آفاق حلاير و آرام (دلارام) و جهان خاتون و غيره و رويهمرفته شرح حال نور جهان بيگم
را مفصل تر ارعمه (در ۱۰ صفحه) آورده است

سكناشاي مؤلف غالباً مصروع است

رويهمرفته اين تذكرة چندان اهميت و ارزشى ندارد

چاپ

كوين برس سديله ۱۸۹۴ ميلادى

براي شرح حال مؤلف رجوع شود به استورى ح ۱ ص ۴۹۱ و ۷۱۲ و ۹۱۶

۲- نسخه چاپى ما كه ناقص الاخر است ما «همدمى» تمام ميشود و قسمت آخر در
همدمى بيزار اين نسخه افتاده است

۳- براي شرح مفصل اين كتاب ر ك «احترتابان» در اين كتاب.

برای فهرست اسامی شاعره‌ها رجوع شود به حدیقه عشرت چاپ سیدیله.

تذکره الشعراء (ی غنی)

ابتدا

(این تذکره با ذکر «آدرحاحی لطف علی بیگ اصعبانی» شروع میشود)

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد عبدالعسی متخلص به غنی مورخ آبادی است. وی معاصر نظام‌الملک اصعباه نواب میرمحبوب علیخان بهادر نظام‌دکن بوده و مدتی سمت صدرمدرس عربی در مدرسه فوق‌البیضاء سرکار عالی حیدرآباد زان است و روایت‌پسروی در ۱۵ اکتبر ۱۹۱۶م (مطابق ۱۷ ذوالحجه ۱۳۳۴هـ) فوت کرد^۱

آثار مؤلف به‌رازی است

۱- از معان اصعبی و فرهنگ اصطلاحات فارسی است که برای هر اصطلاح ناشر شعرای سینه معروف استناد شده است که در کتاب تذکره الشعراء مؤلف آمده است^۲

۱- در دنیا چه تذکره الشعراء بعنوان «عمر من حال» که پسر مؤلف عبدالحمیدخان برهان اردو نوشته است اینجا پسر مؤلف مذکور شرح حال مؤلف پردازنده است. در کتاب دوم اثر دیگر از مؤلف اکتفا نموده است.

۲- در پشت صفحه اول تذکره الشعراء چاپ انگلیز تحت آنگهی از معان اصعبی این عبارت وارد آمده است مؤلف صاحب تذکره مذکور کی متولد شد و بیف موسوم به «ارمغان اصعبی» می‌باشد. هر معجور کائنات آن اساتذده مسلم کی کازم می‌دیا گبھی حکما من کتب (تذکره

در این کتاب قریب به شصت هزار بیت (بدون تکرار) بعنوان شاهد آمده است. این کتاب در هشت جلد در مطبع قادری آگره هند از ۱۹۰۴م تا ۱۹۰۸م (۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶ هـ) بطبع رسیده است.

۲- حوار العرب - درباره اصطلاحات عربی و شرح آن بر زبان اردو چاپ انستیتیوت پارس علیگره

۳- تذکرة الشعراء - تذکره مورد بحث

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیفات این کتاب را سال ۱۳۰۰ هـ آغاز نموده و در سنه ۱۹۰۷م (مطابق ۱۳۲۵ هـ) تکمیل بر خود مطالب این تذکره را از تذکره‌ها و کتب دیگر مذاقه و مقابله نموده و بالاخره در ۱۹۱۰م (مطابق ۱۳۲۸ هـ) ۱ تألیف و مقابله کتاب فراغت یافت^۲

در مورد سب تألیف عبدالحمیدخان پسر مؤلف در ذیل مقدمه کتاب بعنوان «عرض حال» (بر زبان اردو) چنین توضیح داده است که در موقع تألیف ارمغان آصفی مؤلف به فکر تریب این تذکره افتاد اما علت مشکلاتی که مؤلف در زمان طبع ارمغان با آن مواجه شدوی درباره توفیق در عملی ساختن این فکر در حارتک و تردید گردید اما بعداً چون حر و اولاد از کتاب وی نام «حوار العرب» در اساسی تیوت پارس با موفقیت بطبع رسید.

الشعراء) میر تذکره هی)) تر حمد آن عبارات فارسی قرار پیرا است

مؤلف این تذکره در تألیف معروف خود تمام ارمغان آصفی برای هر اصطلاح اشعاری را از اساتید مسلم که در این کتاب (تذکره الشعراء) مذکورند معوان شاهد و سند آورده است، و در اینجا بعضی نایب فکر افتاده است که این تذکره مشتملست منحصر بر ذکر شعرائی که مؤلف در فرهنگ (ارمغان آصفی) اشعار آنها را نقل کرده است و ظاهراً این عقیده صحیح است چون مؤلف در حلالی رسم تذکره بویسان اشعار شعرا را در این تذکره اصلاً نیاورده چون قبلاً در ارمغان آصفی نقل کرده بود و بسبب این تکرار در آن در تذکره لازم نبود

۳- ر کذ و ماچه این کتاب از پسر مؤلف . بویان و عرض حال» (بر زبان اردو)

ارسال بقیه جروه های «حوار العرب» بمطبع سابق الذکر ارطع تذکره الشعرا فراغت حاصل نماید اما تجری الرياح بما لا یشتی السقن چون طبق متن این کتاب تمام شدمؤلف مبتلای مرض الموت شد و بالاخره در ۱۱۵ کتر ۱۹۱۶م (مطابق ۱۷ ذوالحجه ۱۳۳۴ هـ) داعی اجل را لبیک گفت .

همچنین پسر مؤلف میگوید که قرآن بود این تذکره بعد ارطع ارمغان آصفی بطبع رسد اما چون مؤلف بکلی مشغول اتمام «حوار العرب» بود سا برای کارطبع این تذکره بتعویق افتاد و حتی اگر بعضی رفقای صمیمی برای چاپ آن اصرار میوریدند این کتاب همورهم بریورطبع آراسته نمیشد

در مورد ما حد کتاب عبدالحمید حان پسر مؤلف در دیل مقدمه این تذکره نوشته است که غیر از کتب تاریخ کتبریر در تالیف این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است

- | | |
|----------------------------|------------------|
| ۱- لب الالبان (لب الالبان) | ۲- مجمع العصال |
| ۳- کلمات شعرا | ۴- تذکره بیظیر |
| ۵- لطایف الحیال | ۶- نتایج الافکار |
| ۷- تذکره دولتشاه سمرقندی | ۸- فانوس حیال |
| ۹- تذکره حسن دوست | ۱۰- آتشکده |
| ۱۱- حرا به عامه | ۱۲ |

این کتاب متملس برد کریکبر 'روحیل ویک (۱۰۴۱) شاعر متقدم و متأخر وی حرف اول اسم یا تحلیص -اعرو داد آدر حاجی لطف علی بیگ

اصبانی «شروع شده» محمد یوسف حر و دقاسی تصانیف میثود .

در این کتاب مؤلف تمها بعضی اصلاحات را جمع در یک بی شعرا را فراهم آورده ، اشعار ۱۰ اصلاحی را که در اسب و ابم مطاب را نصرت جدولی تحت عنوانی

- ۱- تحلیص ۲- اسم ۳- سبوحات ۴-

در شاعر که ساعد در زمان وی میریست

در ذیل نام هر شاعری که در هند متولد شد یا بهند آمد در ستون عهد حکومت اسم پادشاهی را که در آن وقت در هندوستان حکومت میکرد نوشته و در مورد شعرای ایرانی که بهند نیامدند اسم پادشاه ایرانی که شاعر در زمان وی میریسته ثبت گردیده است. پسر مؤلف در مقدمه کتاب بعنوان «عرض حال» (بزبان اردو) مینویسد که تذکره های سابق پر از تعریف بی خود شعرا بوده و احوال تاریخی در آن کتب کمتر یافت میشود. برای ترتیب و تألیف این تذکره کار آسانی نبوده است همچنین توضیح داده است که هر گاه احتلاقی در امری وجود داشت مؤلف نظری را قبول کرده است که اکثریت تذکره نویسندگان با آن موافقت داشته اند.

شرح حال شعرای ریر را در حاشیه کتاب سه مقصد تراز سایرین (در سه چهار سطر) آورده است. آرزو حافظ و امیر خسرو و سعدی و صائس و طه پوری و طه پیر فاریابی و عارف تهریری و نعمت خان عالی و عراقی و عرفی و عطار و ناصر علی و مولوی عبداللہ خان موفرخ آبادی (همشهری مؤلف) و عراقی (ملک الشعراء) و عیسی و قاسم انوار و قطران تهریری و شیخ سعدالدین محمود و ملک طبعور و حواحه نصیرالدین طوسی و شاه نعمت اله و ملا وحشی

در ذیل نام شعرای ریر آثارشان را معصل ذکر نموده است. شیخ آدری و آرزو و آراد و شیخ بهائی و تقی اوحدی و ملا لالی و طه پوری

در ذیل نام بعضی شعرای شرح حال معصل تری از ایشان را در پاورقی کتاب نقل کرده است. اما در جمع آوری این مطالب دقت و تحقیق لازم بعمل بیاورده و گاهی مرتکب اشتباهاتی شده است و باین میتوان به محتویات این تذکره کاملاً اعتماد کرد.

مؤلف که در تألیف این کتاب همکار و دستیار پدر بوده بی در مقدمه این کتاب اعتراف نموده است که احوال بسیاری از شعرا در این کتاب با تمام مانده است. سبک انسانی مؤلف ساده و غیر مصوع است اما زبان امروزه ایران فرق دارد.

چاپ

در مطبع انستیتیوت گزت علیگره در اول اکتبر ۱۹۱۶م (مطابق ۳ ذوالحجه

۱۳۴۴ هـ) با اهتمام محمد مقتدی حار شروانی

شرح حال مؤلف

در هیچ کتابی پیامده است

فهرست اسامی شعرا

در هیچ کتاب پیامده حتی در اول یا آخر تذکره چاپ فوق هم مذکور نیست

سخنوران چشم دیده

ابتدا

« حمد میگوئیم آن خالق کون و مکان سخن آفرین را که چها کمال و افضال
به انسان بی بنیان عطا فرموده و دل این حاکی سرسدر مطلع انوار و مقطع تجلیات
کرده »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف مولوی ترک علی شاه ترکی قلندر پور محلی است سلسله نسب
مؤلف بحد واسطه بهردوسی طوسی میرسد . حدش نام آبادان با تهاق لشکر نادر شاه
ارهرات بهد آمده رحل اقامت در لاهور افکنده بغداد پدرش در زمان سیکه ها در شهر
نوره رحل که از مصافات شهر لاهور است اقامت گزید . مادرش که صیه سردار پور محمد
هراتی بود فارسی شعر میسر و دو سپس تدریس در آن حدی را فرنگی و مادرش مادری
مؤلف فارسی بوده . راجع به

روزی پدر مؤلف سخت مریض شد و مادرش بر اثر علاقه فراوانی که بشوهر خود داشت هفت بار دور تخت خواب شوهرش مریض گشت و بخدادعا کرد که اگر عمر شوهر من پایان رسیده است من همه عمر خود را باومی بحشم و همان روز بستری شد و بعد از همت و رفقوت کرد^۱.

مؤلف در حدود سال ۱۲۴۲ هـ در نور محل از مضامین لاهور متولد شد^۲ و تاسی سالگی بتحصیل علوم متداوله پرداخت. پدرش که بیش از صد سال عمر کرد شعر و شاعری را دوست نداشت اما در فهم ععایی اشعار و حل معمی بد طولانی داشت و متواست بهمت زبان صحبت کند و همچنین «همت قلم» خط مینوشت. روزی مؤلف در حضور پدر خود مصرعی بر مصرع یکی از شعرای لاهور سرود و پدرش آنرا خیلی پسندید و در نتیجه مؤلف اجازه داده که پس از آن شعر بسراید.

بعد از تکمیل تحصیلات مؤلف سن سی سالگی (در حدود ۱۲۷۲ هـ) کمر بسیر و سیاحت بست و مدت بیست و دو سال از شهرهای مختلف دیدن کرد و در همین ایام «دیوان گلشن معنی»^۳ و «فرخ نامه» معروف به «راهاین پاریسی» را با مر و فرمایش حاکم نامه (که ریاستی^۴ بود در پنجاب) سرود و والی با به منصی را بعنوان حایره و صله با و اعطا کرد

۱- نایدادعان کرد که از همین قبیل قصه ای در تواریخ هند در نامه مرگه نا بر شاه آمده است میگویند چون همایون پسر نا بر شاه مریض شد نا بر به فرزند خود فوق العاده علاقه داشت هفت بار دور بستروی گشت و بدرگاه خدا دعا کرد که حاضر ست بحای خان پسر جان خود را بفرشته مرگه بدهد و در نتیجه نا بر ساه مریض شد و دیری نگذشت که عمر د و همایون از دست فرشته مرگه خان سلامت برد

۲- چون مؤلف این کتاب را سال ۱۳۳۲ هـ سی بود سالگی تألیف کرد بنا بر این در حدود ۱۲۴۲ هـ متولد شد و چون پدرش در نور محل زندگی میکرد بنا بر این نا احتمال قوی ولادت او در شهر نور محل اتفاق افتاد چنانکه مؤلف خودش را «نور محلی» نوشته است

۳- ناحیه بیم مستقل را در هند و پاکستان ریاست گفته اند ما سد حیدر آباد کن و کشمیر و غیره

مؤلف میگوید که در دمایو (۱۸۶۹-۱۸۷۲ م مطابق ۱۲۸۶-۱۲۸۹ ه) و ایسرای
 هدا و راجگان^۱ هندوستان اورا لقب «ملك الشعرا» دادند.
 همچنین مؤلف ادعا کرده است که در زندگی او شعرای عجم و هند با شعار او
 استاد میگردند.

مؤلف در تصوف دست ارادت بدامن غوث علی شاه قلندر پانی پتی برده و در شعر پارسی
 شاگرد گل محمد خان ناطق مکرانی و شهاب الدین واثق هراتی و مولوی رکن الدین
 مکمل نور محلی که از هر کدام يك بیت در ضمن شرح حال خود بطرز نمونه آورده است)
 و امام بخش صهبائی دهلوی شاعر معروف آن زمان و در شعر ریخته (اردو) از میر علی
 اوسط رشک لکهنوی کسب فیض کرده است. همچنین در ذیل شرح حال عبدالغنی
 عبدو مولوی رکن الدین مکمل نور محلی تقدیم کرده است وی استاد مؤلف بوده اند.
 در آخر عمر دوباره «سودای سیاحت» در سرش افتاد اما این دفعه با «گردون
 بخار دخابی» (قطار) مسافرت کرد. وی در حدود ۱۳۰۵ ه دکن رسید^۲ و آنجا در زمرة
 مدح گویان سلطان دکن (نظام حیدرآباد دکن) درآمد.

در موقیع تألیف این کتاب سن مؤلف نودسال بود اما خودش میگوید: «هنوز تنم
 و دندان مستحکم چون جوانان سی ساله است».

مؤلف با اکثر شعرای معروف معاصر خود مانند مظفر علیحان اسیر و غالب مومن
 و امام بخش صهبائی و نواب شیفته و داغ و غیره آشنا بود و اکثر آنها هم بزم او بودند.
 مؤلف با فن «ماده تاریخ گوئی» علاقه فراوانی داشت و از جمله مصرع «ماده تاریخ
 قوت» شعرای زیر را خود گفته است شایق حیدرآبادی و طوبی حیدرآبادی و طهیر
 بی و مکمل نور محلی و محبوب لاهوری.

۱- نایب اللفظه که از طرف حکومت انگلستان انتخاب

۲- حکام ریاستها. کلمه راجا عالیاً برای حکام هند و اطلاق میشد.

۳- قبل از تألیف این کتاب ۲۷ سال در حیدرآباد دکن بوده و این کتاب در سال ۱۳۳۲ ه

تألیف کرد بنابراین در حدود سال ۱۳۰۵ ه وارد حیدرآباد دکن شد

مؤلف در این تذکره تذکره کرده است که شعرای زیر شاگرد او بوده اند احمد حسین امجد و خواجده جهانگیر علیخان آصف حیدر آبادی و سید نواب جان تمنا ناری و مستحب الدین تجلی حیدر آبادی و محمد امام تائب و دستگیر حسین خان حسینی و سید حسین ذوقی و میر رحمان علی سیف ملقب به سیف الملک (از امرای حیدرآباد) و میر شہامت واعظم علی شایق و نواب ضامن حسین ضامن حیدرآبادی و محمدخان طلعت حیدرآبادی و ابوالدین عتیق و عارف (مؤلف اسمش را فراموش کرده) و حمیظ الدین عمرو و عظیم الدین حسن قبادوسید اسحق محمود حیدرآبادی و غلام بی نظمی و غلام محی الدین نکبت حیدرآبادی و غلام محمد نعیم حیدرآبادی و داود علیحان واقف حیدرآبادی و ولایت علیحان ولایت حیدرآبادی.

از حمله شاگردان مؤلف غلام محی الدین نکبت حیدرآبادی صاحب دیوان فارسی بوده است و میر رحمن علی سیف در موقع تألیف این کتاب هفتاد ساله (از همه شاگردان مؤلف مسن تر) بوده و اکثر بقیه شاگردان مؤلف جوان بودند

اولاد مؤلف

مؤلف در این تذکره اسم فتح محمد قیصر پسر ارشد و بسماله بیگم عصم دختر بزرگ و خیر النساء بنت دختر کوچک را ذکر نموده است که هر کدام از آنها فارسی شعر میسروده اند و از آنها چند بیت نقل کرده است. سن پسر ارشد وی بوقت تألیف این کتاب چهل سال بود. معلوم نیست که مؤلف فرزندان دیگر هم داشت یا خیر

آثار مؤلف

چنانکه خودش در این تذکره شرح داده است بقره زیر است.

- ۱- فرخنامه معروف به «راما بن پارسی» ۲- دیوان فارسی بنام «گلشن معنی»
- ۳- ساقی نامه
- ۴- مشوی گلزار محبت
- ۵- رساله بدر حسین (بشعر)
- ۶- مشوی صورت سرمد
- ۷- سروالناظرین (شر)
- ۸- گلستانک ترکی (نثر)

- ۹- دیوان «سرمایه‌پیری»
 ۱۰- مثنوی طول امل
 ۱۱- مثنوی شکرآب
 ۱۲- مثنوی بازو زیبا (بازو بیاز)
 ۱۳- تذکره «سحوران چشم دیده»- تذکره مورد بحث
 ۱۴- نسخه موسوم به «پسمانده» مجموعه اشعاری که بعد از طبع دو اوین نزد بعضی احباب پیدا شد

۱۵- مثنوی ترانه‌حق^۱

تصریح بر کتاب

مؤلف این کتاب در حیدرآباد دکن در زمان میر عثمان علیخان نظام حیدرآباد دکن سال ۱۲۳۲ هـ تألیف نمود و در خاتمه قطعه ای آورده است که سال اتمام تألیف کتاب را می‌رساند

این قصه دراز گشت کم کن

نامش کردم «ترانه حق»

گیرا عدد کلام اشعار (= ۱۲۳۲ هـ)

ترکی به کنون روان قلم کن

شد حتم چون این سانه حق

سالش ر «فروغ ماه» بشمار

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح میدهد. در عین شباب اشعار

استادان و شاعران چشم‌دیده (را) بهر ار محنت جمع کرده می‌خواستم که تذکره (ای)

مرتب کنم لیکن افسوس صد افسوس که آن همه سرمایه در غدر دهلی غارت

شد از این حادثه دلم چنان سرد که باز (دیگر) نخواستم که باز دیگر سامان فراهم

کرده بقلم آرم چرا که در ایام خوانی اشعار محضان که یاد بودند درین سن

بود سائگی چنان از یاد محو شد که هر چند فکر می‌کنم شعری (بیتی) کجا که نیم

مصرعه هم ندانم نمی‌آید مگر (اما) دل شیدا شور و رقتناضای تحریر تذکره (ای)

۱- صفحه «پسمانده» و مثنوی «ترانه‌حق» را مؤلف در آخر کتاب «سحوران چشم»

دیده» صمیمه کرده است

۱- شورش معروف هند علیه استعمار انگلیسها که در ۱۸۵۷ میلادی مطابق ۱۲۷۴ هـ

روی داد اما نكوشش انگلیسها ناکام شد.

می‌کرد. لاچار (ناچار) مستعد قدم»

این تذکره مشتمل است بر ۲۳۰ شاعر معاصر مؤلف بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر.

مؤلف در حاتم کتاب این قطعه را در همین معنی آورده است

چو بعد از ستمن این سلک ترکی در نام سخن سنجان شمردم
بد داله کز اول تابه آحر بد کز دوصد وسی راه مردم

مؤلف (چنانکه خودش در دیباچه کتاب توضیح داده است) در این تذکره تنها ذکر شعرائی را آورده است که بیچشم خود آنها را دیده و با آنها ملاقات کرده است و اکثر آنها «هم مردم» او بوده و به فارسی شعر میسروده اند همچنین بعضی از آنها شاگرد مؤلف بودند.

این تذکره «با نواب میر محبوب علیخان آصف سلطان (بطام) دکن» شروع شده با «یاورالدین یاور» تمام میسود تعریفاً تمام افراد مذکور در این تذکره یا اهل حیدرآباد دکن بودند یا آحاد در خدمت بطام دکن بودند اما نواب کلب علیخان والی رامپور و چند نفر دیگر را استثنائاً ذکر نموده است

مؤلف در این تذکره توضیح داده است که وی از صحبت بعضی اساتید سخن قبض برده اما عمداً بذکر احوالشان پرداخته زیرا که تذکره نویسان دیگر قبل از او شرح احوالشان را نوشته اند مانند مظهر علیخان اسیر و غالب و مومن و امام بخش صبهائی و مناطق مکرانی و واقع هر اتی و نواب سیف و غیره

همچنین درباره بعضی شعرا مانند صامس علی حلال لکهنوی و کمال حلف حلال و امیرالدین سلیم و شوق بیگموی و انوار دهلوی و عنی رامپوری و سمنار لکهنوی و غیره که این مؤلف آنها بودند نسیب کرده نام بعضی از آنها اکتفا کرده چون از اشعارشان حدی بدست او بر سیده بود

این تذکره از قد کدهای مؤرخ فارسی است و از این حیث خیلی مهم است چون شعرائی که در حیدرآباد دکن در اوایل قرن چهاردهم هجری میریسته اند و

دکرها در این تذکره آمده است اتفاقاً ذکر اکثرشان در هیچ تذکره دیگر نیامده است

از این تذکره معلوم میشود که حتی تا اوایل قرن چهاردهم هجری در حیدرآباد محل شعر و شاعری هنوز گرم بود و هنور شعرائی وجود داشتند که شمع شعر فارسی را مخصوصاً در حیدرآباد کین فروران بگه داشته بودند و بعضی از آنها بفارسی دیوان داشتند چنانکه مؤلف در این تذکره در ذیل افراد زیر در این خصوص تذکره داده است.

نواب کلب علیخان والی رامپور و غلام محی الدین حکمت حیدرآبادی و مولوی عبدالواحد، واحد حیدرآبادی و میرزا هادی ملقب بدوزیر جنگ حیدرآبادی در ذیل نام اکثر شعرا در یک دو سطر از آنها یاد کرده و یک دو بیت از آنها نقل کرده است

در ذیل شعرای زیر هماده تاریخ وفات آنها را نقل کرده است که از روی احد سال فوتشان را میرساند نواب میر محبوب علیخان آصف و حطال الدین پاشا و داع دهلوی و اعظم علی سابق حیدرآبادی و خوبی سوشتری و طایر دهلوی و مولوی رکن الدین مکمل نور محلی و محبوب لاهوری و وانه حیدرآبادی

تبعاً اسعار و شرح حال افراد زیر را معصل آورده است نواب میر محبوب علیخان آصف و مولوی عبدالجبار آصفی و مراد علی و آوار اله ابهر و میر میرزا علی و نواب آبر و آفت حیدرآبادی و سر حیدرآبادی و گردخوری در شاد رقی و قمر کی (مؤلف) و مولوی تقی بدیوانی و حسامی حیدرآبادی و داع دهلوی و زاین حیدرآبادی و محمد میران سب و غلام محمد عرب سدیق و اعظم و علی سابق و صبر اوزگ آبادی و سید محمد صامن و غلامی حیدرآبادی و عسوق حیدرآبادی و عصر حیدرآبادی و میر عبد علیخان و داع حیدرآبادی و قاصد حیدرآبادی و قیصر سر ارشد مؤلف و کیمی حیدرآبادی و محوی فتح پوری و میرزا شاد احمد قدسی و نواب غلام

۱- مؤسس در قد معروف زقادی، در جلد سیزدهم که در مقدمه قدسی به شرح مرعیه بود نیز نام او را در حقیقت تعریف کرده است.

معجوب سبحانی محبوب لاهوری و مولوی جمال الدین نوری حیدرآبادی و ساطم حیدرآبادی و والہ حیدرآبادی و ولحیدرآبادی و واجد حیدرآبادی و ہادی حیدرآبادی۔

در ذیل شرح حال بعضی شعرا فقط سن آنان را در موقع وفات ذکر کرده اسما سال وفاتشان را نیاورده است مانند امیر مینائی و حمیر و غیره۔

همچنین سن بعضی شعرا را بوقت ملاقات با خود آورده است اما غالباً سال آن ملاقات را ذکر نکرده است رجوع شود به نام تفته و تمیر و چالاک و حادق ایرانی و خیر عظیم آبادی و دکا حیدرآبادی و سایل و شبلی نعمانی و صافی شیرازی و یاور خرابی و یسار لاهوری

در ذیل شرح حال شعرای ریرسشان را چنانکه از دیدن معلوم میشود آورده است: صغیر دهلوی و عالی حیدرآبادی و فیروز لاهوری.

در ذیل نام بسیاری از شعرا سنشان را بوقت تألیف این کتاب آورده اسما مانند امجد و تمنا و تجلی و غیره

مؤلف اشعار شعرای زیر را بدست میا آورده است و بنا بر این تنها بد کراسامی و گاهی شرح حال مختصر آنها اکتفا نموده است ادیب دهلوی و سخی حیدرآبادی و شیدا لکهنوی و شیفته کتوری و ضامن لکهنوی و نظم لکهنوی.

مؤلف در ضمن شرح حال بعضی شعرا برخی حکایت های جالبی نقل کرده است: رجوع شود به ذکر آصف و حسین میان و داغ دهلوی و طویبی.

از همه حال تر شرح حال اسماعیل است که بقول مؤلف «ارقوم احنه» بوده و در ذیل نام او مؤلف شرح حال عجیبی آورده است

مؤلف در ذیل نام شعرای ریر بایر ادتی که دیگران بر اشعار آنها گرفته اند جواب داده و برای اثبات قول خود دلایل و اسنادی از اشعار شعرای دیگر آورده است رجوع شود به بشر و باقی و ترکی (مؤلف) و جمیل و حلیل (حلیل حسن) و حادق و حالی و دکا و شاد و شوق (غلام محمد عرب) و صافی و ضیاء و مهیم و وزیر و والہ و

و خودی اکثر این ایرادات از ناصر اصفهانی است که مؤلف دگرش را در ذیل نام ناصر آورده است.

سبک انشای مؤلف

این کتاب به فارسی افغانی نوشته شده است و زبان آن با فارسی ایرانی امروز خیلی فرق دارد و مؤلف بعضی اصطلاحات را بکار برده است که در ایران امروز معمول نیست اما سبک وی ساده و زبان او سلیس و خالی از تصنع است. رویهمرفته این تذکره از حیث اینکه بسیاری از شعرا که در این کتاب دگرشان آمده است در کتب دیگر از آنها یاد نشده دارای ارزش و اهمیت میباشد و تیر علاقه اهل هند را نسبت بر زبان فارسی نشان میدهد که حتی قریب صدسال بعد از تسلط انگلیسها باین زبان شعر میسرودند و هنوز بعضی امرای نوابان در هند از شعرای فارسی تشویق و تقدیر میکردند و حتی خودشان هم باین زبان شعر میسرودند مثلاً رجوع شود به میر محبوب علیخان نظام دگر و حسین میان نواب قصبه ما سگرو و نواب جعفر حسین خان و میر رحمن علی سیف الملک و مهاراجا کشن پرشاد و نواب میر صعه اله خان حیدرآبادی و نواب عزیز یار جنگ از امرای حیدرآباد و نواب کلب علیخان والی رامپور که به فارسی شعر میسرودند حتی بعضی از شعرای فارسی که در این تذکره دگر شده هندو بودند رجوع شود به راجا نیم چند رام احقرو بحرنگ پرشاد برمی و گوپال سپای تخته و بهاری لال زمر و مهاراجا کش پرشاد شاد و سورج بهان میکش و گوری شنکر مجدوب و یک نفر جهود بنام اسحاق (که اصلاً از نواحی مصر بوده) و به فارسی شعر میسرود

چاپ

مطبع شمس الاسلام (حیدرآباد دگر) ۱۳۳۲ هـ

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به «سحنوران چشم دیده».

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به «سحنوران چشم دیده» چاپ (حیدرآباد دگر) ۱۳۳۲ هـ

فصل چهارم

از سال ۱۳۹۰ میلادی مطابق ۱۳۴۹ هـ تا حال

ملاحظات عمومی

در

فصل چهارم (۱۳۴۹ هـ - تا حال)

اوضاع سیاسی شبه قاره هند و پاکستان در این دوره

این دوره در تاریخ سیاسی شبه قاره هندوستان اهمیت فوق العاده‌ای دارد چون در همین دوره بهضت آزادی هندوستان تکمال رسید و سال‌آحره در نتیجه کوشش و حدیب مداوم اهالی شبه قاره مر نور پادشاه انگلستان آن سرزمین موافقت کرد اما طبق تصمیم مردم آک کشور و سران حرب کنگره و مسلم لیگ که سرتیب رهبری هندوان و مسلمانان هندرا دهنده داشتند شبه قاره مر نور به صورت دو مملکت حدید در آمد و طبق اعلامیه استقلال صادره از طرف سلطنت انگلستان یکی از این دو مملکت حدید نام پاکستان در روز ۱۴ اوت ۱۹۴۷ م مطابق ۲۷ رمضان ۱۳۶۶ هـ و دیگری نام هندوستان یا «بهارت» در روز بعد یعنی ۱۵ اوت ۱۹۴۷ مطابق ۲۸ رمضان ۱۳۶۶ هـ مستقل شدند و با موافقت حرب کنگره فرمانروای کل هندوستان لرد ماونت باتن^۲ که قبل از استقلال نیز از طرف انگلیسها فرمانروای

Governor - General ۱

Lord Mountbatten - ۲

کل هندوستان بود اعلام شد اما از طرف حزب مسلم لیگ محمدعلی جناح مؤسس پاکستان اولین فرمانروای کل آن کشور انتخاب شد

تذکره نگاری در این دوره

این آخرین دوره تذکره نویسی فارسی است. تمام تذکره‌های فارسی که در این دوره در شبه‌قاره هند و پاکستان نوشته شده نویسندگان محلی ترتیب داده‌اند و هیچکدام از آنها ایرانی نبوده‌اند. باید توجه داشت که دستاویز بهائی ایرانی مؤلف «شعرای عصر پهلوی» با اینکه اسم خانوادگی ایرانی است معدلتاً پارسیان هند می‌باشد که اجداد وی بعد از فتح ایران بنسب عربها بهند مهاجرت کرده و قربانها است در آن سرزمین سر می‌برد و بنابراین نمیتوان آنها را جزو ایرانیها حساب کرد

در این دوره چهار تذکره در هند و پاکستان تألیف شده است یکی از آنها «رساله» دکتر ندیر میرزا برلاس درباره شعرای فارسی زبان پشاور بوده است که وی برای دکترای داسکند ادبیات تهیه نموده است یکی دیگر از این تذکره‌ها کتابی نام «سجوران ایران در عصر حاضر» اساس «رساله دکترای» دکتر محمد اسحق بوده است که مشارالیه بعد از دانشگاه لندن گرفته است

از میان تذکره‌های این دوره دو کتاب نام **سجوران ایران در عصر حاضر و شعرای عصر پهلوی** راجع شعرای معاصر ایران و یکی دیگر نام **تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر** درباره شعرای متأخر کشمیر و آخرین آن نام «شعرای فارسی زبان پشاور» درباره شعرای متأخر و معاصر پشاور است. چنانکه واضح و لائح است هیچکدام از این تذکره‌ها «عمومی» نیست یعنی راجع بشعرای متقدم و متأخر فارسی است، تخصیص بکشور و نوع شعر نیست بلکه اول دو تذکره راجع شعرای ایران و سومین تنها راجع شعرای کشمیر و چهارمین تنها درباره شعرای پشاور می‌باشد

سبک انشای تذکره نویسان این دوره

یکی از محتصات تذکره‌های این دوره سبک انشای آنست تمام این تذکره‌ها به سبک انشای حدید فارسی تألیف شده‌اند که تقریباً یک قرن پیش در ایران معمول شده است. باید ادعا کرد که تاسوات اخیر در هند و پاکستان همان سبک قدیم فارسی رواج داشته است و حتی تذکره‌هایی که در آخر دوره سابق در شبه قاره هند و پاکستان تهیه شده‌اند هیچکدام به سبک حدید فارسی نبوده‌اند. علت آن بی‌اطلاعی مردم شبه قاره مرزور از تحول و تغییری که در ایران در زبان فارسی رخ داده بوده است.

علت اساسی این تحول در سبک انشای تذکره نویسان این دوره در شبه قاره هند و پاکستان تماس بر دینی است که بعد از مدتی دوباره از اواخر زمان انگلیسها بین ایرانیها و اهالی هند و پاکستان شروع شده است مخصوصاً بعد از استقلال پاکستان و هندوستان در روابط آن دو کشور با ایران تحول محسوسی روی داده است و رف و آمد مردم هند و پاکستان با ایران بیش از پیش صورت میگیرد و بهمین علت نویسندگان شبه قاره هند و پاکستان با تحولات جدید ادبیات فارسی آشنا شده و کتابهایی را جمع‌نویسان حدید فارسی تألیف نموده‌اند و سبک آنها هم تغییر یافته به سبک حدید فارسی ایران مطابق پیدا کرده است.

اینک بشرح مفصل تذکره‌های فارسی که در شبه قاره هند و پاکستان در این دوره تألیف شده است میپردازیم

سخنوران ایران در عصر حاضر

ابتدا

بسمه تعالی - مقدمه - کشور باستانی ایران یکی از ممالکی است که
از لحاظ شعر و ادب با ممالک معظم امروزه جهان برابری میکند.

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف (الحاج دکتر) محمد اسحق و اسم پدرش (الحاج) عبدالرحیم است
مؤلف در حدود سال ۱۸۹۸ م^۱ (مطابق ۱۳۱۶ هـ) در کلکته ندیا آمد^۲ و در ۱۹۲۱ م
(۱۳۴۰ هـ) از دانشگاه کلکته لیسانس علوم (B. Sc.) گرفت و دو سال بعد
در ۱۹۲۳ م (۱۳۴۲ هـ) از همان دانشگاه با انگلیسی و اردو لیسانس (B. A.) گرفت و
در همان سال (۳) ^۳ ناخذ فوق لیسانس بر بن عربی توفیق یافت در میان کلیه دانشجویان
فوق لیسانس در دانشگاه کلکته معام شاگرد اول را حایر شد و بنا بر این از طرف
دانشگاه مر بور مدال طلا و حایره ای بوی اعطاشد

مؤلف برای مدت یکسال تحصیلی ۲۶-۱۹۲۵ م (۱۳۴۴-۴۵ هـ) در دانشگاه
داکا (که امروز جروپاکستان شرقی است) در شعبه عربی و علوم اسلامی ایستان^۴

۱- استوری در ج ۱ ص ۹۲۱ سال ۱۹۰۰ م نوشته شده است اما خود آقای دکتر اسحق
در شرح حالی که برای نگارنده ارسال فرموده اند متذکر شده که سال تولدشان ثبت شده
اما از روی آرشیو دفتر دانشگاه کلکته سشان ۶۴ سال میباشد

۲- ر ک. استوری ج ۱ ص ۹۲۱

۳- در شرح حالی که آقای دکتر اسحق برای نگارنده فرستاده اند سال ۱۹۲۳ م ذکر
شده است که ظاهراً اشتباه ماشین نویس است و باید فوق لیسانس را اقل دو سال بعد از لیسانس
در ۱۹۲۵ گرفته باشند.

(دبیریار) بوده و سپس مدتی در دانشکده اسلامیة (که امروز «دانشکده مولانا آزاد» نام دارد) دبیر عربی و فارسی بود. از اول مارس ۱۹۲۷م (۲۵ شعبان ۱۳۴۵ هـ) برای تدریس در کلاس فوق لیسانس در دانشگاه کلکته بسمت دبیری و بعداً در سال تحصیلی ۲۹-۱۹۲۸م (۹-۱۳۴۸ هـ) در همان دانشگاه در شعبه لہجہهای محلی هند بسمت دبیری اردو انتخاب گردید و در کلاس فوق لیسانس تدریس میکرد و در همان سال در کلاسهای فوق لیسانس ربانسانی تطبیقی (گروه ایرانی) نیز تدریس کرده و مدتی در دانشگاه سابق الدکر در شعبه تاریخ و تمدن اسلامی تاریخ ممالک اسلامی (ایران نو) را تدریس میکرد. اکنون وی در دانشکده ادبیات دانشگاه کلکته در شعبه عربی و فارسی سمت دانشیاری^۱ را دارا است و دوبار ریاست شعبه مروریار هم به عهده داشته است.

وی نخستین بار در ۱۹۳۰م (۱۳۴۹ هـ) با ایران آمد و در مدت شش ماه که اینجا اقامت داشت نقاط مختلف این کشور مسافرت نموده و اطلاعاتی درباره زبان و ادبیات فارسی حدید و لہجہهای مختلف ایرانی بدست آورد. همچنین با اکثر شعرا و ادبای معروف ایران آشنا شده و اطلاعاتی درباره شرح احوال زندگانی آنها کسب نموده و آثارشان را جمع آوری نمود و جلد اول کتابی را درباره آنان نام «سحوران ایران در عصر حاضر» (تذکره مورد بحث) تألیف نموده و در ۱۳۵۱ هـ طبع رسانید.

مؤلف دوباره در ۱۹۴۳م (۱۳۵۴ هـ) بدعوت دولت ایران باین کشور آمد و در حین هر آره فردوسی که در تهران و طوس برپا شد شرکت کرد. بعد از مراجعت از ایران جلد دوم کتاب «سحوران ایران در عصر حاضر» را تألیف نمود و در ۱۳۵۵ هـ طبع رسانید.

همچنین وی بعراق هم مسافرت کرد و از مراکز مدهمی و تاریخی آن کشور دیدن کرد.

در سال ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ م (۱۳۵۷-۵۸ هـ) بورس تحصیلی «گهوس» از طرف دانشگاه کلکته بوی پیشنهاد شد و وی با انگلستان رفت و در ۱۹۴۰ م (۱۳۵۹) اردابشگاه لندن دکتراى فارسى گرهت موضوع رساله دکتراى وی «شعرو شعرای ایران جدید» بود که با موضوع کتابی که قبلاً تألیف کرده بود تقریباً یکی بود وی در این مسافرت از مراکز فرهنگی ایتالیا و سوئیس و فرانسه و انگلستان نیز بازدید نمود

در طی مدتی که مؤلف در دانشگاه کلکته تدریس مینماید وی چندین نثر در کار تحقیق و تنوع ادبی راهمائی نموده است چنانکه دکتر محمدرفاقت اله رساله دکتراى خود را در باره «خاقانی شرح حال و آثار او» راهمائی او نوشته و ماحد دکتراى فارسى اردابشگاه پنجاب توفیق یافت و آقای عبدالسبححان «تاریخ نواب علی وردی خان» را راهمائی او بفارسى ترتیب داد و این کتاب از طرف انجمن آسیائی (بنگال) کلکته در دست چاپست

همچنین دوشیره کلثوم حللیل فعلا در باره تدکره «ریاض الشعرا» راهمائی او مشغول تحقیق است و دوشیره حس بانو نیز تحت راهنمائی او مشغول تدوین و گردآوری «دیوان شرف الدین شعروه» میباشد همچنین وی از طرف دانشگاههای علیگره و پتیه رساله دکتراى چهار نثر دانشجو را بعنوان ممتحن مورد سنجش قرار داده است

مؤلف غیر از انگلیسی قدری بازبان فراسه هم آشناسب

در ۱۹۳۴ م (۱۳۵۴ هـ) دولت ایران بعنوان تقدیر از وی برای تألیف کتاب «سخنوران ایران در عصر حاضر» نشان علم و نظر خدمات وی در راه تشدید روابط علمی و فرهنگی بین ایران و هندمدال طلائی «نشان سپاس» را در ۱۹۵۹ م (۱۳۷۹ هـ) بوی اعطا نمود.

مؤلف عضو کمیته دکتراى دانشگاه کلکته و فاکولته ادبیات دانشگاه علیگره

و مؤسس و دبیر «انجمن ایران» می‌باشد و همچنین با چندین دانشگاه بیروابط فرهنگی دارد - وی در ۱۹۵۹ م (۱۳۷۹ هـ) بصورت معاون آسیائی (بنگال) کلکته انتخاب شده و انجمن دبیر آن انجمن (قسمت زبان‌شناسی) می‌باشد

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

- ۱- سخنوران ایران در عصر حاضر - تذکره مورد بحث
- ۲- شعر حدید فارسی - (با انگلیسی) - در ۱۹۴۳ م (۱۳۴۳ هـ) در کلکته چاپ شد
- ۳- چهار رن شاعر بزرگ ایران - (با انگلیسی) - در ۱۹۵۰ م (۱۳۷۰ هـ) چاپ شد .
- ۴- فهرست سح خطی عربی در کتابخانه انجمن آسیائی (بنگال) کلکته - در ۱۹۵۱ م (۱۳۷۱ هـ) چاپ شد
- ۵- روصات الحنات فی اوصاف مدینه‌الهرات - تألیف معین‌الدین اسراری (۱۴۹۲ هـ) این کتاب تصحیح آقای دکتر اسحق در ۱۹۶۱ م (۱۳۸۱ هـ) از طرف دانشگاه علیگره طبع رسید
- ۶- همب اقلیم تألیف امین احمد راری - تصحیح وی در حدود ۵۰۰ صفحه از طرف انجمن آسیائی (بنگال) کلکته در دست چاپ است
- ۷- مجله انجمن هندو ایران - این مجله از طرف شورای روابط فرهنگی هند از ۴ سال پیش بر زبان انگلیسی و فارسی (در یک جلد) با نظارت او از دهلی بومنتشر میشود. همچنین مقالاتی در موضوعات مختلف در مجله‌های متعدد از وی چاپ شده است.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را سال ۱۳۴۹ هـ آغاز نموده و جلد اول آن را سال

۱۲۵۱ هـ و جلد دوم را سال ۱۳۵۵ هـ در دهلی طبع رسانیده است

در مورد سبب تألیف کتاب مؤلف در مقدمه کتاب (بربان فارسی) چنین توضیح داده است:

«در تابستان ۱۳۰۹ ش (مطابق ۱۳۴۹ هـ) برای مطالعه زبان و ادبیات و رسی از بزرگان از هندوستان بایران رفتم و مدت شش ماه در تهران و نقاط دیگر اقامت هسته روزگاری خوش مصاحبت داشتم بدان و نویسندگان و ادبای طراز اول سرزمین سعدی و فردوسی گذراندم (و) از حرم علم و ادب حوشه‌ها چیدم و توسه‌ها گرفتم با اینکه در کشور گلوبل «بوی گلم چنان مست کرده بود که دامم اردست رفته بود» در خاطر ماند که ازین بوستان مردوستان را تحفه آورده و به وطنان کسانیکه بربان ملیح فارسی آشنائی دارند ارمغانی دهم»

مؤلف اسم مأخذ را در مقدمه یا خاتمه کتاب بیاورده اما در متن کتاب در ذیل شرح حال شعرا اسم کتدریر را ذکر نموده است که از آنها در تألیف این کتاب استعاده کرده است:

- | | | |
|--|---|-------------------------------------|
| ۱- محله آینه | ۲- محله ارمغان | ۳- محله ایران |
| ۴- محله بهار | ۵- محله داشکده | ۶- محله بسکدان |
| ۷- محله بوبهار | ۸- محله ایرانشهر | ۹- محله کابل (افغانستان) |
| ۹- روزنامه نسیم شمال | ۱۱- روزنامه صور اسرافیل | ۱۳- روزنامه بهار |
| ۱۲- روزنامه طوفان | ۱۴- حریده «آوار تاحیک» (سمرقند) | ۱۵- حریده امان |
| ۱۶- کابون شعرا | ۱۷- حدایق السحر تألیف رشیدالدین و طواط مرتبه عباس اقبال | ۱۹- تاریخ ادبیات ایران - دکتر براون |
| ۱۸- سیاحت نامه - حواحه علام الثقلین (هندی) | ۲۱- بحر محیط تألیف دانش | ۲۲- باغ بهشت - سید اشرف الدین |
| ۲۰- مطبوعات ایران - دکتر براون | ۲۳- دیوان امیری | |

- ۲۴- دیوان عارف
 ۲۵- دیوان عشقی
 ۲۶- محرن لالی- شیاب کرمانشاهی
 ۲۷- منتخبات آثار- محمدصیاهشت-نرودی
 ۲۸- گلهای ادب- میرزا حسین خان
 ۲۹- حردنامهٔ حاودان - دکتر
 اعلم الدوله ثقی
 ۳۰- لالی ادب- چاپ معنی
 ۳۱- فارسنامه مصری- شوریده شیرازی
 ۳۲- تحفة الحسیه - حسین قلی خان سلطان کلهر

ارحمله کتب فوق مؤلف ارحمله ایران وارمعان از همه بیشتر استعاده کرده
 واکثر مطالب و اشعار شعرا را از این دو محله نقل کرده است.

این تذکره مشتملست بر دو جلد - جلد اول در کرسی و سه شاعر و جلد دوم در
 پنجادویک شاعر را بترتیب العنا شامل است و بدین ترتیب تعداد کلیه شعرای این
 تذکره ۸۴ میباشد اما اسم خام پروین اعتصامی بعد از جلد اول در جلد دوم هم تکرار
 شده است و بنا بر این عده کل شعرای این تذکره ۸۳ میباشد

در مورد علت این تکرار مؤلف در مقدمه جلد دوم بهاری چنین توضیح

داده است

«شرح حال و نمونه اشعار خام پروین اعتصامی را در مجلد اول نگاشتیم ولی
 باقتضای زمان طبع تصویر خام را احارت نداشتیم - بهضت بانوان ایران و آزادی آنان
 ارقید پرده و حجاب ناطع این کتاب تصادف کرد و ما بهتر آن دیدیم که در این
 موقع عکس خام (پروین) را انتشار دادیم دیگر بار قسمتی از اشعار این خام را بشمند
 را اردیوان او که از حسن اتفاق در این موقع بطبع رسیده اقتباس و درج کنیم. تصویر
 خام پروین تا کنون در هیچیک از حراید و مجلات ایران و ممالک خارجه گراور
 نشده است»

در جلد اول ذکر تنها یک شعر (پروین اعتصامی) و در جلد دوم ذکر دو
 تن از زبان شاعر (پروین اعتصامی و حست فصل بهار خام ملقب با ایران الدوله)
 آمده است

۱- اما ذکر ملك الشعرا «بهار» را بحای ردیف «ب» در ردیف «میم» آورده است.

جلد اول کتاب با «ادب پیشاوری» شروع شده با «یاسائی» پایان میپذیرد و جلد دوم با «آزاد» شروع شده با «یکتا» تمام میشود

بعضی مرایا و مختصات این تذکره معراری را سب

۱- شعرائیکه در این کتاب از آنها نام برده شده به دوره مشروطیت بعد تعلق دارند و از این حیث اولین تذکره بردگی است از شعرای حدید فارسی و میتوان آن را بهترین و جامع ترین تذکره شعرای معاصر قلمداد نمود.

۲- در ایران از دوره مشروطیت ساختن تصایف و سرودها و غیره رواج یافته و تا حدی ادبیات ایران را شکل ادبیات اروپا در آورده است. بعضی از تصایفی که ملک الشعرا بهار ساخته و همچنین برخی از تصایف عارف قرینی که به عقیده مؤلف بهترین نمونه از این قسمت شعر حدید فارس میباشد برای اولین دفعه در تاریخ شعر فارسی در این تذکره انتخاب شده است

۳- در دیل نام هر شاعر عکس او بر آمده است^۲ جلد اول عکس سی و دو تن شاعر و جلد دوم عکس پنجاه و یک تن شاعر و شاعره را شامل است که جلد اول تنها عکس خاتم پروین را علتی که در سطور فوق ذکر شد شامل نیست اما در جلد دوم عکس او هم آمده

۱- ظاهراً قبل از این تذکره چند تذکره دیگر نیز درباره شعرای معاصر فارسی (عصر پهلوی) تألیف شده است و لذا این کتاب را میتوان اولین تذکره شعرای فارسی حدید گمت اما این اولین تذکره بردگی است که در باره شعرای معاصر تألیف شده است و هیچکدام از تذکره های سابق نمیتواند از این حیث با این تذکره برابری و رقابت کند در سالی که جلد اول این تذکره چاپ شد (۱۳۵۱ هـ) تذکره دیگری نیز بنام «شعرای عصر پهلوی» از سنئی چاپ شد اما آن تذکره هم نمیتواند رقیب تذکره دکتر اسحق بشود

۲- در این قسمت بر اولیت صیب این تذکره شده بلکه قبلاً نیز تذکره هایی مانند تذکره محدیه تألیف میرزا ابراهیم مشی در صفر ۱۳۰۳ هـ در زمان ناصرالدین شاه با تمثال شعراء چاپ شده است.

- ۴- برای اولین دفعه در ادبیات فارسی مؤلف سه‌های موسیقی را از بعضی شعرا آورده‌است. در جلد اول دو مضمون موسیقی از حسام‌زاده پاران‌گاد و در جلد دوم يك نت از امیری ادیب‌الممالک آورده‌است که در هیچ يك از تذکره‌های فارسی بیامده‌است.
- ۵- مؤلف در انتخاب اشعار شعرا خیلی دقت ورزیده و سعی کرده است بهترین اشعار گویندگان معاصر را در این کتاب انتخاب نماید.
- ۶- در حاشیه کتاب بعضی کلمات مشکل را مخصوصاً از فرانسوی که شعر فارسی جدید بکار می‌رود یا بعضی شعرا تماماً در شعر خود آنرا آورده‌اند توضیح داده است. رجوع شود بنام روحانی علامه رضاص ۱۱۵ و ۱۲۲ و عشقی ص ۲۲۶ و ۲۳۴ و ۲۴۷ و قلم ص ۲۹۰ و غیره.
- ۷- همچنین درباره اشاراتی به بعضی وقایع تاریخی که در بعضی اشعار شعرا آمده‌است در حاشیه شرح داده‌است. رجوع شود بنام اشرف‌الدین اشرف ص ۱۴۸ و ۱۵۰ و عارف‌قروینی ص ۱۹۸ و ۲۰۴ و قرات ص ۲۸۷ و فرهنگ ص ۳۳۹ و ملك الشعرا بهار ص ۳۶۳ و (در جلد دوم) حکمت ص ۱۱۴.
- ۸- درباره بعضی اسامی شعرا و نویسندگان و رهبران و بررگان ملل که در بعضی اشعار شعرا آمده‌است در پاورقی توضیح داده‌است. رجوع شود به (جلد اول) ملك الشعراء بهار ص ۳۶۱ و (جلد دوم) افسر ص ۳۲ نامداد ص ۶۹ و بیشتر ص ۸۱ و پژمان ص ۹۸ و ۱۰۲ و قلم ص ۸-۲۹۷ و عارف‌قروینی ص ۳-۱۹۲ و وحید دستگردی ص ۳۹۶.
- ۹- مؤلف در دلیل شرح احوال اکثر شعرا اطلاعات ریز را درباره هر کدام از آنها نداده‌است. اسم و نسب و مولد و موطن و سال ولادت شاعر و تحصیلات و مشاغل ادبی و فرهنگی و سال وفات (در صورتی که وی فوت کرده باشد) و خصایص و پایه ادبی و عقاید بعضی ناقدین بررگ ایران معاصر درباره او و آثار او و بهترین اشعار منتخب از او.
- ۱۰- مؤلف در دلیل معده انگلیسی کتاب شرح حال مختصر پنهان‌ویک تن شاعری که در آن جلد از آنها نام برده شده‌است بر نان انگلیسی بر آورده‌است.

۱۱- مؤلف با اکثر شعرا ملاقات کرده و بعضی اطلاعات را از خودشان گرفته و در بعضی مسائل با آنان صحبت کرده است و همچنین شرح حال اکثر شعرا را یا از خودشان گرفته یا از بعضی محلات معترف و مهم فارسی اقتباس کرده است و این حیث شرح حال شعرا مورد اعتماد و اعتبار میباشد.

۱۲- مؤلف در انتخاب اشعار سعی کرده است به قطع بهترین اشعار شاعر را در این تذکره گنجانده بلکه از انواع شعریکه شاعر در آن طبع آزمائی نموده است در این تذکره استجانی از آن آورده باشد.

۱۳- برای اولین دفعه مؤلف با جمعیده خودش شعرا را سه طبقه تقسیم کرده است بقراریزیر.

اول- آنهاییکه بسبب طرز قدما شعر میگویند و تقریباً مضامین گذشگان را تکرار میکنند مانند ادیب پیشاوری

دوم- آنهاییکه مضامین و افکار تازه را بهمان اورایی که اساتید زبان فارسی از متقدمین بدان شعر سروده اند بکار میبرند و نمونه کامل این طبقه ملک الشعرا بهار بوده است.

سوم- آنهاییکه در تحدید خواهی افراط کرده و باوران حدیده قایل گردیده و بدان اشعاری سروده اند مانند عارف قزوینی و غیره

هریک از طبقات فوق از روش و سبک دیگران انتقاد میکند ولی مؤلف بدون هیچگونه ملاحظه و نظری از هر طبقه قسمتی از اشعار را انتخاب کرده است تا خوانندگان این تذکره بدین وسیله بکلیه اسلوب و سبکهای متداول فارسی آشنا شوند اما از طبقه اخیرالد که کمتر اشعار را انتخاب نموده است

مؤلف در مورد انتخاب شعرا در مقدمه جلد دوم چنین توضیح داده است.

«ما در انتخاب اشخاص نظر خاصی نداشته ایم و سعی کرده ایم کلیه شعرای

معاصر را که در دبای شعروادب نام و معروفی دارند در این کتاب (از آنان) یاد

کیم غالب این آقایان پیرو اساتید گذشته و از طرفداران مکتب قدیم بشمار می آیند ولی سلیقه و استعداد و معلومات آنان بحکم عقل یکسان نیست . ما بدون اینکه اشعار این را با آن بسنجیم و آنرا بر این ترجیح دهیم بهترین اشعار هر یک را برگزیده و درج کرده ایم ما همین قدر توفیق یافتیم که نام آنرا بر حریده عالم ننگریم دیگر دوام آن وابسته باستحکام و استواری آثار آن است که تا چه حد میتواند در مقابل حوادث ایام و تضاریف روزگار پایداری و مقاومت کنند.

مؤلف چنانکه خودش توضیح داده است درباره مقام و پایه ادبی شعرای مد کور اظهار نظر نکرده و همچنین در مورد خوبی و بدی آثار آنان نیز نظر خود را نداده و آثار آنانرا با یکدیگر مقایسه نکرده است. علت اساسی این روش وی این بوده است که وی نحواسته است که از انتقاد خود یا ترجیح یکی بر دیگری موجبات اعتراض و دلخوری دیگران را فراهم آورد چنانکه خودش در پاورقی جلد دوم صفحه «و» نظیر چنین واقعه ای را ذکر نموده است که محمد ضیاءالدین هشتروندی در «مستحبات آثار» (تذکره شعرای معاصر) خانم پروین را بر شعرای دیگر برتری نهاده بود ما بر این از طرف بعضی شعرا مورد اعتراض واقع گشت

ما بر این مؤلف مینویسد که وی پس از عود و استقصاء در آثار شاعر بهترین اشعار او را برگزیده و در دسترس اهل ذوق و ادب گذارده و مقایسه و داوری را بعهده آنان محول داشته است چون در این کتاب از سخنوران عصر حاضر سخن رانده است مؤلف سر اورتر آرید که بحث انتقادی را به دیگران واگذار کند

شرح حال شعرا اکثر مفصل و حاوی اطلاعات لازم درباره زندگی آنان میباشد مخصوصاً شرح حال شعرای دیردامصل ترا در دیگران آورده است **جلد اول** ادیب پیشاوری (۱/ ۲ ص) و دهجد (۱/ ۴ ص) و عبدالعظیم قریب و فرحی یردی (هر کدام در ۳ ص) و بهار (۱/ ۲ ص) **جلد دوم** افسر (۳ ص) و نصرت اله کاسمی و وثوق الدوله و حمید دستگردی (هر کدام در ۱/ ۲ ص) و دیگران هم مؤلف شرح حال دهجد را از سایرین مفصل تر آورده است

همچنین اشعار شعرا را معمولاً مفصل آورده است اما در دلیل نام شعرای زیر اشعار آنان را اردیگرا ن مفصل تر آورده است. **جلد اول ایرح میرزا** ۱۶ ص و **پروین** ۱۱ ص (و در **جلد دوم** ۱-۴ ص) و **رشید یاسمی** ۱۲ ص و **روحانی غلامرضا** ۲۱ ص و **اشرف** ۲۳ ص و **عارف قزوینی** ۲۵ ص و **عشقی** ۳۰ ص و **میرزا حسین خان صمیعی ادیب السلطنه عطا** ۲۳ ص و **فرح حراسانی** ۱۶ ص و **ملك الشعراء بهار** ۳-۴ **جلد دوم افسر** ۱۱ ص و **امیری ادیب الممالک** ۱-۳ ص و **دانش طهرانی و ریحان و سرمد و شهریار و عسرت نائینی و مسرور و نصرت کاسمی** (هر کدام در ۱۱ ص) و **قلم** ۱۰ ص و **شعاع الملك** ۱-۱۱ ص و **وحید دستگردی** ۱۲ ص و **وتوق الدوله و یکتا** (هر کدام ۱-۱۴ ص) و **یومر فته اشعار ملك الشعراء بهار و عسقی** را از سایر شعرا مفصل تر آورده است.

گاهی در باره بعضی شعرا عقیده علامه محمد قزوینی دانشمند معروف و برجسته ایران را نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام ده جدا (ص ۷۶).

در دلیل نام عارف عقاید خودش را در باره بعضی اشعارش ذکر نموده است که اهمیت و موقعیت آنرا تا کید میکند (رجوع شود به صفحه ۱۹۴ و ۱۹۷).

در دلیل نام ده جدا بعضی عبارات را از کتاب «امثال و حکم» وی (نشر) نقل کرده است همچنین در دلیل ربانی (حاج میرزا محمد حسن قریب) اشعار عربی و ایرانی در دو صفحه آورده است.

در مورد بعضی شعرا مؤلف توضیح داده است که با وجود نهایت تلاش و کوشش به تهیه آثار آنان توفیق نیافته است؛ از آن جمله مرحوم **صوری ملك الادب** و **مؤید بانی حراسانی** و **بیداری کرمانی و بیما و دکتر فلسفی نائینی و جعفر جامعه و گفته که شاید رساله‌ای جدا گانه برای تکمیل این تدکیر انتشار دهد.**

مؤلف در مقدمه **جلد اول** بعضی انتقادات مفید بر زبان ادبیات امروزه فارسی کرده است که اکثر مسی بر حقیقت و در عین حال بسیار سودمند می باشد. **ایلك قسمتی** از آن اینجا نقل می گردد.

« انقلاب سیاسی ایران در تبدیل سلطنت استبدادی بحکومت مشروطه که ارا بدای ربع دوم قرن چهاردهم هجری شروع گردید تا حدی ادبیات این مملکت را منقلب نمود . قصاید بلند (و) بالا که متضمن مدایح سلاطین و امراء و مملو از چاپلوسی های بیمورد بود اربین رفت و افکار آزادی خواهی و اصلاح طلبی جایگزین آن شد . غزلهای عاشقانه که بعقیده بعضی تاحدی موجب فساد اخلاق اجتماعی میگردد بقطعات اجتماعی و اخلاقی مبدل شد از اهمیت صنایع لعی که جدا بتذال رسیده بود کاسته گردید و توجه معانی و مصامین دلشین بیشتر شد . نویسندگان نیز سهم خود از رویه سابق دست کشیده و در نگارش و تحریر اسلوب ساده تری را اختیار کردند و بیشتر در طریق تحقیق و انتقاد قدم گذاشتند ولی این انقلاب ادبی معایبی بر در برداشت که شاید اگر بدقت سنجیده شود نباید گفت ادبیات ایران درین معامله چندین سودی نبرده است .

« امر و اصطلاحات و الفاظ اروپائی مخصوصاً لغات فرانسه بشدت هر چه تمامتر در ادبیات و زبان ایران داخل شده و روز بروز بر دامنه آن الفاظ افزوده میشود ادباء و نویسندگان ایران هم که حقاً تا کنون نگاهبان و حافظ زبان فارسی بوده اند این الفاظ را در اشعار و نگارشات خود بدون کمترین ملاحظه ای بکار میبرند و حتی بعضی حقیقه تعمد میکنند

« کتب و مقالات مختلفه ای که در ایران نطع میرسد عموماً از السنه بیگانه ترجمه میشود و گذشته از اینکه الفاظ خارجی در خلال هر سطر ی نمایاست چه سبب تر کیب حملات و عبارات بیاروپائی است و کمتر نویسنده ای دیده میشود که از این طرز نگارش احتناں جوید

« این رویه و سلیقه طبعه ادبا در سایر طبقات مختلفه نیز اثر خود را بخشیده و کمتر شخصی دیده میشود که در گفتگوی روزانه کلمات اروپائی (را) بکار برد و رافم این سطور هر گاه از بردیک ندین قسمت توجه نمیکردم بیانات علامه فاضل میر را محمدحان قزوینی مدظله را که در این موضوع هموطنان خود را بشدت مورد اعتراض

قرارداده اند باور نکرده و نمیتوانستیم تصور کنیم که ادبای ایران بدست خویش تیره بر ریشه زبان خود میرنند و در فنا و اضمحلال این زبان شیرین ادبی میکوشند. در زبان فارسی مثل است که بطرفدار دلسور و با حرارت تر از صاحب کار (را) «کاسه گرمتر از آتش» میگویند. اینک دلسوری من هم سبب زبان فارسی این مصداق را پیدا کرده و حتی ممکن است موجب ربحش بعضی از ادبای ایران را فراهم سازد. پس بهتر است بدین مختصر قناعت نموده و از این موضوع بگذریم.»

سبک مؤلف ساده و عاری از تکلف و نصح است و تقریباً همه حامی مؤلف زبان فارسی امروزه را نکار برده است و از این حیث در شبهه قاره هند و پاکستان اولین کسی است که تذکره ای بر زبان فارسی حدیث تألیف نموده است.

روی پهنه نظر بر ایا و خوب بیهای مذکور در سطور فوق این تذکره را میتوان یکی از چند تذکره خوب فارسی حساب کرد زیرا در بین تمام تذکره هائی که در هندوستان و پاکستان تا حال تألیف شده است این تذکره در موضوع خودار همه بهتر و جامع تر و مفصل تر و مثلاً به سر مشق و نمونه و الائی است که در آینده تذکره نویسان شبه قاره هند پاکستان (خصوصاً) و سایر کشورها (عموماً) باید از آن بیروی و تعلید نمایند. تنها نقصی که در این کتاب دیده میشود فقدان بعد ادبی است که اگر مؤلف ترس و ربحش شعرا و ادبای ایرانی را بداند و باین قسمت هم توجه و دقت نموده بود این تذکره در موضوع خود بی نقص و عیب و ناچال بی نظیر و مانی بود اما غلبه همین یک نقص این کتاب را نمیتوان از حیث بی تذکره نگاری بی عیب و کامل قلمداد نمود.

فهرست اسامی شعرا

جلد اول

- | | |
|---------------|-------------------------|
| ۱- ادیب پشاور | ۲- ادیب پشاور |
| ۳- ایرج میرزا | ۴- بدیع الزمان فروزانگر |

- | | |
|----------------------|------------------------|
| ۶- پورداود | ۵- پروین اعتصامی |
| ۸- حسام‌براده | ۷- حبیب یعمائی |
| ۱۰- وهجدا | ۹- دکتر محمودخان افشار |
| ۱۲- رعدی | ۱۱- رشیدیاسمی |
| ۱۴- سالار شیرازی | ۱۳- روحانی غلامرضا |
| ۱۶- شاد کره‌ساهی | ۱۵- سیداشرف‌الدین |
| ۱۷- عارف قزوینی | ۱۷- شوریده‌سیرازی |
| ۲۰- عشقی | ۱۹- عبدالعظیم قریب |
| ۲۲- عماد | ۲۱- عطا (ادیب السلطنه) |
| ۲۴- فرح‌خراسانی | ۲۳- فرات |
| ۲۶- فروعی | ۲۵- فرحی پردی |
| ۲۸- کمالی اصفهانی | ۲۷- فرهنگ |
| ۳۰- ملک‌الشعراء بهار | ۲۹- محمد کسمائی |
| ۳۲- نصرالدولسعی | ۳۱- نادری |
| | ۳۳- یاسائی |

جلد دوم

- | | |
|-------------------|---------------|
| ۲- آیتی | ۱- آراد |
| ۴- ادیب‌راهد | ۳- احمدی |
| ۶- افسر | ۵- ادیب‌طوسی |
| ۸- اورنگ | ۷- امیری |
| ۱۰- بیضائی | ۹- نامداد |
| ۱۲- پروین اعتصامی | ۱۱- بیش |
| ۱۴- حلیلی | ۱۳- ترمان |
| ۱۶- حکمت | ۱۵- حاجم حنیف |

- | | |
|--------------------|---------------------|
| ۱۷ - دانش اصفهانی | ۱۸ - دانش تهریری |
| ۱۹ - دانش حراسایی | ۲۰ - دانش تهرایی |
| ۲۱ - دانش کرمانی | ۲۲ - دواب |
| ۲۳ - دهقان | ۲۴ - ربانی |
| ۲۵ - ریحان | ۲۶ - سرمد |
| ۲۷ - سرود | ۲۷ - سا |
| ۲۹ - شجره | ۳۰ - شعاع |
| ۳۱ - شفق | ۳۲ - شهریار |
| ۳۳ - صدر | ۳۴ - صورتگر |
| ۳۵ - عبرت | ۳۶ - فرا رزی |
| ۳۷ - قلم | ۳۸ - گرامی تهریری |
| ۳۹ - لاهوتی | ۴۰ - مایل تویسرکانی |
| ۴۱ - محتشم السلطنه | ۴۲ - مسرور |
| ۴۳ - ناصح | ۴۴ - نصرت (کاسمی) |
| ۴۵ - نظام وفا | ۴۶ - بیاری |
| ۴۷ - وثوق | ۴۸ - وحید دستگردی |
| ۴۹ - هادی حایری | ۵۰ - یحیی |

چاپ

جلد اول چاپخانه جامعه دهلی بسال ۱۳۵۱/هـ ۱۹۳۳م - مؤلف این جلد را نام دانشگاه کلکته عنوان کرده است

جلد دوم چاپخانه جامعه دهلی بسال ۱۳۵۵/هـ ۱۹۳۷م - مؤلف این جلد را نام نیاما پرشاد مکرخی رئیس دانشگاه کلکته عنوان کرده است

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به استوری حاق ۲ ص ۹۲۱ و ارمغان ح ۹ ص ۷

۶۰-۵۵۹ باعکس مؤلف

تذکر

بنا با استدعای نگارنده آقای دکتر اسحق شرح حال خود را بوسیله دوست قاضی آقای دکتر ضیاءالدین دیسائی برای ایبچام ارسال فرمودید. نگارنده از لطف و همکاری هر دو دانشمند ارجمند هندی سپاسگزار است.

شعراى عصر پهلوى

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف دنشاحی بهائی ایرانی است که از رشتیان هنداست وی در ۱۹۰۲ میلادی از دانشکده سن زیویر لیسانس در ادبیات (B.A) گرفت و در ۱۹۴۰ میلادی از طرف قاضی اسپسر حایره‌ای دریافت نمود و در همان سال دانشجوی محقق از طرف منوچهر حی نوروحی ساحی شناخته شد سپس در سال ۱۹۰۵ میلادی از مدرسه دولتی حقوق لیسانس در حقوق (LL.B) گرفت. وی در ۱۹۲۸ میلادی ریاست انجمن زرتشتیان را بعهده داشت

آثار مؤلف

- ۱- ترجمه با انگلیسی «رستاخیر» عشقی نام رستاخیر سلاطین قدیم ایران در حرا به‌های مداین. چاپ نمئی ۱۹۲۴ میلادی
- ۲- سرودهای اهورا (ظاهر آنا انگلیسی). چاپ لندن ۱۹۲۷ میلادی.
- ۳- بیک مردیسان - مجموعه مقالاتی درباره مذهب زرتشتی که اصلاً بر مان انگلیسی یا گجراتی بوده اما بعداً بوسیله آقای استاد پورداود بهارسی ترجمه شد (قسمت ۱-۸) چاپ نمئی ۱۹۲۷-۹ م

- ۴- پوران دخت نامه مجموعه اشعار استاد پورداد شرتیب و اهتمام و ترجمه انگلیسی بوسیله دشاحی چاپ بمبئی ۱۹۲۸ میلادی
 - ۵- اخلاق ایران باستان چاپ بمبئی ۱۹۳۰م و تهران ۱۹۳۲م.
 - ۶- فلسفه ایران باستان چاپ بمبئی ۱۹۳۳م
 - ۷- شعرای عصر پهلوی. تذکره مورد بحث
همچنین مؤلف عده‌ای از کتابهای فارسی را که شامل بر نامه دانشگاه بمبئی بوده
با انگلیسی ترجمه کرده است
- در این تذکره که مؤلف بسال ۱۹۳۳ میلادی (= ۱۳۵۱ هـ) تألیف نموده است
اشعار منتخب شعرای عصر پهلوی را با ترجمه انگلیسی آورده است و همچنین شرح حال
آنها را نیز بر زبان فارسی با ترجمه مختصر انگلیسی آورده است

چاپ

جلد اول این کتاب درد کر ۹۸ شاعر از بمبئی در ۱۹۳۳ (= ۱۳۵۱ هـ) چاپ شد

تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر

یا

ایران صغیر

ابتدا

« پنج سال پیش مقالاتی حد دربارہ شعرای کشمیر نوشتم »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف خواجہ (دکتر) عبدالحمید و بخلص وی عرفانی اسو اسم پدرش
خواجہ محمد رین اس که شعل تجارت داش مؤلف رورع نوامر سال ۱۹۰۷م (= ۲۷

رمضان ۱۳۲۵ هـ) در دهکده معلان والی واقع در چهارمیلی جنوب شهر سیالکوت بدینا آمد
 اجداد وی اصلاً اهل کشمیر بودند و از آنجا سرزمین پنجاب مهاجرت کرده در حوالی
 شهر سیالکوت رحل اقامت افکندند. دکتر عرفانی تازه دوره دستار در مدرسه کوتلی
 امیرپایان رسیده بود که پدرش فوت کرد وی بعد از فوت پدر بشهر چکوال رفت و
 در پسر عمویش سرپرست در ۱۲۹۵ م = ۱۳۳۴ هـ در مدرسه عالی دولتی چکوال دوره متوسطه
 را تمام کرد و دو سال اولدانشکده را در دانشکده صادق احرتن^۱ به تحصیل پرداخت و
 دوره ماقبل لیسانس (اف.ای) را آنجا پایان رسانید و بالآخر در سال ۱۹۲۹ م = ۱۳۴۸ هـ
 اردانشکده پرنس آفلر^۲ حملیسانس گرفت و سپس دوره فوق لیسانس فارسی را
 اردانشکده اسلامیة لاهور (دانشگاه پنجاب) در ۱۹۳۱ = ۱۳۵۰ هـ و دوره فوق لیسانس
 انگلیسی را در ۱۹۴۲ م = ۱۳۶۲ هـ پایان رسانید و در ۱۹۵۶ م = ۱۳۷۶ هـ ناخدا کترای
 فارسی از دانشگاه پنجاب لاهور بایل آمد

در سال ۱۹۳۱ م = ۱۳۵۰ هـ دکتر عرفانی وارد اداره فرهنگ بلوچستان شده و در
 مدرسه عالی کویت مشغول تدریس انگلیسی شد در سال ۱۹۴۵ م = ۱۳۶۵ هـ وی بمأموریت
 فرهنگی انتخاب شده بایران آمد و مدتی در ایران تدریس انگلیسی پرداخت و در اوایل
 سال ۱۹۴۷ م = ۱۳۶۷ هـ به کویت مراجعت نموده مشغول تدریس در دانشکده کویت شد و
 مدتی سمت بازرسی فرهنگ شهرستان سینی و سپس معاونت اسکنده کویت را بعهده داشت
 در آوریل ۱۹۴۹ م = ۱۳۶۹ هـ دکتر عرفانی بعنوان وابسته مطبوعاتی پاکستان
 دوباره بایران آمد و در ۱۹۵۹ م = ۱۳۷۵ هـ بعد از شش سال پاکستان مراجعت نمود و آنجا
 اداره محله «دهلال» فارسی را که از طرف وزارت اطلاعات و مطبوعات منتشر میشود
 بعهده داشت سپس در آوریل ۱۹۵۸ م = ۱۳۷۸ هـ وی بعنوان وابسته فرهنگی پاکستان
 برای دفعه سوم بایران آمد و همواره همان سمت را بعهده دارد
 دکتر عرفانی بار دو و فارسی هر دو شعر میسرآید و مجموعه ای از رباعیات فارسی

۱ - Sadıq Egerton College

۲ - Prince of Wales College

وی بنام «حدیث عشق» از تهران منتشر شده است و همچنین وی مجموعه «ضرب کلیم» اقبال (لاهوری) را از شعر اردو بشعر فارسی ترجمه کرده است

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱- رومی عصر- شرح حال و آثار اقبال لاهوری- چاپ کتابفروشی معرفت تهران

۱۳۳۲ ش

۲- داستانهای عشقی پاکستان چاپ- این سینا ۱۳۴۰ ش ۱۳۸۱ هـ

۳- تذکره شعرای پارسی گوی کشمیر یا ایران صغیر تذکره مورد بحث- چاپ

تهران این سینا ۱۳۳۵ ش .

۴- حدیث عشق یارباعیات عرفانی- چاپ تهران ۱۳۳۳ ش

۵- اقبال در نظر امرا بیها- چاپ اقبال اکادمی ۱۹۵۷ میلادی

۶- شعرای معاصر فارسی- چاپ وزارت فرهنگ پاکستان عربی لاهور ۱۹۵۲ م

۷- فارسی امروز- بسهربان اردو و انگلیسی و فارسی- چاپ لاهور سال ۱۹۵۶ م

۷- ترجمه فارسی ضرب کلیم اثر اقبال لاهوری بر زبان اردو- چاپ اقبال اکادمی

۱۹۵۷ م

۹- ترتیب و تألیف کتب فارسی برای سال اول و دوم و سوم دبیرستانها مشتمل

بر منتخباتی از کتب مختلف فارسی

۱۰- شرح حال و آثار ملک الشعراء بهار- رساله دکترای فارسی مؤلف- چاپ

این سینا تهران ۱۹۵۷ م

۱۱- شرح فارسی درد و حلد (ریز چاپ)

۱۲- نوای سرمد- چاپ تهران ۱۳۴۱

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در حدود ۱۳۳۴ هـ نوشته است سال تألیف را خودس ذکر

نکرده است اما در مقدمه‌های دکتر رضا زاده شفق و دکتر ناظرزاده کرمانی سال ۱۳۳۴ ذکر شده است .

در مورد سبب تألیف مولف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است .
 «پنج سال پیش مقالاتی چند درباره شعرای کشمیر نوشتم که در روزنامه های مهرایران و بهرام منتشر شد و مورد توجه بعضی دانشمندان ایران قرار گرفت .
 مرحوم ملك الشعرى بالآخص از اینجاست تشویق نمودند و خواستار شدند که رساله (ای) راجع شعرای کشمیر برای استفاده برادران ایرانی و شعر دوستان هند و پاکستان منتشر کنم . بعلاوه گفتماریهای گوناگون اداری و در دسترس بودن آثار بعضی از شعرای کشمیر نتوانستم این کار را انجام دهم تا شاید این شرح مختصر بعضی از دانشمندان و نویسندگان ایران را تحریک نموده و ادار تألیف کتابهای مفصل تر و جامع تری در این باره نماید» .

تنها کتابی که مؤلف اسم آن را در دیباچه آورده است و بقول خودش «برای اخذ اطلاعات تاریخی» از آن استفاده نموده است «تاریخ کشمیر» تألیف استاد صوفی است ولی در متن کتاب اسم کتابهای دیگر را ذکر نموده است که در تألیف این کتاب از آنها هم استفاده کرده است^۱ .

- ۱ - تذکره سرخوش (رجوع شود به نام غنی) .
- ۲ - تذکره بصر آبادی (رجوع شود به نام غنی)
- ۳ - ریاض الشعرای داغستانی (رجوع شود به نام حویا) .
- ۴ - صبح گلشن (رجوع شود به نام حویا) .
- ۵ - میحابه عبدالنسی قرینی (رجوع شود به نام ملاذهنی واوحی)
- ۶ - حرا به عامره (رجوع شود به نام رافع)
- ۷ - شرح احوال و آثار حویا تألیف دکتر محمد ناقر (رجوع شود

۱ - ما گفته ایم که بعضی مدارجات این کتاب از (ارمعان پاك) تألیف آقای محمد

اکرام گرفته شده است

به نام حویا)

۸ - تاریخ اعظمی تألیف حواحه محمد اعظم شاه (رجوع شونده نام حویا)

۹ - تاریخ کشمیر تألیف محی الدین مسکین (« «)

۱۰ - گزارش مسوطی راجع باهالی کشمیر مرتبه متین الرمان ۱۹۱۱ م

۱۱ - رساله درقن شالیافی (رجوع شونده نام عسی)

۱۲ - دیوان غنی .

۱۳ - دیوان حویا (نسخه خطی ۱) .

۲۴ - دیوان اسلم سالم .

این تذکره مشتمل است بر دگرسی و دوتس ارشعرای کشمیر که از آن جمله سه

بهر هندو بودند .

مؤلف درد کراسامی هیچ نوع تریب مانند النعائی یا تاریخی یا جغرافیائی را

ملحوظ و مراعات ننموده است .

این تذکره با «غنی کشمیری» شروع شده با «عبدالوهاب پارسی» تمام میشود،

مؤلف در قسمت اول کتاب راجع به کشمیر و کشمیری و اسم و نژاد و زبان و

و مشخصات آن و اشاعه اسلام در کشمیر بوسیله شاه همدان و کشمیر تحت تسلط

سیکها و دوگراها و احوال مختصری از تقسیم هند تا سال چاپ کتاب (۱۳۳۴ش)

توصیح داده است. سپس راجع به «کشمیر در ادبیات فارسی» بحث نموده و اشعاری

در تعریف کشمیر ارفیضی و عرفی و قدسی و کلیم و طالب و احسان اله و حویا نقل

کرده است. آنگاه در باره «کشمیر در نظر اقبال» بحث کرده و اشعار اقبال را که

در وصف کشمیر سروده (در چهارده صفحه این کتاب) آورده است. رویهمرفته تقریباً

یک سوم این کتاب (پنجاه و هفت صفحه) در موضوعات فوق است

۱ - کلیات حویای تشریحی اخیراً از طرف پنجاب آکادمی لاهور با اهتمام دکتر محمد باقر

در سال ۱۳۳۷ شمسی مطابق ۱۳۷۹ قمری چاپ شده است

سپس مختصری در باره شعر فارسی در کشمیر و تقسیم بندی اشعار آورده است.

در این رساله مختصری که تماماً صدو و شش صفحه دارد مؤلف اشعار و شرح حال حال دو شاعر بنام غنی و حویاراً تقریباً در نصف کتاب (در نود و سه صفحه) آورده است که مفصل تر از همه می باشد. شرح حال غنی را در سه صفحه و اشعارش را در چهل و یک صفحه و شرح حال حویاراً در چهار صفحه و اشعار منتخب وی را در چهل و سه صفحه آورده است.

در ردیل نام عبدالوهاب پارسی مؤلف تنها بنقل شرح حالش اکتفا نموده و هیچ شعری از وی نیاورده است.

همچنین در ردیل نام شعرای رپر تنها اشعاری منتخب آنها را نقل کرده و شرح حال هیچیک را نیاورده است. ملا نامی و ملا حمید و پانندیت بیربل کاجرو و وارسته و پانندیت بهوانی داس نیکو.

مؤلف در تألیف این کتاب از مآخذ مهم دیگر که در صورت بهره برداری از آنها ارزش این کتاب بمراتب بیشتر می شد استفاده نکرده و لسی چنانکه خودش در مقدمه توضیح داده است سظورش از تألیف این رساله تحریک و وادار نمودن دانشمندان و نویسندگان ایرانی بوده است تا آنها کتابهای مفصل و جامع تری در این موضوع تألیف نمایند.

سک مؤلف ساده و حالی از تصنع و تکلف است و این کتاب را به فارسی امروز نوشته است.

فهرست اسامی شعرا

- ۱- غنی کشمیری ۲- حویای تهریری
- ۳- شیخ یعقوب صرفی ۴- ملا حسین فانی
- ۵- حاجی اسلم سالم ۶- نانا خانگی

- ۷- میرزا اکمل الدین کامل ۸- نحمی
 ۹- خواجه حبیب اله حبیبی ۱۰- نابانصیب الدین غازی
 ۱۱- ملاما قی ۱۲- اویس
 ۱۳- ملا محمد توفیق ۱۴- مظہری
 ۱۵- فروغی ۱۶- محمد معین مستعی
 ۱۷- ملا نامی ۱۸- ملا دهنی
 ۱۹- اوجی ۲۰- میرزا محتشم خان فدا
 ۲۱- خواجه رافع ۲۲- عبدالوہاب شایق
 ۲۳- ملا شرف دایری بلبل ۲۴- ملا بہاء الدین بہا
 ۲۵- ملا حمید اله ۲۶- میرزا محرم
 ۲۷- خواجه حسن شعری ۲۸- میرزا مہدی
 ۲۹- چندر بہان برہمن ۳۰- پاندیت سیر دل کچرو وارستہ
 ۳۱- پاندیت بہوانی داس بیکو ۳۲- عبدالوہاب پارسی

چاپ

در تہران بسرماہہ آگنا فروشہ ابن سینا در سال ۱۳۳۵ ش (چاپ اول)

تذکر

نگارندہ ازدوست عزیز آقای دکتر بشیر حسین پاکستانی فارغ التحصیل دورہ
 دکترای دانشکدہ ادبیات فارسی دانشگاه تہران ممنونست کہ در تہیہ شرح حال مؤلف
 پنگارندہ کمک فرمودند .

شعراى فارسى زبان پيشاور

ابتدا

«مدتی بود آرزو داشتم راجع شعراى فارسى زبان پيشاور کتابى تدوين کنم».

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف (دکتر) ندير حسن ميرزا برلاس و تخلص او ندير واسم پدرش ميرزا امير حسن خان برلاس است وى در اول بوا ۱۰۹۸م = ۴ شوال ۱۳۲۶ هـ در قصبه سنگهوتى در يك خانواده معزز و دانشمند برلاس چشم جهان گشود وى دوق علمى و ادبى را از خاندان خود بارت برده است وى در سال ۱۹۲۶م = ۱۳۴۳ هـ از مدرسه عالي کوهات (در استان سابق شمال غربى پاكستان) دوره متوسط را به پايان رسانيد و در ۱۹۳۱م = ۱۳۵۰ هـ يا حذمنشى فاضل (فارسى) و در ۱۹۳۷م = ۱۳۵۶ هـ اديب فاضل (اردو) از دانشگاه پنجاب بايل آمد و سپس در ۱۹۴۱م = ۱۳۶۰ هـ در دانشگاه اسلاميه پيشاور دوره دانشسراى عالي را تمام کرد و در ۱۹۴۰م = ۱۳۵۹ هـ از دانشگاه لاهور فوق ليسانس زبان فارسى گرفت و چون امتحانات عالي زبانهاى شرقى را به اردو و فارسى تمام کرده بود طبق مقررات در همان سال از طرف دانشگاه هند کور درجه فوق ليسانس بر زبانهاى شرقى (ام - او - ال) بطور افتخارى پوى اعطا گرديد . سپس وى در ۱۹۵۳م = ۱۳۷۳ هـ درجه فوق ليسانس در زبان و ادبيات اردو از دانشگاه لاهور پير گرفت

مؤلف بكار تعليم و تدريس علاقه فراوانى دارد و بهمين جهت در ۱۹۲۹م = ۱۳۴۸ هـ وارد خدمت فرهنگ صوبه سرحد (استان سابق شمال غربى پاكستان)

گردید در سال ۱۹۳۶م = ۱۳۵۵ هـ وی وارد کادرسعارب بریتانیا در کابل شده مدتی سمت منشی را بعهده داشت و در ۱۹۴۲م = ۱۳۶۱ هـ در آکادمی نظامی (دانشگاه نظامی) دهرادون معلم شد. سپس در ۱۹۴۶م = ۱۳۶۶ هـ کلکته رفته مدتی بعنوان منشی سیاسی میرزا ابوالحسن اصفهانی (باررگان معروف چای که اصلا ایرانی است) در شرکت سهامی ام-ای اصفهانی کلکته استخدام شد و قبل از تشکیل پاکستان برای گنراوند تعطیلات بوطن خود که در پاکستان فعلی قرار داشت رفت اما بعزت زد و حورود شدید و طولی که بعد از تقسیم شبه قاره هندوستان روی دار نتوانست بکلکته که جری هندوستان یا بهارت اعلام شده بود برگردد و ناچار دوباره بتعلیم و تدریس مشغول شده در دانشکده دولتی پشاور دبیر فارسی شد.

در اواخر سال ۱۳۳۴ ش وی بدعوت دانشگاه تهران بایران آمد و در سال ۱۳۳۶ ش از دانشکده ادبیات دکترای ادبیات فارسی گرفت موضوع رساله دکترای او «شعرای فارسی ربان پشاور» کتاب مورد بحث ما بوده که وی براهنمای استاد ارجمند آقای دکتر حسین خطیبی تهیه نموده و بعد از اخذ کتری پاکستان مراجعت نمود و دوباره در دانشکده اسلامیة پشاور بعنوان دبیر فارسی مشغول تدریس شد. اینک در دانشکده مر نور در شعبه فارسی همان سمت دبیری فارسی را بعهده دارد

دکتر برلاس در میان شعرای جدید اردو مقام خاصی دارد و در قسمت شمال غربی پاکستان جزو مؤسین نهضت شعر نو محسوب میشود و همچنین وی در قسمت سرحد (شمال غربی پاکستان) در راه پیشرف ران اردو و خدمات پسرائی انجام داده و دایره ادبیه (اردو) پشاور را تشکیل داد. وی از اعضای فعال انجمن ترقی اردو (پشاور) و دبیر کل انجمن مر نور میباشد و اداره محله ادبی دولتی «تعلیم نو» و ماهنامه ادبی دانشکده اسلامیة پشاور بنام «خیر» را بر بعهده دارد.

مجموعه‌ای از اشعار اردوی او بنام «طرح نوع» در سال ۱۹۴۲م = ۱۳۶۱ هـ نطبع

رسیده است .

همچنین وی چند کتاب درسی هم فارسی تألیف نموده است.

تبصره بر کتاب

حاجانکه درسطور فوق گذشت مؤلف این کتاب را به سال ۱۳۳۶ ش = ۱۳۷۷ هـ
بعنوان رساله دکترای ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات تهران ترمیم
داده است.

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است:
«مدتی بود آرزو داشتم راجع شعرای فارسی پیشاور کنایی تدوین کنم . .
در سه سال پیش آقای دکتر حطیبی با هیئت فرهنگی ایران به پیشاور تشریف آوردند
در پذیرائی هیئت مرورحشنی محفل و جلسه شعری از طرف میان جعفر شاه (وزیر
فرهنگ شهرستان سرحد در آرمان) گرفته شد که در آن شعرای معاصر فارسی
رمان پیشاور شرکت کردند خوشحالی و خوشنودی خویش را که از ورود میهمانان
عزیز نصیب شده بود در این مراسم پذیرائی رمان شیرین شعر فارسی بیان
کردند این جلسه شعری این قدر اثر خوب در میهمانان عزیز ما بجا گذاشت که
پس اردو سال چون بدعوت دانشگاه تهران از طرف در لب پاکستان برای تحصیلات
رمان و ادبیات فارسی (به) تهران آمدم و با آقای دکتر حطیبی راجع به موضوع رساله
خود مشورت کردم ایشان بیاد آوردن خاطرات آن جلسه پر شور ادبی موضوع شعر
فارسی در سرزمین پیشاور را من پیشنهاد کردند و این پیشنهاد مطابق ذوق و آرزوی
قلبی من بود»

مؤلف در ابتدای کتاب اسم آحدرا که از آن در تألیف این کتاب استفاده کرده
است یاد کرده است

۱- مسطور مؤلف اینجا «استان» سابق شمال غربی پاکستان است و وی اشتباهاً کلمه «شهرستان»
را بجای استان بکار برده است.

الف- کتب تذکره و تنقید و تاریخ

- ۱- ادبیات سرحد (جلد اول) تألیف میرزا رضا همدانی که در ۱۹۵۳م از طرف مکتبه نو قصه خوانی پشاور طبع و منتشر شد.
- ۲- ادبیات سرحد (جلد سوم) تألیف سید فارغ بخاری چاپ در ۱۹۵۵ م در مکتبه فوق.

۳- روح اقبال تألیف دکتر یوسف حسین خان چاپ حیدرآباد دکن.

۴- اتک کی اس پار (اردو) تألیف دوست محمد خان کامل ام- ای چاپ دارالاشاعت پشاور.

ب- کلیات و دواوین و آثار منظوم دیگر

- ۵- کلیات خوشحال خان - سحہ خطی متعلق بکتابخانه دانشگاہ پشاور
- ۶- کلیات خوشحال خان- چاپ عبدالخالق تاجر کتب قصه خوانی پشاور
- ۷- کلیات قاسم علیخان آفریدی - سحہ خطی کتابخانه دانشگاہ پشاور.
- ۸- دیوان قصاید و غزلیات ادیب پشاور با تحشیه و تعلیقات آقای علی عبدالرسولی چاپ تهران ۱۳۱۲ش

۹- کلیات رعنا کاظمی - سحہ خطی بخط خود شاعر متعلق بکتابخانه شخصی آقای سمل بخاری

۱۰- منتخبی از کلیات رعنا - سحہ خطی بخط خود شاعر در تحویل سید فارغ بخاری.

۱۱- دیوان «سور بیدل» - کلیات اردو و فارسی میرزا دلاور خان بیدل - چاپ ۱۹۳۲م

۱۲- ۱۲- کلیات سید جگر کاظمی و محمد شاه برق و ملک ناصر علیخان ناصر و سید ضیا جعفری و سمل بخاری و رضا همدانی - سحہ خطی -

۱۸- «رگ مینا» کلیات شعر اردوی میرزا رضا همدانی - چاپ مکتبه نو قصه

خوانی پشاور ۱۹۵۶م

ج۔ جراید و مجلات

- ۱۹۔ مجلہ دانش تہران سال اول مقالہ دربارہ روابط تاریخی ایران و ہندوستان
 اراستاد سعید بیسی مورخ ۲۵ اردیہشت ۱۳۲۸ ش
- ۲۰۔ مجلہ اردو۔ احمس ترقی اردو مقالہ بعنوان «سرحد میں فارسی کا ارتقا»
 (تکامل شعر فارسی در سرحد) ارسید صا سعمری مورخ اکتوبر ۱۹۵۴ م۔
- ۲۱۔ مجلہ اردو مقالہ بعنوان «اقبال اور خوشحال خان» ار نگارندہ این
 رسالہ (دکتر برلاس) مورخ ژوئیہ ۱۹۵۴ م
- ۲۲۔ نوای افغان چاپ کراچی۔ مقالہ بعنوان «شعرا ی پاکستان» از آقای
 حبیبی مورخ ۳ اوت ۱۹۵۶ م۔

د۔ کتب دیگر

- ۲۳۔ متحیی ار خوشحال خان تألیف سرہنگ راورتی (انگلیسی)^۱
- ۲۴۔ شاعر شرق تألیف عدالہ ابوریگ ام۔ ای (انگلیسی)^۲
- این کتاب مشتملس برد کر یارده (۱۱) شاعر معروف فارسی زبان پیشاور
 ویا «خوشحال خان حنک متوفی در ۱۱۰۰ھ شروع شدہ ناہ میررارصا ہمدانی (متولد
 در ۱۹۱۵ م ۱۳۳۴ھ) تمام میشود و اسم شعرا را ترتیب رمان آورده است۔
 مؤلف این کتاب را بر مقدمہ وچہار فصل بحثن کردہ است بدیقرار
 مقدمہ (ص ۱-۷)۔ مؤلف در مقدمہ دربارہ سب تألیف کتاب و روابط تاریخی
 و ادبی ایران و پاکستان و خاندانہای ایرانی ییسا ورو اولین شاعر فارسی زبان آن
 شہر (خوشحال خان حنک) و تاریخ مختصر بطور شعر فارسی در پیشاور بحث کردہ و
 در پایان مقدمہ اراستادان خود سکر کردہ است

۱- Selections from Khushhal Khan by Col Raverty

۲- Poet of the East by Abdullah Anwer Beg M A

فصل اول (۸ - ۲۱) - سیر تطور زبان و شعر فارسی در پیشاور از قدیمترین

رمان تا امروز در ذیل عنوانهای زیر

۱- مقدمه در تاریخ شهر پیشاور (ص ۸-۹)

۲- وضع محلی شهر پیشاور (ص ۹-۱۷)

۳- اوضاع سیاسی پیشاور در این دوره (۱۷-۱۸)

۴- دوره شعر فارسی معاصر در پیشاور (۱۹-۲۱)

فصل دوم ص (۲۲ - ۳۳) - تاثیر و نفوذ اوضاع اجتماعی ایران در شهر پیشاور

در ذیل عنوانهای زیر

۱- زبان و لهجه های تکلم شهر پیشاور (۲۲ - ۲۳)

۲- خانواده های قدیم ایرانی (ص ۲۳-۲۶)

۳- لهجه های پیشاور که تاثیر اوضاع اجتماعی را نشان میدهد

(ص ۲۴ - ۲۷)

۴- دیگر لغات و اصطلاحات ایرانی در لهجه محلی (ص ۲۷-۳۰)

۵- شعر در لهجه پیشاوری سی حرفیها^۱ (ص ۳۰-۳۳).

فصل سوم (ص ۲۴-۵۶) - مشخصات شعر فارسی در شهر پیشاور در ذیل عنوانهای زیر

۱- مقدمه (ص ۳۴-۳۵)

۲- مشخصات شعر فارسی در شهر پیشاور (ص ۳۵-۵۶) بعنوانهای ذیل:

۱- انواع شعری- قصیده^۲ (ص ۳۶-۴۳)

۱- مؤلف در باره دسی حرفیها (در ص ۳۱) چنین توضیح میدهد (این منظومات در

لهجه پیشاوری بزرگجانی است و مربوط به روض صربی نیست، و دو «سی حرفی» را ارسائین احمد علی با ترجمه در ص ۳۱ و ۳۲ نقل کرده است

۲- معلوم نیست چرا مؤلف اینجا تنها در باره قصیده بحث کرده است در صورتیکه

شعرای پیشاور انواع دیگر شعر مانند غزل و رباعی و مثنوی و قطعه نیز سروده اند و مؤلف در ذیل آثار آنان اشعاری را از این انواع شعر نقل کرده است

۲- محاسن لغوی و معنوی - فوافی و ردایف و اوزان شعر و مصمون آفرینی و صنایع شعری و تشبیه و استعاره و دیگر صنایع شعری (ص ۴۳-۵۶).

فصل چهارم (ص ۵۷-۱۵۷) - شعرای معروف فارسی زبان پیشاور . در این قسمت مؤلف ذکر شعرای روبرا آورده است

اسم شاعر	صفحات	شرح حال و آثار	سبک شاعر	منتخبی از آثار شاعر	اقسام شعر
۱- حوشحال خان حنک	۶۶-۵۷	۳۲ ص	۲ ص	۵ ص	غزل و رباعی
(۲۲ - ۱۱۰۰ هـ)					
۲- قاسم علیخان آفریدی	۷۰-۶۷	۱۴ ص	۲ ص	۲ ص	غزل
(۱۱۷۷-۱۲۴۹ هـ)					
۳- سید احمد پیشاوری	۸۴-۷۱	۲۳ ص	۴ ص	۵ ص	چکامه و مثنوی و غزل
(۱۲۶۰-۱۳۴۹ هـ)					
۴- سید سکندر شاه	۹۸-۸۵	۲ ص	۱ ص	۱۱ ص	قصیده و مثنوی و قطعه و غزل
رعنا ی کاطمی					
(۱۳۰۵-۱۳۵۰ هـ)					
۵- میرزا دلورخان	۱۰۳-۹۹	۱ ص	۱ ص	۳ ص	غزل
(۱۲۶۱-۱۳۵۸ هـ)					
۶- سید لعل شاه جگر	۱۱۲-۱۰۴	۱۴ ص	۲ ص	۵ ص	قصیده چکامه و غزل و قطعه تاریخ
کاطمی					
(متولد در ۱۲۹۴ هـ)					
۷- سید محمد شاه برق	۱۲۱-۱۱۳	۱ ص	۱ ص	۷ ص	مثنوی و غزل و قطعه
(متولد در ۱۳۱۵ هـ)					
۸- ملک ناصر علیخان ناصر	۱۲۸-۱۲۲	۱ ص	۱ ص	۵ ص	چکامه و ترانه و غزل
(متولد در ۱۳۱۷ هـ)					

۱- مؤلف اینجاد در باره آثار و سبک شاعر بحث کرده است

۲- ترانه در پاکستان یکی از اقسام شعر جدید است که غالباً شکل غزل یا مثنوی

سروده میشود

۹- سیدعنایت علیشاه صیاء حمیری ۱۱۹-۱۴۲ ۱-۱/۳ ص ۱ ص ۱۱ من قصیده و مثنوی
وغزل و رباعی

(متولد در ۱۳۱۳ هـ)

۱۰- قاری سمل بخاری ۱۴۳-۱۵۰ ۱-۱/۳ ص ۲ من چکامه و غزل
و رباعی

(متولد در ۱۳۱۳ هـ)

۱۱- میرزا صاهمدانی ۱۵۱-۱۵۷ ۱-۱/۳ ص ۵ من مثنوی و
غزل و رباعی

(متولد در ۱۳۳۴ هـ)

تنها در ردیل نام خوشحال خنک و سیداحمد پیشاوری مقدمه‌ای در تعریف شاعر
بترتیب در سه و پنج سطر آورده و در ردیل نام ادیب پیشاوری در باره «تبحر علمی و عادات
و فضایل» وی در یک صفحه بحث کرده است

روی هم رفته شرح حال خوشحال حان خنک و سیداحمد پیشاوری را (بترتیب
در ۳۱/۳ و ۲۱/۳ ص) و منتحیات اشعار سید سکندر شاه و سیدصیاء حمیری را (هر کدام
در ۱۱ ص) و سیدیحمدسناه برفی (در ۷ ص) از همه مفصل‌تر آورده است
شرح حال شعرا غالباً جامع است و غالب اطلاعات ریدگانی شعرا را
بندبست میدهد

در موقع نقل اشعار سحرآموز سعفی کرده است از هر شاعر منتحیاتی از اقسام مختلف
سعر بیاورد اما معلوم نیست بچه‌علب در ردیل نام قاسم علیخان آفریدی و میرزا دلاور
حان بیدل پیشاوری منتحیات آنها تنها از غزل نقل کرده است با وجود اینکه
کلیات قاسم علیخان آفریدی بقول خود مؤلف «غزلیات و دیگر انواع شعر» و دیوان
بیدل پیشاوری همه نوع شعر از جمله قصیده و غزل و مرثیه و رباعی و قطعه و غیره را
دارد^۲

همچنین معلوم نیست چرا مؤلف از سیداحمد پیشاوری قصیده‌ای بیاورده با وجود
اینکه وی قصاید شعرا و محکمی دارد

۱- ر. ک. شعرای فارسی زبان پیشاور ص ۶۷.

۲- ایضا ص ۱۰۰

مؤلف از شش بحر شاعر آحر که همه آنها بقول او در قید حیات هستند متحیات معصل تری از اقسام متنوع شعر آورده است و از این رو معلوم میشود که وی سعی کرده است آنها را بوسیله کتاب خود بیشتر شناساند.

دکتر برلاس در فصل سوم بحث معصلی درباره مختصات شعر فارسی در پیشاور آورده است که بسیار مفید و ارزنده است اما (چنانکه در حاشیه ۲ ص ۶۹۰ تذکر داده شده) معلوم نیست بجهت در دیل انواع شعری تنها قصیده را ذکر کرده است در صورتیکه شعرای پیشاور اقسام دیگر شعر را نیز دارند و مؤلف در این کتاب از آنها اقسام متنوع شعر را نقل کرده است

در صفحه ۴ و ۵ این رساله عبارت دیل آمده است

«بعد از دوره ادیب پیشاوری شعر فارسی در پیشاور بیش از پیش رونق گرفت چنانکه بلافاصله بنام عده‌ای از شعرای نامدار دیگری مانند سائین احمد علی، سید مسحودی شاه حادم - غلام حیدر مسگر - میرزا دلاور خان بیدل - برق گجوی (پیشاوری) - قاصی محمد عمر خان قصاروچی - میان محمد حالص مکی - سید جگر کاطمی - میر عباس میر - محمد شاه برق - پروفیسور عبدالرحیم سید شیرازی و جعفر علیخان برمینخوریم. این شاعران به دوره دوم شعر فارسی در پیشاور متعلق اند و از میان آنها قاصی قصاروچی - سید جگر کاطمی و محمد شاه برق هنوز در قید حیات و سرودن شعر فارسی مشغول اند»

اما معلوم نیست بجهت علت مؤلف از میان شعرای فوق تنها بد ذکر دلاور خان بیدل و سید جگر کاطمی و سید محمد شاه برق پرداخته و ذکر بقیه شعرای را در این کتاب بیاورده است در صورتیکه بقول خودش یکی از آنها بنام قاصی روحی همور «در قید حیات و بسرودن شعر فارسی مشغول» است

همچنین در صفحه ۵ این کتاب مؤلف می‌نویسد

«علاوه بر سه شاعر نامبرده دوره دوم که در قید حیات اند^۱ مرحوم سید رعنای کاطمی - محمود الحسن کوکب - ملک ناصر علیخان ناصر - سید صیاء جعفری - قاری بسمل بخاری و میررارضا همدانی از شعرای مهم دوره معاصر شمار میروند که هر یک اریشان بسبب و طرز خاصی بسرودن شعر پرداخته و اصول قدیم شعر فارسی را در پیش آوردنسال^۲ کرده است

ارمیان شعرائی که مؤلف در اینجا یاد کرده است معلوم نیست بچه سبب ذکر محمد الحسن کوکب را که بقول خودش حرو و «شعراى مهم دوره معاصر» بشمار می رود در این کتاب بیاورده است

سپس در همان صفحه (۶) مؤلف مینویسد:

«متأسفانه هیچیک از کلیات شعر فارسی حزدیوان سردارخان باباخان را هد قزلباش و کلیات شعر اردو و میرزا دلاورخان بیدل که یک قسمتش دارای شعر فارسی است نچاپ بر سیده است و هیچ کتابی در باره این موضوع نوشته نشده است».

اما ارمیان دو شاعر نامبرده مؤلف تنهاد کر میرزا دلاورخان بیدل را در این کتاب آورده است و معلوم نیست چرا ذکر «سردارخان باباخان را هد قزلباش» را که بقول مؤلف دیوان شعر فارسی نچاپ بر سیده در این کتاب بیاورده است

در موارد فوق در صورتیکه مؤلف نتوانسته است اطلاعات لازم و آثار شعرای نامبرده را بدست آورد اصراف این بود که باین امر صریحاً اعتراف میکرد اما وی هیچ نوع توضیحی را در باره علت عدم ذکر این شعرا در این کتاب نداده است

در هر حال این اولین تذکره فارسی است که طی آن مؤلف راجع بسبب هر شاعر بحث جدا گانه و سسته^۳ مفصلی آورده است و قبل از آن تنهاد کتاب «سحنوران ایران در عصر حاضر» اشاره هائی بسبب شعر آمده است اما مؤلف آن بجز تفصیل باین موضوع پرداخته است

۱- مقصود مؤلف از سه شاعر نامبرده «قاسمی قماروحی و سیدحگر کاطمی و محمدشاه

برقی» است که اسامی آنان در آخر عبارتی که در سطور فوق از ص ۵-۶ نقل شده آمده است

سبک مؤلف ساده و عاری از تکلف و تصنع است و این کتاب را تقریباً بقارسی امروز نوشته است البته گاهی عباراتی برمیخوریم که خلاف معمول فارسی امروز است مانند .

۱ - استعمال صیغه جمع بعد از کلمه «چند» که در شرق قدیم فارسی معمول بوده و در هند و پاکستان هنوز هم معمول است مولف می نویسد: «و این غزل از رعنائی کاظمی که دارای چند صنایع دیگر برهس» (رجوع شود به ص ۵۱ سطر ماقبل آخر) یا «چند قطعاتی برگزیده از هر نوع تعری اینها درج میشود» (ص ۸۲ سطر ۱۶) .

۲ - در چندین مورد « یای نکره » را بعد از الف بدون « همزه » یا « ی » آورده است مانند .

« نمونه های که هست از مواردی است که بدون هیچ تکلف آورده شده » (ص ۵۵ سطر ۱۱)

یا « و برای جلسه آینده ابیاتی چند از ربان فارسی وارد و طرح میشد تا بروش آن شعرهای ساخته شود» (ص ۵ سطر ۱۰)

۳ - برعکس گاهی بحای تنها « ی » همزه و « ی » را آورده است مانند :
« در لحاظ ربان و اصطلاحات فارسی به شعرائی ایرانی آن دوره مشابهاست » (رجوع شود به ص ۴ سطر ۵)

۴ - املاء حورد سالی بحای حرد سالی (ص ۱۵۱ سطر ۱۱) -

۵ - اشتباهات دیگر مانند

« این چند شعر از ترکیب بند رعنائی کاظمی است که هر بیت این صنعت را دارد و هیچ تکلف در آن در کار برفته است » (بحای نکره برفته است) (رجوع شود به ص ۵۴ سطر ۶)

« برعکس در شعرهای فارسی اش یک نوع روانی - شیرینی و حدیه وجود دارد که توجه خواننده را جلب میکند (بحای حذبه ای) (رجوع شود به ص ۶۲ سطر ۳) »
« نمونه های خوبی و بی نظیری از آثار شعری او شمار می رود (بحای نمونه

های خوب و)

همچنین هر جائیکه بیشتر اردو کلمه بهم عطف شده اسب بحای «و» علامت را استعمال کرده و در چنین موارد تنها در آخر کلمه «و» آورده است مانند: سائین احمد علی - سید مسجدی شاه خادم - علام حیدر مسگر ... و جعفر علی جعفری (ص ۴ و ۵) .

یاد قاضی روحی - سید جگر کاطمی و محمد شاه برق ، (ص ۵ سطر ۴) در هر حال با وجود این حقیقت که کتاب مورد بحث تدکره حامعی از تمام شعرای فارسی زبان پشاور نیست و حتی دگر شعرائی را که اسم آنان در مقدمه یاد شده نیز در این کتاب نیامده اسب معدک اگر شرح حال و نمونه اشعار شعرای فارسی پشاور را که در این کتاب نقل شده اسب در نظر بگیریم و مورد سنجش قرار دهیم چه از حیث جامعیت شرح حال و چه از لحاظ مفصل بودن اشعارش امیدواران این تدکره را جزء بهترین تدکره های فارسی حساب کرد

تدکره - مؤلف در حاشیه ص ۱۰۵ مینویسد « در زمان انگلیسی شهر پشاور را «سرحده» میگفتند» و این اصلا در سب نیست چون کلمه «سرحده» همیشه در هندوستان بمعنی استان شمال غربی پاکستان کار رفته اسب و به به معنی پشاور و هنور هم بر بان اردو همین معنی دارد

نسخه - نسخه خطی متعلق به کتابخانه آقای دکتر پرویر ناقل حائری متأسفانه این کتاب هنوز بچاپ نرسیده است و حق این بود که مؤلف آن هر چه رود تر اقدامی برای طبع آن میکرد تا این کتاب بسیار معید با اصلاحات و اضافات لازم در اختیار خوانندگان فارسی زبان قرار بگیرد. امیدواریم مؤلف آن پرودی در این راه توفیق پیدا کند

شرح حال مؤلف

نگارنده شرح حال مؤلف را از «حدید سعراى اردو» چاپ فیروز سر لاهور در حدود ۱۹۵۳ م مرتبه دگر عبدالوحید (پاردو) ص ۱۰۴۷-۱۰۴۸ و پرونده شخصی

دکتر مرلاس در دانشکده ادبیات گرفته و با وجود اینکه بوسیله نامه مکرر از ایشان استدعا کرده که اطلاعات مفصل را صح بریدگانی و آثار خود برای نگارنده بفرستند ولی ایشان ظاهراً بعلمت عدم فرصت در این مورد هیچ اقدامی نکردند

فهرست اسامی شعرا

در سطور فوق ذکر شد .

پایان

ملحقات

تذکر

پس از پایان چاپ متن کتاب حاضر کتابی بنام «تذکره سخنوران یرد» تألیف اردشیر خاضع بدست نگارنده رسید که اینک شرحی درباره آن در سطور دیل اضافه میگردد.

تذکره سخنوران یرد

ابتدا

یس آر ستایش یردان پاک و فرستادگان برگزیده اش چنین گوید نگارنده این کتاب «

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف اردشیر پور حدارجم پور مرزبان متخلص به «خاضع» است. وی بسال ۱۲۸۰ ش در قریه اله آباد رستاق واقع در ۱۸ کیلو متری شهرستان یرد متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدائی در دستاوردستان گودرزی در وطن خود بکار کشاورزی پرداخت از کودکی شعر علاقمند بود و بتوصیه استاد بمان تحلی خاضع را برای خود انتخاب کرد.

خاضع در سال ۱۳۰۶ برای اولین بار به دوستان مسافرت کرد و در بندر ممشی مشغول کار گشت و صمناً سال ۱۳۰۸ مجموعه ای از اشعار خود را بنام «دیوان خاضع»

(جلد اول) در همان شهر بچاپ رسانید و بعلمت علاقه فراوانی که بمطالعه کتب و دواوین شعرا و تواریخ داشت بسال ۱۳۱۰ کتاب‌بروشی حاصع را در شهر بمبئی تأسیس نمود و بابتشار و پخش کتب و شریات فارسی پرداخت

سپس سال ۱۳۱۲ نمایندگی بسیاری از محلات فارسی چاپ ایران را بدست آورد و به چاپ و تصحیح کتابهای دینی و ادبی فارسی همب گماشت
 بسال ۱۳۱۴ دبستان دوشیرگان در اله آباد تأسیس کرد اما چون دبستان مر بور در آمد کافی برای تأمین مخارج امور گاران و غیره آن نداشت حاصع با آقای شاهپور فریدون اله آبادی مقیم کلکته رجوع کرد و وی تمام مخارج آن دبستان را بعهده خود گرفت . دبستان مر بور سال ۱۳۱۶ کاملاً مجهر و آماده شد

آثار

آثار مؤلف که تماماً بچاپ رسیده بقرار زیر است

- ۱- دیوان حاصع در دو جلد
- ۲- یرد گرد نامه منظوم
- ۳- رباعیات حاصع
- ۴- تاریخچه اله آباد
- ۵- اشک مادر و نامه گذشتگان
- ۶- تذکره سخنوران یرد (تذکره مورد بحث)

تبصره بر کتاب

طبق توضیحی که مؤلف در پایان کتاب داده است وی در ۲۰ شهریور ۱۳۴۰ ش تألیف این کتاب را آغاز نمود و روز ۲۶ اسفند ۱۳۴۱ ش تدوین و چاپ آنرا پایان رسانید .

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است
 در سال ۱۳۴۰ حورشیدی هنگام اقامت در حیدرآباد دکن با آقای سید علیرضا وزیر اتقاق ملاقات افتاد. دوشهری ار هر مقوله و باب سخن را بدیم در صحن صحبت از سخنوران یزد گفتگو بمیان آمد ایشان فرمودند اگر فرصتی ایجاب

میکرد تذکره سخنوران یرد را جمع و بصورت کتابی جامع بچاپ میرسانیدند . در ببحبوحه صحت چندان توجهی باین موضوع داده نشد. پس از جدائی با او کم کم فکر متوحه سخنوران یزد گردید . تذکره های بسیار در دسترسم بود ... آنها را ورق زده شرح و احوال و آثار بسیاری از شاعران یرد در آنها دیده شد و فکر گردآوری تذکره سخنوران یرد قوت گرفت . چند روز بعد آقای وریری را ملاقات کردم و اظهار داشتم در کوششم فکر شما را جامه عمل پوشانم « مؤلف اسم کتابهای زیر را که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است در مقدمه کتاب ذکر نموده است :

- ۱- تذکره نگارستان سخن
 - ۲- صحیح گلشن
 - ۳- شمع احمن
 - ۴- روز روشن
 - ۵- آتشکده آدر
 - ۶- میخانه تألیف عبدالعی فخرالرمایی همدانی^۱
 - ۷- مجمع الفصحا تألیف رضاقلیخان هدایت
 - ۸- ربان سخنور تألیف علی اکبر مشیر سلیمی
 - ۹- سرو آزاد
 - ۱۰- نتایج الافکار
 - ۱۱- تذکره شعرای دکن (اردو)
 - ۱۲- تذکره دولتشاه سمرقندی
 - ۱۳- صحیح وطن
 - ۱۴- تذکره شعرای معاصر ایران تألیف عبدالحمید حلخالی
 - ۱۵- هفت افلیم
 - ۱۶- از سعدی تا جامی (ترجمه استاد علی اصغر حکمت)
- ۱- اسم صحیح مؤلف میخانه «عبدالسی فخرالرمایی قرویسی» است .

- ۱۷- گلزار ادب تألیف حسین مکی
- ۱۸- گلچین جہانمائی تألیف سر تیب محمد حسین جہانمائی
- ۱۹- اسرار خلقت تألیف سرہنگ احمد احگر
- ۲۰- تاریخ یرد^۲ تألیف عبدالحسین آیتی
- ۲۱- جامعہ (جامع) مفیدی^۱ تألیف محمد مستوفی نافی
- ۲۲- فرزبانگان رر تثنی تألیف رشید شہمردان
- ۲۳- سخنوران عصر پہلوی^۳ تألیف دکتر محمد اسحق
- ۲۴- اشعار حاویدان پارسی تألیف امیر مسعود سپہرم
- ۲۵- لطایف الطوائف مولانا فخرالدین علی صعی
- ۲۶- لباب الالباب
- ۲۷- سخنوران نامی معاصر تألیف سید محمد باقر بر فعی
- ۲۸-۳۲- دیوان وحشی نافی و یعمای حندقی و حیحوں یردی و قوام الشعرا
و ثمرات اول فرات
- ۳۳- رندگی شاه عباس اول
- ۳۴- منتحی ار گفتار چہارده نمر ار شعرای یرد تألیف حاج سید ابوالفضل سعیدی
- همچنین مؤلف اسم کتابهای ریرا که در تألیف این کتاب مورد استعاده وی قرار گرفته اس در ذیل شرح حال شعرا آورده اس
- ۱- تذکره شستان ستان رجوع شود بنام اختری یردی
- ۲- تذکره شتر عشق رجوع شود به نام امنی .
- ۱- مؤلف شرح حال اکثر شعرا را از این دو کتاب نقل کرده اس .
- ۲- نام صحیح این کتاب «سخنوران ایران در عصر حاضر» اس .

۳. شارستان چهار چمن تألیف فرزانه بهرام ابن فرهاد رجوع شود به نام

یردی .

۴ - جنگ هائی محمود در بنگاه حاور شناسی حورشید حی کاما بمبئی

رجوع شود به نام آدری یردی و حدا بخش اردشیر یردی.

۵ - تحفه سامی - رجوع شود به نام باقی یردی

۶ - دفتر اشعار منتخب ارحاج سید ابوالفضل سعیدی ریحان رجوع شود به

به نام طرار یردی

۷ - تذکره هندی رجوع شود به نام فصاب یردی .

۸ - مشحرات تألیف آقا سید شهاب الدین بجمی رجوع شود به نام مشتاق

یردی

۹ - آفتاب عالمتاب رجوع شود به نام معر یردی .

۱۰ - تذکره میکده رجوع شود به نام وامق یردی

۱۱ - تاریخ آل مظفر رجوع شود به نام امیر یردی

۱۲ - محله ترقی رجوع شود به نام حافظی یردی

این کتاب مشتمل است بر دگر ۱۸۵۱ شاعر متقدم و متأخر و معاصر یرد

و نائین و حندق در دو جلد بهرادر یرد

جلد اول مشتملست بر دگر ۲۷۱ شاعر که اولشان آگهی بحسب یردی

و آخرشان یعمای حندقی است

جلد دوم مشتمل است بر دگر ۱۳۱ شاعر که اولشان اوشار یردی و آخرشان

یاسائی است

همچنین دگر ۷۰ نفر شاعر را در دیل « ملحقات » آورده است که اولشان

اوهب یردی و آخرشان ایمانی مہانادی

۱ - همچنین در پایان کتاب شرح حال بسیار مختصر و عکس از همت بهر آورده اما

هیچ شعری از آنان نقل نکرده است .

ذکر شعرای فوق را در جلد اول و دوم ترتیب الفبائی آورده است اما در دلیل ملحقات ترتیب الفبائی را مراعات ننموده و اسامی شعرا بدون هیچ ترتیب خاصی ذکر کرده است .

مؤلف شرح حال شعرای زیر را مفصل تر از سایرین آورده است :

شارق یردی و مجد الملک یردی و محمد مهید مستوفی بافقی و آذر خرمشاهی و دهقانی تفتی و طرف راه یردی و علومی یردی (هر کدام در ۲ صفحه) و قاری یردی و مجد همگرو افشار یردی و آیتی یردی و اسلامی بدوشن و عسکری کامران یردی و قلم یردی و قوام الشعرای یردی (هر کدام در $\frac{۲}{۴}$ صفحه) و فرات یردی (در ۴ صفحه) و عیاش یردی (در $\frac{۱}{۴}$ صفحه) و حیجوں یردی و طراز یردی و وحشی بافقی (هر کدام در ۵ صفحه) و استاد کیومرث خرمشاهی (در $\frac{۱}{۴}$ صفحه) و فرحی یردی (در ۸ صفحه) .

مؤلف اسعار شعرای زیر را مفصل تر از دیگران نقل کرده است

مجد همگرو (در ۳ صفحه) و بهمن یردی و افسانه یعمای و حیران کسویه و نشاط یردی و فتحی رباط شب نادامی (هر کدام در $\frac{۱}{۴}$ صفحه) و مصاحب نائینی و محرم دوم یردی و یعمای حندقی و بلاعی نائینی و پرمان اهرستانی و حلوه نائینی و قوام الشعرای یردی و گلشن اردکانی و موود یردی (هر کدام در ۴ صفحه) و عسکری کامران یردی و ادیب یردی و کاروان یردی (هر کدام در $\frac{۱}{۴}$ صفحه) و حجاب یردی و حبابی بررسی آبادی و طریف راه نائینی یردی و فرحی یردی (هر کدام در ۵ صفحه) و وریری یردی و شکوهی ساد لی هر کدام (در $\frac{۱}{۴}$ صفحه) و حاصع اله آبادی (مؤلف) و ناصر یردی (هر کدام در ۶ صفحه) و طرف نائینی و دهقانی تفتی (هر کدام در $\frac{۱}{۴}$ صفحه) و سالک یردی و اسلامی بدوشن (هر کدام در ۷ صفحه) و افشار یردی و اعلامی نائینی (هر کدام در ۸ صفحه) و استاد کیومرث خرمشاهی و آیتی تفتی و بهجت بررسی آبادی (هر کدام

در ۸¼ صفحه) و عبرت نائیی (در ۹ صفحه) و فرات یردی (در ۱۰ صفحه) و آذر خرمشاهی و پاک نژاد یردی د قلم یردی (هر کدام در ۱۱ صفحه) و حیران یردی (مدرس) و حبیب یعمائی (هر کدام در ۱۶ صفحه).
 شرح حال اکثر شعرا را در یکی دو جمله آورده و از آنان یکی دو بیت یارباعی نقل کرده است

در دیل نام شعرای ریر اسم آثارشان را میر د کر کرده است .

طاهری یردی و فرات یردی و مشتاق یردی و ایرج افشار و حبیب یعمائی و علوی یزدی .

در دیل نام شعرای ریر بعضی قسمتها را از آثار مشورشان نیز نقل کرده است.

آدری یزدی و نشاط یردی *

در دیل نام مشتاق یردی سب مفصل وی را نقل کرده است .

در دیل نام فقیهی یردی شعری بعربی از وی آورده است .

در پایان هم سب شعرای یرد و نائین و چندق که د کرشان در این کتاب

بیامده است سب ترتیب الما آورده است

سبک اشای مؤلف در اکثر موارد ساده است اما در دیل نام بعضی شعرا

از آنان به شر مصوع تعریف کرده مخصوصاً در دیل نام قوام الشعرا یزدی از وی

شر مسح تعریف کرده است

رویه گرفته این کتاب د کر اکثر شعرای متقدم و متأخر یرد و نائین و چندق

را شامل است و از این لحاظ رحمتی که مؤلف آن در ترتیب این کتاب متحمل شده

است قابل تحسین و آفرین است اما در متن کتاب اشتباهات زیادی چشم میخورد

که اکثر آن غلطهای چاپی است^۱ همچنین در بعضی موارد در املاء یا استعمال

بعضی اصطلاحات و کلمات اشتباه رخ داده است که بعضی از آن در سطور دیل اشاره

۱- اینجا از د کر غلطهای چاپی مرعطر میشود .

میشود تا در موقع تجدید چاپ اصلاح شود .

تذکره شعرای و تقدیمین و معاصرین بحای تذکره شعرای متقدم و متقدم
و متأخر^۱ (زیر عنوان کتاب)

اگر فرصت ایجاب میکرد بجای اگر فرصت احاره میداد (صفحه يك)
در بعضو حه صحب . . . بجای در ضمن صحبت (صفحه يك)

خورده نگیرد بحای خرده بگیرند (صفحه چهار) .

در جامع معیندی چنین مینویسد . . . بحای در جامع معیندی چنین آمده است

یا مؤلف جامع معیندی چنین مینویسد (ص ۱۲۴) - همچنین رجوع شود به صفحه

۱۳۴ : « در جامع مینویسد » و ص ۳۵۰ « در تذکره روز روشن مینویسد . . . »

در تذکره روز روشن مستور است بحای در تذکره روز روشن مستور است (ص ۱۲۹)

این چند ابیات اروست بحای این چند بیت از اوست (ص ۱۶۱) همچنین

رجوع شود به ص ۴۶۵ « اینک چند ابیات . . . »

این بیت اروست بحای این چند بیت اروست (ص ۲۷۳)

چاپ حیدر آباد دکن کتاب روشنی خاص در اسفند ۱۳۴۱ ش با اهتمام آقای

اردشیر خاص .

غیر از غلطهای چاپی که در سراسر این کتاب بر اوانی دیده میشود در شاهه -

گذاری نیز اشتباهات زیادی بچشم میخورد مخصوصاً در نگار بردن پاراسر^۲ () «
و گیومه (« ») که در بعضی موارد راید است .

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به آغاز و پایان این کتاب چاپ

حیدر آباد دکن سال ۱۳۴۱ ش .

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به « تذکره سخنوران یرد » که مؤلف

در دیل نام « حاضعاله آبادی » شرح حال معصل خود را نوشته است

۱- در فارسی امروز صفت را بصورت جمع سآورد

۲- در فارسی امروز معدود را بصورت جمع مپآورد .

«تذکر»

نگارنده در تهیه و تکمیل ضمیمه‌های زیر حیلی سعی و کوشش کرده و به اکثر فهرستهای کتابخانه‌ها و کتب مربوطه دیگر مراجعه و از آن استفاده نموده است. معدلتك ادعا ندارد که این فرستها از هر حیث کامل و جامع است.

ضمیمه اول

تذکره‌های فارسی که در هندوستان و پاکستان تألیف شده است اما شرح آن در این رساله بیامده است

(الف) - تذکره‌هایی که نگارنده این رساله بآن دسترسی بداشت و شرح آن را ارجحای دیگر هم نتوانسته بدست آورد اما نام این کتابها جزو مآخذ تذکره‌های دیگر یا در فهرست استوری وغیره ذکر شده است

۱- معدن الجواهر تألیف مولوی محمد صالح واصف سال ۱۲۶۲ هـ (رجوع شود به گلزار اعظم)

۲- تذکره الشعرا تألیف بهاءالدین حسن خان عروج (ایوانو ۴۰۲ و تکمله اول ۷۹۳)

۳- تذکره شعرای هند تألیف مولوی محمد کریم - چاپ هند (استوری ص ۹۲۲)

۴ - مذاق سخن تألیف شاه حید حسن بن شاه محمد حسن اله آبادی چاپ هند ۳۰۰هـ (ایضا)

۵ - تذکره وتبصره تألیف مهدی حسین ناصری تذکره شعرای محبوب فارسی چاپ اله آباد ۱۹۱۵ = ۱۳۳۴هـ

۶ - ترجمه مجانس النفایس علیشیر بوائی ارعد الباقی شریف رضوی بامر علام غوث خان اعظم نواب کرناٹک (فهرست مدراس ۴۴۵)

۷ - تذکرة النساء تذکره شاعره های هندوستان - اسم مؤلف ندارد (نذیر احمد ۷۲ کتابخانه حاجی حبیب اله دریلور مورخ ۱۱۸۲ = ۱۷۶۸م)

(ب) تذکره هائی که امروز سحهای ارآن بها نموده است

۱ - عارف الآثار تألیف محمد عارف بقائی بعدار ۹۸۰ هدر آگره هند (رجوع شود به مآثر رحیمی ، ح ۳ در ذیل نام عارف بقائی)

۲ - حیات الشعرا تألیف محمد علیخان متین کشمیری از مآخذ گل رعنا و خرابه عامره و نگارستان سخن و اختر تا بان

۳ - تذکره منیر لاهوری از مآخذ صف ابراهیم و غیره

۴ - تذکرة الشعرا وادسته سیالکوٹی - از مآخذ تذکره بیظیر و غیره (رجوع شود به نام آراد)

۵ - تذکره الشعراء عوفی کجراتی - (رجوع شود به سعینه خوشگو سحبه آب آورد در ذیل نام عوفی معاصر اکبر شاه)

۶ - تذکرة الشعرا عدیده مغول متخلص به دیده و ملقب به اعرجان (رجوع شود به خوشگو دفتر ثالث - چاپ یتسه ص ۲۵۵ در ذیل نام « دیده »)

۷ - تذکره باغ ارم - از مآخذ اختر تا بان

۸ - تذکره (جوهر) پی زری از مآخذ اختر تا بان

۹ - آفتاب عالمتاب تألیف قاصی محمد صادق - از مآخذ احمر تا بان و رور

روشن و صبح ۱۳۰۰ .

۱۰- **شام غریبان** تألیف لچمی برای شفیق اورنگ آبادی از مآخذ اختر
تاما و نگارستان سخن و نتایج الافکار

۱۱- **مجمع البلغا** - مایلی (ارشعراى سده)

۱۲- **تذكرة الشعراء** - شیخ صیف (سیف) الدین محمد طبیعت (رجوع شود

به سعینه هندی چاپ پتھنص ۱۲۷ در ذیل نام طبیعت)

۱۳- **سفینه الشوق** تألیف رای منکه رای شوق در حدود ۱۱۷۰ هـ (رجوع شود

به سعینه هندی چاپ پتھنص ص ۱۱۵ در ذیل نام منکه رای شوق)

۱۴- **حدیقه هندی** - تألیف بهگوان داس هندی در ۱۲۰۰ هـ (رجوع شود به

سعینه هندی چاپ پتھنص ۱)

۱۵- **تذكرة الشعراء** تألیف میر تقی الدین اوحدی بقی ملتانی (رجوع شود

به سعینه خوشگو سحہ آن آورد مر کری ش ۲۶۵۵ در ذیل نام بقی ملتانی) .

۱۹- **تحفة الشعراء** ^۱ تألیف سلطان ابوالفتح صعوی متخلص به طلوعی ^۲

تذکره اسم کتابهای ریدر بعضی تذکره هاد کرده است اما چون ظاهر آنسحه ای

از این کتابها بجا مانده با برای همیشه بطور حتمی درباره موضوع آن چیزی

گفت بعضی از این کتابها مجموعه اشعار شعراء بوده است

۱- **سخن الشعراء** تألیف مولوی عبدالغفور حان بهادر ساح (رجوع شود به

سمع احمن)

۲- **قند پارسی** تألیف مولوی عبدالغفور حان بهادر ساح از مآخذ اختر

تاما و نگارستان سخن

۳- **بشتر نعم** از مآخذ اختر تاما و نگارستان سخن

۱- اسم این تذکره در ذیل سبب تألیف تذکره کاتب آمده است رجوع شود به بحث

درباره آن تذکره در کتاب حاضر

۶- رجوع شود به بحث در باره تذکره کاتب - شرح حال مؤلف - در کتاب حاضر

- ۴- خر بظه جواهر از مآخذ اختر تابان و شتر عشق
 ۵- جواهر زواهر تألیف لچمی براین شفیق اورنگ آبادی از مآخذ
 احترام تابان
 ۶- فانوس خیال تألیف عبدالغنی عنی از مآخذ تذکرة الشعراء غنی

ضمیمہ دوم

تذکرہ شعرای فارسی کہ در خارج ارضہ قارہ ہند و پاکستان تألیف شدہ است۔
۱۔ تذکرہ الشعرا تألیف کس الدین محمد خواہی متوفی ۸۳۴ (کشف الظنون

ح ۱)

۲۔ تذکرۃ الشعراء و لشاہ من علاء الدولہ بختی شاہ غریب نوری سمرقندی بسال ۸۹۲ھ
نسخ خطی (۱) اشپرنگر ش ۳

(۲) قاہرہ ص ۵۰۲ (۸۹۲ھ۔ محتملاً بخط مؤلف) ص ۵۰۱ (۸۹۸۰ھ) ص ۵۰۲

(تاریخ ندارد)

(۳) مورہ بریتانیا (۸۹۵ھ)

(۴) ریوح ص ۹۷۷ (۹۷۳ھ) ح ۲ ص ۸۰۹ (قرن ۱۱۶ م) ح ۱ ص ۳۶۴ الف -

(۸ نسخہ - یکی مورخ قرن ۱۱۶ م و سہ نسخہ مورخ قرن ۱۱۷ م)

(۵) نادلین ش ۳۴۸ (۹۴۲ھ) ش ۳۴۹ (۹۷۵ھ) ش ۳۵۰ (۹۷۸ھ) ش ۱ - ۳۵۱

(۶) اکسپور - مؤسسہ ہند - نسخ خطی فارسی و عربی - ح ۲ ش ۲۱ (۹۹۴ھ)

(۷) ادیسرگ - کلکسیون حدیبی ص ۵ (۹۵۲ھ)

(۸) اتہ ش ۵۶۵ (۹۶۰ھ) ۶۵۷ - ۶۶۳

(۹) اندیا آفیس ش ۳۷۷۷ (قرن ۱۱۸ م)

(۱۰) اندیا آفس - دی بی - س ۶۲۰

- (۱۱) بلوشه ح ۲ ش ۱۱۲۹ (۹۶۷) وش ۱۱۳۰ (۹۷۴) ۴۱-۱۳۱ ح ۳ ش ۲۴۵۲
(قرن ۱۶م)
- (۱۲) مؤسسه روزن ش ۳۱ (۹۷۱) (۹۷۴) ۶۳۸
(۱۳) برلش ۶۳۸ (۹۷۴) ۶۳۹-۴۲
(۱۴) دارن ۳۲۰ (۹۷۵)
- (۱۵) قلو گج ش ۲ ش ۱۱۹۹ (۹۷۹) ۱۲۰۰ (۹۸۵)
- (۱۶) براون-فهرست فارسی ش ۱۱۲ (۹۸۴) ۱۱۳ (۹۷۹) ۱۱۴
- (۱۷) تکمله ش ۲۹۲۵ (سخه آحر = کینگ ش ۱۰۶)
- (۱۸) براون-کلکسیون ح ۸ ش ۸ = هوتم شیندلر ۳۶ (۹۰۸ یا ۹۸۰ هـ)
- (۱۹) بوهار ۹۰ (۹۸۰)
- (۲۰) کرافتص ۱۲۵ ش ۳۱۲ (۹۸۲)
- (۲۱) ایوانو ۲۱۸ (۹۸۴)
- (۲۲) ایوانو-کرن ۵۰ و ۴۹
- (۲۳) کیورتیلا (۹۹۹) (مجله اوریتل کالج لاهور ح ۴ مورخ اوت ۱۹۲۷ ص ۱۱)
- (۲۵) داشگاه تاشکند ۶۹ (قرن ۱۶م)
- (۲۵) سپه سالار ج ۲ ص ۷-۴۴۷۵ (سخه-یکی مورخ قرن ۱۶م)
- (۲۶) لیندزیانا ص ۱۳۲ ش ۸۳۸ (حدود ۱۶۰۰م) ش ۵۴ وش ۳۱۰ وش ۳۰۹
- (۲۷) رها تسکص ۱۳۰ وش ۱۵ (۱۰۳۳ هـ با فهرست اسامی شعرا) ص ۵۹ ش ۴۵
وص ۱۰۳ ش ۵۹ (اشتهاً به عنوان محبوب العیوب)
- ۲۸- بانکی پور ج ۸ ش ۶۸۰ (۱۰۵۱) ش ۶۸۱
- (۲۹) علیگر-کلکسیون سخن اللہ ص ۶۱ ش ۳۲
- (۳۰) آصفیه ح ۱ ص ۳۱۸ ش ۳۶ وح ۳ ص ۱۶۲ ش ۱۱۹
- (۳۱) او مرش ۱
- (۳۲) دانشگاه ممبئی ص ۲۷۴ (قدیم)

(۳۳) بخارا سمونوف ش ۴۸

(۳۴) چابی کوف ش ۱۰۵

(۳۵) لاهور - دانشگاه پنجاب - ۲ سحہ (رجوع شود به مجله اورینٹل کالج

ح ۳ ش ۱ مورخ نوامبر ۱۹۲۶ م ص ۷۴)

(۳۶) کتابخانه عمومی لنین گراد ح ۱۳ رجوع شود به

Melanges Asiatiques پیتر نورگ مورخ ۱۸۵۹ م ص ۷۲۸) موزه آسیائی

اقلا سه نسخه - رجوع شود به Melanges Asiatiques ج ۶ مورخ ۱۸۷۳ ص

۱۲۶ و ح ۷ مورخ ۱۸۷۶ ص ۴۰۲

(۳۷) مدراس ۴۴۰

(۳۸) مجلس ۳۲۷

(۳۹) بیشاور ۱۴۵۱

(۵۰) انجمن همایونی آسیائی - فارسی - ۱۶۳

(۴۱) رلمان - رودن ص ۱۳ ش ۶۱ و ۱۴۷ (یکی ار این نسخه‌ها بخط سلطان علی

مشهدی خطا معروف معاصر دولت‌شاه میباشد)

چاپ

(۱) بمبئی ۱۸۸۲ م

(۲) لندن ولیدن ۱۹۰۶ م باهنام دکتر براون

(۳) اله آباد ۱۹۲۱ م (طبقات ۵-۱) (۴) تهران

ترجمه ترکی (خلاصه) نام سعینه الشعرا ترجمه ارفیم سلیمان آفندی -

برای سجد خطی رجوع شود به فلوگل ح ۲ ش ۱۲۵۸ چاپ استنبول ۱۲۰۹ هـ

قدگر قسمتهائی از این تذکره در شهرهای مختلف چاپ شده است

۳- لطایف نامه ترجمه فارسی «محال السعایس» میر نظام الدین علی شیر بوائی

(۱۹۰۶ م) که اصلا برناں ترکی بوده و سلطان محمد فحری بن امیری هروی آنرا

بفارسی ترجمه کرده و مجلس نهم راجع به شعرای معاصر را باصل کتاب افزوده است
 نسخ خطی لندزیانا ص ۱۲۲ ش ۶۵ (۹۳۹ هـ) ریوح ص ۳۶۵ ب (۹۶۵)
 چاپ مجله اورینتل کالج لاهور ج ۷ ش ۴ مورخ اوت ۱۹۳۶ و غیره تهران باهتمام
 استاد علی اصغر حکمت ۱۳۲۳ ش.

۴- ترجمه فارسی «مجالس النقایس» علی شیر نوائی از حکیم (شاه)
 محمد بن مبارک قرویبی در ۹۲۷-۹۲۹ هـ نام سلیم در استنبول - مترجم اصل کتاب
 را در هفت «بهشت» خلاصه کرده و دو دروضه را باصل کتاب افزوده است روضه
 اول درد کر شعرای متقدم و متأخر است که غالب مطالب آنرا از بهارستان حامی
 اقتباس نموده و روضه دوم در ذکر سلطان سلیم و شعرای دربار وی میباشد (نسخه
 خطی آن در کتابخانه استاد نفیسی موجود است) چاپ تهران ۱۳۲۳ ش باهتمام
 استاد علی اصغر حکمت.

نسخ خطی - اسعد ش ۳۸۷۷ کتابخانه استاد سعید نفیسی تهران.

۵- ترجمه فارسی «مجالس النقایس» علی شیر نوائی از شاه علی بن عبدالله
 در زمان سلطان دین محمد بن حتی بیگ که در عهد خان اوزبک (۹۹۱-۱۰۰۶ هـ)
 حاکم خراسان بود نسخه خطی ریو تکمله ش ۱۰۳ تا شرح حال الغ بیگ مجلس
 هفتم مورخ قرن ۲۱۷)

۶- تحفه سامی تألیف ابوالنصر سام میرزا بن شاه اسماعیل صفوی در حدود
 ۹۵۷ هـ در ذکر تمرباً ۶۶۴ شاعر قرن نهم تا اواسط قرن دهم در هفت «سینه»

(۱) حاجی خلیفه ج ۲ ص ۲۶۳ ش ۲۸۲۳

(۲) اشیرنگر ص ۱۲ ش ۲

(۳) یاسکی پور ج ۸ ش ۶۸۲ (۹۶۸) ۶۸۳ (۹۷۱ هـ)

(۴) ریو ح ۱ ص ۳۶۸ الف (ناقص - مورخ ۹۶۹ هـ) ص ۳۶۷ ب (اواخر قرن ۲۱۶)

(۵) ریو تکمله ش ۱۰۳ (۹۷۶ هـ)

(۶) فلوگل ج ۲ ش ۱۲۰۱ (۹۷۲ هـ)

- (۷) کرافت ص ۱۲۶ ش ۳۱۳ (۹۷۲هـ)
 (۸) لیدریانا ص ۲۱۵ ش ۳۱۷ (۹۷۷هـ)
 (۹) سپهسالار ح ۲ ص ۴۶۲ (حدود ۹۸۳هـ)
 (۱۰) قاهره ص ۵۰۱ (۹۹۷هـ)
 (۱۱) بلوشه ح ۲ ش ۱۴۴ (۱۰۰۱هـ) ۱۱۴۵ (اواخر قرن ۱۱۶هـ) ۱۱۴۶ (قرن ۱۲م)
 (۱۲) داشگاه بمبئی ص ۴۱ ش ۲۵ (مهر مورخ ۱۰۰۷هـ دارد)
 (۱۳) او مرش ۲
 (۱۴) برلن ش ۶۴۳ و ۶۴۳ الف
 (۱۵) براون تکمله ۲۷۲
 (۱۶) بخارا سمونوف ش ۴۱
 (۱۷) اته ۶۶۵ (در حدود ۵۷۹ شاعر) ۶۶۶ (۴۷۴ شاعر)
 (۱۸) لیس گراد موره آسیائی (ناقص رجوع شود به :
 Melanges Asiatiques ج ۷ سن پیتر نورگ ۱۸۷۶ ص ۴۰۷ ش ۴۰۷
 (۱۹) لیدن ح ۳ ص ۱۹ ش ۹۳۳
 (۲۰) مدراس ۳۰۵

همچنین چند نسخه خطی در فهرست داشگاه بمبئی ذکر شده است که یکی از آنها مورخ ۹۷۲هـ در یکی از کتابخانه‌های کابل موجود است و چندین نسخه خطی در استانبول موجود است (مثلا رجوع شود به فاتح ش ۲-۴۲۴۱ و حکیم اوغلو علی پاشا ۷۱۸)

چاپ تهران ۱۳۱۴ ش باهتمام مرحوم وحیدر دستگردی و همچنین قسمتهای مختلف این کتاب در شهرهای مختلف چاپ شده است.

خلاصه ار آنندرام محلص- نسخه خطی اندیا آفیس دی پی ۷۱۸

۷ بعد گرا حباب تألیف سید بهاء الدین حسن نزاری بخاری بسال ۱۰۰۵هـ مشتمل بر

دکتر ۲۶۵ شاعر از زمان میرعلی شیرنوائی تا ۱۰۰۵ هـ در یک مقاله و چهار باب
سخ خطی (۱) مورد بریتانیا (۹۸۷ هـ رجوع شود به مجله سه‌ماهه مورد بریتانیا
ج ۴ ش ۴ مورخ ۱۹۳۰ ص ۱۱۲).

(۲) برلین ۶۴۵

(۳) ایوانو ۲۱۹ (ناقص قرن ۱۷م)

(۴) لنین‌گراد - موسسه شرقی آکادمی

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به برلین ص ۶۰۵-۹

۸- تذکره ابوالبقا تألیف میر ابوالبقا تفرشی که مؤلف عرفات وی در ۱۰۰۰ هـ
در اصفهان و قزوین دیده بود (برای شرح حال وی رجوع شود به عرفات و ریاض الشعرا
و شمع ابجس ص ۸۱ و تذکره الشعرا غنی ص ۵)

۱- تذکره الشعراء تألیف نایب شاه رجوع شود به کشف الطنون ح ۱)

۱۰- ریاض الشعرا ریاض (۱۰۵۴ هـ) در ذکر شعرا تر کست که مؤلف

در رحب ۱۰۱۸ هـ بنام سلطان احمد اول عثمانی (۱۰۱۲-۱۰۲۶ هـ) تألیف کرد (فهرست
کتابخانه شخصی پروفیسور براون ص ۶)

۱۱- خیر البیان تألیف شاه حسین بن ملک عیاش الدین محمود در ۱۰۱۷

۱۰۱۹ هـ بنام شاه عباس بررگ صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ هـ) در ذکر شعرا مقدم و

متأخر در دو فصل و یک خاتمه نسخ خطی ریو تکمله ش ۱۰۸ (۱۰۴۱ هـ) ۱۰۹
(ناقص - قرن ۱۸م)

۱۲- تذکره ناظم تبریزی تألیف خواجه محمد صادق معروف به صادقا سریری

بسال ۱۰۳۰ هـ بنام شاه عباس بررگ صفوی (و ماده تاریخ تألیف آن «نظم گزیده»

(= ۱۰۳۰) اسب (نسخه ای از آن در دانشگاه علیگر موجود است)

۱۳- میخانه یا خرات یا میکنده تألیف حسن بن لطف‌الله تهرانی سال ۱۰۴۰ هـ بنام

حسن بیگ شاملو بیگلر بیگی خراسان (۱۰۲۷-۱۰۵۰ هـ) در چهار مقاله و ۲۸

حرف و فاتحه. نسخه خطی و فهرست اسامی شعرا ریو تکمله ش ۱۰۷

- ۱۴- قصص الخاقانی (تذکره و تاریخ) تألیف داود قلی بن ولی قلیشاه
تألیف ۱۰۷۳-۱۰۷۶هـ (نسخه خطی مجلس تهران ۵۲۶ و ۱۲۴۶)
- ۱۵- تذکره نصرآبادی تألیف محمد طاهر نصر آبادی در ۱۰۸۳هـ بنام شاه
سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۶هـ) دردگر متجاوز از هزار شاعر
سخ خطی ۱) اشپرنگر ص ۸۸
۲) بلوشه ح ۲ ش ۱۱۴۸ (طاهر آ بخط مؤلف مورخ ۱۰۸۳هـ)
۳) ریو تکمله ش ۱۱۰ (۱۰۹۷هـ) ح ۱ ص ۳۶۸ ب (قرن ۱۸م)
۴) ناسکی پورح ۷ ش ۶۸۷ (۱۱۰۵هـ)
۵) لندریانا ص ۱۹۶ ش ۳۱۵ (در حدود ۱۷۰۰م)
۶) برلن ۶۴۸ (۱۱۱۴هـ)
۷- ادسرگ ۸۸ (۱۱۱۸هـ)
۸) نادلین ۳۷۲ (۱۱۳۲هـ)
۹) اندیا آفس دی پی ۵۸۷ (۱۲۴۴هـ)
۱۰) اته ۶۶۹
۱۱) ایوانو ۲۲۰ (۱۸۷۰م)
چاپ تهران ۱۳۱۶۷ش
- ۱۶- تذکره الشعراء سبجان قلیخان تألیف قاصی محمد بدیع بن محمد شریف
سمرقندی در زمان سبجان قلیخان سلطان استرخابی بخارا (۱۰۹۱-۱۱۱۴هـ)
دردگر شعرا و فضلالی زمان وی- برای سحر رجوع شود به بخارا سمو یوف ش ۵۰
- ۱۷- تذکره الشعراء- اسم مؤلف ندارد- در قرن ۱۱هـ تألیف شده است و بامولانا
جامی (تتمه عربیات) شروع شده با « حسروی قائمی » تمام میشود و تنها حروف
« ا ب ت ح خ د ر ز » را دارد (نسخه کتابخانه ملک تهران ۲۸۴۱)
- ۱۸- دلیل بر تذکره نصرآبادی اسم مؤلف ندارد اما در حدود ۱۱۲۴هـ تألیف
شده است (چون این سال را در دلیل شرح حال عرفی سال جاری نوشته است)

در ذکر ۱۴۱ شاعر از جمله ۱۶ شاعر کوه کیلویه (نسخه ۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳۳۶۲ - در حاشیه تذکره بصر آبادی ص ۱ تا ۱۵ شعرای دیگر و ص ۸۶ تا ۸۷ شعرای کوه کیلویه).

۱۹- تذکره والده اصفهانی تألیف میرزا کاظم والده اصفهانی که طاهرآ تا تمام مانده است و هیچ مقدمه یا خاتمه ندارد در ذکر ۴۷ شاعر متقدم و متأخر است (نسخه ۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۲۹۰۴)

۲۰- تذکره همیشه بهار تألیف ابوالقاسم حیدر در اواسط دوره صفوی

نسخه خطی دانشکده ادبیات ش ۹۸ ب مورخ قرن ۱۱ هـ . برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به محله دانشکده ادبیات ش ۱ سال ۸ ص ۱۰۸ - ۱۲۰

۲۱- آتشکده تألیف حاجی لطف علی بیگ آدر بیگدلی شاملو اصفهانی

(۱۱۹۵ هـ) در ۱۱۷۴ هـ در ذکر شعرای متقدم و متأخر در دو مجلد «

نسخ خطی

۱) اشپرنگشر ۳۲

۲) بلوشه ح ۴ ش ۲۴۵۳ (اصفهان ۱۱۸۰ هـ) ح ۲ س ۱۱۵۳ (۱۲۱۳ هـ)

۱۱۵۴ (۱۲۱۷ هـ) ۱۱۵۵ (۱۲۳۱ هـ) ۱۱۵۶ (۱۲۳۴ هـ - قسمتی بحظ مؤلف)

۳) اته ۶۹۳ (۱۱۹۶ هـ) ۶۹۴ (۱۲۱۵ هـ) محتملاً بحظ پسر مؤلف .

۴) لیندریا نا ص ۱۸۲ ش ۹۱۸ (۱۲۰۲ هـ) س ۵۶ (۱۲۱۵ هـ)

۵) سپه سالار ح ۲ ص ۶ - ۴۵۲ (چهار نسخه یکی مورخ ۱۲۰۷ هـ)

۶) ریوح اص ۳۷۵ ب (ناقص - ۱۲۱۴ هـ) تکمله ۱۱۱۴ (۱۲۳۴ هـ) ح ۱

ص ۳۷۵ الف (۱۲۳۸ هـ)

۷) ا کسفورد موسسه هندسخ خطی وینیلد ش ۶ (۱۲۱۹ هـ)

۸) نادلین سح فارسی ۸۰ (۱۸۲۰ هـ)

۹) بادلین ۳۸۴ (۱۲۲۷ هـ) ۳۸۵ (۱۲۲۸ هـ) ۳۸۶

۱۰) برلن ۶۵۸ (۱۲۲۲هـ) ۶۵۹ (۱۲۳۵) ۶۶۰

۱۱) رها تسك ص ۶۸ ش ۳ (۱۲۲۴هـ)

۱۲) بریلوی - رها تسك ص ۱۳ (۱۲۲۶هـ)

۱۳) مجلس ۳۲۲ (۱۲۲۵هـ)

۱۴) براون تکمله ش ۱ (۱۲۷۶هـ)

۱۵) اسعد ۹-۲۵۰۷

۱۶) آصفیه ح ۱ ص ۱۶ ش ۴

۱۷) کتابخانه عمومی لنین گراد (۱۲ سعه)

۱۸) دانشگاه لنین گراد ۱۰۲۷ و ۱۱۸۳ و ۱۲۳۰

۱۹) مشهد ح ۳ ص ۱۵۷ (ناقص الآخر)

چاپ کلکته ۱۲۴۹هـ - بمبئی ۱۲۷۷هـ فهرست اسامی شعرا بادلیں ستونهای

۲۶۲-۹۳

ترجمه به ترکی - اسانسول ۱۲۵۹هـ

خلاصه تذکره اسحاق اسحق بیگ عدری بیگدلی شاملو برادر کوحک

لطعلی بیگ آدرمتوفی در ۱۱۸۷هـ برای نسخه آن رجوع شود به کتابخانه سپه سالار

تهران ح ۲ ص ۲۲-۴۶۹

۲۲- زینة المدايح تألیف محمد صادق وقایع نگار متخلص به همامروزی

جلد اول در ۱۲۱۸هـ و جلد دوم در ۱۱۲۳هـ مشتمل بر شعرائی که در هفت سال اول

سلطنت فتحعلیشاه قاجار بمدح وی اشعاری سروده اند سح حطی به ریو تکمله

۱۱۸ و ۱۱۹ (ح ۲) و مجلس ۳۹۷ و ۳۹۸ (۱۲۲۳هـ) فهرست اسامی شعرا ریو تکمله

۱۱۸-۹

۲۳- تذکره ناقي یا مدايح الاميميه (یا مدايح الحسينيه) تألیف عبدالناقي

اصهبانی سال ۱۲۲۲هـ نام امین الدوله حاجی محمد حسین خان در زمان

فتحعلیشاه قاجار در دو باب و هر باب دو فصل دارد (نسخه . کتابخانه مرکزی

دانشگاه بهران ۲۹۶۹

۲۴- تذکره اختر (احسن آرا) تألیف احمد بیگ گرجی منحلص به اختر سال ۱۲۲۷ هـ در ذکر شعرای معاصر مؤلف بترقیب العبا نسخ خطی برلن ۶۶۴ و کتابخانه آقایان همایون فرخ و فخرالدین نصیری امینی تهران . فهرست اسامی شعرا . برلن ص ۶۶۵-۷

۲۵- انجمن خاقان تألیف محمد فاضل خان راوی نایدردی گروسی (۱۲۵۲م هـ) سال ۱۲۴۳ هـ در ذکر شعرای زمان فتحعلیشاه در چهار انجمن و یک حاتمہ نسخ خطی (۱) ریو تکمله ۱۲۰ (۱۲۳۴ هـ) (۲) سپه سالار ح ۲ ص ۴۶۱ (۱۲۳۶ هـ) (۳) اسعد ۲۰۷۵

۴) کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور (رجوع سود به مجله اورینتل کالج ح ۳ ش ۱ مورخ ۱۹۲۶ م ص ۷۷) (۵) مجلس ۳۲۴

برای فهرست اسامی شعر ارجوع شود به ریو تکمله ص ۸۶ و مجلس ح ۲ ش ۲ ص ۸۹۲
۲۶- تذکره السلسله تألیف صابر ابوالقاسم بن میرزا محمد ابراهیم مدرس- تذکره سلسله مدرسیه برد در دو سلسله و یک رشته .

نسخه خطی: دانشکده ادبیات ش ۸۴ (بحظ مؤلف ناقص الآخر) - برای فهرست اسامی ۱۸ شاعر اول رجوع شود به مجله دانشکده ادبیات ش ۱ سال ۸ ص ۹۴-۹۵

۲۷- تذکره قدسیه تألیف محمد ابراهیم مدایح نگار در ذکر شعرای معاصر در چهار رکن با تصویر سیاه قلم هر شاعر اثر ابو تراب عقاری چاپ بهران

۱- قبل از این احمد بیگ گرجی منحلص به اختر کتابی نام « جهان آرا » در ذکر شعراء معاصر خود تألیف نموده بود اما قبل از تمام آن فوت کرد و بعد از وی برادرش به تکمیل آن پرداخت اما باز ناتمام ماند تا آنکه فتحعلی شاه فاضل خان گروسی را مامود تکمیل آن تذکره کرد و او انجمن خاقان را تألیف کرد . رجوع شود به الذریعه ح ۴ ص ۲۹ .

۲۸- تذکره انجمن ناصری تألیف محمد ابراهیم مدایح نگار چاپ تهران-

۱۳۱۰

۲۹- گلشن محمود تألیف محمود میرزا بن فتحعلیشاه قاجار سال ۱۲۳۶ هـ یامر-

پندرش که در دگر ۴۸ تن از پسران فتحعلیشاه مییاسد.

نسخه خطی (۱) ریو تکمله ۱۲۱ (۱۲۳۹ هـ) ۲ اصعد ۲۸۷۶

فهرست اسامی شعرا: ریو تکمله ص ۸۷

۳۰- تذکره دلگشا تألیف علی اکبر سمل شیرازی (م ۱۲۶۳ هـ) سال

۱۲۳۷ هـ درد گرشعرایرمان فتحعلیشاه نامر حسین میرزا دریک گلزار ودوبوستان

ویک حانمه که حانمه در شرح حال مؤلف است

نسخ خطی براون کلکسیون ح ۱۸ = شیدلر ۳۷ و برلن ۶۶۷ (۱۲۵۷ هـ)

ومر گری میرزا ۲۹۹۹ و نسخه اصلی در ملک تهران س ۳۸۴ فهرست اسامی شعرا .

برلن ص ۲۳-۶۶۹

۳۱- تذکره ثمر نائینی تألیف سید حسن نصر نائینی در دگر چهل نفر

ار شعرای نیمه اول قرن ۱۳ هـ که بمدح محمد حسین نظام الدوله اسمعانی

(م ۱۲۳۸ هـ) اسعاری سروده اند (نسخه کتابخانه مجلس تهران ح ۳ ش ۸۹۸ -

ناقص الاثر.)

۳۲- ندیع الافکار تألیف سید عبدالرحیم منصف الموسوی در ۱۲۳۶ -

۱۲۳۹ هـ نامر محمد کاظم میرزا بن محمد علی میرزا بن فتحعلیشاه در دگر شعرای

متقدم و متأخر در شش قسم قصیده و غزل و مثنوی و مقطعات و رباعی و ترجیع بد

ترتیب الفبا - تنها اسامی شاعران گان در اول کتاب آمده است

نسخه خطی: ریو تکمله ۳۷۸

۳۳- زبدة المعاصرین تألیف میر حسین الحسینی سال ۱۲۴۰ هـ در شیراز

برای میر کرم علیخان و میر مراد علیخان تالپور حاکم سند که مؤلف مدتی در دربار آنان بود در ذکر شعرای معاصر است و غالباً اشعار شعرا را بدون شرح حال دارد **نسخ خطی** . دانشگاه لاهور و کتابخانه شخصی پیر حسام الدین راشدی در کراچی

۳۴ - سفینه المحمود تألیف محمود میرزا سال ۱۲۴۰ هـ ۱ نامر فتحعلی شاه. نسخ خطی ریو تکمله ش ۱۲۲ و مر کری تهران ۳۶۳۲ و اسعد ۳۸۷۴

۳۵ - نگارستان دارا تألیف عبدالرزاق بیگ دنبلی متعلق به مفتون (۱۲۴۳ هـ) سال ۱۲۴۱ هـ در ذکر فتحعلی شاه و شاهزادگان و امراء و فضلا و شعرای رمان وی. نسخ خطی ریو تکمله ۱۲۳

فهرست اسامی شعرای نگارخانه های اول تا سوم : ریو ص ۸۸ - ۸۹

۳۶ - تذکره الشعر والشعرا تألیف مفتون فوق (مقدمه دیوان فرصت چاپ ۱۳۳۳ هـ و الدریمه ح ۴)

۳۷ - نقل مجالس (یا مجلس) تألیف محمود میرزا سال ۱۲۴۲ هـ در پهاوند در ذکر شاعرهای متقدم و متأخر - نسخه خطی آن سابقاً در کتابخانه شخصی و امری بود

۳۸ - تذکره السلاطین یا بزم خاقان تألیف سیف الدوله سلطان محمد بن فتحعلی شاه قاجار سال ۱۲۴۵ هـ در اصفهان و در ۱۲۵۰ هـ دوباره در آن نظر کرد در ذکر فتحعلی شاه و شعرای عصر او در یک مقدمه (متضمن ایس - العشاق و امی) و سه باب نسخ خطی سپه سالار ح ۲ ص ۴۷۷ و مجلس ح ۲ ص ۴۷۸

۳۹ - معانی الباقریه . تألیف سید محمد علی بن سید محمد طباطبائی رواری سال

۱ - در نسخه ای اسم این تذکره مجمع محمود و سال تألیف ۱۲۳۵ هـ آمده است (استوی ح ۱ ص ۸۸۸) .

۲ - نسخه مجلس ش ۸۹۴ یک برم مشتمل بر بیست مجلس (ایس العشاق و امی) و پنج ایچس دارد .

۱۲۴۵ هـ در ذکر ۵۲ شاعری که بمدح سید محمد باقر الموسوی الحسینی اشعاری سروده‌اند . نسخه خطی آن در کتاب رامپور هند موجود است .

۴۰- تذکره محمد شاهی تألیف بهمن میرزا (محدود ۱۸۸۳م) بن نایب السلطنه

عباس میرزا بسال ۱۲۴۹ هـ^۱ در سه « رشته » ترتیب در ذکر ۱۵۰ شاعر متقدم و متأخر تا پایان قرن ۱۲ هـ و فتحعلی شاه و ۱۲ شاهراده قاجار و ۵۷ شاعر معاصر مؤلف ترتیب الفبا .

نسخ خطی : ریو تکمله ۱۲۴ (۱۲۵۷ هـ) و مجلس ج ۲ ش ۹۰۲ و ۹۰۳

و دانشکده ادبیات تهران ش ۱۰ - ب - برای فهرست اسامی شعرا رشته‌های ۲ و ۳ رجوع شود به ریو تکمله ص ۹۰ - ۹۱ و مجله دانشکده ادبیات ش ۱ سال ۸ ص ۹۸ - ۱۰۰ .

۴۱- تذکره درویش نوا تألیف درویش حسین بواکاشانی در حدود ۱۲۵۳ هـ

در ذکر شعرای متقدم و متأخر با نقل اشعار مفصل از آنان

نسخ خطی . ریو تکمله ۱۱۵ (تنها سلسله ۱ طبقه اول مورخ ۱۲۵۳ هـ)

و براون کلکسیون ۷ ش ۶۸

۴۲- مصطبه خراب تألیف احمد قاجار الشپیری به هلاکومتخلص به خراب

بسال ۱۲۵۳ هـ در ذکر شرای هند و ایران و ترکیه معاصر فتحعلی شاه قاجار که بهارسی و ترکی شعر میسروده‌اند . نسخه : بلوشه ح ۲ ش ۱۱۶۰ (۱۲۷۱ هـ)

۴۳- مدایح المعتمدیه تألیف محمد علی بهار بن آقا ابوطالب مذهب

اصهبانی در حدود ۱۲۵۸ هـ در ذکر ۸۷ شاعر (که آحرشان خود مؤلف است) که بمدح معتمدالدوله منوچهرخان گجری تعلیمی^۲ اشعاری سروده‌اند با شرح حال

۱- مجلس ص ۱۶۲ - ۱۶۳

۲- معتمدالدوله محشی بود که در حمله فتحعلی شاه بر گرجستان در ۱۲۱۹ هـ اسیر

شده و بالاخره در ۱۲۵۸ هـ حاکم اصفهان و لرستان و عربستان شد (استوری ۱ حاشیه ص ۹۰۲)

بسیار مختصر و بشر سیار مصنوع آقا علی رشتی معتمدالدوله را بناین کتاب
افزوده است .

نسخ خطی : ریوتکمله ۱۲۷ و ۱۲۸ و مجلس ح ۲ ش ۱۱۹۲ و دانشکده
ادبیات تهران ۹ ب (دیباچه ندارد) برای فهرست اسامی ۹۹ شاعر رجوع شود به
مجله دانشکده ادبیات ش ۱ سال ۸ ص ۱۰۰ - ۱۰۴ و برای فهرست اسامی شعرا
(۱۹ + ۸۷) رجوع شود به ریوتکمله ص ۵ - ۹۳

۴۴ - تذکره **یخچالیه** تألیف محمد علی بن ابوطالب متخلص به بهار (مؤلف
مدایح معتمدیه) در عصر محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ هـ) در نحو شعرای
معاصر مؤلف - چاپ تهران ۱۲۹۰ تصحیح و مقدمه محمد حسین فروغ ادیب .
۴۵ - تذکره **منصف** تألیف سید عبدالرحیم مارندرابی متخلص به منصف
در ذکر شعرای رمان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ - ۱۲۶۰ هـ) - (رجوع شود به
مجمع الصحاح ح ۲ ص ۳۱۶ در دیل نام صادق بیگدلی)

۴۶ - تذکره **میکنده یا آشیانه میکنده** تألیف میرا محمد علی بر محمد
باقر الحسینی الحسینی یردی متخلص به وامق سال ۱۲۶۲ هـ (رجوع شود به آئینه
دانشوران و آتشکده یردان والدریعه ح ۴ ص ۵۰) .

۴۷ - **حدیقه امان‌الطیبه** تألیف میرا عبدالله رونق بن محمد آقا کردستانی
پسال ۱۲۶۵ هـ در ذکر شعرای سندح بنام امان‌اله خان که در ۱۲۶۲ هـ از طرف
محمد شاه قاجار والی کردستان شد و مولف منشی ناشی وی بود
نسخه خطی ریوتکمله ۲۹ (۱۲۶۶ هـ)

۴۸ - **تذکره الشباب** تألیف محمد مهدی بن محمد ناقر اصفهانی مخلص به
فروغ‌الدین در اواخر ۱۲۶۵ هـ که بنام ناصرالدین شاه عنوان کرده است واحوال
و آثار خود را تا ۴۰ سالگی آورده و در ضمن ذکر بعضی شعرای معاصر و اشعار
منتخب آنان را نقل کرده و به بعضی وقایع سیاسی معاصر اشاره کرده است

سخنه : ملك تهران ۲۶۶۳ بحط عبدالعلي بسر مؤلف

۴۹ - گنج شایگان تألیف میرزا طاهر مشی متخلص به شعری اصفهانی
ملقب به دیباچه نگار که مانند حرین از اولاد شیخ زاهد گیلانی بود و بسال ۱۲۷۲ هـ
این تذکره را که ماده تاریخ تألیف آن « آگنده شد بدرج گهر گنج شایگان »
در ذکر ۴۱ یا ۴۲ شاعری که بمدح صدر اعظم میرزا آقا حان اسعاری سروده‌اند
در دو «درج» و «یک» «سلك» تألیف کرده است .

نسخه خطی مجلس ۴۲۸ - چاپ تهران ۱۲۷۲ هـ

۵۰ - تذکره صاحبقران یا نوستان خیال تألیف میر محمد تقی حسینی

بسال ۱۲۷۹ هـ

۵۱ - تذکره رشحات تألیف شهاب اصفهانی (از مآخذ مجمع‌الصفحا)

۵۲ - مجمع‌الصفحا تألیف رضا قلی هدایت سال ۱۲۸۴ هـ در ذکر ۷۰۰

ن از سلاطین و شاهزادگان و امراء و سعراى معروف متوسط و متأخر فارسی

نسخ خطی ری و تکمله ۱۲۵ - چاپ تهران ۱۲۹۵ هـ باهتمام آقای مظاهر

مصفا ۱۳۴۰ ش .

۵۳ - تذکره و دیوان بسمل تألیف حاج علی اکبر نواب متخلص به بسمل

شیرازی مؤلف تذکره دلگشا سال ۱۲۸۵ هـ در ذکر عمارات دولتی و ارگ و صدور

و وزراء و شاهزادگان و سعرا علمای معاصر مؤلف و در آخر دیوان خود ضمیمه

کرده است سخنه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳۶۷۴

۵۴ - تذکره کاظم - اسم مؤلف ندارد - مؤلف معاصر رضاقلی هدایت

بوده (ص ۱۹۹ این تذکره) و این کتاب را سال ۱۲۸۶-۷ هـ تألیف کرده است

(ص ۱۱۹ و ص ۱۹۹ و ۲۶۰) و اس کتاب مستمل است بر ذکر فریب ۳۶ تن

۱ - مؤلف « بیان محمود » میبودند : کاظم اصلش 'رقصه نویسرگان است و مقوم -

سعدوران « شاهزادگان کاظم است

از شعرای متقدم و متأخر از جمله نه تن زبان شاعرند (نسخه مجلس ح ۲ ش ۹۰ دارای ۳۰۷ برگ)

۵۵ - تحفة الاحباب فی تذکرة الاصحاب یا تذکره قاری رحمت اله واصح بن عاشور محمد بحاری که معاصر امیر مظفرالدین (۱۲۷۷ - ۱۳۰۳ هـ) بود در ذکر شعرای آسیای مرکزی در قرن ۱۹ م ۱۳/ هـ چاپ تا شکند سال ۱۳۳۲ هـ باضافات باهتمام میرسلیم بیگ. نسخه خطی بخارا سمونوف ۳۸.

۵۶ - افضل التذکر فی ذکر الشعرا والاشعار تألیف محدومی پیرمستی متخلص به افضل سال ۱۳۲۲ هـ در شعرای آسیای مرکزی که در قرن ۱۹ میلادی ۱۳/ هجری میزیستند نسخه خطی بخارا سمونوف ۴ چاپ تا شکند ۱۳۲۶ هـ

۵۷ - تذکرة الشعرا تألیف صدیق خاں بن امیرمطر - سعه . بخارا سمونوف ۴۹

۵۸ - تذکره استرآناد تألیف محمد صالح استرآبادی در ۱۲۹۴ هـ بامر شاهراده علیقلی میرزا اعدادالسلطه وزیر علوم و صنایع (نسخه کتابخانه ملی تهران ش ۴۳۳۰)

۵۹ - تذکرة الشعراى معاصرین تألیف سید صیاء الدین محمدبن سید محمد صادق مرعشی اصفهانی متخلص به سید (با دیل تذکرة الشعراء عبدالفتاح نوی فرزند مؤلف) - چاپ هند ۱۲۹۹ هـ

۶۰ - تذکره ناصری تألیف مؤرخ الدوله عباسقلی سپهرکاشانی در اوصاف ناصرالدین شاه (۱۲۶۶ - ۱۳۱۴ هـ)

۶۱ - تذکره شبستان تألیف سید میرزا محمدعلی بن میرزا عبدالوهاب متخلص به شهاب در ذکر سلسله مدرسیه یرد (از مآخذ آیتی در آتشکده یردان چاپ ۱۳۵۷ هـ والذریعه ح ۴)

۶۲ - تذکره مجددیه تألیف میرزا ابراهیم مشی معاصر ناصرالدین شاه بهرمایش میرزا تقی خان محمدالمک در ذکر ۱۱ بهر شاعر ارحمله ناصرالدین شاه

باتمثال ده بحر از آبان - چاپ صفر ۱۳۰۳ هـ (در ۸۷ صفحه) (استوری - چاپ تهران ۱۳۰۲ هـ در ۵۲ صفحه) .

۶۳- تذکره همیز اسم مؤلف ندارد - تألیف بسال ۱۳۰۶ در ذکر برخی از شعرای قرن ۱۳ هـ - نسخه‌ای ناتمام بخط مؤلف در کتابخانه مجلس ج ۲ ش ۹۰۴ مورخ ۱۳۰۶ هـ دارای ۱۱۴ برگ موجود است .

۶۴- تذکره معودی اسم مؤلف و سال تألیف ندارد. قسمت اول آن مشتملست بر بعضی رسایل پیر و قسمت دوم جزو اول آن در ذکر شرح حال بسیار مختصر و اشعار منتخب از ۲۴ شاعر متقدم و جزو دوم مجموعه اشعار است از ۲۹ شاعر متقدم و متأخر (ملک تهران ۳۸۴۴) .

۶۵- خیرات حسان تألیف اعتماد السلطنه محمد حسن خان ملقب به صنیع الدوله (م ۱۳۱۳ هـ) در ذکر آداب و رسوم و لطایف و طرایف و حکایات و اشعار و فیات مشاهیر بانوان چاپ تهران ۱۳۰۷ هـ

۶۰- سکینه الفضلا تألیف عبدالحکیم رستاقی در ذکر شعرای کابل چاپ دهلی ۱۳۱۰ ش

۶۷- تذکره الشعراء پته خزانة تألیف محمد هوتک چاپ کابل با اهتمام و تصحیح آقای عبدالحی حبیبی (در ۲۹۰ ص)

۶۸- حدیقه الشعراء تألیف دیوان بیگی نسخه‌ای از آن بخط مؤلف که سابقاً متعلق به مرحوم عباس اقبال بود اکنون در کلکسیون استاد حکمت در دانشکده ادبیات موجود است

۶۹- سخن و سحروران تألیف استاد ندیع الرمان فروزانفر در دو جلد جلد اول مشتملست بر ذکر ۴۴ شاعر خراسان و ماوراءالنهر از ابتدای قرن ۳ تا اواخر قرن ۶ هـ و جلد دوم مشتملست بر ذکر ۱۱ نفر از شعرای عراق و آذربایجان از اواسط قرن ۵ تا آخر قرن ۸ هـ - چاپ جلد اول ۱۳۰۸ هـ جلد دوم (قسمت اول) آبان

۱۳۱۲ش^۱.

۷۰- بهجة الشعر ا تألیف حاج کاظم تاجر تریری (م ۱۳۱۵هـ) در ذکر شعرای معاصر مؤلف (رجوع شود به الذریعه).

۷۱- تذکره غریبی (رجوع شود به دانشمندان آذربایجان)

۷۲- شکرستان فارس تألیف سیدمحمد حسین شعاع شیرازی بفرمان شاهزاده علینقی میرزا رکن الدوله در شیراز در ذکر شعرای معاصر فارس (رجوع شود به مقدمه «تذکره شعاعیه»)

۷۳- تذکره شعاعیه تألیف محمد حسین شعاع الملک شیرازی متخلص به شعاع در ۲۱-۱۳۲۰هـ مام میرزا محمدعلی خان نصرالدوله در ذکر ۱۰۷ تن از شعرای معاصر مؤلف بترتیب العبا (ملک تهران ۳۸۳۹ مورخ ۱۳۲۲هـ)

۷۴- ترجمه فارسی مجمع الخواص تألیف صادقی بیگ کتابدار شاه عباس اول در ذکر ۳۳۳ شاعر از ابتدای عهد شاه اسماعیل تا زمان شاه عباس اول (یا بقول آهص ۱۲ شاه عباس ثانی) این کتاب اصلاً بر بان ترکی است اما مؤلف اشعارا کثر شعرا را بفارسی آورده است و اخیراً دکتر خیام پور آنرا بفارسی ترجمه کرده است. چاپ تبریز ۱۳۲۷ش.

۷۵- نامه فرهنگیان تألیف میرزا محمدعلی بن عبدالخالق مصاحبی متخلص به عبرت (م ۱۳۲۱ش) در ذکر ۳۴ اراز شعرای قرن ۱۴هـ بترتیب العا و باعکس ۲۲ نفر از آنان (مجلس ش ۱۱۹۷)

۷۶- مدینه الادب تألیف محمدعلی عبرت مؤلف نامه فرهنگیان فوق

۱- چنانکه دیباچه مؤلف فاضل کتاب میرساند قرار بود این کتاب در چهار جلد تألیف شود جلد اول مشتمل بر ذکر شعرای حراسان و ماوراءالنهر و جلد دوم در ذکر شعرای عراق و آذربایجان و جلد سوم در ذکر شعرای شیراز و هندوستان و جلد چهارم در ذکر نویسندگان. اما تنها جلد اول و قسمت اول جلد دوم (تا حاقانی شروانی) بطبع رسیده است و بقیه این کتاب تاکنون چاپ نشده است.

در ذکر شعرای معاصر مؤلف با حواشی درد کر بعضی بلاد و شعرای ماضی - (سخنه ناتمام آن در کتابخانه مجلس تهران موجود است)

۷۷- روزنامه ملت که مدیریت شاهزاده علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و صنایع و معادن در زمان ناصرالدین شاه بحظ بستعلیق و چاپ سنگی انتشار مییافت و در هر شماره آن ترجمه احوال و نمونه آثار یکی از شعرای متقدم و متوسط یا معاصر ذکر میشد (دوره کاملی از آن در هیچیک از کتابخانه‌ها نیست اما مجموعه‌ای از آن در کتب اهدائی سید محمد صادق طباطبائی در کتابخانه مجلس موجود است که ذکر ۲۴ نفر از شعرای متقدم و متأخر را دارد).

۷۸- تذکره شعرای قائمات و قهرستان تألیف ضیاءالدین محمد حسین المشتبر به ضیاءالدین الیرحندی متخلص به ضیا بسر ملا باقر شیرآخوندی (سرکری ۳۰۱۲ مورخ ۱۳۳۱ هـ) در آغاز این سجع در اوراق جداگانه ای آقای حبیبقلی باستانی را ذکر بعضی شعرا را که در این تذکره نیامده افروده است. همچنین رجوع شود به ندیر احمدش ۸۰ (دخیره ایوانو) و استوری ج ۱ ص ۹۲۳

۷۹- نمونه ادبیات تاجیک تألیف صدرالدین عبی

۸۰- تذکره شعرای معاصرین تألیف ملاشاه محمد دارا بگردی متخلص به شاه (صح گلشن ص ۲۲۰ در ذیل نام شاه)

۸۱- تذکره الشعرا معاصر هرات تألیف محمد غوام چاپ کلوب ادبی هرات ۱۳۳۰ ش

۸۲- سخوران نامی معاصر تألیف سید محمد باقر برقی درد کر شعرای معاصر دردو جلد چاپ تهران جلد اول در ذکر ۸۶ شاعر ۱۳۲۹ ش و جلد دوه درد کر ۷۹ شاعر چاپ ۱۱۳۰ ص

۸۳- ناعه سخوران تألیف اسدالله ایرد گنسپ چاپ شده است (از مآخذ شعرای معاصر اصفهان)

۸۴- گویندگان معاصر تألیف حسین عماد زاده (ار مآخذ شعرای اصفهان)
۸۵- آئینه دانشوران تألیف سید علیرضا ریحانی معروف به ریحان الله
در ذکر گروهی از دانشمندان و دانشجویان حوزه علمیه قم با اشعار آنان چاپ تهران
۱۳۵۳ هـ.

۸۶- تذکره علوی تألیف رضا بن عبدالخالق ثابتی در ذکر ۱۱۰ نفر شاعر
که بمدح حضرت علی اشعاری سروده اند- چاپ مطبوعات افلاطون تهران ۱۳۳۴ ش
(در ۱۹۹ ص).

۸۷- تذکره متأخرین شعرای فارس تألیف فصیح الملك شوریده
در حدود ۱۳۳۱ هـ (نسخه ناقص الاول و آخر که طاهر آ نصف کتابت و مؤلف بوسیله
آقای اسمارت به پروفیسور براون در ۱۹۱۳ م/ ۱۳۳۲ هـ تقدیم کرده است و در فهرست
کتابخانه شخصی پروفیسور براون ص ۱۳۷ ذکر شده است)

۸۸- آثار الحسان تألیف حاج میرزا حسن بن حاج میرزا علی حابری
اصفهری اصفهانی در مدایع اشعار نسوان ایران و غرب و هند و ترك و ذکر پاره‌ای
از احوالات ایشان (نام این کتاب در فهرست تألیفات حابری اصفهری در آخر کتاب
«آفتاب درخشنده» چاپ ۱۳۴۳ هـ ذکر شده است. الدرر معجم ص ۱ ص ۵)

۹۹- تذکره شعرای چهارمحال تألیف سرهنگ اوژن - چاپ سده است (ار
مآخذ تذکره شعرای معاصر اصفهان)

۹۰- تذکره شعرای معاصر اصفهان تألیف سید مصلح‌الدین مهدوی درد کر
۴۸۴ شاعر معاصر اصفهان و توابع آن بترتیب العنا- چاپ کتابروشی تایید اصفهان
در شهریور ۱۳۳۴ ش.

تذکره شعرای معاصر تألیف سید عبدالحمید حلجالی در دو جلد چاپ
تهران جلد اول ۱۳۳۳ ش و جلد دوم ۱۳۳۷ ش.

- ۹۲- از دابعه تاپروین تألیف کشاورز صدر درذکر زنان شاعر ایران- چاپ تهران
- ۹۳- شعرای بزرگ ایران تألیف هوشنگ مستوفی درذکر یازده شاعر بزرگ ایران از قرن سوم تا نیمه قرن پنجم هجری - چاپ تهران ۱۳۳۴ش.
- ۹۴- زنان سخنور تألیف علی اکبر سلیمی در دو جلد چاپ تهران ۱۳۳۵ش.
- ۹۵- بهشت سخن تألیف دکتر مهدی حمیدی شیرازی درذکر شعرای متقدم چاپ جلد اول درذکر شعرای پنج قرن اول ۱۳۳۴ش و جلد دوم درذکر شعرای قرن ششم ۱۳۳۸ش.
- ۹۶- پاسداران سخن تألیف آقای مطهر صفا درذکر شعرای متقدم (ومتأخر) فارسی چاپ تهران جلد اول درذکر شعرای متقدم بسال ۱۳۳۵ش.
- ۹۷- صدف یاساعتی ناشاعر تألیف دکتر داریوش صبور بسال ۱۳۳۵ش درذکر ۲۴ شاعر معاصر مؤلف در پایان کتاب ذکر احوال و آثار خود را آورده است. چاپ تهران ۱۳۳۵ش
- ۹۸- تذکره شعرای خوانسار تألیف یوسف بخشی حواساری درذکر ۱۰۰ نفر از شعرای خوانسار مترتیب العنا چاپ تهران ۱۳۳۶هـ (در ۲۴۲ص).
- ۹۹- برگزیده تألیف عصمت شریف افشار صدویه تاریخ مختصر شاعران- چاپ تهران زوار ۱۳۳۶ش
- ۱۰۰- از رودکی تا بهار تألیف حسین کوهی کرمانی چاپ تهران (در ۲۹۴ص)
- ۱۰۱- گلپای جاویدان در بوستان ادب ایران تألیف مهدی توحیدی پور درذکر شعرای متقدم . چاپ تهران ۱۳۳۶ش (در ۶۱۵ص)
- ۱۰۲- شاهکارهای شعر معاصر تألیف فریدون کار با مقدمه دکتر یار شاطر- چاپ تهران ۱۳۳۸ش (در ۶۸۳ص)
- ۱۰۳- تذکره شعرای سمنان تألیف نصرت الله نوحیان نوح با مقدمه استاد

سعید نعیمی و آقای حبیب یعمائی در ذکر ۸۳ شاعر سمنان- چاپ تهران ۱۳۳۷ ش
(در ۱۷۷ص).

۱۰۴- تاریخچه شعرای کرمانشاه تألیف باقر شاکری در ذکر ۱۱۴ شاعر
کرمانشاه- چاپ کرمانشاه ۱۳۳۷ش

۱۰۵- دانشمندان و سخن سرايان فارس تألیف محمدحسین رکنزاده
آدمی چاپ تهران جلد اول ۱۳۳۸ش از آتشی تایبامی (در ۵۹۲ص)

۱۰۶- اشعار جاویدان پارسی تألیف امیر مسعود سپهرم - چاپ بهران روار
۱۳۳۹ش (در ۱۸ص)

۱۰۷- تذکره طلعت تألیف طلعت اعتماد مقصدی عنقا چاپ بهران ۱۳۳۹س
(در ۲۶۳ص)

۱۰۸- گنج سخن تألیف دکتر دیح الله صفا در ذکر شعرای مقدم و متأخر
در سه جلد چاپ دانشگاه تهران ۴۰-۱۳۳۹ش

ضمیمہ سوم

تذکرہ شعرائی فارسی و کتب دیگر کہ بر بان اردو در شہ قارہ ہندوپاکستان
تألیف شدہ اسب ود کر شعرائی فارسی راہم دارد

۱۔ شعر العجم ۔ تألیف مولانا شعلی نعمتانی چاپ اعظم گر ۵ - ۱۹۰۲

میلاڈی

۲۔ تمقید شعر العجم ۔ تألیف پروفیسور محمود شیرانی . چاپ لاہور

۳۔ بزم تیموریہ ۔ تألیف صاحب الدین عبدالرحمن چاپ اعظم گر

۴۔ محبوب الزمن ۔ (تذکرہ شعرائی دکن) تألیف مولوی ابو تراب

محمد عبدالحمار حان صوفی ملکا پوری براری حیدرآبادی چاپ مطبع رحمانی

سال ۱۳۲۹ ھ

۵۔ سخنوران بلند فکر ۔ تألیف مولوی محمد مسور گوہر . چاپ دانشگاہ

مدراس ۱۳۵۲ ھ

۶۔ کلام الملوک ۔ تألیف میرسعاد علی رسوی چاپ ۱۳۵۷ ھ .

۷۔ تذکرۃ النساء نادری یاہ گلشن بارہ و تکملہ آن تألیف منشی در گاہر شاد

بسال ۱۲۹۲ ھ (مادہ تاریخ . « مرآت خیالی » = ۱۲۹۲ ھ) تذکرہ های عربی

و فارسی و اردو اسب قسمت فارسی « گلشن بارہ و تکملہ گلشن بارہ » نام دارد و

هر کدام مشتمل بر ۹ کسر و ۴ شاعره فارسی میباشد - چاپ در اکمل المطابع دهلی
۱۸۸۳ م/ ۱۳۰۱ هـ (ماده تاریخ، گلشن مروت نادر = ۱۳۰۱ هـ)

۸ - جدید فارسی شاعری - تألیف دکتر منیب الرحمن - چاپ اداره علوم
اسلامیه دانشگاه علیگر بسال ۱۹۵۹ م/ ۱۳۷۹ هـ

۹ - فیا ایرانی ادب - تألیف دکتر ظهورالدین احمد چاپ لاهور در حدود
۱۹۵۷ میلادی (باب اول آن در یاره شعرای جدید فارسی است) .

صمیمه چهارم

تذکره شعرای اردو کہ در ہند و پاکستان بر نان فارسی تالیف شدہ است
واکثر این شعرا بھارسی شعر می سرودہ اند

۱۔ نکات الشعراء۔ تالیف میر تقی میر سال ۱۱۶۵ھ (یکسال بعد از فوت

مخلص متوفی در ۱۱۶۴ھ) تذکرہ صد شاعر ریختہ (اردو)

نسخ خطی اشپرنگر ۴۲ و بادلیں ۳۹۲ (۱۲۱۱ھ) و رامپور (رحوع شود

بہ مجلہ اورینٹل کالج مورچ فوربہ ۱۹۳۰م ص ۱۱۴) . چاپ احسن ترقی اردو

اورنگ آباد دکن ہند در نظامی پرس ہدایوں باہتمام و مقدمہ حبیب الرحمن شیروانی

۲۔ گلشن گفتار تالیف خواجہ حان حمید اورنگ آبادی سال ۱۱۶۵ھ

چاپ خورشید پرس حیدر آباد دکن مرتبہ سید محمد

۳۔ تذکرہ ریختہ گویان۔ یا تذکرہ علی گردیری۔ تالیف سید فتح علی

حسین گردیری بسال ۱۱۶۶ھ (اتہ ۱۱۶۵ھ) کہ مشتملست بر دکر تقریباً

صد شاعر اردو

نسخ خطی : اشپرنگر ۴۳ و اتہ ۶۹۸ (۱۱۸۰ھ) ۶۹۹ (۱۲۱۶ھ) ۷۰۰

(۱۲۱۳ھ) و ایوانو ۲۳۳ (ناقص۔ او احر قرن ۱۸ م) و ایوانو تکملہ اول ۷۶۷ (او احر

قرن ۱۸ م) و مدراس ۴۳۷ (۱) (۱۲۳۰ھ) و نانکی پور تکملہ اول ۱۲۸۷ (قرن ۱۹ م)

ریو ج ۳ ص ۱۰۷۱ الف (قرن ۱۹ م)

چاپ انجمن ترقی اردو اورنگ آباد دکن هند سال ۱۹۳۳ م / ۱۳۵۲ هـ
باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق

۴ مخزن نکات - تألیف شیخ محمد قیام الدین قایم چاند پوری (متوفی در ۱۲۰۷ یا ۱۲۱۰ هـ) سال ۱۱۶۸ هـ .

نسخ خطی . اشپرنگر ۴۴ (کتابخانه موسی محل . نخط مؤلف) واته
۷۰۱ . چاپ انجمن ترقی اردو اورنگ آباد دکن سال ۱۹۲۹ م / ۱۳۴۸ هـ نامقدمه
مرحوم مولوی عبدالحق

۵ - چمستان شعرا - تألیف لچپی براین شعیق اورنگ آبادی سال ۱۱۷۵ هـ
چاپ مطبع انجم اردو اورنگ آباد دکن باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق سال
۱۹۲۸ م .

۶ - طبقات الشعرا - تألیف قدرت الله صدیقی شوق سنهالی سال ۱۱۸۸ هـ
چاپ باهتمام محمد ابواللیث صدیقی ندایونی

۷ - تذکره حقیقت الشعرا - تألیف قدرت الله صدیقی شوق سنهالی - تذکره
ریخته گویان (شعرای اردو) - رجوع شود به آثار شوق در ردیل بحث در باره تذکره
« تکملة الشعراى حام حمسید » در این کتاب

۸ - تذکره شعرای اردو - تألیف میر حسن سال ۱۱۸۸ هـ تا ۱۱۹۲ هـ

چاپ انجمن ترقی اردو سال ۱۹۴۰ م / ۱۳۵۹ هـ باهتمام حبیب الرحمن شروابی

۹ - تذکره سخن آفرینان هندی زبان - تألیف میر علام حسن را تمنائی
سال ۱۱۹۱ هـ بنام شاه عالم پادشاه هند (۱۱۷۳-۱۲۲۱ هـ) نسخه خطی ایوانو-
کرزن ۶۲ مورخ ۱۸۶۱ م

۱۰ - تذکره شورش - تألیف سید علام حسن شورش معروف به میر بیبا
(متوفی در ۱۱۹۵ هـ) سال ۱۱۹۳ هـ .

نسخه خطی . اشپرنگر ۴۶ - بادلین ۳۸۷

۱۱ - تذکرہ مسرت افزا تالیف ابوالحسن امیرالدین احمدالمشہر بہ امیراللہ آبادی سال ۱۱۹۳ھ - تذکرہ ۲۴۷ شاعر ریختہ (اردو) - نسخہ خطی ؛ بادلین ۳۸۸ (ظاہراً بخط مؤلف)

۱۲ - گل عجائب - تالیف اسدعلیخان تما اورنگ آبادی سال ۱۱۹۴ھ چاپ اجمن ترقی اردو سال ۱۹۳۴م/۱۳۵۳ھ با مقدمہ مرحوم مولوی عبدالحق .
۱۳ - گلشن سخن - تالیف میرزا کاظم ملب بہ مردان علی خان متخلص بہ مستلا سال ۱۱۹۴ھ (نسخہ آن در رامپور موجود است رجوع شود بہ مقدمہ دستور الصاحت)

۱۴ - ذکر میر - خود نوشت شرح حال میر تقی میر سال ۱۱۹۷ - چاپ اجمن ترقی اردو اورنگ آباد دکن سال ۱۹۲۸م / ۱۳۴۷ھ با مقدمہ مرحوم مولوی عبدالحق .

۱۵ - گلزار ابراهیم تالیف علی ابراہیم خان حلیل سال ۱۱۹۸ھ - تذکرہ سید شاعر ریختہ (اردو)

نسخ خطی اشپرنگر ۴۷ = ایوانو تکملہ اول ۲۶۹ (۱۲۱۹ھ) و ریو ح ۱ ص ۳۷۸ الف و نانکی نورح ۸ ش ۷۱۰ (۱۲۳۸ھ) چاپ اجمن ترقی اردو ہند

۱۶ - تذکرہ ہندی گویان - تالیف شیخ علام ہمدانی مصحفی امر و ہوی آغار در ۱۲۰۰ھ و پایاں در ۱۲۰۹ھ - تذکرہ ۳۵۰ شاعر ریختہ (اردو) از زمان محمد شاہ (۱۱۳۱ - ۱۱۶۱ھ) تا زمان مؤلف ہر مایش میر مستحسن حلیق - چاپ اجمن ترقی اردو اورنگ آباد ہند باہتمام مرحوم مولوی عبدالحق .

۱۷ - تذکرہ عشقی - تالیف شیخ وحیہ الدین عشقی بن محرم عظیم آبادی - در حدود سال ۱۲۱۵ھ مشتمل بر ذکر ۴۳۹ شاعر ریختہ (اردو) - نسخہ خطی . اشپرنگر ۴۸ = بادلین ۳۹۳ .

- ۱۸۔ عیار الشعراء - تألیف حوب چند دکا (متوفی در ۱۲۶۲ هـ) بن بهوانی
چند کایس دهلوی از شاگردان میر نصیر بسال ۱۲۰۸ یا ۱۲۱۳ هـ مشتمل بر ذکر
تقریباً ۱۵۰۰ شاعر ریخته (اردو) بهرمایش استاد حود نصیر۔ نسخه خطی اشپرنگر
۵۰ = اته ۷۰۲ و ۵۲ و دانشگاه لاهور و یانکی پور تکمله اول ۱۷۸۹ (۱۸۲۲ م)
و برلن ۶۶۹ و اته ۲۸۴۹
- ۱۹۔ مجموعه نغز - تألیف سید ابوالقاسم معروف به میر قدرت الله قادری
متخلص به قاسم بسال ۱۲۲۱ هـ . تدکره ۸۰۰ شاعر اردو - چاپ دانشگاه لاهور
در کریمی پرس لاهور سال ۱۹۳۳ م/ ۱۳۵۲ هـ باهتتام مرحوم پروفیسور محمود
شیرانی .
- ۲۰۔ ریاض الصفحا - تألیف شیخ علام همدانی مصحفی امروهوی اعار در
۱۲۲۱ هـ و پایان در ۱۲۳۶ هـ - چاپ اورنگ آباد باهتتام مرحوم مولوی عبدالحق
در ۳۷۸ صفحه .
- ۲۱۔ عمدہ مستخبہ - تألیف نواب اعظم الدوله میر محمدحان سرور (متوفی
در ۱۲۵۰ هـ) بن نواب ابوالقاسم مظفر جنگ در ۹ محرم ۱۲۲۲ هـ مشتمل بر ذکر
۱۲۰۰ شاعر اردو - سح خطی اشپرنگر ۵۱ و بلوشه ح ۲ ش ۱۲۵۹ (۱۸۲۹ م)
واته ۲۸۵۰
- ۲۲۔ دستور الفصاحت - تألیف حکیم سید احمد علی خان یکناسال
۱۲۲۳ هـ - چاپ باهتتام امتیاز علی حان عرشی در هندوستان پرس رامپور سال
۱۳۶۳/۱۹۴۳ هـ .
- ۲۳۔ تدکره فارسی - تألیف سیح غلام همدانی مصحفی امر وهوی سال
۱۲۳۶ هـ مشتمل بر ذکر شعرای متأخر اردو و فارسی و تقریباً از تمام شعرا
اشعار اردو آنان نقل کرده اس
- ۲۴۔ گلشن بیخار - تألیف نواب عظیم الدوله سر فرار الملک محمد مصطفی
خان شبفته مظفر جنگ (متوفی در ۱۲۸۶ هـ) آغاز بسال ۱۲۴۸ هـ و پایان

در ۱۲۵۰ هـ مشتمل بر دگر ۶۰۰ شاعر ریخته (اردو) - نسخ خطی: ریو ج ۳ ص ۱۰۶۹ الف
(۱۲۵۲ هـ) و بانکی پور ج ۸ ش ۷۱۸ (۱۲۵۵ هـ) - چاپ دهلی سال ۱۲۵۳ هـ
و ۱۸۴۳ م و لکهنو ۱۸۷۴ م .

۲۵- **مدایح الشعراء** - تألیف نواب عنایت حسن خان بہادر مہجور پٹارسی
(نوادہ علی ابراہیم خان حلیل) بسال ۱۲۵۸ تا ۱۲۶۰ هـ مشتمل بر ذکر ۶۷ شاعر
اردو - نسخہای ار آن در کتابخانہ رامپور ہند موجود است .

۲۶- **مخزن شعراء** - تألیف قاصی نورالدین حسین خان رضوی متخلص
بہ فائق بسال ۱۲۶۸ هـ - تدکرہ شعرای گجراتسب - چاپ انجمن ترقی اردو بسال
۱۹۳۳ م / ۱۳۵۲ هـ باہتمام مرحوم مولوی عبدالحق

۲۷- **خزینۃ العلوم** - تألیف مہشی درگا پرشاد نادر سرہندی بسال ۱۹ -
۱۲۸۸ هـ - چاپ مطبع مفید عام لاہور بسال ۱۸۷۹ م / ۱۲۹۶ هـ .

۲۸- **بزم سخن** - تألیف سید علی حسن متخلص بہ سلیم - چاپ مطبع نامی
مفید عام آگرہ بسال ۱۲۹۸ هـ

۲۹- **طور کلیم** - تألیف سید نورالحسن - چاپ و مطبع نامی مفید عام
آگرہ سال ۱۲۹۸ هـ

۳۰- **گلشن ہمیشہ بہار** - تألیف عبدالعلیم نصر اللہ خان قمر احمدی
حویشگو خورحوی (متوفی در ۱۲۹۹ هـ) تدکرہ ۴۱۴ شاعر ہندوستانی - چاپ
فتح الاحبار پرس کول (علیگر) سال ۱۲۷۰ هـ

۳۱- **تذکرۃ الشعراء ہنود** - تألیف بساں بسال ۱۲۹۹ هـ . (محرن الش
و محرن الشعراء و محرن الاشعار سال ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ هـ)

۳۲- **تدکرہ مختصر در حال ریختہ قویان ہند** - تألیف محمد صدر الدین
بسال (۹) سجدہ خطی . سراون تکملہ ش ۳۰۴

ضمیمه پنجم

تذکره های اولیا و صوفیه که بسیاری از آنان شعر هم میسروده اند^۱.

الف- تذکره های اولیا و صوفیه که در شبه قاره هند و پاکستان تألیف شده است

۱- کشف المحجوبین- تألیف علی بن عثمان الجلابی الهجویری در حدود

۴۵۰ هـ در ذکر تصوف و قسمتی از آن در ذکر صوفیه میباشد (استوری ج ۱ ص ۹۲۴)

۲- سیر الاولیاء فی محبت الحق جل وعلی- تألیف سید محمد مبارک بن

محمد علوی کرمانی معروف به امیر خورد (متوفی در دهلی در ۷۱۱ هـ) در زمان فیروز

شاه تغلق (۷۵۲-۸۹۰ هـ) در ذکر صوفیه چندی درده بان (استوری ح ۱ ص ۹۴۴)

۳- منبع الانساب- تألیف سید معین الحق بن شهاب الحق - تذکره سادات

بهر سنده و انبیاء و ائمه اولادشان و ۴ پیر و ۱۴ خانواده ناشرح سلسله های صوفیه

(استوری ح ۱ ص ۹۴۹)

۴- تذکره خواجه باقی الله- تألیف خواجه باقی الله نعمت‌دلی دهلوی (متوفی

در ۱۱۱۲ هـ) چاپ حیدرآباد دکن

۵- تذکره الاولیاء- نعمت الله رضائی- چاپ بمبئی ۱۳۱۳ هـ

۱- تذکره این فهرست اسم تذکره هایی را که در ذکر آنها یک نفر بوده شامل

۶- سیر العارفين- تأليف حامد بن فضل الله معروف به درویش جمالی یا شیخ علاجمالی کنوه دهلوی (متوفی در ۹۴۲هـ) در ذکر ۱۴ صوفی چشتی معاصر همایون شاه (۹۳۶-۹۶۳هـ) که در میان سالهای ۹۳۷ و ۹۴۲ تألیف شده است. (استوری ح ۱ ص ۹۷۰)

۷- اخبار الاحیاء فی اسرار الابرار- تألیف عبدالحق دهلوی بھاری (متوفی در ۱۵۰۲هـ) درد کر ۲۵۵ صوفی هند سال ۹۹۹هـ

۸- زاد المتقین فی سلوک طریق الیقین- تألیف عبدالحق دهلوی فوق سال ۱۰۰۳ هـ درد کر دو صوفی هندوستان بنام علی بن حسام الدین متقی و عبدالوهاب بن ولی الله المتقی مقیم مکه و شیوخ و فقراء معاصر مکه

۹- تذکرۃ الحق- تألیف محمد امیر دردو حلد- چاپ ۱۳۳۲هـ

۱۰- اخبار الاصفیاء- تألیف عبدالصمد بن افضل محمد در ۱۰۱۴هـ درد کر ۲۵۰

صوفی غالباً مانند اخبار الاحیاء فوق (استوری ح ۱ ص ۹۸۳)

۱۱- تحفة السعداء- تألیف حواحه کمال درد کر صوفیه چشتی (استوری

ج ۱ ص ۹۸۳)

۱۲- زمعات من نفحات القدس- تألیف شیخ علیم (متوفی در ۱۰۴۱هـ) درد کر

صوفیه نقشبندی- چاپ ۱۳۲۷هـ (استوری ج ۱ ص ۹۸۳)

۱۳- گلزار ابرار- تألیف محمد غوثی سطاری میان سالهای ۹۹۸-۱۰۱۱هـ

(و نقول ایوانو بیان سالهای ۱۰۲۰ و ۱۰۲۲هـ) نام چهارنگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷هـ) درد کر

۵۷۵ صوفی هندی نژاد که آنان اهل گجرات بودند در بیح «چمن» (استوری ح ۱

ص ۹۸۴)

۱۴- کلمات الصادقین- تألیف محمد صادق کشمیری همدانی مؤلف طبقات

شاهچانی و سلسله الصادقین در سال ۱۰۲۳ هـ درد کر ۱۲۵ صوفی که در دهلی مدفونند

۱۵- تاریخ مشایخ کشمیر یا رشی نامه- تألیف نانا نصیب یا بابا نصیب الدین

سهروردی کشمیری متوفی در ۱۳ محرم ۱۰۴۷ که یکی از اکابر صوفیه کشمیر بود در ذکر صوفیه کشمیر (استوری ج ۱ ص ۹۸۵).

۱۶- **رشی نامه** - تألیف بهاءالدین بها - تذکره منظوم در سه دفتر که اساس آن بر رشی نامه نصیب است (استوری ج ۱ ص ۹۸۶)

۱۷- **جوهر فریدی** - تألیف علی اصغر چشتی در ۱۰۳۳ هـ در ذکر صوفیه چشتی مخصوصاً فریدالدین گنج شکر و اولاد وی. چاپ لاهور ۱۳۰۱ هـ (استوری ج ۱ ص ۹۸۶)

۱۸ **زبدة المقامات** یا برکات الاحدیت الباقیه تألیف محمد هاشم بن محمد قاسم النعمانی البدحشانی در ۱۰۳۷ هـ بهرمایش فرزندان احمد سرهندی در ذکر شیخ احمد فاروقی سرهندی و غیره

۱۹- **نسمات القدس من حدایق الانس** - تألیف محمد هاشم بن محمد قاسم در ۱۰۳۱ هـ بهرمان احمد فاروقی سرهندی در ذکر صوفیه بهشندی اربعین ۱۰ تاریخ اول قرن ۱۱ هـ - تتمه رشحات آئین الحیات تألیف فخرالدین علی بن الحسین الواعظ کاشفی (استوری ج ۱ ص ۹۹۰)

۲۰- **الاسئلة والاجوبه** - در جوابهائی که سید محمود بهووه در ۱۰۴۲ هـ به ۱۷ سؤال محمد بن حلال شاهی و رسوی راجع بسالهای مهم در دوره زندگی اکابر شیوخ داده است (استوری ج ۱ ص ۹۹۱)

۲۱- **مجمع الاولیاء** یا **مجمع اصمیا** و **مجمع الاولیا** - تألیف میر علی اکبر حسینی اردستانی پیام شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ هـ) در سال ۱۰۴۳ هـ در ذکر قریب به ۱۴۰۰ یا ۱۵۰۰ صوفی در ۱۲ باب و یک خاتمه (استوری ج ۱ ص ۹۹۱)

۲۲- **مناقب الحضرات** - یا **مناقب احمدیه** و **حضرات احمدیه** تألیف حاجی محمد امین بدخشی در ذکر صوفیه بهسندی مخصوصاً احمد فاروقی سرهندی و فرزندان وی در یک مقدمه و سه مطلب و ۱۱ باب و یک خاتمه (استوری ج ۱ ص ۲ - ۹۹۱)

- ۲۳- سقیمة الاولیاء- تألیف محمد دارا شکوه قادری پسر ارشد شاهجهان در ۲۷ رمضان ۱۰۴۹ هـ در دکر بزرگان و عرفا و شیوخ چاپ آگره ۱۲۶۹ هـ و لکهنو ۱۸۷۲ و کابور ۱۸۸۴ و ۱۳۱۸ هـ
- ۲۴- سقیمة الاولیاء- تألیف محمد دارا شکوه در ۱۰۵۲ هـ در دکر اکابر صوفیه لاهور (استوری ج ۱ ص ۹۹۸)
- ۲۵- موس الارواح تألیف جهان آرا بیگم دختر شاهجهان (و مؤلفه صاحبیه تذکره ملاسآه تألیف سال ۱۰۵۱ هـ) سال ۱۰۴۹ هـ در دکر معین الدین چشتی و مریدان او (استوری ح ۱ ص ۱۰۰۰).
- ۲۶- سنوات الاتقیاء- تألیف شیخ بندرالدین بن ابراهیم سهرندی در دکر اکابر مخصوصاً در دکر سال وفاتشان از دم تا سال ۱۰۴۴ هـ (استوری ح ۱ ص ۱۰۰۲).
- ۲۷- حضرت القدس- تألیف شیخ بندرالدین بن ابراهیم سهرندی در دکر صوفیه نقسنندی در دو دفتر در سال ۱۰۵۳ هـ (استوری ح ۱ ص ۱۰۰۳).
- ۲۸- ستر الاقطاب تألیف الله دیا بن شیخ عبدالرحمن چشتی عثمانی معاصر شاهجهان آغاز در ۱۰۲۶ و پایان در ۱۰۵۶ هـ در دکر ۲۷ نفر از سلسله چشتیه چاپ لکهنو (استوری ح ۱ ص ۱۰۰۴)
- ۲۹- مخبر الواصلین- تألیف میر محمد فاضل المدعونه مظهر الحق ترمذی اکر آبادی (متوفی در ۱۱۰۶ هـ) در ۱۰۶۰ هـ در دکر رسول و صحابه و بسیاری از صوفیه و غیره از قرن اول تا ۱۱۰۵ هـ- چاپ کلکته ۱۲۴۹ و لکهنو ۱۲۵۶ هـ.
- ۳۰- مرآت الاسرار- تألیف عبدالرحمن بن عبدالرسول عباسی علوی چشتی- آغاز در ۱۰۴۵ هـ و پایان در ۱۰۶۵ هـ در دکر صوفیه از اوایل اسلام تا زمان حسام الدین مانک پوری (متوفی در ۸۵۳ هـ) در ۲۳ طبقه (استوری ج ۱ ص ۱۰۰۵)- عبدالرحمن «مرآت المداری» شرح حال شیخ مانک پوری و «مرآت مسعودی» در شرح و هر ماه افسانه ای سام سلطان الشهداء سالار مسعود عازی را نیز تألیف کرده

است (استوری ح ۱ ص ۱۰۰۶).

۳۱- چشتیه بهشتیه یا فردوسیه قدسیه - تألیف علاءالدین بن محمد چشتی
برناوی در ۱۰۶۶ هـ در ذکر صوفیه چشتی در یک مقدمه و ۲۸ ذکر (استوری ح ۱ ص
۱۰۰۷).

۳۲- کارنامه اولیاء - تألیف نظام الدین احمد بن محمد صالح صدیقی حسینی
معاصر شاهجهان در ۱۰۶۷ هـ در ذکر اولیا

۳۳- گرامات الاولیاء تألیف نظام الدین احمد فوق در ۱۰۶۸ هـ (ریوج ۳
ص ۹۷۴ الف)

۳۴- اخبار الاولیاء من لسان الاصفیا - تألیف عبدالله خویشگی قصوری
در ذکر خویشگو و صوفیه دیگر سال ۱۰۷۷ هـ (استوری ح ۱ ص ۱۰۱۱)

۳۵- معارج الولايت - تألیف عبدالله خویشگی فوق در بیان مشایخ هندوستان
(استوری ج ۱ ص ۱۰۱۱)

۳۶- ریاض الاولیاء تألیف محمد بقا متخلص به نعا سهار نیوری (متولد
در ۱۲۰۷ هـ و متوفی در ۱۰۹۴ هـ) و بختا ورخان (متوفی در ۱۰۹۶ هـ) در ذکر صوفیه
در چهارچمن در سال ۱۰۹۰ هـ (استوری ج ۱ ص ۱۰۱۲)

۳۷- خوارق الساکین - تألیف (؟) بسال ۱۱۰۹ هـ در حکایاتی از صوفیه قدیم
کشمیر و غیره (استوری ح ۱ ص ۱۰۱۳)

۳۸- مطلوب الطالبین تألیف محمد بلاق بن شیخ ابو محمد خالدی دهلوی
در ذکر نظام الدین اولیا و مریدان وی در ۱۷ مطلب در سال ۱۱۱۱ هـ (استوری ح ۱
ص ۱۰۱۳)

۳۹- روضه اقطاب - تألیف محمد بلاق فوق در ۱۱۲۴ هـ در ذکر قطب الدین
بختیار کاکی و چند صوفی دیگر که در نزدیک قسروی مدهوند، چاب لاهور ۱۸۹۰
و دهلی ۱۳۰۴ هـ

- ۴۰- تحفة القاری - تألیف شاه منصور بن شاه چاند محمد معروف به شیخ چایلدہ در ۱۱۱۹ھ درد کر صوفیہ در سه قسمت (استوری ج ۱ ص ۱۰۱۴)
- ۴۱- ظواهر السرائر - تألیف محمد عمر بن ابراهیم النیشابوری در نیمه اول قرن ۱۸م درد کر شیخ سعدی لاهوری و عبدالرحمن سدهی نیشابوری و سید آدم ثوری (استوری ج ۱ ص ۱۰۱۵)
- ۴۲- انیس القادریہ - تألیف بہاء الحق القادری در ۱۱۳۸ھ در ذکر شیخ عبدالقادر حیلانی و صوفیہ قدیم (استوری ج ۱ ص ۱۰۱۷)
- ۴۳- ذکر جمیع اولیای دہلی - تألیف محمد حبیب اللہ بن شیخ جهان اکبر آبادی دہلوی (متولد در آباد در ۱۰۸۲ھ و متوفی در دہلی در ۱۱۶۰ھ) در سال ۱۱۴۰ھ درد کر صوفیہ (استوری ج ۱ ص ۱۰۱۹ھ)
- ۴۴- سواطع الانوار یا اقتناس الانوار - تألیف محمد اکرم بن شیخ محمد الحنفی المارسوی درد کر صوفیہ چشتی در چهار باب چاپ لاهور ۰۸۹۵م
- ۴۵- تحایف رشیدیہ - تألیف محمد عبدالرشید (متوفی در ۱۱۳۰ھ) بن بدر محمد قادری کیرانوی درد کر ۳۷ ہر از رسول تاشاہ فتح محمد آغا در ۱۱۳۷ھ و اتمام در ۱۱۴۳ھ (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۰)
- ۴۶- تذکرہ قادریہ - تألیف محمد عبدالرشید فوق خلاصہ تذکرہ فوق.
- ۴۷- انفس العارفين - تألیف قطب الدین احمد المعروف به ولی اللہ دہلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ھ) در حدود ۱۱۴۵ھ درد کر صوفیہ در سه قسم. چاپ دہلی ۱۳۱۵ھ
- ۴۸- الانتخاب فی سلسل اولیاء اللہ - تألیف قطب الدین فوق درد کر سلسلہ های صوفیہ چاپ دہلی ۱۳۱۱ھ
- ۴۹- اشجار الجمال با اخبار الجمال - تألیف محمد بن یار محمد کولوی (متولد در ۱۰۹۸ھ) در ۱۱۵۱ھ درد کر اسیا و صوفیہ (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۲)
- ۵۰- حقایق الاولیاء - تألیف محمد قیام الدین معروف به قاصی خان فاروقی در ۱۱۵۴ھ (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۳)

- ۵۱- مخزن العراس- تألیف محمد حبیب قادری ناگوری اجمیری در ۱۱۵۵ هـ و ۱۱۵۶ هـ در تاریخ فوت صوفیه (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۳)
- ۵۲- روضات القیومیہ- تألیف ابوالعین کمال الدین محمد احسان سیرہ شیخ احمد سرہندی در ۱۱۵۲-۱۱۵۴ هـ در ذکری شیخ احمد فاروقی سرہندی و اولاد و مریداں او (استوری ج ۱ ص ۴-۱۰۲۳)
- ۵۳- سفینة العارفين - تألیف محمد امان بن محمد یوسف در حدود ۱۱۰۳ هـ در ذکری عرفا مخصوصاً از ہند تا پایان قرن ۱۱ هـ (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۴)
- ۵۴- واقعیات کشمیر- تألیف محمد اعظم در ۱۱۴۸-۱۱۶۰ هـ کہ غالباً راجع بہ صوفیہ کشمیر است (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۴)
- ۵۵- روضة الاولیاء- تألیف میر غلام علی آزاد بلگرامی در صوفی کہ در روضہ یا خلد آباد دفنند چاپ اورنگ آباد ۱۳۱۰ (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۴)
- ۵۶- بشارت الامامہ- تألیف سید علامہ حسین خان طباطبائی در ۱۱۹۴-۱۱۹۵ هـ مثنوی در احوال و کشف و کرامات اجداد مؤلف (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۶)
- ۵۷- تحفة الطاہرین - تألیف شیخ محمد اعظم تنوی در ۱۱۹۴ هـ در ذکری ۱۶۸ صوفی کہ در کوه مکی و شہر تہ و بواچی آن دفنند چاپ سندی ادبی بورڈ کراچی ۱۹۵۶ م
- ۵۸- مجموعہ شجرہ ہای صوفیہ کشمیر و بعضی حکایات مربوط بایشان اسم مؤلف معلوم نیست و آخرین سال کہ در این کتاب ذکر شدہ است ۱۱۲۸ هـ است (صفحہ ایوانو کرزن ۷۹)
- ۵۹- مکی نامہ تألیف میر علی شیر قانع تنوی- در ذکری صوفیہ کہ در کوه مکی مدفونند. چاپ سندی ادبی بورڈ کراچی در مجلہ مہراں ش ۲ مورخ ۱۹۵۶ م
- ۶۰- حدیقة الاولیاء- سید عبدالقادر تنوی (مقدمہ مصحح تحفة الطاہرین)

۶۱- تذکرة المراد - حاحی محمد حسین صفائی تنوی (مقدمه مصحح تحفة

الطاهرین)

۶۲- معارف الانوار - محمد صالح بنز کر یا تنوی (مقدمه مصحح تحفة الطاهرین)

۶۳- صحیفة العراس یا تاریخ وفات بزرگان - تألیف محمد شریف بهر مایش

تیپو سلطان حاکم میسور (۱۱۹۷-۱۲۱۳هـ) فهرست صوفیه است بترتیب و ذکر تاریخ

وفاتشان (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۸)

۶۴- معیار السالکین فی طریقت تألیف میر علی شیر قانع تنوی در ۱۲۰۲هـ

در دگر صوفیه از زمان حضرت رسول تا پایان قرن ۱۲هـ در ۱۲ معیار (استوری ج ۱

ص ۱۰۳۰)

۶۵- بحر ذخار - تألیف وحید الدین اشرف لکهنوی در ۱۲۰۳هـ در هشت لجه

و چند بهر و موح در دگر صوفیه که غالب آنان هندی الاصل بودند - چاپ اله آباد

۱۳۱۳هـ (تنها قسمت صابریها) (استوری ج ۱ ص ۱۰۳۲) .

۶۶- اشارت مظهریه در فضایل حضرات طریقه مجددیه تألیف محمد

نعیم الله بهرائی حنفی نقشبندی (۱۱۵۳-۱۲۱۸هـ) بهر مایش میر محمد ماه بهرائی

در دگر میرزا مظهر مؤسس سلسله شمسیه مظهریه از سلسله نقشبندی (استوری ج ۱

ص ۱۰۳۳)

۶۷- معمولات مظهریه - در دگر سلسله مظهریه صوفیه - چاپ کانپور ۱۲۸۴

ه و لاهور ۱۸۹۳م

۶۸- اصول المقصود - تألیف تراب علی بن محمد کاظم قلندری علی کا کوروی

در ۱۲۵هـ در دگر ۱۲ شیخ قلندری در ۱۲ اصل - چاپ هد ۱۳۱۲هـ .

۶۹- ذکر الاصفیا فی تکمله سیر الاولیاء در منقبت شمس الهدا - تألیف

گل محمد معروفی کرخی چشتی احمد پوری (متوفی در ۱۲۳۴هـ) تکلمه سیر الاولیاء

سید محمد کرمانی است (استوری ج ۱ ص ۱۰۳۷) .

- ۷۰- فواید سعیدیه - تألیف قاصی محمد ارتضی علی خان خوشنود گویاموی
(۱۱۹۸-۱۲۵۱ھ) درد کر عرفا و صوفیه - چاپ لکهنو ۱۸۸۵م
- ۷۱- تحفه اعظمیه - تألیف خوشنود گویاموی فوق درد کر صوفیه (استوری
ح ۱ ص ۱۰۳۹) .
- ۷۲- تذکرۃ الکرام - تألیف محمد ابوالحیات قادری پہلواری بہاری در ۱۲۴۹
هجری درد کر ۴۵ شیخ بہاری کہ غالب آنها در قرن ۱۹ و ۱۸ میلادی میریستہ اند
چاپ لکهنو ۱۸۸۰م
- ۷۳- احوال شاہ گل امام جیو و خانوادہ وجانشین وی - تألیف میان حیر
محمد منشی در ۱۲۰۹ھ (استوری ح ۱ ص ۱۰۴۱)
- ۷۴- بیاض دلگشا - تألیف عبدالعلیم ناصر اللہ خان احمدی حویشگو خواجوی
(متوفی در ۱۲۹۹ھ) مؤلف تاریخ دکن در ۱۲۶۸ھ درد کر شاہ عبدالعلیم و پیر او و
صوفیہ دیگر - چاپ کول (علیگر) ۱۲۶۸-۹ھ
- ۷۵- منبہات فی علم الاموات - تألیف علام نئی بن محمد فتح علی بلگرامی
چشتی صابری در ۱۲۹۲ھ (ونقول استوری در ۱۲۹۸ھ) درد کر صوفیہ ہند مخصوصاً
از سلسلہ چشتی (سخہ : ایوانو کرر ۸۴)
- ۷۶- منتخبات از تذکرۃ الاولیای عطار - کہ سرحوش (غیر از مؤلف کلمات
الشعرا) در شعبان ۱۲۹۷ھ تہیہ کردہ است (فہرست کتب شخصی پروفیسور براون
ص ۱۲۷) .
- ۷۷- تذکرۃ الہدایہ اسم مؤلف ندارد - درد کر - خواجہ آفاق اسب (بادلن
ج ۲ ش ۲/۲۴۹۵)
- ۷۸- خزینہ الاصفیاء - تألیف مفتی محمد علام سرور قریشی اسدی الہاشمی
الہوری (در ۱۱-۱۲۸۰ھ) درد کر صوفیہ درہم محرن - چاپ لاہور ۱۲۸۴ھ و
لکهنو ۱۸۷۳م و کانپور ۱۳۱۲ھ
- ۷۹- گنجینہ سروری یا صبح تاریخ - تألیف مفتی غلام سرور فوق در تاریخ

تولد و وفات معاریف اسلام در ۱۲۸۴ هـ - چاپ لاهور ۱۲۸۵ هـ لکهنو نو لکشور ۱۸۷۷ م و ۱۸۸۹ م.

۸۰ - انور العارفين - تألیف محمد حسین بن محمد مسعود چشتی صابری قدوسی مراد آبادی در ۱۲۸۶ هـ درد کر صوفیه متقدم مخصوصاً از سلسله‌های چشتی وقادری و نقشبندی و کسابیکه در مراد آباد دقتند - چاپ بریلی ۱۲۹۰ هـ و لکهنو ۱۸۷۶ م.

۸۱ - قصر عارفين - تألیف احمد علی حیر آبادی مرید شاه سلیمان تونسوی درد کر صوفیه چشتی وقادری و سهروردی و نقشبندی تازمان شاه سلیمان تونسوی - چاپ رامپور ۱۸۹۰ و لاهور ۱۳۱۲ هـ

۸۲ - مکتوب ضیا یا نسب نامه کلان - تألیف شاه سیاء الله فخری قادری حمی در ۱۲۸۹ هـ در نسب نامه حضرت رسول و ۱۴ خاندان صوفی و ذکر ۷۲ فرقه اسلام - چاپ لاهور ۱۲۸۹ و ۱۲۹۳ هـ و ۱۲۹۶ و ۱۳۰۹ هـ

۸۳ - گلزار خلیل - تألیف مولوی ابومحمد حسن شعری قادری در ۱۲۹۰ هـ درد کر خواجه محمد حلیل و اجداد مؤلف - چاپ لاهور ۱۲۹۱ هـ

۸۴ - الروضة الازهر فی مآثر القلندر بالطایف الادکار فی مناقب عمدة الاخیار تألیف مولوی شاه تقی علی قلندر کاکوروی (۱۲۱۳ - ۱۲۹۰) درد کر تراب علی قلندر کاکوروی پدر مؤلف و مرشدین وی و صوفیه قلندری - چاپ رامپور و لکهنو ۱۳۳۱ هـ

۸۵ - حوض الکوثر فی تکمله روض الازهر - تألیف علی انور قلندر در ۱۲۹۱ هـ - چاپ با کتاب فوق در رامپور و لکهنو ۱۳۳۱ هـ

۸۶ - انتصاح من ذکر اهل الصلاح - تألیف علی انور قلندر بس علی اکبر (متولد ۱۲۶۹ هـ) درد کر صوفیه و سلسله‌های صوفیه - چاپ لاهور ۱۸۷۷ م و لکهنو ۱۳۲۷ هـ

۸۷ - تحریر الامور فی تفسیر القلندر - تألیف علی انور قلندر فوق درد کر

قلندرها - چاپ لکهنو علوی پرس ۱۲۹۰ هـ

۸۸- الاغصان الاربعة الشجرة الطيبة - تألیف مولوی ولی الله انصاری لکهنوی

فرنگی محلی (متوی در ۱۲۷۰ هـ) با اضافهها اضافهها از پسرش محمد انعام الله تاسال

۱۲۹۶ هـ دردگر ملا احمد اسوار الحق فرنگی محلی و اولاد وی - چاپ لکهنو

۱۲۹۸ هـ .

۸۹- گل بهشتی - تألیف امین احمد ثبات فردوسی - تذکره منظوم بعضی

صوفیه چشتی - چاپ لکهنو ۱۸۸۱ م

۹۰- گل فردوس - تألیف امین احمد ثبات فردوسی - تذکره منظوم شرف الدین

احمد و بعضی صوفیه دیگر - چاپ لکهنو ۱۸۸۴ م

۹۱- روضة النعیم - تألیف امین احمد ثبات فردوسی - تذکره منظوم عبدالقادر

و صوفیه دیگر چاپ لکهنو ۱۳۰۱ هـ

۹۲- معین الاولیا - تألیف فاضل سید امام الدین حسن خان دردگر معین الدین

چشتی احمیری و حاشینان وی و اولاد روحانی وی - چاپ احمیر ۱۸۹۴ م.

۹۳- تحایف الابرار - (یا تاریخ کبیر کشمیر موسوم به تحایف الابرار فی ذکر

الاولیاء الاحیاء) تألیف حاجی ابو محمد محی الدین مسکین کروی حنفی نقشبندی

آغار در ۱۳۱۰ و اتمام در ۱۳۲۱ هـ در ذکر صوفیه کشمیر در ده « تحفه » - چاپ

امر تسر ۱۳۲۱-۲ هـ

۹۴- تذکرة المتقین - تألیف مولوی سید محمد امیر حسن مداری فنصوری

بن سید شاه احون رئیس مکپور در ذکر شاه مدار و حلفای وی و دیگر اعصای سلسله

وی تارمان مؤلف - چاپ کاپور ج ۱ در ۱۳۱۵ هـ و ج ۲ در ۳-۱۳۲۲ هـ

۹۵- انساب منایخ کشمیر - تألیف حدود ۱۱۲۸ هـ در انساب صوفیه کشمیر و

اسیاء و اولیاء (استوری ج ۱ ص ۱۰۵۳)

۹۶- عراس بزرگان - در هند در حدود ۱۱۶۰ هـ ترجمه اعرابی - در تاریخ

- تولد و وفات صوفیه است (استوری ج ۱ ص ۱۰۵۴) .
- ۹۷- ضیاءالقلوب - تألیف عمادالله فاروقی در سلسله‌های صوفیه - چاپ دهلی
۱۸۷۷ م و کانپور ۱۳۱۵ هـ
- ۹۸- حکایات الصالحین - تألیف عثمان بن عمر معروف به کهن - ترجمه از
عربی در بیست باب که هر کدام شامل ده حکایت است . چاپ لاهور ۱۲۹۸ هـ .
- ۹۹- حکایات اولیاء صالحین - (آصغیه ج ۱ ص ۳۱۶ ش ۶۳۹) .
- ۱۰۰- انتخاب تاریخ الاخیار - تدکیره سید محمد حویپوری و مریدان وی
(استوری ج ۱ ص ۱۰۵۶) .
- ۱۰۱- کنز الانساب - تألیف عبدالرزاق عطا حسینی در سب نامه صوفیه و
معارف - چاپ بمبئی ۱۸۸۳ م
- ۱۰۲- کرامت الاولیاء - (آصغیه ج ۱ ص ۴۶۰ ش ۷۰۶ و ۸۹۴ - استوری ج ۱
ص ۱۰۵۷)
- ۱۰۳- خلاصة العارفين - (آصغیه ج ۱ ص ۴۶۰ ش ۴۱۶ - استوری ج ۱ ص ۱۰۵۷)
- ۱۰۴- لمعة الشمس تدکیره منظوم شمس الدین تریری و نعمت الله ولی
(آصغیه ج ۲ ص ۸۵۰ ش ۵۰ - استوری ج ۱ ص ۱۰۵۷)
- ۱۰۵- مناقب اصفیاء - تألیف شاه شعیب فردوسی - تدکیره صوفیه معروف - چاپ
کلکه ۱۸۹۵ م
- ۱۰۶- مقولات اولیاء کرام - تدکیره مختصر صوفیه (سجده بر لیس ۵۸۹ و استوری
ج ۱ ص ۱۰۵۹)
- ۱۰۷- مقولات اولیاء الله - اقوال و احوال صوفیه (اتقه ۱۸۹۵ (۱) و استوری
ج ۱ ص ۱۰۵۹)
- ۱۰۸- مشکوة النبوة - تألیف سید علی دردگر صوفیه حیدر آباد و غیره -
(استوری ج ۱ ص ۱۰۵۹)

- ۱۰۹- مخبر الاولیاء- تألیف رشیدالدین مودود لالا چشتی در ذکر صوفیه
(استوری ح ۱ ص ۱۰۵۹)
- ۱۱۰- مناجات خاسی- تألیف حکیم قمرالدین سیالکوٹی تذکرہ منظوم در
نسب نامہ نقشبندی- چاپ لاهور ۱۹۱۱ م .
- ۱۱۱- نسب نامہ شیخ زادگان- در شجرہ بعضی صوفیہ - چاپ لکھنؤ ۱۸۷۶ م
- ۱۱۲- نوادر سقر- تألیف فریدالدین درد کر ۲۲ صوفی چشتی ناشر حمرارات
آبان (استوری ح ۱ ص ۱۰۶۰)
- ۱۱۳- روضة الانوار- تألیف ابوالحسن محمد معروف بہ محمدالدین قادری
لاہوری چاپ حہلم ۱۳۰۲ھ
- ۱۱۴- روضة الاولیاء فی احوال اصفیاء- تألیف محمدحسین بن محمد رضا
درد کر حضرت رسول و صوفیہ نقشبندی چاپ امرتسر ۱۳۳۳ھ
- ۱۱۵- رسالہ قطبہ عشقیہ- تذکرہ منظوم شیخ بہرعلیشاہ و صوفیہ چشتی .
چاپ لاهور ۱۹۱۶ م
- ۱۱۶- ریاض الموب- معروف بہ گلزار سرور تألیف محمد امام الدین درد کر
سال تولد و وفات و صلاہ اسلام مخصوصاً صوفیہ کرام چاپ لاهور ۱۳۳۳ھ
- ۱۱۷- سالک طریقت- درد کر مشایخ سلسلہ های مختلف صوفیہ چاپ لکھنؤ
۱۳۳۰ھ
- ۱۱۸- شجرہ اولیاء نقشبندی- تألیف حبیب اللہ نقشبندی تذکرہ منظوم
صوفیہ نقشبندی چاپ لدھیانہ ۱۸۸۸ م
- ۱۱۹- شجرہ اولیاء طریقتہ قادریہ مجددیہ- تألیف محمد یوسف علی قادری
شجرہ نامہ م طوم قادریہ تامحمد شیر پیر مؤلف چاپ آگرہ ۱۳۲۲ھ
- ۱۲۰- شجرہ چشتی و قادری و قلندری و صابری- تألیف علام بہیک در شر
و نظم نامہ ح مولوی قادر بخش سہارپوری چاپ مراد آباد ۱۹۱۲ م

۱۲۱- شجره خاندان نقشبندیہ وقادریہ تالیف ابوالحسن صدیقی بانوتی شعر۔

چاپ آگرہ ۱۸۷۳ م

۱۲۲- شجره مبارکہ چشتیہ صابریہ قدوسیہ مجددیہ محمدیہ وقادریہ۔

تالیف شاہ حبیب اللہ تابی محب اللہی شعر۔ چاپ الہ آباد ۱۹۲۶ م

۱۲۳- شجره قادریہ۔ تالیف رحیم بخش چاپ لاهور ۱۸۷۹ م

۱۲۴- شجره مترکہ منظومہ۔ در شجره سلسلہ قادری (بیر رمان پجایی)

شعر فارسی تالیف رحیم بخش فوق چاپ لاهور ۱۷۷۹ م

۱۲۵- شجره نقشبندیہ۔ تذکرہ منظوم تالیف سید امام علی۔ چاپ فاروقی

پرس دہلی ۱۸۷۴ م

۱۲۶- شجره قادری۔ تذکرہ شاہ مردان نثر و نظم تالیف غلام سی چاپ

لاہور ۱۳۳۰ھ

۱۲۷- شجره طیبه۔ تالیف حسین اللہ عربوی در شجرہ بعضی سلسلہ های فرعی

نقشبندی۔ چاپ لدھیانہ ۱۹۲۳ م

۱۲۸- شجره طیبه خاندان چشتیہ۔ در شجره سلسلہ های فرعی چشتی یعنی

نظامیہ و صوفیہ و خادمیہ و حلیلیہ چاپ لکھنؤ ۱۹۲۰ م

۱۲۹- شجره طیبه قادریہ۔ در سب نامہ شاہ علی محمد لاهوری۔ چاپ لاهور

۱۹۰۴ م

۱۳۰- شجره طیبه سلسلہ عالیہ نقشبندیہ۔ تالیف (۹)۔ چاپ لاهور ۱۸۸۹ م

۱۳۱- شجره طیبه سلسلہ عالیہ سہروردیہ حضرت رھیقہ۔ تذکرہ منظوم

تالیف عبدالسلام رفیعی نورپوری در شجرہ صوفیہ سلسلہ رفیقی۔ چاپ لاهور ۱۸۹۹ م

۱۳۲- تذکرہ سلسلہ قادریہ و چشتیہ وغیرہ۔ تذکرہ منظوم تالیف محمد

اسد اللہ خان و محمد حمیظ اللہ چاپ چچہر ۱۸۹۷ م

۱۳۳- شجره العارفین تذکرہ مختصر منظوم خاندان شاہ محمد رفیع الرمان

الہ آبادی تالیف محمد علی! الف چاپ الہ آباد ۱۲۹۷ھ

- ۱۳۴- شمس الانساب تألیف محمد معصوم شریف اصفهانی در شجره شیخ
عبدالقادر حیلانی (استوری ح ۱ ص ۱۰۶۳)
- ۱۳۵- سلسله عالیة تألیف عنایت حسین بن فتح الله با تکمله‌ها از فیض محمد بن
دلدار محمد درد کر مشایخ سلسله کسوه چاپ میر ۱۳۰۶ هـ (در ۱۹۶ ص)
- ۱۳۶- سلسله عالیة چشتیه فخریه نظامیه سلیمانیه در شجره روحانی مؤلف
شاه عبداللطیف جانشین محمد سلیمان چاپ لاهور ۱۸۷۰ م
- ۱۳۷- سلسله عالیة چشتیه فخریه نظامیه سلیمانیه لطیفیه در شجره روحانی
مؤلف شاه عبداللطیف جانشین محمد سلیمان چاپ تیره ۱۹۱۷ م
- ۱۳۸- سلسله قادریه در شجره روحانی مؤلف عبدالحق شاه چاپ فیروپور
۱۹۱۸ م
- ۱۳۹- سلسله اللالی تألیف معین الدین ثابت در شجره سلسله‌های بعشبندی
وقادری و چشتی و سهروردی - چاپ لکهنو ۱۸۸۳ م
- ۱۴۰- شجره مشایخ صوفی کشمیر تألیف (۹) (سجده ایوانو کررن ۷۹- استوری
ح ۱ ص ۱۰۶۴) .
- ۱۴۱- تذکره سلطانی . تذکره منطوم سلطان العارفین حمزه محدومی و
اولادش تألیف ملا بهاءالدین کشمیری چاپ لاهور ۱۹۳۳ م
- ۱۴۲- تذکره المشایخ درد کر بعضی مشایخ کروی درویش (استوری ح ۱
ص ۱۰۶۴)
- ۱۴۳- تذکره خواجگان نقشبندیه (سجده پیشاور ۱۰۱۵ و استوری ح ۱ ص ۱۰۶۵)
- ۱۴۴- تذکره صوفیه تألیف رشکی بن دیوان مولال فلسفی (استوری ح ۱
ص ۱۰۶۵)
- ۱۴۵- ثمرات القدس تألیف لال بیگ درد کر صوفیه مرد ورن غالباً از سلسله
چشتی (استوری ح ۱ ص ۱۰۶۵)

- ۱۴۶- تحفة اكملیه تألیف محمد حسن بن حافظ ولی الله كبروی كشمیری
در ذكر اكمل الدین بدخشی وجاشینان وی . چاپ لاهور ۱۳۵۰ هـ
- ۱۴۷- تحفة الاولیاء تألیف مولوی میر احمد شاعر ضوانی پیشاوری در ذكر
سید عبدالوهاب صابر معروف به احون پنجو . چاپ لاهور ۱۳۲۱ هـ
- ۱۴۷- فواید القواد تألیف نجم الدین حسن بن علاء الدین سنجری (۷۲۷م-۷۲۷م)
مجموعه مملوقات شیخ نظام الدین اولیاء دهلوی (متوفی در ۷۲۵ هـ) که مؤلف
دعری ۱۵ سال ترتیب داده است . در ضمن مباحث صوفی اطلاعات کافی در باره
شرح حال صوفیه قدیم سلسله چشتی آمده است . (نسخه ایوانوش ۲۳۹ و غیره) .
- ۱۴۹- رساله در سلاسل صوفیه در شجره سلسله های صوفیه در هند (ایوانو
(۱۷۷۲)
- ۱۵۰- تذکرة الاولیاء تألیف شیخ صیف (سیف) الدین محمد طبیعت . (سفینه
هندی ص ۱۲۸ در دیل نام صیف الدین محمد طبیعت)
- ۱۵۱- تذکرة المعاد تألیف محمد ثناء الله پانی پتی مجددی نقشبندی (متوفی
در ۱۲۲۵ هـ) چاپ بولک شور لکنو
- ۱۵۲- تذکرة المحققین تألیف تاج العلماء سید علی محمد بن سلطان العلماء
محمد نقوی بصیر آبادی لکهنوی چاپ هند
- ۱۵۳- تذکرة الموتی و القبور تألیف مولوی محمد ثناء الله پانی پتی
مجددی نقشبندی (متوفی در ۱۲۲۵ هـ) چاپ هند
- ۱۵۴- تذکرة الانرار و الاسرار تألیف عبدالکریم بن محذوم . چاپ دهلی
۱۳۰۹ هـ
- ۱۵۵- تفریح الطالین فی ارادت مولانا به شمس الدین تألیف محمد افضل
اله آبادی مؤلف شرحی بر دیوان حافظ و اسکندر نامه نظامی (بادلیس ج ۳ ش ۲۴۹۱)
- ۱۵۶- تذکرة الاولیاء تألیف حاج محمد کریم خان کرمانی چاپ بمبئی
۱۳۳۳ هـ

۱۵۷- شجره طیبه تألیف قمر الدین علی متخلص به مست پسر ساء الله متخلص به ثا در ذکر صوفیه سلسله قادری (نسخ) مادین ح ۳ ش ۲۴۹۷ و وینفیلد ش ۵۲).

ب - تذکره های اولیاء و صوفیه که خارج از هند و پاکستان بفارسی تألیف شد است .

۱- طبقات صوفیه عبدالله انصاری (متوفی در ۸۱۱ هـ) در ذکر ۱۲۰ صوفی از سه قرن اول هجری که اکثر مطالبش از طبقات الصوفیین تألیف محمد بن الحسین السلمی (متوفی در ۴۱۲ هـ) گرفته شده است و بعد از مرگ شیخ عبدالله انصاری یکی از مریدان وی ترتیب داده است (نسخ خطی) نافد ناشا ۴۲۶ و نور عثمانیه ۲۵۰۰ و ایوانو ۲۳۴)

۲- تذکره الاولیا تألیف شیخ فریدالدین عطار (متوفی ۶۲۸ هجری) در ذکر تقریباً ۷۰ صوفی باصمیمه در ذکر ۲۰ صوفی . چاپ لیدن و لندن ۱۹۰۵ م و دهلی ۱۸۵۲ م و لکهنو ۱۸۹۱ و تهران ۱۳۲۱ و بمبئی ۱۳۰۵ هـ و لاهور ۱۳۰۶ و ۱۳۰۸ و ۱۳۲۴ هـ (استوری ح ۱ ص ۹۳۷)

۳- تحفة المرشدین من حکایات الصالحین ترجمه فارسی روضه الریاحین فی حکایات الصالحین در ذکر ۵۰ صوفی) از جلال الدین محمد بن عبادی کارونی بایک دلیل در حال شیخ نواسحق کاررونی مرشد مؤلف - (نسخ خطی) دانشگاه لاهور و آیا صوفیا ۱۷۰۲)

۴- ترجمه (فارسی) روضه الریاحین از فضل الله حهان بن اسدالله الحسینی العربی السمنانی در زمان سلطان محمد قطب شاه (۱۰۲۰-۱۰۳۵ هـ) (نسخه خطی) (ته ۱۰۲۶)

۵- ترجمه خلاصه المقاهر یا ترجمه التکمله از یکی از مریدان شیخ جلال الدین بحاری بهرمایش مرشد.

- ۶- مناقب العارفين تأليف شمس الدين احمد افلاكي مرید جلال الدين عارف نوه جلال الدين رومی آغاز در ۷۱۸ و اتمام در ۷۵۴ هـ در ذکر جلال الدين رومی وغيره (استوری ج ۱ ص ۹۳۸)
- ۷- خلاصة المناقب تأليف احمد بن صمد از ميريدان جلال الدين بخاری خلاصه ای از کتاب فوق تهیه کرده است (ایوانو ۲۴۱)
- ۸- ثواقب الصفا اولياء الله تأليف عبدالوهاب بن جلال الدين محمد همدانی بسال ۹۴۷ هـ خلاصه ای از مناقب العارفين (شماره ۶ فوق) (اته اتدیا آفس ۶۳۱)
- ۹- شیرازنامه تأليف احمد بن ابی الحیر شیرازی بسال ۷۴۴ هـ درد کر عرفای شیراز. (استوری ج ۱ ص ۹۳۷)
- ۱۰- ضفوة الصفا تأليف توکلی بن اسماعیل بن ساجی اردبیلی معروف به ابن برار بسال ۷۵۹ هـ درد کر شیخ صفي الدين اسحق و برش صدرالدين موسی (استوری ج ۱ ص ۹۴۰)
- ۱۱- تذکره ضفوة الصفا که ابوالفتح الحسینی نامر شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ هـ) دوباره ترتیب داد و بقول ریو تنها مقدمه و خاتمه اضافه کرد. خاتمه آن مشتمل است بر ذکر اولاد صفي الدين تاشاه طهماسب (نسخ خطی ریو ج ۱ ص ۳۴۵ و او تکمله ۸۳۷ و مشهد ج ۲ فصل ۱۴ ش ۶۸)
- ۱۲- کتاب ملازاده یا رساله ملازاده تأليف احمد بن محمد معروف به معین الفقراء که در قرن ۱۰م میریسته است مشتمل است بر شرح حال معاریف مخصوصاً صوفیه که در بحارا مدفونند - نسخ خطی دانشگاه لنین گراد ۹۴۷ و ۹۴۸ - دانشگاه تاشکند سمونوف ۶۴ و مجلس ۲۲۵ هـ بحارا سمونوف ۹۲ - چاپ بحارا ۱۹۰۴ م
- ۱۳- تذکره شیوخ بحارا - طاهر آهنان تذکره فوق است تأليف احمد بن محمد (رجوع سود بهر المان - روزن ص ۱۳)

- ۱۴- تذکره هزاره هزار . ترجمه فارسی شد الأزار عن روار المرار تألیف معین الدین ابوالقاسم حیدر. ترجمه اربعین بن حمید شیرازی متوفی بعد از ۷۹۱ هـ چاپ شیراز ۱۳۲۰ ش.
- ۱۵- تفحات الانس من حضرات القدس تألیف نورالدین عبدالرحمن حامی (متوفی در ۸۸۹ هـ) درد کر قریب به ۵۶۷ صوفی (استوری ح ۱ ص ۹۵۴)
- ۱۶- محال العشاق تألیف عبدالعاری سلطان حسین آغار در ۹۰۸ هـ و اتمام ۹۰۹ هـ درد کر ۷۶ صوفی (استوری ح ۱ ص ۹۶۱)
- ۱۷- رشحات عین الحیات تألیف فخرالدین علی بن الحسین الواعظ کاشمی المشتهر به الصفی (متوفی در ۹۳۹ هـ) (استوری ح ۱ ص ۹۶۴)
- ۱۸ و ۱۹ تذکره اولیاء و سلسله العارفین دو تذکره تألیف محمد بن برهان الدین سمرقندی معروف به محمد قاصی (متوفی در ۹۲۱ هـ) مرید خواجه عبیدالله احرار نقشبندی (استوری ح ۱ ص ۹۶۷)
- ۲۰- تاریخ سلسله نقشبندی تألیف ابوالمحسن محمد باقر بن محمد علی در ۹۴۷ هـ (استوری ح ۱ ص ۹۷۳)
- ۲۱- روضة الجنان و حنة الجنان تألیف حسین واعظ قزوینی تشریحی سال ۹۷۹ هـ (ایضاً ۹۷۵)
- ۲۲- سلسله نامه خواجگان نقشبند تألیف نورالدین محمد بن حسین قزوینی در ذکر شیوخ نقشبندی سال ۹۷۸ هـ (ایضاً ۹۷۵)
- ۲۳- سعیدیة تألیف حسین بن میر حسین حسینی سرحسی سال ۹۸۴ هـ درد کر خواجه های جویبار (ایضاً ۹۷۶)
- ۲۴- ریاض الاولیا منسوب به معین الدین مبری در اواخر سده دهم درد کر ارباء و اولیاء (ایضاً ۹۷۶)
- ۲۵- تاریخ مزارات بلخ تألیف محمد صالح بن امیر عبدالله فادررمان عبدالؤمنان اوزبک (۱۰۰۶ هـ)

- ۲۶- تاریخ مدفونین بلخ و حالات سمرقند اسم مؤلف ندارد (ایضاً ۹۸۱هـ)
- ۲۷- سراج السالکین و لطایف العارفین تألیف عبد الله نقشندی در ذکر شیخ لطف الله چشتی (متوفی در ۸۹۷۹هـ) و صوفیه نقشندی (ایضاً ۹۸۱هـ)
- ۲۸- روضة اطهار تألیف محمد امین حشری تبریزی بسال ۱۰۱۱هـ در فهرست صوفیه که در تبریز دفن شده اند چاپ تبریز ۱۳۰۳هـ
- ۲۹- مطلب الطالبین تألیف ابی العباس محمد طالب در حدود ۱۰۵۶هـ در ذکر شیوخ جوینار (استوری ج ۱ ص ۱۰۰۴)
- ۳۰- ثمرات المشایخ تألیف سید زنده علی المفتی در اواخر قرن ۱۲هـ در ذکر شیوخ آسیای مرکزی (ایضاً ۱۰۱۲هـ)
- ۳۱- سلسلة النسب الصقویه تألیف شیخ حسین بن شیخ اندال زاهدی بنام شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۵۵هـ) در ذکر صفی الدین اسحاق و اولاد وی.
- ۳۲- تذکره خواجگان یا تذکره عربیان تألیف محمد صادق کاشغری بسال ۱۱۸۲هـ (ایضاً ۱۰۲۶هـ)
- ۳۳- مجمع المحققین تألیف ملا محمد صادق یار کندی بسال ۱۲۰۸هـ در تاریخ خواجگان کاشغر (ایضاً ۱۰۳۵هـ)
- ۳۴- ریاض الواصلین یا تذکره واصلین، تذکره منظوم که گرامی بقرمایش محمد رحیم خان حیوه (۱۲۲۱-۱۲۴۱هـ) سال ۱۲۲۹هـ تألیف کرد (ایضاً ۱۰۳۷هـ)
- ۳۵- آداب المسافرین تألیف آقاتقی خوئی در ذکر صوفیه (ایضاً ۱۰۴۰هـ)
- ۳۶- ریاض العارفین تألیف رضا قلیخان هدایت سال ۱۲۶۰هـ (ایضاً ۱۰۴۰هـ)
- ۳۷- انیس الطالبین تألیف محمد شاه محمود بن میرزا فاضل قراس میان سالهای ۱۱۰۵ و ۱۱۲۵هـ در ذکر صوفیه مخصوصاً خواجیه محمد عبدالله بن خواجیه یحیی شادی سیره مخدوم اعظم (بادلین ح ۳ ش ۲۴۹۴).
- ۳۸- مناقب اولیاء شریفی تألیف شریف بن شریفی سال ۱۰۰۵هـ در ذکر شیوخ

وصوفیه ترک مخصوصاً اجداد مؤلف بنام سلطان محمد سوم عنوان کرده است (فهرست کتابخانه شخصی پراون ۱۳۵)

۳۹- شمایل اتقیا اسم مؤلف ندارد درد کر اولیاء و صوفیه (ایضاً ۱۴۰)

۴۰- جامع المقامات تألیف عبدالعباس بهاء الدین بن محدود اعظم درد کر محدود اعظم مؤسس خاندان خواجه در ترکستان شرقی یاد کرده است و مقامات و گزایات وی (یاد لین ج ۳ ص ۲۴۹۳)

۴۱- تذکره اویسیه اسم مؤلف ندارد در ذکر سلسله اویسیه (ایضاً ش ۲۴۹۷)

۴۲- طریق الحقایق تألیف معصوم علی بن رحمت لعلی نعمت المللی الشیرازی در تهران در صفر ۱۳۱۸ درد کر صوفیه و عرفای بعضی سلسله های صوفیه

۴۳- اذکار الازکیاء فی بیان مذاقب المشایخ الطرق (فهرست فارسی خدیو مصر چاپ مصر ۱۳۰۶ ص ۴۹۸)

۴۴- ترجمه تکمله کتاب دروخته الریا حین فی حکایات الصالحین عبدالله الیافعی - اسم مترجم معلوم نیست (سحه ایضاً ۵۰۲)

۴۵- مذاقب مزارات بخارا ای شریف (سحه لین گراد ۳۹۰- شاید رساله مزارات بخارا شریف - سحه پیشاور ۹۹۹ الف)

۴۶- رساله نزرگان سمرقند (بخارا سمویوف ۷۱)

۴۷- سلسله عالییه شجره خواجه عبدالله احرار و خاندان وی تألیف عبدالهی بن ابوالفتح الحسینی از اولاد خواجه احرار - سحه دانشگاه تاشکند (۵) ۷۴

۴۸- طبقات مشایخ نقشبندیه بخارا (سحه دانشگاه لین گراد ش ۸۵۴)

۴۹- تاریخ اجداد و فرزندان واصحاب حضرت مولانا جلال الملة والدین محمد رومی (سحه لین ج ۵ ص ۲۳۲ ش ۲۴۶۰)

- ۵۰- فضایل بلخ اصلاً سال ۶۱۰ هجری تألیف شده بود و بعداً در سال ۶۲۳ هجری
کسی آنرا پیرمایش قاضی فخرالدین ابوبکر بهارسی ترجمه کرد که قسمت سوم
آق در ذکر ۲۰ شیخ بلخ و اطراف آنست (استوری ج ۱ ص ۱۱۱۳)
- ۵۱- شرح حال اولیا (نسخه - لیسندریا نا ص ۱۱۶ ش ۷۹۰)
- ۵۲- تذکرة القبور تألیف عبدالکریم بن حاج ملامهدی اصفهانی در ذکر
عرفا و فضلائیکه در اصفهان مدفونند چاپ اصفهان ۱۳۲۴ هجری
- ۵۳- تذکرة العارفين تألیف هادی عرفانی فسائی
- ۵۴- تذکرة الموحدين تألیف شیخ حواد یزدی مقیم مشهد . چاپ ایران
(ناشعنة الحسينیه در یک جلد)
- ۵۵- تذکرة السالکین تألیف حاج میرزا اردبیلی . چاپ تهران ابن سینا
- ۵۶- تذکرة الاولیا تألیف حاج شیخ علی چاپ باکو
- ۵۷- تذکرة الاولیا تألیف شمس الدین بن حسرو بن پرویز سلماسی پرویزی .
چاپ تبریز ۱۳۳۳ هجری
- تذکرة الاولیا یا مزارات کرمان تألیف سعید محرابی کرمانی با اهتمام
کوهی کرمانی . چاپ تهران ۱۳۳۰ هجری
- ۵۹- اسرار الابرار فی اخبار الاخیار مستحذ تذکرة الاولیا و تبصرة
الاصفیا در ۸۴ باب . (نسخه مورخه ایران ناستان تهران ش ۳۵۹۲ مورخه ۹۸۲ هجری
وقف شاه عباس بر آستانه شیخ صعی در اردبیل در ۱۰۱۷ هجری)

ضمیمه ششم

تذکره علماء و فضلاء و ملوک و امرا و خطاطان و غیره که گاهی دیگر کسانی را که شعر میسرودند نیز شاملند

الف- تذکره علماء و فضلاء و غیره که در هند و پاکستان تألیف شده است

(۱)- تذکره علماء و فضلاء

۱- تحفة الکرام تألیف میر علی شیر قانع تنوی بسال ۱۱۸۰-۸۱ هـ

۲- ارمغان احباب تألیف شمس العلماء مولوی محمد حسین استاد میسیون

کالج لاهور بسال ۱۸۹۰ م/ ۱۳۰۸ هـ درد کر شعرا و ملوک ترتیب العما چاپ لاهور ۱۸۹۰ م و ۱۹۱۸ م

۳- آینه حق نما تألیف (۴) بسال ۱۲۳۱ هـ بنام غازی الدین حیدر شاه اود

درد کر ادبا و فضلاء شیعه مخصوصاً سید دلدار علی و استادان و شاگردان وی و بعضی

اشخاص دیگر که در لکهنو در زمان وی میریسته اند. (سح حطی ایندیا آفیس دی

پی ۱۲۵۹ (b) آصفیج ۲ ص ۱۳۳۰ و ح ۳ ص ۱۸۲ و نانکی پور تکمله ثانی ش ۲۰۶۲)

۴- مجمع المقول تألیف محمد علی بن حاجی حسن هندی مشتمل بر ذکر

معارف شیعه که تعریف ساخته و نه کر بلا رفته برای امام حسین آه و نگاه میکرده اند

(نسخه : برلن ۱۰۲۰)

- ۵- مجموعه حیدر شکوه تألیف میرزا محمد حیدر شکوه تبیجه محمد شاه (۱۱۳۱-۶۱ هـ) در ذکر علما و فضیله شیعه. (سجده حطی: ایوانو تکمله ثانی ۹۳۱)
- نجوم السماوی تراجم العلماء تألیف مولوی محمد علی کشمیری الاصل ثم لکھوی بسال ۱۲۸۶ هـ بر مایش سید حامد حسین درسه «نجم» (یک نجم برای یک قرن) و یک حاتمہ. این کتاب مشتملست بر ذکر علما و ادبای شیعه از قرن ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ هجری چاپ لکھنو ۱۳۰۳ هـ
- ۶- میزان الاخلاق تألیف سید محمد علی بن سید جعفر یردی بسال ۱۲۴۴ هـ در هند در شرح حال مؤلف و مدح دولت انگلیس و ذکر معاریف یرد
- ۸- مظهر الاحدیہ فی بیان الانساب السادات زیدیہ تألیف سید عبدالاحد طمر آبادی شجره نامه سادات زیدی طمر آباد (در ۴ میل جنوب شرقی حونیپور هند) اررمان آدم تارمان مؤلف. چاپ حونیپور ۱۹۱۴
- ۹- تذکرہ امر و ہہہ تألیف سید مظاہر حسین امر و ہوی مدرس تاج المدارس امر و ہہہ در ذکر علما و فضیله متقدم و متاخر امر و ہہہ (اتقص ۵۳۰ و الذریعہ ج ۴ ص ۳۷)
- ۱۰- تذکرہ علمای ہند تألیف احمد علی چاپ ہند ۱۸۹۴ میلادی
- ۱۱- آثار النکرام تألیف میر علامہ ہلی آراد بلگرامی بسال ۱۱۶۶ هـ (مادہ تاریخ: حتامہ مسک) کہ حلد اول آن در ذکر شیوخ و علمای ہند مخصوصاً بلگرام است. چاپ ہند
- ۱۲- قاموس المشاہیر (ارماحد مقالات الشعرا چاپ کراچی ۱۹۵۷ م)
- ۱۳- ریاض الافکار تألیف سوری علی عبرتی بسال ۱۲۶۸ هـ در ذکر شرمگاران قرن ۱۲ و ۱۸ و ۱۹ م کہ بسیاری از آنان شاعر ہم بودند (رحوع شود بہ آثار عبرتی در دیل بحث در بارہ فمعراج الخیال، در کتاب حاضر)
- ۱۴- تذکرہ علماء تألیف خیر الدین ہمدانہ آبادی (متوفی در حدود ۱۸۲۷ م)
- در ۱۵ حمادی الاول ۱۳۱۶ هـ در ذکر ۲۸ ہر ارفضلا و علمای حونیپور. چاپ نا ترجمہ انگلیسی در کلکتہ ۱۹۳۴ م

۱۵- تجلی نور معروف به تد کرد مشاهیر خونپور تالیف سید نورالدین ریدی

ظفر آبادی جو پوری در ۱۸۸۱م در دکر صوفیه و ادباء و سغرای خونپور چاپ جلد ۱
در جو پور ۱۸۸۹م و جلد ۲ در جو پور ۱۹۰۰م

۱۶- نخبه التواریح تالیف سید محمد آل حسن بن سید بدیر احمد مودودی

امروهوی در دکر صوفیه و فضالی امروهه در سال ۱۲۹۶هـ در یک مقدمه و چهار باب و
یک خاتمه . چاپ امروهه ۱۸۸۰م

۱۷- شرایف عثمانی تالیف علام حسن ثامن صدیقی فر شوری بلگرامی در ۱۱۷۹هـ

در دکر معاریف بلگرام برای اصلاح اشتباهات مآثر الکرام آراد بلگرامی (سخه
۲۸۸ و غیره استوری ج ۱ ص ۱۱۱۵)

۱۸- مرآت الاحوال جهان نما تالیف احمد بن محمد علی اصفهانی بهستانی

در عظیم آباد بسال ۱۲۵۳هـ و بنام محمد علیسان قاجار (یسر ارشد فتحعلیشاه متوفی
در ۱۲۳۷هـ). (نسخ ریوح ۱۳۸۵ و ریو تکمله ۱۳۱ و بانکی پور ح ۷ ص ۶۲۸ و نوهار ۹۶
و ایندیا آفیس دی پی ۷۴۸ و ایندیا آفیس ۳۹۴۱ و ایوانو ۲۷۸ و ایوانو تکمله ثانی ۹۳۵
و آصفیه ح ۱ ص ۲۵۳ ش ۱۹۵ و بدیر احمد ۷۱)

۲- تذکرة الامراء

۱- تذکرة الامراء تالیف کیول رام سال ۱۸۶۱هـ در دکر امرائی که در دربار

تیموریان هند اررمان اکر تا عالمگیر شاه میریسه بد در دوات سرتیب در دکر
امرای مسلمان و هندو (سخه ریوح ۳ ص ۸۷۱)

۲- ارشاد الوزراء تالیف صدرالدین محمد بن بردست خان دررمان محمدساه

(۱۱۳۱-۱۱۶۱هـ) در دکر و ررای ایران و هند (بعد از اسلام) (سخه ناقص الآخر
ریوح ۱ ص ۳۳۸)

۱۰- مؤلف پیشاغورث و سقراط و افلاطون و ارسطو و غیره را و ریر گشتامپ و همس و

همای و دارا و شاهان دیگر ایرانی نوشته است؛ ۱

۳- آثار الامراء - (رجوع شود به آثار مصاصم الدولة در دلیل بحث درباره بهارستان سخن در کتاب حاضر)

(۳) - تذکره های سلاطین

- ۱- حدایق السلاطین تألیف علی بن طیمور سظامی سال ۱۰۹۲ هـ
- ۲- حدیقة السلاطین تألیف میرزا نظام الدین احمد شیرازی سال ۱۰۵۴ هـ^۱
- ۳- سلاطین السلاطین تألیف میرزا ابراهیم ریزی^۱
- ۴- تذکرة الملوك تألیف میر رفیع الدین ابراهیم شیرازی سال ۱۰۱۲ هـ^۱

(۴) - تذکره های خطاطان

- ۱- تذکره خوشویسان تألیف علام محمد هفت قلمی دهلوی (متوفی در حدود ۱۲۳۹ هـ) دردگر خطاطان که اکثرشان شاعر بوده اند چاپ کلکته ۱۲۲۸ هـ با اهتمام وتصحیح محمد هدایت حسن مدرس عربی و فارسی در پرسیدنسی کالج کلکته هند
- ۲- مفتاح الحظوظ رضا علی شاه قادری در هند در ۱۲۴۹ هـ تألیف کرد.

۳- تذکره علما و فضلا و غیره که خارج از هند و پاکستان تألیف شده است

(۱) - تذکره علما و فضلا و تاریخ ادبیات

- ۱- مجالس المومنین تألیف قاصی نورالله شومتری سال ۱۰۱۰ هـ مجلس ۱۲ و مجلس آخر آن مشتملست بر دگر تعرای فارسی چاپ تهران ۱۲۶۸ هـ و ۱۲۹۹ هـ (برای مسح خطی رجوع شود به استوری ح ص ۱۱۲۹)
- ۲- تاریخ سلما و شعرای گیلان تألیف حسن شمس گیلانی . چاپ تهران سال ۱۳۲۷ ش فصل ۲ در شرح حال علما و شعرا و نویسندگان گیلان و حاتم در دگر بعضی ار شعرای قم

۳- تجرنة الاحرار و تسلیة الابرار تألیف عبدالرزاق بیگ دنبلی آذربایحانی

محلص به مقتون (متوفی در ۱۳۴۳ هـ)

۱- ارما حد کلام الملوك (اردو) تألیف میر سعادعلی رسوی چاپ هند سال ۱۳۵۷ هـ

- ۴- تذکره شمس التواریخ تألیف اسدالدین محمود گلپایگانی ساکن اصفهان سال ۱۳۲۱ هـ در چهار رکن مشتمل بر دگر فقها و حکما و عرفا و شعرا چاپ اصفهان (الذریعه ج ۴ ص ۳۸)
- ۵- هدایق الجنان تألیف عبدالرراق بیگک دسلی آذربایجان منخلص به معتون (متوفی در ۱۲۴۳ هـ) دردگر سرگذشت مؤلف و تراجم احوال شعرا و فضایل معاصر شیراز و شمه‌ای از احوال کریمخان زند تا ظهور آقا محمدحاج قاجار.
- ۶- سامی فی الاسامی تألیف حشری تبریزی در شرح حال مشاهیر شعرا و علما و صلحای مدفون در تبریز و نواحی آن. (چاپ شده است)
- ۷- قصص العلماء تألیف محمد بن سلیمان تنکانی (متوفی در ۱۳۰۸ هـ) در ۱۲ رجب ۱۲۹۰ در ۱۵۲ نفر از علمای شیعه چاپ تهران ۱۳۰۴ و ۱۳۰۸ و بمبئی یالکهنو ۱۳۰۶ و تبریز ۱۳۲۰ هـ.
- ۸- آثار الشيعة الامامية تألیف عبدالعزیز جواهر کلام اصلا در ۲۰ جلد که از آن ظاهراً تنها دو جلد چاپ شده است. ترجمه فارسی آن در دو جلد در مطبع مجلس تهران بسال ۱۳۴۲ هـ و ۱۳۰۷ ش چاپ شده است
- ۹- ملتصق الاحصاء خالص من الریا ترجمه فارسی شد الارار فی حفظ الاورار عن زوار المرار - (هرار مرار) که معین الدین ابوالقاسم حنیدی الشیرازی سال ۵۷۹۱ هـ بعرنی تألیف کرد و پس روی عیسی بن جمید الشیرازی آنرا بفارسی ترجمه کرد این کتاب در باره معاریفی است که در شیراز مدفونند (سج ترجمه: ریو ح ۱ ص ۳۶۴- چاپ شیراز ۱۳۲۰ ش)
- ۱۰- تحفة الاحياء فی تذکرة الاولیاء و الشرفا تألیف شیخ علی بن الحسین المدعوبه رین العابدین الگنجوی الصعوی سال ۱۲۹۱ هـ نام ناصرالدین شاه قاجار دردگر ۳۱۸ تن ارفصلا و مشاهیر شعرای شهرهای مختلف ایران
- ۱۱- رجال اصفهان یا تذکرة القبور تألیف ملا عبدالکریم بن حاج ملامهدی گزی برخواستاری اصفهانی (متوفی در ۱۳۳۹ هـ) در شرح تکایا و قبور علما و عرفا و شعرا و

دانشمندان نامی واقع در اصفهان و مؤلف در ضمن ترجمه مختصر و آثار و اشعار آنان را هم آورده است. چاپ اصفهان ۱۳۶۹ هـ

۱۲- **ریحانة الادب** تالیف میرزا محمدعلی بن محمد طاهر تبریزی خیابانی معروف به مدرس (متوفی در سال ۱۳۷۳ هـ) در ذکر برگگان و دانشمندان بترتیب الفبا چاپ درشش جلد در تهران ۱۳۳۵ ش.

۱۳- **نامه دانشوران** تحت نظر جمعی ماسد شمس العلماء شیخ محمد مهدی عبدالرب آبادی (متوفی در حدود ۱۳۱۴ هـ) و اعتماد السلطنه محمدحسن خان مراغه‌ای تهرانی ملقب به صبیح الملک (متوفی در ۱۳۱۳ هـ) و حاج میرزا ابوالفضل ساوجبی (متوفی در ۱۳۱۲ هـ) در ذکر جمعی از فقها و ادبا و شعرا و اطبا و عرفا و فلاسفه و مردان نامی و آثار و اشعار آنان بترتیب الفبا. ناتمام مانده و پاشین «شاه نعمت‌الله ولی» پایان یافته است چاپ تهران در هفت جلد در سال ۱۳۱۳ هـ تا ۱۳۲۴ هـ (نیر و جوع شود به استوری ص ۱ ص ۴-۱۱۷۳ که آغا استوری نام این کتاب را «نامه دانشوران ناصری» ذکر کرده است)

۱۴- **دانشوران خراسان** تالیف علامه رضا ریاضی. چاپ تهران ۱۳۳۶ س

۱۵- **حديقة الاحباب فی ذکر المعروفین بالکسی واللقاب و الانساب** تالیف حاج شیخ عباس قمی سال ۱۳۴۹ هـ در ذکر شعرا و فضیله و سنی متقدم و متأخر بترتیب الفبا در سه باب چاپ نصف ۱۳۴۹ هـ و بهران ۱۳۲۹ ش

۱۶- **وفیات معاصرین** تالیف میرزا محمد بن عبدالوهاب قزوینی در ذکر معاصرین (شعرا و غیره) بترتیب الفبا در محله «یادگار» که از ح ۳ تا ج ۵ ش ۱۰ (با بعضی وقعه‌ها) جاری بود.

۱۷- **شرفارسی معاصر** تالیف ایرج افشار در ذکر نویسندگان (و بعضی شعرا) نامتحنات آثار مشهور آنان چاپ تهران ۱۳۳۰ ش.

۱۸- **دانشمندان آذربایجان** تالیف محمد علیخان تربیب در ذکر معاریف آذربایجان مخصوصاً شعرا و فضیله آغا چاپ تهران ۱۳۱۴ ش.

- ۱۹- تاریخ ادبیات ایران تألیف استاد حلال‌الدین سنا همائی اصفهانی
از آثار تارمان معول. چاپ تبریز ۱۳۴۸ هـ در دو جلد.
- ۲۰- مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی تألیف دکتر ذبیح‌الله صفا
چاپ تهران ۱۳۳۷ ش
- ۲۱- تاریخ ادبیات ایران تألیف دکتر رضا راده شفق چاپ تهران ۱۳۳۶-
۱۳۳۷ ش
- ۲۲- تاریخ ادبیات ایران تألیف دکتر ذبیح‌الله صفا جلد اول چاپ تهران
در ۳۳۳ ش و ج ۲ چاپ تهران در ۱۳۳۶ ش و ج ۳ چاپ تهران در ۱۳۴۱ ش
- ۲۳- (ترجمه فارسی) تاریخ ادبیات ایران ادوارد براون جلد اول ترجمه آقایی
علی پاشا صالح. چاپ وزارت فرهنگ تهران ۱۳۳۴ ش «وارسعدی تاجامی» ترجمه
جلد سوم از اسناد علی اصغر حکمت. چاپ تهران در ۱۳۲۷ ش.
- ۲۴- نجوم السماء تألیف محمد صادق بن مهدی در اواخر قرن ۱۳ هـ در زمان
ناصرالدین شاه در دگر فقهای شیعه در عصر صفوی تا اواسط قاجاریه.
- ۲۵- ریاض الصفا فی مشاهیر الرجال والنساء یا «صحایف العالم» یا «مرآة
الحق» تألیف محمد مهدی فروع اصفهانی پسر محمد باقر بهجت اصفهانی که
هر دو از شعرای بیمه قرن ۱۳ هـ بودند. مؤلف تا ۱۲۸۵ هـ در قید حیات بود چون در آن
سال وی کتاب تذکره مآثر المعاصرین تألیف کرده است. ریاض الصفا در تاریخ
ارزمان آدم و دگر پیغمبران و شاهان و عارفان و فقیهان و قاصیان و ادیبان و ساعران
(برگه ۳۰۳-۳۲۲) و طریقان و بوارندگان و زنان نامدار و غیره میباشد. نسخه بخط
مؤلف. فهرست اهدائی مشکوه ج ۲ ص ۶-۵۸۴
- ۲۶- تذکره الاسامی تألیف میرزا آفندی (۴) سال ۹۵۷ هـ در دگر شاه
اسمعیل صفوی و شعرا و علما و دررا و مشاهیر زمان وی. نسخه . فهرست کتابخانه
الحدیو المصریه ص ۵۰۱ .

۲۷ - آثار الوزراء تألیف سیف‌الدین حاجی بن نظام‌العقیلی بنام خواجه
نوام‌الدین نظام‌المک حوافی و برادر دو معاله - نسخه - ریو تکلمه ش ۱۰۱
ع ۶۹ ب).

۲۸ - شکوفه‌های ذوق و ادب تألیف ابوالحسن احتشامی در حدود ۱۳۳۷ ش
در ذکر بعضی استادان و شعرا و نویسندگان معروف معاصر ایران. چاپ در حدود
۱۳۲۷ ش

۲۹ - داستان دوستان یا تذکره ادبا و شعرای آذربایجان تألیف (؟)

۳۰ - تاریخ ادبیات ایران محمد رضا دائی جواد چاپ تهران ۱۳۳۶ ش.

۳۱ - (ترجمه) تاریخ ادبیات هرمان اته ارد کتر رضا راده شفق تهران - چاپ
سگاه توجه و نشر کتاب ۱۳۳۷ ش

۳۲ - نخستین گنجینه شعر او نویسد عثمان ایران چاپ احسن فرهنگی
ایران و شوروی تهران

۳۳ - تاریخ میر سید شریف راقم تألیف احو بد ملا شرف‌الدین معروف به علم
اندجانی در قطعه‌های تاریخ راجع به ملوک و عرفا و فضلاء و غیره که از زمان تولد
تیمور ۷۳۶ هـ تا ۱۰۵۴ هـ میریسته اند (استوری ح ۱ ص ۳۸۷ و ۱۱۱۶)

۳۴ - بررسمان و سخن سرایان همذان تألیف دکتر مهدی درحسان - چاپ تهران
۱۳۴۱ ش

۳۵ - تذکره علمای اسلام یا ستارسمان فروران تألیف یحیی نوری چاپ
تهران ۱۳۳۴ ش

تذکره های خطاطان

۱ - امتحان الفضل یا تذکره خطاطین تألیف میرزا سگالاح خراسانی
سال ۱۲۹۱ هـ در زمان ناصرالدین‌ساز قاجار در ذکر ۳۴ نفر از مشاهیر خطاطین که
اکثرشان شاعر بوده‌اند چاپ تبریز ۱۲۹۱ هـ

تذکره‌های سلاطین

۱- تاریخ کلام الملوك تالیف میرزا محمد یوسف لاهیجی در تاریخ و احوال سلاطین است (فهرست کتب فارسی کتابخانه حدیو مصر چاپ مصر ۱۳۰۶ ص ۵۰۰)

ضمیمه هفتم

کتاب عمومی که ضمناً ذکر شعرای فارسی را هم دارد

الف. کتاب عمومی که در هند و پاکستان تالیف شده است

- ۱- تاریخ فرخ آبادی تالیف سید ولی الله فرخ آبادی مشتمل بر ذکر شعرا و علمای فرخ آباد سال ۱۲۴۸ هـ. سححه آن در کتابخانه رامپور هند موجود است
- ۲- صحیح صادق تالیف میرزا محمد صادق متخلص به صادق زبیری اصفهانی آزادانی (عموی طاهر نصر آبادی مؤلف تذکره نصر آبادی) آغار در ۱۰۳۱ هـ و پایان در ۱۰۴۸ هـ مشتمل بر چهار مجلد این کتاب در تاریخ و جغرافی است و مجلد سوم آن در ذکر معارف ده قرن اول هجری است
- ۳- مرآت العالم تالیف شیخ محمد باقی سهارپوری (متوفی در ۱۰۹۴ هـ) بسال ۱۰۷۸ هـ که در تاریخ و جغرافی است و خاتمه آن در ذکر شعرا و فصلای معاصر مؤلف است.
- ۴- فرحت الناظرین تالیف محمد اسلم انصاری قادری بسال ۱۱۸۴ هـ (بادلین ۱۱۹۴ هـ) خاتمه آن مشتمل است بر جغرافی هند و ذکر بعضی شیوخ و علما و شعرای معاصر شجاع الدوله
- ۵- حدیقه الاقالیم تالیف مرتضی حسین بلگرامی میان سالهای ۱۱۹۲ و ۱۱۹۶ هـ

در تاریخ و جغرافی همب اقلیم مخصوصاً هندوستان اسب و ضمناً ذکر بعضی شعرا و فضلا را هم شامل است.

۶- جام جهان‌نما تالیف مظفر حسین متخلص به‌وصفی و ملقب به مهارت خان بسال ۱۱۸۰ هـ. دائرة المعارفی است در تاریخ و جغرافی و تاریخ طبیعی و فیریک و اخلاق و سیاست و دستور و طب و غیره در دو جلد جلد دوم آن در ذکر شعرای فارسی از زمان اکبر تا ۱۱۸۰ هـ است. نسخه با مکی پور تکمله اول ص ۱۰ ش ۱۷۵۲ هـ.

۷- صحیفه الاعمال و مرآت الاحوال تالیف عبدالعلی اسلام آبادی در تاریخ اسلام آماد (چاتگاؤں) و فضلی آنجا چاپ آگزه ۱۸۸۹ م

۸- رساله سالار جنگ یا آبادی دهلی در شرح شهر دهلی و انبیه و غیره آن و مشایخ و شعرا و فضلی معاصر مؤلف. نسخه ریوج ۲ ص ۸۵۸ و غیره بیر په رجوع شود استوری ج ۱ ص ۱۱۸

۹- مرآت احمدی تالیف علی محمد خان در ۱۱۷۵ هـ. حاتمه آن در ذکر صوفیه و سادات مدفون در احمد آباد و مضافات آن اسب (استوری ج ۱ ص ۳۱-۷۲۹ و ۱۱۱۲)

۱۰- برهان الفتوح تالیف محمد علی بن محمد صادق الحسینی بی‌شاموری کتبی برهانیوی در ۱۱۴۸ هـ که باب ۱۵ آن و در ذکر صوفیه اسب (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۲)

۱۱- چهار گلشن تالیف رای چترمن در ۱۱۳۷ هـ که گلشن چهارم آن در ذکر صوفیه اسلام و هندو اسب (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۶)

ب- کتب عمومی که خارج از همد تالیف شده است

۱- چهار مقاله تالیف نظامی عروسی سمرقسی در حدود ۵۵۰ چاپ تهران
۲- بهارستان تالیف حاج شیخ محمد حسین آیتی چاپ ۱۳۲۷ ش با اهتمام امیر معصوم خان حریمه در تاریخ و جغرافی و تراجم رجال قایناب و قهستان در چهار

مقاله مقاله چهارم آن در ذکر تراجم و حال و بزرگان قهستان و امر او و ویرا و شعر است.

۳- تذکره شوستر تالیف سید عبدالله جرایری متخلص به فقیر (متوفی در ۱۷۳۳ هـ)

بسال ۱۱۶۴ هـ و سپس مؤلف در ۱۱۶۹ هـ لاحقهای بآن اضافه کرد مشتمل است بر قاریخ و

تراجم عده ای از علما و سادات و شعرا و رجال و حکام شوستر در ۴۴ فصل. چاپ کلکته

بسال ۱۳۴۳ هـ تصحیح خان بهادر مولا بخش و محمد هدایت حسین.

۴- لطایف الطوائف تالیف فخرالدین علی صفی بیهقی (متوفی در ۹۳۹ هـ).

باب بهم آن مشتمل است بر لطایف شعرا که مؤلف صمناً شرح حال مختصری از بعضی

شعرا نیز آورده است چاپ بهران ۱۳۳۶ ش با اهتمام آقای احمد گلچین معانی.

۵- مطلع الشمس تالیف محمد حسن خان مراعی ملقب به صنیع الدوله و

اعتضاد السلطنه (متوفی در تهران سال ۱۸۹۶ م) در ذکر شهرها و فضلا و معارف حراسان.

چاپ تهران ۳-۱۳۰۱

۶- حقایق الانوار پارسی تالیف عبدالرراق دبلی آدرمایجانی متخلص

به ممتون (متوفی در ۱۳۴۳ هـ) در ذکر شعرای عرب و عجم و حل معصلات اشعار آنان و

مشآت و مطارحات و فصاح و بلاغت اقوال و سیاست ملوک و آداب و در را و غیره در

۲۳ حدیقه

۷- ریاض الجنه تالیف میرزا حسن حسینی ربوری متخلص به قانی سال ۱۲۱۶ هـ

در یک مقدمه و هشت روضه و یک حاتمه مانند دائرة المعارفی است از عهد مؤلف.

روضه های رابع و خامس و سادس و سابع آن اختصاص دارد بدکر علما و حکما و

و شعرا و ویرا و آثار و اشعارشان

۸- آثار محجم تالیف محمد بصیر میرزا فرصب حسینی شیرازی (متوفی در

سال ۱۳۳۹ هـ) سال ۳-۱۳۱۰ هـ در ذکر حیراتی و تاریخ و عرفا و حکما

فصحا و محتهدین فارس چاپ بمبئی ۱۳۱۴ هـ و ۱۳۵۳ هـ

۹. عوالم الاسرار فی غرایب الاسفار تالیف عبدالکریم بن محمود قاضی معروف به قاضی اختیار در شرح مسافرتهای مؤلف به نقاط مختلف ماوراءالنهر و خراسان یا ذکر صوفیه و شعرا و فضلا در بحارا در زمان مؤلف. آغاز تالیف در سال ۱۰۰۹ هـ - نسخه اته ۱۷۲۳ (استوری ح ۱ ص ۱۱۱۶)

حصه هشتم

فهرست کتب تاریخ که در آن صماً ذکر شعرا هم آمده است

الف- کتب تاریخ که در هندو پاکستان تألیف شده است

۱- تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه تألیف (۹) بسال ۱۰۲۶ هـ

۲- تاریخ قطب‌شاهی تألیف قادرخان منشی بیدری بسال ۱۲۴۵ هـ

۳- گلشن ابراهیمی (تاریخ فرشته) تألیف محمد قاسم فرشته هندوشاه

استرآبادی بسال ۱۰۱۵ هـ چاپ‌هد

۴- طبقات اکبری تألیف نظام‌الدین احمد هروی بسال ۱۰۰۱-۲ هـ مشتمل

برد کر ۸۱ شاعر رمان اکبر شاه چاپ لکهنو ۱۸۷۰م و ۱۸۷۵م و کلکته ۱۹۱۳م.

۵- منتخب التواریخ تألیف عبدالقادر بدایونی مشتمل بر ذکر ۱۶۶ شاعر

رمان اکبر شاه (جلد سوم درد کر علما و فقرا و شعرا) . چاپ اجمن آسیائی بنگال

کلکته

۶- آئین اکبری (اصلاً دفتر سوم اکبر نامد) تألیف شیخ ابوالفضل علامی .

مشتمل بر پنج دفتر - دفتر دوم آن درد کر فصلاً و شعراً زمان اکبر شاه است . چاپ لکهنو

۱۸۶۹ و ۱۸۸۲ و ۱۸۹۳م و کلکته ۲۷-۱۸۶۷م .

۷- اکبر نامه تألیف ابوالفضل علامی . چاپ کلکته ۱۸۷۷م

۸- آثار رحیمی تالیف ملا عبدالباقی بهاوندی تاریخ بیرم خان و عبدالرحیم خان خانخانان در سه جلد خاتمه جلد سوم مشتمل است بر دگر (۱) ۳۱ نفر از علما و فضلا (۲) ۱۰۶ نفر از شعرا (۳) ۴۸ نفر از سپاهیان و مستندان هر طبقه و طایفه که حرو متوسلین و منسلکین دربار عبدالرحیم خانخانان سپهسالار معروف اکبر شاه بودند. چاپ انجمن آسیائی بنگال ۱۹۳۱ م

۹- مفتاح التواریخ تالیف تاملیم بیل در حدود ۱۲۶۵ هـ. چاپ بولکشور لکهنو بسال ۱۲۸۴ هـ

۱۰- سیر المتأخرین تالیف غلامحسین خان چاپ لکهنو ۱۸۶۶/۱۲۸۳ هـ

۱۱- تاریخ صدر جهان تالیف ملک القضاة صدر جهان فیض الله بنیابی معاصر محمود شاه بیگاره سلطان گجرات (۸۶۳-۹۱۷ هـ)

۱۲- جام جهان نما تالیف محمد قدرت الله شوق صدیقی آغار در ۱۱۹۱ هـ و پایان در ۱۱۹۹ هـ تاریخ عمومی اسو حاتمه آن درد کر فضلا و عرفا و شعرا و غیره میباشد
۱۳- مرآت آفتاب نما تالیف بواب عبدالرحمن شاهنوار خان هاشمی دهلوی (متوفی در ۱۲۲۲ هـ) بسال ۱۲۱۸ هـ تاریخ عمومی اسب ناد کر معصل وقایع زمان شاه عالم و جغرافی و شرح حال شعرا و فضلا

۱۴- زبدة الغرایب تالیف محمد رضا نجم بسن ابوالقاسم طباطبائی بسال ۱۲۳۱ هـ. تاریخ عمومی در پنج مجلد و پنجم آن درد کر فلاسه و صوفیه و

۱۵- یادگار بهادری تالیف بهادر سنگس هراری مل شاهجهان آبادی بسال ۱۲۴۹ هـ. تاریخ عمومی است در چهار «سابقه» و چند باب درد کر فضلا و شعرا و جغرافی و فنون و علوم

۱۶- تاریخ هندی تالیف رستم علی شاه آبادی سال ۱۱۵۴ هـ خاتمه آن

۱- ارمأخذ کلام الملوك (اردو) تالیف میر سعادت علی رسوی چاپ هند سال ۱۳۵۷ هـ

- در ذکر شیوخ و علما و شعرای معاصر مؤلف است
- ۱۷- تاریخ محمد شاهی یا قادر الزمانی تألیف خوشحال چند بسال ۱۱۵۹ هـ. مقاله دوم آن درد کر ۱۵۸ شاعر است که فهرست اسامی آنان در فهرست پرش برلن آمده است
- ۱۸- واقعات کشمیر تألیف حواجه اعظم- آغاز در ۱۱۴۰ هـ و پایان ۱۱۶۰ هـ که صماً ذکر اکثر عرفا و فضلا و شعرای کشمیر را هم دارد. چاپ هند.
- ۱۹- برهان الفتوح تألیف محمد علی بن محمد صادق حسینی نیشاپوری نحفی برهانبوری بسال ۱۱۴۸ هـ بنام نواب برهان الملك سعادت خان نیشاپوری حاکم اود. تاریخ مختصر با توحه خاص سالها در یک مقدمه و ۱۸ باب و یک حاتمه که حاتمه آن درد کر شعرا و فضلا است
- ۲۰- مرآت الواردات تألیف محمد شعیب وارد بن سید محمد شعیب بسال ۱۱۴۶ هـ تاریخ سلاطین تیموری هند تا سال شانزدهم سلطنت محمد شاه (۱۱۴۶ هـ) در چهار طبقه - طبقه سوم آن درد کر شعرا و نویسندگان هند و ستاست
- ۲۱- عمل صالح تألیف محمد صالح کسوه لاهوری بسال ۱۰۲۰ هـ تاریخ مفصل رمان شاهجهان که صماً ذکر شعرا و فضایی زمان شاهجهان را هم دارد. چاپ هند
- ۲۲- لب الیر و جهان نما تألیف میرزا ابوطالب خان طالب اصهبانی (مؤلف تذکره خلاصه الافکار) خلاصه تاریخ جهان است که وی سال ۱۲۰۸ هـ بنام آصف الدوله حاکم اود تألیف کرده است در چهار باب و باب سوم آن درد کر مختصر شعرا و فضایی معروف است رجوع شود به بحث درباره تذکره خلاصه الافکار در کتاب حاضر
- ۲۳- اویماق مغل (معول) تألیف محمد عبدالقادر آقه باش قاجار ساکن سوگهر صلح مند سوره مالوه سال ۱۳۱۹ هـ مشتمل است بر ذکر سلاطین و حوایی معول و صماً ذکر مختصر شعرا و عرفا و علمارا بر در ذیل ذکر سلاطین معول آورده

است . چاپ هند ۱۳۱۹ هـ

۲۴- اقبالنامه جهانگیری تألیف معتمدخان بخشی . چاپ کلکته ۱۸۶۵ م

۲۵- توزک بایری یا پاپرنامه تألیف بابرشاه و ترجمه حاجابان میرمخان .

چاپ بمبئی ۱۳۰۸ هـ .

۲۶- توزک جهانگیری تألیف جهانگیر شاه . در احوال زمان سلطنت

جهانگیر شاه تا اواسط سال ۱۷ که جهانگیر شاه خودش نوشته است

و پس از آن مستند خان بامر وی احوال تاریخی تا اوایل سال ۱۹ سلطنت جهانگیر

شاه نوشته و باصلاح جهانگیر در آورده است و سپس میرزا محمد هادی معتمدالخدمت

احوال تاریخی تا آخر حیات جهانگیر را تکمیل کرد و دیباچه‌ای بر آن افزود .

چاپ لکنو .

۲۷- تحفة العالم تألیف عبداللطیف ابن اسی طالب الحسینی الموسوی

الشوشتری (متوفی در حیدرآباد دکن در ۱۲۲۰ هـ) بسال ۱۲۱۹ هـ در دکن ۲۱ شاعر و فقیه

چاپ بمبئی ۱۲۶۳ هـ و حیدرآباد دکن ۱۲۹۷ هـ .

۲۸- مرآت الاحوال جهان نما تألیف احمد بن محمد علی بهبانی سال

۱۲۲۵ هـ در پتته هند بنام محمد علی خان قاجار (پسر فتحعلیشاه) . تاریخ ارمان

صغوی تارمان مؤلف در پتته مطلب و یک خاتمه بود که اجداد و خانواده مؤلف (مجلسی)

را نیز دارد .

۲۹- تاریخ معصومی یا تاریخ سند تألیف میر معصوم نامی بهکری حاج بمبئی

۱۹۳۸ م

۳۰- هفت گلشن محمدشاهی تألیف کامورخان در تاریخ هند که وقایع تاریخی

تا سال ۱۳۳۲ هـ را دارد و گلشن هفتم آن در باره صوفیه است (استوری ج ۱ ص ۱۰۱۵)

۳۱- منتخب التواریخ خاکی- میرزا حسن بیگ خاکی

۳۲- تاریخ حسن- پیر غلام حسن کهوپیاهی - حصه (قسمت) چهارم آن دکن

۱۱۸- شاعر را شاملست - چاپ سرینگر سال ۱۹۶۰م باهتمام اداره تحقیق و اشاعت دوات حمون و کشمیر

۳۳- طبقات ناصری - منهاج الدین سراج سال ۶۵۸هـ در دهلی - چاپ لاهور جلد اول سال ۱۳۲۸ش و جلد دوم سال ۱۹۴۵م به تصحیح و تحشیه آقای عبدالهی حبیبی

۳۴- تاریخ برنی یا تاریخ فیروزشاهی - ضیاء الدین برنی - چاپ کلکته

۳۵- تاریخ ملا خلیل مرچانیپوری - جلد دوم آن درد کر شعرا را شاملست

۳۶- تاریخ کبیر ملا عبدالکبیر سرای بلی - چاپ سرینگر کشمیر .

۳۷- منتخب التواریخ - بیر بل کاجوری - چاپ هند

ب- کتب تاریخ که خارج از هند و پاکستان تألیف شده است و ذکر شعر از اہم دارد

۱- راحة الصدور تألیف نجم الدین ابونکر محمد بن راوندی سال ۵۹۹ھ

چاپ تهران ۱۳۳۳ش

۲- تاریخ گزیده تألیف حمدالله مستوفی قرینی سال ۷۳۰ھ - چاپ تهران

۱۳۳۹ش

۳- حبیب السیر تألیف عیاض الدین حواید میر (متوفی در ۸۴۵ھ) . چاپ

تهران ۱۳۳۳ش

۴- عالم آرای عباسی تألیف اسکندر بیگ منشی شاه عباس بزرگ . چاپ

تهران ۱۳۳۵ش

۵- ناسخ التواریخ تألیف میرزا تقی سپهر و عمادقلی سپهر . چاپ تهران

۱۳۴۰ش

۶- زیست التواریخ تألیف میرزا محمد رضا بنده تبریزی (متوفی تهران

در ۱۲۲۳ھ) سال ۱۲۲۱ھ . تاریخ عمومی است که با مر فتحعلیشاه میرزا محمد رضا

و عبدالکریم بن علی رضا تألیف کرده اند مشتمل بر آغاز و دو پیرایه پیرایه اول

صماً ذکر انبیا و ائمه و فصلار را هم دارد .

۷- لب الالباب تألیف حاجی محمدقلی قاجار گنجوی سال ۱۰۹۷ھ . خلاصه

تاریخ اسلام در ۲۳ فصل است که فصل آخر آن شرح حال مختصر ۲۲۰ شاعر فارسی را دارد

۸- **بهجت المراد** تألیف شکرالله بن شهاب‌الدین احمد الرومی (متوفی در ۸۹۴هـ) معاصر سلطان مراد (۸۲۴-۸۵۵هـ) تاریخ عمومی است تا جلوس سلطان محمدین مراد (۸۵۵هـ) در سیرده باب .

۹- **احسن التواریخ** تألیف حسن بیگ روملو بنام شاه اسمعیل ثانی (۹۸۴-۹۸۵هـ) ضمناً که ذکر مشاهیر علماء و وزراء و شعرای زمان سلاطین صفوی و رومیه و چغتائی و ازبکیه را نیز دارد چاپ کلکته ۱۹۳۱ م .

۱۰- **جامع مقیّدی** تألیف محمد معید بافقی متوفی سال ۱۰۹۰ در تاریخ یرد است و ذکر فضلا و شعرای یرد را هم دارد . نسخه خطی : کتابخانه ملک بهران ۴۳۴۲ . چاپ تهران باهمام کتابخانه اسدی

۱۱- **تاریخ یرد** تألیف عبدالحسین آیتی سال ۱۳۱۷هـ که ضمناً ذکر بسیاری از شعرا و فضلا یرد را هم دارد چاپ گلپهار یرد

۱۲- **طفرنامه تیموری** تألیف شرف‌الدین علی یردی (متوفی در ۸۵۸هـ) سال ۸۲۸هـ . چاپ تهران ۱۳۴۱ش

۱۳- **مطلع السعدین** تألیف کمال‌الدین عبدالرؤف بن اسحق سمرقندی (متوفی در ۸۸۲هـ) چاپ لاهور

۱۴- **روضه الصفا** محمد بن خاوند شاه بن محمود مشهور به میرحوابد (متوفی در ۹۰۳هـ) در هفت جلد (جلدهفتم آنرا نواده دختری مؤلف عیاش‌الدین حوابد میر مؤلف حبیب‌السیر افروده است)

۱۵- **تاریخ معول** تألیف مرحوم عباس اقبال که مؤلف در فصل بهم شرح حال بعضی مورخین و علما و عرفا و حکما و نویسندگان و شعرا (ص ۴۷۹-۵۵۴) آورده است . چاپ تهران ۱۳۴۱ش

۱۶- **المآثر والآثار** تألیف محمدحسین خان صنیع‌الدوله ثم اعتماد السلطنه

(متوفی در تهران ۱۸۹۶م) بسال ۱۳۰۶ه در تاریخ چهل سال اول سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۴ه) . باب دهم آن در ذکر شعرا و نویسندگان و فضیلاست.

۱۷- تاریخ ارسباران تألیف سرهنگ بایوردی . صفحه ۱۹۲ تا ۲۱۶ ذکر عرفا و علما و شعرا و اهل منبر و سادات و نویسندگان معاصر ارسباران دارد . چاپ تهران ۱۳۴۱ه

۱۸ و ۱۹- تاریخ خان جبهانی و مخزن افغانی تألیف نعمت‌الله بن حبیب‌الله هروی سال ۱۰۲۱ه که خاتمه آن دگر ۶۸ صوفی را دارد همچنین دفتر سوم خلاصه این کتاب بنام «مخزن افغانی» نیز دگر صوفیه افغانی را دارد. (استوری ج ۱ ص ۹۸۴)

ضمیمه سوم

تذکره در فارسی بعضی کتابهایی است که نام آن یا کلمه «تذکره» شروع میشود و برخی دیگر نیز که نام آن یا کلمه تذکره شروع نمیشود اما بعضی گاهی آنرا اشتباهاً حرو و تذکره شعرا حساب کرده اند بنابراین در سطور ذیل در این مورد توضیح لازم در باره اصل موضوع بعضی از این کتابها داده میشود .

الف - کتابهایی که نام آن با «تذکره» شروع می شود

۱ - تذکره تالیف علامه نصیرالدین طوسی مشتمل بر بیست فصل در «آعار

وانجام» چاپ دانشگاه تهران

۲ - تذکره الاخوان تالیف سلیمان میرزا قاجار - چاپ تهران سال ۱۲۷۹ هـ

در ۱۴۸ صفحه در رد بر تصوف است

۳ - تذکره شاه ظهیراسب صفوی تالیف شاه طهماسب بن اسمعیل صفوی

درس گذشت خود از ابتدای جلوس (۱۹ رحب ۹۳ هـ) تارمان تالیف (؟) - چاپ برلین
چاپخانه کاویانی ۲۵ محرم ۱۳۴۳ هـ .

۴ - تذکره همایون و اکبر تالیف بایریدنیات سال ۹۹۹ هـ نامرا کبر

شاه در ذکر وقایع تاریخی زمان همایون شاه و اکبر شاه از ۹۴۹ تا ۹۹۹ هـ - چاپ
کلکته ۱۳۶۰ هـ .

- ۵- تذکره عدری یا تذکره اسحق مجموعه اشعار است از شعرای متقدم و متاخر که اسحق بیگ عدری بیگدلی برادر آذر بیگدلی جمع آوری نموده است - نسخه: سپه سالار تهران و ملک تهران ۳۷۹۴
- ۶- تذکره صائب تألیف میرزا صائب اصفهانی - بیاض اشعار است .
- ۷- تذکره الخوانین تألیف میر دوستی سال ۹۵۵ در ذکر اشعار ۲۴۰ شاعر که اکثرشان هم عصر یا قریب العصر مولف بودند و در وزن و قافیه واحد و مشترک اشعاری سروده اند بر دیف حروف الفبا - نسخه مرگری ۲۴۳۱
- ۸- تذکره کنوز الشعرا تألیف صدرالدین محمد بهپانی در قرن ۱۱ ه اشعار شعرا را از روی مصامین و موضوعات و معانی خاصی آورده است
- ۹- تذکره الهی تألیف ابوالحسن صاحب فرید آبادی - چاپ بولکشور لکهنو ۱۸۹۸ م / ۱۳۱۶ ه ملفوظات شاه مظفر علی اکبر آبادی است
- ۱۰- تذکره العاشقین دیوان عرل تقی اوحدی (رجوع شود به آثار تقی اوحدی در دیل بحث در باره عرفات العاشقین در این کتاب)
- ۱۱- تذکره العاشقین دیوان شعر شیخ حریر - چاپ لکهنو ۱۳۸۶ / ۱۲۹۳ ه .
- ۱۲- تذکره نصرت یا خلاصه لطایف الخیال مجموعه اشعار شعرای متقدم و متاخر و معاصر مولف است که امیر محمد صالح رضوی ملقب به صدر الممالک سال ۱۱۰۴ ه ترتیب داده است و محمد نصیر نصرت مقدمه ای بر آن افزوده است - نسخ خطی مجلس ۱۱۷۰ و سپهسالار ۲۷۳۰ و ملک تهران ۱۳۱ و مرگری تهران س ۳۹۵۱ و نیز رجوع شود به سپهسالار س ۱۱۲۲
- ۱۳- تذکره خاور مجموعه اشعار شعرای متقدم و متاخر است ترتیب الفبا که حیدرقلی میرزا متخلص به خاور در قرن ۱۳ ه از قصیده و غزل ترتیب داده است نسخه ملک ۴۳۰۰
- ۱- برای شرح حال میر دوستی رجوع شود به میخانه چاپ تهران ص ۲ - ۶۶۱ در دیل نام دوستی - مرقدی

۱۴- تذکره خاوری تألیف فضل‌اله حسینی خاوری شیرازی کتابیست

در عروض و قوافی و غیره که مولف در قرن ۱۳ هـ تألیف نموده است - نسخه ملک
۲۸۷۵ .

۱۵- تذکره تاریخی تألیف میرزا فضل‌اله وزیر نظام نوری (۱۲۱۳-۱۲۸۹ هـ)

سال ۱۲۸۰ هـ در تاریخ آغارکار خاندان قاجار است نسخه دانشکده ادبیات
ش ۸۹ - ح

۱۶- تذکره آثار المعاصرین موسوم به «محموۃ الحواهر» تألیف محمد

مهدی قروع اصفهانی سال ۱۲۸۵ هـ درد کر شرح حال و منشآت قائم مقام فراهانی
و منتخبی از آثار متقدمین و معاصرین و حکایات و لطایف زبان عربی و فارسی
است - نسخه مرگوری تهران ۳۲۰۷ در ۳۰۸ ص

ب - کتبی که نام آن با تذکره شروع نمیشود .

۱- مجمع الشعراء تألیف کاتب‌الملک متخلص به دوری سال (۹) مجموعه

اشعاریست از ۴۵۶ شاعر که مولف برای حمیده نایب نادر اکبر شاه ترتیب داده
است نسخه بخط مولف مرگوری تهران ش ۲۴۴۸ .

۲- آسمان سخن تألیف لطف‌الله محمد مهدیس بن احمد معاصر اورنگ ریب

شاه (۱۰۶۸-۱۱۱۹ هـ) - خلاصه تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی است حاوی اشعار
۲۵۰ شاعر که اصلاً فیصی کرمانی در زمان اکبر شاه ترتیب داده بود

۳- انیس العشاق تألیف حسن بن محمد رامی در ذکر اشعاری در اوصاف

حسن در ۱۹ باب - مؤلف این کتاب را در زمان معزالدین ابوالفتح شیخ اویس بهادر
خان ترتیب داده است نسخه مرگوری ش ۳۰۳۴

۴- مصابین الشعراء تألیف مولانا محمد رضا بن محمد جعفر - مجموعه

اشعاریست از ۴۵۰ شاعر که محاور از صد نفر آنها معاصر مولف بودند که مولف
تحت عناوین مختلف آورده است؛ نسخه ناقص الاول طاهراً بخط مؤلف مرگوری
تهران ش ۲۵۰۴

- ۵- بوستان خیال تالیف بکتاب قلی متخلص به ابدالرومی- مجموعه اشعار شعرائی است که مؤلف دررجب ۱۲۲۵هـ (یا سال ۱۹۵۰) در اصفهان برتیب داده است - نسخه ظاهر ابطح مؤلف مرکز کوی تهران ۱۹۹۹ع - چاپ هد
- ۶- انیس الشعرا تالیف علی اکبر متخلص به افسر (م ۱۲۶۲ هـ) - کتابی در علم عروض و قافیه است - نسخه مرکز کوی تهران ۳۵۴۰ .
- ۷- منتخب الباب تالیف محمد هاشم علی خان معروف به خوافی حان - تاریخ تیموریان هند است از نامر تامحمد شامه - نسخه اندیا آفس ج ۲ ش ۳۰۱۳ .
- ۸- بیان محمود مجموعه اشعار است که محمود میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار از غزلیات شعرای نیمه اول قرن ۱۳ هجری انتخاب نموده است - نسخه - مجلس ح ۳ ش ۸۹
- ۹- شاهد صادق تالیف میرزا محمد صادق اصفهانی مؤلف صحیح صادق (م ۱۰۶۱ هـ) حد مرزا طاهر نصر آبادی در حدود سال ۱۰۵۶هـ در پنج باب و یک پایان نامه نوشته است و مانند دائرة المعارفی است، که هر باب آن دارای چند فصل است و مؤلف در باب سوم فصل ۴۴ در باره شعر و شاعران وصله شاعران مختصراً بحث کرده است
- ۱۰- مجموعه شعرا مجموعه اشعار قریب ۶۸۶ شاعر است که سراج الدین حسینی اورنگ آبادی سال ۱۱۶۹ هـ ترتیب داده است - نسخ ات ۶۹۱۵ و اشپرنگر ص ۱۴۸ .
- ۱۱- دریای گوهر (حانسوم) تالیف دکتر مهدی حمیدی شیرازی - مجموعه اشعار است از شعرای معاصر (چاپ تهران میر کبیر ۱۳۳۴ ش)
- ۱۲- محتصات آثار تالیف محمد صیاء هشترودی مشتملست بر محتصات آثار شری و نظم ادباء و در نام هر شعر به جای شرح حال، ی محتصات شعر و بشر و نظر خود را در باره وی ذکر نموده است - چاپ تهران ۱۳۴۳ هـ
- ۱۳- شعر فارسی در عهد شاهرخ تالیف دکتر یار شاطر بحث عمومی د

ناره وضع سیاسی و ادبی در عهد شاهرخ را دارد و شرح حال شعراء را ندارد . چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۴ ش

۱۴- گلستان مسرت یا حدایق المعانی تألیف محمدخان مصطفی سال ۱۲۶۱ هـ -

مجموعه اشعار یست در پنج حدیقه - چاپ مطبع مصطفائی هند

۱۵- گلستانه نشاط تألیف منوچهر بیگلر بک سال ۱۲۵۲ هـ مطابق

۱۸۳۶ م مجموعه اشعار یست از شعرای متقدم و متأخر بر بان فارسی و هندی (اردو) در هفت گلستانه در دبیل عباوین مختلف .

۱۶- نغمه ایران تألیف حاجی سید محمد رضا طباطبائی بردی - چاپ نظامی

پرس لکهنو ۱۳۴۵ هـ در باب سوه آن اشعار شعرای مختلف « برای استشهاد در بر آرائی » ترتیب حروف تهجی آمده است .

اضافات

برگزیده از پارسی سرایان کشمیر

ابتدا «شعر فارسی در هند موضوعیست حالب و از چند سال قبل در ایران و اروپا مورد علاقه و تحقیق دانشمندان قرار گرفته است»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف دکتر گردهاری لال تیکو است. وی بسال ۱۹۲۵ م در کشمیر متولد شد و فوق لیسانس خود را در پاکستان و هند در ادبیات فارسی پایان رساند و در سال ۱۹۶۰ م. دکترای ادبیات فارسی را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گرفت در دوران خدمت خود در وزارت خارجه هند گفته‌های بودا و چندین مقاله درباره تصوف و همچنین منتخبی از آثار اسدرباط تا گور را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد وی از اعضای مؤسس انجمن ایران و هند و عضو انجمن شرق شناسی امریکو انجمن آسیائی سگال است و اکنون در دانشگاه کالیفرنیا (لوس آنجلس) تدریس زبان‌های فارسی و اردو اشتغال دارد.

غیر از «برگزیده از پارسی سرایان کشمیر» کتاب مورد بحث، دیوان محسن فانی (م ۱۰۸۲ هـ) نیز سال ۱۳۴۲ ش، به تصحیح و تحشیه دکتر تیکو از طرف انجمن ایران و هند تهران بچاپ رسیده است

مؤلف این کتاب را بسال ۱۳۴۲ ش، تألیف و چاپ کرده است

در دیل شرح حال شعرا مؤلف اسم کتابهای زیر را آورده است که در تالیف این کتاب از آن استفاده کرده است.

۱- تاریخ حس - حس کویپامی جلد سوم و چهارم - چاپ سرینگر کشمیر

۲- واقعات کشمیر - محمد اعظم دینده مری - چاپ کشمیر

۳- تصوف در کشمیر در قرون ۱۴ و ۱۵ - مقاله مؤلف که در شماره مورخ

ژوئیه ۱۹۶۳ م در مجله دیبای اسلام (انگلیسی) چاپ امریکا چاپ شده است

۴- مخسر الاسرار - حافظ قادری چاپ لاهور

۵- اکبر نامه ابوالفصل چاپ کلکتہ ۱۹۲۹ م

۶- منتخب التواریخ - عبدالقادر دوانی

۷- فتوحات کبرویه - نسخه خطی متعلق بکتابخانه تحقیق کشمیر

۸- تحفه اشریة - محمد حس - چاپ لاهور ۱۳۵۲ هـ

۹- دیوان حس - میر حبیب الله کامل چاپ کشمیر ۱۳۸۱ هـ

۱۰- مقدمه دیوان عنی ار محمد علی ماهر چاپ لکهنو ۱۹۳۱ م

۱۱- تذکره نصر آبادی

۱۲- شمع احسن

۱۳- مرآت الحیال

۱۴- کلمات الشعرا

۱۵- دیوان فابی بتصحیح و تحشیہ دکتر تیکو (مؤلف) چاپ تهران ۱۳۴۲ ش

۱۶- مقدمه ترجمه انگلیسی «دستان منزهت» چاپ پاریس ۱۸۴۳ م

۱۷- کاتالوگ کتب احسن آسیائی سگال تألیف ایوانو

۱۸- تحفة الاکملیه چاپ لاهور ۱۳۵۰ هـ

۱۹- بحر العرفان چاپ کشمیر ۱۳۸۱ هـ

۲۰- تاریخ ملاحلیل مر حابوری

۲۱- خوارق السالکین - احمد بن الصور کشمیری

- ۲۲- کلام صادق - چاپ آکادمی هند و فرهنگ و زبان‌های کشمیر ۱۹۶۰ م.
- ۲۳- کلیات حویا چاپ لاهور ۱۹۶۰ م نامقدمه پروفیسور محمد باقر استاد دانشگاه پنجاب
- ۲۴- نظری به حویا- چاپ لاهور ۱۹۵۴ ش
- ۲۵- ایران صغیر چاپ تهران ۱۹۴۵ ش (۱۳۳۵ ش).
- ۲۶- نتایج الافکار- چاپ بمبئی
- ۲۷- منتخب النوار یخ یا تاریخ بیر بل کاجرو
- ۲۸- آتشکده
- ۲۹- ریاض الشعرا
- ۳۰- کشمیر- غلام محمد صوفی- چاپ لاهور ۱۹۴۹ م
- ۳۱- پندیت کشمیری- آند کول
- ۳۲- بهار گلشن کشمیر- چاپ لکھنؤ ۱۹۳۲ م
- ۳۳- باپرسان نامه - چاپ کشمیر
- ۳۴- شعر العجم - شلی نعمانی
- این کتاب یاد کر «محمد امین اویسی» شروع شده با ذکر «بیر بل کاجرو و وارسته» تمام میشود و رویه مرفته د کر ۱۹ تن ار گویندگان پارسی گوی کشمیر را شاملست در پایان کتاب مؤلف یك قصیده فیضی و یك مثنوی ترجمه از «مہا بہارتا» بوسیله اوم سری گنیشای نمہ را آورده است
- در مقدمه کتاب مؤلف درباره تاریخ و اهمیت و انواع و محتضات شعر فارسی در کشمیر بتفصیل بحث کرده اس و همچنین بہ ورود کلمات فارسی بران محلی کشمیر و بعضی اصطلاحات زبان کشمیری و سکریت برسان فارسی در آثار شعرای کشمیر اشاره کرده اس
- مؤلف در دلیل نام ہر شاعر شرح حال اورا یا مختصار اما بطور جامع آورده وسی
- کرده اس سال تولد و فوت ہر شاعر را مخصوصاً د کر نماید ہمچین اسم آثار اکثر

شعرا را بیان کرده و در پایان مقاله اسم کتابهایی که اطلاعات بیشتر درباره شاعر مورد بحث دارند بیزد کر کرده است

مؤلف گاهی در باره بعضی اصطلاحات محلی و کلمات سنسکریت و اسامی رجال که در ضمن شرح حال یا آثار بعضی شعرا آمده است در حاشیه کتاب توضیح داده است. مؤلف در مقدمه توضیح داده است که یادداشتهایی را که درباره ساطع و مشتاق دو شاعر غرلسرای قرن ۱۸م کشمیر تهیه کرده بود در موقع مراجعه به کشمیر بهر آن در راه گم کرده و بنا بر این نتوانست آنها را در این کتاب بچاپ برساند.

مؤلف اشعار شعرا را بر مبنای فصل آورده است و سعی کرده است منتهیات آنان را از انواع شعر ماسد غزل و مثنوی و ترجیع بدو رباعی و غیره نفل کند

رو بهر فته این کتاب اطلاعات معیدی را در باره شعرای کشمیر بهم میرساند و همچنین منتخبات آثار خوبی از آنان را شاملست اما معلوم نیست چرا مؤلف ذکر تنها ۱۹ شاعر را در این کتاب آورده است در صورتیکه تنها تاریخ حسن حصه (قسمت) چهارم ذکر ۱۱۸ شاعر کشمیر را آورده است و این کتاب چروماحد کتاب مورد بحث میباشد.

مؤلف فهرست منابع و مآخذ کتاب خود را یکجاء ذکر نکرده است و همچنین با وجود اینکه سر تا سر این کتاب چندین غلط چاپی بچشم میخورد غلط نامه ای برای این کتاب تهیه نکرده است

در بعضی موارد در این کتاب غلطهای املائی و غیره نیز بچشم میخورد که در سطور ذیل به بعضی از آنها اشاره میشود تا در موقع تجدید چاپ توسط مؤلف اصلاح گردد

هر دو این آثار بجای این هر دو اثر (حاشیه ۲ صفحه پ)

برای اطلاع بیشتر رجوع شود بجای برای اطلاع بیشتر رجوع شود به (ص ۱)

برای اطلاع بیشتر به مآخذ ذیل رجوع شود بجای برای اطلاع بیشتر مآخذ

ذیل رجوع شود (ص ۹)

مهمترین مأخذ موجود در باره حیات و شعر او عبارتست از بجای مهمترین مأخذ
یا مأخذ مهم (ص ۳۶)

آثار منظوم وی دیوانی است بجای از جمله آثار منظوم وی یا اثر منظوم وی (ص ۷۵)
متأسفانه یادداشتهای که نگارنده از آنها کرده بود گم شده بجای
متأسفانه یادداشتهایی که نگارنده از آنها تهیه کرده بود گم شده است (ص ۱۲۱)
زوجه هنگام سوراخ شدن جسد شوهر ناید خود را بر در همان آتش
میسوراند بجای روحه هنگام سوراخ شدن جسد شوهر موظف بود خود را بر در همان
آتش سوراند (ص ۱۷۳)

چاپ - تهران در شهریور ۱۳۴۲ ش از طرف احمن ایران و هند تهران -
صرف نظر از غلطهای چاپی که در این کتاب فراوانست چاپ خوبی است و مؤلف
پنج عکس از معرّه های شعرا و چهار عکس از نمونه های خط شعرا و یک عکس از سردر
معبره بدخشی را بر در این کتاب آورده است

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به هاشم در پایان دیوان محسن فانی چاپ

تهران سال ۱۳۴۲ ش تصحیح و تحشیه دکتر تیکو

فهرست اسامی شعرا

- ۱- ویس ۲- صرفی ۳- حسی ۴- عسی ۵- فابی ۶- اکمل ۷- طیب ۸- صادق
- ۹- حویا ۱۰- سالم ۱۱- آدر ۱۲- بلبل ۱۳- توفیق ۱۴- بیش ۱۵- شایق ۱۶- تیکو
- ۱۷- خوشدل ۱۸- حمید ۱۹- وارسته .

فهرست منابع

الف- کتب فارسی

- ۱- آتشکده تالیف لطفعلی بیگ آذر بیگدلی چاپ تهران ۱۳۳۷ هـ باهتمام دکتر جعفر شهیدی
- ۲- آتشکده تالیف لطفعلی بیگ آذر بیگدلی چاپ تهران ۴۰ - ۱۳۳۵ هـ (سه جلد) بتصحیح و تحشیه دکتر حسن سادات ناصری
- ۳- آئین اکبری تالیف ابوالفضل علامی چاپ بولکشور لکنو ۱۸۹۴ م - ۱۳۱۰ هـ
- ۴- اختر تابان تالیف ابوالقاسم محترم چاپ بیوپال ۱۲۹۹ هـ
- ۵- اشارات بینش تالیف سید مرتضی بینش چاپ مدراس ۱۲۶۸ هـ
- ۶- اکبرنامه تالیف ابوالفضل علامی چاپ کلکته ۱۸۲۷ م
- ۷- انیس الاحیاء تالیف موهن لعل انیس نسخه خطی دانشگاه لاهور و مجلس تهران (= کتابخانه شخصی استاد سعید نفیسی)
- ۸- انیس العاشقین تالیف کنوردت سنگزخمی نسخه خطی دانشگاه لاهور و عکسهای نسخه خطی کتابخانه ماتا پرشاد که در دانشگاه لاهور موجود است.
- ۹- باغ گل‌های حسن رجوع شود به مجموعه عشق شماره ۱۳۷ در سطور ذیل.
- ۱۰- باغ معانی تالیف نقش علی نسخه خطی بانکی پورج ۸ ش ۶۹۸

- ۱۱- بحر دُخار- نسخه خطی مورد بریتانیا و پهرستریوح ۳ص ۹۲۶ب
- ۱۲- بزم آرای تالیف علی بن محمود الحسینی نسخه خطی ریو دیل ش ۱۰۶ ص ۷۳ الف.
- ۱۳- بهارستان سخن تالیف میر عبدالرراق شاهوارخان صمصام الدوله چاپ مدراس ۱۹۵۸م.
- ۱۴- بیاض شماره ۲۲۷ مجلس تهران بحضرت محمد صالح برادرزاده اسکندریبگ مشی مولف تاریخ عالم آرای عباسی
- ۱۵- پادشاه نامه تالیف عبدالحمید لاهوری چاپ کلکته ۱۸۶۷
- ۱۶- تاریخ احوال تالیف شیخ محمدعلی حرین (در شرح حال خویش) چاپ لندن ۱۸۳۱م
- ۱۷- تاریخ ادبیات فارسی تالیف هرمان اته ترجمه فارسی ارد کتر رساراده شفق چاپ تهران ۱۳۳۷ش
- ۱۸- تاریخ جهانگیری تالیف مطربی سمرقندی نسخه خطی اته ح ۲ ش ۳۰۲۳.
- ۱۹- تاریخ فرشته یا گلشن ابراهیمی تالیف ملا محمد قاسم هندو شاه چاپ نولکشور لکهنو ۱۲۸۱ھ
- ۲۰- تاریخ محمدشاهی معروف به نادرالزمانی تالیف حوسحا لجد نسخه خطی
- ۲۱- تاریخ معصومی یا تاریخ تالیف سید میر معصوم نامی بهکری چاپ بمبئی ۱۳۵۷/۱۹۳۸ھ
- ۲۲- تحفه سامی تالیف سام میرزا صفوی چاپ مطبعه ارمغان تهران ۱۳۱۴س
- ۲۳- تحفه الشعرا تالیف میرزا افضل بیگ قاسال نسخه خطی متعلق بکتابخانه شخصی کرنل رشید ناظم بیمارستان جناح کراچی
- ۲۴- تحفه العالم تالیف عبداللطیف موسوی شوستری چاپ بمبئی ۱۲۹۴ھ.

- ۲۵- تذکره تألیف شیخ بصیرالدین طوسی چاپ دانشگاه تهران.
- ۲۶- تذکره الاولیاء تألیف شیخ فریدالدین عطار چاپ چایخانه مدرکری تهران
۱۳۳۳ش
- ۲۷- تذکره بی نظیر تألیف میر عبدالوهاب افتخار دولت آبادی چاپ اله آباد
۱۹۴۰م.
- ۲۸- تذکره حسینی تألیف میر حسین دوس سبلی چاپ بولک شور لکهنو
۱۸۷۵م و نسخه خطی دانشگاه لاهور
- ۲۹- تذکره خرافات تألیف (۹) نسخه خطی ملک تهران ش
- ۳۰- تذکره الخواتین تألیف میرزا محمد ملک الکتاب شیرازی چاپ بهویال
۱۳۰۶هـ
- ۳۱- تذکره الحوائین تألیف میر دوستی بسال ۹۵۵هـ. نسخه خطی مرکزی
تهران ش ۲۴۳۱
- ۳۲- تذکره شاه طهماسب صفوی تألیف شاه طهماسب صفوی چاپ برلن چایخانه
کویابی ۱۳۴۳هـ
- ۳۳- تذکره شاعرات تألیف (۹) نسخه خطی دانشگاه لاهور
- ۳۴- تذکره الشعرا تألیف دولت شاه سمرقندی چاپ کتابروشی نارانی تهران
۱۳۳۷ش
- ۳۵- تذکره الشعرا تألیف (۹) میان سالهای ۱۱۷۰ و ۱۱۸۰هـ. نسخه خطی ات ۶۹۲
- ۳۶- تذکره شعرای پادسی زبان کشمیر با ایران صعب تألیف دکتر حواجه
عبدالحمید عرفانی- چاپ تهران ۱۳۳۵ش
- ۳۷- تذکره علمای همد تألیف احمد علی چاپ همد ۱۸۹۴م.
- ۳۸- تذکره کاتب تألیف میرزا محمد علی کاتب صفوی نسخه خطی کتابخانه
رامپور همد
- ۳۹- تذکره المعاصرین تألیف شیخ علی حرین چاپ تایید اصمهان ۱۳۳۴ش.

۴۰- تذكرة الملوك تالیف (۶) در حدود ۱۱۳۸ هـ چاپ لندن باهتمام مینورسکی

۱۹۴۳ م

۴۱- تذكرة الملوك تالیف یحیی خان منشی فرح سیر پادشاه هند و نسخه خطی

۴۰۹ ش

۴۲- تذكرة ندرت تالیف علی فطرس عطاء الله محصل به فطرس نسخه خطی

۶۲۶ ش

۴۳- تذكرة نصر آبادی تالیف محمد طاهر نصر آبادی چاپ ارمغان تهران

۱۳۱۷ ش

۴۴- تذكرة بصرت یا خلاصه لطایف الخیال تالیف میرزا محمد صالح حسینی

در ۱۱۰۴ هـ نسخه خطی مرگری ش ۳۹۵۱

۴۵- تذكرة نوبهار تالیف محمد رفیع الدین بعشندی نسخه خطی دانشگاه

لاهور

۴۶- تذكرة همايون و اکبر تالیف نایرید بیات چاپ کلکته ۱۳۶۰ هـ

۴۷- تذكرة هندی گویان تالیف سیخ علام همدانی مصحفی امر وهوی چاپ

اصحن ترقی اردوهد

۴۸- تذكرة یوسف علیحان نسخه خطی ایوانو ۴۵ و اسپرنگر ص ۴-۱۹۳

۴۹- تکملة الشعرای جام جهشید تالیف مولوی محمد قدرت الله شوق

نسخه خطی رامپورهد.

۵۰- تکملة مقالات الشعر تالیف محمد انراهم حلیل چاپ کراچی سدی

ادبی نورد ۱۹۵۸ م

۵۱- تسمیه الغافلین تالیف سراح الدین علیحان آرزو (رحوع سودبه تذكرة

ریاض السعرا در دیل نام حرین)

۵۲- تورک جهانگیری تالیف حبا نگیر پادشاه هند چاپ لکھنو (تاریخ ندارد)

۵۳- جوامع الحکایات تالیف محمد عوفی (بخش اول) - چاپ دانشگاه تهران

باہتمام داکٹر محمد معین بسال ۱۳۳۵ ش

۵۴۔ جوامع الحکایات تألیف محمد عوفی نسخہ خطی ش 4392 Or. صفحہ 87a و Add. 16862 موزہ بریتانیا .

۵۵۔ جواهر العجایب تألیف مولانا سلطان محمد منخلص بہ فخری بن امیری چاپ نولکشور لکھنوی ۱۸۷۳ م = ۱۲۹۰ھ

۵۶۔ چہار چہن رجوع شود بہ مجموعہ عشق ش ۱۳۸ درسطور دیل

۵۷۔ چہستان شعرا تألیف لچہمی دراین شفیق اورنگ آبادی چاپ اورنگ۔

آباد ۱۹۲۸ م

۵۸۔ حدائق الشعرا تألیف میرزا امیر بیگ سارسی نسخہ خطی ایوانو۔ کرزن

۷۰۲

۵۹۔ حدیقہ عشرت تألیف کنور پرشاد مہر سدیلوی چاپ سدیلہ ہند

۱۸۹۴ م .

۶۰۔ حقیقت الحقیقت مرتبہ ح استعین نسخہ خطی مورہ بریتانیا ج ۳

ص ۵۸۹

۶۱۔ خزائن عامرہ تألیف میر غلام علی آزاد بلگرامی چاپ کاپور ۱۸۲۱ م

۶۲۔ حزیۃ الشعرا تألیف سید علی احملی نسخہ خطی انڈیا آفیس ۳۸۹۹۔

۶۳۔ خزینہ صبح الہی تألیف میر عماد الدین محمود الہی حسینی نسخہ خطی

اشپرنگر ش ۱۱

۶۴۔ خلاصۃ الاشعار تألیف بی کاسی نسخہ خطی داسکندہ ادبیات س ۱۰۴ ب

و مجلس تہران س ۱۹۳۵ و ۳۲۴ ب و بلاد واشپرنگر س ۸ و ۹ و برلن ش ۶۴۷ الف

واتہ ش ۶۶۷

۶۵۔ خلاصۃ الافکار تألیف ابوطالب حان تری اصعبانی - نسخہ خطی داسکندہ

لاہور تہران س ۴۳۰۲

۶۶۔ خلاصۃ الشعرا تألیف ملا صوفی ماردراہی و عبداللطیف عاسی - نسخہ خطی

متخلص ۱۳۰۱ و ۱۳۲۰ و بادلین ش ۱۳۶۶^۱

۶۷- خلاصة الكلام تألیف علی ابراهیم خلیل - نسخ خطی بانکی پور ح ۸

ش ۲۰۴-۵ و بادلین ۳۹۰^۱

۶۸- خلاصة لطائف الخيال رجوع شود به تذکره بصرت ش ۴۶ فوق .

۶۹- دیوان منتخب سراج (الدین علی حان آرزو) - نسخه خطی اسپرنگر

ص ۱۵۰

۷۰- راحة الصدور تألیف محمدسن علی بن سلیمان راوندی چاپ بهران

ش ۱۳۳۳

۷۱- روز روشن تألیف محمد مظفر حسن گویا موی متخلص به صا چاپ

بهوپال ۱۲۹۷ هـ

۷۲- روضة السلاطين تألیف مولانا سلطان محمد متخلص به وحری بن

امیری نسخه خطی برلن ش ۶۴۴

۷۳- ریاض الشعرا تألیف علی قلی حان واله داعستانی - نسخ خطی دانشگاه

لاهور و ملک تهران ۴۳۰۱

۷۴- ریاض العارفين تألیف رضاقلی حان هدایب چاپ بهران

۷۵- ریاض الفردوس تألیف مولوی محمد حسین شاهجهان پوری چاپ

بولکشر ۱۳۸۳ هـ

۷۶- ریاض الوفاق تألیف ذوالعمار علی مسب نسخه خطی اسپرنگر ۳۶

۷۷- زواید القوید تألیف عبدالواسع هاسوی نسخه خطی دانشگاه لاهور

۷۸- سخنوران ایران در عصر حاضر تألیف دکتر محمد اسحق چاپ دهلی

جلد اول ۱۳۵۱ هـ = ۱۹۳۳ م و جلد دوم ۱۳۵۵ هـ = ۱۹۳۷

۷۹- سخنوران چشم دیده تألیف ترك علیساہ ترکی قلندر نورمجلی چاپ

حیدرآباد دکن ۱۳۳۲ هـ .

۱- عکسهای این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است .

- ۸۰- سرو آزاد تألیف میر غلام علی آزاد بلگرامی چاپ لاهور ۱۳۱۳ هـ.
- ۸۱- سفینه الاولیا تألیف شاهراده محمد دارا شکوه چاپ لکنو ۱۸۷۸ م.
- ۸۲- سفینه بیخبر تألیف میر عظیمت اله بیخبر نسخه خطی دانشگاه لاهور.
- ۸۳- سفینه خوشگو تألیف سندر ابن داس خوشگو دفتر اول نسخه خطی انڈیا آفیس ۴۰۲۳ دفتر دوم نسخه خطی مجلس ش ۴۰۳ و دانشگاه لاهور و دفتر سوم چاپ پتہ ۵۱۳۷۷ = ۱۵۹۸ م.
- نسخه آب آورد نسخه کتابخانه مرگری، اشگاه تهران ش ۲۶۵۵ و ملک تهران ۴۳۰۵
- ۸۴- سفینه الشعرا تألیف (؟) نسخه خطی ایوانو - کرن ش ۳۲۶.
- ۸۵- سفینه عشرت تألیف در گاداس عشرت نسخه خطی نانکی پور ج ۸ ص ۶۹۹
- ۸۶- سفینه علی حزین تألیف شیخ محمد علی حرین - چاپ حیدرآباد دکن ۵۱۳۶۸ = ۱۹۳۰ م
- ۸۷- سفینه هندی تألیف بهگوان داس هندی - چاپ پتہ ۵۱۳۷۷ = ۱۹۵۸ م
- ۸۸- سد نادنامه تألیف محمد سن علی الطہیری السمرقندی - نسخه خطی ریو ص ۷۴۸ و چاپ استاسول وزارت فرهنگ ترکیه ۱۹۴۸ م باہتمام آقای آتش
- ۸۹- سیر المتاخرین تألیف علامہ محسین خان - چاپ کابوز ۱۸۶۶ م.
- ۹۰- سیرت جلال الدین مسکبری تألیف نور الدین محمد محمد علی ناصح - چاپ تهران ۱۳۲۴ ش
- ۹۱- شعرای فارسی زبان کشمیر رجوع شود بہ تذکرہ شعرای فارسی کشمیر ش ۳۶ فوق
- ۹۲- شعرای عصر پہلوی تألیف دساحی بہائی ایرانی چاپ بمبئی حد
- (اول) ۱۹۳۳ م = ۱۳۵۱ هـ

- ۹۳- شعرای فارسی زبان پیشاور تألیف دکتر ندیر حسن میرزا پرلاس متخلص، به ندیر- نسخه خطی کتابخانه شخصی دکتر پرویز نائل خالری .
- ۹۴- شعر العجم تألیف شبلی نعمانی ترجمه فخر داعی گیلانی- چاپ بهران
- ۹۵- شمع انجمن تألیف نواب سید صدیق حسن خان- چاپ بهوپال ۱۲۹۳ هـ
- ۹۶- شمع محفل سخن تألیف سید عبداللطیف الطاف حسینی - نسخه خطی مدراس ش ۱۲۲۹ .
- ۹۷- صبح گلشن تألیف سید محمد علی حسن خان- چاپ بهوپال ۱۲۹۵ هـ .
- ۹۸- صبح وطن تألیف نواب علام عوث حان اعظم- چاپ مدراس ۱۲۵۸ هـ
- ۹۹- صحف ابراهیم تألیف ابراهیم خان حلیل - نسخ خطی نامکی پور ح ۸ ص ۷۰۸ و نسخه برلن ۱۶۶۳ .
- ۱۰۰- طبقات اکبری تألیف نظام الدین احمد چاپ کلکته ۱۹۲۷-۱۹۳۵ م
- ۱۰۱- طبقات سخن تألیف علام محی الدین شوق- نسخه خطی اشپرنگر ۵۳ و برلن ۶۷۰ .
- ۱۰۲- طبقات سلاطین اسلام تألیف استانبولی لاین پول ترجمه مرحوم عباس اقبال چاپ تهران ۱۳۱۳ ش
- ۱۰۳- طبقات شاهجهانی تألیف محمد صادق - نسخه خطی ریو ح ۳ ص ۱۰۰۹ ب
- ۱۰۴- طبقات ناصری تألیف منہاج سراج چاپ کلکته ۱۸۶۴ م
- ۱۰۵- عرفات العاشقین تألیف تقی اوحدی - نسخ خطی کتابخانه نامکی پور ح ۸ ص ۶ - ۶۸۵ و ملک تهران ۵۳۲۴
- ۱۰۶- عقد ثریا تألیف شیخ غلام همدانی متخلص به مصحفی امر وهوی - چاپ حیدرآباد دکن ۱۹۳۴ م
- ۱۰۷- عمل صالح یا شاهجهان نامه تألیف محمد صالح کسوه لاهوری چاپ
- ۱- عکسهای این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است

کلکتہ ۱۹۲۳-۱۹۴۶ م

۱۰۸۔ فرهنگ آئندراج چاپ ہند

۱۰۹۔ فرهنگ برهان قاطع چاپ تهران باہتمام د کتر محمد معین

۱۱۰۔ فرهنگ تازی بہ پارسی (بحث نصحت)۔ چاپ وزارت فرهنگ تهران

۱۳۱۹ش باہتمام استاد بدیع الزمان فروزانفر

۱۱۱۔ فرهنگ نظام مرتبہ سید محمد علی (داعی الاسلام)۔ چاپ دکن ہند

۱۳۵۸ ۱۹۳۹/۵ م

۱۱۲۔ فرهنگ نفیسی یا فرنود سار مرتبہ ناظم الاطبایا چاپ تهران

۱۱۳۔ فہرست کتابخانہ آستانہ قدس رضوی تالیف او کتائی چاپ مشہد

جلد ۶ و ۵ سال ۱۳۰۸-۹ ھ

۱۱۴۔ فہرست کتابخانہ عمومی معارف تالیف عبدالعزیز جواہر کلام۔

حاج تهران ۱۳۱۳-۱۴ ش

۱۱۵۔ فہرست کتابخانہ مجلس شورایی ملی تهران (کتب خطی فارسی)

تالیف یوسف اعتصامی جلد اول و دوم۔ چاپ تهران ۱۱-۱۳۰۵ش .

۱۱۶۔ ایضاً تالیف اس یوسف شیرازی۔ جلد سوم۔ چاپ تهران ۲۱-۱۳۱۸ش .

۱۱۷۔ فہرست کتابخانہ مدرسہ عالی سپہسالار تهران تالیف ابن یوسف

شیرازی جلد دوم۔ چاپ تهران ۱۸-۱۳۱۶ش

۱۱۸۔ فہرست نسخ خطی دانشکدہ ادبیات محلہ دانشکدہ ادبیات تهران

سال ۸۱س ۱ مورخ مہرماہ ۱۳۳۹ش تالیف آقای دانش یژوہ

۱۱۹۔ کلمات الشعراء تالیف میان محمد اہصل سرخوس۔ چاپ لاہور ۱۹۴۲م

ودانشگاہ مدراس ۱۹۵۱م

۱۲۰۔ کلیات نظیری بیجاپوری حاج لکھو ۱۸۷۴م

۱۲۱۔ گلدستہ تالیف عبدالوہاب عالمگیری۔ نسخہ خطی دکنی مورخ ۸

ش ۶۹۲

۱۲۲- مکتبہ سکر ناتک تالیف حکیم باقر حسین رایق - نسخہ خطی ایوانو

ذیل اول ص ۸-۱۰

۱۲۳- گل رعنا تالیف لچھمی نراین شعیق اور ننگ آبادی - نسخہ خطی دانشگاه

لاہور و کتابخانہ انجمن ترقی اردو کراچی و (فصل دوم) چاپ حیدر آباد دکن

۱۲۴- گلزار اعظم تالیف بواب علام غوث خان اعظم - چاپ مدراس ۱۲۷۲ھ

۱۲۵- لباب الالباب تالیف محمد عوفی - چاپ لندن ولیدن جلد دوم ۱۹۰۳م

باہتمام پرفسور براوان، و جلد اول ۱۹۰۶م باہتمام پرفسور براون و میرزا محمد فروینی

و تہران ۱۳۳۵ش باہتمام استاد سعید نمیسی .

۱۲۶- لب تاریخ سند تالیف حداداد خان - چاپ کراچی سندھی ادبی بورڈ

۱۳۷۸ھ = ۱۹۵۹م باہتمام داکٹر سی بخش خان بلوچ .

۱۲۷- لب لباب تالیف قمر الدین علی - نسخہ خطی اتہ ش ۶۹۵ .

۱۲۸- لطایف الحیال تالیف شیخ سعید شیرازی (محمد س محمد شیرازی دارایی)

نسخہ خطی کتابخانہ ملک تہران ۲۹۵۱ و دانشگاه لاہور

۱۲۹- مآثر الامراء تالیف صمصام الدولہ شاہنوار خان - چاپ کلکتہ ۱۸۸۸م .

۱۳۰- مآثر رحیمی تالیف ملا عبدالماقی بہاؤدی - چاپ کلکتہ ۱۹۳۱م

۱۳۱- مشوی صورت حال گلش حو نپوری - نسخہ خطی ریو ح ۲ ص ۷۱۵ .

۱۳۲- مجالس النقایس (دو ترجمہ آن از قرن دہم) - چاپ تہران ۱۳۲۳ش

باہتمام اسد علی اصغر حکمت .

۱۳۳- مجمع الشعرا ی جہانگیری تالیف قاطعی - نسخہ خطی باد لین س ۳۷۱

۱۳۴- مجمع الفصحا تالیف رضا قلی خان ہدایت - چاپ تہران ۱۳۴۰ باہتمام

آقای مظاہر مصفا

۱۳۵- مجمع الفصلا تالیف محمد عارف نقائی - نسخہ خطی دانشگاه لاہور

۱۳۶- مجمع النقایس تالیف سراج الدین علیہ خان آرزو - نسخہ خطی دانشگاه

لاہور .

- ۱۳۷- مجموعه ده دیوان چستریبتی- چاپ دبلین ایرلند با همکاری آقای
محتبی مینوی .
- ۱۳۸- مجموعه عشق یا چهارچمن یا ناع گلرهای حسن تالیف غلام محی-
الدین میرتقی- نسخه خطی علیگر دحیره سخن الله ص ۵۳ ش ۸
- ۱۳۹- محک شعرا تالیف محمد صالح شاملوی خراسانی- نسخه خطی ملک
تهران ۴۰۹۶
- ۱۴۰- مخزن العرایب تالیف شیخ احمد علی سندیلوی- نسخه خطی دانشگاه
لاهور ونادلیں ۳۹۵^۱
- ۱۴۱- مرآت آفتاب نما تالیف شاهنواز خان هاشمی دهلوی- نسخه خطی دانشگاه
لاهور
- ۱۴۲- مرآت الاحوال (حباں نما) تالیف احمد بن محمد علی بهپانی بسال
۱۳۲۵ هـ درپشته نسخه خطی ملک تهران
- ۱۴۳- مرآت الحیال تالیف شیرخان لودی- چاپ بمبئی ۱۳۲۴ هـ
- ۱۴۴- مردم دیده تالیف ملا عبدالحکیم حاکم لاهوری- چاپ لاهور ۱۳۳۹ ش
- ۱۴۵- معراج الخیال تالیف وزیر علی عبرتی- نسخه خطی دانشگاه لاهور .
- ۱۴۶- المعجم فی معاییر اشعار العجم تالیف شمس قیس رازی- چاپ دانشگاه
تهران ۱۳۳۵ ش باهتمام استاد مدرس رضوی
- ۱۴۷- مفتاح التواریخ تالیف طامس ولیم بیل- چاپ بولکشور ۱۲۸۶ هـ =
۱۸۶۸ م .
- ۱۴۸- مقالات الشعرا تالیف قیام الدین حیرت- نسخه خطی رامپور هند
- ۱۴۹- مقالات الشعرا تالیف میر علام علی شیر قانع تنو- چاپ کراچی سدی
ادبی نورد ۱۹۵۲ م
- ۱۵۰- مقدمه جوامع الحکایات بار محمد نظام الدین- چاپ لندن ۱۹۲۹ م.
- ۱- مکسهای این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است

۱۵۱- منتخب الاشعار تالیف مردا علی خان مبتلا۔ نسخہ خطی دانشگاه لاہور،

۱۵۲- منتخب التواریخ تالیف شیخ عبدالعادر بداونی چاپ کلکتہ ۱۸۶۹م

۱۵۳- منتخب الالباب تالیف محمد ہاشم خان مخاطب بہ خانخان نظام الملکی

چاپ کلکتہ ج ۱۸۸۹ ح ۲ ۱۸۷۴ و ح ۳ ۱۹۲۵۔

۱۵۴- منتخب الحکایات باہتمام مرحوم ملک الشعرا بہار چاپ فرہنگ

تہران ۱۳۲۴ ش۔

۱۵۵- منتخب حاکم تالیف ملا عبدالحکیم حاکم لاہوری نسخہ خطی رہاتسک

ص ۱۳۳ ش ۲۱۔

۱۵۶- میخانہ تالیف عبدالسی قروینی چاپ لاہور ۱۹۲۶م باہتمام مرحوم پروفسور

محمد شفیع و تہران ۱۹۶۱م/۱۳۴۰ ش/۱۳۸۱ ۵ یاہتمام آقای احمد گلچین معانی

۱۵۷- نتائج الافکار تالیف محمد قدرت اللہ گوپاموی چاپ بمبئی ۱۳۳۶ ش

۱۵۸- نجوم السماء تالیف میرعلام رسول مشہور بہ محمد علی بن محمد صادق

آزاد کشمیری لکھنوی چاپ جلد اول لکھنؤ ۱۳۰۳ھ

۱۵۹- نشتر عشق تالیف آقا حسین قلی خان عاشقی عظیم آبادی۔ نسخہ خطی

دانشگاہ لاہور۔

۱۶۰- نغمہ عندلیب تالیف محمد رضا رحم طباطبائی نسخہ خطی ریو ح ۳

ص ۹۷۸ ب

۱۶۱- نفایس المآثر تالیف علاء الدولہ ہروی نسخہ خطی دانشگاه علیگر۔

۱۶۲- نفحات الانس تالیف ملا نورالدین حامی چاپ تہران

۱۶۳- نگارستان سخن تالیف سید نور الحسن خان چاپ بمبئی ۱۲۹۳ھ

۱۶۴- واقعات کشمیر تالیف خواجہ محمد اعظم سال ۱۱۴۰-۱۱۶۰ھ چاپ

لاہور ۱۳۰۳ھ ۱۸۸۶م

۱۶۵- ہفت آسمان تالیف آقا احمد علی حاکم کلکتہ ۱۸۷۳م

۱۶۶- هفت اقلیم تالیف امین احمد داری۔ نسخ خطی دانشگاه لاهور و
مرکزی تهران و ادبیات تهران و ملک تهران (رجوع شود به هفت اقلیم - نسخ خطی
در کتاب حاضر)۔

۱۶۷- همیشه بهار تالیف کهن چند اخلاص . نسخه خطی نانکی پور ح ۸

ش ۶۸۹

۱۶۸- یادداشت‌های قرویمی چاپ دانشگاه تهران جلد دوم ۱۳۳۴ ش باهتمام

آقای ایرج افشار

۱۶۹- یدنیضا تالیف میر علام علی آزاد بلگرامی نسخه خطی متعلق

به کتابخانه حافظ محمد ابراهیم در گرهی یاسین (در استان سابق سند) پاکستان غربی

ب- کتب اردو

۱- آب حیات تالیف محمد حسین آزاد دهلوی. چاپ هند .

۲- آرایش محفل تالیف میر شیر علی افسوس جعفری چاپ کلکته ۱۸۰۸

۲ الف- اردو و تذکری تالیف د کتر سید عبدالله چاپ لاهور

۳- اردو کی هندو شعرا تالیف عبدالسلام خورشید. چاپ دفتر مرکزی رفاقت

سحاب لاهور ۱۹۴۶ م

۴- اورینتل کالج مگزین لاهور که از طرف اورینتل کالج (دانشکده السنه شرقی)

لاهور منتشر میشود (شماره‌های مختلف)

۵- بر مسخن تالیف سید علی حسن متخلص به سلیم . چاپ آگر ۱۲۹۸ هـ .

۶- بهار مین اردو زبان کار تقا ۱۸۵۷ هـ تک تالیف دکتر اختر اورینوی. چاپ

پنه ۱۹۵۷ م

۷- تاریخ ادبیات اردو تالیف رام نامو سکینه بانگلیسی ترجمه اردو از

آقای عسکری چاپ هند

۸- تاریخ شعرای بهار تالیف سید عزیز لدین بلخی راز (ارماخذ بهار مین

اردو ادب و زبان کار تقا)

- ۹۔ تذکرہ عشقی تالیف شیخ وحید الدین عظیم آبادی
- ۱۰۔ تذکرہ گلشن ہند تالیف میرزا علی لطف چاہلیگرہ ۱۹۳۴م باہتمام
دکتر محی الدین زور۔
- ۱۱۔ جدید شعرائی اردو تالیف دکتر عبدالوحید چاہلی لاهور فیروز سنٹر
(در حدود ۱۹۵۳ م)
- ۱۲۔ حدائق الحسینیہ تالیف مقبول احمد صمدانی۔ چاہلی آباد ۱۹۲۹م
- ۱۳۔ سخنوران بلند فکر تالیف مولوی محمد منور گوہر۔ چاہلی دانشگاه
مدراں ۱۳۵۲ھ۔
- ۱۴۔ فہرست کتب عربی و فارسی وارد و مخروہ کتب خانہ آصفیہ سرکار
عالی حیدرآباد چاہلی حیدرآباد دکن ۳-۱۳۳۲ھ
- ۱۵۔ فہرست نسخ قلمی عربی و فارسی وارد و نسخان اللہ اور نسل لائبریری مسلم
یونیورسٹی علیگرہ۔ تالیف کامل حسین۔ چاہلی علیگرہ ۱۹۲۹م۔
- ۱۶۔ قاموس العلوم تالیف شمس الہ قادری چاہلی حیدرآباد دکن ۱۹۳۵م۔
- ۱۷۔ کلام الملوک تالیف میر سعادت علی رضوی چاہلی ہند ۱۳۵۷ھ
- ۱۸۔ کلیات صہبائی امام بخش صہبائی چاہلی لکھنؤ۔
- ۱۹۔ گلشن بیخار تالیف مصطفیٰ جان شیعہ۔ چاہلی لکھنؤ
- ۲۰۔ ثباب المعارف العلمیة فی المکتبۃ دارالعلوم الاسلامیة پیشاور تالیف
مولوی عبدالرحیم۔ چاہلی آگرہ ۱۹۱۸م
- ۲۱۔ آثار صدیقی تالیف سید علی خان۔ چاہلی لکھنؤ ۱۹۲۴م۔
- ۲۲۔ مجلہ قدیم بہار نمبر۔ چاہلی پتنہ مورخ حوالائی واگسٹ (زوئیہ واوت)
۱۹۳۲م۔
- ۲۳۔ مجموعہ نغز تالیف سید ابوالقاسم معروف بہ میر قدرت اللہ قادری منحلص
بہ قاسم۔ چاہلی لاهور ۱۹۳۳م/۱۳۵۳ھ باہتمام مرحوم پروفسور محمود شیرانی۔
- ۲۴۔ محبوب الرحمن (تذکرہ شعرائی دکن) تالیف مولوی عبدالحصار حان

ملکاپوری، چاپ حیدرآباد دکن ۱۳۲۹ھ.

ج۔ کتب عربی

۱۔ الاسباب والاسرات الحاکمہ فی التاریخ الاسلامی للمستشرق رامباور -

الحرء الاول۔ ائڈکٹور رکی محمد حس بکرو حسن احمد محمود۔ مطبعہ جامعہ

فواد الاول ۱۹۵۱م

۲۔ فتوح الیلدان تالیف ابوالحسن بلادری چاپ مصر ۱۳۵۰ھ/۱۹۳۲م باہتمام

محمد رضوان

۳۔ فہرست کتب الفارسیہ الہوجودہ بالکتابخانہ الخدیویۃ المصریۃ

چاپ قاہرہ ۱۳۰۶ھ.

۴۔ کشف الظنون تالیف حاجی خلیفہ۔ چاپ وکالت المعارف ترکیہ ۱۳۶۰ھ =

۱۹۴۱م.

۵۔ ایضاح المکتوبون فی الذیل علی کشف الظنون تالیف اسماعیل پاشا بن

محمد امین بغدادی۔ طبع وکالت المعارف استانبول ۱۳۴۴ھ۔ ۱۹۴۵ میلادی.

د۔ کتب ترکی

۱۔ قاموس الاعلام تالیف شمس الدین سامی چاپ استانبول ۱۳۰۶ھ.

۲۔ نور عثمانیہ کتبخانہ سیدہ محفوظ کتب موجودہ نک دفتر بندر

استانبول ۱۳۰۳ھ.

ه۔ کتب ہندی

۱۔ مجلہ مہراتن چاپ حیدرآباد (سند) شماره ۲ جلد ۵ مورخ اپریل و مئی و

جون (آوریل و مئی و ژوئن) ۱۹۵۶م

و۔ منابع انگلیسی و فرانسه و آلمانی و روسی و ترکی (بخط لاتین) وغیرہ

1 . Abdul Muqtadir, Maulavi. - Please see "Bankipur" below

2 Affairs in Bhopal (A Defence of the Nawwab Consort) published as a Supplement by Advocate of India in 1889 .

3 . An Account of My Life - Sultan Jehan Begum London, 1912 .

4 . Asiatick Miscellany - by William Chambers, Vol. I. Calcutta, 1785

5 . Asiatic Society of Bengal - List of Arabic and Persian MSS acquired on behalf of the government of India by the Asiatic Society of Bengal during 1903 - 1907 Calcutta, 1908 .

&

6 List of the Arabic and Persian manuscripts acquired on behalf of the government of India by the Asiatic Society of Bengal during 1908 - 1910 Calcutta, 1911

7 . Aumer, Joseph - Die Arabischen Handschriften der Koniglichen Hof-und Staatsbibliothek in München (Catalogus codicum maniscrptorum Bibliothecae Regiae Monacensis, t 1 2) . Munich, 1866

8

Die Persischen Handschriften der Koniglichen Hof-und staatsbibliothek in München (Catalogus codicum manuscritorum Bibliothecae Regiae Monacensis, t. 1:3)

Munchen, 1866 .

8. Bankipur - Catalogue of the Arabic and Persian manuscripts in the Oriental Public Library at Bankipore, prepared for the Government of Bengal under the supervision of E. Denison Ross by Maulavi Abdul Muqtadir . Calcutta, 1908 - 1939

9 . Beale, T . W . - Please see "Oriental Biographical Dictionary" below .

10 . Berlin - Verzeichniss der persischen Handschriften der Koniglichen Bibliothek zu Berlin von Wilhelm Pertsch . Berlin, 1888 .

11 Bibliobraphy - Ed . Van Dyke

12 . Biographie Universelle - Michaud . Paris, 1843

13 . Bland, N . - Earliest Persian Biography of Poets and some other work of the class called Tazkiratul Shuara, published in the "Journal of the Royal Asiatic Society, Vol IX dated 17 February, 1846"

14 . Blochet, Edgard - Catalogue des manuscrits persans de la Bibliotheque Nationale , VI volumes . Paris , 1905 - 1934

15 . Blochmann - Please see "Contributions to Persian Lexicography" below

16 . Bodleian - Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu manuscripts in the Bodleian Library begun by . . . Eduard Sachau completed by Herman Ethe, Part I . Oxford, 1889 .

&

Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu MSS in the Bodleian Library, Part II : Turkish, Hindustani, Pushtu and additional Persian manuscripts Oxford, 1930 .

&

Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu MSS in the Bodleian Library, Part III:additional Persian manuscripts, by A.F.L Beeston Oxford,1954.

17 Bresla - Verzeichnis der arabischen, persischen, türkischen und hebraischen Handschriften der Stadtbibliothek zu Breslau von C Brockelmann, Breslau, 1903

18 Brockelmann, Carl - Geschichte der arabischen Litteratur von B. Brockelmann. Weimar-Berlin, 1898-1902 .

19 Browne, E.G (Personal Library) - A Descriptive Catalogue of the Oriental manuscripts belonging to the late E G Browne, by R A. Nicholson. Cambridge

20 Browne, E.G A Catalogue of the Persian manuscripts in the Library of the University of Cambridge Cambridge, 1896 .

&

A Hand - list of the Mubammadan manuscripts including those written in the Arabic character preserved in the Library of the University of Cambridge. Cambridge, 1900 .

21 Browne Supplement - A Supplementary Hand-list of the Muhammadan manuscripts preserved in the Library of the University and Colleges of Cambridge London, 1922.

22 . Browne (Houtum - Schindler) - The Persian manuscripts of the late Sir Albert Houtum-Schindler, published in "Journal of the Royal Asiatic Society , 1917, pp 657-694"

23 . Buhar - Catalogue raisonne of the Buhar Library (now in the Imperial Library, Calcutta), Vol. I: Catalogue of the Persian manuscripts in the Buhar Library begun by Maulavi Qasim Razavi, revised and completed by Maulavi Abdul Muqtadir .Calcutta, 1921.

24 . Cambridge - Please see "Browne" and "Browne Supplement" above.

&

A Second supplementary Hand - List of the Muhammadan manuscripts in the University and colleges of Cambridge, by A.J Arberry Cambridge, 1952

25 Contributions to Persian Lexicography - by Blochmann, published in "Journal of the Royal Asiatic Society, Vol xxxii, 1868, pp 18-25 and 70-71".

26 Daily Telegraph, Poona dated 29 October 1885.

27 . Dictionnaire encyclopedique de bibliographie arabe - Sarkis

28 . Dorn, Bernhard - Catalogue des Manuscrits et

Xylographes orientaux la Bibliotheque Imperial Pub -
lique de St. Petersburg. St. Petersburg, 1852.

29. Edinburgh - A Descriptive Catalogue of the
Arabic and Persian manuscripts in Edinburgh University
Library, by Mohammad Ashraful Hukk, Hermann Ethe
and Edward Robertson. Edinburgh 1925.

30 Edinburgh New Coll - A Handlist of the Arabic,
Persian and Hindustani manuscripts of New College,
Edinburg, by R B Serjeant London 1942

31 Encyclopaedia of Islam - in IV volumes. Luzan
& Co., London. 1913

32. Ethe, Herman - Catalogue of the Persian ma -
nuscripts in the Library of India Office, II volumes .
Oxford, 1903-37 & 1931

33 Eton - Catalogue of the Oriental manuscripts
in the Library of Eton College, compiled by D . S .
Margoliouth Oxford, 1904

34 .Flugel, Gustav - Die arabischen, persischen und
turkischen Handschriften der Kaiserlich - Koniglichen
Hofbibliothek zu Wien Wien, 1865 - 1867 .

35 Garcin de Tassy - Histoire de la litterature
hindoue et hindoustanie Paris, 1870 - 1871 (2nd
Edition) .

&

36. Memoire sur les noms propre et le titres Musumans,
Suivi d'une notice sur le vetements avec inscriptions
graves, persanes et hindoustanies . Paris , 1878 .

37 . Glasgow - An Eastern Library . with two Persian and Arabic manuscripts, compiled by Khan Sahib Abdul Muqtadir and Abdul Hamid . Glasgow, 1920 .

&

The Persian and Turkish manuscripts in the Hunterian Library of the University of Glasgow, published in "Journal of Royal Asiatic Society, 1906, pp 595 - 609" .

38 . Glimpses of Life and Manners in Persia - by Lady Sheil . London, 1856

39 . Hamburg - Katalog der Orientalischen Handschriften der Satdtsbibliothek zu Hamburg mit ausschluss der hebraischen Teil I Die arabischeen, persischen, turkischen, malaischen, koptischen, syrischen, ethiopischen Handschriften . Hamburg, 1908 .

40 . Historical Landmarks of the Deccan - by T W Haig Allahabad, 1907

41 . The History of India - by Elliot and Dowson Trubner & Company, London, 1877

42 . A History of Persian Literature - by E G . Browne Cambridge University Press, 1928

43 History of Shah Jehan of Delhi - by B F Saksena

44 Hobson Jobson - by Col Yule and A . C .

Burnell . John Murray, Albemarle St . , London,
1903 .

45 . India Office – Manuscripts which have not been described in the Catalogue of India Office Library by Hermann Ethe (Vide Storey Section I Part I, page xvi under I . O .) .

46 India Office D P . – Please see "India Office" above .

47 . Indian Mirror dated 1 November 1885 .

48 . Indo – Iranica , Vol . Thirteen No . 4 dated December 1960 . Please see "Khan Arzoo" below .

49 . Ivanow Wladimir – Concise descriptive catalogue of the Persian manuscripts in the collection of the Asiatic Society of Bengal Calcutta, 1924 .

&

50 Concise descriptive catalogue of the Persian manuscripts in the collection of the Asiatic Society of Bengal, 11 Supplements . Calcutta, 1927 - 1928 .

51 . Ivanow – Curzon . – Concise descriptive catalogue of the Persian manuscripts in the Curzon collection of the Asiatic Society of Bengal . Calcutta, 1926

52 . JASB - Journal of the Asiatic Society of Bengal, Calcutta .

53 . JRAS - Journal of the Royal Asiatic Society,
London .

54 Kapurthala - Vide Oriental College Magazine,
Vol . iii/4 (August 1927) , Lahore .

55 Karatay - Istambul Universitesi Kutuphanesi
farsca basmlar Katalogu, by Fehmi Edham Karatay .
Istambul, 1949 .

56 Khani Arzoo and His Works, an article by Dr.
Manohar Sahai Anwar ; Head of the Department of
Persian, Arabic and Urdu, Panjab University, Camp
College, New Delhi, published in Indo - Iranica Vol.
13 No 4 for December 1960 , pp 23 - 32

57 . Kraft, Albrecht - Die arabischen persischen
and turkischen Handschriften der Kaiserlich -
Koniglichen Orientalischen Akademie zu Wien . Wien,
1842 .

58 . Leningrad - Akademiya Nauk SSSR Institut
Vostokovedeniya, N D Miklukho - Maklai Opisa nie
tadzhikskikh i persidskikh rukopisei Instituta
Vostokovedeniya (Pt I) . Moscow - Leningrad, 1955 .

59 . The Life of Sheikh Muhammad Ak Hazin
(written by himself in Persian) - edited and translated
by F . C . Belfour, 1830 .

60 Lindesiana - Bibliotheca Lindesiana Hand-list
of Oriental manuscripts Arabic, Persian, Turkish .
(Now in John Rylands Library at Manchester)
Aberdeen. 1898

61 . Madras - Alphabetical index of manuscripts in the Government Oriental Manuscripts Library of Madras (Persian manuscripts) . Madras, 1893 .

&

62 . A Descriptive catalogue of the Islamic manuscripts in the Government Oriental Manuscripts Library, II Vols . Madras, 1939 - 1950 .

63 . Madrasah - Catalogue of the Arabic and Persian manuscripts in the Library of the Calcutta Madrasah , by Kamaluddin Ahmad and Abdul Muqtadir . Calcutta . 1905

64 . Manchester - Catalogue of the Arabic manuscripts in the John Rylands Library, Manchester, by A . Mingana . . . Manchester, 1934

65 Morley , William H - A Catalogue of the manuscripts in the Arabic, Persian, Turkish and Hindustani languages, preserved in the Libraries of the Royal Asiatic Society and the Oriental Translation Fund of Great Britain and Ireland . London, 1838 .

&

66 A Descriptive catalogue of the historical manuscripts in the Arabic and Persian Languages preserved in the Library of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland . London, 1854 .

67 Mughal Empire - by Srivastava

68 Nazir Ahmad - Notes on Important Arabic

and Persian manuscripts in various Libraries in India ,
by Maulavi Hafiz Nazir Ahmad, published in the
Journal of the Asiatic Society of Bengal, New Series,
Vol xiii (1917) , pp lxxvii- cxxxix and Vol xiv (1918),
pp . excix - cccvi . References have been given here
to the serial numbers in the Persian section of the
latter .

69 . OCM - Oriental College Magazine , Lahore .
Please see No. 4 of the Urdu Sources above

70 Oriental Biographical Dictionary - by Thomas
William Beale, published by the Asiatic Society of
Bengal Calcutta, 1881.

71 .Palmer, E H - A Descriptive catalogue of the
Arabic, Persian and Turkish manuscripts in Library of
Trinity College, Cambridge Cambridge, 1870

72 Palmer (King's College) - A Descriptive cata-
logue of the Arabic, Persian and Turkish manuscripts
in the King's College, published in "Journal of the
Royal Asiatic Society, Nouvelle serie, tom III, pp 105"
onwards .

73. Persian Literature (A Bio - Bibliographical Sur-
vey) - by C. A. Storey Luzac & Co Ltd., 46, Great
Russel St , London, 1953.

74 The Pioneer Daily, Lucknow dated 29 January
1880

75 The Poona Observer dated 22 February 1890

76 Princeton - Descriptive catalogue of the Garret

collection of Persian, Turkish and Indian manuscripts .
in the Princeton University Library, by Mohamed E.
Moghadem and Yahya Armajani under the supervision
of Philip K. Hitti. Princeton, 1939.

77 . Rampur – Rampur State Library, United Pro-
vinces, India The published catalogue of this Library
has not been utilised by the writer

78 . R.A.S Royal Asiatic Society Catalogue of the
Arabic, Persian, Hindustani and Turkish manuscripts
in the Library of the Royal Asiatic Society, London ,
published in the Journal of the Royal Asiatic Society,
London, 1892, pp 501-69

79 . Rehatsek, Edward Catalogue raisonne of the
Arabic, Hindustani, Persian and Turkish manuscripts
in the Mulla Firuz Library, Bombay Bombay, 1873

80 . Rieu , Charles – Catalogue of the Persian
manuscripts in the British Museum, III volumes
London, 1879 – 1881 – 1883 .

81 Rieu Supplement – Supplement to the Catalogue
of the Persian manuscripts in the British Museum by
Charles Rieu London, 1895 .

82 Rosen, Institut – Les manuscrits persans de l'
Institut des Langues Orientales (du Ministere des
Affaires Etrangeres) decrits par le Baron Victor R St.
Petersburg, 1886

83 Ross and Browne – Catalogue of two collec-
tions of the Persian and Arabic manuscripts preserved

in the India Office Library, London . compiled by Sir Denison Ross and Edward G . Browne . London, 1902 .

84 . Saleman - Rosen - Indices alphabetici codicum manuseriptorum persicorum turcicorum arabicorum qui in Bibliotheca Imperialis Literarum Universitalis Petropolitanae adseruantur "Zapiski Vostocnago Otdeleniya Imperratorokago Rossiyskago Archeologiceskago Obscestwa" t II - III, by Saleman and V Rosen . St Petersburg, 1887 .

85 . Schefer, Charles Catalogue de la collection de manuscrits Orientaux (arabes, persans et turcs) , publie par E. Blochet . Paris, 1900 .

86 . Semonov, A A - A Descriptive catalogue of the Persian , Arabic and Turkish manuscripts preserved in the Library of Middle Asiatic State University, Tashkent, 1935 - 1956

&

Sobraniye vostotchnyh roukopissei Akademii Naouk Uzbekskoi SSR, 4 vols Tashkent, 1952 - 56 .

87 Semonov (Bukhara) - Katalog rukopisei istoricheskogo otdela Bukharskoi Tsental 'noi Biblioteki Tashkent, 1925

88 Sheikh Muhammad Ali Hazin, his life, times and works - by Sarfataz Khan Khatak Lahore, 1944

89 Siyarul Mutakhkherin - translated by Mr Raymond .

90 Sprenger, A A Catalogue of the Arabic, Per-

sian and Hindustani manuscripts of the libraries of the King of Oudh, compiled under the orders of the Government of India vol I Calcutta, 1854

90-A. Storey - Please see "Persian Literature" above.

91. Tashkent. Please see "Semonov, A.A." above .

92. Times (London) dated 3 March 1890.

93. Times of India Weekly dated 6 November 1885.

94. Tippoo Sultan Library - A Descriptive catalogue of the Oriental Library of the late Tippoo Sultan of Mysore, compiled by C. Stewart. Cambridge, 1809

95 Vollers, K - Katalog der islamischen Handschriften der Universitat - Bibliothek zu Leipsig . Leipzig, 1906.

فهرست
کتاب و رجال و اماکن

فہرست کتب و رجال و اماکن

		الف۔ فہرست کتب
۳۳۴	آداب عشق۔ آرزو	آب حیات۔ محمد حسین آزاد۔ ہلوی
۷۶۱	آداب المسافرین۔ آفاتنی حوئی	۴۶۸
	آرایش محفل۔ میر شیر علی افسوس جمہری	۳۳۵
۳۷۶		آبروی سخن۔ آرزو
	آسمان سخن۔ لطف الہ محمد مهندس	آتشکدہ۔ لطعلی بیک آذر بیگدلی
۷۸۶		۲۹۵، ۲۲۱، ۶
۲۶۴	آمیاتیك میسلاہی	۰۷۰۳، ۶۴۵، ۶۱۹، ۵۹۸، ۵۵۴، ۵۴۰
	آشیانہ میگذرک قد کرہ میگذرہ	۰۷۲
	آفتاب عالمات ۶۰۹، ۶۱۴، ۶۱۹، ۷۰۵	آتشکدہ عجم وک آتشکدہ
۷۱۰		آثار البلاد
	آیات الولایہ۔ ملک الکتاب شیرازی ۶۲۳	۱۱۹
	آئین اکبری۔ ابو الفضل علامی ۳۸۴، ۵۸۹	آثار الحسان۔ حاج میرزا حسن اصفہانی
۷۷۸		۷۳۲
۲۷۳	آئین عطا۔ مدرت	آثار الشیخۃ الامامیہ عبدالعزیز حواہر کلام
۷۶۴	آئینہ حق نما	۷۶۹
	آئینہ دانشوران۔ سید علی رضا ریحانی	آثار عجم۔ محمد نصیر میرزا فرصت ۷۷۶
۷۳۲		آثار مهم تاریخی دکن (انگلیسی)
	اتحاف النبلاء۔ نواب صدیق حسن خان ۶۰۰	۲۶۳، ۲۶۱
	اتک کی اس پار (اردو) دوست محمد خان	آثار الورداء۔ صیف الدین حاجی ۷۷۱

۶۸۸	کامل	اربعان احباب - شمس العلماء مولوی محمد
۷۶۴	احسن التواریخ - حسن بیگ روملو	حسین
۷۸۲	۷۸۲	اربعان آصفی - عنی
۷۱	الاحسن فی شعر علی بن حسن - ابوالقاسم	ار دامنہ تا پروین - کشاورز صدر
۳۳۵	پاجوری	ار رودکی تا بہار - حسین کوهی کرمانی
۳۳۵	احقاق الحق - آرزو	۷۳۳
	احوال شاہ گل امام حیو و حیوان وادہ و	از سعدی تا حامی - ترجمہ استاد حکمت
	حاشیہ وی -	۷۰۳
۷۵۰	میان حیر محمد منشی	اسرار الابرار فی احبار الاحیاء
	احبار اللاحیاء - شیخ محدث دہلوی	اسرار حلقہ - سرہنک احمد آجر
۵۱۹، ۴۲۷، ۳۹۴		الاسئلہ والاجوبہ - سید محمد بہوہ
	احبار الاحیاء فی اسرار الابرار عبدالحق دہلوی	اشارات پیش ۳۱، ۲۸، ۱۵، ۱۴، ۵، ۵۵۸، ۵۶۴
۷۴۳	بحاری	۵۶۹
	احیاء الاصفیاء - عبدالصمد بن افضل محمد	اشعار الجمال - محمد بن یار محمد گولوی
۷۴۳		۷۴۲
	احیاء الاولیاء عن لسان الاصفیاء - عبدالہ حویشگی	اشعار حاویدان پارس - امیر مسعود سپہر
۷۴۶	قصوری	۷۳۴، ۷۰۴
۵۵۹	احیاءات ہند - نجم طباطبائی	اشک مادر و نامہ گذشتگان
	احیاء الجمال - محمد بن یار محمد گولوی	اصول المقصورہ - تراب علی قلندری
۷۴۷		الاعصاب الاربعۃ الشجرۃ الطیبہ مولوی ولی الہ
۶۱۳	احقر تانان - ابوالقاسم محتشم	انصاری لکھنوی فرنگی محلی
۱۳۱	احلاق الاشراف	اطہار السعادتہ فی ترجمہ اسرار الشہادہ
۶۷۸	احلاق ایران باستان - دشاحی	اعجاز المحبت - عسری
۶۸۸	ادبیات سرحد - میرزا رضا ہمدانی	اعلام الانعام - شیر محمد یحیی الہ آبادی
	ارکار الاذکیاء فی بیان مناقب المشایخ الطرقی	۴۲۸، ۳۸۴
۷۶۲		اعلیٰ حق - امام بخش سہبائی
۷۶۶	ارشاد الورداء - صدر الدین محمد	اقادت الشیوخ بمقدار الناسخ والمسوخ

- قواب صدیقی ۵۹۷
 افضل التذکار فی ذکر الشعراء و الاشعار -
 محدودی پیرمستی افضل ۷۲۸
 اقبال در نظر ایرانیها ۶۸۰
 اقبالنامه جهاگیر - معتمد جان بخشی ۷۸۱
 اقتباس الاتواد - محمد اکرم النارسوی ۷۴۷
 اکبرنامه - ابوالفضل علامی ۱۴۶، ۲۴۵ -
 ۷۷۸، ۴۰۸، ۲۸۷
 اکسیر التواریخ و سیر الائمة ملك الكتاب
 شیرازی ۶۲۲
 اکسیر فی اصول التفسیر - نواب صدیق
 ۵۹۷
 الف بهار ملك الكتاب شیرازی ۶۲۳
 امتحان العضا یا تذکره خطاطین - میرزا
 سنگلاخ حراسانی ۷۷۲
 امپراطوری معول (انگلیسی) ۱۴۱
 انتخاب تاریخ الاحبار ۷۵۳
 انتصاح من ذکر اهل الصلاح - علی ابورقندر
 ۷۵۱
 الانتخاب فی سلاسل اولیاءاله - قطب الدین
 احمد دهلوی ۷۴۷
 انتخاب کعبه عرفان ۲۷۵، ۲۷۴، ۱۵۵
 انجمن خاقان - محمد فاضل حابراوی
 بایندی گروسی ۷۲۲
 انجمن قاصری - محمد امراهم مدایح نگار
 انساب سمعی ۴۷۳
 اسباب مشایخ کشمیر ۷۵۲
 الاسباب و الاسرات الحاكمة فی التاریخ
 الاسلامی للمستشرق رامانور - الدكتور زکی
 اشای قانع ۴۰۷
 ابنس العارفين - قطب الدین احمد دهلوی
 ۷۴۷
 ابنس الاحناموهن لعل ابنس ۴۵۰، ۴۰، ۳۱
 ابنس الشعراء - علی اکبر افسر ۷۸۷
 ابنس الطالبین - محمد شاه محمود ۷۶۱
 ابوار العارفين - محمد حسین چشتی صابری
 قدوسی مراد آبادی ۷۵۱
 ابنس العاشقین - کمورتن سنگه رحمی
 ۵۲۱
 ابنس العشاق - حسن بن محمد درامی ۷۸۶
 ابنس قادریه - بهاء الحق قادری ۷۴۷
 اوبعاق معل - محمد عبدالقادر ۷۸۰
 ایران صعب ر ک، تذکره شعرائی پارسی زبان
 کشمیر
 ایصاح المکنون فی الذیل علی کشف الطیون -
 اسماعیل پاشا من محمد امین بغدادی ۲
 باع بهشت - سید اشرف الدین ۶۶۶
 باغ گلها ی حسن ر، ک مجموعہ عشق
 باع معانی نقش علی ۳۹۶
 نتجانبه - ملا صوفی مارد درامی ۱۳۵، ۱۳۰
 ۱۴۹
 بحار التشریح - شوق ۴۴۷

- بحر ذخاں و حید الدین اش ف ۲۶۲، ۷۴۹
- بحر محیطہ دانش ۶۶۶
- بدو الحق۔ امام فرالی ۴۲۸
- بدیع الافکار۔ سید عبدالرحیم مصعب الموسوی ۷۲۳
- برگریدہ۔ عصمت شریف افشار ۷۲۳
- برہان المتوح۔ محمد علی بن محمد صادق ۷۸۰، ۷۷۵
- برہان قاطع رک مرعنگ برہان قاطع ۵۸۵، ۲۷، ۹
- برم آرای۔ علی بن محمد الحسین ۱۱۴
- بررگان و سخن سرا یاں ہمدان۔ دکتر مہدی درحشاں ۷۷۲
- برم ایران۔ حاجی سید محمد رضا طباطبائی ۷۸۸
- برم تیموریہ۔ صاحب الدین عبدالرحمن ۷۳۵
- برم حاقان۔ سیف الدولہ سلطان محمد قاجار ۷۲۴
- برم سخن۔ سید علی حسن سلیم ۳۱۲، ۵۲۱
- ۷۴۱، ۶۰۸
- بساط العنایم۔ شہیق ۴۴۱
- بساطین السلاطین۔ میرزا ابراہیم ریدی ۷۶۷
- بشارت الامامہ۔ سید علامہ حسین خان طباطبائی ۷۴۸
- بشارت مطہریہ در فصائل حصرات طریقہ محمدیہ۔ محمد نعیم الہ ہرانی چینی جمعہ نقشبندی ۷۴۹
- البیان المخصوص من بیان ایضار الفقہ المرصوم علی حسن خان ۶۰۷
- بوستان اود۔ درگاہ شاد مہر سدیلوی ۶۴۰
- بوستان بہار رک مکتب نامہ جامع ۴۰۵
- بوستان خیال۔ مکتاش قلبی اندال ۷۸۷
- بوستان خیال۔ میر محمد تقی حسین رک تذکرہ صاحبقران
- بہارستان اعظم ۵۴۹
- بہارستان۔ حامی ۱۷۵، ۱۱۹
- بہارستان سخن۔ مر عبدالرزاق خان شاہنوار خان مصمصام الدولہ ۲۶۰، ۴۷۵
- ۶۰۵، ۵۵۴، ۲۸۷
- بہارستان۔ شیخ محمد حسین آیتی ۷۷۵
- بہارستان عبدالرزاق۔ رک بہارستان سخن
- بہار گلشن کشمیر ۷۸۱
- بہار میں اردو ادب کا ارتقا ۱۸۵۷ء تک (اردو) دکتر اختر اوریانوی ۴۶۲
- دلہجہ الشعرا۔ حاج کاظم تاجر تبریزی ۷۲۰
- بہجت المراد۔ شکر الہ بن شہاب الدین ۷۸۲
- بہشت سخن۔ دکتر مہدی حمیدی شیرازی ۷۳۳
- بیاض۔ حلیل ۶۳۳
- بیاض آزاد بلگرامی ۶۰۵
- بیاض داراشکوہ ۹
- بیاض دلگشا۔ عبدالعلیم ناصر الہ خان احمد حویشگو خود حوی ۷۵

- نیاص محک شعرا - قابع ۴۰۷
- نیاص محمد زمان راسخ ۹
- نیاص محمد علی ماهر ۹
- نیاص میر معراجان مطرب، نام گلشن مطربت ۹
- نیان محمود ۷۸۷
- بیحیر نامه ۲۴۸
- پادشاه نامه - عبدالحمید لاهوری ۱۹۲، ۱۴۰
- پاسداران سخن مطاهر مصفا ۷۳۳
- پیمانده - ترک علی شاه ۶۵۱
- پوران دخت نامه - استاد پورداد ۶۷۸
- پیام شوق - آذرو ۳۳۵
- پیک مرد یسان - دساحی ۶۷۷
- تاج الاقبال - نواب صدیق حسن خان ۶۰۰
- تاج التواریخ و سلافة السیر - ک ریستالرمان
- تأدیب الیومدیق فی کندیب الیومدیق ۲۶۹،
- ۳۹۴
- تاریخ آل مطهر ۷۰۵
- تاریخ ابن خلکان ۱۴۶
- تاریخ اجداد و فرزندان واصحاب حضرت
- مولانا حلال الدین رومی ۷۶۲
- تاریخ احوال حربین ۳۵۳
- تاریخ ادبیات اردو (با انگلیسی) گراهام بیل ۴۶۸
- تاریخ ادبیات اردو - رام نایو سکسپه ترجمه
- ۴۶۸
- تاریخ ادبیات ایران - ادوارد براون ترجمه
- علی اصغر حکمت (جلد سوم) ۸۷۱
- تاریخ ادبیات ایران - ادوارد براون ترجمه ۶۶۶
- تاریخ ادبیات ایران - ادوارد براون ترجمه ۹
- علی پاشا صالح (جلد اول) ۷۷۱
- تاریخ ادبیات ایران - استاد همای جلد اول ۷۷۱
- تاریخ ادبیات ایران - دکتر و صراده شفق ۷۷۱
- تاریخ ادبیات ایران محمد رضا دائمی حواد ۷۷۱
- تاریخ ادبیات فارسی هرمان اتمه ترجمه ۷۷۲
- دکتر شفق ۷۷۲
- تاریخ ارساران ۷۸۳
- تاریخ اعصم کوفی ۱۱۸
- تاریخ اعظمی - حواحه محمد اعظم شاه ۶۸۴
- تاریخ اکبری ۵۱۶
- تاریخ الهی ۱۱۸
- تاریخ انگلستان یا جهان آرا - ملک الکتاب
- شیرازی ۶۲۲
- تاریخ بربری یا تاریخ فیروز شاه - صبا الدین
- بربری ۷۸۱
- تاریخ بناکتی ۱۶۶، ۱۱۸
- تاریخ مبهقی ۱۵۸، ۱۴۶
- تاریخ جهان آرا ۱۱۸
- تاریخ جام جهان نما - شوق ۴۶۹
- تاریخ جهانگشای عظاملک حویسی
- « جهانگیری - مطربی سمرقندی ۱۸۶،
- ۵۱۶، ۳۰۴

- « حسن - پیر غلام حسن کویبهامی ۷۸۱
 « شعرای کرمانشاه - باقر شا کری ۷۳۴
 « خان - هانی و محرن افغانی - نعمت اله
 « بن حبیب الله ۷۸۳
 « رشیدی ۱۴۶، ۱۱۹
 « سلسله نقشبندی - ابوالمحسن محمد مافر
 ۷۶۰
 « سلطان - محمد قطب شاه ۷۷۸
 « شاهجهان دهلی ۱۴۱
 « شاهرخی ۱۵۸
 « شعرای بهار - عبدالدین بلخی ۴۶۲
 « صبح صادق و ک صبح صادق
 « صدر جهان ۷۷۶
 « صفویه ۱۵۷
 « طبری ۴۲۸
 تاریخ عالم آرای عباسی و ک. عالم آرای
 عباسی ۵۱۹
 تاریخ عالمگیری
 تاریخ عباسیه - قانع ۴۰۵
 تاریخ عبدالقادر بدایونی و ک
 منتخب التواریخ
 تاریخ علما و شعرای گیلان -
 حسن شمس گیلانی ۷۶۷
 تاریخ عیال الدین هروی ۴۰۹
 تاریخ هرح آبادی - سیدولی الله ۷۷۴
 تاریخ فرشته با گلشن ابراهیمی -
 علامه محمد قاسم هندو شاه ۲۸۷، ۴۲۸، ۴۹۰
 ۵۱۹
 تاریخ فیروز شاهی - صیاء الدین
 ۴۹۶، ۱۴۶
 تاریخ قدیم هرات ۱۱۹
 تاریخ قدیم دهان و تاریخ حکمای
 فلاسفه یونان - ملک الکتاب
 شیرازی ۶۲۳
 تاریخ قطب شاهی - قادر جان ۷۷۸
 تاریخ کنود خامگان - طاهری شهاب ۶۴
 تاریخ کبیر کشمیر و ک تحایف -
 الابرار
 تاریخ کبیر - علامه الکبیر سرایلی ۷۸۱
 تاریخ کشمیر - محی الدین مسکین
 و ک تحایف الابرار
 تاریخ کلام الملوک - میرزا محمد
 یوسف لاهیجی ۷۲۳
 تاریخ گریده ۱۱۸، ۲۸۶، ۴۲۷، ۴۷۳
 ۷۸۲
 تاریخ مبارکشاهی ۱۱۸
 تاریخ محمد شاهی معروف «
 یادگار مانی - خوشحال چند ۷۸۰
 تاریخ مده و بین طبع و حالات سمرقند ۷۶۱
 تاریخ مرآت آفتاب ما و ک
 مرآت آفتاب ما ۵۱۹
 تاریخ مرآت نوح - محمد صالح ۷۶۰

تحلی نور نورالدين ريدي طفر آبادی	تاریخ مشایخ کشمیر - نانا نصیب الدین
۷۶۶ حویپوری	سهروردی کشمیری ۷۴۳
تحایف الامرار فی ذکر الاولیاء الاحیاء یا	تاریخ معصومی - میر معصوم بهکری
تاریخ کبیر کشمیر - حاجی ابومحمد محی الدین	۷۸۱، ۴۰۹، ۹۳
مسکین کروی حسی نقشبندی ۷۵۲، ۶۸۲	تاریخ معول - عباس اقبال ۷۸۳
تحایف رشیدیہ محمد عبدالرشید	تاریخ مکہ یا تاریخ قطبی - قاصی قطب الدین
۷۴۷ قادری کیراوی	حسی ۳۲۸
تحفة الاحیاء فی تذکرة الاولیاء	تاریخ میرزا حیدر ۱۱۸
والشرفاء شیخ علی من الحسین گنجوی عربوی	تاریخ میر سید شریف راقم - ملا شرف الدین
۷۶۹	۷۷۲
تحفة الاحیاء فی تذکرة الامحباب یا تذکرة	تاریخ نادری میرزا مهدی جان کوک
۷۲۸ قاری رحمت اله	۵۱۹، ۴۸۶
تحفة اعظمیہ - حوشود گویا موی ۷۵۰	تاریخ باصری ۷۱
تحفة کاملیہ - محمد حسن کروی	تاریخ نظامی ۴۰۹
۷۵۷ کشمیری	تاریخ نظام الدین رکن طینقات اکبری
تحفة الاولیاء - مولوی میر احمد شاه	تاریخ وصافی ۴۹۹
۷۵۷ رسوان پیشاوری	تاریخ هراب ۱۱۹
۷۴۳ تحفة لسمنا - حواحه کمال	تاریخ هما یون ۱۵۸
تحفة الشمران سلطان ابوالفتح طلوعی	تاریخ هند (انگلیسی) ایلیات و دوس
۷۱۱ صہوی	۴۸۹
تحفة الطاهرین - شیخ محمد اعظم تنوی	تاریخ ہندی - رستم علی ۷۷۹
۷۴۸	تاریخ یافعی ۱۱۹
تحفة الحسین فخری ابن امیری ۹۷، ۹۴	تاریخ یرد - عبدالحسین آیتی ۷۸۳، ۷۰۴
تحفة الحسینیہ - حسین قلی خان سلطان	تنصیرہ البنارین ۱۵۸، ۱۵۵
۶۶۷ کلہر	تحریرہ الاحرار و سلبیۃ الامرار -
تحفة الحواتین - ملک الکتاب شیرازی ۶۲۳	عبدالرزاق بیک دہلی ۷۶۳

تذکره قالا میرا و الاسرار - عبدالکریم ۲۵۲	تحفة السامی ر.ک. تحفه سامی
تذکره ابوالقبا ۲۶۸	تحفه سامی - سام میرزا صفوی ۱۹۲، ۱۷۵
« الاتقیاء ۲۸۷	۵۴۰، ۱۵۱۹، ۴۹۶، ۴۲۶، ۳۳۸، ۲۸۷
« احتر ۲۲۲-۷	۷۱۶، ۷۰۵، ۶۱۹
تذکره الاحوان - سلیمان میرزا	تحفة الشعراء - سلطان ابوالفتح
قاجار ۲۸۴	محمد صفوی ۵۱۳
« الامامی - میرزا آقندی ۲۷۱	« الشعراء - میرزا افضل بیک
تذکره استرآباد محمد صالح استرآبادی	قاقتال ۳۷۸
« الامراء - گیول رام ۲۶۱، ۲	« الصغیر - حلیل ۶۳۴
تذکره امروہو - سید مظاہر حسین	« العالم - عبداللطیف موسوی
امروہوی ۲۶۵	شوشتری ۲۸۱
« انجمن ناصری ر.ک. انجمن ناصری ۲۲۳	« القاری شاه منصور
« اویسیہ ۲۶۲	شیخ جابلقا ۲۴۷
تذکره الاولیاء - حاج شیخ علی ۲۶۳	« الکرام - ۲۶۴، ۴۰۵، ۴۰۲
« اولیاء - حاج محمد کریم خان	« المحالین ۴۱۹
کرمانی ۲۵۷	« المرشدین من حکایات الصالحین
« اولیاء حواجہ پاشا ۱	- حلال الدین محمد کارروبی ۲۵۸
« اولیاء شمس الدین سلماسی	تحریر الامور فی تفسیر القلندر - علی ابور
پروری ۲۶۴	قلندر ۲۵۱
« اولیاء شیخ صیغ (سیف) الدین	تحقیق السداد فی مرلات الآراد -
محمد طبیعت ۲۵۷	محمد صدیق سحرور عثمانی بلگرامی
« الاولیاء شیخ فرید الدین عطار ۳، ۲	۲۶۸
۲۵۸	تذکرات (تذکره) العاشقین (حرین) ۳۶۴
« « یا امرات کرمان - سعید	تذکره - شیخ نصر الدین طوسی ۲۸۴، ۳
محرابی ۲۶۳	تذکره آرزو ر.ک. مجمع النعائیس
« « - سمت اللہ مصائی ۲۴۲	تذکره آندرام محلص

- تذکره حوا حکان نقشبندیه ۷۵۶
- تذکره الحواتین - میرزا محمد ملک الکتاب ۷۶۰
- شیرازی ۶۲۲
- تذکره الحواتین - میر دوستی ۷۸۵
- تذکره حرانات ۱۶۳
- تذکره خوشگو - ر.ک. سعید حوشگو ۴۲۶، ۳۹۳
- ۷۶۷، ۷
- تذکره خوشویسان - غلام محمد دهلوی ۷۱۰، ۶۴۵، ۶۲۰، ۵۱۹، ۴۴۳
- تذکره درویش بواکاشانی ۷۲۳
- تذکره دلگشا، علی اکبر سمل ۷۲۱
- شیرازی ۷۲۳، ۱۷
- تذکره ودیوان سمل - حاج علی اکبر ۷۲۱
- نواب سمل شیرازی ۷۲۱
- تذکره رشحات - شهاب اصعہانی ۷۲۳، ۷
- تذکره ریخته گویان گردیری - سید فتحعلی حسین ۷۲۳، ۳۳۱
- تذکره السالکین - حاج میرزا اردبیلی ۶۴۵، ۶۱۹، ۵۹۸، ۳۳۱، ۲۱۷
- تذکره سامی ر.ک. تحفه سامی ۷۲۳، ۳۳۱
- تذکره سخن آفرینان ہندی زبان - ۷۲۳، ۳۳۱
- میر غلام حسین راتمنائی ۷۲۳، ۳۳۱
- تذکره سخن وراں برد - حاصح ۷۲۳، ۳۳۱
- تذکره سرخوش - ر.ک. کلمات الشعرا ۶۸۱
- تذکره سلاسل قادریہ وچشتیہ و غیرہ - محمد اسد اللہ خان و محمد جمیعا اللہ ۷۵۵
- تذکره السلاطین ۷۲۴، ۱۷
- تذکره سلطانی - علائقہ الہندی کشمیری ۷۵۶
- « سلسلۃ العارفین - محمد بن برہان الدین سمرقندی ۷۶۰
- تذکره باع ارام ۷۱۰، ۶۲۰
- « باقی - ر.ک. بديع الامینہ ۷۲۱
- « بیطیر - عبدالوہاب افتخار ۷۲۱
- دولت آمادی ۴۲۶، ۳۹۳
- ۷۱۰، ۶۴۵، ۶۲۰، ۵۱۹، ۴۴۳
- « ثمر نائینی - سید حسن ثمر نائینی ۷۲۳
- « تقی اوحدی - ر.ک. عرفات العاشقین ۷۲۱
- « تاریخی - میرزا افضل اللہ ۷۲۱
- وزیر نظام پوری ۷۸۶
- « تقی کاشی - ر.ک. خلاصۃ الاشعار ۷۲۱
- « (جوہر) پیوری ۷۱۰ - ۶۱۹
- تذکره الحق - محمد امیر ۷۴۳
- « حسین دوست - ر.ک. تذکرہ حسینی ۷۴۳
- « حسینی - میر حسین دوست سنہلی ۷۴۳
- ۶۴۵، ۶۱۹، ۵۹۸، ۳۳۱، ۲۱۷
- « حقیقت الشعراء - قدرت اللہ ۷۲۳، ۳۳۱
- صدیقی شوق سنہلی ۷۲۳، ۳۳۱
- « حاور ۷۸۵
- « حاور - فصل اللہ حسینی ۷۸۶
- « حواجہ امین الدین حسن بخاری ۷۸۶
- ر.ک. تذکره الاحباب ۷۸۶
- « حواجہ باقی نالہ - حواجہ باقی اللہ ۷۸۶
- نقشبندی ۷۴۲
- « حواجگان - محمد عادیق کاشمیری ۷۶۱

- تذکرة الشعراى حريں - ذك تذکرة الما صريں
تذکرة شعراى حواسار - يوسف بحشى
۷۲۳ حواسارى
تذکرة شعراى دکن (اردو) ۷۰۳
تذکرة الشعرا - دکن الدين محمد حواقى
۷۱۳
تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندى ۵۶: ۵۷،
۱۳۱، ۱۴۵، ۱۷۵، ۱۹۳، ۲۸۶، ۴۲۶
۴۶۰، ۴۷۳، ۴۹۰، ۴۹۶، ۵۴۰
۶۴۵، ۷۰۳، ۷۱۳
تذکرة الشعراء ديدم معول ۷۱۰
تذکرة الشعراى سبحان قلى خان ۷۱۹
تذکرة شعراى سمنان - سرت الله نوحيان
۷۳۳
تذکرة الشعر - شيخ صيب (سيف) الدين محمد
۷۱۱ طبيعت
تذکرة الشعراى صبي ۱۳۸، ۱۵۴، ۶۴۳
تذکرة شعراى قائمات و قهستان - صياء -
الدين محمد حسين صياء سرحدى ۷۳۱
تذکرة الشعراى متين - ذك حيات الشعرا
تذکرة شعراى معاصر اصهبان - سيد مصلح
۷۳۲ الدين مهدوى
تذکرة الشعراى معاصر ايران - عبدالحميد
۷۰۳ حلحالى
تذکرة الشعراى معاصر هرات - محمد عوام
۷۳۱
- تذکرة السلسله صامرا و القاسم مدرس ۷۲۲
تذکرة شاعرات ۳۹۹
تذکرة شاه طهمااسب موى ۷۸۴، ۴
تذکرة الشباب - محمد مهدى اصفهائى ۷۲۶
تذکرة الشباب - سيد ميرزا محمد على شهلا
۷۲۸
تذکرة شاعريه - محمد حسين شعاع الملك شعاع
شيرارى
تذکرة الشعراى آزاد - ذك سرو آزاد
ويد بيضا و حرا به عامره
تذکرة الشعراى اردو - مير حسن ۷۳۸
تذکرة الشعرا - صديق خان ۷۲۸
تذکرة الشعراى احلام - ذك هميشه بهار
تذکرة الشعرا - ماناشاه ۷۱۸
تذکرة الشعرا - بهاء الدين حسن خان عروج
۷۰۹
تذکرة الشعرا (تاليف قرن ۱۱ هـ) ۷۱۹
تذکرة الشعرا (۲) تاليف ميان سالهاى ۱۱۷۰
و ۱۱۸۰ هجرى ۴۳۷، ۴۰
تذکرة الشعراى پارسي گوى كشمير بايران
صغير - دكتور عرفان ۶۸۰
تذکرة الشعرا بته حرا به، محمد هونك
۷۲۹
تذکرة شعراى چهار محال - سرهنگ اوژن
۷۳۲

- تذکره الشعراء معاصرین - سید سجاد الدین
محمد اصغہا می ۷۲۸
- تذکره الشعراء معاصرین - ملا شاہ محمد
دارا بھردی ۷۳۱
- د العاشقین - تقی اوحدی ۷۸۵
- د العاشقین - شیخ حریر ۷
- تذکره عبدالرزاق بیگ دہلی ۷۸۵
- د عدوی ۷۳۱
- د عشقی - شیخ و حید الدیق عشقی
عظیم آبادی ۷۳۹
- د علمای اسلام یا ستارگان فروران - یحیی
انوری ۷۷۲
- د علما - حیر الدین محمد الہ آبادی ۷۶۵
- د علمای ہند - احمد علی ۸۶۵، ۶
- د علوی - رضا ثانی ۷۳۲
- د عیقلی جان والہ - رک ریاض الشعراء
د علی گرد پری - سید فتح علی حسین گرد پری
۷۳۷
- د غریبی ۷۳۰
- د غلام علی آزاد (۱) ۲۴۸
- د فارسی - شیخ علام ہمدانی مصححی
امروہوی ۷۴۰، ۴۶۶
- د قادریہ - محمد عبداللہ رشید قادری
کیرانوی ۷۴۷
- تذکره القبور - عبدالکریم اصغہا می ۷۶۳
- تذکره قدسیہ - محمد ابراہیم بدایع نگار
کاتب - میرزا محمد علی کاتب ۷۲۲
- صغوی ۵۱۲
- د کاظم ۷۲۷
- تذکره الشعراء معاصرین - سید سجاد الدین
محمد اصغہا می ۷۲۸
- تذکره الشعراء معاصرین - ملا شاہ محمد
دارا بھردی ۷۳۱
- د الشعراء میر تقی الدین اوحدی تقی ملتانی
۷۱۱
- د الشعراء وارستہ سیالکوٹی د ۳۹، ۷۱۰
- د عبد - مولوی محمد کریم ۷۰۹
- د ہود - شاش ۷۴۱
- تذکره الشعراء الشعراء - مہتوں ۷۲۴
- تذکره شمس التواریخ - اسد الدین محمود
گلیا بگا، ۷۶۷
- د شورش - سید قلام حسین شورش ۷۳۸
- د شوستر - سید عبداللہ حرا پری فقیر
۷۷۶
- د شیوخ بحارا ۷۵۹
- د صائب ۷۸۵
- د تذکره صاحبقران - رک بوستان خیال
د صاحبقران یا بوستان خیال - سید محمد
تقی حسین ۲۷-۲۷
- د صحیح صادق - رک صحیح صادق
د صحیفہ شرایف - میر محمد عسکری ۵۴۰
- د صفوۃ الصفا - ابوالفتح الحسینی ۷۵۹
- د صوفیہ - رشکی ۷۵۶
- د طلعت طلعت اعتماد مقدم عنقا ۷۳۴، ۷
- تذکره العارفين - ہاری عرفانی و سائی ۷۶۳

- تذکره الکرام - محمد ابوالحیات قادری
 پهلوانی بهاری
 تذکره کنور الشعرا - صدرالدین محمد
 مهنایی
 « گلشن هند - میرزا علی لطف
 « لذت النساء (تذکره النساء)
 « مآثر المعاصرين - محمد مهدي فروغ
 اصهبائی
 « متاخرين شعراى پارس - صبيح الملك شوریده
 تذکره المتقين - مولوی سید محمد امیر حسین
 مدارى قنورى
 تذکره محدیه - میرزا ابراهیم منشی
 تذکره المحققین - تاج العلماء سید علی نقوی
 بصیر آبادی لکهنوی
 تذکره محمد شاهی - نواب بهمن میرزا
 « مختصر در حال ریخته گویان هند - محمد
 صدرالدین
 « مسرت افرا - ابولحسن امیرالدین احمد
 اله آبادی
 « مسعودی
 تذکره المراد - حاجی محمد حسین صفائی
 « المشایخ
 « المعاد - محمد ثناء الله پانی پتی محدیدی
- تشمندی
 « المعاصرين شیخ علی حریں
 تذکره ملا قاطعی
 تذکره الملوك (۱) تألیف در حدود ۱۱۳۸
 « الملوك - میر رفیع الدین ابراهیم شیرازی
 « الملوك - یحیی حار
 تذکره معبر
 « منصف - سید عبدالرحیم
 تذکره عبیر لاهوری
 تذکره الموتی والقبور - مولوی محمد
 ثناء الله پانی پتی محدیدی
 « الموحدین - شیخ حواد یردی
 تذکره وتبصره - مهدی حسین ناصری
 « میر تقی - درک نکات الشعرا
 « میرزا محمد صائب - درک بیاض صائب
 « میکنده یا آشیانه میکنده - میرزا محمد حسن
 الحسینی
 « میکنده
 « ناصری - مورخ الدوله عثمانقلی سپهر
 کاشانی
 « ناطم تقریری ۳۸۴ ، ۴۶۰ ، ۴۹۱
 ۶۰۵ ، ۶۲۰ ، ۶۱۸
- ۷۵۷
 ۳۹۵ ، ۳۴۱
 ۶۱۹ ، ۵۱۹ ، ۵۰۴ ، ۴۹۶ ، ۴۹۱ ، ۴۶۰ ، ۴۲۶
 ۶۲۰ ، ۴۲۸
 ۵۱۳ ، ۳۸۵
 ۵
 ۷۶۷
 ۵
 ۷۲۹
 « مارندرابی
 ۷۲۶
 ۷۱۰ ، ۴۷۳
 ۷۵۷
 ۷۶۳
 ۷۱۰
 ۳۸۴
 ۷۴۱
 ۷۲۵ ، ۲۷
 ۷۴۱
 ۷۳۹
 ۷۲۹
 ۷۴۹
 ۷۵۶
 ۷۱۸ ، ۶۲۰ ، ۶ ، ۶۰۵

تذکره ندرت - علی مطهرت عطاء الله	تذکره یحییٰ علیہ - محمد علی مہار
ندرت	اصفہائی
۲۷۳،۳۹	۷۲۶
تذکره النساء - تذکره شاعرہ ہای	تذکره یوسف علیحان
۷۱۰	۴۴۶
ہندوستان	تذہیب طباع - قانع
تذکره النساء نادری - منشی درگا پرشاد	ترجمان و ہایت - نواب صدیق
۷۳۵	۶۰۰
تذکره نصرآبادی - محمد طاهر	حسن
نصرآبادی	ترویج نامہ حسن و عشق - قانع
۳۰۴،۲۴۹،۲۴۷،۶۱۵	۴۰۵
۱،۴۹۶،۴۷۳،۴۶۰،۳۸۴،۳۳۷	تسلیۃ العواد فی قصاید آزاد
۶۸۱،۶۱۹،۶۰۴	۳۹۴
(ذیل سر) تذکره نصرآبادی	تشریح نادر
۷۱۹	۳۱۷
تذکره نصرت یا لطایف الحیال - مبردا	تصحیح عرایب اللغات عبدالواسع
محمد صالح حسینی	ہامسوی
۷۸۵،۵	۳۳۵
تذکره بومہار - محمد رفیع الدین	تغریح الطالبین فی ارادت مولانا
نقشبندی	بہ شمس الدین - محمد افضل آبادی
۴۸۹	تفسیر در منشور شیخ حلال الدین
تذکره والدہ اسمعہائی	صیوطی
۷۲۰	۴۲۸
تذکره الہدایہ	تفسیر فتح البیان فی مقاصد القرآن -
تذکره ہرار مراد - عیسیٰ بن حنید	نواب صدیق
شیرازی	۵۹۷
تذکره ہمایون و اکبر - با یرید	تفسیر قاصی بیضاوی
بیات	تصحیح المعالین
۷۸۴،۵	۴۸۲
تذکره ہمیشہ بہار - ابوالقاسم حیدر	تکملة الشعراء - حام حمید - مولوی
۷۲۰	قدرت الہ شوق
تذکره ہندی	(ترجمہ) تکملہ کتاب روضۃ الریاحین
۷۰۵	۷۶۲
تذکره ہندی گویان - شیخ علام	تکملة مقالات الشعراء - محمد امراہیم
۴۶۸،۴۶۵	حلیل
۷۳۹	تنبیہ المعالین - سراج الدین علیحان
	آورو
	۲۴۸،۳۵۴،۳۳۴

۱۵۶	حجر اوحدی	تنقید شعرالمحم - پروفیسور محمود
	حنگہ های محسوط درنگاہ حاورشناسی	شیرانی ۷۳۵
۷۰۵	کاما بمبئی	تمیق شگرف - شعیق ۳۴۱
۳۹۵	حواب شافی	تورک ناری - نامر شاه ۷۸۱
	حوامع الحکایات - محمد عوفی	تورک تیموری ۴۰۸
۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۲، ۵۹		تورک جہانگیری - جہانگیر شاہ ۷۸۱
	خواہر الاسرار - شیخ آذری ۱۷۵، ۱۶۸،	تیموردامہ - ہاتھی ۳۱۷
	۴۷۳، ۲۸۷	ثمرات اول - قرات ۷۰۴
۷۱۲، ۶۲۰	خواہر رواہر	ثمرات القدس - لال بیگہ ۵۹۸، ۴۲۸
	خواہر المعانی - مولانا سلطان محمد فخری	۷۵۶
	من امیری ۴۶، ۹۴، ۹۶، ۱۹۳، ۳۹۹، ۶۲۰	ثمرات المشایخ - مید رندہ علی ۷۶۱
	خواہر فریدی - علی اصغر چشتی ۷۴۴	ثواقف المناقب اولیاء الہ - عبدالوہاب
	حوش و حروش - آرو ۳۳۴	ہمداء
	جہان آرا - رک تاریخ انگلستان	حام جہان نما - عبرتی ۷۷۹، ۵۳۸
	جہانگیر نامہ ۲۴۵	حام جہان نما - مطہر حسین وصفی ۷۷۵
	جراہ ہدایت - آرو ۵۱۹، ۳۳۲	حامع التواریخ ۱۱۸
	چشتیہ ہشتید علاء الدین چشتی برناوی	حامع (حوامع) الحکایات ۶
۷۴۶	چہستان شعرا - لچہمی برائیں شقیق	حامع العواید کھرک پتدای کایست ۳۴۰
	اورنگ آمادی ۷۳۸، ۳۲۹	حامع مفیدی - محمد مستوفی نافی
	چمن وانحمن - حرین ۳۶۳	۷۸۲، ۷۰۴
	چہارد فتر شوق ۴۴۷	حامع المقامات - عبدالقآ ۷۶۱
	چہاروں شاعر برک ایران (انگلیسی) -	حام کیتی نما - رحمی ۵۲۴
	دکتر محمد اسحق ۶۶۵	حدید فارسی شاعری - دکتر منیب الرحمن
	چہار چمن رک مجموعہ عشق	۷۳۶
	چہار گلشن - رای چترمن ۷۷۵	خریدہ آوار تاحیک - سمرقند ۶۶۶
		خریدہ افغان ۶۶۶

- چهارمقاله - نظامی عروضی سمرقندی ۷۶۷ احمد شیرازی
- ۷۷۵، ۴۷۳، ۴۲۷، ۲۸۷، ۱۹۷ حدیقه الشعرا - دیوان بیگی ۷۲۹
- ۳۴۵ حاجی بابا (اصهبانی) - مودیر ۴۴۶ حدیقه الصفا
- ۲۸۷ حاشیه صفحات - محمد دهمدار حدیقه شرت - گنور پرشاد مهر
- ۴۴۱ حالات حیدرآباد شعیق ۶۴۰ سدیلوی
- ۱۵۷، ۱۴۵، ۱۱۸، ۶۰ حبیب السیر ۴۰۷ حدیقه علما - قانع
- ۷۸۲، ۴۹۰، ۴۲۸، ۳۹۹، ۲۸۷ حدایق الحنان - عبدالرزاق بیک دسلی
- ۷۶۹ معنون
- ۶۶۶، ۴۲۷ حدایق السحر و طوطا
- حدایق السلاطین - علی بن طبهور نظامی
- ۷۶۷ حدایق الشعرا میرزا امیر بیک
- بنارسی ۵۶۲، ۴۰
- حدایق المعانی و رک گلستان مسرت
- حدیث عشق یار با عیانت عرفانی -
- دکتر عرفانی ۶۸۰
- حدیقه الاحباب فی ذکر المعروفین
- بالکنی و القاب و اسباب - شیخ
- عناص قمی ۷۷۰
- حدیقه الاقالیم - مرتضی حسین
- بلگرامی ۷۷۴
- حدیقه امان الاهی - میرزا عبداله
- رونق کردستانی ۷۲۱
- حدیقه الاولیاء - سید عبدالقادر تنوی ۷۴۸
- حدیقه ثانی ۳۶۳
- حدیقه السلاطین - میرزا نظام الدین
- ۵۵۸ ۵۲۹
- حدیقه هندی - بهگوان داس هندی ۵۰۳
- ۷۱۱
- حصرات القدس - شیخ بدرالدین سهرندی
- ۷۴۵
- حقایق الانوار پارسی - عبدالرزاق دسلی
- ۷۷۶
- حقایق الاولیاء - محمد قیام الدین فاروقی ۷۴۷
- ۴۶۹ حقیقت الشعرا - شوق
- ۴۴۱ ۴۳۹ حقیقتهای هندوستان - شعیق
- ۷۵۳ حکایات اولیاء صالحین
- ۷۵۳ حکایات الصالحین - عثمان بن عمر
- حماسه الطرفا - ابو محمد عبدالکافی دوربی
- ۷۱
- حوار العرب - عمی ۶۴۴
- حوس الکوثر فی تکلمه روض الارهر -
- ۷۵۱ علی ابورقندر
- ۴۲۶ ۳۹۵ حیات الشعرا - متین کشمیری
- ۷۱۰ ۶۱۹ ۶۰۴ ۵۱۹ ۴۴۳
- ۵۳۹ حیات فریاد

حلاصۃ الکلام - علی ابراهیم حلیل	۴۵۶	جان آرزو و آثار وی	۳۳۰
۴۷۵		حرامات - حرین	۳۶۳
حلاصۃ لطایف الخیال ر . ک . تذکرہ بصرت		حرم گل - علی حسن خان	۶۰۷
۷۵۸ (ترجمہ) حلاصۃ المعاصر		حریطہ حواہر	۵۱۹ ۶۲۰ ۷۱۲
۸۵۹ حلاصۃ المناقب احمد بن محمد		حرا بہ عامرہ - میر علام علی آزاد بلگرامی	۲۰
۴۴۱ حلاصۃ الہند - شفیق		۲۱ ۲۵۸ ۲۶۴ ۲۶۸ ۲۹۸ ۳۲۷	
۷۴۶ حواری الباکین		۳۲۸ ۳۳۹ ۳۵۱ ۳۵۳ ۳۹۷ ۴۲۰	
۳۷۴ حوان حلیل طہوری		۴۲۵ ۴۴۳ ۵۱۹ ۵۹۸ ۶۰۴ ۶۱۹	
حورشید لامع یا منظر العالم - محم طباطبائی		۶۸۱ ۶۴۵	
۵۶۰		حریتۃ الاممیا - مفتی محمد علام سرور قریشی	
۳۳۲ حیامان - آردو		اسدی ہاشمی لاہوری	۷۵۰
۷۱۸ حیرالنبیان		حریتۃ الشعرا - سید علی احمد علی	۵۶۳
حیرات حسان - اعتماد السلطنہ محمد حسن		حریتۃ العلوم - منشی درگا پر شاد نار سرہندی	
۷۲۹ جان صبیح الدولہ		۷۴۱	
۳۳۵ داد سخن - آردو		حریتۃ کعب الہی - میر عماد الدین محمود	
داستانہای عشقی پاکستان - دکتر عرفان		الہی حسینی	۱۹۶
۶۸۰		خطای نامہ - سید علی اکبر خطائی	۶۲
داشمدان آردو جان محمد علی خان تربیت		حلاصۃ الاشعار - تقی کاشی	۲۰ ۱۲۴
۷۷۰		۴۲۶ ۴۶۰ ۴۷۳ ۶۰۴	
داشمدان حراسان - علامہ سار یاصی		حلاصۃ الافکار - ابوطالب جان تیریری	
داشمدان و سخن سرا یان - محمد حسین		اصغہانی	۴۰ ۲۶۵ ۴۷۷ ۵۱۹
رکن زادہ		حلاصۃ الدبج - شمس الدین فقیر	۴۸۶
دریای گوہر (جلد سوم) - مہدی حمیدی		حلاصۃ ریاض الشعرا	۴۷۳
۷۸۷ شیرازی		حلاصۃ الشعرا (ومبجانبہ) ملا صوفی مارندرابی	
دستورالعصاحت - حکیم سید احمد جان یکتا		و عبد اللطیف عباسی	۲۰ ۲۵ ۱۳۴
۷۴۰		حلاصۃ العاروفین	۷۵۳
دستورالمصحا	۱۲۰ ۱۲۳	حلاصۃ العروس - مصحفی امر و ہوی	۴۶۵

۷۰۴	» قوام الشعرا	دقترا اشعار منتخب از حاج سید ابوالفضل
۱۲	» کمال الدین اسمعیل	سمیدی ۷۰۵
۱۷	» محمدالدوله	دیناچه دیوان حسین ثنائی ۱۷۶
۶۳۴	» مسکین - حلیل	دیناچه دیوان عراقی ۱۷۵
۳۴۱	» منتحسب سراج الدین علیحاجان آردو	دیناچه دیوان فیضی ۱۷۶
۷۰۴	» وحشی بافقی	دیناچه غرّة الکمال ۱۷۶
۷۰۴	» یعمای چندنی	دیوان آدمیت - اوحدی ۱۵۵
۴۹۰	دخیره الحواقین	دیوان آراد (ملگرامی) ۳۹۵
	ذکر الاصبیا فی تکلمه سیر الاولیاء در عنقبت	دیوان اثر ۳۹۵
	شمس الهدا گل محمد معروفی کرخی جشتی	دیوان اسلم سالم ۶۸۲
۷۴۹		دیوان اشعار - قانع ۴۰۷
	ذکر جمیع اولیای دهلی - محمد	دیوان اعظم ۵۴۹
۷۴۷	حبیب اله اکبر آبادی	دیوان امیر آباد ۱۵۵
۷۳۹	ذکر میر تقی میر	» امیری ۶۶۶
۱۸۵	دیل میخانه	» حویا ۶۸۲
	راحة الصدور بحم الدین ابونکر - محمد	» حاصم ۷۰۲
۷۸۱ ۱۸ ۱۷ ۱۴	راوندی	» حلیل ۶۳۴
۵۱۱	راهمای کتاب	» درو فرور - اوحدی ۱۵۵
۷۰۲	راعیات حاصع	» ذوقیه هندی ۵۰۳
	رجال اصعهاں یا تذکره القنود -	» شوقیه هندی ۵۰۳
۷۶۹	ملا عبدالکریم اصعهاںی	» عاری ۶۶۷
۵۸۶	رساله اشتقاق - احمد علی	» هشتی ۶۶۷
۶۵۰	رساله بدر حسین - ترک علیشاه	» علی شیر - قانع ۴۰۴
۷۶۲	رساله بروگان سمرقند	» غنی ۶۸۲
۵۸۶	رساله ترانه - احمد علی	» فارسی - رحمی ۵۲۴
۱۱۹	» در عجایب و عرایب هند	» فال عم - قانع ۴۰۴
۷۵۷	» دررسل صوفیه	» قصاید و عریات ادیب پشاوری ۶۸۸

۶۶۶	دورنامہ نسیم شمال	۶۸۲	« درمن شالنامی
	روضات الحیات فی اوصاف مدینة الہرات		« رباعیات حیات۔ احمد بن حسین
۶۶۵	معین الدین معراری	۳۸۷	رشیدی تہریری
	روضات القیومیہ۔ ابوالعیش کمال الدین	۷۷۵	« سالار حنک
۷۴۸	محمد احسان	۵۰۳	« سوانح النبہ۔ ہندی
	روضۃ الارباب۔ ابوالحسن محمد قادری لاہوری	۳۶۵	« صیدیہ
۷۵۴	الروضۃ الارہر فی مائت القلندر یا الطایف	۵۸۸	« عبدالواسع ہاسوی
	الادکار فی مناقب الحمدہ الاحیار۔ مولوی	۴۰۷	« علمی مع شرح۔ قنچ
۷۵۱	شاء تقی علی قلندر کاکوروی	۳۶۴	« فرس نامہ
	روسہ اطہار۔ محمد امین حشری تہریری	۵۸۸	« قاعد۔ مولانا قاسم کاشی
۷۶۱	« اقطاب۔ محمد بلاق حالی	۷۵۴	«۔ قطعہ عشقیہ
	دہلوی	۶۷۷	(ترجمہ انگریسی) رستاخیر عشق
۷۴۶	روضۃ آسیا		رشحات عین الحیات۔ صحر الدین
۴۰۶	« الاولیا	۷۶۰	علی کاشفی صہی
۲۶۸	« الاولیا فی احوال اصفیاء۔	۷۴۳	رشی نامہ۔ بابا نصیب الدین سہروردی
	محمد حسین	۷۴۴	رشی نامہ۔ بہاء الدین بہا
۷۵۴	« الاولیا۔ میر غلام علی آراد بلگرامی	۴۸۶	رقعات عالمگیری
۷۴۸	« العنان و حنۃ الحبان۔ حسین	۷۱	رقیۃ القم
	واعظ قروینی تہریری	۶۸۸	رک مہنا۔ میرزا صاحب دانی
۷۶۰	(ترجمہ فارسی)۔ روضۃ الریاحین		روح اقبال۔ دکتر محمد یوسف حسین
۷۵۸	صل اللہ جہاں	۶۸۸	روروش۔ محمد مظہر حسین
	روضۃ السلاطین۔ مولانا سلطان محمد	۲۴۰	گوپاموی
۹۵۱۹۱	صحری من اہیری	۲۰۳، ۶۱۹، ۶۱۲، ۶۰	۳۱۳، ۳۱۱
۷۸۳، ۱۴۵، ۱۱۹	روضۃ الصفا	۶۶۶	رورنامہ بہار
		۶۶۶	رورنامہ طوفان
		۷۳۱	رورنامہ ملتی

- روضة الدیلمین امین احمد ثنائت فرودسی
 ۵۶۰ رایده العرایب - بحم طباطبائی
 ۷۵۲ المعام الحسینی ۲۲۳
 ۶۸۰ رومی مصر - دکتر عرفانی
 ۷۶۵، ۵۳۷ ریاض الاقکار وزیر علی حسرتی
 ۷۴۶ ریاض الاولیاء محمد تقاسم پوری
 ۷۷۶ ریاض الحنف میرزا حسن حسینی فانی
 ریاض الشعراء علیقلی جان والهدا غسانی ۳۰
 ۱۶۱ ۲۴۹ ۲۹۹ ۲۹۹ ۳۹۹ ۴۲۶
 ۴۲۶ ۴۴۳ ۴۴۹ ۴۶۰ ۴۷۰ ۴۸۱
 ۴۹۱ ۴۹۶ ۵۰۴ ۵۱۹ ۵۴۰ ۵۵۴
 ۵۹۸ ۶۰۴ ۶۱۹ ۶۴۵ ۶۸۱
 ریاض الشعراء ریاض ۷۱۸
 « الصغافی مشاهیر الرجال والنساء -
 محمد مهدی فروغ اصغفانی ۷۷۱
 « العارضین - رضا قلیخان هدایت ۷۶۱۷
 « الفرودسی - مولوی محمد حسین شاه
 جها پوری ۵۸۲
 « الفصحی (تذکره شعراء اردو)
 امر وهوی ۴۶۴ ۴۱۵ ۷۴۰
 « الواصلین - گرامی ۷۶۱
 « العرفان - دو القادر علی مست ۵۱۴
 « النور - محمد امام الدین ۷۵۴
 ریحانة الادب - میرزا محمد علی تبریزی
 ۷۷۰
 زاد المتقین فی سلوک طریق الیقین -
 عبدالحق دهلوی مجاری ۷۴۲
 رایده القواید - آبرو ۳۳۷
- رایده العرایب - بحم طباطبائی ۵۶۰
 المعام الحسینی ۲۲۳
 المقامات - محمد هاشم الدحشانی
 ۷۴۴
 « المناقب - قانع ۴۰۵
 رمان مغنورہ - علی اکبر شیر سلیمی ۷۰۳
 ۷۳۳
 ردگی شاه عباس اول ۷۰۴
 روایده القواید - عبدالواسع هابوی
 ریست الاحلاق - قانع ۶۰۴
 ریست الرمان یا تاج النوار یح وسلالة السیر -
 ملک الکتاب شیرادی ۶۲۲
 رینة المدایح - محمد صادق ۷۲۱
 رینة العرایب - محمد رضا بحم ۷۷۹
 ساعتی باشاعر رک صدی
 ساقی نامه - ترک علی شاه ۶۵۰
 سالک طریقت ۷۵۴
 سامی فی الاسامی - حشری تبریزی ۷۶۹
 صحفة المرحان فی آثار هندوستان ۲۶۹
 سخن الشعراء - مولوی عبدالعمور خان
 بهادر ساح ۷۱۱
 صحوراں ایران در عصر حاضر - دکتر
 محمد اسحق ۲۶۶، ۲۶
 صحوراں بلذکر - مولوی محمد منور گوهر
 ۷۳۵، ۵۲۹، ۲۶۱، ۲۵۹
 صحوراں چشم دیدہ - ترک علی شاه قلندر

- ۴۶۶ شاهنامه - مصحفی امر و هوئی
شستانستان - تذکره ۷۰۴
شجره اطهر اهل بیت - قانع ۴۰۶
شجره اولیاء طریقہ قادریہ محدودیہ -
محمد یوسف علی قادری ۷۵۴
شجره اولیاء نقشبندی - حبیب الہ نقشبندی
۷۵۴
شجره چشتی و قادری و قلندری و صابری -
علامہ بھیک ۷۵۴
شجره حادان نقشبندیہ و قادریہ
ابوالحسن صدیقی دابوتی ۷۵۵
شجره الطوری شرح آیت النور - حریر ۳۶۵
شجره طیبہ ۲۶۸
شجره طیبہ، حسین الہ عربوی ۷۵۵
شجره طیبہ - حادان چشتیہ ۷۵۵
شجره طیبہ سلسلہ عالیہ سہروردی حضرت
رفیقہ ۷۵۵
شجره طیبہ سلسلہ عالیہ نقشبندیہ ۷۵۵
شجره طیبہ قادریہ ۷۵۵
شجره طیبہ - قمر الدین علی مست ۷۵۸
شجره العارفین - محمد علی الفت ۷۵۵
شجره قادریہ - علامہ سی ۷۵۵
شجره قادریہ رحیم بخش ۷۵۵
شجره مبارکہ چشتیہ صابریہ شاہ حبیب الہ
تا: ب اللہی ۷۵۵
شجره منیر کہ منظومہ - رحیم بخش ۷۵۵
شجره مشایخ صوفی کشمیر ۷۵۶
- سد باد نامہ - محمد بن علی الطہیری
السرقتندی ۶۵
سیدۃ السعادات فی حسن حاتمۃ السادات
۲۶۷
سوات الاتقیاء - شیخ بدر الدین سہروردی ۷۴۵
سواطع الانوار - محمد اکرم النارسوی ۷۴۷
سیاحت نامہ - حواجہ غلام الثقلین (ہندی) ۶۶
سیر الاقطاب - الہ دیاچشتی عثمانی ۷۴۵
سیر الاولیاء فی محبت الحق حل و علی
سید محمد مبارک علوی کرمانی ۷۴۲
سیر العارفین - حامد بن فصل الہ درویش
جمالی ۷۴۳
سیرت حلال الدین منکری نور الدین محمد
سوی، ترجمہ محمد علی ناصح ۶۵
سیر المناظرین - علامہ حسین خان ۳۵۳ - ۳۶۰
۴۵۷ ۴۶۲ ۷۷۹
شادستان چہار چمن - ہر رانہ بہرام ۲۰۴
شاعر شرق - تالیف عبدالہ انور بیگ
(انگلیسی) ۶۸۹
شام عربیہ - لچہمی برائن شفیق اورنگ
آبادی ۷۱۱، ۶۲۰، ۶۰۵، ۵۵۵، ۴۴۵
شامجہاں نامہ - رک عمل صالح
شامجہاں نامہ - شیخ عبدالحمید ۳۸۴
شامجہاں نامہ - ملا علاء الملک توبی ۳۸۴
شاہد صادق - میرزا محمد صادق اصفہانی
۷۸۷
شاہکارہای شعر معاصر - فریدون کار ۷۳۳

- ۷۳۵ گیلانی
 شعر فارسی در عهد شاهرح - دکتر یارشاطر
 ۷۸۷
 شفاء العلیل فی اصلاح کلام ابی الطیب العتشی
 ۴۷۰
 شکرستان فارس - سید محمد حسین شجاع
 ۷۳۰ شیرازی
 ۳۳۳ شکوفه راز - آرزو
 شکوه‌های دوق و ادب - ابوالحسن احتشامی
 ۷۷۲
 شمامة العیر فی الهند من سید البشر ۲۶۹
 ۷۶۲ شمایل اتقیا
 شمس الاساب - محمد معصوم سرباصهبانی
 ۷۵۶
 ۵۸۵ شمشیر تبریز - احمد علی
 شمع انجمن - نواب سید صدیق حسن
 ۶۰۹۰، ۶۰۰۰، ۵۹۲، ۵۵۸، ۳۲۶ جان
 ۷۰۳، ۹۱۹، ۶۱۴
 شیراز نامه - احمد بن ابی العیر شیرازی
 ۷۵۹، ۱۵۷
 صحیح صادق ۲۸۷، ۳۸۴، ۴۲۸، ۵۱۹، ۶۰۵
 ۷۷۴
 صحیح گلشن - سید محمد علی حسن جان ۵۲۱
 ۶۸۱، ۶۱۴، ۶۱۱، ۵۶۹
 صحیح وطن - نواب علام عوث جان اعظم ۳۱
 ۷۰۳، ۵۵۸، ۵۴۹، ۵۴۵، ۵۲۸
 ۵۲۸ صحاح جوهری
 ۷۵۶ شجره نقشبندیه - سید امام علی
 شرایف عثمانی - غلامحسین ثامن صدیقی
 ۲۶۶، ۲۶۸ فرشوری بلگرامی
 شرح احوال و آثار حویا - ناھتمام دکتر محمد
 ۶۸۱ واقف
 ۷۶۳ شرح اولیا
 شرح حال و آثار ملك الشعراء بهار - دکتر
 ۶۸۰ عرفانی
 ۱۴۳ شرح حدیقه
 شرح دیوان مرتضوی - میر - میدی
 ۲۸۶
 ۳۳۳ شرح قصاید عرفی - آرزو
 ۳۶۵ شرح قصیده لامیه حرین
 ۳۳۴ شرح گلگشنی میر سجات - آرزو
 ۳۳۴ شرح مختصر المعالی - آرزو
 ۵۸۸ شرفنامه
 شعرای مرزک ایران هوشیک مستوفی ۷۳۳
 شعرای پارسی زبان کشمیر رک تذکره
 شعرای پارسی زبان کشمیر
 شعرای عصر پهلوی - دیه شاحی بهائی ایران
 ۶۷۷
 شعرای فارسی زبان پیشاور - دکتر ندیر میرزا
 ۶۸۵ در لاس
 شعرای معاصر فارسی دکتر عرفانی ۶۸۰
 شعر حدید فارسی (انگلیسی) دکتر محمد
 ۶۶۵ اصحق
 شعر العجم - شلی نعمانی ترجمه فخر داعی

- ۱ یحیی الیرید صحف ابراهیم۔ ابراهیم جان خلیل ۱۳۲ء
 « الشعرا۔ قدرت الہ صدیقی شوق سنبھلی ۴۷۱، ۴۵۹، ۳۲۳
 ۷۳۸، ۵۴۰، ۴۶۹ صحیفۃ الارقام۔ علاء الدولہ قزوینی ۱۰۴
 ۷۵۸ « صوفیہ۔ عبدالہ اصاری صحیفۃ الاعمال و مرآت الاحوال۔ عبدالعلی
 ۱۱۹ « فقہا ۷۷۵
 ۱۱۷ « محمود شاہی سدھ باساعتی ناشر۔ دکتر دارپوش سنور
 ۷۸۱ « ناصرئ۔ منہاج الدین سراج ۷۳۳
 ۷۶۲ مشایخ نقشبندیہ بخارا ۷۵۹
 طریق الحقایق۔ معصوم علی نعمت اللہی صغیر دل۔ حرین ۴۶۳
 ۷۶۲ شیرازی صنایع الحسن۔ حرئ ابن امیری ۹۴
 ۷۴۱ طور کلیم۔ سید نور الحسن جان صولت فاروقی۔ آشوب تورانی
 ۴۰۶ طومار سلاسل گریدہ۔ قانع صرب کلیم اقبال لاهوری (ترجمہ فارسی)
 طہر نامہ تیموری۔ شرف الدین علی یردی ۶۸۰
 ۷۸۳، ۱۱۸ ر.ک طہر نامہ تیموری ضوع الدراری۔ آزاد ۲۶۹
 ۲۴۵ طہر نامہ شاہ عباس صیاد القلوب۔ عماد اللہ فاروقی ۷۵۳
 طہر نامہ۔ شرف الدین علی یردی طبقات اکبری۔ نظام الدین احمد ۱۹ء
 ر.ک طہر نامہ تیموری ۷۷۸، ۴۹۶، ۱۲۶
 ۷۴۷ طواہر السیر۔ محمد النیشاپوری طبقات الادبا۔ کمال الدین ابی المرات
 ۷۱۰ عارف الآثار۔ محمد عارف نقاشی ۱
 ۳۳۴ عالم آب۔ آرزو طبقات الاولیاء۔ شیخ سراج الدین عمر ۱
 ۴۷۳، ۳۸۴، ۲۸۷، ۳۴۵ عالم آرای عباسی « سخن۔ شیخ علام محی الدین قریشی
 ۷۸۲، ۵۱۹ میر تھی ۵۱۱
 ۳۳۵ عبرت حسابه۔ آرزو « سخن۔ عشق ۴۴۸
 ۱۱۸ عجایب مخلوقات « سلاطین اسلام۔ استانبلی لیب بول ترجمہ
 ۷۵۲ عراس بررگان مرحوم عباس اقبال ۱۱۱
 ۷۱ عرب نامہ۔ ابوالقاسم ناحرری « شامیہا۔ محمد صادق ۱۸۹، ۳۲
 عرفات العاشقین۔ تقی اوحدی ۱۵۱، ۳۹ « الشراء۔ امیہان البصری واسمعیل بی

۱۵۵	فردوس خیال - اوحدی	۴۵۰'۳۳۷،۳۰۴،۲۷۴،۱۹۳
۷۰	فردانگان زرتشتی - رشید شهمردان	۶۲۰'۴۷۳
	فرودسار ر.ک. فرهنگ نفیسی	۴۴۷
۱۳۰'۱۱،۹،۸،۲	فرهنگ آندراج	۳۳۴
	فرهنگ برهان قاطع ر.ک. برهان قاطع	
	فرهنگ تازی بیاری - استاد	۴۶۳
۱	فدیع الرمان هرورافر	عمده مستخبه - نواب اعظم الدوله
	فرهنگ تراجم شرقی (انگلیسی)	۷۴۰
۴۶۸،۳۱		میر محمدحاج سرور
۵۱۹	فرهنگ جهانگیری	عمل صالح یا شاه جهان نامه -
۵۱۹'۴۲۲'۳۹۵	فرهنگ رشیدی	محمد صالح کنوه لاهوری ۱۴۲، ۳۸۴، ۷۸۰
	فرهنگ فارسی - عبدالرشید قنوی	عوامل الاسرار فی مرایب الاسفار -
	ر.ک. فرهنگ رشیدی	۷۲۲
۳۴۳	فرهنگ نامه - حرین	عبدالکریم بن محمد قاسی
	فرهنگ نظام - سید محمد علی	۷۴۰
۱۳۰'۱۱،۱۰،۹،۲	(داعی الاسلام)	عیار الشعرا - خوب چندد کادهلوی
	فرهنگ نفیسی - ناظم الاطبا	۱۵۵
۱۳۰'۱۱،۱۰،۹،۲		عین الحیات - تقی اوحدی
	فرهنگ بویسی فارسی (انگلیسی) -	۱۱۸
۳۳۲	بلو حمان	غرایب الاسرار
۷۶۳	ضایل ملح	۲۶۷
۶۲۸	فلسفه ایران باستان - دشاحی	غزالان هند
	فوائد سعیدیه - قاصی محمد ارتضی	۴۰۶
۷۵۰	علی حان حشود گویاموی	قارصنامه ناصری - شوریده شیرازی
۷۵۷	فوائد القواد - نجم الدین حسن مسحری	۶۶۷
۲۸۵	فوائد القواد - مصمص الدوله	۶۸۰
۶۲	فهرست کتابخانه لیدن	۷۱۲'۶۴۵
		فارسى امروز - دکتر عرفانی
		فانوس خیال - فنی
		فتاوی مجمع المسائل - مولوی
		۵۵۳
		شاه عبدالرحیم
		۵۱
		فتوح البلدان - ابوالحسن بلادی
		الفرح بعد الشدة - قاصی امی الحسن
		۶۹'۵۴
		بن علی التنوخی
		۷۷۴
		فرحت الناظرین - محمداسلام اصراری
		۶۵۰
		فرحنامه ترکعلیشاه

۴۹۶،۲۷۴،۱۵۵	کعبه عرفان - اوحدی	۹۳	قاموس الاعلام - شمس الدین حامی
۷۳۵	کلام الملوک - میر سادات علی رضوی	۲۶۹،۲۶۰	قاموس العلوم - شمس الله قادری
	کلمات الشعرا - میان محمد اہل	۷۶۵	قاموس مشاہیر
۱۹۱،۱۴	سرخوش	۷۵۱	قصر عارفین - احمد علی حیر آبادی
۳۳۸،۲۸۷،۲۴۹،۲۲۱،۲۱۰		۷۱۹	قصص الحاقابی
۴۶۰،۴۴۳،۴۲۶،۴۰۸،۳۸۴		۷۶۹	قصص العلماء - محمد بن سلیمان تمکانی
۵۸۸،۵۷۱،۵۵۵،۵۱۹،۴۷۳		۱۵۴	قلم قدرت
۶۸۱،۶۴۵،۶۲۰،۶۰۴		۷۱۱،۶۲۰،۶۱۴	فتنہ پارسی
	کلمات السادقین - محمد صادق	۴۰۹	قوانین انشاء بالغ
۷۴۳	کشمیری ہمدانی	۳۵۵	قول فیصل - امام بخش مہنائی
۷۵۳	کنز الانساب - عبدالرزاق عطا حسینی		کارنامہ - نظام الدین احمد صدیقی
۳۳۳	کلیات آرزو	۷۴۶	حسینی
۱۵۵	• اوحدی	۱۵۶	کافیۃ القافیہ - اوحدی
۶۸۸	• سمل بخاری	۶۶۶	کاہن شعرا
۶۸۸	• خوشحال خان		کتاب ملارادہ - احمد بن محمد بن
۶۸۸	• رضا ہمدانی	۷۵۹	معین الفقرا
۶۸۸	• رضای کاظمی		کرامات الاولیاء - نظام الدین احمد صدیقی
۲۱۳	• سرخوش	۷۴۶	حسینی
۶۸۸	• سید جگر کاظمی	۷۵۳	کرامت الاولیاء
۶۸۸	• سید صبا جعفری		کشف الصاعہ یا منتجات محمدی
۶۸۸	• سید محمد شاہ برق	۶۲۳	ملک الکتاب شیرازی
۶۸۸	• قاسم علیہ جانی آفریدی	۵۹۷،۶۰،۲۰۱	کشف الطنون حاہی حلیہ
۶۸۸	• ملک ناصر ملیح خان		کشف المحجوب - علی بن عثمان
۲۷۳	• ندرت	۷۴۲	الحلای الہجویری
۳۸۵	• نعمت خان عالی	۲۷	کشکول آزار
۳۵۱	کعبہ المرآہ - حویں	۶۳۴	کشکول مسکین
	گرارش مسوطی راجع ماہالی کشمیر	۱۵۴	کعبۃ الحرہیں
		۱۵۴	کعبہ دیدار - تقی اوحدی

۶۲۰-۶۰۵	گلستان مسرت	۶۸۲	مرثه متین الرمان
	گلستان مسرت یا حدایق المعانی -	۶۵۰	گلنایک ترکی
۷۸۸	محمد حان مصطفی	۷۵۲	گل بهشتی - امین احمد ثبات فردوسی
	گلستان هند - درگاپر شاد مهر		گلچین جهانبانی - سر تیپ
۶۴۰	سندیلوی	۷۰۴	محمد حسین جهانبانی
	گلشن ابراهیمی و ک تاریخ ورشته		گلدسته - عبدالوهاب عالمگیری
	گلشن سخن - میرزا کاظم مردا علی حان	۲۷۴-۱۶۳-۴۰	
۷۳۹	منتلا		گلدسته کرمانک رحیم باقر حسین راییق
	گل عجبائپ - اسد علیحان تصا	۵۷۱-۵۵۸-۵۲۷-۳۱	
۷۳۹	اورنگ آبادی	۷۸۸	گلدسته نشاط - مولال
	گلشن بیجار - مصطفی حان شیفته		گل رصا - لچهمی برائن شعیق اورنگ آبادی
۷۴۰-۵۲۱-۴۶۸		۴۳۸-۴۲۱-۳۱۳-۲۴۳-۲۲۹	
	گلشن فطرت و ک نیاس میر معر حان فطرت	۶۲۰-۶۰۵-۵۵۵-۵۱۹-۴۴۵	
	گفتار - حواحه حان حمید		گلزار ابرار - شیخ محمد مندوی
۷۳۷	اورنگ آبادی	۵۲۰-۳۸۵	
۷۲۳	محمود - محمود میرزا	۷۴۳	گلزار ابرار - محمد عوشی شطاری
۶۵۰	معنی - ترک علیشاه		گلزار ابراهیم - علی ابراهیم حان
	باررک تذکره النساء نادری	۷۳۹-۴۵۹	خلیل
	همیشه بهار - عبدالعلیم نصر المخان	۷۰۴	گرار ادب - حسین مکی
۷۴۱	قرا احمدی خویشگو و حور حوی		گلزار اعظم - نواب قلام عوث حان
۴۶۵-۴۶۲	د هند	۵۵۳-۵۴۹-۵۴۶-۵۲۷-۲۱	اعظم
	گل فردوس - امین احمد ثبات	۵۷۰-۵۶۹-۵۵۸	
۷۵۲	فردوسی		گرار خلیل - مولای انوم محمد حسن
	گلهای ادب - میرزا حسین حان سعادت	۷۵۱	نعمی قادری
۶۶۷	نوری	۳۳۵	گلزار خیال - آرزو
	گلهای حاویدان در بوستان ادب ایران -		گراد سرور و ک ریاض النور
	مهدی توحیدی	۴۸۵	گلستان سعدی

- گنج تاریخ، ک. گنجینه سروری
گنج سخن - دیبج الله صفا ۷۳۴
گنج شایگان - میرزا طاهر منشی شعری
اصحہائی ۷۲۷
گنجینہ سروری - معنی علام سروری ۷۵۰
گویندگان معاصر - حمین عمادزادہ ۷۳۲
لاریس گرت میرت ۵۸۹
تالی ادب ۶۶۷
لباب الالباب - محمد عوفی ۱۶، ۱۵، ۱۸،
۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱
۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱
لباب المعارف العلمیہ فی مکتبہ دارالعلوم
الاسلامیہ پیشاور - مولوی عبدالرحیم
لبالالباب (لباب الالباب) ۶
لبالالباب - حاجی محمد قلی قاجار ۷۸۲
لب تاریخ کلہورہ - قانع ۴۰۷
لب التواریخ ۱۱۸
لب السیر و جہان نما - میرزا ابو طالب خان
۷۸۰، ۴۸۱
لب لباب - قمر الدین علی ۴۴۸، ۳۱۰
لطایف الادکار فی مناقب عمدۃ الاحرار ک
الروصۃ الارہق مآثر قلندر
لطایف الحقایق من بغایس الدقایق ۱۴۳
لطایف الخیال - شیخ معید شیرازی ۲۰۲
۶۴۵
لطایف الطوایف - علی بن ملاحسین واعظ
شفی ۷۰۴، ۴۰۹
- لطایف الطوایف - قمر الدین علی صفی
بیہقی ۷۷۶
لطایف اللغات ۱۴۳
لطایف المسموی من حقایق المثوری ۱۴۳
لطایف نامہ - فخری ابن امیری ۹۳
۷۱۵، ۹۱۴
لمعات من صفحات القدس - شیخ علیم ۷۴۳
لمعة الشمس ۷۵۳
اللمعہ (من) مرآت فی شرح شہیدہ اللہ ۳۶۴
لوامع مشرقہ ۲۴۶
لوح محفوظ ۱۵۵
مآثر آصفی ۴۱، ۴۴۰
مآثر حیدری ۴۴۱، ۴۴۰
مآثر الامرا - صمصام الدولہ شاہوار خان
۷۶۷، ۳۹۵، ۲۸۶، ۲۶۰، ۱۳۶، ۱۰۹
مآثر الناقریہ - سید محمد علی طباطبائی
۷۲۴
مآثر رحیمی - ملا عبدالناقی بہاوردی ۹۰۹
۷۷۹، ۴۷۳
م صدیقی (اردو) - علی حسن خان ۶۰۰
۶۰۸
م الکرام - آرادیگرامی ۲۳۳، ۲۶۸،
۸۶۵، ۴۸۳، ۳۹۵، ۳۸۶
المآثر والاثار - محمد حسن خان ۷۸۳
مائدہ حلیل ۶۳۴
مثمر - آورو ۳۳۶

۷۶۰ . ۴۷۳	۴۰۵	مثنوی باعلا بن فوم - قانع
مجالس المؤمنین - محمد باقر مجلسی		مثنوی بهاگوت یا مهر صبا - شیخ احمد علی
۷۶۷ . ۴۷۳ ' ۴۰۹	۵۰۳	سندیلوی
مجالس النعائیس - دو ترجمه آن از قرن دهم	۶۵۱	مثنوی ترانه حق - ترک علیشاه
۳۹۹ ، ۲۶۲ ، ۱۹۳ ، ۱۱۹ ، ۹۳ ، ۶	۴۰۵	» چهار مرله - قانع
۴۹۶ ، ۴۷۳	۴۰۶	» حاتم السلوک - قانع
(ترجمه) مجالس النعائیس - ار عبدالباقی	۲۶۷	» سراپای عشق
۷۱۰	۵۰۲	» سلسله المحبت - هندی
شریعت صوی		» سورسار
(ترجمه فارسی) مجالس النعائیس - شاه علی	۳۳۳	
۷۱۶	۱۵۵	» شترگره - تقی اوحدی
بن عبدالله		» شکراب - ترک علیشاه
(ترجمه فارسی) مجالس النعائیس حکیم (شاه)	۶۵۱	
محمد بن مبارک قزوینی	۶۶۰	» صورت سرمد - ترک علیشاه
۷۱۶		» طول امل - ترک علیشاه
محلله آینه	۶۵۱	
۶۶۶	۶۵۰	مثنوی گلزار محبت - ترک علیشاه
محلله ارمغان		مثنوی مسور عشق - عشق
۶۶۶	۴۴۷	مثنوی قصاص نامه - قانع
محلله اردو	۴۰۶	مثنوی قصه کامرپ - قانع
۶۱۹	۴۰۴	مثنوی کان حواهر - قانع
محلله احسن ایران و هند		مثنوی محبت نامه - قانع
۶۶۵	۴۰۷	مثنوی مرزنامه
محلله ایرانشهر	۳۰۳	» مطهر الانوار - شیخ احمد علی سندیلوی
۶۶۶	۵۰۳	
محلله بهار	۲۱۴	» نور علی نور
۶۶۶	۳۹۵	مثنویهای شهید
محلله ترقی	۳۹۵	مثنویهای یکتا
۷۰۵	۱۹۳	مجالس عبدالقادر مراغه‌ای
محلله دانش		مجالس العشاق - عبدالعاری سلطان حسین
۶۱۹		
محلله دانشکده		
۶۶۶		
محلله کامل		
۶۶۶		
محلله ندیم - بهار صیر		
۵۴۵		
محلله نمکدان		
۶۶۶		
محلله بونهار		
۶۶۶		
مجمع الاساب		
۱۱۸		
مجمع الاولیا - میر علی اکبر حسینی اردستانی		
۷۴۴		

مجموعه عشق - علام محی الدین میر تھی ۴۴۷	۷۱۱	مجمع الملقا سمایلی
مجموعه شعرا - سراج الدین حسینی ۷۸۷	۷۳۰	مجمع الخواص (ترجمہ فارسی)
مجموعه بحر - سید ابوالقاسم میر قدرت الہ	۱۸۷	مجمع الشعرا - قاطعی
قادری قاسم ۷۴۰ ، ۳۳۱		مجمع الشعرا - کاتب الملک دوری
محبوب انارمن (تذکرہ شعرا دکن) - مولوی	۷۸۶ ، ۴۷۳	
عبدالحمید خان ملکپوری ۷۳۵ ، ۵۶۵	۴۰۹	مجمع الصایح - نظام الدین احمد
محدث شعرا - محمد صالح شاملوی حراسانی		مجمع التصحاح - رضاقلینخان ہدایت
۵۲۹	۷۲۷ ، ۷۰۳ ، ۶	
محرر الاولیاء - رشید الدین مودود لالچشتی		مجمع العیلا - محمد عارف نقائی
۷۵۴	۶۱۹ ، ۶۶۴ ، ۴۹۱ ، ۴۳۶ ، ۱۰۹ ،	
محرر الواصلین - میر محمد فاضل ترمذی	۶۴۵	
۷۴۵		مجمع المحققین - ملا محمد صادق یار کندی
مختار نامہ - قانع ۴۰۶	۷۶۱	
مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر فارسی	۵۶۰	مجمع الموک - محم طباطبائی
دکتر دبیح اللہ صفا ۷۷۱		مجمع النفایس - سراج الدین علیخان آردو
محرر اخبار - میر مختار ۱۷۵	۳۰۱ ، ۲۹۴ ، ۲۴۱ ، ۱۶۱ ، ۳۱ ، ۲۱	
محرر شعرا - قاصی نور الدین حسین، خان	۴۲۶ ، ۴۲۲ ، ۴۲۰ ، ۶۲۶ ، ۳۲۲	
رسوی فائق ۷۴۱	۵۰۴ ، ۴۹۶ ، ۲۷۰ ، ۴۶۰ ، ۴۴۳	
محرر العراس - قادری ناگوری	۶۰۴ ، ۵۹۸ ، ۵۷۱ ، ۵۵۴ ، ۵۱۹	
۷۴۸	۶۲۰	
محرر العرایس - شیخ احمد علی سندیلوی	۷۶۴	مجمع النقول - محمد علی ہندی
۴۹۴ ، ۳۶۱ ، ۳۴۴ ، ۲۴۰ ، ۱۵۱ ، ۹	۲۸۷	محمل التواریخ
محرر لالی - شباب کرمانشاہی ۶۶۷	۱۴۶	محمل صیحی
محرر نکات - شیخ محمد پیام الدین قائم	۷۴۸	مجموعہ
چاندپوری ۷۳۸ ، ۳۳۱		مجموعہ حیدر شکوہ - میرزا محمد حیدر شکوہ
مدایح الامینیہ یا مدایح الحسینیہ - عبدالماقی	۷۶۵	

مرآت الرمان، ملك الكتاب بشير اری ۶۲۳	اصفهانى ۷۲۱
مرآت الصفا ۴۹۰	مدایح السلطان ۶۹
مرآة العالم - شیخ محمد باقی سهار پوری ۷۷۴	مدایح الشعراء - نواب عنايت حسين خان موهجور ۷۴۱
مرآت المشوي ۱۴۲	بنارسى ۷۲۵
مرآت الواردات - محمد شفيح وارد ۷۸۰	مدایح المعتمديه - محمد على بهار اصفهانى ۳۴۶
مردم ديده - ملا عبدالحکيم، حاکم لاجپوری ۳۵۶، ۳۲۷، ۲۹۹، ۲۶۳، ۳۱	مدة العمر - حریں ۷۳۰
۴۱۵ ، ۴۲۶ ، ۲۴۳ ، ۱-۴	مدیة الادب - محمد على صرت ۷۱۰
مرادات کرمان رک، تذکرة اوليا يامرات ۳۶۵	مداق سخن - شاه سيد حسن ۷۱۰
کرمان ۷۱۷ ، ۱۹۳	مداكرات في محاسرات - حریں ۳۶۵
مزارات هرات ۱۶۸	مذکر الاحباب ۷۱۷ ، ۱۹۳
مسودات محمد الدين قوسی ۲۴۵	مرآت الادوار - مصلح الدين محمد اللاری ۹۷۴
مسیر طالبي في بلاد افرنجی ۴۸۱	مرآت الاسرار - عبد الرحمن عباسی علوی ۷۴۵
مسك الحتام في شرح بلوغ المرام - نواب صديق ۵۹۷	چشتی ۷۴۵
مشاهير السیاء - محمد ذهبی آفندی ۶۲۳	مرآة آفتاب نما - شاهنوار خان هاشمی ۷۷۹ ، ۵۱۹
مشحرات - سيد شهاب الدين بحمی ۷۰۵	مرآت احمدی - علی محمد خان ۷۷۵
مشکوة المنوعة - سيد علی ۷۵۳	مرآت الاحوال درك مرآت الاحوال جهان نما
مصباح الاحق - لا غيرتی ۵۳۷	مرآت الاحوال جهان نما - احمد اصفهانى ۷۸۱ ، ۷۶۶
مصطبه حراب - احمد قاجار ۷۴۵	مرآت جهان نما ۴۷۳ ، ۱۹۲
مصطلحات الشعراء - وارسته ۴۹۵	مرآت الحیال شیرخان لودی ۲۸۷ ، ۲۲۰
مصامير الشعراء - محمد رضا بن محمد حعفر ۷۸۶	۴۹۶ ، ۴۴۳ ، ۴۲۶ ، ۳۹۹ ، ۳۸۴
مطبوعات ایران (انگلیسی) - پرسود تراوی ۵۹۸ ، ۵۸۵ ، ۵۷۱ ، ۵۵۵ ، ۵۱۹	
۶۶۶	۶۱۹ ، ۶۰۴

- مطلب الطالین - ابی العباس محمد طالب ۷۶۹
- مطلب السعدین - کتاب الدین عبدالکرزای ۷۸۳
- مطلع الشمس - محمد حسنین خان مرانی صنیع ۷۷۶
- مطلوب الطالین - محمد علاء حاندی دهلوی ۸۴۶
- مطلع الاقطار - حزیں ۳۶۳
- مطول - ملافتنازانی ۴۸۵
- مظهر الاحدیہ فی بیان الاسباب السادات دیندیہ سید عبداللحد ظفر آبادی ۷۶۵
- مظهر البرکات ۲۷۰
- معارف الولايت - عبداله خویشکی ۷۴۶
- معارف الانوار - محمد صالح تنوی ۷۴۹
- معجم البلدان ۴۷۳
- المحکم فی معاییر اشعار الاحم - ۱۲
- شمس قیس رازی ۱۲
- معدن الحواهر - مولوی محمد مهدی واصف ۲۰۹ ۵۴۶ ۲۱
- معراج التوحید ۴۸۰
- معراج الحیال - وزیر علی عسرتی ۵۳۶، ۴۰
- معراج العشاق - عسرتی ۵۳۸
- معمولات مظهریہ ۷۴۹
- معیار الافکار - آرزو ۳۳۴
- معیار سالکان طریقت - قانع ۴۰۶
- معیار سالکین طریقت - قانع ۷۴۹
- معین الاولیاء - قاصی سید اعجاز الدین ۷۵۲
- مغنیہ الریاست - رحم طباطبائی ۵۵۹
- مفتاح التواریح - طامس ولیم بیل ۲۸۳ ۴۷۷
- مفتاح الحطوط - رضا علی شاه قادری ۷۶۷
- مفتاح الرقی ملک الکتاب شیرازی ۶۲۳
- مفتاح مفاتیح وعینہ ۱۵۶
- مفید الشعرا - مصطفی امر و هوئی ۴۶۵
- مقاله الاسرار ۱۹۳ ، ۱۵۸
- مقالات الشعرا - قیام الدین حیرت ۲۳۶
- ۲۴۰ ، ۲۴۱ ، ۲۴۲ ، ۲۴۳ ، ۲۴۴
- مقالات الشعرا - میر علام علی شیر قانع تنوی ۴۰۱
- مقدمه حوامع الحکایات - دکتر محمد نظام الدین ۸۰
- مقولات اولیاء الہ ۷۵۳
- مقولات اولیاء کرام ۷۵۳
- مکتوبات فیضی ۳۸۴
- مکتوبات صبا یا نسب نامہ کلان - شاہ صبا الہ ۷۵۱
- محرر قادری حنفی ۷۵۱
- مکلی نامہ - میر علی شیر قانع تنوی ۴۰۵
- ۷۴۸
- ملتئم الاحیاء من الریا (ترجمہ فارسی) ۳۳۴
- ۷۶۹

منتخبات محبتی - ملك الكتاب	۷۵۴	مناجات حاکی
۶۴۳ شیرازی	۱۱۸	مناظرة الاسان
منتخب لابند محمد شامی حان		مناقب احمدیه - حاجی محمد امین بدحشی
۷۸۷ حوای حای	۷۴۴	
منتخب الطایف - رحیم علیجان	۷۵۳	مناقب اصعبا
۵۹۹، ۴۷۰		مناقب اولیاء شریفی - شریف بن شریفی ۷۶۱
منتخب اللغات - عبدالرشید تنوی		مناقب الحصرات - حاجی محمد امین بدحشی
۵۷۱، ۴۲۶	۷۴۴	
منتخب حوامع الحکایات مرحوم		مناقب الشعرا - ابی طاهر الحاتومی ۱۵
ملك الشعراء بهار		مناقب العارفين - شمس الدين احمد افلاکی
منتخب حاکم - ملا عبدالحکیم	۷۵۹	
۳۱۵ حاکم لاهوری	۷۶۲	مناقب مرارات بهارای شریف
۳۴۰ منتخب مجمع العاوس	۷۴۲	منع الانساب - سید معین الحق
منتخبی از حوشحال حان تالیف		منہات فی علم الاموات - غلام بقی ملگرامی
۶۸۹ سرھنک راوری (انگلیسی)	۷۵۰	چشتی صابری
۶۸۸ منتخبی از کلیات رھنا		منتخبات آثار - محمد صیاء شترودی
مشآت ابواب الیضان - میرزا	۷۸۷، ۶۶۷	
۴۸۶ رفیع واعظ قزوینی		منتخبات ارتد کرة الاولیای مطار
۴۲۸ مشآت حاجی عبدالعلی طالقانی	۷۵۰	سرحوش
۲۴۵ مشآت ملا طبری	۴۴۵	منتخبات حضرت گلشن
منظر العالم رک. حورشید لامع	۳۱۰	منتخب الاشعار - مردان علی حان مبتلا
۶۰۸ موارد المصادر	۷۸۱	منتخب التواریخ - بیرجل کاجرو
موسس الارواح - جهان آرا بیگم		منتخب التواریخ - شیخ عبدالقادر بدوانی
۸۴۵ دختر شامجهان	۴۷۳، ۴۲۶، ۴۰۸، ۳۸۵، ۲۴۵، ۱۱۰	
۵۸۶ مؤید برهان - احمد علی	۷۷۸، ۶۱۹	
۳۳۴ مہر و ماہ - آرزو		منتخب التواریخ - میرزا حسن بیگ
مبخاہ - عبدالنسی قزوینی ۱۶۷، ۲۶، ۲۱	۷۸۰، ۱۵۹۸، ۱۵۸۸، ۱۴۵	حاکی

- ۷۷۱ نجوم النساء - محمد صادق بن مهدی
 حصه التواریح - سید محمد آل حسن
 ۷۶۶ امر و هووی
 ۱۵۸۰۱۱۸ مرهت القلوب
 بصفتین کنگره شعرا و نویسندگان
 ۷۷۲ ایران
 ۷۵۴ سب نامه شیخ رادگان
 سب نامه کلان رک مکتوب ضیا
 ۴۴۷ نسخه سرایر - شوق
 سمات القدس من حدایق الانس -
 ۷۴۴ محمد هاشم بن محمد قاسم
 بشر عشق - حسین قلی خان عاشقی
 ۶۰۹۰۵۴۰۰۵۱۵۰۴۲۱ عظیم آبادی
 ۷۰۴۱۶۱۹۰۶۱۴
 ۷۱۱۰۶۰۴ بشر غم
 ۴۰۶ اصاب الطما
 ۱۵۸۰۱۱۹ نظام التواریح
 نظری مریدگی و آداب ایران
 ۳۴۵ (انگلیسی)
 معمد عند لیسمحمد درضا بحم طباطبائی
 ۵۵۹۰۴۲۱۰۴۰
 ۰۳۹ نایس العاثر - علاء الدوله قزوینی
 ۰۴۶۰۰۳۸۵۰۱۷۵۰۱۴۵۰۱۰۰
 ۶۲۰۰۶۰۴۰۵۸۸۰۴۹۶
 ۰۱۴۶ صحاح الاسعلا نورالدین حامی
 ۰۴۲۸۰۳۴۲۰۳۰۴۰۲۸۶۰۱۷۵
 ۷۶۰۰۵۹۸۰۵۸۷۰۴۹۰۰۴۶۰
- ۷۰۳۰۶۸۲۰۴۶۹
 میخانه یا حرانات یا میخانه
 ۷۱۸ جشن پرین لطف الله - تهرانی
 ۷۶۵ میران الاحلاق - سید محمد علی پردی
 ۴۰۶ میران الافکار - قانع
 ۴۰۷ میران طارینی - قانع
 نادر المانی برک - تاریخ محمد شاه
 ۳۹۵ نادر شاهنامه
 ناصر التواریح - محمد زلمنده
 ۷۸۲ قریزی
 ۷۷۰ نامه دانشوران
 ۶۰۷ طمعه دل - دیوان اردو علی حسن خان
 ۷۳۹ نامه سخنوران - اسد الله ایردگشپ
 ۷۳۰ نامه هنرنگینان - میرزا محمد علی صرمت
 تاریخ الافکار - محمد قدرت الله
 ۴۲۱۰۳۱۳۰۳۱۱۰۴۶۲ نگویانموی
 ۵۵۳۰۵۵۲۰۵۴۷۰۵۲۸۰۴۶۸
 ۶۲۰۰۶۰۴۰۵۹۸۰۵۷۱۰۵۵۸
 ۷۰۳۰۶۴۵
 ۱۵۴ نثار و حمار (ساقی نامه)
 ۶۸۰ شرفارسی - دکتر عرفانی
 ۷۷۰ شرفارسی معاصر - ایرج افشار
 ۳۰۳ نجم الهدی
 نجوم السما فی تراجم العلماء مولوی
 ۷۶۵ محمد علی کشمیری
 نجوم السماء - میر غلام رسول آزاد
 کبشمیری - لکهنوی

۲۸۶، ۱۱۶	هفت اقلیم - امین احمد رازی	نسخات الانس من حضرات القدس - رك. صفحات
۷۰۳، ۶۶۵، ۶۱۹، ۶۰۴، ۵۸۷، ۴۹۶		الانس
۷۸۱	هفت گلشن محمد شاهی - کامور جان	نقل مجالس (یا مجالس) - محمود میرزا ۷۲۴
۲۲۹، ۱۹۱	۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	مکات الشعراء - میر تقی میر ۷۳۷
۶۱۹، ۶۰۴، ۵۱۹، ۴۴۳، ۴۳۶، ۳۹۴		نگارستان دازا - عبدالرزاق بیگ دسلی مقنون
۱۰	یادداشت‌های قروینی	۷۲۴
۷۷۹	یادگار هادری - نهادرسنگ	نگارستان - حسن - سید نورالحسن خان
۷۱	یتیمه الدهر - مستوفی	۷۰۳، ۶۱۴، ۶۰۹، ۶۰۲، ۹
۰، ۲۴۹	یدیضا - میر غلام علی آزاد بلگرامی	موبد ادبیات تاحیک - صدرالدین عینی ۷۳۱
۰، ۵۰۴، ۴۴۳، ۴۲۶، ۴۰۸، ۲۶۸، ۲۵۵		نو آئین خیالات - قانع ۴۰۴
۰، ۶۱۹، ۶۱۴، ۶۰۴، ۵۹۸، ۵۴۰، ۵۱۹		نوادرا الا لعاط - آرزو ۳۳۷
۶۳۴		نوادرا الحکایات ۱۷۳، ۱۷۰
۷۰۲	یردگرد نامه	نوادرسر - فریدالدین ۷۵۴
	سفر پرست اسامی رجال	نوادرا المصادر ۵۸۹
		نواهای اغان ۶۸۹
۱۹۲	ابوطالب	نواهای سرمد - دکتر عرفانی ۶۸۰
۰، ۶۱۷	ابوالقاسم محتشم	نهایت الادراک ۱۱۹
۴۷۷	ابوالمنصور جان	نیا ایرانی ادب - دکتر ظهورالدین
۲۲۹	اچله داس دهلوی	احمد ۷۳۶
۲۹۹، ۲۸۷ (۰، ۱۱۶۷-۱۱۶۱)	احمد شاه	واقعات تیموری - رك. تورك تیموری
۵۸۵	احمد علی احمد	واقعات حضرت شاه - قانع ۴۰۵
۲۳۱	احمدی میر سید لطف‌اله	واقعات کشمیر - حواحد محمد اعظم ۱۹۲
۲۲۹	احلاص کش چند	۷۸۰، ۷۸۴
۳۴۷	اردستانی مولانا صادق	وفیات معاصرین - میرزا عبدالوهاب
۲۴۱، ۱۹۲، ۲۰، ۲	آرزو سراج الدین علی جان	قروینی ۷۷۰
۴۲۰، ۳۲۳، ۲۶۲، ۲۴۶		وقایع حیدرآباد ۴۸۵
۹۵	ارغون شاه حسین (۹۳۵-۸۹۶)	همت آسمان - آقا احمد علی ۵۸۵، ۴۰

۲۷۶	۱۸۶	۱۱۵	۱۰۷	۹۸	۹۷	۸۶	آخوند میر غلام علی بلگرامی	۲۳۳	۲۶	۱۹
۴۵۲							اکسیر اصفہانی میرزا عطیما	۳۸۴	۳۲۳	۲۸۳
۶۶							التعمش شمس الدین (۶۰۷-۵۶۳۳ھ)	۴۲۵	۴۲۰	۳۹۳
۲۹۵							الدارحان	۴۶۶	۴۲۹	۳۴۵
۵۸۴							الطاف حسینی عبداللطیف	۵۶۹	۵۵۱	۵۲۹
							الہی میر عماد الدین محمود حسینی	۳۲۹		
۵۶۲							امیر بیک امیر نزاری	۱۱۶		
							امیر الممالک صلاحت حکم حاکم حیدر آباد	۳۹۷	۳۳۷	۱۹۲
۲۷۷	۲۶۰	۴۳					(۷۵-۱۱۶۴ھ)			
۱۱۶							امین بن احمد زاری	۶۷	۵۴	
۲۴۸							اس حسن بیگ	۴۳۰	۲۷۶	۲۵۸
۳۳۰							ابور دکتر مہر سہای	۴۳۹		
۴۵۰							ابیس مہر لعل			
۳۷۸							اورنگ آبادی میرزا افضل بیگ قاضی	۴۴۰	۲۶۰	
۱۹۷	۴۸						اورنگریب (۱۰۶۸-۱۱۱۹ھ)	۱۴۰		
۴۱۶	۳۹۳	۳۲۳	۲۷۶	۲۳۶	۲۱۵		اورنگ عبدالہ	۵۰۱	۴۸۲	۴۷۸
۱۵۳							ایساری (ایشوری) مہاراج را حمارس	۴۷۷	۳۰۱	۳۶۵
۲۶۹							ایوانو	۴۱۷	۲۹۵	
۳۹۱							بدوانی مؤلف منتخب التواریخ	۴۱۷		
۱۰۲							بامر ظہیر الدین (۹۳۲-۵۹۳۷ھ)	۲۹۹		
۸۵	۵۴						باحا بوحی	۵۷۰	۵۵۳	۵۴۵
۱۰۷							بالاحی راومرہتہ	۳۹۳		
۲۸۴							برلاس دکتر بندیر حسن	۴۱۶	۲۹۸	
۲۸۱							مرہان الملک سعادتہ خان بیہا پوری	۱۷۷		
۶۸۵							اکبر حلال الدین محمد (۹۶۲-۱۰۱۴ھ)			
۳۱۱										
۵۰۱، ۴۳۰										

۱۰۹	بقائی محمد عارف	۱۰۹	الحامدی علاء الملک صیاء الدین ابو بکر احمد
۲۵۶	ملگرامی میر سید لطف اللہ	۲۵۶	۶۵
۲۵۷	ملگرامی میر سید محمد	۲۵۷	۴۵۹ حرأت
۲۵۶	ملگرامی میر عبدالخلیل	۲۵۶	۱۸ جمال نقاش اصفہانی
۱۵۱	البلیان شیخ اوحد الدین عبداللہ العارسی	۱۵۱	حیدری نظام الملک قوام الدین محمد ۵۵
۳۳۲	بلوچمان	۳۳۲	۱۶۸
۱۹۸ (۵ ۲۵۸-۱۲۵۳)	بھادر شاہ طغر	۱۹۸	۳۲۵ جہاندار شاہ
۵۴	بھاء الملک حسن	۵۴	جہانگیر مور الدین محمد (۱۰۱۴-۳۷-۵۱)
۹۹	بھرام گور	۹۹	۲۷۴، ۲۱۵، ۱۹۱، ۱۸۶، ۱۶۹، ۱۵۳، ۸۶
۵۳	بھرام شاہ بن مسعود عربوی (۵۱۱-۵۴۸)	۵۳	۲۷۶
۸۸ (۵۸۲۵-۸۰۰)	بھمنی سلطان فیروز شاہ	۸۸	چراغ دہلی شیخ نصیر الدین (۵۲۵۷م)
۸۸ (۷۹۹-۷۸۰)	بھمنی سلطان محمد شاہ دوم	۸۸	۳۲۳، ۵۵
۸۷	بھمنی علاء الدین حسن گنگو	۸۷	۱۸۶ چنگیز خان
۴۳۹	بھوانی داس	۴۳۹	حاجی حلیبہ
۲۷۷	بھوسلہ رگھوچی	۲۷۷	حافظ
۲۵۷، ۲۳۱	بیحیر میر عظمت اللہ	۲۵۷، ۲۳۱	۱۲ ۱۱
۲۴۱	بیدل عبدالقادر	۲۴۱	حاکم ملا عبدالحکیم لاہوری ۳۱۵ - ۴۱۵
۲۴۱	بیم بھوپت رای بیراگی	۲۴۱	حیبی عبدالحی
۵۶۴	بیش سید مرتضی	۵۶۴	حربین (شیخ علی حربین) ۱۹، ۲۵۷، ۳۴۱
۶۵	پانی پتی شیخ شرف الدین (شیخ ابو علی قلندر) (۷۲۵م)	۶۵	۴۵۹
۱۹۱	تاہگو	۱۹۱	۶۷
۱۳۷	تر بیٹی خواجہ ابوالحسن	۱۳۷	۳۱۷
۱۵۱، ۱۳۷، ۲۲	ترخان میرزا عاری	۱۵۱، ۱۳۷، ۲۲	۲۸۱
	تقی اوحدی		۲۳۶
			۲۰۲
			۱۳۵
			۱۶۳
			۸۶

دهلوی شیخ نظام الدین اولیاء (م ۷۲۷ھ)	۸۶	خاندان عبدالرحیم
۲۸۱ راجہ رام چندر	۳۰۸، ۲۹۶	خدیجہ سلطان
رایق غلام علی موسیٰ رضا ملقب بہ		حسروشاہ بن بہرامشاہ عربوی (۵۴۸-۵۵۵ھ)
۵۲۷ حکیم باقر حسین خان	۵۳	
۴۴۹ ریچارد حاس		حسروملک بن حسروشاہ (۵۵-۵۷۳۱۵ھ)
۳۲۵ رفیع الدولہ	۵۳	
۱۸ رکن الدین طغرل بن ارسلان	۸۷	خلجی سلطان علاء الدین (۶۹۵-۷۱۵ھ)
۳۵۶ رموند مترجم سیر المتاخرین	۶۸	خلجی ملک اختیار الدین دولتشاہ بلکاکا
رومی ابوالفرح بن مسعود (م ۴۹۲ھ)		خلجی سلطان علاء الدین (۶۹۶-۷۶۵ھ)
۵۴ (۵۰۸ھ)	۵۵	
۲۲۴ دیو	۳۲۵	خلیجہ آوا موسیٰ
۵۲۱، ۲۱۱ رحمی عبدالرحمان شاہجہانی	۴۷۱، ۴۵۶	خلیل علی ابراہیم خان
۲۶۹ سارکیس	۶۲۶	خلیل محمد ابراہیم
۳۲۸ سالار حنک رشید خان		حواررمشاہ سلطان علاء الدین محمد
۲۴۱، ۲۱۳ سبقت لالہ سکہ راج	۶۵ (۵۶۰۰م)	
۵۲ امیر سمکنس (۳۶۶-۳۸۷ھ)	۶۵	حواررمشاہ
۶۳ سرحکئی مولانا قطب الدین	۲۲۱	حواقی سید شکر اللہ خان
۶۱ سرحکئی شرف الرمان	۶۹۱	حوشحال خان حنک
۲۵۶، ۲۵۹ سدھی شیخ محمد حیات	۲۳۱، ۲۱۱	حوشگو بندراس داس
۲۴۱، ۲۱۰ سرحوش محمد افضل	۳۲۳، ۳۰۱، ۲۳۹	
۴۱۶ سعیدی لاهوری شیخ	۴۵۷	داود علیخان
۶۹۱ سید احمد پیشاوری	۲۵۶	دائی میر سید محمد
۶۹۱ سید سکندر شاہ رعنائی کاطمی	۴۱۴	درگاداس
سید علی المدعو محمد میر بجان	۲۴۴	دری شوشتری
۵۶۳ احملی	۱۵۱	دقاق ابوعلی
۶۹۲ سید عنایت علیشاہ صیاء جعفری	۶۱	دولتیار سعد الدین مسعود
۶۹۱ سید لعل شاہ حکر کاطمی	۶۷۷	دشاهی بھائی ایرانی

صدر یار حنك حبيب الرحمن خان شيروانى	۶۹۱	سيد محمد شاه برق
۴۲۴	۴۱۶	شادمان خان اورنگ
صدر حنك نواب ابو المنصور خان (۱۱۶۲-)	۲۵۹	شادلى على بن عمر
۴۳۰، ۴۱۷، ۳۱۱، ۲۹۹ (۱۱۶۶ھ)	۱۶۴	شاملو عليقلی خان
صفوى ابوالفتح سلطان محمد ۵۱۲، ۴۸۰	۳۱۱	شاه آردان (م ۱۰۲۸ھ)
صفوى شاه طهماسب حسين (۹۳۰-۹۸۴ھ) ۱۱		شاهجهان شهاب الدين محمد (۱۰۳۷-)
۳۴۸، ۱۲۵، ۱۰۱، ۹۷		۱۰۶۹ھ (۴۷، ۸۷، ۱۴۰، ۱۴۲،
صفوى سلطان محمد خدا پنده (۹۸۵-۹۹۶ھ)	۲۷۴، ۲۱۵، ۲۱۱، ۱۹۱	
۱۵۲	۲۲۱	شاه شجاع
« سلطان حسين ميردا (۱۱۰۵-۱۳۵ھ)		شاه عالم ثانی (۱۱۷۳-۱۲۰۵ھ)
۲۹۶	۵۱۲، ۴۹۵، ۴۵۸، ۴۴۷	
« شاه طهماسب دوم (۱۱۳۵-۱۱۴۵ھ)	۴۳۰، ۳۲۸	شجاع الدوله
۲۹۵	۲۸۰	شجاع الملك امير الامراء
صمصام الدوله شاهوار خان ۲۷۵، ۲۶۰	۳۱۱	شجاع الملك حمير عليخان
۴۳۹، ۲۸۱		سلطان شمس الدين التمش (۶۰۷-۵۳۳ھ)
صوفى مولانا محمد مار بندرانى ۱۳۵	۵۳	
۵۴۵	۴۳۸، ۲۳۹، ۲۲۹	شعيق اورنگ آبادى
۴۵	۴۴۵	
طالقاس شيع حليل الله ۳۴۳	۲۶۹	شمس الدين سيد
ططاوى شيع عبد الوهاب ۲۵۹، ۲۵۶	۴۶۸	شوق محمد قدرت الله
۱۹۱	۴۹۴	شيع احمد على سيد يلوى
طمر الدوله فتحعليخان ۵۶۲	۳۱۷	سبيع فصل الله
عادل شاه اسمعيل (۹۱۶-۹۴۶ھ) ۷۸	۲۰۲	شيع معيد شيرانى
عادل شاه ثانی ابراهيم (۹۸۸-۱۰۳۸ھ)	۱۷۷	شيع نظامى
۱۲۵، ۸۸	۲۹۷	صالح خان
۸۸	۶۱۳	صبا گوپاموى محمد مطهر حسين

۴۱۷	عاری بیک خان	۵۱۶	عاشق عظیم آبادی آقا حسین قلیخان
۲۶۴	عاری الدین	۵۲۱	
۵۸۵	عالی دہلوی		عاشق عظیم آبادی ر.ک
۲۵۹	عحدوایی شاہ مسافر		عالمگیر ر.ک. اورنگریب
	عربوی ابوالحسن علی بن عثمان حلابی	۲۳۶	« ثانی (۱۱۶۸-۱۱۷۳ھ)
۵۵	ہجویری	۲۷۴	عالمگیری عبدالوہاب
۴۴۶	علام علی خان	۳۴۲	عاملی شیخ بہاء الدین محمد
۶۴۳	صی محمد عبدالغنی مودرح آبادی	۴۱۷	عبدالملک خان امیر محبت اللہ
۶۶	عوری شہاب الدین	۱۶۸	عبدالسی خان وحر الرمائی قزوینی
	عوری سلطان غیاث الدین محمود (۶۰۲-۶۰۷ھ)	۱۰۲	عبداللطیف میر
۵۳		۶۰	عبدالرحمن بن عوف
۴۵۲	فاجر مکیں میرزا	۳۳۷	عبداللہ خان
۲۷۸	فراسیس نصاری	۳۳۶، ۱۳۵	عبدالمتندر
۹۱	فخری ابن امیر ہروی سلطان محمد	۵۲۶	غیرتی وزیر علی
	فرخ سیر شاہ محمد (۱۱۲۴ - ۱۱۳۱ھ)	۵۱	عثمان حلیمہ سوم (۲۳-۳۵ھ)
۳۲۵، ۳۱۱، ۵		۶۴	« نصرۃ الدین
	فقیر دہلوی عباسی میر شمس الدین	۶۴	عدنان محمد محمد الدین
۴۲۳، ۳۰۲، ۲۹۶		۶۷۱	عرفابی (دکتر) خواجہ عبدالحمید
۴۳۰، ۱۷۱	فیروز حکم عبداللہ امیر الامرا		عظیم الدولہ بہادر رحمت ماہ نواب کرناٹک
	فیروز شاہ رکن الدین (۶۳۳-۶۳۴ھ)	۵۴۷، ۵۲۷	(۱۳۱۶-۱۳۳۴ھ)
۶۷		۳۲۵	عظیم الشان محمد
۲۶۹	قادر شمس اللہ	۵۲۷	عمدۃ الامرا
۶۹۲	قاری یسعل بخاری	۳۵۵	عمدۃ الملک امیر خان اسحاق
۶۹۱	قاسم علیخان آفریدی	۶۳	عمر تاج الدین امام مرہاں الاسلام
۳۱۱	قاسم علی خان عالیچاہ ناظم پننگال	۵۱	عمر (حلیفہ دوم)
۳۳۱	قایم چاند پوری	۵۹	عوفی محمد بن محمد
۶۶، ۵۵	قباچہ ناصر الدین (۷۲۵ھ)	۱۰۲	عیسی قاضی صعی الدین

۴۵۸	لرد وارن هسنگر	۲۳۰	قبول کشمیری میرزا عبدالعنی
۷۵	لودی ابراهیم	۵۵۲	قدرت قدرت اله جان گویاموی
	لودی شیخ شمس الدین مر یاروس (م ۷۹۰)	۳۴۹	قرلماش (نادرشاه)
۴۵۶		۸۸	قطشاه محمد قلی (۹۸۸-۱۰۲۰هـ)
۲۲۱	لودی شیر جان	۸۸	قطشاه یارقلی حمشید (۹۵۰-۹۵۷هـ)
۲۲۱	لودی علی امجد جان		قطشاه عبدالله قطب السلك (۱۰۳۵-۱۰۸۳هـ)
۲۱۱	ماهر محمد علی	۱۴۱	
۹۷	ماهیم		قطشاه سلطان محمد (۱۰۲۰-۱۰۳۵هـ)
۴۰۷	مایل میر علام علی	۸۸	
۳۱۱	متلا مردان علی جان	۵۶	قطب عالم شیخ نور (م ۸۰۸هـ)
۳۴۴	مجلسی مولانا محمد باقر	۶۱	قلع طمساح جان ابراهیم
۶۶۲	محمد اسحق (دکتر)	۴۴۸	قمر الدین علی الحسینی الناصری
	« شاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱هـ) ۲۷۶، ۲۷۳، ۵	۳۴۸	قمی ملا فریدون
	۴۱۶، ۳۲۶، ۳۱۱، ۲۹۸	۱۲۴	کاشانی شرف الدین علی الحسینی
۸۷	« بن تعلق (۷۲۵-۵۷۹۰هـ)	۱۲۴	کاشی تقی الدین محمد
۱۸۹	« صادق	۱۰۱	کامی علاء الدوله قزوینی
۵۲۹	« صالح شاملوی حراسانی	۲۹۷	کرم داد
۲۹۵	« علیجان	۴۶۸	گارس دتاسی
۶	« عوفی	۱۴۰	گهراتی عبداللطیف
۴۷۷	« قلیجان	۴۶۴	گراهام بیلی
۲۹۶، ۲۹۵	محمود جان اصغان	۲۴۱	گلشن سعدالله
۵۲، ۴۷	« غریبوی (۳۸۸-۵۴۲۱هـ)	۵۵	گنج شکر شیخ فرید الدین (م ۶۶۴هـ)
۴۷۸	مختار الدوله		گوالیاری محمد قوت شیخ حمید الدین
۵۶	محدوم شاه تقی (م ۸۲۴هـ)	۳۲۳	(م ۹۷۰هـ)
	محدوم جها نیاں سید جلال الدین بحاری	۸۲۵	گیسودرار شیخ محمد
۳۹۳		۳۴۲	گیلابی شیخ راهد
		۴۵۹	لرد کاربوالس

میرتھی شیخ غلام محی الدین قریشی	مخدوم جہاں گشت شیخ حلال (م ۱۷۹۰ھ)
۴۲۵	۵۶
۴۵۸	مخلص آندرام (م ۱۱۶۴ھ) ۳۹۱، ۳۲۶
۲۹۷	مست دوالمقارعلی ۵۱۴
۱۶۹	المستنصر (بالہ) (۶۲۳-۶۴۰)
۶۹۱	معودین سعد بن سلمان لاهوری (م ۱۵۱۵ھ)
۶۹۲	۵۴
۱۶۹	مسیود تاسی ۴۵۹
۲۸۳	مصحفی امر و ہوی شیخ علام ہمدانی ۴۶۳
۲۸۳	مطرح حنک ۴۳۰
۶	معین د کتر محمد ۶۸
۳۲۶	مکین محمد فاجر ۵۰۱
۴۱۷، ۳۲۷، ۲۹۷، ۵	ملتان شیخ بہاء الدین رگر یا (م ۱۶۴۷ھ) ۵۵
ناصر حنک نواب نظام الدولہ حاکم حیدر آباد	ملک ناصر علی خان ۶۹۱
۲۵۹، ۴۳ (۱۱۶۴-۶۱)	ماک الکتاب میرا محمد خان شیرازی
ناگوری قاضی حمید الدین (م ۱۶۹۵ھ) ۵۵	۶۲۲، ۲۲۴
۴۵۸، ۳۲۷	مسارام ۴۳۹
۶۳	منہاج سراج ۵۴
۵۵۹	موسی بوسی ۲۸۱
۲۴۰	مولوی ترک علیشاہ قلندر نور محلی ۶۴۷
۲۷۳	مولوی محمد حسین خان ۵۸۲
۲۱۰	مہا پت خان ۱۲۰
۵۲۴	میر علیخان ۲۹۵
۲۷۷ (۱۱۶۴-۱۱۶۱ھ)	میان غلام شاہ کلہوڑہ والی سند (۱۱۷۰-۸۶ھ)
۶۹	۴۰۲
۲۳۳	میر اولاد محمد ۴۲۵
۱۸۱، ۱۰۹	

۱۵۴	احمد آباد	ظلام علیخان نواب (۱۱۷۵ - ۱۲۱۸ هـ)
۳۹۳	احمد نگر	۴۳۹
۲۹۵، ۱۲۸	آدرپایجان	ظلام الملك نواب میر محبوب علیخان بهادر
۵۲۷	ارکات	ظلام دکن
۴۵۲	اریسہ	نہیسی سعید
۶۲	اسرائین	نقش علی مولف ماع معانی
۶۲	اسفراہ	نواب اعظم
۴۷۷ ، ۴۳۰ ، ۲۹۵ ، ۱۳۸	اصمہاں	نواب صدیق حسن خان
۳۲۵، ۳۲۳	اکبر آباد (آگرہ)	د شامجھان بیگم والیہ بھویال
۱۹۱، ۱۶۹	آگرہ	د محفحان
۳۲۸	الہ آباد	واحد علیشاہ پادشاہ اود (۱۲۶۳-۱۲۷۲ھ)
۴۶۴	امروہا	۵۶۰
۵۲۷	اودگیر	واقع لاهوری (تالوی) نورالعین
۴۱۸ ، ۲۸۱ ، ۲۵۹	اورنگ آباد	۲۹۴
۴۳۹ ، ۴۲۵ ، ۴۲۱		۳۱۵، ۲۶۲
۶۲	آموئی	۲۶۴
۲۹۵	اپروان	ولید بن عبدالملك (۸۶-۹۶ھ)
۶۲	بھارا	ہمایون ناصرالدین (۹۳۷-۹۶۲ھ)
۵۵۹ ، ۳۱۷	بریلی	۱۰۷
۳۴۸	بصرہ	۵۰۰
۱۲۰	بمداد	۲۸۱
۴۷۱، ۴۵۹، ۳۵۶	سارس	۴۴۶
۳۴۶	پندر عباس	
۴۷۸	سگال	
۴۵۷، ۲۲۱، ۵۳	سگالہ	۱۷۱، ۱۶۹
۴۵۷، ۱۷۱	بھار	۳۲۸
۶۱۳، ۶۰۷، ۵۹۴، ۳۷	بھوپال (ہند)	۶۷

ح-۵۔ رست اماکن

احمد

احودھیا

احہ

۳۴۸	شوستر	۶۸,۶۲	پهکر
۶۲	شهر نو	۵۵۹,۵۳۷,۴۵۲,۱۷۱	پتنه
۴۵۷	شیخوپوره	۱۲۸	تبریز
۱۲۸	شیراز	۴۲۱,۴۰۲	تته
۳۴۹	صورت (سورت)	۱۲۸	حر نادقان
۴۵۸,۳۵۴,۳۱۱	عظیم آباد (پتنه)	۵۳	حوپور (شرقی)
۶۲	عربین	۲۲۲	جہان آباد = شامجہان آباد = دہلی ۲۲۲
۱۲۰	قاریں	۲۷۱,۳۶	حیدرآباد (دکن)
۶۲	قرہ	۵۴	حاندیش
۱۲۸	قروین	۶۲	حراسان
۱۲۰	قسطنطنیہ	۳۴۸	حرم آباد
۱۲۸	قم	۶۲	حوارم
۲۹۵	قندھار	۲۷۶	حواف
۵۵۲	قنوج	۲۹۴	داغستان
۱۹۱	کابل	۳۹۳	دولت آباد
۱۲۸	کاشان	۰,۴۶۴,۴۴۷,۳۲۵,۰۲۷۷,۰۶۲	دہلی
۲۳۲,۱۲۰	کالیپی	۵۹۳,۵۸۵	
۲۹۷	کرناٹک	۴۱۷	رای بریلی
۱۲۸	کرمان	۳۴۹	ساری
۲۹۷	کرمانشاہان	۱۲۸	ساوہ
۵۴۷,۵۲۷	کرناٹک	۶۲	سجستان
۴۱۷,۵۴	کشمیر	۲۲۱	سرهند
۴۷۹,۴۵۷	کلکتہ	۶۲	سمرقند
۶۲	کنہایت	۳۱۷	سنہیل
۱۲۰	کوفہ	۳۴۹	سند
۲۵۸,۱۰۹,۵۴	گجرات	۶۳	سیستان
۳۲۳	گوالیار	۳۲۵	شامجہان آباد

۴۵۷	مرشدآباد	۴۷۹	گورکپور
۶۲	مرو	۱۴۱	گولکنده
۳۴۸	مشهد	۱۲۸	گیلان
۵۹۳ ، ۵۴۷ ، ۲۵۹	مکه	۳۴۹	لار
۴۵۷	موسکبیر	۲۹۸ ، ۶۲	لاهور
۵۵۹	ناگپور	۵۵۹ ، ۴۶۴ ، ۳۱۲	لکهنو
۱۲۰	بجف	۱۵۳	لوهاور (لاهور)
۲۹۵	بجوان	۱۷۱	مابندو
۶۲	بهرواله	۶۲	ماوراءالنهر
۶۲	بیشاپور	۲۵۸ ، ۵۴	مالوه
۶۲	بهرات	۵۲۷	محمدپور
۱۹۱ ، ۱۲۸	همدان	۵۲۷ ، ۲۹۲ ، ۱۳۶ ، ۳۶	مدراس (هند)
۱۲۸	یرد	۲۵۹	مدینه
۱۵۳	یرحرد	۴۶۴ ، ۳۱۷	مرادآباد

غلطنامه

استدعا دارد که قلم از مطالعه این کتاب غلطهای ریز را اصلاح فرمائید . تگاورنده امیدوار است غلطهای دیگر که ممکن است به علت خروج ریختگی در این کتاب وجود داشته باشد بوسیله خوانندگان گرامی اصلاح خواهد شد .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
هشت	۲۰	سرو آزاد	سرو آزاد
۹	۱۱	ایس الاحیاء	ایس الاحیاء
یازده	۶	یحمد	محمد
پانزده	۱۸	هندو	هندو
۱	۱۳	دشر	دمیر
۵	۲۱	الحواتبین	الحواتبین
۲۰	۲۱	میحانه	میحانه
۲۱	۲۰	مقالات	مقالات
۳۱	۱۵	مدارس	مدارس
۵۴	۱۹	الشدہ	الشدہ
۵۵	۱۸	دکریا	دکریا
۸۹	۲۱	اماعلیف	تالیف
۹۳	۲۲	تدکرة	تدکرة

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۱۸	۲۰	شریف الدین	شرف الدین
۱۲۹	۲۳	علائد	بلاند
۱۴۱	۱۱	قطب شا	قطب شاه
۱۶۰	۲۱	تعریف	تعریف
۲۰۱	۱۴	رساله	کتاب
۲۲۵	۱۵	توضیح	توضیح
۲۲۵	۱۹	قرشی	قریشی
۲۲۹	۱۶	سحر اله	سحرا اله
۲۳۲	۵	فیض	فیض
۲۳۲	۲۱	ستا مدار	استاد مدار
۲۳۵	۱۳	اهمیت	اهمیت
۲۳۹	۱۷	شما	شعال
۲۳۹	۱۷	امرور	امرور
۲۴۷	۴۰	طاهراً	طاهراً
۲۴۸	۱۵)	حدف شود
۲۴۹	۱۸	و	حدف شود
۲۵۶	۱	وطا	وطناً
۲۶۹	۱۷	شما ته	شمامه
۲۷۷	۲۲	دیر مکت	دیر مگفت
۲۸۱	۳	بالاحی او	بالاحی او
۲۸۳	۱۸	مدعیین	منعین
۲۸۳	۱۹	پود	بود
۳۲۵	۱۱	هش	عیش
۳۶۹	۱۵	اکتر	اکتر
۳۷۶	۱۹	Bengal	Bengal
۳۷۶	۱۹	et eho	of the
۳۹۴	۳	ملکراهی	ملکرامی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۹۴	۵	میر یسند	مینویسد
۳۹۴	۱۴	تذکره	تذکره
۴۰۰	۱۴	ناعی	ریاضی
۴۰۱	۱۵	دوم	روم
۴۰۴	۱۹	مثنوی	مثنوی
۴۰۹	۳۳	ضا	رضا
۴۴۷	۱۰	یشه	پشه
۴۶۸	۱۱	تاریخ	تاریخ
۴۷۷	۲۰	بلندن	بلندن
۴۷۸	۱۶	کسکا	کسکا
۴۸۹	۱۴	«European Magazine» Magazine	«European Magazine» Magazine
۴۹۶	۱۶	تذکره	تذکره
۵۰۵	۱	مختصر	مختصر
۵۲۷	۷	او گیر	اود گیر
۵۲۷	۱۱	اود گیر	اود گیر
۵۲۷	۱۱	مدارس	مدارس
۵۳۱	۲۰	تذکر	تذکره
۵۴۷	۲۰	ا	ا
۵۷۱	۱۹	تنوی	تنوی
۶۰۱	۱۳	آندور	آررور
۶۰۴	۱۵	اقلم	اقلیم
۶۰۷	۱	۷۰۶	۶۰۷
۶۱۹	۱۴	نگارستان	نگارستان سخن
۶۴۱	۱۹	دکر	دکر
۶۴۵	۱۲	کلمات شعرا	کلمات الشعراء

صفحة	سطر	عناص	صحيح
۶۵۰	۲۰	راماس	راماين
۶۵۷	۲	۱۳۹۰	۱۹۳۰
۶۸۵	۲۱	Lanquages	Languages
۶۸۶	۲۳	طرح نوع	طرح نو
۶۸۹	۳	سعيدة	سعيد
۶۹۵	۶	صنایع	صايع
۶۹۶	۸	شعرايى را كه	شعرايى كه
۷	۱۲	اشعار شعرا	اشعار شعرا
۷۰۱	۱۵	کرد	کرد
۷۰۸	۲	و متقدم	حذف شود
۷۰۸	۳	مناحر	معاصر
۷۰۸	۱۲	داينك چند	داينك چندا بيت
۷۰۸	۲۴	مارسى	مارسى
۷۱۰	۱	حيد	وحيد
۷۱۲	۴	اماليف	تاليف
۷۱۸	۱۱	()	حذف شود
۷۲۴	۱۴	تذكرة	تذكرة
۷۳۱	۱۷	تذكرة الشعرا	تذكرة الشعراى
۷۳۳	۱۱	۹۷	۹۷-
۷۴۵	۱۳	سر	سير
۷۵۶	۱۱	اللالى	اللالى
۷۵۷	۱۳	تته كره	تذكرة
۷۵۹	۹	شيرار مامه	شيرار مامه
۷۶۰	۱	مرار	مرار
۷۶۰	۱	تذكرة هر ادمرار	تذكرة هر ادمرار
۷	۱۷	سلسلة مامه	سلسله مامه
۷	۱۹	صعدية	صعدية
۷۶۱	۵	روضه	روضه

صفحه	سطر	عناص	سی
۷۶۱	۷	اطالبین	الطالبین
۷۶۳	۱۴	تذکره	تذکره ۵۸ -
۷۶۳	۱۴	تذکره الاولیاء	تذکره الاولیاء ۵۸ -
۷۹۴	۱۲	تنها تاریخ حسن	تنها در تاریخ حسن
۴	۱۳	دکر - را آورده	دکر . . آمده است
۸۴۹	۹	سراج اللغه	سراج اللغه

تذکر - بعلت اشتباه در شماره های صفحات، عنوان و فهرست کتب و رجال و اماکن ،
 بحای صفحه ۸۲۷ در صفحه ۸۲۸ چاپ شده است و همچنین صفحه ۸۲۹ سفیدمانده است.
 خوانندگان محترم لطفاً تصحیح فرمایند .